

روزشمار تاریخ ایران

از مشروطه تا انقلاب اسلامی

باقر عاقلی


نشر گفتار


نشر گفتار

روزشمار تاریخ ایران

از مشروطه تا انقلاب

مؤلف: دکتر باقر عاقلی



نشر گفتار
تهران، ۱۳۶۹



نشر گفتار

تلفن : ۴۲۷۷۹۸۶، صندوق پستی : ۳۳۶۹ / ۱۹۳۹۵

روزشمار تاریخ ایران

از مشروطه تا انقلاب

دکتر باقر عاقلی

صفحه‌آرا : عباس تارانتاش

تیراژ : ۴۳۰۰

چاپ اوّل : بهار ۱۳۶۹

چاپخانه : چاپ جهان‌نما

فهرست

فهرست ضمائم و تعلیقات

دیباچه

روزشمار تاریخ (کرونولوژی) که به آن تقویم وقایع و گاهنامه نیز اطلاق شده است عبارت از ثبت وقایع و حوادث تاریخی به‌ترتیب زمان وقوع و این شیوه‌ای در تاریخ‌نویسی است که اخیراً بعضی از وقایع‌نگاران پیش گرفته‌اند. البته در زمانهای گذشته این شیوه تاریخ‌نگاری مرسوم بوده است. در قرن اخیر در ایران نیز بعضی از مورخین و وقایع‌نگاران دست به چنین کاری زده‌اند ولی هیچکدام دنباله پیدا نکرده است، مثلاً «حقایق الاخبار ناصری» و «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» که با شیوه‌ای خاص و افکاری مختلف نوشته شده است. در خاطرات اعتمادالسلطنه جنبه‌های انتقادی آن بیش از جنبه‌های خبری است و اصولاً اخبار عمومی و مردمی و حوادث روزانه جامعه در آن کمتر دیده میشود. کتب «منتخب التواریخ» مظفری و «افضل التواریخ» نیز حاوی اخبار دولتی و درباری است.

در سالهای اخیر چند نفر به تألیف کرونولوژی تاریخ ایران پرداخته‌اند که نخست باید از شادروان دکتر بهاء الدین پازارگاد نام برد که ۲۵ قرن تاریخ ایران را به‌اختصار در آن گنجانیده و جز قرن اخیر بقیه قرون کلی و بدون تعیین روز و ماه و حتی در بعضی از موارد سال است. محمدجواد بهروزی نیز کتابی تحت عنوان «تقویم تاریخی، فرهنگی و هنری ۲۵۰۰ ساله» به گونه‌ای که ذکر شد منتشر کرده که در حقیقت کلیاتی از تاریخ ایران است. کتاب دیگری تحت عنوان «گاهنامه پهلوی» در سه جلد انتشار یافته که متضمن اخبار خاصی است. با توجّه به فقدان چنین کتابی بعضی از دوستان و دانش‌پژوهان در مقام تشویق نگارنده به تهیه آن برآمدند و ابتدا قرار بود این کار مهمّ به صورت گروهی انجام بگیرد ولی در مراحل عمل و تنظیم تنها ماندم و قریب پنج سال در این امر خطیر ممارست نمودم و سرانجام بخشی از آن بعنوان روزشمار عصر مشروطیت (۷۳ سال) تهیه و تقدیم علاقمندان میشود.

خوشبختانه بعد از استقرار مشروطیت و آزادی نسبی، نشریات در ایران

افزایش یافت و روزنامه‌ها و مجلات مختلفی در تهران و سایر شهرهای ایران انتشار یافتند که همه‌گونه اخبار در آنها درج می‌گردید. صورت مذاکرات نمایندگان ادوار مختلف مجلس نیز درخور توجه بوده و حاوی اخبار مهم است. علاوه بر آن کتابهای انتشار یافته که متضمن وقایع روزانه است مانند «تاریخ مشروطه» و «تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان»، تألیف احمد کسروی و «روزنامه اخبار مشروطیت» تألیف سیداحمد تفرشی حسینی و «واقعات اتفاقیه در روزگار» نوشته محمد مهدی شریف کاشانی و بالاخره کتب «آبی و نارنجی» قابل استفاده و استناد هستند ولی هرکدام از کتب مزبور زمان کوتاهی از وقایع را دربر می‌گیرد.

کتاب حاضر در دو بخش انتشار می‌یابد. بخش اول مربوط به وقایع روزانه ایران از ١٤ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی تا پایان روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌باشد. بخش دوّم مربوط به وقایع و اخبار از ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است، علاوه بر آن قریب پانصد قطعه عکس نیز در دو بخش چاپ شده که برای آنها فهرست تهیه شده است.

برای تهیه اخبار این کتاب غالب روزنامه‌ها، مجلات، سالنامه‌ها و کتب مختلف مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته و از آنها فیش‌برداری شد. و سعی بر این بوده است که حوادث و وقایع مهم تاریخی که ارتباط با سیاست داخلی و خارجی و فرهنگ و تمدن و زندگی مردم دارد آورده شود و بندرت نیر چند خبر خارجی که در تاریخ ایران مؤثر بوده است نقل گردیده و همچنین تلاش زیادی معمول شده است تا اگر تضاد و اختلافی از لحاظ تاریخ وقوع حوادث و اخبار در منابع مختلف وجود دارد برطرف گردد.

برای بعضی از اخبار مؤلف زیرنویس نوشته است تا ذهن خواننده روشن شود و در حوادث مهم تاریخی هم سعی شده است منابع معرفی شود تا پژوهشگران با مراجعه به منابع اصلی اطلاعات بیشتری بدست آورند.

بخش مهمی از کتاب اختصاص به ضمائم و تعلیقات دارد. علاوه بر متن قراردادها، پیمان‌های نظامی، اعلامیه‌های مهم، نطق‌ها، مقالات مهم و حساسی هم که توسط مورّخین یا صاحبنظران تهیه و انتشار یافته است گردآوری شده تا خواننده در بعضی از اخبار اطلاعات جامعی بدست بیاورد. در حقیقت ضمائم و تعلیقات مجموعه‌ای جالب و خواندنی است که خود به‌تنهائی کتابی مجزا و شیرین است.

کتاب حاضر بدون شک بعنوان یک مرجع برای محقّقین و مورخین و پژوهشگران و دانشجویان قابل استفاده است و می‌توانند با مراجعه بدان، تاریخ وقوع حوادث را بدست بیاورند. سبک و نگارش کتاب دربرگیرنده سبک نویسندگی زمان است و کلمات و لغاتی بکار گرفته شده است که در آن زمان مرسوم و متداول بوده است. من‌باب مثال «رئیس الوزراء» و «نخست‌وزیر» هردو استعمال‌شده است یعنی از روزیکه فرهنگستان «نخست‌وزیر» را جایگزین «رئیس الوزراء» نمود دیگر کلمه مزبور بکار

برده نشده است. در مورد القاب و درجات نظامی نیز این رویّه اتخاذ گردیده است. تا سال ۱۳۰٤ خورشیدی که انتخاب نام خانوادگی و اخذ شناسنامه اجباری شد، افراد و مقامات کشوری و لشگری و صاحبان مشاغل آزاد و اهل علم حتی کسبه دارای لقب بودند مانند مشیرالدوله، سردار رفعت، معین‌التجّار، صدرالعلماء در جای خود این القاب استعمال شده ولی پس از انتخاب نام خانوادگی از استعمال القاب سابق خودداری شده و فقط به ذکر نام و نام‌خانوادگی اکتفا شده ولی در فهرست اعلام باین نکته توجه شده است و در مقابل نام و نام‌خانوادگی لقب سابق او آمده است، مانند حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک)، یا اسدالله قدیمی نوائی (مشارالسلطنه).

در خاتمه از کلیه دوستان و همکاران که در تهیه اخبار کتاب، چاپ و صفحه‌بندی و صحافی ما را یاری نموده‌اند سپاسگزاری میشود.

باقر عاقلی

سال ۱۲۸۵ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۰۶ تا ۲۲ مارس ۱۹۰۷ میلادی

مرداد ماه

۱۴ مظفرالدین‌شاه قاجار فرمان حکومت مشروطه را امضاء و صادر کرد.

۱۶ شاه دستخط دیگری در تأیید فرمان مشروطیت صادر نمود؛ در این فرمان امر صریح نسبت به تأسیس مجلس منتخبین ملت داده شد.

۱۷ پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس با شرکت نمایندگان مردم، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم، به اتفاق عده‌ای از علماء اعلام و امنای دولت به قم رفتند و متحصنین را از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس ملی با شرکت وکلاء مردم باخبر ساختند و بست‌نشینان با شادمانی به تهران بازگشتند.

۱۷ عدهٔ زیادی از مشروطه‌خواهان که در باغ سفارت انگلیس متحصن شده بودند، پس از صدور دستخط شاه، سفارت را ترک کردند.

۲۶ امروز جلسه باشکوهی در عمارت مدرسه نظام با مشارکت علمای اعلام، رجال و معاریف، اعیان و اشراف، بازرگانان و اصناف و شاهزادگان برای تهیه نظامنامه انتخابات تشکیل شد. علیرضا خان عضدالملک ایلخانی قاجار از طرف مظفرالدین‌شاه از مدعوین پذیرائی کرد. در این جلسه مشیرالدوله صدراعظم، پیرامون فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس خطابه پرشوری ایراد نمود؛ آنگاه تقاضا کرد حاضران در جلسه، از بین خود پنج نفر را جهت تنظیم نظامنامه مجلس انتخاب نمایند. اشخاص زیر به اتفاق آراء انتخاب شدند: ۱ــ مرتضی قلی خان صنیع الدوله ۲ــ میرزا حسن خان مشیرالملک ۳ــ میرزا حسین خان مؤتمن الملک ٤ــ مهدیقلی خان مخبرالسلطنه ۵ــ میرزا حسن خان محتشم السلطنه.

شهریورماه

۱۷ نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی که توسط هیئت پنج نفری تهیه شده بود از طرف مظفرالدین‌شاه توشیح شد.

۱۷ مظفرالدین‌شاه قاجار به خاطر مصالح عمومی مملکت شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله صدراعظم سابق را که از مخالفین سرسخت حکومت مشروطه بود به خراسان تبعید نمود.

مهرماه

۱۴ انتخابات مجلس شورای ملی در تهران پایان یافت و نخستین جلسه آن در کاخ گلستان با نطق مظفرالدین‌شاه افتتاح شد. خطابه احساسی و پرشور شاه مؤید این نکته بود که صدور فرمان مشروطیت از امیال باطنی او بوده است.[1]

۱۵ در جلسه امروز مجلس شورای ملی مرتضی قلی خان صنیع الدوله داماد مظفرالدین‌شاه به ریاست مجلس برگزیده شد. میرزا حسن خان وثوق الدوله به نیابت اول و حاج محمدحسین امین الضرب به نیابت دوم مجلس انتخاب شدند.[2]

آبان ماه

۱۸ مهدیقلی خان مخبرالسلطنه از طرف دولت در مجلس شورای ملی حضور یافت و برای مخارج جاری مملکت تقاضای پنج کرور تومان وام از خارج با شرایط سنگین نمود. پیشنهاد دولت در اثر اعتراض و ایراد نطق های تند نمایندگان رد شد.

۲۳ میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک وزیر مالیه در جلسه امروز مجلس شورای ملی حضور یافت و پیرامون وضع مالی دولت و تهی بودن خزانه کشور توضیحاتی داد و افزود استقراض از خارجیان ضرورت خاص دارد. نمایندگان ضمن پرخاش به وزیر مالیه زیر بار استقراض نرفتند و پیشنهاد نمودند دولت برای رفع مضیقه مالی به تأسیس بانک ملّی مبادرت نماید. در همین جلسه اخذ هر نوع وامی از خارجیان ممنوع شد.

۲۵ از طرف مجلس شورای ملی عده‌ای از نمایندگان تعیین شدند تا نسبت به تعدیل بودجه و توازن دخل و خرج مملکت طرحی تهیه نمایند و از اسراف و تبذیر جلوگیری کنند.

۱ ــ عین خطابهٔ شاه در بخش ضمایم آمده است.

۲ ــ سیدحسن تقی‌زاده نمایندهٔ مؤثر دورهٔ اول مجلس شورای ملی در هفدهمین سالنامهٔ دنیا شرحی دربارهٔ مجلس اول نوشته است که در بخش ضمائم و تعلیقات نقل شده است.

وثوق الدوله به ریاست این کمیسیون انتخاب شد و تقی‌زاده نیز از اعضای مؤثر این کمیسیون بود.



مرتضی قلی خان صنیع الدوله اولین رئیس مجلس شورای ملی



میرزا حسن خان وثوق الدوله نایب رئیس مجلس شورای ملی

آذرماه

۳ روزنامه مجلس در هشت صفحه با چاپ سربی منتشر شد. در این روزنامه علاوه بر درج اخبار خارجی و داخلی کلیه مذاکرات مجلس شورای ملی منعکس می‌گردد. فعلاً در هفته چهار شماره منتشر خواهد گردید.

امتیاز روزنامه بموجب فرمان مظفرالدین‌شاه به عهده میرزا محسن مجتهد قرار گرفت. مدیریت آن با سید محمد صادق حسینی طباطبائی و سردبیری آن با ادیب‌الممالک فراهانی است. از خصوصیات این روزنامه اینکه آزاد مطلق بوده، و مشمول سانسور نخواهد بود. (سید محسن مجتهد برادر صدرالعلماء همان کسی است که در سال ۱۲۹۶ توسط کمیته مجازات به قتل رسید).

فرمان مظفرالدین‌شاه

«جناب اشرف صدراعظم چون روزنامه موسومه به مجلس که اجازه طبع آن داده شده است اول روزنامه‌ایست که دربرگیرنده مقالات مفیده راجع به خیر عامه و مصالح امور ملکیّه و ملّیه و حفظ شرایط دولت‌خواهی به آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت نظر و صوابدید شخصی باشد که جامع اطلاعات علمیه و شرعیه و سیاسیه و درستی و دیانت او کاملاً معلوم و مشهود باشد لذا بموجب این دستخط مبارک جزئی و کلی این امر مهم را از انتخاب اعضاء و تعیین وقایع‌نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره به جناب آقای میرزا محسن مجتهد سلمه‌الله که علاوه بر جامعیت مراتب مرقومه از خانواده بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و محل کمال اعتماد دولت و بمراتب دولتخواهی و وطن‌دوستی متجلی و به معلومات عصر جدید بصیر و مطلع هستند مرحمت و بعهده کفالت و درستی ایشان واگذار و این امتیاز بزرگ را بایشان عنایت فرمودیم تا مجلس از بی‌غرضان خبیر و دولتخواهان بصیر تأسیس و تشکیل نموده با کمال دولتخواهی و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلاً به حسن ترتیب قرین انجام دارند. شعبان ۱۳۲٤ شاه

۸ حال مزاجی مظفرالدین‌شاه رو به وخامت نهاد و محمدعلی میرزا ولیعهد از تبریز به تهران احضار شد.

۹ اعلان تأسیس بانک ملی برای بی‌نیاز شدن از دریافت وام از خارجیان امروز منتشر شد و از طرف مردم استقبال زیادی به عمل آمد. طبق لیستی که تهیه شده بود پانزده کرور تومان از طرف مردم تعهد سرمایه شده بود.

۱۲ محمدعلی میرزا ولیعهد با چهارصد نفر قزاق و تعدادی از محارم و نزدیکان خود از تبریز به سوی تهران حرکت کرد.

۲۵ محمدعلی میرزا ولیعهد با همراهان وارد تهران شد و زمام امور را در دست گرفت.

۳۰ میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف بزرگ ایران در تهران درگذشت. مردم تهران و شهرستانها یک هفته مراسم عزاداری و تعزیت بر پا ساختند. جسد آن مرحوم در ابن‌بابویه واقع در نزدیکی شهرری به خاک سپرده شد.



سید محمد صادق طباطبائی فرزند آیت‌الله سید محمد طباطبائی مدیر و گرداننده روزنامه مجلس و مدیر مدرسه اسلام

دی ماه

۸ قانون اساسی ایران باسم «نظامنامه سیاسی» مشتمل بر ۵۱ اصل که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود از طرف مظفرالدین‌شاه تصویب و امضاء شد و صورت قانونی یافت.

۱۸ مظفرالدین‌شاه قاجار در اثر استمرار بیماری در ۵۴ سالگی درگذشت. جنازه وی در تکیه دولت به امانت گذاشته شد تا طبق وصیّت آن مرحوم به کربلای معلیٰ حمل شود[۱].

۱۹ بمناسبت درگذشت مظفرالدین‌شاه از طرف دولت سه روز تعطیل عمومی اعلام شد و مراسم عزاداری در تمام شهرها بر پا گردید.

۲۸ محمدعلی‌شاه طی مراسم باشکوهی تاجگذاری کرد. به دستور پادشاه جدید در جشن تاجگذاری از نمایندگان مجلس دعوت به عمل نیامد.

۳۰ حاج سیدنصرالله سادات اخوی نماینده طلاب و وعاظ تهران در مجلس شورای ملی به مناسبت تاجگذاری محمدعلی شاه در جلسه مجلس خطابه مفصل و ادیبانه و در عین حال متملقانه‌ای ایراد کرد و از طرف نمایندگان به شاه جدید و ملت ایران تبریک و تهنیت گفت.



مظفرالدین میرزا در دوران ولایت‌عهدی

۱ ــ مظفرالدینشاه قاجار در سال ۱۲۶۹ هجری قمری تولد یافت. وی پنجمین فرزند ذکور و چهارمین ولیعهد ناصرالدین شاه بود. پدرش قبل از وی سه تن از فرزندان ذکور خود را به ولیعهدی تعیین کرد که هر سه در دوران کودکی درگذشتند و چهارمین فرزند ذکور وی مسعود میرزا ظل السلطان بود که به علت اینکه مادرش **ازقاجاریه** نبود به ولیعهدی انتخاب نشد. مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ با مساعی میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدراعظم به تخت سلطنت جلوس کرد. پس از یکسال امین السلطان را از صدارت خلع و به قم تبعید نمود و میرزاعلی خان امین الدوله را که از رجال مصلح و آگاه و وطن‌دوست و دانشمند بود به صدراعظمی انتخاب نمود و از وی خواست تا موجبات سفر او را از طریق استقراض به اروپا فراهم کند. امین الدوله زیر بار تحمیلات شاه نرفت و مظفرالدین شاه مجدداً امین السلطان را با لقب اتابک اعظم صدراعظم نمود. اتابک دو فقره وام با شرایط خانمانسوز از روس ها اخذ نمود و شاه را به اروپا برد و پرداخت بدهی را به دوش ملت ایران گذارد. مظفرالدین شاه از شاهان نالایق ایران بوده است و اگر فرمان مشروطیت در زمان او صادر نشده بود تاریخ درباره وی قضاوت دیگری می‌کرد. ورشکستگی اقتصادی ایران و واگذاری منابع طبیعی و راه‌ها و معادن به خارجی‌ها درزمان اوصورت گرفت. او مجموعاً سه سفر به اروپا کرد و در سفر اول در فرانسه به وی سوءقصد شد. به تقلید پدرش سفرنامه نوشت. اولین همسر وی ام‌الخاقان دختر امیرکبیر بود که محمدعلی شاه از بطن وی می‌باشد. حین الفوت از وی ۱۸ دختر و شش پسر به نام‌های محمدعلی میرزا، ملک منصور میرزا شعاع السلطنه، ابوالفتح میرزا سالارالدوله، ابوالفضل میرزا عضدالسلطان، حسنعلی میرزا نصرت‌السّلطنه و ناصرالدین میرزا ناصری باقی ماند.



مظفرالدینشاه قاجار چند ماه قبل از فوت خود فرمان مشروطیت را صادر کرد.

بهمن ماه

۱ حاج محتشم السلطنه معاون رئیس الوزراء در جلسه مجلس شورای ملی حضور یافت و از طرف میرزا نصرالله خان مشیرالدوله رئیس الوزراء هیئت وزیران را به این شرح معرفی کرد:

میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزیر عدلیه ــ میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک وزیر مالیه ــ میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه وزیر خارجه ــ سلطانعلی خان وزیر افخم وزیر داخله ــ میرزا محمودخان علاءالملک وزیر علوم ــ نظام الدین خان مهندس الممالک وزیر معادن و طرق و شوارع ــ مهدیقلی خان مخبرالسلطنه وزیر تجارت ــ دبیرالدوله وزیر لشکر معاون وزارت جنگ.

در این کابینه کامران میرزا نایب السلطنه عمو و پدرزن محمدعلی شاه عهده‌دار وزارت جنگ بود ولی به مجلس معرفی



میرزا نصرالله خان مشیرالدوله اولین رئیس الوزرای مشروطه

نشد. محتشم السلطنه پس از معرفی وزراء افزود: وزیران در مقابل شاه مسئول هستند.

۱۳ در جلسه امروز مجلس شورای ملی حاج محتشم السلطنه لوایح تشکیل مجلس سنا و تشکیل بانک ملی را تقدیم مجلس کرد.

۱٤ مجلس از بین نمایندگان هیئتی را تعیین نمود تا متمم قانون اساسی را تدوین نمایند.

هیئت منتخبین عبارت بودند از: میرزا جوادخان سعدالدوله ــ میرزا حسن خان مشارالملک ــ میرزا صادق خان مستشارالدوله ــ حاج سید نصرالله سادات اخوی ــ حاج محمد حسین امین الضرب و سید حسن تقی‌زاده.

اسفندماه

۸ میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم، صدراعظم ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه، که در اروپا بسر می‌برد از طرف محمدعلی شاه برای رئیس الوزرائی به تهران احضار شد.[۱]

۱۶ مردم اصفهان برای عزل مسعود میرزا ظل السلطان حاکم اصفهان به دستور آقانجفی و حاج آقا نورالله در تلگرافخانه دولتی اجتماع نمودند و پس از مخابره چند تلگراف در قنسولگری انگلیس متحصن شدند.

۱۹ احمد میرزا فرزند دوم محمدعلی شاه امروز به ولیعهدی تعیین و معرفی شد.

۲۵ مسعود میرزا ظل السلطان از حکومت اصفهان معزول شد و تدریجاً انقلاب و اغتشاش فرونشست. اداره امور حکومت موقتاً

۱ ــ اتابک در سال ۱۳۲۱ پس از عزل از صدارت به اتفاق مخبرالسلطنه و میرزا احمدخان فرزندش به سفر دور دنیا پرداخت و مشرف به خانه خدا شد و قریب چهار سال در خارج از ایران با شکوه فراوان زندگی می‌کرد.
قرار بر این بود تا ورود اتابک به تهران میرزا نصرالله خان مشیرالدوله کماکان امور جاری کشور را اداره کند ولی با تمام اصرار محمدعلی شاه زیر بار ادامه مسئولیت نرفت و شاه ناگزیر موقتاً امور دولت را به عهده سلطان علیخان وزیر افخم ارشد وزراء کابینه محول نمود. او قریب چهل روز عهده‌دار سرپرستی دولت بود. مورخینی که نام وی را جزء نخست‌وزیران مشروطه آورده‌اند دچار اشتباه شده‌اند.



محمدعلی شاه پس از مرگ پدر خود به سلطنت رسید.

به عهدهٔ حسینقلی خان نظام السلطنه واگذار شد.

۲۶ میرزا نصرالله خان مشیرالدوله رئیس الوزراء از کار کناره گیری و استعفاء نمود.

۲۹ سلطان علیخان وزیر افخم وزیر داخله کابینه قبل تا ورود اتابک موقتاً سرپرست دولت گردید و کابینه را باین شرح به مجلس معرفی نمود.

وزیر افخم وزیر داخله و سرپرست وزیران ــ محمدعلی خان علاءالسلطنه وزیر خارجه ــ میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک وزیر مالیه ــ عبدالحسین میرزا فرمانفر وزیر عدلیه ــ مهدیقلی خان مخبرالسلطنه وزیر معارف و علوم ــ نظام الدین خان مهندس الممالک وزیر فوائد عامه و تجارت ــ کامران میرزا نایب السلطنه وزیر جنگ.

وزیر افخم ضمن معرفی اعضای دولت اظهار نمود «دولت و ملت یکی است و از هم جدائی ندارد». سیدعبدالله بهبهانی و حاج سیدنصرالله مراتب سپاس مجلس را بیان کردند.



عده‌ای از وکلای دوره اول مجلس شورای ملی

سال ۱۲۸۶ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۰۷ تا ۲۱ مارس ۱۹۰۸ میلادی

فروردین ماه

۱۶ سید حسن تقی‌زاده نمایندهٔ تبریز در مجلس شورای ملی طی نطق پرشوری حملاتی به اتابک نموده و با بازگشت او به ایران به مخالفت پرداخت. عده‌ای از نمایندگان له و علیه اتابک سخن گفتند.

۳۰ میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم با یک فروند کشتی جنگی زره‌پوش روسی و تشریفات کامل وارد بندر انزلی شد. مجاهدین گیلان ابتدا از پیاده شدن او جلوگیری نمودند و سپس با نمایندگان مجلس شورای ملی تماس گرفته کسب تکلیف کردند. مجلس موافقت خود را با ورود او اعلام کرد.

اردیبهشت ماه

۹ روزنامه حبل‌المتین به مدیریت سیدحسن کاشانی در تهران انتشار یافت. روزنامه مزبور قبلاً در کلکته به مدیریت مؤیدالاسلام از مریدان سید جمال‌الدین اسدآبادی انتشار می‌یافت.

۹ نمایندگان مجلس شورای ملی رأی به برکناری وزیر افخم و وزیران او دادند.

۱۲ میرزا علی اصغرخان اتابک فرمان رئیس الوزرائی خود را از محمدعلی شاه دریافت کرد.

۱۳ اتابک در جلسه امروز مجلس شورای ملی حضور یافت و ضمن نطقی برنامه و هدف دولت را تشریح کرد و ضمن آن گفت مسافرت وی به اروپا در افکارش تغییراتی داده و تمام امور مملکت را با مشورت و صلاحدید نمایندگان انجام خواهد داد. اتابک آنگاه وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

اتابک رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ کامران میرزا نایب السلطنه وزیر جنگ ــ میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه وزیر خارجه ــ میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک وزیر مالیه ــ حاج مهدیقلی خان مخبر السلطنه وزیر معارف و علوم ــ میرزا مهدی خان وزیر همایون وزیر تجارت.[1]

۱ ــ مرحوم سیدحسن تقی زاده در کتاب تاریخ مختصر مجلس ایران و جمشید ضرغام بروختنی در کتاب دولت‌های مشروطه و سایر مورخینی که لیست هیئت وزیران را تهیه و منتشر کرده‌اند از کامران میرزا نایب‌السلطنه وزیر جنگ اتابک نامی نبرده‌اند و میرزا حسن مستوفی‌الممالک را وزیر جنگ معرفی کرده‌اند. توضیح آنکه کامران میرزا تا روز چهارم تیرماه وزیر جنگ بوده است. در آن روز مجلس رأی به برکناری او داد و امور وزارت جنگ توسط معاون وی اداره می‌شد. تااینکه در روز هشتم شهریور ماه، اتابک یکساعت قبل از اینکه به قتل برسد مستوفی‌الممالک را به سمت وزیر جنگ به مجلس شورای ملی معرفی نمود.

۱۸ اتابک رئیس الوزراء در جلسه امروز مجلس شورای ملی حاج محتشم السلطنه را به سمت معاون رئیس الوزراء و کفیل وزارت داخله معرفی کرد.

۱۵ قوام‌الملک شیرازی به علت مخالفت با مشروطه و مشروطه‌خواهان از حکومت فارس منعزل شد.

۲۲ مجلس شورای ملی قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی را که مشتمل بر ۱۷۷ ماده بود تصویب کرد.

خرداد ماه

۹ قوای عثمانی مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار داد و در داخل خاک ایران دست به کشتار و قتل و غارت زد. طلیعه‌دار قشون عثمانی اسمعیل‌آقا سمیتقو یاغی معروف بود. فرمانفرما مأموریت یافت جلوی تعرضات قوای عثمانی را بگیرد.

۱۸ جنگ سختی بین ابوالفتح میرزا سالار الدوله فرزند مظفرالدین شاه مدعی تاج و تخت ایران و قوای دولتی در نهاوند رخ داد که منجر به شکست سالار الدوله و سپاه وی شد. در این زد و خورد حدود سه هزار نفر از طرفین کشته شدند. ابوالفتح میرزا سالار الدوله سومین فرزند ذکور مظفرالدین شاه جوانی بی‌باک جاه‌طلب و مغرور بود و سلطنت را از آنِ خود می‌دانست.

۱۸ میرزا جوادخان سعدالدوله از نمایندگی مجلس شورای ملی کناره‌گیری کرد. وی در ابتدا از نمایندگان مورد توجه مردم بود و به وی ابوالمله لقب داده بودند.

۱۹ قانون بلدیه مشتمل بر ۱۰۸ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

تیر ماه

۳ حدود پانصد نفر از روحانیون و طلاب علوم دینی به زعامت و پیشوائی حاج شیخ فضل‌الله نوری و سید احمد طباطبائی در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. این عدّه مشروطه را خلاف دانسته و تقاضای حکومت «مشروعه» را داشتند. در همان روز تلگرافهائی در این زمینه به علمای نجف مخابره شد.

۳ به دستور حاج ملا قربانعلی مجتهد متنفذ و سالخورده زنجان و خمسه حدود ششصد نفر از طرفداران مسلح وی به عمارت حکومتی حمله بردند. بین محافظین و حمله کنندگان تیراندازی شد و سرانجام باقرخان سعدالسلطنه حکمران زنجان به ضرب دشنه مقتول گردید. عده زیادی از محافظین دولتی نیز مجروح شدند.

٤ به علت عدم شرکت کامران میرزا نایب‌السلطنه وزیر جنگ در جلسات مجلس، نمایندگان رأی به برکناری او از وزارت جنگ دادند. در این قدرت‌نمائی سیدحسن تقی‌زاده نقشی اساسی و سازنده داشت و نطق تحریک‌آمیز وی موجب اتخاذ چنین تصمیمی شد.

۵ شیخ فضل‌الله نوری و سید احمد طباطبائی علیه مشروطه به تمام علمای شهرهای ایران تلگراف کردند و در این تلگراف خواستار برهم زدن مجلس شدند.

۱۲ جریده هفتگی مصور «آئینه غیب‌نما» به مدیریت سید عبدالرحیم کاشانی در تهران انتشار یافت.

شهریور ماه

۸ در جلسه امروز مجلس شورای ملی اتابک رئیس الوزراء نطق مستدلی درباره امور کشور و حل مشکلات و تأکید شاه درباره تدوین متمم قانون اساسی ایراد کرد که مورد تحسین عده‌ای از نمایندگان قرار گرفت. در همین جلسه اتابک میرزا حسن خان مستوفی الممالک را به سمت وزیر جنگ (به جای کامران میرزا نایب السلطنه) و میرزا محمودخان علاءالملک را به سمت وزارت عدلیه، که بلامتصدی بود، معرفی کرد.

۸ وزیر مختار انگلیس قرارداد منعقده بین روس و انگلیس را در مورد تقسیم ایران به دو منطقهٔ نفوذ طی یادداشتی تسلیم وزارت امور خارجه نمود.

۸ دو ساعت از شب گذشته پس از ختم جلسه علنی مجلس شورای ملی میرزا علی اصغر خان اتابک رئیس الوزراء و سیدعبدالله بهبهانی در حالیکه مشغول گفتگو بودند از بهارستان خارج می‌شوند. مقابل درب مجلس اتابک مورد سوءقصد قرار گرفته و سه‌تیر طپانچه به او شلیک می‌شود و آناً به قتل می‌رسد. قاتل عباس آقای تبریزی نام داشت که



میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم صدراعظم استبداد و رئیس الوزرای مشروطه

در حین دستگیری با اسلحه گرم خودکشی کرد.

۹ جنازه اتابک رئیس الوزراء در میان ترس و وحشت و سردی خاص تشییع شد و برای دفن به قم حمل گردید. جنازه در مقبره‌ای که اتابک قبلاً برای خود آماده کرده دفن شد.

۱۰ مجلس شورای ملی تلگراف تسلیت آمیزی درباره قتل اتابک به شاه مخابره نمود و تقاضا کرد برای اداره امور کشور شخص لایقی را انتخاب بکند.

۱۱ محمدعلی شاه از بیست نفر نمایندگان مجلس دعوت کرد تا دربارهٔ رئیس الوزرای آینده با آنها مشورت کنند.

۱۲ مرتضی قلی خان صنیع الدوله از ریاست مجلس شورای ملی استعفا داد.

۱۳ نمایندگان مجلس شورای ملی میرزا محمودخان احتشام السلطنه را به ریاست خود برگزیدند. در این رأی‌گیری وثوق الدوله سی رأی داشت.

۱٤ از طرف محمدعلی شاه فرمان رئیس الوزرائی به نام میرزا احمدخان مشیر السلطنه صادر شد.

۱۳ روزنامه تندرو و هتاک «روح القدس» به مدیریت سلطان العلمای خراسانی در تهران پا به عرصه وجود نهاد و اولین شماره آن امروز منتشر شد.

۱۵ به مناسبت هفتمین روز شهادت عباس آقا تبریزی قاتل اتابک مراسم باشکوهی بر سر مزار او برگزار شد و عده زیادی از مردم تهران در آنجا اجتماع نمودند. در آن روز ابتدا بهاء الواعظین و سپس ملک المتکلمین سخنرانی‌های پرحرارتی ایراد کردند و به عباس آقا لقب منجی ایران دادند.

۱۶ رئیس الوزرای جدید امروز در مجلس حضور یافت و وزیران خود را به این شرح معرفی کرد: میرزا احمدخان مشیر السلطنه رئیس الوزراء و وزیر داخله ـــ میرزا حسن خان مستوفی الممالک وزیر جنگ ـــ میرزا محمدعلی خان قوام الدوله وزیر مالیه ـــ میرزا حسن خان مشیرالملک وزیر عدلیه ـــ نظام الدین خان مهندس الممالک وزیر فوائد عامه ـــ میرزا جوادخان سعدالدوله وزیر خارجه ـــ جعفرقلی خان نیرالملک وزیر علوم و معارف ـــ محمدتقی خان مجدالملک وزیر تجارت. پس از معرفی کابینه تقی‌زاده ضمن مخالفت با صلاحیت اکثر وزیران از دولت پروگرام خواست. سعدالدوله پروگرام را به جلسه بعد موکول نمود.

۱۹ روزنامه فکاهی ولی جدی و سیاسی نسیم شمال در رشت به مدیریت سید اشرف الدین حسینی قزوینی انتشار یافت.

۲۱ میرزا نصرالله خان مشیرالدوله آخرین صدراعظم استبداد و اولین رئیس الوزرای مشروطه به طور ناگهانی درگذشت و مرگ وی در اذهان عمومی شایعاتی بوجود آورد. مجلس در این زمینه به تلاش و ریشه‌یابی پرداخت.

۲۲ یکی از مجاهدان در خوی به خانه حاج میرزا ابراهیم که مجتهد بنام خوی بود رفته و او را بدون دلیل به قتل می‌رساند. وی همچنین آقاضیاء برادر امام جمعه را نیز از پای درمی‌آورد.



حاج میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه معاون رئیس‌الوزراء

۲۳ به فرمان محمدعلی شاه میرزا حسن خان مشیرالملک وزیر عدلیه فرزند ارشد مشیرالدوله به لقب پدرش ملقب شد.[۱]

مهر ماه

۸ عده‌ای از درباریان امروز در مجلس شورای ملی حضور یافته و مجدداً سوگند وفاداری به مشروطیت خوردند

۹ سعدالدوله وزیر امور خارجه در جلسه امروز مجلس گزارش مفصلی از حمله عثمانی‌ها به خاک ایران داد و متذکر شد دولت‌های روس و انگلیس به نفع متجاوزین دخالت می‌کنند. وی افزود فرمانفرما با اختیارات کامل برای مقابله و جلوگیری از تجاوز به آذربایجان اعزام شده است.

۹ به علت اختلاف شدیدی که بین وزیر امور خارجه و کارکنان آن وزارتخانه پیدا شده بود کلیه کارمندان دست به اعتصاب زدند و مشیر السلطنه رئیس الوزراء ناگزیر سعدالدوله را از کار برکنار ساخت.

۱۰ رئیس الوزراء میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه را به سمت وزارت خارجه به مجلس معرفی کرد. علاء السلطنه در همین جلسه نامه وزیر مختار إنگلیس را که منضم به قرارداد ۱۹۰۷ منعقده بین روسیه و انگلستان دائر به تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ بود تسلیم مجلس نمود. نمایندگان پس از پرخاش به وزیر خارجه فی‌المجلس قرارداد را رد کردند.[۲]

۱۳ به مناسبت چهلمین روز درگذشت عباس آقا قاتل اتابک مراسم باشکوه و کم‌نظیری بر مزار او بر پا شد. خطباء و وعاظ نطق‌های آتشین ایراد کردند.



میرزا محمودخان احتشام السلطنه دومین رئیس مجلس

۱۵ مجلس شورای ملی متمم قانون اساسی را که مشتمل بر ۱۰۵ اصل و درحقیقت اصول عمدهٔ قوانین اساسی است به تصویب رسانید.

در همین روز مجلس شورای ملی تلگراف زیر را به شهرها مخابره کرد:

«بحمدالله والمنه ضمیمه قانون اساسی که سعادت و سلامت ایران را پایه و مایه و حافظ بیضه اسلام و استحکام و استقلال دولت و استقرار حقوق ملت منحصراً در روی این اساس مقدس استوار خواهد شد امروز که به حساب شمسی روز اول سال دوم افتتاح مجلس شورای ملی ایران است به حسن تصادفی که از جمله علائم غیبی است که توجه اعلای این اساس مقدس است به صحه مبارکه اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه توشیح گردید. جا دارد عموم ملت از صمیم قلب بشکرالله این موهبت عظمی و حسن استقبال این مراتب آزادی را در رفع اغراض شخصی و متابعت تامه به قوانین مملکتی قرار

۱ — در دوران قاجاریه شش نفر به لقب مشیرالدوله نامیده شده‌اند که به ترتیب عبارتند از: میرزا جعفرخان تبریزی، میرزا حسین خان قزوینی که بعدها لقب سپهسالار اعظم گرفت و مقام صدراعظمی یافت، حاج میرزا یحیی خان قزوینی برادر سپهسالار که با خانم عزت‌الدوله خواهر ناصرالدین شاه و همسر سابق میرزا تقی خان امیرکبیر ازدواج کرد و به ترتیب وزیر امور خارجه و وزیر عدلیه و فرمانروای فارس شد. میرزا محسن خان تبریزی که سالها سفیرکبیر در اسلامبول بود که به مقام وزارت عدلیه و امور خارجه رسید. میرزا نصرالله خان نائینی که وزیر امور خارجه و بعد صدراعظم شد و بالاخره مرحوم حسن پیرنیا که در دوران مشروطیت کراراً به مقام وکالت وزارت و رئیس الوزرائی منصوب گردید.

۲ — متن نامهٔ وزیر مختار انگلیس و قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس دربارهٔ ایران در بخش ضمائم نقل شده است.

داده خود را شایسته و سزاوار این چنین عطیه مقدسه معرفی کنند.»

۲۳ در جلسه امروز مجلس شورای ملی نسبت به ادامهٔ زمامداری مشیرالسلطنه رئیس الوزراء رأی گرفته شد. ۸٤ نفر از نمایندگان به دولت رأی کبود دادند و دولت ساقط شد.

۲۵ میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک با صلاحدید و تصویب عده‌ای از وکلای مجلس از طرف محمدعلی شاه به رئیس الوزرائی منصوب شد.

۲۶ روزنامه تندرو و آزادی‌خواه مساوات به مدیریت سید محمدرضا شیرازی و نویسندگی سید عبدالرحیم خلخالی در تهران منتشر شد.[1]

۲۷ ترکمن‌ها به قریهٔ هاشم‌آباد در حوالی استرآباد حمله کردند. عده‌ای را مقتول و عده‌ای را اسیر کردند و اموال آنها را به غارت بردند.

۲۹ میرزا محمدحسین خان ذکاءالملک مدیر مدرسه علوم سیاسی و مؤسس و صاحب روزنامه تربیت درگذشت. وی یکی از دانشمندان طراز اول ایران بود و صاحب تألیفات زیادی می‌باشد. در سرودن شعر مرتبه استادی داشت و فروغی تخلّص می‌نمود. حین الفوت از وی دو پسر و سه دختر باقی ماند. محمدعلی فروغی و ابوالحسن فروغی فرزندان ذکور او بودند.

۱ ــ سید محمدرضا شیرازی اصلاً برازجانی بود در اوایل عمر در شیراز به تحصیل علوم اسلامی پرداخت سپس به تهران آمد چندی فلسفه خواند تا سرانجام به حوزه درس میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف راه یافت. چون از جوانی سری پرشور و انقلابی داشت وارد دسته‌های سیاسی گردیده در سال ۱۳۲۳هـ.ق که عده‌ای از علماء برای ضدیت با عین‌الدوله در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم متحصن بودند سید محمدرضا نیز در زمره آنها بود. وی مرتباً شب‌نامه انتشار می‌داد تا اینکه پس از صدور فرمان مشروطیت به انتشار روزنامه تندروی مساوات پرداخت. این روزنامه از نخستین روزهای تولد بسیار تندرو و هتاک بود و مقالات بسیار تندی علیه محمدعلی شاه می‌نوشت. در مقالات خود از هیچ اهانتی فروگذاری نمی‌کرد. چندین بار به ام‌الخاقان مادر شاه نسبت‌های ناروائی داد که محمدعلی شاه علیه وی به عدلیه شکایت برد و سرانجام به شفاعت عضدالملک از دعوی خود صرفنظر نمود. مساوات بعد از بمباران مجلس متواری شد و خود را به هر نحوی بود به آذربایجان رسانید و مجدداً روزنامه مساوات را انتشار داده در ادوار دوم و سوم و چهارم و پنجم به وکالت مجلس انتخاب شد ولی دیگر آن شور و هیجان جوانی را نداشت و در سال ۱۳۰٤ شمسی موقعی که نماینده مجلس بود در تهران درگذشت.

آبان ماه

۳ ناصرالملک رئیس الوزراء وزیران خود را به این شرح به مجلس معرفی کرد: ناصرالملک رئیس الوزراء و وزیر مالیه ــ غلامرضا خان آصف الدوله وزیر داخله ــ میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ــ میرزا حسن خان مستوفی الممالک وزیر جنگ ــ مهدیقلی خان مخبرالسلطنه وزیر عدلیه ــ میرزا حسین خان مؤتمن الملک وزیر تجارت ــ مرتضی قلی خان صنیع الدوله وزیر علوم و اوقاف و سرپرست وزارت فوائد عامه.

۵ بنا به پیشنهاد میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه از طرف محمدعلی شاه فرمان ریاست مدرسه علوم سیاسی و لقب ذکاءالملک برای محمدعلی خان فرزند ارشد ذکاءالملک مرحوم صادر شد.

۱۰ سید علی آقا یزدی در مسجد شیخ عبدالحسین به منبر رفت و آشکارا به بدگوئی از مشروطه و مجلس پرداخت. تقی‌زاده و مستشارالدوله را کافر خواند. جایگاه عباس آقا قاتل اتابک را در قعر جهنم دانست. مدیر روزنامه روح‌القدس نیز مورد حمله ناطق قرار گرفت و او را بی‌دین و کافر خواند.

۱۳ وزیر علوم روزنامه روح‌القدس را که علیه محمدعلی شاه مطالب تندی نوشته بود توقیف کرد.

۱۹ محمدعلی شاه به اتفاق عده‌ای از شاهزادگان بلافصل در مجلس شورای ملی حضور یافته سوگند وفاداری به مشروطیت را به‌جای آورد. وی در این سوگند تأکید نمود که تمام همّ خود را مصروف حفظ استقلال ایران خواهد نمود و نگهبان قانون اساسی و مشروطیت خواهد بود و برطبق قوانین مملکت سلطنت خواهد کرد. سید عبدالله بهبهانی و حاج سید نصرالله سادات اخوی هرکدام جداگانه لایحه سپاس قرائت کردند.

آذر ماه

٤ مجلس شورای ملی برای توازن دخل و خرج مملکت بودجه دربار را از هشتصد هزار تومان در سال به پانصد هزار تومان تقلیل داد و همچنین از مستمری شاهزادگان رقم قابل ملاحظه‌ای حذف کرد. حقوق و مستمری زنان ناصرالدین

شاه نیز قطع گردید.

۵ ناصرالملک رئیس الوزراء و وزیر مالیه بر تصمیم مجلس مبنی بر تقلیل بودجه دربار صحه نهاد و آن تصمیم را ملاک کار خود قرار داد. همین مسئله موجب تغیر و تشدد محمدعلی شاه نسبت به وی گردید و او را عامل اصلی اینکار دانست.

۵ بعدازظهر امروز محمدعلی شاه عده‌ای از نمایندگان مجلس را به دربار احضار کرد و ضمن ایراد سخنانی دستور داد یکی از درباریان لایحه‌ای را که قبلاً تنظیم شده بود بخواند. در این لایحه آمده بود مجلس از مرز خود تجاوز نموده به کارهای دولت و قوه مجریه مداخله می‌کند، دیگر آنکه فراوانی انجمن‌ها مایه آشوب پایتخت شده است.

۱۷ قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام که به قوانین داخله یا قانون حکام معروف است مشتمل بر ۴۳۳ ماده به انضمام ۲۶ ماده الحاقی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۲۲ ناصرالملک رئیس الوزراء به اتفاق وزیران از کار کناره‌گیری کردند و استعفای خودشان را برای محمدعلی شاه فرستادند ولی مورد قبول واقع نشد.

۲۳ عده‌ای از طرفداران استبداد و مخالفین مشروطه به تحریک محمدعلی شاه و به سرکردگی مقتدرنظام و صنیع حضرت در تهران دست به تظاهرات زدند و به مجلس شورای ملی حمله بردند. بین آنها و محافظین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنه زد و خورد به توپخانه کشیده شد و عده زیادی از طرفین مقتول و مجروح شدند.

۲۳ بعدازظهر امروز احتشام السلطنه رئیس مجلس دو تن از برادران خود (علاءالدوله و معین الدوله) را به عنوان گله از واقعه توپخانه نزد شاه فرستاد و از اینکه شاه مسبب این واقعه بوده است تذکراتی داد. محمدعلی شاه از گستاخی آنها عصبانی شده دستور داد آن دو نفر را چوب مفصلی زدند و پس از توقیف تصمیم به قتل آنها گرفت.

۲۳ علیرضاخان عضدالملک رئیس ایل قاجار برای نجات علاءالدوله که دامادش بود در آبدارخانه دربار متحصن شد.

۲۳ عصر امروز از طرف محمدعلی شاه ناصرالملک و کلیه وزیران به کاخ شاه احضار شدند. شاه پس از فحاشی و نواختن چوب به سر و صورت آنها دستور داد آنها را توقیف کنند و واقعه توپخانه و بلوای تهران را نتیجه تحریک آنها دانست. در همین هنگام شاه دستور داد برای هلاکت ناصرالملک دژخیم «قهوه قجری» تهیه کند. ناصرالملک قبل از صرف قهوه مسموم به نماز ایستاد.

۲۳ چرچیل دبیر سفارت انگلیس اوایل شب در دربار حضور یافت و اظهار داشت که از طرف وزیر مختار انگلیس پیام محرمانه‌ای دارد و شاه را باید ملاقات کند. وقتی به حضور شاه رسید متذکر شد ناصرالملک از دولت انگلستان نشان دارد؛ باید بدانیم تقصیر او چیست. سرانجام با شفاعت و حمایت سفارت انگلیس موجبات آزادی او فراهم شد ولی شاه آزادی او را موکول به ترک ایران نمود.[۱]

۲۴ بامداد امروز ناصرالملک تهران را به قصد اروپا در پناه غلامان سفارت انگلیس ترک کرد.

۱ ــ حاج مهدیقلی خان مخبرالسلطنه وزیر عدلیه کابینه ناصرالملک جریان احضار و توقیف وزراء را در کاخ گلستان در کتاب خاطرات و خطرات صفحهٔ ۱۵۹ و ۱۶۰ چنین می‌نویسد:

.... کابینه خواهی نخواهی مشی می‌کند، شاه نظر خوبی به این کابینه ندارد، مثل همه کابینه‌ها چله‌ای طی شد تا ۱۴ ذیقعده نزدیک غروب شاه وزراء را احضار فرمودند. در صحن گلستان جمع شدیم و دریکی از خیابانها نزدیک نارنجستان شرفیاب و مورد عتاب و خطاب، فرمودند حالا من خوابیده‌ام برای من وزراء معین می‌کنید و صورتاً هم حق داشت، دیدیم گلستان خارستان است، مجال زبان نبود گوش شدیم جمله آخر این بود که بروید پی کارتان. مرخص شدیم ناصرالملک در اطاق حاجب‌الدوله حبس شد. وزراء در اطاق امیربهادر توقیف. معلوم شد علاءالدوله هم در آبدارخانه توقیف است و محکوم به اعدام. عضدالملک هم برای حفظ او در آبدارخانه منتظر عفو ملوکانه است. به امیربهادر گفتم ناصرالملک نشان‌هائی از دولت انگلیس دارد و به سراغ او خواهند آمد خوب است کار به آنجا نکشد. گفت صنیع الدوله هم به من گفت معطل کار علاءالدوله و در محظور عضدالملکیم. برای ناصرالملک خطری نیست. چیزی از شب نگذشته بود که چرچیل تشریف آوردند شرفیاب شدند.

چرچیل به شاه گفته بود ما باید تقصیر ناصرالملک را بدانیم اگر خیانتی کرده است نشان‌های خودمان را از او پس بگیریم. علاءالدوله و ناصرالملک مرخص شدند. وزراء با ناصرالملک به منزل او رفتیم مقرر بود که سحر به فرنگ حرکت کند. رسم وداع به عمل آمد. هرکس به منزل خود رفت. صنیع الدوله به اندرونی خود و من به اطاق بیرونی، به اصطلاح (سردم) که جمعی از خانواده منتظر بودند وارد شدم. نشستم حالت رقت در من پیدا شد. قدری گریستم تا توانستم صحبت کنم آنچه گذشته بود بیان کردم خاطرها تسکین یافت، ناصرالملک سحر مصحوب با نماینده‌ای از سفارت انگلیس به انگلیس حرکت کرد.

۲۴ در تهران، تبریز، اصفهان و بعضی از شهرها بین مشروطه‌خواهان و مستبدین زد و خورد آغاز شد.

۲۶ کمیته انقلاب تصمیم گرفت برای نجات و سعادت امت و حفظ آزادی و مشروطیت محمدعلی شاه را به قتل برساند.

۲۶ محمدعلی شاه، حسینقلی خان نظام‌السلطنه را که از رجال کهنسال و باتجربهٔ ایران است برای رئیس‌الوزرائی انتخاب کرد.

۲۹ در جلسه امروز مجلس شورای ملی گفتگوهائی از قانون‌شکنی شاه به میان آمد و به پیشنهاد تقی‌زاده قرار شد این مسئله در جلسه خصوصی مورد بحث قرار گیرد.

دی ماه

۱ نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء یک جلد کلام‌الله مجید که توسط محمدعلی شاه مهر و امضاء شده و متضمن سوگند وفاداری مشروطیت بود به مجلس تقدیم نمود و وزیران خود را به این شرح معرفی کرد: نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر مالیه ــ آصف‌الدوله وزیر داخله ــ میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه ــ ظفرالسلطنه وزیر جنگ ــ مخبرالسلطنه وزیر عدلیه ــ صنیع‌الدوله وزیر فوائد عامه و سر پرست وزارت علوم و اوقاف ــ قائم‌مقام کاشی وزیر تجارت

سوگندنامه شاه که در این جلسه در مجلس خوانده شد به شرح زیر است:

۱ دی‌ماه ۱۲۸۶. سوگندنامه شاه

«چون بواسطه انقلابی که این چند روز در تهران و سایر ولایات ایران واقع شده برای ملت سوءظن حاصل شده بود که خدای نخواسته ما در مقام نقض و مخالفت از قانون اساسی هستیم لهذا برای رفع این سوءظن و اطمینان خاطر عموم ملت به این کلام‌الله مجید قسم یاد می‌کنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیتاً در کمال مواظبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آن را بهیچوجه غفلت نکنیم. هرکسی برخلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدهیم. هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مطابق عهد و شرط و قسمی که از وکلای ملت گرفته‌ایم مسئول خواهیم بود. لیله هفده ذی‌قعده ۱۳۲۵».

به این ترتیب محمدعلی شاه در مقابل خواسته‌های مجلس تسلیم شد و به تقاضاهای آنان گردن نهاد.

۷ حکومت توسط جارچی‌ها اعلام کرد هرکس در شب تیراندازی کند به حکم وزیر جنگ و مجلس مالش مال دیوان و دستش مقطوع است.

۸ علمای نجف حاج شیخ فضل‌الله نوری را به علت مخالفت با مشروطه تکفیر کردند و متذکر شدند مخالفین را به ارض اقدس تبعید نمایند. متن تلگراف چنین است:

«حجج اسلام بهبهانی، طباطبائی...

چون نوری مخل آسایش و مفسد است تصرفش در کلیه امور حرام است.

محمدحسین میرزاخلیل محمدکاظم خراسانی عبدالله مازندرانی»

۱۲ ریاست نظمیه را از اعظم‌السلطنه که سردار منتظم است گرفته به معتضد دیوان دادند. وی متقبل شده است که ریشه شرارت در میدان توپخانه را کشف و مسببین آن را مجازات نماید.

۱۴ روزنامه صوراسرافیل با همکاری میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا جهانگیر خان شیرازی در تهران انتشار یافت و شماره اول آن امروز متشر شد. میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف به «دخو» (دهخدای آینده) از نویسندگان این روزنامه است.

۱۷ عده‌ای از اراذل و اوباش به خانه فریدون زرتشتی صراف و سرمایه‌دار رفته او را در مقابل چشمان زن و فرزندانش به وضع فجیعی به قتل می‌رسانند.

۱۸ مطبوعات حملات خود را به محمدعلی شاه مجدداً آغاز کردند و نسبت‌های تند و اهانت‌آمیز به وی و خانواده او دادند. روزنامه‌های مساوات و روح‌القدس در این حملات گوی سبقت را از همگنان ربودند.

۱۸ در تبریز آقا سیدهاشم سردسته مستبدان با دو سه هزار نفر امامزاده حمزه را سنگر نمودند و شیخ سلیم که از مشروطه‌خواهان است قلعه «کرپی» را متصرف و سنگر مشروطه قرار داد. تیراندازی از طرفین آغاز شد و طی دو هفته عده‌ای از طرفین مقتول و مجروح شدند.

۲۳ شاه به منظور آشتی و دوستی با مجلس جلسه‌ای در دربار تشکیل داد. در این جلسه سیدعبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبائی، امام جمعه خوئی، سیدنصرالله سادات اخوی، احتشام‌السلطنه و برخی از نمایندگان حضور داشتند و قرار شد شاه نسبت به مشروطه تجدید قسم نماید.

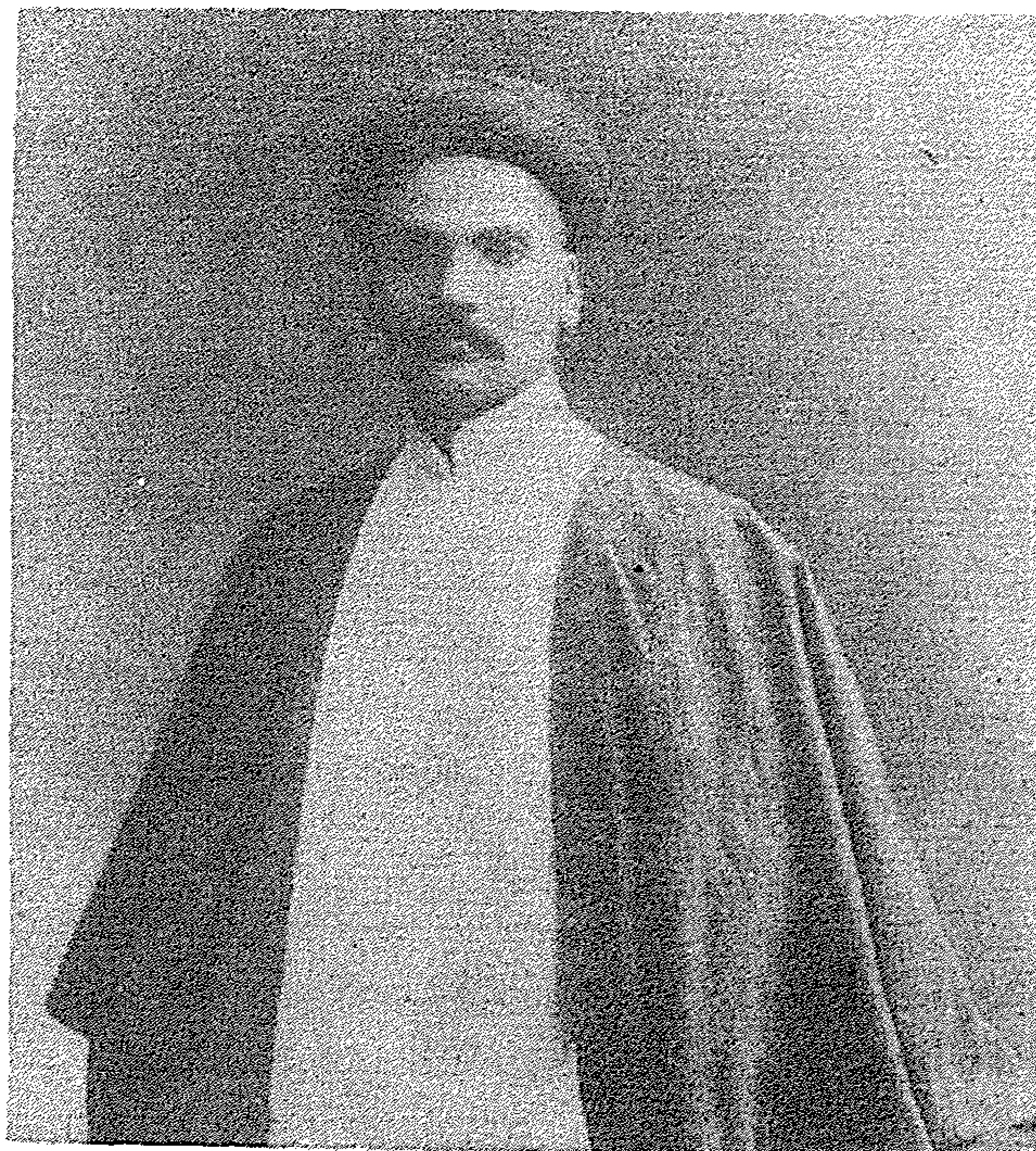
۲۳ رضاخان معتضد دیوان وزیر نظمیه صنیع حضرت را که سرمنشاء فتنه روزهای بلوائی در میدان توپخانه بود در دروازه قزوین در یکی از مراکز فساد با چادر و چاقچور دستگیر کرد. تاکنون رئیس نظمیه هفت نفر از مسببین واقعه توپخانه را بازداشت کرده است.

بهمن ماه

۸ به دنبال اختلاف شدیدی که بین سید عبدالله بهبهانی و احتشام‌السلطنه رئیس مجلس پیش آمده بود بین آن دو صلح و صفا برقرار گردید و احتشام‌السلطنه به سر کار خود بازگشت.

۱۱ محقق‌الدوله که یکی از وکلای نامی مجلس بود در خانه خود با اسلحه گرم خودکشی کرد.

۱۳ اهالی نظام در مدرسه سپهسالار حاضر شده و قسم خوردند خلاف مشروطه اقدام نکنند و نام دزدی را نیز مداخل نگذارند.



سید حسن تقی‌زاده نماینده تندروی مجلس اوّل

۱۳ امروز مقتدر نظام، صنیع حضرت، سیدکمال و یاور اسمعیل در دیوانخانه عدلیه در حضور نماینده تمام انجمن‌ها چوب مفصلی خوردند و بعد از خوردن چوب به سمت کلات جهت تبعید روانه شدند.

۱۶ سیدحسن تقی‌زاده در مجلس طی نطق پرشوری آصف‌الدوله وزیر داخله را مورد انتقاد و نکوهش قرار داد و از اعمال زشت وی به هنگام والیگری در خراسان سخن گفت و او را شایسته مقام وزارت در دوران مشروطه ندانست. به پیشنهاد تقی‌زاده مجلس به اخراج او از کابینه رأی داد.[1]

۱۸ قانون مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۲۸ نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء، تا تعیین وزیر جدید به جای آصف‌الدوله، امور وزارت داخله را عهده‌دار شد.

اسفند ماه

۴ معتضد دیوان رئیس نظمیه قاتلین فریدون زرتشتی را پیدا کرد. قاتلین برادران کرم مشهور و چند نفر از تفنگدارهای شاهی بوده‌اند که در دیوانخانه اعتراف به قتل نمودند.

۱ ــ برای شناسائی آصف‌الدوله از نوشته مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی استفاده می‌کنیم. ناظم‌الاسلام در بخش اول تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۵۷ چنین نوشته‌اند: ... مشارالیه شاهسوند و شخص مجربی بود، اظهار زهد و قدس می‌کرد، زیارت عاشورا می‌خواند، ریش نمی‌تراشید، مسکرات استعمال نمی‌کرد امّا از جوانان امرد بی‌ریش بدش نمی‌آمد، آدم‌کشی می‌کرد، ظلم را بی‌نهایت می‌نمود در شب نماز نوافل را ترک نمی‌کرد. امّا در هر شبی جماعتی را بی‌نان می‌گذارد. تعقیب نماز را طول می‌داد لیکن از اول شروع به نماز تا فراغ از آن یک بیچاره در زیر چوب فلک فراشهایش جان می‌ داد.

گویند وقتی مشغول با امردی بود، به او اعتراض کرد که چرا بند شلوارت را ابریشم کردی، چه لباس ابریشم و حریر بر مرد حرام است. تجارت می‌کرد اما تجارت احتکار گندم. در هرجا که حکومت کرد نخست گندم آنجا را احتکار و حبس می‌کرد مثلاً گندم را از قرار خرواری دو تومان از خالصه دولت و یا خاصه رعیت می‌خرید و از قرار خرواری ده یا بیست تومان می‌فروخت گاه‌گاهی هم در سایر اجناس از قبیل روغن و گوشت و غیره هم همین رفتار را داشت....

برای اطلاع بیشتر از اعمال و رفتار آصف‌الدوله خوانندگان ارجمند را به تاریخ بیداری ایرانیان و رجال دوره قاجاریه بخش آصف‌الدوله‌ها نوشته حسین سعادت نوری راهنمائی می‌کنم.

۷ محمدعلی میرزا دستخطی به نام خوشنودی و خرسندی از کارهای مجلس فرستاد و در جلسه امروز نامه شاه قرائت شد.

۸ امروز محمدعلی شاه که برای گردش آهنگ دوشان‌تپه را داشت هنگام عبور از خیابان الماسیه مورد سوءقصد قرار گرفت. دو بمب در جلوی کالسکه او انداختند که هردو منفجر شد. در این سوءقصد به شاه آسیبی نرسید ولی چند نفری مقتول و مجروح شدند.

۹ به‌شکرانهٔ رفع خطر از شاه، در تهران و شهرستانها مراسم دعا و شکرگزاری به عمل آمد.

۹ نظام‌السلطنه وزیران جدید را به مجلس معرفی کرد:

نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ مشیرالدوله وزیر خارجه ــ ظفرالسلطنه وزیر جنگ ــ صنیع‌الدوله وزیر مالیه ــ مؤیدالسلطنه وزیر عدلیه ــ مؤتمن‌الملک وزیر تجارت ــ مخبرالسلطنه وزیر علوم و اوقاف. صنیع‌الدوله وزیر مالیه سرپرستی وزارت فوائد عامه را نیز برعهده گرفت.

۹ محمدعلی شاه امر به احضار ظفرالسلطنه حاکم تهران داد. وقتی ظفرالسلطنه به حضور رسید شاه او را چوب فراوان زد و به زندان انداخت.

گناه ظفرالسلطنه این بود: چرا مسیر شاه بازدید کامل نشده بود.

۱۰ امروز در جلوی عمارت صاحب‌اختیار یک نارنجک منفجر شد. باغبان و نوکر صاحب‌اختیار مقتول شدند.

۱۶ قوام‌الملک شیرازی که از مخالفین مشروطه و موجب فتنه و فساد در فارس بود به دست جوانی به نام نعمت‌الله بروجردی به قتل رسید.[1]

۱۷ در مجلس ختم قوام‌الملک در شیراز فرزند وی مورد سوءقصد واقع شد و به سختی مجروح گردید و دو نفر از هواداران قوام‌الملک کشته شدند. قاتل که سیداحمد نام داشت توسط مردم دستگیر و به وضع فجیعی قطعه‌قطعه شد.

۱ ــ برای شناسائی قوام‌الملک شیرازی و اعمال وی و همچنین تاریخچه انقلاب مشروطه در فارس و چگونگی برکناری و ترور قوام‌الملک یادداشت‌های شادروان احمدپژوه مترجم کتاب انقلاب ایران تألیف ادوارد براون انگلیسی حاوی نکات جالب و شنیدنی و خواندنی است برای دست‌یابی به تحقیق مزبور به کتاب انقلاب ایران صفحه ۴۹۱ الی ۵۹۵ مراجعه شود.



میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک در غالب کابینه‌ها وزیر بود

۱۹ نایب حسین کاشی در اطراف کاشان دست به قتل و غارت و چپاول اموال مردم زد و سر از اطاعت دولت برکشید.

۲۰ از طرف محمدعلی شاه مسعود میرزا ظل‌السلطان به فرمانروائی فارس، میرزا محمودخان علاءالملک به حکومت اصفهان، سردار معتضد به والیگری کرمان و ظهیرالدوله به حکومت گیلان منصوب شدند.

۲۴ مجلس شورای ملی افراد زیر را به نمایندگی مجلس به جای وکلای متوفی یا مستعفی انتخاب کرد:

میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک، میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک، شیخ محمدحسین یزدی، میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک، امان‌الله میرزا ضیاءالدوله امیرتومان، ابوالحسن خان معاضدالسلطنه، محمدتقی خان مجدالملک، حسینقلی خان نواب.[1]

۱ ــ در ادوار اول و دوّم مجلس شورای ملی طبق نظامنامه چنین آمده بود که اگر وکیلی به مناسبت قبول شغل دولتی یا استعفا و کناره‌گیری از وکالت و یا اینکه مرحوم شود نمایندگان مجلس حق داشتند بجای وکیل متوفی یا مستعفی نماینده‌ای به اکثریت آراء انتخاب نمایند بنابراین در دوره اول که انتخابات صنفی بود به این دسته از نمایندگان وکیل مجلس اطلاق می شد مراد این بوده است که آنها را مجلس شورای ملی برگزیده است و نماینده صنف یا دسته ای نیستند.

سال ۱۲۸۷ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۰۸ تا ۲۱ مارس ۱۹۰۹ میلادی

فروردین ماه

۸ انجمن‌های تهران طی قطعنامه‌ای از احتشام‌السلطنه خواستند تا هرچه زودتر از ریاست مجلس کناره گیری کند. در این قطعنامه اتمام‌حجت شده بود چنانچه از ریاست مجلس کنار نرود کشته خواهد شد.

۸ میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه از ریاست مجلس استعفا داد. نمایندگان بجای وی محمد قلی خان مخبرالملک را به ریاست برگزیدند ولی این سمت را نپذیرفت.

۱۵ میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله به کمک نمایندگان آذربایجان به ریاست مجلس انتخاب شد.

۱۹ به دنبال سوءقصد به محمدعلی شاه امروز معتضد دیوان رئیس نظمیه حیدرخان چراغ برقی ، ضیاءالسلطان، میرزا اسمعیل خان و میرزا موسی زرگر را به جرم سوءقصد به جان شاه دستگیر کرد و برای بازپرسی به کاخ گلستان برد.

انجمن‌های آذربایجان و برادران دروازه قزوین به این عمل اعتراض نموده و مدعی شدند رئیس نظمیه برخلاف قانون اساسی عمل کرده است.

۲۲ در اثر اجتماع انجمن‌ها و اعتراض به بازداشت چهار نفر یاد شده قرار شد در این مورد از حاجب‌الدوله حکمران تهران و معتضد دیوان رئیس نظمیه بازجویی به‌عمل آید.

۲۸ حاجب‌الدوله حاکم تهران معزول شد و بی‌تقصیری حیدرخان و اسمعیل‌خان و ضیاءالسلطان در استنطاق به ثبوت رسید. وزیر مختار روسیه از دولت ایران غرامت شرف حیدر خان و اسمعیل خان را که تبعه روس هستند مطالبه کرد.

اردیبهشت ماه

۹ در ارومیه اکراد سرحدی به شهر یورش بردند و یک محله شهر را ویران ساختند. دو هزار زن و مرد مقتول شدند و عده زیادی از زنان را پستان بریدند.

۱۰ محمدعلی شاه مخارج جشن مولود خود را به رسم اعانه برای مردم ارومیه فرستاد.

۱۵ نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء میرزا حسن مستوفی‌الممالک را به جای ظفرالسلطنه به سمت وزیر جنگ معرفی کرد.

۱۵ روزنامه حشرات‌الارض به مدیریت حاج میرزا آقا بلوری در تهران منتشر شد.

۱۹ مخبرالسلطنه والی جدید آذربایجان وارد تبریز شد و مورد استقبال قرار گرفت.

۲۲ در شهر تهران قریب ده دقیقه تگرگ به اندازه فندق بارید.

۲٤ حسینقلی خان نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء از کار کناره گرفت.

۲۵ محمدعلی شاه میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را به رئیس‌الوزرائی انتخاب نمود.

خرداد ماه

۳ قاتلین فریدون زرتشتی در مقابل عده زیادی تماشاچی در ملاءعام مجازات شدند. قاتلین که مجموعاً نه نفر بودند ساعت‌ها زیر شلاق شکنجه گردیدند و درنتیجه سه نفر از آنها جان سپردند و بقیه به سختی مجروح شدند. این مجازات خشم عده زیادی از مسلمانان را برانگیخت که چگونه حکومت برای یک نفر زرتشتی سه نفر را به قتل می‌رساند. عده‌ای سوگند یاد کردند که انتقام خون این سه نفر را بزودی از زرتشتیان ایران خواهند گرفت.

۹ چون آشفتگی کارها از اندازه گذشته بود و برخی روزنامه‌ها همچنان تندروی می‌کردند، تمام وزراء، امناء دولت، شاهزادگان در منزل عضدالملک اجتماع نموده دربارهٔ حوادث چاره‌اندیشی نمودند.

۱۰ انجمن‌ها و کسبه متفقاً در خانه عضدالملک عزل چند نفر از جمله امیربهادر را خواستار شدند.

۱۰ مجلس شورای ملی مصراً درخواست نمود شاه شش نفر از درباریان را که عبارتند از: امیربهادر، شاپشال روسی، مفاخرالملک، امین‌الملک، مقتدرالملک و مجلل‌السلطان، از دربار اخراج کند. شاه نیز متقابلاً درخواست نمود چند تن از وعاظ و روزنامه‌نگاران را تحویل دهند.

۱۲ محمدعلی شاه اشخاص مفصله‌الاسامی زیر را از دربار اخراج نمود: امیربهادر، شاپشال، علی بیک، موقرالسلطنه، افتخارالملک، امین‌الملک.

دستور شاه توسط مشیرالسلطنه به اطلاع انجمن‌ها و کسبه رسید و مردم متفرق شدند. امیربهادر در همان روز در سفارت روس متحصن شد.

۱۳ محمدعلی شاه ستاد کار خود را در باغشاه قرار داد و شهر تهران حالت جنگی به خود گرفت.

۱٤ محمدعلی شاه دستخطی به عنوان صدراعظم بدین صورت صادر کرد: «جناب اشرف مشیرالسلطنه. چون هوای تهران گرم و تحملش بر ما سخت بود از این رو به باغشاه حرکت فرمودیم».



میرزا احمدخان مشیرالسلطنه رئیس‌الوزرای دوران استبداد صغیر

۱٤ عده‌ای از مجاهدین مسلح پیرامون مجلس گرد آمدند تا از مجلس حفاظت کنند.

۱٤ دوازده نفر از نمایندگان مجلس و مشروطه‌خواهان انتخاب شدند تا در باغشاه مذاکره و رفع سوءتفاهم نمایند.

۱۵ شاه جلال‌الدوله، علاءالدوله، معین‌الدوله، امیرنظام و سردار منصور را توقیف و زنجیر نمود.

۱۵ دوازده نفر نمایندگان منتخب مجلس در باغشاه برای مذاکره با محمدعلی شاه حضور یافتند، ولی قبل از مذاکره شاه دستور داد تمام آنان را توقیف نمودند.

۱٦ محمدعلی شاه پستخانه و تلگراف‌خانه را متصرف شد و امور آنجا را در مقابل دریافت مبلغ قابل ملاحظه‌ای به حسینقلی خان مخبرالدوله واگذار کرد.

۱۶ مصطفی خان حاجب‌الدوله از محارم محمدعلی شاه مجدداً حاکم تهران شد.

۱۶ شاه دستخطی صادر و اعلان نمود «ملت با کمال آزادی مشغول به کار خود شوند و دارالشورای ملی هم با نهایت قدرت به وظیفه خود عمل نماید. فقط مقصود ما گرفتاری بعضی مغرضین و مفسدین است که مابین دولت و ملت انقلاب و آشوب می‌نمایند.»

۱۶ تمام سیم‌های تلگراف را پاره کردند. حتی سیم کمپانی انگلیسی هم قطع شد. کمپانی انگلیسی مطالبه ساعتی چهل هزار تومان غرامت نمود.

۱۷ مشیرالسلطنه رئیس‌الوزراء اعضاء کابینه را به این شرح به محمدعلی شاه معرفی کرد: مشیرالسلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ علاءالسلطنه وزیر خارجه ــ مستوفی‌الممالک وزیر جنگ ــ صنیع‌الدوله وزیر مالیه ــ محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه ــ مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف ــ مؤتمن‌الملک وزیر فوائد عامه و تجارت ــ مشیرالدوله وزیر علوم و اوقاف.

۱۷ جلال‌الدوله و علاءالدوله و سردار منصور را با کالسکه و زنجیر به کلات تبعید نمودند.

۱۷ نظم شهر تهران به پالکونیک و نیروی قزاق سپرده شد.

۲۲ انجمن ولایتی فارس طی تلگرافی که به ایالات مخابره نمود خلع محمدعلی شاه را از سلطنت درخواست نمود و حق تعیین پادشاه را به مجلس شورای ملی داد.

۲۲ شاه مصراً تحویل و تبعید هشت تن از وعاظ و روزنامه‌نگاران را از مجلس نمود. این عده عبارتند از: ملک‌المتکلمین، سیدجمال واعظ، سید محمدرضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات، سلطان‌العلمای خراسانی مدیر روح‌القدس، میرزا جهانگیر خان مدیر صوراسرافیل و تقی‌زاده.

۲۲ شهر تبریز برای حفظ مشروطیت به جوش و خروش افتاد و از هر طرف مجاهدان به شهر روی آوردند.

۲۴ حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله که از اجله علماء ریاضی و در فنون و شعب این علم از قدیم و جدید و نجوم و بسیاری از علوم دیگر از نوادر اعصار و نوابغ روزگار بود در تهران درگذشت و در صفائیه شهری مدفون گردید. کار تهیه تقویم او به نوه دخترش میرزا ابوالقاسم خان نجم‌الملک سپرده شد.

۲۴ انجمن ایالتی فارس طی تلگرافی که به عموم ایالات و ولایات مخابره نمود خلع محمدعلی شاه را از سلطنت تقاضا کرد و او را متهم به جنون خمری نمود. در همین تلگراف آمده است که پنجاه هزار سواره و پیاده آماده حرکت به دارالخلافه است.

۲۷ توپخانه و مهمات زیادی امروز به باغشاه حمل شد.

۲۷ بازار تهران تعطیل شد. کسبه و تجار در اطراف بهارستان اجتماع کردند.

۲۷ در شهرهای اصفهان، تبریز و کرمان مردم علیه حکومت مرکزی قیام کردند.

۲۸ محمدعلی شاه از بیم آنکه علماء و روحانیون فتواهائی بر ضد او ندهند تلگراف مفصلی به علمای نجف فرستاد.

۲۹ کلیه انجمن‌های تهران در مدرسه سپهسالار اجتماع کردند.

۳۰ در جلسه امروز مجلس سخن از خودکامگی‌های محمدعلی شاه در میان بود.

۳۱ به دستور محمدعلی شاه از انتشار تمام روزنامه‌ها جلوگیری شد.

۳۱ در تبریز روحانیون مردم را برای مبارزه با استبداد دعوت نمودند و در «دوجی» اجتماع پرشوری تشکیل دادند.

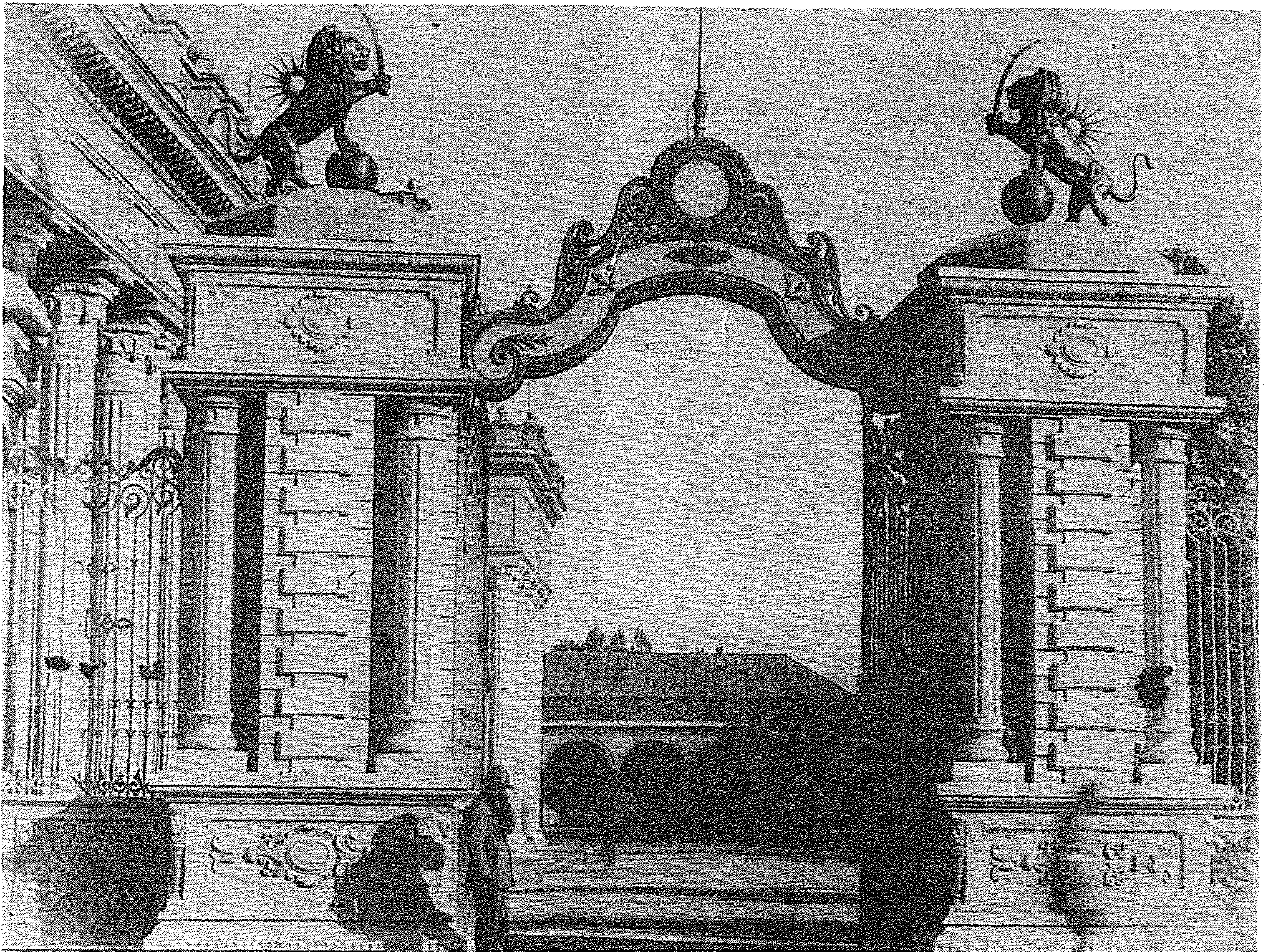
تیر ماه

۱ شاه از مجلس درخواست نمود کمیته مشترکی تشکیل شود تا اختلافات بین مجلس و شاه رفع شود.

۱ محمدعلی شاه به تمام ولات و حکام تلگرافی مخابره نمود و متذکر شد: «این مجلس خلاف مشروطیت است و هرکس من‌بعد از فرمایشات ما عدول کند مورد تنبیه و سیاست سخت قرار خواهد گرفت».

۲ بامداد امروز مشیرالسلطنه پاشاخان امیربهادر را به سمت وزیر جنگ و میرزا محمدعلی خان قوام‌الدوله را به سمت وزیر مالیه معرفی نمود.

۲ از بامداد امروز دستجات قزاق از سواره‌نظام و پیاده‌نظام به فرماندهی صاحب‌منصبان روسی اطراف مدرسه سپهسالار و مجلس را محاصره کردند. در مقابل قزاقان عده زیادی از



سردر عمارت مجلس شورای ملی

مشروطه‌خواهان که مسلح به انواع سلاح‌های گرم و سرد بودند در اطراف مجلس صف‌آرائی نمودند.

درنتیجه بین قوای قزاق و مشروطه‌خواهان جنگ درگرفت. ابتدا مشروطه‌خواهان پیروز شدند و میر پنجه علی‌آقا فرمانده قزاقان شکست خورد. ولی به دستور کلنل لیاخوف، فرمانده بریگاد مرکزی قوای قزاق، نیروی کمکی و توپخانه وارد میدان شد و جنگ به شدت تا ظهر ادامه داشت. قوای قزاق مجلس را به توپ بست و تعداد زیادی از مجاهدین به شهادت رسیدند. به هنگام ظهر قوای قزاق پیروز شد و صدای مجاهدین خاموش گردید. قزاقان وارد مجلس شدند و دست به تخریب و غارت زدند.

۲ قزاقان خانه ظل‌السلطان عموی شاه را که از مخالفین بود به آتش کشیدند و اموال و اثاثیه او را غارت کردند. در این یورش خانه بانو عظمی خواهر ظل‌السلطان دستخوش غارت گردید.

۲ خانه ظهیرالدوله و انجمن اخوت را به توپ بستند و اموال آنجا را به غنیمت گرفتند.

۲ در جنگ امروز سیصد کشته و پانصد زخمی باقی ماند.

۲ بهنگام زد و خورد قزاقان و مشروطه‌خواهان عده‌ای از وکلای مجلس و وعاظ و روزنامه‌نگاران برای حفظ جان خود از دیوار شرقی مجلس فرار نموده خود را به پارک امین‌الدوله رسانیدند.

۲ سربازان قزاق و سیلاخوری از محل اختفاء نمایندگان اطلاع یافتند و به پارک امین‌الدوله حمله برند و پس از گشودن آتش به روی آنها حاج ابراهیم آقا نماینده آذربایجان به شهادت رسید.

۲ کلیه کسانی که در پارک امین‌الدوله مخفی شده بودند توسط قزاقان با خفت و خواری و ضرب و شتم دستگیر و به

زنجیر کشیده شدند. سیدمحمد طباطبائی، سیدعبدالله بهبهانی و فرزندانشان جزء بازداشت‌شدگان بودند.[۱]

۲ عده زیادی از نمایندگان مجلس و روزنامه‌نگاران برای حفظ جان خود به سفارتخانه‌ها پناه بردند. تقی‌زاده، میرزا علی‌اکبر خان دخو و معاضدالسلطنه در سفارت انگلیس ملتجی شدند. ممتازالدوله و حکیم‌الممالک در سفارت فرانسه مخفی گردیدند. عده‌ای نیز سفارت عثمانی را انتخاب کردند.

۲ عده زیادی از مشروطه‌خواهان از جمله سیدجمال واعظ با لباس مبدل از تهران فرار کردند.

۲ تا عصر امروز تعداد بازداشت‌شدگان که محل حبس آنها در باغشاه بود به سیصد نفر رسید.

۲ در تبریز قوای دولتی به سرکردگی میرهاشم ملاّی درباری به مجاهدان و مشروطه‌خواهان حمله کردند. عده‌ای کشته و گروهی بازداشت شدند.

۳ از بامداد امروز در تهران حکومت نظامی برقرار شد و کلنل لیاخوف فرمانده بریگاد مرکزی قزاق حاکم نظامی تهران گردید.[۱]

۳ میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر صوراسرافیل، سلطان العلمای خراسانی مدیر روح‌القدس، قاضی ارداقی و ملک‌المتکلمین به وضع فجیعی در باغشاه اعدام شدند.[۲]

۳ به دستور محمدعلی شاه قبر عباس‌آقا تبریزی قاتل اتابک را ویران ساختند و استخوان‌های آنرا بیرون کشیدند.

۳ مقتدر نظام و صنیع حضرت دو تن از مسببین بلوای توپخانه که به کلات تبعید شده بودند با عزت و تکریم وارد تهران شدند و مورد محبت محمدعلی شاه قرار گرفته و لقب‌های تازه‌ای گرفتند.

۳ محمدعلی شاه طی دستخطی که به عنوان مشیرالسلطنه صادر کرد متذکر شد مجلس را برای سه ماه منفصل نمودیم.

۳ سیدعبدالله بهبهانی به خاک کلهر تبعید شد. سیدمحمد

۱ ــ پارک امین‌الدوله واقع بود در حد فاصل سه‌راه ژاله و دروازه شمیران به مساحت تقریبی پنجاه هزار متر و ملکیت آن متعلق بود به محسن امینی معروف به امین‌الدوله.

محسن‌خان امین‌الدوله فرزند ارشد میرزا علی‌خان امین‌الدوله بود. وقتی میرزا علی‌خان امین‌الدوله در زمان مظفرالدین‌شاه به جای امین‌السلطان به صدارت رسید، برای اینکه پایه‌های صدارت خود را محکم کند پسرش را وادار کرد با همسر خود که دختر میرزا محسن خان مشیرالدوله بود متارکه کند و برای همسری وی خانم اشرف فخرالدوله دختر مظفرالدین‌شاه را که از بطن حضرت علیا دختر فیروز میرزا فرمانفرما بود خواستگاری کرد. این مصاهرت انجام گرفت و اولین ثمره این ازدواج وزارت گمرکات بود که به وی دادند.

روزی که روحانیون و نمایندگان مجلس از ترس لیاخوف به پارک وی پناه بردند او از ترس مراتب را به وسیله تلفن به باغشاه اطلاع داد و همین اطلاع موجب گردید قزاقان به پارک آمده و روحانیون و نمایندگان و روزنامه‌نویسان را در کمال خفت و خواری به باغشاه بردند. امین‌الدوله به واسطه همین کار بین مشروطه‌خواهان وجهه‌ای نداشت و هرگز به کار دولتی دعوت نشد و اگر درایت و لیاقت همسرش (خانم فخرالدوله) نبود چه‌بسا مشکلات فراوانی نصیب او می‌گردید. محسن امینی در سال ۱۳۲۹ شمسی در تهران درگذشت. از فرزندان وی دکتر علی امینی، ابوالقاسم امینی و سرتیپ محمود امینی به مقامات مهم سیاسی و نظامی رسیدند.

۱ ــ متن فرمان محمدعلی‌شاه در مورد برقراری حکومت نظامی به این شرح انتشار یافت:

از آنجا که اوضاع در پایتخت نگران‌کننده می‌نمود لذا به نیروهای نظامی دستورداده شده است امنیت عمومی را حفظ کنند. پس از آن اعضای انجمن‌ها که در مسجد سپهسالار و ساختمان انجمن آذربایجان اجتماع کرده بودند سلاح‌ها را بیرون کشیده شروع به تیراندازی و پرتاب بمب کردند و چند تن از قزاق‌ها و کارمندان دولت را کشته و مجروح کرده‌اند. برای آنکه به این شورش خاتمه داده شود ما با این فرمان در شهر تهران حکومت نظامی اعلام کرده و امر می‌کنیم محتوای فرمان به اطلاع میسیون‌های اروپائی برسد.

۲ ــ مرحوم دکتر مهدی ملک‌زاده در کتابی که به نام زندگانی ملک‌المتکلمین نوشته است شرح گرفتاری و شهادت سلطان‌العلمای خراسانی را در صفحه ۲۶۲ چنین می‌نویسد:

اداره روزنامه روح‌القدس در یکی از بالاخانه‌های خیابان چراغ برق بود و این خیابان از طرف نظامیان اشغال شده بود همینکه نائره جنگ مشتعل شد مرحوم روح‌القدس (منظور مدیر روزنامه روح‌القدس است) که در اداره روزنامه بود یکه و تنها در مقابل هزارها سرباز مسلح که خیابان را اشغال کرده و به طرف مجلس رهسپار بودند به جنگ پرداخت و چند نفر از مهاجمین را کشت و عده‌ای را مجروح کرد تا اینکه اداره روزنامه به دست قشون استبداد اشغال شد و آن آزادمرد با شهامت با تنی مجروح ولی روحی توانا و سرکش به دست مهاجمین گرفتار گشت و چنانچه در تاریخ شهدای مشروطیت به تفصیل ذکر شده پس از آنکه سربازها با سرنیزه و ته‌تفنگ او را از پای درمی‌آورند آن بدن نیمه‌جان را به باغشاه آورده و زنجیر کردند و پس از چند روز شهیدش می‌کنند و نعش او را در چاه می‌اندازند.

برای اطلاع از سرنوشت ملک‌المتکلمین به همان کتاب مراجعه شود.

طباطبائی با شفاعت ملکه‌جهان همسر شاه به قریه ونک فرستاده شد. سیدمحمدُ صادق طباطبائی نیز عازم اروپا گردید.

۳ از طرف محمدعلی شاه عصر امروز فرمان عفو عمومی داده شد.

۳ وزیر مختار انگلیس و وزیر مختار فرانسه نسبت به بازداشت محبوسین باغشاه اعتراض کردند.

٤ مشیرالسلطنه رئیس الوزراء از طرف شاه فرمان صدراعظمی گرفت.

٤ حسین پاشا خان امیربهادر وزیر جنگ به لقب «سپهسالار اعظم» مفتخر شد.[۱]

٤ یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به اتهام دستگیرشدگان با شرکت مؤیدالسلطنه، حاج باقر آقا تبریزی، عون‌الملک رئیس محاکمات وزارت خارجه، میرزا محسن خان صدرالاشراف قاضی محکمه جزا، محمدباقر خان میرپنج و امیرالامراء در باغشاه تشکیل شد.[۲]

۱ ــ در دوران قاجاریه پنج نفر از امنای دولت ملقب به سپهسالار شدند. اولین کسی که به این لقب مفتخر شد میرزا محمدخان قاجار پسر دائی عباس میرزا است. این شخص پس از برکناری میرزا آقاخان نوری (اعتمادالدوله) به مقام صدارت عظمی رسید و مدتی کوتاه در این سمت قرار داشت. دومین شخصی که به این لقب نائل آمد میرزا حسین خان قزوینی است که ابتدا مشیرالدوله لقب داشت وقتی به مقام وزارت و سپس صدارت رسید عنوان سپهسالاری یافت. از آثار باقیمانده وی می‌توان باغ و عمارت بهارستان و مدرسه و مسجد سپهسالار را نام برد. در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه فقط به این دو نفر لقب سپهسالاری داده شد. در دوران مظفرالدین‌شاه این لقب به وجیه‌الله میرزا فرزند احمد میرزا عضدالدوله و نوه فتحعلی‌شاه که وزارت جنگ و فرماندهی قوا با او بود رسید. محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر به امیربهادر جنگ عنوان سپهسالار داد. آخرین کسی که این لقب را گرفت محمد ولی‌خان تنکابنی است که در سال ۱۳۳٤ هـ.ق از سلطان احمدشاه مفتخر به این لقب گردید و لقب قبلی وی (سپهدار اعظم) به سردار منصور رشتی داده شد.

میرپنج رضاخان فرمانده قوای قزاق به هنگام کودتای ۱۲۹۹ انتظار دریافت چنین لقبی را داشت، ولی سید ضیاءالدین طباطبائی وی را مجاب ساخت که عنوان سردار سپه ارجح بر سپهسالاری است، زیرا سردارسپهی تاکنون به احدی داده نشده است.

۲ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود

۶ در تبریز جنگ سختی بین قوای دولتی و مستبدان از یک طرف و آزادیخواهان و مجاهدین از طرف دیگر درگرفت و تعداد زیادی از طرفین کشته شدند. ستارخان و باقرخان رهبری مجاهدین را برعهده دارند.

۷ به دستور دولت انجمن‌های ملی شهر رشت که مربوط به مشروطه‌طلبان بود بسته شد. درنتیجه بین قوای دولتی و مردم زد و خورد مسلحانه درگرفت. این برخورد عده‌ای زخمی و کشته برجای گذاشت.

۹ قوای دولتی در تبریز خانه‌های اجلال الملک، معین الرعایا و امین التجار وکلای مجلس را غارت کردند.

۱۰ حاج مخبرالسلطنه از والیگری آذربایجان برکنار شد و به اروپا عزیمت نمود.

۱۱ سعدالدوله از تحصن در سفارت هلند بیرون آمد و با محمدعلی شاه ملاقات کرد.

۱۱ سید جمال واعظ در همدان دستگیر و زندانی شد.

۱۲ از طرف محمدعلی شاه، شاهزاده عین‌الدوله صدراعظم سابق با اختیارات تامه والی آذربایجان شد.

۱۲ ولات جدید بدین‌سان تعیین و به مأموریت اعزام شدند: غلامرضاخان آصف‌الدوله فارس ــ نیرالدوله خراسان ــ سیف‌الدوله خوزستان ــ اقبال‌الدوله اصفهان. این عده تماماً از مخالفین مشروطه هستند.

۱۲ محمد ولی‌خان سپهدار تنکابنی به فرماندهی کل قوای آذربایجان برگزیده شد.

۲۲ در تبریز مجاهدان تفنگ‌های خود را به زمین گذاردند و راه را برای ورود دولتیان باز کردند. رحیم‌خان با همه سواران و سربازان قره‌داغ به شهر تبریز وارد شدند.

۲۸ به دستور محمدعلی شاه عدل مظفری و دارالشورای ملی را از سردر مجلس کندند.

۲۹ سیدحسن تقی‌زاده و برادرش و مدیر روزنامه حبل‌المتین، و میرزاعلی اکبرخان دخو (دهخدا) و سعیدالممالک با کالسکه پستی به اتفاق دو نفر غلام سفارت انگلیسی به اروپا مسافرت نمودند. جلال‌الدوله و علاءالدوله به فرنگ تبعید شدند. سردار منصور به خراسان اعزام شد.

۲۹ جنگهای سختی در تبریز بین دولتیان و مجاهدان درگرفت. قوای دولتی تمام همّ خود را برای از بین بردن



امیرحسین پاشاخان (امیربهادر) وزیر جنگ استبداد صغیر

ستارخان بکار بست. دولت از توپخانه استفاده می‌کرد.

مرداد ماه

۳ قوای دولتی در تبریز بر فشار خود افزود. جایگاه ستارخان محاصره شد.
۶ شجاع‌نظام با قوای تازه‌نفس خود به تبریز حمله کرد.
۱۷ سواران جنگ‌آزمودهٔ شاهسون به کمک دولتیان به‌تبریز حمله بردند.
۲۶ عین‌الدوله والی آذربایجان و سپهدار تنکابنی به سعدآباد تبریز رسیدند و از قوای دولت بازدید کردند.
۲۸ عین‌الدوله در باغ صاحب‌اختیار منزل کرد. سپهدار تنکابنی و اقبال‌السلطنه ماکوئی با اردو و سواران دور شهر را محاصره کردند.
۲۸ عین‌الدوله پیغام فرستاد چهار نماینده نزد او بفرستند تا مذاکره شود.
۳۱ دسته‌ای از مجاهدان تبریز با دولتیان صلح کردند.

شهریور ماه

۱ جنگ‌های نامنظم بین مجاهدان و دولتیان ادامه پیدا کرد.
۱۱ جنگ بزرگی در تبریز آغاز شد و دولتیان شکست خوردند.
۱۸ بین مجاهدان و سپاه ماکو جنگ سختی درگرفت. مجاهدان شکست خوردند. ۲۸ مجاهد کشته و ۷۵ تن اسیر گردیدند.
۱۹ جنگ خونین تبریز همه‌جانبه شد. قوای دولتی و مستبدان تبریز را زیر آتش توپخانه گرفتند. تلفات بسیار سنگین شد.
۲۸ روزنامه ندای وطن در تیراژ سه‌هزار نسخه در تهران انتشار یافت.
۳۰ عین‌الدوله به شهر تبریز التیماتوم ٤٨ ساعته فرستاد و کسانی را به باغ خواسته به موعظه و نصیحت پرداخت تا از جنگ دست بردارند.
۳۱ ستارخان و باقرخان با بیست و یک هزار مجاهد و بیست و پنج کرور فشنگ محور اصلی جنگ‌های تبریزند.

مهر ماه

۲ محمدعلی شاه فرمانی خطاب به صدراعظم صادر کرد و متذکر شد مجلس شورای ملی در ۲۲ آبان ماه افتتاح و شروع به کار خواهد کرد، ولی اهالی تبریز را از شرکت در انتخابات محروم نمود.
۳ در تبریز دولتیان شکست سختی از مجاهدان خوردند.
۱۰ به علت شکست قوای دولتی در تبریز سپهدار معزول و به تهران مراجعت نمود، ولی در زنجان ماند. لقب سرداری را از او گرفتند.
۲۲ شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله والی آذربایجان از کار برکنار و به تهران احضار شد. شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما به ایالت و سردار معتضد به فرماندهی کل قشون آذربایجان منصوب شدند.

آبان ماه

۲۲ اجتماع بزرگی در باغشاه مقر محمدعلی شاه با شرکت روحانیون، رجال و معاریف، بازرگانان و نمایندگان اصناف تشکیل یافت و مذاکره درباره نوع حکومت آغاز شد. شیخ فضل‌الله نوری فریاد برآورد: مشروطه با شریعت سازگار نیست و تلگراف هائی را که از طرف بعضی از روحانیون شهرها و مردم در مخالفت با مشروطه رسیده بود قرائت نمود. سرانجام عریضه‌ای به شاه نوشته و استدعا کردند از مشروطه صرفنظر نمایند. عده زیادی از علماء این عریضه را امضاء کردند از جمله شیخ فضل‌الله، سید ابوالقاسم امام جمعه و ظهیرالاسلام.
۲۷ جلسه‌ای در باغشاه با حضور علماء و بزرگان در تعقیب مذاکرات جلسه ۲۲ آبان تشکیل گردید و مصراً از شاه خواستند که مشروطه را فراموش کند.
۲۷ حاج محمدحسین امین‌الضرب ورشکست شده در سفارت روس تحصن اختیار نمود. گفته می‌شود پنج کرور مقروض است. مغازه‌ها و کارخانجات او را توقیف و بانک استقراضی آنها را مهر و موم نمود.



سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله صدر اعظم استبداد و رئیس الوزرای مشروطه

۲۸ محمدعلی شاه ضمن اعلامیه‌ای متذکر شد چون پیرو احکام مقدس اسلام می‌باشد و چون علماء اعلام نموده‌اند مشروطیت خلاف شریعت است لذا انصراف خود را از مشروطه اعلام می‌داریم.

آذر ماه

۱۷ مجاهدان شهر خوی را به تصرف خود درآوردند.

۲۰ سیدعلی آقا به حضرت عبدالعظیم رفته در آنجا بست نشست و بیرق مشروطه‌خواهی افراشت و مردم را به دور خود جمع کرد. صدرالعلماء و دسته‌ای دیگر به سفارت عثمانی پناهنده شدند.

دی ماه

۹ حاج شیخ فضل‌الله نوری در جلوخان منزل عضدالملک توسط شخصی به نام کریم دواتگر مورد سوءقصد قرار گرفت. شیخ و سه نفر از اطرافیان وی زخمی شدند. ضارب چون نتوانست فرار کند تیری در دهان خود خالی کرد و مجروح شد. پس از مدتی شیخ فضل‌الله ضارب خود را بخشید.

۱۵ نجفقلی خان صمصام‌السلطنه بختیاری با سه هزار نفر سوار بختیاری وارد اصفهان شد و پس از تصرف شهر امر به تشکیل انجمن مشروطه داد. اقبال‌الدوله حاکم مستبد اصفهان به قنسولگری انگلیس پناه برد.

۱۵ مشیرالسلطنه وزیران تازه را به محمدعلی شاه معرفی کرد:

مشیرالسلطنه صدراعظم و وزیر داخله ــ میرزا جوادخان سعدالدوله وزیر خارجه ــ حسین پاشا خان امیربهادر وزیر جنگ ــ میرزا محمدعلی قوام‌الدوله وزیر مالیه ــ نظام‌الملک وزیر عدلیه ــ مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف ــ مهندس‌الممالک وزیر فوائد عامه ــ مفاخر الملک وزیر تجارت. سرپرستی وزارت اوقاف و معارف به عهده مهندس‌الممالک قرار گرفت.

بهمن ماه

۲۵ در گیلان مخالفین محمدعلی شاه متشکل شدند و عده‌ای از مجاهدین قفقازی به آنها ملحق گردیدند. یپرم ارمنی فرمانده مجاهدین قفقازی به واحدهای نظامی سر و صورتی داد.

اسفند ماه

۱ آقا بالاخان سردار حاکم رشت به دست مجاهدین قفقازی به قتل رسید و حکومت بدست مجاهدین افتاد. غیر از وی سه نفر دیگر نیز کشته شدند. قاتل معزالسلطان نام داشت.[1]

۲ محمد ولی خان سپهدار تنکابنی وارد رشت شد و در زمره مشروطه‌خواهان قرار گرفت و سرپرستی انقلابیون گیلان به وی سپرده شد.

۱۷ در شهرهای کازرون و لار و میناب بین مشروطه‌خواهان و مستبدین نزاع خونینی درگرفت که منجر به قتل و جرح عده زیادی شد. در نبردهای خیابانی پیروزی با مشروطه‌خواهان بود.

۱۸ جنگ بزرگی در میانه بین مجاهدین و قوای دولتی رخ داد.

۲۰ در شهر قزوین پس از نزول باران شدید سیل مهیبی از شمال شهر سرازیر شد و پس از خراب کردن سد سپهدار و از بین بردن مزارع وارد شهر شد و ۷۵ خانه را خراب کرد.

۲۸ میرزا علی آقا ثقة‌الاسلام طی تلگرافی از محمدعلی شاه درخواست نمود برای جلوگیری از کشت و کشتار آذربایجان به مشروطیت تن دردهد.

۱- معزالسلطان پس از استبداد صغیر لقب سردار محیی گرفت و به حکومت مازندران و بعد کردستان منصوب شد. رفتار وی در کردستان بهیچوجه مردمی نبود و در مدت حکومت خود از هیچ نوع اذیت و آزار و ظلم خودداری ننمود پس از عزل از حکومت به قفقازیه رفت و در باکو در میانسالی درگذشت.

سال ۱۲۸۸ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۰۹ تا ۲۲ مارس ۱۹۱۰ میلادی

فروردین ماه

۱۵ شهر تبریز امروز به توپ بسته شد و قوای دولتی حملات شدید خود را آغاز کردند. قسمتی از خانه‌های مرکز شهر ویران شد.

۱۵ مجاهدین و مشروطه‌خواهان گیلان به سرکردگی یپرم‌خان ارمنی وارد قزوین شدند. در جنگ سختی که بین قوای دولتی و مجاهدین گیلانی درگرفت عده‌ای از طرفین کشته شدند. سرانجام مجاهدین شهر قزوین را فتح کردند.

۱۶ سردار محیی منتصرالدوله، علی محمد خان تبریزی و عده دیگری از مجاهدان وارد قزوین شدند.

۱۶ قاسم خان امیرتومان فرمانده قشون قزوین و گلستان ارمنی به دستور یپرم توسط مجاهدین تیرباران شدند. مجاهدین میرزا مسعود شیخ‌الاسلام را در منزل خود ترور نمودند.

۱۶ عده زیادی از مستبدان قزوین بازداشت شدند و شهر به صورت نظامی درآمد.

۲۰ وزیر مختار روس و وزیر مختار انگلیس از محمدعلی شاه تقاضا نمودند یک هفته جنگ تبریز را متوقف سازد تا گندم و آذوقه برای بینوایان وارد شهر شود.

۳۰ در شهر زنجان و دهات اطراف تگرگ درشتی به اندازه فندق به مدت پنج دقیقه نازل شد و تمام سردرختی و محصولات را از بین برد.

۳۱ جنازه باسکرویل امریکائی که توسط مستبدان تبریز به قتل رسیده بود با شکوه کامل در تبریز تشییع شد.[1]

۱ ــ هوارد باسکرویل در دهم آوریل ۱۸۸۵ مسیحی متولد شد و پس از انجام تحصیلات مقدماتی در سال ۱۹۰۳ داخل دانشگاه پرنستن گشت و تحصیلات آنجا را در ۱۹۰۷ به پایان رسانید. در پائیز همان سال به موجب دعوت مدرسه امریکائی تبریز موسوم به (معوریال) که محل سابق دبیرستان کنونی پروین واقع در خیابان شهناز کوی ارمنستان بود برای معلمی مدرسه مزبور به ایران آمد و به تعلیم و تربیت پرداخت. درس عمده او تاریخ عمومی بود ولی بعداً به موجب درخواست شاگردان ارشد و بعضی از معلمین مانند مرحوم شریف‌زاده و میرزا عبدالحسین با اجازه دکتر ویلسن رئیس مدرسه کلاسی نیز برای تدریس حقوق بین‌المللی باز کردند و او در آنجا هم به تدریس مشغول شد.

تاآنکه در روز سه‌شنبه ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی به امر محمدعلی شاه مجلس به توپ بسته شد و آتش جنگ شعله‌ور گردید. در این جنگ بود که باسکرویل خود را داخل در صف مجاهدین کرده قدم به میدان فداکاری نهاد و نصیحت رئیس مدرسه و اخطار کنسول امریکا را نشنید و همکاری با ملت را بر خود لازم دید و سرانجام در جنگ غازان شهید شد.

«نقل از کتاب قیام آذربایجان و ستارخان ــ اسمعیل امیرخیزی»

اردیبهشت ماه

۱ ستارخان از محمدعلی شاه به مناسبت اعادهٔ مشروطیت تلگرافی تشکر کرد.

۲ افتخارالعلماء پسر مرحوم میرزا حسن مجتهد، شیخ غلامحسین پیش‌نماز، آقا سیداسمعیل مجتهد،وزیر همایون که در حضرت عبدالعظیم متحصن و در یک خانه منزل کرده بودند توسط اشخاص ناشناسی ترور شدند.

۳ قحطی در شهر تبریز حتی کنسول‌ها و اتباع آنها را تهدید می‌کند. درنتیجه جنگ بین دولتیان و مشروطه‌خواهان تمام دروازه‌های شهر تبریز مسدود گردید و قریب سه ماه است هیچگونه مواد غذائی وارد شهر نشده است.

۵ سپاهیان روس از طریق قفقازوارد حومه تبریزشدند. هدف سپاهیان ظاهراً تأمین مواد غذائی برای اتباع خارجی مقیم تبریز می‌باشد.

۸ قشون روسی با دو عراده توپ و چند مسلسل وارد تبریز شد و شهر مورد تاخت و تاز آنها قرار گرفت.

۹ نظر به آشوب و شورش در غالب شهرها و تشکیل و بسیج قوای مخالف دولت محمّدعلی شاه صدراعظم را از کاربرکنار ساخت.

۹ به دنبال برکناری مشیرالسلطنه محمدعلی شاه عمّ خود کامران میرزا نایب‌السلطنه را صدراعظم و وزیر جنگ نمود.

۱۱ شاه صدراعظم جدید را از کار برکنار کرد.

۱۱ محمدعلی شاه دستخط مربوط به احیاء مشروطه و تعیین روز انتخابات را صادر کرد. وی وعده داد روز ۲۸ تیرماه مجلس شورای ملی دائر خواهد شد.

۱۱ محمدعلی شاه فرمان عفو عمومی صادر کرد و افزود تمام مجرمین سیاسی چه در ایران و چه در خارج مشمول عفو هستند. افراد تبعید شده نیز می‌توانند به وطن بازگردند.

۱۲ فرمان رئیس‌الوزرائی برای ناصرالملک صادر شد. چون او در اروپا اقامت داشت موقتاً سعدالدوله سرپرستی دولت را برعهده گرفت.[۱]

۱۳ سعدالدوله امروز وزیران را به این شرح به محمدعلی شاه معرفی کرد:

سعدالدوله وزیر خارجه و سرپرست دولت ــ عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر داخله ــ مستوفی‌الممالک وزیر جنگ ــ حاج امیرنظام وزیر مالیه ــ مشیرالدوله وزیر عدلیه ــ مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف ــ مؤتمن‌الملک وزیر علوم و اوقاف ــ مهندس‌الممالک وزیر فوائد عامه.

۲۳ عدهٔ زیادی از مشروطه‌خواهان که در حضرت عبدالعظیم و سفارت عثمانی متحصن شده بودند از تحصن خارج و مسلح شدند.

خرداد ماه

۵ سعدالدوله و هیئت وزیران استعفا دادند ولی محمدعلی شاه استعفای آنها را قبول نکرد و کابینه در حال بحران باقی ماند.

۷ انتصابات زیر امروز انجام گرفت:

۱ ــ ابوالقاسم خان ناصرالملک به علت واقعه توپخانه مورد غضب محمدعلی شاه واقع شد و شاه قصد هلاک وی را داشت که در اثر دخالت ←

سفارت انگلیس محمدعلی شاه از خون وی درگذشت ولی فردای آن روز به اروپا تبعید شد. ناصرالملک چون تحصیلکرده انگلستان بود با برخی از رجال آن کشور دوستی و نزدیکی داشت سرادوارد گری و لردکرزن با وی دوست و هم کلاس بودند و وی نیز محققاً عامل اجرائی سیاست انگلستان در ایران بود. در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه وقتی جد وی میرزا محمودخان ناصرالملک درگذشت و معمول چنین بود که قسمت اعظم ثروت متوفی به شاه تعلق می‌گرفت ولی در مورد مشارالیه چنین عملی انجام نگرفت و دارائی وی تمام و کمال به نوه او رسید. در همان تاریخ نیز انگلیس‌ها از وی حمایت می‌کردند.

با تمام رنجش و آزردگی خاطر که محمدعلی شاه از او داشت مصلحت دید در آن ایام او را وسیلهٔ آشتی با انگلیس‌ها قرار دهد و نتیجتاً موجبات بقای سلطنت خود را فراهم سازد. از این جهت مقام رئیس‌الوزرائی را به او سپرد. ناصرالملک ظاهراً این مقام را پذیرفت لیکن نیک می‌دانست که سلطنت او بقاء ودوامی نخواهد داشت. به همین جهت به ایران نیامد و امور حکومت به دست سعدالدوله سپرده شد.

مرحوم ملک‌زاده فرزند ملک‌المتکلمین در صفحه ۲۵۰ جلد پنج تاریخ مشروطیت تحت عنوان رئیس‌الوزرائی سعدالدوله متذکر شده‌اند «سعدالدوله به رئیس‌الوزرائی انتخاب گردید و در کابینه او ناصرالملک وزیر مالیه معرفی شد که هرگز به ایران نیامد». این اظهارنظر صحیح نبوده و مؤلف محترم دچار اشتباه شده‌اند، زیرا سعدالدوله وزیر خارجه بود و موقتاً سرپرستی دولت را عهده‌دار بوده است.

علاءالدوله والی آذربایجان ــ رکن الدوله والی خراسان ــ سپهدار تنکابنی والی گیلان و مازندران ــ ظهیرالدوله والی کرمانشاه ــ شرف الدوله حکمران قزوین.

۱۰ سربازان فوج خرقان به علت عدم دریافت مواجب در میدان توپخانه بست نشستند. توپچی‌ها هم از محل استقرار خود در کرج به اینجا آمده به بست‌نشینان پیوسته‌اند.

۱٤ علمای نجف تلگراف بسیار تندی به محمدعلی شاه مخابره نمودند و اعمال او را خلاف اسلام دانستند و اتمام‌حجت نمودند که از هیچ نوع اقدام علیه او فروگذار نخواهند کرد.

۲۹ سردار اسعد بختیاری با هزار سوار و یک دستگاه توپ ته‌پر به قصد حمله و تصرف تهران اصفهان را ترک گفت.

تیر ماه

٤ قوای سپهدار تنکابنی و مجاهدین گیلان به ینگی امام رسیدند.

٤ هیئت وزیران به جز سعدالدوله به هیئت اجتماع کنار رفتند.

۵ قوای سردار اسعد بختیاری وارد قم شد. نمایندگان روس و انگلیس با سردار ملاقات و مذاکره کردند.

۹ در بازار تهران بیانیه‌ای بنام کمیته فدائیان ستارخان تهران انتشار یافت. در این بیانیه توصیه شده بود که مردم دکاکین و بازار را برای یک هفته تعطیل نمایند.

۹ محمدعلی شاه در سلطنت‌آباد به استحکام مواضع خود پرداخت و تعداد زیادی توپ و مهمات به آنجا حمل شد.

۹ محمدعلی شاه جواهرات خود را نزد بانک استقراضی روس به گرو نهاد و پنجاه هزار تومان وام برای سربازان و کشیک‌خانه گرفت که حقوق آنها را بپردازد.

۹ در سلطنت‌آباد، قلهک و دروس چندین توپ نصب شد.

۱۰ به دنبال دستور محمدعلی شاه هیئتی که مأمور تهیه قانون انتخابات بودند کار خود را به‌اتمام رسانیدند و امروز قانون مزبور منتشر شد. این قانون ٦۳ ماده می‌باشد و انتخابات را به صورت دودرجه‌ای انجام خواهند داد. کمیسیون تهیه و تدوین قانون انتخابات ۱٦ نفرند: حسینقلی نواب ــ حاج سیدنصرالله ــ اسدالله میرزا ــ مشیرالدوله ــ کاشف السلطنه ــ امین دربار ــ مؤتمن الملک ــ نظم الدوله ــ صنیع الدوله ــ مستوفی الممالک ــ مخبرالملک ــ مستشارالسلطان ــ مستشارالدوله ــ معین الدوله ــ مهندس الممالک ــ فرمانفرما.

۲۱ کلیه قشون شیراز در دو کنسولگری متحصن شدند و از نرسیدن مواجب چندین ماهه خود شکایت نمودند.

۲۲ قوای سردار اسعد بختیاری و سپهدار تنکابنی و یپرم‌خان ارمنی و سایر مجاهدین بهم پیوستند و در بیرون شهر اردو زدند. در بادامک بین قوای دولتی و مجاهدین نبرد شدیدی درگرفت.

۲۳ مجاهدین و مشروطه‌خواهان قوای دولتی را شکست دادند و از دروازه بهجت‌آباد وارد تهران شدند. قوای مجاهدین و مشروطه‌خواهان سپس به عمارت بهارستان رفته، آنجا و مدرسه سپهسالار را مرکز تجمع خود قرار دادند و در خیابانهای تهران هم سنگربندی نمودند.

۲٤ جنگ در شهر تهران بین قوای قزاق به فرماندهی پالکونیک لیاخوف و مجاهدین و مشروطه‌خواهان آغاز شد. این جنگ‌ها بیشتر به صورت منازعات خیابانی بود.

۲٤ عصر امروز جنگ به نفع مشروطه‌خواهان پایان پذیرفت و لیاخوف از ادامه جنگ دست کشید.

۲۵ بامداد امروز محمدعلی شاه و ولیعهد و همسر و نزدیکان وی و سایر رجال و اعیان طرفدار استبداد در پناه پانصد قزاق به باغ سفارت روس در زرگنده رفتند. به محض ورود محمدعلی شاه به باغ سفارت پرچم‌های روس و انگلیس بالای در سفارت به اهتزاز درآمد. سفارت روس مجموعاً شش اتاق دراختیار محمدعلی شاه گذاشت. سه اتاق اختصاص به حرمسرای او داشت و سه اتاق نیز دراختیار محمدعلی شاه بود. قزاقان و سایر متحصنین از چادر استفاده می‌کردند.

۲۵ مستر چرچیل دبیر سفارت انگلیس و مسیو بارنفسکی دبیر سفارت روس در عمارت بهارستان حضور یافته با سپهدار تنکابنی و سردار اسعد بختیاری ملاقات نمودند و ضمن گزارش داستان پناهندگی شاه در سفارت روسیه تقاضا نمودند به جنگ‌های داخلی خاتمه داده شود.

۲۵ کلنل لیاخوف فرمانده دولتی قزاقخانه به اتفاق امیرمجاهد در عمارت بهارستان حضور یافته خود را معرفی


علیقلی خان سردار اسعد بختیاری یکی از دو فاتح تهران

کرد و تقاضای تأمین جانی کرد تا از ایران خارج گردد.

۲۵ عده زیادی از رجال مستبد به سفارتخانه‌ها پناه بردند. از جمله سعدالدوله و مخبرالدوله به سفارت انگلیس و مشیرالسلطنه به سفارت عثمانی پناهنده شدند. سفارت روس و سفارت انگلیس تعدادی پرچم برای رجال مستبد فرستادند تا با نصب آن در بالای خانه خود از تعرض مصون باشند. تنها عین‌الدوله از هیچ سفارتی پرچم را قبول ننمود و خود را به مجاهدین معرفی کرد و عقوبت خود را واگذار به سپهدار و سردار اسعد کرد.

۲۶ یک کمیسیون عالی از مشروطه‌خواهان که برای سقوط محمدعلی شاه و اعاده مشروطیت تلاش نموده بودند و تعداد آنها ۲۸ نفر بود انتخاب شدند و ادارهٔ امور کشور تحت نظارت آنها قرار گرفت. ناظم‌الاسلام کرمانی در «تاریخ بیداری ایرانیان» اعضاء کمیسیون عالی را به این شرح ثبت نموده است:

صدرالعلماء (مجتهد آزادیخواه) ــ میرزا سیدمحمد امام‌زاده (سید محمّد امامی که بعداً امام جمعه تهران شد) ــ سید محمد پسر سیدعبدالله (آیت‌الله سید محمد بهبهانی) ــ صنیع‌الدوله ــ وثوق‌الدوله ــ مستشارالدوله ــ حکیم‌الملک ــ حسینقلی نواب ــ میرزا محمد خراسانی ــ وحیدالملک شیبانی ــ حاج سید نصرالله سادات اخوی ــ حاج محمدعلی تاجر ــ حاج سیدمحمد تاجر ــ سالار حشمت ــ مرتضی قلی خان بختیاری (فرزند صمصام السلطنه) ــ عمیدالسلطان ــ میرزا علی محمد خان (علی محمدخان تربیت) ــ میرزا سلیمان خان (سلیمان میکده) ــ نظام‌السلطان (خواجه نوری) ــ آقا میرزا غفار (غفار یگانه معروف به سالار منصور پدر دکتر ناصر یگانه) ــ عمید الحکماء ــ معزّالسلطان (قاتل آقابالاخان سردار و عدهٔ زیادی) ــ قوام‌السلطنه (احمد قوام) ــ میرزا یانس کسمائی ــ میرزا طاهر تنکابنی.

۲۶ کمیسیون مجلس عالی در اولین جلسه خود محمدعلی شاه را به علت پناهندگی در سفارت روس از سلطنت خلع


محمد ولیخان تنکابنی (سپهدار اعظم) که بعدها لقب سپهسالار گرفت



احمد شاه در دوران کودکی

نمود و ولیعهد سیزده ساله او را به نام احمد میرزا به سلطنت برگزید. به علت اینکه سن شاه جدید به حد نصاب قانونی (۱۸ سال) نرسیده بود، علیرضا خان عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت تعیین شد.[۱]

۲۶ خلع محمدعلی شاه و جلوس سلطان احمدشاه به وسیله تلگراف به علمای نجف و کربلا و سایر بلاد ایران اعلام گردید. همچنین طی بخشنامه‌ای مراتب به تمام شهرها و سفارتخانه ها اعلام شد.

۲۶ کمیسیون عالی هیئت وزیران را به این ترتیب تعیین نمود:

سپهدار تنکابنی وزیر جنگ ــ سردار اسعد بختیاری وزیر داخله ــ ناصرالملک وزیر خارجه ــ مستوفی الممالک وزیر مالیه ــ فرمانفرما وزیر عدلیه ــ صنیع الدوله وزیر علوم ــ سردار منصور رشتی وزیر پست و تلگراف.

۲۶ به دستور مجلس عالی پنج شبانه‌روز در تهران و شهرها جشن و سرور و چراغانی بر پا شد.

۲۶ یفرم‌خان ارمنی به‌ریاست نظمیه برقرار شد.

۲۶ صمصام‌السلطنه بختیاری به حکمرانی اصفهان منصوب گردید.

۲۶ حاج مهدیقلی خان مخبرالسلطنه از اروپا برای والیگری آذربایجان احضار شد.

۲۶ مستوفی الممالک با حفظ سمت وزیر جنگ سرپرست وزارت دربار گردید و حکیم‌الملک را به معاونت خود برگزید.

۲۶ دستور انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی صادر شد.

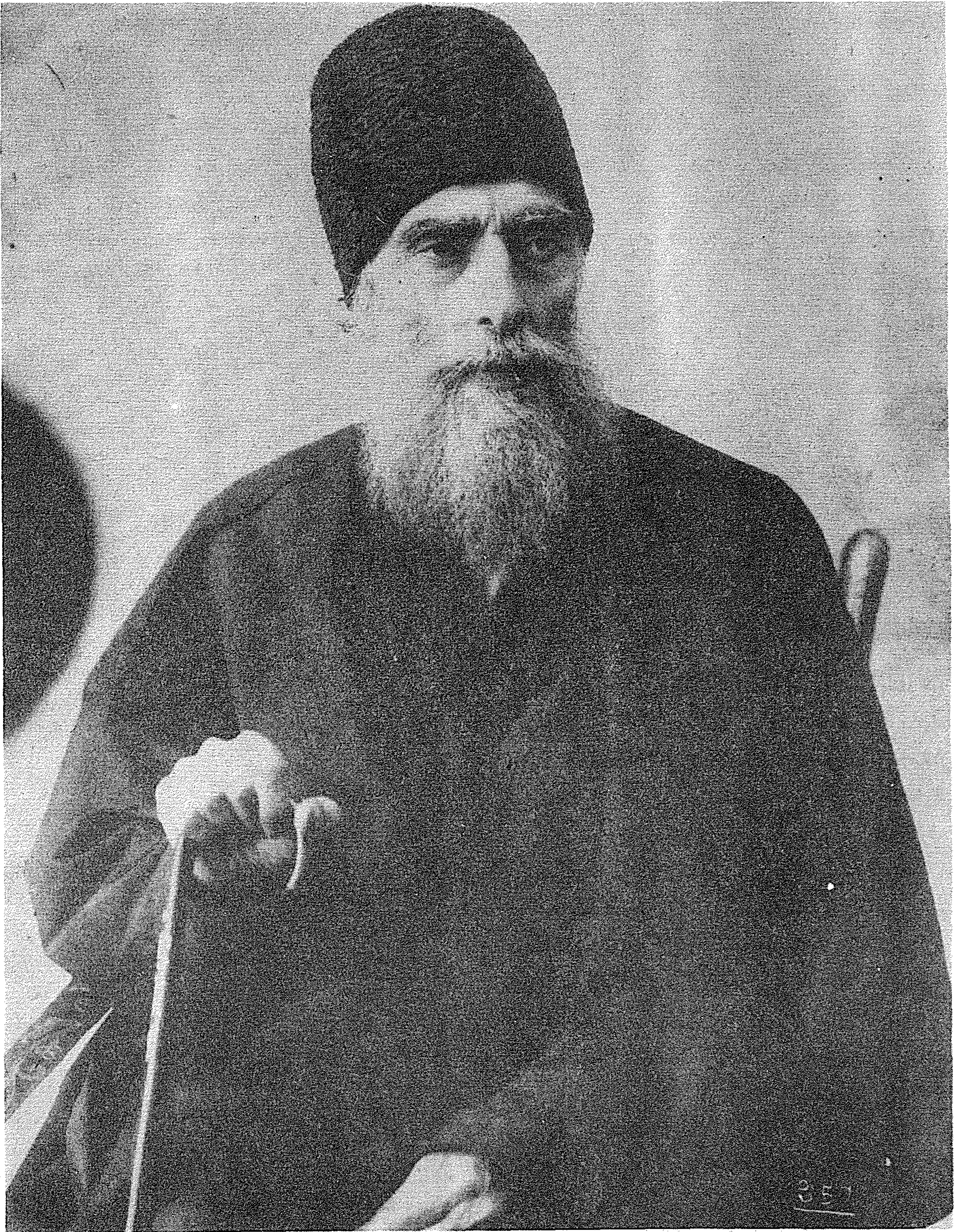
۲۶ از بامداد امروز خانه شیخ فضل‌الله نوری از طرف مجاهدین محاصره شد.

۲۶ یک دادگاه انقلابی برای محاکمه طرفداران استبداد و همکاران محمدعلی میرزا تشکیل شد تا سریعاً ضدانقلابیون را محاکمه و کیفر دهد. اعضاء دادگاه عبارتند از: شیخ ابراهیم زنجانی ــ جعفرقلی خان سردار بهادر بختیاری ــ اعتلاءالملک ــ محمد نجات ــ سید محمد امام‌زاده ــ

۱ ــ مجلس عالی فرمانی برای سلطان احمدشاه صادر و توسط هیئتی مرکب از سید محمد پسر سید عبدالله، سیدمحمد امام‌زاده، نظام‌الملک، موثق‌الدوله، شاهزاده ناظر، علاءالدوله و علاءالملک ارسال نمود. متن فرمان این است:

۲۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷. به عرض پیشگاه اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سلطان احمدشاه خلدالله ملکه و سلطانه. چون اعلیحضرت محمدعلی میرزا پدر والامقام اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی برحسب مقتضیات وقت از تقلّد امر خطیر سلطنت معاف شدند و به موجب ماده سی و شش و سی و هفت قانون اساسی در مجلس فوق‌العاده که در تاریخ ۲۷ جمادی‌الثانیه در عمارت بهارستان منعقد گردید، سلطنت به اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مقرر و اعلان شد و نیابت سلطنت موقتاً به عهده حضرت مستطاب اشرف عالی عضدالملک دامت شوکته واگذار گردید تا بعد از انعقاد پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی قرار قطعی در باب نیابت سلطنت داده شود. مراتب معروضه فوق از طرف مجلس عالی فوق‌العاده ←

رسماً به توسط مبعوثین آن مجلس عالی به پیشگاه سریر اعلی ابلاغ و اعضای این مجلس از طرف عموم ملت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم حضور باهرالنور همایونی داشته، از خداوند متعال مسئلت می‌کنند که سلطنت مشروطه آن اعلیحضرت برای عموم اولاد ایران به انواع میامن و تبریکات مشحون و ترقی و سعادت این مملکت در سایه توجهات خسروانه حاصل و کامل گردد.



علیرضا خان عضدالملک که پس از خلعِ محمدعلیشاه نایب‌السلطنه ایران شد.

میرزا محمدعلی تبریزی ــ وحیدالملک شیبانی ــ یمین نظام غفاری.[1]

۲۶ مجلس عالی هیئتی را تعیین نمود تا در سفارت روس حضور بهمرسانیده با محمدعلی میرزا درباره مسائل مبتلابه مذاکره کنند. هیئت عبارت بودند از: وثوق‌الدوله ــ حسینقلی نواب ــ ابراهیم حکیم‌الملک ــ مشارالسلطنه ــ موثق‌الدوله ــ چرچیل نایب سفارت انگلیس و بارونوسکی نایب سفارت روس.

۲۷ مجلس عالی سید ابوالقاسم امام جمعه تهران را که همراه محمدعلی شاه در سفارت روس پناهنده شده بود از امامت جمعه تهران خلع نمود و به جای وی برادرش سید محمد امام‌زاده را که مردی آزادیخواه بود به امامت جمعه تهران که از اهمّ مشاغل بود برگزید.



شاپشال روسی معلم محمدعلی میرزا

۱ ــ اعضاء دادگاه انقلاب مرکب از ۸ نفر بود که دادستانی دادگاه برعهده شیخ ابراهیم زنجانی قرار گرفت. هریک از اعضاء این دادگاه از طرف یکی از سرکردگان مشروطیت تعیین شده بود. شیخ ابراهیم زنجانی از دوستان و نزدیکان سیدعبدالله بهبهانی بود و نظرات او را در دادگاه اعمال می‌کرد. سردار بهادر نمایندگی سردار اسعد و بختیاریها را برعهده داشت. اعتلاءالملک پسرعموی سپهدار تنکابنی از طرف او مأموریت در دادگاه را پذیرفت. میرزا محمدعلی تبریزی از طرف تقی‌زاده به دادگاه معرفی شد. محمد نجات را وکلای خراسان معرفی کردند. سید محمد امام‌زاده از طرف سید محمد طباطبائی و علمای محافظه‌کار تعیین شد. وحیدالملک و یمین نظام از طرف مشروطه‌خواهان کاشی که تعداد آنها زیاد بود معین شدند.

شرح‌حال مختصر هریک از اعضاء دادگاه در زیر آورده می شود:

شیخ ابراهیم زنجانی از علمای زنجان بود درجه اجتهاد داشت تظاهر به روشنفکری و آزادیخواهی می‌کرد. در دوره اول نماینده طلاب و وعاظ بود. در دوره دوم از تبریز وکیل شد در ادوار سوم و چهارم به وکالت از طرف مردم زنجان انتخاب گردید. چندی مدیر مدرسه ثروت و زمانی رئیس کل اوقاف شد وفات وی در سال ۱۳۱۳ شمسی در سن ۸٤ سالگی اتفاق افتاد. وی فراماسون بود. جعفرقلی سردار بهادر فرزند علیقلی خان سردار اسعد بختیاری از ظهور مشروطیت دوّم و خلع محمدعلی شاه تا حین‌الفوت مصدر مشاغل مهمه کشور بود. چندی والی کرمان و زمانی والی خراسان شد. قریب دوازده سال در کابینه‌های مختلف در سمت وزارت پست و تلگراف و وزارت جنگ قرار داشت. سرانجام در فروردین ۱۳۱۳ در زندان قصر قجر به وضع فجیعی از بین رفت.

اعتلاءالملک همان نصرالله خلعتبری است که قریب پنجاه سال در مشاغل وزارت و سفارت و سناتوری انجام وظیفه می‌کرد از اعضاء برجسته فراماسونی بود قریب یکصد سال عمر کرد. **همیشه** از عضویت خود در دادگاه انقلاب اظهار ندامت می‌نمود عجیب آنکه فرزند وی به نام دکتر عباسعلی خلعتبری به حکم **دادگاه‌انقلاب** اسلامی به جوخه آتش سپرده شد.

سید محمد **نجات** در ادوار دوّم و سوّم و چهارم از خراسان به وکالت رسید.

سیدمحمد امام‌زاده فرزند سید زین‌العابدین امام جمعه تهران است وی بجای برادرش سیدابوالقاسم، امام جمعه تهران شد سی و شش سال امام جمعه تهران بود در سال ۱۳۲٤ درگذشت.

میرزا محمدعلی تبریزی همان محمدعلی تربیت است که چندی وکیل مجلس و مدتی رئیس فرهنگ گیلان و آذربایجان بود زمانی نیز ریاست بلدیه تبریز به عهده او قرار گرفت. تألیفاتی دارد که مهمتر از همه دانشمندان آذربایجان است در سال ۱۳۱۸ درگذشت.

وحیدالملک یا عبدالحسین شیبانی در انگلستان تحصیل کرد مدتی نماینده مجله تایمز بود با مشروطه‌خواهان سرّ و سری داشت در دوره دوم وکیل شد دوبار هم به وزارت کوتاه‌مدت رسید در دوره رضاشاه به مشاغل فرهنگی گمارده می‌شد. استادی تاریخ دانشسرایعالی با او بود عضو فرهنگستان هم شد تألیفاتی در تاریخ دارد. در سال ۱۳٤٦ درگذشت.

یمین نظام که بعداً سردار مقتدر لقب گرفت از افسران قزاقخانه و تحصیلکرده مدرسه توپخانه عثمانی بود در استبداد صغیر چندی در باغشاه حبس شد. در زمان رضاشاه به وی درجه سرلشکری داده شد (سرلشکر عبدالحمید غفاری) و به ریاست شورای نظام انتخاب شد در اوایل سال ۱۳۰٤ شمسی درگذشت جالب اینست از ۸ نفر اعضاء دادگاه انقلاب ٦ نفر از آنها عضویت فراماسونری را داشتند در اینجاست که باید به دست پنهان سیاست انگلیس در شئون گذشته این کشور پی برد.

مرداد ماه

۱ قبل از ظهر امروز عضدالملک نایب السلطنه با دویست نفر قزاق به سفارت روس فرستاده شد که شاه جدید را از سفارتخانه به سلطنت آباد ببرد.[۱]

۲ روزنامه ایران نو به مدیریت سید محمود شبستری آذربایجانی ملقب به ابوالضیاء در تهران انتشار یافت. این روزنامه ارگان حزب جدیدالتأسیس دموکرات بود.

۳ سه ساعت به غروب سلطان احمدشاه وارد عمارت گلستان شد. سرداران بختیاری و مجاهدین قفقازی از قصر قاجار تا ارگ دو طرف خیابان ایستاده بودند. شاه جدید با کالسکه وارد شد. همراهان شاه عبارت بودند از: سپهدار ــ سردار اسعد ــ ضرغام السلطنه ــ عین الدوله ــ عضدالملک و شاطرباشی. در جلوی کالسکه یک دسته بختیاری و در عقب یک دسته از مجاهدین قفقازی شاه را محافظت می‌کردند. مردم برای شاه جدید ابراز احساسات فراوانی نمودند.

۳ حسینقلی خان نظام السلطنه از اعاظم رجال دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه در سن ۸۵ سالگی در تهران درگذشت. وی در عمران و آبادی شهرها و نشر آثار فرهنگی و تاریخی شوقی وافر داشت و از ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ ایران بود.

پس از مرگ او لقب نظام السلطنه به رضاقلی خان سعدالملک برادرزاده او تعلق گرفت.

۴ سلطان احمدشاه در اندرون به تخت نشست و سلام عام به عمل آمد. خطبه توسط امام جمعه جدید خوانده شد.

۴ به دستور نظمیه خانه مجلل السلطان را که از مستبدین بود غارت کردند و آنچه اسباب و پول بود بردند.

۴ وزیر اکرم به حکومت تهران، و موثق الملک به وزیری بیوتات، موثق الدوله به وزیری دربار و ضرغام السلطنه به ریاست کشیکخانه منصوب شدند.

۴ سپهدار طی نامه‌ای به سفارت روس اولتیماتوم داد که پانصد قزاق همراه محمدعلی شاه در زرگنده باعث اغتشاش شده‌اند و باید خلع سلاح شوند.

۴ ستارخان و باقرخان طی تلگرافی ازسپهدار استفسارنمودند روس‌ها می‌خواهند آنها را به عثمانی بفرستند، تکلیف چیست. سپهدار پاسخ داد روس‌ها خیلی حرامزاده هستند. به تهران بیائید.

۶ به مناسبت جلوس احمدشاه قیمت گوشت تنزل کرد و از چارکی ۲۲ شاهی به ۱۸ شاهی تنزل یافت.

۶ سردار محتشم بختیاری با افراد خود که از طرفداران محمدعلی شاه بود به صف مجاهدین پیوست و با شکوه فراوان از نیاوران به تهران وارد شد.

۶ مفاخرالملک وزیر تجارت استبداد و حاکم مستبد تهران در دوران استبداد صغیر توسط اعظام الدوله لاریجانی دستگیر و تحویل دادگاه انقلاب گردید.

۸ امروز در تهران اعلان شد هر محله وکیل خود را تعیین نماید. انتخابات این دوره دودرجه‌ای است به این اعتبار که دوره نخست ۴۵ نفر انتخاب می‌شوند و آنها از بین خود ۱۵ نفر انتخاب می‌نمایند.

۸ دادگاه انقلاب صنیع حضرت و مفاخرالملک را به اتهام کشتن آزادیخواهان محکوم به مرگ نمود. صنیع حضرت را در میدان توپخانه دار زدند و مفاخرالملک را در دروازه باغشاه تیرباران نمودند.

۸ شیخ فضل‌الله نوری دستگیر و تحویل دادگاه گردید.

---

۱ ــ ناظم الاسلام در این مورد یادداشت زیر را دارد:

امروز جناب عضدالملک و شاهزاده موثق الدوله، شاهزاده ناظر سابق و رئیس دربار از طرف ملت رفتند به زرگنده در سفارتخانه روس که ولیعهد احمد میرزا را از پدرش محمدعلی میرزا گرفته ببرند به سلطنت آباد.

محمدعلی میرزا از دادن پسر امتناع کرده گفت من به این فرزندم انسی فوق العاده دارم او را به من واگذار کنید و پسر کوچکتر مرا به سلطنت منصوب کنید. حضرات مزبور می‌گویند اگر احمد میرزای ولیعهد را ندهید سلطنت از خانواده قاجاریه خارج می شود بالاخره او را راضی کرده احمد میرزا (را) حرکت داده آوردند به سلطنت آباد و او را به تخت سلطنت نشاندند. لایحه‌ای قرائت می‌کنند به این مضمون که «چون پدر اعلیحضرت حمل این بار گران سلطنت را نتوانست و خسارت فوق العاده به ملت وارد آورد لذا ملت استعفای او را پذیرفته و سلطنت را به اعلیحضرت همایونی واگذار و اعلیحضرت را به سمت سلطنت و شاهنشاهی ایران منصوب نمودند. سلطان احمدشاه در جواب گفت «امیدوارم که خداوند مرا توفیق عنایت فرمایند تا جبران خسارات وارده پدرم را بنمایم و به مملکت و ملت خود خدمت نمایم.

«نقل از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان بخش دوّم صفحه ۵۰۶»



شیخ فضل الله نوری و سید عبدالله بهبهانی

۹ حاج شیخ فضل‌الله نوری طرفدار مشروطه مشروعه، و اعلم مجتهدان زمان طبق حکم دادگاه انقلاب در میدان توپخانه به دار آویخته شد. هنگام اعدام شیخ موزیک مترنم بود. پسرش خطابه مفصلی با صورت استنطاق و حکم حجج اسلام خواند. شیخ قبل از اعدام گفت نه من مستبد بودم نه سیدعبدالله مشروطه‌خواه.

۹ فروش تریاک ممنوع شد و کشیدن تریاک جرم و قابل تعقیب دانسته شد.

۱۰ آجودانباشی توپخانه را که از نزدیکان شیخ فضل‌الله نوری بود طبق حکم دادگاه انقلاب دار زدند.

۱۰ عضدالملک نایب‌السلطنه از اعدام شیخ فضل‌الله متأثر و متألم شد و به سردار اسعد و سپهدار برای ارتکاب این جنایت شدیداً اعتراض کرد. نایب‌السلطنه همچنین دستور داد جنازهٔ شیخ را به بازماندگان تحویل و مراسم تعزیت برای وی بر پا سازند.

۱۵ امروز سیدحسن تقی‌زاده از تبریز وارد تهران شد. عده زیادی تا کرج از وی استقبال کردند. در کرج چادرهای زیادی بر پا شده بود و به مستقبلین ناهار مفصلی دادند. بعد از ظهر امروز تقی‌زاده با موزیک و تجمل زیاد وارد تهران شد.

۱۵ امروز میرهاشم دوه‌چی از مستبدان در میدان توپخانه اعدام شد.

۱۶ سیدحسن مدیر روزنامه حبل‌المتین به اتهام اهانت به قانون محمدی تحت تعقیب دادگستری قرار گرفت. وی پس از محاکمه به سه سال زندان محکوم گردید.

۲۴ امروز در میان اشیاءِ بازمانده در کاخ شاه مخلوع یک صندوق مشتمل بر پنجاه هزار پنج هزاری و اشرفی طلا که تقریباً شصت هزار تومان قیمت دارد پیدا می‌شود. خدمهٔ محمدعلی شاه به علت عجله متوجه موجودی نبوده‌اند.

۲۵ انتخابات تهران پایان گرفت و افراد زیر به نمایندگی مجلس شورای ملی در تهران انتخاب شدند:

حاج سیدنصرالله ــ احتشام‌السلطنه ــ وثوق‌الدوله ــ حکیم‌الملک ــ صدیق حضرت ــ مستشارالدوله ــ سیدحسن تقی‌زاده ــ ذکاء‌الملک ــ صنیع‌الدوله ــ اسدالله میرزا ــ شیخ حسین یزدی ــ یحیی میرزا ــ مؤتمن‌الملک ــ وحیدالملک.

۲۷ در منزل ظهیرالدوله به مناسبت پیروزی آزادیخواهان جشن مفصلی بر پا شد و نام آنرا جشن نصرت ملی نهادند. به دستور ظهیرالدوله وجوه جمع‌آوری شده از این جشن جهت وراث مقتولین تهران و آذربایجان اختصاص داده شد.

شهریور ماه

۱ وزیر اکرم از حکومت تهران عزل و به جای وی میرزا شکرالله خان معتمد خاقان که از مشروطه‌خواهان بود منصوب گردید.

۲ حاج مخبرالسلطنه والی جدید آذربایجان از اروپا وارد تبریز شد. از طرف ستارخان و باقرخان و سایر مجاهدین و مشروطه‌خواهان استقبال باشکوهی از وی به‌عمل آمد.

۷ محمدحسین میرزا برادر سلطان احمدشاه به ولیعهدی انتخاب گردید. ولیعهد جدید نه سال دارد.

۱۸ پس از مذاکرات مفصل بین محمدعلی شاه پادشاه مخلوع و هیئت مدیره کمیسیون عالی پیمانی منعقد گردید. پس از امضاء پیمان محمدعلی میرزا به اتفاق خانواده خود و همراهان سفارت روس را به قصد اروپا ترک کرد. صد و بیست قزاق ایرانی با فرمانده روسی و سه سوار هندی و سه سوار روسی محمدعلی میرزا را تا مرز حراست می‌کردند. نمایندگان سفارت روس و سفارت انگلیس شاه سابق را بدرقه کردند.

طبق توافق و پیمان قرار شد دولت ایران سالیانه یکصد هزار تومان به محمدعلی میرزا و خانواده وی پرداخت کند و در عوض او هم املاکش را به دولت واگذار نماید و جواهرات سلطنتی را پس بدهد.

۱۸ عین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین‌شاه و میرزا احمدخان مشیرالسلطنه صدراعظم محمدعلی شاه هریک یکصد هزار تومان به دولت پرداختند و از آنها رفع سوءتفاهم شد.

۱۹ عین‌الدوله املاک خود را در فریمان به دولت واگذار کرد و دولت هم او را برای ولایت فارس نامزد نمود.

۲۰ سیدحسن تقی‌زاده فرمان والیگری عین‌الدوله را ابطال نمود.

۲۱ ظهیرالدوله به حکومت کرمانشاه، سردار جنگ بختیاری

به حکومت یزد و سردار معتمد رشتی به حکومت گیلان منصوب شدند.

۲۱ به دنبال عزیمت محمدعلی میرزا از تهران کمیسیون عالی منحل و یک هیئت مدیره جای آنرا گرفت.

۲۵ بین قوای دولتی به سرکردگی سردار بهادر بختیاری و پیرم‌خان ارمنی و طرفداران حاج ملاقربانعلی مجتهد متنفذ و مستبد زنجان در منطقه خمسه جنگ سختی رخ داد. سرانجام قوای دولتی فاتح شد و حاج ملاقربانعلی مجتهد نود ساله فرار کرد. علمای نجف حکم به تکفیر حاجی دادند.

مهر ماه

۴ ظل‌السلطان که چندی پیش وارد رشت شده بود و به دست مجاهدین اسیر و بازداشت بود با پرداخت یکصد هزار تومان آزاد و به اروپا رفت.

۷ محمدعلی میرزا شاه مخلوع با یک کشتی روسی بندر انزلی را به قصد روسیه ترک کرد. همراهان وی روز قبل از بندر خارج شده بودند.

۷ روزنامه شرق به مدیریت آقا سیدضیاءالدین به دو زبان فارسی و فرانسه در تهران انتشار یافت و مقالات تند و کوبنده و اصلاح‌طلبانه آن توجه مردم را جلب نمود. آقا سید ضیاءالدین فرزند میرزا علی آقا یزدی و در آستانهٔ بیست سالگی است.

۸ از طرف عضدالملک نایب‌السلطنه سپهدار تنکابنی به رئیس‌الوزرائی انتخاب گردید.

۸ ام‌الخاقان مادر محمدعلی میرزا شاه مخلوع که به سمت کربلا می‌رفت در قصرشیرین وفات کرد.[1]

۹ رئیس‌الوزراء وزیران خود را امروز معرفی کرد:

سپهدار تنکابنی رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ ــ سردار اسعد وزیر داخله ــ ناصرالملک وزیر خارجه ــ وثوق‌الدوله وزیر عدلیه ــ مستوفی‌الممالک وزیر مالیه ــ صنیع‌الدوله وزیر معارف و اوقاف ــ سردار منصور وزیر پست و تلگراف.

آبان ماه

۹ ستارخان که در اردبیل گرفتار و محصور رحیم‌خان و شاهسون‌ها شده بود با عده کمی از همراهانش فرار کرد و خود را به تبریز رسانید.

۱۳ شاهسون‌ها اردبیل را تصرف و غارت کردند. یاغیان قنسولگری روس را محاصره و تسلیم بعضی از متحصنین را مطالبه نمودند. قنسول تقاضای کمک فوری نمود.

۲۴ دوره دوّم مجلس شورای ملی با حضور سلطان احمدشاه و عضدالملک نایب‌السلطنه و سران دولت مشروطه افتتاح شد.[1]

۳۰ در جلسه امروز مجلس شورای ملی میرزا صادق خان مستشارالدوله به ریاست و حاج سیدنصرالله سادات اخوی و ممتازالدوله به نیابت تعیین شدند.

۳۰ در جلسه امروز مجلس شورای ملی عده زیادی از نمایندگان از جمله سیدحسن تقی‌زاده، حاج سیدنصرالله تقوی، وثوق‌الدوله و ممتازالدوله سخن گفتند. از فداکاریهای ستارخان و باقرخان سپاسگزاری شد و به آنها لقب سردار ملی و سالار ملی دادند و سپاس‌نامه تهیه و صادر شد. همچنین از جانبازیهای سپهدار تنکابنی و سردار اسعد بختیاری تجلیل فراوان گردید و به آنها نیز لوحه سپاس دادند. خدمات و راهنمائی‌های آخوند خراسانی و شیخ

۱ ــ ام‌الخاقان دختر میرزا تقی خان اتابک اعظم (امیرکبیر) از بطن خانم عزت‌الدوله دختر محمدشاه قاجار بود.

مطبوعات دوران مشروطیت به خاطر ضدّیت با محمدعلی شاه نسبت‌های ناروائی به او دادند. سید محمدرضا مساوات در روزنامه خود او را زنی هرزه و خودکامه خواند و صریحاً به وی نسبت انحرافی داد و نطفه محمدعلی شاه را منسوب به یک قاطرچی دانست.

آنچه مسلم است قضاوت مخالفین محمدعلی شاه نمی‌تواند درباره این زن صادق باشد تا آنجا که نگارنده از رجال صدر مشروطیت به تحقیق دریافته ام‌الخاقان زنی متدین، متقی و عفیفه بوده است.

۱ ــ دوره دوّم مجلس شورای ملی در ۲ ذیقعده ۱۳۲۷ مطابق با ۲۴ آبان ماه ۱۲۸۸ شمسی افتتاح شد. انتخابات این دوره به صورت دودرجه‌ای انجام گرفت و عده وکلاء مجموعاً ۱۲۰ نفر بود. در مجلس دوّم پنج نفر از علماء طراز اول به انتخاب علمای نجف وکیل شدند و اقلیت‌های زرتشتی و مسیحی و کلیمی نیز نمایندگان خود را به مجلس فرستادند. بر مجلس دوّم چهار نفر ریاست کردند که به ترتیب عبارتند از: مستشارالدوله صادق، ذکاءالملک فروغی، میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله و مؤتمن‌الملک. این مجلس در اثر اولتیماتوم روس دائر به اخراج شوستر توسط ناصرالملک و صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء منحل شد.



یپرم خان ارمنی رئیس نظمیه

عبدالله مازندرانی و سایر علمای نجف نیز مورد تقدیر قرار گرفت.

آذر ماه

۱ در جلسه امروز مجلس شورای ملی عضدالملک به عنوان نایب‌السلطنه انتخاب گردید و در حضور آیات عظام مراسم تحلیف به عمل آورد.

۲ سپهدار تنکابنی و سردار اسعد در جلسه امروز مجلس استعفا نمودند ولی مجلس استعفای آنان را نپذیرفت و رأی به ابقاء دولت داد.

۸ در جلسه امروز مجلس پس از معرفی وزیران وثوق‌الدوله پروگرام وزراء را در چهار مورد تقدیم مجلس نمود:

۱ـ اصلاحات در قشون نظمیه و امنیه.

۲ ـ استقراض فوری مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ لیره و تثبیت قروض صادره فعلی.

۳ ـ اصلاحات در مالیه و تعیین مفتشین مالیه و تأسیس خزانه‌داری مرکزی.

۴ ـ استخدام مستشاران خارجه و ترتیب دادن ادارات دولتی به طرز جدید.

۱۰ سپهدار تنکابنی وزیران تازه را به این شرح معرفی کرد: علاءالسلطنه وزیر خارجه ـ وثوق‌الدوله وزیر مالیه ـ مشیرالدوله وزیر عدلیه. در این تغییرات ناصرالملک و مستوفی‌الممالک از کار خارج شدند.

دی ماه

۱۷ نظام‌السلطنه حکمران جدید کرمانشاه با ۱۰۰ سوار و ۵۰۰ سرباز وارد کرمانشاه شد. قرار است وی ۲۰۰ نفر هم مأمور محلی استخدام کند تا بتواند انتظام را برقرار نماید.

۲۵ مجلس شورای ملی علاءالسلطنه وزیر خارجه را به علت توقف قوای روس در ایران استیضاح کرد و در همان جلسه رأی به برکناری او داد.

بهمن ماه

۲۲ سپهدار از ریاست وزرائی استعفا داد ولی عضدالملک استعفای او را نپذیرفت.

اسفند ماه

۲۸ ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی تبریز را به قصد تهران ترک گفتند. در مسیر سردار و سالار در تمام شهرها طاق نصرت برپا شد و مردم مقدم آن دو مبارز را گرامی داشتند.[۱]

قزوین بیش از هر شهری مقدم ستارخان و باقرخان را گرامی داشت و در خیابانهای مسیر مجموعاً ۱۲ طاق‌نصرت بر پا کردند. ستارخان پس از تشکر از مردم مشروطه‌خواه قزوین در قبرستان شهر حضور و بر مزار مشروطه‌خواهان فاتحه خواند.

۱ ـ احضار ستارخان و باقرخان و سایر مجاهدین به تهران به علت اختلاف شدید بین حاج مخبرالسلطنه والی آذربایجان و آنها بود. زیرا ستارخان بعد از ۱۳۲۷ درنتیجه پیروزیهای متوالی تغییر کرد و آن مردم‌داری و صبر و حوصله و اطاعت از مقامات سیاسی را از دست داد. در عوض خیلی تندخو و عصبانی شده و از درک عمق مطالب عاجز شد و ناصحان حقیقی را از خود دور کرد و یک عده استفاده‌جو اطراف او را گرفتند و بنام او استفاده‌های نامشروع کردند و در هر حال ستارخان مانند اکثر مردان تاریخی دارای صفات ممتازه نیز بود.

سال ۱۲۸۹ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۱۰ تا ۲۲ مارس ۱۹۱۱ میلادی

فروردین ماه

۴ ستارخان و باقرخان با عده‌ای مجاهد مسلح وارد تهران شدند. دولت، ستارخان و همراهان را در پارک اتابک سکونت داد. باقرخان و همراهان در عشرت‌آباد مسکن گزیدند.

۱۲ مجلس شورای ملی قانون حمل اسلحه را در ۶ ماده به تصویب رسانید. به موجب این قانون فقط افراد پلیس و نظامیان حق حمل اسلحه دارند و سایرین موظف هستند سلاح های خودشان را در مقابل دریافت وجه تحویل دهند.

۲۲ هیئت وزیران بطور دسته‌جمعی از سمت های خود کنار رفتند.

اردیبهشت ماه

۸ سپهدار اعظم رئیس الوزراء وزیران خود را به این شرح معرفی نمود:

سپهدار رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ سردار اسعد وزیر جنگ ــ معاون الدوله وزیر خارجه ــ وثوق الدوله وزیر مالیه مشیرالدوله وزیر عدلیه ــ شکرالله خان معتمد خاقان وزیر تجارت ــ صنیع الدوله وزیر فوائد عامه و سرپرست وزارت علوم و اوقاف ــ سردار منصور وزیر پست و تلگراف. در این تغییرات وزارت جنگ به عهده سردار اسعد و وزارت داخله دراختیار سپهدار قرار گرفت. وزرای تازه عبارتند از معاون الدوله و معتمد خاقان.

۲۳ دولتین روس و انگلیس پیشنهاد نمودند که حاضرند هریک دویست هزار لیره به دولت ایران وام بدهند مشروط بر اینکه قرارداد ۱۹۰۷ به مرحله اجرا درآید.

۲۸ زنی در یزد فرزند پنج ساله شوهرش را از ارتفاع بیست ذرع به قصد کشتن پرتاب کرد. زنان همسایه به محض دیدن چنین جنایتی زن را سنگسار و سپس قطعه‌قطعه کردند.

۳۰ سپهدار رئیس الوزراء کاپیتولاسیون را طی بخشنامه‌ای لغو کرد.

۳۰ سپهدار در کادر وزیران تغییراتی داد به این شرح: سردار منصور وزیر عدلیه ــ مشیرالدوله وزیر تجارت ــ معتمد خاقان وزیر پست و تلگراف.

خرداد ماه

۴ روزنامه‌های سرکش و تندرو به امر سپهدار توقیف و مدیران آن به محکمه جلب شدند.

۱۶ مستشارالدوله رئیس مجلس و نواب وی مستعفی شدند.

۱۶ ذکاءالملک به ریاست مجلس انتخاب شد.

تیر ماه

۳ با تصویب مجلس شورای ملی کلیه قروض ایران به بانک شاهی که بهره‌های زیاد و مختلف داشت یک کاسه شد و به تمام قروض بهره‌ای معادل ۷٪ تعلق خواهد گرفت.

۲۴ چهار نفر از مجاهدین وارد خانه سیدعبدالله بهبهانی یکی از دو زعیم روحانی مشروطیت شدند و او را به ضرب چند گلوله کشتند.[۱]

۲۵ به مناسبت قتل سیدعبدالله بهبهانی مجلس شورای ملی و بازار تهران تعطیل شد و عزای عمومی اعلام گردید. مردم تعزیر مسببین واقعه از جمله سیدحسن تقی‌زاده محرک واقعه را خواستار شدند.

۲۹ سپهدار تنکابنی به علت اختلاف با بختیاری‌ها از رئیس الوزرائی استعفا داد.

۳۰ بنا به پیشنهاد عضدالملک نایب السلطنه و تصویب مجلس شورای ملی میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک به ریاست وزرائی منصوب شد.

مرداد ماه

۱ مستوفی‌الممالک رئیس الوزراء وزیران خود را به نایب السلطنه و مجلس بدینصورت معرفی کرد: فرمانفرما وزیر داخله ــ حسینقلی نواب وزیر خارجه ــ قوام‌السلطنه وزیر جنگ ــ حکیم الملک وزیر مالیه ــ دبیرالملک وزیر عدلیه ــ شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف.[۲]



میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک

۱ مجلس شورای ملی سپهدار تنکابنی و سردار اسعد بختیاری را به نمایندگی مجلس انتخاب کرد. هریک از آنان طی نطقی بیلان کار خود را در سال گذشته بـه مجلس دادند.

۵ علمای نجف، از جمله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، سیدحسن تقی‌زاده نماینده مجلس را به اتهام تحریک به قتل سیدعبدالله بهبهانی تکفیر کردند و اخراج او را از مجلس درخواست نمودند. مجلس شورای ملی بر اساس تقاضای روحانیون نجف به تقی‌زاده سه ماه مرخصی اجباری داده تا به فرنگ برود.

۱۴ به دنبال اجرای قانون خلع سلاح غیرنظامیان که دولت مدت زمان معقولی برای تحویل سلاح های افراد غیرنظامی

۱ ــ دربارهٔ چگونگی قتل مرحوم سید عبدالله بهبهانی شرح مفصلی در بخش ضمائم و تعلیقات آمده است.

۲ ــ مستوفی‌الممالک در آن‌روز که به مقام رئیس‌الوزرائی رسید ۳۷ سال داشت در عین جوانی در جامعه آن‌روز از آبرو و حیثیت زیادی برخوردار بود و مردم برای او ارج و ارزش فراوان قائل بودند. مخصوصاً مسافرت‌های طولانی او به اروپا طبعاً در افکارش مؤثر واقع شده و تمایل زیادی به اصلاحات و خدمت به مردم داشت. وی برای اجرای برنامه‌های خویش اعضاء کابینه خود را به جز فرمانفرما از افراد جوان و تحصیلکرده انتخاب کرد. وزرای وی در سنین زیر چهل سالگی بودند و هرکدام به یک یا دو زبان خارجی آشنائی داشتند. در حقیقت این کابینه را بایستی از کابینه‌های جوان و فعال دوره مشروطیت دانست.

کرده بود، مجاهدین تحت فرماندهی ستارخان و باقرخان از تحویل سلاح خودداری کردند. دولت ناگزیر برای خلع سلاح آنها قوائی به پارک اتابک فرستاد. درنتیجه بین نیروهای دولتی به فرماندهی سردار بهادر بختیاری و پیرم ارمنی از یک طرف و ستارخان و باقرخان و افراد آنها از طرف دیگر زد و خورد خونینی روی داد. در اثر این زد و خورد از قوای دولتی هفت کشته و بیست و سه زخمی و از مجاهدین ۱۸ کشته و چهل زخمی باقی ماند. ستارخان در این زد و خورد از ناحیه پا مجروح شد. سرانجام مجاهدین خلع سلاح شدند و ستارخان و باقرخان به منزل صمصام السلطنه انتقال یافتند.

شهریور ماه

۱۰ قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به تصویب مجلس رسید.

۱۵ علیرضا خان عضدالملک نایب السلطنه ایران در اثر کهولت پس از چند روز بیماری درگذشت و در ایوان مقبره ناصرالدین شاه مدفون شد. به مناسبت مرگ نایب السلطنه یک روز تعطیل عمومی شد.[1]

۲۴ میرزا محمودخان احتشام السلطنه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول برگزیده شد.

۲۶ یکی از نمایندگان شیراز در مجلس شورای ملی شدیداً اعمال سردار اسعد را مورد تنقید و نکوهش قرار داد و مدعی شد نامبرده در اموری مداخله می‌کند که مربوط به او نیست. او از رفتار سردار اسعد نسبت به صولت الدوله گله و تنقید نمود و اتمام حجت کرد که دیگر در این گونه موارد مداخله نکند. سردار اسعد از خود دفاع نمود.



ستارخان مدافع سرسخت مشروطیت

مهر ماه

۱ ناصرالملک از طرف مجلس شورای ملی به اکثریت ۴۰ رأی نایب السلطنه ایران شد. مستوفی الممالک بیست رأی بدست آورد.

۴ ناصرالملک از لندن طی تلگرافی قبولی خود را برای نیابت سلطنت اعلام کرد، مشروط بر اینکه ماهیانه به وی ده هزار تومان حقوق پرداخت شود. حقوق عضدالملک نایب السلطنه سابق پنج هزار تومان بود.

۵ ٤ قافله بزرگ که عمدهٔ حمل آنها تریاک بوده است در نزدیکی کنگاور یغما و غارت گردیده همچنین عده زیادی از

۱ ــ اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه در **یادداشت‌های** روزانه خود درباره عضدالملک چنین نوشته است:

«عضدالملک علیرضاخان از منسوبان پادشاه است. خوشبخت و مالدار و در خست و امساک به اعلی درجه اشتهار، امّا متدیّن و ظاهرالصلاح و پاک‌فطرت و پاکیزه سیرت. در راه خدمت پادشاه از بذل جان و مال عزیز مضایقه ندارد. صرف در راه خدا و خداوندپرستی می‌سپارد و به تمام معنی شخص نازنینی است، امّا عامی و بحت و بسیط است. در بیسوادی و بی‌خبری به درجه افراط و تفریط و متشرعی است که نه اصول می‌داند نه فهم مسائل فروع می‌تواند. حتی قرآن و دعا را غلط می‌خواند. از پلیتیک و علم روابط خارجی بی‌بهره است و بی‌اطلاع فقط دلش به این خوش است که مردم به او زیاد احترام نمایند و وی را به بزرگی و شأن بستایند».

زوار را غارت و لخت نمودند.

۱۵ قوای بختیاری تحت فرمان امیر مفخم و سردار ظفر از اصفهان به طرف کاشان عزیمت نمودند تا نایب حسین کاشی را دستگیر نمایند. نایب حسین دروازه‌ها و عمارات بزرگ را سنگربندی نموده آماده دفاع شد. قوای نایب حسین هزار و دویست نفرند. در دو وهله جنگی که بین طرفین به وقوع پیوست عدهٔ زیادی کشته شدند.

سرانجام شهر کاشان به گلوله بسته شد و نایب حسین و اتباعش فرار کردند.

۱۵ در تبریز روزنامه شفق به مدیریت میرزا صادق خان رضازاده انتشار یافت.

۱۵ به دنبال لغو امتیاز روزنامه سرکش و تندروی شرق، سید ضیاءالدین به انتشار روزنامه برق اقدام نمود.

همکاران سیدضیاءالدین در روزنامه شرق عبارتند از: احتشام همایون ـ میرزا علی اصغرخان (زرین کفش) ـ میرزا علی اکبرخان (داور) ـ آقا شیخ موسی نجم‌آبادی ـ دکتر حسین خان کجال.

هزینه روزنامه‌های شرق و برق توسط زرتشتیان تأمین می‌گردید.

۲۰ میرزا محمدتقی خان، ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی در مشهد به انتشار روزنامه‌ای به نام نوبهار اقدام کرد و اولین شماره آن امروز منتشر شد.

۲۷ پانصد نفر دزد از لار حرکت کرده محال بندرعباس را احاطه نموده و تمام قوافل و قراء را تا حدود شهر غارت کردند. در این غارت مقدار زیادی امتعهٔ انگلیسی نیز از بین رفت.

۲۹ امروز در شیراز عده‌ای از مردم نعش دختر مسلمانی را که مدعی بوده‌اند یهودی‌ها کشته‌اند بر سر دست گرفته به عدلیه هجوم می‌برند. پس از اینکه عدلیه را غارت کردند به محله یهودی‌ها یورش بردند. سربازانی که برای حفظ آن محله فرستاده شده بودند در غارت با شورشیان شرکت نمودند. عده‌ای از قشقائی‌ها نیز در این وقت به آنها ملحق شدند و بیش از همه خسارت وارد آوردند. تمام خانه‌ها بکلی غارت و یغما شدند. ۱۱ یهودی مقتول و ۱۵ نفر مجروح شدند. تعداد یهودیان شیراز پنجهزار نفرند که همه مستأصل و بیچاره شده‌اند.

آبان ماه

۶ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء در کادر وزیران تغییراتی به این شرح داد:

عین‌الدوله وزیر داخله ـ حسینقلی نواب وزیر خارجه ـ فرمانفرما وزیر جنگ ـ صنیع‌الدوله وزیر مالیه ـ محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه ـ شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف. برای وزارتخانه‌های علوم و اوقاف و فوائد عامه و تجارت وزیر تعیین نشد.

مستوفی‌الممالک در این تغییرات قوام‌السلطنه، حکیم‌الملک، دبیرالملک را از کابینه خارج ساخت و عین‌الدوله و محتشم‌السلطنه را داخل کار کرد.

۸ شهاب‌السلطنه بختیاری با ۲۵۰ سوار به تعقیب نایب حسین کاشی پرداخت. نایب حسین و اتباعش به سمت اردستان متواری شدند.

آذر ماه

۱ به دستور سردار اسعد بختیاری خوانین ایل به تهران احضار شدند. ظاهراً اختلافاتی بین سران بختیاری بوجود آمده است که بیم مخاصمه و مقاتله زیاد است. سردار مشغول حل و فصل است.

۴ مجلس شورای ملی در جلسه امروز خود به پیشنهاد دولت تصویب نمود ماهیانه چهارصد تومان حقوق به ستارخان و سیصد تومان حقوق به باقرخان پرداخت شود.

۴ در جلسه امروز مجلس شورای ملی برای ورّاث سیدعبدالله بهبهانی ماهیانه پانصد تومان حقوق تعیین شد.

۱۴ امروز صنیع‌الدوله وزیر مالیه لایحه قرضه از بانک شاهی را به مجلس تقدیم نمود. مجلس درخواست نمود پروگرام مخارج باید ضمیمه لایحه باشد.

۱۵ در جلسه امروز مجلس شورای ملی مسئله استقراض از بانک شاهنشاهی از طرف دولت مطرح گردید. اقلیت و مخالفین به شدت به آن اعتراض نمودند.

۲۹ غلامحسین خان صاحب‌اختیار فرمانفرمای جدید

خراسان و سیستان وارد مشهد شد.

دی ماه

۵ حسینقلی نواب وزیر امور خارجه از کار کناره گیری کرد. محتشم السلطنه جای او را گرفت.
۲۳ مجلس شورای ملی کلیه قروض ایران را به بانک استقراضی روس یک کاسه کرد.

بهمن ماه

۱۲ رئیس نظمیه اصفهان امروز صبح حکمران را در اتاق خود مورد سوءقصد قرار داد. در این تیراندازی معتمد خاقان حکمران به‌شدت زخمی شد، برادرزاده وی نیز به قتل رسید. رئیس نظمیه ظاهراً تبعهٔ روس می‌باشد.
۱۳ مجلس شورای ملی قرارداد استخدام مستشاران امریکائی را برای وزارت مالیه به مبلغ ۵۶۰۰ لیره مواجب در سال تصویب کرد.
۱۴ مرتضی قلی‌خان صنیع الدوله اولین رئیس مجلس شورای ملی در چهارراه مخبرالدوله هدف گلوله دو نفر کارگر روسی قرار گرفته به قتل رسید. قاتلین چون تبعه روسیه بودند از طریق وزارت امور خارجه تحویل سفارت روس شدند.[1]

۱ ــ مرتضی‌قلی صنیع الدوله دومین فرزند ذکور علیقلی خان مخبرالدوله است. وی پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد دارالفنون تهران شد و آن را به پایان برد. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان اعزام گردید و قریب پانزده سال در آنجا تحصیل و کارآموزی کرد و در رشته معدن درجه علمی دریافت نمود. در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه به ایران آمد و چند کارخانه دائر کرد. در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه به وزارت خزانه‌داری رسید. بعد به ریاست پستخانه منصوب شد. پس از صدور فرمان مشروطیت نماینده اعیان تهران بود و در نخستین جلسه مجلس شورای ملی به ریاست انتخاب شد. روزی که میرزا علی اصغر خان اتابک رئیس‌الوزراء ترور شد او از ریاست کناره‌گیری کرد. بعد از استبداد صغیر در چند کابینه وزارت گرفت تا اینکه توسط دو تن از کارگران خود ترور شد. قاتلین چون تبعه قفقاز بودند از طریق وزارت امور خارجه تحویل دولت روسیه تزاری شدند. قتل صنیع الدوله به‌هیچوجه جنبه سیاسی نداشت و نظرات برادرش حاج مخبرالسلطنه که در کتاب خاطرات و خطرات، سپهدار تنکابنی و سردار محیی را عامل تحریک می‌داند صحیح نیست.

۱۸ ناصرالملک نایب‌السلطنه ایران با تشریفات کامل و استقبال فراوان وارد تهران شد و عمارت بادگیر را دفتر کار خود قرار داد و دربار باشکوهی برای خویش تدارک دید و از مجلس عنوان «والاحضرت اقدس» گرفت.
۱۸ ناصرالملک بیانیه‌ای انتشار داد و طی آن متذکر شد که اصول پارلمانی به معنای واقعی باید در ایران مستقر شود. اقلیت و اکثریت و فراکسیون‌های پارلمانی رویه سیاسی خود را تعیین نمایند.[1]

اسفند ماه

۱۲ قانون محاسبات عمومی در ۵۷ ماده و قانون دیوان محاسبات در ۱۴۱ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.
۱۳ ناصرالملک نایب‌السلطنه امروز در مجلس مراسم تحلیف را بجای آورد. ناصرالملک در نطقی افزود وظیفه من فقط پیشنهاد رئیس‌الوزراء است، مسئول مجلس وزیران هستند.
۱۷ مستوفی‌الممالک از سمت رئیس‌الوزرائی کناره‌گیری کرد.
۱۸ به پیشنهاد ناصرالملک نایب‌السلطنه و تصویب مجلس شورای ملی سپهدار تنکابنی به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد.
۲۰ سپهدار وزیران خود را به نایب‌السلطنه سپس مجلس شورای ملی به این شرح معرفی کرد:

سپهدار رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ، معاون‌الدوله وزیر پست و تلگراف و وزیر تجارت، علاءالسلطنه وزیر علوم و وزیر فوائد عامه، مستشارالدوله وزیر داخله، محتشم‌السلطنه وزیر خارجه، ممتازالدوله وزیر مالیه، مشیرالدوله وزیر عدلیه.
۲۴ پروگرام کابینه در مجلس به تصویب رسید.

۱ــ احزاب سیاسی در ایران از دست‌آوردهای انقلاب مشروطیت بود و ناصرالملک نایب‌السلطنه در اینمورد سهم بسزائی دارد. هیچکدام از احزابی که بعد از مشروطیت در ایران پا گرفتند دوام زیادی نداشتند و در حقیقت این احزاب برحسب زمان و موسم سیاسی بوجود می‌آمدند، مرحوم ملک‌الشعرای بهار شرح مختصری در کتاب «تاریخ احزاب سیاسی»، جلد اول مرقوم داشته‌اند که در بخش ضمائم آمده است.



سران بختیاری پس از استبداد صغیر در تمام شئون کشور مداخله یافتند. در هر کابینه‌ای چند بختیاری شرکت داشتند، ایالات مهم به سران بختیاری تعلق می‌گرفت. گذشته از اینها سرداران بختیاری که خود را فاتح تهران می‌دانستند در شهرها مخصوصاً تهران مرتکب همه گونه کارهای خلاف می‌شدند. سرانجام دولت تصمیم به خلع‌سلاح آنها گرفت و ژاندارمری این مأموریت را یافت و پس از چند ساعت زد و خورد سرانجام تمام بختیاریها خلع‌سلاح شدند.

سال ۱۲۹۰ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۱۱ تا ۲۱ مارس ۱۹۱۲ میلادی

فروردین ماه

۱ سپهدار رئیس الوزراء حیدر عمو اوغلی و یارمحمد خان دو تن از مجاهدین تندرو را توقیف کرد.

اردیبهشت ماه

۱۶ در اصفهان به علت قحطی و کمیابی نان عده‌ای از زنان دست به تظاهرات زدند. آنها به حالت اجتماع به اداره بلدیه رفته ضمن حمله به عمارت بلدیه و غارت اموال رئیس بلدیه را به قتل می رسانند و جسد او را در میدان شاه آویزان می‌کنند، سپس به غارت ادارات دولتی پرداخته و محبوسین را از زندانها آزاد می‌کنند. به دستور حکمران به روی آنان آتش گشوده می شود. چندین نفر زخمی و سپس متفرق می شوند.

۱۷ مورگان شوستر امریکائی که برای سر و صورت دادن به وضع مالی ایران استخدام شده است به اتفاق شانزده نفر از همکاران خود وارد تهران شد.

۲۴ سپهدار رئیس الوزراء بدون اطلاع به گیلان رفت و قصد خروج خود را از کشور اعلام نمود.

۲۸ سپهدار از مسافرت گیلان به تهران بازگشت و استعفا داد ولی استعفای او قبول نشد.[۱]

۳۰ ابوالفتح میرزا سالارالدوله برادر محمدعلی شاه که مدعی تاج و تخت ایران است وارد سنندج شد.

خرداد ماه

۲ سپهدار وزیران تازه خود را به این شرح به مجلس معرفی کرد:

سپهدار رئیس الوزراء و وزیر جنگ ــ مستشارالدوله وزیر داخله ــ محتشم السلطنه وزیر خارجه ــ معاون الدوله وزیر مالیه ــ مشیرالدوله وزیر عدلیه ــ ممتازالدوله وزیر پست و تلگراف ــ علاءالسلطنه وزیر فوائد عامه و سرپرست علوم و اوقاف.

۱۰ قانون طبابت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۱۰ دولت ایران با تصویب مجلس شورای ملی ۲۵۰,۰۰۰ لیره انگلیسی از بانک شاهی وام گرفت. بهره متعلقه به این وام ۵٪ خواهد بود. قسمتی از این وام بابت قروض سابق دولت ایران به بانک شاهی اختصاص خواهد یافت.

۱ ــ دربارهٔ چگونگی مسافرت سپهدار به رشت و مراجعت وی در بخش ضمائم و تعلیقات شرح بیشتری داده شده است.

۱۲ قانون تشکیل و ترتیب امور مالیاتی مملکت در مجلس تصویب شد.

۱۹ قانون ثبت اسناد در ۱۳۹ ماده از تصویب مجلس گذشت.

۲۳ مجلس شورای ملی لایحه اختیارات مورگان شوستر امریکائی را به تصویب رسانید و عنوان وی خزانه‌دار کل ایران شد. قانون اختیارات شوستر معروف به قانون ۲۳ جوزا می‌باشد. خزانه‌دار امریکائی سالیانه دوهزار لیره حقوق با خرج سفرهای داخلی و خارجی اخذ خواهد نمود.

۲۵ مورگان شوستر خزانه‌دار کل ایران برای اجرای تصمیمات خود مبنی بر وصول مالیات معوّقه از متنفذین مبادرت به تشکیل نیروی نظامی نمود و نام آنرا ژاندارمری خزانه نهاد.

در این سازمان ده صاحب‌منصب خارجی و ۳۵ صاحبمنصب ایرانی وجود دارند. ریاست ژاندارمری خزانه به ماژور استوکس اتاشه نظامی سفارت انگلیس سپرده شد.

تیر ماه

۲۶ محمدعلی میرزا شاه مخلوع به اتفاق برادرش ملک‌منصور میرزا شعاع السلطنه با مقادیر زیادی اسلحه و سپاه عظیم برای تصرف پایتخت وارد گمش‌تپه شد.

۲۶ محمدعلی میرزا طی تلگرافی امور کشور را تا ورود خود به تهران به سپهدار رئیس الوزراء محول نمود.

۲۶ صمصام‌السلطنه بختیاری به وزارت جنگ منصوب شد.

۲۷ سپهدار در کادر وزیران تغییراتی داد. وزیران تازه به این شرح است:

وثوق‌الدوله وزیر داخله ــ محتشم‌السلطنه وزیر خارجه ــ صمصام‌السلطنه وزیر جنگ ــ معاون‌الدوله وزیر مالیه ــ قوام‌السلطنه وزیر عدلیه ــ حکیم‌الملک وزیر اوقاف و علوم.

۲۸ محمدعلی میرزا با سپاه خود وارد گرگان شد ورشته امور را در دست گرفت.

۲۸ ملک‌منصور میرزا شعاع‌السلطنه وارد بابل شد و مردم از وی استقبال کردند.

۲۸ میرزا علی خان ارشدالدوله شاهرود را تصرف کرد و با سپاه خود به سمت تهران حرکت نمود.

مرداد ماه

۲ سپهدار تنکابنی از رئیس الوزرائی معزول شد و مجلس صمصام‌السلطنه بختیاری را به رئیس الوزرائی تعیین نمود. محتشم‌السلطنه نیز متهم به سازش با محمدعلی میرزا شد و مجلس رأی به برکناری وی داد.

۳ صمصام‌السلطنه وزیران خود را تعیین و معرفی کرد:

صمصام‌السلطنه رئیس الوزراء و وزیر جنگ ــ قوام‌السلطنه وزیر داخله ــ وثوق‌الدوله وزیر خارجه ــ حکیم‌الملک وزیر مالیه ــ مشیرالدوله وزیر عدلیه ــ دبیرالملک وزیر پست و تلگراف ــ علاءالسلطنه وزیر علوم و اوقاف.

۳ صمصام‌السلطنه پروگرام دولت را در ٤ اصل به مجلس تقدیم نمود:

اصل اوّل ــ تبدیل انتخابات مجلس شورای ملی به یک درجه‌ای.

اصل دوّم ــ حق تجدید نظر در قانون اساسی.

اصل سوم ــ خواستن اختیارات بیشتر برای وزیران.

اصل چهارم ــ حق انفصال مجلس برای شاه و نایب السلطنه.

۳ قانون جدید حکومت نظامی برای اولین بار در یازده ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

٤ طرفداران محمدعلی شاه در تهران به امر دولت بازداشت شدند. امین‌الدوله، ظهیرالاسلام و مجدالدوله جزء بازداشت‌شدگان هستند. به هنگام توقیف مجدالدوله کار به زد و خورد کشید و زن و بچه او به سفارت روس رفتند.

٤ اسلحه خریداری از دولت روسیه وارد شد. در این محموله هفت هزار تفنگ و چهل میلیون فشنگ بود.

۵ ابوالفتح میرزا سالارالدوله با دوهزار سوار و پیاده وارد کرمانشاه شد وضمن تلگراف تند و سختی به مجلس خواستار سلطنت محمدعلی میرزا شد.

۸ دبیرالملک از وزارت پست و تلگراف معزول و به جای وی معاضدالسلطنه وزیر شد.

۸ بنا به پیشنهاد دولت مجلس شورای ملی قانونی به شرح



نجفقلی خان صمصام السلطنه رئیس الوزرا که اولتیماتوم روسها را پذیرفت

زیر به تصویب رسانید:

«کسانیکه محمدعلی میرزا را دستگیر یا اعدام نمایند یکصد هزار تومان جایزه دریافت خواهد کرد و کسانی که سالارالدوله و شعاع السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند برای هرکدام ۲۵ هزار تومان پاداش داده خواهد شد».

۱۵ سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله والی آذربایجان شد. مخبرالسلطنه والی سابق به اروپا رفت.

۱۶ عده کثیری در مشهد دست به تظاهرات علیه رژیم مشروطه زدند. این عده در حرم مطهر ثامن الائمه و سایر بقاع متبرکه اجتماع نموده برای سلطنت محمدعلی شاه مشغول اقدام شدند. در اثر زد و خورد عده زیادی مقتول و مجروح شدند.

۱۹ اولین برخورد جنگی بین قوای بختیاری و قوای دولتی با سپاه محمدعلی میرزا در فیروزکوه آغاز شد. در این نبرد رشیدالسلطان فرمانده سپاه محمدعلی میرزا کشته شد. فرماندهی قوای دولت را معین همایون بختیاری برعهده داشت.

۲۳ سه نفر افسر سوئدی که برای تشکیلات ژاندارمری استخدام شده بودند وارد تهران شدند. کلنل یالمارسن ریاست این هیئت را عهده‌دار است.

شهریور ماه

۱۳ قوای دولتی و مجاهدان ارمنی و نیروی بختیاری به سرکردگی پیرم‌خان و سردار بهادر و سردار محتشم به استقبال قوای محمدعلی میرزا رفتند و درمقابل نیروی ارشدالدوله آرایش جنگی گرفتند. زد و خورد بین دو سپاه در امام‌زاده جعفر ورامین آغاز شد.

۱٤ ارشدالدوله از سپاه دولتی شکست خورد و پس از برداشتن چند زخم به اسارت درآمد. افراد باقیمانده سپاه وی متواری شدند.

۱۵ ارشدالدوله در دادگاه زمان جنگ محاکمه و محکوم به اعدام شد و حکم به مرحله اجرا درآمد. آنگاه نعش وی را قریب یکهفته در توپخانه به معرض نمایش گذاردند.[۱]

۱ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود.



ابوالفتح میرزا سالارالدوله سوّمین فرزند ذکور مظفرالدین شاه چندین بار برای تصاحب تاج وتخت قیام کرد

۱۵ قوای سالارالدوله به دولت‌آباد ملایر رسید. امیر افخم حاکم ملایر پس از مختصر دفاعی شکست خورد و دویست کشته برجای گذارد و مخازن اسلحه وی به دست سالارالدوله افتاد.

۱۵ سالارالدوله سلطان‌آباد عراق را تصرف کرد و مبلغی از ثروتمندان و مشروطه‌خواهان جریمه گرفت.

۱۹ جنگ بین ملک منصور میرزا شعاع السلطنه و قوای دولتی در حوالی مازندران آغاز شد که منجر به شکست شعاع السلطنه گردید.



ملک منصور میرزا شعاع‌السلطنه فرزند مظفرالدینشاه که به اتفاق محمدعلی میرزا برادرش به ایران حمله کرد

مهر ماه

۲ سالارالدوله خود را شاه خواند.

۲ یپرم‌خان به یک قبضه شمشیر مرصع مخلع گردید و مجلس برای او مقرری سالیانه بر مبنای سه‌هزار و ششصد تومان تعیین نمود.

٤ در باغشاه نوبران جنگ شدیدی بین قوای دولتی و سالارالدوله به وقوع پیوست. سالارالدوله پس از چند ساعت مقاومت شکست خورده فرار کرد.

۱۸ مورگان شوستر خزانه‌دار کل در اجرای تصویبنامه هیئت وزیران برای وصول مطالبات معوقه و مالیات شعاع‌السلطنه اجرائیه صادر نمود و به توقیف املاک و اموال وی پرداخت. همچنین نسبت به سالارالدوله نیز اجرائیه صادر شد.

۱۹ نماینده سفارت روس در وزارت امور خارجه حضور یافته متذکر شد املاک شعاع‌السلطنه در گروی بانک روس است، لذا دولت نباید آنرا توقیف کند. ضمناً چند قزاق از سفارت روس برای جلوگیری از توقیف املاک شعاع‌السلطنه به پاسداری پرداختند.

آبان ماه

۳۰ صمصام‌السلطنه با هیئت وزیران در مجلس حضور یافته اظهار کرد تقاضای سفارت روسیه نسبت به رفع تعرض از املاک شعاع‌السلطنه را پذیرفته است و ژاندارم خزانه باید آنجا را تخلیه کند.

۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای ملی در ۵۳ ماده به تصویب رسید. به موجب این قانون انتخابات در سراسر کشور یک درجه‌ای خواهد بود.

آذر ماه

۷ صمصام‌السلطنه در وزیران تغییراتی داد و هیئت دولت را به این شرح به مجلس معرفی کرد:

صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ وثوق‌الدوله وزیر خارجه ــ سردار محتشم وزیر جنگ ــ ذکاءالملک وزیر مالیه ــ محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه ــ معاضدالسلطنه وزیر پست و تلگراف ــ مستشارالدوله وزیر علوم و اوقاف.

در همین جلسه مجلس نسبت به صلاحیت محتشم‌السلطنه از طرف نمایندگان دموکرات اعتراض و جنجال شد. صمصام‌السلطنه در پاسخ نمایندگان مخالف اظهار کرد به بختیاری دستور می‌دهیم که تمام دموکرات‌ها را بکشند!

۸ سفارت روسیه اولتیماتومی بر مبنای سه اصل به دولت داد و برای آن چهل و هشت ساعت مهلت قائل شد. اصول سه گانه عبارتست از:

۱ ــ اخراج مورگان شوستر امریکائی.
۲ ــ استخدام اتباع خارجی با اجازه روس و انگلیس.
۳ ــ پرداخت خسارت لشکرکشی روسیه به ایران.

۹ جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی با شرکت وزیران برای اتخاذ تصمیم دربارهٔ اولتیماتوم روسیه تشکیل شد. وزیر خارجه (وثوق‌الدوله) گزارشی از سابقه امر به مجلس داد و پیشنهاد نمود مجلس با آن موافقت نماید. در این جلسه عده زیادی از نمایندگان با حرارت و احساسات سخن گفتند. سرانجام مجلس به اتفاق آراء اولتیماتوم روسیه را ردّ کرد. هنگامی که مجلس سرگرم بحث درباره اولتیماتوم بود هزاران نفر از مردم تهران در اطراف مجلس علیه روسیه و اعمال خشونت‌بار عمال روس تظاهرات می‌کردند.

۹ میرزا احمدخان مشیرالسلطنه صدراعظم سابق مورد سوءقصد قرار گرفته به سختی مجروح گردید. در این سوءقصد برادرزاده او و درشکه‌چی به قتل رسیدند.[۱]

۹ به دنبال اولتیماتوم روسیهٔ تزاری به ایران و انتشار آن موجی از خشم و غضب در مردم پدیدار شد. بازار تهران و شهرها تعطیل شد و مردم ضمن تظاهرات همه‌جانبه آماده دفاع از وطن شدند.

۹ میرزا احمدخان علاءالدوله از امنای درجه اول دولت به هنگام خروج از منزل خود به ضرب چند گلوله به قتل رسید.[۲]

۱۰ به دنبال رد اولتیماتوم روس توسط مجلس شورای ملی، قوای روس که در تبریز و رشت اقامت داشت وارد قزوین شد.

۱۲ علمای حوزه علمیه نجف و کربلا پس از اطلاع از

۱ ــ شرح‌حال مشیرالسلطنه در بخش ضمائم و تعلیقات آمده است.

۲ ــ قتل میرزا احمدخان علاءالدوله و سوءقصد به مشیرالسلطنه به دستور پیرم‌خان رئیس نظمیه صورت گرفت و ایادی وی برای ارعاب نمایندگان مجلس به چنین جنایتی دست زدند. بازماندگان علاءالدوله برای خویش نام خانوادگی امیرعلائی را انتخاب کردند. از فرزندان ذکور وی یکی سرتیپ جان محمدخان امیرعلائی است که مرتکب صدها قتل و غارت شد و رضاشاه او را از ارتش اخراج نمود. میرزا حسن پیرنیا (مشیرالدوله) و امیر اعظم عضدی و سپهبد محمد نخجوان (امیر موثق) دامادهای او بودند. کوچکترین فرزندش فتح‌الله امیرعلائی در دربار پهلوی سمتی کوچک داشت.

اولتیماتوم روسیه تزاری تصمیم گرفتند برای نجات ایران و مبارزه با روس وارد ایران شوند و هدایت جامعه مسلمان ایران را برعهده بگیرند. آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی زعمای قیام علیه جور و تجاوز بیگانگان به ایران بودند.

۱۳ سیل روحانیون و علمای نجف و کربلا و سامره به سوی ایران سرازیر شد و عده زیادی از علماء وارد کرمانشاه شدند.

۲۰ صمصام‌السلطنه در کابینه تغییراتی به این شرح داد:

قوام‌السلطنه وزیر داخله ــ حکیم‌الملک وزیر مالیه ــ ذکاءالملک وزیر عدلیه. بقیه وزیران در سمت خود ابقاء شدند. تنها محتشم‌السلطنه از کابینه خارج شد.

۲۱ آخوند ملامحمدکاظم خراسانی مجتهد بزرگ و فقیه عالیقدر و صاحب کتاب کفایة الاصول بطور ناگهانی درگذشت و ماتم و اندوه سراسر جهان اسلام را فراگرفت. در نجف و کربلا و سامره و تمام شهرهای ایران تعطیل عمومی شد و مردم به عزاداری پرداختند. بازار واصناف سه روز تعطیل کردند.[۱]

۲۴ سفارت روسیه طی یادداشتی اعلام کرد چنانچه ظرف شش روز سه خواسته آنها جامه‌عمل نپوشد چهار هزار سرباز روسی وارد تهران خواهند شد.

۲۷ بنا به تقاضای دولت جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی برای اتخاذ تصمیم درباره یادداشت روس تشکیل یافت. صمصام‌السلطنه از مجلس اختیار خواست تا اولتیماتوم دولت روسیه را بپذیرد و یا پنج نماینده تعیین کنند که آنها به اتفاق هیئت دولت تصمیم به قبول خواسته‌های روسیه بگیرند. مجلس با هردو پیشنهاد مخالفت کرد.

۲۸ پیرم خان رئیس نظمیه به مجلس اولتیماتوم داد تا ظرف چهار ساعت مجلس تصمیم خود را بر یکی از دو اصل اتخاذ کند:

۱ ــ اولتیماتوم روسیه را قبول نماید.
۲ ــ پنج نماینده با اختیار تام از بین خود انتخاب نمایند تا آنها اولتیماتوم را قبول نمایند.

۲۸ مجلس شورای ملی تسلیم پیرم‌خان شد و از بین خود

۱ ــ برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ آخوند ملامحمد کاظم خراسانی به بخش ضمائم و تعلیقات مراجعه شود.



مورگان شوستر امریکائی خزانه‌دار کل ایران

پنج نماینده تعیین نمود تا به اتفاق هیئت وزیران اولتیماتوم روس را قبول کند. سیدحسن مدرس، فهیم‌الملک، سردار اسعد بختیاری، شیخ ابراهیم زنجانی و سعیدالاطباء جزو پنج نفر بودند.

۲۸ دولت تصمیم مجلس را مبنی بر قبول اولتیماتوم از طرف نمایندگان منتخب به سفارت روس اعلام کرد.

۲۸ در گیلان قزاقان روسی دست به کشتار و قتل و غارت زدند، رئیس نظمیه را به دار زدند و ده نفر از محترمین را به روسیه تبعید نمودند.

۲۸ در جلسه امروز مجلس بین افتخار الواعظین و ادیب‌التجار و میرزاعلی بر سر رد یا تصویب اولتیماتوم گفتگو و هیاهو شد و کار به مشاجره و زد و خورد کشید. افتخار الواعظین به شدت مضروب و مجروح گردید. مؤتمن‌الملک دستور داد نمایندگان منازعه کننده را حبس کردند.

۲۸ افتخارالواعظین پس از خلاصی از حبس از نمایندگی مجلس استعفا داد.

۲۸ در جلسه امروزمجلس شیخ محمد خیابانی علیه روسیه سخن راند و اعمال آنان را به شدت نکوهش نمود و اضافه کرد اولتیماتوم روس را نباید قبول کرد.

۲۸ بعدازظهر امروز میرزا حسین خان معین‌الوزاره رئیس کابینه وزارت خارجه در منزل مورگان شوستر امریکائی حضور یافته و به وی ابلاغ نمود از سمت خزانه‌داری کل معزول شده است و باید هرچه زودتر خاک ایران را ترک نماید.

۲۹ بین عده‌ای از سربازان روسی و مأمورین نظمیه در تبریز زد و خوردی روی داد. در این زد و خورد چندین پلیس به شهادت رسیدند.

۳۰ از بامداد امروز مجدداً بین قزاق‌های روسی و مردم و پلیس جنگ درگرفت. روس‌ها قسمتی از بازار و خیابانها را به آتش کشیدند و دکاکین را غارت و تاراج کردند.

۳۰ سالارالدوله با لشکری مجهز وارد کرمانشاه شد. این بار قصد او تصاحب تاج و تخت ایران است.

دی ماه

۱ قزاقان روسی در تبریز در سطوح وسیعی دست به کشتار زدند. روس‌ها عده‌ای را به وضع دلخراشی با نفت و بنزین سوزاندند و عده‌ای را نیز در تنور آتش انداختند.

۱ در مشهد بین عده‌ای از مستبدان و مشروطه‌خواهان نزاع خیابانی درگرفت و قزاقان روس امور شهر را در دست گرفتند.

۱ فرمان انتخابات دوره سوم قانونگذاری به طریق یک درجه‌ای از طرف نایب‌السلطنه صادر شد. ناصرالملک طبق بخشنامه‌ای وزارت داخله را به اهمیت موضوع توجه داد.

۲ یک مجلس عالی در دربار با حضور نمایندگان مجلس، وزراء، رجال و مقامات مملکتی تشکیل شد. هیئت دولت رویه مجلس را نسبت به ردّ اولتیماتوم روسیه مورد انتقاد و نکوهش قرار داد و مشکلات کشور را متوجّه اعمال مجلس دانست و از ناصرالملک درخواست نمودند تا مجلس را منحل کند.

۲ ناصرالملک نایب‌السلطنه پیشنهاد دولت را مبنی بر

انحلال مجلس پذیرفت و فرمان آنرا صادر کرد و یپرم‌خان رئیس نظمیه مأمور بستن مجلس شد.

۲ مجاهدین تبریز برای جلوگیری از فجایع روس‌ها دست از جنگ‌های خیابانی کشیدند.

۳ یپرم‌خان با عده‌ای از فدائیان خود به مجلس شورای ملی رفته وکلاء را از مجلس اخراج کرد و درب مجلس را قفل نموده و دستور داد کسی را به‌آنجا راه ندهند.

۳ دیکتاتوری ناصرالملک و لجام گسیختگی صمصام‌السلطنه و بختیاری‌ها آغاز گردید.

٤ مستر اسمارت قنسول جدید انگلیس در شیراز که به محل مأموریت جدید خود رهسپار بود در کتل‌دختر که سپرده به محمدعلی خان کشکولی است هدف گلوله راهزنان قرار می‌گیرد. در این تیراندازی دو نفر از همراهان اسمارت مقتول و هشت نفر زخمی می‌شوند. اسمارت و دو نفر دیگر که زخم برداشته بودند تا مدتی مفقود بودند.

۵ قزاقان روسی بر شهر تبریز مسلط شدند و کلیه امور آنجا را تحت سیطره خود قرار دادند.

۵ به دنبال تسلط کامل قزاقان روس در شهر تبریز شاهزاده امان‌الله میرزا ضیاءالدوله فرمانده قشون آذربایجان و نایب‌الایاله در کنسولگری انگلیس متحصن شد.

۵ عبدالحسین میرزا فرمانفرما و یارمحمدخان سردار کل برای سرکوبی سالارالدوله با لشکری آراسته به سوی کرمانشاه حرکت کردند.

۶ ناصرالملک به تبعید مخالفین خود پرداخت. عده‌ای از نمایندگان مجلس را که عضو حزب دموکرات بودند و جمعی از روزنامه‌نگاران را تبعید کرد.

۹ میرزاعلی آقا ثقةالاسلام تبریزی مجتهد بزرگ و مبارز تبریز هنگام خروج از منزل خود توسط عده‌ای از اعضاء کنسولگری روس دستگیر شد. در همان روز عده‌ای قریب دویست نفر ازطرف روس‌ها دستگیر و به زندان کشیده شدند.

۱۰ روس‌ها در تبریز ثقةالاسلام و هفت نفر دیگر از مجاهدین را به دار آویختند.[1]

۱ ـ برای دانستن زندگینامه و مبارزات ثقةالاسلام تبریزی به اثر تحقیقی شادروان نصرت‌الله فتحی بنام «زندگینامه شهید نیکنام ثقةالاسلام تبریزی» مراجعه شود.

۱۱ صمدخان شجاع‌الدوله وارد تبریز شد و زیر حمایت روس‌ها امور حکومتی را در دست گرفت.

۱۵ امان‌الله میرزا ضیاءالدوله که در کنسولگری انگلیس در تبریز متحصن شده بود با اسلحه گرم خودکشی کرد.

۱۵ به پیشنهاد هیئت وزیران و فرمان ناصرالملک نایب‌السلطنه مسیو مرنارد بلژیکی رئیس کل گمرک ایران بجای مورگان شوستر امریکائی موقتاً به مقام خزانه‌داری کل تعیین شد.

متن فرمان به این شرح است:

بنام اعلیحضرت سلطان احمدشاه

بر وفق پیشنهاد شورای وزراء، ما به طریق ذیل امر می‌نمائیم:

ماده اوّل ـ به ملاحظه تصمیم شورای وزراء که بر طبق عقیده کمیسیون مخصوص که از طرف اعضای منتخبه پارلمان تشکیل شده نموده‌اند، چون مستر مورگان شوستر از مقام خزانه‌داری کل منفصل شده‌اند مسیو مرنارد مدیرکل گمرکات موقتاً به مقام خزانه‌داری کل تعیین شده‌اند.

ماده دوم ـ بنابراین مسیو مرنارد از تاریخ این حکم مشاغل خزانه‌داری را در تحت امر وزیر مالیه به عهده خواهد گرفت و از همان تاریخ تمام حوالجات و نوشتجات خزانه‌داری باید به امضای ایشان رسیده بدون آن از درجه اعتبار ساقط خواهند بود.

ماده سوّم ـ کمیسیونی از طرف شورای وزراء تعیین و مجاز خواهد شد که به محاسبات خزانه‌دار سابق رسیدگی نموده و آنها را به کفیل خزانه‌داری جدید تفویض نماید.

ماده چهارم ـ وزیر مالیه مسئول طریقه اداره نمودن و انجام وظایف خزانه‌داری کل است و ایشان تعلیمات لازمه را پس از تصویب شورای وزراء برای مدیر موقتی خزانه خواهد فرستاد.

ماده پنجم ـ اجرای این حکم با وزیر مالیه است.

امضاء: ابوالقاسم ناصرالملک نایب‌السلطنه ـ نجفقلی رئیس شوریٰ ـ وثوق‌الدوله وزیر خارجه ـ قوام‌السلطنه وزیر داخله ـ ذکاءالملک وزیر عدلیه ـ معاضدالسلطنه وزیر پست و تلگراف ـ غلامحسین وزیر جنگ ـ حکیم‌الملک وزیر مالیه

۱۵ محرم تنگوزئیل ۱۳۳۰ (۱۵ دی ۱۲۹۰ ـ ۶ ژانویه ۱۹۱۲)

۱۸ در جنگ سختی که بین قوای دولتی و سپاهیان سالارالدوله رخ داد مدعی تاج و تخت ایران شکست خورده عقب‌نشینی کرده و کرمانشاه به تصرف قوای دولتی درآمد.

۲۲ به دستور عبدالحسین میرزا فرمانفرما عده‌ای از اهالی کرمانشاه به جرم همکاری با سالارالدوله اعدام شدند. در میان اعدام‌شدگان پنج روحانی نیز بودند.

۲۲ مورگان شوستر خزانه‌دارکل ایران که بر اثر اولتیماتوم روس برکنار شده بود با دریافت خسارت تهران را ترک کرد.[۱]

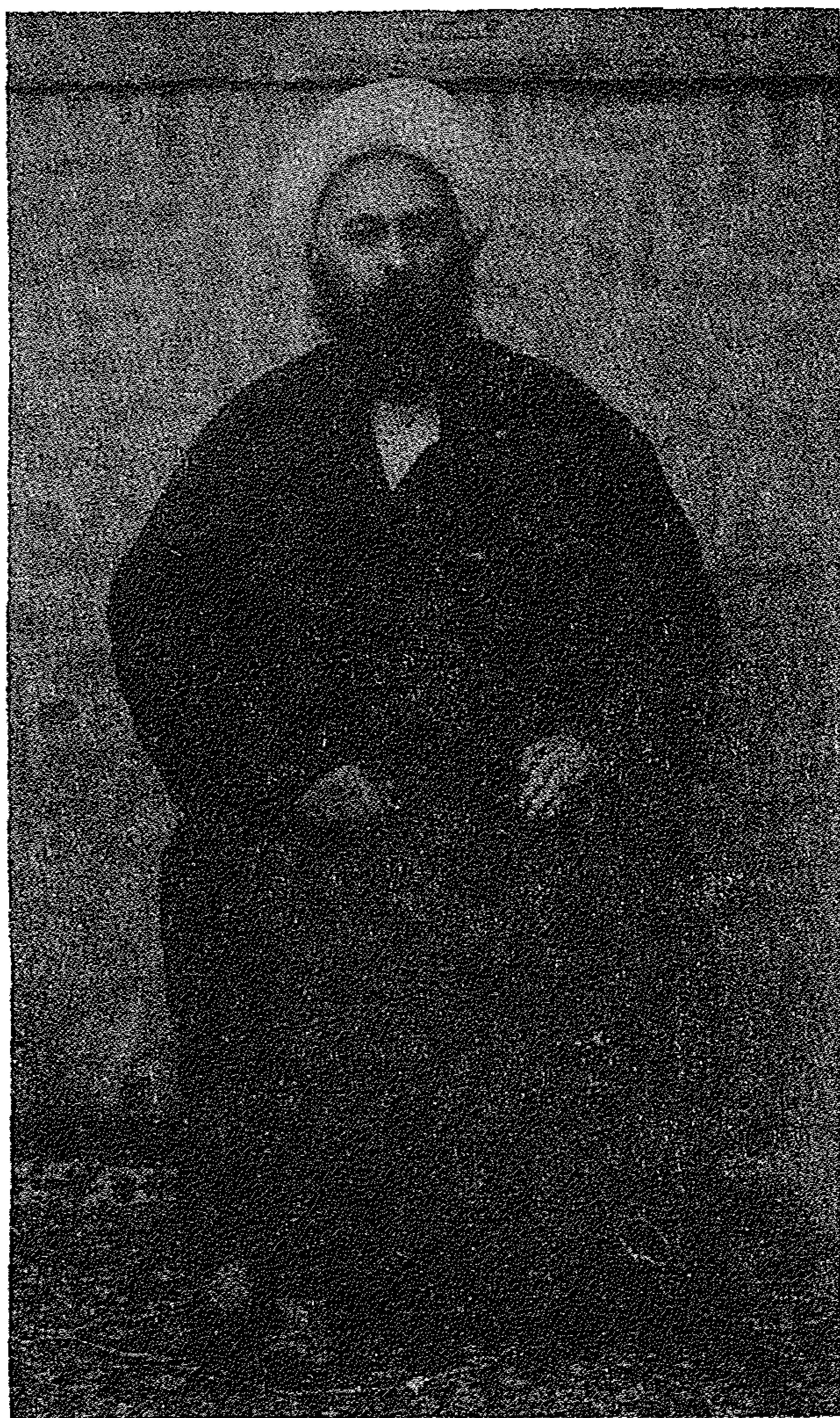
۲۸ به دنبال اخراج شوستر از ایران ژاندارمری خزانه منحل گردید و افراد آن ضمیمه ژاندارمری دولتی شدند.

اسفند ماه

۱۸ محمدعلی میرزا که چندی در نواحی مرزی ایران به هوای تصرف تاج و تخت بسر می‌برد مأیوسانه ایران را ترک و به روسیه عزیمت نمود.

۲۹ در تمام شهرهای آذربایجان برف سنگینی بارید و سرمای شدیدی ظاهر شد بطوریکه این سرما در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. تعداد زیادی احشام و چهار پایان در آغل و اصطبل تلف شدند.

همچنین در سایر شهرهای شمالی و غربی ایران سرمای شدیدی حادث شد. در همدان به علت نزول برف سنگین مردم به مدت یک هفته از خانه‌های خود خارج نشدند و عده‌ای از مردم نیز تلف گردیدند و کلیه راههای ارتباطی در آذربایجان و غرب مسدود گردید.



حاج میرزا علی خان ثقة‌الاسلام تبریزی که توسط روسها در تبریز در روز عاشورا به دار آویخته شد. وی مجتهدی آگاه و وطن‌پرست بود و در مقابل مظالم روسهای تزاری ایستادگی کرد تا سرانجام جان خود را از دست داد.[۱]

در این بیدادگری از طرف اولیای روسیه تزاری تنها ثقة‌الاسلام به دار کشیده نشد بلکه هفت نفر دیگر از آزادیخواهان و مجاهدان در آن روز حلق‌آویز شدند و روس‌ها در کمال شقاوت و بی‌رحمی به این اقدام فجیع دست زدند. ثقة‌الاسلام تا آخرین لحظات شجاعت و استقامت خود را حفظ نمود و به سایرین دلداری می‌داد.

۱ ــ **مورگان** شوستر امریکائی پس از خروج از ایران کتابی تحت عنوان (اختناق ایران) به زبان انگلیسی نوشته منتشر کرد. شوستر در این کتاب ماجرای مأموریت خود را در ایران شرح داده و ضمناً به تشریح اوضاع سیاسی ایران پرداخته، در پاره‌ای موارد به داوری مغرضانه دست زده است. این کتاب اولین بار در بمبئی به فارسی ترجمه و منتشر شد. بار دوم به همت اسمعیل رائین و فرامرز برزگر تجدید چاپ گردید. مورگان شوستر در امریکا مؤسسه انتشاراتی دائر کرد و تا سال ۱۹۶۶ حیات داشت.

۱ــ دار زدن شادروان حاج میرزاعلی ثقة‌الاسلام در تبریز بدست قزاقان روسی در تبریز و سایر شهرهای ایران بازتاب بسیار وسیعی داشت و کینه مردم نسبت به سالدات‌های روسی چند برابر شد. مرحوم ثقه‌الاسلام در میان مردم آذربایجان به زهد و تقویٰ و رشادت و آزادیخواهی معروف بود و مرجعیت کامل داشت. مرحوم نصرت‌الله فتحی کتابی تحت عنوان «شهید نیکنام» درباره زندگینامه آن بزرگوار تدوین کرده‌اند. در این اثر تحقیقی وپرمطلب می‌توان به شخصیت مذهبی و اجتماعی و سیاسی مرحوم ثقة‌الاسلام پی برد بدون مداهنه یکی از مردان بزرگ قرن بود.



ملک المتکلمین خطیب معروف که در باغشاه به قتل رسید

سال ۱۲۹۱ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۱۲ تا ۲۱ مارس ۱۹۱۳ میلادی

فروردین ماه

۹ به دستور ناصرالملک نایب‌السلطنه عده زیادی از مخالفین تبعید شدند. در میان تبعیدشدگان سران حزب دموکرات چون سلیمان محسن، وحیدالملک و حسینقلی نواب بودند.

۱۰ قزاقان روسی در مشهد نسبت به بارگاه باعظمت حضرت ثامن‌الائمه اسائه ادب کردند و آنجا را به توپ بستند. در اثر شلیک توپخانه، سردرها و گلدسته‌ها خراب شدند و خزانه حضرت نیز غارت گردید. عده زیادی در اثر تیراندازی به شهادت رسیدند. تعداد مقتولین از دویست نفر تجاوز کرد.[۱]

۱۴ امروز امیرمفخم بختیاری، قوام‌السلطنه وزیر داخله را برای پاره‌ای مذاکرات به خانه خود دعوت کرد و به محض ورود دستور داد بختیاری‌ها وزیر داخله را در اصطبل منزل حبس نمایند. ظاهراً علت این تصمیم از طرف امیرمفخم این بوده است که چرا وزیر داخله دستور بازداشت طرفداران محمدعلی میرزا را صادر کرده است.

۱۴ محمد ولی خان سپهدار تنکابنی با اختیارات کامل به ایالت آذربایجان منصوب شد.

۱۵ ابوالفتح میرزا سالارالدوله از کرمانشاه به کردستان عزیمت نمود تا سران کرد را با خود همدست گرداند. وی این بار مدعی تاج و تخت ایران می‌باشد.

۱۷ عبدالحسین میرزا فرمانفرما، والی کرمانشاه که در تهران توقف داشت با سپاهی از قزاقان ایرانی و سواران دولتی با توپخانه از تهران آهنگ کرمانشاه کرد.

۲۶ فرمانفرما وارد همدان شد و در آنجا اردو زد.

۳۰ سالارالدوله با عده زیادی از کردان به کرمانشاه بازگشت و آهنگ تسخیر همدان نمود.

اردیبهشت ماه

۱۴ جنگ سختی بین قوای دولتی به‌فرماندهی فرمانفرما و قوای سالارالدوله در نزدیکی های همدان درگرفت. نیروی دولتی از سالارالدوله شکست‌خورد، قورخانه و دارائی های دولتی و سه توپ شنیدر به‌دست سالارالدوله افتاد.

۱۸ به دستورناصرالملک نایب‌السلطنه یپرم‌خان ارمنی و ده نفر از مجاهدان ارمنی از تهران برای کمک به فرمانفرما، روانه همدان شدند.

۲۸ جنگ بین یپرم خان و طرفداران سالارالدوله در شورجه

۱ ـــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود


نظام‌الدین خان مهندس الممالک

به اوج خود رسید.

۲۹ در جنگی که بین سپاه سالارالدوله و نیروی دولتی در حوالی کرمانشاه آغاز شدهٔ بود سردار پیرم‌خان رئیس نظمیه و دکتر سهراب به شهادت رسیدند.

خرداد ماه

۳ جنازه پیرم‌خان در تهران با تشریفات شکوهمند در حالیکه جنازه را روی لوله توپ گذاشته بودند تشییع شد. در مراسم تشییع کلیه مقامات دولتی شرکت داشتند. جنازه پیرم در مدرسه کوشش واقع در خیابان نادری دفن گردید. حین‌الفوت ۴۰ سال داشت.

۱۴ صمصام‌السلطنه وزیران جدید را به این شرح به نایب‌السلطنه معرفی کرد:

محتشم‌السلطنه وزیر داخله ــ وثوق‌الدوله وزیر خارجه ــ سردار محتشم وزیر جنگ ــ معاون‌الدوله وزیر مالیه ــ ممتازالدوله وزیر عدلیه ــ مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف ــ علاءالسلطنه وزیر علوم و اوقاف.

۲۵ سردار محتشم بختیاری وزیر جنگ با حفظ سمت بجای پیرم‌خان ریاست نظمیه را عهده‌دار شد.

۲۶ وثوق‌الدوله از سمت وزیر خارجه کناره‌گیری کرد و علاءالسلطنه عهده‌دار آن وزارتخانه شد.

شهریور ماه

۲۵ سالارالدوله و یارمحمدخان کرمانشاهی با سپاه خود روانه سنندج شدند.

۲۶ فرمانفرما با قوای دولتی وارد کرمانشاه شد و اداره امور را در دست گرفت.

۲۷ بختیاری‌ها و مجاهدین همراه فرمانفرما کرمانشاه را به‌قصد تهران ترک کردند.

۱۳ جنگ سختی بین قوای سالارالدوله به فرماندهی یارمحمدخان و نیروی دولتی به سرکردگی فرمانفرما در کرمانشاه آغاز شد. در دقایق اولیه جنگ یارمحمدخان به‌قتل رسید و قوای او متفرق گردید و سالارالدوله عقب‌نشینی کرد.

۱۸ نایب حسین کاشی هفت قریه واقع بین یزد و کرمان را غارت کرد و علاوه‌بر اموال مردم عده‌ای از زنان و دختران را به اسارت گرفت.

۲۰ دوهزار سوار بختیاری از اصفهان برای دستگیری نایب حسین کاشی به‌طرف یزد حرکت کردند.

۲۰ حاج مهدیقلی خان مخبرالسلطنه والی فارس شد.

۲۵ در مناطق عشایری فارس مجدداً زد و خورد بین قوای دولتی و عشایر آغاز شد. حاج مخبرالسلطنه والی فارس برای رفع تعرض از عشایر به سمیرم رفت.

۳۰ شاهسون‌ها در اهر و اردبیل و ارسباران نیروهای دولتی را خلع سلاح کردند. سپهدار اعظم والی آذربایجان از اقبال‌السلطنه ماکوئی درخواست کمک و نیرو نمود.

آبان ماه

۲ عدهٔ زیادی از دموکرات‌ها خواستار انجام انتخابات شدند و اعلامیه‌ای در این روز انتشار دادند.

۳ روزنامه‌ها غیبت ناصرالملک نایب‌السلطنه را بهانه قرار داده دولت صمصام‌السلطنه را متهم به خودسری و بی‌کفایتی نمودند.

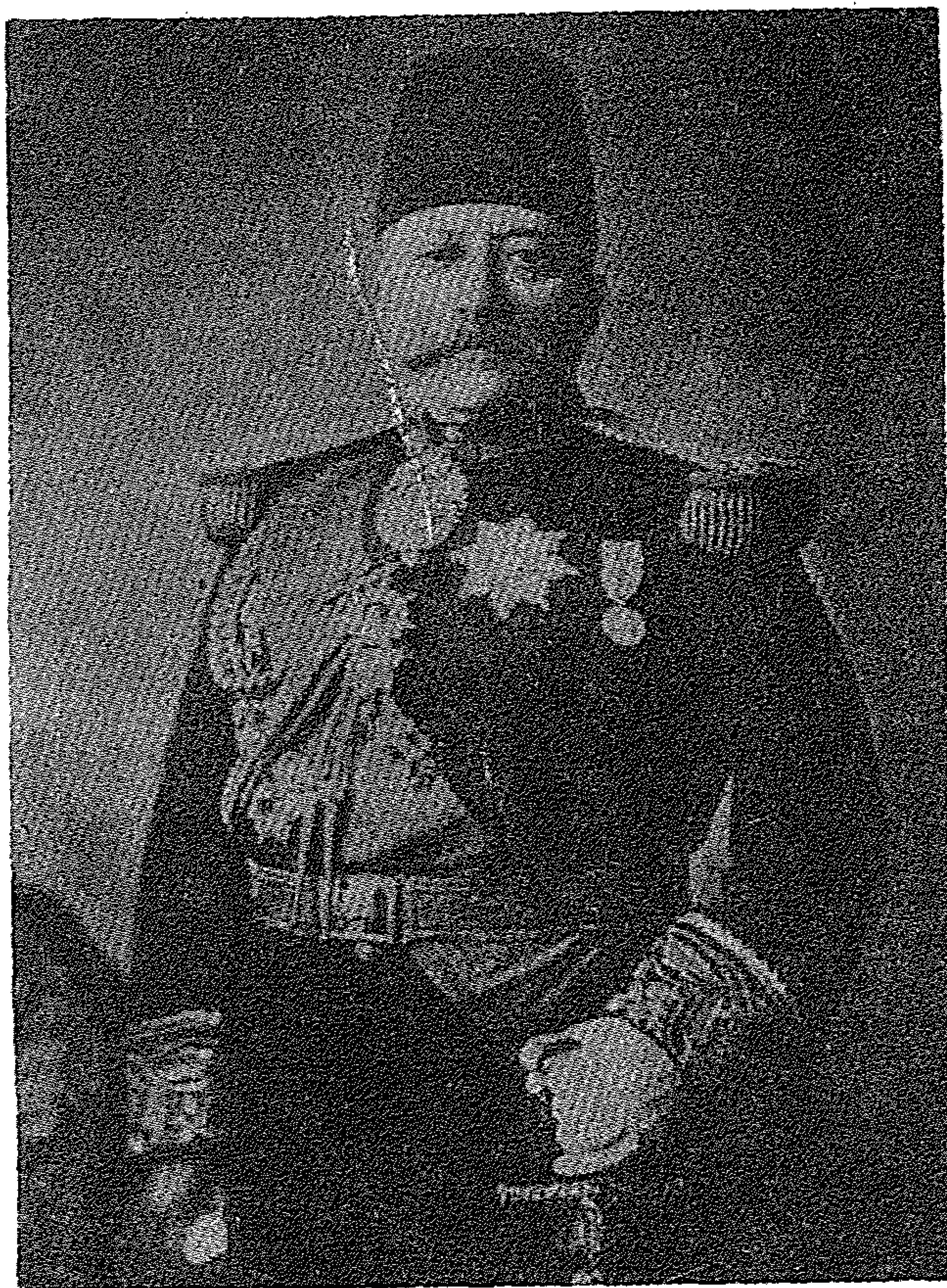
۵ صمصام‌السلطنه دستور توقیف روزنامه‌ها و مدیران آنها را صادر کرد و شهربانی به اجرای دستور پرداخت.

۵ سردار انتصار به ریاست نظمیه انتخاب شد

۱۵ میرزا جوادخان سعدالدوله که مدتی در خارج از کشور بسر می‌برد با حمایت روس و انگلیس وارد ایران شد. از طرف قاطبه مردم استقبال شکوهمندی از او به‌عمل آمد. وی خود را کاندیدای نیابت سلطنت ایران نموده بود.

۲۰ تحریکات علیه کابینه صمصام‌السلطنه همه‌جانبه شد. مردم و روزنامه‌ها خواستار حکومت سعدالدوله شدند.

۲۲ شیخ عبدالله مازندرانی از معاریف علماء عصر وفقهاء زمان و از اجله مراجع تقلید و اشهر مدرسین حوزه علمیه نجف که خدمات ذی‌قیمتی به مشروطیت ایران نموده بود درگذشت.



محمدعلی خان علاءالسلطنه

آذر ماه

۱ در راه بین کازرون و شیراز چند کاروان مال‌التجاره مورد دستبرد راهزنان قرار گرفت قسمتی از مال‌التجاره‌ها متعلق به تجار هندی بود.

۵ قنسول انگلیس در بوشهر والی فارس را متهم به اهمال و سهل‌انگاری نمود و غرامت کالای غارت شده را مطالبه کرد.

۸ برف سنگینی در آذربایجان برزمین نشست به‌طوری که مردم تا سه روز نتوانستند از خانه‌های خود خارج شوند.

۱۰ پنج سارق مسلح در شیراز به‌دار آویخته شدند.

۱۵ اختلاف بین وزیران کابینه بالا گرفت و عده‌ای از آنها از حضور در جلسات هیئت وزیران در وزارتخانه‌ها خودداری کردند.

۲۰ صمصام‌السلطنه تلگرافی به ناصرالملک در لندن مخابره نموده تقاضای استعفا کرد.

دی ماه

۱۵ ناصرالملک با استعفای صمصام‌السلطنه از ریاست دولت موافقت کرد.

۱۶ از طرف ناصرالملک نایب‌السلطنه میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد.

۲۸ علاءالسلطنه پس از دو هفته مطالعه همکاران خود را بشرح زیر انتخاب و طی تلگرافی به ناصرالملک در لندن معرفی کرد: سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله وزیر داخله، میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه، میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک وزیر جنگ، میرزا احمد خان قوام‌السلطنه وزیر مالیه، میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله وزیر عدلیه، میرزا صادق خان مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف، میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر علوم و اوقاف، میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک وزیر تجارت و فوائد عامه.

۳۰ شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله طی یک مصاحبه اعلام داشت موقتاً انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی به‌صورت یک درجه‌ای آغاز خواهد شد.

بهمن ماه

۱۲ هیئتی از افسران سوئدی که برای اداره امور نظمیه استخدام شده بودند وارد تهران شدند. ریاست هیئت با کلنل وستداهل است.

۱۴ امتیاز راه‌آهن از جلفا به تبریز و مضافات با شعبه‌ای از تبریز تا کنار دریاچه ارومیه، با تفویض معادن طرفین راه تا ده فرسنگ حریم، در غیاب مجلس به بانک استقراضی روس که شعبه‌ای از وزارت مالیه دولت امپراطوری روسیه می‌باشد اعطاء گردید.

۱۷ امتیاز خط‌آهن بندر محمره تا خرم‌آباد به انضمام ساختن بنادر و اسکله در مسیر خط به دولت انگلستان، در غیاب مجلس، واگذار شد.

اسفند ماه

۳ شهرهای آذربایجان مجدداً دچار آشوب و خون‌ریزی شد و عده زیادی از مردم کشته شدند.

۵ سواران بختیاری در بازار تهران دست به تظاهرات علیه علاءالسلطنه زده به‌حمایت از صمصام‌السلطنه تیراندازی کردند و درنتیجه یک نفر مقتول و ۱۵ نفر زخمی شدند.

۶ یک گردان ژاندارم انتظامات شهر تهران را برعهده گرفت.

۱۲ ناصرالملک طی تلگرافی به دولت وعده داد که بزودی به تهران عزیمت خواهد نمود.

۱۸ در زابل بین عده‌ای از مردم زد و خورد درگرفت این زد و خورد ۱۸ مقتول و ۲۵۰ مجروح به‌جای گذاشت.

۲۵ به‌دستور قوام‌السلطنه وزیر مالیه دستور پرداخت سه ماه از حقوق معوقه کارمندان دولت صادر شد. این سه‌ماه حقوق به‌صورت نقدی و جنسی تأدیه خواهد شد.

۲۸ سیل عظیمی شهر زاهدان را فرا گرفت در این حادثه دوهزار گوسفند و سیصد خانه در کام سیل فرو رفتند.

۲۸ کلنل وستداهل رئیس سوئدی نظمیه سازمان جدید انتظامی تهران را اعلام کرد و مجموعاً هشت کمیسری برای تهران پیش‌بینی نمود. دستور استخدام پانصد آژان برای تهران هم صادر شد.[1]

۱ ــ کلنل وستداهل سوئدی سابقاً در استکهلم رئیس یکی از کلانتریها بود و ابتدا قرار بود فقط در تهران نظمیه دائر کند. بعد که وارد ایران شد و شهربانی تهران را دائر نمود، دولت از او خواست در سایر شهرها نیز مبادرت به تأسیس شهربانی کند و لاجرم او ناگزیر شد تعداد پانزده‌افسرسوئدی استخدام و به ایران منتقل سازد و شهربانی را در سایر شهرها دائر نماید. وستداهل مردی مدیر و مدبّر بود. لدی‌الورود مدرسه‌ای برای تربیت کادر افسران تأسیس کرد. خود و سایر سوئدیها در آن تدریس می‌کردند. سرپاس مختار، سرپاس رادسر و سرپاس سیف از فارغ‌التحصیلان همین مدرسه هستند که به ترتیب رئیس شهربانی ایران شدند. وستداهل چون عدلیه ایران را ضعیف دید به تأسیس یک محکمه جنائی در شهربانی مبادرت نمود و جنایتکاران را در آنجا محاکمه می‌کردند. او تا سال ۱۳۰۲ در ایران باقی ماند در اواسط آن سال سردار سپه نخست‌وزیر عذر او را خواست.

سال ۱۲۹۲ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۱۳ تا ۲۲ مارس ۱۹۱۴ میلادی

فروردین ماه

۵ ساعت سه بعدازظهر رعد و برق شدیدی در تهران حادث شد. به دنبال آن قریب ربع ساعت تگرگ درشت نازل شد. حوالی غروب سیل مدهشی در غرب تهران جاری شد و تمام اراضی مزروعی قریه ونک، قریه فرحزاد را آب فراگرفت. در اثر جاری شدن این سیل مجموعاً ۳۷۱ خانه خراب شد و حدود سه هزار گوسفند و بز طعمه سیل شدند.

۱۶ زلزله شدیدی در منطقه بوئین‌زهرای قزوین بوجود آمد که درنتیجه ۳۲۱ خانه خراب شد. تعداد تلفات متجاوز از هزار نفربود.

اردیبهشت ماه

۱ در اثر یک زد و خورد شدید بین قوای قزاق مستقر در کرمانشاه و عده‌ای کرد یاغی ۳۰ قزاق کشته شد. از کردان یاغی به هنگام فرار ۲۰ جنازه باقی ماند.

۷ امروز به مناسبت عقدکنان سلطان احمدشاه با دختر یکی از سران قاجاریه جشن باشکوهی در کاخ نیاوران انجام گرفت. عده زیادی از وزراء و مقامات در این جشن شرکت جستند. وزیر مختار انگلیس یک سرویس چای‌خوری طلا و دو رأس اسب عربی به شاه هدیه کرد.

۱۰ مؤتمن‌الملک وزیر تجارت و مشیرالدوله وزیر علوم از عضویت در کابینه علاءالسلطنه کناره‌گیری کردند.

خرداد ماه

۱۵ وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه به اروپا رفت و مشاورالممالک انصاری در غیاب او کفالت گرفت.

تیر ماه

۱ تشکیلات جدید نظمیه ایران توسط مأمورین سوئدی امروز اعلام شد. سرهنگ وستداهل رئیس نظمیه طی اعلامیه‌ای موجودیت نظمیه و وظایف آن سازمان را به اطلاع عموم رسانید.

۱۶ علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء کابینه خود را ترمیم کرد. وزرای جدید به این شرح معرفی شدند:

میرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیر عدلیه ــ میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله وزیر تجارت ــ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک وزیر علوم و اوقاف.

۱۷ عده‌ای افغانی مسلح وارد ایران شده قریب ۲۰ قریه مرزی را تاراج نموده و عده‌ای از زنان و کودکان را با خود بردند. دولت از طریق امیر شوکت‌الملک علم به تعقیب دزدان مسلح افغانی پرداخت. امیر قائنات فوج جمازسوار خود را به تعقیب و دستگیری آنان تعیین کرد.

۱۸ رئیس نظمیه طی بخشنامه‌ای وظایف مردم را در مقابل پلیس تعیین نمود. وستداهل دستور خرید یک هزار قبضه تفنگ را صادر کرد.

مرداد ماه

۱۹ با وجود اخطار دولت چون قوای بختیاری متمرکز در تهران از تحویل سلاح خویش خودداری نمودند لذا نیروی ژاندارم درصدد خلع سلاح آنها برآمد. درنتیجه زد و خورد شدیدی بین قوای ژاندارم و افراد بختیاری در خیابانهای تهران آغاز شد. این جنگ قریب ۱۰ ساعت طول کشید و سرانجام قوای ژاندارم پیروز شد و بختیاریها خلع سلاح شدند. تلفات طرفین و افراد بی‌گناه از صد نفر تجاوز کرد.

۲۴ عین‌الدوله وزیر داخله از کار کناره‌گیری کرد و درنتیجه کابینه دچار بحران شد.

۲۴ محمدعلی خان علاءالسلطنه استعفای خود را تسلیم ناصرالملک نمود.

۲۵ ناصرالملک نایب‌السلطنه مجددا میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه را در سمت خود ابقاء نمود و از وی خواست با قاطعیت هرچه بیشتر بانجام امور محوله بپردازد. در اثر تذکر ناصرالملک، عین‌الدوله استعفای خود را پس گرفت و کابینه حالت عادی پیدا کرد.

۲۸ در سمنان نزاع سختی بین عده‌ای از سنگسریها و مردم درگرفت. در این نزاع از سلاح سرد و گرم استفاده شد و تعداد تلفات و زخمی ها از صد نفر تجاوز کرد.

۲۹ هوای تهران بشدت رو به گرمی رفت و غالب مردم به اطراف پناه بردند.

۳۰ نزاع شدیدی در محله کلیمی‌ها بین عده‌ای کلیمی و مسلمان رخ داد که از طرفین عده زیادی مقتول و مجروح شدند. وستداهل رئیس نظمیه شخصاً با افراد پلیس تحت فرماندهی خود به رفع غائله پرداخت.

شهریور ماه

۱ وزیر مختار انگلیس در تهران تحت یادداشت شدیداللحنی از ناامنی راه‌های جنوب ایران که موجبات چپاول کالاهای تجار هندی و انگلیسی شده است شکایت نموده و چاره‌جوئی خواست.

مهر ماه

۱۵ میرزا شفیع خان مقتدرالملک به وزیر مختاری ایران در ایطالیا برگزیده شد.

۲۰ میرزا اسحق‌خان مفخم‌الدوله به سمت سفیرکبیر در روسیه تعیین شد.

آبان ماه

۵ ناصرالملک طی تلگرافی از رئیس‌الوزراء خواست تا مقدمات تاجگذاری سلطان احمدشاه را فراهم سازد که به محض رسیدن به سن قانونی اقدام شود.

آذر ماه

٤ زد و خورد شدیدی در اردبیل بین قوای قزاق و نفرات شاهسون به وقوع پیوست. از تبریز برای نجات قوای قزاق کمک فرستاده‌شد.

دی ماه

۸ بعلت نزول برف سنگین در تهران بطور کلی عبور و مرور در شهر قطع شد و بازار وکسبه یک هفته تعطیل کردند.

اسفند ماه

۱ میرزا مهدی خان امیرتومان برادر ناصرالملک نایب‌السلطنه به سمت وزیر مختار ایران در آمریکا تعیین گردید.

سال ۱۲۹۳ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۱٤ تا ۲۲ مارس ۱۹۱۵ میلادی

تیر ماه

۱٤ آیت‌الله شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی معروف به آقانجفی از بزرگان علماء و فقهاء اصفهان و صاحب شهرت در تمام شهرهای ایران که ضمناً یکی از متمولین درجه اول ایران بود در ۷۳ سالگی درگذشت.

۳۰ سلطان احمدشاه قاجار که به سن بلوغ قانونی رسیده بود تاجگذاری کرد. ناصرالملک نایب‌السلطنه برای هزینه تاجگذاری یکصد هزار لیره از بانک شاهی استقراض نمود.

مرداد ماه

۵ به دنبال یک اولتیماتوم ٤۸ ساعته اتریش به صربستان اعلان جنگ داد.

۶ جنگ جهانی اول آغاز شد. آلمان به روسیه حمله نمود.

۱۲ آلمان به دولت‌های فرانسه و بلژیک اعلان جنگ داد.

۱۳ انگلستان به آلمان یورش برد.

۱۵ ناصرالملک نایب‌السلطنه سابق با وصول تمام مطالبات خود راه اروپا را پیش گرفت.[1]

۲٤ محمدعلی خان علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء استعفا کرد.

۲۵ احمدشاه مستوفی‌الممالک را به رئیس‌الوزرائی انتخاب نمود.

۲۶ مستوفی‌الممالک وزیران خود را معرفی کرد:

مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ

۱ ــ ناصرالملک قریب چهار سال نایب‌السلطنه ایران بود که نیمی از ←

آنرا در اروپا گذرانید. وی همزمان با شروع جنگ بین‌الملل اول بار سنگین سلطنت را بر دوش جوانی قرار داد که هنوز به سن قانونی مندرج در قانون اساسی نرسیده بود. ظاهراً استناد ناصرالملک این بود که تاریخ تولد سلطان احمد میرزا در پشت قرآن شعبان ۱۳۱٤هـ.ق ذکر شده است و وی در شعبان ۱۳۳۲ هجده سال تمام خواهد داشت. البته تاریخ متداول در آن زمان همین تاریخ قمری بود به طوری که قراردادها نیز با آن تاریخ تنظیم می‌گردید. در هر حال ناصرالملک پس از انجام مراسم تاجگذاری و وصول مطالبات خود از دولت عازم انگلستان گردید. وی ماهیانه ده هزار تومان حقوق برای خود تعیین نموده بود که در آن تاریخ رقم بسیار سنگینی بود. در آن ایام رئیس‌الوزراء هزار و پانصد تومان و وزراء هریک هفتصد تومان و نمایندگان مجلس دویست تومان حقوق دریافت می‌داشتند. ناصرالملک گرچه تحصیلکرده و پروردهٔ دامان انگلیس بود و عالیترین نشان آن دولت را داشت، فوق‌العاده مستبد و خودرأی بود و بعد از بستن مجلس دوّم تمام مخالفین خود را تبعید کرد. وی بنیانگذار قانون حکومت نظامی است. از ناصرالملک یک دختر و دو پسر باقی ماند. دختر وی همسر حسین علاء بود و پسرانش حسنعلی و حسینقلی قره‌گوزلو نام داشتند. حسنعلی در زمان قدرت تیمورتاش به مصاهرت او درآمد پس از سقوط وی همسر خود را مطلقه نمود.

علاءالسلطنه وزیر خارجه ــ غلامحسین خان صاحب اختیار وزیر جنگ ــ محتشم السلطنه وزیر مالیه ــ ذکاءالملک وزیر عدلیه ــ شهاب الدوله وزیر پست و تلگراف و وزیر فوائد عامه ــ مهندس الممالک وزیر تجارت و وزیر علوم و اوقاف.

مهر ماه

۱۰ اولین شمارهٔ روزنامه عصر جدید به مدیریت عبدالحمید خان متین السلطنه در تهران انتشار یافت.

آبان ماه

۹ به دنبال صدور فرمان احمدشاه مستوفی الممالک رئیس الوزراء بی‌طرفی ایران را در جنگ جهانی اعلام کرد.[1]

۲۵ ستارخان سردار ملی در تهران درگذشت.

۲۶ جنازه ستارخان با تشریفات کامل نظامی با مشارکت قاطبه مردم تشییع شد و در باغ طوطی واقع در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

۱ ــ سلطان احمدشاه قاجار راجع به بیطرفی دولت ایران در جنگ بین‌المللی اول فرمان زیر را صادر کرد:

نظر به اینکه در این اوقات متأسفانه بین دول اروپ نائره جنگ مشتعل است و ممکن است این محاربه به حدود ممالک ما نزدیک شود و نظر به اینکه روابط ودادیه ما بحمدالله با دول متخاصمه برقرار است برای اینکه عموم اهالی از نیات مقدسه ما در حفظ و صیانت این روابط حسنه نسبت به دول متحاربه مطلع باشند امر و مقرر می‌فرماییم که جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم مهین دستور معظم مستوفی‌الممالک رئیس الوزراء و وزیر داخله فرمان ملوکانه را به فرمانفرمایان و حکّام و مأمورین دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بی‌طرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید و بدین لحاظ مأمورین دولت را باید متوجه نمائید که نباید وجهاً من‌الوجوه براً و بحراً کمک بهمراهی ویا ضدیت هریک از دول متخاصمه نموده اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین تدارک یا حمل کنند و باید از طرفداری با هرکدام از دول متحاربه پرهیز و احتراز نمود. مسلک بی‌طرفی دولت متبوعه خود را کاملاً رعایت نمایند و در تکمیل حفظ بی‌طرفی و صیانت روابط حسنه باز آنچه هیئت دولت ما مصلحت داند به عرض برسد تا در اجرای مقررات آن امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت. ۱۲ ذی‌الحجة الحرام ۱۳۳۲.



عبدالحمید خان متین السلطنه نماینده سابق مجلس و مدیر روزنامه مترقی عصر جدید که توسط تروریست‌های کمیته مجازات در دفتر کار خود به قتل رسید.

آذر ماه

۱۳ دوره سوم مجلس شورای ملی با نطق سلطان احمدشاه افتتاح شد. در نخستین جلسه که در همین روز تشکیل شد میرزا حسین خان مؤتمن الملک به ریاست انتخاب گردید.[1]

۱ ــ قانون انتخابات که در دوره دوّم به تصویب رسید انتخابات را یک‌درجه‌ای نمود و به موجب همان قانون انتخابات دوره سوم انجام گرفت. مجلس سوّم در تاریخ ۱۶ محرم ۱۳۳۳ افتتاح شد و در تاریخ ۷ محرم ۱۳۳٤ تعطیل گردید. تعداد نمایندگان این دوره ۱۲۶ نفر بودند. در تمام مدت یکساله مجلس سوم میرزا حسین خان مؤتمن الملک بر آن ریاست داشت.



میرزا حسن خان مشیرالدوله کراراً وزیر و رئیس الوزرا شد

دی ماه

۱۱ سپاه عثمانی با کمک کردها شروع به تجاوز به خاک ایران نمود.

۱۲ شهرهای تبریز و ارومیه توسط لشکریان عثمانی تصرف شد.

۱۳ قوای عثمانی پیشروی خود را به سمت شمال ایران آغاز کرد.

بهمن ماه

٤ سپاه روسیه وارد ایران شد.

٦ در تبریز و ارومیه جنگ شدیدی بین قوای دولت روس و لشکریان عثمانی آغاز شد.

۸ سپاه عثمانی از نیروی روس شکست خورد و روس‌ها تمام منطقه آذربایجان را به تصرف خود درآوردند. در این زد و خورد ظرف یک هفته عده زیادی از اهالی آذربایجان شهید شدند.

۱۳ کشمکش نظامی در شمال ایران بین روس و عثمانی شدت گرفت.

۲۵ محمدحسن میرزا ولیعهد به فرمانفرمائی آذربایجان برقرار شد.

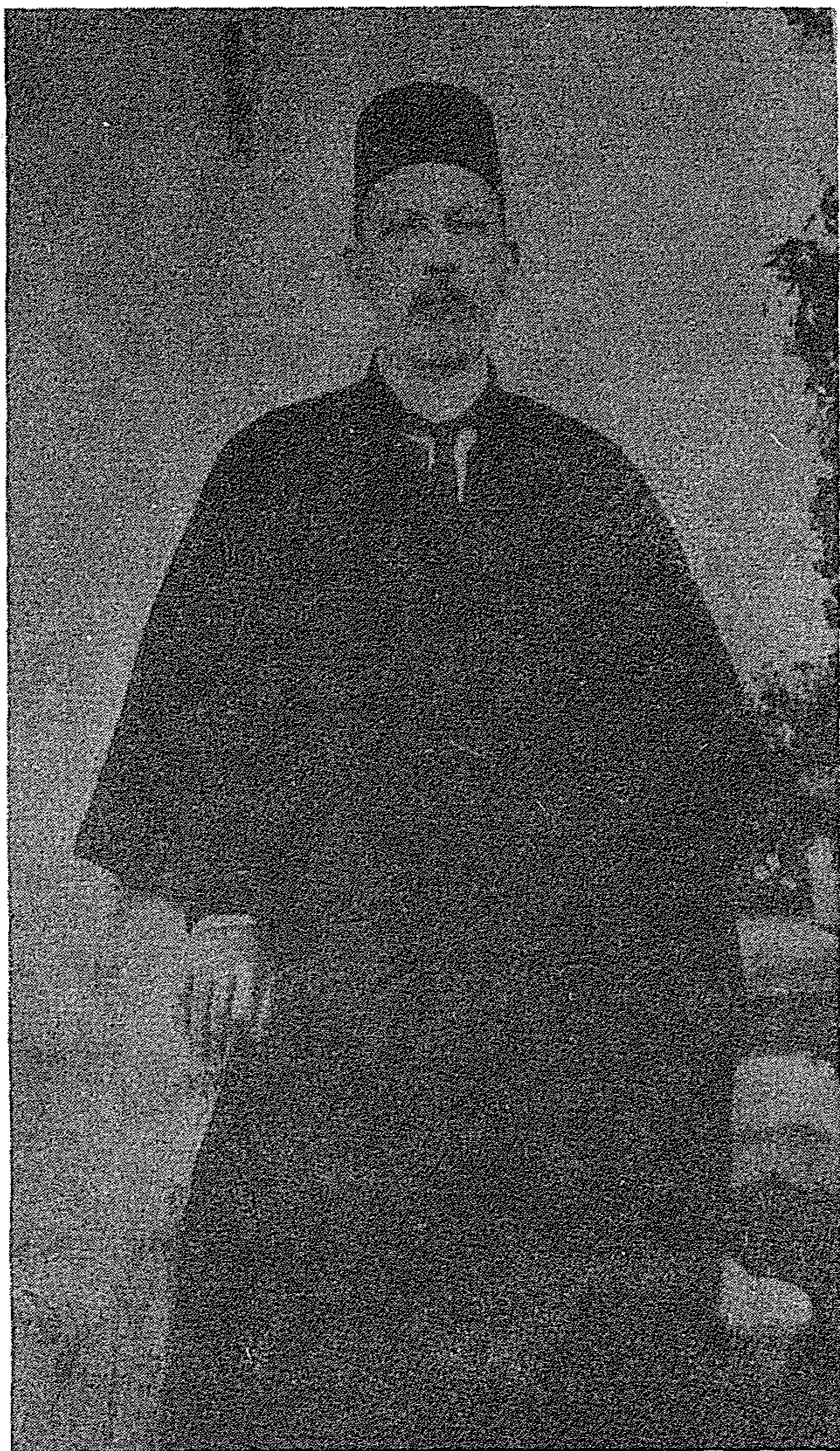
اسفند ماه

۱ مستوفی‌الممالک کابینه خود را به‌این شرح ترمیم کرد:

عین‌الدوله وزیر داخله ــ معاون‌الدوله وزیر خارجه ــ صاحب‌اختیار وزیر جنگ ــ محتشم‌السلطنه وزیر مالیه ــ مخبرالسلطنه وزیر عدلیه ــ شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف ــ مهندس‌الممالک وزیر تجارت و فوائد عامه ــ علاءالسلطنه وزیر علوم و اوقاف.

۲۰ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء استعفا کرد.

۲۰ مجلس شورای ملی به اتفاق آراء رأی به رئیس‌الوزرائی میرزا حسن خان مشیرالدوله داد و فرمان شاه صادر شد.



میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی

۲۲ مشیرالدوله وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

مشیرالدوله رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ ــ مستشارالدوله وزیر داخله ــ معاون‌الدوله وزیر خارجه ــ مشارالسلطنه وزیر مالیه ــ ذکاءالملک وزیر عدلیه ــ حکیم‌الملک وزیر علوم و اوقاف ــ نصرالملک وزیر پست و تلگراف و سر پرست وزارت تجارت و فوائد عامه.

۲۶ بنا به پیشنهاد مشیرالدوله و تصویب مجلس شورای ملی قانون اختیارات مورگان شوستر که معروف به قانون ۲۳ جوزا می‌باشد لغو شد. توضیح آنکه این قانون توسط بلژیکی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت.

سال ۱۲۹۴ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۱۵ تا ۲۱ مارس ۱۹۱۶ میلادی

فروردین ماه

۹ شیخ العراقین حائری فتوای جهاد علیه متفقین را که به امضای علماء بزرگ شیعه رسیده بود به احمدشاه تسلیم نمود.

۱۷ برنامه دولت مشیرالدوله در مجلس مورد تصویب قرار گرفت.

۲۸ رئیس بانک استقراضی روس در اصفهان که ضمناً سمت ویس‌قنسولی آن کشور را نیز دارا بود نیمه‌شب به ضرب شش گلوله به قتل رسید. در همان شب رئیس مالیه اصفهان که بلژیکی بود ترور گردید.

۲۹ محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه در سفارت روس حضور یافته و ازواقعه اصفهان و قتل ویس‌قنسول اظهار تأسف نمود.

اردیبهشت ماه

۱۰ مشیرالدوله و وزیران او استعفا دادند و احمدشاه استعفای آنها را پذیرفت.

۱۰ وزیر مختار روس و وزیر مختار انگلیس با تهدید و ارعاب فرمان ریاست وزرائی سعدالدوله را از احمدشاه گرفتند.

۱۰ وزیر مختار آلمان و سفیرکبیر عثمانی در قصر فرح‌آباد حضور یافته احمدشاه را مجبور به عزل سعدالدوله نمودند.[1]

۱۱ در آذربایجان جنگ سختی بین قوای عثمانی به فرماندهی خلیل‌پاشا و مجاهدین ایرانی از یک طرف و سپاه روس از طرف دیگر درگرفت. در این نبرد قوای عثمانی شکست خورده عقب‌نشینی کرد. از مردم آذربایجان عده زیادی تلف شدند.

۱۱ نظام‌الدین خان مهندس‌الممالک از وزرای تحصیلکرده و مجرب درگذشت. وی به هنگام انعقاد قرارداد نفت با دارسی وزیر معادن بود و بعد از امضای قرارداد پنج هزار لیره از سهام نفت را دستخوش گرفته بود.

۱۲ مجلس شورای ملی به زمامداری سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله صدراعظم استبداد رأی تمایل داد و فرمان سلطان احمدشاه صادر شد.

۱٤ عین‌الدوله هیئت وزیران را به این شرح معرفی کرد:

عین‌الدوله رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ ــ عبدالحسین فرمانفرما وزیر داخله ــ محتشم‌السلطنه وزیر خارجه ــ امیرنظام همدانی وزیر مالیه ــ سردار منصور رشتی وزیر

۱ ــ دربارهٔ چگونگی نصب و عزل سعدالدوله توضیحات بیشتری در بخش ضمائم و تعلیقات آمده است.

عدلیه ــ مؤدب‌السلطنه اسمعیل‌خان وزیر پست و تلگراف و فوائد عامه و تجارت ــ حکیم‌الملک وزیر علوم و اوقاف.

۱۸ قانون منع خروج طلا و نقره از ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

خرداد ماه

۱۵ قانون جدید تشکیلات وزارت مالیه از تصویب مجلس گذشت.

۳۰ به دستور عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر داخله ایلات کرمانشاه با سپاهیان عثمانی به فرماندهی حسین رئوف بیک به جنگ پرداختند و قوای عثمانی به عقب رانده شد.

تیر ماه

۴ دموکرات‌های مجلس شورای ملی فرمانفرما وزیر داخله را به علت اقدامات اخیرش در کرمانشاه استیضاح کردند و عزل او را از عین‌الدوله رئیس‌الوزراء خواستار شدند.

۷ عین‌الدوله در مجلس شورای ملی حضور یافته اظهار نمود حاضرم در سمت فرمانفرما تغییری بدهم و او را به وزارت جنگ منصوب نمایم. دموکرات‌ها این پیشنهاد را نپذیرفتند.

۱۱ عین‌الدوله از رئیس‌الوزرائی استعفا داد.

۲۱ مستوفی‌الممالک به رئیس‌الوزرائی تعیین شد.

۲۲ در جلسه امروز مجلس، با وجودی که شاه مستوفی‌الممالک را به رئیس‌الوزرائی انتخاب نموده بود، وکلای حزب اعتدال و هیئت علمیه از ابقای عین‌الدوله طرفداری کردند و مخالفت خود را با مستوفی‌الممالک ابراز نمودند.

۲۳ سلطان احمدشاه فرمان رئیس‌الوزرائی مجدد عین‌الدوله را صادر کرد.

۲۸ در جلسه امروز مجلس شورای ملی عین‌الدوله قبول رئیس‌الوزرائی را موکول به معرفی کلیه وزرای کابینه قبل دانست و گفت اگر دموکرات‌ها مایل به ترمیم کابینه نیستند بشرطی می‌پذیرم که استیضاح پس گرفته شود.

در همین جلسه سلیمان میرزا لیدر حزب دموکرات ضمن نطقی از عین‌الدوله انتقاد کرد.

۲۸ عین‌الدوله از تشکیل دولت انصراف حاصل نمود.[۱]

۲۹ فراکسیون‌های مجلس برای رئیس‌الوزرائی به مشیرالدوله رأی دادند.

مرداد ماه

۴ مشیرالدوله از رئیس‌الوزرائی کناره گرفت.

۵ مستوفی‌الممالک به رئیس‌الوزرائی انتخاب گردید.

۱۳ مجلس رأی به رئیس‌الوزرائی مستوفی‌الممالک داد.

۱۳ یک هزار سالدات روسی از قزوین به سوی تهران حرکت کردند. از طرف دولت اقداماتی برای متوقف ساختن این قوا به عمل آمد. تعداد سالدات‌های مقیم قزوین به دوازده هزار نفر رسید.

۱۹ قوای نظامی انگلیس وارد بوشهر شد و ژاندارم‌های ایرانی را خلع سلاح نمود. انگلیسیها درآمد تلگرافخانه بوشهر را ضبط کردند.

شهریور ماه

۴ مستوفی‌الممالک وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ محتشم‌السلطنه وزیر خارجه ــ وثوق‌الدوله وزیر مالیه ــ علاءالسلطنه وزیر عدلیه ــ حکیم‌الملک وزیر علوم و اوقاف ــ مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف ــ شهاب‌الدوله وزیر فوائد عامه. وزیر جنگ بعداً معرفی خواهد شد.

۹ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء محمدولی خان سپهدار را به سمت وزیر جنگ معرفی کرد. سپهدار قبلاً در دو نوبت مقام رئیس‌الوزرائی داشت.

۱ ــ عین‌الدوله در مجلس اکثریت داشت اعتدالیون و هیئت علمیه به زعامت سیدحسن مدرس مدافع او بودند نهایت دموکراتها به علت استیضاحی که از فرمانفرما وزیر داخله کابینه به عمل آورده بودند مصرّ به خروج او از کابینه بودند ولی عین‌الدوله زیر بار نرفت و استناد به مسئولیت مشترک هیئت وزیران نمود و استعفا داد با اصراری که سلطان احمدشاه از یک طرف و وزیر مختار آلمان از طرف دیگر به عمل آوردند حاضر به قبول زمامداری نشد و معتقد بود با این مجلس امکان همکاری وجود ندارد. در جلسه‌ای که عین‌الدوله کناره‌گیری خود را اعلام نمود سیدحسن مدرس به حمایت از او نطقی ایراد کرد و دموکرات‌ها را شدیداً مورد انتقاد قرار داد.



عین الدوله دوبار پس از مشروطیت به رئیس الوزرائی انتخاب شد.

مهر ماه

۶ شاهزاده امیراعظم حکمران شاهرود، سمنان و دامغان در باغ خود توسط دو تن از نوکرهای شخصی به قتل رسید. وی فرزند وحیدالله میرزا سپهسالار و برادرزاده عین‌الدوله بود.
۱۲ مخبرالسلطنه والی فارس به دستور مستوفی‌الممالک از ولایت فارس معاف شد.
۱۴ شاهزاده نصرت‌السلطنه فرزند مظفرالدینشاه قاجار به ایالت فارس منصوب شد.
۱۴ انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی به عمل آمد. مؤتمن‌الملک به ریاست و عدل‌الملک و سیدمحمد صادق طباطبائی به نیابت ریاست انتخاب شدند.

آبان ماه

۹ قانون سربازگیری به تصویب مجلس شورای ملی رسید.
۱۸ قشون روس وارد کرج شد.
۱۸ به دنبال حرکت قوای روس به سمت تهران عده زیادی از رجال و نمایندگان مجلس به سمت قم حرکت کردند.
۲۰ نمایندگان مجلس و دستجات مختلف که به قم عزیمت نموده بودند کمیتهٔ دفاع ملی را تأسیس کردند.
۲۲ به علت نزدیک شدن قشون روس به تهران تصمیم به انتقال پایتخت گرفته شد. در همان روز سلطان احمدشاه به لندن و پطروگراد تلگراف کرده متذکر شد به علت حرکت قشون روس به تهران ناگزیر پایتخت را به اصفهان تغییر خواهد داد و مسئولیتی نسبت به عوارض بعدی ندارد.
۲۳ به علت مسافرت عده زیادی از نمایندگان مجلس به قم و کرمانشاه مجلس از اکثریت افتاد و تعطیل شد.[۱]
۲۳ وزیران مختار روس و انگلیس احمدشاه را ملاقات و او را از انتقال پایتخت به اصفهان منصرف ساختند. در همان روز قوای روسیه که در دروازه تهران اردو زده بود به سوی قزوین بازگشت.
۲۲ در قم اعلان جهاد داده شد و یک کمیسیون مأمور جمع‌آوری اعانه و اسلحه شد.
۲۶ ایرانیان قونسول انگلیس را در شیراز با تمام اتباعش به تنگستان بردند و شیراز به تصرف ایرانیان درآمد. تلگرافچی کازرون را که انگلیسی بود مردم تیرباران کردند. قوام‌الملک با ملت علیه انگلیس ها متحد شد.
۲۶ بعدازظهر امروز خانم سفیرکبیر عثمانی و فرزندان و چندتن از اعضاء سفارت به قم مهاجرت نمودند.
۲۶ وزیر مختار آلمان در قم با مهاجرین ملاقات کرد.

آذر ماه

۱ مؤتمن‌الملک طی تلگرافی به قم و اصفهان از نمایندگان مجلس خواستار شد هرچه زودتر به تهران حرکت نمایند. وی افزود موضوع تغییر پایتخت منتفی است.
۲ در پاسخ تلگراف مؤتمن‌الملک، سید محمد صادق طباطبائی و سیدحسن مدرس و سلیمان محسن و نظام‌السلطان از طرف کلیه نمایندگان تلگرافی مراجعت خود را به تهران بی‌فایده دانستند و تأکید کردند مادام که قشون روس کلاً ایران را تخلیه نکنند، نمی‌توان در تهران به انجام وظایف پرداخت.
۲ محتشم‌السلطنه طی تلگرافی از وزیر مختار آلمان خواست تا به تهران مراجعت کند. در این تلگراف وزیر خارجه ایران تصریحاً افزوده است که مأموریت شما در دربار ایران است نه در قم.
۲ کمیتهٔ دفاع ملی در قم موجودیت خود را اعلام کرد.
۳ این تلگراف امروز از طرف مستوفی‌الممالک به حکام و ولات مخابره شد:

«از باغ طهران دولتی شب ۳ قوس توشقان‌ئیل متحدالمال به عموم فرمانروایان و حکام ولایات برای رفع نگرانی عموم اعلام می‌دارد که مناسبات دولت علیّه با دولتین روس و انگلیس برقرار و در پیشرفت مقاصد مذاکراتی که در جریان است اطمینان‌بخش است حسن ریاست وزراء».

۱ ــ کتاب «سفر مهاجرت» تألیف رضاعلی دیوان‌بیگی اطلاعاتی در زمینه مهاجرت رجال و نمایندگان و نظام‌السلطنه به کرمانشاه به شما خواهد داد. کتاب اولین قیام مقدس ملی در جنگ بین‌الملل اول تألیف آقایان ادیب‌السلطنه و حاج عزالممالک اردلان نیز حاوی نکات جالبی است.

۲۶ قوای روس شهر ساوه را به تصرف خود درآورد. کمیته دفاع ملی از قم به اصفهان حرکت نمود.

۳۰ سفارت روس اعلامیه زیر را صادر کرد:

«به طوری که فرمانده قشون امپراطوری اطلاع می‌دهد روز یکشنبه ششم دسامبر مطابق ۱۱ صفر قشون امپراطوری ساوه را تصرف نموده، اشرار و مفسدینی که بر ضد پادشاه قانونی و دولت قیام نموده بودند فرار اختیار کرده مقتولین و مجروحین خود را در میدان به‌جا گذاشته‌اند.

دی ماه

۱ قوای روس در رباط کریم با قوای ژاندارم و سواران مسلح هندی جنگ بسیار شدیدی کردند. قوای ژاندارم و سواران مسلح شکست خورده جمعی کشته و عده‌ای اسیر شدند و دسته‌ای فرار کردند.

۱ کلیه مهاجرین از کاشان و قم وارد اصفهان شدند.

۱ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء استعفا داد.

۱ فرمانفرما از طرف سلطان احمدشاه به رئیس‌الوزرائی منصوب شد.

۲ فرمانفرما وزیران خود را به شرح زیر معرفی کرد:

فرمانفرما رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ مشاورالممالک وزیر خارجه ــ سپهدار وزیر جنگ ــ یمین‌الملک وزیر مالیه ــ سردار منصور وزیر پست و تلگراف ــ صارم‌الدوله وزیر فوائد عامه و وزیر تجارت ــ شهاب‌الدوله وزیر علوم و اوقاف.

۱۴ کلیه اعضاء کمیته دفاع ملی از اصفهان به طرف کرمانشاه حرکت کردند.

۱۴ شهرهای قم و کاشان توسط قوای روس اشغال شد.

۱۵ رضاقلی خان نظام‌السلطنه حکمران بروجرد و لرستان و خوزستان با یک عده قوا وارد صحنه کرمانشاه شد. وی ریاست کل قوای ملی ایران را برعهده گرفت و به روس و انگلیس اعلان جنگ داد.

۲۵ بین قوای ملی ایران به فرماندهی افسران آلمانی با قوای روس در چند منطقه زد و خورد شد و درنتیجه قوای ملی ایران شکست خورده عقب‌نشینی کردند.

۲۸ روس‌ها به سلطان‌آباد عراق حمله کرده آن شهر را متصرف شدند.

بهمن ماه

۲ طبق تصمیم هیئت وزیران نظام‌السلطنه از حکومت بروجرد و لرستان و خوزستان منفصل گردید و کلیه نشان‌های او مسترد شد و دستور مصادره اموالش صادر گردید.

۱۳ اعضاء کمیته دفاع ملی و عده زیادی از مهاجرین وارد کرمانشاه شدند. اقبال‌الدوله حاکم کرمانشاه از شهر خارج شده در دو فرسنگی استقرار یافت.

۱۳ نظام‌السلطنه به اتفاق دکتر واسل نماینده دولت امپراطوری آلمان از صحنه وارد کرمانشاه شدند و دارالحکومتی را مقر فرمانروائی خود قرار دادند.

۱۷ حاج میرزا محمدرضا شریعت‌زاده گیلانی از طرف امپراطوری روسیه به سمت آتاشه افتخاری سفارت انتخاب و به دولت ایران معرفی گردید.[۱]

۲۲ عاصم بیک سفیر عثمانی، کلنل هلر آتاشه نظامی اتریش و یک نفر آلمانی و دکتر اشتمپ دندانساز دربار در «ورداورد» کرج، ده فرمانفرما، توسط قوای روس دستگیر و زندانی شدند.

۳۰ سفیر عثمانی در ایران که توسط روس‌ها بازداشت شده بود از مرز انزلی از ایران اخراج شد.

اسفند ماه

۱ بنا به تحریک سفارت روس عده‌ای از کارکنان دولت بعلت نرسیدن حقوق در محل ییلاقی سفارت در زرگنده تحصن اختیار کردند.

۳ نظام‌السلطنه و وجوه مهاجرین به علت نزدیک شدن قوای روس کرمانشاه را تخلیه و به سمت کرند و قصرشیرین حرکت کردند.

۱ ــ حاج میرزا محمدرضا شریعت‌زاده همان قائم‌مقام‌الملک رفیع است که سالیان دراز نماینده مجلس شورای ملی و سناتور بود و از ارکان دربار رضاشاه و محمدرضا شاه محسوب می‌شد و همواره سفراً و حضراً با سلاطین پهلوی بود.

۴ قشون روس کرمانشاه را تصرف کرد.

۱۰ عبدالحسین میرزا فرمانفرما امروز استعفای خود را از رئیس‌الوزرائی تسلیم سلطان احمدشاه نمود. علت کناره‌گیری وی مداخلات غیراصولی دولت روسیه در خاک ایران بوده است.

۱۱ نظامیان انگلیس وارد جنوب ایران شدند و دسته‌ای بنام تفنگداران جنوب تحت ریاست ژنرال سایکس تشکیل دادند که بنام S.P.R. نامیده شد.

۱۳ محمدولی خان سپهدار تنکابنی با اخذ لقب سپهسالار اعظم از طرف سلطان احمدشاه به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد.

۱۳ لقب سپهدار اعظم به سردار منصور رشتی (فتح‌الله اکبر) تعلق گرفت.

۱۵ سپهسالار اعضاء کابینه را به این شرح به شاه معرفی کرد:

سپهسالار رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ صارم‌الدوله وزیر خارجه ــ سردار کبیر وزیر جنگ ــ علاءالملک وزیر عدلیه ــ ممتازالملک وزیر علوم ــ یمین‌الملک وزیر مالیه ــ مشیر اعظم وزیر تجارت و فوائد عامه ــ سپهدار (سردار منصور) وزیر پست و تلگراف.



عبدالحسین میرزا فرمانفرما به اتفاق محمد خان مصدق‌السلطنه خواهرزاده خود

سال ۱۲۹۵ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۱۶ تا ۲۱ مارس ۱۹۱۷ میلادی

فروردین ماه

۱۹ هفت نفر از افسران سوئدی ژاندارمری به علت اقدامات خودسرانه و تمردآمیز نسبت به دولت از خدمت اخراج شدند.

۲۱ یاور علی‌قلی خان و سلطان غلامرضا خان صاحب‌منصبان ژاندارم در شیراز به وضع مرموزی به قتل رسیدند.

اردیبهشت ماه

۱۰ دولت در مقابل فشار روس و انگلیس دخالت آنان را در امور مالی کشور پذیرفت.

۱۰ کمیتهٔ دفاع ملی در قصرشیرین منحل شد و اتحادیهٔ کلیه عناصر وطن‌پرست به نام «هیئت مدافعین وطن» تشکیل گردید.

۱۲ دولت سپهسالار در مقابل دریافت هر ماه دویست هزار تومان از دولت انگلیس موافقت نمود کنترل مالیه و قشون ایران به آنها سپرده شود. در این مورد کمیسیونی تشکیل یافت که اعضاء آن عبارتند از مرنارد بلژیکی خزانه‌دار کل، سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)، محسن‌خان امین‌الدوله، یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی.

۱۵ قوای روس به قصرشیرین حمله کرد. نظام‌السلطنه و ملیون به سمت بغداد و کاظمین حرکت کردند.

خرداد ماه

۹ در بغداد هیئت جنگی ایرانی به ریاست سردارمقتدر کاشی تشکیل شد.

تیر ماه

۱ عبدالحسین میرزا فرمانفرما به والیگری فارس و شاهزاده ظل‌السلطان به حکومت اصفهان تعیین شدند.

۱۰ کرمانشاه توسط سپاه عثمانی و ملیون ایرانی تصرف شد و قوای روس عقب‌نشینی کرد.

مرداد ماه

۲۰ امروز قوای عثمانی وارد همدان شد. اهالی شهر استقبال شایانی نمودند. فرمانده قشون عثمانی به سپاهیان خود توصیه کرد مزاحم مردم نشوند.

۲۰ به دنبال ورود قوای عثمانی به همدان امیرافخم حکمران از همدان خارج شد و شهر بدون حاکم ماند.

۲۱ عساکر عثمانی پس از تصرف همدان به سوی قزوین روانه شدند.

۲۱ سپهسالار تنکابنی از ریاست وزراء برکنار شد.

۲۰ از طرف قوای عثمانی و عساکر آنها و مردم همدان شعب بانک شاهی و بانک استقراضی روس و منازل افسران روسی و قنسول‌ها غارت شد.

۲۲ رئیس نظمیه همدان اعلام کرد هرکس هر جنسی از منازل افسران روسی یا بانک شاهی و بانک استقراضی غارت نموده است باید تحویل دهد. وی افزود اگر خانه‌ای بازدید شود و جنسی مشاهده گردد که تحویل نداده است در حکم جاسوس بوده تیرباران می‌گردد.

۲۲ علی احسان بیک اعلام کرد هرکس مواد غذائی را احتکار کند تیرباران خواهد شد.

۲۲ سلطان احمدشاه میرزا حسن خان وثوق‌الدوله را به ریاست وزرائی برگزید.

۲۴ اداره راه شوسه انزلی ــ طهران ــ قزوین ــ همدان که مرکز آن در قزوین می‌باشد دفاتر خود را به رشت انتقال دادند.

۲۵ همسر وزیر مختار انگلیس به اتفاق سایر خانم‌های سفرای متفقین تهران را به قصد اروپا ترک کردند.

۲۶ شارژ دافر عثمانی طی اعلامیه‌ای متذکر شد که از طرف اردوی مظفر و منصور عثمانی به هیچکس اذیت و آزار نخواهد شد و اهالی نباید تهران را ترک نمایند.

۲۶ امروز عده کثیری از ارامنه مخصوصاً زن و بچه از ترس نزدیک شدن قوای عثمانی از طهران خارج شده تا از راه قزوین به طرف اروپا عزیمت نمایند. عده‌ای از ارامنه از راه امامزاده داود به طرف شمالی کوه فراری و متواری گشتند.

۲۶ وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء طی نامه‌ای ارامنه تهران را از صدمات دولت عثمانی مبری دانست و به آنها اطمینان داد که هیچ دولتی نمی‌تواند متعرض آنها شود.

۲۷ وزیران مختار روس و انگلیس در ایران یادداشتی به دولت ایران داده و متذکر شدند چون ما در شرف حرکت از تهران هستیم شاه و دربار نیز از تهران خارج شوند.

۲۸ به دستور سلطان احمدشاه شورای مشورتی به عده سی و پنج نفر مرکب از علماء، شاهزادگان و اعیان در دربار صاحبقرانیه تشکیل یافت تا راجع به لزوم حرکت شاه از طهران اتخاذ تصمیم شود. پس از شور سی و سه نفر رأی به ابقاء شاه در پایتخت دادند.

۲۸ امروز تجار و کسبه تهران از شنیدن شایعه حرکت شاه نگران شده بازارها را بستند و در مسجد شاه و مسجد سپهسالار اجتماع نموده زبان به اعتراض گشودند و احساسات حرارت‌آمیز بروز دادند.

از طرف دربار صاحب‌اختیار و آقامیرزا محسن مجتهد مأمور شدند مردم را ساکت کنند و اطمینان به فسخ عزیمت شاه بدهند.

۲۸ قوام‌السلطنه، محتشم‌السلطنه و مشاورالممالک مأموریت یافتند به همدان عزیمت نموده ضمن مذاکره با احسان‌پاشا پیشنهاد کنند عساکر عثمانی از ورود به تهران خودداری نمایند.

۳۰ امروز ژنرال علی احسان‌پاشا فرمانده قوای عثمانی در ایران بیانیه‌ای انتشار داد و متذکر شد دولت علیّه اسلامیه عثمانی برای استخلاص دولت همسایه اسلامیه خود ایران از ظلم روس‌ها و تخلیص سلطان احمدشاه از قید اسارت و تأمین استقلال ایران قیام نموده و متذکر شد خلیفه مسلمین و امیرالمؤمنین حکم جهاد داده است تا ایران را از لوث وجود کفار تطهیر نمائیم.

۳۰ وثوق‌الدوله به علت عدم توافق در جلب وزیران استعفا کرد.

۳۰ میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه از طرف سلطان احمدشاه به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد.

۳۰ نه دستگاه زره‌پوش بزرگ انگلیسی با توپهای بلند وارد تبریز شد. این عده خود را آماده برای جنگ با عثمانی‌ها می‌نمایند.

۳۱ بانک استقراضی روس طی اعلانی متذکر شد شعب بانک تا اطلاع مجدد تعطیل خواهد بود. این تصمیم بر این اصل اتخاذ گردید که همه‌روزه عده زیادی از مردم به بانک مراجعه و مرهونه‌های خود را مطالبه می‌کردند.

۳۱ علاءالسلطنه از رئیس‌الوزرائی کنار رفت و مجدداً وثوق‌الدوله فرمان گرفت.





میرزا حسن خان وثوق الدوله رئیس الوزراء مقتدر ایران

شهریور ماه

۳ امروز حاج شیخ جمال الدین در اصفهان از طرف قشون روس بازداشت شد و تحت الحفظ به قم اعزام گردید.

۳ علمای اصفهان ضمن تلگرافی به صدرالعلماء مجتهد و برادرش آقا میرزا محسن در مورد گرفتاری شیخ جمال الدین تقاضای اقدام نمودند.

۷ وثوق الدوله وزیران خود را به شرح زیر معرفی کرد:

وثوق الدوله رئیس الوزراء و وزیر خارجه ــ سپهدار رشتی وزیر داخله ــ حشمت الدوله وزیر جنگ ــ مشارالملک وزیر مالیه ــ نصرت الدوله وزیر عدلیه ــ امین الملک (مودب السلطنه سابق) وزیر پست و تلگراف ــ قوام الدوله وزیر فوائد عامه ــ ممتازالملک وزیر علوم و اوقاف. موقتاً اداره وزارت تجارت برعهده وزیر مالیه قرار گرفت.

۸ میرزا حسین خان عدل الملک به معاونت وزارت داخله و میرزا احمدخان نصیرالدوله به معاونت وزارت خارجه منصوب شدند.

۸ سردار همایون به حکمرانی تهران منصوب شد.

۱۰ کمیته‌ای به نام کمیته مجازات با شرکت منشی زاده، ابوالفتح زاده، مشکوة الممالک به طور مخفی برای ترور اشخاص تشکیل شد. این کمیته عده‌ای از آدم کشان مانند کریم دواتگر را اجیر کرد.

۱۵ روزنامه تحقیقی و سیاسی و اجتماعی و خبری کاوه در برلن به مدیریت سیدحسن تقی زاده و همکاری عده‌ای از جوانان وطن خواه و فاضل انتشار یافت.

۱۶ وثوق الدوله رئیس الوزراء دولتین روس و انگلیس را متقاعد ساخت که فعلاً از کنترل مالیه و نظام ایران صرفنظر نمایند. کنترل مالیه و نظام ایران یک خبط سیاسی سپهسالار بود که آنرا امضاء کرد.

مهر ماه

۲۳ به دستور وثوق الدوله رئیس الوزراء اداره نظمیه مشکوة الدوله و امین الوزاره و بهاءالسلطنه را که متهم به اخلال در امر نان بودند توقیف نمود.

آبان ماه

۹ روزنامه ایران به مدیریت سیدحسن اردبیلی در تهران انتشار پیدا کرد.[۱]

آذر ماه

۱٤ قسمتی از مناطق جنوبی ایران به دست سپاهیان آلمان افتاد.

دی ماه

۱۶ سپاهیان انگلیس جنوب ایران را تصرف نمودند و نیروهای آلمان به خارج از ایران عقب‌نشینی کردند.

بهمن ماه

۱ میرزا حسن خان مشارالملک وزیر مالیه از سمت خود کناره‌گیری کرد و منتخب‌الدوله موقتاً کفیل وزارت مالیه شد.

۲۸ میرزا اسمعیل خان مدیر انبار غلهٔ دولتی توسط کمیتهٔ مجازات به قتل رسید.

۱ ــ سیدحسن اردبیلی مدیر روزنامه ایران پس از یکسال که روزنامه را منتشر کرد درگذشت. مدیریت آنرا به محمد ملک‌زاده دادند ولی گرداننده و نویسنده روزنامه برادرش ملک‌الشعراء بهار بود. پس از وی میرزا اسمعیل خان یکانی به مدیریت روزنامه انتخاب گردید و چندی روزنامه با خامه وی منتشر می‌شد تا اینکه روزنامه به آقای زین‌العابدین رهنما داده شد. رهنما کمک مالی دولت را رد کرد و خود سازمانی به فراخور روزنامه بوجود آورد و آنرا یومیه نمود و تا سال ۱۳۱٤ شمسی روزنامه اول ایران بود. در این سال ستاره بخت رهنما افول کرد. رهنما به دستور رضاشاه بازداشت شد و امتیاز روزنامه را به مجید موقر واگذار نمودند و رهنما از ایران به عراق تبعید شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ رهنما به ایران بازگشت و روزنامه و چاپخانه خود را پس گرفت و به انتشار آن همت گماشت. پس از چندی به مقام سفارت رسید و روزنامه توسط فرزندش حمید رهنما منتشر می‌گردید تا اینکه به کلی تعطیل شد.

اسفند ماه

۳ ادیب‌الممالک فراهانی نویسنده و شاعر بزرگ معاصر درگذشت.

۱۷ شیخ محمد خیابانی در تبریز حزب دموکرات آذربایجان را بنیاد نهاد.

۱۹ شیخ محمد خیابانی روزنامه‌ای به نام تجدد در تبریز انتشار داد.

۲۵ نیکلای دوّم امپراطور کل ممالک روسیه و پادشاه لهستان و گراندوک فنلاند از تاج و تخت سلطنت استعفا نمود و به جای خود برادرش میشل را امپراطور نمود. میشل قبول سلطنت را موکول به تشکیل و تصویب مجلس مؤسسان نمود.[۱]

۲۸ به دستور وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء هیئتی به ریاست آقا سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعد برای مذاکره و عقد قرارداد با دولت روسیه عازم پطروگراد شد.

اعضای این هیئت عبارت بودند از: شاهزاده محمد جعفر میرزا نماینده وزارت فوائد عامه ــ ترجمان‌الممالک نماینده گمرک و مالیه ــ میرزا رحیم خان ارجمند نماینده پست و تلگراف ــ کلنل کاظم‌خان نماینده وزارت جنگ ــ میرزا یوسف خان مشار اعظم نماینده وزارت داخله ــ میرزا سید باقر خان مهذب‌الدوله نماینده وزارت خارجه ــ فهیمی نماینده وزارت معارف.

مسافرت سیدضیاءالدین به اروپا از نظر روابط سیاسی ایران و دولت جدیدالتأسیس شوروی حائز اهمیت خاصی بود. وقتی سیدضیاءالدین وارد روسیه شد و عمق انقلاب مردم آن کشور را دید اولیای امور ایران را متوجّه تغییرات کلی در شئون سیاسی آن کشور نمود و به دولت ایران هشدار داد که هرچه زودتر در برقراری روابط سیاسی و شناسائی دولت جدید اقدام نمایند. رجال ایران به تبعیت از پیشنهاد سیدضیاء به مجلس کبیر دوما تلگرافی مخابره کردند. در آن تاریخ رابط سیدضیاء و دولت، میرزا حسین‌خان معین الوزاره رئیس کابینه وزارت امور خارجه بود.

۱ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود

سال ۱۲۹۶ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۱۷ تا ۲۲ مارس ۱۹۱۸ میلادی

فروردین ماه

۱ وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء تشکیل دستهٔ تفنگداران جنوب را به رسمیت شناخت.

۱۳ عده زیادی از رجال ایران تلگرافی به مجلس کبیر دومای روسیه مخابره و از تغییراتی که در آن کشور به عمل آمده بود تمجید نمودند.

متن تلگراف به این شرح است:

«در موقعی که ملت بزرگ روس به واسطه جانفشانی فرزندان و جسارت فراموش نشدنی نمایندگان خود در راه منظور عظیمی به پیروزی قاطع نائل گشته وکلای مجلس سابق ایران حاضر در تهران با نهایت مسرت تحسین و احترام خویش را برای مقاومت فداکارانه که فقط نزد مدافعین حقیقت یافت می‌شود به آن هیئت معظم ابراز می‌دارند. مشعلی که چنین دست‌های نیرومند بین شرق و غرب استوار ساخته فروغ درخشانی است که بالاخره عالم را منور خواهد کرد و آخرین ظلمت‌ها را برطرف نموده مللی را که دنبال اصول مشترک می‌باشند قادر خواهد ساخت در محیط عشق برادرانه همدیگر را بشناسند.

زنده‌باد روسیه آزادی‌خواه»

۱۸ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه به سمت وزیر مالیه تعیین شد.

۱۸ میرزا شکرالله خان قوام‌الدوله وزیر فوائد عامه تصدی امور وزارت تجارت را نیز عهده‌دار شد.

اردیبهشت ماه

۱۳ کریم دواتگر تروریست کمیته مجازات وسیله اعضای کمیته مزبور به قتل رسید.[1]

۱۹ بدستور میرزا حسن خان وثوق‌الدوله رئیس الوزراء، میرزا فتح‌الله خان سپهدار رشتی وزیر داخله فرمان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی را صادر کرده و اعتبار لازم در اختیار شهرها قرار داد و انتخابات از همان تاریخ شروع شد ولیکن فترت تا سال ۱۳۰۰ شمسی ادامه یافت.

۱ــ کریم دواتگر یک جانی و آدمکش حرفه‌ای بود و در مقابل دریافت پول به هر جنایتی دست می‌زد. او ابتدا اسیر چند مشروطه‌خواه تندرو شد و به شیخ فضل‌الله نوری سوءقصد نمود ولی شیخ او را بخشید و همین امر موجب تجری او شد. چند فقره از قتل‌های کمیته مجازات را او انجام داد. سرانجام در اثر اختلافات مالی با سران کمیته ترور شد. در دادگاهی که سران کمیته مجازات محاکمه شدند اصولاً قتل کریم دواتگر مطرح نشد زیرا دادگاه مجازات او را اعدام می‌دانست که این اعدام قبلاً درباره او توسط دوستانش اجرا شده بود.

خرداد ماه

۱ عبدالحمیدخان متین‌السلطنه نماینده سابق مجلس و مدیر روزنامه عصر جدید توسط اعضاء کمیته مجازات به قتل رسید.[۱]

۸ وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء از کار کناره‌گیری کرد.

۱۰ محمدعلی خان علاءالسلطنه مأمور تشکیل دولت شد.

۱۵ علاءالسلطنه وزیران خود را به این شرح معرفی نمود:[۲]

علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه ــ مستوفی‌الممالک وزیر مشاور ــ مشیرالدوله وزیر جنگ ــ مؤتمن‌الملک وزیر فوائد عامه و تجارت ــ محتشم‌السلطنه وزیر مالیه ــ مستشارالدوله وزیر داخله ــ حکیم‌الملک وزیر معارف ــ ممتازالدوله وزیر عدلیه ــ نصرالملک وزیر پست و تلگراف.[۲]

۱۷ میرزا محسن مجتهد معروف و متنفّذ تهران توسط کمیته مجازات به قتل رسید.

تیر ماه

۱٤ حشمت‌الدوله والاتبار به حکومت گیلان منصوب شد.

مرداد ماه

۳ بانک شاهی به مناسبت جنگ بین‌المللی و کمبود اجزای اروپائی شعبه خود را در بازار تهران تعطیل کرد.

مهر ماه

۲۵ انتخابات چهارمین دوره قانونگذاری در تهران پایان یافت. حائزین اکثریت تهران به این شرح انتخاب شدند:

مستوفی‌الممالک ــ سیدحسن تقی‌زاده ــ سلیمان میرزا ــ مخبرالسلطنه ــ مشیرالدوله ــ صمصام‌السلطنه ــ سید محمدرضا شیرازی (مساوات) ــ مؤتمن‌الملک ــ حکیم‌الملک ــ میرزا طاهر تنکابنی ــ حسینقلی نواب ــ سید محمد تدیّن.

آبان ماه

۲ حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری یکی از دو فاتح تهران در ٦۲ سالگی درگذشت.

۳ تشییع جنازه سردار اسعد با شکوه و جلال فراوان با حضور وزیران و رجال و معاریف به عمل آمد. جنازه را بر روی لوله توپ قرار داده بودند.

۱ــ عبدالحمید ثقفی برادر اعلم‌الدوله ثقفی لقب متین‌السلطنه داشت شرح‌حالی از وی در مجله یغما **چاپ‌شده** است که ظاهراً نویسنده سید ابوالحسن علوی است اخیراً یادداشت‌های نویسنده تحت عنوان رجال عصر مشروطیت به کوشش ایرج افشار از طرف انتشارات اساطیر منتشر شده است که عیناً از کتاب مزبور اقتباس می‌گردد.

م. متین‌السلطنه (عبدالحمید) پسر حاج میرزا عبدالباقی طبیب طهرانی سن او متجاوز از چهل سال نبود تحصیلات خود را مختصری در طهران و بعد در لندن کرده بود. زبان انگلیسی را خوب حرف می‌زد. پس از مراجعت از لندن در بوشهر مستخدم اداره گمرک گردید و روزنامه‌ای به اسم طلوع در بوشهر تأسیس کرد (۱۳۱۸). بعد از مأموریت بوشهر به مأموریت شهر مشهد مشغول گردید. در مشهد هم در اداره گمرک مستخدم بود. در دوره دوّم مجلس از طرف خراسان وکیل گردید و به طهران آمد و پس از تعطیل مجلس (۱۳۲۹) جزو اداره خزانه‌داری گردید و ترقی زیادی در مدت کمی کرد.

بعد بواسطه عدم امانتی که در مسئله خبازخانه طهران (در آن مواقع خبازخانه رجوع به خزانه‌داری بود) به او نسبت دادند از شغل امورات خزانه‌داری منفصل گردید و بعد از مدت کمی روزنامه «عصر جدید» را تأسیس کرد و شغل جریده‌نگاری پیش گرفت. اگرچه مسلک سیاسی روزنامه (عصر جدید) برخلاف مرام ملیون ایران بود لیکن از جهات عدیده بر سایر روزنامه‌های طهران بواسطه صحت اخبار و مقالات جدّی ترجیح کلی داشت. در سال ۱۳۳۵ در خانه خودش چند نفر از اشخاص مجهول الحال رفته و به ضرب گلوله مقتولش کردند قاتلین متین‌السلطنه اعضای کمیته مجازات بودند که اغلبشان دستگیر شدند.»

۲ــ علاءالسلطنه در این هنگام متجاوز از ۸۵ سال داشت. قوه سامعه ←

و تا حدی بینائی خود را از دست داده بود. غالباً در جلسات هیئت دولت به خواب می‌رفت و بیش از چند دقیقه قادر به حضور در جلسات هیئت وزیران نبود. کابینه را درواقع مستوفی‌الممالک اداره می‌کرد. این کابینه را باید یکی از قوی‌ترین کابینه‌های عصر مشروطیت دانست زیرا در این کابینه دو رئیس‌الوزرای سابق (مستوفی‌الممالک ــ مشیرالدوله) و سه رئیس سابق مجلس شورای ملی (مستشارالدوله، ممتازالدوله، مؤتمن‌الملک) عضویت داشتند ولی به علت نابسامانی وضع مملکت و دخالت بیگانگان چند ماهی بیشتر دوام نکرد و جای خود را به عین‌الدوله داد.



سردار اسعد بختیاری

۵ به مناسبت مراسم تدفین سردار اسعد در تخته‌پولاد اصفهان بازار و دکاکین شهر تعطیل شد و سخنرانی‌های باحرارتی از طرف خطباء ایراد گردید.

۷ از طرف سلطان احمدشاه لقب سردار اسعد به جعفرقلی خان سردار بهادر فرزند ارشد سردار اسعد مرحوم تفویض شد و لقب سردار بهادر به فرزند دیگر او تعلق گرفت.

۱۸ علاءالسلطنه رئیس الوزراء در کابینه خود تغییراتی به این شرح داد:

مشیرالدوله وزیر جنگ ــ مؤتمن الملک وزیر علوم و وزیر تجارت و وزیر فوائد عامه ــ قوام السلطنه وزیر داخله ــ مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف ــ ممتازالدوله وزیر مالیه نصرالملک وزیر عدلیه.

۲۵ علاءالسلطنه به اتفاق وزیران کابینه استعفا کرد.

۲۶ سلطان احمدشاه، عین الدوله را به رئیس الوزرائی برگزید.

۳۰ عین الدوله وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

عین الدوله رئیس الوزراء ــ مستوفی الممالک وزیر مشاور مشیرالدوله وزیرجنگ ــ مؤتمن الملک وزیر فوائد عامه و تجارت ــ علاءالسلطنه وزیر خارجه ــ وثوق الدوله وزیر علوم و اوقاف ــ قوام السلطنه وزیر داخله ــ مشارالملک وزیر مالیه ــ امین الملک وزیر پست و تلگراف ــ مخبرالسلطنه وزیر عدلیه.

در کابینه عین الدوله چهار رئیس الوزرای سابق شرکت نموده بودند.

آذر ماه

۱۶ حاج محتشم السلطنه به سمت پیشکار ولیعهد و والی آذربایجان تعیین گردید.

۲۵ لنین رهبر انقلابیون روسیه طی پیامی به مسلمانان روسیه و مشرق زمین اعلام داشت که عهدنامه‌های سری راجع به تقسیم ایران محو و پاره شده و قشون روس از ایران خارج خواهد شد.[۱]

۲۶ دولت جدیدالتأسیس بلشویکی روسیه طی اعلامیه‌ای که به ایران فرستاد متذکر شد هر قرار و معاهده‌ای که حیات ملت و آزادی و استقلال ایران را محدود نماید و در گذشته دولت روس آنرا به زور به ایران تحمیل نموده است از درجه اعتبار ساقط است.

دی ماه

۲۵ عین الدوله از رئیس الوزرائی کناره گیری کرد.

۲۶ مستوفی الممالک رئیس الوزراء شد.

۲۷ مستوفی وزیران خود را به شرح زیر معرفی کرد:

مستوفی الممالک رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ مشیرالدوله وزیر جنگ ــ مؤتمن الملک وزیر علوم و اوقاف مخبرالسلطنه وزیر عدلیه ــ مخبرالملک وزیر مالیه ــ مشاورالممالک وزیر امور خارجه ــ جعفرقلی سردار اسعد وزیر پست و تلگراف ــ میرزا حسین خان معین الوزاره وزیر

۱ ــ متن بیانیهٔ لنین و نامهٔ تروتسکی وزیر خارجهٔ روسیه به شارژدافر ایران در پتروگراد در بخش ضمائم و تعلیقات درج شده است.

فوائد عامه. (معین‌الوزاره قبل از وزارت ریاست دفتر وزارت خارجه را برعهده داشت).

بهمن ماه

۵ شاهزاده سلیمان میرزا لیدر حزب دموکرات به اتهام همکاری با آلمان‌ها از طرف نیروهای انگلیسی بازداشت شد.

۶ کمیته فرقه دموکرات تهران در رابطه با بازداشت سلیمان میرزا اعلامیه‌ای انتشار داده و از این عمل ابراز تنفر نمود.

۸ براوین اولین فرستاده دولت بلشویکی لنین وارد تهران شد و طی اعلامیه‌ای متذکر گردید تمام قراردادهای جابرانه را لغو و بجای آن قرارداد شرافتمندانه‌ای با ایران خواهم بست.

۸ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه با اختیارات کامل به فرمانروائی خراسان و سیستان و بلوچستان تعیین گردید.

۸ قوای قزاق روس شهرهای همدان، سنندج و بعضی از شهرهای آذربایجان را آتش زده مغازه‌ها را غارت نمودند.

۱۵ قحطی و کمبود مواد غذائی در سراسر ایران به وضع وحشتناکی نمایان شد. دولت در تهران روزانه سی تن برنج به صورت دمپختک به مردم فقیر می‌دهد.

۲۸ بامداد امروز سرهنگ فیلارتف روسی که فرماندهی اترياد همدان را به عهده داشت به اتفاق سرهنگ رضاخان سوادکوهی قزاقخانه تهران را اشغال و محاصره نمود. پس از اشغال و محاصره قزاقخانه سرهنگ گلرژه روسی از سمت فرماندهی استعفا می‌دهد و از طرف سلطان احمد شاه سرهنگ استاروسلسکی به جانشینی او تعیین می‌شود.

۲۹ دولت ایران از طریق وزارت امور خارجه از دولت انگلیس خواست هرچه زودتر در موارد پنجگانه زیر اتخاذ تصمیم نماید:

۱ ــ مساعدت در تخلیه ایران و واگذاری پلیس جنوب به این دولت.

۲ ــ الغاء عهدنامه ۱۹۰۷ و رفع اثرات اولتیماتوم ۱۹۱۱.

۳ ــ قبول مشارکت نماینده ایران در کنفرانس صلح جهانی.

٤ ــ تجدیدنظر در تعرفه گمرکی.

۵ ــ پرداخت عایدات گمرکات پس از کسر اقساط قروض.

اسفند ماه

۹ بعدازظهر امروز جمع کثیری از مردم تهران در میدان توپخانه اجتماع نموده نسبت به عملیات انگلیس‌ها در ایران شدیداً اعتراض کردند.

۹ به دستور مستوفی‌الممالک تمام روزنامه‌های تهران و ولایات توقیف شدند.

۱۲ در تبریز سردار مظفر چهار دولی، ملک‌التجار و حسام‌الملک مراغه‌ای ترور شدند.

۱٤ مستوفی رئیس الوزراء دستور داد تمام روزنامه‌های شهرها نیز توقیف شوند و عده‌ای از مدیران جراید هم تبعید گردیدند.

۱٦ در کرمانشاه به علت قحطی و گرانی بیسابقه مردم به غارت دکاکین و خانه‌ها پرداختند و درنتیجهٔ مداخلهٔ پلیس وقوای نظامی عده‌ای مجروح و مصدوم شدند.

۱۸ در کازرون بین قوای ژاندارمری و نظامیان انگلیس زد و خوردی روی داد. ژاندارم‌ها پس از این نبرد کازرون را تخلیه نمودند.

سال ۱۲۹۷ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۱۸ تا ۲۲ مارس ۱۹۱۹ میلادی

فروردین ماه

۸ بیماری تیفوس در نواحی غربی و شمال غربی ایران عده زیادی از مردم را به هلاکت رسانید.

۱۲ نیروهای چریک دشتستانیان دلیر و مبارز به نیروهای پلیس جنوب در فارس حمله بردند و عده‌ای از آنان را به قتل رسانیدند.

۱۴ صولت‌الدوله عناصر قشقائی و دشتی و تنگستانی و کازرونی را برای فتح شیراز و بیرون کردن انگلیس ها و پلیس جنوب آماده کرد.

۱۶ بین نیروهای انگلیسی در فارس و ایلات و عشایر زد و خورد موضعی شروع شد.

اردیبهشت ماه

۱ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء در دولت تغییراتی به این شرح داد:

مخبرالسلطنه وزیر داخله ـــ مشاورالممالک وزیر خارجه مشیرالدوله وزیر جنگ ـــ مشارالسلطنه وزیر مالیه ـــ نصرالملک وزیر عدلیه ـــ سردار اسعد وزیر پست و تلگراف ـــ میرزا حسین خان معین‌الوزاره وزیر فوائد عامه و تجارت ـــ ممتازالملک وزیر علوم و اوقاف.

۸ مستوفی‌الممالک از رئیس‌الوزرائی کناره گیری کرد.

۸ از طرف سلطان احمدشاه، نجفقلی خان صمصام‌السلطنه به رئیس‌الوزرائی انتخاب گردید.

۱۰ صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء کابینه خود را به شرح زیر به شاه معرفی کرد:

صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ـــ مشاورالممالک وزیر خارجه ـــ امیرمفخم بختیاری وزیر جنگ ـــ مشارالملک وزیر مالیه ـــ نصرالملک وزیر عدلیه مشارالسلطنه وزیر پست و تلگراف ـــ میرزا حسین خان معین‌الوزاره وزیر فوائد عامه و تجارت ـــ حکیم‌الملک وزیر علوم و اوقاف ـــ مستشارالدوله وزیر مشاور.

خرداد ماه

۱ صولت‌الدوله طی اعلامیه‌ای متذکر شد که قشقائی ها و سایر ایلات فارس برای دفاع از اسلام، در مقابل قوای انگلیسی در ایران قیام کرده‌اند.

۲ روحانیون فارس اعلامیه‌ای انتشار داده مردم را به قیام علیه بیگانگان تهییج کردند و غالب شهرهای فارس بدست عشایر سقوط کرد.



مسعود میرزا ظل السلطان که زمانی بر نیمی از ایران حکومت داشت

تیر ماه

۳ میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه رئیس الوزرای سابق که به آنگلوفیلی شهرت داشت در تهران درگذشت.[۱]

۱۲ مسعود میرزا ظل السلطان فرزند ارشد ناصرالدینشاه که زمانی بر نیمی از ایران فرمانروائی داشت در اصفهان درگذشت.[۱]

۲۵ عده زیادی از روحانیون از جمله سیدحسن مدرس و حاج آقا جمال و سید محمد امام جمعه در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار نمودند و با تشکیل جلسات و ایراد سخنرانی از احمدشاه عزل صمصام السلطنه را از رئیس الوزرائی خواستار شدند.

۲۶ دامنه مخالفت با زمامداری صمصام السلطنه وسعت یافت. بازار و اصناف تهران دکان‌های خود را تعطیل نمودند و ضمن تظاهرات برکناری صمصام السلطنه را تنها شرط باز کردن دکاکین خود اعلام کردند.

۱ ــ محمدعلی علاء (علاءالسلطنه) خدمات اداری خود را از وزارت امور خارجه شروع کرد. مدتی در هندوستان بود. بعد به قفقازیه رفت و سرکنسول آنجا شد. و در آن سمت ابتدا لقب معین الوزاره بعد علاءالسلطنه گرفت. ناصرالدین شاه در بازگشت از سفر سوم خود به فرنگ چند روزی در قفقاز بسر برد. علاءالسلطنه بیش از حد توجه او را جلب نمود و پس از مراجعت به تهران او را وزیر مختار در لندن نمود و این مأموریت وی مدتها ادامه داشت تا اینکه در مشروطیت به ایران احضار و وزارت امور خارجه به‌وی تفویض گردید. به جای وی فرزند ارشدش میرزا مهدی خان مشیرالملک وزیر مختار لندن گردید و او نیز قریب بیست سال در آن سمت بود. علاءالسلطنه جزء رجال معدودی است که به او لقب «پرنسی» داده شد. میرزا ملکم خان ناظم الدوله، میرزا اسحق خان مفخم الدوله، میرزا رضاخان ارفع الدوله و علاءالسلطنه لقب پرنسی گرفتند.

وی یکی از عاملین نمره اول انگلیس در ایران بود و از همین لحاظ با ناصرالملک همدانی روابط نزدیکی داشت. ناصرالملک دوبار او را به رئیس الوزرائی منصوب نمود و سرانجام نیز دختر خود را به یکی از پسران او (حسین علاء) به زوجیت داد. علاءالسلطنه در جوانی با یکی از دختران مجدالملک سینکی (خواهر میرزا علی خان امین الدوله) ازدواج کرد و صاحب چهار پسر شد که به ترتیب عبارتند از مهدی و جمشید و محمد و حسین که همگی نام خانوادگی علاء را برگزیدند.

۲ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود

۲۶ سلطان احمدشاه به صمصام السلطنه تکلیف استعفا کرد ولی وی نپذیرفت و تقاضای عزل خود را نمود.

۲۶ بنا به تقاضای روحانیون و اصلاح‌طلبان سلطان احمدشاه میرزا حسن خان وثوق الدوله را به رئیس الوزرائی برگزید.

مرداد ماه

٤ صمصام السلطنه دستور داد حکومت نظامی را لغو نمایند. هیئت وزیران قرارداد لیانازف و کاپیتولاسیون را لغو نمود.[۱]

٦ وثوق الدوله رسماً کار خود را آغاز کرد و از ورود صمصام السلطنه و وزیران وی به مقر دولت جلوگیری نمود.

۱ ــ صمصام السلطنه پس از برکناری از رئیس الوزرائی تصویبنامه‌های زیر را به امضاء وزیران کابینه رسانید:

نظر به اینکه معاهدات و مقاولات و امتیازاتی که از یکصد سال به این طرف دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته‌اند تماماً یا در تحت فشار و جبر و زور و یا به وسیلهٔ عوامل غیرمشروعه از قبیل تهدید و تطمیع برخلاف صلاح و صرفهٔ مملکت و ملت ایران شده است؛

نظر بر اینکه دول معظمه دنیا از ابتدای جنگ حاضر، حفظ و رعایت مختاریت و استقلال اقتصادی و سیاسی ملل ضعیفه را به وسائل متنوعه گوشزد جهانیان نموده و می‌نمایند؛

نظر بر اینکه دولت جدید روسیه، آزادی و مختاریت تامه ملل را مقصد و آرزوی خود قرار داده بالخاصه الغای امتیازات و عهودی را که از ایران تحصیل کرده‌اند از مجاری رسمی و غیررسمی به دفعات اعلام کرده است؛

نظر بر اینکه امتیازات و عهدنامجات و مقاولات مزبوره علاوه بر اینکه در تحت فشار و زور برعلیه مصالح مملکت اخذ و آنهائی که بعد از اعلان مشروطیت ایران برخلاف نص صریح قانون اساسی مملکت تحصیل شده است یا بموقع اجراء گذارده نشده و یا به ترتیب خیلی ناقص اجراء و مخالف مواد مصرحه آنها رفتار شده نه‌تنها حقوق معینه دولت استیفا نگشته بلکه با نقل و انتقال و یا سوءاستعمال مدلول آنها غالباً بهانه‌های مضر سیاسی و اقتصادی بر ضرر استقلال دولت و حوائج ملت اتخاذ شده است؛

وبالجمله نظر بر اینکه دولت و ملّت ایران هم حق دارد مثل سایر دول و ملل عالم از منابع ثروت و آزادی طبیعی خود استفاده نماید، لهذا هیئت دولت در جلسه شنبه چهارم برج اسد ۱۲۹۷ شمسی مطابق هیجدهم شوال المکرم ۱۳۳٦ الغای کلیه عهدنامجات و مقاولات و امتیازات فوق الذکر را قطعاً تصمیم و مقرر می‌دارد که وزارت جلیله امور خارجه مأمورین و نمایندگان دول خارجه مقیمین دربار ایران و سفرای دولت علیه مقیمین خارجه را از مفاد این تصمیم مستحضر داشته و وزارت جلیلهٔ فوائد عامه و تجارت و فلاحت به وسایل مقتضیه برای استحضار عموم اعلان نماید.»

←

۱۵ وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء کابینهٔ خود را به این شرح معرفی کرد:

وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ مشاورالممالک وزیر خارجه ــ صارم‌الدوله وزیر مالیه ــ نصرت‌الدوله وزیر عدلیه ــ نصیرالدوله وزیر معارف ــ دبیرالملک وزیر تجارت و فوائد عامه.

تا تعیین وزیر جنگ و وزیر پست و تلگراف سردار همایون والی و محاسب الممالک در دو وزارتخانه مذکور کفالت یافتند.

۱۵ به دستور وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء اداره نظمیه موظف شد کلیه اعضای کمیته مجازات را که در چند سال اخیر مرتکب چندین فقره قتل شده بودند دستگیر کنند.

۲۱ محاکمه اعضاء کمیته مجازات آغاز شد.

۳۰ محاکمه اعضاء کمیته مجازات پایان یافت. دو نفر محکوم به اعدام، دو نفر محکوم به پانزده سال حبس و تبعید و بقیه به حبس‌های سنگین محکوم شدند.

شهریور ماه

۳ رشید السلطان و حسین خان لله دو نفر از اعضاء کمیته مجازات بامداد امروز در میدان توپخانه به دار مجازات آویخته شدند. به دنبال اعدام این دو نفر مردم تهران ابراز احساسات و شادمانی نموده مجازات بقیه اعضای کمیته را خواستار شدند.

۸ ابراهیم منشی‌زاده و اسدالله ابوالفتح‌زاده اعضاء مؤثر کمیته مجازات که به حبس و تبعید محکوم شده بودند هنگام فرار هدف گلوله قرار گرفتند و به قتل رسیدند.

آبان ماه

۲۲ جنگ جهانی اول با شکست آلمان پایان یافت. سفارت فرانسه در تهران طی اعلامیه‌ای پایان جنگ جهانی را اعلام و شرایط سنگین تسلیم آلمان را ذکر کرد.

آذر ماه

۶ وثوق‌الدوله به عنوان خستگی از رئیس‌الوزرائی استعفا داد ولی سلطان احمدشاه استعفای او را نپذیرفت و مجدداً در مقام خویش تثبیت گردید.

۱۰ رسماً به دولت ایران اطلاع داده شد که قشون عثمانی روز ۸ آذر جلفای ایران را به کلی تخلیه و از طریق ساوجبلاغ و مراغه و صاین‌قلعه به خاک خود رهسپار گشته است.

۱۳ وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء اعلامیه‌ای انتشار داد و در آن متذکر شد هرکس با برنامه‌های اصلاحی دولت مخالفت کند به شدیدترین وجه مجازات خواهد شد.

۱۹ دولت انگلیس طی نامه‌ای که برای وثوق‌الدوله فرستاد تمامیت و استقلال ایران را تضمین نمود و قول لغو قرارداد ۱۹۰۷ را داد.

۱۹ دولت انگلیس پلیس جنوب را به ایران واگذار کرد.

۱۹ دولت انگلیس کمک خود را به دولت ایران از دویست هزار تومان به سیصد هزار تومان افزایش داد.

۲۵ هیئت اعزامی ایران به کنگره صلح مرکب از مشاورالممالک انصاری وزیر خارجه رئیس هیئت، ذکاءالملک فروغی رئیس دیوانعالی تمیز، میرزا حسین معین‌الوزاره وزیر سابق فوائد عامه و تجارت، انتظام‌الملک رئیس کابینه وزارت خارجه، مسیو ادلف پرنی فرانسوی مستشار وزارت عدلیه، و میرزا عبدالحسین خان انصاری برای شرکت در جلسات کنگره عازم اروپا شدند.

تصویب‌نامه لغو کاپیتولاسیون توسط هیئت وزیران صمصام‌السلطنه:

«نظر به تصویب نامهٔ مورخ ۱۸ شوال ٤ برج اسد ۱۲۹۷، نظر بر اینکه در اجراء تصویب‌نامه مزبوره محاکمات وزارت امور خارجه باید موقوف و رسیدگی به دعاوی واقعه بین اتباع خارجه و اتباع ایران در محاکمات عدلیه موافق قوانین مملکتی به عمل بیاید هیئت وزراء بنا به پیشنهاد وزارتین عدلیه اعظم و خارجه مقرر می‌دارند:

ماده اول ــ در وزارت عدلیه کمیسیونی در تحت ریاست آقای ذکاءالملک منعقد خواهد شد مرکب از اشخاص ذیل: مسیو پرنی مستشار عدلیه، آقای منصورالسلطنه، آقای ظهیرالملک، آقای ساعدالملک.

ماده دوم ــ کمیسیون مزبور در بودجه و پرسنل محاکمات وزارت امور خارجه و کارگزاری‌ها مداقه لازم به عمل آورده وسائل نقل و تحویل آنها را به حوزه قضائیه تسهیل خواهد نمود.

ماده سوم ــ در صورتی که کمیسیون مذکور در مادهٔ اول نسبت به رسیدگی به دعاوی که فعلاً در محاکمات وزارت خارجه مطرح است نظریات مخصوصی داشته باشد نظریات خود را به وزارت عدلیه پیشنهاد خواهد نمود.»

سال ۱۲۹۸ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۱۹ تا ۲۱ مارس ۱۹۲۰ میلادی

فروردین ماه

۵ سردار معظم خراسانی به حکمرانی گیلان منصوب شد.

اردیبهشت ماه

۹ حجة‌الاسلام سیدمحمد کاظم یزدی از فقهای متبحر و از مراجع تقلید بزرگ و سرآمد فقهای عصر و صاحب کتاب معتبر «عروة الوثقی» در نجف اشرف دار فانی را وداع گفت. در نجف و کربلا و تمام شهرهای ایران سه روز تعطیل عمومی شد و مردم به عزاداری پرداختند.

۲۲ به دستور سردار معظم خراسانی حکمران گیلان دکتر حشمت یکی از آزادیخواهان و دوست میرزا کوچک خان به اتفاق عده‌ای دیگر به دار آویخته شدند.[۱]

خرداد ماه

۹ دوازده کشتی جنگی دولت جدیدالتأسیس شوروی بندر غازیان را که محل توقف و استحکامات قوای انگلیس بود بمباران کردند.

۱ ــ به بخش ضمائم و تعلیقات مراجعه شود

مرداد ماه

۱۷ میرزا حسن خان وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء قرارداد بین دولتین ایران و انگلستان را امضاء کرد.

۱۷ وثوق‌الدوله طی اعلامیه‌ای امضای قرارداد بین ایران و انگلیس را فاش ساخت. در این اعلامیه آمده است که طبق قرارداد منعقده مالیه و قشون ایران زیر نظر معلمین و فرماندهان انگلیس قرار خواهد گرفت. قشون متحدالشکل خواهد شد. ژاندارم و قزاق بیک صورت درخواهند آمد. دولت انگلیس به ایران دو میلیون لیره وام خواهد داد.[۱]

۱۷ از طرف دولت انگلیس آرمیتاژ اسمیت برای اداره مالیه و ژنرال دیکسن برای اداره قشون وارد تهران شدند.

۱۸ پس از انتشار قرارداد ایران و انگلیس موجی از مخالفت و موافقت جراید و مردم بلند شد. روزنامه‌ها به بحث و انتقاد پرداختند. انجمن‌ها و میتینگ‌ها درتائید و تکذیب قرارداد برپا شد.

۱۸ بعضی از مطبوعات تهران دفاع از قرارداد را شروع کردند.

۱ ــ متن اعلامیهٔ وثوق‌الدوله و قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس در بخش ضمائم و تعلیقات درج شده است.

۲۰ روزنامه یومیه صدای طهران به مدیریت سید محمد بیرجندی مدیر مدرسه تدین و نماینده مجلس از امروز انتشار یافت. این روزنامه از طرفداران وثوق الدوله و از جمله مدافعین قرارداد است.

شهریور ماه

۶ ماشاءالله خان کاشی فرزند نایب حسین کاشی و رضا پهلوان به جرم راهزنی و قتل و غارت و چپاول اموال مردم در میدان توپخانه به دار آویخته شدند.

۱۷ وثوق الدوله نسبت به مخالفین قرارداد شدت عمل به خرج داد و عده‌ای از رجال را که هسته اصلی مخالفت با قرارداد بودند به کاشان تبعید کرد. معاریف تبعیدشدگان عبارتند از: میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله ــ معین التجار بوشهری ــ مستشارالدوله ــ ممتازالملک ــ محتشم السلطنه و حدود بیست نفر دیگر.

۱۸ دولت امریکا توسط وزیر مختار خود در ایران به انعقاد قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ منعقده بین ایران و انگلیس شدیداً اعتراض کرد.

آبان ماه

۲ دولت امریکا که ماهی دویست هزار تومان آذوقه به ایران کمک می‌کرد به علت انعقاد قرارداد بین ایران و انگلیس کمک خود را قطع کرد.

۷ سلطان احمدشاه قاجار امروز با جهاز مخصوص سلطنتی وارد انگلستان شد. میزبان شاه ایران پرنس آلبرت پسر ژرژ پنجم است. مقر شاه ایران قصر بوکینگهام می‌باشد.

۷ به مناسبت ورود سلطان احمدشاه به لندن، از طرف پادشاه انگلستان میهمانی مجلل و بزرگی داده شد. علاوه بر شاه رجال نامی انگلستان و سفرای مقیم لندن حضور داشتند. بعضی از سلاطین اروپائی نیز به طور غیررسمی در این ضیافت شرکت نموده بودند. پادشاه انگلستان و احمدشاه هرکدام نطق هائی ایراد نمودند.

۱۸ نایب حسین کاشی که سالیان دراز به راهزنی و قتل و غارت در نواحی کاشان مشغول بود اعدام شد.

وثوق الدوله قبل از اعدام نایب حسین اموال مسروقه و نقود و فرش های سرقت شده را به صاحبان اصلی تحویل داد.



نایب حسین کاشی یاغی و راهزن معروف که سرانجام توسط وثوق الدوله دستگیر و اعدام شد

سال ۱۲۹۹ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۲۰ تا ۲۱ مارس ۱۹۲۱ میلادی

فروردین ماه

۱ کلنل فضل‌الله خان صاحب‌منصب ژاندارمری به علت انعقاد قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ که متضمن تحت‌الحمایگی ایران توسط انگلیس‌ها بود انتحار کرد.[۱]

۱۳ حاج شیخ الرئیس قاجار از معاریف اهل منبر و شعراء و اهل حکمت و عرفان و نماینده مجلس متخلص به حیرت درگذشت.

۱۷ قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز آغاز شد. دموکرات‌ها و مجاهدین مسلح شده در محل حزب تجدد حضور بهمرسانیدند.

۱۸ امروز گروه کثیری از دموکرات‌ها و مجاهدین به اتفاق شاگردان مدارس تبریز به بازار ریخته دکان‌ها را تعطیل کردند کسبه خیابان‌ها نیز دکان‌های خود را بستند.

۱۸ طرفداران خیابانی به شهربانی یورش بردند و بدون مقاومت شهربانی را متصرف شدند. کلنل بیورلینگ سوئدی رئیس شهربانی و عده‌ای از افسران سوئدی از شهر خارج شده به باسمنج رفتند. سردار انتصار (مظفر اعلم) فرمانده قشون آذربایجان در تصرف شهربانی، دموکرات‌ها را یاری داد.

۱۹ شیخ محمد خیابانی پس از تصرف شهربانی بیانیه‌ای از طرف هیئت مدیره حزب دموکرات به دو زبان فارسی و فرانسه صادر نمود. در این اعلامیه آمده است برنامه شیخ برقرار داشتن آسایش عمومی و از قوه به فعل درآوردن رژیم مشروطیت است.

۱۹ شیخ محمد خیابانی زعیم قیام در تبریز نام آذربایجان را به آزادی‌ستان تغییر داد.

۳۰ عین‌الدوله والی آذربایجان وارد تبریز شد و در عالی قاپو مسکن گزید. طرفداران خیابانی عالی‌قاپو را محاصره و از رفت و آمد اشخاص بدانجا جلوگیری کردند. عین‌الدوله طی تلگرافی از دولت تقاضای دویست هزار تومان پول کرد.

۱ ــ حسین مکی در کتاب زندگانی سلطان احمدشاه قاجار دربارهٔ این انتحار چنین نوشته است:

کلنل فضل‌الله خان آق‌اولی یکی از افسران خوب و باشرف ژاندارمری بود که هم دارای تحصیلات عالیه بود و هم خوش‌فکر و باتصمیم، در غالب اوقات در برابر دستورات و تعلیمات غیرعملی افسران سوئدی با خشونت و زبری مخصوصی مقاومت می‌کرد و خیلی دیر تسلیم اوامر آنان می‌گردید.

نامبرده فرمانده رژیمان ٤ (هنگ ٤) ژاندارمری بود که حوزه فرمانروائی وی عبارت بود از قم، اراک، نهاوند، ملایر، تویسرکان، کمره، گلپایگان و خوانسار و توابع.

←

پس از انعقاد قرارداد نهم اوت فوراً دستور داده شد که برای مطالعات در اطراف ارتش ایران کمیسیونی مرکب از افسران ایرانی و انگلیسی در مرکز تشکیل شود و تصمیمات لازمه را اتخاذ نماید. کمیسیون مزبور تشکیل شده منجمله عده‌ای از افسران یونیفورم انگلیسی (ژنرال ساکس و کلنل اسمایس ودیگسن و غیره) و عده‌ای از افسران ایرانی مانند سردار مخصوص انصاری، کلنل عزیزالله خان ضرغامی، عباس میرزای سالار لشکر (فرزند فرمانفرما) و عده‌ای دیگر.

کلنل فضل‌الله خان آق‌اولی در این کمیسیون اولاً به عضویت و سپس به منشیگری انتخاب گردیده و به مرکز احضار شده بود و در کمیسیون مزبور شرکت کرد. این کمیسیون در حدود ٤ ماه مشغول مطالعه و اخذ تصمیم بود و بالاخره تصمیمات این کمیسیون عبارت از این بود که سازمان یک ارتش متحدالشکل در ایران بدهد و ژاندارمری و قزاقخانه را یکی کرده نسبت به ادارات ارتشی و مناطق نظامی در حدود قوای هوائی و زمینی و موتوریزه و خرید اسلحه و مهمات و ساز و برگ از ارتش هند در تحت نظر و فرماندهی افسران انگلیسی اداره شود.

می‌گویند یکی دیگر از تصمیمات این کمیسیون که خیلی موهن به نظر می‌رسید این بود که حتی برای تعلیمات ارتش ایران عده‌ای گروهبان از ارتش هند استخدام شود، و افسران ایرانی از درجهٔ سروانی بالاتر حق ترفیع نداشته باشند، و از درجهٔ سروانی به بالاتر را از افسران انگلیسی استخدام نمایند.

کلنل فضل‌الله خان و یکی دیگر از رفقایش با تصمیمات این کمیسیون مخالفت کردند و مورد اعتراض شدید وزیر جنگ قرار گرفتند.

کلنل فضل‌الله خان کلیه تصمیمات این کمیسیون را در دفتری جمع‌آوری کرده بود تا روزی که ژنرال ساکس با میسیون‌خود به مدرسهٔ نظام که مرحوم مشیرالدوله آن را تأسیس کرده بود رفت، و دستوراتی برای اجرا صادر کرد، این عملیات که به نظر کلنل فضل‌الله خان خیلی زننده و غیرقابل تحمل می‌رسید فکر انتحار را در مغز او پرورانید که خود را از این زندگی سراسر مذلت و بدبختی خلاص نماید.

روز اول فروردین ۱۲۹۹ خورشیدی کلنل فضل‌الله خان موقعی که لباس سلام پوشیده بود و می‌خواست سوار شده به عمارت گلستان برود از اتاق خود که خارج شد، ناگهان از این خیال منصرف و به‌اتاق خودش بازگشت و قریب یکساعت یادداشتهائی نوشته روی میز گذاشت، سپس هفت‌تیر خود را برداشته انتحار نمود.

پس از انتحار به فاصلهٔ یکی دو ساعت وثوق‌الدوله شخصاً به اتاق وی وارد شد و یادداشتهائی را که نوشته بود برداشته اجازهٔ دفن او را صادر کرد و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد.

انتحار کلنل فضل‌الله خان در تصمیمات کمیسیون مطالعات وقفه‌ای ایجاد کرد و از این پس دیگر کمیسیون نامبرده نتوانست نقشه‌های خود را که طرح کرده بود عملی سازد. چندی بعد هم کابینه ساقط گردید.

خلاصه با انتحار کلنل فضل‌الله خان تقریباً عملیات کمیسیون مطالعات بی‌اثر گردید و نتوانستند نتیجه‌ای که از آن در نظر گرفته شده بوده استفاده نمایند.



کلنل فضل‌الله خان اق اولی

خرداد ماه

٤ زد و خورد مسلحانه بین کنسولگری آلمان و طرفداران خیابانی آغاز شد. پس از چند ساعت زد و خورد کنسول آلمان به شهادت رسید.

۱۳ سلطان احمدشاه قاجار که به اروپا سفر کرده بود پس از زیارت قبور متبرکه در نجف و کربلا از طریق خرمشهر وارد تهران شد.

۱۸ میرزا کوچک‌خان و احسان‌الله خان گردانندگان اصلی نهضت جنگل به وسیلهٔ بیانیه‌ای تشکیل هیئت دولت خود را به مردم اعلام نمودند. میرزا کوچک خان خود را سرکمیسر و کمیسر جنگ معرفی نمود.



میرزا حسن خان مشیرالدوله رئیس الوزراء

تیر ماه

۳ خیابانی شمس العماره و عالی قاپوی تبریز را تصرف نمود و خانواده سلطنتی را از تبریز بیرون کرد. در همین روز عین الدوله والی با خفت و خواری شهر تبریز را ترک نمود.

٤ میرزا حسن خان وثوق الدوله رئیس الوزراء از کار کناره گرفت.

۷ میرزا حسن خان مشیرالدوله به رئیس الوزرائی منصوب شد.

۱۲ مشیرالدوله رئیس الوزراء وزیران خود را به شرح زیر به شاه معرفی کرد:

مستوفی الممالک وزیر مشاور ــ مؤتمن الملک وزیر مشاور مخبرالسلطنه وزیر مالیه ــ مشارالسلطنه وزیر خارجه ــ حشمت الدوله وزیر داخله ــ حکیم الملک وزیر معارف ــ نیرالملک وزیر پست و تلگراف ــ اعتلاءالسلطنه وزیر فوائد عامه و تجارت ــ مصدق السلطنه وزیر عدلیه ــ وثوق السلطنه کفیل وزارت جنگ.

۱۳ مشیرالدوله رئیس الوزراء طی اعلامیه ای متذکر شد لغو یا تنفیذ قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ بستگی به نظر مجلس شورای ملی دارد.

مرداد ماه

۱۶ مشیرالدوله انتخابات دوره چهارم را متوقف ساخت.

۲۳ به دستور سلطان احمدشاه کلنل استاروسلسکی رئیس کل قزاقخانه مأمور دفع متجاسرین گیلان و مازندران گردید و درجه سرداری به او داده شد.

۲۷ حاج میرزا محمدتقی شیرازی از اجله و اعیان علماء و معاریف مجتهدین و فقهاء که ضمناً در سرودن اشعار عربی و فارسی قدرتی تمام داشت در نجف اشرف درگذشت.

۲۷ شهر رشت که در تصرف و اشغال روس ها بود در اثر حمله قوای قزاق تصرف گردید و قوای دولتی وارد رشت شد. سردار استاروسلسکی فرمانده قزاقخانه به مناسبت این فتح یک قبضه شمشیر مرصع گرفت.

شهریور ماه

١٤ حاج مخبرالسلطنه وزیر مالیه با اختیارات کامل والی آذربایجان شد. مأموریت عمده وی خاتمه دادن به قیام شیخ محمد خیابانی است.

۱۷ شیخ محمد خیابانی رهبر قیام آذربایجان به مخبرالسلطنه والی جدید اجازه ورود به تبریز را نداد. وی ناگزیر در قزاقخانه سکونت کرد.

۱۸ جنگ های خیابانی بین قوای قزاق و طرفداران شیخ محمد خیابانی آغاز شد.

۲۲ پس از چند روز زد و خورد سرانجام شیخ محمد خیابانی توسط قزاقان به قتل رسید.

۲۳ مخبرالسلطنه والی آذربایجان به پاس ختم قضایای آذربایجان و قتل شیخ محمد خیابانی بنا به پیشنهاد مشیرالدوله از احمدشاه نشان درجه اول اقدس با حمایل گرفت.

۸ کلنل محمدتقی خان فرمانده جدید ژاندارمری خراسان وارد مشهد شد و به ملاقات قوام السلطنه فرمانروای خراسان و سیستان رفت و مورد تأیید او قرار گرفت.

مهر ماه

۱۵ مصدق السلطنه وزیر عدلیه که از طریق فارس عازم تهران بود بنا به تقاضای مردم شیراز و موافقت مشیرالدوله رئیس الوزراء والی فارس گردید و امور حکومت را از دائی خود فرمانفرما تحویل گرفت.

آبان ماه

۳ مشیرالدوله رئیس الوزراء در مقابل مشکلات مملکت تاب مقاومت نیاورده و از کار استعفا نمود.

٤ از طرف احمدشاه فرمان ریاست وزرائی برای سپهدار رشتی صادر شد.

۸ سپهدار رشتی رئیس الوزراء ضمن بیانیه ای مشکلات موجود در مملکت را با مردم در میان نهاد و از آنها معاونت و مساعدت درخواست کرد.

۸ به دستور سپهدار رشتی رئیس الوزراء سردار استاروسلسکی رئیس کل قزاقخانه ایران اخراج شد.[۱]

۹ عده زیادی از صاحبمنصبان روسی که در قزاقخانه فرماندهی داشتند از کار برکنار و به آنها ابلاغ شد مملکت ایران را ترک نمایند.

۱۸ سردار همایون والی به فرماندهی دیویزیون قزاق منصوب شد.



فتح الله اکبر (سردار منصور ــ سپهدار اعظم رشتی) رئیس الوزراء

آذر ماه

۱۲ دولت انگلیس یادداشت شدیداللحنی به دولت ایران داد. در این یادداشت متذکر شد که قزاقخانه بایستی در تحت فرماندهی و نظارت خرج مأمورین انگلیسی باشد.

۱۲ به دستور سلطان احمدشاه مجلس مشاوره عالی با شرکت رجال، وزراء، اعیان، معاریف، نمایندگان انتخاب شده دوره چهارم، تشکیل گردید تا ضمن حل مشکلات موجود مملکت پاسخ یادداشت دولت انگلیس را تهیه نمایند.

۲۲ سپهدار رشتی رئیس الوزراء کابینه خود را به این شرح به احمدشاه معرفی کرد: سپهدار رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ نصرالملک وزیر مشاور ــ امین الملک وزیر مالیه ــ سلیمان خان وزیر عدلیه ــ وحیدالملک وزیر معارف ــ امیرنظام همدانی وزیر جنگ ــ سالار لشکر وزیر فوائد عامه ــ سردار معتمد وزیر پست و تلگراف ــ فهیم الدوله کفیل وزارت خارجه ــ ادیب السلطنه معاون رئیس الوزراء در میان وزیران کابینه جز نصرالملک و امین الملک بقیه در زمره کسانی بودند که برای اولین بار به وزارت منصوب می شدند.

۱ ــ عزل استاروسلسکی و سایر صاحبمنصبان روسی از قزاقخانه به اصرار و خواسته دولت انگلستان و مربوط به قرارداد ۱۹۱۹ بود. انگلیس‌ها قرارداد را تمام شده می‌دانستند و کارکنان آنها در ایران مشغول کار بودند. قبلاً به مشیرالدوله تکلیف شده بود که این کار را انجام بدهد ولی او زیر بار نرفت تا استعفا داد و این خواسته انگلیس‌ها را سپهدار جامه عمل پوشانید و فرماندهی قزاقخانه را به سردار همایون سپرد. سردار همایون (سرلشکر قاسم والی) تحصیلکرده اروپا و دانشکده نظامی سَن‌سیر فرانسه را تمام کرده در تبریز و تهران مشاغل مهمی را احراز کرده بود. چندی ریاست نظمیه با او بود و مدتی هم معاونت و کفالت وزارت جنگ را داشت ولی ریاست وی در قزاقخانه با حسن قبول تلقی نشد.

دی ماه

۱۷ نصرالملک وزیر مشاور و فهیم الدوله کفیل وزارت خارجه استعفا دادند.[۱]

۱۸ سید محمد طباطبائی یکی از دو زعیم مشروطیت ایران در تهران درگذشت.

۲۵ سپهدار اعظم در مقابل مشکلات تاب مقاومت نیاورد و استعفای خود را از سمت رئیس الوزرائی به سلطان احمدشاه تسلیم نمود. این استعفا مورد قبول واقع شد.

۲۶ به دنبال استعفای میرزا فتح‌الله خان سپهدار از ریاست وزرائی سلطان احمدشاه از قصر فرح آباد به کلیه معاونین وزارتخانه ها تلگرافی اعلام نمود تا تعیین رئیس الوزراء و وزیران، امور را کفالت نموده و گزارش را مستقیماً برای شاه بفرستند.

۲۶ میرزا حسن خان مستوفی الممالک به قصر فرح آباد احضار و تکلیف رئیس الوزرائی به وی شد ولی مستوفی ریاست دولت را نپذیرفت.

۲۹ میرزا حسن مشیرالدوله امروز به دربار احضار شد. سلطان احمدشاه ضمن مذاکره با وی پیشنهاد کرد ریاست دولت را قبول کند ولی مشیرالدوله زیر بار نرفت.

۳۰ سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله امروز با سلطان احمدشاه ملاقات کرد و پیشنهاد رئیس الوزرائی را رد کرد.

بهمن ماه

۱ برحسب امر سلطان احمدشاه از نمایندگان انتخاب شده مجلس که جمعاً ٦٧ نفر بودند دعوت به عمل آمد تا درباره رئیس الوزراء آینده به گفتگو بنشینند سرانجام در یک جلسه طولانی قرار بر این شد که فرمان رئیس الوزرائی مجدداً برای سپهدار اعظم رشتی صادر شود.

۲ امروز سپهدار به قصر فرح آباد احضار و فرمان ریاست وزرائی را دریافت نمود.

۲۸ سپهدار پس از ۲٦ روز مطالعه وزیران خود را به این شرح به احمدشاه معرفی کرد: سپهدار رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ محتشم السلطنه وزیر خارجه ــ نصرالملک وزیر فوائد عامه و تجارت ــ امین الملک وزیر معارف ــ سالار لشگر وزیر عدلیه ــ امیرنظام وزیر جنگ ــ سردار معتمد وزیر پست و تلگراف ــ میرزا عیسی خان کفیل وزارت مالیه ــ ادیب السلطنه معاون رئیس الوزراء.

۲۹ قوای قزاق از قزوین به سمت تهران حرکت کرد.

۲۹ از طرف سلطان احمد شاه هیئتی عازم کرج شد تا از ورود قوای قزاق به تهران جلوگیری کند.

۳۰ سردار همایون از فرماندهی دیویزیون قزاق کناره گیری کرد.

اسفند ماه

۲ قوای قزاق به فرماندهی میر پنج رضاخان و به جلوداری گردان سوار به فرماندهی احمدآقا سرتیپ در شاه‌آباد تهران اردو زدند.

۲ ادیب السلطنه معاون رئیس الوزراء و معین الملک رئیس دفتر شاه که برای مذاکره با فرمانده نیروی اعزامی به تهران در شاه‌آباد توقف داشتند پس از ملاقات با سران نیرو بازداشت شدند.

۲ سیدضیاءالدین مدیر روزنامهٔ رعد درحالیکه عبا و عمامه را تبدیل به سرداری و کلاه‌پوستی نموده بود در شاه‌آباد به نیروی اعزامی پیوست.

۲ ساعت شش بعد از ظهر سید ضیاءالدین برای نیروی اعزامی نطق مهیجی ایراد نمود و سپس به هریک از افراد و نفرات سه ماه حقوق معوقه پرداخت گردید و نیرو به سمت تهران حرکت کرد.

۳ در نخستین دقایق سپیده دم امروز قسمتی از قوای قزاق به فرماندهی میر پنج رضاخان فرمانده تیپ همدان وارد شهر تهران شدند. قزاق ها بلافاصله کلانتری ها، وزارتخانه ها، پست خانه، تلگرافخانه و ادارات دولتی و مراکز حساس شهر را متصرف شدند.

۱ ــ نصرالملک (حسنعلی کمال هدایت) و فهیم الدوله (مصطفی قلی کمال هدایت) برادرند و فرزندان حسینقلی خان مخبرالدوله دوم هستند. هردو برادر در عرصهٔ سیاسی ایران قریب نیم قرن عهده‌دار مشاغل حساس داخلی و خارجی بودند. این دو برادر با عموی خودشان (مخبرالسلطنه) روابط خوبی نداشتند و عمو در نوشته های خود بدین موضوع وضوحاً اشاراتی نموده است.

کلیه دروازه‌های شهر بسته شد و سفارتخانه‌ها محاصره گردید. هنگام تصرف تهران بین قزاقان و مأمورین دو کلانتری زد و خورد آغاز شد و تعدادی کشته و زخمی شدند.

تیراندازی با توپ و تفنگ تا نزدیک ظهر جهت ارعاب مردم ادامه داشت.

۳ کلیه زندانیان از زندان آزاد شدند.

۳ از طرف میر پنج رضاخان اعلامیه‌ای در نه ماده تحت عنوان «حکم می‌کنم» صادر و توسط قزاقان به در و دیوار شهر الصاق گردید. به موجب همین اعلامیه در شهر تهران حکومت نظامی اعلام شد.[1]

۱ ـــ اولین اعلامیه حکومت کودتا به این شرح است:

حکم می‌کنم:

مادهٔ اول ـــ تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.

مادهٔ دوم ـــ حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعدازظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.

مادهٔ سوم ـــ کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند، فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.

مادهٔ چهارم ـــ تمام روزنامه‌جات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به‌کلی موقوف و برحسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند.

مادهٔ پنجم ـــ اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوهٔ قهریه متفرق خواهند شد.

ماده ششم ـــ درِ تمام مغازه‌های شراب‌فروشی و عرق‌فروشی، تآتر و سینما، فتوگرافها و کلوپهای قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمهٔ نظامی جلب خواهد شد.

مادهٔ هفتم ـــ تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات دوائر دولتی غیر از ادارهٔ ارزاق تعطیل خواهد بود؛ پستخانه، تلفونخانه، تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

مادهٔ هشتم ـــ کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمهٔ نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازاتها خواهند رسید.

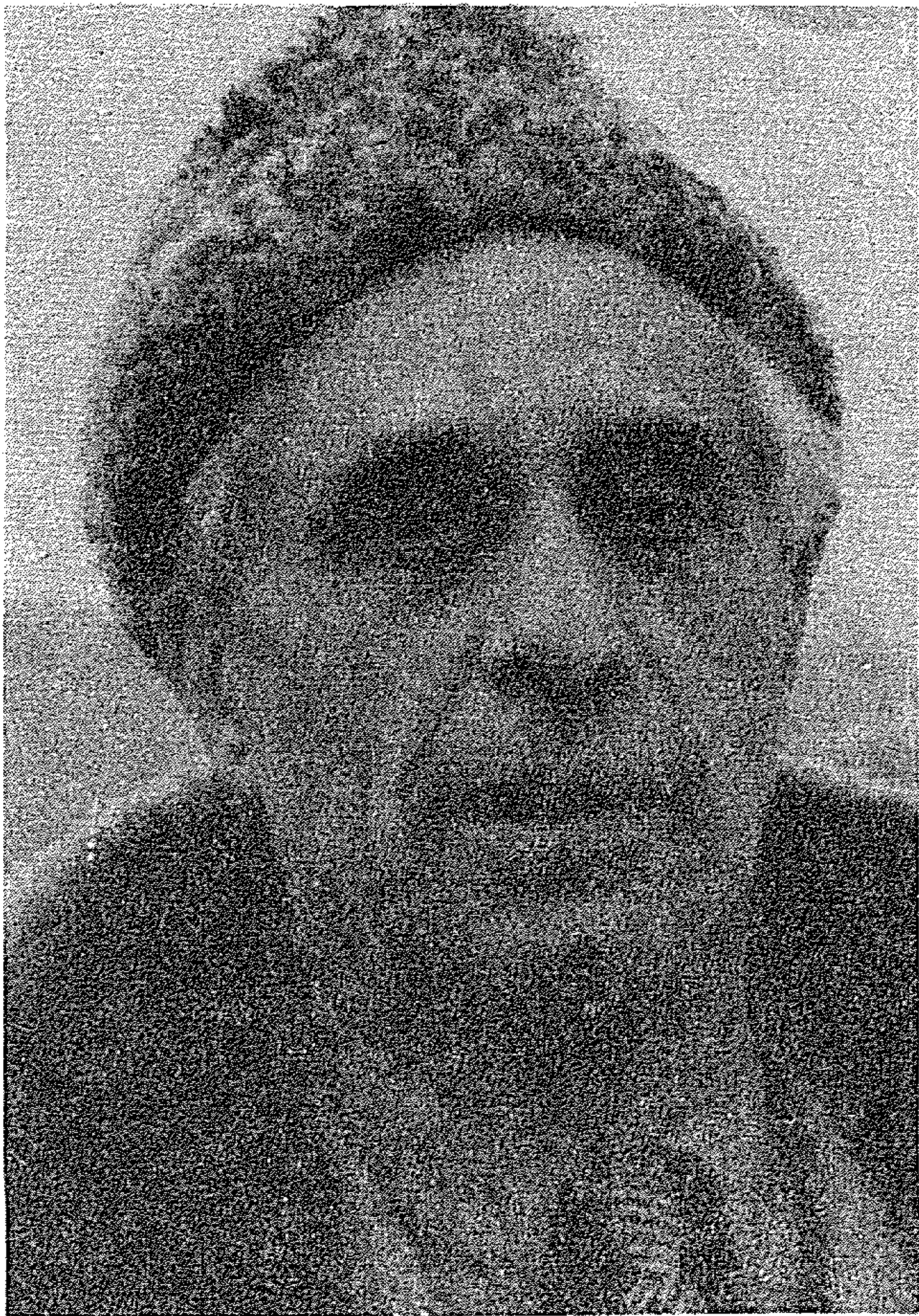
مادهٔ نهم ـــ کاظم‌خان به سمت کماندانی شهر انتخاب شد و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود.

۱٤ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹

رئیس دیویزیون قزاق

اعلیحضرت اقدس شهریاری و فرماندهٔ کل قوا

رضا



سید ضیاءالدین طباطبائی پس از کودتای ۱۲۹۹ رئیس‌الوزرای ایران شد

۳ سپهدار رشتی رئیس‌الوزراء در سفارت انگلیس متحصن شد.

۳ کلیه ادارات دولتی و روزنامه‌ها و دکاکین تعطیل شدند جز به قصاب و نانوا به احدی از اصناف اجازه کار داده نشد.

۳ سلطان کاظم خان افسر ژاندارم و دوست نزدیک سیدضیاءالدین با ارتقاء به درجه سرهنگی حاکم نظامی تهران شد.[1]

۳ ارتباط با ولایات از طریق پستخانه و تلگرافخانه ممنوع گردید.

۱ ـــ سلطان کاظم‌خان همان کاظم سیاح است که تا معاونت سازمان برنامه ارتقاء مقام یافت. وی افسر ژاندارمری بود. زبانهای فرانسه و روسی را به خوبی تکلم می‌نمود. مدتی در اروپا تحصیل علم نظام کرد. در سفری که سیدضیاءالدین به روسیه نمود وی عضو هیئت بود و از نزدیکان و هم‌قسمان سید در کودتا شد. به هنگام اخراج سیدضیاءالدین از ایران او را همراهی نمود. پس از استقرار سلطنت پهلوی به ایران آمد ولی در ارتش شغلی به او سپرده نشد. در وزارت فوائد عامه و بعد وزارت پیشه و هنر مشاغلی را احراز نمود تا سرانجام در سازمان برنامه از مدیران و مدتی هم معاون بود.

۳ سلطان کریم آقا به ریاست زندان قزاقخانه منصوب شد.

۳ از بامداد امروز دستجات قزاق طبق لیستی که در دست داشتند به توقیف مقامات مملکتی اعم از نظامی و غیرنظامی پرداختند. عده زیادی از رجال بازداشت شدند. از رئیس الوزراهای سابق عین الدوله، سپهسالار اعظم، فرمانفرما، سعدالدوله و از روحانیون سیدحسن مدرس و شیخ محمدحسین یزدی در زمره بازداشت شدگان بودند.



سردارسپه رضاخان وزیر جنگ

۳ اعضاء کابینه سپهدار به زندان افتادند.

۴ میر پنج رضاخان از طرف سلطان احمدشاه به منصب سرداری و لقب سردار سپه مفتخر شد و فرماندهی دیویزیون قزاق به او سپرده شد.[1]

۴ فرمان رئیس الوزرائی سیدضیاءالدین مدیر روزنامه رعد صادر شد.

۴ احمدشاه از قصر فرح آباد دستخط زیر را به تمام ایالات و ولایات مخابره نمود:

«حکام ایالات و ولایات: درنتیجه غفلت کاری و لاقیدی زمامداران دوره گذشته که بی‌تکلیفی عمومی و تزلزل امنیت و آسایش را در مملکت فراهم نموده ما و تمام اهالی را از فقدان هیئت دولت ثابتی متأثر ساخته بود. مصمم شدیم که با تعیین شخص دقیق خدمتگزاری که موجبات سعادت مملکت را فراهم نماید به بحران های متوالی خاتمه دهیم. بنابراین به اقتضای استعداد و لیاقتی که در جناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم عموم خاطر خود را متوجّه معزی الیه دیده ایشان را به مقام ریاست وزراء انتخاب و اختیارات تامه برای انجام وظایف خدمت ریاست وزرائی به معزی الیه مرحمت فرمودیم. شهر جمادی الآخر ۱۳۳۹، احمدشاه».

۴ کلیه صاحبمنصبان قوای قزاق تحت فرماندهی میر پنج رضاخان یک درجه ترفیع یافتند.

۵ در شهرهای قم، قزوین، سمنان، دامغان و کاشان حکومت نظامی اعلام شد و رؤسای ژاندارمری به حکومت نظامی منصوب شدند.

۵ ماژورعلی خان صاحبمنصب ژاندارمری و دوست نزدیک سیدضیاءالدین با ارتقاء به درجه کلنلی به ریاست ژاندارمری منصوب شد.

۶ دکتر محمد مصدق السلطنه والی فارس در پاسخ تلگراف احمدشاه دائر بر رئیس الوزرائی سیدضیاءالدین تلگراف اعتراض آمیز مخابره نموده و انتشار خبر مزبور را موجب انقلاب در فارس دانست.[1]

۸ سیدضیاءالدین رئیس الوزراء اعلامیه مفصل و بلندبالائی با

---

۱ ــ حکم نمره ۱۹ مورخ ۸ برج حوت ۱۲۹۹ مبنی بر منصب سرداری میر پنج رضاخان چنین است:

«اینجانب از طرف قرین الشرف اعلیحضرت شاهنشاهی به منصب سرداری و لقب سردارسپه مفتخر و سرافراز گردیده. تشکرات غلامانه خود را به خاکپای مهراعتلای ملوکانه تقدیم و از درگاه حضرت احدیت توفیق و استمداد می‌جویم که با تمام قویٰ از عهده هرگونه خدمتگزاری و جانفشانی برآمده پاس حق‌شناسی را به جای آورم. رضا»

۱ ــ متن تلگراف دکتر مصدق به سلطان احمدشاه درباره رئیس الوزرائی سیدضیاءالدین:

تهران، دستخط تلگرافی بواسطهٔ تلگرافخانه مرکزی زیارت شده در مقام دولتخواهی آنچه می‌داند به عرض خاکپای مبارک می رساند که این تلگراف اگر در فارس انتشار یابد، بسی انقلابات و اغتشاش خواهد شد و اصلاح آن خیلی مشکل خواهد بود، چاکر نخواست در دولتخواهی موجب این انقلابات شود و تا کنون آن را مکتوم داشته هرگاه تلگراف مزبور به موجب امر ملوکانه و انتشارش لازم باشد، امر مبارک صادر شود که تلگرافخانه انتشار دهد.

۶ حوت ۱۲۹۹ ــ مصدق السلطنه

قلمی شیوا و عباراتی دلچسب که حاکی از بیان سیاست داخلی و خارجی دولت بود انتشار داد. وی در آن اعلامیه چند صد نفر از رجال و اعیان و اشراف را که زمام مملکت را توارثاً در دست داشتند متهم به خرابی و فساد مملکت نموده و وعده داده بود به حساب گذشته آنها رسیدگی خواهد نمود. همچنین در این اعلامیه الغاء قرارداد ایران و انگلستان را که در زمان وثوق الدوله منعقد شده بود اعلام نمود.[1]

۸ اعلامیه مفصل و ادیبانه ای که بازی با الفاظ بیش از همه‌چیز در آن به چشم می‌خورد از طرف رضاخان سردار سپه فرمانده دیویزیون قزاق صادر و به ولایات مخابره گردید. این اعلامیه تأیید اعلامیه رئیس الوزراء و احتمالاً به قلم سیدضیاءالدین می‌باشد.[2]

۸ طبق دستور سید ضیاءالدین رئیس الوزراء «بریگاد مرکزی» با یکصد و بیست و شش افسر و ۱۴۲ نفر سرباز و درجه‌دار با تمام ساز و برگ ضمیمهٔ قزاقخانه گردید.

۹ سیدضیاءالدین رئیس الوزراء تلگراف شدیداللحن و تندی به دکتر مصدق السلطنه والی فارس مخابره نمود و متذکر شد با قشونی که تحت امر دارم هر مانع و مشکلی را به هیچ می شمارم.[3]

۱۰ سیدضیاءالدین رئیس الوزراء وزیران خود را به این شرح به احمدشاه معرفی کرد:

سیدضیاءالدین رئیس الوزراء و وزیر داخله، ماژور مسعودخان وزیر جنگ، رضاقلی خان نیرالملک وزیر معارف، میرزا محمودخان مدیرالملک وزیر خارجه، میرزا عیسی خان وزیر مالیه، دکتر مؤدب الدوله وزیر صحیه و خیرات عمومی، مشیر معظم وزیر پست و تلگراف، میرزا محمودخان موقرالدوله وزیر فوائد عامه و تجارت. عدل الملک کفیل وزارت داخله، منصورالسلطنه کفیل وزارت عدلیه.

در کابینه سیدضیاءالدین طباطبائی جز رضاقلی خان نیرالملک هیچکدام از وزیران سابقه وزارت نداشتند. برخی از آنان گمنام و در محافل سیاسی تهران هم شناخته نبودند. سید وزارتخانه جدیدی بنام امور صحیه و خیرات هم تأسیس کرد که چندی بعد منحل شد.

۱۲ تنها به روزنامه ایران به مدیریت زین العابدین تجدد اجازه انتشار داده‌شد.

۱۲ از امروز مخابرات تلگرافی و مراسلات پستی بین شهرها

---

۱ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود

۲ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود

۳ ــ تلگراف آقا سیدضیاءالدین به آقای دکتر مصدق السلطنه والی فارس:

ایالت جلیله فارس: آگاهی یافته‌ام اکل از قفاء! تلگراف تصدی مرا به شغل ریاست وزراء انتشار نداده و گفته‌اید از حدوث اشکالات احتراز نموده‌اید! این خبر به اینجانب معلوم داشت که حضرتعالی از وضعیات بی‌اطلاع و افق تهران را همان تصور کرده‌اید که قبلاً دیده و عیناً مشاهده نموده‌اید، نه چنین نیست دوری مسافت و بی‌اطلاعی از جریان حضرتعالی را از اطلاعات مفیده محروم داشته است! این حکومت جدیدالتشکیل که با اسلحه و آتش تک‌سرکرده و نمایندهٔ اقتدار قشونی است به کسانیکه در معبر او ایجاد اشکالات نمایند جز مشت چیزی نشان نمی‌دهد...! و در لحظه واحد جان و مال و عائله اشکال کنندگان به عنوان رهینه صداقت آنها در تحت تهدید قرار گذارده می شود، این زبری و خشونت نه برای مصالح شخصی است بلکه برای مصالح وطنی است که هر اقدامی را مجوز و مشروع می سازد.

بنابراین تصور اینکه قرائت دستخط اعلیحضرت همایونی محتمل است حدوث اشکالی را تولید کند بالمره فکری نارسا بوده است...! با کمال اقتدار و با نهایت نیرومندی لازم است وظیفه خود را ایفاء نمائید. من در اینجا تمام رجال پوسیده دروغین را توقیف کردم، ندای اصلاحات داده و با تهور و جسارت قشونی که تحت امر دارم هر مانع و مشکلی را به هیچ می شمارم.

حضرتعالی نیز اگر می‌خواهید نمایندهٔ یک چنین دولتی باشید با جسارت قدم برداشته، اصلاحات را در خطهٔ مأموریت خودتان شروع کنید و از تقویت بی‌نهایت اینجانب استفاده نمائید و باور کنید اشخاص دانشمند و بی‌غرض را مجالی به دست آمده است.

راست و بی‌پرده همانطور که عادت من است به حضرتعالی سابقه می‌دهم که نسبت به شخص شما خوش‌بین و خیلی مایلم که ازوجود حضرتعالی شخص شایستهٔ در اصلاحات فارس استفاده کنم. بنابراین منتظرم که خودتان تعیین تکلیف نمائید ولی در همین حال خود را از ذکر این نکته که باز یک شمه از صمیمت و صداقت من است ناچار می‌بینم و آن این است که انتخاب طریقی جز صداقت و راست گفتاری برای اشخاصی که مرجع این سئوالات من می شوند مصلحت نیست و موجب زیان خودشان می شود.

امیدوارم بنام وطن و بنام اصلاحات حضرتعالی از آن فاصله بعید آغوش گشوده و مرا برادرانه در بغل گرفته کمک و مظاهرت خودتان را به احترام منافع ملی به من اهداء نمائید. روش و منشور خودم را در بیانیه‌ای که امر داده‌ام به ولایات مخابره کنند لامحاله ملاحظه و از عقاید اینجانب آگاهی یافته اید.

۹ حوت ۱۲۹۹ ــ ریاست وزراء



از راست به چپ زمان خان معاون وزارت جنگ، کلنل کاظم خان سیّاح افسر ژاندرمری که روز سوم حوت به حکومت نظامی تهران برگزیده شد، ماژور علی‌خان ریاضی افسر ژاندرمری و دوست نزدیک سید ضیاءالدین، میرزا حسن خان مشارالملک وزیر دربار احمدشاه، این شخص بعد از سیدضیاء داعیه نخست وزیری داشت، میرزا حسین خان عدل‌الملک معاون رئیس‌الوزراء و کفیل وزارت داخله، سید ضیاءالدین رئیس‌الوزراء که روز قبل از کودتا عبا و عمامه را تبدیل به کلاه و سرداری نمود. کلنل کلروپ سوئدی رئیس ژاندارمری، ماژور مسعود خان وزیر جنگ، وی در اثر اختلاف با سردار سپه در وزارت جنگ دوام زیادی نکرد و جای خود را به سردار سپه داد و بسمت وزارت مشاور منصوب گردید. رضا خان سردار سپه رئیس دیویزیون قزاق که پس از ماژور مسعود خان وزیر جنگ شد. در این عکس فقط یک وزیر کابینه سید ضیاءالدین شرکت دارد. در بعضی از کتب این عکس زا کابینه سید ضیاءالدین نوشته‌اند در حالیکه چنین نیست. از هیئت دولت سید عکسی ظاهراً در دست نیست.

پذیرفته و تلفن های شهری نیز دائر گردید.

۱۲ پیمان ایران و شوروی که به امضاء رسیده بود به دولت ایران ابلاغ شد. روسیه بهٔ دنبال امضای پیمان مودّت قوای خود را از رشت و بندر انزلی خارج نمود و همچنین ولایات فیروزه در مرز خراسان و جزیره آشوراده را در خلیج استرآباد تحویل ایران داد.

۱۲ حکومت نظامی اعلام کرد ظرف شش روز همه باید سلاح های خود را تحویل دهند.[1]

۱۵ ماژوژ مسعودخان وزیر جنگ، وزارت جنگ را منحل نموده طی اعلامیه ای وعده داد به زودی وزارت جنگ با تشکیلات جدید دائر خواهد شد.

۱۶ مصدق السلطنه والی فارس استعفای خود را از ایالت فارس تلگرافی به احمدشاه مخابره نمود.

۱ ــ اعلان حکومت نظامی برای جمع آوری اسلحه به شرح زیر است:

برحسب امر و اشارهٔ بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته برای اطلاع عامه به نشر این اعلان اقدام و به عموم اهالی دارالخلافه مواد پنجگانهٔ ذیل اخطار و اعلام میگردد:

مادهٔ اول ــ نظر به اینکه حکومت نظامی در شهر دارالخلافه حکمفرماست، به استثنای طبقات نظامی عموم صاحبان اسلحه از اسلحه فروش وغیره مکلفند که اسلحهٔ موجوده در حجرات و امکنه منازل خود را به انضمام فشنگ بدون فوت وقت به کمیساریای محلی خود تسلیم و قبض چاپی که تهیه شده است، دریافت نمایند.

مادهٔ دوم ــ در قبض مزبور نمره و نوع تفنگ و مقدار فشنگ و اسم صاحب آن تصریح خواهد شد.

مادهٔ سوم ــ شش روز بعد از نشر این اعلان کلیهٔ اسلحه های موجوده که قبلاً به کمیساریای محلی تسلیم نگشته باشد، بدون قبض اخذ و ضبط دولت علیّه خواهد شد.

مادهٔ چهارم ــ هرگاه ده روز از تاریخ نشر این اعلان بگذرد و صاحبان اسلحه در اجرای مواد این اعلان خودداری و تخلف نموده باشند، علاوه بر اخذ و ضبط اسلحه مرتکب به مجازاتهای سخت حتی ممکن است محکوم به اعدام شوند.

مادهٔ پنجم ــ به مأمورین نظمیه و قوای تأمینیه حق داده شده و میتوان در هر موقع امکنه و منازلی را که مورد سوءظن واقع شود، ورود و تفتیش نمایند.

تبصره ــ تفنگهای ساچمه زنی و شکاری از مواد فوق مستثنی و برای حمل آن باید در این فاصله از ادارهٔ نظمیه جواز تحصیل نمایند. رئیس تشکیلات نظمیه و حاکم نظام شهر مأمور اجرای مواد فوق هستند.

۱۲ حوت پیچی ئیل ۱۲۹۹

حکومت نظامی شهر ــ کاظم

۱۶ برحسب تصویب هیئت وزراء قرار شد عده ای مستشار از ممالک مختلف اروپا و امریکا به شرح زیر استخدام شوند:

۱ ــ یکنفر افسر عالیرتبه سوئدی که اقلاً دارای درجه سرهنگی باشد با ۲۴ نفر صاحب‌منصب سوئدی که دارای درجات مختلف باشند، با نظر وزارتین داخله و جنگ در درجات آنها از مملکت سوئد برای تشکیلات اداره ژاندارمری.

۲ ــ یکنفر مستشار عالیرتبه و ده نفر متخصص مالیه از انگلستان که تناسب آنها با مشاغل منظوره بایستی با مشاوره وزارت مالیه در نظر گرفته شود.

۳ ــ یکنفر مستشار عالیرتبه و ده افسر متخصص امور فلاحتی از امریکا با موافقت وزارتین مالیه و فوائد عامه برای اصلاح امور فلاحت و تقسیم و آباد کردن اراضی خالصه.

٤ ــ یکنفر مستشار عالیرتبه و چهار نفر متخصص قضائی با موافقت وزارت عدلیه از فرانسه.

۲۲ طبق تصویبنامه هیئت وزیران مقرر شد حقوق ماه های دی و بهمن ماه کارمندان دولت پرداخته شود. در مورد حقوق اسفند ماه قرار شد فقط به فراش و پیشخدمت حقوق داده شود. کارکنان پست و تلگراف از این دستور مستثنی هستند.

۲٤ به دنبال انحلال وزارت عدلیه موقتاً برحسب تصویبنامه هیئت وزراء یک شعبه از محاکم استیناف و یک شعبه از محاکم بدایت و دو محکمه صلحیه در شهر تهران تأسیس و افتتاح گردید.

۲۷ طبق تصویبنامه هیئت وزیران ورود کلیه مشروبات الکلی از خارج به ایران اکیداً قدغن گردید. به دستور رئیس الوزراء استعمال مشروبات الکلی برای کلیه طبقات ممنوع شد. در میهمانی ها مقرر شد بجای مشروبات الکلی دوغ و شربت توزیع شود.

۲۷ کاپیتولاسیون نسبت به اتباع آذربایجان شوروی، قفقاز، گرجستان، ارمنستان، عثمانی، بین النهرین و شامات لغو گردید.

۲۷ سیدضیاءالدین رئیس الوزراء بودجه مملکتی را تعدیل کرد و از جمله حقوق احمدشاه را از چهل هزار تومان به سی هزار تومان تنزل داد. همچنین حقوق تمام شاهزادگان از چهل و سه هزار تومان به بیست هزار تومان تقلیل یافت.

سال ۱۳۰۰ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۲۱ تا ۲۲ مارس ۱۹۲۲ میلادی

فروردین ماه

۱ مراسم سلام عید نوروز در کاخ گلستان در حضور سلطان احمدشاه با سردی برگزار شد. جز رئیس الوزراء و وزیران و چند تن از درباریان کسی در مراسم شرکت نکرد، زیرا غالب رجال در بند زندان گرفتار بودند و کسانی مانند مشیرالدوله و مؤتمن الملک و مستوفی الممالک که زندانی نبودند دعوت شاه را نپذیرفته و در مراسم حضور پیدا نکردند.

۱ از طرف سلطان احمدشاه یک قبضه شمشیر مرصع به سردار سپه فرمانده دیویزیون قزاق اعطاء شد.

۱ سید ضیاءالدین تشکیل اداره بلدیه را در تهران و شهرها اعلام کرد.

۱ اصناف و طبقات مختلف مردم از خدمات و زحمات چندروزه رئیس الوزراء سپاسگزاری کردند.

۲ احمدشاه استعفای مصدق السلطنه والی فارس را پس از تصویب رئیس الوزراء قبول نمود.

۸ شاهزاده حسنعلی میرزا نصرت السلطنه عموی سلطان احمدشاه والی فارس شد.

۱۰ میرزا مهدی خان معتصم السلطنه با سمت کارگزار کل خراسان وارد مشهد شد و مستقیماً به ملاقات کلنل محمدتقی خان رفت. در شهر شایع شد که وی دستورات جدیدی از سید ضیاءالدین رئیس الوزراء برای کلنل آورده است.

۱۱ رئیس الوزراء بوسیله تلگراف رمز به کلنل محمدتقی خان فرمانده ژاندارمری خراسان دستور داد قوام السلطنه والی خراسان را دستگیر و به تهران اعزام دارد.

۱۳ میرزا احمدخان قوام السلطنه والی خراسان در مشهد توسط ژاندارمری توقیف شد.

توضیح آنکه در آن روز والی و جمعی از رجال خراسان برای گذراندن مراسم سیزده بدر به قریه ملک آباد سه کیلومتری مشهد برای میهمانی رفته بودند. عصر آن روز به هنگام بازگشت به شهر جلوی کالسکه وی را گرفته به زندان ژاندارمری انتقال می‌دهند. اجرای دستور توسط ماژور اسمعیل خان به عمل آمد.

در گذشته بین کلنل محمدتقی خان و قوام السلطنه عهد و پیمان یگانگی بسته شده بود و قوام السلطنه کمال اعتماد را به او داشت و هرگز چنین عهدشکنی را باور نداشت.

۱۳ به دنبال بازداشت قوام السلطنه در مشهد کلنل دستور داد عده زیادی از دوستان قوام السلطنه را بازداشت کنند. بازداشت شدگان عبارتند از نصرت الملک، مقبل السلطنه، حاج محمدجعفر کشمیری، نجدالسلطنه، مجلل التولیه، آقا احمد دانش و میرزا محمد ملک زاده.

۱۳ حکام قوچان و تربت‌حیدریه در همین روز توقیف و تحت‌الحفظ به مشهد اعزام شدند.

۱۳ کلیه اثاثیه و اسب‌هایِ قوام‌السلطنه مصادره و به ژاندارمری انتقال داده شد. همچنین جواهرات و نقود و وجوه نقدی وی را تصاحب کردند.

۱۳ کلنل محمدتقی خان از طرف سیدضیاءالدین به حکومت نظامی خراسان منصوب شد.

۱۵ کلنل محمدتقی خان فرمانده نظامی ایالت خراسان و فرمانده ژاندارمری اولین اعلامیه خود را در مشهد انتشار داد.

۱۵ کلیه صاحب‌منصبان ژاندارمری خراسان از طرف کلنل به یک درجه ترفیع مقام نائل شدند.

۲۰ قوای انگلیس شهرهای زنجان و قزوین را تخلیه کردند. در همین روز قوای روسیه نقاط شمالی را ترک نمودند.

۲۱ از طرف سردار سپه فرمانده دیویزیون قزاق در بیرون دروازه دولت در حضور احمدشاه و هیئت وزیران مانور نظامی داده شد. در این مانور مأمورین خارجی نیز حضور داشتند.

۲۳ به دستور رئیس‌الوزراء اکبر میرزا صارم‌الدوله والی کرمانشاه دستگیر شد. در حین دستگیری بین قوای ژاندارم به فرماندهی ماژور محمود پولادین و قوای محلی و محافظین والی زد و خورد شدیدی به وقوع پیوست و درنتیجه پانزده نفر به قتل رسیدند.

۲۷ سیدضیاءالدین رئیس‌الوزراء اعلامیهٔ ادیبانه و پراحساسی با قلمی روان و شیرین انتشار داد و از تخلیه ایران از قوای روس و انگلیس اظهار مسرت نمود.[1]

۱ ــ متن اعلامیهٔ سیدضیاءالدین به این شرح است:

«هموطنان. قشون انگلیسی که وضعیات جنگ بین‌المللی آنها را به ایالات شمال مملکت ما آورده بود، اینک ایران را تخلیه و ترک کرده به مملکت خویش رهسپار می‌گردند.

در خدمات این قشون مجال انکار نیست، اما بزرگتر از تمام خدمات درس عبرتی است که ورود قشون مزبور به ما داد و آن درس عبارت از این است که ما باید از جوانان خویش برای حفظ وطن سربازانی داشته باشیم تا دیگر از ضعف ما استفاده نکرده، خاک مقدس ایران را معرض تجاوز خود قرار ندهند.

حرکت قشون دولت عظیم‌الشأن انگلستان بار دیگر ثابت می‌نماید که همسایهٔ بزرگ ما قصد ندارد به حقوق ایران تخطی نماید و بایستی همگی به استقلال وطن و به محترم شمرده شدن حقوق ملی خود اطمینان حاصل نمائیم.

←

من سرافراز و مسرورم که این واقعه در دورهٔ زمامداری من رخ می‌دهد، لیکن سرافرازی و افتخار من بیشتر از این است که دلاوران ملی خونگرم ما ندای وطن را اجابت کرده، خندقها و خطوطی را که سپاهیان انگلیس تخلیه نموده‌اند، اشغال کرده‌اند.

از دو هفته قبل قشون دلیر ایران با نغمهٔ انبساط متدرجاً از قزوین حرکت کرده و اکنون چند روز است که خطوط مقدم و مواضع دفاعیه را از منجیل تا رشت **اشغال‌ووظایف** پاسبانی و حراست مملکت را ایفاء می‌کنند.

این مسئله ثابت می‌نماید که روح وطن‌پرستی و سلحشوری هنوز در خاطر جوانان ایران مشتعل و فروزان ــ خونهای ما گرم و سوزان ــ و حاضر است که خاک وطن را برای سعادت و آزادی وی لعلگون کند.

گرچه مرا اطمینان حاصل است که از جانب همسایهٔ شمال، همسایه‌ای که در جرگهٔ دوستان ما داخل شده و نمایندهٔ محترم وی تا چند روز دیگر به پایتخت وارد خواهد شد، برای ایران خطری متصور نیست.

نمایندگان ما هم برای تصفیهٔ مناقشات گذشته به طرف گیلان عازم شده بودند، به حدود رشت رسیده و مذاکراتشان با رؤسای قوای محلی شروع شده است.

انتظار دارم که وضعیات غم‌انگیز آنجا را اصلاح و جراحات وارده را التیام بخشند.

مرا عقیده این است که تقریباً اندیشه و دغدغهٔ ما از آن سوی برطرف شده سپاهیان دلاور ما مجال خواهند داشت که آسایش و راحت اختیار نمایند، آسایشی که به واسطهٔ مهیا بودن در ایفای وظیفه آن را حاصل خواهد شد.

هموطنان، اکنون آن موقع بزرگ و مهمی است که همگی باید وظیفهٔ خود را که عبارت از قربانی نمودن موجودیت خویش است، تشخیص دهیم.

به نیروی اراده و قوت عزم خویش باید تکیه کنیم. اکنون لازم است عملیات درخشندهٔ سپاهیان ایران چشمان ما را باز و قلوبمان را مسرور و شادمان سازد.

اکنون موقع آن است که اعتماد به نفس و شجاعت در حراست مملکت حق زندگانی فرزندان ایران را تثبیت کند.

اما شما اهالی تهران

می‌توانید مطمئن و راحت باشید که در پرتو فداکاری دولت و قشون پایتخت ایران محفوظ خواهد بود. (۲۷ حمل ۱۳۰۰ شمسی).

س. ضیاءالدین طباطبائی رئیس‌الوزراء و وزیر داخله

۲۷ رئیس‌الوزراء اعلامیه‌ای راجع به لغو قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ انتشار داد و رسماً اعلام نمود دولت انگلستان کتباً با الغای قرارداد موافقت نموده است.

به دنبال اعلامیه رئیس‌الوزراء در تهران و شهرستانها جشن و چراغانی بر پا شد.

۲۹ به دستور سیدضیاءالدین کلیه کارمندان معتاد به تریاک از ادارات کشوری و لشکری اخراج شدند.

۳۰ مصدق‌السلطنه والی سابق فارس که پس از استعفا در ۱۲ فرسنگی شیراز در ملک نصیرالدوله زندگی می‌کرد پس از ورود نصرت‌السلطنه والی جدید به شیراز به خاک بختیاری رفت و در آنجا اقامت گزید.

۳۰ اسمعیل سمیتقو به آذربایجان حمله کرد و جنگ سختی بین اتباع وی و قوای ژاندارم درگرفت. عدهٔ زیادی ژاندارم در این زد و خورد کشته شدند.

۳۱ قوام‌السلطنه والی سابق خراسان درحالیکه مبتلا به بیماری حاد بود به اتفاق دکتر حاذق‌الدوله طبیب مخصوص خود توسط گاری پستی در محافظت چهل ژاندارم به تهران اعزام گردید.

اردیبهشت ماه

۶ مسیو رتشتین اولین سفیر و نماینده سیاسی اتحاد جماهیر شوروی طی تشریفات و احترامات نظامی وارد تهران شد.

۶ ماژور مسعودخان وزیر جنگ از سمت خود کناره گیری کرد. ظاهراً این کناره گیری به علت اختلاف نظری بوده است که بین وی و رئیس دیویزیون قزاق بوجود آمده بود.

۷ سردار سپه رضاخان از طرف رئیس الوزراء به وزارت جنگ منصوب شد.

۷ ماژور مسعودخان وزیر جنگ سابق به عنوان وزیر مشاور داخل کابینه گردید.

۸ مسیو رتشتین سفیر تازه حکومت جمهوری سوسیالیستی شوروی با کالسکه سلطنتی و عده‌ای قزاق به قصر فرح‌آباد رفته به حضور احمدشاه تشرف حاصل نمود. وی در این دیدار خود را نماینده دهاقین و کارگران معرفی کرد.

۸ رتشتین با محمدحسن میرزا ولیعهد ملاقات و مذاکره کرد.

۸ رتشتین در هیئت وزیران حضور یافته با رئیس الوزراء و وزیران پیرامون روابط دو کشور به مذاکره و تعاطی افکار پرداخت.

۸ به دستور رئیس الوزراء یک هیئت بهداشتی به نواحی خراسان اعزام شدند تا با بیماری جانسوز تیفوس که تمام آن منطقه را زیر سلطه گرفته بود مبارزه نمایند.

۹ بلدیه جدیدالتأسیس تهران برای اولین بار چند خیابان طهران را با چراغ الکتریکی روشن ساخت.

خیابانهائی که مطابق اسلوب جدید سیم کشی و روشن شدند عبارتند از: ناصریه، علاءالدوله، باب همایون، چراغ گاز، اسلامبول و چند خیابان دیگر.

۹ بلدیه تهران یک دارالایتام بزرگ بنیاد نهاد و اطفال بی‌صاحب را جمع‌آوری و در آنجا تحت تعلیم و تربیت قرار داد.

۱۰ ژنرال آیرن‌ساید فرمانده قوای انگلیس در ایران و کلیه نیروهای انگلیسی و هندی خاک ایران را ترک کردند.

۱۶ روزنامه منثور و منظوم قرن بیستم به مدیریت و صاحب امتیازی میرزاده عشقی شاعر حساس و خوش‌قریحه وارد جرگه مطبوعات شد و امروز اولین شماره آن طبع و منتشر گردید.

۱۷ میرزا محمودخان موقرالدوله وزیر فوائدعامه و تجارت درگذشت.

۲۰ دولت قانون‌مرورزمان‌را تحت ۵۳ ماده تنظیم و پس از تصویب به موقع اجرا گذاشت.

۲۳ میرزا عیسی خان وزیر مالیه به علت کسالت مزاج از کابینه کنار رفت.

۲۳ میرزا محمودخان مدیرالملک وزیر خارجه به وزارت مالیه تعیین شد.

۲۳ میرزا محمدتقی معززالدوله به وزارت خارجه منصوب گردید.

۲۷ کلنل کاظم خان حاکم نظامی تهران از طرف سردار سپه وزیر جنگ به ریاست ارکان حرب برگزیده شد.[1]

۲۷ سرهنگ حبیب‌الله خان حاکم نظامی تهران گردید.[2]

۲۸ قانون ثبت اسناد و تأسیس اداره آن که از اقدامات کابینه بود در ۱۴۲ ماده تنظیم و به مرحله اجرا درآمد.

خرداد ماه

۲ بین سلطان احمدشاه قاجار و سیدضیاءالدین رئیس الوزراء مشاجره لفظی شدید پیش آمد. شاه به وی تکلیف استعفا نمود ولی سید نپذیرفت و گفت مرا عزل کنید.

۱ ــ منظور از ارکان حرب همان ستاد ارتش است.

۲ ــ سرهنگ حبیب‌الله خان افسر ژاندارم بعدها به درجه امیرلشکری رسید و نام خانوادگی شیبانی را برای خود انتخاب کرد.

۳ تظاهرات شدیدی در مسجد شاه و صحن بهارستان علیه سیدضیاءالدین رئیس الوزراء انجام گرفت. سید یعقوب انوار و سید محمد بیرجندی مدیر مدرسه تدین و مشکوة السادات هرکدام علیه رئیس دولت بیانات تندی ایراد کردند و از احمدشاه درخواست نمودند او را عزل کند.

٤ احمدشاه سیدضیاءالدین را از رئیس الوزرائی عزل نمود و تلگراف زیر را به تمام ایالات و ولایات مخابره کرد:

«نظر به مصالح مملکتی میرزا سیدضیاءالدین را از ریاست وزراء منفصل فرمودیم و مشغول تشکیل هیئت وزراء جدید هستیم. باید کمال مراقبت را در حفظ انتظامات به عمل آورید و مطالب مهمه را مستقیماً به عرض برسانید. شاه»

٤ سیدضیاءالدین ساعت ٤ بعدازظهر به اتفاق ایپکچیان رئیس بلدیه، ماژور مسعودخان، کلنل کاظم خان با عده‌ای مستحفظ قزاق در سه اتومبیل به سوی قزوین حرکت کردند که از راه بغداد به اروپا بروند. برای مخارج رئیس الوزراء سابق ۲۵ هزار تومان پرداخت گردید.

۵ کلنل محمدتقی خان حاکم نظامی خراسان به دنبال عزل سیدضیاءالدین طی تلگرافی از سردارسپه خواست تا اوضاع را قبضه کند.

۷ احمدشاه طی دستور تلگرافی کلنل محمدتقی خان را از مداخله در امور حکومتی خراسان ممنوع نمود.

۸ بعدازظهر امروز شهاب الدوله رئیس تشریفات سلطنتی به دستور احمدشاه به ملاقات قوام السلطنه به زندان عشرت آباد رفت و به وی اطلاع داد شاه او را برای ریاست وزرائی در نظر گرفته است. آنگاه به اتفاق یکدیگر به قصر فرح آباد رفته مدت چهار ساعت مذاکره بین شاه و قوام السلطنه در امور مهمه مملکتی به عمل آمد و سرانجام قوام السلطنه پیشنهاد احمدشاه را دائر به رئیس الوزرائی پذیرفت.[1]

۹ از طرف سلطان احمدشاه فرمان رئیس الوزرائی قوام السلطنه به این شرح صادر شد:

«نظر به حسن کفایت و خدمتگزاری جناب اشرف قوام السلطنه و امتحانات عدیده کافیه که در این موقع در استقرار انتظامات مملکتی داده و اعتماد کامل همایون ما را به صداقت و دولتخواهی و شاه‌پرستی خود جلب نموده است، محض اهمیت موقع و برای تهیه آسایش عمومی معزی الیه را به صدور این دستخط مهر طلعت مبارک ریاست وزراء منصوب فرمودیم که هیئت وزراء را تشکیل داده در انتظامات مملکتی و اعاده امنیت و آسایش عمومی مساعی جمیله به عمل آوردند مزید رضامندی و اعتماد خاطر ملوکانه را جلب و تحصیل نمایند. ۲۳ رمضان. شاه».

۹ عصر امروز به دستور قوام السلطنه رئیس الوزراء و موافقت احمدشاه کلیه رجال و معاریف که در حکومت سیدضیاءالدین توقیف و در زندان به سر می‌بردند آزاد شدند.

۹ رجال آزاد شده از زندان به اتفاق قوام السلطنه رئیس الوزراء و سردارسپه در قصر فرح آباد شاه را ملاقات کردند. عین الدوله، سپهسالار و فرمانفرما هریک بیاناتی ایراد نمودند.

۱۰ از طرف قوام السلطنه رئیس الوزراء نجدالسلطنه به سمت والی خراسان منصوب گردید و از وی خواسته شد تا مقدمات آزادی زندانیان را به استثنای یاغیان و دزدان فراهم آورد.

۱۰ نجدالسلطنه تلگرافی از قوام السلطنه درخواست معافیت از کار نمود و تقاضا کرد امور موقتاً به کلنل محمدتقی خان واگذار شود.

۱۰ به دستور کلنل محمدتقی خان مخابرات تلگرافی بین مشهد و تهران تحت کنترل قرار گرفت و عده زیادی از دوستان قوام السطنه که امکان حکومت آنها می رفت بازداشت شدند. بازداشت شدگان عبارت بودند از: سالار حشمت، سالار مظفر، هژبر الملک.

۱۰ به دستور کلنل محمدتقی‌خان نجدالسلطنه نائب والی جدید خراسان توقیف شد.

۱۰ کلنل تلگرافی از فرماندهان ژاندارمری خراسان در مورد ادامه کار خود نظرخواهی کرد کلیه فرماندهان به کلنل جواب مثبت دادند.

۱۱ از طرف میرزا کوچک خان اعلامیه‌ای در رشت منتشر شد که دوباره اعلام جمهوریت کرده خود را به ریاست و زمامداری معرفی نمود.

۱۳ محمدحسن میرزا ولیعهد از طریق بغداد به اروپا مسافرت نمود.

۱ ــ درباره چگونگی انتصاب قوام‌السلطنه به ریاست وزراء مرحوم اسدالله میرزا شهاب الدوله رئیس تشریفات سلطان احمدشاه شرحی نوشته‌اند که در بخش ضمائم و تعلیقات درج شده است.



سلطان احمدشاه قاجار به اتفاق محمدحسن میرزا ولیعهد وقوام السلطنه رئیس الوزراء پشت سر احمدشاه سردار سپه وزیر جنگ دیده می شود.

۱۴ قوام السلطنه رئیس الوزراء وزیران خود را به این شرح به احمدشاه معرفی نمود:

قوام السلطنه رئیس الوزراء و وزیر داخله ــ مستشارالدوله وزیر مشاور ــ محتشم السلطنه وزیر خارجه ــ سردار سپه رضاخان وزیر جنگ ــ ممتازالدوله وزیر معارف ــ مصدق السلطنه وزیر مالیه ــ ادیب السلطنه وزیر فوائد عامه و تجارت و فلاحت ــ مشارالسلطنه وزیر پست و تلگراف ــ عمیدالسلطنه وزیر عدلیه ــ حکیم الدوله وزیر صحیه و امور خیریه.

۱۴ عده‌ای از همکاران سیدضیاءالدین بازداشت و تبعید شدند از جمله عدل الملک دادگر. وی هنگام اعزام به محل تبعیدگاه خود در کاشان در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها متحصن شد.

۱۶ قوام السلطنه رئیس الوزراء طی اعلامیه‌ای برنامه کار خود را در سیاست داخلی و خارجی تشریح کرد.

۲۰ به دستور سلطان احمدشاه سید جواد ظهیرالاسلام از نیابت تولیت آستان قدس رضوی برکنار و به تهران احضار شد. از طرف شاه مرتضی قلی طباطبائی نایب التولیه گردید.

۲۱ کلنل محمدتقی خان در ضمن مخابره حضوری با دربار هفت شرط عنوان نمود. یکی از شروط وی دریافت یک سال مواجب و هزینه سفر برای عزیمت به اروپا بود.

۲۵ واحدهای ژاندارمری شامل نیروهای سوار، پیاده و توپخانه در شهر مشهد به دستور کلنل محمدتقی خان به منظور قدرت نمائی رژه رفتند.

۲۵ ساعدالدوله فرزند سپهسالار تنکابنی با حمایت معزالسلطنه، اسعدالسلطنه و حاج محمدجعفر سر از اطاعت

حکومت مرکزی پیچیده بنای طغیان و شورش را گذاشتند و شهر تنکابن را به تصرف درآورده آماده حمله به تهران شدند. بعضی از شهرهای مازندران نیز توسط سرکشان محلی تصرف شد احسان‌الله خان نیز اردوئی تشکیل داده به جنگ با نیروی دولتی پرداخت.

۳۰ اردوئی به فرماندهی احسان‌الله خان کلاردشت و چالوس را تصرف کردند.

تیر ماه

۱ حاج بابای اردبیلی که از یاغیان مسلح و معروف بود به قصد قتل و غارت به طرف دهات زنجان و شهر یورش برد و بنای تجاوز و تعرض به مردم را گذارد.

۱ مجلس چهارم که انتخابات آن در دوران رئیس‌الوزرائی وثوق‌الدوله آغاز شده بود روز چهارشنبه اول تیرماه افتتاح شد. سلطان احمدشاه در نطق افتتاحیه خود مواعیدی برای اصلاحات داد.

۱ در اولین جلسه مجلس مؤتمن‌الملک به ریاست و سیدحسن مدرس و حکیم‌الملک به نیابت انتخاب شدند.

۳ زد و خورد شدیدی بین حاج بابای اردبیلی و اتباع وی و گردان ژاندامری زنجان رخ داد. عده زیادی از اتباع حاج بابا مقتول و عده‌ای هم دستگیر و اعدام شدند.

۶ در جلسه امروز مجلس اعتبارنامه عدل‌الملک و سلطان محمد عامری به علت همکاری با سیدضیاءالدین رد شد.

۱۶ امیر مؤید سوادکوهی در مازندران سر به طغیان برداشت و علم مخالفت با حکومت مرکزی برافراشت. میرپنج احمد آقاخان مأمور سرکوبی نامبرده شد.

۱۸ جنگ شدید بین امیر مؤید سوادکوهی و قوای قزاق درگرفت. از طرفین عده‌ای کشته و زخمی شدند.

۱۹ میر پنج احمدآقاخان مقر امیرمؤید را به آتش کشید. امیر و فرزندان وی متواری شدند.[۱]

مرداد ماه

۵ کلنل محمدتقی خان پس از یأس از تهران کلیه امور خراسان را زیر سلطه خود گرفت.

۶ کلنل محمدتقی خان جمعی از اعیان، مالکین، تجار، مدیران جرائد و نمایندگان اصناف را در محل دارالایاله دعوت نمود.

در این اجتماع کلنل نطق مهیّجی از خدمات خود به ایران ایراد نمود و اعلام کرد تا تعیین والی لایق کلیه امور را تحت نظر دارد و از مدعوین خواست تا نظرات خود را درباره وی به تهران مخابره نمایند.

۶ به دنبال جلسه امروز در مشهد مرتضی قلی طباطبائی متولی باشی متن تلگرافی را که برای تهران و ابقاء کلنل تهیه کرده بود قرائت نمود که پس از امضاء عموم مدعوین به تهران مخابره شد.

۸ نجفقلی خان صمصام‌السلطنه از طرف احمدشاه والی خراسان شد.

۹ کلنل به صمصام‌السلطنه تلگراف تبریک فرستاد و متذکر شد که قبل از ورود او باید مشکلات عمده موجود برداشته شود.

۹ کلنل، مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک را دعوت به مخابره حضوری نمود ولی آنها حاضر به مذاکره نشدند.

۹ عده‌ای از مردم مشهد در محل دارالضیافه آستان قدس رضوی گرد آمده ضمن اعتراض به انتصاب صمصام‌السلطنه به والیگری خراسان ابقاء کلنل را خواستار شدند.

۹ میرزا مهدی خان معتصم‌السلطنه به معاونت کلنل برقرار گردید و امور غیرنظامی به وی محوّل گردید.

۱۰ منصورالملک کفیل وزارت داخله با کلنل محمدتقی خان مخابره حضوری کرد. کلنل اعلام نمود اگر صمصام‌السلطنه با خود سوار بختیاری بیاورد او را به رسمیت نخواهیم شناخت.

۱۰ ساعدالدوله فرزند محمدولی خان سپهسالار اعظم تنکابنی پس از یک ماه زد و خورد و جنگ و گریز در تنکابن سرانجام تسلیم قوای دولتی شده و توسط جمشید سردار کبیر عموی خود تأمین گرفت. یک عراده توپ و دویست اسب و قاطر و کلیه

۱ ــ ابراهیم خواجه نوری در بازیگران عصر طلائی در بیوگرافی سپهبد امیراحمدی طغیان و جنگ و شکست امیرمؤید سوادکوهی را به طرز جالب و شیرین تشریح نموده است. مهدی‌بامداد در کتاب تاریخ رجال بیوگرافی مختصری از وی ارائه داده است.



عده‌ای از نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی

از راست صف نشسته: احتشام‌الدوله، رکن‌الملک صدری، مستشار السلطنه مشایخی، شکرالله خان قوام الدوله، سردار اقبال بختیاری، معتمد التجاره و امیرناصر خلج

صف دوم: عدل السلطنه، آصف الممالک، منتصر الملک، ملک‌آراء، سدیدالملک و رضا سردار فاخر (حکمت)

صف سوم: محمدولی میرزا فرمانفرمائیان، سردار مفخم قزوینی، صدرائی، ارباب کیخسرو شاهرخ و مرتضی قلی‌خان سهام السلطان بیات

صف چهارم: وکیل‌الملک، سلیمان محسن اسکندری، فیروز میرزا نصرت الدوله، نصیر السلطنه اسفندیاری و میرزا عبدالله خان معتمد السلطنه

ابوابجمعی خود را به دولت واگذار نمود.

(به دستور سردارسپه ساعدالدوله با درجه سرهنگی در قشون پذیرفته شد و در بعضی از محاربات داخلی شرکت داشت. در سفر خوزستان همراه سردار سپه وارد اهواز شد ولی پس از چند ماه به طور ناگهانی درگذشت).

۲۲ یک اردوی هزار نفری به فرماندهی میر پنج حسین آقا برای سرکوبی کلنل محمدتقی خان عازم مشهد شدند. کلنل گلروپ فرمانده ژاندارمری، کلنل عزیزالله خان و کلنل سالار نظام همراه اردو بودند.

۲۴ کلنل گلروپ و کلنل سالار نظام و کلنل عزیزالله خان و عده‌ای صاحبمنصب با سه کالسکه وارد سبزوار شدند.

۲۵ ماژور اسمعیل خان فرمانده ژاندارمری سبزوار کلنل گلروپ و همراهان را توقیف نمود و از ادامهٔ مسافرت آنها جلوگیری کرد.

۲۵ کلنل محمدتقی خان در سبزوار با هیئت اعزامی از تهران ملاقات و مذاکره کرد.

۲۵ کلنل گلروپ و همراهان تحت الحفظ به نیشابور اعزام شدند.

۲۷ کلنل گلروپ و همراهان اجازه گرفتند تا به تهران بازگردند.

۳۱ به دستور کلنل محمدتقی خان یکصد قبضه تفنگ از اسلحه‌خانه پلیس مشهد ضبط و تحویل ژاندارمری شد.

شهریور ماه

۱ کلیه وسائل نقلیه در خراسان به دستور کلنل مصادره و ضبط شد.

۱ علم الدوله حسابدار ژاندارمری از طرف کلنل رئیس پلیس خراسان شد.

۲ روزنامه طوفان به مدیریت محمد فرخی یزدی با کلیشه سرخ و سبک طرفداری از طبقه رنجبر و دهقان منتشر شد. سردبیری روزنامه را موسوی‌زاده یزدی عهده‌دار است.

۲ قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء به امیرشوکت‌الملک علم امیر قائنات و سردار معزز بجنوردی مأموریت داد با همکاری قوای قزاق غائله کلنل را خاتمه دهند.

۱۴ مشیرالدوله رئیس‌الوزرای سابق و نماینده مجلس در جلسه امروز طی نطق مفصل و مستندی به شرح قیام خیابانی در تبریز پرداخته و چگونگی قتل او را تشریح کرد. وی صریحاً اعلام نمود خیابانی قصد تجزیه آذربایجان را داشت و سر از اطاعت دولت مرکزی پیچیده بود و فقط مطالبه پول می‌کرد.

این نطق پاسخ به روزنامه جدیدالتأسیس طوفان بود که به مناسبت یکمین سال درگذشت خیابانی، مخبرالسلطنه و مشیرالدوله را متهم به قتل وی نموده بود.

۱۶ روزنامه هتاک و تندروی «سیاست» به مدیریت شاهزاده عباس میرزا در تهران انتشار یافت و اولین شماره آن امروز بیرون آمد.[۱]

۱۸ کلنل محمدتقی خان پس از یأس از مذاکرات اصلاحی در طرز اداره امور استان خشونت پیشه گرفت.

۲۴ کلنل محمدتقی خان دستور داد تلگرافهای کنسولگری و اتباع انگلیس باید به صورت غیر رمز و فقط توسط تلگرافچی‌های ایرانی مخابره شود.

۲۴ دو تن از صاحبمنصبان ژاندارم خراسان که از جنگیدن با افراد طوایف خودداری کرده بودند به دستور کلنل اعدام شدند.

۲۴ کلنل محمدتقی خان صدور بیانیه اعلام جمهوری خراسان را که از طرف حزب ملیون تهیه شده بود به بعد موکول کرد.

۳۱ روزنامه‌های شرق ایران و روزنامه بهار که در مشهد انتشار می‌یابند به شدت قوام‌السلطنه و دولت انگلیس را مورد انتقاد و حمله قرار دادند.

۳۱ به دستور کلنل محمدتقی خان طرح اسکناس‌های جدید که می‌بایست رواج یابد به تصویب رسید. اسکناس‌ها به امضای پیشکار دارائی خراسان رسیده بود.

۳۱ کلنل محمدتقی خان سیزده هزار تومان از تجار قرضه گرفت.

۱ ــ عباس میرزا همان عباس اسکندری است که بعد از شهریور ۱۳۲۰ وارد صحنه سیاسی ایران شد. ابتدا جزء مؤسسین حزب توده بود، بعد از آن حزب اخراج و به قوام‌السلطنه نزدیک شد، مدتی فرماندار تهران بود و در دوره پانزدهم به وکالت مجلس از همدان انتخاب شد. وی در همان دوره پیرامون نفت و قرارداد ۱۹۳۳ نطق مشروحی ایراد نمود که تقی‌زاده در دفاع خود را آلت فعل نامید.



کلنل محمد تقی خان پسیان

مهر ماه

۸ قوام‌السلطنه کابینه را به شرح زیر ترمیم نمود:

قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله، سردارسپه وزیر جنگ، مصدق‌السلطنه وزیر خارجه، مشارالسلطنه وزیر عدلیه، شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف، عمیدالسلطنه وزیر فوائد عامه و تجارت، امیر اعلم وزیر معارف و اوقاف.

۱۰ کلنل محمدتقی خان وارد جعفرآباد واقع در بیست کیلومتری جنوب قوچان شد. ۲٤ ژاندارم همراه کلنل بود. در اولین برخورد جنگی دوازده ژاندارم کشته شدند و ۱۲ نفر فرار کردند. کلنل در این درگیری به شدت زخمی شد. و با اسلحه به حیات خود خاتمه داد.

۱۰ اکراد با بریدن سر کلنل محمدتقی خان آن را بر سر چوب کردند و همراه با سردوشی‌های او طی نامه‌ای که مرگ وی را اعلام می‌کرد به مشهد فرستادند.

۱۰ یاور محمودخان نوذری افسر ارشد و معاون کلنل خبر قتل فرمانده خود را به تهران مخابره کرد و کسب تکلیف نمود.

۱۱ معاریف خراسان از جمله آیت‌الله آیت‌زاده خراسانی توصیه نمودند موقتاً امور نظامی و اداری خراسان به یاور نوذری محول شود.

۱۲ قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء موقتاً کفالت امور خراسان را به ماژور نوذری تفویض نمود.

۱۲ میرزا مهدی خان معتصم‌السلطنه معاون و مشاور کلنل محمدتقی خان پس از مخابره تلگراف به تهران در مورد قتل کلنل، با ضبط اتومبیل مصباح دیوان میهمان خود به بیرجند گریخت.

۱۳ ماژور محمودخان برای اداره امور خراسان یازده شرط پیشنهاد کرد که دولت مرکزی فقط با چهار شرط موافقت نمود.

۱۵ مراسم تشییع جنازه کلنل محمدتقی خان به صورت رسمی همراه با تشریفات کامل نظامی به عمل آمد و جنازه در آرامگاه نادرشاه به خاک سپرده شد.

۱۵ قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء طی بیانیه‌ای ختم غائله خراسان را اعلام کرد.[۱]

۱۶ قوام‌السلطنه در ترکیب کابینه تغییراتی به این شرح داد:

مصدق‌السلطنه وزیر مالیه، مشارالسلطنه وزیر خارجه، عمیدالسلطنه وزیر عدلیه، نیرالسلطان وزیر فوائد عامه.

۱۶ ماژور اسمعیل خان با نیروی تحت فرماندهی خود بر سر آرامگاه فرمانده خویش سخنرانی تندی ایراد نمود و قوام‌السلطنه را به باد دشنام گرفت.

۲۳ قوای دولتی به فرماندهی سردار سپه وزیر جنگ وارد رشت گردید. بلافاصله خالوقربان تسلیم شد، ولی میرزا کوچک خان حالت دفاعی و عقب‌نشینی به خود گرفت تا سرانجام در گردنه بین طالش و ناحیه خلخال از سرما تلف شد. عده‌ای سر او را از تن جدا کردند و در رشت نزد وزیر جنگ بردند ولی سردارسپه عمل آنها را تقبیح نمود.

۲٤ یاور اسمعیل خان یار وفادار کلنل که خود را جانشین بالاستحقاق او می‌دانست با قوای تحت فرماندهی خود وارد مشهد شد و به بازداشت یاور نوذری پرداخته امور را در دست گرفت.

۲۵ یاور محمودخان نوذری به کمک صاحبمنصبان ژاندارم از زندان رهائی یافت و با کمک بقیه صاحبمنصبان از یاور اسمعیل خان خلع درجه نمودند و وی ناگزیر در خانه آیت‌الله‌زاده متحصن گردید.

۲۵ توطئه‌ای در تهران کشف شد که عده‌ای قصد داشتند قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و سردار سپه وزیر جنگ را ترور نمایند. عده زیادی از رجال و افراد به جرم شرکت در این توطئه بازداشت شدند. در میان توقیف‌شدگان میرزا حسن خان

۱ ــ برای آگاهی از قیام کلنل محمدتقی خان پسیان از کتب زیر می‌توان استفاده نمود: قیام کلنل محمدتقی خان تألیف علی آذری، تاریخ بیست ساله ایران جلد ۱ و ۲ تألیف حسین مکی، تاریخ احزاب سیاسی جلد اول تألیف ملک‌الشعراء بهار، خاطرات سیاسی مهدی فرخ، تاریخ ژاندارمری تألیف پرویز افسر، مجموعه گزارش‌های قنسول انگلیس در مشهد به سفارت بریتانیا در تهران.



سید جواد ظهیرالاسلام

مشارالملک وزیر سابق دربار و سیدجواد ظهیرالاسلام نایب‌التولیه سابق آستان قدس رضوی دیده می‌شدند.[۱]

آبان ماه

۷ روزنامه بهار منتشره در مشهد اعلام کرد رضاقلی خان نظام‌السلطنه به سمت والی ایالت خراسان منصوب شده است.

۸ امیر پنجه حسین آقا فرمانده قزاق‌های اعزامی از تهران وارد مشهد شد. قوای نظامی همراه وی عبارتند از هفتصد قزاق، سیصد ژاندارم و سیصد سوار امنیه.

۱۰ میرزا علی اکبرخان معروف به مدعی‌العموم (بعدها علی‌اکبر داور) که مدت ده سال به تحصیل علم حقوق در سویس اشتغال داشت به ریاست کل معارف برگزیده شد.

۱۲ قزاق‌ها کلیه انقلابیون معروف غیرنظامی را که از کلنل محمدتقی خان حمایت می‌کردند دستگیر و عده‌ای از آنها را به جوخه اعدام سپردند.

۱ــ شرح این توطئه به قلم مرحوم ظهیرالاسلام به تفصیل در بخش ضمائم و تعلیقات آمده است.

۱۳ تعداد زندانیان قزاق که طرفداران کلنل هستند به پنجاه نفر بالغ شد.

۱۳ میر پنج حسین آقا اعلامیه شدیداللحنی در مشهد انتشار داد و متذکر شد کلیه هواخواهان کلنل در دادگاه نظامی محاکمه خواهند شد.

۱۸ ماژور محمودخان از سرپرستی ایالت خراسان و فرماندهی ژاندارمری استعفا داد.[۱]

۲۰ دکتر محمد خان مصدق السلطنه وزیر مالیه به موجب ماده واحده مجلس شورای ملی برای مدت سه ماه اختیاراتی برای اصلاحات تشکیلات وزارت مالیه گرفت.

۳۰ لایحه واگذاری امتیاز کلیه معادن نفت شمال مملکت به کمپانی معروف (استاندارد اویل) امریکائی در پنج ماده به مجلس تسلیم شد و فوریت آن به تصویب رسید.

آذر ماه

۱ سردارسپه وزیر جنگ پلیس جنوب را که توسط انگلیس ها در ایران تأسیس شده بود منحل کرد و تعدادی از صاحبمنصبان آنجا را در قشون پذیرفت.

۲ دو یادداشت شدیداللحن و اعراض آمیز که تقریباً لحن اولتیماتوم را داشت از طرف سفارت شوروی تسلیم وزارت خارجه ایران شد.

یادداشت اول در مورد واگذاری نفت شمال به کمپانی امریکائی استاندارد اویل و یادداشت دوم در زمینه تسریع در تصویب معاهده دولتین ایران و شوروی در مجلس شورای ملی بود.

۱ ــ ماژور محمودخان نوذری بقاء از افسران ژاندارمری و از همکاران نزدیک کلنل بود و تقریباً معاونت کلنل را برعهده داشت. وی پس از قتل کلنل به تهران احضار و به نظمیه منتقل شد و درجه سرهنگی گرفت. چندی رئیس شهربانی قزوین و مدتی رئیس اداره سجلات و آمار شهربانی بود تا در سال ۱۳۱۲ در میانسالی درگذشت. از وی دو فرزند باقی ماند یکی سرلشکر فرامرز نوذری بقاء که در سال ۱۳۵۸ تیرباران شد و دیگری فریبرز نوذری بقاء که فعلاً استاد دانشگاه استکهلم است چندی در ایران شهردار خرمشهر و اصفهان بوده است. مرحوم ماژور اسمعیل خان بهادر برای نگارنده در توضیح قیام کلنل ماژور نوذری را خائن نمره اول نسبت به کلنل میدانست و اظهار نمود قتل کلنل با تبانی قبلی با او بوده است.

٤ از طرف سفارت انگلیس یادداشتی تسلیم وزارت امور خارجه شد. به موجب این یادداشت دولت انگلیس شدیداً نسبت به تصمیم لایحه واگذاری نفت شمال به یک شرکت امریکائی اعتراض نموده بود.

٤ در جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی یادداشت های سفارت شوروی و انگلیس مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و مجلس به دولت اختیار داد که به هر دو دولت جوابی دندان شکن بدهد و متذکر بشود بهیچوجه به آنها اجازه مداخله در امور داخلی ایران داده نخواهد شد.

٤ امتیازنامه نفت خوشتاریا تبعه روس در مجلس لغو شد.[۱]

۱۵ سردار سپه کلنل گلروپ را از ریاست ژاندارمری منفصل نمود و کفالت را به کلنل عزیزالله خان داد. (کلنل عزیزالله خان همان سرلشگر ضرغامی بعد است).

۲۳ در جلسه امروز مجلس شورای ملی عقد قرارداد رسمی بین دولتین ایران و شوروی به تصویب رسید.

این قرارداد ۲۶ ماده دارد و در اثر تلاش مشاورالممالک سفیر ایران در شوروی در دولت سپهدار رشتی تنظیم گردید.

به موجب این قرارداد بانک استقراضی روس با نقود و اشیاء و محاسبات و اموال منقول و غیرمنقول به ایران واگذار شد و تمام امتیازاتی که دولت روسیه تزاری و اتباع آن از ایران گرفته بودند از درجه اعتبار ساقط گردید.

دولت شوروی راه شوسه انزلی ــ تهران، قزوین ــ بتهران و کلیه متعلقات آن و همچنین اسکله و وسائل نقلیه در راه ارومیه و تمام خطوط تلگرافی را به ایران بخشید.

دولت شوروی از تمام مطالبات خود صرفنظر کرد و کاپیتولاسیون را لغو نمود.

در برابر این امتیازات دولت شوروی این حق را برای خود محفوظ نموده است که در صورت دخالت مسلحانهٔ یک کشور ثالث در ایران و تهدید سرحدات شوروی قشون خود را وارد ایران نماید. علت تأخیر تصویب قرارداد در مجلس هم همین قسمت بود که با توضیحات از طرف دولت شوروی رفع نگرانی شد.

۱ ــ مصطفی فاتح در کتاب پنجاه سال نفت درباره امتیازنامه خوشتاریا و لغو آن فصلی را اختصاص داده است. علاقمندان میتوانند به کتاب مزبور مراجعه نمایند.

۲۱ نظام‌السلطنه در حالی که بیست نفر از سواران بختیاری وی را اسکورت می‌کردند وارد مشهد شد. نظام‌السلطنه برخلاف سایر ولات وحکام از قبول هرنوع هدایائی خودداری کرد.

دی ماه

۴ به دستور امیر پنجه حسین آقا پس از نبش قبر کلنل محمدتقی خان جسد وی در کمال اختفاء به قبرستان سراب منتقل و دفن گردید.

۹ مجلس شورای ملی در جلسه امروز خود عضویت ایران را در جامعه ملل تصویب نمود.

۱۴ کلیه درجات نظامی رایج در قزاقخانه و ژاندارمری لغو گردید و بجای آن درجات جدید معین و اعلام گردید.

درجات سابق عبارت بود از امیرتومان، امیر پنجه، کلنل ماژور، کاپیتان.

درجات جدید به این شرح معین شد: امیرلشکر، سرتیپ، سرهنگ، نایب سرهنگ، یاور، سلطان، نایب اوّل و دوّم و سوّم.

۱۴ سردار سپه وزیر جنگ با تصویب احمدشاه به هفت تن از سرداران قزاقخانه درجه امیرلشکری که بالا ترین درجه در قشون بود اعطاء نمود. سرداران عبارت بودند از: سردار مقتدر (امیرلشکر عبدالحمید غفاری)، سردار مدحت (امیر لشکر عباسقلی جلایر)، سردار همایون (امیرلشکر قاسم والی)، سردار عظیم (امیرلشکر محمد توفیقی)، سردار منتخب (امیر لشکر حبیب‌الله جهانبانی)، سردار رفعت (امیرلشکر علی نقدی). همچنین امیرتومان عبدالله خان (عبدالله امیر طهماسبی)، میر پنج احمدآقا (امیر لشکر احمدی)، میر پنج حسین آقا (امیرلشکر حسین خزاعی)، میر پنج محمودآقا (امیر لشکر محمود آیرم)، سرتیپ محمودآقا امیراقتدار (امیرلشکر محمود انصاری)، سرتیپ خدایارخان (امیرلشکر خدایار خدایاری)، سرتیپ اسمعیل آقا (امیر لشکر اسمعیل امیرفضلی) به درجه امیرلشکری ارتقاء یافتند.

۱۴ از طرف سردارسپه وزیر جنگ حکم عمومی قشون صادر شد. به موجب این حکم در ایران پنج لشکر و یک ارکان حرب و یک شورای قشون تشکیل شد.

۱۴ از طرف سردار سپه سردار مقتدر به ریاست شورای قشون برگزیده شد.

۱۴ از طرف سردار سپه وزیر جنگ سرتیپ امان‌الله میرزا به ریاست ارکان حرب تعیین شد. سرهنگ حبیب‌الله خان معاون وی شد (بعدها سپهبد جهانبانی و سرلشکر شیبانی).

۱۴ سردار سپه وزیر جنگ فرماندهی لشکر مرکز را برعهده گرفت.

۱۴ احمد آقاخان (امیر احمدی) به فرماندهی لشکر غرب که محل آن همدان است منصوب شد.

۱۴ حسین آقا (خزاعی) به فرماندهی لشکر شرق (خراسان) گمارده شد.

۱۴ سرتیپ اسمعیل خان (امیرفضلی) فرماندهی لشکر آذربایجان را برعهده گرفت.

۱۴ محمودآقا خان (آیرم) به فرماندهی لشکر جنوب برگزیده شد.

۱۴ عده زیادی از صاحب‌منصبان قزاقخانه در درجات مختلف از خدمت اخراج شدند. عده‌ای نیز در سازمان جدید با درجات پایین‌تری مشغول به کار شدند.

۱۵ بین ایران و افغانستان روابط سیاسی برقرار گردید و اعتلاءالملک به سمت وزیر مختار در آن کشور تعیین شد.

۱۸ مدارس نظام مشیرالدوله و قزاقخانه و ژاندارمری به یک واحد آموزشی به نام مدارس کل نظام تبدیل شد و سرهنگ عزیزالله خان در رأس آن قرار گرفت.

۲۹ در جلسه امروز مجلس شورای ملی روی اختیارات مصدق‌السلطنه وزیر مالیه بین او و بعضی از وکلاء مشاجره شدید درگرفت. مصدق‌السلطنه پس از ایراد نطق تندی بیهوش شد. قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء به حمایت از وزیر مالیه خود به مخالفین پاسخ داد و از کار کناره‌گیری نمود.

۳۰ در جلسه خصوصی امروز مجلس شورای ملی اکثریت نمایندگان به رئیس‌الوزرائی مشیرالدوله ابراز تمایل کردند.

بهمن ماه

۱ فرمان رئیس‌الوزرائی مشیرالدوله صادر شد.

۳ مشیرالدوله رئیس‌الوزراء وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

سردار سپه وزیر جنگ ــ حکیم‌الملک وزیر امور خارجه ــ مدیرالملک وزیر مالیه ــ سردار معظم خراسانی وزیر عدلیه ــ اعتلاءالسلطنه وزیر پست و تلگراف ــ ادیب‌السلطنه وزیر فوائد عامه ــ نیرالملک وزیر معارف.

۳ در جلسه امروز مجلس به هنگام معرفی وزیران عده‌ای از نمایندگان به صلاحیت مدیرالملک وزیر مالیه و نیرالملک وزیر معارف که در کابینه سیدضیاءالدین عضویت داشتند اعتراض نمودند.

۳ هیئتی به ریاست سیدحسن تقی‌زاده برای انعقاد قراردادهای تجارتی بین ایران و دولت شوروی عازم مسکو شدند.

۵ مجلس شورای ملی لایحه اعزام شصت نفر محصل نظامی به اروپا را تصویب کرد.

۵ به دستور سردارسپه وزیر جنگ اداره کل غله و نان و اداره کل خالصجات ضمیمه وزارت جنگ شد و امیرلشکر خدایار خان در رأس دو اداره مزبور قرار گرفت تا عوائد آن بدون اینکه وارد خزانه شود مستقیماً به وزارت جنگ پرداخت گردد.

۶ سلطان احمدشاه قاجار عازم سفر اروپا گردید. این دومین سفر نامبرده به فرنگستان بود.

۶ سردار سپه به اتفاق امیرلشکر محمودآقا و فرج‌الله خان تبریزی منشی خود تا خانقین شاه را بدرقه کرد.

۶ احمدشاه برادر خود به نام اعتضادالسلطنه را به نیابت سلطنت تا ورود محمدحسن میرزا ولیعهد که در اروپا به‌سر می‌برد تعیین نمود.[1]

۱۲ یاور لاهوتی فرمانده ژاندارم‌های مقیم شرفخانه با افراد تحت فرماندهی خود بغتتاً وارد تبریز شد. به دستور وی سیمهای تلفن و تلگراف قطع گردید و ارتباط تبریز با همه‌جا قطع شد.

۱۳ به دستور یاور لاهوتی مخبرالسلطنه والی آذربایجان توقیف گردید.

۱۳ کلیه اماکن و ابنیه دولتی و ادارات تبریز از طرف قوای ژاندارم تصرف شد.

۱۳ سلطان تورج میرزا از طرف لاهوتی به حکومت نظامی تبریز تعیین گردید و فرماندهی نیروی حمله نیز به او واگذار شد.[1]

۱۷ مخبرالسلطنه والی و ساعدالسلطنه معاون ایالت به زندان ژاندارمری منتقل شدند.

۱۸ نیروی لاهوتی به قوای قزاق حمله کرد و جنگ سختی بین آنان درگرفت. در این زد و خورد پنجاه قزاق و ژاندارم کشته شدند.

۲۰ مجدداً در شهر تبریز بین ژاندارم و قزاق زد و خورد درگرفت سلطان تورج میرزا فرمانده جنگ مجروح شد.

۲۰ قوای قزاق بر قوای ژاندارم تفوق یافت و قسمت اعظم شهر به تصرف آنها درآمد.

۲۰ شب‌هنگام یاور لاهوتی و عده زیادی از اطرافیان وی از مرز خارج شده به شوروی رفتند و به این ترتیب ماجرای قیام لاهوتی خاتمه یافت.

۲۰ مشیرالدوله رئیس‌الوزراء مخبرالسلطنه والی آذربایجان را برکنار کرد.

۲۵ یک محکمه نظامی به ریاست سرتیپ فضل‌الله خان بصیر دیوان و دادستانی متین‌الملک قریب در تبریز تشکیل شد و به محاکمه همکاران لاهوتی پرداخت.[2]

۱ ــ اعتضادالسلطنه فرزند ارشد محمدعلی شاه بود ولی چون مادرش از طایفه قاجاریه نبود لذا به ولیعهدی انتخاب نگردید. پس از انقراض سلسله قاجاریه ایران را ترک نکرد و در منزل شخصی خود واقع در کوچه میرشکار به زندگی آرام و بی‌سر و صدا ادامه می‌داد. رویهمرفته مردی متین، فهمیده، اهل مطالعه و عاقل و مدیر و مدبر بود برای خود نام خانوادگی اعتضادی را انتخاب کرد و بیشتر وقت او به مطالعه و شکار سپری می‌شد. در دوره رضاشاه هیچگونه مزاحمتی برایش فراهم نشد. در سال ۱۳۴۶ درگذشت.٠

۱ ــ سلطان تورج امین بعدها داخل اداره نظمیه شد و درجات خود را تا سرهنگی طی نمود. مدتی رئیس اداره راهنمائی و رانندگی بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ در دیوان کیفر تحت تعقیب قرار گرفت ولی از اتهام منتسبه برائت حاصل کرد و چند شغل مهم احراز نمود.

۲ ــ سرتیپ بصیردیوان بعدها در صحنه سیاسی ایران ظاهر شد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد به نام سپهبد فضل‌الله زاهدی نخست‌وزیر گردید. سرهنگ متین‌الملک همان سرتیپ عبدالجواد قریب است که مدتی در زمان رضاشاه دادستان ارتش بود و بعداً از ارتش اخراج گردید. یازده افسری که در دادگاه محاکمه و محکوم به اعدام شده بودند پس از چند روز به زندان قصر تهران انتقال یافتند و با کمک سیدحسن مدرس از مرگ رهائی و پس از یکسال از زندان آزاد و به مشاغل دولتی گمارده شدند.



مخبرالسلطنه والی آذربایجان پس از کشتن خیابانی

۲۷ فرمان تشکیل امنیه مملکتی تحت نظر وزارت جنگ صادر شد.

۲۷ دادگاه نظامی یازده نفر از همکاران لاهوتی از جمله سلطان تورج میرزا را محکوم به اعدام کرد.

۲۸ دکتر محمد مصدق السلطنه از طرف مشیرالدوله والی آذربایجان شد.

اسفند ماه

۲ رضاخان سردارسپه وزیر جنگ طی اعلامیه‌ای خود را مسبب کودتا معرفی کرد و افزود از اقدام خود در پیشگاه عموم شرمنده نیستم.[1]

۱۱ روزنامه شفق سرخ به مدیریت شیخ علی دشتی تأسیس و از این روز انتشار یافت. این روزنامه انتقادی، ادبی، اجتماعی و سیاسی است.

۱۵ قانون شورای عالی معارف از تصویب مجلس شورای ملی گذشت.

۱۷ حکومت نظامی اعلامیه شدیداللحنی علیه مطبوعات انتشار داد و متذکر شد اگر مقالاتی برخلاف حکومت نوشته شود نویسنده و ناشر به اشدّ مجازات گرفتار خواهند شد.

۱۸ عده‌ای از مدیران جراید توقیف شدند و از انتشار روزنامه آنها جلوگیری شد. فرخی یزدی مدیر طوفان در سفارت روس متحصن گردید.

۱۸ عده‌ای از مدیران مطبوعات در حضرت عبدالعظیم بست نشستند.

۱۹ تعداد مدیران جراید متحصن در سفارت روس به هشت نفر رسید.

۲۰ احمدشاه از پاریس تلگرافی از مشیرالدوله خواست تا هرچه زودتر به کار متحصنین در سفارت روس خاتمه دهد.

۲۱ به فتوای حاج آقا جمال اصفهانی دو تن از زنان معروفه به نام عزیز کاشی وامیرزاده خانم به علت ارتباط نامشروع با دو تن از اعضای سفارت انگلیس در میدان توپخانه حد شرعی خوردند.

۲۹ سردار سپه عده‌ای از علماء را به منزل خود دعوت کرد و متذکر شد قصد استعفا دارد.

۳۰ رتشتین نماینده سیاسی دولت شوروی در ایران با سردارسپه ملاقات و خواستار لغو حکومت نظامی شد.

۱ ــ متن اعلامیه سردارسپه در بخش ضمائم و تعلیقات نقل شده است.

سال ۱۳۰۱ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۲۲ تا ۲۲ مارس ۱۹۲۳ میلادی

فروردین ماه

۱ نخستین اعضاء شورای عالی معارف مرکب از ذکاءالملک فروغی، دکتر امیر اعلم، سید محمد تدین، میرزا غلامحسین خان رهنما، شیخ محمد امین خوئی، سید مهدی لاهیجی، میرزا علی اکبر دهخدا، مجیرالدوله شیبانی، دکتر مسیح الدوله انتخاب و کار خود را آغاز کرد.

۱۱ اداره کل امنیه مملکتی تحت ریاست امیرلشکر علی نقدی (سردار رفعت) کار خود را آغاز نمود.[1]

۱۶ قانون تحدید مدت اقامت مأمورین سیاسی و قنسولی دولت ایران در خارجه به تصویب رسید. به موجب این قانون حداکثر مدت توقف مأمورین وزارتخارجه ایران در خارج از کشور نباید از پنج سال تجاوز کند.

۱۶ در جلسه امروز مجلس شورای ملی هنگام طرح اعتبارنامهٔ حاج مخبرالسلطنه هدایت سوسیالیست‌های مجلس با آن مخالفت کردند. سلیمان محسن ضمن حمله شدید به مخبرالسلطنه وی را قاتل شیخ محمد خیابانی خواند و تقاضای رد اعتبارنامه او را نمود. سیدحسن مدرس به دفاع برخاست و سرانجام اعتبارنامه تصویب شد.

۲۰ نزاع شدیدی در محله کلیمی‌ها بین مسلمانان و یهودیان روی داد. درنتیجه عده زیادی از مسلمانان با چوب و چماق و قمه در محله مزبور حضور یافته به نزاع و ضرب و شتم کلیمیان پرداختند. در این نزاع عده زیادی از طرفین مصدوم و مجروح شدند. سرانجام قوای نظامی در محل حاضر شده غائله را خاتمه داد.

۲۹ لایحه دولت مبنی بر انتخاب ۱۲ نماینده مجلس و مشارکت در کار دولت به تصویب رسید.

۲۹ پاسبان‌های تهران به علت اینکه شش ماه حقوق دریافت نکرده بودند اعتصاب کردند و پست‌های خود را ترک نمودند. تلاش مشیرالدوله و وستداهل به جائی نرسید.

۳۰ امروز تظاهرات شدیدی در دادگستری علیه مشیرالدوله انجام گرفت. عده‌ای از مردم علیه وی و اقدامات کابینه سخن گفتند.

۱ ــ امیرلشکر علی آقا نقدی از امراء قدیمی و باسابقه قزاقخانه بود. به هنگام بمباران مجلس با درجه میر پنجی حفظ مجلس شورای ملی و مدرسه سپهسالار به او سپرده شد. با مردم مماشات کرد و بعضی معتقدند با مشروطه‌خواهان سر و سرّی داشت. از این لحاظ او را عوض کردند و لیاخوف شخصاً فرماندهی میدان‌را به عهده گرفت. برادری‌به نام‌امیر پنجه قاسم آقا داشت که فرمانده قشون قزوین بود. هنگام حمله یپرم به قزوین و فتح آنجا امیر پنجه قاسم آقا اعدام شد.

اردیبهشت ماه

۱۵ میرزا حسین خان معین‌الوزاره وزیر سابق فوائد عامه وزیر مختار ایران در آمریکا شد. هیئت وزراء تصویب نمودند علاوه بر سیصد تومان حقوق به وی ماهیانه سیصد تومان فوق‌العاده پرداخت شود.

۱۸ میرزا حسن خان مشیرالدوله از کار کناره گرفت و استعفای خود را تلگرافی برای شاه فرستاد.

۲۵ مجلس شورای ملی مجدداً به مشیرالدوله رأی اعتماد داد.

۲۷ مشیرالدوله مجدداً از ریاست وزرائی کناره گرفت.

خرداد ماه

۱٤ محمدحسن میرزا ولیعهد که به اروپا سفر کرده بود از طریق بغداد وارد ایران شد.

۲۱ در شهرک، نزدیکی تبریز بین قوای نظامی و قوای چریک شاهسون زد و خوردی روی داد و عده‌ای از طرفین کشته شدند.

۲٤ در اطراف اردبیل و اهر بین قوای نظامی و قوای شاهسون جنگ درگرفت.

۲۶ مجلس شورای ملی به زمامداری قوام‌السلطنه ابراز تمایل نمود. مدرس در روی کار آوردن قوام‌السلطنه نقشی به‌سزا داشت. نمایندگان ٦۵ رأی به قوام‌السلطنه و ۱۵ رأی به مستوفی‌الممالک دادند.

۳۰ سرتیپ محمدخان زکریا با چند ستون سرباز برای سرکوبی الوار عازم بروجرد شد.[1]

۳۱ قوام‌السلطنه کابینه خود را به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی نمود:

قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه ــ سردارسپه وزیر جنگ ــ محتشم‌السلطنه وزیر علوم ــ فهیم‌الملک وزیر مالیه ــ وحیدالملک وزیر پست و تلگراف ــ مشارالسلطنه وزیر عدلیه ــ عمیدالسلطنه وزیر فوائد عامه و تجارت. وزیر داخله تعیین نشد.

۱ ــ سرتیپ محمدخان زکریا بعداً نام‌خانوادگی (شاه‌بختی) را برای خویش انتخاب کرد و درجه سپهبدی گرفت. غیر از مشاغل مهم نظامی مدتی استاندار آذربایجان و سناتور شد.

تیر ماه

۲ جنگ بین قوای دولتی و *الوار* یاغی در *لرستان* درگرفت. عده زیادی از الوار کشته شده و تعدادی دستگیر شدند.

٤ هشت نفر از سران الوار در شهر بروجرد به دار آویخته شدند.

۵ امیرلشگر احمدآقا امیراحمدی *امیرلشگر* غرب به پاس خدمات در اعاده امنیت در منطقه لرستان از طرف سردار سپه بدریافت یک قطعه واکسیل بند آجودانی مفتخر شد.

۱۰ سردار معظم خراسانی والی کرمان شد.[1]

۲۰ مصدق‌السلطنه والی آذربایجان از سمت خود کناره‌گیری کرد و امور حکومتی به سرتیپ امان‌الله میرزا فرمانده قشون سپرده شد.

مرداد ماه

۲۰ مجلس شورای ملی لایحه استخدام و اختیارات دکتر میلسپو را تصویب نمود. میلسپو از امریکا برای اداره امور مالی ایران استخدام گردید و شغل وی رئیس کل مالیه ایران بود.

۲۰ در جنگ سختی که بین قشون ایران به فرماندهی سرتیپ امان‌الله میرزا و اسمعیل سمیتقو در آذربایجان شروع شده بود قلعه چهریق که محل و ساخلوی وی بود تسخیر شد. سمیتقو با جای گذاردن عده زیادی کشته خاک ایران را ترک کرد.

۲۰ تلگراف زیر از طرف سرتیپ امان‌الله میرزا به سردارسپه وزیر جنگ مخابره شد:

«قوای ما در تعاقب دشمن امروز بیستم برج اسد ساعت ۱۱ صبح قلعه چهریق را متصرف، توپ و مسلسل‌هائی که

۱ ــ سردار معظم خراسانی همان عبدالحسین تیمورتاش است که در نیمی از پادشاهی رضاشاه وزیر دربار مقتدر و شخص دوم کشور بود. وی بعد به زندان افتاد و به وضع اسفناکی از بین رفت. دربارهٔ عبدالحسین تیمورتاش مطلب زیاد نوشته شده است. به بازیگران عصر طلائی و خاطرات بوریس بازانف مراجعه شود.



مدرس و اقلیّت مجلس پنجم

در این مدت از قوای دولتی به دست آورده بود مسترد، دشمن منکوباً فراری و متواری گردید. قوای ما در تعاقب دشمن سریعاً پیش می‌رود. فرمانده قوای آذربایجان سرتیپ امان‌الله میرزا».

۲۰ به مناسبت فتح قلعه چهریق و شکست سمیتقو سرتیپ امان‌الله میرزا و سرتیپ فضل‌الله خان بصیر دیوان به دریافت نشان ذوالفقار مفتخر شدند. به سایر صاحب‌منصبان و درجه‌داران نیز نشان‌های مختلف داده شد.

۲۲ به مناسبت شکست اسمعیل آقا سمیتقو و فتح قلعه چهریق در تهران و شهرها مراسم جشن و چراغانی بر پا گردید. سردارسپه در این روز در اجتماع صاحب‌منصبان نطق پرشور و حماسی که توسط دبیر اعظم تهیه شده بود قرائت نمود.[1]

۲۲ بانک استقراضی روس که طبق قرارداد ۲۳ آذرماه ۱۳۰۰ به ایران واگذار شده بود امروز تحویل مأمورین وزارت مالیه گردید و از طرف دولت به نام بانک (ایران)نامگذاری شد. بانک مزبور مبالغ معتنابهی از رجال و شاهزادگان طلبکار بود و دولت تدریجاً برای وصول مطالبات خود اقدام نمود. محمدولی خان سپهسالار اعظم متجاوز از یک میلیون تومان به بانک مزبور بدهکار بود.

۱ ــ درباره فتح قلعه چهریق و شکست اسمعیل آقا سمیتقو در آن روزها سر و صدای زیادی برخاست و جراید طرفدار سردارسپه با آب و تاب کامل به شرح واقعه پرداخته و آنرا یک پیروزی عظیم برای قشون ←

جدیدالتأسیس ایران دانستند و سردارسپه نیز مشغول بهره‌برداری از این موفقیت گردید. سرتیپ امان‌الله میرزای آن روز و سپهبد جهانبانی بعد جریان این جنگ داخلی و یا فتح قلعه چهریق را با قلمی شیوا و روان به رشته تحریر درآورد. ابتدا این یادداشت‌ها در جلد دوم تاریخ بیست ساله مکّی تحت عنوان یادداشت‌های یک افسر دخیل در قضایا ثبت گردید که متعاقب آن عبدالله مستوفی هم در جلد سوم تاریخ قاجار آنرا تکرار نمود. بعداً سپهبد جهانبانی یادداشت‌های مزبور را تکمیل نمود و کتابی تحت عنوان (نبرد شکریازی) انتشار داد. برای اطلاع بیشتر از این واقعه کتاب مزبور را باید مطالعه نمود. به مناسبت فتح قلعه چهریق سردارسپه در جمع افسران در ۲۸ مرداد ماه نطقی ایراد نمود. نطق مزبور به قلم شیوای دبیر اعظم بهرامی تنظیم گردیده در بخش ضمائم و تعلیقات نقل شده است.

۲۳ در مجلس شورای ملی مؤتمن‌الملک رئیس مجلس و تنی چند از نمایندگان از شکست سمیتقو و توفیق قشون اظهار رضایت و خوشوقتی نموده سردار سپه را مورد تجلیل قرار دادند.

۲۴ سلطان احمدشاه از پاریس تلگرافی از توفیق قشون در آذربایجان به سردار سپه وزیر جنگ تبریک گفت.

مهر ماه

۱۲ معتمدالتجار نماینده تبریز در مجلس شورای ملی نطق تند و مهمی ایراد کرد و لبه تیز حملات وی متوجه سردارسپه وزیر جنگ بود.

او در این نطق سردارسپه را متهم به قلدری و قانون‌شکنی کرد.

۱۲ سیدحسن مدرس در تأیید اظهارات معتمدالتجار مراتبی از اعمال نظامیان را برشمرد و افزود ما آنقدر قدرت داریم که می‌توانیم شاه را برداریم و طبعاً سردارسپه را نیز می‌توانیم معزول کنیم.

۱۳ مطبوعات با انعکاس نطق معتمدالتجار و مدرس، سردارسپه و نظامیان را به باد انتقاد گرفتند.

۱۵ سردارسپه وزیر جنگ در اجتماع صاحب‌منصبان نطقی ایراد نموده اقدامات قشون را در ایجاد امنیت برشمرد و اضافه کرد چون مجلس و مطبوعات برای کارهای او ارزش قائل نیستند از کار استعفا خواهد داد.

۱۵ سردارسپه وزیر جنگ از کار کناره‌گیری کرد.

۱۵ امیر اقتدار حاکم نظامی تهران از کار کنار رفت و اداره حکومت نظامی را منحل نمود.

۱۵ پس از استعفای سردارسپه نظامیان به تظاهرات پرداخته و در تهران به مانور نظامی دست زدند و هنگام عبور از مقابل بهارستان مجلس را تهدید نمودند.

۱۵ در شهرها از طرف نظامیان به طرفداری از سردارسپه و حمله به مجلس مخصوصاً معتمدالتجار تظاهرات زیادی صورت گرفت.

۱۶ در کاخ گلستان بین محمدحسن میرزا ولیعهد و قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء از یک‌طرف و سردارسپه از طرف دیگر مذاکرات اصلاحی صورت گرفت.

۱۷ سردارسپه وزیر جنگ به کار خود بازگشت.

۲۴ سردارسپه وزیر جنگ در مجلس نطقی ایراد نمود و اظهار داشت حکومت نظامی منبعد علی‌الاصول ملغی خواهد شد و اداره مالیات غیرمستقیم و خالصجات نیز از وزارت جنگ منتزع خواهد گردید.



میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک پس از مشروطیت ۶ بار به رئیس الوزرائی انتخاب شد اولین بار در ۱۲۸۸ پس از کناره‌گیری محمد ولیخان سپهدار تنکابنی از طرف عضدالملک به رئیس الوزرائی انتخاب شد بار ششم بهنگام سلطنت رضاشاه این سمت را پذیرفت ولی دوام زیادی نکرد.

آبان ماه

۷ قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء لایحه قانونی محاکمه وزراء را در ۱۳۱ ماده برای تصویب تقدیم مجلس نمود.

۱۹ سردارسپه وزیر جنگ به اتفاق قائم‌مقام‌الملک و دبیر اعظم برای استقبال از احمدشاه به سوی بوشهر حرکت کردند.

آذر ماه

۸ سلطان احمدشاه از سفر اروپا به ایران بازگشت و وارد بندر بوشهر شد.

۱۸ دکتر میلسپو رئیس کل دارائی ایران کار خود را در سمت جدید آغاز کرد.

۲۰ وحیدالملک وزیر پست و تلگراف در مجلس از طرف داور و تدین استیضاح شد.

۲۲ قانون استخدام کشوری به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۲۵ سلطان احمدشاه وارد تهران شد.

دی ماه

۱۰ اولین شماره روزنامه کوشش به مدیریت شکرالله خان (صفوی) انتشار یافت. فعلاً از این روزنامه هفته‌ای سه شماره منتشر خواهد شد.

۲۷ بعدازظهر امروز سان قشون در میدان مشق انجام گرفت. سلطان احمدشاه و محمدحسن میرزا ولیعهد درحالیکه لباس نظامی بر تن کرده بودند از قشون سان و رژه گرفتند.

بهمن ماه

۳ روزنامه قیام در شماره امروز خود به مقام سلطنت و احمدشاه اهانت نموده و شاه را مسئول بحران‌های داخلی دانست و از وی عزل قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء را درخواست نمود.

۱۰ شعبه دوم محکمه استیناف تهران به شکایت سلطان احمدشاه از مدیر روزنامه قیام رسیدگی کرد ولی احمدشاه از حق خود صرفنظر نمود.

۵ قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء در اثر حمله سوسیالیست‌ها در مجلس استعفای کابینه را به احمدشاه تسلیم نمود.

۷ مجلس شورای ملی تمایل خود را نسبت به زمامداری مستوفی‌الممالک ابراز نمود.

۸ روزنامه مرد آزاد به مدیریت میرزا علی اکبرخان (داور) و سردبیری میرزا عیسی خان (صدیق اعلم) در تهران انتشار یافت. هدف این روزنامه تغییر و تحول در شئون اجتماعی و سیاسی ایران است.

۱۰ فرمان رئیس‌الوزرائی مستوفی‌الممالک از طرف احمدشاه صادر شد.

۱۰ بعدازظهر امروز مستوفی‌الممالک در مجلس حضور یافته در باب تعیین وزیران با وکلاء به مذاکره نشست. نمایندگان تشخیص صلاحیت وزیران را به رئیس‌الوزراء تفویض نمودند.

۲۵ مستوفی‌الممالک پس از پانزده روز مطالعه وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ نصرالملک وزیر مالیه ــ ذکاءالملک وزیر خارجه ــ ممتازالملک وزیر عدلیه ــ محتشم‌السلطنه وزیر معارف ــ سردار سپه وزیر جنگ.

تعیین وزیران پست و تلگراف و فوائد عامه به بعد موکول شد.

اسفند ماه

۸ مستوفی‌الممالک پروگرام دولت را به مجلس داد. طرفداران مدرس به مخالفت برخاستند.

۱۱ روزنامه پیکان به مدیریت محمد وثوق همایون در تهران انتشار یافت. نویسنده و سردبیر روزنامه میرزا عبدالحسین خان فرزند وثوق همایون است که در سفارت روس سمت منشیگری و مترجمی دارد.[1]

۱ ــ میرزا عبدالحسین خان همان عبدالحسین هژیر است که بعدها به مقامات بلند ارتقاء یافت. چندی نخست‌وزیر و وزیر دربار بود که در سمت اخیر در مدرسه عالی سپهسالار هدف گلوله قرار گرفت.



میرزا حسن خان مستوفی الممالک هنگام بازدید دارالمعلمین تهران. در طرفین او ذکاءالملک فروغی و محمود جم (مدیرالملک) دیده می شوند.

۱۳ در جلسه امروز مجلس هنگام طرح پروگرام دولت سیدحسن مدرس ضمن نطق مفصلی به مخالفت پرداخت و مستوفی‌الممالک را مناسب برای اوضاع روز ندانست. سید محمد تدین به دفاع از رئیس الوزراء سخن گفت و مدرس را دیکتاتور خواند.

۱۵ اعتبارنامه قوام‌السلطنه در مجلس مطرح شد و به علت مخالفت عده‌ای اخذ تصمیم به جلسات بعد موکول شد.

۱۵ در جلسه خصوصی و سپس جلسه علنی مجلس بر اثر بحث روی برنامه دولت بین موافقین و مخالفین مذاکرات تند و بعد منازعه درگرفت. در خارج از جلسه نیز کار موافقین و مخالفین به زد و خورد کشید. سرانجام برنامه دولت با ٦٦ رأی موافق و ٢٦ رأی مخالف تصویب شد.

۲۲ مجلس شورای ملی یکصد هزار تومان اعتبار مخارج انتخابات دوره پنجم را تصویب کرد و قرار شد انتخابات از اول فروردین ۱۳۰۲ آغاز شود.

۲۷ مستوفی‌الممالک کابینه خود را بدین صورت ترمیم کرد:

نصرالملک وزیر پست و تلگراف ــ بهاءالملک وزیر مالیه ــ مخبرالسلطنه وزیر فوائد عامه ــ ادیب السلطنه کفیل وزارت داخله.

سال ۱۳۰۲ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۲۳ تا ۲۱ مارس ۱۹۲۴ میلادی

فروردین ماه

۱۲ فرمان انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی صادر شد.

۲۴ انجمن نظار انتخابات دعوت شدند. مشیرالدوله به ریاست انجمن تعیین گردید.

اردیبهشت ماه

۱۱ بهاءالملک وزیر مالیه و ادیب‌السلطنه کفیل وزارت داخله از سمت‌های خود استعفا دادند.

خرداد ماه

۸ زلزله شدیدی در چند نوبت در اطراف تربت حیدریه به وقوع پیوست. عده زیادی از اهالی مقتول و جمع کثیری بی‌خانمان شدند.

۱۳ چهل و هفت تن از صاحبمنصبان قشون به سر پرستی امان‌الله میرزا رئیس ارکان حرب برای ادامه تحصیلات به اروپا عزیمت کردند. در میان این عده نام سرلشکر احمد نخجوان، سپهبد علی اصغر نقدی، سپهبد رزم‌آرا، ارتشبد هدایت، سرلشکر بهارمست و سرلشکر میرجلالی به چشم می‌خورد.

۱۹ سیدحسن مدرس لیدر مخالفین دولت مستوفی‌الممالک را درباره رویه دولت در سیاست خارجی استیضاح کرد.

۲۱ استیضاح سیدحسن مدرس در مجلس مطرح شد.

۲۱ مدرس در بیان استیضاح تاریخ سیاسی چند ساله ایران را تشریح کرد و از سفر مهاجرت سخن گفت و مستوفی را قادر برای حل مشکلات موجود ندانست.[1]

۲۱ سلیمان محسن به دفاع از دولت سخن گفت و نظریات مدرس را رد کرد.

۲۱ ذکاءالملک فروغی وزیر خارجه سیاست خارجی دولت را تشریح و تفسیر کرد.

۱ ــ داستان جدال مدرس و مستوفی‌الممالک در تاریخ معاصر ایران شنیدنی است. مبارزه مدرس در آن تاریخ با مستوفی از این جهت بود که وی می‌دانست مستوفی معروف به آقا مرد میدان مبارزه و جلوگیری از تندرویها و وسعت‌طلبی‌های سردارسپه نیست و شخص قاطع و برنده‌ای چون قوام‌السلطنه می‌تواند حریف وزیر جنگ باشد. به طوری که مدرس مرحوم قوام را به شمشیر برنده و تیز تعبیر نمود و مستوفی را به شمشیر مرصع، و گفت در موقع لزوم شمشیر برنده و تیز لازم است و در هنگام بزم شمشیر مرصع. همین مخالفت مدرس باعث شد مستوفی از میدان خارج شود و نطق معروف خود را در مجلس ایراد نماید.

۲۱ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء به دفاع پرداخت و نطق معروف خود را ایراد نمود و ضمن آن گفت در این مملکت هم اشخاصی می‌خواهند داخل کار شوند و آجیل هائی هم بگیرند و آجیل هائی هم بدهند من نه می‌گیرم نه می‌دهم و اصراری هم به ماندن ندارم.

۲۱ قوام‌السلطنه در پاسخ مستوفی سخن گفت و گفتار او را توهین به زمامداران سابق و لاحق دانست و به وی رأی کبود داد.

۲۲ مستوفی‌الممالک از سمت ریاست وزرائی استعفا داد.

۲۲ سید ابوالقاسم کاشانی و ناظم‌التجار کرمانی به ملاقات احمدشاه رفتند و او را از قبول استعفای مستوفی‌الممالک برحذر داشتند.

۲۳ مجلس شورای ملی به مشیرالدوله اظهار تمایل نمود.

۲۳ فرمان ریاست وزرائی مشیرالدوله صادر شد.

۲۴ مشیرالدوله وزیران کابینه را به شرح زیر معرفی کرد:

مصدق‌السلطنه وزیر خارجه، سردار سپه وزیر جنگ، حکیم‌الملک وزیر عدلیه، ذکاءالملک وزیر مالیه، حکیم‌الدوله وزیر معارف، فهیم‌الدوله وزیر پست و تلگراف، اعتلاءالسلطنه کفیل وزارت داخله.

۳۱ مجلس شورای ملی لایحه پنج میلیون دلار وام را از بانکهای امریکائی تصویب کرد.

تیر ماه

۱۳ متجاوز از سی تن از علمای بین‌النهرین به ایران تبعید شدند. حاج سید ابوالحسن اصفهانی، حاج میرزا حسین نائینی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی جزء تبعیدشدگان بودند.

تبعید علماء در اثر اصرار و پافشاری دولت انگلیس و حکم حکومت عراق بود. علت تبعید به واسطه فتوائی بوده است که علماء علیه انتخابات مجلس عراق داده بودند.

۱۴ به دستور سلطان احمدشاه تلگرافهائی به علمای تبعید شده به قصرشیرین مخابره شد.

۱۴ حاکم کرمانشاه و مأمورین دولتی موظف شدند از علماء و مراجع تقلید به وضع شایسته‌ای استقبال و تجلیل نمایند.

۱۵ علمای تهران مانند حاج آقا جمال اصفهانی و میر سید محمد بهبهانی و سایرین در مسجد مروی اجتماع کرده خطابه های مهمی علیه حکومت عراق عرب ایراد کردند.

۱۵ علمای تبعید شده با شکوه و استقبال بی‌نظیری وارد کرمانشاه شدند و تلگرافهائی مبنی بر تشکر و سپاس به احمدشاه و مشیرالدوله و مصدق‌السلطنه وزیر خارجه مخابره کردند.

مرداد ماه

۷ وزیر مختار انگلیس در تهران که در اثر تبعید علماء به بغداد رفته بود به تهران بازگشت.

۷ وزیر مختار انگلیس با رئیس‌الوزراء مذاکره کرد و تحت شرایطی بازگشت علماء را به بین‌النهرین بلامانع دانست.

۱۴ آقایان مراجع تقلید و علماء وارد قم شدند و علاوه بر استقبال پرشکوه و شایسته منزل و اثاثیه دراختیار آنان قرار داده شد.

۱۶ تجار و اصناف و بازار تهران به مناسب تبعید علماء سه روز تعطیل عمومی نموده در مساجد اجتماع کردند.

۱۸ امیرفیصل و عده‌ای از نمایندگان حکومت بین‌النهرین به تهران وارد شدند تا در مورد مراجعت آقایان علماء مذاکره نمایند.

شهریور ماه

۲۶ نامه جوانان به مدیریت و سردبیری میرزا ابراهیم خان برادر نظم‌الدوله مترجم و نویسنده معروف در تهران با سبکی جالب و زیبا انتشار یافت. این روزنامه از چند بخش تشکیل شده بود هم مقالات سیاسی و اجتماعی داشت و هم شعر و نمایشنامه و همچنین رمان های مهیج نیز ضمیمه آن بود. سبک روزنامه تجددخواهی و حمایت از زنان بود.

۱ ــ مدیر و ناشر روزنامه نامه جوانان در آن روز همان ابراهیم خواجه نوری نویسنده بازیگران عصر طلائی است که پس از سال ۱۳۲۰ در مقامات مهم و حساسی قرار گرفت و در مقام سناتوری با ایجاد و تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور به مخالفت برخاست و سرانجام از صحنه سیاسی دور شد. نامه جوانان بیش از چند شماره انتشار نیافت و مدیر آن به مناسبت تجددخواهی تحت تعقیب قرار گرفت و سه ماه به زندان رفت. وی بعداً تحصیلات خود را در بلژیک پایان بخشید و وکالت دادگستری را پیشه خود ساخت تا اینکه پس از شهریور ۲۰ از گردانندگان صحنه های سیاسی ایران گردید.

مهر ماه

۱۶ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه رئیس‌الوزرای سابق به وزارت جنگ احضار و پس از بازجوئی به دستور سردارسپه توقیف شد. علت احضار و توقیف مربوط به کشف شبکه‌ای بوده که ظاهراً قصد ترور سردارسپه را داشته‌اند و قوام‌السلطنه آن شبکه را رهبری می‌نموده است.

۳۰ قوام‌السلطنه با شفاعت سلطان احمدشاه و تصویبنامه هیئت وزیران از زندان آزاد شد. سردارسپه از حق خصوصی خود صرفنظر نمود.

۳۰ مشیرالدوله رئیس‌الوزراء از سمت خویش استعفا داد.

۳۱ قوام‌السلطنه به اروپا تبعید شد و تحت محافظت چند نظامی از طریق بغداد به اروپا رفت[1].

۱ ــ قوام‌السلطنه که بعداً نام خانوادگی قوام را برای خویش برگزید تحت محافظت نیروی قزاق تا سرحد بدرقه شد و به برادر خود وثوق‌الدوله که در اروپا اقامت داشت ملحق گردید و سالیانی چند در آن کشور با شکوه و جلال زندگی می‌کرد، تا اینکه پس از تغییر سلطنت و خلع سلطان احمدشاه و استقرار دیکتاتوری هر دو برادر تصمیم به مراجعت به ایران گرفتند. ابتدا وثوق‌الدوله وارد تهران شد و مورد استقبال و تکریم رضاشاه قرار گرفت و چندی وزارت و وکالت یافت. پس از او قوام با کسب اجازه رضاشاه به وطن بازگشت و در لاهیجان به کشاورزی مشغول شد و تا شهریور ۱۳۲۰ دور از غوغای سیاست می‌زیست. پس از رفتن رضاشاه قوام‌السلطنه وارد میدان گردید که شرح آن در همین تاریخ به اختصار خواهد آمد. تصویبنامه هیئت وزیران و بیانیه وزارت جنگ در مورد عفو و تبعید قوام‌السلطنه به این شرح است:

تصویبنامهٔ هیئت وزرا ــ نمرهٔ ۵۷۵. متعلقهٔ آقای قوام‌السلطنه عریضه‌ای به خاکپای اعلیحضرت اقدس **شاهنشاهی** ارواحنا فداه عرض، و استدعا کرده بودند به علت کسالت مزاج آقای قوام‌السلطنه، امر فرمایند ایشان را به فرنگستان روانه نمایند. اعلیحضرت همایونی، به آقای وزیر جنگ امر فرمودند این استدعای متعلقهٔ ایشان را به موقع اجرا بگذارند. در هیئت وزراء نیز، در جلسهٔ ۲۵ میزان ۱۳۰۲، همین مطلب را از آقای وزیر جنگ تقاضا کردند و معزی‌الیه امر مطاع همایونی را امتثال نمودند، و آقای وزیر جنگ از حق خودشان، که تعقیب باشد صرفنظر کردند.

بیانیهٔ وزارت جنگ ــ «شرح فوق، تصویب‌نامه‌ای است که بر اثر امر مطاع همایونی، در هیئت محترم وزراء تصویب، و چون تقاضا نمودند، که اینجانب از حق خود راجع به مجازات قوام‌السلطنه صرفنظر نمایم، نظر به اینکه مطلب مربوط به شخص اینجانب بود، برطبق امر همایونی و تقاضای هیئت دولت، از تعقیب و مجازات او منصرف و اغماض نمود، ولی در ←

آبان ماه

۳ سلطان احمدشاه فرمان رئیس‌الوزرائی سردارسپه را امضاء کرد.

۵ سردارسپه رئیس‌الوزراء وزیران خود را به این شرح معرفی نمود:

سردارسپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ ــ ذکاءالملک وزیر خارجه ــ سلیمان میرزا وزیر معارف ــ مدیرالملک وزیر مالیه ــ معاضدالسلطنه وزیر عدلیه ــ امیرلشکر خدایارخان وزیر پست و تلگراف ــ حاج عزالممالک وزیر فوائد عامه ــ میرزاقاسم خان کفیل وزارت داخله ــ میرزا حسین خان عدل‌الملک معاون رئیس‌الوزراء.

۵ سردارسپه رئیس‌الوزراء بیانیه‌ای منتشر نمود و دلایل قبول ریاست دولت را تشریح کرد. متن اعلامیه به این شرح است:

«همه‌کس اوضاع قشون، درجهٔ اهمیت و آسایش ملت و تمرکز قوای مملکت و میزان عظمت و قدرت حکومت را، در سه سال قبل می‌داند، و اوضاع اجتماعی و سیاسی امروزه، که نتیجهٔ مستقیم سه سال زحمت و خدمت و عشق مفرط این جانب به بسط قوای نظامی بوده است می‌بینند. تصور می‌کنم، لازم نباشد، در این موضوع کلمه‌ای بنگارم. زیرا، میزان سنجش هر چیزی همانا عمل است.

اگر این‌جانب، تا امروز، از خطهٔ اصلاحات نظامی انحراف نورزیده، و حاضر نشده بودم که وارد یک منطقهٔ وسیع‌تری از خدمات اجتماعی شوم، آثار خودسری و طغیان و بسط نفوذ حکومت مرکزی در انحاء دوردست کشور، از هرچیزی لازم‌تر بوده است، زیرا هیچ مملکتی به طرف ترقی و تعالی نخواهد رفت، مگر آن‌که بدواً اصول امنیت در تمام جوانب آن توسعه یافته باشد، و نظر به این اصل روشن بود که تقریباً از سه سال قبل، بلاتردید به تعقیب این موضوع

ضمن برای آنکه اذهان عمومی کمترین توهمی هم از نقطه نظر اغراض خصوصی، متوجه اینجانب نشده باشد، دستور دادم که از ادارهٔ نظمیه عین دوسیهٔ مدونه را فوراً به معرض انتشار بگذارند، که برای هیچ کس مجال شبهه و تردیدی باقی نماند.»

وزیر جنگ و فرماندهٔ کل قوا ــ رضا

اساسی پرداخته و با هر فداکاری و زحمتی بود بتجهیز مقدمات امر شروع، تا آنکه بحمدالله امروزه اصول مرکزیت و وسایل آسایش و امنیت کاملاً فراهم و اساس هرج و مرج و اغتشاشات داخلی یکسره نابود گشته است. لازم شد دومین قدم بطرف آرزوهای ملی. که عبارت از سیر بطرف ترقی و تکامل است برداشته شود.

مبنی بر همین نظریه است که این جانب با وجود گرفتاری در امر نظام، و عشق مفرطیکه در تنسیقات و انتظامات قشونی دارم. معهذا خواست خداوندی و استظهار مراحم ملوکانه و احساسات هموطنان را در قبول زمامداری مملکت استقبال کرده و در طی این عقیده راسخ و عزم ثابت می‌روم. که یکمرتبه دیگر امتحان فداکاری و خدمتگزاری را بملت شرافتمند ایران بدهم.

البته عامهٔ اهالی می‌دانند که همیشه عمل فرع اراده و اراده تابع عقیده و بالاخره آرزوی صدق نیت و عمل است. که می‌توان باجرای مقاصد مکنونه موفق شد این جانب هیچوقت تاکنون معتقد باظهار یک سلسله الفاظ بارونق ولی عاری از حقیقت و جملات مشعشع ولی غیرمتعقب به عمل، نبوده، و پیوسته عقیده داشته‌ام که به واسطهٔ عمل، بهتر می‌توان حقایق را گفت تا به واسطهٔ الفاظ. از این رو بدون اینکه به تدوین فصول و ترتیب مواد، و بالجمله ذکر الفاظ و کلماتی که سرمایهٔ بدبختی این مملکت، و اسباب تشتت فرق و مایهٔ جلب قلوب عوام محسوب می‌شود، مبادرت نمایم، خاطر هموطنان را مستحضر می‌سازم که به اتکاء به نیت پاک و صحت عمل خود، و به استظهار احساسات و حوائج عمومی پروگرام خود را به دو جملهٔ ذیل محدود می‌سازم:

۱ ــ حفظ حقوق مملکت. ۲ ــ اجرای قانون.

در خاتمه از صمیم قلب آرزومندم، که صمیمی‌ترین آمال و آرزوی من، در ضمن حفظ اصول مشروطیت، و تسریع افتتاح مجلس مقدس شورای ملی، و معاضدت نمایندگان ملت در اجرای جملات فوق، به مورد اجراء و عمل گذارده شود.

ضمناً، به لطف خدا متمسک و امید است که عموم هموطنان عزیز، به نوبهٔ خود، در پیشرفت این عقیده، قلباً به من کمک نمایند.

«رئیس الوزراء و فرماندهٔ کل قوا ــ رضا»

۸ احمدشاه برای تودیع با آقایان علماء به قم رفته در حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها مراسم خداحافظی را بجای آورد.

۱۰ پرنس عبدالحمید پادشاه عثمانی از سلطنت استعفا کرد.

۱۱ سلطان احمدشاه تهران را به قصد اروپا ترک نمود. سردارسپه رئیس الوزراء تا سرحد شاه را بدرقه کرد.

۱۱ رژیم حکومتی عثمانی از سلطنتی به جمهوری تبدیل یافت و نام کشور عثمانی به ترکیه تغییر نمود.

۱۱ ژنرال مصطفی کمال پاشا به ریاست جمهوری ترکیه برگزیده شد. ژنرال عصمت اینونو رئیس الوزراء ترکیه گردید.

۱۲ محمدحسن میرزا ولیعهد به مناسبت تغییر رژیم در مملکت همسایه به مصطفی کمال پاشا تلگراف تبریک فرستاد.

۱۲ سردارسپه مالیات معوقه املاک خالصه را از شیخ خزعل مطالبه کرد.

۲۱ سردارسپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ بیانیه‌ای انتشار داد. وی در این بیانیه رسماً نسبت به کسانیکه با بیگانگان ارتباط دارند اظهار تنفر و بدبینی نموده خود را منزه و مبرا قلمداد کرد و افزود اینگونه افراد به مجازات سنگین محکوم خواهند شد.

دی ماه

۲ روزنامه طلوع در رشت به مدیریت میرزا محمودخان و سردبیری میرزا ابراهیم خان انتشار یافت.

میرزا محمودخان، محمودرضا طلوع می‌باشد که دو دوره وکیل مجلس شد و میرزا ابراهیم همان ابراهیم فخرائی است.

۱۰ ژنرال وستداهل سوئدی رئیس تشکیلات نظمیه طبق دستور رئیس الوزراء از کار منفصل گردید.

۱۰ امور نظمیه تهران موقتاً به میرزا محمودخان امیراقتدار (امیرلشکر) حاکم نظامی تهران محول شد.

۲۰ سرهنگ محمدخان رئیس قلعه بیگی تهران به ریاست نظمیه تهران برقرار و منصوب گردید. او مدتهای مدید ریاست نظمیه را عهده‌دار بود و قدرت وی در ردیف قدرت تیمورتاش وزیر دربار بود.

۲۵ سرهنگ محمدخان به‌ریاست نظمیه‌کشور منصوب شد.[۱]

۲۶ جنگهای شدیدی بین الوار و قوای نظامی به وقوع پیوست. به الوار تلفات سنگینی وارد شد و عده‌ای از سران دستگیر شدند.

۲۸ عده زیادی از الوار در شهر بروجرد به دار آویخته شدند.

بهمن ماه

۲۲ مجلس دوره پنجم با نطق افتتاحیه محمدحسن میرزا ولیعهد کار خود را آغاز کرد. در همین جلسه مؤتمن‌الملک به ریاست موقت و سیدمحمد تدین و سهام‌السلطان به سمت نواب رئیس انتخاب شدند.

نمایندگان تهران در دوره پنجم عبارتند از:

مستوفی‌الممالک ــ مشیرالدوله ــ مصدق‌السلطنه ــ میرزا هاشم آشتیانی ــ سیدحسن مدرس ــ مؤتمن‌الملک ــ سیدحسن تقی‌زاده ــ میرزا حسین معین‌الوزاره ــ سلیمان محسن ــ میرزا سید احمد بهبهانی ــ قوام‌السلطنه ــ شیخ علی مدرس.[۲]

۱ ــ محمد درگاهی معروف به محمد چاقو از افسران ژاندارمری بود. در کودتای ۱۲۹۹ ریاست ژاندارمری شهر قم را داشت. پس از کودتا فرماندار نظامی قم شد. در سال ۱۳۰۰ در ادغام قشون و ژاندارمری دودرجه به او داده شد و ریاست قلعه‌بیگی تهران که همان دژبان تهران باشد به وی واگذار گردید تا اینکه به ریاست نظمیه انتخاب شد و در آن شغل قدرت فوق‌العاده پیدا کرد. از حیث قدرت و نفوذ در شاه با تیمورتاش برابری می‌کرد و یکی از عوامل مؤثر آزار و اذیت مردم بود. وقتی حکم شد نصرت‌الدوله فیروز را توقیف کند آنچنان تندی و رذالت به خرج داد که مورد اعتراض رضاشاه قرار گرفت.

۲ ــ انتخابات دوره پنجم قانونگزاری در ولایات تحت نظر فرماندهان نظامی یا مأمورین دولت طبق رأی و نظر سردارسپه و سرلشکر خدایار خان که در این مورد مأموریتی خاص داشت انجام گرفت و ندرتاً چند تن از نمایندگان برخلاف میل دولت انتخاب شدند. به عکس در انتخابات تهران دولت نظامی سردارسپه نتوانست دخالتی در انتخاب اشخاص مورد نظر به عمل آورد. از نمایندگان تهران قوام‌السلطنه به علت تبعید به خارج وارد مجلس نشد و شیخ علی مدرس مجتهد نامی و متقی و زاهد نیز در جلسات پارلمان شرکت ننمود. به هنگام تغییر سلطنت فقط از بین ده نماینده تهران تنها سلیمان محسن اسکندری رأی به انقراض قاجاریه داد. بقیه نمایندگان یا در جلسه شرکت ننمودند و یا اینکه در زمره مخالفین قرار گرفتند مانند مصدق‌السلطنه، سیدحسن مدرس، سیدحسن تقی‌زاده و میرزا حسین علاء.



سرلشگر محمود انصاری (امیر اقتدار) حاکم نظامی تهران

اسفند ماه

۱ به دستور سردارسپه رئیس‌الوزراء یک کمیسیون مشورتی مرکب از مستوفی‌الممالک مشیرالدوله، مصدق‌السلطنه، میرزا حسین خان معین‌الوزاره، حاج میرزا یحیی، سیدحسن تقی‌زاده، ذکاءالملک و مخبرالسلطنه تشکیل گردید که در تمام امور به دولت مشورت بدهند.

۲۰ نیروی هوائی قشون با هفت هواپیما تشکیل شد. سه هواپیما یونکرس آلمانی و چهار هواپیما روهاویلاند روسی بود.

۲۲ سردارسپه رئیس‌الوزراء حکمیت رفع اختلاف بین میرزا کریم خان رشتی و خانم فخرالدوله را درباره مالکیت قریه لشت‌نشاء واقع در گیلان قبول کرد و پس از چند ساعت رسیدگی و شنیدن دلائل اصحاب دعوا سرانجام رأی به حقانیت خانم فخرالدوله صادر نمود.

۲۷ در جلسه علنی مجلس شورای ملی بین طرفداران سردارسپه و مدرس مناقشات شدیدی روی داد.

۲۷ دکتر حسین خان احیاءالسلطنه در پایان جلسه سیلی

محکمی به گوش مدرس نواخت.[۱]

۲۸ در تهران تظاهرات پردامنه‌ای به منظور تغییر رژیم سلطنتی به جمهوری انجام گرفت و دامنه آن به شهرستانها نیز کشیده شد.

۲۸ عده‌ای از نظامیان درحالیکه قرمز پوش شده بودند به مجلس آمده له جمهوری ابراز احساسات و تظاهرات نمودند.

۲۸ از ظهر ادارات و مؤسسات دولتی تعطیل عمومی نموده در نهضت جمهوری شرکت کردند.

۲۸ سیل تلگراف از شهرها برای تغییر رژیم به جمهوری سرازیر شد.

۲۸ عصر جمعیتی در مسجد شاه اجتماع نموده علیه جمهوری دست به تظاهرات زدند.

۲۹ عده‌ای از طرفداران سردارسپه به منزل محمدحسن میرزا ولیعهد رفته به وی تکلیف استعفا نمودند.

۲۹ محمدحسن میرزا مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله و حاج میرزا یحیی و تدین و شیخ‌العراقین‌زاده را به خانه خود دعوت نموده در قبال تکلیف استعفا از آنها نظر خواست.

۲۹ غروب جلسه خصوصی مجلس تشکیل یافت و پیرامون مسافرت ولیعهد مذاکراتی انجام گرفت. در این جلسه تدین و قائم‌مقام عدل علیه قاجاریه سخن گفتند. مدرس و حائری‌زاده از قاجار دفاع نمودند.

۲۹ در جلسه علنی مجلس سیدحسن مدرس با اعتبارنامه مؤتمن‌الملک مخالفت کرد.

۳۰ در جلسه علنی مجلس مدافعین و مخالفین جمهوری سخنرانی کردند.

۳۰ طرح قانونی ذیل تقدیم مجلس شورای ملی گردید:

نظر به اینکه تلگرافات عدیده‌ای که از تمام ایالات و



سرلشگر خدایارخان دوست نزدیک رضا شاه بود

ولایات و تمام طبقات مملکت در مخالفت با سلسله سلاطین قاجاریه و رأی به انقراض سلطنت مذکور رسیده و نظر به اینکه تقریباً در تمام تلگرافات واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده و صراحتاً اختیار تغییر رژیم را به مجلس شورای ملی داده‌اند و چون قانوناً این تلگرافات کافی برای تغییر رژیم نیست، امضاءکنندگان مواد ذیل را به مجلس شورای ملی به قید فوریت پیشنهاد می‌نمائیم:

ماده اول ـــ تغییر رژیم مشروطه به جمهوریت.

ماده دوم ـــ اختیار دادن به وکلای دوره پنجم تا در قانون اساسی موافق مصالح مملکت در رژیم تجدیدنظر نمایند.

ماده سوم ـــ پس از معلوم شدن نتیجه آراء عمومی رژیم وسیله مجلس شورای ملی اعلام شود.

۱ ـــ دکتر حسین احیاءالسلطنه همان دکتر حسین بهرامی برادر دبیر اعظم بهرامی است که در دوران رضاشاه چندی نماینده مجلس و زمانی رئیس کل بهداری و مدتی نیز رئیس اداره کل آمار و نفوس بود. وی در مجلس پنجم از طرفداران رضاخان سردارسپه بود و از مدافعین سرسخت جمهوری. چون مدرس با جمهوری مخالفت می‌کرد وی سیلی محکمی به گوش مدرس نواخت ولی به اندازه‌ای انعکاس آن در افکار عمومی زننده و موهن بود که برخی عقیده دارند این سیلی بگوش جمهوری خورد نه به صورت مدرس.

سال ۱۳۰۳ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۲۴ تا ۲۱ مارس ۱۹۲۵ میلادی

فروردین ماه

۲ جلسه علنی مجلس شورای ملی برای اعلام جمهوریت تشکیل شد. عده زیادی از روحانیون و اصناف در میدان بهارستان اجتماع نموده علیه جمهوری و سردار سپه شعار می‌دادند درنتیجه بین مردم و نظامیان زد و خورد شدیدی روی داد.

۲ به دستور سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ عده زیادتری نظامی وارد میدان شده به ضرب و شتم مردم پرداختند و تیراندازی شدید آغاز گردید. عده زیادی از مردم مصدوم، مجروح و چند نفری مقتول شدند.

۲ جلسه مجلس بدون اخذ نتیجه تعطیل شد.

۲ مؤتمن‌الملک رئیس مجلس به سردارسپه شدیداً اعتراض کرد و گفت نظم مجلس و بهارستان با من است چرا مردم را می‌زنید. سردارسپه اظهار کرد امنیت مملکت با من است و به وظیفه خود عمل کردم.

۲ مؤتمن‌الملک دستور داد زنگ جلسه را بنوازند تا تکلیف سردارسپه را تعیین کند.

۲ به شفاعت عده‌ای از نمایندگان از جمله مشیرالدوله بین سردارسپه و مؤتمن‌الملک تفاهم به وجود آمد و سردارسپه از عمل خود معذرت‌خواهی نمود.

۵ عده زیادی از علماء و بازرگانان با سردارسپه ملاقات نموده مخالفت خودشان را با جمهوری اعلام نمودند و توصیه کردند از این کار منصرف شود.

۶ در تهران و شهرها مخصوصاً اصفهان، مشهد، قم مخالفت با جمهوری اوج گرفت و سیل تلگراف به مجلس شورای ملی سرازیر شد. رهبری مخالفت با جمهوری را روحانیون عهده‌دار بودند.

۱۱ سردارسپه برای مذاکره با علماء اعلام و مجتهدین وارد قم شد و مذاکرات خود را با آنان آغاز کرد. در این جلسه علماء رسماً مخالفت خودشان را با جمهوری اعلام نمودند و سرانجام سردارسپه به آنها قول داد که فکر جمهوریت را تعقیب نخواهد کرد.

۱۲ سردارسپه از قم به تهران مراجعت و اعلامیه‌ای انتشار داد و نهضت جمهوری را متوقف نمود. قسمتی از متن اعلامیه به این شرح است:

«برای احترام مقام روحانیت موقعی که برای تودیع آقایان حجج اسلام و علمای اعلام به حضرت معصومه(ع) مشرف شده بودم با معظم لهم در باب پیش‌آمد کنونی تبادل افکار نمودیم و چنین مقتضی دانستیم که به عموم ناس توصیه

نمایم عنوان جمهوری را موقوف نمایند.»

۱۴ هیئت رئیسه دائمی مجلس انتخاب شدند. مؤتمن‌الملک به ریاست و سیدحسن مدرس و سهام‌السلطان به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۱۵ نصرت‌الدوله والی فارس به تهران احضار شد.

۱۵ وثوق‌السلطنه والی فارس گردید.

۱۵ سلطان احمدشاه قاجار از اروپا تلگرافی سردارسپه را از رئیس‌الوزرائی عزل کرد و از مجلس درخواست کرد مستوفی‌الممالک را به این سمت برگزینند.

۱۵ رضاقلی خان نظام‌السلطنه از رجال معمر و وطن‌خواه در تهران درگذشت[۱].

۱۶ محمدعلی شاه پادشاه مخلوع قاجار در پاریس به بیماری دیابت در سن ۵۴ سالگی درگذشت.

۱۷ تشییع جنازه محمدعلی شاه در پاریس با شرکت عده زیادی از شاهزادگان و سران کشورهای اروپائی انجام گرفت. سلطان احمدشاه و سلطان عبدالحمید پادشاه مستعفی عثمانی در صف مقدم تشییع کنندگان بودند.

۱۸ به مناسبت درگذشت محمدعلی شاه در تهران و شهرها مجالس ختم و سوگواری برگزار شد و محمدحسن میرزا ولیعهد مجلس ختم تهران را برچید.

۱۸ سردارسپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ به عنوان تعرض و قهر استعفا داد و قصد خروج از ایران نمود.

۱۸ سردارسپه طبق سند رسمی سرهنگ کریم آقا کفیل بلدیه و رئیس نقلیه قشون را وکیل خود نمود تا در غیاب وی امور ملکی و شخصی او را انجام دهد.

۱۸ سردارسپه که قصد خروج از ایران را نموده بود موقتاً به رودهن ملک شخصی خود رفت.

۱۸ از طرف سلطان احمدشاه مستوفی‌الممالک به رئیس‌الوزرائی منصوب شد.

۱۹ تمام روزنامه‌های طرفدار سردارسپه مقالات اساسی خود را به استعفای سردارسپه اختصاص دادند و شدیداً به مخالفین مخصوصاً سیدحسن مدرس حمله کردند.

۱۹ شیخ علی دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ تحت عنوان (پدر وطن رفت) مقاله تند و کوبنده‌ای علیه دربار و مخالفین انتشار داد.

۲۰ فرماندهان نظامی در تهران و شهرستانها دست به تظاهرات نمایشی زدند و در خیابان‌ها رژه رفتند.

۲۰ امراء لشکر تلگراف‌های تندی علیه مجلس شورای ملی و مخالفین به تهران مخابره کردند و متذکر شدند در صورتی که ترضیه خاطر سردارسپه فراهم نشود به تهران حمله خواهیم کرد.

۲۰ احمدآقا امیرلشکر غرب و حسین آقا امیرلشکر شرق واحدهای نظامی خود را برای حمله به تهران آماده نمودند و به مجلس دو روز مهلت دادند تا رضایت سردارسپه را فراهم نمایند.

۲۱ مجلس شورای ملی در یک جلسه فوق‌العاده با ۹۲ رأی موافق مجدداً سردار سپه را به رئیس‌الوزرائی برگزید.

۲۱ هیئتی از نمایندگان مجلس مشتمل بر مشیرالدوله، مستوفی‌الممالک، مصدق‌السلطنه، سردار فاخر حکمت، سلیمان میرزا و سید محمد تدین به رودهن رفته سردارسپه را به تهران آوردند.

۲۱ مجلس شورای ملی انتخاب سردارسپه را به رئیس‌الوزرائی طی تلگرافی به سلطان احمدشاه اطلاع داد.

۲۳ احمدشاه در پاسخ تلگراف مجلس شورای ملی پاسخی به مجلس مخابره نمود. متن پاسخ چنین است:

«مجلس شورای ملی ــ با اینکه قانون اساسی به ما حق می‌داد که سلب اعتماد خودمان را از رئیس‌الوزراء وقت بنمائیم، معذلک صلاح اندیشی مجلس شورای ملی را رد نکرده به ولیعهد امر شد اعلام دهد کابینه را تشکیل و معرفی نمایند. شاه».

۲۴ سردارسپه رئیس‌الوزراء کابینه خود را به این شرح به مجلس معرفی کرد:

سردارسپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ ــ ذکاءالملک وزیر خارجه ــ مدیرالملک وزیر مالیه ــ معاضدالسلطنه وزیر عدلیه ــ امیرلشکر امیر اقتدار وزیر پست و تلگراف ــ میرزا قاسم خان کفیل وزارت داخله ــ مشارالدوله کفیل وزارت

۱ ــ آخرین سمت نظام‌السلطنه والی خراسان بود. وی در جنگ بین‌المللی اول به کمک احرار و آزادیخواهان ایران برخاست و در کرمانشاه حکومت ملی را تشکیل داد و با کمک دولت آلمان به جنگ با روس و انگلیس پرداخت. چندی نیز در عثمانی می‌زیست سپس به اروپا رفت و بعد از کودتا به ایران آمد.



محمد علی شاه بعلت بیماری قند در سن ۵۴ سالگی در اروپا درگذشت

فوائد عامه. وزیر معارف بعداً انتخاب خواهد شد.

۲۶ میر پنج غلامرضاخان مهاجر به حکومت اصفهان منصوب شد.

اردیبهشت ماه

۸ امیرلشکر طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان و والی نظامی به ماکو رفت و اقبال السلطنه سرحددار آن منطقه را به تبریز آورد و به زندان افکند.

۲۰ اقبال السلطنه ماکوئی در زندان در اثر فجأه درگذشت. جنازه اقبال السلطنه با شکوه کامل در تبریز تشییع شد. مخازن و نقود و جواهرات اقبال السلطنه توسط امیرلشکر طهماسبی ضبط و برای سردارسپه به تهران فرستاده شد.

گنجینه اقبال السلطنه بمراتب از گنجینه پادشاهان ایران بیشتر و پرارزش‌تر بود. تمام این گنجینه را رضاخان شخصاً تصرف کرد. مدرس در مجلس پنجم رضاخان را در اینمورد استیضاح کرد.

خرداد ماه

۹ دکتر علی اکبرخان ناظم الاطباء پزشک معروف و دانشمند لغوی در تهران درگذشت.[۱]

۱۱ روزنامه اتحاد اسلام در تهران به مدیریت شیخ حسین لنکرانی انتشار یافت.

۱۲ در جلسه مجلس شورای ملی اعتبارنامه علی دشتی که از ساوه به نمایندگی انتخاب شده بود با ٦٦ رأی مخالف رد شد. اعتبارنامه علی دشتی با مخالفت سیدحسن مدرس مواجه شد. وی اسنادی به مجلس ارائه داد که دشتی با عمال انگلستان ارتباط دارد و با تمام تلاشی که از طرف سردارسپه و یاران او در مجلس به عمل آمد تا شاید بتوان از رد اعتبارنامه جلوگیری نمود میسّر نشد.

تیر ماه

۷ ظهیرالدوله بنیانگذار و رئیس انجمن اخوت و داماد ناصرالدینشاه که چندی نیز مقامات درجه اول دولتی داشت در تهران درگذشت و در مقبره اختصاصی واقع در راه دربند به خاک سپرده شد.

۱۲ معاهده تجارتی بین دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی امضاء و مبادله شد.

از طرف دولت ایران ذکاءالملک وزیر خارجه و از طرف شوروی ماریش شومیاتسکی نماینده مختار معاهده را امضاء نمودند.

۱۲ سیدمحمدرضا میرزاده عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم و شاعر حساس و انتقادی معاصر در سه‌راه سپهسالار کوچه قطب الدوله در منزل شخصی خویش هدف گلوله چند

۱ ــ ناظم الاطباء از پزشکان حاذق و با تجربه بود. در دارالفنون تهران پزشکی آموخت. در تهران شهرتی پیدا کرد، در دربار قاجاریه راه یافت و پزشک مخصوص شد. وی علاوه بر دانش پزشکی در جمع‌آوری لغت سعی کافی به کار برد و مجموعه‌ای در این زمینه فراهم ساخت که پس از مرگش فرزندانش آنرا بنام فرهنگ نفیسی در پنج مجلد انتشار دادند.

فرزندان ذکور او عبارت بودند از دکتر مؤدب الدوله ــ سعید نفیسی ــ دکتر مشرف نفیسی و مهندس فتح‌الله نفیسی که امروز همه روی در نقاب خاک کشیده‌اند.

ناشناس قرار گرفت و به شدت زخمی شد. پس از انتقال وی به بیمارستان نظمیه چهار ساعت بعد درگذشت.

۱۳ مراسم تشییع جنازه میرزاده عشقی با شرکت هزاران نفر از مردم تهران و روزنامه‌نگاران و اقلیت مجلس شورای ملی با شکوه و جلال بی‌سابقه برگزار شد.

۱٤ به دنبال قتل عشقی دوازده نفر از مدیران جراید پایتخت که مخالف دولت بودند در مجلس متحصن شدند.

۲۷ ماژور ایمبری ویس قنسول امریکا هنگام عکسبرداری از سقاخانه آشیخ هادی که در آن روز، شایعاتی در مورد معجزات آن در افواه بود مورد هجوم و حملهٔ عده زیادی از مردم قرار گرفت و به شدت مجروح شد. پس از انتقال به بیمارستان نظمیه عده‌ای از مردم داخل بیمارستان شده با داس و قمه و چکش و آب‌جوش او را به قتل می‌رسانند.

۲۸ به دنبال قتل ماژور ایمبری ویس قنسول امریکا در تهران حکومت نظامی اعلام گردید.

۲۸ سرتیپ مرتضی‌خان رئیس تیپ پیاده گارد حاکم نظامی تهران شد.

۲۸ جنازه ویس قنسول امریکا از محل مدرسه امریکائی با شرکت سردارسپه رئیس‌الوزراء، وزیران، سفراء و وزرای مختار، اعیان و اشراف و نمایندگان مجلس با شکوه تمام تشییع شد و جنازه موقتاً در اکبرآباد به امانت گذاشته شد تا به امریکا حمل شود.

۲۸ حکومت نظامی در رابطه با قتل ماژور ایمبری عده‌ای را توقیف نمود.

۲۹ در جلسه مجلس شورای ملی مؤتمن‌الملک رئیس مجلس از ضایعه قتل ویس قنسول امریکا اظهار تأسف و تألم نمود. ذکاءالملک وزیر خارجه پیرامون قتل صحبت کرد و قول داد که عاملین واقعه به شدت مجازات خواهند شد.

۲۹ سیدحسن مدرس در جلسه مجلس به شدت اعلام حکومت نظامی را مورد اعتراض قرار داد.

۲۹ سفیرکبیر ترکیه به عنوان شیخ‌السفراء طی نامه‌ای خطاب به سردارسپه رئیس‌الوزراء از طرف خود و سایر سفارتخانه‌ها از واقعهٔ قتل ماژور ایمبری اظهار تأسف و ابراز انزجار نمود و درخواست کرد سریعاً مسببین شناسایی و مجازات شوند.



میرزاده عشقی شاعر انقلابی و مدیر روزنامه قرن بیستم و مخالف رضا خان

۳۰ در جلسه هیئت وزیران نامه اعتراض‌آمیز شیخ‌السفراء مورد بحث قرار گرفته و پاسخ لازم در اجرای خواسته‌های کور دیپلماتیک تهیه و به امضای وزیر خارجه صادر شد.

مرداد ماه

۲ قنسول و شارژدافر امریکا امروز در وزارت خارجه حضور یافته با ذکاءالملک فروغی وزیر خارجه مذاکره نمود. در این جلسه قنسول تقاضای شصت هزار دلار خون بهاء برای وراث ایمبری نمود. همچنین درخواست کرد دولت ایران باید اجاره کشتی جنگی امریکا را که بالغ بر صدهزار دلار می‌باشد بپردازد. این کشتی جنازه ایمبری را به امریکا حمل خواهد کرد. ذکاءالملک با هر دو پیشنهاد قنسول امریکا موافقت نمود. دولت امریکا بعداً از دریافت خون‌بهاء به طور مستقیم صرفنظر کرد و قرار بر این شد که این وجه در یکی از بانکهای امریکا به عنوان امانت ضبط شود و از سود حاصله همه‌ساله سه دانشجوی ایرانی در آمریکا تحصیل نمایند.



سرتیپ جان محمد خان امیر علائی ــ سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه

۷ اقلیت مجلس سردارسپه رئیس‌الوزراء را به سه علت استیضاح کردند: ۱ــ سوءسیاست نسبت به داخله و خارجه. ۲ــ قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس. ۳ــ تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.

امضاءکنندگان استیضاح عبارتند از: عراقی، کازرونی، مدرس، اخگر، ملک‌الشعراء، سیدحسین زعیم.

مدرس در بیان استیضاح متذکر شد که در مورد وزیر جنگی سردارسپه حرفی ندارم طرفدار بوده و خواهم بود.

۸ مطبوعات طرفدار دولت اقلیت مجلس را به باد انتقاد گرفتند و استیضاح را به افتضاح تعبیر کردند.

۱۷ سه تن از وکلای اقلیت به نام سیدحسن مدرس، عراقی و حائری‌زاده سحرگاه امروز مورد ضرب و شتم عده‌ای قرار گرفتند.

۱۷ در جلسه مجلس شورای ملی استیضاح مدرس و سایر اعضاء اقلیت مطرح شد. از امضاءکنندگان استیضاح فقط ملک‌الشعراء در جلسه حاضر بود. وی کلیاتی از توقیف افراد و روزنامه‌ها توسط حکومت نظامی بیان کرد و گفت چون تأمینی نداریم اقلیت در جلسه حاضر نشده‌اند و به این ترتیب موضوع استیضاح مسکوت ماند.

۱۷ سردارسپه از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد و به اتفاق آراء به او رأی اعتماد داده شد.

۱۷ وزیران کابینه به هیئت اجتماع استعفا دادند.

شهریور ماه

۷ سردارسپه اعضای هیئت وزیران را به این شرح به ولیعهد معرفی کرد:

سردارسپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ ــ ذکاءالملک وزیر مالیه ــ مشارالملک وزیر خارجه ــ امیر اقتدار وزیر داخله ــ ادیب‌السلطنه وزیر عدلیه ــ سردار اسعد وزیر پست و تلگراف ــ سردار معظم خراسانی وزیر فوائد عامه ــ مشارالدوله کفیل وزارت معارف.

مهر ماه

۳ میرزا حسین خان صبا مدیر روزنامه ستاره جهان به مرض سکته درگذشت. تمام جراید تعطیل عمومی کردند.

۳ سیدمحمد صادق طباطبائی به سمت سفیرکبیر ایران در ترکیه تعیین شد.

آبان ماه

۱۳ سردارسپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ از طریق قم ــ اصفهان ــ شیراز عازم خوزستان شد.

همراهان سردارسپه عبارتند از امیرلشکر خدایار خان ــ امیرلشکر سردار رفعت نقدی ــ امیرلشکر محمودخان امیر اقتدار ــ سرتیپ عبدالرضاخان ــ سرتیپ جان محمدخان ــ سردار اسعد وزیر پست و تلگراف ــ قائم‌مقام‌الملک رفیع ــ دبیر اعظم بهرامی ــ سرهنگ ساعدالدوله و سلطان معتمدالدوله.

۱۳ در غیاب سردارسپه ذکاءالملک وزیر مالیه عهده‌دار کفالت دولت شد.

۱۳ یک تیپ مختلط به فرماندهی سرتیپ فضل‌الله خان از

فارس به سمت خوزستان حرکت نمود.

۱۸ قسمتی از قوای اصفهان با فوج نادری اعزامی از تهران به فرماندهی سرتیپ محمدحسین میرزا از اصفهان به سوی بهبهان حرکت کرد.

۲۲ شیخ خزعل طی تلگرافی که به سردارسپه مخابره کرد از گذشته خود اظهار ندامت کرده و استدعای عفو نمود.

۲۳ سردارسپه طی تلگرافی در پاسخ خزعل اشعار داشت: «معذرت و ندامت شما را می‌پذیرم به شرط تسلیم قطعی».

۲۴ سردارسپه وهمراهان‌شیراز را به قصد بوشهر ترک نمودند. امیرلشکر محمودخان فرمانده لشکر جنوب و قوام‌الملک شیرازی نیز همراه سردار سپه هستند.

آذر ماه

۱۳ سردارسپه و همراهان در میان نیروهای مسلح شیخ خزعل وارد اهواز شدند.

۱۳ سردارسپه در قصر شیخ خزعل منزل گزید.

۱۳ شیخ خزعل وارد اهواز شد و در کشتی سکونت نمود.

۱۳ سردار اجل پسر شیخ خزعل و هشت نفر از رؤسای عشایر و جمع کثیری از مردم از سردارسپه استقبال کردند.

۱۳ تیپ لرستان به فرماندهی سرتیپ ابوالحسن خان که به خوزستان عزیمت نموده بود به خرم‌آباد بازگشت.

۱۳ سرتیپ محمدحسین میرزا رئیس ستاد نیروی جنوب مأمور خلع‌سلاح عشایر خوزستان شد.

۱٤ شیخ خزعل به ملاقات سردارسپه رفت و مورد عفو قرار گرفت.

۱٤ سرتیپ فضل‌الله خان به حکمرانی نظامی خوزستان تعیین شد.

۱٤ سرهنگ اعتمادمقدم حاکم نظامی دزفول شد.

۱٤ خلع‌سلاح عشایر در مناطق مختلفه خوزستان آغاز گردید.

۱۵ به دنبال مرگ حسین صبا (کمال‌السلطان) مدیر روزنامه ستاره ایران امتیاز روزنامه مزبور بنام میرزا یوسف خان اعتصام‌زاده صادر شد.

۱۷ بین دولتین ایران و لهستان روابط سیاسی برقرار گردید.

۱۷ اسدالله اسدبهادر وزیر مختار ایران در لهستان شد.

۱۹ دو نفر از کسانی که در قتل ماژور ایمبری ویس کنسول آمریکا دست داشتند اعدام شدند.

۲۱ در جلسه سرّی مجلس تلگراف خزعل مبنی بر اینکه وی را مفسدین تحریک نموده بودند و اکنون مورد عفو و اغماض سردارسپه قرار گرفته است قرائت گردید.

۲٤ سردارسپه پس از تسلیم خزعل اهواز را به قصد زیارت نجف و کربلا ترک کرد.

دی ماه

۱۱ سردارسپه رئیس‌الوزراء که پس از فیصله دادن کار خوزستان برای زیارت اعتاب مقدسه به کربلا و نجف رفته بود وارد تهران شد. در مسیر سردارسپه طاق نصرت‌های زیادی بر پا شده بود و نظامیان و مردم از او استقبال کردند.

۲۸ به دستور سردارسپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ، امیرلشکر امیراقتدار وزیر داخله توقیف و روانه زندان شد.

اتهام وی ظاهراً همکاری با سردار معزز بجنوردی برای بازگرداندن احمدشاه بوده است.

بهمن ماه

۲۶ در جلسه مجلس شورای ملی فرماندهی کل قوا از احمدشاه سلب و به رضاخان سردارسپه واگذار گردید.

طرح قانونی که به تصویب مجلس رسید به این شرح است:

«ریاست عالیه کل قوای دفاعیه و تأمینه مملکتی را مخصوص آقای رضاخان سردارسپه دانسته که با اختیارات تامه در حدود قانون اساسی و قوانین مملکتی انجام وظیفه نماید و سمت مزبور بدون تصویب مجلس شورای ملی از ایشان سلب نتواند شد»

اسفند ماه

٤ در جلسه مجلس شورای ملی طرح اقلیت مبنی بر دعوت احمدشاه برای بازگشت به ایران مورد تصویب واقع نشد.

٤ سیدحسن مدرس با لایحه نظام اجباری در مجلس به مخالفت برخاست.

سال ۱۳۰٤ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۲۵ تا ۲۲ مارس ۱۹۲۶ میلادی

فروردین ماه

۱۱ قانون اصلاح تقویم از مجلس شورای ملی گذشت. به موجب این قانون ادارات دولتی ــ بنگاهها ــ مؤسسات اداری و اقتصادی و تجّار و کسبه موظف شدند به جای ماه‌های حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت ماههای جدید را به این شرح: فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن، اسفند استعمال نمایند. شش ماه اول سی و یک روز، پنج ماه دوم سی روز، ماه آخر ۲۹ روز و در سالهای کبیسه ۳۰ روز شد.

۱۲ امیرلشکر احمدآقاخان امیرلشکر غرب بجای امیرلشکر سردار رفعت نقدی به ریاست تشکیلات امنیه کل مملکتی برقرار شد.

اردیبهشت ماه

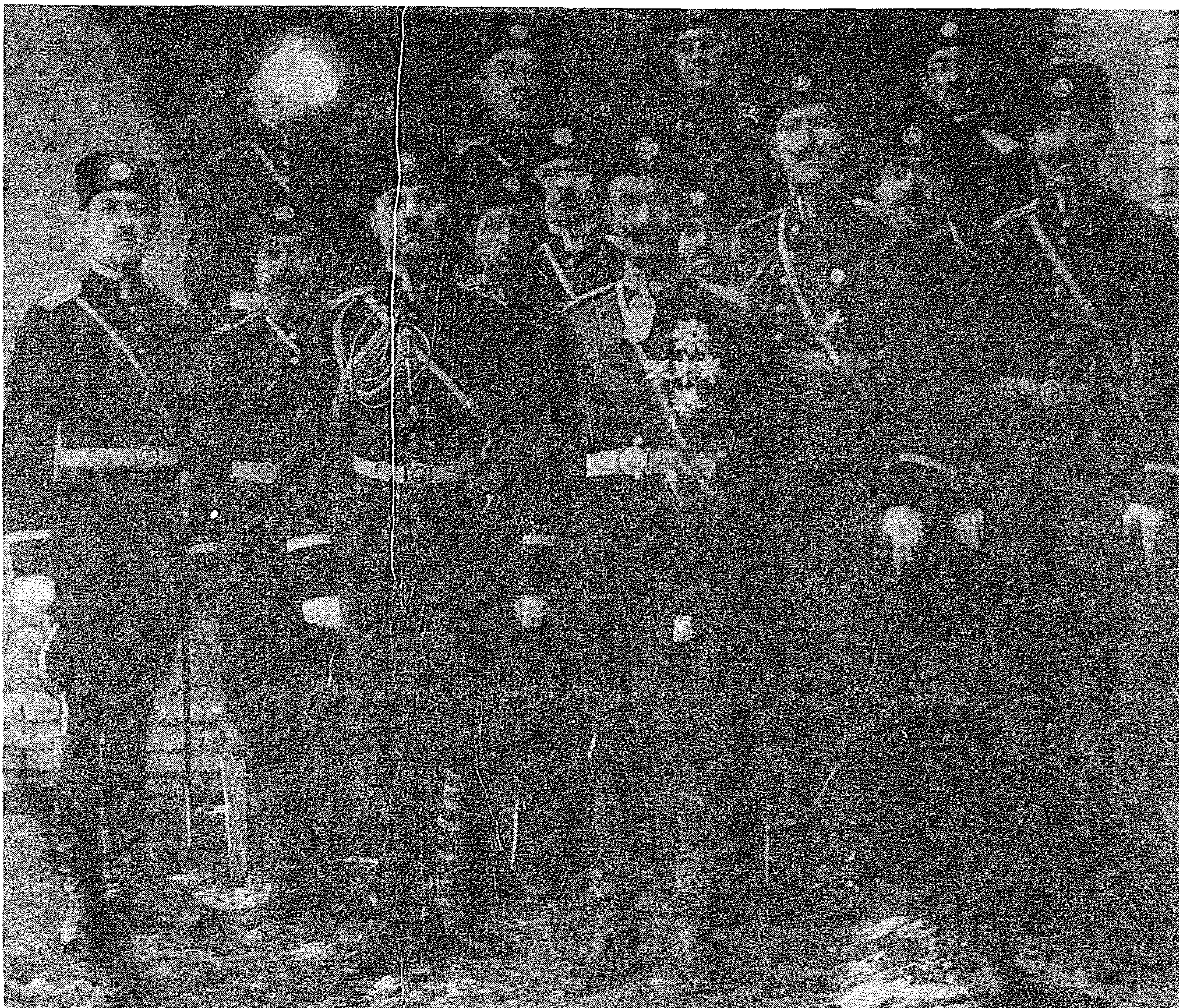
۱ اولین بانک ایرانی از کسور بازنشستگی صاحب‌منصبان بنام بانک پهلوی تشکیل شد. ریاست بانک به عهده سرهنگ رضاقلی خان خزانه‌دار کل قشون محول گردید.[1]

۲ شیخ خزعل و دو پسرش توسط سرتیپ فضل‌الله خان فرمانده قوای خوزستان و حاکم نظامی در حین طرب و خوشگذرانی در کشتی بازداشت و به تهران اعزام شدند.

۱۱ سردار سپه رئیس‌الوزراء و فرمانده کل قوا در منزل مدرس حضور یافته پیرامون قانون نظام وظیفه به گفتگو پرداختند. مدرس قبول کرد که قانون مزبور را از تصویب مجلس شورای ملی بگذراند.

۱۵ قانون نسخ القاب و درجات نظامی سابق از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و افراد ایرانی مکلّف شدند دارای نام و نام خانوادگی باشند.

۱ ــ سرهنگ رضاقلی خان همان سرتیپ رضاقلی امیرخسروی است که پس از اخراج آلمانی ها از بانک ملی به ریاست آن بانک منصوب گردید و قریب شش سال در رأس آن مؤسسه اقتصادی قرار داشت و نسبت به توسعه و پیشرفت آنجا زحماتی متحمل گردید. در سال ۱۳۱۸ در کابینه دکتر احمد متین دفتری وزیر دارائی شد و این سمت را در کابینه منصورالملک نیز عهده دار بود تا اینکه در اوایل سال ۱۳۱۹ مورد غضب و تشدد رضاشاه قرار گرفت و از وزارت منعزل شد. امیر خسروی بعداً به کار دولتی دعوت نشد وغالباً در بخش خصوصی امرار معاش می‌کرد. سرتیپ امیرخسروی از هم‌قدمان رضاشاه بود و در دوران سلطنت وی تقرب خاصی داشت. بیوگرافی مختصر او را ابراهیم خواجه‌نوری در بازیگران عصر طلائی آورده است وفات او در سال ۱۳۳۸ شمسی در تهران اتفاق افتاد.



سرلشگر احمد امیر احمدی رئیس ژاندارمری و اعضاء ستاد وی

خرداد ماه

۱ قانون انحصار قند و شکر به تصویب مجلس شورای ملی رسید و از آن پس عوائدی که از این راه عاید به خزانه دولت می شود صرف ساختن راه‌آهن ایران خواهد گردید.

۱۶ قانون خدمت نظام اجباری مشتمل بر سی و شش ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب ماده اول آن کلیه اتباع ذکور ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و ایلات و متوقفین در خارج از ایران از اول سن بیست و یکسالگی مکلّف به خدمت سَربازی می‌باشند. مدت خدمت دو سال خواهد بود.

۱۸ سردارسپه رئیس‌الوزراء و فرمانده کل قوا عازم آذربایجان شد. همراهان سردار سپه در این سفر عبارتند از: امیرلشکر سردار رفعت نقدی، امیرلشکر خدایار خان، امیرلشکر محمودآقا امیر اقتدار، امیرلشکر احمدآقا امیراحمدی، قائم‌مقام‌الملک رشتی و فرج‌الله بهرامی دبیر اعظم.

۱۹ سردارسپه و همراهان وارد تبریز شدند.

۲۰ سردار سپه و همراهان وارد آستارا شدند. سمیتقو یاغی معروف به اتفاق هشتصد نفر فدائی مسلّح از سردار سپه استقبال

کردند. بین سردار سپه و سمیتغو مذاکراتی صورت گرفت.[۱]

۲۲ سرلشکر امیرطهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان از فرماندهی معزول و همراه سردارسپه به تهران وارد شد.

۲۲ سرتیپ محمدحسین آیرم فرمانده تیپ مستقل شمال به فرماندهی لشکر آذربایجان منصوب گردید.

تیر ماه

۱۳ امتیاز روزنامه ستاره صبح به جای روزنامه ناهید به مدیری مقدس‌زاده و سردبیری ناهید صادر و انتشار یافت.

۳۱ سردار معزّز بجنوردی به اتفاق دو برادرش و چهار نفر از رؤسای طوایف بجنورد در مشهد اعدام شدند. اعدام این افراد توسط سرتیپ جان محمدخان فرمانده لشکر شرق انجام گرفت. خزائن و جواهرات سردار از طرف جان محمدخان ضبط شد.

مرداد ماه

۳ چهارصد نفر عرب مسلّح به بندر محمره حمله‌ور شدند و بین آنان و نظامیان جنگ درگرفت. اعراب بازار را غارت کردند. این حمله بر اثر اخبار غیرموثق مبنی بر قتل شیخ خزعل در تهران بوده است.

۶ نظامیان ایران به کاخ شیخ خزعل در محمره حمله‌ور شدند و جنگ شدیدی بین قوای نظامی و اعراب درگرفت. در این زد و خورد صد عرب و شش نظامی به قتل رسیدند.

۱۸ سردارسپه کابینه را ترمیم کرد و دو تن از دوستان مدرس را به توصیه او وارد دولت نمود. در این ترمیم شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله به وزارت مالیه و شکرالله خان قوام‌الدوله به وزارت داخله منصوب شدند.[۲]

۱۸ امیرلشکر عبدالله خان طهماسبی حاکم نظامی تهران به معاونت وزارت جنگ منصوب شد.

۲۰ حاج شیخ عبدالنبی نوری یکی از مجتهدین مسلّم و مرجع تقلید در سن نود و دو سالگی در نیاوران شمیران درگذشت.

۲۱ جنازه حاج شیخ عبدالنبی با شکوه فراوان تشییع شد. بازار تهران و اصناف تعطیل نموده به عزاداری پرداختند.

۲۲ مجلس ختم شیخ عبدالنبی در تمام مساجد تهران برگزار شد. محمدحسن میرزا ولیعهد و سردار سپه فرمانده کل قوا و رئیس‌الوزراء در مجلس ختم شرکت کردند.



شکرالله قوام صدری (معتمد خاقان ــ قوام‌الدوله)

۱ ــ درباره ملاقات سردار سپه و سمیتقو یاغی کُرد در آستارا حاج آقارضا رفیع از همراهان شرح جالبی نوشته است که در بخش ضمائم و تعلیقات درج شده است.

۲ ــ شاهزاده نصرت‌الدوله فیروز و میرزاشکرالله‌خان **قوام‌الدوله** صدری از دوستان و نزدیکان سیدحسن مدرّس بودند و عضویت آن دو در کابینه سردار سپه بنابخواسته مدرّس انجام گرفت.

در آن ایام روابط مدرس و سردار سپه روابط حسنه‌ای بود و به کمک وی لایحه نظام **اجباری** در مجلس به تصویب رسید و از این لحاظ سردار سپه سعی داشت به نحوی از انحاء از مدرس دلجوئی کند. سردار سپه با این عمل خود در حقیقت دو وزارتخانه را در اختیار مدرس گذاشت بطوریکه **نصرت‌الدوله** و **قوام الدوله** بدون اجازه مدرّس هیچ کاری انجام نمی دادند، البته این انتصابات موجب شد در مجلس سروصدای زیادی بشود از جمله سلیمان محسن سردار سپه را مورد **استیضاح** قرار داد.

شهریور ماه

۷ سیدمحمدرضا مساوات نماینده ادوار مختلف مجلس و مدیر روزنامه مساوات که از مشروطه‌خواهان تندرو بود درگذشت.

۱۵ درنتیجهٔ جنگی که بین طایفه وهابی‌ها و صاحب‌الاحساء و حسین شریف مکه و مدینه روی داد برخی از شهرها از جمله مکّه و مدینه بمباران گردید و بعضی از مقابر و مساجد ویران شد.

به دستور سردارسپه در ایران عزای عمومی اعلام شد و ادارات و اصناف تعطیل شد.

۱۶ به دستور سردارسپه ولاة و حکّام موظف شدند بر اساس نظریه علمای اعلام برای واقعه مکه و مدینه سوگواری و عزاداری نمایند.

۲۲ احمدشاه از اروپا تلگراف زیر را به سردارسپه مخابره کرد:

«جناب اشرف رئیس‌الوزراء بعون‌الله تعالی دوّم اکتبر (۱۳ ربیع‌الاول) با کشتی تلنار از پاریس از راه بمبئی به ایران حرکت می‌کنیم. از مراجعت به وطن عزیز نهایت مسرّت حاصل و خوشوقتیم که آن جناب اشرف را به زودی ملاقات خواهیم نمود. شاه».

۲۷ سردار سپه در پاسخ احمدشاه تلگراف زیر را مخابره کرد:

«تلگراف مبارک که مبشّر تشریف‌فرمائی اعلیحضرت همایونی بود زیارت. حقیقتاً باعث کمال مسرّت گردید. استدعا دارم معلوم فرمایند موکب ملوکانه از کدامیک از بنادر سرحدی نزول اجلال خواهند فرمود. رضا رئیس عالی کل قوا».

مهر ماه

۱ به مناسب کمبود نان و ارزاق عمومی بازار تهران تعطیل و کسبه و مغازه‌داران دست از کار کشیدند.

۱ جمعیت زیادی از زنان تهران به میدان بهارستان و سرچشمه و اطراف مجلس رفته دست به تظاهراتی زدند و از مجلس خواستند نان و ارزاق عمومی را در دسترس مردم قرار دهند.

۱ عده‌ای از نمایندگان مجلس در اجتماع زنان به سخنرانی پرداخته و همه‌گونه وعده مساعد دادند، ولی زنان قانع نشده آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. میرزا حسن خان مشیرالدوله یکی از آنها بود.

۲ مردم تهران در منزل علماء گرد آمده درباره کمبود نان و ارزاق عمومی چاره‌جوئی کردند.

۳ میرزا محمدعلی معروف به حاجی سیاح که در عمر طولانی خود به نیمی از جهان سفر کرده بود درگذشت.

از حاجی سیاح دو کتاب باقی ماند که بعدها توسط حمید سیاح یکی از فرزندانش چاپ شد. آن دو کتاب عبارتند از خاطرات حاج سیاح و سفرنامه حاجی سیاح.

۴ از طرف مردم در میدان بهارستان تظاهرات دامنه‌داری انجام گرفت و مردم قصد ورود به مجلس را داشتند.

۴ مؤتمن‌الملک، رئیس مجلس از سردارسپه فرمانده کل قوا کمک فوری خواست.

۴ عده زیادی از نظامیان با مسلسل مجلس را احاطه کردند و شروع به تیراندازی نمودند. عده‌ای مقتول و دسته‌ای مجروح شدند.

۵ به دستور سردارسپه امیرلشکر عبدالله خان امیر طهماسبی حاکم نظامی تهران عده زیادی را به علت اختلال در نظم عمومی توقیف کرد.

۵ حاکم نظامی تهران عده‌ای از درباریان و اطرافیان محمدحسن میرزا ولیعهد را بازداشت کرد. سردارسپه مخالفین خود را به شدت سرکوب نمود.

۱۵ انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی انجام گرفت. درنتیجه مؤتمن‌الملک به ریاست و سید محمد تدین نایب رئیس اول و سید المحققین دیبا نایب رئیس دوم شدند.

۱۵ مؤتمن‌الملک از قبول ریاست مجلس خودداری نمود و استعفا داد.

۱۹ در جلسه مجلس شورای ملی مجدداً برای انتخاب رئیس رأی‌گیری شد. نمایندگان دوباره به ریاست مؤتمن‌الملک رأی دادند.



سرلشگر عبدالله امیر طهماسبی

۲۱ مؤتمن‌الملک مجدداً از ریاست مجلس استعفا نمود.

۲۱ کمیسیون بودجه مجلس مبلغ چهار هزار و پانصد تومان به حقوق محمدحسن میرزا ولیعهد افزود. از این تاریخ دریافتی وی در ماه چهارده هزار و پانصد تومان خواهد بود.

۲۸ در تبریز تظاهرات علیه قاجاریه اوج گرفت. مردم در تلگرافخانه حضور یافته و ده نفر از نمایندگان را برای مخابره حضوری خواستند. پس از حضور نمایندگان در تلگرافخانه مردم آذربایجان عزل احمدشاه و سلطنت سردارسپه را خواستار شدند. تدین در پاسخ مردم تبریز اظهار کرد قریباً مجلس در این مورد اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

۲۸ تظاهرات علیه قاجاریه در تمام شهرهای ایران آغاز شد و صدها تلگراف به مجلس و مطبوعات مخابره گردید.

۲۸ در بیشتر شهرهای ایران تعطیل عمومی شد و مردم علیه قاجاریه به تظاهرات پرداختند.

۲۸ در جلسه مجلس شورای ملی برای انتخاب رئیس رأی گیری شد. ۶۲ نفر از نمایندگان به ریاست مستوفی‌الممالک رأی دادند.

۳۰ مستوفی‌الممالک ریاست مجلس را نپذیرفت و استعفا داد.

۳۰ تظاهرات در تهران علیه قاجاریه همه‌جانبه شد. لشکری و کشوری خواستار خلع قاجاریه شدند.

آبان ماه

۵ در تهران برای خلع قاجاریه تظاهرات شدیدی صورت گرفت. عده زیادی در مدرسه نظام چادر زده به ایراد سخنرانی پرداختند و به فوریت خواستار خلع احمدشاه شدند. حاج رحیم‌آقا قزوینی از نظر مالی این افراد را اداره می‌کرد و به آنها ناهار و شام مجانی داده می‌شد.

۷ واعظ قزوینی مدیر روزنامه نصیحت که برای مشاهده جلسه علنی مجلس شورای ملی به عمارت بهارستان رفته بود به علت تشابه صوری با ملک‌الشعراء به ضرب چند گلوله به قتل رسید.[۱]

۹ از سحرگاه امروز کاخ گلستان مقر محمدحسن میرزا ولیعهد و سایر قصور سلطنتی از طرف نظامیان محاصره شد و رفت و آمد در آن ممنوع و سیم‌های تلفن قطع گردید.

۹ جلسه مجلس شورای ملی به ریاست سید محمد تدین نایب رئیس اول تشکیل شد و طرحی که به صورت ماده واحده از طرف نمایندگان تهیه و امضاء شده بود به این شرح قرائت گردید:

«مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت ایران، انقراض سلسله قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید. تعیین حکومت قطعی موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.»

۹ فوریت اول و دوّم طرح فی‌المجلس تصویب شد. به ترتیب مدرس، تقی‌زاده، علاء، مصدق و حاج میرزا یحیی

۱ ــ واعظ کیوان قزوینی از وعاظ و منبریهای قزوین بود. مقدمات عربی و قسمتی از سطح را خوانده بود. روحی حساس و آزادیخواه داشت. با برادران الموتی حشر و نشر زیادی پیدا کرد و با همت و مساعدت آنها روزنامه نصیحت را در قزوین دائر نمود. روزنامه وی بوی کمونیستی می داد مدرسه‌ای نیز بنام مدرسه اسلام در قزوین بنیاد نهاد. گرچه در کسوت روحانیت قرار داشت ولی زیاد پای‌بند شریعت نبود و در محافل و مجالس از سرمایه‌داری انتقاد می نمود. روزیکه ترور شد سنش از سی سال تجاوز نمی کرد.

دولت‌آبادی در مخالفت با طرح سخن گفتند. داور و یاسائی به مخالفین پاسخ دادند.

۹ مصدق در نطق مشروح و مفصل خود با سلطنت رضاخان مخالفت کرد و استدلال کرد این کار به صلاح ملت ایران نیست.

۹ سرانجام ماده واحده به اکثریت ۸۰ رأی از ۸۵ نفر عده حاضر تصویب شد. به این ترتیب سلسله قاجاریه پس از ۱۵۳ سال سلطنت در ایران منقرض گردید.

۹ عنوان رضاخان پهلوی رئیس حکومت موقتی (والاحضرت اقدس) تعیین شد.

۹ مقارن ظهر پس از تصویب ماده واحده خلع قاجاریه ۱۲ توپ در تهران شلیک شد.

۹ هیئت رئیسه مجلس شورای ملی تصمیم مجلس دائر بر خلع قاجاریه و تفویض حکومت موقت را به رضاخان پهلوی ابلاغ کردند و استدعا نمودند عفو عمومی و آزادی زندانیان را اعلام نمایند.

۹ میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک وزیر مالیه از طرف رضاخان پهلوی به کفالت رئیس الوزرائی منصوب شد.

۹ امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی حاکم نظامی تهران، سرتیپ مرتضی خان فرمانده لشکر مرکز، سرهنگ درگاهی رئیس نظمیه، سرهنگ بوذرجمهری کفیل بلدیه تهران و رئیس نقلیه قشون مأمور تحویل گرفتن قصور سلطنتی و دربار و اخراج محمدحسن میرزا شدند.[۱]

۹ وزیر داخله طی تلگراف خلع قاجاریه و واگذاری



سید حسن مدرس



سید حسن تقی‌زاده

۱ ــ امیر لشگر عبدالله خان امیر طهماسبی که قبل از **کودتا** در قزاقخانه درجه امیرتومانی داشت و ریاست گارد محافظ سلطان احمدشاه با او بود پس از کودتا به سردار سپه نزدیک شد و در ترتیبات جدید قشون درجه امیرلشگری گرفت. چندی فرماندهی لشکر آذربایجان با او بود در این مأموریت با حیله و نیرنگ اقبال السلطنه ماکوئی را که از مرزداران اصیل ایران بود دستگیر و در زندان از بین برد و **ذخائر** و گنجینه جواهرات پرقیمت او را به تهران فرستاد پس از این مأموریت به معاونت وزارت جنگ و حکومت نظامی تهران رسید بعد از تغییر سلطنت ابتدا وزیر جنگ و بعد به وزارت فوائد عامه منصوب شد و سرانجام در همین سمت در لرستان به تیر غیب گرفتار آمد و کشته شد.

خاطرات امیرلشگر طهماسبی در بارهٔ چگونگی اخراج محمدحسن میرزا ولیعهد از ایران در بخش ضمائم و تعلیقات درج شده است.

حکومت موقتی را به رضاخان پهلوی به ولاة و حکام ابلاغ نمود.

۹ میرزا حسن مشارالملک وزیر امور خارجه خلع قاجاریه را به سفارتخانه ها اعلام نمود.

۹ سرهنگ کریم آقا رئیس بلدیه تمام کاخ های سلطنتی را مهر و موم کرد.

۹ زنان حرمسرای احمدشاه از دربار اخراج شدند.

۹ عده زیادی از درباریان و طرفداران قاجاریه از طرف سرهنگ درگاهی رئیس نظمیه توقیف شدند.

۹ ساعت ۹ بعدازظهر محمدحسن میرزا ولیعهد سابق با چند نفر مستحفظ مسلح از تهران در نهایت خفت و خواری به سمت مرز حرکت داده شد. برای مخارج وی پنج هزار تومان پرداخت گردید.

۱۱ رضاخان پهلوی رئیس حکومت موقت و رئیس عالی کل قوا اعلامیه‌ای انتشار داد و برنامه کار خود را بر دو اصل استوار نمود. ۱ ــ اجرای عملی احکام شرع مبین اسلام؛ ۲ ــ تهیه رفاه حال عموم

۱۱ فرمان آزادی تمام زندانیان سیاسی از طرف رضاخان پهلوی صادر شد.

۱۲ دستور انتخابات مجلس مؤسسان از طرف وزارت داخله صادر شد.

۱۲ به مناسبت انتخابات مجلس مؤسسان حکومت نظامی در تهران و شهرها موقوف گردید.

۱۳ وزیران مختار انگلیس، شوروی، آلمان، ایتالیا، بلژیک، مصر و لهستان حکومت موقتی رضاخان را به رسمیت شناختند و وزارت خارجه در این مورد اعلامیه‌ای صادر کرد.

۱۵ احمدشاه قاجار در پاریس اعلامیه‌ای صادر کرد و خلع خود را غیرقانونی دانست و عمل سردارسپه را متکی به اسلحه تلقی نمود. او رسماً اعلام کرد پادشاه قانونی و مشروطه ایران است و در انتظار مراجعت به مملکت است تا بتواند به خدمتگزاری مملکت ادامه دهد.

شاه سابق در مصاحبه خود افزود: من هنوز تمام حقوق خود و خاندان خویش را نسبت بتاج و تخت ایران که لطف پروردگار و بموجب قانون اساسی واجد آن بود دارا می‌باشم.



دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه)



محمد تقی بهار (ملک الشعراء)

آذر ماه

۱۵ انتخابات مجلس مؤسسان در سرتاسر ایران پایان یافت و نمایندگان در تهران حضور یافتند.

۱۵ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان پهلوی رئیس موقتی مملکت گشایش یافت.

۱۵ مستشارالدوله صادق به ریاست مجلس مؤسسان برگزیده شد.

۱۵ عدل‌الملک دادگر و سهام‌السلطان بیات نایب رئیس شدند.

۲۲ مجلس مؤسسان طی پنج جلسه اصول ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را تغییر داد. به موجب این اصلاح سلطنت دائمی ایران به رضاخان پهلوی و اعقاب وی واگذار گردید.

۲۳ میرزا حسن خان مشارالملک وزیر امور خارجه تصمیم مجلس مؤسسان را مبنی بر تفویض دائمی سلطنت ایران به رضاخان پهلوی و اعقاب ذکور وی به تمام سفارتخانه‌ها اعلام نمود.

۲۴ رضاشاه پهلوی پادشاه جدید ایران در مجلس شورای ملی حضور یافته طبق قانون اساسی مراسم تحلیف بجای آورد.

۲۵ رضاشاه بر تخت مرمر جلوس نموده پادشاهی خود را اعلام کرد.

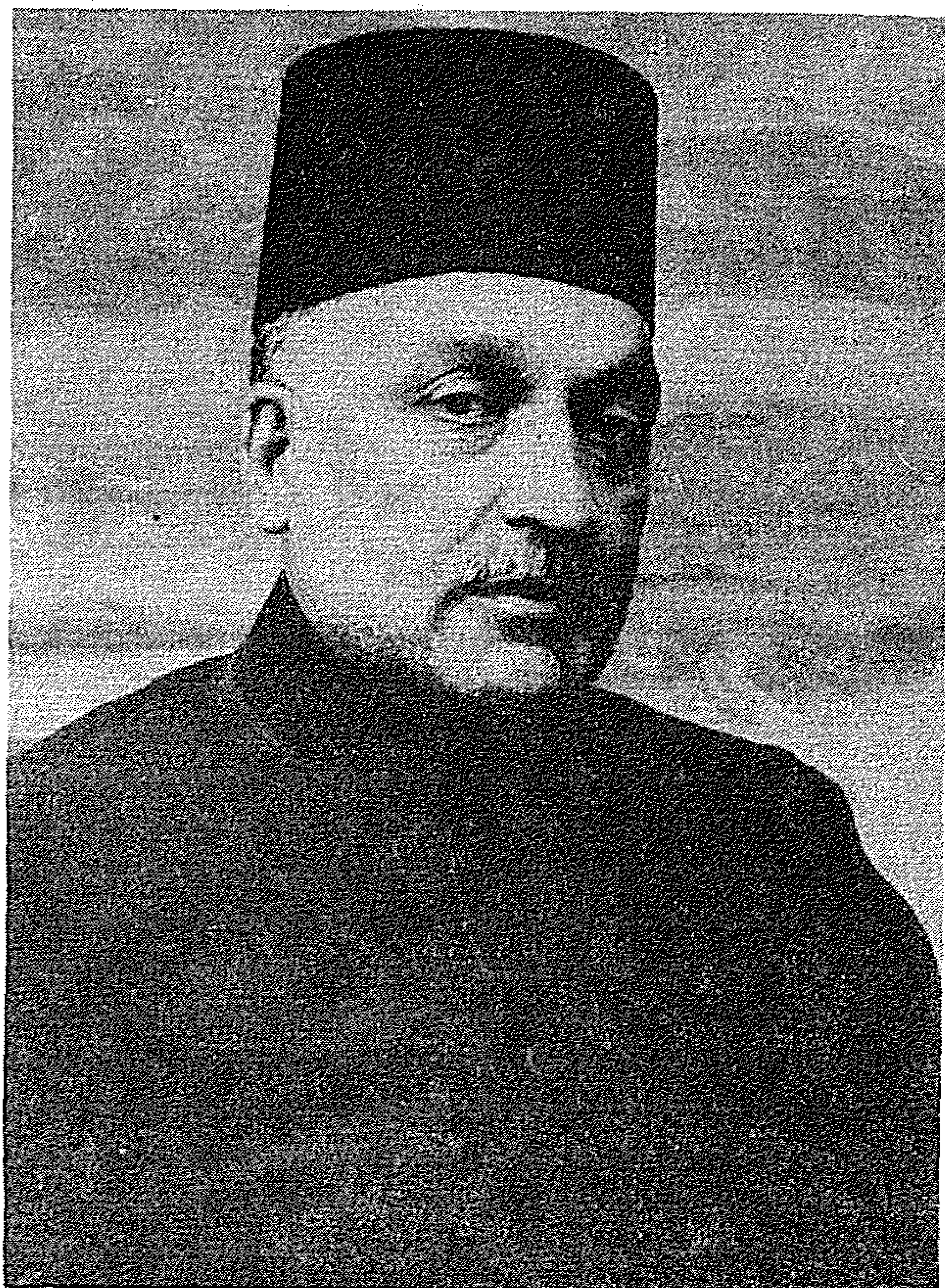
۲۸ مجلس شورای ملی به رئیس‌الوزرائی میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک ابراز تمایل نمود و فرمان ریاست وزرائی وی از طرف رضاشاه صادر شد.

۲۸ سردار معظم خراسانی (عبدالحسین تیمورتاش) به وزارت دربار پهلوی برگزیده شد.

۲۸ میرزا فرج‌الله خان دبیر اعظم به ریاست دفتر مخصوص شاه انتخاب گردید.

۲۸ میرزا حسین خان عدل‌الملک، مرتضی قلی‌خان سهام‌السلطان، میرزا علی اکبر خان داور و میرزا فرج‌الله خان دبیر اعظم از نمایندگی مجلس شورای ملی استعفا دادند.

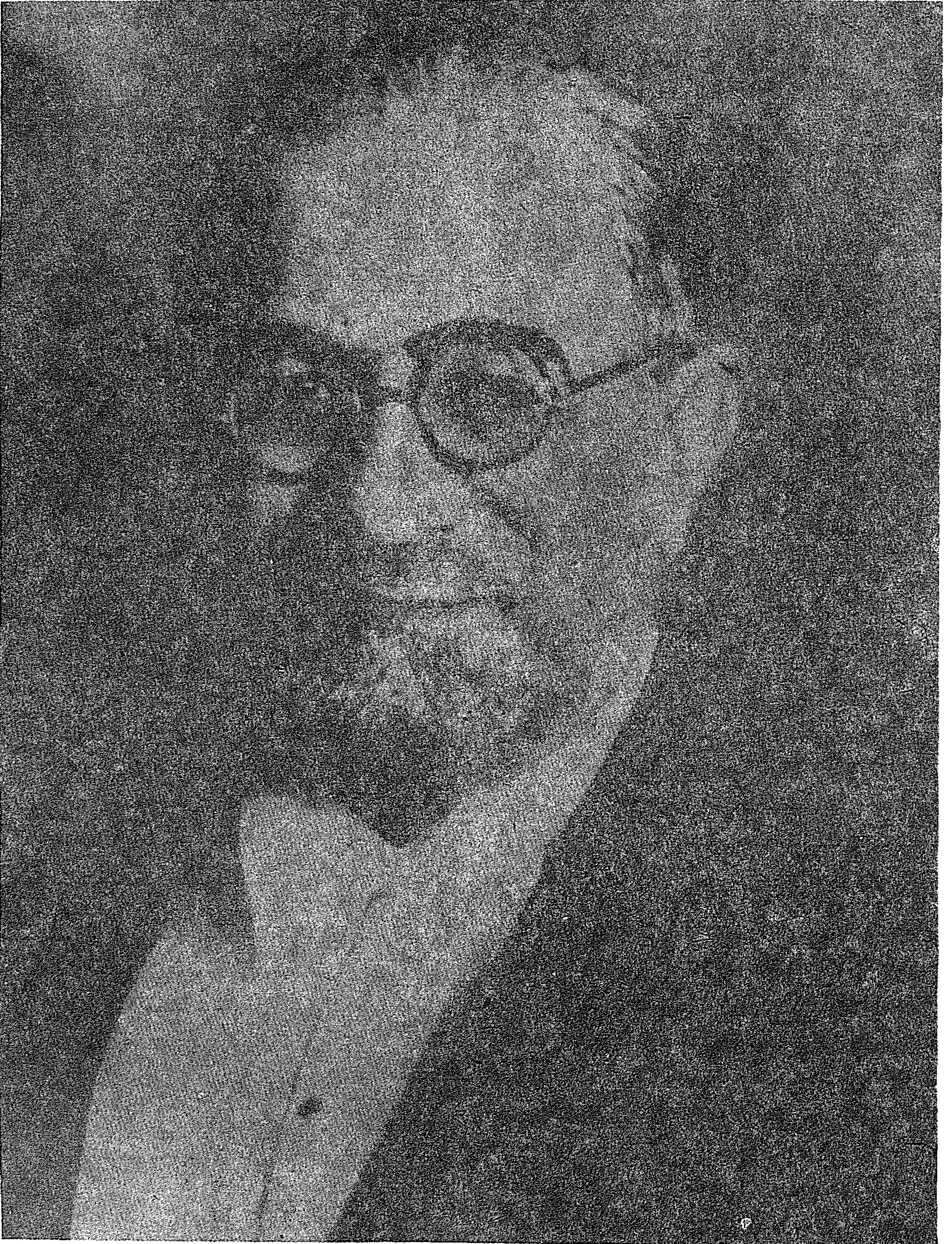
۲۹ محمدعلی خان فروغی (ذکاءالملک) وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:



سید محمد تدین رئیس مجلس شورای ملی در دوره پنجم و ششم



صادق صادق (مستشارالدوله) رئیس مجلس مؤسسان



ذکاء الملک فروغی

حسین دادگر (عدل الملک) وزیر داخله ــ حسن مشار (مشارالملک) وزیر خارجه ــ امیرلشکر عبدالله امیر طهماسبی وزیر جنگ ــ مرتضی قلی بیات وزیر مالیه ــ جعفرقلی اسعد (سردار اسعد) وزیر پست و تلگراف ــ علی اکبر داور وزیر فوائد عامه و تجارت ــ یوسف مشار (مشار اعظم) کفیل وزارت معارف ــ میرزا محمود جم (مدیرالملک) معاون رئیس الوزراء.

۲۹ سرتیپ مرتضی خان یزدان‌پناه به سمت ژنرال آجودان شاه تعیین شد.

۲۹ مجلل الدوله دولتشاهی و معاون الدوله غفاری به ریاست تشریفات داخلی و خارجی دربار پهلوی تعیین شدند.

دی ماه

۱۵ پروفسور ادوارد برون مستشرق و ایران‌شناس معروف و استاد زبان فارسی و عربی در دانشگاه کمبریج و صاحب تألیفات عدیده در زبان و فرهنگ و ادب فارسی در لندن درگذشت.

۲۶ به مناسبت درگذشت پروفسور ادوارد برون ایرانشناس معروف انگلیسی از طرف یوسف مشار کفیل وزارت فرهنگ مجلس ختمی برگزار شد. در این مراسم یوسف مشار، محمدهاشم میرزا افسر، سیدحسن تقی‌زاده و حاج میرزا یحیی دولت آبادی در اطراف اقدامات علمی و ادبی استاد دربارهٔ ایران سخن گفتند.

بهمن ماه

۸ فرمان ولایتعهدی محمدرضا پهلوی فرزند ارشد ذکور رضاشاه صادر شد. فرمان مزبور طی تشریفات خاص توسط وزیر دربار تسلیم هیئت دولت گردید.

۹ چراغعلی خان پهلوی‌نژاد (امیر اکرم) به پیشکاری ولیعهد منصوب شد.

۲۲ دوره پنجم مجلس شورای ملی بعدازظهر امروز خاتمه یافت.

۲۷ فرمان انتخابات دوره ششم مجلس از طرف رضاشاه صادر گردید. طی فرمان مزبور شاه از دولت خواست تا موجبات اجرای قانون ثبت املاک، قانون مدنی، قانون مرور زمان و قانون جزای عمومی را فراهم نماید.

۳۰ اعضای انجمن نظارت بر انتخابات به صورت دستجمعی استعفا کردند و به جای آنها اعضای جدیدی انتخاب شدند.



حاج میرزا یحیی دولت آبادی

اسفند ماه

۱۹ بر اثر مساعی علی اکبر خان داور وزیر فوائد عامه و تجارت، مدرسه تجارت تأسیس و شروع به کار کرد. ریاست مدرسه به عهده دکتر محمود افشار یزدی قرار گرفت.

۲۲ شاهزاده ایرج میرزا جلال الممالک شاعر خوش‌قریحه و بلندپایه ایران در تهران به بیماری سکته درگذشت و در جنب مقبره ظهیرالدوله در دربند به خاک سپرده شد. ایرج حین‌الفوت ۵۴ سال داشت.

۲۳ میرزا حسن خان وثوق‌الدوله که در سال ۱۲۹۹ پس از استعفا از رئیس‌الوزرائی به اروپا عزیمت نموده بود پس از شش سال و کسری توقف در خارجه به ایران بازگشت.

سال ۱۳۰۵ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۲۶ تا ۲۲ مارس ۱۹۲۷ میلادی

فروردین ماه

۲۵ قانون مجازات عمومی مصوبه کمیسیون پارلمانی عدلیه به موقع اجرا گذاشته شد.

۳۰ کمپانی واگن شهری مبلغ صد دینار به قیمت بلیط خود اضافه کرد. بر اثر حملات روزنامه‌ها به این افزایش قیمت و استقامت مردم تصمیم کمپانی عقیم ماند. جرائد ناهید و ایران در حمله به کمپانی پیشقدم بودند.

اردیبهشت ماه

۱ عهدنامه ودادیه و تأمینیه بین دولتین ایران و ترکیه در منزل محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) رئیس‌الوزراء در یازده فصل و به زبان‌های فارسی، ترکی، فرانسه امضا و مبادله شد.

۴ بعدازظهر امروز مراسم تاجگذاری رضاشاه با شرکت علماء، سفراء، هیئت قضائیه، صاحبمنصبان ارشد، اعیان، نمایندگان تجار و اصناف، کارمندان رتبه ۸ و ۹ و نمایندگان مطبوعات با لباس‌تمام‌رسمی (جبه ترمه) در کاخ گلستان انجام گرفت.

۴ به مناسبت تاجگذاری در تهران و شهرستانها سه روز و سه شب چراغانی شد.

۴ محمدعلی فروغی رئیس‌الوزراء و عبدالحسین تیمورتاش به مناسبت حسن خدمت نشان درجه اول تاج دریافت کردند.

۴ امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی وزیر جنگ، امیرلشکر محمود آیرم امیرلشکر جنوب، سرتیپ محمدحسین آیرم فرمانده لشکر آذربایجان، سرتیپ محمدخان (شاه‌بختی) فرمانده لشکر غرب، سرتیپ جان‌محمد خان فرمانده لشکر شرق و سرتیپ فضل‌الله خان (زاهدی) فرمانده تیپ شمال به واسطه حسن خدمت به ژنرال آجودانی شاه منصوب شدند.

۴ در روز تاجگذاری به تمام مدعوین مدال تاجگذاری اعطاء شد.

۴ محمدعلی فروغی رئیس‌الوزراء و حسن اسفندیاری محتشم‌السلطنه خطابه‌های تملق‌آمیزی ایراد کردند.[۱]

۶ تلگراف بی‌سیم مرکزی در قصر قاجار افتتاح شد و اولین تلگراف به تمام ایستگاههای بی‌سیم دنیا مخابره گردید. اولین دستگاهی که پاسخ داد بی‌سیم مسکو بود که شرحی مبنی بر تبریک مخابره نمود.

۱ ــ برای اطلاع کامل از جریان تاجگذاری رضاشاه به جلد سوم تاریخ بیست ساله تألیف حسین مکّی مراجعه شود.

۱۰ هواپیماهای ایران در آسمان تهران ظاهر شده نمایش دادند.

خرداد ماه

۶ آقاشیخ عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری از ادباء و شعراء نامی و از مدرسین برجسته حوزه علمیه مشهد درگذشت.

۱۵ محمدعلی فروغی از مقام ریاست وزرائی استعفا داد و هنگام ترک مقر خویش اسناد و مدارک و مهر نخست‌وزیری را به محمود جم معاون رئیس‌الوزراء داد.

۱۶ حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک) به ریاست وزراء انتخاب گردید.

۲۲ حسن مستوفی وزیران خود را به این شرح به رضاشاه معرفی نمود:

حسن وثوق (وثوق‌الدوله) وزیر مالیه ــ محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) وزیر جنگ ــ مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) وزیر فوائد عامه و تجارت ــ احمد بدر (نصیرالدوله) وزیر معارف ــ احمد اتابکی (مشیراعظم) وزیر پست و تلگراف ــ علی منصور (منصورالملک) کفیل وزارت داخله ــ مصطفی عدل (منصور السلطنه) کفیل وزارت عدلیه ــ محمود جم (مدیرالملک) معاون ریاست وزراء ــ سیدحسن تقی‌زاده وزیر خارجه.

۲۳ سیدحسن تقی‌زاده از وزارت خارجه استعفا داد.

۲۳ علیقلی انصاری (مشاورالممالک) سفیر کبیر ایران در شوروی به وزارت خارجه معرفی شد و از مسکو احضار گردید.

۲۳ جریده ایران مصور منتشر گردید.

۲۵ سیدحسن تقی‌زاده به ریاست غرفه ایران در نمایشگاه فیلادلفی انتخاب گردید. دولت مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان برای مخارج غرفه اعتبار داد.

تیر ماه

۱ قرائت آراء انتخابات تهران تحت ریاست حسن پیرنیا (مشیرالدوله) خاتمه یافت و افراد زیر از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند:



علی قلی انصاری (مشاورالممالک)

۱ ــ حسن پیرنیا ۲ ــ حسین پیرنیا ۳ ــ دکتر محمد مصدق ٤ ــ سیدحسن مدرس ۵ ــ محمدتقی بهار ۶ ــ سیداحمد بهبهانی ۷ ــ میرزا هاشم آشتیانی ۸ ــ حسن وثوق ۹ ــ شیخ العراقین بیات ۱۰ ــ فیروزآبادی ۱۱ ــ احتشام‌زاده ۱۲ ــ حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک).

۲ سربازان و درجه‌داران فوج سلماس به علت نرسیدن حقوق طغیان و شورش نمودند و سرهنگ یوسف خان ارفعی فرمانده خود را قطعه‌قطعه کردند و پس از غارت پادگان و اسلحه‌خانه به سمت خوی متواری شدند.

۲ پادگان مراوتپه به فرماندهی سلطان جهانگیرخان سالارجنگ معروف به «لهاک‌خان» سر به طغیان و عصیان و شورش برداشتند. ظاهراً عصیان گردان مزبور به علت این بوده است که چندین ماه به افراد پادگان حقوق پرداخت نشده بود.

۳ نفرات پادگان مراوتپه واردبجنوردشدند وپس ازتصرف شهر و پادگان نظامی پنج تن از صاحبمنصبان و چند درجه‌دار را که با افکار آنها مخالفت کرده بودند اعدام نمودند و سپس به سوی شیروان و قوچان به قصد تصرف مشهد حرکت کردند.

۳ لشکر تبریز مأمور دستگیری شورشیان فوج سلماس شد.
۳ یک گردان از تهران به فرماندهی یاور ابراهیم ضرابی[1] و یک فوج از مشهد برای سرکوبی شورشیان مراوتپه به سوی قوچان و بجنورد حرکت کردند.
۱۰ کلیه شورشیان فوج سلماس توسط لشکر آذربایجان دستگیر شدند. یک دادگاه ویژه صحرائی به ریاست امیرلشکر حسین‌آقا خزاعی محاکمه شورشیان را آغاز کرد.
۱۲ دادگاه ویژه صحرائی حکم اعدام کلیه درجه‌داران و سربازان فوج سلماس را که بالغ بر یکصد و هشتاد نفر بودند صادر کرد.
۱۸ در سلماس ۵۶ نفر از درجه‌داران و سربازان فوج که محرک و مقصر اصلی بودند تیرباران شدند.[2]
۱۹ مجلس ششم قبل از ظهر طی مراسمی افتتاح گردید. نخستین جلسه مجلس به ریاست سنّی سیدحسن مدرس تشکیل گردید. در این جلسه سید محمد تدین به ریاست مجلس و سیدالمحققین دیبا و سهام‌السلطان بیات به نیابت ریاست انتخاب شدند.
۱۹ اولین شماره روزنامه اطلاعات به مدیریت و سردبیری عباس مسعودی در تهران انتشار یافت.
۲۲ وزارت جنگ طی اعلامیه‌ای از ماجرای شورش فوج سلماس و گردان مراوتپه پرده برداشت و رسماً اعلام کرد در سلماس ۵۶ نفر به جوخه آتش سپرده شده‌اند و بقیه نیز مجازات خواهند شد.
۲۶ سلطان لهاک خان و افراد تحت فرماندهی او پس از چند زد و خورد کوتاه و محاصره شدن از چند طرف به طرف سرحد باجگیران رفته با تسلیم سلاح خود و افرادش وارد خاک روسیه شدند و بدین ترتیب غائله مراوتپه خاتمه پذیرفت.
۲۷ محمد ولی‌خان خلعتبری (سپهدار اعظم، سپهسالار اعظم) که در دوران پادشاهی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه و احمدشاه صاحب مقامات بزرگ دولتی بود و چندین بار پس از خلع محمدعلی‌شاه به رئیس‌الوزرائی رسیده و یکی از دو فاتح نظامی تهران بود در سن ۸۴ سالگی در منزل شخصی خود با تفنگ خودکشی کرد و جنازه وی در امامزاده صالح شمیران در کنار پسرش سرهنگ ساعدالدوله دفن گردید.[1]

۱ ــ بعدها سرلشگر و دو نوبت به ریاست شهربانی منصوب شد.

۲ ــ برای اطلاع از چگونگی شورش فوج سلماس و اعدام ۵۶ نفر از آنها یک شاهد عینی که خود مجری اعدام بوده است دیدنیهای خود را به رشته تحریر درآورده است نویسنده سرتیپ علیقلی بیگلری است که در آن تاریخ نایب دوّم بوده است. وی در کتابی تحت عنوان خاطرات یک سرباز ماجرا را شرح داده است. علاقمندان می‌توانند به کتاب مزبور مراجعه نمایند.

۱ ــ آقای عبدالصمد خلعت‌بری در کتاب سپهسالار تنکابنی جریان خودکشی را چنین نوشته است:

روز دوشنبه هشتم محرم ۱۳۴۵ قمری برابر ۲۷ شهریور ۱۳۰۵ شمسی (هشتم محرم مطابق است با ۲۷ تیرماه ۱۳۰۵ مؤلف در محاسبه اشتباه کرده است) حدود دو ساعت به ظهر بود که سپهسالار به اندرون خانهٔ ییلاقی خود وارد شد و نامهٔ سربسته‌ای به عنوان پسر ارشد علیقلی‌خان امیراسعد به همسر خود (مادر علی اصغرخان) داد که پس از اطلاع ثانوی به او برسانند، در ضمن ساعت و زنجیر طلای بغلی و مهر خود را هم با یک قطعه اسکناس صد تومانی به همسرش سپرد و به اطاق خود رفت. قبلاً سفارش کرده بود که کسی وارد این اطاق نشود. چند دقیقه بعد صدای تیر و شلیک گلوله تپانچه‌ای در فضای اندرون پیچید. خانم و مستخدمین و کمی بعد امیر اسعد سراسیمه به اطاقی که سپهسالار در آن بود وارد شدند و جسد خون‌آلود او را بر روی زمین افتاده دیدند. فوراً به سراغ طبیب سفارت انگلیس که در همان نزدیکی در باغ ییلاقی این سفارتخانه اقامت داشت فرستادند ولی کوشش بیجائی بود. سپهسالار آنقدر هنر تیراندازی و مهارت و قدرت دست داشت که وقتی تصمیم به تیراندازی می‌گرفت بخوبی گلوله را به هدف برساند، در این موقع احتیاطاً سپهسالار تپانچه را در مقابل آئینه به پیشانی خود گذارده بود که تیرش خطا نکند و گلوله را خالی کرده بود.

پس از جستجو در اتاقش نامهٔ مختصری که چند سطر خطاب به پسرش امیراسعد نوشته بود به دست آمد که چند جمله از آن این است:

امیر اسعد، فوری نعش مرا بفرستید امامزاده بشورند و پیش پسرم دفن کنند البته همین الآن اقدام بشود دیگر برای بنده تشریفات و گریه پس از هشتاد و چندین سال عمر لازم ندارد...

خبر انتحار سپهسالار همچون صاعقه‌ای در تهران منعکس گشت، فوراً مأمورین شهربانی برای تحقیقات بی فایده آمدند.

تصادف این بود که آن روزها به علت تعطیلات عزاداری ماه محرم چند روز بود که هیچ روزنامه‌ای در تهران منتشر نمی‌شد و این خبر آن‌طور که ممکن بود مورد تفسیر قرار نگرفت ولی از همان روزها در شهر شیوع یافت که سپهسالار در موقع خودکشی خود نوشته است:

مرا عار باشد از این زندگی که سالار باشم کنم بندگی

و این شعر را بسیاری از مردم عادی تهران که آن روزها را به خاطر دارند نقل می‌کنند.

مرداد ماه

۱۹ بر اثر مساعی آقای مهندس شقاقی مهندس عالیرتبه وزارت فوائد عامه تسطیح راه جدید مازندران خاتمه پذیرفت. مخارج تسطیح این راه صد و بیست هزار تومان شد.

۱۹ سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی به فرماندهی لشکر شرق منصوب و به سوی مشهد رهسپار گردید.

۲۴ رضاشاه برای رسیدگی به وضع قشون خراسان که از چندی قبل اخبار نگران کننده‌ای دربارهٔ آن به تهران می رسید و اهالی ولایات شرق از تعدیات وارده تظلم می‌کردند وارد مشهد شد. همراهان عبارتند از تیمورتاش، دبیر اعظم بهرامی، سردار اسعد بختیاری، قائم‌مقام‌الملک رفیع و سرتیپ محمدحسین خان آیرم. رضاشاه برای این سفر جنگی از بانک شاهی یکصد هزار تومان قرض نمود.

۲۴ رضاشاه در جمع صاحب‌منصبان خراسان نطق پرحرارتی ایراد نمود و از ماجرای مراوتپه و اعمال سرتیپ جان‌محمدخان اظهار تأسف کرد[1] آنگاه دستور داد درجات نظامی سرتیپ جان‌محمدخان را افسر اسکورت قیچی نماید. شاه در آنروز فرمانده لشکر و عده‌ای از صاحبمنصبان را که درقتل و غارت با فرمانده خود همکاری داشتند خلع درجه نموده تحویل زندان داد.

۲۴ دوست‌محمدخان بلوچ در بلوچستان سر به طغیان برداشت.

۲۵ رضاشاه با تهدید تلگرافی دوست محمدخان را از ادامه طغیان برحذر داشت.

۲۵ بلدیه تهران اخطار زیر را برای اهالی تهران صادر کرد:

«چون استعمال حشیش علاوه بر مضرات محسوسه که دارد از علل عمده ابتلاء به مرض جنون است. به طوری که سابقاً هم اقدام شده به عموم اخطار می‌شود که خرید و فروش و استعمال حشیش از نقطه‌نظر حفظ الصحه عمومی اکیداً ممنوع است و مرتکبین تعقیب و برطبق قانون جزای عمومی و نظامنامه امور خلافی مجازات خواهند شد. کفیل بلدیه سرهنگ بوذرجمهری)».

۲۶ رضاشاه از طریق صحرای ترکمن به اتفاق همراهان و وثوق‌السلطنه دادور والی خراسان وارد بجنورد شد و دستور داد

---

۱ ــ سرتیپ جان محمدخان امیر علائی فرزند میرزا احمدخان علاء‌الدوله از افسران قزاقخانه بود که به سوء رفتار و اخلاق شهرت داشت، در کودتای ۱۲۹۹ جزء همراهان میر پنج رضاخان بود و درجه سرتیپی گرفت و فرماندهی تیپ تیرانداز عراق به او سپرده شد. در سفر خوزستان سردار سپه را همراهی می‌نمود و فوج نادری را که در اثر تعلیمات وی ورزیده و جنگ‌آور بودند به خوزستان فرستاد. سردار سپه به لیاقت و شجاعت او اعتقاد داشت و سرانجام در سال ۱۳۰۳ پس از امیرلشگر حسین‌آقا خزاعی او را به فرماندهی لشگر شرق برگزید و پس از چندی حکومت نظامی را نیز به او سپرد. او در این مأموریت توانست منطقه ترکمن‌صحرا را که به انبار باروت معروف بود امنیت بخشد. جان محمدخان در این مأموریت مرتکب جنایات بی‌شماری شد و سوء استفاده‌های کلان کرد حتی حقوق و مواجب افراد قشون را به جیب می زد و از آنها می خواست راهی برای کسب مداخل پیدا کنند. از مردم خراسان برای نوکردن سلطنت مبالغ قابل توجهی پول گرفت و همه آنها را به حساب خود ریخت. سردار معزز بجنوردی و عده زیادی از سران و عشایر بجنورد و قوچان را اعدام نمود و خزائن و ذخائر گرانبهای آنها را تصرف کرد. تا اینکه رضاشاه در اثر تظلمات مردم و اخبار وحشتناکی که از فرمانده قشون شرق می‌رسید به آن صوب حرکت کرد، جان محمدخان تا نیشابور به استقبال رضاشاه شتافت و چکی به مبلغ یکصد و هشتادهزار تومان تقدیم ←

نمود. ولی شاه که از اعمال وی سخت عصبانی و نگران بود اعتنائی نکرد و پول را نگرفت تا سرانجام در مشهد به خلع درجه و اخراج او منجر گردید و همدستان و یاران او هم از عقوبت مصون نماندند و آنچه دزدی و غارتگری کرده بودند پس گرفته شد و با پول گزافی که از این راه عاید شد حقوق معوقه لشگر پرداخت گردید.

با اخراج جان محمدخان از ارتش اینگونه اعمال و زشتکاری‌های فرماندهان خاتمه نپذیرفت. چندی بعد سرتیپ عباس البرز در بلوچستان غوغا کرد و عده بیشماری از مردم را که تأمین گرفته بودند ناجوانمردانه به جوخه آتش سپرد. هنوز زخم‌های دردناک مردم بلوچستان التیام نیافته بود که سرتیپ ابراهیم زندیه در فارس مرتکب چه جنایاتی شد و مال و جان و ناموس مردم دستخوش تمنیات ددمنشانه وی گردید.

جان محمدخان پس از اخراج از ارتش بکار دولتی دعوت نشد و به امور زراعت و کشاورزی اشتغال داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مطبوعات و مجلسیان خواستار تنبیه اینگونه افراد شدند. عمال نظمیه به زعامت سر پاس مختار دربند زندان و محاکمه قرار گرفتند. سرتیپ عباس البرز در محاکم نظامی به اعدام محکوم شد ولی شاه او را بخشید. صحبت از محاکمه و تنبیه جان محمدخان زیاد بود ولی جان به سلامت برد تا اینکه در سال ۱۳۳۰ به بیماری سکته درگذشت.

برای آگاهی بیشتر از اعمال او به جلد دوّم تاریخ احزاب سیاسی ملک الشعرای بهار مراجعه شود.



سرتیپ جان محمد خان فرمانده لشگر خراسان

۱۲ نفر از سربازان پادگان مراوتپه را که دستگیر و زندانی شده بودند به اتفاق رئیس مالیه بجنورد و یک نفر واعظ در همان محلی که لهاک خان پنج صاحبمنصب را اعدام نموده بود اعدام نمایند. رئیس مالیه و واعظ از همکاران لهاک خان بودند.

شهریور ماه

۱ مجلس ششم آماده کار شد و تصویب اعتبارنامه‌ها به حدنصاب رسید.

۳ حسن مستوفی رئیس الوزراء در سعدآباد حضور یافته از سمت خود کناره گیری نمود ولی شاه استعفای او را نپذیرفت.

۸ در جلسه خصوصی مجلس از ۸۱ نفر عده حاضر ۶۹ نفر به زمامداری مستوفی ابراز تمایل کردند.

۸ حسن مستوفی چون رأی تمایل مجلس را کافی برای ادامه کار ندانست مجدداً از رئیس الوزرائی استعفا داد.

۱۷ چراغعلی خان پهلوی‌نژاد معاون وزارت دربار در مجلس شورای ملی حضور یافته ضمن مذاکره با سید محمد تدین رئیس مجلس اظهار کرد استعفای مستوفی مورد قبول واقع شده مجلس رئیس الوزرای جدیدی انتخاب کند.

۱۷ نمایندگان مجلس شورای ملی در یک جلسه خصوصی با اکثریت ۵۶ رأی به نخست‌وزیری حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) ابراز تمایل نمودند.

۱۸ مؤتمن الملک در سعدآباد حضور یافته ضمن مذاکره با رضاشاه از قبول رئیس الوزرائی سر باز زد.

۲۳ اکثریت پارلمان با مساعی مؤتمن الملک به اکثریت ۶۶ رأی حسن مستوفی را به رئیس الوزرائی انتخاب کردند.

۲۶ حسن مستوفی وزیران خود را به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد:
حسن وثوق وزیر عدلیه ــ محمدعلی فروغی وزیر جنگ محمود علامیر (احتشام السلطنه) وزیر داخله ــ حسن اسفندیاری وزیر مالیه ــ مهدیقلی هدایت وزیر فوائد عامه و تجارت ــ احمد بدر (نصیرالدوله) وزیر معارف ــ علیقلی انصاری وزیر خارجه ــ احمد اتابکی وزیر پست و تلگراف.

۲۹ در جلسه مجلس شورای ملی هنگام بحث پیرامون برنامه دولت دکتر محمد مصدق نماینده تهران به صلاحیت ذکاءالملک فروغی وزیر جنگ و وثوق‌الدوله وزیر عدلیه به شدت اعتراض کرد. مصدق در نطق مشروح و مفصل خود وثوق‌الدوله و ذکاءالملک را به مناسبت اعمالی که در گذشته انجام داده‌اند قابل تعقیب دانست.

۲۹ سیدحسن مدرس در جلسه مجلس ضمن نطق مفصل خود تاریخ بیست ساله ایران را ورق زد و از سفر مهاجرت سخن گفت و از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ انتقاد کرد.

۲۹ وثوق‌الدوله در پاسخ دکتر محمد مصدق به دفاع برخاست و اوضاع ایران را به هنگام انعقاد قرارداد تشریح کرد و منکر گرفتن پول از انگلیس‌ها شد و سرانجام به دکتر مصدق لقب عوام‌فریب داد.[۱]

مهر ماه

۱۶ برای اولین بار اتاق تجارت در ایران تشکیل شد. آقای حاج حسین آقا مهدوی (امین‌الضرب) به ریاست اتاق تجارت تهران و آقایان کاشف و سپهر به منشیگری انتخاب شدند.

۲۱ حاج محمدتقی معروف به شوریده شیرازی از شعرای بزرگ دوره قاجاریه در شیراز درگذشت.

۳۰ تلفن تحت‌الارضی در عمارت جدید تلفنخانه با حضور هیئت دولت و رجال و معاریف افتتاح و شروع به کار کرد.

آبان ماه

۷ بامداد امروز آقای سیدحسن مدرس در حالی که از کوچه سرداری به طرف مدرسه ناصری می‌رفتند مورد حمله چند نفر تروریست قرار می‌گیرد و چندین تیر به سوی او شلیک می‌شود. در اثر شلیک گلوله بازوی چپ ایشان بشدت مجروح و یک گلوله نیز به دست راست اصابت می‌کند. ضاربین پس از اجرای سوءقصد فرار می‌کنند. مأمورین نظمیه مدرس را ابتدا به بیمارستان نظمیه و از آنجا به بیمارستان دولتی حمل و دست ایشان را عمل کردند. از طرف دولت

۱ ــ میرزاحسن وثوق الدوله و دکتر محمدخان مصدق السلطنه از یک خانواده و هرکدام با پنج پشت به آقامحسن تفرشی می‌رسند. روابط مصدق با هردو برادر وثوق الدوله و قوام السلطنه همیشه حسنه بود بطوریکه وقتی وثوق الدوله در سال ۱۳۲۸هـ‌ق وزیر مالیه شد و سازمان جدیدی برای آن وزارتخانه پی‌ریزی نمود تمام مشاغل حساس وزارت مالیه را به خانوادهٔ وزیر دفتر (پدر دکتر مصدق) واگذار کرد و در نخستین دور رئیس‌الوزرائی خویش مصدق را به معاونت مالیه رسانید. قوام‌السلطنه در سال ۱۳۰۰ مصدق را در کابینه خود به وزارت مالیه منصوب نمود و برای او از مجلس اختیارات گرفت و سرانجام بعلت مخالفت بعضی از نمایندگان مجلس با اختیارات مصدق از کار کناره‌گیری کرد. در سال ۱۳۲٤ که قوام‌السلطنه برای بار سوّم به نخست‌وزیری رسید در کابینه خود سهام‌السلطان بیات خواهرزاده مصدق را به وزارت مالیه، دکتر احمد متین دفتری داماد و برادرزاده مصدق را به وزارت مشاور و مظفر فیروز خواهرزاده مصدق را به معاونت سیاسی خود و بعد وزارت کار منصوب کرد. متین دفتری بعلت مخالفت فراکسیون حزب توده دوام نیاورد و کنار رفت در قبال محبت و حمایت قوام و وثوق از خانواده مصدق او نیز وقتی به زمامداری رسید دکتر علی امینی داماد وثوق‌الدوله را به وزارت اقتصاد رسانید. ←

بعد از جریان سی ام تیرماه ۱۳۳۱ نیز تنها کسیکه حافظ و مدافع قوام‌السلطنه بود بدون تردید دکتر مصدق بود، زیرا با برنامه‌هائیکه از طرف آیت‌اله کاشانی و دکتر مظفر بقائی چیده شده بود قوام می بایستی از بین برود ولی مصدق او را حفظ کرد و پس از چندی دربدری سرتیپ کمال رئیس شهربانی را به مخفی‌گاه او فرستاد و او را بخانه‌اش آورد و شهربانی برای حفظ جان او از هیچ کوششی فروگذاری نکرد.

مع‌الاسف در بعضی از مبارزات سیاسی مشاهده می‌شود که تضادهائی بین وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه از یکطرف و مصدق السلطنه و دکتر متین دفتری از طرف دیگر بوجود آمده است که یقیناً ریشه عمیق نداشته است. در مورد نطق دکتر مصدق در مجلس ششم پیرامون اعمال وثوق‌الدوله علی‌الخصوص قرارداد ۱۹۱۹ بعضی را عقیده براینست که وثوق‌الدوله مایل بود ولو برای یکبارهم که شده است موضوع قرارداد در مجلس شورای ملی مطرح شود تا او بتواند مدافعات خود را به اطلاع مردم ایران برساند از اینرو مصدق این مهم را برعهده گرفت.

نطق مصدق و دفاع وثوق‌الدوله از نظر تاریخ سیاسی ایران حائز اهمیت خاصی است.



حاج محمد حسین مهدوی (امین الضرب)

قضیه تعقیب شد ولی نتیجه‌ای بدست نیامد.

۱۱ اولین کمیسیون نظام اجباری مملکت در تکیه دولت تشکیل و شروع به کار کرد. از ۲۸۰۰ نفر متولدین ۱۲۸۵ فقط ۱٤۸٦ نفر به خدمت سربازی دعوت شدند.

۲۱ بلدیه تهران اعلام کرد برای رفاهیت عمومی تا موقعی که چراغ برق عملیات خود را خاتمه دهد بوسیله چراغ های زنبوری که به فواصل نزدیک در معابر نصب نموده شهر را روشن می‌نماید.

۲۱ وزارت فوائد عامه لایحهٔ تأسیس و واگذاری خطوط اتوبوسرانی آزاد در شهر تهران را به یک کمپانی دانمارکی به مجلس تقدیم نمود. کمپانی به موجب این لایحه موظّف است هفت خط اتوبوسرانی دائر کند. و حداقل هر خط سه اتوبوس داشته باشد و از هر مسافر با مختصر اثاثیه ۸ شاهی بگیرد. اطفال زیر ۸ سال از پرداخت کرایه معاف اند.

۲۲ آقای سلیمان خان میکده به حکمرانی اصفهان منصوب گردید.

آذر ماه

۲ درویش خان استاد موسیقی ایران با درشکه نمره ۱۵۹ در حین عبور از خیابان امیریه با اتومبیل نجم‌الدین نام مصادف شده اتومبیل شکم یکی از اسب‌ها را پاره کرد و درویش خان از درشکه پرت شد. ایشان را که به شدت مجروح شده بود به مریضخانه بردند ولی دار فانی را وداع گفت.

۱٦ جشن باشکوهی به مناسبت انتصاب آقای زین‌العابدین رهنما مدیر روزنامه ایران به معاونت وزارت فوائد عامه در گراندهتل بر پا شد. ریاست جشن به عهده سید محمد تدین رئیس مجلس بود و عده‌ای از مدیران جرائد و شعراء و رجال حضور داشتند.

۲٦ هیئت وزیران دستگاه‌های بی‌سیم مملکت را به وزارت پست و تلگراف واگذار نمود.

دی ماه

۱ بانک رهنی ایران با سرمایه چهارصد و پنجاه هزار تومان از محل وجوه تقاعد در محل سابق بانک استقراضی روس افتتاح شد.

۱ مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) مدیر کل حسابداری وزارت امور خارجه وزیر مختار ایران در افغانستان شد.

۲۹ عده‌ای از نمایندگان مجلس دولت مستوفی را استیضاح کردند. دولت روز نهم بهمن را برای پاسخ به استیضاح تعیین کرد.

بهمن ماه

۸ حسن مستوفی رئیس‌الوزراء از سمت خود کناره‌گیری کرد و پاسخ استیضاح را کتباً به مجلس فرستاد.

۱۵ در جلسه خصوصی مجلس از ۹۵ نفر عده حاضر ۸۹ نفر به رئیس‌الوزرائی حسن مستوفی ابراز تمایل نمودند.

۱۸ سید محمد تدین از ریاست مجلس شورای ملی و نمایندگی مجلس استعفا داد.

۱۸ عمادالسلطنه فاطمی و علی‌اکبر داور از نمایندگی مجلس کناره‌گیری کردند.

۱۸ مجلس شورای ملی میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملک) را به ریاست برگزید.

۱۸ حسن مستوفی وزیران خود را به شرح زیر به شاه معرفی کرد:

سیدمحمد تدین وزیر معارف ــ علی اکبر داور وزیر عدلیه ــ عمادالسلطنه فاطمی وزیر داخله ــ علیقلی انصاری وزیر خارجه ــ فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوله) وزیر مالیه ذکاءالملک فروغی وزیر جنگ ــ مهدیقلی هدایت وزیر فوائد عامه. وزیر پست و تلگراف بعداً معرفی خواهد شد.

۲۰ علی اکبر داور وزیر عدلیه کلیه تشکیلات قضائی و اداری وزارت عدلیه را منحل کرد.

۲۷ داور وزیر عدلیه لایحه اختیارات خود را به مجلس تقدیم نمود. این لایحه فی المجلس به تصویب رسید. به موجب قانون مزبور داور مجاز شد قوانین و تشکیلات عدلیه را اصلاح کند.

۲۷ حاج محمدحسین شمس العلماء (قریب گرکانی) از ادباء و فضلای بزرگ معاصر صاحب تألیفات عدیده در تهران درگذشت. وی مدتی نیز مدعی العموم کل ایران بود.

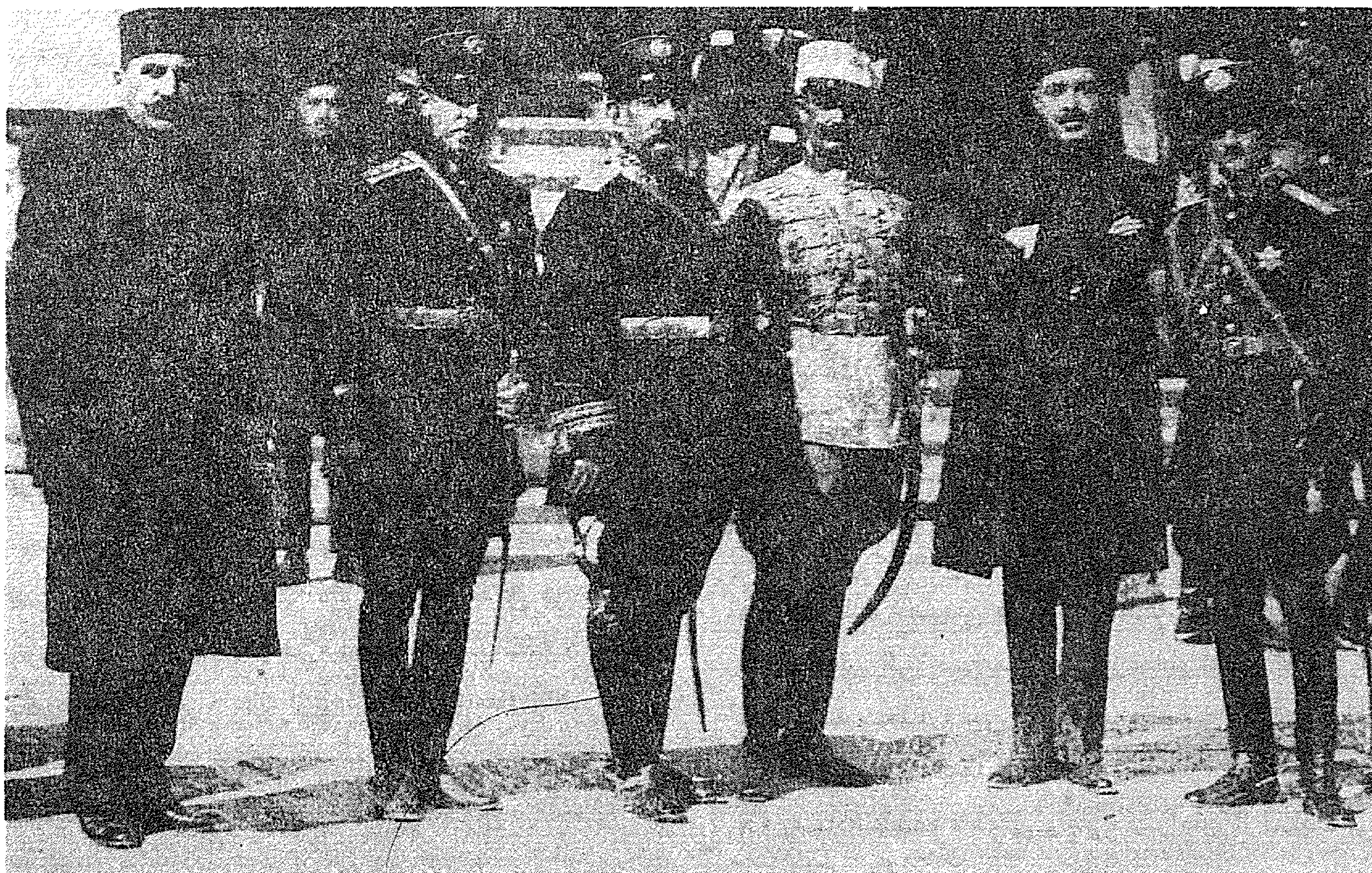
۲۵ آقای رجبعلی خان معلم ژیمناستیک مدارس اصفهان به عزم سیاحت دور دنیا با دوچرخه بدون پول از اصفهان حرکت کرد. خط سیر وی عبارتست از اصفهان، شیراز، یزد، کرمان، سیستان، خراسان، هرات، کابل از مسیر تنگه خیبر هندوستان، تبت چین، مغولستان، ژاپن، سانفرانسیسکو و امریکای شمالی.

اسفند ماه

۱ مهدیقلی هدایت وزیر فوائد عامه لایحه تأسیس راه‌آهن سراسری را به مجلس داد. دکتر محمد مصدق با لایحه مزبور مخالفت کرد و گفت راه‌آهن منافع مادی مستقیم ندارد.

٤ لایحۀ تأسیس راه‌آهن از محل وجوه عایدات قند و شکر به تصویب مجلس رسید.

۱٦ در تعقیب انحلال عدلیه در مرکز، عدلیه ولایات نیز منحل شد. برای تسهیل امور یک محکمه صلح نامحدود و یک صلح محدود و دو شعبه استنطاق در مرکز تشکیل شد و بیست و یکهزار دوسیه معوقه را تحت نظر و مداقه قرار دادند.



سال ۱۳۰۶ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۲۷ تا ۲۱ مارس ۱۹۲۸ میلادی

فروردین ماه

۱ در شب اول فروردین برای موقع تحویل سال ملکه مادر و عده‌ای از زنان درباری به آستانه حضرت معصومه(ع) مشرف و در بالای غرفه‌های رواق ایوان آئینه که بین حرم و ایوان است جای گرفتند. چون حجاب عده‌ای از خانم‌های درباری کامل نبود یکی از وعاظ به طرز حجاب آنها اعتراض نمود و سپس شیخ محمد بافقی نیز دستور خروج آنها را از رواق داد که با دخالت خدام آستانه درگیری رخ نداد ولی خانواده سلطنتی رواق را ترک نموده به خانه تولیت رفتند و موضوع را به شاه گزارش نمودند.

۲ رضاشاه به اتفاق عده‌ای از صاحب‌منصبان قشون و تعدادی زره‌پوش وارد قم شد و یکسره به سمت حرم رفت و دستور ضرب و شتم روحانیون را داد. شیخ محمد بافقی را وقتی به حضور او آوردند دستور داد او را خوابانیده و با چوب به شدت او را مجروح ساخت. رئیس نظمیه قم هم به علت عدم کفایت و فرار واعظ به شدت مضروب و زندانی شد.

۱۵ انتخابات هیئت رئیسه مجلس تمدید شد. مؤتمن‌الملک به ریاست و سیدالمحققین دیبا و سهام‌السلطان بیات به سمت نواب رئیس انتخاب شدند.

اردیبهشت ماه

۵ در جلسه امروز مجلس سیدابوالحسن حائری‌زاده از نمایندگی مجلس استعفا کرد.

۵ وزارت عدلیه و محاکم قضائی امروز طی مراسمی افتتاح شد و شاه در جمع قضات حضور یافت. علی‌اکبر داور وزیر عدلیه طی گزارشی اعلام کرد شعب دیوانعالی تمیز به چهار شعبه افزایش یافته است. در ولایات نیز قبلاً چهار شعبه استیناف وجود داشت که اکنون به هشت شعبه رسیده است. تعداد محاکم ابتدائی که در سرتاسر کشور یازده حوزه بود اکنون به ۳۵ حوزه افزایش یافته است و متعاقباً نیز محاکم تازه‌ای تشکیل خواهد شد.

۵ رضاشاه در مراسم افتتاح عدلیه فرامین قضات را به این شرح توزیع نمود:

مهدیقلی هدایت (حاج مخبرالسلطنه) با رتبه ۱۱ قضائی رئیس دیوانعالی تمیز.

میرزا رضاخان نائینی با رتبه یازده قضائی مدعی‌العموم دیوانعالی تمیز.

حاج سیدنصرالله تقوی با رتبه ده قضائی رئیس شعبه تمیز.

رضاقلی هدایت با رتبه ده قضائی رئیس شعبه تمیز.

سید محمد فاطمی قمی با رتبه ده قضائی معاون کل مدعی‌العموم.

آقایان احمد راد (معتمدالممالک)، میرزا مجید آهی، شیخ اسدالله ممقانی، میرزا طاهر تنکابنی، مرتضی قلی خان نائینی، میرزا صادق خان بروجردی، اعتمادالدوله قره‌گوزلو، میرزا محمدرضا ایروانی و سید ابوالحسن حائری‌زاده با رتبه ۹ قضائی مستشاران دیوانعالی تمیز.

مصطفی عدل (منصور السلطنه) کفیل سابق وزارت عدلیه با رتبه ۹ قضائی مدیرکل اداره تهیه قوانین.

آقای حاج شیخ اسمعیل رضائیان با رتبه ۹ قضائی رئیس استیناف مرکز.

آقای سیدحبیب‌الله شبیر با رتبه ۱۱ قضائی رئیس استیناف آذربایجان.

آقای حاج ساعدالسلطنه الهامی با رتبه ۹ قضائی رئیس استیناف خراسان.

آقای میرزا محمد گلپایگانی با رتبه ۹ قضائی رئیس استیناف غرب (همدان).

آقای حسین همدانی با رتبه ۹ قضائی رئیس استیناف اصفهان.

آقای رکن‌الملک صدری با رتبه ۹ قضائی رئیس استیناف فارس.

آقای سید عبدالعظیم شهیدی با رتبه ۹ قضائی رئیس استیناف کرمان.

آقای محمدرضا وجدانی با رتبه ۹ قضائی مدعی‌العموم استیناف مرکز.

آقای عادل‌الدوله جوان با رتبه ۹ قضائی مدعی‌العموم استیناف خراسان.

آقای میرزا علی آقا هیئت با رتبه ۸ قضائی مدعی‌العموم استیناف غرب.

میرزا سیدعلی حائری با رتبه ۹ قضائی رئیس کل محاکم بدایت.

آقای سیداحمد کسروی با رتبه ۷ قضائی مدعی‌العموم بدایت تهران.

آقای زرین کفش با رتبه ۹ قضائی رئیس دادگاه جنائـــی.

۵ از طرف داور وزیر عدلیه اِشل حقوق قضات به این شرح اعلام شد:

رتبه یک، ۵۰ تومان؛ رتبه دو، ۶۵ تومان؛ رتبه سه، ۸۰ تومان؛ رتبه چهار، ۱۰۰ تومان؛ رتبه پنج، ۱۲۵ تومان؛ رتبه شش، ۱۵۰ تومان؛ رتبه هفت، ۱۹۰ تومان؛ رتبه هشت، ۲۴۰ تومان؛ رتبه نه، ۲۹۰ تومان؛ رتبه ده، ۳۵۰ تومان؛ رتبه یازده، ۴۵۰ تومان.

۷ روزنامه تجدد ایران به مدیریت و نویسندگی میرزا سید محمد طباطبائی بطور یومیه در تهران انتشار یافت. این روزنامه ناشر افکار حزب تجدد ایران است.

۱۰ قانون اختصاص پنج میلیون تومان اعتبار برای مخارج راه‌آهن به تصویب مجلس رسید.

۱۴ میرزا ابوالقاسم خان قره‌گوزلو (ناصرالملک) نایب‌السلطنه سابق ایران وارد تهران شد.

۱۴ لایحهٔ تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت تجارت، فلاحت، زراعت، صناعت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۱۶ از طرف حسن مستوفی رئیس‌الوزراء آقای میرزا حسین علاء به وزارت فوائد عامه و تجارت منصوب شد.

۱۹ قریب چند هزار نفر از مستخدمین وزارتخانه‌ها برای تظلم از تصمیم کمیسیون بودجه در کسر اشل مستخدمین به هیئت اجتماع به مجلس آمدند. پس از قدری توقف و تظلم آقای مستوفی رئیس‌الوزراء و آقای تدین وزیر معارف در صحن بهارستان مستخدمین را متقاعد ساختند تا متفرق شوند. ولی این اعتراض به تصمیم کمیسیون موجب تشکیل جلسه خصوصی شد و بالنتیجه عده‌ای از وکلا دولت را استیضاح کردند.

۱۹ قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) در ایران ملغی شد. در همین روز توسط سفارتخانه‌های ایران به دول آلمان، ایتالیا، بلژیک، هلند، سویس و اسپانی اعلام شد که نظر به الغاء قضاوت کنسول‌ها و مزایای اتباع خارجه در ایران و نظر به تغییراتی که در اوضاع مملکتی پیش آمده دولت ایران عهودی را که محتوی حقوق ممتازه برای اتباع خارجی باشد فسخ و اعلام می‌نماید که بعد از انقضاء مدت یکسال از تاریخ فوق (۱۳۰۷/۲/۱۹) عهود مزبور بکلی بلااثر خواهند



میرزاعلی اکبرخان داور وزیر عدلیه ویکی از مدافعین سرسخت خلع قاجاریه و سلطنت پهلوی

بود. بالطبع دولی مانند انگلیس و اتازونی (آمریکا) و دول اسکاندیناوی نیز که به عنوان کامله الوداد از این امتیازات استفاده می‌کردند دیگر بهره‌مند نخواهند شد.

۲۸ قانون تمدید اختیارات علی‌اکبر داور وزیر عدلیه به مدت چهار ماه تصویب شد. مصدق در مخالفت با تمدید اختیارات سخن گفت. سرانجام بین ابوطالب شیروانی و دکتر مصدق مشاجره شدیدی درگرفت.

خرداد ماه

۱ دکتر میلسپو رئیس کل دارائی ایران به خدمت خود خاتمه داد.

۶ حسن مستوفی رئیس‌الوزراء استعفای خود را از رئیس‌الوزرائی به شاه تسلیم نمود و مورد موافقت قرار گرفت.

۸ رضاشاه عده‌ای از نمایندگان را به قصر خود دعوت نموده برای انتخاب رئیس‌الوزراء نظریه آنها را استعلام کرد. نمایندگان پیشنهاد کردند. مهدیقلی هدایت مخبرالسلطنه زمام امور را در دست بگیرد.

۹ نمایندگان مجلس در جلسه خصوصی با ۹۸ رأی مثبت و ده رأی منفی به زمامداری حاج مهدیقلی هدایت رأی دادند.

۱۱ مهدیقلی هدایت وزیران خود را به این شرح به شاه معرفی کرد:

مهدیقلی هدایت رئیس‌الوزراء و وزیر فوائد عامه ــ مشاورالممالک انصاری وزیر خارجه ــ فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله) وزیر مالیه ــ سید محمد تدین وزیر معارف علی‌اکبر داور وزیر عدلیه ــ سردار اسعد وزیر جنگ ــ حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه) وزیر داخله. وزیر پست و تلگراف معرفی نشد.[۱]

۱۶ پروگرام دولت در مجلس مطرح شد. سیدحسن مدرس ضمن نطق مفصلی با برنامه دولت مخالفت کرد ولی مع‌الوصف با ۹۳ رأی مثبت تصویب شد.

۱۷ میرزا زین‌العابدین رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد.

۱۸ رضاقلی خان هدایت رئیس شعبه تمیز به کفالت دیوان مزبور برقرار گردید.

تیر ماه

۱ اداره انحصار قند و شکر از اول تیرماه منحل گردید و امور آن مؤسسه به گمرک محول شد.

۲ کلاه جدیدی به نام کلاه پهلوی معمول و استعمال آن اجباری گردید. کلاه جدید با کلاه سابق این فرق را دارد که در جلوی کلاه سایه‌بان نصب گردیده است.

۱۵ به دنبال الغاء کاپیتولاسیون کلیه کارگزاری‌ها منحل گردید و به طور کلی با بودجه خود به وزارت عدلیه منتقل شدند.

۱۵ آقای محمدعلی فروغی ذکاءالملک نماینده اول ایران در جامعه ملل به سمت سفارت فوق‌العاده در کشور ترکیه منصوب گردید تا سوءتفاهمات سابق را برطرف سازد.

۲۰ آوانس خان مساعد نماینده ارامنه در مجلس شورای ملی از سمت خود کناره‌گیری کرد. آوانس‌خان چندی بعد وزیر مختار ایران در ژاپن گردید.

۲۲ قانون محرومیت به شرح زیر به تصویب مجلس شورای ملی رسید:

مادّه اوّل ــ کلیه رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن به عضویت مجلس شورای ملی در حوزه مأموریت خود محروم خواهند بود. همچنین وزراء و معاونین آنها در تمام مملکت.

---

۱ ــ حاج مخبرالسلطنه هدایت در کتاب خاطرات و خطرات در باره رئیس‌الوزرائی خود چنین می‌نویسد:

«سعی تیمورتاش در تغییر تصمیم مستوفی مفید نیفتاد در ۱۵ خرداد دیرگاه به منزل من آمد که مستوفی در استعفا مجدّ است. شاه نظرش به تو است اظهار عجز کردم اصرار کرد که طفره مناسب نیست. من از تمامی جریانات پس از رفتن به تمیز آگاه نبودم. آن شب را مهلت خواستم صبح دیگر به سعدآباد رفتم خدمت مستوفی رسیدم و تفصیل را گفتم. فرمودند ←

محال است قبول کنم از من گذشته است تو باشی بهتر است. در پشت و روی کار غور کردم و بابعضی دوستان شور. غالب را عقیده به مضمون این شعر بود خلاف رأی سلطان رأی جستن.....»

البته مرحوم مخبرالسلطنه در تاریخ اشتباه کرده‌اند به موجب روزنامه‌های روز ایشان در روز نهم خرداد از مجلس رأی اعتماد می‌گیرند. روز دهم کابینه را به شاه و روز یازدهم به مجلس معرفی می‌نمایند چگونه آقای تیمورتاش روز ۱۵ خرداد دیرگاه به منزل ایشان رفته‌اند....؟



مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه)

مادّه دوّم ــ تا انقضاء هر دوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمی‌توانند هیچیک از خدمات دولتی را موظفاً قبول نمایند مگر اینکه سه ماه قبل استعفا داده باشند.

مرداد ماه

۱۲ دکتر میلسپو رئیس سابق کل دارائی ایران، تهران را به سوی امریکا ترک کرد.

۱۵ مجلس شورای ملی پست ریاست کل مالیه و اختیارات ناشی از آن را به رئیس‌الوزراء تفویض نمود.

شهریور ماه

۷ نام شهر طون در خراسان به فردوس تبدیل گردید.

۱٤ قانون ورزش اجباری در مدارس به تصویب مجلس رسید.

۱۹ حریق مدهشی در لاهیجان اتفاق افتاد که خسارات زیادی وارد کرد. مجموعاً صد باب دکان طعمه حریق شد.

مهر ماه

٦ میرزا ابوتراب خواجه نوری (نظم‌الدوله) آخرین رئیس نظمیه ناصرالدین‌شاه که امر بازجوئی از میرزا رضاخان کرمانی قاتل شاه را انجام داده بود در سن ٦٧ سالگی در سوهانک درحالیکه سوار الاغ بود به سکته قلبی درگذشت. وی از مترجمین درجه اول بود و آثار زیادی از نویسندگان فرانسوی را ترجمه و چاپ کرده بود.

۹ کشتی جنگی شوروی که مدتی بود در آبهای ایران لنگر انداخته بود از پرت انزلی خارج گردید.

۱۵ حسین علاء وزیر سابق فوائد عامه به وزیر مختاری ایران در فرانسه منصوب شد. سرپرستی محصلین ایرانی در فرانسه نیز با او خواهد بود.

۱۵ یوسف مشار کفیل سابق وزارت فرهنگ به معاونت آن وزارتخانه منصوب شد.

۱۵ مجلس سربازگیری اجباری تشکیل و شروع به کار کرد.

۱۶ انتخابات هیئت رئیسه مجلس تجدید شد. مؤتمن الملک مجدداً به ریاست انتخاب گردید.

۱۸ در جلسه مجلس شورای ملی سیدحسن تقی‌زاده و مرتضی‌قلی بیات به سمت نواب رئیس برگزیده شدند.

۲۲ مراسم ساختمان اولین ایستگاه راه‌آهن در خارج دروازه گمرک به عمل آمد و رضاشاه اولین کلنگ را به زمین زد. در این مراسم مؤتمن‌الملک رئیس مجلس نطق بلیغی مبنی بر مسرّت ملّت ایران ایراد نمود.

۲۵ قانون اختیارات دکتر میلسپو که به موجب رأی مجلس به مخبرالسلطنه رئیس‌الوزراء تفویض شده بود سه ماه دیگر تمدید شد.

۲۵ قرارداد منعقده بین ایران و فرانسه مربوط به حفاری و کشف آثار عتیقه لغو گردید.

۲۷ مجلس شورای ملی ماده واحده زیر را تصویب کرد:

«مجلس شورای ملی عهدنامهٔ تأمینیه و بیطرفی را که دارای هشت فصل و دو صورتمجلس و دو مراسله است و در تاریخ هشتم مهر ماه بین نمایندگان ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی امضاء شده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا به دولت می‌دهد».

آبان ماه

۱۰ شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله صدراعظم استبداد که دومرتبه در دوران مشروطیت به رئیس‌الوزرائی منصوب شده و از اعاظم و اکابر رجال ایران بود در سن ۸۴ سالگی در نهایت فقر و پریشانی درگذشت. وی فرزند احمد میرزا عضدالدوله و نوه فتحعلیشاه قاجار بود.[۱]

۱ ــ مورّخین و نویسندگان ایرانی، به ویژه آنهائیکه پیرامون حوادث و وقایع مشروطه و ظهور آن در ایران قلمفرسائی کرده‌اند. از سلطان عبدالمجید میرزا به عنوان یکی از عمال و سرکردگان رژیم استبدادی که مظهر ظلم و شقاوت و غارتگری و استبداد محض بوده است نام برده‌اند. در اینکه عین‌الدوله مانند بعضی از رجال وامنای ایران در دوران قاجاریه دارای صفات رذیله‌ای بوده است شکی نیست، ولی مانند هر فردی در مقابل سیئات دارای حسنات نیز بوده است که مورخین کمتر توجه به آن معطوف داشته بلکه گاهی حسنات او را نیز به باد انتقاد و نکوهش گرفته‌اند.

عین‌الدوله بدون تردید برخلاف غالب رجال هم‌عصر خود هرگز رنگ خارجی نگرفت و نه وابستگی به هیچیک از ابرقدرتها پیدا کرد و نه سفارتخانه‌ای را کعبه آمال خود قرار داد. در تمام مدت عمر نه در سفارتخانه‌ای متحصن شد و نه پرچم خارجی برفراز خانه خود برافراشت. بعد از استبداد صغیر و فتح تهران توسط مجاهدین و بختیاری که غالب رجال در سفارتخانه‌ها بست نشستند، عین‌الدوله در همانروز پیاده بدون محافظ عصازنان به بهارستان رفت و خود را برای هرگونه عقوبتی در اختیار فاتحین تهران قرار داد و املاک وسیع خود را در فریمان به دولت بخشید. عین‌الدوله برخلاف غالب رجال عصر قاجاریه که به تبعیت از سلاطین خود حرمسرا تشکیل داده و زنان متعددی برای خود تدارک می دیدند بیش از یک همسر در زندگانی طولانی خود انتخاب نکرد که او هم در میانسالی بیمار شد و درگذشت ولی عین‌الدوله به حرمت آن زن و یگانه فرزندش همسر دیگری انتخاب نکرد در حالیکه در همان موقع عبدالحسین فرمانفرما، میرزاحسن‌خان مستوفی‌الممالک و حسینقلی‌خان مخبرالدوله چندین زن در اختیار داشتند و پس از مرگ به ترتیب ۳۶ و ۲۳ و ۲۶ فرزند از خود باقی گذاشتند.

در بحبوحه جنگ بین‌الملل اوّل که آثار شوم آن در ایران قحطی و مجاعه بود. عین‌الدوله ابتدا در سمت وزیر داخله و بعد رئیس‌الوزراء قسمت اعظم دارائی خود را صرف خرید گندم و آرد نمود و آنرا مجاناً در اختیار خبازان تهران قرار داد تا قوت لایموت مردم بیچاره را فراهم سازند و بدینطریق از مرگ عده زیادی از مردم تهران جلوگیری نمود. گرچه قرار بود دولت بهای گندم‌های خریداری عین‌الدوله را بپردازد ولی هرگز به تعهد خود عمل نکرد و نداد و در آخر عمر باقیمانده دارائی او از طرف طلبکاران به یغما رفت.

عین الدوله در دوران کودکی و نوجوانی تحصیلات مرسوم زمان را بخوبی فرا گرفت. در حسن خط و شیوه رسائل از سرآمد اقران شد، بطوریکه در خط نسخ با عبدالمجید درویش خطاط معروف دعوی برابری داشت.

عین‌الدوله که مورخین او را مظهر استبداد و خودکامگی معرفی کرده‌اند پس از صدور فرمان مشروطیت و حکومت قانون بیش از هرکسی پای‌بند قانون اساسی و متمم آن و قوانین موضوعه مملکتی بود. در دوره سوم قانونگزاری که به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد در اثر یک خبط سیاسی و نظامی فرمانفرما وزیر داخلهٔ او را در مجلس استیضاح کردند و رأی به اخراج فرمانفرما از دولت داده شد. عین‌الدوله به استناد قانون اساسی و مسئولیت مشترک وزیران زیر بار نرفت و مدعی شد یا دولت باید برود یا هیچکدام، سرانجام استعفا داد. مجدداً مجلس به او ابراز تمایل کرد و فرمان شاه هم صادر شد. ولی ادامه زمامداری را موکول به همکاری با همان وزیران سابق دانست. تلاش سیدحسن مدرس برای ادامه رئیس‌الوزرائی او هم به جائی نرسید.

۱۱ مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزراء آقای امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی وزیر پیشین جنگ را به وزارت فوائد عامه و تجارت به مجلس شورای ملی معرفی کرد. میرزا قاسم خان صوراسرافیل نیز به سمت کفالت وزارت پست و تلگراف تعیین و معرفی شد.



سید ابوالقاسم امامی امام جمعه تهران و ظهیرالدوله

آذر ماه

۶ دولت ایران با دولت افغانستان قرارداد تأمینیه منعقد نمودند.

۱۶ قانون مجازات مختلسین دولتی از تصویب مجلس گذشت.

۱۸ عده زیادی از علمای اصفهان و سایر شهرها به پیشوائی حاج آقا نورالله فشارکی و سیدالعراقین به علت اجرای نظام اجباری به قم مهاجرت کردند. در اغلب شهرها اجتماعات و اعتصابات شروع شد و بعضی از شهرها تعطیل شدند و کسبه دست از کار کشیدند.

در این روز حاج مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزراء، عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار، حاج سید محمد امامی امام جمعه تهران و حاج سید جواد ظهیرالاسلام به قم رفتند پس از مذاکره خواسته آقایان علماء به این شرح عنوان شد:

تجدیدنظر در قانون نظام اجباری ــ انتخاب پنج نفر از علمای طراز اول در مجلس ــ تعیین نظار شرعیات در ولایات ــ جلوگیری از منهیات ــ اجرای مواد مربوط به محاضر شرع که در تشکیلات سابق عدلیه پیش بینی شده بود.

در این جلسه از طرف دولت وعده‌های مساعد داده شد و قضیه ختم و رفع نگرانی گردید.

۱۸ مخبرالسلطنه رئیس الوزراء و تیمورتاش وزیر دربار و همراهان در قم از آیت‌الله شیخ عبدالکریم دیدن نمودند.

۲۹ حاج سید ابوالقاسم امامی (امام جمعه سابق تهران) به رحمت ایزدی پیوست. حاج سید ابوالقاسم فرزند سید زین‌العابدین امام جمعه تحصیلکرده نجف بود. وی در سال ۱۳۱۹ هـ.ق پس از درگذشت پدرش امام جمعه تهران شد و یکی از دختران مظفرالدین شاه را که قبلاً همسر موقرالسلطنه بود به نکاح خود درآورد.[۱]

دی ماه

٤ میرزا ابوالقاسم قره گوزلو (ناصرالملک) از اعاظم رجال دوره قاجاریه که چندی نایب السلطنه احمدشاه قاجار بود در تهران درگذشت.

۱ ــ حاج سید ابوالقاسم در زمان سلطنت محمدعلیشاه در زمره مخالفین مشروطه قرار گرفت و شاه را تشویق به ضدیت با مجلس نمود. روزیکه تهران فتح شد و محمدعلیشاه در سفارت روس متحصن گردید او نیز همراه شاه بود. هئیت مدیره پس از خلع محمدعلیشاه سیدابوالقاسم را از امامت جمعه تهران خلع نمودند و بجای او برادرش سیدمحمد معروف به امام‌زاده را به امامت جمعه انتخاب کردند.

حاج سید ابوالقاسم پس از گرفتن تأمین به اروپا رفت و چندی در سوئیس و چند کشور اروپائی مسکن گزید تا وقتی آبها از آسیاب افتاد و آرامش در کشور برقرار شد به ایران بازگشت. وی فرزندان متعددی داشت که از آن جمله دکتر سید حسن امامی را باید نام برد که در سال ۱۳۲٤ پس از فوت عمویش (سیدمحمد امام جمعه) امام جمعه تهران شد و چندی نیز در کار سیاست بود. مدتی کوتاه رئیس مجلس شورای ملی گردید و چندی هم سناتور بود.

۴ حاج آقا نورالله مجتهد که از اجله علمای ایران و محل توجّه توده مسلمین بود در اصفهان به رحمت ایزدی پیوست. از طرف دستجات مختلف در نقاط تهران و اغلب ولایات مجالس ترحیم و عزاداری منعقد شد. در اصفهان عده‌ای از مردم ضمن عزاداری تیغ زدند و دو نفر از تیغ زدگان درگذشتند.

۶ قبل از ظهر امروز هلاکوخان عضو مالیه اصفهان به اتاق میرزا سید محمدخان نصر معاون وزارت مالیه وارد می‌شود. پس از مختصری مذاکره مشارالیه را با گلوله مقتول و خود نیز در همان اتاق انتحار می‌نماید.

۸ سلطان محمدخان عامری بجای مرحوم نصر به معاونت وزارت مالیه منصوب گردید.

۱۷ سید محمد تدین وزیر معارف از سمت خود کناره گیری کرد.

۱۷ زین‌العابدین رهنما معاون رئیس‌الوزراء استعفا داد.

۲۱ میرزا یحیی خان قره‌گوزلو (اعتمادالدوله) مستشار دیوانعالی کشور؛ به وزارت معارف تعیین گردید.

۲۱ میرزا یحیی خان دیبا (ناظم‌الدوله) به معاونت رئیس‌الوزراء تعیین شد.

۲۵ هیئت وزیران عناوین متصدیان امور مملکت را به طریق زیر تعیین نمود:

رئیس‌الوزراء و وزیر دربار و کسانی که به این مقام رسیده‌اند (حضرت اشرف).

رؤسای مجلس شورای ملی و سنا (جناب اشرف).

وزراء، ولات، سفرای کبار، رئیس شورای دولتی، رئیس دیوانعالی تمیز و حائزین این مراتب (جناب مستطاب اجل).

وزراء مختار، حکام ولایات درجه اول، کفیل و معاون وزارتخانه‌ها و کسانیکه به این مقام رسیده‌اند (جناب).

سایر مستخدمین دولت مطلقاً (آقا).

برای امرای قشون عنوان حضرت اجل تعیین شد.

بهمن ماه

۱ معاونین جدید وزارتخانه‌ها به این ترتیب معرفی شدند: مدیرالدوله سمیعی معاون وزارت معارف ـــ منتظم‌الدوله معاون وزارت داخله ـــ علی‌خان خبیرالسلطنه معاون وزارت پست و تلگراف.

۵ انعقاد سلام اعیاد از طرف ریاست وزراء به ترتیب زیر مقرر گردید:

عید نوروز ـــ عید تاجگذاری ـــ عید مبعث و عید غدیر سلام عام برگزار می‌شود. در عید اضحی، عید فطر، عید مشروطیت، عید مولود حضرت رسول، عید مولود حضرت امیر، عید مولود حضرت سیدالشهداء و عید مولود حضرت حجة سلام خاص منعقد خواهد شد.

۵ سرتیپ فرج‌الله خان آق‌اولی به حکمرانی خوزستان تعیین گردید.

۸ سرتیپ محمدحسین میرزا فیروز به ریاست اداره کل احصائیه مملکتی معرفی شد.

اسفند ماه

۱۴ دکتر سعیدخان لقمان‌الملک به ریاست صحیه کل مملکتی منصوب شد.

۲۲ هیئت وزیران تصویب نمود که گذرنامه سیاسی به افراد زیر داده خواهد شد:

اولاد و احفاد پادشاه، اعضاء رئیسه دربار، رئیس‌الوزراء و رؤسای مجلسین و نواب آنها، وزراء و معاونین وزراء در هنگام تصدی. رئیس‌الوزراء، وزراء، سفرای کبار، وزرای مختار سابق، مأمورین سیاسی و قنسولگری سابق و مأمورین فوق‌العاده، اعضای درجه اول وزارتخارجه.

۲۴ به حکم دادگاه نظامی بامداد امروز سرهنگ محمودخان پولادین در باغشاه اعدام و به جوخه آتش سپرده شد. این اعدام نتیجهٔ کشف توطئه‌ای بود که سرهنگ مزبور به اتفاق رفقای خود که عبارت بودند از یاور نصرالله خان، یاور احمدخان پولادین و یاور روح‌الله خان و هایم نماینده دوره پنجم کلیمیان قصد داشتند به شاه سوءقصد نمایند و قدرت را بدست بگیرند.

۲۸ مجلس شورای ملی با یکصد تومان اضافه حقوق وکلای مجلس موافقت کرد. با این اضافه حقوق دریافتی وکلای مجلس در ماه به سیصد تومان رسید.

۳۰ علی منصور (منصورالملک) والی آذربایجان شرقی شد.

سال ۱۳۰۷ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۲۸ تا ۲۱ مارس ۱۹۲۹ میلادی

فروردین ماه

۱ فرمان انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی از طرف وزارت داخله منتشر شد.

۱ به مناسبت سال جدید عده‌ای از صاحب‌منصبان قشون ترفیع درجه گرفتند. از جمله سرتیپ امان میرزا جهانبانی فرمانده لشکر شرق به درجه امیرلشکری، سرهنگ محمدخان درگاهی به درجه سرتیپی، سرهنگ کریم آقا بوذرجمهری به درجه سرتیپی، سرهنگ عزیزالله خان ضرغامی فرمانده تیپ مکران به درجه سرتیپی، سرهنگ دکتر کریم آتابای رئیس صحیه ارتش به درجه سرتیپی، سرهنگ احمد نخجوان رئیس اداره هواپیمائی به درجه سرتیپی و سرهنگ ابوالقاسم گرانمایه فرمانده تیپ توپخانه به درجه سرتیپی.

۱۴ در جلسه امروز مجلس شورای ملی مؤتمن‌الملک پیرنیا با ۷۹ رأی به ریاست مجلس انتخاب شد.

۱۵ امیرلشکر عبدالله خان طهماسبی وزیر فوائد عامه در قریه رزان بین خرم‌آباد و بروجرد توسط عده‌ای اشرار مسلّح به قتل رسید.

توضیح آنکه نامبرده در روز ۲۹ اسفند به عزم بازدید طرق خوزستان و لرستان و تسریع در اتمام آن با طیاره از تهران حرکت کرده به خرم‌آباد وارد می‌شود پس از بازدید غالب راه‌ها تا اینکه هنگام عبور به سوی بروجرد سه تیر به وی شلیک می‌شود. او را به بروجرد انتقال دادند. از تهران دکتر سعید مالک (لقمان‌الملک) و عده‌ای جراح به خرم‌آباد و سپس بروجرد می‌روند و او را تحت عمل جراحی قرار می‌دهند ولی پس از عمل جراحی نامبرده فوت می‌نماید.

۱۶ رضاشاه برای رسیدگی به قتل وزیر فوائد عامه از راه قزوین به بروجرد عزیمت نمود. در اثر این مسافرت غلامرضاخان والی پشتکوه به بغداد فرار کرد.

۱۶ مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی از قتل امیرلشکر طهماسبی وزیر فوائد عامه در جلسه علنی اظهار تأسف نمود و مجلس را تعطیل کرد. ادارات دولتی یک روز تعطیل عمومی اعلام نمودند.

۱۹ در جلسه امروز مجلس سیدالمحققین دیبا و خلیل فهیمی به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۲۱ امیرلشگر احمدآقاخان امیراحمدی رئیس کل ژاندارمری با حفظ سمت به فرماندهی لشگر غرب منصوب شد تا نسبت به قلع و قمع باقیمانده الوار اقدام حاد به عمل آورد. امیراحمدی سرتیپ علی توفیقی معاون خود را به کفالت ژاندارمری تعیین نمود و خود به خرم‌آباد رفت.

اردیبهشت ماه

۱۳ سرتیپ حبیب‌الله خان شیبانی رئیس ارکان حرب کل قشون از طرف رئیس‌الوزراء به عنوان وزیر فوائد عامه به مجلس معرفی شد.

۱٤ سرتیپ محمدخان نخجوان رئیس کل مدارس نظام با حفظ سمت به کفالت ارکان حرب کل قشون منصوب شد.

۱۸ جلد اول قانون مدنی ایران مشتمل بر ۹۵۵ ماده فی‌المجلس از طرف نمایندگان به تصویب رسید.

تهیه و تنظیم قانون مدنی که از اهم قوانین است تحت نظر کمیسیونی به ریاست علی‌اکبر داور وزیر عدلیه انجام گرفت. اعضاء کمیسیون عبارت بودند از سیدمحسن صدر (صدرالاشراف)، حاج سیدنصرالله تقوی، حاج سیدمحمد فاطمی قمی، مصطفی عدل (منصورالسلطنه)، شیخ علی بابا عالم، سیدکاظم عصار و شیخ محمدعلی کاشی. اعضای کمیسیون مزبور در تهیه قانون مزبور به چند کتاب معتبر فقهی از جمله شرایع الاسلام، شرح لمعه و جواهر توجه داشته‌اند.

۲۰ وکالت دادگستری طبق قانون جدید تشکیلات عدلیه محتاج به اجازه شد. شرایطی که برای وکالت در نظر گرفته شده عبارتست از: سابقه وکالت، سه سال خدمت قضائی، داشتن لیسانس حقوق از مدارس عالی داخلی یا خارجی و امتحان بعضی از مسائل حقوقی.

۲۰ به مناسبت الغاء کاپیتولاسیون و گذشتن یکسال مهلت در تمام ایران مجالس جشن و سرور بر پا گردید.

۲۰ از طرف حکومت تهران ۲۶ نفر از افراد معتمد برای نظارت انتخابات دوره هفتم دعوت شدند. در میان دعوت‌شدگان میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله) از عضویت استعفا داد. در همین جلسه عدل‌الملک دادگر به ریاست هیئت نظارت و شاهزاده شهاب‌الدوله شمس ملک‌آرا به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۲۰ وزرای مختار انگلستان و فرانسه امروز در وزارت خارجه حضور یافته عهدنامه های جدید را بر اساس الغاء کاپیتولاسیون امضاء کردند.

۲۰ بین دولتین ایران و انگلستان عهدنامه جدیدی راجع به تعرفه گمرکی مستقل ایران امضاء و مبادله شد.

۲۱ در جلسه امروز مجلس شورای ملی حاج مخبرالسلطنه رئیس‌الوزراء گفت افتخار دارم الغای کاپیتولاسیون را به اطلاع مجلس برسانم و اضافه کرد همه در تحت قانون و یک محکمه رجوع خواهند شد **لانفرق بین احد من الملل.**

مؤتمن‌الملک ضمن نطق پرشوری از این اقدام دولت سپاسگزاری کرد و دوازده نفر را تعیین نمود که برای تشکر نزد شاه بروند.

۲۲ نخستین جشن الغاء کاپیتولاسیون به مباشرت آقای فرخی یزدی مدیر جریده طوفان از طرف مطبوعات در اداره روزنامه طوفان منعقد گردید .

برقراری این جشن توسط فرخی به صلاحدید و اصرار تیمورتاش صورت گرفت. وی میل داشت روابط فرخی و رضاشاه را التیام دهد. همین جشن باعث شد تا فرخی در دوره هفتم به وکالت مجلس انتخاب شود. هزینه این جشن توسط سردار اسعد بختیاری به فرخی پرداخت گردید.

۲۳ نخستین آئین‌نامه راهنمائی و رانندگی تهیه و از طرف سرتیپ محمدخان درگاهی رئیس نظمیه به اطلاع عموم رسید.

توضیح آنکه در سال ۱۳۰۷ طبق آمار منتشره تعداد وسائط نقلیه در تهران به این شرح بوده است:

اتومبیل های شخصی ٤۹۰ دستگاه، اتومبیل کرایه ۱۰۹۹ دستگاه، درشکه کرایه‌ای ٤۵۹.

۲۳ قانون حکمیت که از طرف وزارت عدلیه تهیه شده بود تسلیم مجلس شورای ملی گردید.

خرداد ماه

۱ قانون اعزام محصل به خارج به تصویب رسید. به موجب این قانون دولت همه‌ساله یک صد نفر محصل را به هزینه خود برای انجام تحصیلات عالیه به اروپا اعزام خواهد نمود.

۱۶ امیر امان‌الله خان پادشاه افغانستان به اتفاق همسر خود پس از سیاحت در کشورهای اروپائی وارد تهران شد و از

مؤسسات فرهنگی و نظامی دیدن کرد.

۳۱ امیر امان‌الله خان و همسرش تهران را به قصد افغانستان از راه خراسان ترک کردند.

تیر ماه

۴ انتخابات تهران خاتمه پذیرفت و کلیه آراء مستخرجه ۵۱۷۷۶ رأی بود. حائزین اکثریت به این شرح بودند:

۱ ــ شیخ حسین تهرانی، ۲ ــ حاج حسین آقا مهدوی (امین‌الضرب)، ۳ــ حسن وثوق (وثوق‌الدوله)، ٤ــ دکتر حسین خان مالیه، ۵ــ امیر همایون بوشهری، ٦ــ حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک)، ۷ــ حاج محمدتقی بنکدار، ۸ــ حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک)، ۹ــ حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، ۱۰ــ میرزا هاشم آشتیانی، ۱۱ــ ضیاءالدین کیانوری، ۱۲ــ سیدرضا فیروزآبادی، ۱۳ــ شیخ علی مدرس، ١٤ــ سید عبدالرحیم کاشانی، ۱۵ــ سید حبیب‌الله لاریجانی.

آقایان مؤتمن‌الملک و مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک در قبال دعوت ادیب‌السلطنه سمیعی حکمران تهران از قبول نمایندگی معذرت خواستند و درنتیجه شیخ علی مدرس و خلخالی و لاریجانی جزء نمایندگان تهران معرفی شدند.

۱۲ علیقلی انصاری (مشاورالممالک) وزیر امور خارجه به سمت سفیرکبیر در شوروی منصوب شد. انصاری در ۲۰ تیرماه وارد مسکو شد و روز ٢٤ همان ماه استوارنامه خود را به کالینین رئیس حکومت شوروی تسلیم نمود.

١٤ قانون محاکمه وزراء که ناشی از اختیارات وزیر عدلیه می‌باشد در کمیسیون به تصویب رسید و ملاک کار قرار گرفت.

۱۸ نمایندگان ایران در جامعه اتفاق ملل تعیین شدند: محمدعلی فروغی نماینده اول، حسین علاء نماینده دوم و مسیو کتابچی خان به نمایندگی سوم انتخاب شدند.

۲٦ قانون انحصار تریاک به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب این قانون امور مربوط به تریاک اعم از معاملات و نگهداری و تیار و حمل و نقل و صدور تریاک و شیره و چونه از هر حیث در داخل و خارج منحصر به دولت گردید.

۲۸ بر اثر قانون انحصار تریاک بوسیله مالیه تهران کلیه تریاکهای موجود توقیف گردید و قرار شد از روز شنبه ۳۰ تیر ماه هر مثقال تریاک دو قران و دهشاهی باندرول شود.

مرداد ماه

۱۸ قرارداد لغو کاپیتولاسیون بین ایران و سوئد امضاء و مبادله شد.

۲۰ مجرای آبی که از کرج و طالقان اداره بلدیه طهران با مخارج زیاد احداث کرده بود خاتمه یافت و ۲۵ سنگ آب از مجرای مذکور به مجرای کن منتقل و در خیابانهای شهر جاری گردید.

۲۲ دوره ششم مجلس شورای ملی پایان پذیرفت. خلیل فهیمی (فهیم‌الملک) نایب رئیس از رضاشاه و تیمورتاش تقدیر و تحسین بسیار کرد. مجلس ششم در ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ افتتاح و در ۲۲ مرداد ۱۳۰۷ خاتمه پذیرفت. در این مجلس ابتدا سیدمحمد تدین ریاست داشت و سپس مؤتمن‌الملک به ریاست رسید. تعداد نمایندگان این دوره صد و سی نفر بود.

شهریور ماه

۱۲ ساختمان مقبره فردوسی با حضور والی خراسان آغاز شد.

۱۵ ده نفر محصل از طرف وزارت فوائد عامه برای تحصیل در راه‌آهن و ذوب‌آهن و معادن به پاریس اعزام شدند.

۱۷ شارژدافر هلند به نمایندگی دانمارک قرارداد بین دولتین را در مورد لغو کاپیتولاسیون امضاء کرد.

۲۰ بانک ملی ایران که از ۱۷ شهریور شروع به کار کرده بود امروز توسط شاه و هیئت دولت رسماً افتتاح شد و مورد بازدید قرار گرفت. سرمایه اولیه بانک دو میلیون تومان تعیین گردید که صدی چهل آن نقداً پرداخت شده بود. اداره امور بانک توسط کارشناسان آلمانی انجام خواهد گرفت که تعداد آنها متجاوز از ۲۵ نفر است. ریاست بانک با دکتر لیندبلات آلمانی و معاونت آن با اتوفوگل می‌باشد. از امروز کلیه حسابهای جاری و وجوه عمومی و اعتبارات وزارتخانه‌ها و دوایر دولتی و کلیه عایدات دولت از بانک

شاهی به بانک جدیدالتأسیس منتقل گردید و حساب شماره ۱ به نام رضاشاه پهلوی افتتاح شد. ریاست هیئت نظار بانک ملی به بهاءالملک قره‌گوزلو سپرده شد و نیرالملک هدایت نیابت او را یافت. منصورالسلطنه عدل مدیرکل تهیه قوانین وزارت عدلیه با حفظ سمت مشاور حقوقی بانک ملی گردید.

مهر ماه

۱۲ اولین دسته محصلین که تعداد آنها یکصد و ده نفر بودند برای انجام تحصیلات عالیه در رشته‌های مختلف به اروپا اعزام شدند. کلیه این محصلین از مدارس متوسط ایران که تحصیلات آن مورد قبول دولت فرانسه بود دیپلم گرفته بودند.

عده زیادی از این محصلین در عرصه سیاسی ایران رشد یافتند و برخی نیز مقام شامخ علمی پیدا کردند که نام بعضی از آنها از اینقرار است:

دکتر عبدالحمید زنگنه ــ دکتر عزیزالله ملک اسمعیلی حسین نقوی ــ دکتر مرتضی آزموده ــ دکتر کریم سنجابی ــ دکتر سیدعلی شایگان ــ دکتر لطفعلی صورتگر مهندس غلامعلی فریور ــ مهندس عبدالله ریاضی ــ دکتر جلال عقیلی ــ دکتر حسین سامی‌راد ــ مهندس مهدی بازرگان ــ مهندس احمد رضوی ــ مهندس احمدعلی ابتهاج ــ دکتر مصطفی حبیبی ــ خلیل ملکی ــ دکتر رضا رادمنش ــ دکتر ابراهیم ریاحی ــ مهندس احمد حامی ــ دکتر مهدی آذر ــ دکتر محمدعلی ملکی و دکتر نصرت‌الله باستان.

۱۴ دوره هفتم مجلس شورای ملی افتتاح شد. عدل‌الملک دادگر به ریاست موقتی مجلس انتخاب گردید.[۱]

۱۶ سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه به اتفاق عده‌ای صاحب‌منصب و وکیل و آژان وارد منزل سیدحسن مدرس روحانی مبارز و نماینده ادوار گذشته مجلس شورای ملی می‌شوند تا وی را دستگیر نمایند. بین مدرس و درگاهی زد و خورد آغاز می‌شود. چون تعداد مأمورین زیاد بود مدرس را به سختی مضروب و مجروح می‌نمایند و او را کشان‌کشان از خانه خارج کرده سوار اتومبیل نموده و به خارج از تهران می‌برند. سرانجام در شهر خواف واقع در سرحد ایران و افغان او را در محبس نظمیه زندانی می‌کنند.

در همان موقع که مدرس دستگیر شد اعضاء خانواده او را که پسران و دخترش بودند به نظمیه می‌برند. سیدجلال‌الدین منجم تهرانی نیز که در آن موقع در خدمت مدرس بود توقیف و به محبس نظمیه منتقل می‌شود.

۳۱ رضاشاه برای بازدید و افتتاح راه خوزستان از طریق قم و عراق و بروجرد عزیمت نمودند.

آبان ماه

۷ راه خرم‌آباد به دزفول و محمره افتتاح و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. عده زیادی از رجال از جمله فرمانفرما، وثوق‌الدوله، سیدمحمد تدین، ظفرالسلطنه بختیاری و قوام‌الملک شیرازی به اتفاق اعضای هیئت دولت و روزنامه‌نگاران در این سفر شاه را همراهی کردند.

۱۶ در جلسه امروز مجلس شورای ملی آقای حسین دادگر به ریاست دائمی مجلس انتخاب شد. شریعت‌زاده و رضا افشار نایب رئیس مجلس شدند.

۲۹ مهدیقلی هدایت رئیس‌الوزراء وزیران خود را به این شرح به مجلس معرفی کرد:

فیروز فیروز وزیر مالیه ــ علی اکبر داور وزیر عدلیه ــ یحیی قره‌گوزلو وزیر معارف ــ سرتیپ شیبانی وزیر فوائد عامه ــ صوراسرافیل وزیر پست و تلگراف ــ سردار اسعد وزیر جنگ ــ ادیب‌السلطنه سمیعی وزیر داخله ــ پاکروان کفیل وزارت خارجه ــ یحیی دیبا (ناظم‌الدوله) معاون رئیس‌الوزراء.

۱ ــ در مجلس هفتم تنها رئیس‌الوزرای سابق که به نمایندگی انتخاب شد میرزاحسن خان وثوق‌الدوله بود از وزرای سابق عباس فرمانفرمائیان (سالار لشگر) اکبر مسعود (صارم‌الدوله) خلیل فهیمی (فهیم‌الملک) دکتر امیراعلم و سهام‌السلطان بیات در مجلس عضویت یافتند.

از مدیران جرائد محمد فرخی یزدی، محمدرضا طلوع، علی دشتی عضو بودند، فرخی یزدی و طلوع در این مجلس نقش اقلیت را به عهده گرفته بودند.



حسین دادگر (عدل الملک) در ادوار هفتم و هشتم و نهم به ریاست مجلس شورای ملی برگزیده شد.

آذر ماه

۱ برنامه دولت با اکثریت صد رأی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۴ لایحه رسمیت یافتن قوانین مصوب کمیسیون عدلیه مجلس تصویب شد.

۴ هیئت وزیران آقای محمدعلی فروغی را به نمایندگی دائمی ایران در جامعه اتفاق ملل و آقای حسین علاء را برای کمیسیون‌های مختلف جامعه ملل تعیین نمود؛

۱۵ غائله بلوچستان خاتمه یافت. عشایر و ایلات سر از طغیان برداشتند.

دی ماه

۱ میرزا محمودخان جم والی خراسان به سمت وزارت فوائد عامه و تجارت تعیین و معرفی شد.

۳ سیدحسن تقی‌زاده والی خراسان گردید.

۶ قانون توحید لباس در طی چهار ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.[1]

۶ امیرلشکر محمودخان آیرم فرمانده نیروی جنوب به علت سوءرفتار و اخذ رشوه و فشار بر عشایر فارس به تهران احضار و به زندان افتاد.[1]

۲۲ قانون تشکیل و طرز رسیدگی دیوان جزای عمال دولت به تصویب رسید.

بهمن ماه

۱ دیوان جزای عمال دولت به ریاست حاج شرف‌الملک فلسفی افتتاح شد و از امروز کار رسیدگی به پرونده‌های مختلسین دولتی را آغاز کرد. دیوان جزا فعلاً دو شعبه دارد. ریاست شعبه دوم با عبدالعلی لطفی است که سابقاً رئیس شعبه استیناف تهران بود.

مدعی‌العموم کل آقای سیدعلی حائری (شاهباغ) رئیس سابق کل محاکم می‌باشد.

مستشاران عبارتند از محمودخان دفتری[2]، محمدعلی بامداد، نصرالله جهانگیر، ابراهیم زند، غلامحسین نقدی[3] و اسمعیل یکانی[4].

آقای اللهیارخان صالح عضو علی‌البدل شعبه اول و آقای محمدعلی خان بوذری عضو علی‌البدل شعبه دوم هستند.

۷ علی‌اکبر داور وزیر عدلیه بر اساس اختیارات مکتسبه از مجلس شورای ملی یک محکمه عالی قضائی برای رسیدگی به تخلفات قضات تشکیل داد و نام آنرا «محکمه انتظامی قضات» نامید.

---

۱ ــ متن قانون توحید لباس به این شرح است:

ماده اول ــ کلیه اتباع ایران که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند در داخله مملکت مکلفند که ملبس به لباس متحدالشکل شوند و کلیه مستخدمین دولت اعم از قضائی و اداری مکلفند در موقع اشتغال به کار دولتی به لباس مخصوص قضائی یا اداری ملبّس شوند در غیر آن موقع باید به لباس متحدالشکل ملبّس شوند.

ماده دوّم ــ طبقات هشتگانه ذیل از مقررات این قانون مستثنی هستند: اولاً مجتهدین از مراجع تقلید مسلّم که اشتغال به امور روحانی داشته باشند. ثانیاً مراجع امور شرعیه دهات و قصبات پس از برآمدن از عهده امتحان معیّنه. ثالثاً مفتیان اهل سنت و جماعت که از طرف دو نفر از مفتیان مهمّ اهل سنت اجازه فتویٰ داشته باشند. رابعاً پیشنمازان دارای محراب. خامساً محدثین که از طرف دو نفر از مجتهدین مجاز اجازه روایت داشته باشند. سادساً طلاب مشتغلین به فقه و اصول که در درجه خود از عهده امتحان برآیند. سابعاً مدرسین فقه و اصول و حکمت الهی. ثامناً روحانیون ایرانیان غیر مسلم.

ماده سوم و چهارم مربوط به اجرای قانون از اول فروردین ۱۳۰۸ در شهرها و قصبات و تا فروردین ۱۳۰۹ خارج از شهر و جریمه تخلف از آن می‌باشد.

۱ ــ امیرلشگر محمودخان آیرم از افسران قزاق خانه مدتی نیز ریاست ستاد قزاق‌خانه با او بود در تشکیلات جدید قشون فرمانده سپاه جنوب شد ابتدا مرکز فرماندهی او در اصفهان قرار داشت بعد به شیراز منتقل گردید شورش عشایر فارس که از اواخر سال ۱۳۰۷ شروع شده و در سال بعد به اوج خود رسید در نتیجه سختگیری و بی‌تدبیری آیرم بوده است. رضاشاه او را بتهران احضار و بزندان افکند. برای اطلاع کامل از شورش عشایر فارس به کتاب (شورش عشایر فارس) اثر تحقیقی کاوه بیات مراجعه فرمائید.

۲ ــ پدر دکتر احمد متین دفتری که قبلاً عین الممالک لقب داشت.

۳ ــ بعد با درجه سرتیپی دادستان و رئیس دادرسی ارتش شد.

۴ ــ از فضلاء و دانشمندان آذربایجان در دادگستری مقامات مهمی از قبیل ریاست کل دیوان کیفر، ریاست شعبه تمیز و ریاست دادگاه تجدید نظر انتظامی قضات را احراز کرد.

سید محسن صدر با رتبه ده قضائی به ریاست محکمه و آقایان شیخ محمد عبده بروجردی با رتبه ۱۰ قضائی و میرزا مهدی آشتیانی با رتبه ۹ قضائی و سید عبدالمهدی طباطبائی با رتبه ۹ قضائی و میرزا عیسی خان علی‌آبادی با رتبه ۹ قضائی به عضویت محکمه انتخاب شدند.

۸ داور وزیر عدلیه انتصابات زیر را انجام داد:

میرزا محمدرضا وجدانی به ریاست شعبه تمیز، میرزا علی آقا هیئت به ریاست استیناف غرب، میرزا محمد گلپایگانی به مدعی‌العمومی استیناف تهران، میرزا عبدالله مستوفی به ریاست استیناف فارس و میرزا جوادخان عامری به ریاست محکمه تجارت منصوب شدند.

۱۸ لایحه منع فروش برده به مجلس داده شد و به قید دوفوریت به تصویب رسید.

۱۹ کتابخانه بانک استقراضی روس مشتمل بر ۴۵۰۰ جلد کتاب به وزارت معارف اهدا گردید.

۲۳ شاهزاده کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه قاجار معروف به عناوین (امیرکبیر ــ نایب‌السلطنه) به بیماری نقرس و ضعف مزاج درگذشت.[1]

۲۶ دوست‌محمدخان بلوچ که صفحات بلوچستان را مورد تاخت و تاز قرار داده بود مغلوب قوای دولت و دستگیر و مورد عفو واقع شد.

۲۸ بین دولتین ایران و آلمان قرارداد تجارتی و گمرکی و بحرپیمائی و اقامت به امضاء رسید.

۱ ــ کامران میرزا سومین فرزند ذکور ناصرالدینشاه در سال ۱۲۷۲ هـ.ق در تهران تولّد یافت. از سن ٦ سالگی دارای القاب و عناوین و مقامات مختلف گردید. در تمام مدت سلطنت پدرش مقام وزیرجنگی و فرماندهی کل قوا را داشت. حکومت تهران و گیلان و مازندران با او بود. در سفرهای ناصرالدینشاه به خارج نیابت سلطنت به او داده می‌شد. وی در طول حیات خود ثروت زیادی اندوخت. باغ بزرگی در غرب تهران احداث کرد و خیابانی در جلوی باغ خود کشید و نام آنرا (امیریه) گذاشت و امروز نیز به همان نام معروف است. کامران‌میرزا در زمان سلطنت برادرش زیاد مورد توجه نبود. یکی از دختران خود را به محمدعلیشاه داد. در زمان سلطنت برادرزاده و داماد خود حتی پس از مشروطیت وزیر جنگ بود. در دوران استبداد صغیر یکی دو روز صدراعظم شد. در دوران سلطنت احمدشاه فرمانروای خراسان گردید. فرزندان او نام خانوادگی کامرانی را برای خود انتخاب کردند.

اسفند ماه

۲۳ قانون آزادی ورود نقره به مملکت از تصویب مجلس گذشت.

۲۵ در جلسه امروز مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۰۸ مجلس به مبلغ ٦۲۳,۱٤۰ تومان تصویب شد.

۲۵ کلیه افراد ایل قشقائی که در تمام نقاط مغرب فارس پراکنده بودند در چاه‌کاظما اجتماع نموده تحت ریاست علی‌خان سالارحشمت برادر سردار عشایر (صولت‌الدوله) به عناوین مختلف تمام طرق و شوارع را مسدود نمودند و علیه تصمیمات دولت و مصوّبات مجلس بنای مخالفت گذاردند. قشون سالارحشمت که هشتهزار نفر بود اغلب قراء و قصبات را غارت نموده و اغلب شهرها و قصبات را به تصرف درآوردند. تقاضاهای شورشیان عبارتست از: ۱ــ آزادی صولت‌الدوله، ۲ــ انتصاب وی یا یکی از فرزندانش به مقام ایلخانی قشقائی، ۳ــ عدم خلع سلاح قشقائی، ٤ــ عدم اجبار ایلات در اعزام جوانان به خدمت نظام وظیفه، ۵ــ عدم اجرای قانون لباس متحدالشکل در مورد قشقائی، ٦ــ رفع تضییقات اداره سجل احوال، ۷ــ جمع‌آوری مالیات توسط ایلخانی، ۸ــ عدم اعمال انحصار دولتی قند و شکر و تنباکو و به‌ویژه تریاک در منطقه قشقائی.

شورشیان فارس اطراف شیراز را محاصره نموده از ورود خوار و بار جلوگیری کردند.

۲٦ بودجه دخل و خرج مملکت به استثنای عایدات نفت جنوب که به حساب ذخیره می‌رود در ۳۱,۰۱۲,٤۰٤ تومان عایدات و ۳٤,۹٤۵,۲٦۰ تومان و یک قران به علاوه شش ملیون تومان که از وجوه ذخیره صرف تکمیل مهمات قشونی می‌شود به تصویب مجلس رسید.

۲٦ سرتیپ محمدخان شاه‌بختی به فرماندهی قوای فارس برای سرکوبی عشایر تعیین شد.

۲۷ اکبر میرزا مسعود (صارم‌الدوله) والی فارس گردید. مسعود در کابینه های سابق به ترتیب سمت وزارت مالیه، وزارت امور خارجه و وزارت فوائد عامه را عهده‌دار بود.



نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای ملی. در وسط نمایندگان عبدالحسین میرزا تیمورتاش وزیر دربار، عدل‌الملک دادگر رئیس مجلس شورای ملّی، میرزا حسین شکوه‌الملک رئیس دفتر مخصوص دیده میشود. به ابتکار تیمورتاش نمایندگان مجلس هر ماه یکبار به هیئت اجتماع در دربار حضور می‌یافتند. در این اجتماع خط‌مشی سیاسی کشور توسط شاه یا تیمورتاش تشریح می‌شد. از دوره هفتم به بعد انتخابات یک‌دست شد و دیگر مخالفیِ درآن دیده نمی‌شد.

سال ۱۳۰۸ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۲۹ تا ۲۱ مارس ۱۹۳۰ میلادی

فروردین ماه

۱ امیرلشکر احمدآقاخان امیراحمدی فرمانده قوای غرب به درجه سپهبدی ارتقاء یافت.

۱ سرهنگ محمد محتشمی به درجه سرتیپی رسید.

۶ حکومت خمسه و لارستان و مضافات به سرتیپ ابوالحسن خان پورزند واگذار شد.

۷ شورش عشایر فارس ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. طوایف بهارلو، اینانلو، عرب و نفر از هر گوشه سر به طغیان برداشتند و قلمرو خمسه فارس را حیطه تاخت وتازخودقرار دادند.

۸ زد و خورد موضعی بین شورشیان و نیروی دولتی به طور پراکنده در سرتاسر منطقه فارس آغاز گردید.

۱۴ در جلسه مجلس شورای ملی آقای دادگر مجدداً به ریاست و عباس میرزا فرمانفرمانیان(سالار لشکر برادر نصرت‌الدوله) و شریعت‌زاده به نیابت انتخاب شدند.

اردیبهشت ماه

۵ مهدیقلی هدایت رئیس‌الوزراء از طرف دولت شناسایی دولت جدید عراق را اعلام کرد.

۸ رستم‌بیک سفیر فوق‌العاده عراق پس از شناسائی رژیم تازه عراق از طرف ایران تهران را ترک کرد.

۱۲ زلزله شدیدی در کیفان و شیروان و شهر کهنه قوچان حادث شد. کیفان را به کلی منهدم ساخت و هزار نفر را تلف نمود و قریب شش فرسنگ زمین را شکاف داد. شیروان به کلی خراب شد. قراء و قصبات و دهات نابود گردید. تلفات تا سه هزار نفر و مجروحین تا ده هزار نفر پیش‌بینی می‌شود.

۱۵ سرتیپ فضل‌الله خان زاهدی به ریاست تشکیلات امنیه کل مملکتی منصوب شد.

۱۷ سرتیپ فضل‌الله خان زاهدی به اتفاق سرتیپ احمد نخجوان رئیس هواپیمائی عازم شیراز شدند تا درباره شورش عشایر چاره‌اندیشی نمایند.

۱۹ قراردادهای دولتین ایران و بلژیک در مورد اقامت، تجارت و بحر پیمائی امضاء و مبادله شد.

۱۹ به دنبال لغو کاپیتولاسیون اداره کل محاکمات وزارت امور خارجه منحل گردید.

۲۰ عهدنامه‌های بین ایران و فرانسه امضاء و مبادله شد.

۲۶ عهدنامه‌های بین ایران و سوئد در وزارت خارجه امضاء و مبادله شد.

خرداد ماه

۲ فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله) وزیر مالیه از کاربرکنار و توسط سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه توقیف شد.[۱]

۱۰ سرتیپ حبیب‌الله خان شیبانی رئیس شورایعالی نظام با ارتقاء به درجه امیرلشکری با اختیارات کامل فرمانده قوای فارس شد تا غائله و شورش ایلات قشقائی و بختیاری را خاتمه دهد.

۱۴ امیرلشکر حبیب‌الله خان شیبانی از آباده به سوی شیراز حرکت کرد. ستون موتوریزه وی به هنگام عبور از پل خان مورد حمله شورشیان قشقائی قرار گرفت. جز زره‌پوش‌ها بقیه نیرو که عبارت از چندین جعبه تفنگ دست نخورده برنو و مهمات آن بود به دست شورشیان افتاد. عده زیادی از صاحبمنصبان و افراد کشته شدند.

۱۵ شورش عشایر فارس تدریجاً به بختیاری سرایت کرد. علیمردان خان بختیاری جمعیتی به نام هیئت اجتماعیه خوانین تشکیل داد و سرانجام به سوی دهکرد حرکت کردند.

۱۶ شورشیان برای تصرف شهر شیراز دست به فعالیت دامنه‌داری زدند و هر آن سقوط شیراز حتمی به نظر می رسید.

۱۶ دره‌شوری‌ها به ارتفاعات مشرف بر پل‌خان شبیخون زدند. عده زیادی از نظامیان در این حمله کشته شدند.

۱۷ شیخ ابوالحسن سرکوهی با قوای تحت فرماندهی خود نیریز را تصرف کرد.

۱۷ شهر لار توسط عشایر شورشی سقوط کرد و زادان‌خان آن را تصرف نمود.

۱۸ دکتر سعید مالک (لقمان‌الملک) رئیس صحیه کل مملکتی لایحه اجباری بودن آبله کوبی را تسلیم مجلس کرد.



اکبر مسعود (صارم‌الدوله)

۲۰ سرتیپ محمدحسین فیروز رئیس ستاد نیروی جنوب، سرتیپ زاهدی فرمانده امنیه کل مملکتی که در فارس اقامت داشتند و سرتیپ احمد نخجوان فرمانده نیروی هوائی از مشاغل خود برکنار و زندانی شدند.

سرتیپ فضل‌الله زاهدی خلع درجه شد و از سرتیپی به تابینی رسید.[۱] نامبردگان نه‌تنها نتوانسته بودند شورش ایلات را خاموش نمایند بلکه دامنه آنرا وسعت داده بودند.

۲۳ اکبر میرزا مسعود (صارم‌الدوله) والی فارس از ایالت معزول و به تهران احضار شد.

۱ ــ توقیف فیروز روزی بود که رضاشاه به اتفاق وزیران در مجلس روضه‌خوانی تکیه دولت حضور یافته بود. هنوز مجلس روضه تمام نشده بود که شاه، محمد درگاهی را مأمور کرد نصرت‌الدوله را توقیف نماید. دراینموقع درگاهی وارد مجلس شده نصرت‌الدوله را از مجلس به خارج خواند و به او گفت تو توقیف هستی بفرمائید در اتومبیل من. ابتدا وزیر مالیه موضوع را جدی تلقی ننمود ولی پس از چند لحظه متوجه شد که دیگر وزیر نیست و فقط یک زندانی است.

۱ ــ سرتیپ زاهدی در زمان رضاشاه سه بار خلع درجه گردید. بار آخر زمانی بود که ریاست نظمیه را عهده دار بود و سیدفرهاد از زندان فرار کرد. رضاشاه او را به کاخ خود احضار و پاگون و درجات او را کند و به زندان فرستاد سرانجام با وساطت مادر زاهدی که از قدیم با رضاخان آشنائی و رفت و آمد داشت از زندان آزاد و درجه خود را گرفت ولی در نیمه دوم سلطنت رضاشاه کار مهمی به او ارجاع نشد و سمت نظامی او ریاست باشگاه افسران بود.



سرلشگر حبیب‌الله شیبانی

۲۳ سرلشکر حبیب‌الله خان شیبانی فرمانده نیروی جنوب با حفظ سمت والی فارس شد.

۲۳ سرهنگ حبیب‌الله شهردار رئیس نظمیه فارس از کار برکنار گردید و سرهنگ آقاخانی رئیس شهربانی اصفهان به جای نامبرده تعیین شد.

۲۳ تمام رؤسای ادارات فارس از کار برکنار شدند.

۲۷ صولت‌الدوله از زندان تهران آزاد شده و وارد شیراز گردید.

۲۹ اکبر مسعود (صارم‌الدوله) والی سابق فارس دستگیر و زندانی شد.

تیر ماه

۱ کاظم‌خان بهارلو شهر فسا را به تصرف درآورد.

۱ به دنبال برکناری نصرت‌الدوله از وزارت مالیه رضاشاه در آن وزارتخانه حضور یافت و نطقی در انتظام امور ایراد کرد. رضاشاه سپس معاون وزارت مالیه را منفصل نمود[1] و فطن‌الملک جلالی را به معاونت برگزید و وزارت مالیه را تحت نظر رئیس‌الوزراء قرار داد.

۲ وزارت پست و تلگراف پانزده نفر محصل به اروپا اعزام کرد.

۱۵ بین دولت ایران و دولت عراق روابط سیاسی برقرار گردید و از طرف ایران عنایت‌الله سمیعی به عنوان وزیر مختار به بغداد رفت.

۱۷ قبل از ظهر رعد و برق شدیدی در تبریز ظاهر شد و متعاقب آن تگرگ شدید و درشتی بارید. درنتیجه سیل مهیبی شهر را فراگرفت و خسارات فراوانی وارد کرد.

۲٤ آقای سیدمهدی خان فرخ به معاونت وزارت معارف برگزیده شد.

۲۷ شهر دهکرد به دست شورشیان بختیاری افتاد.

۲۹ سیدحسن تقی‌زاده والی خراسان به وزیر مختاری دربار لندن تعیین گردید.

۳۰ قرارداد بین ایران و مصر در وزارت امور خارجه امضاء و مبادله شد.

مرداد ماه

۱ محمدعلی فرزین به کفالت وزارت مالیه منصوب و معرفی شد.

۲ امیر عنایت‌الله خان پادشاه سابق افغانستان که فقط سه روز سلطنت کرده بود با شاهزادگان افغانی و محمد یعقوب خان وزیر سابق دربار وارد تهران شدند.

۱۲ به دنبال آرامش نسبی در منطقه بختیاری از طرف دولت مرتضی قلی خان صمصام به حکومت بختیاری منصوب شد.

۱۲ شورش ایلات و عشایر فارس و بختیاری تا حدی فرونشست و در آن مناطق عفو عمومی صادر شد.

۱۹ میسیون حجاز که عبارتند از شیخ عبدالله الفضل و آقا شیخ محمد عبدالرؤف و آقای سعید افندی وارد تهران شدند و در عمارت ابیض توقف نمودند.

۱ ــ سلطان محمد عامری

۲۰ امروز سیل شدیدی در تبریز جاری شد و بیش از پانصد خانه را خراب کرد. از طرف رضاشاه سه هزار تومان اعانه داده شد. علی وکیلی مؤسس سینما در ایران منافع یک شب سینمای خود را به سیل‌زدگان بخشید.

۲۰ قرارداد موقتی بین ایران و عراق در بغداد توسط آقای سمیعی امضاء و مبادله شد.

۲۱ میسیون حجاز به اتفاق عین‌الملک هویدا میهماندار با شاه ملاقات نمودند. شاه دستور شناسائی دولت نجد و حجاز را صادر کرد و مراتب تلگرافی از طرف دولت ابلاغ گردید.

۲۲ معاضدالسلطنه پیرنیا به ایالت کرمان تعیین گردید.

۲۳ دولت ایران شناسائی دولت نجد و حجاز را اعلام کرد.

۲۸ هیئت وزیران امور تلفن‌خانه و کلیه خطوط تلفنی را به وزارت پست و تلگراف واگذار کرد.

۲۸ محمدعلی فروغی برای حضور در دهمین جلسه شورای جامعه ملل با دستورات لازمه به صوب مأموریت خود رهسپار گردید.

شهریور ماه

۱ محمود جم وزیر فوائد عامه به ایالت خراسان منصوب شد.

۲ عهدنامه مودّت بین دولتین ایران و نجد و حجاز به امضاء رسید.

۲ هیئت وزراء جواز صدور تریاک را برای هر صندوق ۲٤ من و نیم ۲۷۵ تومان تصویب نمود و شرکت ثلاثه که بنا بود برای امتیاز انحصاری تریاک بین آقایان حاج سید محمدرضا کازرونی، حاج محمدباقر بهبهانی و حاج میرزا حبیب‌الله امین اصفهانی تأسیس شود برهم خورد.

۱۰ سرتیپ کریم آقا بوذرجمهری کفیل بلدیه تهران و رئیس اداره نقلیه قشون به وزارت فوائد عامه تعیین و معرفی شد. با معرفی وزیر جدید چرخ‌های این وزارتخانه نیز بکار افتاده لباس متحدالشکل با مشخصات مراتب اداری برای اعضاء تهیه گردید.

۱۵ سرتیپ مرتضی‌خان یزدان‌پناه رئیس اداره تفتیش نظام با حفظ سمت به ریاست ادارهٔ امنیه کل مملکتی منصوب شد.

۱۵ میرعمادی نماینده مجلس شورای ملی درگذشت.

۱۶ قانون تابعیت ایران در پانزده ماده به تصویب مجلس رسید. در این قانون دو اصل خاک و خون هردو رعایت شده است.

۱۶ محمدعلی فرزین به وزارت مالیه انتخاب و معرفی شد.

۲۳ هشتاد و دو نفر از محصلین از طرف دولت برای انجام تحصیلات عالیه رهسپار اروپا شدند.

مهر ماه

۱ حامد خلوصی بیک وزیر مختار دولت مصر در ایران بر اثر سکته قلبی درگذشت.

٤ وزارت فوائد عامه سی و نه محصل به اروپا اعزام نمود.

۱۲ حاج میرزا علی نقی گنجه‌ای نماینده آذربایجان در مجلس شورای ملی موقع عبور از خیابان پهلوی به علت شرارت اسب‌های درشکه از درشکه پرت و به سختی مجروح شد و پس از سه ساعت فوت نمود.

۲۰ سیل شدیدی در رشت جاری شد و پل سیاه‌رود بین شهر و رودبار را بکلی منهدم و راه عبور را مسدود نمود. خسارات وارده زیاد است.

۲۷ اولین کارخانه ریسندگی که به همت حاج رحیم آقای قزوینی در قزوین دائر شده بود افتتاح گردید.

آبان ماه

۷ روزنامه آئینه ایران به مدیریت امیر خلیلی پا به دایرهٔ مطبوعات نهاد و اولین شماره آن امروز انتشار یافت.

۱۹ دوست‌محمدخان بلوچ که سالها منطقه بلوچستان دستخوش قتل و غارت و شرارتهای او بود امروز به حکم محکمه نظامی تیرباران شد.[۱]

۱ ــ دوست محمدخان بلوچ چندی پیش در بلوچستان دستگیر و مورد عفو واقع شده بود و در تهران با شهریه ماهیانه سیصدتومان با دو نوکر زندگی می‌کرد. روزی به قصد شکار از شهر خارج می‌گردد در ورامین پاسبان محافظ خود را به قتل رسانیده به سمت سمنان فرار می‌کند. از طرف اداره نظمیه سرهنگ ادیب السلطنه رادسر و ده درجه دار مأمور دستگیری او می‌شوند. سرانجام در اطراف سمنان دستگیر و به کیفر اعمال خود می‌رسد.

۲۱ میرزا همایون خان سیاح پیشکار مالیه خراسان به معاونت وزارت مالیه منصوب شد.

۳۰ میرزا حسن خان مشار (مشارالملک) به سمت وزارت مالیه و میرزا محمدعلی‌خان فرزین به سمت وزیر امور خارجه تعیین شدند.

۳۰ محمد نادرخان که اخیراً زمام امور افغانستان را در دست گرفته و به نام نادرشاه تاجگذاری کرده است تلگرافی به شاه ایران مخابره و موجودیت خود را اعلام داشت و دولت ایران در همان روز شناسائی حکومت جدید افغانستان را اعلام نمود.

آذر ماه

٤ مدرسه عالی فلاحت تأسیس و شروع به کار کرد. در این مدرسه فنون فلاحتی به محصلین آموخته خواهد شد.

۱۱ ساختمان جدید محبس قصر قاجار که از چندی پیش ساختمان آن آغاز شده بود امروز در حضور شاه و امنای دولت افتتاح گردید. در این تشریفات سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه از مدعوین پذیرائی می‌کرد.

محبس‌جدید نظمیه مجموعاً دارای ۱۹۲ اتاق می‌باشد و گنجایش ۸۰۰ نفر زندانی را دارد. زندان دارای سلول های پنج نفری و یک نفری است. علاوه بر سلول ها کارگاههائی نیز در محوطه زندان بنا شده است که محبوسین در ایام توقیف می‌توانند حرفه و فنی مانند قالی‌بافی، نجاری، صنایع یدی و آهنگری را بیاموزند.

۱۳ سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه از کار برکنار و زندانی شد. منشی‌باشی معاون اداره نظمیه، برهان رئیس یکی از شعب تأمینات و احتشام عضو اداره نظمیه نیز توقیف و همگی در زندان دژبان به بند افتادند.[1]

۱۳ سرتیپ محمدصادق خان کوپال به ریاست نظمیه کل مملکتی منصوب شد. وی تحصیلکرده مدرسه حربیه استانبول و قبل از انتخاب نام خانوادگی معروف به سالار نظام بود. ذاتاً افسری آرام، متین، بی‌آزار و درویش مسلک بود و با این خوی و رفتار نتوانست در رأس شهربانی زیاد باقی بماند.

۱۳ طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران، هیئتی به نام هیئت تفتیشیه مملکتی از اعضاء برجسته قشون و دوایر مهم دولت تحت ریاست عالیه داور وزیر عدلیه تشکیل یافت. هیئت مزبور وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی را در تهران مورد تفتیش قرار داده و متخلفین را به دستگاه عدالت می سپردند.

۲۴ میرزا جوادخان سعدالدوله از اعاظم رجال ایران در دوره قاجاریه درگذشت. سعدالدوله به هنگام فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان و خلع محمدعلی‌شاه سر پرست دولت و وزیر خارجه بود.

دی ماه

۱۶ راه‌آهن خوزستان افتتاح و بهره‌برداری از آن آغاز شد.

بهمن ماه

۲۸ به دنبال جلوس نادرشاه به تخت سلطنت دولتین ایران و افغانستان روابط خود را گسترده‌تر نمودند و سفارتخانه های دو کشور تبدیل به سفارت کبری گردید.

از طرف دولت ایران نصرالله خلعتبری (اعتلاءالملک) اولین سفیرکبیر ایران در کابل گردید.

اسفند ماه

۵ قرارداد حمایت علائم تجاری و صنعتی و ثبت اختراعات بین ایران و آلمان امضاء و مبادله شد.

۵ برای جلوگیری از بحران اقتصادی هیئت وزیران چند هفته

---

۱ ــ در باره علت توقیف درگاهی مطالبی نوشته شده است. ولی علت اصلی آن رقابت و مبارزه‌ای بوده است که از ابتدای سلطنت پهلوی بین تیمورتاش وزیر مقتدر دربار و درگاهی رئیس نظمیه وجود داشته است. این مبارزه و کشمکش سرانجام منجر به برکناری و توقیف درگاهی شد و در این مبارزه تیمورتاش به پیروزی رسید. درگاهی چندی در زندان بسر برد تا مورد عفو واقع گردید و ریاست اداره نظام وظیفه را به او سپردند. چندی نیز در اداره کل سجل احوال بود تا سرانجام در اثر برخورد و نزاعی که بین او ←

و سرلشگر ضرغامی رئیس ستاد ارتش به وقوع پیوست از کار خارج و بازنشسته شد و در اطراف ورامین به کار کشاورزی پرداخت. درگاهی ذاتاً مردی شرور و آتش افروز بود و از دوران کودکی در مدارسی که تحصیل مینمود همواره شرارت می‌کرد و در آن ایام معروف شده بود به محمد چاقو. چون با هرکسی که به نزاع می‌پرداخت از چاقوی جیب خود استفاده کرده چند ضربه به طرف وارد می نمود.

جلسات فوق‌العاده با مشاوره متخصصین تشکیل داد و درنتیجه برای اولین قدم لایحه نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی را تهیه و تصویب نمود.

۶ لایحه نظارت در خرید و فروش ارز از طرف وزیر مالیه تقدیم مجلس شورای ملی شد.

۶ تفتیش و کنترل اسعار خارجی طی لایحه‌ای که وزارت مالیه تقدیم مجلس نموده بود به عهده دولت قرار گرفت و کمیسیونی به نام کمیسیون نرخ اسعار مرکب از نماینده وزارت اقتصاد، نماینده اداره کل گمرک، مفتش دولت در بانک ملی و یکنفر نماینده از هر یک بانک‌ها به امور ارزی رسیدگی خواهند نمود.

۶ صدور نقره و طلا از ایران ممنوع شد. به هر مسافر بیش از بیست تومان حق صادر کردن نقره مسکوک داده نخواهد شد.

۹ سلطان احمدشاه آخرین پادشاه سلسله قاجاریه که در ۹ آبان ۱۳۰٤ از سلطنت خلع شده بود در سن ۳۲ سالگی در پاریس به بیماری کلیه درگذشت. از جنازه وی تشییع رسمی به عمل آمد و برای دفن به کربلا حمل شد. هیچیک از مقامات ایرانی در تشییع جنازه او شرکت نکردند.[1]

۱۰ کمیسیون تعیین اسعار خارجی به ریاست دکتر شینوند متخصص مالی وزارت مالیه و عضویت رؤسای بانک ملی و پهلوی و بانک شاهی و بانک عثمانی و بانک روس و مسیو دکرکر و دکترعلامیر تشکیل شد و در این جلسه تصمیم گرفته شد که لیره انگلیسی در۶۳ قران به فروش برسد.

۱۰ پل کارون در اهواز افتتاح و بهره‌برداری از آن آغاز شد. طول پل ۱۰۶۰ متر با ۵۱ چشمه می‌باشد. این پل بزرگترین پلی است که تاکنون در ایران ساخته شده است و راه‌آهن از آن عبور می‌نماید.

۱۱ اولین کلنگ بیمارستان فیروزآبادی در شهرری به زمین زده شد.

۱۸ لایحه تشکیل وزارت اقتصاد ملی و طرق و شوارع به مجلس داده شد.

۲۶ وزیر عدلیه طی لایحه‌ای که به مجلس تقدیم نمود خواستار تعقیب فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) وزیر سابق مالیه شد.

داور به موجب اصل ۲۵ و ۶۹ و ۷۰ متمم قانون اساسی و با توجه به قانون محاکمه وزراء مصوب تیرماه ۱۳۰۷ و راپورت پارکه دیوان جزا تقاضا کرد مجلس موافقت کند تا فیروز فیروز به مناسبت ارتشاء محاکمه شود.

ظاهراً علت تعقیب وزیر سابق مالیه عقد قراردادی با ارباب علی آقا یزدی برای خرید پانصد خروار جنس از طرف اداره ارزاق بوده است که وی متهم به دریافت مبلغی رشوه از علی آقا و حسن آقا پسر امین‌الضرب شده بود.[1]

۲۷ اجازه تأسیس وزارت اقتصاد ملی به جای وزارت فوائد عامه به تصویب رسید.

۲۸ خبر کمیسیون عرایض مبنی بر تأیید لایحه وزارت عدلیه در تعقیب نصرت‌الدوله در مجلس قرائت و به کمیسیون عدلیه احاله شد. کمیسیون مزبور آقایان شریعت‌زاده و همراز و عراقی را انتخاب نمود که فیروز میرزا را ملاقات و تحقیقاتی بنمایند. آقایان یاسائی و سیدیعقوب و جمشیدی هم معین شدند که بدوسیه امر رسیدگی نمایند.

۱ ــ از احمد شاه یک پسر بنام فریدون و سه دختر بنام‌های مریم، همایون‌دخت و ایران‌الملوک باقی ماندند. احمدشاه از سال ۱۳۰۲ و قبل از خلع از سلطنت در اروپا می‌زیست، سرمایه و دارائی خود را در بورس پاریس با هدایت مقامات فرانسوی به کار انداخت و از این معاملات سودی عاید او گردید. ضمناً مقادیر زیادی زمین در اطراف پاریس خریداری نمود و در آنجا باغی بزرگ احداث کرد. بعدها قیمت این زمین‌ها ترقی زیادی نمود و در وسط شهر پاریس قرار گرفت.

احمدشاه مردی منظم، وطن‌پرست، ممسک و خسیس و پول‌دوست بود. ذاتاً برای سلطنت و رهبری استعداد نداشت.

۱ ــ فیروز میرزا فیروز فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما و مادرش عزت‌الدوله دختر مظفرالدینشاه از بطن ام‌الخاقان دختر میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود. وی مردی تحصیلکرده، فوق‌العاده باهوش و زیرک و محیل بود. نقشه‌های زیادی برای بدست گرفتن زمام امور کشور در دست داشت ولی هیچکدام جامه عمل نپوشید. در کابینه وثوق‌الدوله ابتدا وزیر عدلیه و بعد وزیر امور خارجه شد و از عاملین انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ بود و پولی نیز از انگلیس‌ها دریافت کرد که بعدها رضاشاه آن وجوه را به نقد و اقساط از او پس گرفت. فتنه‌گریهای او موجب شد ابتدا مقام و سپس جان خود را از دست دهد.

سال ۱۳۰۹ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۳۰ تا ۲۲ مارس ۱۹۳۱ میلادی

فروردین ماه

۱۲ قانون حق‌الثبت و مالیات وسائط نقلیه به تصویب مجلس رسید. از این تاریخ از اتومبیلهای سواری شخصی و کرایه هر سال ۱۲۰ تومان، از کامیون‌ها و اتوبوس‌ها ۱۸۰ تومان، از گاری و دلیجان ۳۶ تومان، از کالسکه و درشکه ۳۶ تومان، از عرابه‌های دو اسبه ۱۸ تومان و از موتورسیکلت ۱۲ تومان مالیات اخذ خواهد شد.

۱۲ قانون مالیات بر شرکت‌ها و تجارت و اصناف و دلاّل و حق‌العمل کار و وکلای عدلیه و اطباء در ۱۶ ماده به تصویب رسید.

به موجب این قانون مالیات‌های زیر باید پرداخت شود:

تاجر درجه اول سالیانه ۲۵۰ تومان، تاجر درجه دوّم سالیانه ۱۵۰ تومان، تاجر درجه سوم سالیانه ۸۰ تومان، تاجر درجه چهارم سالیانه ۳۰ تومان، صنف درجه اول سالیانه صد تومان، صنف درجه دوّم ۴۸ تومان، صنف درجه سوّم ۱۸ تومان.

حق‌العمل کار و دلال درجه یک سالیانه صد تومان، درجه دو ۵۰ تومان، درجه سه سی تومان.

طبیب و وکیل عدلیه درجه اول در طهران ۱۲۰ تومان و در ولایات ۶۰ تومان، درجه دوّم در تهران ۴۸ تومان در ولایات ۲۴ تومان، درجه سوّم در تهران شش تومان در ولایات سه تومان.

۱۲ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی پس از رسیدگی به پرونده اتهامی نصرت‌الدوله فیروز و تحقیق دراطراف موضوع، پرونده را قابل تعقیب دانسته برای رسیدگی به‌دیوانعالی تمیز فرستاد.

۱٤ میرزا صادق خان صادق (مستشار الدوله) رئیس پیشین مجلس شورای ملی به سمت سفیرکبیر در ترکیه منصوب شد.

۱٦ وزارت فوائد عامه و تجارت منحل گردید.

۱٦ به دنبال انحلال وزارت فوائد عامه دو وزارتخانه جدید به نام‌های اقتصاد ملی و طرق و شوارع تشکیل شد.

۱۷ محمدعلی فروغی رئیس‌الوزرای سابق به سمت وزیر اقتصاد ملی تعیین شد.

۱۷ محمدعلی فروغی وزیر اقتصاد ملی صمصام‌الملک بیات را به معاونت خویش برگزید.

۲٦ سرتیپ عزیزالله ضرغامی فرمانده تیپ مکران به ریاست تشکیلات امنیه مملکتی گمارده شد.

۲۸ سیدحسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن به تهران احضار و به سمت وزیر طرق و شوارع منصوب شد.

۳۱ حسن مشار وزیر مالیه از سمت خود کناره‌گیری کرد.

۳۱ مهدیقلی هدایت رئیس‌الوزراء تصدی وزارت مالیه را عهده‌دار شد.

اردیبهشت ماه

۲ فیروز میرزا فیروز که در منزل خود تحت نظر بود به محبس نظمیه منتقل گردید.

۹ محاکمه فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) به جرم ارتشاء در دیوانعالی تمیز با حضور کلیه مستشاران و مدعی‌العموم کل و معاونین وی آغاز شد. ابتدا میرزا رضاخان نائینی‌مدعی‌العموم کل به بیان ادعانامه پرداخت سپس نصرت‌الدوله از خویش دفاع کرد. آنگاه سیدهاشم وکیل و شیخ رضا ملکی وکلای مدافع وزیر سابق مالیه به تفصیل سخن گفتند. سرانجام پس از چهار روز رسیدگی حکم محکومیت نصرت‌الدوله به محرومیت از خدمات اجتماعی، چهار ماه حبس تأدیبی و پرداخت مبلغ ۵۸۰۸ تومان جریمه صادر شد[1].

۱۴ سرتیپ محمدخان درگاهی به ریاست اداره نظام وظیفه منصوب شد. وی قبلاً رئیس نظمیه بود. در آذر سال قبل به طور ناگهانی از کار برکنار و به زندان افتاد. بعداً مورد عفو قرار گرفته به خدمت دعوت شد.

۱۶ وزارت جدیدالتأسیس اقتصاد ملی رسماً تشکیل و کار خود را آغاز کرد.

۱۷ زلزله شدیدی در شهر سلماس حادث شد. شهر سلماس و شهر کهنه و دهات اطراف را ویران و منهدم ساخت. تمام مردم منطقه زیر آوار رفتند. نظامیان توانستند فقط سیصد نفر را از زیر آوار نیمه‌جان بیرون بیاورند. در اثر این زلزله صدها کیلومتر راه شکاف برداشت. آب‌های زیرزمینی بیرون آمد و دریاچه رضائیه پر از آب شد. چندین کوه ریزش نموده برای مردم آن مناطق خطرات جانی ایجاد کرد.

۲۳ محمدعلی فروغی وزیر اقتصاد ملی با کفالت آن وزارتخانه به سمت وزیر امور خارجه تعیین شد.

۲۳ محمدعلی فرزین وزیر خارجه وزیر مختار ایران در آلمان گردید.

۲۳ قراردادی بین دولت و بانک شاهی در مورد واگذاری حق صدور اسکناس به بانک ملی امضاء شد.

خرداد ماه

۳ سیدباقرخان کاظمی (مهذب‌الدوله سابق) از اعضاء عالیرتبه وزارت امور خارجه از طرف سیدحسن تقی‌زاده وزیر طرق به معاونت آن وزارتخانه تعیین و مشغول کار شد.

---

۱ ــ محاکمه نصرت‌الدوله صرفاً یک محاکمه سیاسی بود و ارتباط زیادی با وقایع فارس و مآلاً شیطنت‌های او داشت. کما اینکه نصرت‌الدوله در دادگاه صریحاً اضهار کرد من در سیاست ممکن است خبط و خطا کرده باشم ولی مرا دزد نکنید آنهم آفتابه دزد.

بقرار اطلاع نصرت‌الدوله در دادگاه با کمال رشادت و شایستگی از خود دفاع نمود و شغل خود را سیاست خواند و مرتباً اشاراتی به سوابق خود می‌نمود.

قضاتیکه در محاکمه نصرت‌الدوله حضور داشتند عبارتند از:

ــ رضاقلی هدایت (نیرالملک) رئیس شعبه اول و کفیل دیوانعالی تمیز، محمدرضا وجدانی و حاج سیدنصرالله تقوی روساء شعب دیوان عالی تمیز، محمدصادق بروجردی شگرف، میرزاطاهر تنکابنی، حاج حسن فلسفی، میرزامحمدرضا ایروانی، شیخ اسدالله ممقانی، ابوالقاسم فروهر، مجید آهی، معتمدالممالک راد و سیدابوالحسن حائری زاده.

ــ مرحوم حاج مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزرای وقت در مورد محاکمه وزیر مالیه کابینه خود در کتاب خاطرات و خطرات چنین می‌نویسد: ... «... داور نیرالملک را که ریاست تمیز داشت خواسته بود و با حضور تیمورتاش تأکید کرده بود که نصرت‌الدوله باید محکوم شود والاّ همه محکومیم. در این دوره سیره اینست. حتی برای وکلاء مصونیت نیست. ظاهراً حکمی که شده مکفی نبود نیرالملک هم محکوم به استعفا شد و سیدنصرالله تقوی صاحب قصیده غرّا که در هجو احمدشاه گفته بود رئیس تمبر شد».

آقای مخبرالسلطنه در ضبط و ثبت این مطلب هم دچار اشتباه شده‌اند. یا برای تبرئه آقای نیرالملک پسرعمو و برادر همسر خود خواسته‌اند مطلب خلاف واقع بنویسند و یا بعلت کهولت متوجه مطلب نبوده‌اند.

توضیح آنکه آقای نیرالملک نه تنها پس از محاکمه نصرت‌الدوله محکوم به استعفاء نشد بلکه سالها بر سریر قدرت استوار بود و رتبه ۱۱ قضائی خود را هم دریافت کرد.

نیرالملک در تمام مدت رئیس الوزرائی حاج مخبرالسلطنه و در تمام مدت رئیس الوزرائی ذکاء الملک فروغی و نیمی از رئیس الوزرائی جم در سمت ریاست قوه قضائیه مستقر بود تا اینکه در شهریور ۱۳۱۵ از کار برکنار شد. آنهم ارتباط به محاکمه منصورالملک وزیر طرق داشت، زیرا در آنروز که برکنار شد هفت سال بعد از محاکمه نصرت‌الدوله بود.

۴ اتاق‌های تجارت در تمام مملکت منحل گردید که بعداً با پروگرام و اصول صحیح‌تری تشکیل شود.

۶ قانون سلب اجازه چاپ و انتشار اسکناس از بانک شاهی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب این قانون دولت در عوض خرید این امتیاز دویست هزار لیره پول نقد در لندن به بانک شاهی تأدیه نمود و بانک شاهی موظف گردید ظرف یک سال بهای اسکناس‌های منتشره خود را به دولت ایران پرداخت کند.

۱۳ فرمان انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای ملی صادر شد.

۱۸ مستوفی‌الممالک امروز از رضاشاه تقاضا نمود به مناسبت روز عاشورا چون نصرت‌الدوله فیروز در محبس مریض است اجازه داده شود از محبس به منزل منتقل شود. شاه با این پیشنهاد موافقت کرد. داور وزیر عدلیه به موجب ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی تقاضای یک درجه تخفیف نمود و نصرت‌الدوله از محبس مستخلص و در منزل تحت نظر قرار گرفت.

۱۹ اعلان انتخابات انجمن بلدیه تهران منتشر گردید.

۲۵ معاملات تجارتی ایران با تمام دول بر اساس معامله متقابله قرار داده شد و وزارت اقتصاد لایحه‌ای تنظیم و به مجلس شورای ملی تقدیم نمود.

۲۹ آقای میرزا عبدالله بهرامی از طرف رئیس‌الوزراء به معاونت وزارت مالیه معرفی شد.

۳۰ اعضاء انجمن بلدیه تهران به شرح زیر تعیین شدند:

حاج محمدحسین بلورفروشان ــ بصیرالدوله یزدی هروی ــ غلامحسین کاشف ــ حاج حسین قاسم فخار پور میرزا حسن کورس ــ حاج محمدحسین فخار ــ ارباب رستم گیو ــ آقای علی وکیلی ــ آقای تقی کنی ــ آقای حکیم‌الدوله ــ آقای حاج محمدحسین طهرانیان ــ عبید پیشوائی.

تیر ماه

۷ قانون اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب این قانون محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در ممالک خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین مملکتی تنظیم شده باشد، مشروط بر آنکه آن کشور نیز در مورد اسناد مملکت ایران همان اعتبار را قائل شود.

۹ سید احمد ادیب پیشاوری شاعر، ادیب و دانشمند برجسته معاصر در تهران درگذشت.[۱]

۱۴ امیرلشکر حبیب‌الله خان شیبانی پس از سرکوبی و اسکات دیگر نقاط ناآرام فارس تمام قوای خود را برای قلع و قمع عشایر بویراحمد و ممسنی بسیج کرد. افواج نادری، پهلوی، رضاپور، از شیراز حرکت کردند.

۱۵ سرتیپ کریم آقا بوذرجمهری وزیر سابق فوائد عامه مجدداً رئیس بلدیه تهران شد. فرماندهی تیپ اول مستقل گارد پیاده ساخلوی مرکز نیز با او خواهد بود.

۱۷ قانون متقابله در روابط تجارتی با ممالکی که با دولت ایران عهدنامه تجارتی ندارند تصویب شد.

۱۷ بین دولت ایران و دولت ژاپن روابط سیاسی مستقیم برقرار گردید و طرفین مبادله سفیر نمودند.

۱۷ آوانس خان مساعد (مساعدالسلطنه) وزیر مختار ایران در ژاپن شد.

۲۱ آقای حکیم‌الدوله ادهم به ریاست انجمن بلدیه تهران منصوب شد. حاج محمدحسین بلورفروشان نایب رئیس و غلامحسین کاشف منشی شدند.

۲۳ سیدحسن تقی‌زاده با سرپرستی وزارت طرق و شوارع به سمت وزیر مالیه تعیین و معرفی گردید.

۲۳ کلنل لورنس انگلیسی که محرک فتنه و طغیان افغانستان و همچنین محرک طغیان اکراد ایران بود وارد تهران شد و در سفارت انگلیس سکنی نمود.

۲۶ بویراحمدی‌ها به فرماندهی لهراسب به اردوی دولتی

۱ ــ مرحوم ادیب فرزند سیدشهاب الدین در اراضی سرحدی بین پیشاور و افغانستان متولّد شد. تحصیلات خود را در پیشاور، کابل، غزنین، هرات و مشهد و سبزوار ادامه داد. مدتی محضر درس مرحوم حاج ملاهادی سبزواری را درک کرد. از سال ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران اقامت گزید. به تدریس امرار وقت می‌کرد. در فنون صرف نحو فارسی و عربی وارد و در منطق و معانی و بیان و کلام و حکمت الهی و ریاضیات و تاریخ و لغت متبحر و بی‌نظیر بود. از تمام علائق دنیوی چشم پوشید و خود را آلوده به زن و فرزند و مأوا نکرد. گاهی برحسب تفنن شعر می‌سرود. دیوان اشعارش بالغ بر سی هزار بیت است. استاد به هنگام مرگ ۹۴ سال داشت و در اواخر عمر در منزل بهاءالملک قره گوزلو زندگی می‌کرد.

شبیخون زدند. عدهٔ زیادی از قوای دولتی و بویراحمدی کشته و زخمی شدند.

۲۷ اسمعیل آقا سمیتقو یاغی معروف کرد که سالیان دراز کردستان و آذربایجان ایران را مورد تاخت و تاز و غارت و کشتار مردم قرار داده بود با تأمین گرفتن از طرف سرتیپ ظفرالدوله مقدم فرمانده لشکر آذربایجان وارد اشنویه شد. به محض ورود به اشنویه از طرف پادگان محاصره و به او تیراندازی شد. پس از مختصر زد و خوردی سمیتقو و عده‌ای از کسان وی به قتل رسیدند.

مرداد ماه

۱ اداره نان تهران به بلدیه واگذار شد و خرید و فروش گندم آزاد گردید. مشروط بر اینکه اجناس فقط از دروازه حضرت عبدالعظیم وارد شود که کنترل مقدور باشد. دولت معادل شصت هزار خروار جنس سالیانه از قرار خرواری ۱۵ تومان به بلدیه تحویل می‌دهد و شصت هزار خروار دیگر بقیه نان مصرفی تهران را خود خبازها تهیه می‌کنند. خبازها مکلف شدند نان خوب را یک من نه عباسی به فروش برسانند (هر کیلو ۱۲ شاهی).

۱۱ سی و شش نفر از معتمدین تهران برای تشکیل انجمن نظارت انتخابات تهران به اداره حکومتی دعوت شدند.

در اولین جلسه عدل‌الملک دادگر به ریاست انجمن و حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری به نیابت انجمن انتخاب شدند.

۱۳ به دستور امیرلشکر شیبانی نیروهای نظامی تحت فرماندهیش وارد تنگ تامرادی شدند.

۱۳ عشایر بویراحمد ستون‌های دولتی را زیر آتش گرفته و تلفات زیادی به نظامیان وارد کردند. چندین صاحبمنصب و ده‌ها درجه‌دار و صدها سرباز کشته شدند.

۱۶ سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ به اتفاق چهارصد سوار بختیاری وارد منطقه جنگی شد.

۲۰ داور وزیر عدلیه عبدالله بهرامی معاون وزارت مالیه را به معاونت وزارت عدلیه تعیین کرد.

۲۵ داور برای معالجه عازم اروپا شد. در غیاب وی وزارت عدلیه را بهرامی کفالت خواهد کرد.

آقای میرزا عیسی خان صدیق اعظم که برای ادامه تحصیل عازم دارالفنون نیویورک بود او را در این سفر همراهی می‌کرد.

۲۷ هیئت وزیران برای اصلاح امور مالی به آقای سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه اختیارات کامل داد.

۳۰ تقی‌زاده برای تأمین پرداخت‌های مملکتی لایحه‌ای به مجلس برد که سه میلیون تومان از بانک ملی استقراض نماید قانون قرضه مذکور به تصویب رسید.

۳۰ ورود روپیه اعم از مسکوک، و کاغذی از نظر تسهیل امور تجارتی آزاد شد.

شهریور ماه

۱ نشریه یومیه (ایران آزاد) به مدیریت ضیاءالواعظین منتشر شد.

۲ سران عشایر بویراحمد درنتیجه تلاش صولت‌الدوله و سردار اسعد بختیاری از جنگ دست کشیده پس از اخذ تأمین به مناطق خود بازگشتند و به این ترتیب شورش عشایری فارس خاتمه یافت.

۹ قانون اجازه تأسیس بانک فلاحتی به تصویب رسید. به موجب ماده اول این قانون وزارت مالیه مجاز گردید از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه فلاحتی به بانک ملی تأدیه نماید. با سرمایه مذکور شعب مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن به ارباب فلاحت به اسم شعبه فلاحتی تأسیس خواهد شد.

۲۰ امیرلشکر حبیب‌الله خان شیبانی فرمانده قوای فارس به تهران احضار شد. سرهنگ ابراهیم زندیه به فرماندهی قوای فارس منصوب شد. حبیب‌الله شیبانی به علت خبط نظامی و درنتیجه شهادت عده زیادی از نیروی قشون تحویل محکمه نظامی گردید و به سه سال زندان محکوم شد.

۲۲ هشتاد و دو نفر از محصلین از طرف وزارت معارف برای انجام تحصیلات عالیه به اروپا اعزام شدند.

۲۶ از طرف وزارت طرق و شوارع بیست نفر محصل برای

انجام تحصیلات تخصصی به اروپا عزیمت نمودند.

۲۶ نجفقلی خان صمصام بختیاری (صمصام‌السلطنه) ایلخانی ایل بختیاری که بعد از استبداد صغیر چند نوبت رئیس‌الوزرای ایران بود درگذشت.

مهر ماه

۲ مجلس شورای ملی برای توسعه خیابان‌های تهران طی قانونی تصویب کرد دولت ۱۲۵ هزار تومان در اختیار اداره بلدیه تهران قرار بدهد.

۶ مجلس شورای ملی اعتباری به میزان دویست هزار تومان از محل ذخیره نقره مملکت برای نقل و انتقال الوار دراختیار دولت قرار داد که عده‌ای از آنها را به قم و خوار ورامین و حدود خراسان کوچانیده و سکونت دهد.

۲۰ تقی‌زاده وزیر مالیه اختیارات خود را به تصویب مجلس رسانید.

آبان ماه

۳ تلگراف بی‌سیم امواج کوتاه که اخیراً از فرانسه خریداری شده بود نصب و افتتاح گردید توسط این امواج ایران می‌تواند مستقیماً با تمام ممالک دنیا ارتباط برقرار نماید.

۲۰ کانون وکلای عدلیه تشکیل و آغاز به کار کرد. این کانون یکی از ادارات تابعه وزارت عدلیه است.

۷ آقای امین‌التجار اصفهانی با مساعدت آقای عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار موفق به اخذ امتیاز انحصاری صدور تریاک تمام مملکت ایران برای مدت سه سال شد.

۱۲ قانون حفظ آثار ملی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۱۴ مجلس هفتم پایان یافت. دادگر رئیس مجلس ضمن خداحافظی با نمایندگان اظهار کرد در دوره هفتم قوانین مهمی مانند تأسیس بانک ملی، بانک فلاحتی، تغییر واحد پول از نقره به طلا، الغاء امتیاز اسکناس، توحید لباس، تأسیس کارخانجات، انعقاد قراردادهای متقابله، ساختن راه‌آهن و ایجاد راه‌های شوسه به تصویب مجلس رسیده است.

۱۴ فرخی یزدی‌نماینده مجلس در دوره هفتم و مدیر روزنامه طوفان ناپدید شد.

آذر ماه

۱۳ نام شهر دزداب به زاهدان و نام شهر نصیرآباد به زابل تبدیل گردید.

۱۵ جنگ شدیدی بین نظامیان به فرماندهی امان‌الله میرزا امیرلشکر و عشایر سیستان و بلوچستان درگرفت. در این جنگ سرهنگ داور پناه یکی از فرماندهان قشون ایران کشته شد. سرانجام عشایر شکست خوردند و تعداد تلفات آنان از هزار نفر تجاوز کرد. قشون اقدام به خلع سلاح آنها نمود.

۱۵ نقی نبوی (معززالدوله) وزیر مختار ایران در کشور عراق شد.

۱۹ سید جلال‌الدین مؤیدالاسلام مدیر روزنامه حبل‌المتین قبل از ظهر در دفتر خویش واقع در کلکته در اثر حمله قلبی درگذشت. مرحوم مؤیدالاسلام کار خود را با آقا سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان شروع کرد و مدتها روزنامه حبل‌المتین را انتشار می‌داد. مبارزات وی در طول مدت روزنامه‌نگاری قابل ستایش و تقدیر بود.

۲۵ مراسم افتتاح دوره هشتم قانونگذاری طی تشریفاتی برگزار شد. اولین جلسه امروز به ریاست سنی دکتر محمدخان شیخ (احیاءالدوله) تشکیل شد. دادگر به ریاست موقت و آقایان یاسائی و دیبا به عنوان نواب رئیس انتخاب شدند.

۲۷ سرتیپ فضل‌الله زاهدی که چندی قبل خلع درجه شده بود به خدمت دعوت و پس از اعاده درجات نظامی به ریاست نظمیه کل مملکتی منصوب شد. سرتیپ کوپال رئیس سابق نظمیه به وزارت جنگ بازگشت.

دی ماه

۲۷ برای انتخاب هیئت رئیسه دائمی جلسه مجلس تشکیل شد و درنتیجه اخذ رأی آقای حسین دادگر به ریاست و آقایان طباطبائی دیبا و شاهزاده افسر به نیابت انتخاب شدند.

۳۰ حاج مهدیقلی هدایت رئیس‌الوزراء هیئت وزیران را به این شرح به مجلس معرفی نمود:

محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه، علی اکبر داور وزیر عدلیه، سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه، اعتمادالدوله قره‌گوزلو وزیر معارف، سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ، قاسم صوراسرافیل وزیر پست و تلگراف، علی منصور وزیر داخله، عنایت‌الله سمیعی کفیل وزارت اقتصاد ملّی، سیدباقر کاظمی کفیل وزارت طرق و شوارع.

بهمن ماه

۵ سیل شدیدی در شهر رشت جاری شد و در اطراف رشت قریب صد خانه وزیران شد.

۲۸ آقای همایون سیاح پیشکار دارائی خراسان به معاونت وزارت مالیه معرفی شدند.

۳۰ شیر احمدخان سفیرکبیر افغانستان اعتبارنامه خود را تقدیم داشت.

۳۰ در تهران و غالب شهرهای مرکزی برف زیادی بارید بطوریکه عبور و مرور قطع شد. در تهران مدارس تعطیل شدند. در اثر سنگینی برف چندین خانه در جنوب تهران ویران شدند.

اسفند ماه

۶ قانون انحصار تجارت خارجی برای تعدیل واردات و صادرات تصویب شد.

۱۱ کلیه خطوط تلگرافی دولتی و کمپانی هند و اروپا تحویل دولت ایران گردید.

۱۱ ارباب کیخسرو شاهرخ رئیس اداره مباشرت مجلس شورای ملی برای خرید لوازم راه‌آهن به اروپا عزیمت نمود تا طی قراردادی کلیه لوازم مورد نیاز را از دولت سوئد خریداری نماید.

۲۰ سرتیپ فضل‌الله زاهدی رئیس نظمیه کل مملکتی از کار برکنار و خلع درجه شد و به زندان افتاد. علت برکناری بلوای زندان قصر و فرار عده‌ای از جمله سیدفرهاد از زندان بود.

۲۰ متمم قانون انحصار تجارت خارجی تصویب شد. به موجب این قانون حق ورود و صدور کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی یا دائمی بودن واردات و صادرات به دولت واگذار گردید.

۲۸ بودجه کل مملکتی سال ۱۳۱۰ در مجلس به تصویب رسید. عایدات ۸۵۹,۰۰۰ پهلوی طلا و مخارج ۸۵۸,۶۶۳ پهلوی پیش‌بینی شد.

سال ۱۳۱۰ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۳۱ تا ۲۱ مارس ۱۹۳۲ میلادی

فروردین ماه

۱ سرتیپ محمدخان نخجوان کفیل ارکان حزب کل قشون به درجه امیرلشکری نائل شد.

۲ سرتیپ محمدحسین خان آیرم به ریاست تشکیلات نظمیه مملکتی منصوب گردید.[1]

۱۴ میرزا تقی خان اسفندیاری به معاونت وزارت داخله تعیین شد.

۱۴ در جلسه امروز مجلس شورای ملی حسین دادگر به ریاست و سیدالمحققین دیبا و شاهزاده افسر به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۱. قبل از آیرم ریاست نظمیه به‌مدت کوتاهی با سرتیپ زاهدی و قبل از آن با سرتیپ کوپال بود ولی هیچ کدام از آن دو نفر نتوانستند نظر شاه را نسبت به‌خود جلب کنند و مانند سرتیپ درگاهی گزارش های موردپسند تهیه نمایند تا اینکه نوبت به محمدحسین آیرم رسید وی در آن ایام کار مهمی نداشت و چند سالی بود که ریاست هیئت های بازرسی ولایات را برعهده گرفته بود. آیرم به‌محض اینکه در راس شهربانی قرار گرفت بخوبی توانست اعتماد شاه را به‌خود جلب کند. به‌طوری که گزارش های او بدون تحقیق مورد قبول واقع می شد. آیرم در دوران ریاست شهربانی پلیس سیاسی را در نظمیه بنیاد نهاد و اکثر گزارش های او مربوط به رجال و مقامات کشوری بود او پس از چندی ریاست املاک پهلوی را نیز ضمیمه کارخود کرد.

۱۴ فتح‌الله پاک‌روان کفیل سابق وزارت امور خارجه به سمت سفیرکبیر در کشوراتحاد جماهیر شوروی تعیین گردید. امور سفارت ایران در کشورهای استونی، لتونی، لیتوانی و فنلاند نیز با وی خواهد بود.

۳۱ معاون‌الدوله غفاری به معاونت وزارت امور خارجه معرفی شد.

اردیبهشت ماه

۵ میرزا رضاخان افشار حاکم گیلان به جای سیدمحمد تدین والی کرمان گردید. مدت مأموریت او در کرمان دوام زیادی نکرد و در همین سال به سمت وزیر طرق و شوارع منصوب شد. تدین پس از تغییر از ولایت کرمان خانه‌نشین شد و در تمام مدت سلطنت رضاشاه کاری به او ارجاع نشد و بهمان مدیریت مدرسه تدین و استادی دانشکده ادبیات مشغول بود.[1]

۱. میرزا رضاخان افشار جزء عده معدودی بود که بعد از مشروطیت تحصیلات خود را در امریکا پایان داده بود بعد از کودتا در زمره دوستان علی‌اکبر داور قرار گرفت و در تشکیل حزب رادیکال فعالیت زیاد داشت. در ۱۳۰۴ عضو مجلس مؤسسان شد و در ادوار ششم و هفتم و هشتم نماینده مجلس شورای ملی بود. چندی هم نیابت ریاست داشت. در پایان دوره هشتم حکومت گیلان را عهده‌دار شد و بعد والی کرمان گردید.

خرداد ماه

۱۳ آقای عنایت‌الله سمیعی کفیل وزارت اقتصاد ملی از سمت خود مستعفی شد.

۱۶ قانون تفکیک وزارت اقتصاد به اداره کل تجارت، اداره کل فلاحت و اداره کل صناعت تصویب شد.

۲۲ قانون مجازات مقدمین برعلیه امنیت و استقلال کشور به تصویب رسید.

۲۳ از طرف رئیس‌الوزراء آقای عبدالله یاسائی به ریاست اداره کل تجارت، آقای علی‌اکبر حکیمی به ریاست اداره کل فلاحت، و آقای سیدمهدی فرخ به ریاست اداره کل صناعت منصوب شدند. رؤساء نامبرده در حکم معاون وزیر بوده حق شرکت در جلسات مجلس شورای ملی و هیئت وزیران را دارند.

تیر ماه

۷ آقای علی‌خان سهیلی رئیس اداره شرق وزارت امور خارجه به معاونت وزارت طرق و شوارع برگزیده شد.

۱۷ آقای علیقلی انصاری (مشاورالممالک) وزیر مختار ایران در لندن شد.

مرداد ماه

۳ علی اکبر داور وزیر عدلیه قانونی به مجلس تقدیم نمود در خصوص نکاح و طلاق و گفت چون امور مربوط به ازدواج محتاج تنظیم مقرراتی است که بتوان حتی‌المقدور صحت جریان امور و مصالح صحی واخلاقی مربوط به ازدواج را تأمین نموده از آن تاریخ حق اجرای صیغه عقد منحصراً به‌عهده اشخاصی واگذار میشود که دفترثبت رسمی نکاح و طلاق داشته باشند.

۱۵ قانون مجازات عمومی از امروز به موقع اجرا گذاشته شد.

۲۹ میرزا رضاخان نائینی مدعی‌العموم کل در تهران در سن ۶۰ سالگی درگذشت.



عبدالله یاسائی رئیس کل تجارت

وی یکی از فضلاء و دانشمندان ایران بود که کتابخانه معتبری داشت، در صدر مشروطیت روزنامه تئاتر را انتشار می‌داد.

شهریور ماه

۱ بنا به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب شاه میرزا سید محسن خان صدر (صدرالاشراف) به مدعی‌العمومی کل ایران منصوب گردید.

۱ از طرف آقای سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه، آقای میرزا عبدالحسین خان هژیر کارمند اداره حقوقی وزارت مالیه به سمت مفتش دولت در بانک ملی انتخاب گردید.

۱۱ امیرلشکر شیبانی به علت خبط نظامی در عملیات جنوب محاکمه و به سه سال زندان محکوم گردید. سرهنگ شهاب رئیس ستاد وی نیز به علت توهین به دادگاه سه سال محکومیت یافت.[1]

۱۳ در کاخ سعدآباد مراسمی به مناسبت مسافرت محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران انجام گرفت. در این مراسم هیئت وزیران و نمایندگان مجلس و رجال و اشراف ولیعهد را ملاقات و خداحافظی نمودند. مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، وثوق‌الدوله، قوام‌السلطنه، فرمانفرما و صاحب‌اختیار در این مجلس دیده می‌شدند. مستوفی‌الممالک از طرف رجال مسرت و خوشحالی خود را ابراز نمود و حاج امین‌الضرب از طرف تجار مسافرت ولیعهد را تبریک گفت.

۱۵ محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران به وسیلهٔ یک کشتی جنگی متعلق به دولت شوروی بندر انزلی را به قصد سویس ترک کرد. عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار و مؤدب‌الدوله نفیسی ولیعهد را همراهی می‌نمودند.

مهر ماه

۶ بر اثر تنزل پوند کمیسیون اسعار خارجی قیمت پوند را از ۹۰ قران به ۶۸ قران تنزل داد.

۸ مدرسه عالی مهندسی از طرف وزارت طرق و شوارع افتتاح شد.

۱۴ انتخاب هیئت رئیسه مجلس تجدید شد و مجدداً دادگر به ریاست و دیبا و افسر به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۱۵ مجلس نظام وظیفه برای احضار ششمین دوره نظام وظیفه در تکیه دولت تشکیل گردید.

آبان ماه

۲ ماده واحده زیر در مجلس تصویب شد: «وزارت مالیه مجاز است مبلغ سه میلیون و پانصد هزار تومان علاوه بر اعتبار مصوب ۳۱ فروردین ۱۳۱۰ از محل عایدات قند و شکر برای خرید مصالح و مخارج ساختمان راه‌آهن در سال ۱۳۱۰ به وزارت طرق پرداخت نماید.

۴ قرارداد مودت و تجارت بین ایران و دولت شوروی در وزارت امور خارجه به امضاء نمایندگان طرفین رسید.

۴ نام شهر بارفروش به بابل تغییر یافت.

۴ آوانس‌خان مساعد وزیر مختار دولت ایران در ژاپن موقع مراجعت به ایران در شهر خاربین درگذشت.

آذر ماه

۱ ساختمان اسکله بندرشاه پایان یافت و راه‌آهن به علی آباد (شاهی) رسید.

۱۸ قبل از ظهر ساختمان مجلس شورای ملی دچار حریق گردید. برای اطفاء حریق اتومبیل‌های اطفائیه و مأموران آن اداره و کارکنان دایره احتساب بلدیه و عده‌ای از آژان‌های ناحیه دولت و تعدادی از نظامیان تیپ دوم عشرت‌آباد به تلاش افتادند. در این حریق اتاق بزرگ تنفس و سرسرای پارلمان و اتاق آئینه به کلی سوخت. خسارات وارده حدود پنجاه هزار و پانصد و یازده تومان برآورد گردید. سرتیپ کریم بوذرجمهری رئیس بلدیه درتمام مدت اطفاء حریق نظارت داشت.

۲۸ در شهرهای همدان و ملایر در اثر بارندگی شدید و متوالی چند روزه سیل مهیبی در هر دو شهر جاری شد. در همدان قریب صد خانه و در ملایر سی خانه بکلی ویران شدند. تلفات جانی این سیل ۱۷ نفر بود.

۱. امیر لشگر حبیب‌الله شیبانی پس از تحمل یک سال زندان با شفاعت مخبرالسلطنه مورد عفو قرار گرفته به آلمان رفت و مدت‌ها در برلن زندگی می‌کرد. در جنگ بین‌المللی دوم که سربازان شوروی برلن را متصرف شدند او را دستگیر و اعدام کردند.

دی ماه

۲۴ توفیق رشدی‌بیک وزیر امور خارجه دولت ترکیه به ایران وارد شد.

توفیق رشدی بیک وزیر خارجه ترکیه پس از چهارده روز توقف در تهران و مذاکره با رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه، ایران را به سوی آنکارا ترک کرد. بین سفیر مزبور و وزارت امور خارجه مقدمات حل اختلافات سرحدی توافق کامل بوجود رسید.

بهمن ماه

۲ قرارداد سرحدی و عهدنامه مودّت و حکمیت بین ایران و ترکیه از طرف توفیق رشدی‌بیک وزیر خارجه ترکیه و محمدعلی فروغی وزیر خارجه ایران امضاء و مبادله شد.

۶ عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار پس از پنج ماه توقف در اروپا به تهران بازگشت.

۸ کارخانه قندسازی کهریزک تعمیر و آماده بهره‌برداری شد.

۱۳ دکتر احمدخان متین دفتری به معاونت وزارت عدلیه منصوب و مشغول کار شد.[1]

۲۳ کارخانه نخ‌ریسی شاهی در علی‌آباد افتتاح گردید.

۲۷ به موجب قرارداد منعقده بین ایران و انگلیس اداره تلگرافی هندوستان در ایران منحل گردید.

اسفند ماه

۶ سیدباقرخان کاظمی وزیر طرق و شوارع به سمت وزیر مختار در بغداد تعیین شد.

۷ میرزا رضاخان افشار والی کرمان به وزارت طرق و شوارع منصوب گردید.

۱۰ مراسم افتتاح ضرابخانه دولتی که با دستگاه‌ها و ماشین‌های جدید تعمیر و تکمیل شده بود با حضور شاه افتتاح شد. ضرابخانه در ۵۷ سال قبل دائر شده ولی همیشه ناقص بود و وجوه رایج در مملکت اغلب در خارجه سکّه می‌شد. فعلاً ضرابخانه روزانه ۲۵۰۰۰۰ ریال سکه ضرب می‌کند و ریاست آن برعهده آقای اسمعیل خان حکیمی است.

۲۲ مجلس شورای ملی حق انحصاری نشر اسکناس را برای مدت ده سال به بانک ملی ایران واگذار کرد و چنین مقرر شد که پس از انقضای دهسال مزبور در صورتیکه این حق ملغی نشود دهسال دیگر بخودی‌خود تمدید گردد.[1]

۲۸ قانون بودجه مملکتی مربوط به سال ۱۳۱۱ طی ماده واحده و یک تبصره به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در این بودجه عایدات کشور ۴۲۱۴۰۰۰۰۰ ریال و هفتصد و هشتاد و هفت هزار لیره و از حیث مخارج به مبلغ ۴۲۱۳۹۹۸۷۰ ریال و چهارصد و هفت هزار و یکصد و هفتاد و شش پهلوی بالغ می‌باشد.

۱ ــ دکتر احمد متین دفتری پس از سه سال توقف در اروپا و ادامه تحصیل در سویس و کارآموزی در دادگستریهای آلمان و فرانسه و سویس به ایران بازگشت و لدی‌الورود به معاونت وزارت عدلیه رسید و فوق‌العاده مورد توجّه و علاقه داور بود. متین دفتری در اروپا سمت دولتی هم داشت و آن سمت مشاور حقوقی هیئت نمایندگی ایران در جامعه ملل بود. وی قبل از سفر به اروپا مستشار دادگاه عالی جنائی بود و قبل از آن در وزارت امور خارجه ریاست اداره عهود و جامعه ملل را برعهده داشت. روزیکه به معاونت وزارت دادگستری رسید سی و چهار ساله بود.

۱. اجازه انتشار اسکناس تا این تاریخ با بانک شاهنشاهی بود و بانک مزبور بدون رعایت مقررات هر میزان اسکناس که لازم داشت به‌چاپ می‌رسانید. اسکناس‌های منتشره از طرف بانک مزبور برای هر شهری مجزا بود. یعنی اسکناس‌هائی که در روی آن مهر (فقط در تبریز ادا خواهد شد) در تهران قابل تبدیل به نقود نبود و اختصاصاً در همان شهر تبریزمورد استفاده قرار می‌گرفت و اگر کسی اصرار به‌این کار داشت مبلغی به‌عنوان دستمزد از آن کاسته می‌شد. اسکناس‌های بانک شاهنشاهی فقط با عکس ناصرالدین‌شاه چاپ شده وعکس سلاطین دیگر قاجار مورد استفاده قرار نگرفت.

سال ۱۳۱۱ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۳۲ تا ۲۱ مارس ۱۹۳۳ میلادی

فروردین ماه

۱ واحد پول ایران از قران به ریال تبدیل شد و از امروز اسکناس و ریال جدید توسط بانک ملی ایران در سرتاسر کشور پخش و ملاک معاملات قرار گرفت. اسکناس های بانک ملی در قطعات ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ ریالی می‌باشد.

۶ فرج‌الله بهرامی (دبیر اعظم) به وزارت پست و تلگراف منصوب گردید.

۱٤ تجدید انتخاب هیئت رئیسهٔ مجلس به عمل آمد. دادگر به ریاست دیبا و افسر به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۱۵ سرتیپ فرج‌الله آق‌اولی به ریاست احصائیه و سجل احوال مملکتی منصوب گردید.

اردیبهشت ماه

۳ ملک‌فیصل پادشاه عراق به اتفاق نوری سعید پاشا رئیس‌الوزراء ناجی‌پاشا سویدی رئیس‌الوزرای سابق، تحسین بیک‌قدری رئیس تشریفات حسام‌الدین بیک رئیس پلیس، ابراهیم حلمی بیک مدیر مطبوعات و چند نفر دیگر وارد خاک ایران شدند. در سرحد ایران وزیر امور خارجه مراسم استقبال به عمل آورد و در شهرهای همدان، قزوین و کرمانشاه مراسم پذیرائی و احترامات از طرف حکام معمول گردید.

۷ رابندرنات تاگور ادیب و فیلسوف بزرگ هندوستان با همراهان به تهران وارد شد. وزیر معارف و معاون وزارتخارجه و عده‌ای از فضلاء و نویسندگان از ایشان استقبال کردند. آقای دینشاه ایرانی رئیس انجمن زردشتیان هندوستان نیز به اتفاق تاگور وارد ایران شد.

۱۳ پادشاه عراق و همراهان تهران را به قصد کشور عراق ترک نمودند. وزارتخارجه درباره نتایج مسافرت ملک فیصل به ایران اعلامیه‌ای انتشار داد.

۱۳ قانون جدید تجارت از تصویب مجلس شورای ملی گذشت.

۲۰ حاج محمدحسین کازرونی مؤسس و بانی کارخانه پارچه‌بافی در اصفهان در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

۲۳ تاگور در تهران چندین کنفرانس درباره ادب و فرهنگ هند ایراد نمود و با غالب دانشمندان و ادباء ایرانی به بحث پرداخت. مدتی با آیت‌الله شریعت سنگلجی مذاکره فلسفی کرد. تاگور و همراهان پس از ۱۸ روز ایران را ترک‌کردند.



تاگور فیلسوف هندی در بین دانشمندان ایرانی

تیر ماه

۸ امیرفیصل ولیعهد و نایب‌السلطنه حجاز و نجد با عده‌ای از مقامات آن کشور وارد ایران شدند. از طرف رضاشاه، رئیس‌الوزراء، وزیر امور خارجه و هیئت رئیسهٔ مجلس شورای ملی ضیافت‌هایی به افتخار ورود وی داده شد. امیرفیصل فرزند دوم سلطان عبدالعزیز بن مسعود علاوه بر سمت نایب‌السلطنه دارای پست وزارت امور خارجه در آن کشور می‌باشد. مسافرت هیئت ۸ روز طول کشید.

۱۹ میرزا علی اصغرخان زرین‌کفش به معاونت وزارت داخله منصوب شد.

۱۹ آقای رئیس‌الوزراء آقای سیدمهدی فرخ رئیس اداره کل صناعت را با حفظ سمت به ریاست اداره کل فلاحت معرفی کرد و به او عنوان ذوالریّاستین داد.

۱۹ علی اکبر حکیمی رئیس کل فلاحت از خدمت معاف شد.

۲۲ سرتیپ عبدالمجید میرزا فیروز (ناصرالدوله) به سمت کفالت وزارت طرق و شوارع تعیین و معرفی گردید. میرزا رضاخان افشار وزیر سابق به استانداری اصفهان منصوب شد.

مرداد ماه

٤ علی دشتی نماینده مجلس شورای ملی طی نطق مفصلی در جلسه امروز مجلس به شرکت نفت انگلیس و ایران تاخت و متذکر شد رفتار ایران با شرکت مضحک است. در سال ۱۹۳۱ فقط سیصدهزار لیره به دولت ایران پرداخت شده است. درحالیکه دولت انگلستان از کمپانی هشتصد هزار لیره مالیات گرفته است.

سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه در همین جلسه در پاسخ علی دشتی توضیحاتی داد و گذشتگان ایران را مقصر دانست و افزود انعقاد قرارداد دارسی در ۳۲ سال قبل ناشی از

عدم اطلاع و بصیرت مصادر امور بوده است، مشغول مذاکره با کمپانی هستیم اگر مذاکرات به نتیجه مطلوب نرسد به طریق دیگری برای احقاق حق خود توسّل می‌جوئیم.

۱۵ در کرمان و فارس و لارستان سیل عظیمی جاری گردید و خسارات هنگفتی به مردم و مخصوصاً کشاورزان وارد شد مجموعاً متجاوز از ده هزار خانه ویران گردید.

شهریور ماه

۶ میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک که از رجال معروف و مورد توجّه مردم بود بطور ناگهانی درگذشت. مستوفی قبل از ظهر در منزل سردار فاخر حکمت میهمان بود. در آنجا دکتر مهدی ملک‌زاده، سردار عشایر قشقائی و صاحب اختیار نیز حضور داشته‌اند. دفعتاً حال مزاجی آقای مستوفی از اعتدال خارج می‌شود و به مرض سکته فوت می‌کنند. اقدامات پزشکی دکتر ملک‌زاده، دکتر حکیم‌الدوله ادهم و دکتر امیراعلم به جائی نمی‌رسد. مستوفی حین‌الفوت ۵۹ سال داشت و از وی ۲۳ فرزند باقی ماند.

۸ علی منصور وزیر داخله در جلسه امروز مجلس شورای ملی در خصوص وقایع فارس و شورش عشایر و طغیان ایل قشقائی نطق مشروحی ایراد نمود و وقایع آنجا را نتیجه تحریکات بعضی از متنفذین از جمله سردار عشایر قشقائی دانست و لایحه سلب مصونیت سردار عشایر و ناصرخان قشقائی را تقدیم مجلس نمود. این لایحه فی‌المجلس به تصویب رسید و نامبردگان بازداشت و تحویل زندان قصر شدند.

۸ دکتر کورت لیند نبلات مدیرکل آلمانی بانک ملی ایران به علت اختلاس و تنظیم بیلان جعلی از کار برکنار و تحت تعقیب قرار گرفت. اتوفوگل معاون وی نیز معزول شد. اتوفوگل با استفاده از صندوق عقب ماشین به بیروت فرار کرد و در آنجا خودکشی نمود.

۹ آقای آلبرت شیندر، یکی از مدیران آلمانی بانک به کفالت بانک ملی منصوب شد.

۱۰ محمدعلی فرزین وزیر مختار ایران در آلمان به تهران احضار و به معاونت بانک ملی ایران منصوب شد.

۱۵ مراسم افتتاح هتل بلدیه با حضور وزراء و رجال انجام گرفت این هتل از اقدامات سرتیپ‌بوذرجمهری رئیس بلدیه است.

۱۶ محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه برای حضور در جلسات سیزدهمین مجمع عمومی جامعه ملل به اتفاق آقای قریب و میرزا موسی خان نوری اسفندیاری از تهران حرکت کردند.

۲۲ پنجمین دسته محصلین اعزامی به اروپا که تعداد آنها یکصد نفر بود تهران را ترک نمودند.



اسمعیل صولت قشقائی (صولت‌الدوله ــ سردار عشایر) رئیس ایل قشقائی که درسال ۱۳۱۱ از او سلب مصونیت شد وپس از چندی در زندان درگذشت

مهر ماه

۱۴ انتخابات هیئت رئیسه مجلس تجدید شد و مجدداً دادگر به ریاست افسر و دادور به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۲۷ اعلان انتخابات دوره نهم قانونگذاری منتشر گردید.



عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظّم خراسانی) وزیر مقتدر دربار پهلوی ناگهان مورد غضب قرار گرفته بازداشت شد.

آبان ماه

۱ نام شهر ناصری به اهواز مبدل گردید.

۱ قانون اوزان و مقیاس‌ها به تصویب رسید و ملاک کار گردید. برطبق این قانون واحد وزن کیلوگرم، واحد طول متر، واحد سطح مترمربع، واحد حجم مترمکعب و اضعاف و اجزاء مقیاس‌های مزبور مطابق اصول متری معین شد.

۲ غلامعلی میرزا دولتشاهی (مجلل الدوله) پدرزن رضاشاه به مرض سکته قلبی درگذشت. وی ۵۵ سال داشت و ریاست تشریفات داخلی دربار با او بود.

۱۶ کارهای ساختمانی بندر شاهپور تمام شد و وسائل پهلو دادن کشتی‌های بزرگ تجارتی برای تخلیه مال‌التجاره آماده گردید. طول راه‌آهن از بندر مزبور تا صالح‌آباد ۲۵۰ کیلومتر می‌باشد که امروز افتتاح شد.

آذر ماه

۱ فروغی وزیر خارجه از مسافرت ترکیه و حضور در جامعه ملل مراجعت نمود.

۶ امروز که مصادف با عید مبعث ۱۳۵۱ هجری بود، چون مذاکرات با کمپانی نفت بجایی نرسید رضاشاه پرونده نفت را در بخاری سوزاند و گفت از این تاریخ امتیازنامه دارسی لغو می‌گردد و مراتب کتباً به شرکت نفت انگلیس در ایران اطلاع داده شد. روزنامه اطلاعات و سایر جراید در این روز فوق‌العاده انتشار دادند و در شهر تهران و سایر شهرها مراسم چراغانی و شادمانی بر پا شد.

۸ مراسم افتتاح کارخانه قند کرج انجام گرفت. فعلاً محصول کارخانه سالیانه سه هزار خروار قند می‌باشد.

۱۰ امروز در جلسه علنی مجلس شورای ملی سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه لغو امتیاز دارسی را اعلام کرد. حاج محتشم السلطنه اسفندیاری، فهیم‌الملک فهیمی و علی دشتی نمایندگان مجلس نطق‌هایی در تأیید اقدام دولت ایراد نمودند. گزارش وزیر مالیه در لغو امتیاز دارسی به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت.

۱۲ شرکت نفت انگلیس و ایران اقدام دولت ایران را مبنی بر لغو قرارداد دارسی غیرقانونی تلقی نموده تقاضا کرد دولت ایران از تصمیم خود عدول کند.

۲۲ نام شهر استرآباد به گرگان تبدیل شد.

۲۳ دولت انگلستان یادداشت شدیداللحنی برای محمدعلی فروغی وزیر خارجه ایران فرستاد و مدعی شد اگر ایران در مورد امتیازنامه مطالبی دارد باید از طریق محاکم صالحه بین‌المللی اقدام کند. فروغی در پاسخ دولت انگلیس متذکر شد ایران از این تهدیدات باکی ندارد.

۲۴ دولت انگلستان به استناد ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل شکایت خود را از دولت ایران به علت فسخ قرارداد دارسی تسلیم دبیرخانه جامعه ملل نمود.

دی ماه

۳ از طرف رضاشاه دستور داده شد دربار را منحل کنند و آن قسمت که تیمورتاش کار می‌کرد برچیده شد و رضاشاه گفت من دیگر دربار نمی‌خواهم و تیمورتاش دیگر وزیر دربار نیست.

۳ عبدالحسین تیمورتاش وزیر مقتدر دربار پهلوی از کار برکنار شد و در خانهٔ خود واقع در بیرون دروازه باغشاه تحت نظر قرار گرفت.

۸ دوره هشتم مجلس شورای ملی پایان یافت. دادگر رئیس مجلس، رئیس الوزراء، فهیم الملک، و شیخ الملک اورنگ نطق‌های تملق‌آمیزی ایراد کردند.

۹ علی‌اکبر داور وزیر دادگستری، حسین علاء وزیر مختار سابق ایران در پاریس، انوشیروان سپهبد وزیر مختار در برن و نصرالله انتظام عضو مقدم اداره عهود و جامعه ملل عازم اروپا شدند تا در جلسات شورای جامعه ملل که برای رسیدگی به اختلاف ایران و انگلیس در مورد لغو امتیاز قرارداد دارسی منعقد می شد شرکت و دفاع نمایند.

۹ دکتر احمد متین‌دفتری در غیاب علی‌اکبر داور به کفالت وزارت دادگستری انتخاب شد.

بهمن ماه

۶ علی منصور وزیر داخله به وزارت طرق و شوارع منصوب شد. سرتیپ‌فیروز کفیل سابق وزارت طرق به وزارت جنگ

بازگشت.

۱۴ جامعه ملل قراری صادر نمود که به موجب آن شرکت نفت را به مذاکره مستقیم با دولت ایران وادار می‌نمود. جامعهٔ ملل مقرّر داشت اگر مذاکرات مستقیم به حل اختلافات منتهی نشد موضوع مجدداً در جامعه ملل مطرح و اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۲۶ حاج حسین آقا امین‌الضرب نماینده مجلس و رئیس اتاق تجارت در سن ۶۲ سالگی به بیماری سکته قلبی درگذشت. وی در دوره اول نایب رئیس مجلس بود.

۲۹ طبق قرار مدعی‌العموم دیوان جزای عمال دولت (محمد سروری) قرار توقیف عبدالحسین تیمورتاش وزیر سابق دربار صادر شد و در اداره نظمیه زندانی گردید.

اسفند ماه

۲۴ به ابتکار و تشویق سرتیپ محمدحسین خان آیرم رئیس نظمیه کارناوال یا کاروان شادی در تهران و شهرستانها بکار افتاد.

۲۵ نهمین دوره مجلس شورای ملی با تشریفات خاص افتتاح شد. در این مراسم از علماء و روحانیون آقایان امام جمعه خوئی، سیدمحمد امامی امام جمعه تهران، میر سیدمحمد بهبهانی، جواد ظهیرالاسلام، حاج محمد امین خوئی، حاج شیخ بحرالعلوم رشتی، و از رجال شاهزاده عبدالحسین فرمانفرما، حسن وثوق، احمد قوام، محمود علامیر (احتشام‌السلطنه)، ممتازالدوله و سید محمد تدین حضور داشتند. در همین جلسه دادگر به ریاست موقت و آقایان افسر و دادور به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۲۵ محاکمه عبدالحسین تیمورتاش وزیر سابق دربار در شعبه اول دیوان جزای عمال دولت آغاز گردید. ریاست محکمه با عبدالعلی لطفی و مستشاران میرزا اسمعیل یکانی و مهریار بودند. جلسه محاکمه سرّی اعلام گردید و سه روز ادامه داشت. سیدهاشم وکیل و دکتر احمد مقبل از متهم دفاع کردند و سروری مدعی‌العموم شخصاً به بیان ادعانامه پرداخت. در این محاکمه تیمورتاش از حیث ارتشاء به سه سال حبس مجرد که مستلزم محرومیت از تمام حقوق اجتماعی و استرداد مال حاصل از ارتشاء و پرداخت سی و هشت هزار و پانصد و نود و دو تومان و هزار و هفتصد و دوازده لیره انگلیسی بود محکوم گردید.

۲۹ هیئت نمایندگی ایران در جامعه ملل از ژنو مراجعت و به تهران وارد شدند.

۲۹ حسین علاء وزیر مختار سابق ایران در فرانسه به ریاست هیئت مدیره‌بانک ملی ایران منصوب گردید. والتر هرشیش آلمانی به سمت مدیر عاملی بانک پذیرفته شد.

۲۹ اسمعیل قشقائی معروف به (سردار عشایر صولت‌الدوله) که در شهریور ماه از وی سلب مصونیت شده و در زندان بسر می‌برد بطور ناگهانی در زندان قصر درگذشت. اداره نظمیه فوت وی را سکته اعلام نمود.

سال ۱۳۱۲ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۳۳ تا ۲۱ مارس ۱۹۳۴ میلادی

فروردین ماه

۱ عده زیادی از صاحبمنصبان قشون ترفیع درجه گرفتند. در این ترفیعات سرتیپ محمدحسین آیرم رئیس نظمیه، سرتیپ کریم بوذرجمهری رئیس بلدیه، سرتیپ عزیزالله ضرغامی رئیس امنیه، سرتیپ یزدان‌پناه رئیس تفتیش نظام، سرتیپ شاه‌بختی فرمانده لشکر شمال غربی، سرتیپ محتشمی فرمانده لشکر شمال شرقی و سرتیپ مقدم فرمانده لشکر مرکز به درجه امیرلشکری ارتقاء مقام یافتند. سرهنگ احمد معینی فرمانده لشکر خوزستان، سرهنگ مطبوعی فرمانده لشکر خراسان، سرهنگ عباس البرز، سرهنگ دکتر کریم هدایت، سرهنگ اسمعیل شفائی، سرهنگ علی اصغر نقدی و سرهنگ روح‌الله جهانبانی سرتیپ شدند. نایب سرهنگ حاج علی رزم‌آرا فرمانده تیپ لرستان به درجه سرهنگی نائل آمد.

۱۵ به دنبال اظهارنظر و توصیه جامعه ملل در مورد حل اختلاف دولت ایران و کمپانی نفت نمایندگان کمپانی وارد تهران شدند.

۲۰ کنفرانس بزرگ اقتصادی از نمایندگان اتاق‌های تجارت ولایات در عمارت شرکت سهامی تهران تشکیل و از طرف رئیس‌الوزراء افتتاح شد.

۲۴ در جلسه علنی امروز مجلس هیئت رئیسه دائمی انتخاب شد. دادگر با ۸۳ رأی به سمت ریاست انتخاب شد. آقایان افسر و دادور نایب رئیس شدند.

۲۹ حاج مخبرالسلطنه هدایت هیئت دولت خود را به این شرح به مجلس معرفی کرد:

محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه، سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه، علی اکبر داور وزیر عدلیه، جعفرقلی اسعد وزیر جنگ، علی منصور وزیر طرق و شوارع، یحیی قره گوزلو وزیر معارف، فرج‌الله بهرامی وزیر پست و تلگراف، علی اصغر زرین‌کفش کفیل وزارت داخله، عبدالله یاسائی رئیس اداره کل تجارت، مهدی فرخ رئیس ادارات صناعت و فلاحت، یحیی ناظم‌الدوله دیبا معاون رئیس‌الوزراء. در همین جلسه فروغی، آقای غفاری و تقی‌زاده، آقای سیاح و منصور، آقای سلطان محمد عامری را به معاونت خویش معرفی کردند.

۳۰ مجلس به برنامهٔ دولت و وزیران به اتفاق آراء رأی داد.

اردیبهشت ماه

۹ مذاکرات بین متخصصین و مشاورین حقوقی دولت و کمپانی نفت جنوب خاتمه پذیرفت. این مذاکرات بین

فروغی، تقی‌زاده، داور و سرجان کـدمن رئیس کل شرکت نفت ادامه داشت.

مدت امتیازنامه دارسی شصت سال بود که سی سال آن منقضی شده بود. هنگام تنظیم قرارداد جدید اساساً صحبت از تمدید قرارداد برای مدت شصت سال نبود. ولی در مراحل آخر این تصمیم به دولت ایران تحمیل شد. قرارداد جدید مشتمل بر یک مقدمه و ۲۷ ماده بود.

۲۴ مجلس شورای ملی قرارداد جدید نفت ایران و انگلیس را تصویب کرد. از ۱۱۳ نماینده ۱۰۵ نفر به قرارداد رأی دادند. تقی‌زاده در مجلس مدافع لایحه بود.[1]

۳۱ علی اکبر داور وزیر عدلیه لایحه سلب مصونیّت آقای امین‌التجار را به اتهام پرداخت رشوه به تیمورتاش به مجلس برده و به تصویب رسانید. امین‌التجار همان روز بازداشت و محاکمه مجددی از تیمورتاش و امین‌التجار در دیوان جزا شروع شد.

۱ــ لغو قرارداد دارسی و انعقاد قرارداد جدید به مدت شصت سال با کمپانی نفت ایران و انگلیس گرچه متجاوز از نیم قرن از تاریخ آن می‌گذرد ولی هنوز اسرار فاش نشده و اسناد و مدارک منتشر نشده‌ای وجود دارد و با این ترتیب قضاوت در این‌باره بطور قطع و یقین دور از شأن یک مورّخ است در چند سال اخیر گفتگوهای تازه‌ای در این‌باره به عمل آمده است مخصوصاً یادداشت‌های مرحوم سید حسن تقی‌زاده تا حدی ما را در مسیر اصلی کار قرار می‌دهد کسانی که مایل به تحقیق در این زمینه باشند نخست کتاب پنجاه سال نفت تألیف مصطفی فاتح می‌تواند راهنمای خوبی باشد در کتب دیگری مانند تاریخچه ملی شدن صنعت نفت تألیف فؤاد روحانی نیز می‌توان مطالبی جستجو کرد. خاطرات و خطرات مخبرالسلطنه هدایت و اطلاعات در ربع قرن نیز مختصر توضیحات دارد. نطق سید حسن تقی‌زاده در مجلس پانزدهم در پاسخ عباس اسکندری مبنی بر چگونگی لغو قرارداد دارسی و آلت فعل بودن خود جالب و خواندنی است. مقالات سودمند آقای دکتر جواد شیخ‌الاسلامی در مجلات آینده و یغما پرده از این ماجرای غبارآلود برمی‌دارد. هنگامی‌که قرارداد دارسی لغو و قرارداد جدید منعقد شد تقی‌زاده مسئولیت اداره وزارت مالیه را برعهده داشت و طبعاً بار سنگین دفاع از آن از لحاظ تاریخی بر گرده او قرار گرفت بدون شک نمی‌توان نام مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) رئیس‌الوزرای وقت را نادیده گرفت. تیمورتاش، داور و محمدعلی فروغی نیز در کار مداخله تام و تمام داشتند. مخبرالسطنه هم لایحهٔ دفاعیه خویش که برای دفاع از پنجاه سال بازیگری خود در سیاست بنام خاطرات و خطرات نوشته شده است آنچنان موضوع را ساده تلّقی نموده و خود را بدون تأثیر در این کارِ دانسته است و بدین ترتیب خواسته است این ذنب لایغفر را به گردن دیگران بیندازد ولی تاریخ او را در نیمی از دوران سلطنت رضاشاه شریک می‌داند و خوب و بد را از جانب وی می‌پذیرد.

خرداد ماه

۳ یاسایی رئیس کل تجارت از خدمت معاف شد.

٤ همایون سیاح معاون وزارت مالیه رئیس اداره کلِ تجارت گردید.

۱۶ یحیی قره‌گوزلو (اعتمادالدوله) از وزارت معارف کناره‌گیری کرد.

۱۷ دکتر احمدخان محسنی (عمادالملک) رئیس معارف آذربایجان به کفالت وزارت معارف منصوب شد.

۲۱ اجاره تأسیس بانک فلاحتی و صنعتی مستقل با سرمایه بیست میلیون ریال به تصویب رسید.

تیر ماه

٤ حکم محکومیت دوم تیمورتاش از شعبهٔ اول جزای عمال دولت (دیوان کیفر) صادر گردید. تیمورتاش به جرم اخذ ۹ هزار لیره انگلیسی و ۲۰۰ هزار ریال رشوه از حاج امین‌التجار اصفهانی در قبال کمک به مشارالیه در عقد قرارداد انحصار تریاک به پنج سال حبس مجرد و تأدیه ۹ هزار لیره و رشوه مأخوذه به ضبط خزانهٔ دولتی محکوم گردید. امین‌التجار نیز محکوم به شش ماه حبس تأدیبی شد.

۱۸ سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه آقای نجم‌الملک را به معاونت خویش برگزید.

۲۵ مراسم افتتاح بانک فلاحتی و نصب اولین سنگ بنای بانک ملی به عمل آمد.

۲۱ کمپانی نفت مبلغ چهار میلیون و صد و هفت هزار و ششصد لیره بابت تفاوت قیمت طلا و حق‌الامتیاز به دولت ایران پرداخت نمود.

۳۱ ملک‌المورخین مؤلف قسمتی از ناسخ‌التواریخ و نوهٔ محمدتقی‌خان لسان‌الملک که در مشروطیت روزنامه‌های آئینه غیب‌نما، وطن و آزاد را در تهران منتشر می‌ساخت و مردی ادیب و مورخ بود در سن ٦٤ سالگی در تهران درگذشت.

مرداد ماه

۳ محاکمه دکتر لیندنبلات آلمانی مدیر کل سابق بانک ملی



محمد علی فروغی (ذکاءالملک)

و همکاران وی در عدلیه آغاز گردید. دکتر لیندنبلات در سال ۱۳۰۶ به اتفاق عده‌ای از بانکداران آلمانی جهت تأسیس و اداره بانک ملی استخدام شده بودند. پس از تأسیس بانک نامبرده مرتکب چندین فقره اختلاس گردید و بیلان جعلی تنظیم نمود. وکلای وی مظفر فیروز و دکتر آقایان بودند. دادگاه او را محکوم به ۱۸ ماه زندان و پرداخت شصت هزار تومان خسارت نمود.

۸ انوشیروان‌خان سپهبد معاون وزارت امور خارجه شد.

۱۵ محمد رضوی به معاونت وزارت معارف تعیین شد.

۲۳ سردار همایون والی اولین رئیس ایرانی دیویزیون قزاق که در تشکیلات قشون درجه امیرلشکری داشت در سن ۵۹ سالگی درگذشت.

شهریورماه

٤ بیمارستان شماره ۲ قشون با دویست تختخواب افتتاح شد. سرویس جراحی تحت نظر دکتر میر و دکتر پیشوا و سرویس کحالی تحت نظر دکتر نجات‌الله قرار دارد. ریاست قسمت امراض داخلی با دکتر فرهومند و دکتر ممقانی و قسمت امراض مسریه با دکتر علی اصغرزاده و دندانسازی با دکتر سرکیسیان است.

۱۸ امیر فیصل اول پادشاه عراق که در کشور سویس تحت درمان و مداوا بود درگذشت. بجای وی امیر غازی فرزند ۲۱ ساله‌اش به سلطنت رسید.

۲۲ ۸۲ نفر از محصلین دولتی برای تحصیل عازم اروپا شدند.

۲۲ مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) رئیس‌الوزراء مکلّف به استعفا شد. محمدعلی فروغی در همین روز به مقام رئیس‌الوزرائی برگزیده شد.

۲۶ فروغی رئیس‌الوزراء وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

جعفرقلی اسعد وزیر جنگ ــ علی اکبر داور وزیر مالیه ــ علی منصور وزیر طرق ــ محمود جم وزیر داخله ــ محسن صدر وزیر عدلیه ــ محمدعلی دولتشاهی وزیر پست و تلگراف ــ باقر کاظمی وزیر امور خارجه ــ علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف ــ علی اکبر بهمن رئیس اداره کل تجارت ــ مصطفی قلی‌بیات رئیس اداره فلاحت و صناعت.

۲۸ حاج سیدنصرالله تقوی رئیس شعبه دیوانعالی کشور به جای صدرالاشراف به سمت مدعی‌العموم کل کشور منصوب شد و رتبه یازده قضایی گرفت.

مهرماه

۵ عبدالحسین تیمورتاش وزیر سابق دربار در زندان قصر در سن ۵۲ سالگی به وضع مرموزی از بین رفت. همانروز جنازه او را تحویل خانواده‌اش دادند.

۵ علی‌اصغر زرین‌کفش به سمت کمیسر نفت در لندن به جای مرحوم میرزا عیسی‌خان فیض انتخاب شد و همایون سیاح به جای او معاون وزیر داخله گردید.

۷ کاراخان قائم‌مقام کمیساریای خارجه دولت اتحاد جماهیر شوروی با تشریفات رسمی وارد تهران شد. از طرف وزیر و معاون وزارت خارجه و کفیل ارکان حرب قشون و رئیس تشکیلات نظمیه و بلدیه و حکمران تهران از وی استقبال به عمل آمد.

۸ کاراخان با شاه، رئیس‌الوزراء و وزیر خارجه ملاقات کرد.



محمد علی فروغی در مجلس شورای ملی در نوبت دوّم نخست وزیری خود. فروغی در این دوره دو سال و چند ماه نخست وزیر بود

۱۰ کاراخان از زندان قصر بازدید نمود.

۱۳ کاراخان تهران را به قصد شوروی ترک کرد.

۱۵ ابوالقاسم فروهر کفیل شعبه ۵ دیوانعالی کشور به معاونت وزارت مالیه منصوب شد.

۱۵ محمد رضوی معاون وزیر معارف به معاونت وزارت پست و تلگراف تغییر سمت داد.

۱۵ هیئت رئیسه مجلس تجدید شد. حسین دادگر مجدداً به ریاست افسر و دادور به نیابت ریاست انتخاب شدند.

آبان ماه

۲۰ محمدنادرشاه پادشاه افغانستان به دست عبدالخالق نامی به هنگام توزیع جوائز در مدارس نظام به قتل رسید. به دنبال این حادثه فرزند ۱۹ ساله وی به نام محمد ظاهرشاه که در پاریس در رشته کشاورزی تَحصیل می‌نمود به تخت سلطنت جلوس کرد.

۲۶ جعفرقلی اسعد (سردار اسعد) وزیر جنگ که در معیّت رضاشاه برای مراسم اسب‌دوانی به شمال رفته بود در بابل توسط سرهنگ سیاسی رئیس اداره تأمینات بازداشت و تحویل زندان قصر گردید.

آذر ماه

۱۰ مراسم افتتاح راه چالوس برگزار شد. راه مزبور از کرج تا چالوس ۱۶۸ کیلومتر و اقصر طرق اتصال تهران به دریای خزر است. مسیر آن از ابتدا تا انتها کوهستانی است. ارتفاع راه در کرج ۱۴۰۰ متر وعرض معمولی این راه ۸ متر است که در بعضی نقاط به ۱۲ متر می‌رسد. پلها و لوله‌های این راه که جمعاً به طول ۲۴۴۳ متر می‌باشد با سنگ و آهک ساخته شده است. ساختمان این راه در بهار ۱۳۱۰ و پل چالوس در بهمن ۱۳۱۱ شروع شد. طول پل ۱۴۰ متر می‌باشد. راه چالوس به راه مخصوص نامگذاری شد.

۱۹ از طرف وزیر داخله لایحه سلب مصونیت از آقایان ابراهیم قوام (قوام‌الملک شیرازی)، محمدتقی اسعد (امیرجنگ) و امیر حسین ایلخان به علت مداخله در اموری که به ضرر مملکت است به مجلس شورای ملی تقدیم و در همان جلسه به تصویب رسید.

۱۵ میرزا اسمعیل خان ممتاز (ممتازالدوله) که از رجال ایران بود و در ادوار اول و دوم چندی بر مجلس شورای ملی ریاست داشت در سن ۵۹ سالگی درگذشت. حین‌الفوت ریاست شورای عالی معارف با او بود. وی در طول زندگی چندین بار مقام وزارت گرفت.

دی ماه

۷ علی سهیلی معاون وزارت طرق معاون وزارت امور خارجه شد.

۸ کارخانه سیمان واقع در بین راه حضرت عبدالعظیم در پای کوه چشمه‌علی افتتاح شد. منصور وزیر طرق گفت قسمتی از اولین کارخانه سیمان ایران از دانمارک و بخشی از سوئد خریداری شده است. کارخانه روزانه استعداد ساختن صد تن سیمان را دارد.



جعفرقلی اسعد (سردار بهادر ــ سردار اسعد)

۱۵ سیدحسن تقی‌زاده وزیر سابق مالیه وزیر مختار ایران در فرانسه شد.

۲۲ انجمن طرفدار جامعه ملل در ایران تشکیل شد. اسفندیاری به ریاست افتخاری و دکتر متین‌دفتری معاون وزارت دادگستری به ریاست دبیرخانه انتخاب شدند.

۲۵ قانون جدید تشکیل دیوان محاسبات در ۴۱ ماده بجای قانون مصوب ۱۳۲۹ به تصویب رسید.

۲۵ سرهنگ فضل‌الله بهرامی رئیس تأمینات بجای سرلشکر بوذرجمهری به کفالت بلدیه تهران منصوب شد. و بوذرجمهری برای معالجه به اروپا رفت.

بهمن ماه

۲ عارف قزوینی شاعر بزرگ معاصر در همدان در سن ۵۲ سالگی درگذشت و در کنار بقعه بوعلی سینا دفن گردید. عارف علاوه بر جنبه شعری و فضل و هنر یک پارچه احساس بود.

۲۹ آلبرت پادشاه بلژیک در یک کوه‌پیمایی در اثر لغزش سنگ از زیر پای او با مغز به درون دره عمیقی پرت شد و آناً درگذشت. تمام رؤسای کشورها و ولیعهدهای اروپا در



سرلشگر کریم بوذرجمهری رئیس بلدیه تهران

مراسم تشییع جنازه شرکت کردند. نمایندگان ایران در مراسم تشییع شرکت داشتند.

اسفند ماه

۱۰ در اثر جدیّت مأمورین تأمینات اصغر قاتل که مرتکب هشت فقره قتل در تهران ظرف دو ماه و نیم شده بود دستگیر شد و در همان نخستین مراحل بازجوئی به تمام جنایات خود اعتراف کرد[1].

۱۲ پس از چهارده سال که سوریه تحت سرپرستی دولت فرانسه بود طبق معاهده جدید که بین حکومت جمهوری سوریه و کمیسر عالی فرانسه در شامات امضاء گردید وبدین ترتیب دوره سرپرستی فرانسه در سوریه ملغی شد. وزارت خارجه ایران از استقلال سوریه اظهار مسرّت نمود. تلگراف تبریک مخابره نمود.

۱۳ بودجه کل مملکتی مربوط به سال ۱۳۱۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. عایدات پیش‌بینی شده مبلغ ۶۲۱,۴۱۳,۴۱۷ ریال و مخارج ۶۲۱,۳۰۷,۸۶۵ ریال می باشد ضمناً به وزارت مالیه اجازه داده شد دو میلیون لیره از محل ذخیره مملکتی برای خرید و تکمیل مهمّات قشونی تأدیه نموده و پرداخت هائی را هم که از محل ذخیره مملکتی برای این منظور قبلاً بانتظار تصویب اضافه اعتبار به عمل آمده است باین اعتبار محسوب نماید.

۱۶ قراداد حکمیت تعیین خط سرحدی بین ایران و افغانستان امضاء و مبادله گردید.

قانون محاسبات عمومی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

۱۹ قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. بموجب این قانون دولت موظف شد از اول فروردین ماه لااقل تا مدت ۵ سال ۲۵ باب دارالمعلمین و دارالمعلمات مقدماتی و یک دارالمعلمین عالی در تهران و شهرستانها تأسیس و دائر نماید. تحصیل در این مدارس مجّانی و شبانه‌روزی خواهد بود. فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین عالی با سمت دبیر در دبیرستانها تدریس خواهند نمود و فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین مقدماتی معلم مدارس ابتدایی می‌شوند. دوره دارالمعلمین عالی سه سال با دیپلم کامل متوسطه و دوره دارالمعلمین مقدماتی دو سال با دارا بودن سیکل اوّل متوسطه است.

۲۰ سرهنگ رضا قلی خان امیر خسروی رئیس بانک پهلوی که مربوط به قشون است به ریاست کل بانک ملی ایران با یکهزار تومان حقوق در ماه تعیین شد. امیر خسروی به خدمت مستشاران آلمانی بانک خاتمه داد و امور بانک را جزئاً و کلاً به ایران سپرد. محمدعلی فرزین وزیر سابق امور خارجه و مالیه معاونت بانک را عهده‌دار می باشد.

۲۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس رسید و به دولت برای اجراء ابلاغ شد.

۱ــ اصغر قاتل معروف به اصغر بروجردی بامیه‌فروش از جانیان بالفطره و خطرناک بود در اواخر پائیز سال ۱۳۱۲ از عراق به تهران آمد و در مدت کوتاهی مرتکب ۸ فقره قتل گردید وی قبلاً در عراق ۲۵ فقره قتل انجام داده بود. اصغر در فریب دادن اطفال خردسال ولگرد در سنین بین ده تا پانزده سال مهارت عجیبی داشته و آنها را برای اطفاء شهوات حیوانی خود به خرابه‌های خارج شهر می برد. و در آنجا پس از انجام عمل شنیع سر می بریده یا شکم پاره می‌کرده است. در نخستین روزهائیکه وی مرتکب چند قتل گردید مأمورین تأمینات درصدد کشف جرم و دستگیری قاتل بودند سرانجام در ۱۰ اسفند قاتل دستگیر و به زندان افتاد و مراحل بازجوئی او به سرعت انجام گرفت. پس از تکمیل پرونده، رسیدگی به دادگاه عالی جنائی ارجاع گردید. دادگاه عالی جنائی در روز ۱۳۱۳/۳/۱۵ قبل از ظهر به ریاست جعفر جوان و عضویت آقایان دکتر قاضی، باقر طلیعه، شیروانی و وجدانی با حضور آقای علی سیاسی دادستان استیناف وصفی نیا معاون دادستان و دکتر فلاتی رئیس پزشکی قانونی تشکیل و آغاز به محاکمه کرد. شریعت‌زاده و شیخ رضا ملکی وکلای تسخیری او بودند قاتل در تمام مراحل به جنایات خود اعتراف نموده حتی قتل‌هائی را که در عراق انجام داده بود برشمرد و استدلال کرد که آنها بی‌سر و بی‌پا بوده‌اند و من آنها را از بین بردم. دادگاه سرانجام طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی او را هشت بار به اعدام محکوم نمود. متهم از رأی صادره تقاضای تمیز کرد و رأی در دیوانعالی تمیز ابرام شد و سرانجام قاتل در بامداد روز ششم تیرماه در میدان توپخانه به دار کشیده شد. سلیمان بهبودی در خاطرات انتشار نیافته خود نوشته است روزی رضاشاه دستور داد اصغر قاتل را نزد او بیاورند تا شخصاً او را ببینند در روز موعود اصغر به اتفاق رئیس نظمیه و عده زیادی صاحبمنصب و آژان به کاخ شاه آمدند شاه قبل از دیدار دستور داد تا دستهای او را با طناب ببندند وقتی به اتاق شاه وارد می‌شود شاه از او می پرسد توچرا آدم کشتی او میگوید اینها فاسد بودند و من آنها را کشتم شاه می‌گوید مگر فقط در ایران فاسد است جای دیگر وجود ندارد اصغر پاسخ می‌دهد در جای دیگر هم فاسدها را از بین بردم و در عراق ۲۵ نفررا کشته‌ام آنگاه شاه با نفرت به رئیس پلیس می‌گوید اورا ببرید و بکشید.

سال ۱۳۱۳ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۳۴ تا ۲۲ مارس ۱۹۳۵ میلادی

فروردین ماه

۱ سرهنگ امیرخسروی رئیس بانک ملی به درجه سرتیپی ارتقاء یافت.

۱۰ عده‌ای از سران بختیاری و قشقایی و بویراحمدی و ممسنی که در دیوان حرب قشون محاکمه و محکوم به اعدام شده بودند در محوطهٔ زندان قصر اعدام شدند.

اعدام شدگان عبارتند از: محمدرضاخان بختیار (سردار فاتح)، محمد جواد اسفندیاری (سردار اقبال)، علیمرادخان چهارلنگ، آقاگودرز بختیاری، مرادجان بویراحمدی. غیر از معدومین عده‌ای نیز به حبس‌های طویل المدت محکوم گردیده‌اند.

۱۰ سردار اسعد بختیاری وزیر سابق جنگ که در ۲۶ آبان ماه توقیف و در زندان قصر بسر می‌برد توسط پزشک احمدی در زندان تلف گردید. وی ۵۵ ساله بود و در صدر مشروطیت فداکاری‌هائی از وی بمنصه ظهور رسیده بود.[1]

۱۵ انتخاب هیئت رئیسه مجلس تجدید شد. دادگر به ریاست و افسر و دادور نایب رئیس شدند.

---

۲۲ علی اکبر داور وزیر مالیه به کنترات کلیه مستخدمین بلژیکی گمرکات خاتمه داد و به‌طور کلی امور گمرکات ایران به مامورین ایرانی واگذار شد. دکتر محمد سجادی اولین ایرانی بود که به ریاست گمرک ایران معرفی گردید.

۲۲ محمدحسین خان ادیب‌الدوله که سالیان دراز ریاست مدرسه دارالفنون را برعهده داشت در تهران درگذشت.

۱. جعفرقلی اسعد فرزند ارشد علیقلی خان سرداد اسعد بختیاری است. جعفرقلی سردار بهادر پس از فتح تهران و خلع محمد علیشاه در کنار پدر خود فرماندهی سواران بختیاری را برعهده داشت و در اکثر جنگ‌های داخلی شرکت می‌نمود. در آن ایام در هر نقطه کشور شورش یا قیامی به وقوع ←

می پیوست. جعفرقلی و یپرم با سواران و افراد تحت فرماندهی خود سریعاً به آن منطقه اعزام می شدند. خلع سلاح ستارخان و باقرخان در پارک اتابک توسط آنها انجام گرفت. جعفرقلی پس از مرگ پدرش به لقب سردار اسعد ملقب گردید و چندی والی کرمان و زمانی والی خراسان شد. بعد از کودتای ۱۲۹۹ با سردارسپه که از سابق با یکدیگر آشنایی داشتند و سردارسپه غالباً زیردست او بود نزدیک شد و در دوران رئیس الوزرائی او به سمت وزیر پست و تلگراف منصوب گردید. پس از اینکه سردارسپه به پادشاهی رسید سردار اسعد از محارمان و نزدیکان شد و در تمام کابینه ها شرکت داشت و سمت او در کابینه ها وزارت جنگ بود. بعد از تیمورتاش تنها کسی که شفاعتش نزد رضاشاه مورد قبول واقع می شد همین سردار اسعد وزیر جنگ بود.

خرداد ماه

۳ عصر امروز طوفان شدیدی در جنوب غربی تهران ظاهر گردید. این طوفان به‌قدری شدید بود که صدها درخت کهنسال را ریشه کن ساخت و شیروانی بعضی از خانه‌ها را نیز به مسافات بعید پرتاب کرد.

۳ سیل مدهشی قسمتی از شهر قم را خراب کرد و عده زیادی از مردم را آواره و بی‌خانمان ساخت. از طرف آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری دستور لازم برای جبران خسارت وارده صادر گردید.

۸ قانون اجازه تأسیس دانشگاه در تهران تصویب شد.

۱۲ رضا شاه به‌عزم مسافرت ترکیه تهران را ترک نمود. همراهان شاه در این مسافرت عبارت بودند از: باقر کاظمی وزیر امور خارجه، حسین سمیعی رئیس تشریفات داخلی، حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص، قره گوزلو رئیس تشریفات خارجی، امیرلشگر امان‌الله جهانبانی، سرتیپ عبدالرضا افخمی، سرتیپ صادق کوپال، سرهنگ حسن ارفع، سروان محمود خسروانی، دکتر حسینقلی اسفندیاری، سروان عبدالله ظلّی، سروان علی اصغر مزینی، ستوان یکم محسن قدیمی، عباس فروهر معاون تشریفات وزارت خارجه، حسین قدس منشی وزیر خارجه، یوسف شکرانی عضو دربار، اسدالله ارفع عضو ستاد ارتش.

۲۱ رضاشاه و همراهان وارد خاک ترکیه شدند.

۲۴ یک مریضخانه صد تخت‌خوابی بنام بیمارستان رازی در تهران افتتاح گردید. ریاست مریضخانه با دکتر عباس لقمان‌ادهم (اعلم‌الملک) است و عده زیادی از اطباء حاذق و طبیبه‌های تحصیلکرده در آن خدمت می‌نمایند.

۲۷ رضاشاه باتفاق کمال اتاتورک از ارتش ترکیه سان دیدند.

تیر ماه

۲۰ رضاشاه از سفر ترکیه به ایران بازگشت.

۲۷ محمدعلی دولتشاهی (مشکوة‌الدوله) وزیر پست و تلگراف پشت میز اداره بر اثر سکته قلبی درگذشت.

مرداد ماه

۵ ساختمان جدید ادارهٔ پست در خیابان سپه افتتاح شد. این ساختمان به مدت ٦ سال در دست ساختن بود و مجموعاً پنج میلیون ریال هزینه آن شده است. این بنا در سه طبقه ساخته شده است.

۱۵ سرتیپ عباس البرز فرمانده لشکر کرمان و مکران به عده‌ای از سران بلوچ بوسیله قرآن مهرکرده تأمین داد، ولی هنگامی که سران بلوچ اسلحه خود را به زمین گذاشتند و تسلیم شدند آنها را دستگیر و چهل نفر از آنها را تیرباران نمود.[۱]

۱۷ امیرلشکر محمد نخجوان از طرف رئیس‌الوزراء به کفالت وزارت جنگ منصوب و معرفی شد.

۱۸ امیرلشکر عزیزالله ضرغامی رئیس امنیه مملکتی به کفالت ارکان حرب قشون منصوب گردید.

۱۸ سرهنگ غلامعلی زند رئیس امنیه ناحیه جنوب به کفالت تشکیلات امنیه منصوب شد.

۱۹ مؤسسه آژانس پارس که مرکز کسب و نشر اخبار جهان و اطلاعات داخلی مملکت است افتتاح و کار خود را شروع نمود.

۲۱ نام شهر ترشیز به کاشمر تبدیل شد.

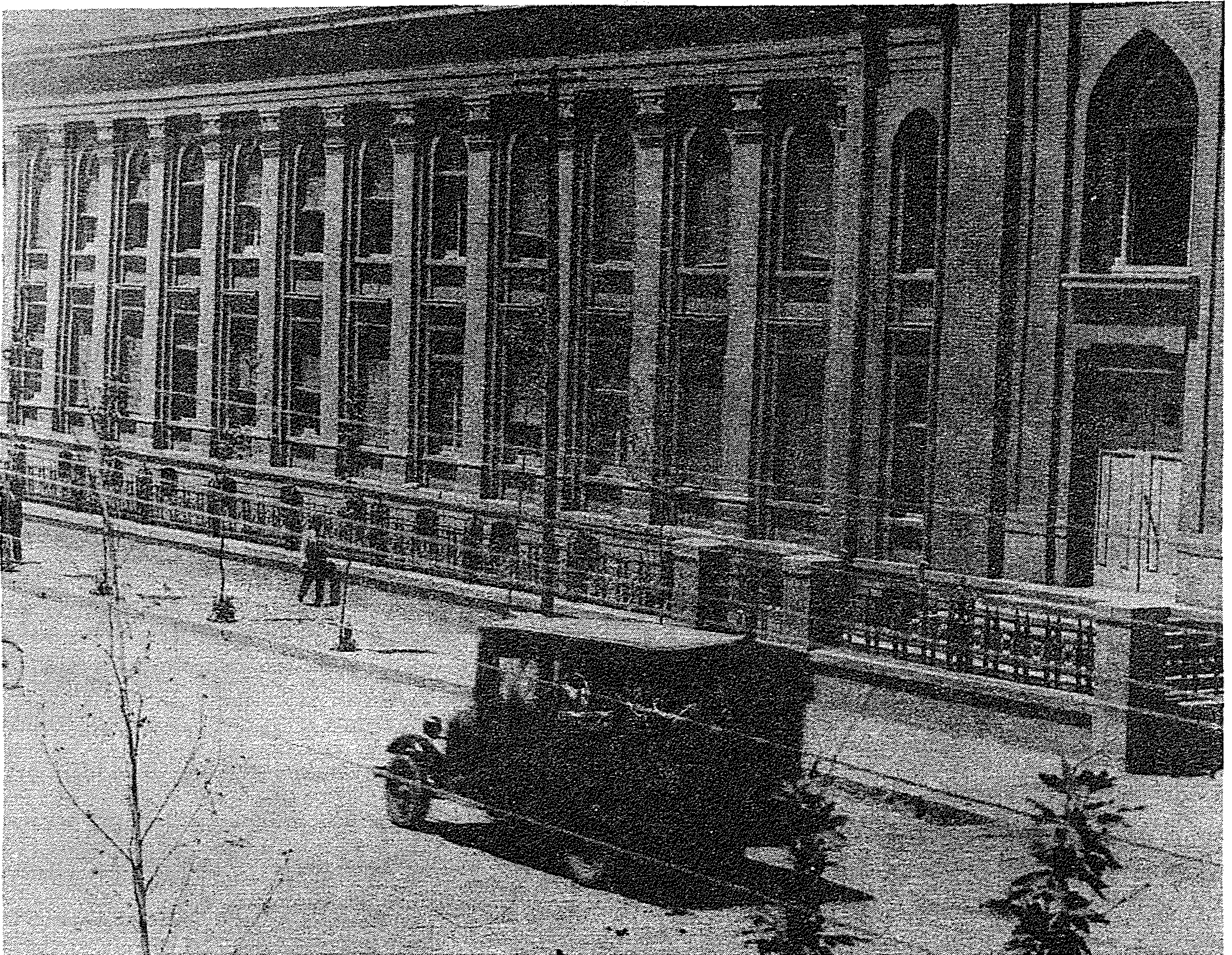
شهریور ماه

۱ حسین علاء وزیر مختار ایران در لندن شد.

٤ باقر کاظمی وزیر امور خارجه برای حضور در جلسه جامعه ملل به‌صوب اروپا عزیمت نمود. در غیاب وی علی سهیلی به کفالت وزارت خارجه معرفی شد.

علت حضور وزیر امورخارجه در جلسه جامعه ملل برای جوابگوئی به دادخواست و شکایت دولت عراق از دولت ایران پیرامونی مسائل مرزی دو کشور بود.

۱. سرتیپ عباس البرز پس از شهریور ۱۳۲۰ بابت همین اقدام خلاف انسانی تحت تعقیب دادرسی ارتش واقع شد و دادگاه او را به اعدام محکوم نمود. شاه اعدام او را یک درجه تخفیف داد ولی بعدها بعد از دوسه سال تحمل زندان آزاد شد.



ساختمان جدیدالتأسیس اداره پست تهران

مهر ماه

۳ فروغی رئیس‌الوزراء به‌دعوت حکمت وزیر معارف دانشکده فنی را افتتاح کرد پس از نطق حکمت، دکتر محمود حسابی کفیل دانشکده گزارش جامعی قرائت نمود بعد منصور وزیر طرق ضرورت دانشکده را تأیید کرد. منصور افزود تاکنون وزارت طرق ۱۶۰ محصل به اروپا اعزام داشته است ولی این عده کافی نیست و باید کادر فنی در ایران تربیت شوند.

۱۲ کنگره فردوسی یا جشن هزارمین سال تولد شاعر با شرکت چهل نفر از مستشرقین و دانشمندان ممالک خارجه، رجال و نویسندگان فاضل و اعیان و اشراف در تالار مدرسه دارالفنون با نطق محمدعلی فروغی رئیس‌الوزراء افتتاح شد. در جلسهٔ اول حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری به ریاست و پروفسور کریستنسن دانمارکی و پروفسور زادر آلمانی به نیابت ریاست، پروفسور هانری ماسه فرانسوی و دکتر عبدالوهاب عزام مصری به سمت منشی کنگره انتخاب شدند. کنگره از امروز به مدت یک هفته ادامه پیدا خواهد کرد.

۱۸ رضاشاه و کلیه مستشرقین و دانشمندان وارد مشهد شدند.

۲۰ آرامگاه فردوسی با نطق رضاشاه افتتاح شد.[۱]

۲۷ کنگره و جشن فردوسی پایان یافت و مستشرقین از

۱. این بنا ۱۸ متر ارتفاع دارد و یک ایوان چهل متری از سنگ این بنای عظیم را در وسط خود گرفته. از سمت شرق و غرب دو دریچه کوچک به‌داخل این بنا باز می‌شود، سقف این مقبره با کاشی‌های زیبا و مقرنس ساخته شده در وسط این محوطه کوچک سنگ مزار فردوسی مشاهده می‌شود که قریب یک متر از سطح زمین بلندتر است.

طریق بندر انزلی و کرمانشاه به اوطان خود بازگشتند.

۳۰ خیابان علاءالدوله که از بهترین خیابان‌های تهران می‌باشد به‌مناسبت یکهزارمین سال تولد حکیم ابوالقاسم فردوسی به‌نام آن شاعر نامگذاری شد.

آبان ماه

۱۶ گوستاو آدولف ولیعهد سوئد به اتفاق همسر و دو فرزند خویش وارد ایران شدند.

۲۰ نمایشگاه دائمی امتعه ایران در تهران افتتاح شد.

۲۶ فرمان انتخابات دوره دهم صادر گردید.

دی ماه

۱۱ قنسولگری‌های افتخاری ایران در ممالک خارجه ملغی شد.

۱۳ دولت عراق علیه ایران عرضحالی به شورای جامعه ملل داد. در این عرضحال دولت عراق در مورد شط العرب و حدود و ثغور کشور خود از ایران شکایت کرد.

۱۲ سرتیپ محمد درگاهی به ریاست اداره کل سجل احوال و احصائیه منصوب شد.

۲۰ برحسب تقاضای وزارت عدلیه مجلس شورای ملی با سلب مصونیت جواد امامی خویی نماینده خوی برای تحقیقات و تعقیبات جزایی موافقت کرد.

۲۴ اعلان انتخابات دوره دهم در تهران منتشر گردید. حسین دادگر به ریاست هیئت نظارت بر انتخابات و حاج محتشم السلطنه به نیابت برگزیده شدند.

بهمن ماه

۱۰ مهندس محمدحسین امین به ریاست اداره کل صناعت انتخاب شد.

۱۵ تالار تشریح دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گشایش یافت.

۱۵ سنگ اول بنای دانشگاه تهران به‌دست شاه در اراضی جلالیه نصب گردید. زمین خریداری شده برای دانشگاه دویست هزار متر که بمبلغ یکصدهزار تومان از حاج رحیم اتحادیه تبریزی به‌متری ۵ ریال خریداری شد.[1]

اسفند ماه

۱۱ امروز مریضخانه گوهرشاد از طرف وزارت داخله افتتاح شد بنای این مریضخانه برحسب وصیت گوهرشاد خانم توسط فرزندان نیکوکارش آقایان دکتر محمد حسابی و دکتر محمود حسابی خریداری و به صحیه کل مملکتی واگذار شده. در این مریضخانه ۵۰ تختخواب برای بیماران وجود دارد.

۱۵ انتخابات دوره دهم مجلس شورای ملی در تهران پایان یافت. دادگر وکیل اول تهران شد.

۲۲ مظفر اعلم به سمت ریاست اداره کل تجارت معرفی گردید.

۲۲ علی اکبر بهمن سفیرکبیر ایران در کابل شد.

۲۴ مراسم افتتاح رسمی دانشگاه در عمارت دانشکده حقوق به عمل آمد. در این روز حاج سیدنصرالله تقوی به ریاست دانشکده معقول و منقول، علی‌اکبر دهخدا به ریاست دانشکده حقوق، دکتر محمدحسین لقمان ادهم به ریاست دانشکده پزشکی، دکتر محمود حسابی به ریاست دانشکده فنی و دکتر عیسی صدیق به ریاست دانشکده ادبیات و علوم و دانشسرایعالی منصوب شدند.

۲۵ مراسم افتتاح بیمارستان فیروزآبادی در حضور وزیران و رجال به‌عمل آمد. اعتبار این بیمارستان تماماً توسط فیروزآبادی تامین گردید.

۲۶ در کادر استانداران و فرمانداران در سطح کشور تغییرات زیادی داده شد. غالب استانداران و فرمانداران تغییر یافتند.

۲۸ نزول برف در شهر همدان شهر را به تعطیل کشانید و مدارس برای سه روز تعطیل شد.

۱. برای اطلاع از چگونگی تشکیل دانشگاه تهران به کتاب سی خاطره علی اصغر حکمت از انتشارات وحید مراجعه فرمائید.

سال ۱۳۱٤ شمسی

برابربا

۲۲ مارس ۱۹۳۵ تا ۲۱ مارس ۱۹۳٦ میلادی

فروردین ماه

۱ تاریخ رسمی کشور بر ماههای شمسی تنظیم گردید و بکار بردن ماههای هجری قمری ممنوع شد.

۱ طبق بخشنامه وزارت امور خارجه از این تاریخ خارجیان باید «پرس» را ایران و «پرسان» را ایرانی بخوانند.

۱۲ عباس آریا به معاونت وزارت طرق و شوارع منصوب و مشغول کار شد.

۱۵ تحصیلات صادق رضازاده شفق و عیسی صدیق معادل دکترای فلسفه تشخیص داده شد.

۲۱ دوره نهم مجلس شورای ملی پایان یافت.

۲۱ یک هیئت اقتصادی به ریاست مظفر اعلم رئیس کل تجارت و عضویت بیات رئیس اداره کل فلاحت برای مشاهده اوضاع اقتصادی و فلاحتی و صناعتی کشور شوروی به مسکو عزیمت نمودند. از نظامیان سرتیپ زاهدی، سرهنگ کریم قوانلو، سرهنگ دکتر شیخ، یاور سرتیپی عضو هیئت بودند.

۲٦ امتیاز روزنامه شفق سرخ از طرف وزارت معارف لغو شد و روزنامهٔ مزبور منتشر نخواهد شد.

۲٦ امتیاز روزنامه یومیه ایران از طرف وزارت معارف از زین‌العابدین رهنما به مجید موقر انتقال داده شد. دفتر و تأسیسات و چاپخانه روزنامه ایران نیز به وی سپرده شد.

اردیبهشت ماه

٤ برای توسعه و تکمیل زبان فارسی و وضع واژه‌های جدید فارسی و جایگزین نمودن آنها به جای لغات بیگانه سازمانی به نام «فرهنگستان ایران» تأسیس یافت. در این سازمان نخبه دانشمندان معاصر در رشته‌های مختلف عضویت یافتند. در همین روز ذکاءالملک فروغی رئیس‌الوزراء به ریاست فرهنگستان و ادیب‌السلطنه سمیعی و حاج سیدنصرالله تقوی به نیابت ریاست انتخاب شدند. غلامعلی رعدی آذرخشی رئیس اداره انطباعات وزارت معارف با حفظ سمت به ریاست دبیرخانه برگزیده شد. فرهنگستان از تاریخ تأسیس به وضع لغات جدیدی پرداخت که تدریجاً از این تاریخ ملاک کارها قرار گرفت.

۲۰ سیدباقر کاظمی وزیر امور خارجه برای حضور در شورای جامعه ملل و مذاکره راجع به اختلافات سرحدی بین ایران و عراق عازم ژنو شد.

۲۰ حسین دادگر (عدل‌الملک) نماینده اول تهران که در سه دوره گذشته بر مجلس شورای ملی ریاست داشت از

ایران تبعید شد و از طریق بندر انزلی و باکو به سرعت ایران را ترک نمود.[1]

۲۰ زین‌العابدین رهنما نماینده سابق مجلس و مدیر روزنامه ایران، علی دشتی نماینده سابق مجلس و مدیر روزنامه شفق سرخ، فرج‌الله بهرامی دبیر اعظم وزیر و استاندار سابق و سیدمحمدرضا تجدد نماینده سابق مجلس و قاضی دادگستری بازداشت و به زندان نظمیه انتقال داده شدند.

خرداد ماه

۱۱ اساسنامه فرهنگستان به تصویب هیئت وزیران رسید.

۱۵ مراسم افتتاح دوره دهم مجلس شورای ملی قبل از ظهر انجام گرفت. در انتخابات هیئت رئیسه حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری به ریاست انتخاب شد. دادور و دکتر طاهری نایب رئیس شدند.

۱۸ اعتبارنامه آقای عدل‌الملک دادگر رئیس انجمن نظارت انتخابات دوره دهم و وکیل اول تهران و رئیس ادوار گذشته مجلس شورای ملی و یکی از بنیانگذاران سلسله پهلوی به‌واسطه عدم صلاحیت رد شد!؟

۲۷ آقای محمدعلی فروغی رئیس‌الوزراء کابینه خود را به شرح زیر به مجلس معرفی کرد:

محمود جم وزیر داخله ــ علی اکبر داور وزیر مالیه ــ علی منصور وزیر طرق ــ سیدباقر کاظمی وزیر امور خارجه محسن صدر وزیر عدلیه ــ نظام‌الدین حکمت وزیر پست و تلگراف ــ علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف ــ امیرلشکر محمد نخجوان کفیل وزارت جنگ ــ مظفر اعلم رئیس اداره کل تجارت ــ مصطفی قلی بیات رئیس اداره کل فلاحت ــ مهندس امین رئیس کل صناعت ــ ناظم‌الدوله دیبا معاون رئیس‌الوزراء.

۲۸ کلاه مردم ایران تغییر کرد و کلاه پهلوی که دارای یک لبه بود متروک گردید و تمام افراد کشور مقید شدند کلاه بین‌المللی (تمام لبه بنام شاپو) استعمال نمایند. بخشنامه‌ای در این زمینه از طرف وزارت داخله صادر شد. ضمن آن آمده است استعمال کلاه بین‌المللی برای مأمورین دولتی اجباری است و باید هرچه زودتر کلیه مأمورین کلاه خود را تغییر دهند و هریک از مأمورین و مستخدمین تعلّل یا استنکاف نمایند فوراً منتظر خدمت خواهند شد.

۳۰ به دستور محمدعلی فروغی رئیس‌الوزراء مقرراتی برای انعقاد مجالس ختم وضع و ابلاغ گردید و به موجب این مقررات مجالس ختم فقط در چند مسجد که بلدیه انتخاب می‌نماید باید برگزار شود. حداکثر آن مدت دو ساعت خواهد بود و صرف چای و قهوه و قلیان و سیگار باید متروک شود.

۳۱ ساعات در تمام کشور یکنواخت گردید.

تیر ماه

۱۴ سرمایه بانک ملی ایران از بیست میلیون ریال به سیصد میلیون ریال افزایش یافت.

۲۱ از طرف مردم مشهد تظاهراتی علیه لباس متحدالشکل و کلاه بین‌المللی صورت گرفت و مردم در مسجد گوهرشاد اجتماع نموده به عمل دولت به شدت اعتراض کردند. شیخ بهلول واعظ در این اجتماع برای مردم سخن گفت و آنها را

---

۱ ــ عدل‌الملک (حسین دادگر) از سال ۱۳۰۱ به سردار سپه نزدیک شد و جزء دوستان و یاران وی گردید و در اجرای برنامه‌ها او را یاری می‌داد با توصیه سردار سپه در آخرین کابینه مشیرالدوله به کفالت وزارت فوائد عامه و تجارت رسید و در دوران رئیس الوزرائی سردار سپه معاون رئیس‌الوزراء شد پس از خلع قاجاریه و استقرار سلطنت پهلوی در اولین کابینه که به ریاست ذکاء الملک فروغی تشکیل یافت دادگر مقام وزارت داخله گرفت. در دوره هفتم به ریاست مجلس انتخاب شد در حالیکه در آن مجلس افرادی چون وثوق‌الدوله و محتشم‌السلطنه عضویت داشتند در ادوار هشتم و نهم نیز مقام ریاست مجلس را برای خویش حفظ نمود در انتخابات دوره دهم ریاست انجمن نظار انتخابات تهران با او بود و سرانجام وکیل اول تهران شد ولی قبل از افتتاح مجلس دهم مورد غضب و تغیر شاه واقع گردید و از ایران به فوریت خارج شد تا سرنوشتی نظیر تیمورتاش و سردار اسعد و نصرت‌الدوله پیدا نکند. بی‌مهری رضاشاه به او در اثر تفتین و پرونده سازی سرلشگر ایرم رئیس نظمیه بود در همان موقع عده دیگری نیز دستگیر و تبعید شدند. عدل الملک مردی متملق و چاپلوس بود در دوران ریاست مجلس چاپلوسی را بحد اعلی رسانید این تملق گوئی گاهی مورد اعتراض واقع می‌شد دادگر تا سال ۱۳۲۶ در اروپا می‌زیست در آن سال بتهران آمد پس از تشکیل مجلس سنا در سال ۱۳۲۸ به سناتوری مازندران انتخاب شد و سودای ریاست مجلس داشت طبعاً با وجود سناتورهائی چون تقی‌زاده، مستشارالدوله، حکیم‌الملک، سیدمحمد تدین، نصرالملک ریاست وی بعید بنظر می‌رسید. دادگر چندین دوره در مجلس سنا باقی ماند تا اینکه در سنی قریب ۹۰ سالگی در حالیکه از هردو پا فلج شده بود در تهران درگذشت.



محمد ولی اسدی نایب التولیه آستان قدس رضوی

به پایداری و استقامت در مقابل دولت تشویق و تحریک نمود. مأمورین انتظامی برای متفرق ساختن مردم اقداماتی نمودند ولی چون مردم متفرق نشدند، لشکر شرق مردم را به گلوله بست و قریب دو هزار نفر از مردم مقتول و مجروح شدند. این روز در تاریخ ایران به نام «قیام گوهرشاد» ثبت شده است. در آن تاریخ فتح‌الله پاکروان والی، محمد ولی اسدی نایب‌التولیه، و سرتیپ ایرج مطبوعی فرمانده لشکر و سرهنگ بیات رئیس نظمیه خراسان بودند.

۲۲ عده زیادی از روحانیون و وعاظ و مدرّسین حوزه علمیه مشهد که در قیام گوهرشاد مشارکت داشتند بازداشت شدند. در میان بازداشت‌شدگان آیت‌الله سید یونس اردبیلی — آیت‌الله آقازاده — آیت‌الله شیخ آقابزرگ شاهرودی — آیت‌الله سید عبدالله شیرازی — آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی و حجة‌الاسلام دستغیب بودند.

۲۴ از طرف محمود جم وزیر داخله اعلامیه‌ای درباره قضایای مشهد انتشار یافت.

۲۵ به دنبال وقایع مشهد سرهنگ بیات رئیس نظمیه از کار برکنار شد و بجای وی سرهنگ محمد رفیع نوایی ریاست شهربانی های آذربایجان که قبلاً سالیان طولانی رئیس نظمیه خراسان بود مجدداً به ریاست نظمیه خراسان منصوب گردید.

۲۶ زین‌العابدین رهنما و برادرش محمدرضا تجدد به عراق تبعید شدند.

مرداد ماه

٤ دکتر منوچهرخان اقبال که از مدرسه طب پاریس درجه دکترا گرفته است از طرف آقای موسی مهام رئیس بلدیه مشهد به ریاست بهداری بلدیهٔ مشهد منصوب گردید.

۹ کلیهٔ عناوین از قبیل خان، بیک، میرزا، امیر که قبل یا بعد از اسم بکار می‌بردند ملغی شد و عنوان مقامات کشور نیز «جناب» شد. نام سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها نیز فقط به اسم اصلی نوشته خواهد شد مانند وزارت داخله و اداره گمرک.

۱۳ هیئت نمایندگی عراق مرکب از نوری سعیدپاشا وزیر خارجه و محمد زکی بیک وزیر عدلیه برای مذاکره پیرامون اختلافات مرزی به توصیه جامعه ملل وارد تهران شدند.

۲۵ شرکت سهامی قند و شکر و کبریت در تهران دائر شد. دکتر سجادی مدیرعامل و علی وکیلی عضو هیئت مدیره این شرکت هستند.

۳۰ تعیین نام خانوادگی برای عموم اجباری شد.

۳۰ بین دولت ایران و کشور آرژانتین روابط سیاسی مستقیم برقرار گردید و طرفین مبادله سفیر نمودند. از طرف دولت ایران نادر آراسته به سمت وزیر مختار در کشور مزبور انتخاب گردید.

شهریور ماه

٦ عهدنامه اقامت و تجارت و بحر پیمایی بین دولتین ایران و شوروی به امضاء نمایندگان دولتین رسید.

۱۸ عمارت جدید ثبت اسناد تکمیل و افتتاح و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

مهر ماه

۱۰ بین ایران و یوگسلاوی، رومانی، یونان، بلغارستان، آلبانی روابط سیاسی برقرار گردید و دولت ایران یک وزیر مختار را برای آنها انتخاب نمود که مقر وی بخارست پایتخت رومانی می‌باشد. محمدعلی مقدم بدین سمت برقرار شد.

۱۳ رأی حکمیت در مورد رفع اختلاف بین ایران و افغانستان به تصویب مجلس رسید و بدین ترتیب اختلافات مرزی بین دو کشور مرتفع گردید.

۱۷ در عمارت نمایندگی ایران در ژنو طرح عهدنامه عدم تعرض بین نمایندگان دول ایران و ترکیه و عراق و همچنین طرح عهدنامه حل اختلاف از طریق مسالمت‌آمیز بین دولتین ایران و عراق پاراف شد.

۱۸ کارخانه قند شاه‌آباد با حضور فروغی رئیس‌الوزراء و داور وزیر مالیه و جم وزیر داخله گشایش یافت.

۲۰ کارخانجات بزرگ قندسازی کرمانشاه و مرودشت فارس از طرف هیئت وزیران افتتاح شد و همان روز بهره‌برداری از آن آغاز گردید.



سرلشگر محمد حسین آیرم رئیس نظمیه سفاک رضا خان که مرتکب جنایات زیادی شد و سرانجام از ایران فرار کرد

آبان ماه

۱۹ دولت افغانستان الحاق خود را به عهدنامه عدم تعرض منعقده بین ایران و ترکیه و عراق اعلام نمود.

۲۱ موزه آستانهٔ قم و بیمارستان سید محمد فاطمی قمی توسط رئیس الوزراء در قم افتتاح گردید.

۲۹ حسن پیرنیا (مشیرالدوله) در سن ٦۳ سالگی در تهران به مرض سکته قلبی درگذشت. وی یکی از رجال نامدار سیاست و علم و ادب بود. بعد از مشروطیت به کرّات به وزارت و رئیس الوزرائی رسیده بود و در اواخر عمر تاریخ ایران باستان را تهیه و به چاپ رسانید.

۲۹ امیرلشکر محمدحسین آیرم رئیس نظمیه که از چندی پیش بیمار و در منزل بستری بود اجازه یافت برای معالجه به اروپا عزیمت کند. آیرم صبح امروز از طریق بندر انزلی از راه روسیه به آلمان رفت و از ترس رضاشاه دیگر به ایران بازنگشت.[1]

۲۹ سرهنگ رکن‌الدین مختاری معاون نظمیه به کفالت منصوب شد.

آذرماه

٤ محمدولی اسدی نیابت التولیه آستان قدس رضوی مسبب وقایع چهار ماه قبل در خراسان تشخیص داده شد و طبق قرار بازپرس نظامی توقیف و تحویل زندان گردید.



محمود جم از نزدیکان و موردپسند رضا شاه و در تمام مدت رئیس الوزرائی و سلطنت رضا شاه مصدر مقامات مهم بود

۱ ــ داستان فرار سرلشگر محمدحسین ایرم رئیس نظمیه مقتدر رضاشاه که هزاران حقیقت و افسانه در باره وی گفته شده است جالب و شنیدنی است مطبوعات بعد از شهریور آنچه راست و دروغ در باره او شنیده بودند نوشتند. بهترین نوشته مستند در باره آیرم کتاب بازیگران عصر طلائی بقلم ابراهیم خواجه‌نوری است که پرده از ماجرای او برمیدارد...

۱۰ محمدعلی فروغی رئیس‌الوزراء از کار برکنار گردید.[۱]
۱۱ محمود جم وزیر داخله از طرف رضاشاه فرمان رئیس‌الوزرائی گرفت.
۱۳ محمود جم وزیران خود را به این شرح معرفی نمود:
محمود جم رئیس‌الوزراء و وزیر داخله ــ داور وزیر مالیه ــ منصور وزیر طرق ــ محسن صدر وزیر عدلیه ــ باقر کاظمی وزیر امور خارجه ــ نظام‌الدین حکمت وزیر پست و تلگراف ــ علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف ــ سرلشکر محمد نخجوان کفیل وزارت جنگ ــ مظفر اعلم رئیس اداره کل تجارت ــ مصطفی قلی بیات رئیس کل فلاحت ــ مهندس امین رئیس کل صناعت ــ ناظم‌الدوله دیبا معاون رئیس‌الوزراء. در همین روز در مجلس پروگرام دولت به اتفاق آراء به تصویب رسید.
۲۸ دیوان حرب قشون محمدولی اسدی را محکوم به اعدام کرد.
۲۹ سحرگاه امروز در خارج شهر مشهد اسدی تیرباران شد و جنازه وی به صورت گمنام دفن گردید.
۲۹ امور تولیت به پاکروان استاندار تعلق گرفت.

دی‌ماه

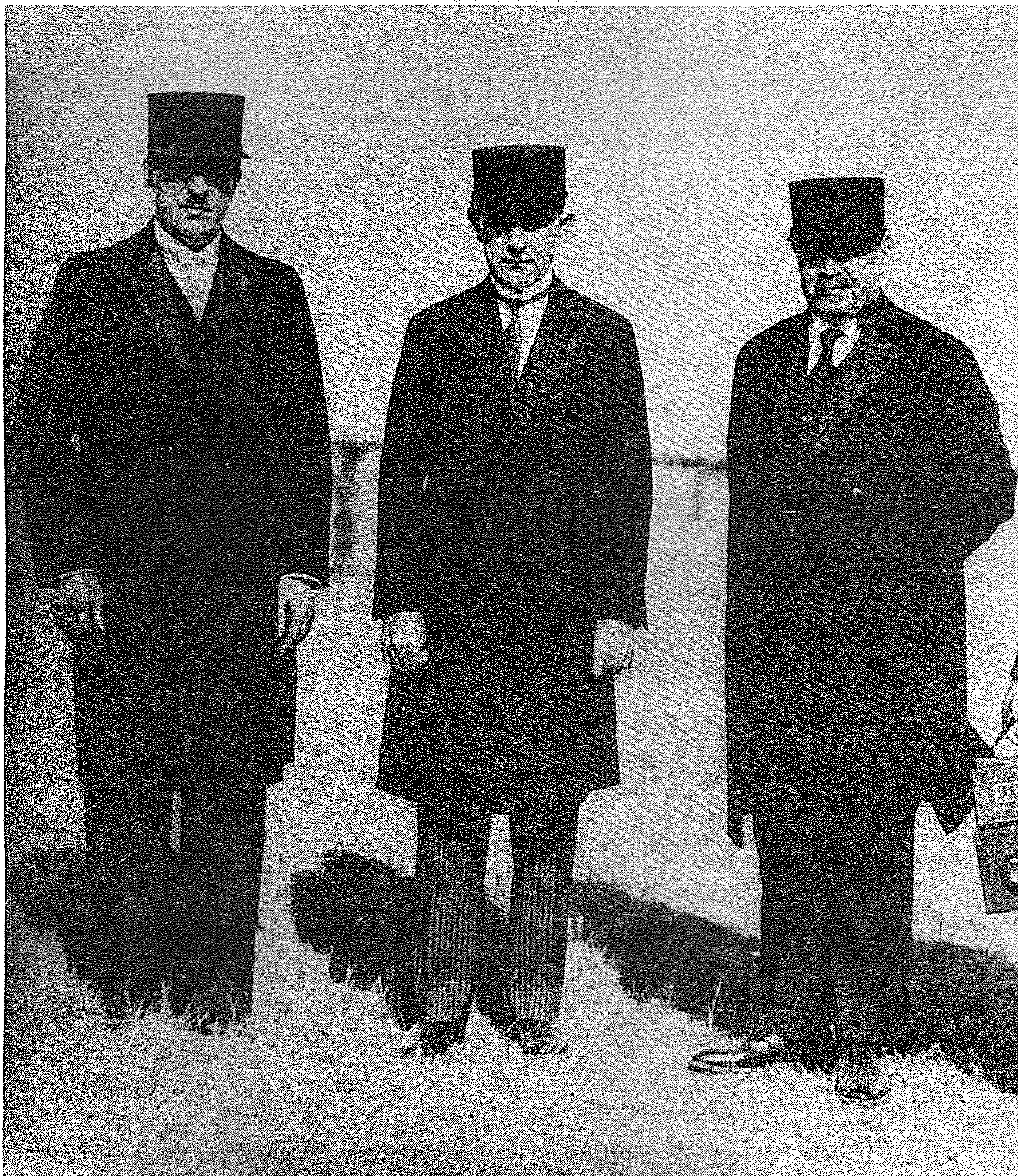
۴ یک قطعه مدال به سرهنگ نوائی رئیس نظمیه خراسان برای تعیین مسببین اصلی وقایع مشهد داده شد.
۷ از علی‌اکبر اسدی نمایندهٔ مجلس (داماد محمدعلی فروغی) سلب مصونیت شد و بازداشت گردید.
۷ سلمان اسدی نماینده سابق مجلس و مدیر بانک فلاحت توقیف و به زندان نظمیه انتقال یافت.
۷ سیدعبدالعلی میرزایی نماینده مشهد در مجلس شورای ملی به معاونت نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد.
۱۷ با برگزاری جشنی در دانشسرایعالی و شرکت شاه و همسر و دختران وی موضوع کشف حجاب در ایران اعلام گردید.
۱۸ علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف به پاس اقدامات

۱ ــ برکناری محمدعلی فروغی از نخست‌وزیری و کنار گذاشتن وی از کلیه کارهای سیاسی ارتباط مستقیم با پرونده قیام گوهرشاد و اتهام محمدولی‌خان اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی داشت. بر اساس گزارش‌های واصله از پاکروان استاندار خراسان، سرتیپ ایرج مطبوعی (بعدها سرلشکر و سناتور) فرمانده لشکر و سرهنگ محمد رفیع نوائی رئیس شهربانی از یک طرف و تحقیقات نمایندگان دادرسی ارتش در محل و جمع‌آوری اسناد و مدارک از طرف دیگر، حدس مجرمیت اسدی و دخالت در امر قیام در فکر شاه مسلم گردید. فروغی به علت قرابتی که با اسدی داشت به حکم وظیفه و فشار خانواده خود از رضاشاه تقاضای عفو و بخشودگی او را نمود و شاه با توجه به پرونده‌هائی که در این مورد ساخته شده بود توسّل فروغی را نپذیرفت و حتی نسبت به وی ظنین گردید لذا او را خانه‌نشین و تحت مراقبت شهربانی قرار داد. بدون شک محمدعلی فروغی یکی از پایه‌گذاران سلسله پهلوی است و بیش از هرکسی در به سلطنت نشاندن رضاشاه سهم داشت و چون اهل خودنمائی و خودستائی نبود تقرب او به رضاشاه برای همه‌کس حتی مورخین زیاد روشن نیست. فروغی علاوه بر مساعد ساختن زمینه داخلی کشور برای سلطنت رضاشاه در جلب موافقت انگلستان با تغییر سلطنت نقش عمده و بزرگی داشت. به همین دلیل اولین کسی که در دوران سلطنت رضاشاه به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد فروغی بود ولی به علت مخالفت عده زیادی از جمله سیدحسن مدرس صلاح در این دیده شد که جای خود را به یکی از رجال صدر مشروطیت که وجاهت ملی نیز داشته باشد بسپارد و آن شخص حسن مستوفی بود. یک سال مستوفی در مسند رئیس‌الوزرائی قرار گرفت و جای خود را به مخبرالسلطنه که او نیز از رجال صدر مشروطیت بود داد و در نیمه دوم نخست‌وزیری وی فروغی وارد کابینه شد. ابتدا وزیر اقتصاد و بعد وزارت امور خارجه را به عهده گرفت.

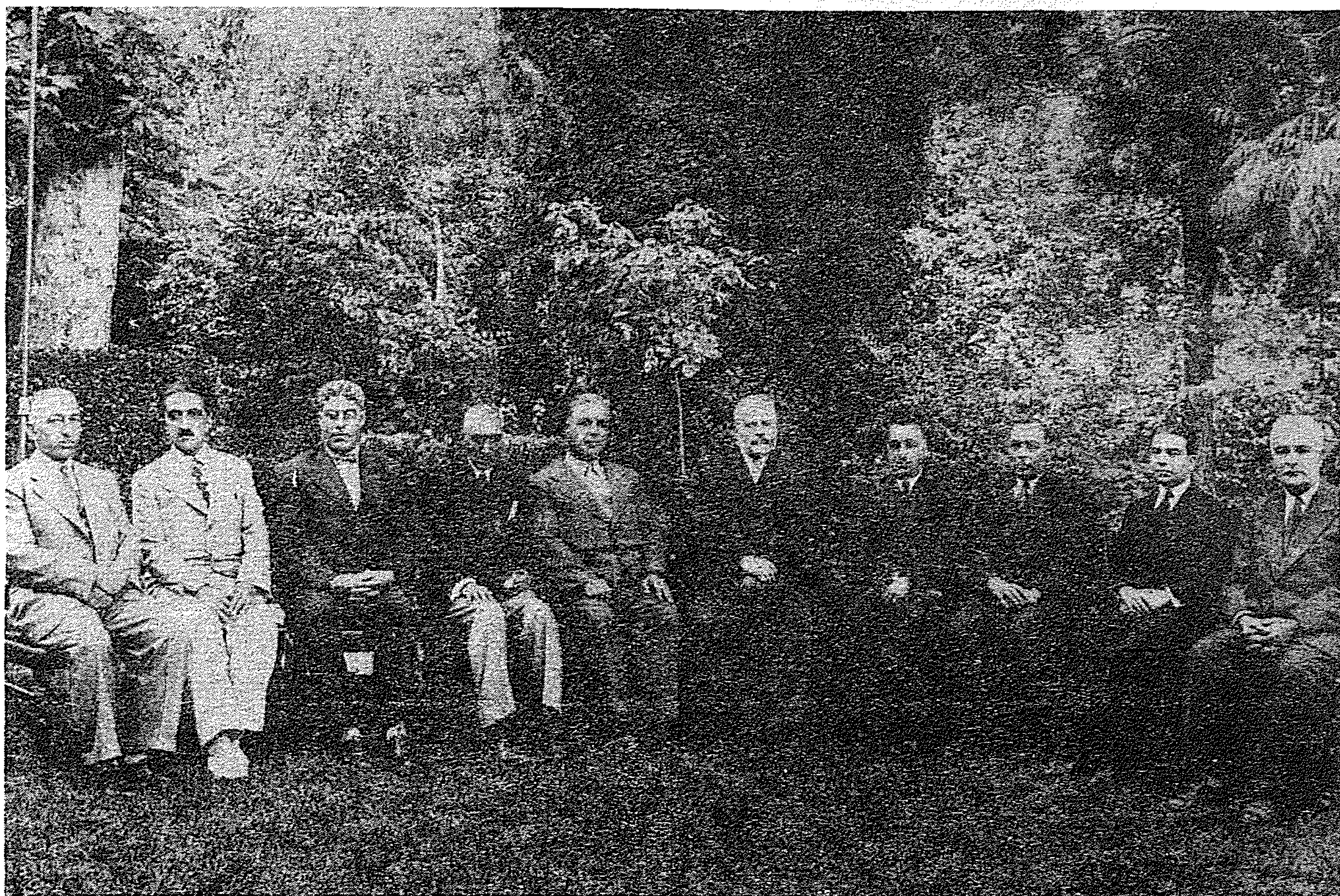
در سال ۱۳۱۲ فروغی مجدداً نخست‌وزیر شد درحالیکه قبل از آن در کابینه هدایت همه‌کاره بود و رضاشاه فقط با او خواسته‌های خود را در میان می‌گذارد. نگاهی به لیست کابینه فروغی نشانگر آنست که دیگر به وزیر باسابقه و تجربه نیازی نیست وزیران باید مجری اوامر بدون چون و چرای شاه باشند. انتخاب افرادی چون علی‌اصغر حکمت و سیدباقر کاظمی و محمدعلی دولتشاهی و علی‌اکبر بهمن و علی‌اکبر داور و علی منصور و محسن صدر که زمینه‌سازی وزارت آنها در دوره رضاشاه انجام گرفته بود دلیل بارز بر روند سریع دیکتاتوری در ایران بود.

در اولین روزهای نخست‌وزیری فروغی، تیمورتاش درزندان از بین رفت. سردار اسعد بختیاری وزیر کابینه دستگیر و در زندان به قتل رسید. عده زیادی از سران بختیاری و قشقائی و بویراحمدی و ممسنی اعدام شدند. عدل‌الملک دادگر رئیس مداح مجلس شورای ملی به اروپا تبعید شد. از هفت نماینده مجلس سلب مصونیت شده به زندان رفتند. کلاه بین‌المللی در ایران اجباری شد. انعقاد مجلس ختم محدود گردید. عزاداری و روضه‌خوانی تحت اداره شهربانی قرار گرفت. رهنما و برادرش تجدد به عراق تبعید شدند و روزنامه ایران مصادره گردید.

با این توضیح و نزدیکی فروغی به شاه باید قبول کرد که مقامات خراسان آنچنان ذهن شاه را نسبت به اسدی مشوب نموده بودند که شفاعت فروغی با آن همه سوابق خدمت نادیده گرفته شد. علی‌اکبر اسدی و علینقی اسدی دو تن از فرزندان محمدولی اسدی دامادهای فروغی بودند.



محمود جم وزیر داخله، علی‌اکبر داور وزیر مالیه، حسین دادگر رئیس مجلس شورای ملی. این سه نفر از مهره‌های اصلی و اساسی سلطنت رضاخان پهلوی بودند. دادگر در سال ۱۳۱۴ مورد غضب شاه قرار گفته به سرعت ایران را ترک کرد. داور از ترس عقوبت خودکشی نمود ولی محمود جم به نخست‌وزیری رسید و تا آخر عمر در عزت و رفاه و مشاغل مهم ایّام را سپری ساخت.



هیئت رئیسه مجلس شورای ملی در دوره دهم به ترتیب ارباب کیخسرو، نراقی، مرآت اسفندیاری، دکتر طاهری، اسفندیاری، بیات، مؤید احمدی، پالیزی، اعتصامی، مخبر فرهمند

خود در مورد روز ۱۷ دی به مقام وزارت ارتقاء یافت.

۲۰ آقای حسن وثوق (وثوق‌الدوله) رئیس‌الوزرای سابق که از ادباء و شعرا و دانشمندان معاصر می‌باشد بجای محمدعلی فروغی به ریاست فرهنگستان منصوب و مشغول گردید.

۲۷ علی منصور وزیر طرق و شوارع از کار برکنار گردید.

۲۸ مجید آهی والی فارس به سمت وزیر طرق معرفی شد.

بهمن ماه

۵ محسن صدر وزیر عدلیه از مجلس تقاضای تعقیب و محاکمهٔ علی منصور وزیر سابق طرق را نمود. وی متهم به اخذ رشوه از شرکت کامپساکس می‌باشد.

۵ محمود علامیر (احتشام‌السلطنه) که در دورهٔ اوّل ریاست مجلس را بر عهده داشت در سن ۷۷ سالگی در تهران درگذشت. وی از خانواده قاجاریه بود و به آزادیخواهی اشتهار داشت.

۲۲ مهدی فرخ به ایالت آذربایجان غربی منصوب گردید.

۲۹ آقای غفار جلال علاء وزیر مختار ایران در واشنگتن به تهران احضار شد.

اسفند ماه

۴ مهندس محمدحسین امین از ریاست اداره صناعت برکنار شد و به جای وی سرلشکر امان‌الله جهانبانی تعیین گردید.

۲۷ دکتر محمد سجادی رئیس اداره کل انحصار دخانیات به معاونت وزارت طرق منصوب و مشغول به کار شد.

۲۸ مجلس شورای ملی با پیشنهاد وزارت عدلیه مبنی بر تعقیب علی منصور وزیر سابق طرق موافقت نمود و پرونده جهت رسیدگی به دیوانعالی کشور فرستاده شد. در همین جلسه با تعقیب آقای رضا افشار وزیر اسبق طرق نیز موافقت گردید.

۲۸ سیدباقر کاظمی وزیر امور خارجه از خدمت معاف شد.

سال ۱۳۱۵ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۳۶ تا ۲۱ مارس ۱۹۳۷ میلادی

فروردین ماه

۱ چون اصرار و پافشاری رضاشاه برای بازگشت سرلشکر آیرم نتیجه نداد، لذا رکن‌الدین مختار با ارتقاء درجه به سرپاسی (سرتیپی) به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شد.

۱۲ دولت ایران به علت بی‌احترامی پلیس آمریکا نسبت به وزیر مختار ایران سفارت و کنسولگری‌های خود را در آمریکا تعطیل کرد. توضیح آنکه پلیس آمریکا اتومبیل وزیرمختار ایران را به بهانهٔ سرعت متوقف کرده بود و بدون احترام به مصونیت سیاسی وزیر مختار ایران ایشان را مورد اهانت قرار داده و او را چند ساعت بازداشت می‌نماید. گزارش این امر به تهران سبب شد که دولت ایران تصمیم به تعطیل سفارتخانه و کنسولگریهای خود بگیرد و به این ترتیب روابط سیاسی ایران و آمریکا قطع شد.

۱۷ خلیل فهیمی استاندار آذربایجان به سمت سفارت کبرای ایران در ترکیه منصوب شد.

۱۷ انوشیروان سپهبدی وزیر مختار ایران در رم سفیرکبیر ایران در مسکو گردید.

۱۷ محمد ساعد به سمت وزیر مختار در رم تعیین شد.

۱۷ حمید سیاح ژنرال قنسول دربیروت وزیر مختار در ورشو گردید.

۲۱ ابوالقاسم فروهر معاون وزیر مالیه وزیر مختار ایران در فرانسه شد.

۲۲ مظفر اعلم به مقام وزیر مختاری ایران در بغداد رسید.

۲۵ عنایت‌الله سمیعی وزیر مختار ایران در بغداد به سمت وزیر امور خارجه تعیین و معرفی گردید.

۲۵ سرلشکر اسمعیل امیرافضلی به کفالت وزارت جنگ منصوب شد.

۲۵ سیدباقر کاظمی وزیرسابق امور خارجه استاندار آذربایجان گردید.

۲۹ راه‌آهن شمال به فیروزکوه رسید.

۳۰ تلفن‌های خودکار وارد تهران و نصب شد.

اردیبهشت ماه

۲ شرکت سهامی ساختمان ایران با سرمایه سیصد میلیون ریال تشکیل شد.

۳ عمارت تازه بانک ملی ایران در خیابان فردوسی افتتاح شد. سرتیپ امیرخسروی مدیرکل بانک از مدعوین پذیرایی کرد.

۷ شرکت سهامی حمل و نقل با سرمایه ۱۵ میلیون ریال تأسیس گردید.

۸ ملک فؤاد پادشاه مصر درگذشت و بجای وی ملک فاروق ولیعهد ۱۶ ساله پادشاه شد.

۱۳ از احتشام‌زاده نماینده مجلس سلب مصونیت شد.

۱۳ محمود بدر از طرف داور به معاونت وزارت مالیه منصوب گردید.

۱٤ راه‌آهن تهران و شمال افتتاح گردید طول این خط یکصد و سی کیلومتر بود. مدت ساختمان آن ده سال طول کشید. صدها پل و تونل در سراسر این خط احداث گردید.

۲۱ محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران که در سال ۱۳۱۰ برای تحصیل به سویس رفته بود به تهران بازگشت. در کرج رضاشاه با هیئت دولت و رجال و نمایندگان از وی استقبال کردند.

خرداد ماه

۱٤ شیخ خزعل (سردار اقدس) حکمران مستقل سابق خوزستان که از سال ۱۳۰٤ درتهران تحت نظر بود به وسیلهٔ عمال نظمیه به قتل رسید. بعد از شهریور ۲۰ در دادگاه دیوان کیفر به هنگام محاکمه افشاء شد مأمورین شهربانی به خانهٔ او رفته و او را هلاک می‌نمایند. وی در آن تاریخ ۷۵ سال داشت.

۲۰ وزارت فرهنگ برای آموزش سالمندان مبادرت به تشکیل کلاس‌های شبانه بنام کلاس‌های اکابر نمود. کلیه اتباع ذکور ایران بین ۱۸ تا ٤۰ سالگی موظف به حضور در کلاس‌ها و تحصیل شدند.

تیر ماه

۱۸ شرکت سهامی گله‌داری ایران تأسیس شد.

۳۰ شرکت سهامی آبیاری ایران به منظور عمران و آبادی اراضی و کشاورزی تأسیس یافت.



علی منصور (منصورالملک)



سید محسن صدر (صدرالاشراف) در جلوی دربار

مرداد ماه

۱۰ امروز محاکمه علی منصور وزیر سابق طرق در دیوانعالی کشور به ریاست رضاقلی هدایت (نیرالملک) و عضویت آقایان اسدالله ممقانی، صادق بروجردی، محمدرضا وجدانی، محمود دفتری، ضیاءالدین کیا، حسن فلسفی، لواسانی، محمدرضا ایروانی، سیدمحمد فاطمی، رضوی، نجم‌آبادی، جوان، مشکان طبسی و حائری‌زاده مستشاران دیوانعالی تمیز و با شرکت حاج سیدنصرالله تقوی دادستان کل و شفیع جهانشاهی، معاون دادستان تشکیل شد. دادستان به بیان ادعانامه پرداخت و منصور و وکلای وی در چند جلسه دفاع نمودند. در ادعانامه دادستان دو فقره رشوه و یک مورد سوءاستفاده به او نسبت داده شده بود. عباس آریا معاون وزارت طرق و چند تن دیگر نیز تحت تعقیب قرار گرفتند.

۱۰ سرهنگ هوشمند رئیس اداره کل ثبت احوال، رئیس و کلیه اعضاء اداره ثبت احوال اصفهان را منفصل و تحت تعقیب قرار داد.

۱۱ ساختمان موزه‌ای در آستان قدس شروع گردید.

۱۲ در مهاباد سیل عظیمی جاری و قریب پانصد خانه را خراب کرد و عده‌ای از مردم و احشام را آب برد.

۳۰ مجموعاً ۷۰۵ کلاس اکابر در کلیه نقاط کشور تأسیس گردید.

شهریور ماه

۱۲ دیوانعالی کشور پس از چند جلسه رسیدگی علی منصور وزیر سابق طرق را از اتهامات منتسبه تبرئه کرد.

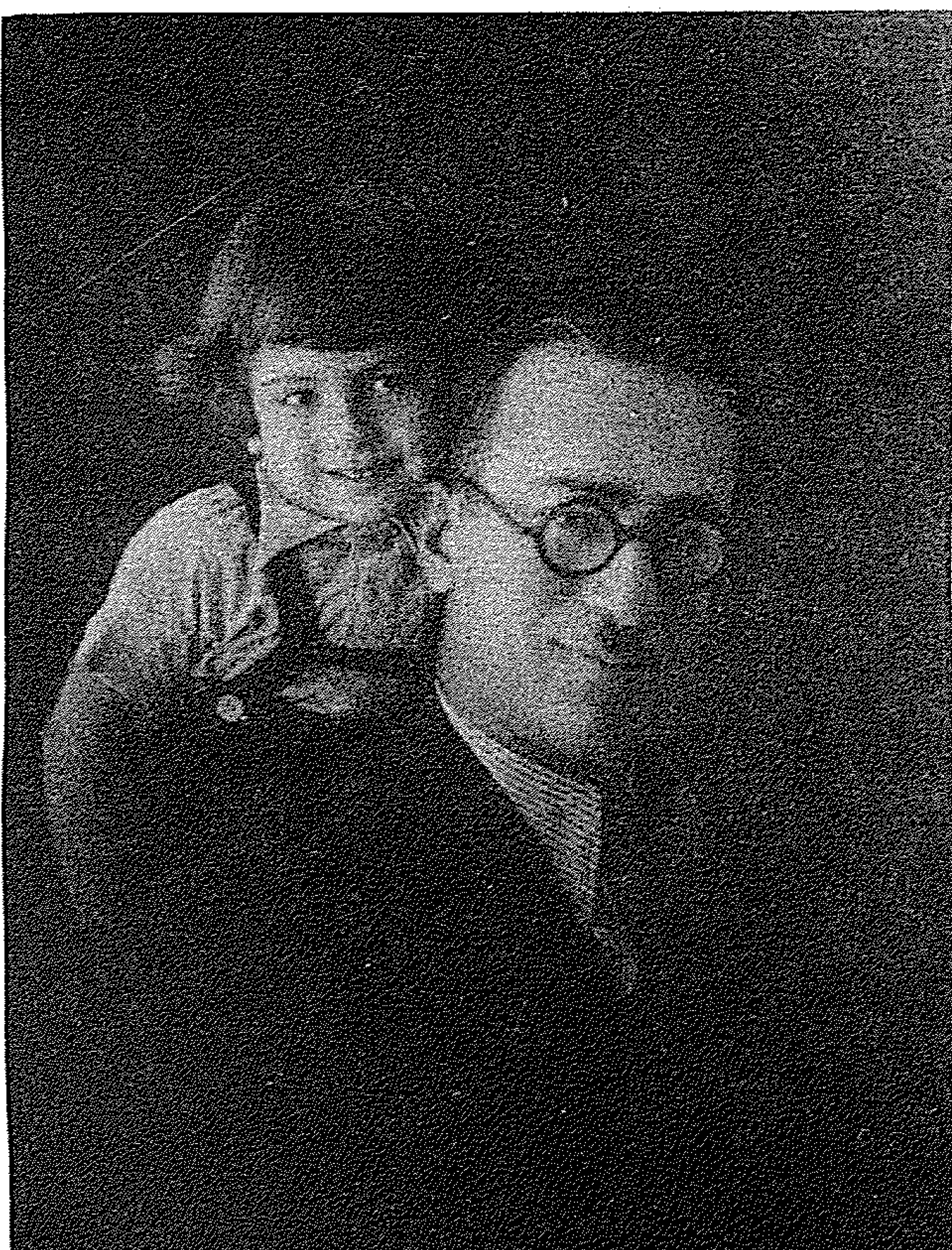
۱۵ محسن صدر وزیر دادگستری حکم برائت علی منصور را به مجلس شورای ملی اعلام نمود.

۱۸ رضاقلی هدایت کفیل دیوانعالی کشور که محاکمه علی منصور تحت نظر وی انجام گرفته بود مورد غضب قرار گرفته از کار برکنار شد.

۱۹ محسن صدر وزیر دادگستری از خدمت در دولت معاف شد.



حاج سید نصرالله تقوی دادستان



دکتر احمد متین دفتری

مهر ماه

۱ عهدنامه مودت و حکمیت بین ایران و اطریش در آنکارا به امضا رسید.

۳ فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) که پس از محکومیت اوقات خود را به بیکاری و انتقاد می‌گذراند دستگیر و در شهربانی زندانی شد و پس از چند روز به زندان سمنان انتقال یافت.

۶ مراسم نامزدی شمس پهلوی و فریدون جم انجام گرفت.

۶ دکتر احمد متین‌دفتری از طرف رئیس‌الوزراء به سمت وزارت دادگستری معرفی شد.

۱۰ مراسم نامزدی اشرف پهلوی با علی قوام برگزار گردید.

۱۶ حاج سید نصرالله تقوی به ریاست دیوانعالی کشور منصوب شد.

آبان ماه

۶ یک هیئت اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، مالی و حقوقی از وزارتخانه‌های مختلف ترکیه به ریاست جمال حسنو وارد تهران شد تا در زمینه‌های مختلف با دولت ایران همکاری نمایند.

۱۵ کارخانه قندسازی میاندوآب که ششمین کارخانه قندسازی کشور است افتتاح گردید.

۹ سردار شاه محمودخان صدراعظم و وزیر جنگ افغانستان و رئیس ستاد ارتش افغانستان وارد تهران شدند.

۲۰ دکتر شاخت کارشناس و متخصص معروف مالی و اقتصادی آلمان وارد تهران شد و مذاکراتی پیرامون مسائل کشاورزی و صنعتی با داور وزیر مالیه و امیرخسروی رئیس بانک ملی ایران به عمل آورد.

آذر ماه

۱۰ حریق مدهشی در انبار پشم کارخانه وطن اصفهان حادث شد که توسط سربازان لشکر اصفهان خاموش گردید.

۱۵ سرتیپ عبدالمجید فیروز به ریاست تشکیلات امنیه کل مملکتی منصوب شد.

دی ماه

۲۳ اعلان انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای ملی انتشار یافت.

۲۵ محمدرضا وجدانی رئیس شعبه دیوانعالی کشور به دادستانی کل منصوب گردید.

بهمن ماه

۱ نظام‌الدین حکمت وزیر پست و تلگراف در اثر عارضه قلبی در سن ۵۳ سالگی درگذشت. وی قبلاً کفیل وزارت فوائد عامه، کفیل وزارت معارف و حکمران اصفهان و گیلان و کردستان بود.

۱۰ حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از مراجع بزرگ شیعه و بنیانگذار و مؤسس حوزه علمیه قم درگذشت. از طرف دولت تعطیل عمومی اعلام شد و بازار تهران و شهرها سه روز تعطیل کردند.

۱۸ واگذاری استخراج نفت قسمتی از شرق و شمال شرقی ایران و لوله نفت به شرکت آمریکایی به اتفاق آراء در مجلس تصویب شد.

۲۱ علی‌اکبر داور وزیر مالیه در منزل خود بوسیله تریاک خودکشی کرد. داور یکی از پایه‌های اساسی سلطنت رضاشاه پهلوی بود. وی در ادوار چهارم و پنجم و ششم نماینده مجلس بود و از بدو سلطنت رضاشاه در سمت‌های وزیر فوائد عامه، وزیر عدلیه و وزیر مالیه خدمت می‌کرد.[۱]

۲۵ محمود بدر معاون وزارت دارائی به کفالت آن وزارتخانه برگزیده گردید.

۱ ــ در باره علی اکبر داور و خودکشی وی نوشتجات زیادی باقی مانده است کتابهای بازیگران عصر طلائی تألیف ابراهیم خواجه‌نوری ــ یادگار عمر جلد ۲ تألیف دکتر عیسی صدیق تاریخ رجال جلد ۲ تألیف مهدی بامداد داور و شرکت مرکزی تألیف علی وکیلی نکات جالبی از زندگینامه و داستان خودکشی او را دارند.

مقالات دکتر احمد متین دفتری. محمود جم. محمود بدر در سالنامه‌های دنیا در باره داور از مطالب مستند و با ارزش است. شادروان محسن صدر (صدرالاشراف) در کتاب خاطرات خود که اخیراً از طرف انتشارات وحید چاپ شده است در باره داور و اعمال او داوری بی‌طرفانه‌ای کرده است.

سال ۱۳۱۶ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۳۷ تا ۲۱ مارس ۱۹۳۸ میلادی

فروردین ماه

۱ سرتیپ حصن‌الدوله شقاقی به درجه امیرلشکری و سرهنگ زند رئیس امنیه و سرهنگ امین فرمانده تیپ مکران به درجه سرتیپی ارتقاء مقام یافتند.

۲۴ حسن اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی به ریاست هیئت نمایندگی ایران در جشن تاجگذاری ژرژ ششم پادشاه انگلستان تعیین و به لندن عزیمت کرد.

۳۱ قراردادهای اقامت، امنیت منطقه سرحدی و تسویه حوادث و اختلافاتی که در منطقه مزبور به ظهور می‌رسد، قرارداد تعاون قضایی، عهدنامه استرداد مقصرین، قرارداد هواپیمایی، عهدنامه تجارت و دریانوردی و چند قرارداد دیگر بین ایران و ترکیه امضاء شد.

اردیبهشت ماه

۲ آقای حسین علاء رئیس اداره نظارت بر شرکت‌ها به ریاست اداره کل تجارت منصوب شد.

۱۵ برای ساختن کاخ دادگستری پیمانی با کمپانی اشکودا تنظیم و مقرر شد ظرف سی و دو ماه کلیه عملیات ساختمانی به پایان برسد.

۱۶ دکتر تقی ارانی، دکتر بهرامی، ضیاء الموتی و عباس آذری بازداشت شدند.

۱۹ عبدالصمد کامبخش عضو فعال حزب کمونیست بازداشت شد.

۲۱ مأمورین اداره سیاسی و آگاهی شهربانی پس از کشف شبکه حزب کمونیست در ایران قریب چهل نفر را تا امروز بازداشت کردند.

۲۳ تعداد بازداشت شدگان متهم به فعالیت‌های کمونیستی به ۵۳ نفر رسید.

خرداد ماه

۳ ضیاءالدین کیانوری مستشار دیوانعالی تمیز به ریاست دیوان کیفر کارکنان دولت منصوب شد.

۱۳ رئیس الوزراء آقای حسین علاء را به سمت ریاست اداره کل تجارت معرفی نمود.

۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی به تصویب رسید.

۲۲ دوره دهم مجلس شورای ملی خاتمه یافت.

۲۷ ۱۵ نفر اعضاء سومین دوره اتاق تجارت تعیین شدند. در اولین جلسه عبدالحسین نیک‌پور به ریاست اتاق تجارت تعیین شد.

تیر ماه

۶ دکتر رشدی ارس وزیر امور خارجه ترکیه وارد ایران شد.

۱۰ ناجی الاصیل وزیر امور خارجه عراق به تهران آمد و با سمیعی وزیر خارجه ایران اختلافات راجع به شط العرب و امور سرحدی را فیصله داد.

۱۶ فیض محمدخان وزیر خارجه افغانستان به تهران وارد شد.

۱۷ پیمان عدم تعرض بین چهار دولت ایران و افغانستان و عراق و ترکیه در کاخ سعدآباد به امضاء رسید. این پیمان معروف به سعدآباد گردید.

۲۸ ابوالقاسم فروهر به سمت کفالت وزارت کشور معرفی گردید.

مرداد ماه

۱ سرلشکر امان‌الله جهانبانی رئیس اداره کل صناعت از کار برکنار و خلع درجه شد و به زندان افتاد.

۸ موسی نوری اسفندیاری به ریاست اداره کل صناعت تعیین و معرفی شد.

۱۶ کارخانه حریربافی چالوس افتتاح شد.

۲۴ آسایشگاه شاه‌آباد شروع به کار کرد.

۳۰ موسی نوری اسفندیاری از ریاست صناعت برکنار و مهدی فرخ بجای وی تعیین گردید.

شهریور ماه

۱۷ امیر شوکت‌الملک علم به سمت والی فارس تعیین شد.

۲۰ یازدهمین دوره مجلس شورای ملی افتتاح شد. اسفندیاری به ریاست و بیات و دادور به نیابت ریاست انتخاب شدند.

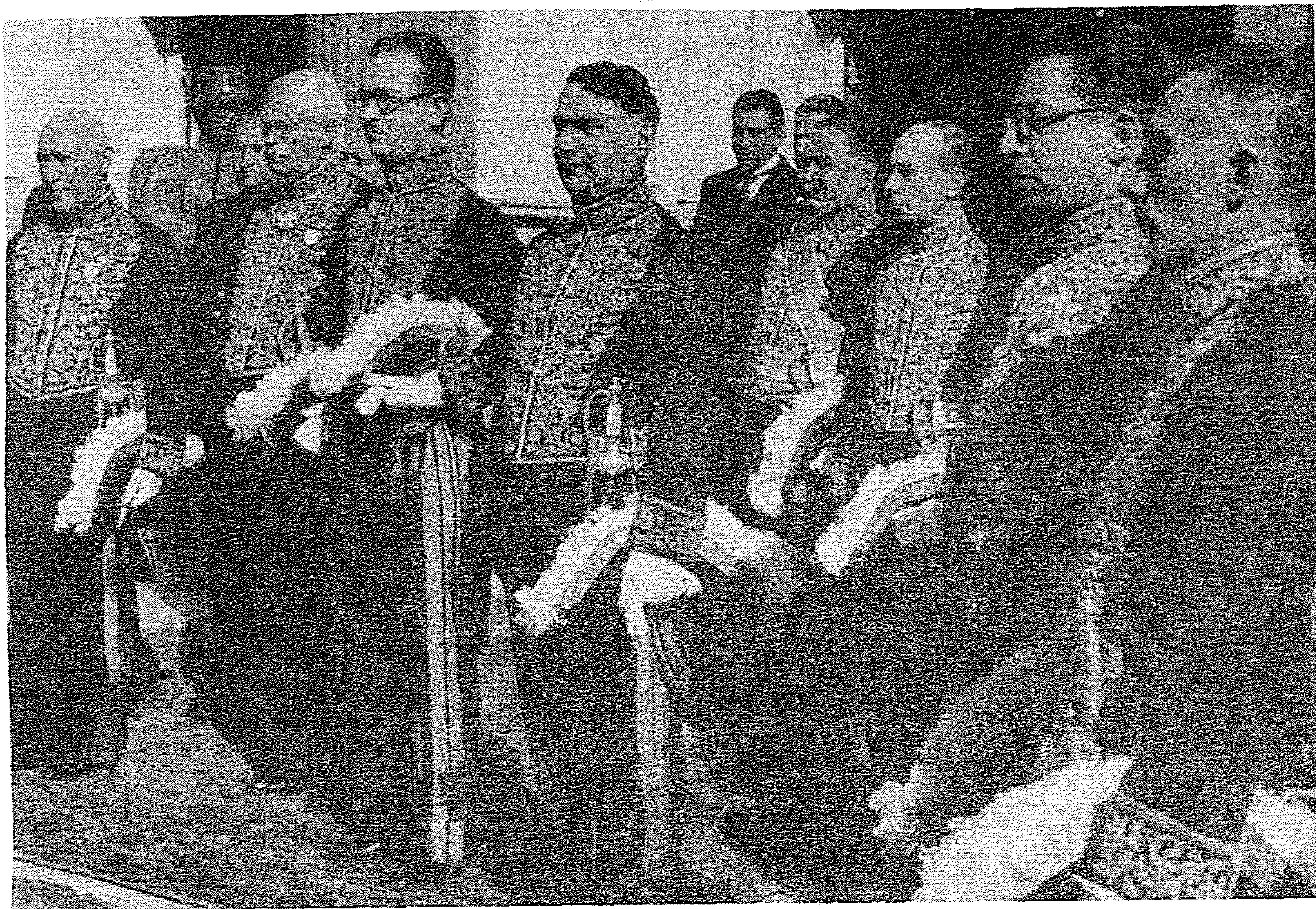
۲۷ شاه در نطق افتتاحیه گفت، باید بکوشیم که بیش از پیش فروغ حیات‌بخش تمدن در تمام شئون کشور بتابد و کشور به سوی ترقی و تعالی پیش برود.



مجید آهی



محمود بدر وزیر دارائی



محمود جم نخست‌وزیر و اعضاء کابینه وی چند لحظه قبل از افتتاح دوره یازدهم مجلس شورای ملی.

مهر ماه

۱ محمود جم نخست‌وزیر هیئت دولت را به این شرح به مجلس معرفی کرد:

مجید آهی وزیر طرق ــ علی اصغر حکمت وزیر معارف ــ عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه ــ دکتر متین دفتری وزیر عدلیه ــ محمود بدر وزیر مالیه ــ سرلشکر امیر فضلی کفیل وزارت جنگ ــ ابوالقاسم فروهر کفیل وزارت کشور حسین علاء رئیس اداره کل تجارت ــ مهدی فرخ رئیس اداره کل صناعت و معادن ــ احمد حسین عدل کفیل اداره کل فلاحت. در همین جلسه دولت به اتفاق آراء رأی اعتماد گرفت.

۵ مؤسسه انحصار دخانیات و کارخانه توتون و سیگارت در بیرون دروازه قزوین دائر و افتتاح شد.

۸ قانون تشکیل دو وزارتخانه تجارت و صناعت به تصویب مجلس رسید.

۸ نخست‌وزیر حسین علاء را به سمت وزیر تجارت، مهدی فرخ را به سمت وزیر صناعت و ابوالقاسم فروهر را به سمت وزیر داخله معرفی نمود.[۱]

۲۲ در پشت کوه بی‌بی شهربانو نخستین سنگ بنای کارخانه‌های ذوب‌آهن نصب شد.

آبان ماه

۸ آقای اسمعیل مرآت به سمت والی کرمان تعیین گردید.

۱۶ قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران تصویب شد.

۲۲ سیدحسن مدرس روحانی مبارز و نمایندهٔ ادوار گذشته از زندان خواف به زندان کاشمر انتقال یافت.

۱ ــ حسین علاء و مهدی فرخ تا آن تاریخ رئیس اداره کل بودند. چون علاء در کابینه‌های قبل و بعد از کودتا مقام وزارت داشت لذا در قبول ریاست اداره کل تجارت تردید نموده بود و قرار میشود ایشان سمت اداره کل تجارت را قبول نماید و ظرف یک هفته اداره مزبور به وزارتخانه تبدیل گردد.

آذر ماه

۱۰ سیدحسن مدرس پس از قریب ۹ سال زندانی در خواف سرانجام در شهربانی کاشمر به وضع فجیع و دلخراشی به قتل رسید. طبق روایات شهود عینی و عاملین قتل در دادگاه دیوان کیفر و دادگاه عالی جنائی ابتدا به نامبرده سم خورانده می‌شود و وی پس از خوردن سم مشغول راز و نیاز با خداوندگار می‌گردد. مأمورین پس از ساعتی که از خوردن سم گذشت و تأثیری در وی ننمود به‌سر او ریخته و او را خفه می‌نمایند.[1]

۲۰ آقای حسین رخشانی مدیرکل وزارت مالیه به ریاست اداره کل فلاحت منصوب شد.

۲۰ آقای اللهیار صالح مدیرکل وزارت دارائی معاون آن وزارتخانه شد.

دی ماه

۱۰ قانون اصلاح قانون تقسیمات کشور به تصویب رسید. به موجب این قانون کشور ایران به ده استان و ۴۹ شهرستان و ۲۹۰ بخش تقسیم شد و هر بخش مرکب از چندین دهستان است.

۲۰ فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) در زندان سمنان درگذشت. وی حین فوت ۵۸ سال داشت.

۱ ــ در باره زندگینامه شهید حسن مدرّس نماینده شجاع ادوار اولیه مجلس شورای ملی نوشته و تحقیق بسیار است قسمتی از این نوشتجات و تحقیقات را سیدحسین مکّی جمع‌آوری و در دو مجلد تحت عنوان (مدرس یا قهرمان آزادی) چاپ و انتشار داده‌اند ابراهیم خواجه‌نوری نیز بخشی از کتاب بازیگران عصر طلائی را به مدرّس اختصاص داده است. شادروان عبدالله مستوفی در جلد ۳ کتاب خود تحت عنوان زندگانی من در دوره قاجار مطالب جالب و خواندنی از مدرس دارد. محمدتقی بهار (ملک‌الشعراء) در مجلدات تاریخ احزاب سیاسی سخن در باره مدرّس و کارهای او بسیار دارد. در کتاب (از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان) تالیف حسین کوهی کرمانی شما ادعانامه دادستان دیوان کیفر را علیه عمال نظمیه به مناسبت قتل مدرس خواهید خواند و به جریان قتل وی پی خواهید برد عجبا مخبرالسلطنه در کتاب خاطرات و خطرات که از پریدن مرغ همسایه هم سخن گفته است در باره دستگیری و تبعید مدرس که در دوران رئیس الوزرائیش صورت گرفته سکوت نموده است.

بهمن ماه

۹ امروز حریقی در عمارت پست و تلگراف تهران رخ داد.

۱۰ عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه بر اثر کسالت ممتد درگذشت و مصطفی عدل کفیل وزارت خارجه شد.

۱۵ به مناسبت تصادف با روز نصب اولین سنگ بنای دانشگاه مراسم باشکوهی در دانشگاه تهران برگزار شد.

۱۵ از آقای اسمعیل عراقی نماینده مجلس سلب مصونیت شد.

۱۹ عبدالله مستوفی به استانداری استان چهارم (رضائیه) منصوب و علی معتمدی به جای وی رئیس ثبت شد.

۲۵ پیمان سعدآباد در جلسه امروز مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

۲۵ مهدی فرخ وزیر صناعت و معادن از کار معاف شد.

۲۵ مصطفی عدل معاون وزارت امور خارجه که برای شرکت در یکصدمین دوره اجلاسیه شورای جامعه ملل به ژنو عزیمت نموده بود و ریاست اجلاسیه مزبور را عهده‌دار بود به تهران بازگشت.

اسفند ماه

۱۵ بودجه سال ۱۳۱۷ که توسط وزیر دارائی تقدیم مجلس شورای ملی شده بود به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت. درآمد و هزینه سال مزبور به استثنای درآمدی که بابت حق الامتیاز نفت وصول و بحساب اندوخته کشوری منظور می شود یک میلیارد و پانصد و بیست و هشت میلیون و هشتصد و نود و دو هزار و ششصد و چهل و هشت ریال (۱,۵۲۸,۸۹۲,٦۴۸) ریال درآمد و مبلغ یک میلیارد و پانصد و بیست و هفت میلیون و هیجده هزار و پانصد و شصت و دو ریال (۱,۵۲۷,۰۱۸,۵٦۷) ریال هزینه پیش‌بینی شده است.

۲۴ بمناسبت تولد شاه یک سری تمبر جدید انتشار یافت.

سال ۱۳۱۷ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۳۸ تا ۲۲ مارس ۱۹۳۹ میلادی

فروردین ماه

۱ ابوالقاسم فروهر وزیر داخله به وزارت صناعت و معادن که بنام وزارت پیشه و هنر تغییر نام داده است منصوب گردید.

۱ از علی دشتی رفع سوءظن گردید و به تهران احضار و در اداره شهربانی مشغول کار شد. شغل وی در شهربانی ریاست اداره سانسور مطبوعات که بنام «راهنمای نامه‌نگاری» خوانده می‌شد تعیین گردید. عبدالرحمن فرامرزی و شمیم و ابوالقاسم پاینده نیز در این اداره با وی همکاری می‌کنند.

۵ اولین کشتی حامل مهاجرین قفقازی به تعداد هفتصد نفر وارد ایران شدند و در شهرهای مختلف تحت نظر شهربانی پخش گردیدند.

۱۵ از اعتصام‌زاده نماینده مجلس سلب مصونیت شد.

۲۲ حسین علاء از وزارت تجارت که به بازرگانی تغییر نام یافته بود استعفاء داد. صادق وثیقی معاون وی کفالت این وزارتخانه را به عهده گرفت.

۲۹ محمد ساعد مراغه وزیر مختار در ایتالیا سفیرکبیر در مسکو شد.

اردیبهشت ماه

۷ طبق دستور رضاشاه فرهنگستان به علت کندی کار منحل گردید. وثوق‌الدوله رئیس فرهنگستان به اروپا عزیمت نمود.

۲۱ فرهنگستان جدید ایران به ریاست وزیر فرهنگ با حضور ۲۴ نفر از اعضاء مجدداً تشکیل شد.

۲۷ تونل کندوان به طول ۱۸۸۳,۸۰ متر که در مدت سه سال عملیات ساختمانی آن ادامه داشت افتتاح شد. هزینه تونل ۲۴,۸۵۳,۴۰۰ ریال برآورد شده است.

۳۱ علی سهیلی وزیر مختار ایران در لندن به تهران احضار و به سمت وزیر امور خارجه تعیین و مشغول شد.

خرداد ماه

۵ دربار طی اعلامیه‌ای مراسم نامزدی محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران را با دوشیزه فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه مصر منتشر کرد.

۱۴ یک هیئت از ایران برای تهیه وسائل و مقدمات ازدواج ولیعهد به ریاست محمود جم نخست‌وزیر عازم مصر شد.

۲۰ کارخانه برق تهران شروع به کار کرد و خیابان‌های تهران با این برق روشن شد.

۲٤ امتیاز نفت شمال که به دو شرکت آمریکایی داده شده بود موقوف گردید و قراردادِ آن ابطال شد.

۲٦ محمد حکیمی به کفالت وزارت پست و تلگراف منصوب شد.

تیر ماه

۱۳ مصطفی عدل کفیل سابق وزارت امور خارجه وزیر مختار در رم شد.

۲۳ علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ و علی سهیلی وزیر امور خارجه از کار برکنار شدند.

۲۳ سرپرستی وزارت فرهنگ موقتاً به دکتر سید ولی الله نصر و سرپرستی وزارت خارجه به محسن رئیس سپرده شد.

۲۵ سیدعلی نصر فرماندارکل مازندران به معاونت وزارت پیشه و هنر منصوب شد.

۲۷ مظفر اعلم وزیر مختار ایران در بغداد به سمت وزیر امور خارجه تعیین گردید.

مرداد ماه

۱ کارخانه هواپیماسازی شهباز افتتاح شد.

۵ باقر کاظمی استاندار آذربایجان سفیرکبیر ایران در افغانستان گردید.

۸ نام قصر قاجار به بی‌سیم تبدیل گردید.

۱۲ اسمعیل مرآت استاندار کرمان به کفالت وزارت فرهنگ تعیین گردید.

۱٤ بمناسبت سی و سومین سال مشروطیت جشن باشکوهی در باغ بهارستان بر پا شد وعده زیادی از رجال و معاریف در آن شرکت کرد.

۲۲ قانون اساسنامه بانک ملی ایران به تصویب مجلس رسید و بانک مزبور دارای ارکانی مانند شورایعالی، هیئت نظّار و هیئت نظارت اندوخته اسکناس گردید.

۲۳ عبدالله بهرامی وزیر مختار در بلژیک و موسی نوری اسفندیاری وزیر مختار در بغداد شدند.

۲٤ علی منصور به وزارت پیشه و هنر و ابوالقاسم فروهر به وزارت کشور معرفی شدند.



مظفر اعلم (سردار انتصار) و دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی (مؤدب الدوله) پیشکار محمدرضا پهلوی ولیعهد که در تمام مدت تحصیل او در سویس نظارت شدید بر او داشت و این امر غالباً موجب گله و شکایت بود. فرزندان مؤدب‌الدوله بنام‌های مهندس حبیب، دکتر عباس و دکتر ابوالقاسم نفیسی در عرصه سیاسی و علمی ایران رشد زیادی کردند.

شهریورماه

۴ آئین گشایش راه‌آهن سراسری انجام گرفت. هزینه راه‌آهن جمعاً ده میلیارد و یکصد میلیون ریال اعلام شده است.

۲۲ سیل مهیب و شدیدی در نهاوند جاری و قسمت عمده شهر را خراب کرد و تلفات جانی و مالی زیادی وارد ساخت.

مهر ماه

۲ هنرستان دختران با حضور هیئت دولت و امراء و نمایندگان مجلس افتتاح شد.

۹ سرتیپ تاجبخش به سمت کفالت اداره کل کشاورزی منصوب گردید.

۱۱ عباس فروهر به ریاست اداره تشریفات وزارت امور خارجه منصوب شد.

۲۳ قانون اجاره دریافت هفت میلیون ریال وام برای تکمیل ساختمان وزارت امور خارجه از بانک ملی تصویب شد.

آبان ماه

۴ کارخانه قندسازی شازند شروع به کار کرد.

۱۰ لایحه قانونی طرز تنظیم وصیت‌نامه از طرف وزیر دادگستری به مجلس داده شد.

۱۱ دادگاه جنایی تهران به ریاست حسینقلی وحیدی و عضویت محمود درّه و خاتون‌آبادی به دادستانی عبدالحسین احمدی بختیاری محاکمه ۵۰ نفر از ۵۳ نفر ترویج‌کنندگان مرام اشتراکی و اقدام‌کنندگان بر علیه امنیت و استقلال کشور را آغاز کرد. پس از قرائت کیفرخواست و بیان آن توسط نماینده دادستان، وکلای مدافع به دفاع پرداختند. غالب وکلای مدافع که وکیل تسخیری بودند متن کیفرخواست را تأیید نمودند تنها دکتر آقایان و قوام‌الدین مجیدی از نظر ماهوی به دفاع پرداختند و تبرئه متهمین را خواستار شدند. سرانجام رأی دادگاه صادر شد: ۱۰ نفر محکوم به ۱۰ سال زندان مجرّد، ۱ نفر به ۷ سال، ۳ نفر به ۶ سال، ۳۲ نفر به ۵ سال، ۷ نفر به



ابراهیم علم (شوکت‌الملک) تا سال ۱۳۰۰ شمسی امیر و فرمانروای قائنات و سیستان بود ولی در آن تاریخ امور حکومت را بین برادرزادگان خود تقسیم کرد و به تهران آمد و املاک وسیع او توسط پیشکاران اداره می‌شد. پس از ورود به تهران و به قدرت رسیدن سردار سپه باو نزدیک شد و جزو محارم و نزدیکان او قرار گرفت بطوریکه همیشه در سفر و حضر با شاه بود چندی استاندار فارس شد و بعد به وزارت پست و تلگراف منصوب گردید.

۴ سال، ۱ نفر به ۴ سال و نیم، ۱ نفر به ۳ سال و نیم، ۲ نفر به ۳ سال، و ۲ نفر نیز تبرئه شدند.
۱۴ مجلس شورای ملیٰ در جلسه امروز خود اصل ۳۷ متمم قانون اساسی را تفسیر نمود و به فوزیه نامزد ولیعهد ایران صفت ایرانی الاصل اعطاء کرد.
۲۰ کمال آتاتورک رئیس جمهور ترکیه درگذشت. از طرف دربار و دولت ایران مراسم عزاداری مفصل برگزار شد.

آذرماه

۳ کارخانه ریسندگی قم افتتاح شد.
۵ تقی خواجه‌نوری کفیل شهرداری تهران شد.
۸ مجید آهی وزیر راه مورد بی‌مهری قرار گرفته از خدمت برکنار شد و به زندان افتاد.
۸ دکتر محمد سجادی به کفالت وزارت راه منصوب گردید.
۸ جواد سینکی وزیر مختار ایران در مصر به فرمانداری تهران منصوب گردید.

دی‌ماه

۱ قانون تعدیل مال الاجاره مستغلات تحت ۹ ماده به تصویب رسید.
۴ قاسم صوراسرافیل فرماندار گیلان به کفالت شهرداری تهران منصوب شد. وی قبلاً وزیر پست و تلگراف و وزیر کشور بود.
۶ غلامحسین ابتهاج معاون شهردار تهران شد.
۸ روابط سیاسی ایران و فرانسه قطع شد.
۸ به موجب تصویبنامه هیئت وزیران سازمانی به نام «سازمان پرورش افکار» تحت نظر دکتر احمد متین‌دفتری وزیر دادگستری تشکیل شد. اعضاء هیئت مرکزی آن عبارتند از: دکتر سیدعلی شایگان معاون دانشکده حقوق، دکتر عیسی صدیق رئیس دانشکده ادبیات و علوم و دانشسرایعالی، دکتر آشتیانی معاون دانشکده پزشکی، فروزانفر معاون دانشکده معقول و منقول.
۲۵ بانک رهنی ایران با سرمایه دویست میلیون ریال تأسیس و شروع به کار کرد آقای ابوالحسن ابتهاج معاون بانک ملی به ریاست بانک رهنی برگزیده شد. در همان روز عبدالحسین هژیر معاون بانک ملی شد.
۲۵ قانون اجازه تأسیس بانک کارگشایی به تصویب رسید.
۲۹ ابوالحسن پیرنیا (معاضدالسلطنه) به استانداری فارس منصوب شد.
۲۹ جواد عامری به معاونت امور خارجه منصوب گردید.

بهمن ماه

۱۴ سفارتخانه های ایران و مصر تبدیل به سفارت کبری شدند و علی اکبر بهمن سفیر کبیر ایران در مصر شد.
۱۶ هیئتی مرکب از وثیقی کفیل وزارت بازرگانی، اللهیار صالح معاون وزارت دارائی و دلپاک رئیس اداره دوّم سیاسی وزارت امور خارجه برای مذاکرات بازرگانی عازم مسکو شدند.
۱۹ امیر شوکت‌الملک علم استاندار سابق فارس به وزارت پست و تلگراف معرفی شد.
۲۹ علی‌اصغر حکمت وزیر سابق فرهنگ که از کار برکنار و مدتی خانه‌نشین بود به وزارت کشور منصوب شد.
۳۰ روابط سیاسی ایران و فرانسه که چندی قبل قطع شده بود مجدداً برقرار گردید. آلبرت لبرون رئیس جمهور فرانسه برای برقراری روابط پیشقدم شد.

اسفندماه

۵ محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران برای ازدواج عازم کشور مصر شد. در این مسافرت آقایان اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی، دکتر متین‌دفتری وزیر دادگستری، مظفر اعلم وزیر امور خارجه، محمدعلی مقدم مدیر کل وزارت خارجه، دکتر قاسم غنی نماینده مجلس و عباس مسعودی نماینده مجلس و مدیر روزنامه اطلاعات همراه ولیعهد بودند.
۱۴ بودجه سال ۱۳۱۸ کشور که از حیث درآمد ۱,۹۳۰,۰۹۶,۷۰۰ ریال و از حیث هزینه ۲,۶۱۳,۴۸۱,۹۸۷ ریال می‌باشد تصویب شد.
۱۴ دکتر پرتو اعظم رئیس بیمارستان دولتی و استاد دانشگاه درگذشت.
۲۴ مراسم عقدکنان محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران و دوشیزه فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه مصر در کاخ عابدین در قاهره انجام گرفت.

سال ۱۳۱۸ شمسی

برابربا

۲۲ مارس ۱۹۳۹ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۰ میلادی

فروردین ماه

۱ اولین قطار مسافربری از تهران به اهواز حرکت کرد و بهره‌برداری راه‌آهن سراسری ایران شروع شد.

۱ اداره کل امنیه مملکتی منحل گردید و واحدهای مربوطه جزو ترکیبات واحدهای مستقل ارتش شدند.

۱ به فرمان شاه سرهنگ حاج علی رزم‌آرا و سرهنگ حسن ارفع به درجه سرتیپی ارتقاء یافتند.

۱۴ ملک غازی اول پادشاه عراق بر اثر تصادف اتومبیل درگذشت.

۱۸ ایتالیا به آلبانی حمله کرد. احمد زوغو پادشاه آن کشور به یونان گریخت و آلبانی به دست ایتالیا افتاد.

۲۶ فرمان انتخابات دوره دوازدهم صادر گردید.

اردیبهشت ماه

۷ سومین دوره اجلاسیه شورای دائمی پیمان سعدآباد به ریاست مظفر اعلم وزیر امور خارجه در ساختمان جدید وزارت خارجه تشکیل شد.

۲۴ انجمن نظارت انتخابات تهران در فرمانداری تشکیل شد و حسن اسفندیاری به ریاست انتخاب گردید.

مرداد ماه

۳ قاسم صور اسرافیل کفیل شهرداری تهران از خدمت معاف شد و به جای وی غلامحسین ابتهاج کفیل شهرداری شد.

۷ حسین سمیعی به استانداری آذربایجان غربی و عبدالله مستوفی به استانداری آذربایجان شرقی تعیین شدند.

شهریور ماه

۹ آدولف هیتلر در پارلمان آلمان نطقی ایراد نمود و به بهانه اینکه لهستان در مرزهای آلمان دست به تجاوز زده و درواقع به علت اینکه پیشنهادهای آلمان را درباره الحاق دالان دانزیک به آلمان نپذیرفته دستور حمله به لهستان را صادر کرد.

۱۰ دولت‌های فرانسه و انگلیس طی یادداشت‌های اعتراض‌آمیزی به آلمان اظهار کردند که نیروهای خود را از لهستان خارج نماید.

۱۱ به دنبال حمله آلمان به لهستان در تهران اعلامیه‌ای منتشر شد و دولت ایران اعلام بیطرفی نمود.

۱۲ سیلوی بزرگ تهران و کارخانه بلورسازی افتتاح شد.

گنجایش سیلو شصت و چهار هزار تن می‌باشد.

۱۳ دولت انگلستان علیه آلمان وارد جنگ شد و ارتش فرانسه نیز به آلمان حمله کرد.

۱۴ به کلیه دانشجویان ایرانی مقیم اروپا دستور داده شد هرچه زودتر از راه وین ــ بوداپست و استانبول به ایران مراجعت نمایند.

۲۰ اسمعیل مرآت کفیل وزارت فرهنگ و دکتر محمد سجادی کفیل وزارت راه به مقام وزارت ارتقاء یافتند.

۲۵ نیروهای شوروی وارد خاک لهستان شدند.

۲۷ لهستان سقوط و خاک آن کشور به تصرف سربازان آلمانی و شوروی درآمد.

۲۷ مجلس یازدهم خاتمه یافت.

مهر ماه

۶ عبدالله یاسائی مدیرعامل باشگاه هواپیمایی شد.

۲۵ فرخی یزدی مدیر روزنامه طوفان و نماینده سابق مجلس در زندان قصر تلف شد. وی توسط آمپول هوا که بوسیلهٔ پزشک احمدی تزریق گردید به قتل رسید.

۳۰ باقر کاظمی به سفارت ایران در ترکیه و علی سهیلی به سفارت ایران در افغانستان منصوب شدند.

آبان ماه

۳ آئین گشایش دوازدهمین دوره مجلس انجام شد.

۳ محمود جم رئیس دولت از خدمت معاف شد.

۳ دکتر احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر گردید.[۱]

۱ ــ انتخاب دکتر احمد متین‌دفتری با هشت سال سابقه معاونت و وزارت دادگستری به نخست‌وزیری در آن ایام با تعجب تلقی گردید. متین‌دفتری به هنگام نخست‌وزیری چهل و یک ساله بود و بیش از سه سال سابقه وزارت نداشت و مربوط به یکی از خاندان‌های کهنسال ایران بود که افراد آن خانواده در دوره صد و پنجاه ساله حکومت قاجار در ایران مصدر خدمات بزرگی شده بودند. از این خانواده قبل از دکتر متین‌دفتری میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک صدراعظم و آقایان حسن مستوفی و حسن وثوق و احمد قوام چندین بار به مقام نخست‌وزیری برگزیده شده بودند. از همه مهمتر متین‌دفتری گذشته از اینکه نوه برادر دکتر مصدق بود یکی از دختران مصدق را به همسری انتخاب کرده بود.

←

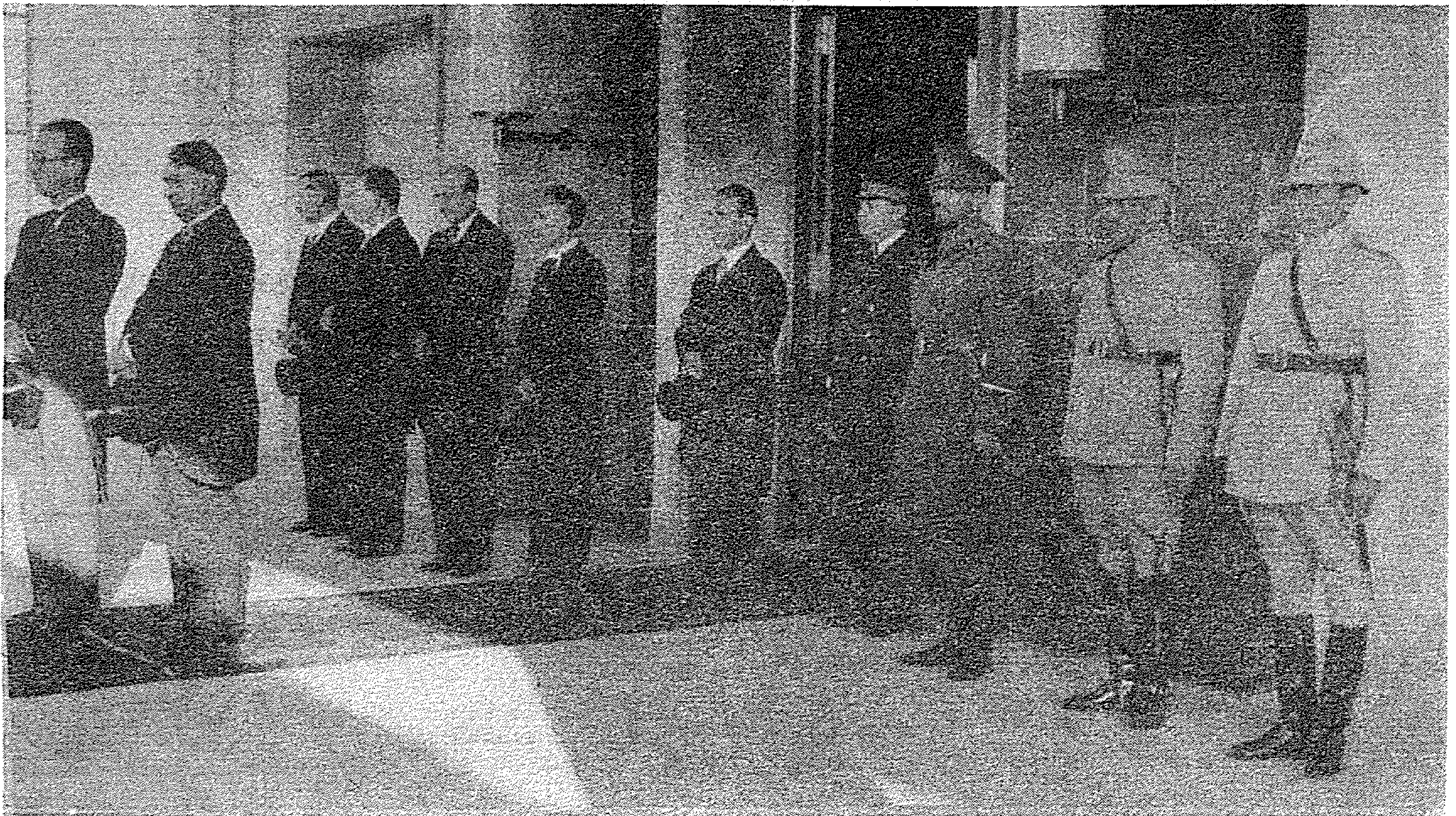
دکتر متین‌دفتری فرزند میرزا محمودخان دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین خان وزیر دفتر، فرزند میرزا بدایت‌الله وزیر دفتر (پدر دکتر مصدق) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر و بالاخره فرزند میرزا محسن آشتیانی است و خانواده‌های مستوفی، قوام، وثوق، مصدق، متین‌دفتری، دفتری، فرهاد، فرهاد معتمد، معاون، دادور همه از ریشه میرزا محسن آشتیانی هستند.

احمد متین‌دفتری تحصیلات خود را در ایران در مدرسه آلمانی‌ها و مدرسه حقوق انجام داد. در وزارت خارجه مصدر خدماتی شد. در عدلیه داور، دعوت به کار گردید و برای ادامه تحصیل به اروپا رفت. در ژنو دکترای حقوق گرفت و پس از مراجعت کار خود را با معاونت وزارت دادگستری آغاز کرد. پنج سال معاون بود بعد وزیر شد تا به نخست‌وزیری رسید. به زبانهای آلمانی، فرانسه، انگلیسی تسلط کامل داشت. زبان فارسی و زبان عربی را خوب می‌دانست اما چرا و چگونه او به نخست‌وزیری انتخاب شد دکتر متین‌دفتری برای نگارنده در این مورد چنین گفت:

در نیمه اول سال ۱۳۱۸ که من وزیر دادگستری در دولت جم بودم در یکی از جلسات هیئت وزیران که در حضور شاه تشکیل شده بود صحبت به جنگ بین‌المللی کشیده شد. پیشرفتهای برق‌آسای آلمان هیتلری مورد بحث قرار گرفت. شاه یک‌یک وزیران را مورد آزمایش قرار داد و نظریه آنها را نسبت به سرنوشت جنگ جویا شد. جواب‌هائی که از طرف وزیران داده شد شاه را قانع نکرد و با عصبانیت خطاب به تمام وزیران گفت باید مقاله‌ای مستند درباره عاقبت این جنگ برای من بنویسید و در هفته دیگر در همین ساعت تسلیم نمائید. امریه اجرا شد و هفته بعد مقالات خود را تقدیم کردیم. من در مقاله خود با دلائل و براهین ثابت کردم که آلمان در این جنگ پیروز خواهد شد و بهتر اینست ایران از هم‌اکنون رویه‌ای اتخاذ کند که پس از خاتمه جنگ پاداش همکاری خود را دریافت نماید. این مقاله مورد پسند واقع شده بود و چند ماه بعد به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم به نخست‌وزیری منصوب شدم.

متین‌دفتری در آن ایام به ژرمانوفیلی شهرت داشت و انتخاب وی به نخست‌وزیری برای جلب توجه آلمان‌ها به ایران بود ولی پس از مدت کوتاهی افق جنگ روشن شد و آلمان پی در پی در **جبهه‌های** جنگ با شکست روبرو گردید. رضاشاه دکتر متین‌دفتری را از کار برکنار ساخت زیرا در دوران نخست‌وزیریش هربار که شاه از شکست آلمان‌ها با او صحبت می‌کرد جمله متین‌دفتری این بود (خاطر مبارک آسوده باشد) مدتی در زندان بسر برد بعد از شهریور ۱۳۲۰ به جرم طرفداری از آلمان‌ها به زندان متفقین افتاد. دو سال در اسارت بیگانگان بود بعد نماینده مجلس پانزدهم شد از تاریخ تأسیس مجلس سنا تا سال ۱۳۵۰ که فوت شد مقام سناتوری را حفظ کرد. شاه با وی نظر مساعدی نداشت و تملق‌های او در مجلس سنا هرگز شاه را نسبت به او خوشبین نکرد.

۳ محمود جم به وزارت دربار منصوب شد. از سال ۱۳۱۱ که تیمورتاش از وزارت دربار عزل شده بود تا انتخاب



کابینه دکتر احمد متین دفتری از چپ: دکتر متین دفتری، مظفر اعلم، اسمعیل مرآت، سرتیپ امیرخسروی، ابراهیم علم، صادق وثیقی، محمد سروری، سرلشگر احمد نخجوان، سرلشگر ضرغامی، سرتیپ تاجبخش و سرپاس مختار

محمود جم وزارت دربار وزیر نداشت.

۴ حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی از سران مشروطه و نماینده ادوار اولیه مجلس و صاحب تألیفات عدیده در تهران درگذشت.

۵ دکتر احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر اعضاء هیئت دولت را به این شرح معرفی کرد:

علی منصور وزیر پیشه و هنر ــ علی اصغر حکمت وزیر کشور ــ مظفر اعلم وزیر امور خارجه ــ اسمعیل مرآت وزیر فرهنگ ــ دکتر محمد سجادی وزیر راه ــ ابراهیم علم وزیر پست و تلگراف ــ سرتیپ امیر خسروی وزیر دارائی ــ سرتیپ احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ ــ صادق وثیقی کفیل وزارت بازرگانی ــ محمد سروری کفیل وزارت دادگستری ــ سرتیپ مهدی قلی تاجبخش کفیل اداره کل کشاورزی.

این کابینه روز بیستم به مجلس معرفی شد.

۶ محمدعلی فرزین به جای سرتیپ امیرخسروی به ریاست بانک ملی ایران برگزیده شد.

۱۳ محببن جهانسوز و عده زیادی از افسران و دانشجویان دانشکده افسری به اتهام قیام علیه امنیت کشور بازداشت شدند.

۳۰ عبدالحسین میرزا فرمانفرما رئیس‌الوزرای سابق ایران، نوه عباس میرزا نایب‌السلطنه و داماد مظفرالدین‌شاه در سن ۸۸ سالگی درگذشت. حین‌الفوت از وی ۳۲ فرزند باقی ماند. چهار تن از فرزندان وی در زمان حیات او درگذشتند. نصرت‌الدوله و سالارلشکر فرزندان وی قبلاً از بین رفته بودند.[۱]

۱ ــ عبدالحسین فرمانفرما در تاریخ معاصر ایران چهره جالب و قابل بررسی و مطالعه است وی قریب نیم قرن مصدر مشاغل حساس و درجه اوّل ایران بود و از این راه ثروتی سرشار اندوخت. وی در طول عمر پربار خود هفت همسر انتخاب کرد اولین همسر وی خانم عزت‌الدوله دختر مظفرالدینشاه بود و از وی صاحب شش پسر شد بقیه همسران وی دختران جوانی بودند که از خانواده‌های مختلف به حباله نکاح خویش در می‌آورد و از همه آنها فرزند پیدا کرد.

فیروزمیرزا فیروز (نصرت‌الدوله)، عباس میرزا فرمانفرمائیان (سالارلشگر) محمدولی خان فرمانفرمائیان سرلشگر محمدحسین فیروز و دو پسر که در جوانی فوت شدند از دختر مظفرالدینشاه قاجار بودند بقیه فرزندان ذکور وی به این شرح‌اند: دکتر صبّار فرمانفرمائیان، دکتر هارون الرشید، فاروق، کاوه، جمشید، علینقی، حافظ، سیروس، علیداد، عبدالعلی، منوچهر، عبدالعزیز، ابوالبشر، خداداد، کریمداد، الله‌وردی، تاری‌وردی.

آذر ماه

۱ علی معتمدی رئیس ثبت به معاونت نخست‌وزیر گمارده شد.

۹ جنگ میان شوروی و فنلاند آغاز شد.

۱۳ ابوالحسن پیرنیا (معاضدالسلطنه) استاندار فارس به هنگام بازگشت از یک میهمانی به منزل خود در خیابان درگذشت. مرگ وی ظاهراً مشکوک به نظر رسید.

۱۸ سرتیپ مهدیقلی تاجبخش از ریاست اداره کل کشاورزی معاف شد و به جای وی مصطفی قلی رام رئیس انحصار دخانیات به ریاست اداره کل کشاورزی منصوب شد.

۲۵ پیمان دوستی بین ایران و ژاپن به تصویب مجلس رسید.

بهمن ماه

۱۰ دکتر تقی ارانی که به اتهام ترویج مرام کمونیستی به ده سال زندان محکوم شده بود در زندان قصر به بیماری تیفوس درگذشت. وی حین‌الفوت ۳۶ سال داشت و تحصیلات خود را در آلمان در رشته فیزیک به اتمام رسانیده بود. دادگاه جنایی تهران که در سال ۱۳۲۱ برای محاکمه عمال شهربانی تشکیل گردید ادعانامه دادستان را مبنی بر قتل ارانی رد کرد و فوت او را طبیعی دانست.

اسفند ماه

۱۰ به مناسبت سرشماری در ایران امروز تعطیل عمومی شد و هیچکس حق خروج از منزل خود را نداشت. در این سرشماری جمعیت ایران ۱۸,۳۳۸,۸۶۷ نفر برآورد گردید. شهر تهران ۵۴۰,۰۸۷ نفر سکنه داشت.



دکتر متین دفتری نخست‌وزیر هنگام مذاکره با سرپاس مختار

۱۵ علی‌اصغر حکمت وزیر کشور مستعفی شد.

۱۷ راه‌آهن بین تهران و قزوین گشایش یافت.

۲۱ شوروی و فنلاند با وساطت آلمان صلح کردند.

۲۱ عهدنامه بازرگانی و کشتیرانی بین دولت ایران و دولت شوروی امضاء شد.

۲۲ بودجه سال ۱۳۱۹ به اتفاق آراء تصویب شد.

۲۲ محسن جهانسوز افسر دانشکده افسری به جرم قیام برعلیه امنیت کشور و سوءقصد برعلیه مشروطیت طبق حکم دادگاه نظامی صحرائی تیرباران گردید.

۲۵ محمد سروری کفیل وزارت دادگستری تقاضای سلب مصونیت از آقای علی وکیلی نماینده مجلس نمود. در همین جلسه این تقاضا به اتفاق آراء تصویب شد.

سال ۱۳۱۹ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۴۰ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۱ میلادی

فروردین ماه

۱ سرتیپ احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ به درجهٔ سرلشکری و سرهنگ عبدالله هدایت، سرهنگ محمود میرجلالی، سرهنگ قدر و سرهنگ بایندر به درجه سرتیپی ارتقاء یافتند.

۱۵ پیمان بازرگانی بین ایران و شوروی در مجلس تصویب شد.

۱۹ نیروی آلمان به دانمارک و نروژ حمله کرده و آن دو کشور را در مدت کوتاهی به تصرف خود درآورد.

۲۵ نیروهای انگلیس در خاک نروژ پیاده شدند.

۲۵ حمید سیاح وزیرمختار ایران درلهستان مدیرکل وزارت امور خارجه شد.

۲۹ ساختمان بندر بوشهر و چند اسکله پایان پذیرفت.

اردیبهشت ماه

۵ آئین گشایش دستگاه فرستنده رادیوی تهران انجام گردید. از این تاریخ رادیو روزانه سه نوبت برنامه اجرا می نماید.

۱۰ علی اصغر حکمت مجدداً به وزارت کشور منصوب شد.

۲۰ آلمان به هلند، بلژیک، لوکزامبورگ حمله نمود و در مدت کوتاهی هر سه کشور را تسخیر کرد.

۲۰ چمبرلن نخست‌وزیر انگلستان استعفا داد و پارلمان مقام او را به وینستون چرچیل داد.

۲۲ هلند توسط نیروهای آلمان اشغال شد.

۲۲ از حاج آقا رضا رفیع (قائم‌مقام الملک) نماینده مجلس سلب مصونیت شد.

۲۷ بلژیک سقوط کرد.

خرداد ماه

۵ نیروهای آلمان به دریای مانش رسیدند و نیروهای متفقین در محاصره قرار گرفتند.

۹ لئوپلد سوّم پادشاه بلژیک تسلیم شد.

۱۲ محاکمه علی وکیلی نماینده سابق مجلس و بازرگان معروف و همکار علی‌اکبر داور در دیوان کیفر کارکنان دولت آغاز گردید. وکلای متهم ارسلان خلعتبری و طه و ابراهیم خواجه‌نوری بودند.

۲۰ ایتالیا به فرانسه اعلان جنگ داد.

۲۲ چهار پنجم نیروهای انگلیس که برای شرکت در جنگ به فرانسه رفته بودند عقب‌نشینی کردند.

۲۴ نیروهای آلمان وارد پاریس شدند.

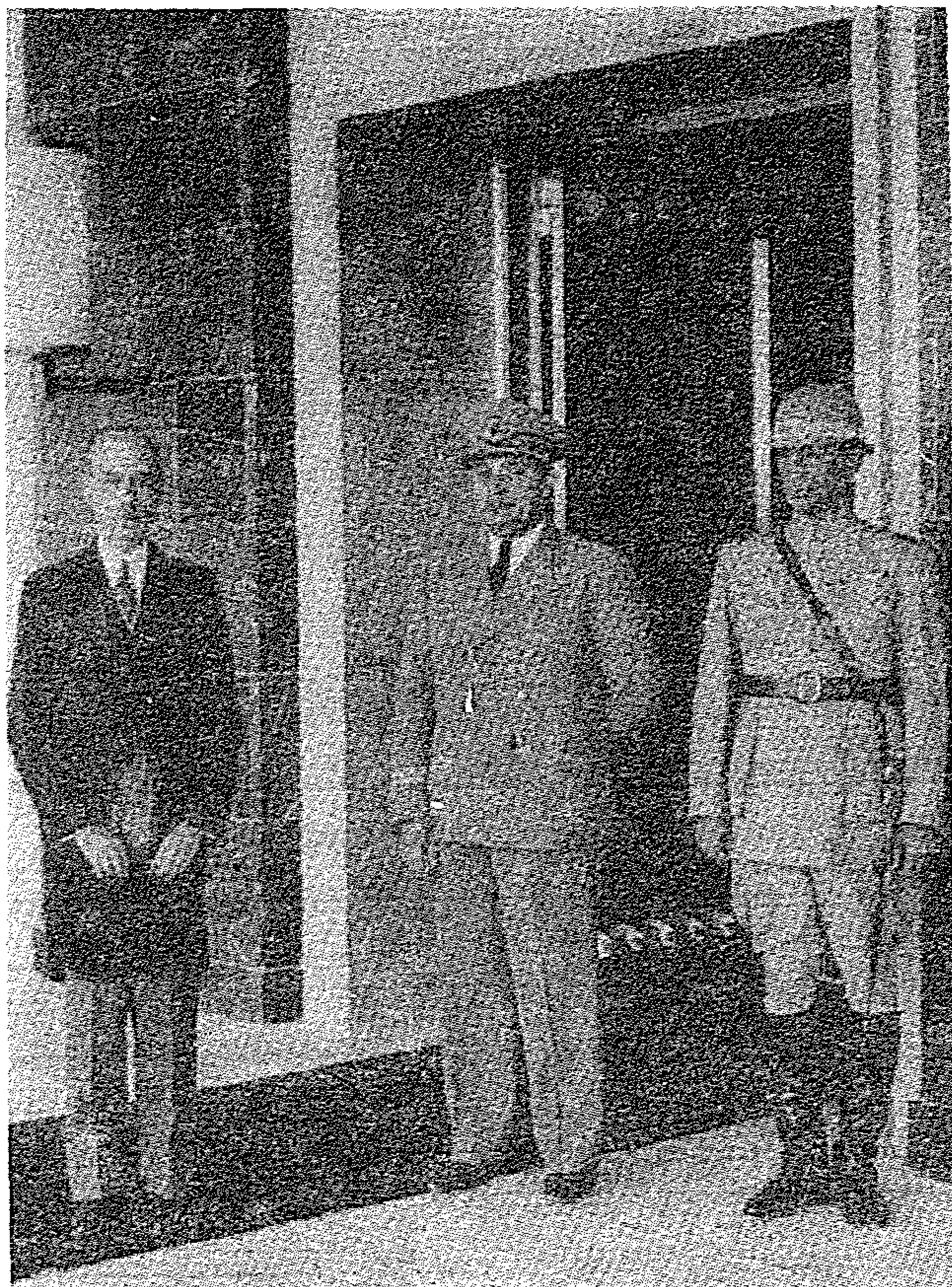
۲۷ مارشال پتن نخست‌وزیر فرانسه شد.

تیر ماه

٤ دکتر احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر از کار برکنار و بازداشت شد.

٤ علی منصور به نخست‌وزیری منصوب شد و وزیران خود را به این شرح معرفی کرد:

منصور نخست‌وزیر و وزیر پیشه و هنر ــ مظفر اعلم وزیر امور خارجه ــ سرتیپ امیرخسروی وزیر دارائی ــ علی سهیلی وزیر کشور ــ ابراهیم علم وزیر پست و تلگراف ــ دکتر محمد سجادی وزیر راه ــ اسمعیل مرآت وزیر فرهنگ سرلشکر احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ ــ صادق وثیقی کفیل وزارت بازرگانی ــ محمد سروری کفیل وزارت دادگستری ــ مصطفی قلی رام رئیس اداره کل کشاورزی و منشی هیئت دولت.



علی منصورــ سرلشگر احمد نخجوان ــ سرپاس رکن‌الدین مختار

٤ بین آلمان و فرانسه متارکه جنگ انجام شد و قسمت اعظم فرانسه به تصرف آلمان درآمد.

۵ به دنبال برکناری دکتر متین‌دفتری از ریاست دولت، دکتر محمد مصدق پدرزن و عموی وی نیز بازداشت و به زندان شهربانی انتقال یافت.

۱۱ ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده مجلس و رئیس انجمن زرتشتیان به طرز مرموزی کشته شد. وی هنگامی‌که از پیاده‌روی خیابان عبور می‌کرد اتومبیلی وارد پیاده‌رو شد و او را زیر گرفت.

۱۶ دکتر محمد مصدق از زندان شهربانی تهران به زندان بیرجند انتقال یافت.

۱۸ مجید آهی از طرف نخست‌وزیر به سمت وزیر دادگستری معرفی شد.

۱۸ مهدی فرخ به استانداری فارس منصوب گردید.

۱ ــ رجبعلی خان که بعد ملقب به منصورالملک و علی منصور گردید از فارغ‌التحصیلان دوره سوم مدرسه علوم سیاسی مشیرالدوله است. در ۱۲۸٦ وارد وزارت امور خارجه شد. اولین سمت وی مترجمی بود به ترتیب رئیس کارگزینی، ریاست شعبه تجارت اداره محاکمات گردید تا سرانجام به ریاست اداره انگلیس که از ادارات مهم وزارت خارجه بود رسید. سپس معاون و کفیل آن وزارتخانه شد.

در سال ۱۳۰۰ معاون وزارت داخله شد و در نخستین سالهای سلطنت رضاشاه به استانداری آذربایجان منصوب گردید مدتی وزیر کشور بود تا سمت وی به وزارت طرق تغییر یافت. در سال ۱۳۱٤ به جرم ارتشاء و اخذ پانزده هزار تومان رشوه از شرکت کامپساکس برکنار و تحت تعقیب جزائی قرار گرفت. محاکمه او در دیوان کشور صورت گرفت و به اتفاق آراء تبرئه شد. رضاشاه از صدور حکم تبرئه منصور خشمگین و درنتیجه صدرالاشراف وزیر دادگستری و رضاقلی هدایت رئیس دیوانعالی کشور را برکنار ساخت. منصور پس از چندی به خدمت دعوت شد و در کابینه محمود جم به وزارت پیشه و هنر رسید. در دولت متین‌دفتری نیز دارای همان سمت بود تا اینکه پس از برکناری متین‌دفتری رئیس دولت شد.

علی منصور از طرفداران سیاست انگلیس در ایران بود. انتخاب وی به نخست‌وزیری از طرف رضاشاه برای نزدیکی به انگلیس‌ها بود که تا حدی هم انتخاب متین‌دفتری جبران شود ولی منصور در شهریور ۱۳۲۰ نتوانست نقش خود را بازی کند.

منصور از سال ۱۳۲۰ به بعد در سمت‌های استاندار خراسان، استاندار آذربایجان، نخست‌وزیر، سفیرکبیر در ایطالیا، سفیرکبیر در ترکیه و سفیرکبیر در دربار پاپ انجام وظیفه می‌کرد. وقتی حسنعلی منصور پسرش به نخست‌وزیری رسید سفیر در دربار پاپ بود. علی منصور در تمام مدت عمر در مشاغل مهم دولتی بود از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳٤۵ که شصت سال می‌شود شغل داشت. می‌گویند در کار اداری سلامت نفس و درستی حکیم‌الملک و صدرالاشراف را نداشت و اهل قبض و اقباض بود.



ارباب کیخسرو شاهرخ

مرداد ماه

۶ دادگاه دیوان کیفر رأی خود را علیه علی وکیلی صادر کرد. وی محکوم به دو سال حبس تأدیبی و پرداخت پنج هزار ریال غرامت گردید.

۲۷ کمال‌الملک نقاش چیره‌دست معاصر در سن ۹۶ سالگی در نیشابور درگذشت و در آرامگاه عطار به خاک سپرده شد. وی از سال ۱۳۰۷ در ملک شخصی خود به نام حسین‌آباد نیشابور زندگی می‌کرد.

شهریور ماه

۱۵ علی اصغر فروزان به کفالت شهرداری تهران منصوب شد.

۲۴ نیروی ایتالیا به آفریقا حمله نمود و راه مصر را در پیش گرفت.

۳۱ نیروهای ژاپن وارد هندوچین فرانسه شدند.

مهر ماه

۱ دکتر عیسی صدیق رئیس دانشسرای عالی و رئیس دانشکدهٔ ادبیات و علوم به ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات منصوب شد، این اداره جزو ادارات تابعه وزارت فرهنگ می‌باشد.

دکتر سید ولی‌الله خان نصر بجای وی ریاست دانشسرا و دانشکده‌های ادبیات و علوم را عهده‌دار گردید.

۵ ژاپن به محور رم ــ آلمان پیوست و عهدنامه سه جانبه را امضاء کردند.

۷ محمدعلی وارسته به معاونت وزارت کشور منصوب شد.

۱۲ آئین گشایش راه‌آهن تهران و زنجان انجام گرفت.

۲۰ سیدباقر کاظمی سفیرکبیر ایران در ترکیه به تهران احضار شد.

۲۰ امان‌الله اردلان به استانداری آذربایجان شرقی منصوب و عبدالله مستوفی به تهران احضار شد.

آبان ماه

۶ ایتالیا به یونان حمله کرد.

۱۲ مظفر اعلم وزیر امور خارجه از خدمت معاف شد.

۱۳ جواد عامری به کفالت وزارت امور خارجه تعیین گردید.

۱۴ روزولت برای بار سوّم به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد.

۲۰ مظفر اعلم استاندار استان چهارم (رضائیه) گردید.

۲۲ انگلستان به شدت تحت حمله هوایی آلمان قرار گرفت.

۲۹ مجارستان به کشورهای محور ملحق شد.

آذر ماه

۱۰ ساختمان سد روانسر پایان یافت و مراسم افتتاح آن انجام گردید.

۱۳ دکتر محمد مصدق که در بیرجند زندانی بود با وساطت ولیعهد و به دستور رضاشاه به احمدآباد ملک شخصی خویش

انتقال یافت و تحت نظر قرار گرفت. کسی که ولیعهد را وادار به این شفاعت کرد دوست سویسی وی به نام ارنست پرون بود.

۱۹ پیمان بازرگانی بین دولت ایران و دولت آلمان به امضاء رسید.

دی‌ماه

۱۵ قانون اجرای لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری به تصویب رسید.

۶ سرشماری شهرستان اصفهان تا شعاع شش کیلومتر پایان یافت که درنتیجه شهر اصفهان دارای ۲۰۴۵۹۸ نفر سکنه می باشد.

۲۰ سرشماری شهرستان همدان پایان پذیرفت و ساکنین شهر مزبور بالغ بر ۱۰۳۸۷۴ نفر می باشند.

بهمن ماه

۱ شیخ عباس قمی از علماء و محدثان معروف عصر حاضر صاحب تألیفات عدیده از جمله کتاب (مفاتیح الجنان) دار فانی را وداع گفت. مجموعاً تألیفات مرحوم شیخ عباس متجاوز از سی مجلد است.

۱ قانون متمم قانون دادرسی و کیفر ارتش در کمیسیون قوانین دادگستری تصویب شد.

۱۱ شهر شیراز سرشماری شد مجموعاً ۱۲۹۰۲۳ نفر جمعیت دارد.

۱۷ شهرستان کرمانشاه پس از سرشماری جمعیت آن ۸۸۶۲۲ نفر تعیین شد.

اسفند ماه

۱۰ بلغارستان به پیمان سه جانبه آلمان ــ ایتالیا ــ ژاپن ملحق گردید.

۱۱ نیروهای آلمان داخل خاک بلغارستان شدند.

۱۵ مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۲۰ کشور را به تصویب رسانید درآمد سال جاری ۳,۶۱۳,۷۶۸,۷۱۸ ریال درآمد و مبلغ ۴,۳۲۳,۶۱۱,۶۷۶ ریال هزینه پیش‌بینی شد. برای اولین بار در چند سال اخیر کشور با کسر بودجه معادل یک میلیارد ریال مواجه شد.

۱۸ مجلس سنای آمریکا به روزولت رئیس جمهوری اختیارات تام اعطاء کرد.

۲۴ ساختمان جدید دانشکده حقوق در کاخ وسیع و مجلل دانشگاه افتتاح شد. در این ساختمان چند سالن برای کنفرانس ساخته شده و علاوه بر اتاق های متعدد مکانی برای کتابخانه در نظر گرفته شده است که گنجایش متجاوز از سی هزار جلد کتاب دارد.

وزیر فرهنگ گزارش داد این ساختمان ۳۳۴۰ مترمربع زیربنا دارد و بوسیله شرکت سنتاب بطور مقاطعه انجام گرفته و بوسیله دستگاه حرارت مرکزی گرم می شود در مراسم افتتاح دانشکده حقوق، علی اکبر دهخدا رئیس و دکتر شایگان معاون از پیشرفت های مملکت اظهار مسرت نمودند.

سال ۱۳۲۰ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۴۱ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۲ میلادی

فروردین ماه

۱۵ خانم پروین اعتصامی شاعر برجسته و خوش قریحه معاصر در سن ۳۵ سالگی به بیماری جانسوز سل درگذشت.

۱۶ یوگسلاوی با شوروی پیمان عدم تعرض منعقد کرد.

۱۷ آلمان به یوگسلاوی و یونان حمله کرد.

۲۲ رشید عالی گیلانی در عراق کودتا کرد و کابینه خود را معرفی نمود. نایب السلطنه عراق از کشور خارج شد.

۲۴ شوروی با ژاپن عهدنامه عدم تعرض امضاء کرد.

۲۴ نیروی مجارستان به یوگسلاوی حمله کرد.

۲۶ یوگسلاوی به تصرف نیروهای آلمان درآمد.

۲۹ قوای انگلیس به طرفداری از نایب السلطنه فراری عراق وارد بصره شد.

اردیبهشت ماه

۱ سرتیپ علی اصغر نقدی فرمانده لشکر دوم به درجه سرلشکری و سرهنگ محمود بهارمست به درجه سرتیپی ارتقاء یافتند.

۷ یدالله عضدی به سمت معاون اول وزارت دارائی معرفی شد.

۷ آتن پایتخت یونان سقوط کرد.

۱۲ رشیدعالی گیلانی فرودگاه حبانیه را زیر آتش گرفت.

۱٤ لایحه اجازه فروش املاک زراعی و قنوات موقوفه به تصویب مجلس رسید.

۱۶ استالین ریاست شورای کمیسرهای شوروی را عهده‌دار گردید.

۲٤ علی اصغر زرین کفش به معاونت وزارت دادگستری تعیین شد.

۲۸ سرتیپ امیرخسروی وزیر دارایی از خدمت معاف شد و گلشائیان به کفالت آن وزارتخانه منصوب گردید.

خرداد ماه

۱ راه‌آهن تهران ـــ شاهرود افتتاح گردید.

۳ وزیر خارجه و وزیر دارائی عراق وارد تهران شدند.

۹ قوای انگلیس وارد بغداد شد.

۹ اعلان انتخابات دوره سیزدهم مجلس منتشر شد.

۱۰ رشیدعالی گیلانی و وزیران وی به ایران وارد شدند و جنگ عراق پایان یافت.

۱۸ نیروهای انگلیس به سوریه و لبنان حمله کردند.

۲۵ با تصویب مجلس جمع اسکناس های در گردش بانک ملّی تا دو هزار میلیون ریال افزایش یافت. تا این تاریخ جمع اسکناس های منتشره ۱/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بود.

تیر ماه

۱ دولت آلمان نازی به شوروی حمله کرد.
۹ آندره اسمیرنوف سفیر تازه شوروی وارد تهران شد.
۹ خبرگزاری فرانسه آزاد خبری منتشر ساخت مبنی بر اینکه دولت شوروی به ایران با سوءظن نگریسته و این کشور را مرکزی برای حمله به شوروی می‌داند.
۱۱ خبرگزاری تاس از مسکو اعلام کرد شایعات دربارهٔ تیرگی روابط ایران و شوروی صحیح نبوده و تکذیب می شود.
۲۳ چرچیل و روزولت در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات نموده و منشور آتلانتیک را امضاء کردند.
۲۸ دولتین روس و انگلیس طی تذکاری از دولت ایران خواستار شدند نسبت به اخراج آلمانی ها از ایران اقدام نماید.

مرداد ماه

۷ دولت ایران به تذکاریه شوروی و انگلستان پاسخ داد و متذکر شد رفتار اتباع بیگانه در ایران تحت مراقبت کامل است.
۱۰ خبرگزاری فرانسه اعلام نمود ستون پنجم آلمان در ایران و افغانستان تشکیل یافته و قریباً به جمهوری های قفقاز و هندوستان حمله خواهد کرد.
۱۵ آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس مبعوثان نطقی ایراد کرد و درباره سیاست بین‌المللی و ایران گفت عده زیادی متخصص آلمانی در ایران خطر بزرگی برای آن کشور ایجاد کرده است.
۲۵ شوروی و انگلستان مجدداً از دولت ایران اخراج اتباع آلمان را خواستار شدند.
۲۷ رادیو لندن اعلام کرد ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ نفر آلمانی در ایران امنیت همسایگان را بهم می‌زنند و در اوضاع فعلی ایران مرکز عمده جنگ در آسیا است.
۲۸ مراسم فارغ التحصیلی بیش از یک هزار افسر در اردوگاه اقدسیه به عمل آمد. افسران این دوره از مرخصی یک ماهه محروم شدند. رضاشاه طی نطقی کوتاه اشاره به حوادث قریب‌الوقوع نمود.

شهریور ماه

۳ سپیده‌دم امروز قوای شوروی از شمال و مشرق و قوای انگلستان از جنوب، کشور ایران را مورد حمله زمینی، هوائی و دریائی قرار دادند. در همان لحظات اول، سفیر کبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس در منزل علی منصور نخست‌وزیر حضور یافته طی یادداشتی حمله قوای خود را به کشور ما اعلام نمودند.
۳ علی منصور نخست‌وزیر به اتفاق جواد عامری کفیل وزارت امور خارجه در کاخ سعدآباد حضور یافته رضاشاه را از حمله دو کشور شوروی و انگلیس به خاک ایران مطلع ساختند و بلافاصله جلسه فوق‌العاده هیئت وزیران در کاخ سعدآباد با حضور رضاشاه تشکیل شد و موضوع حمله به ایران و نقض بیطرفی مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و راه‌حل‌هائی برای جلوگیری از بحران ارائه شد.
۳ شهرهای بی‌دفاع شمال و جنوب توسط هواپیماهای دشمن بمباران شدند و قسمتی از پادگان‌های شهرها از هم متلاشی شد.
۳ جواد عامری کفیل وزارت امور خارجه به اتفاق اسمیرنوف سفیر کبیر شوروی و سر ریدرز بولارد وزیر مختار انگلیس در سعدآباد با رضاشاه ملاقات کردند. نمایندگان دو کشور صریحاً اعلام نمودند علت حمله به ایران وجود عده زیادی از اتباع آلمانی در ایران می‌باشد.
۳ در اثر حمله شدید قوای انگلیس به خلیج فارس ظرف چند ساعت نیروی دریائی ایران مضمحل گردید. در این حمله دریادار بایندر فرمانده نیروی دریائی و ناخدا نقدی رئیس ستاد نیرو و عده ای از افسران و صاحب‌منصبان به درجه شهادت رسیدند، و غالب کشتی های ایران طعمه حریق یا غرق شدند.
۳ بعد از ظهر امروز جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی تشکیل گردید. علی منصور نخست‌وزیر گزارش حمله نیروهای خارجی را به ایران به اختصار به اطلاع مجلس رسانید.
۳ به دستور رضاشاه لشکرهای یک و دو پادگان مرکز به

خارج از تهران انتقال یافتند و در اطراف تهران حالت دفاعی گرفتند.

۳ بعد از ظهر امروز قرارگاه کل بزرگ ارتشتاران و ستاد جنگ به ریاست سرلشکر عزیزالله ضرغامی تشکیل شد. محل ستاد باشگاه افسران تعیین گردید.

۳ چهار دوره از سربازان احتیاط یعنی متولدین ۱۲۹۷ و ۱۲۹۶ و ۱۲۹۵ و ۱۲۹٤ به خدمت احضار شدند.

٤ ستاد جنگ اعلامیه‌ای صادر نمود و متذکر شد شهرهای تبریز، اردبیل، رضائیه، خوی، اهر، میاندوآب، ماکو، بناب، مهاباد، رشت، حسن‌کیاده، میانه، اهواز و بندر پهلوی مورد حمله هوائی واقع و تلفات وارده بر مردم غیرنظامی زیاد و نسبت به نظامیان کم است.

٤ بمباران شهرهای بی‌دفاع و سربازخانه‌ها ادامه پیدا کرد. قزوین و رشت و تبریز شدیداً مورد حمله هوائی واقع شدند.

٤ در اثر بمباران و حمله قوای شوروی و انگلستان به ایران لشکرهای تبریز، رضائیه، رشت، مشهد، اردبیل، گرگان متلاشی شدند و فرماندهان محل خدمت خود را ترک نمودند.

٤ مردم تهران و غالب شهرهائی که مورد حمله هوائی قرار گرفتند شهر را تخلیه و به اطراف پناه بردند.

٤ غالب مغازه‌ها در تهران تعطیل شدند و مردم از لحاظ خوار و بار دچار مضیقه گردیدند.

٤ مذاکرات دولت ایران با نمایندگان شوروی و انگلیس به توافق نرسید و قوای دو کشور به سرعت به سوی پایتخت در حرکت شدند.

۵ جلسه فوق‌العاده هیئت دولت با حضور رضاشاه تشکیل شد. علی منصور نخست‌وزیر گزارشی از اقدامات دوروزهٔ خود به دولت داد. و استعفای خود را از نخست‌وزیری تقدیم نمود. در همان جلسه رضاشاه مجید آهی وزیر دادگستری را به ریاست دولت برگزید ولی آهی از قبول مسئولیت شانه خالی کرد و متذکر شد در این موقع بحرانی مرد باتجربه‌ای لازم است تا امور را در دست بگیرد و در شرایط موجود محمدعلی فروغی واجد شرایط می‌باشد.

۵ محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) که قریب شش سال مغضوب و دور از کارهای سیاسی بسر می‌برد به کاخ سعدآباد احضار و مقام ریاست دولت به او پیشنهاد شد. فروغی بدون هیچ قید و شرطی نخست‌وزیری را پذیرفت و اولین جلسه هیئت وزیران کابینه قبلی با حضور رضاشاه تشکیل شد و پس از مشورت با شورای عالی نظام چنین اتخاذ تصمیم شد که از هر گونه عملیات مقاومتی خودداری شود و دولت ایران ترک مخاصمه را به اطلاع شوروی و انگلستان برساند.

۵ رضاشاه در کادر وزیران تغییراتی داد. علی سهیلی وزیر کشور به وزارت امور خارجه منصوب شد و جواد عامری کفیل وزارت امور خارجه وزیر کشور شد.

۶ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر جدید در منزل خود با سفیر کبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس پیرامون ترک مخاصمه مذاکرات مفصلی به عمل آورد. در این مذاکرات علی سهیلی هم حضور داشت.

۶ بامداد امروز جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی تشکیل شد. فروغی نخست‌وزیر جدید ضمن ایراد نطق مختصری برنامه خود را ادامه اصلاحات گذشته و جدیّت در حفظ مناسبات حسنه با دوَل خارجی مخصوصاً همسایگان اعلام نمود و وزیران خود را به این شرح به مجلس معرفی نمود آقایان: مجید آهی وزیر دادگستری، علی سهیلی وزیر امور خارجه، جواد عامری وزیر کشور، سرلشکر احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ، صادق وثیقی کفیل وزارت بازرگانی، عباسقلی گلشائیان کفیل وزارت دارائی، مصطفی قلی‌رام رئیس اداره کل کشاورزی. تعیین وزیر پیشه و هنر به بعد موکول شد. دولت به اتفاق آراء رأی اعتماد گرفت.

۶ در جلسه امروز هیئت وزیران تصمیم دولت مبنی بر ترک مخاصمه تصویب گردید و قرار شد رسماً به دو سفارتخانه ابلاغ شود.

۷ بامداد امروز اسمیرنوف سفیرکبیر شوروی و سرریدرز بولارد وزیر مختار انگلیس در منزل فروغی حضور یافته مذاکرات سابق خود را پیرامون ترک مخاصمه ادامه دادند و شرایط سنگین خود را به اطلاع رئیس دولت رسانیدند.

۷ رضاشاه خانواده خود را به استثنای ولیعهد به اصفهان روانه ساخت. محمود جم وزیر دربار و سرپاس رکن‌الدین مختار رئیس شهربانی خانواده سلطنتی را همراهی کردند.

۸ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر اعلامیه‌ای خطاب به مردم انتشار داد و طی آن درخواست نمود که همه متانت و خونسردی خود را حفظ نمایند.

۸ از طرف دولت در تهران حکومت نظامی اعلام شد.

سپهبد احمد امیراحمدی تنها سپهبد ایران فرماندار نظامی شد و طی اعلامیه‌ای متذکر گردید عبور و مرور مردم در تهران از ساعت ۹ شب به بعد ممنوع است.

۸ در پادگان هوائی قلعه‌مرغی یک کودتای نافرجام علیه فرمانده نیروی هوائی به وقوع پیوست. کودتا کنندگان سرتیپ احمد خسروانی فرمانده نیروی هوائی و چند تن از فرماندهان را بازداشت نموده امور نیروی هوائی را در دست می‌گیرند. سرانجام با رسیدن قوای کمکی اعم از پیاده و توپخانه از لشکر یک مرکز و زد و خورد شدید، کودتاکنندگان با دو هواپیما فرار می‌کنند. درنتیجه شلیک هوائی مردم تهران دچار وحشت و اضطراب شدند.

۸ سرتیپ احمد خسروانی فرمانده نیروی هوائی ازکاربرکنار شد و سرلشکر کریم بوذرجمهری فرمانده لشکر اول با حفظ سمت سرپرستی نیروی هوائی را عهده‌دار شد.

۸ هواپیماهای شوروی در تهران و شهرستانها به وسیله هواپیما اعلامیه توزیع نمودند. در این اعلامیه‌ها که خطاب به کارگران و دهقانان بود وعده‌هائی برای زندگی بهتر داده شده بود.

۸ شورای عالی نظام دستور مرخصی سربازان وظیفه را تصویب نمود و به مرحله اجرا درآورد و در عوض تصمیم به استخدام سی هزار سرباز پیمانی با ماهی سی و پنج تومان حقوق گرفت.

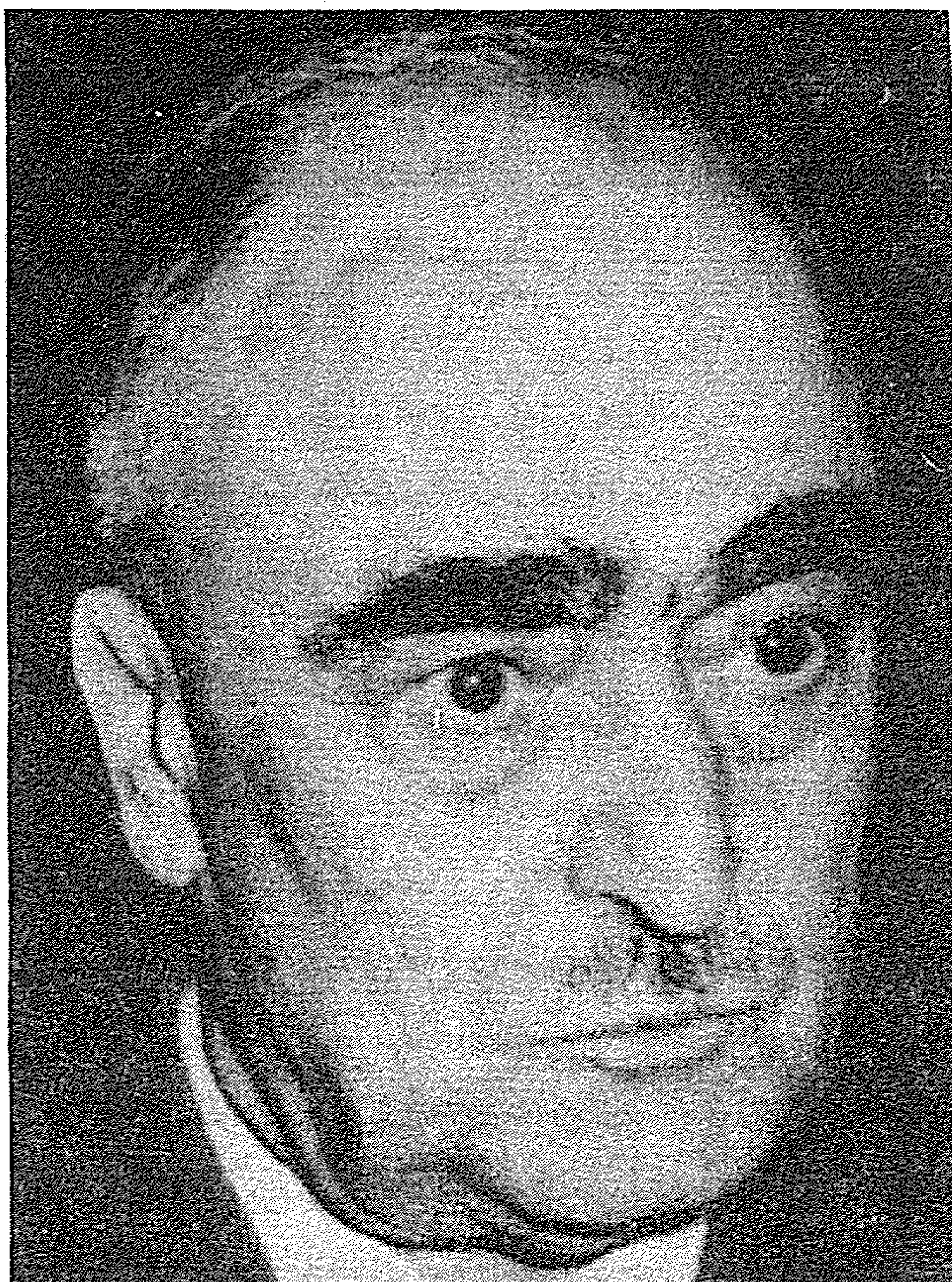
۸ در اثر تصمیم شورای عالی نظام و ابلاغ آن به واحدهای نظامی تمام پادگان‌های تهران و شهرها خالی از سرباز شد و سربازان در خیابانها گرسنه و تشنه به راه افتادند و به سوی دهات خود روان شدند. مقدار زیادی از اثاثیه پادگان‌ها توسط درجه‌داران غارت شد.

۸ سفیرکبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس طی دو نامه جداگانه شرایط ترک مخاصمه را به دولت ایران اعلام نمودند.

۸ شهر تهران از لحاظ آذوقه سخت در مضیقه قرار گرفت.

۸ در غیاب سرپاس مختار رئیس شهربانی، سرهنگ عبدالعلی اعتمادمقدم بنا به پیشنهاد سپهبد امیراحمدی سرپرست موقت شهربانی شد.

۹ رضاشاه کلیه امراء امضاءکنندگان طرح مرخصی سربازان



سپهبد امیر احمدی حاکم نظامی تهران

وظیفه و استخدام سرباز پیمانی را به کاخ سعدآباد احضار کرد و به آنها نسبت خیانت داد و سرلشکر احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ و سرتیپ علی ریاضی رئیس اداره مهندسی ارتش و سرپرست رکن دوم ستاد ارتش را مسبب چنین طرحی تشخیص داد و درنتیجه هردو نفر را به شدت مجروح و مضروب نمود و پس از خلع درجه آنها را زندانی نمود و دستور داد نامبردگان بابت این خیانت در دادگاه زمان جنگ محاکمه شوند. سایر امراء حاضر در جلسه نیز از شاه کتک خوردند.

۹ سرلشکر محمد نخجوان (امیر موثق) از طرف رضاشاه سرپرست وزارت جنگ شد. شاه دستور داد مقدمات محاکمه افسران را هرچه زودتر فراهم نموده تا محاکمه تحت ریاست شاه انجام پذیرد.

۸ شهرداری تهران برای رفع کمبود نان ورود و خروج آرد و روغن را به تهران آزاد اعلام کرد و نرخ رسمی نان و روغن را ملغی نمود.

۹ جلسه علنی مجلس شورای ملی تشکیل شد. نخست‌وزیر


سرلشگر عزیزالله ضرغامی رئیس ستاد ارتش

اعلام کرد هنوز مذاکرات با شوروی و انگلستان پایان نیافته است. فروغی در این جلسه از ترس و وحشت مردم اظهار تأسف نمود و از مردم خواست که به اراجیف و جعلیات توجه نکنند.

۹ رادیوهای لندن و دهلی حملات شدید خود را متوجه رضاشاه نمودند و از اعمال وی در دوران پادشاهی او سخن گفتند. از جمع‌آوری مال و ثروت او را سرزنش کردند.

۱۰ فرمانداری نظامی اعلام کرد دکاکین موظفند مفتوح شوند و به فروش اجناس و مایحتاج عمومی بپردازند اگر مغازه‌ای بدون دلیل تعطیل باشد صاحب آن تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت.

۱۰ جلسه هیئت وزیران در کاخ سعدآباد در حضور رضاشاه تشکیل شد و پاسخ یادداشت دولتین که تهیه و تنظیم شده بود قرائت و مورد بررسی قرار گرفت و توسط علی سهیلی وزیر امور خارجه تسلیم دو سفارتخانه گردید.

۱۰ به خبرنگاران خارجی اجازه داده شد برای کسب خبر وارد تهران شوند.

۱۰ رادیو برلن در پخش اخبار فارسی خود تلفات بمباران چندروزه ایران‌راصدها زن و بچه خواند و اعلام نمود رضاشاه پایتخت را ترک و به اصفهان عزیمت نموده است. روزنامه‌های اطلاعات و ایران، مطالب رادیوی برلن را تکذیب نمودند.

۱۷ عشایر فارس علیه حکومت مرکزی قیام نموده امنیت منطقه را به خطر انداختند. برحسب امر دولت در استان فارس حکومت نظامی اعلام شد. سرتیپ محمدحسین عمیدی فرمانده لشکر به استانداری نظامی برقرار گردید. مهدی فرخ استاندار به تهران احضار شد.

۱۸ جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی تشکیل گردید. علی سهیلی وزیر امور خارجه گزارش مشروحی از مذاکرات دولت ایران با نمایندگان دولتین شوروی و انگلیس به اطلاع مجلس رسانید و کلیه مکاتبات فی‌مابین را قرائت نمود. فروغی ضمن نطق کوتاهی برای اقدامات دولت تقاضای رأی اعتماد نمود. اکثریت رأی اعتماد داد.

۱۹ روزنامه اطلاعات در اثر اصرار و پافشاری وزیر مختار انگلیس توقیف شد.

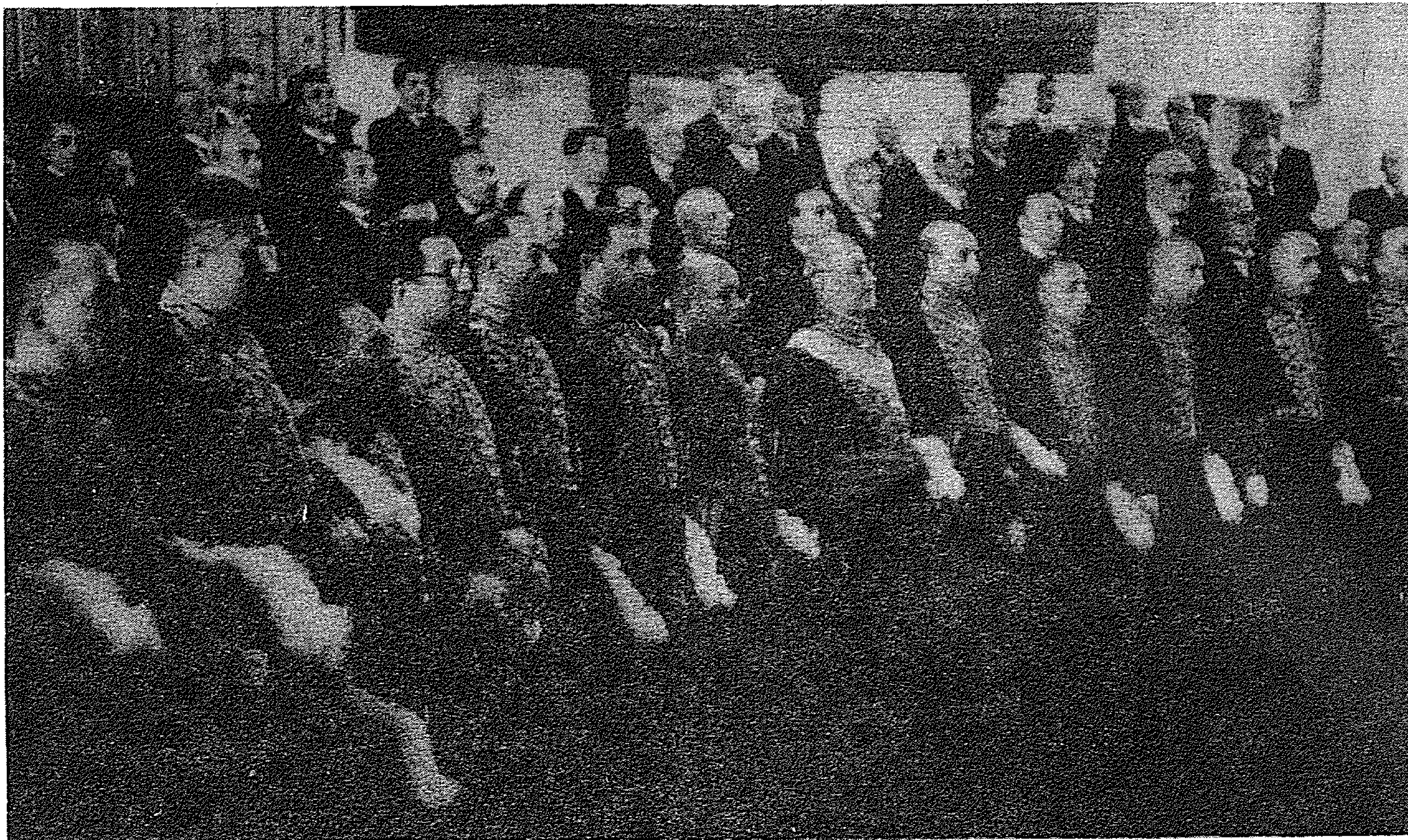
۲۳ در جلسه علنی مجلس شورای ملی نخست‌وزیر عباسقلی گلشائیان را به سمت وزیر دارائی و سرلشکر محمد نخجوان را به سمت کفیل وزارت جنگ معرفی نمود.

۲۳ شکرالله صفوی نماینده مجلس در مورد جواهرات سلطنتی و پشتوانه اسکناس، وزیر دارائی را استیضاح کرد.

۲۵ بامداد امروز رضاشاه پهلوی از سلطنت کناره‌گیری کرد و عازم اصفهان شد تا به خانواده خود بپیوندد.

۲۵ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر و علی سهیلی وزیر امور خارجه در سفارت شوروی در زرگنده حضور یافته سفیران دو دولت را از استعفای شاه مطلع نمودند.

۲۵ جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی ساعت ۱۱ صبح تشکیل گردید. فروغی استعفا و کناره‌گیری رضاشاه و برقراری محمدرضا پهلوی را به تخت سلطنت اعلام کرد. در این جلسه سیدیعقوب انوار و علی دشتی نمایندگان مجلس علیه رضاشاه سخن گفتند مخصوصاً برای بازرسی جواهرات سلطنتی تکالیفی برای دولت تعیین کردند.



محمدعلی فروغی نخست‌وزیر و هیئت دولت در مجلس شورای ملی بهنگام مراسم تحلیف شاه جدید

۲۶ جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی جهت اجرای سوگند شاه جدید تشکیل یافت. شاه در نطق خود وعده داد شاه قانونی خواهد بود و اصول قانون اساسی را رعایت خواهد کرد و افزود اگر در گذشته اجحافی شده باشد برطرف و جبران خواهد شد.

۲۶ امروز در زندان قصر شورش شد و عده‌ای از زندانیان با باز کردن درهای زندان قصد خروج داشتند که توسط یک گروهان از واحد حکومت نظامی به مسلسل بسته شدند و ده‌ها نفر مقتول و مجروح شدند.

۲۶ سرپاس رکن‌الدین مختار رئیس شهربانی از کار معزول شد.

۲۶ پاسیار (سرهنگ) رادسر به کفالت شهربانی کل کشور منصوب شد.

۲۶ سرلشگر احمد نخجوان و سرتیپ علی ریاضی که توسط رضاشاه مضروب و زندانی و خلع درجه شده بودند از زندان آزاد و از آنها اعاده حیثیت شد.

۲۶ قوای نظامی شوروی و انگلستان وارد تهران شدند.

۲۶ طبق عرف پارلمانی محمدعلی فروغی از نخست‌وزیری استعفاء داد و مجلس مجدداً به او ابراز تمایل نمود و فرمان صادر گردید.

۲۶ فرمان عفو عمومی زندانیان سیاسی و غیرسیاسی صادر شد.

۲۶ کلیه اتباع آلمان و ایتالیا ایران را ترک کردند.

۲۸ رضاشاه در اصفهان کلیه اموال خود را اعم از منقول و غیرمنقول و نقدینه به محمدرضا پهلوی در مقابل یک سیر نبات هبه کرد. دکتر سجادی وزیر راه و قوام‌الملک شیرازی مأمور اجرای این برنامه بودند. موجودی نقدی رضاشاه در حسابهای بانکی ششصد و هشتاد میلیون ریال و تعداد املاک او متجاوز از ۵۲۰۰ رقبه بود.[۱]

۳۰ رضاشاه و خانواده وی از اصفهان به سوی یزد و کرمان و بندرعباس عزیمت نمودند.

۳۰ دو وزارت خانه جدید بنام «وزارت بهداری» و «وزارت کشاورزی» تشکیل شد و لایحه آن تسلیم مجلس گردید.

۳۰ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر کابینه خود را به این شرح تعیین و به مجلس معرفی کرد:

۱ ــ به بخش ضمائم و تعلیقات مراجعه شود

علی اصغر حکمت وزیر پیشه و هنر ــ علی سهیلی وزیر امورخارجه ــ مجید آهی وزیر دادگستری ــ اسمعیل مرآت وزیر بهداری ــ دکتر محمد سجادی وزیر راه ــ سرلشگر احمد نخجوان وزیر جنگ ــ امان‌الله جهانبانی وزیر کشور ــ علی اکبر حکیمی وزیر کشاورزی ــ دکتر مشرف نفیسی وزیر دارائی ــ عباسقلی گلشائیان وزیر بازرگانی و اقتصاد ــ حمید سیاح وزیر پست و تلگراف ــ دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ.

۳۰ ازطرف مجلس شورای ملی هیئتی از نمایندگان برای رسیدگی و معاینه جواهرات سلطنتی تعیین شدند.

۳۱ دولت ایران مأمورین سیاسی خود را از برلن، رم، بخارست احضار کرد.

مهر ماه

۱ مجلس شورای ملی پیرامون برنامه دولت به بحث و مذاکره پرداخت. اکثر نمایندگان از اوضاع گذشته ایران که خود دخیل در آن بودند گله گزاری کردند.

۲ علی اصغر فروزان شهردار تهران از خدمت معاف شد و به جای وی مصطفی قلی رام شهردار گردید.

۲ اداره کل امنیه مملکتی که در سال ۱۳۱۸ منحل و تشکیلات آن ضمیمه واحدهای ارتشی شده بود مجدداً تأسیس گردید و سرتیپ فضل‌الله زاهدی در رأس این سازمان قرار گرفت.

۳ مأمورین سانسور نامه‌ها در ادارات پست و صندوقهای پستی برداشته شدند.

۳ گرفتن پروانه مسافرت از اداره کل شهربانی ملغی گردید و مردم از این تاریخ میتوانند به هر شهری که مایل باشند مسافرت نمایند.

۳ آقای تقی طائر بجای دکتر عیسی صدیق به ریاست اداره کل تبلیغات و انتشارات تعیین گردید.

٤ رؤسای املاک اختصاصی و کارخانجات اختصاصی به تهران احضار شدند.

٤ ازطرف دولت حاج سیدنصرالله تقوی رئیس دیوانعالی کشور، نصرالملک هدایت رئیس دیوان محاسبات، حسین



سید باقر کاظمی (مهذّب الدوله)



علی اصغر حکمت وزیر بهداری

علاء، ابراهیم حکیمی برای رسیدگی به جواهرات سلطنتی تعیین شدند که به اتفاق نمایندگان منتخب مجلس وظایف خود را انجام دهند.

٤ سیدحسن تقی زاده به سمت وزیر مختار ایران در لندن تعیین گردید.

۵ بامداد امروز شاه سابق ایران به اتفاق خانواده خود به کشتی بندرا در آبهای بندرعباس سوار شدند و کشتی به سوی نقطهٔ نامعلومی حرکت کرد.

۵ علی وکیلی نماینده مجلس که از وی در سال قبل سلب مصونیت شده و پس از محاکمه محکوم به دو سال زندان شده بود در تجدیدنظر تبرئه و به مجلس بازگشت.

۵ هیئتی ازطرف دولت تعیین گردید تا کلیه اموال شاه سابق را اعم از منقول و غیرمنقول تحویل بگیرند.

٦ ژنرال ویول فرمانده قوای انگلستان در هند وارد تهران شد.

٦ محمدعلی فرزین مدیرکل بانک ملی ایران به سمت وزیر دربار تعیین گردید.

٦ پاسیار رادسر کفیل شهربانی مقام ریاست گرفت.

۷ حسین علاء به ریاست بانک ملی ایران منصوب شد.

۷ هیئت مؤسس حزب توده ایران در منزل سلیمان محسن اسکندری تشکیل شد و اعضاء کمیته مرکزی موقت را به این شرح تعیین نمود. سلیمان میرزا اسکندری، عباس اسکندری، شیخ محمد یزدی، ایرج اسکندری، رضا روستا، دکتر مرتضی یزدی، دکتر رضا رادمنش، عبدالحسین نوشین، دکتر محمد بهرامی، بزرگ علوی، علی امیرخیزی.

۹ سرلشگر مرتضی یزدان‌پناه به ریاست ستاد ارتش برگزیده شد و سرلشگر ضرغامی رئیس سابق ستاد فرمانده دانشکده افسری گردید.

۹ تعلیمات نظامی در دانشکده‌ها و دبیرستانها موقوف گردید همچنین پیش‌آهنگی هم اختیاری شد.

۹ به پیشنهاد وزارت دارائی و تصویبنامه هیئت وزیران نرخ لیره به ۱٤۰ ریال و نرخ دلار به ۳۵ ریال افزایش یافت.

۱۰ مقام و درجه سرلشگری که در سال ۱۳۱۷ از امان‌الله جهانبانی گرفته شده بود مجدداً به وی تفویض گردید.

۱۳ سرلشگر محمد شاه‌بختی فرمانده لشگر خوزستان به درجه سپهبدی ارتقاء و فرماندهی سپاه غرب به او داده شد.



سرلشگر امان‌الله جهانبانی وزیر کشور و راه



عباسقلی گلشائیان وزیر پیشه و هنر و بازرگانی

۱۳ پاسیار رادسر رئیس شهربانی درجه سرپاسی (سرتیپی) گرفت.

۱۳ سرتیپ رزم‌آراء مدیر دروس دانشگاه جنگ فرمانده لشگر اول شد.

۱۳ سرتیپ علی ریاضی به معاونت ستاد ارتش برگزیده گردید.

۱۴ اسدالله شمس ملک آراء (شهاب‌الدوله) به استانداری فارس و مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) به استانداری کرمان انتخاب شدند.

۱۵ سرتیپ فرج‌الله آق‌اولی به ریاست اداره نظام وظیفه و مهندس غلامعلی فریور به ریاست اداره برق تهران منصوب شدند.

۱۵ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر دربرابر رادیو نطقی ایراد کرد و مردم را موظف به اجرای قوانین و تکالیف اجتماعی نمود.

۱۶ دکتر حسن مشرف نفیسی وزیر دارائی لایحه افزایش حقوق مستخدمین کشوری و لشگری را تسلیم مجلس نمود.

۱۶ دولت لایحه الغای قانون مربوط به ریاست عالیه کل قوای دفاعیه را تسلیم مجلس کرد.

۱۶ دولت لایحه جدیدی را برای تخفیف اعطائی و عفو و استخلاص محکومین سیاسی به مجلس داد.

۲۰ مصباح فاطمی به استانداری خوزستان تعیین گردید.

۲۴ هیئت وزیران تصویبنامه‌ای در مورد الغاء انحصارات صادر کرد. از این تاریخ چای، قندوشکر، قماش ولاستیک لوازم یدکی اتومبیل با پرداخت عوارض بازرگانی و گمرکی قابل ورود خواهند بود.

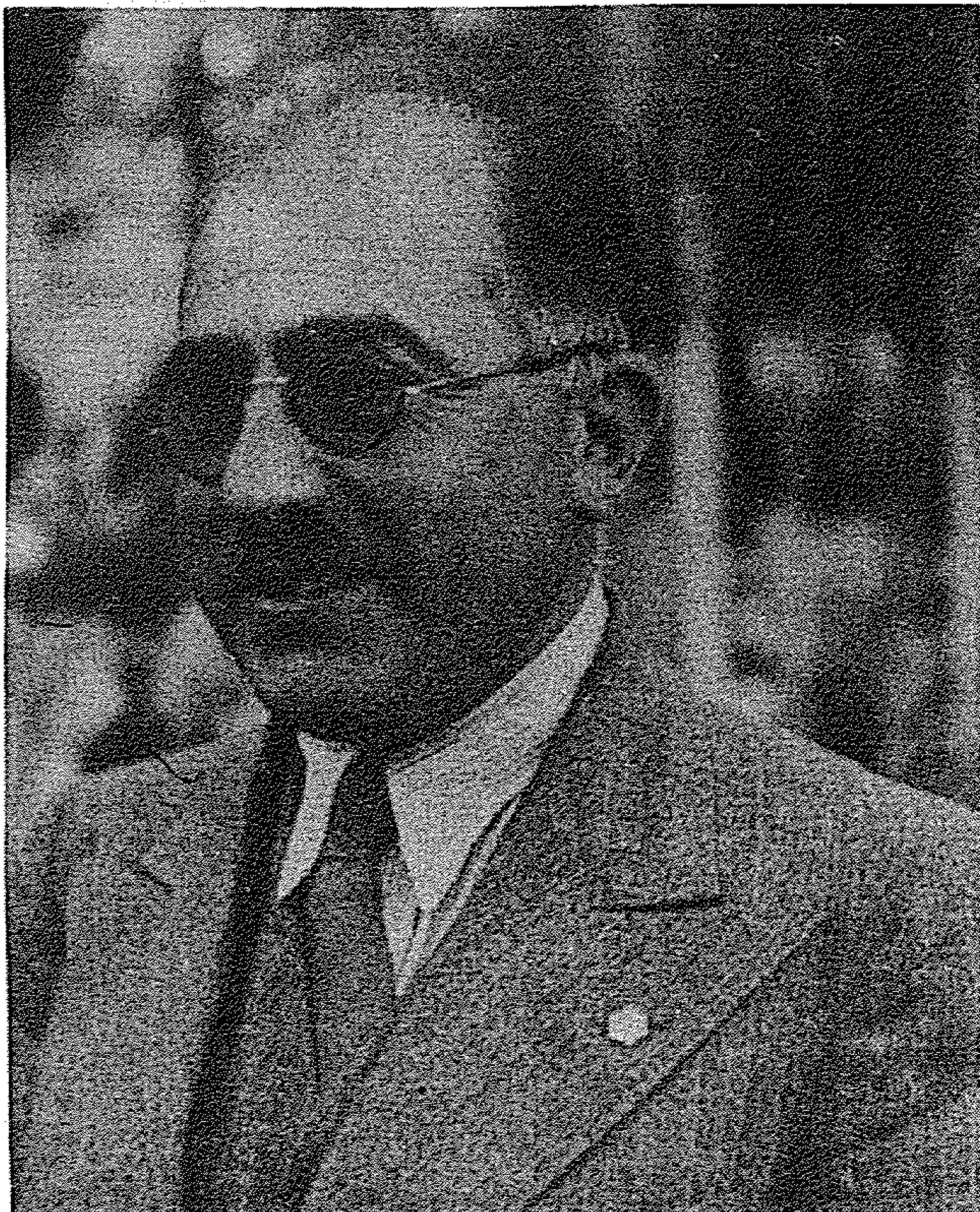
۲۴ محمود جم وزیر سابق دربار و نخست‌وزیر اسبق به سفارت کبرای ایران در مصر مأمور گشت.

۲۴ قانون عفو و بخشودگی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۲۴ سرتیپ محمدصادق کوپال به استانداری استان چهارم منصوب شد.

۲۷ دکتر علی امینی به معاونت وزارت دارائی انتخاب شد.

۲۷ جواد عامری وزیر سابق امور خارجه و کشور به ریاست شرکت سهامی بیمه منصوب گردید.



دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم)



سپهبد محمد شاه‌بختی فرمانده سپاه جنوب

۲۷ رضاشاه پادشاه سابق ایران که روزچهارم مهر با کشتی پستی بندرا به سوی نامعلومی حرکت کرده بود در جزیره موریس واقع در اقیانوس هند که جزء مستملکات انگلستان است وارد شد و مکلف گردید در همانجا سکونت نماید.

۲۷ در جلسه امروز مجلس شورای ملی شیخ الاسلام ملایری طی نطق قبل از دستور از شهادت سیدحسن مدرس سخن گفت و تقاضا نمود عاملین این قتل فجیع محاکمه و مجازات شوند.

آبان ماه

۱ قوای آلمان به ۳۷ میلی شمال مسکو رسید.

۶ در ارتش تصفیه دامنه‌داری صورت گرفت و غالب امراء دوره رضاشاه بازنشسته شدند. امراء بازنشسته به این شرح می باشند: سرلشگر کریم بوذرجمهری، سرلشگر علی نقدی (سردار رفعت) سرلشگر عزیزالله ضرغامی، سرلشگر خدایار خدایاری، سرلشگر اسمعیل امیرفضلی، سرلشگر حسین خزاعی، سرتیپ جعفرقلی بیگلر پور، سرتیپ غلامعلی زند، سرتیپ عباس البرز، سرتیپ حسن مالک، سرتیپ علیشاه رحیمی، سرتیپ ابوالقاسم گرانمایه، سرتیپ عبدالحسین غفاری، سرتیپ رضاقلی امیرخسروی، سرتیپ دکتر اعلم، سرتیپ دکتر ذوالفقاری سرتیپ حسینقلی سطوتی، سرتیپ پوریا، سرلشگر دکتر هادی آتابای داماد رضاشاه به وزارت بهداری انتقال یافت همچنین عده زیادی از افسران ارشد وجزء بازنشسته شدند.

۶ لایحه قانونی برای استرداد املاک مغصوبه ازطرف شاه سابق به مجلس داده شد.

۷ قانون افزایش حقوق کارمندان دولت اعم از لشگری و کشوری به تصویب مجلس شورای ملی رسید و از اول آبان ماه این افزایش قابل پرداخت می باشد. افزایش حقوق کارکنان دولت به این نحو است تا یکهزار ریال حقوق صددرصد از یکهزار و یک ریال تا دو هزار ریال نسبت به مازاد پنجاه درصد از دو هزار و یک ریال به بالا نسبت به مازاد ۲۵ درصد.

۷ سرتیپ عبدالله هدایت فرمانده دانشکده افسری شد.

۸ مجلس دوازدهم پایان یافت.

۸ بدستور دکتر جلال عبده دادستان دیوان کیفر سر پاس مختار رئیس سابق شهربانی در کرمانشاه توقیف و به تهران اعزام شد همچنین پاسیار راسخ رئیس سابق زندان بازداشت شد.

۱۶ عده زیادی از اشرار و راهزنان فارس که امنیت را در آن منطقه به مخاطره انداخته بودند پس از دستگیری تسلیم دادگاه نظامی شدند امروز ۱۶ تن از اشرار اعدام گردیدند.

۱۶ نخست‌وزیر طی مصاحبه‌ای با مدیران جرائد اعلام کرد با دولتین شوروی و انگلیس که کشور ما را اشغال نموده‌اند پیمان سه جانبه‌ای تنظیم خواهد شد به موجب این پیمان برای طرفین تعهدات تازه‌ای ایجاد خواهد گردید.

۱۶ دولت سیستم جیره‌بندی را در تمام کشور به مرحله اجرا درآورد و در اختیار مردم کوپن قرار داد این کوپن ها شامل نان، قندوشکر، چای و سایر خواروبار خواهد بود.

۱۸ پاسیار نیرومند رئیس زندان شهربانی از شغل خود منفصل و تحت تعقیب کیفری قرار گرفت.

۲۱ اسمعیل مرآت وزیر بهداری از سمت خود کناره گیری کرد.

۲۱ منصورالسلطنه عدل وزیر مختار ایران در ایتالیا به مناسبت قطع رابطه ایران و ایتالیا به تهران آمد.

۲۲ آئین گشایش مجلس سیزدهم با تشریفات خاص به عمل آمد. در همین جلسه اسفندیاری به ریاست موقت، سهام السلطان بیات و مؤید احمدی نایب رئیس شدند.[1]

۱ ــ انتخابات دوره سیزدهم مجلس شورای ملی در آخرین روزهای سلطنت رضاشاه انجام گرفت و اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان همان وکلای دوره قبل بودند که با روش خاص دوران گذشته انتخاب شده بودند. دوره سیزدهم در ۲۲ آبان ماه ۱۳۲۰ افتتاح و شروع به کار کرد ولی نمایندگان آرام و مطیع مجلس در این زمان که دیکتاتوری تبدیل به دموکراسی شده بود آنچنان لجام گسیختگی و دخالت در قوه مجریه از خود بروز دادند که در تاریخ پارلمانی دنیا کمتر سابقه داشت. در دوره سیزدهم نمایندگان، فروغی، سهیلی، قوام السلطنه و مجدداً سهیلی را به روی کار آوردند. جالب اینست که نمایندگان دوره سیزدهم که از هرگونه آزادی برخوردار بودند باز حاج محتشم السلطنه اسفندیاری هفتاد و هفت ساله را به ریاست مجلس برگزیدند. عمر مجلس سیزدهم در اول آذر ۱۳۲۲ پایان پذیرفت و آخرین تصمیم مجلس برقراری ماهیانه ده هزار ریال حقوق برای حاج محتشم السلطنه اسفندیاری بود.

آذرماه

۲ منصورالسلطنه عدل به جای علی اکبر دهخدا به ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد منصوب شد. دهخدا مقام مشاوری وزیر فرهنگ گرفت دکتر سیدعلی شایگان نیز از معاونت دانشکده مزبور تغییر کرد و جای خود را به دکتر عبدالله معظمی سپرد.

۲ حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) به ریاست دائمی دوره سیزدهم انتخاب شد.

۳ سرتیپ عبدالرضا افخمی به سمت استانداری استان پنجم (همدان ـــ کرمان ـــ سنندج) منصوب شد.

٤ محمدتقی اسعد (امیر جنگ) که از سال ۱۳۱۲ در زندان شهربانی به سر می برد و اخیراً در اجرای عفو عمومی از زندان آزاد گردیده بود به ریاست اسکان عشایر انتخاب شد.

۸ مجلس سیزدهم آماده کار شد و طبق عرف پارلمانی محمدعلی فروغی نخست‌وزیر و وزیران استعفا کردند. در مجلس سیزدهم فراکسیونهای مستقل، اتفاق، میهن و اتحاد شکل گرفته اند.

۹ فراکسیونهای مجلس امروز در اجتماعی جنجالی تمایل خود را به نخست‌وزیری مجدد محمدعلی فروغی اعلام داشتند. اسفندیاری نظر مجلس را به شاه ابلاغ نمود.

۱۰ فرمان نخست‌وزیری برای محمدعلی فروغی صادر شد.

۱۱ محمدعلی فروغی امروز در مجلس ساعت‌ها با نمایندگان پیرامون وزیران کابینه به شور و گفتگو پرداخت و سرانجام به توافق رسیدند.

۱۳ فروغی نخست‌وزیر وزیران خود را به این شرح به مجلس شورای ملی معرفی کرد: سید محمد تدین وزیر فرهنگ ـــ باقر کاظمی وزیر بهداری ـــ مجید آهی وزیر دادگستری ـــ علی سهیلی وزیر امورخارجه ـــ سپهبد امیر احمدی وزیر کشور ـــ عباسقلی گلشائیان وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ـــ سرلشگر احمد نخجوان وزیر جنگ ـــ سرلشگر امان‌الله جهانبانی وزیر راه ـــ علی اکبر حکیمی وزیر کشاورزی ـــ حمید سیاح وزیر پست و تلگراف.

فروغی در این جلسه از دادن پروگرام خودداری و برنامه سابق خود را ساری و جاری دانست لیکن وکیلان به مخالفت



علی اکبر دهخدا رئیس دانشکده حقوق

برخاستند و مطالبه برنامه نمودند.

۱٤ حکیم دانشمند، فیلسوف عالیقدر، فقیه بزرگوار حضرت علامه میرزاطاهر تنکابنی در تهران به رحمت ایزدی پیوست.

۱۶ در جلسه امروز مجلس شورای ملی نخست‌وزیر برنامه دولت را تقدیم و پیرامون آن به بحث پرداخت.

۱۶ جنگ بین ژاپن از یک طرف و آمریکا و انگلیس ازطرف دیگر آغاز شد. هواپیماهای جنگی ژاپن دفعتاً جزایر هونولولو، سنگاپور، هاوایی و بندر مانیل را بمباران کردند همچنین هواپیماهای ژاپن کشتی های جنگی و تجاری آمریکا را در اقیانوس کبیر مورد حمله قرار دادند. در اقیانوس کبیر بین کشتی های جنگی ژاپن و نیروی دریایی آمریکا و انگلیس جنگ شدیدی آغاز شد.

۲۳ مجلس شورای ملی پس از چند جلسه بحث پیرامون برنامه دولت از ۱۰۲ نفر نمایندگان حاضر ۷۷ نفر رأی اعتماد دادند.

۲۵ به دنبال دادخواهی زین العابدین رهنما وزارت فرهنگ امتیاز روزنامه ایران را مجدداً به نامبرده واگذار کرد در عوض

امتیاز مهر ایران هم به مجید موقر تعلق گرفت.

۲۸ سرتیپ آق‌اولی به ریاست اداره کل امنیه و سرتیپ خسروپناه به ریاست اداره نظام وظیفه منصوب شدند.

۲۸ سرتیپ غلامعلی قدر به سمت فرمانداری نظامی تهران منصوب گردید.

۲۸ سرتیپ فضل‌الله زاهدی به فرماندهی لشگر اصفهان منصوب شد.

۳۰ دولت پیمان اتحاد بین دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان را طی ماده واحده به مجلس شورای ملی تسلیم نمود.

دی ماه

۱۵ علی منصور نخست‌وزیر سابق به استانداری خراسان منصوب شد.

۲۲ محمدعلی فرزین وزیر دربار در سن ۶۳ سالگی در تهران درگذشت.

۲۳ نیابت تولیت آستانقدس رضوی به علی منصور استاندار خراسان واگذار گردید.

۲۴ فضل‌الله بهرامی سرهنگ سابق شهربانی در سمت شهرداری تهران قرار گرفت.

۲۵ لایحه ادغام وزارت بازرگانی و وزارت پیشه و هنر در مجلس تصویب شد.

۳۰ سلمان اسدی نماینده پیشین مجلس شورای ملی که چندی در زندان و تبعید بسر می برد به ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات منصوب گردید.

بهمن ماه

۵ هنگامیکه محمدعلی فروغی نخست‌وزیر در مجلس پیرامون پیمان اتحاد سه‌جانبه سخن می‌گفت یکی از تماشاچیان به نام محمدعلی روشن از جایگاه مخصوص به سرعت خود را به نخست‌وزیر رسانیده او را مورد ضرب و شتم قرار داد و سرانجام نمایندگان نخست‌وزیر را از چنگ او خلاص کردند و جلسه مجلس تعطیل شد. پس از تشکیل مجدد جلسه فروغی به دفاع از پیمان پرداخت و واقعه کتک خوردن خود را به جمله معترضه تعبیر نمود.

۶ پیمان اتحاد دولت ایران با دولتین اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان پس از چندین جلسه بحث و گفتگو سرانجام با ۸۰ رأی موافق از ۹۳ نفر نمایندگان حاضر در جلسه تصویب شد. دفاع از پیمان برعهده نخست‌وزیر، تدین، سهیلی، آهی قرار داشت.[۱]

۹ پیمان اتحاد بین سه کشور امروز در وزارت امورخارجه به امضاء رسید. ازطرف دولت ایران علی سهیلی وزیر امورخارجه و ازطرف دولت شوروی اسمیرنوف سفیرکبیر و ازطرف انگلستان ریدرزبولارد وزیرمختار پیمان‌نامه را امضاء کردند.

۱۱ نخستین شماره روزنامه مردم به سردبیری عباس نراقی و هیئت تحریریه مرکب از مصطفی فاتح، ایرج اسکندری، بزرگ علوی و انور خامه‌ای منتشر گردید.

۱۸ سرلشگر محمود امین فرمانده لشگر کردستان به هنگام جنگ با اشرار و راهزنان در سقز به قتل رسید.

۲۶ ژاپونی ها بندر سنگاپور را تصرف کردند.

۲۸ احمد (قوام‌السلطنه) طی نامه‌ای که در جراید انتشار داد داوطلب بودن خود را برای نخست‌وزیری تکذیب کرد و اضافه کرد که حال مزاجی وی مستعد برای قبول هر نوع مسئولیتی در کشور نیست.

اسفند ماه

۳ روزنامه سیاست به صاحب امتیازی و مدیریت عباس اسکندری در تهران انتشار یافت. سیاست ارگان حزب توده ایران می باشد.

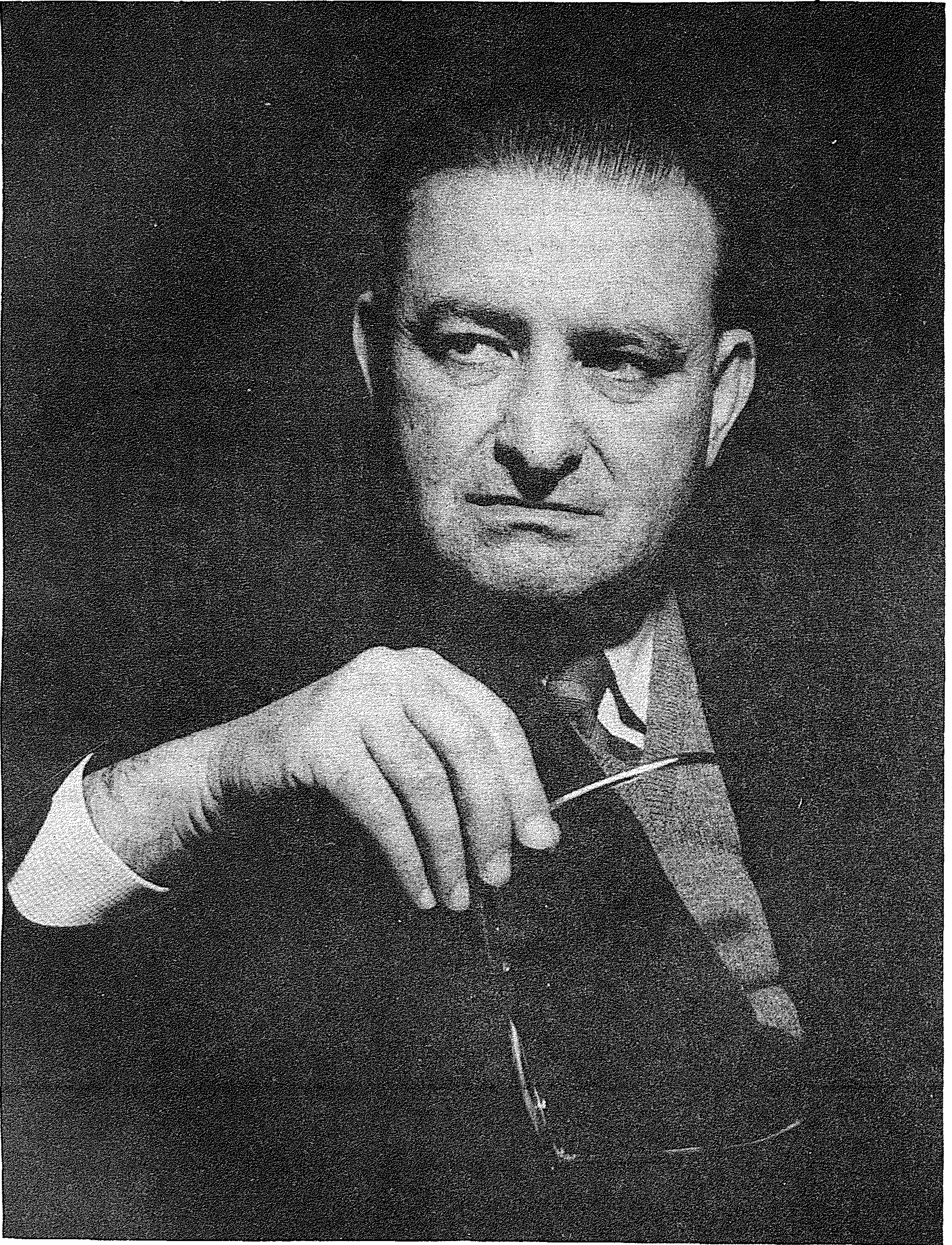
۳ سرتیپ مصطفی آسا فرماندار نظامی تهران شد سرتیپ قدر فرماندار نظامی سابق به کردستان رفت.

۶ علی اکبر حکیمی وزیر کشاورزی از سمت خویش کناره گیری کرد.

۶ روابط سیاسی ایران و فرانسه قطع گردید و حفظ منافع اتباع فرانسه در ایران به سفارت سویس واگذار شد.

۷ هیئت وزیران به صورت دستجمعی استعفای خود را به نخست‌وزیر دادند.

۱۱ محمدعلی فروغی کابینه را ترمیم و وزیران را به این شرح به مجلس معرفی کرد: حسنعلی کمال هدایت (نصرالملک)



فروغی پس از کناره‌گیری از ریاست دولت به وکلاء طرفدار خود توصیه کرد برای جانشینی اوعلی سهیلی را انتخاب نمایند.

وزیر پست و تلگراف ــ باقر کاظمی (مهذب الدوله) وزیر کشور ــ مجید آهی وزیر کشاورزی، اقتصاد و خواروبار ــ علی اصغر حکمت وزیر بهداری ــ علی سهیلی وزیر امورخارجه ــ عباسقلی گلشائیان وزیر دادگستری ــ سرلشکر امان‌الله جهانبانی وزیرراه ــ مصطفی عدل (منصورالسلطنه) وزیر فرهنگ ــ یدالله عضدی وزیر دارائی ــ عبدالحسین هژیر وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ــ وزیر جنگ محمدعلی فروغی

در این جلسه به کابینه رأی اعتماد گرفته شد از ۱۱۲ نفر عده حاضر ۶۶ نفر به دولت و وزیران رأی اعتماد دادند.

۱۱ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر چون رأی اعتماد مجلس را کافی برای ادامه زمامداری خود ندانست از نخست‌وزیری استعفاء داد.

۱۲ در جلسه خصوصی مجلس برای نخست‌وزیر آینده اخذ رأی به عمل آمد. آقایان کاندیداها به این شرح بودند: محمدعلی فروغی ۴۷ رأی ــ احمد قوام ۳۹ رأی ــ سیدمحمد تدین ۵ رأی ــ علی سهیلی ٤ رأی ــ مؤتمن الملک پیرنیا ۱ رأی ــ باقر کاظمی یک رأی.

۱٤ برای جلوگیری از بحران و تشکیل دولت نمایندگان قطعنامه‌ای به منظور پشتیبانی از دولت فروغی تنظیم و ۷۱ نماینده آنرا امضاء کردند.

۱۵ عده‌ای از نمایندگان مجلس در منزل فروغی حضور یافته و با وی برای ادامه زمامداری مذاکره کردند ولی فروغی همچنان از قبول مسئولیت استنکاف ورزید.

۱۵ فروغی از تهران خارج و خود را در محلی مخفی نمود.

۱۶ اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان تمایل خود را نسبت به زمامداری علی سهیلی ابراز کردند.

۱۸ علی سهیلی نخست‌وزیر کابینه خود را به این شرح معرفی نمود: علی سهیلی نخست‌وزیر و وزیر کشور ــ مجید آهی وزیر دادگستری ــ علی اصغر حکمت وزیر بهداری ــ محمود بدر وزیر دارائی ــ سرلشکر جهانبانی وزیر جنگ ــ مصطفی عدل وزیر فرهنگ ــ یدالله عضدی وزیر راه ــ عبدالحسین هژیر وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ــ احمد حسین عدل وزیر کشاورزی ــ فضل‌الله بهرامی وزیر پست و تلگراف ــ وزیر امور خارجه بعداً معرفی خواهد شد.

۱۹ محمدعلی فروغی به سمت وزیر دربار تعیین شد.

۱۹ دکتر محمد سجادی به شهرداری تهران انتخاب گردید.

۲۱ در جلسه امروز مجلس برنامه دولت با ۱۰۱ رأی موافق از ۱۰٤ نفر حاضر تصویب شد.

۲۲ سرتیپ ریاضی معاون وزارت جنگ ــ سرتیپ هدایت معاون ستاد ارتش ــ سرتیپ شهاب فرمانده دانشکده افسری شدند.

۲۶ ژنرال مک‌آرتور فرمانده کل نیروهای آمریکا در خاوردور گردید.

۲۷ قانون منع احتکار به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

سال ۱۳۲۱ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۴۲ تا ۲۲ مارس ۱۹۴۳ میلادی

فروردین ماه

۱ محمدرضا پهلوی نخستین قانون اساسی ایران را که به توشیح مظفرالدینشاه قاجار رسیده بود به آقای محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس داد تا در کتابخانه مجلس شورای ملی حفاظت شود این قانون در اختیار صنیع الدوله اولین رئیس مجلس شورای ملی بوده است که توسط مصطفی قلی هدایت (فهیم الدوله) به شاه جدید ایران تسلیم شده بود.

۱۰ سرتیپ عبدالرضا افخمی فرماندار نظامی تهران شد.

۱۰ برای توزیع کوپن های قندوشکر و ارزاق عمومی امروز مردم تهران حق خروج از خانه های خود را نداشتند سه هزار مأمور دولت کار توزیع را انجام دادند.

۱۰ به مناسبت کمبود موادغذایی اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی دستور داد در باغ بهارستان سیب زمینی و حبوبات کاشته شود.

۱۱ دولت لایحه انتشار هفتصد میلیون ریال اسکناس جدید را به مجلس برد. ظاهراً قسمتی از این پول در اختیار قوای خارجی برای تأمین احتیاجات ضروری قرار خواهد گرفت.

۱۲ خطوط اتوبوس رانی شهر تهران اعتصاب کرده دست از کار کشیدند. علت اعتصاب کمی نرخ کرایه می باشد کرایه شهر برای هر نفر دهشاهی است.

۱۲ سازمان تبلیغات و انتشارات از وزارت فرهنگ منتزع و ضمیمهٔ نخست وزیری شد و ابوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن به ریاست آن انتخاب گردید.

۱۴ نان تهران به علت بدی و آلودگی قابل خوردن تشخیص داده نشد.

۱۵ عده زیادی از مردم لهستان که در خاک شوروی اقامت داشتند وارد ایران شدند. برای محل سکونت آنها بیرون دروازه دوشان تپه و بیمارستان ناتمام هزار تختخوابی در نظر گرفته شد.

۱۷ هاشم عربشاهی رئیس سابق آگاهی که مورد تعقیب دادستان دیوان کیفر می باشد در زندان شهربانی در سن ۷۳ سالگی درگذشت. وی متهم به شکنجه و آزار برای گرفتن اقرار به زندانیان بوده است.

۲۰ ایران با دولت ژاپن قطع رابطه کرد. نجم وزیر مختار ایران از توکیو احضار شد. به وزیرمختار ژاپن در تهران اخطار گردید با اعضاء سفارت ایران را ترک نمایند.

۲۰ سرتیپ محمدحسین فیروز به فرماندهی نیروی جنوب در فارس برگزیده شد.

۲۰ سیدمحمد تدین به ریاست دانشکده ادبیات و دکتر عیسی صدیق به ریاست دانشکده علوم منصوب شدند.

۲۰ احمدی پزشک مجاز بهداری شهربانی که متهم به قتل چند نفر از رجال توسط آمپول هوا بوده است در عراق دستگیر و تحویل ایران گردید.

اردیبهشت ماه

۱۰ طبق تصمیم هیئت وزیران صدور حبوبات، غلات، گوشت از کشور ممنوع شد.

۱۰ بازپرس دیوان کیفر قرار بازداشت فتح‌الله پاکروان استاندار سابق خراسان و نایب‌التولیه آستانقدس رضوی را صادر کرد. در زمان استانداری وی قیام گوهرشاد پیش آمد و عده زیادی کشته شدند. مدرس نیز در کاشمر در دوران حکومت وی تلف گردید.

خرداد ماه

۵ یک قرارداد مالی بین دولتین ایران و انگلیس منعقد گردید در این قرارداد نرخ تسعیر ریال به لیره از قرار ۱۲۸ تا ۱۳۰ ریال تعیین گردید در این قرارداد ایران موظف شد احتیاجات ریالی متفقین را تأمین نماید.

۵ مارشال رومل حمله بزرگ خود را در شمال افریقا شروع کرد.

۵ شوروی و انگلیس پیمان اتحاد بیست ساله منعقد نمودند.

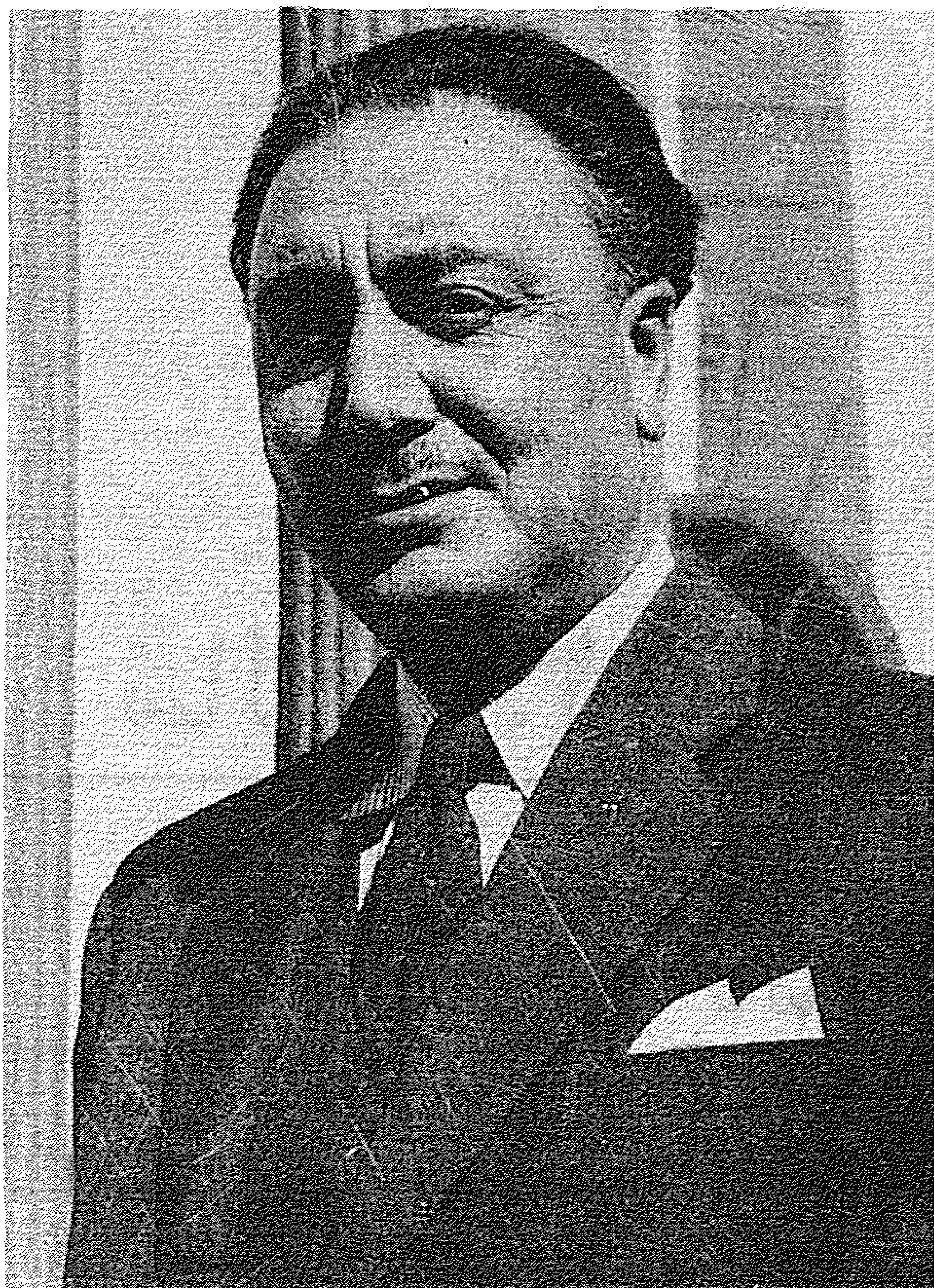
۶ روزنامه کیهان به صاحب امتیازی عبدالرحمن فرامرزی و مدیریت و سردبیری دکتر مصطفی مصباح‌زاده از امروز انتشار یافت.

۷ سرلشگر مرتضی یزدان‌پناه به درجه سپهبدی و سرتیپ مجید فیروز ــ سرتیپ فضل‌الله زاهدی و سرتیپ فرج‌الله اق اولی به درجه سرلشگری و سرهنگ ضرابی و سرهنگ غلامحسین نقدی و سرهنگ عبدالعلی اعتماد مقدم هم سرتیپ شدند.

۷ نصرالله جهانگیر مدیرکل وزارت دارائی به جای عبدالحسین هژیر به معاونت بانک ملی منصوب شد.

۱۴ برای ایجاد امنیت در آذربایجان غربی وزیر جنگ و عده‌ای از افسران به رضائیه رفتند.

۱۶ همدستان رشید عالی گیلانی در عراق در محکمه نظامی محاکمه شدند سه نفر محکوم به اعدام و بقیه به حبس‌های طولانی محکوم گردیدند. حکم اعدام اجرا شد.



احمد حسین عدل وزیر کشاورزی



محمد سجادی شهردار تهران

۱۹ نان در سراسر کشور جیره‌بندی شد.

۲۰ دوک اف گلوستر برادر ژرژ ششم پادشاه انگلستان وارد تهران شد.

۲۰ دولت ایران با کمیته فرانسه آزاد در تهران روابط سیاسی برقرار کرد.

۲۰ سرلشگر حسن مقدم (ظفرالدوله) فرماندار نظامی تهران شد.

۲۱ نیروی نظامی وارد رضائیه شد و امنیت مجدداً در آن استان برقرار گردید.

۲۵ به دنبال اعتصاب وسائط نقلیه شهری نرخ اتوبوس و سواری افزایش یافت. اتوبوس شهری برای هر نفر یک ریال و نیم، قلهک دو ریال و نیم، تجریش سه ریال اتومبیل سواری برای هر نفر سه ریال، قلهک ٤ ریال، تجریش ۵ ریال.

۲۸ بیماری تیفوس در تهران همه جا را گرفت و روزانه چندین صد نفر از این بیماری هلاک می شوند. اطباء موظف شدند آدرس بیماران تیفوسی را به دولت بدهند

۳۰ باغ منظریه در اختیار مهاجرین لهستانی قرار گرفت.

۳۱ محمد ساعد مراغه‌ای سفیر کبیر ایران در مسکو به سمت وزیر امور خارجه تعیین شد.

۳۱ اداره‌ای به نام نظارت خوارو بار برای اجرای قانون منع احتکار و تنظیم امور خواروبار کشور تحت نظر نخست‌وزیر تشکیل گردید. سرهنگ محمدعلی صفاری به ریاست اداره مزبور منصوب شد.

تیر ماه

۱ طبق تصمیم دولت جیره‌بندی سیگار در کشور به مرحله اجرا درآمد و هر نفر در روز دو نخ و نیم سیگار سهمیه دارد.

۱ سرتیپ ابوالحسن پورزند به فرماندهی لشگر آذربایجان و سرتیپ محمود میرجلالی به فرماندهی لشگر خراسان منصوب شدند

۱ کلیه دبیرستانهای نظام شهرستانها منحل گردید.

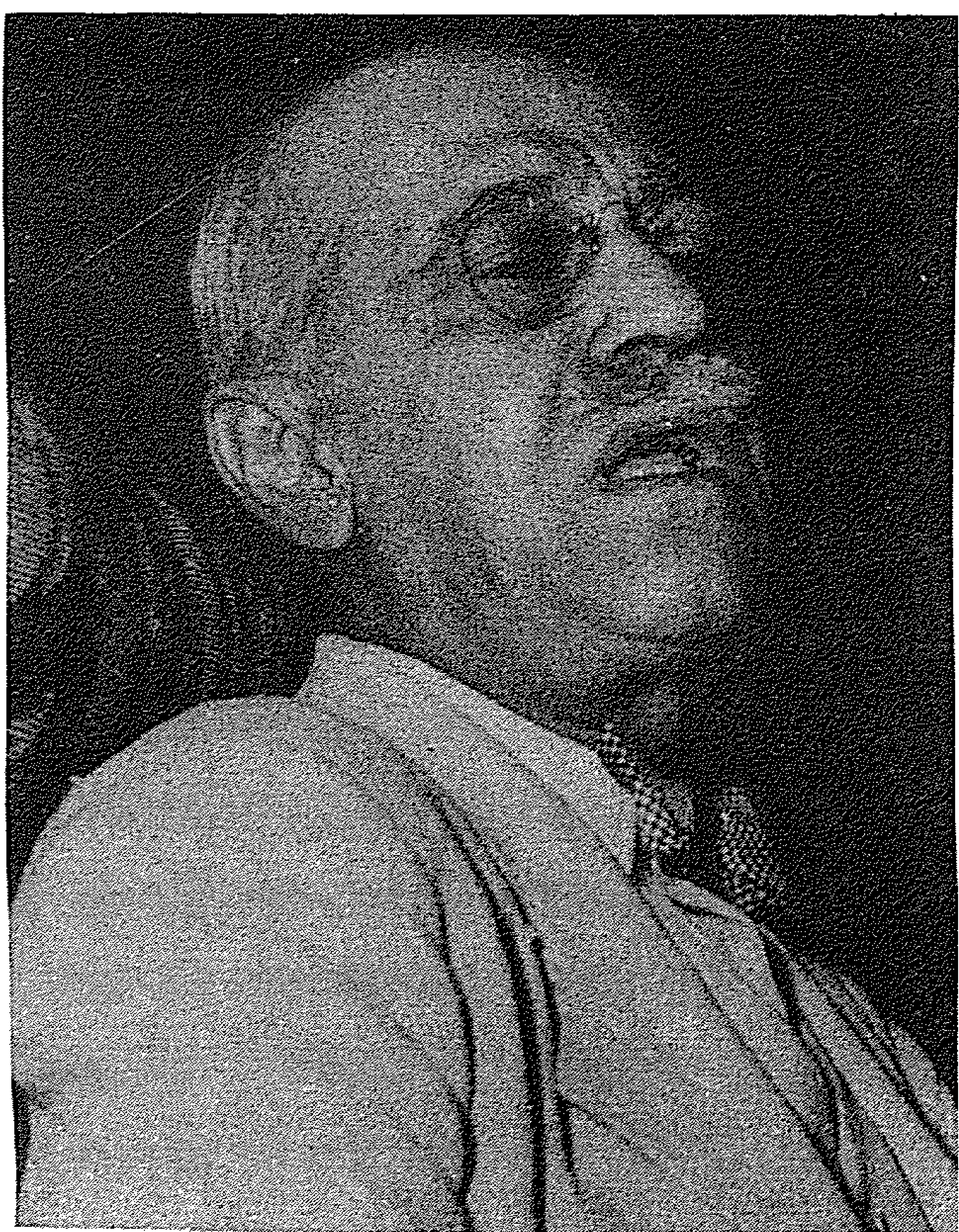
۱۰ علی سهیلی نخست‌وزیر آقای مهدی فرخ استاندار کرمان را به وزارت کشور تعیین کرد.

۱۰ رضا علی دیوان بیگی استاندار خوزستان شد.

۲۲ دکتر محمود حسابی به ریاست دانشکده علوم انتخاب گردید.



سرلشگر مرتضی یزدان‌پناه رئیس ستاد ارتش



مهدی فرخ (معتصم السلطنه) وزیر خواروبار

۲۲ سرهنگ نیرومند رئیس سابق زندان مرکزی به مناسبت آزار و اذیت به زندانیان بازداشت شد.
۲۷ مجید آهی وزیر دادگستری از سمت خود کناره گیری کرد.
۲۷ به مناسبت کمیابی وسائط نقلیه دولت دستور داد تا سازمانهای اداری و بازرگانی از وسائل غیر موتوری مانند گاری، دوچرخه، شتر، اسب، الاغ استفاده نمایند. مذاکره برای وارد کردن سه هزار شتر از هندوستان آغاز گردید.

مرداد ماه

۳ نخستین جلسه محاکمه متهمین شهربانی در محل دیوان کیفر کارکنان دولت آغاز گردید. ریاست دادگاه با موسوی‌زاده یزدی و دادستانی با دکتر جلال عبده است. متهمین عبارتنداز: سر پاس رکن الدین مختار ــ پاسیار منصور وقار ــ یاور جهانسوز ــ پاسیار راسخ ــ یاور مقدادی ــ پاسیار نیرومند ــ پزشک احمدی و عده زیادی از مأمورین اداره آگاهی. محاکمه متهمین قریب پنجاه روز به طول انجامید سرانجام رکن الدین مختار به هشت سال زندان با اعمال شاقه محکوم گردید. بقیهٔ متهمین هریک از ده سال تا یکسال محکوم شدند عده‌ای هم از جرائم منتسبه برائت حاصل نمودند. ضمناً دادگاه پرونده قتل سردار اسعد بختیاری ــ سیدحسن مدرس ــ فرخی یزدی ــ دکتر تقی ارانی را جنایی تشخیص داد و برای رسیدگی به دادگاه جنایی تهران ارسال نمود. در جریان بازداشت متهمین شهربانی پاسیار رفیع نوایی رئیس شهربانی مشهد و عربشاهی رئیس آگاهی در اثر ابتلاء به بیماری تیفوس قبل از محاکمه در زندان جان سپردند.
۸ علی سهیلی نخست‌وزیر طی نطق مشروحی در مجلس اقدامات خود را در مدت چهار ماه زمامداری خود تشریح نمود آنگاه استعفای خود و وزیران را به اطلاع مجلس رسانید و مورد قبول واقع شد.
۸ نمایندگان مجلس دریک جلسه خصوصی ابراز تمایل به نخست‌وزیری حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) نمودند و هیئتی از مجلس مأمور مذاکره با ایشان شد. ولی مؤتمن الملک از قبول زمامداری سر باز زد.
۱۰ نمایندگان مجلس شورای ملی دریک نشست محرمانه اظهار تمایل به نخست‌وزیری احمد قوام (قوام السلطنه) نمودند



احمد قوام (قوام السلطنه) نخست وزیر

و حسن اسفندیاری رئیس مجلس نظر نمایندگان را به شاه ابلاغ نمود. قوام با مهلت ۲۴ ساعت قبول زمامداری کرد.
۱۵ علی معتمدی از معاونت نخست‌وزیری کناره جست.
۱۸ احمد قوام در مجلس شورای ملی نطق مهم و مفصلی ایراد نمود و مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور را تشریح کرد و از نمایندگان خواست تا با تشریک مساعی مشکلات موجود را حل کنند آنگاه وزیران خود را بدین ترتیب معرفی نمود: احمد قوام نخست‌وزیر و وزیر جنگ ــ صادق صادق (مستشارالدوله) وزیر مشاور ــ ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) وزیر مشاور ــ دکتر اسمعیل مرزبان (امین الملک) وزیر بهداری ــ علیرضا قراگزلو (بهاء الملک) وزیر دادگستری ــ سیدحسن تقی زاده وزیر دارائی ــ باقر کاظمی (مهذب الدوله) وزیر کشور ــ حمید سیاح وزیر پست و تلگراف ــ یدالله عضدی وزیر راه ــ عبدالحسین هژیر وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ــ احمد حسین عدل وزیر کشاورزی ــ محمد ساعد مراغه وزیر امورخارجه ــ دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ ــ دکتر علی امینی معاون سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر.

۲۰ برای تأمین اداره خواروبار کشور ادارهٔ مستقلی به نام اداره کل خواروبار تشکیل گردید. ادارات غلّه، قندوشکر و قماش ضمیمه این سازمان شدند و امان‌الله اردلان در رأس این سازمان قرار گرفت.

۲۹ وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس وارد تهران شد. ژنرال ویول فرمانده کل نیروی هندوستان همراه او بود. قوام السلطنه نخست‌وزیر پیرامون مسائل ایران و جنگ با چرچیل مذاکره کرد. چرچیل پس از ۲۴ ساعت توقف در تهران به مسکو پرواز نمود.

۳۱ سرتیپ سیف‌الله شهاب فرمانده دانشکده افسری در اردوگاه اقدسیه بدست یکی از دانشجویان اخراجی به نام علی ارونقی کرمانی به ضرب چند گلوله به قتل رسید وی تحصیلکرده فرانسه بود.

شهریور ماه

۱ نخست‌وزیر کابینه را ترمیم کرد. باقر کاظمی به وزارت دارائی و جواد عامری به وزارت کشور تعیین شدند.

۱ احمد قوام نخست‌وزیر طی اعلامیه‌ای متذکر شد انحراف افراد موجب اشد مجازات است و اضافه کرد مقررات حکومت نظامی کاملاً به مرحله اجرا درخواهد آمد.

۱ به دنبال اعلامیه نخست‌وزیر سرلشگر حسن مقدم فرماندار نظامی تهران ضمن اعلامیه‌ای متذکر شد هرگونه اقدام علیه حکومت یا عمل خلاف مقررات مجازات شدید دارد.

۱۱ مجید آهی به سمت سفیرکبیر ایران در مسکو تعیین شد.

۱۱ نام اداره امنیه به اداره ژاندارمری تبدیل یافت.

۲۳ ویندل ویلکی نمایندهٔ مخصوص روزولت رئیس جمهور آمریکا وارد تهران شد.

۲۳ لایحه اجازه انتشار سه میلیارد ریال اسکناس به مجلس داده شد.

۲۷ دادگاه دیوان کیفر کلیه احکام خود را علیه متهمین شهربانی صادر کرد.

حداکثر مجازات ۸ سال تعیین گردید و عده‌ای نیز تبرئه شدند. دادستان دیوان کیفر و متهمین از رأی صادره فرجام‌خواهی کرد.

مهر ماه

۲ نخست‌وزیر لایحه تأسیس وزارت خواروبار را به مجلس تقدیم نمود و آقای مهدی فرخ را به سمت وزارت خواروبار معرفی کرد.

۲ احمد قوام نخست‌وزیر و وزیر جنگ ستاد ارتش را ضمیمه وزارت جنگ نمود.

۲ دولت لایحه انتشار دو هزار میلیون ریال اسکناس به منظور تهیه خواروبار و معاملات خارجی را به مجلس برد.

۵ دکتر علی اکبر سیاسی به ریاست دانشکده ادبیات و محمد مظاهر (صدیق حضرت) به ریاست دانشکده حقوق تعیین شدند.

۱۶ حاج عزالممالک اردلان به معاونت وزارت دارائی و مورخ الدوله سپهر به معاونت وزارت بازرگانی و پیشه و هنر منصوب شدند.

آبان ماه

۱۶ امیر سهام‌الدین غفاری (ذکاء‌الدوله) به ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات منصوب شد.

۲۱ لایحه استخدام دکتر میلسپو و مستشاران آمریکائی برای مدت پنج سال در مجلس تصویب شد. سمت میلسپو در ایران رئیس کل دارائی با سالیانه هجده هزار دلار حقوق به اضافه خانه مسکونی و اثاثیه و هزینه مسافرت از آمریکا به ایران و در داخله کشور خواهد بود. در همین لایحه کلنل شوارتسکف آمریکائی برای مستشاری ژاندارمری استخدام گردید.

۲۶ احمد قوام از مجلس تقاضای اختیارات تام کرد ولی مجلس به وی اختیار نداد.

۲۷ باقر کاظمی وزیر دارائی از کار کناره گیری نمود.

۲۸ اللهیار صالح رئیس هیئت اقتصادی ایران در آمریکا برای تصدی وزارت دارائی احضار شد.

۲۸ لایحه دولت مبنی بر واگذاری اجازه انتشار اسکناس به هیئت نظارت اندوخته اسکناس به تصویب مجلس رسید. از این پس بانک ملی ایران میتواند با تصویب هیئت نظارت هر مقدار که لازم باشد اسکناس چاپ کند.

آذرماه

۵ محمدعلی فروغی ذکاءالملک وزیر دربار و نخست‌وزیر سابق در سن ٦٧ سالگی درگذشت. وی در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه کار خود را با معلمی و مترجمی آغاز کرد بعد از مشروطیت و فوت پدر عنوان و لقب او را پیدا کرد و به ریاست مدرسه سیاسی منصوب شد و در دوره دوّم مجلس شورای ملی چندی ریاست داشت. بعد در غالب کابینه‌ها وزارت یافت. مدتها ریاست دیوانعالی کشور با او بود. سه بار به مقام نخست‌وزیری رسید در فلسفه و ادبیات فارسی مقامی والا داشت.

۱۷ در اثر کمبود و نامرغوبی نان و فشار زندگی و نبودن مایحتاج اولیه و پایین بودن دستمزدها بامداد امروز عده زیادی از دانش آموزان و دانشجویان در میدان بهارستان گرد آمدند. تدریجاً عده زیادی از مردم هم به آنها ملحق شدند و به هیئت اجتماع وارد صحن بهارستان گردیدند و در موضوع نان و موادغذایی با نمایندگان به بحث و جدل پرداخته بنای اهانت را به آنها گذاشتند وقتی تعداد جمعیت زیاد شد مردم به مجلس حمله کردند عده‌ای از نمایندگان را مورد ضرب و شتم و هتاکی قرار داده به شکستن میز و صندلی و تابلوهای مجلس مبادرت نمودند دسته‌ای نیز به غارت پرداخته و اموال نفیس مجلس را به یغما بردند. به دنبال گرد آمدن مردم در مجلس تدریجاً بازار تهران تعطیل شد و عده‌ای به چپاول مغازه‌های خیابان های نادری، شاه‌آباد، اسلامبول، لاله‌زار مشغول شدند و شهر تهران از حالت عادی خارج شد پلیس و نظامیان قادر به جلوگیری از بلوای مردم نگردیدند.

۱۷ مردم در همین روز خانه نخست‌وزیر را به آتش کشیدند و اثاثیه او را به غارت بردند.

۱۷ عباس مسعودی و محسن صدر نمایندگان مجلس که برای مردم موعظه می نمودند مضروب شدند.

۱۷ بعدازظهر امروز چون بلوا حالت بحرانی گرفت سرتیپ قدر فرماندار نظامی و سرپاس رادسر رئیس شهربانی از کار برکنار شدند.

۱۷ سپهبد امیر احمدی با اختیارات کامل به فرمانداری نظامی تهران و فرماندهی سپاه مرکز منصوب شد.

۱۷ به دستور فرماندار نظامی به روی مردم آتش گشوده شد. عده زیادی مقتول و مجروح شدند.

۱۷ سرتیپ عبدالعلی اعتماد مقدم به ریاست شهربانی برگزیده گردید.

۱۷ به دستور احمد قوام نخست‌وزیر کلیه روزنامه‌ها و مجلات توقیف و از انتشار آنها جلوگیری به عمل آمد.

۱۷ نخست‌وزیر و فرماندار نظامی به صدور چندین اعلامیه پرداختند.

۱۹ آرامش نسبی در تهران به وجود آمد حکومت نظامی تدریجاً به توقیف افراد و مسببین غائله پرداخت. عده زیادی از روزنامه‌نگاران و مخالفین دولت طبق ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت شدند. فرماندار نظامی به کسبه تهران اخطار کرد مغازه‌های خود را باز کنند.

۱۹ دولت به انتشار روزنامه‌ای بنام اخبار روز به مدیریت حسینقلی مستعان مبادرت نمود.

۲۰ شریدان مستشار آمریکائی وزارت خواروبار اعلام کرد هرکس محتکری را معرفی کند بیست درصد از قیمت جنس کشف شده را نقداً دریافت خواهد کرد.

۲۰ کمیسیونی برای رسیدگی و تعیین میزان خسارت به کاسب هائی‌که مغازه آنها غارت شده بود تشکیل گردید.

دی ماه

۱ دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ لایحه‌ای به قید دوفوریت در دو ماده برای مطبوعات تقدیم مجلس نمود.

۲ احمد قوام نخست‌وزیر سپهبد امیر احمدی فرماندار نظامی تهران را که در وقایع ۱۷ آذر شدت عمل به خرج داده بود به وزارت جنگ منصوب نمود.

۳ سرتیپ محمدحسین عمیدی فرمانده لشگر دو مرکز با حفظ سمت فرماندار نظامی تهران شد.

۳ مجلس شورای ملی لایحه دولت را درمورد مطبوعات به تصویب رسانید. به موجب این لایحه امتیاز کلیه روزنامه‌ها و مجلات لغو گردید و شرایط تازه‌ای برای نویسندگان و مدیران جرائد توأم با مجازات تعیین گردید.



حسین علاء وزیر دربار



ابوالحسن ابتهاج رئیس بانک ملی ایران

۴ حسین علاء مدیرکل بانک ملی ایران به جای مرحوم محمدعلی فروغی وزیر دربار شد.

۵ ابوالحسن ابتهاج مدیرعامل بانک رهنی ایران به جای حسین علاء به ریاست بانک ملی ایران انتخاب شد ابراهیم زند معاون اوّل بانک ملی بعنوان اعتراض نسبت به این انتصاب استعفا کرد.

۱۱ نمایندگان مختار ۲۶ کشور جهان پیمان اتحادی علیه دولت های محور امضاء کردند. این پیمان بعداً بنام (اعلامیه ملل متحد) معروف گردید.

۱۲ دانشگاه تهران استقلال یافت و از وزارت فرهنگ مجزا شد و از این پس یک واحد فرهنگی مستقل خواهد بود که شرایط خاصی برای خود خواهد داشت.

۱۳ به دنبال استقلال دانشگاه تهران رؤسای دانشکده ها در نشست امروز دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشکده ادبیات تهران را به اتفاق آراء به ریاست دانشگاه تهران برگزیدند.

۲۸ یک هیئت نظامی مرکب از سرتیپ ابراهیم ارفع ــ سرهنگ شرف الدین قهرمانی، سرهنگ غلامحسین شیبانی، سرگرد افخمی بنابه دعوت سفارت انگلیس برای بازدید جبهه های مصر و افریقای شمالی درمعیت عده‌ای از افسران انگلیسی از فرودگاه قلعه‌مرغی پرواز نمودند ولی در اثر بدی هوا و نقص فنی هواپیما در شمال خرقان سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن به هلاکت رسیدند. ارتش بمناسبت این فاجعه اعلامیه داد اجساد هیئت نظامی ایران با تشریفات نظامی تشییع و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شدند.

بهمن ماه

۱ احمد قوام نخست‌وزیر کابینه خود را به این شرح ترمیم کرد: فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) وزیر کشور ــ جواد عامری وزیر دادگستری ــ الهیار صالح وزیر دارائی ــ محسن رئیس وزیر پست و تلگراف ــ علی معتمدی وزیر راه ــ نصرالله انتظام وزیر بهداری ــ علیرضا قره گوزلو وزیر مشاور.

۱ دکتر علی امینی معاون نخست‌وزیر به ریاست هیئت اقتصادی ایران در آمریکا تعیین شد.

۱ دولت لایحه ایجاد وزارت کار و اقتصاد ملی را به مجلس داد و در همان روز دکتر حسن مشرف نفیسی را به سمت وزیر

کار و اقتصاد ملی معرفی کرد.

۴۲ دکتر محمد سجادی شهردار تهران به معاونت نخست وزیری تعیین گردید.

۴ چرچیل و روزولت در کازابلانکا کنفرانسی تشکیل دادند و خواستار تسلیم بی قید و شرط آلمان شدند.

۸ دکتر مشرف نفیسی وزیر کار و اقتصاد ملی از سمت خویش استعفا داد.

۱۰ دکتر میلسپو رئیس کل دارائی ایران وارد تهران شد و در هتل دربند اقامت گزید.

۱۰ اولین شماره روزنامه تندروی رهبر ارگان جدید حزب توده منتشر گردید.

۱۳ لشگر آلمان در استالینگراد تسلیم شد. این تسلیم به نام پیروزی استالینگراد نام گرفت.

۱۷ ده نفر از وزیران کابینه استعفا دادند.

۱۸ قوام به اکثریت ٦۵ رأی در مجلس مجدداً تایید شد.

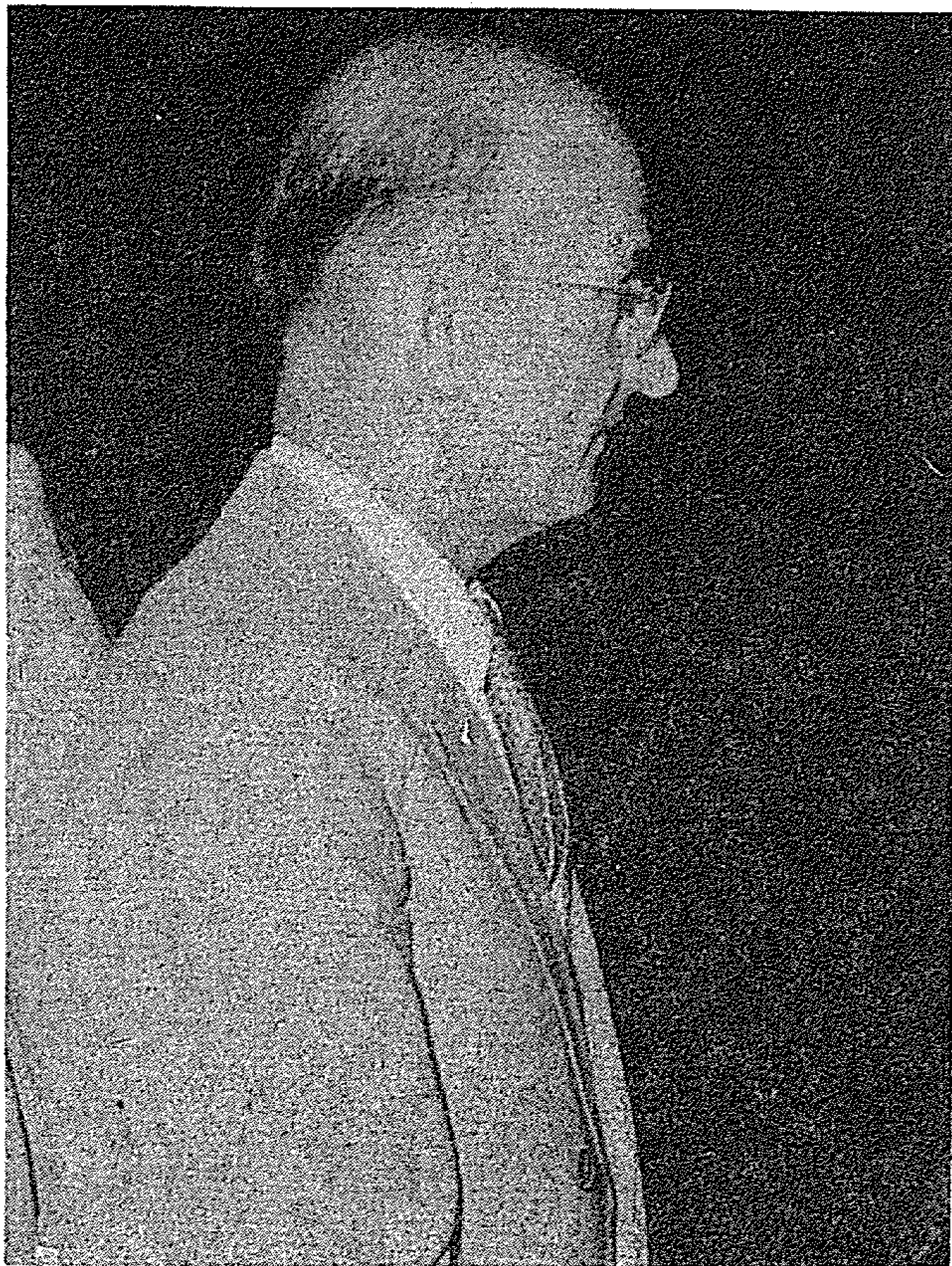
۲۱ در مجلس شورای ملی بین قوام و عده‌ای از نمایندگان مشاجره شدید درگرفت.

۲٤ قوام السلطنه عده‌ای از نمایندگان مجلس را برای عضویت دولت انتخاب نمود و لایحه خاصی در این زمینه به مجلس تقدیم نمود ولی مجلس روی خوش نشان نداد.

۲٤ احمد قوام در اثر اختلاف با بعضی از نمایندگان از ریاست دولت استعفا داد.

۲۵ مجلس شورای ملی تمایل خود را به زمامداری علی سهیلی با ۷۲ رأی اعلام نمود. ساعد ۱۸ رأی و تدین ۸ رأی داشتند.

۲۸ علی سهیلی نخست‌وزیر، وزیران خود را به این شرح معرفی کرد: علی سهیلی نخست‌وزیر و وزیر کشور ــ سید محمد تدین وزیر مشاور ــ حسین سمیعی وزیر مشاور ــ سپهبد احمدی وزیر جنگ ــ محمود بدر وزیر بازرگانی و پیشه و هنر ــ الهیار صالح وزیر دارائی ــ علی اصغر حکمت وزیر دادگستری ــ دکتر سیاسی وزیر فرهنگ ــ محمد ساعد مراغه وزیر امورخارجه ــ عبدالحسین هژیر وزیر راه ــ امان‌الله اردلان وزیر بهداری نصرالله انتظام وزیر پست و تلگراف، وزیر کشاورزی و خوارو بار بعداً معرفی خواهد شد.



دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ ورئیس دانشگاه

اسفند ماه

۲ مجلس شورای ملی به اکثریت ۸۹ رأی برنامه دولت را تصویب کرد.

۵ عمادالسلطنه فاطمی شهردار تهران شد.

۱۱ مرض تیفوس در تهران شیوع پیدا کرد.

۱۲ چهارده نفر از بین نمایندگان انتخاب شدند تا در تمام امور با دولت تشریک مساعی نمایند.

۱۳ سید محمد تدین وزیر مشاور به وزارت خواروبار تعیین شد.

۱۵ مجلس شورای ملی قانون اعتبار پنج میلیون ریال اعتبار را برای مبارزه با بیماری تیفوس تصویب کرد.

۲۳ لایحه اختیارات دکتر میلسپو رئیس کل دارائی به مجلس داده شد.

۲۷ احمد اعتبار وزیر کشاورزی شد.

سال ۱۳۲۲ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۴۳ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۴ میلادی

فروردین ماه

۱ سرتیپ ابوالحسن خان پورزند به درجه سرلشگری ارتقاء یافت.

۱۱ زین العابدین رهنما به معاونت نخست وزیر تعیین شد:

۱۶ الهیار صالح وزیر دارایی به علت اختلاف با دکتر میلسپو از کار کناره گیری کرد.

۲۳ دکتر مصباح زاده مدیر روزنامه کیهان به سمت ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات منصوب شد.

۳۰ تجار و کسبه بازار علیه اختیارات رئیس کل دارائی دکاکین خود را تعطیل و به مجلس رفتند.

اردیبهشت ماه

۳ وزارت خواروبار ۲۵ هزار تن گندم از دولت شوروی خریداری کرد.

۶ علی سهیلی نخست وزیر، سهام السلطان بیات نایب رئیس مجلس را به وزارت دارائی گمارد.

۱۳ لایحه اختیارات دکتر میلسپو رئیس کل دارائی تصویب شد. این قانون مشتمل بر ۸ ماده است.

۱٤ جمع کثیری از مهندسین کشور و عده ای از استادان دانشگاه به علت کمبود اشل حقوق دست به اعتصاب زدند.

۳۱ آئین گشایش بیمارستان شوروی در خیابان نادری تهران انجام گردید.

خرداد ماه

۱ عملیات نظامی برای استقرار امنیت در منطقه فارس و خلع سلاح عشایر متمرد شروع گردید. عشایر فارس تحت ریاست ناصر قشقایی از دولت توقعاتی دارند. شورش فارس به بختیاری سرایت کرد.

۷ در وزارت دارائی اداره تثبیت قیمت ها تحت ریاست مستقیم دکتر میلسپو دائر شد.

۱۰ حکومت نظامی از روزنامه های مهر ایران ــ اقدام ــ کیهان ــ خورشید ایران ــ مرد امروز و باختر رفع توقیف نمود.

۱۵ شاه به نمایندگان مهندسین اعتصاب کننده وعده مساعدت داد و آنها به اعتصاب خود خاتمه دادند.

۲۶ دکتر مصباح زاده از ریاست انتشارات استعفا داد.

۲۶ علی اصغر حکمت وزیر دادگستری و زین العابدین رهنما معاون نخست وزیر به مناسبت لایحه مطبوعات استعفا دادند.

۲۶ لایحه تحدید مطبوعات ازطرف دولت به مجلس داده شد چون فوریت آن رد شد نخست وزیر لایحه را مسترد نمود.

۳۱ دولت لایحه پانصد میلیون ریال وام از بانک ملی را برای خرید خواروبار تقدیم مجلس کرد.

تیر ماه

۱ محمد حجازی (مطیع الدوله) به ریاست انتشارات و تبلیغات منصوب شد.

۱ فرمان انتخابات دوره چهاردهم مجلس صادر شد.

۵ قرارداد مالی ایران و انگلیس در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

۸ دکتر میلسپو اعلام کرد ایران گران‌ترین کشور جهان است.

۸ عشایر متمرد فارس پادگان سمیرم را غافلگیر نموده رزم خونینی بین افراد پادگان و عشایر به وقوع پیوست و عده زیادی از افسران و سربازان شهید شدند. سرهنگ حسنعلی شقاقی فرمانده پادگان به قتل رسید.

۱۰ سرلشگر جهانبانی با اختیارات کامل به فرماندهی سپاه جنوب منصوب شد تا هرچه زودتر غائله فارس و بختیاری را فیصله دهد.

۱۹ حسین سمیعی به وزارت کشور و خلیل فهیمی به وزارت مشاور منصوب شدند.

۲۳ لایحه انحلال وزارت خواروبار به مجلس تقدیم شد و کلیه کارهای وزارت خواروبار تحت نظر رئیس کل دارایی قرار گرفت.

۲۳ سید محمد تدین وزیر خواروبار وزیر مشاور شد. سلمان اسدی معاون وزارت خواروبار معاون میلسپو گردید.

مرداد ماه

۱ سرتیپ حاج علی رزم‌آرا به ریاست ستادارتش و سرتیپ محمود خسروپناه به ریاست شهربانی منصوب شدند.

۲ موسولینی از نخست‌وزیری ایتالیا برکنار شد.

٤ نوبخت نماینده مجلس، علی سهیلی نخست‌وزیر و سپهبد احمدی وزیر جنگ را به علت خبط های نظامی استیضاح کرد.

٦ اعضای انجمن شهر تهران تعیین شدند.

٦ لایحه آموزش مجانی و اجباری و عمومی به تصویب رسید.

٦ بودجه کل کشور به درآمد ۱,۸۹۰,۷۹۵,۰۹٦ ریال و هزینه ۳,۲۹۷,۷۱۸,۵۳۷ ریال تقدیم مجلس شد.

۱۲ دکتر سپیور رئیس دارائی ایران طی اعلامیه‌ای خرید غلّه ازطرف انگلیس را تکذیب نمود و مردم را از شنیدن شایعات دروغ برحذر داشت.

۱۳ محسن صدر (صدرالاشراف) نماینده مجلس به وزارت دادگستری منصوب شد.

۱۳ قانون تبعید و شلاق زدن چاقوکشان و دزد و جیب‌بر و اشخاص بدسابقه به تصویب رسید.

۲۲ دولت لایحه‌ای به قید یک فوریت به مجلس داد در این لایحه آمده است انتشار مطالب در مرحله تحقیق ممنوع است. نویسنده یا ناشر به یک ماه تا شش ماه حبس و از هزار تا ده هزار ریال محکوم و روزنامه و مجله از یک ماه تا یکسال توقیف خواهد شد.

۲۳ سرلشگر جهانبانی فرمانده نیروی جنوب به اتفاق خسرو قشقایی وارد تهران شدند و پس از مذاکرات مهمی با دولت به فارس بازگشتند.



ناصر قشقائی

۳۰ انجمن نظارت انتخابات تهران به ریاست سید محمد صادق طباطبایی تشکیل شد.

شهریور ماه

۱ دکترعلی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ از کار کناره گیری کرد.

۸ قوای شوروی و انگلیس تعداد زیادی از رجال ایران و افسران ارتش و کارکنان بنگاه راه‌آهن دولتی ایران و روزنامه‌نگاران را به اتهام همکاری با آلمان‌ها و تشکیل ستون پنجم در ایران توقیف وزندانی نمودند و آنها را به اراک انتقال دادند. درمیان بازداشت شدگان دکتر احمد متین دفتری نخست‌وزیر سابق، دکتر محمد سجادی وزیر سابق، علی هیئت رئیس شعبه دیوان عالی کشور، امیر همایون بوشهری، جعفر شریف امامی، علی اکبر موسوی‌زاده رئیس دیوان کیفر، سرلشگر آق اولی ــ سرلشگر ابوالحسن پورزند ــ سرتیپ صادق کوپال ــ سرهنگ منوچهری (بعداً بهرام آریانا) سرهنگ بقائی، سرهنگ باتمانقلیچ بودند.

۸ سرلشگر فضل‌الله زاهدی فرمانده لشگر اصفهان توسط قوای انگلیس بازداشت و به فلسطین اعزام شد.

۱۲ سید محمد تدین وزیر مشاور به جای حسین سمیعی به سمت وزیر کشور معرفی شد.

۱۲ سید محمد تدین وزیر کشور طی اعلامیه‌ای به بازداشت مقامات ایران اشاره و اتهام آنها را همکاری با نیروی فاشیست دانست.

۱۴ ابراهیم خواجه‌نوری نویسنده معروف به ریاست اداره کل تبلیغات و انتشارات منصوب شد.

۱۷ ایران به آلمان اعلان جنگ داد نخست‌وزیر و رئیس مجلس پیرامون این تصمیم مطالبی بیان کردند و افزودند با این ترتیب ایران در صف متفقین قرار گرفت و الحاق ایران به اعلامیه مشترک ملل متحد اعلام شد.

۱۸ ایتالیا تسلیم شد و جنگ را متارکه نمود. قوای آلمان وارد رم شد.

۲۰ به مناسبت تسلیم ایتالیا ازطرف ایران به سران سه کشور متفق تلگراف تبریک مخابره شد.

۲۱ آرامش در صفحات بختیاری به وجود آمد آقای ابوالقاسم بختیاری به اتفاق مرتضی قلی صمصام و سرلشگر جهانبانی به تهران آمده با نخست‌وزیر مذاکره کردند.

۲۸ پاسیار سیف کفیل شهربانی طی اعلامیه‌ای شایعه چسبیدن یک سرباز آمریکایی را با یک زن مسلمان تکذیب کرد.

مهر ماه

۵ شریدان آمریکایی مستشار خواروبار ایران اعلام کرد مردم تهران مواد چرکین و کثیفی را به نام نان که نانواهای بی رحم می‌پزند میخورند. نانواها آرد دولتی را به قیمت گزاف به طور قاچاق می فروشند دولت ناچار است نانواخانه مرکزی دائر کند و نان سیلو به مردم بدهد.

۷ خبازان تهران در پاسخ شریدان اعلام نمودند که آرد دولتی آنقدر مخلوط دارد که جای قبول هیچ ماده خارجی حتی خاک رس را هم ندارد.

۷ آقای سید ضیاء‌الدین طباطبایی که مدت ۲۲ سال خارج از ایران زندگی می‌کرد در میان استقبال و شور و هیجان مردم وارد تهران شد. سید ضیاء‌الدین در سالهای اخیر در فلسطین به امر کشاورزی اشتغال داشت ضمناً مدتی نایب رئیس کنگره مسلمین بود. وی در سوم حوت ۱۲۹۹ با قوای قزاق مقیم قزوین کودتا کرد و حکومت را در دست گرفت و رجال ایران را به حبس انداخت و دست به اصلاحاتی زد. مدت نخست‌وزیری او نود روز طول کشید سپس به خارج از کشور تبعید شد. وی قبل از نخست‌وزیری روزنامه‌نویس بود و روزنامه های برق ــ شرق ــ رعد را به ترتیب منتشر می‌کرد.

۱۶ یوسف هزاره معروف به صولت‌السلطنه که پس از وقایع شهریور درحدود باخزر به عملیات مسلحانه پرداخته بود در اثر زدوخورد با ژاندارم ها مقتول شد.

۲۴ ایدن وزیر امورخارجه انگلیس و کردل هول وزیرخارجه آمریکا وارد تهران شدند و پس از ۲۴ ساعت توقف تهران را ترک کردند. نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ایران میزبان میهمانان بودند. نخست‌وزیر و وزیرخارجه پیرامون مسائل ایران و جنگ مذاکراتی بعمل آوردند. از طرف ایدن قول همه گونه همراهی و مساعدت داده شد.

آبان ماه

۱ قانون اجازه استخدام شصت نفر آمریکایی برای وزارت دارائی تصویب شد.

۸ دولت سهیلی پس از استیضاح تهرانچی رأی اعتماد گرفت.

آذر ماه

۱ عمر مجلس سیزدهم پایان یافت. در جلسه امروز متمم لایحه بودجه سال ۱۳۲۲ تصویب شد و مجلس به پیشنهاد دولت برای حاج محتشم السلطنه اسفندیاری ماهیانه هزار تومان شهریه تعیین نمود.

٤ ژوزف استالین نخست‌وزیر و پیشوای اتحاد جماهیر شوروی به اتفاق مولوتف کمیسر امورخارجه و مارشال وروشیلف و عده زیادی از مردان سیاسی و نظامی شوروی وارد تهران شدند.

۵ وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس به اتفاق ایدن وزیر امورخارجه و هفتاد نفر از کارشناسان نظامی و سیاسی انگلیس وارد تهران شدند.

۵ روزولت رئیس جمهور آمریکا در معیت عده زیادی از مقامات سیاسی و نظامی آمریکا به تهران ورود نمودند.

٦ کنفرانس سران سه کشور (شوروی ــ آمریکا ــ انگلیس) در تهران تشکیل شد.

۷ مراسم اعطای شمشیر استالینگراد ازطرف چرچیل به استالین طی مراسم باشکوهی انجام گرفت.

۸ به مناسبت شصت و نهمین سال تولّد وینستون چرچیل مراسمی در سفارت انگلیس بر پا شد و هدایایی به چرچیل داده شد.

۸ محمدرضا پهلوی پادشاه ایران برای ملاقات چرچیل و روزولت به سفارت انگلیس رفت این ملاقات چند لحظه‌ای بیش طول نکشید. در این ملاقات شاه ایران درخواست نمود پدر او را از جزیره موریس به نقطهٔ دیگری که آب و هوای ملایمی داشته باشد بفرستند.

۹ استالین به اتفاق مولوتف برای ملاقات و دیدار شاه به کاخ رفتند.

۹ سران سه کشور متفق پس از اجتماع در تهران اعلامیه‌ای انتشار دادند. در این اعلامیه پس از قدردانی از مساعی ایران در جنگ و تحمیلا تیکه به ایران وارد آمده حفظ و استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را تصدیق نمودند و مقرّر شد با ایران طبق منشور آتلانتیک عمل شود.

۱۰ سران سه کشور به اتفاق همراهان تهران را به قصد کشورهای خودشان ترک کردند.

۱۰ سرتیپ حسینقلی سطوتی به ریاست ژاندارمری کل کشور منصوب شد.

۱۷ اتحادیه ملی جراید ایران اعلامیه‌ای انتشار داد و مراتب انزجار و نفرت خود را نسبت به ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ابراز نمود.

۲۲ علی سهیلی از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد.

۲۳ سهیلی وزیران کابینه را به این شرح معرفی نمود: امان‌الله اردلان وزیر دارایی ــ محسن صدر وزیر دادگستری ــ حمید سیاح وزیر پست و تلگراف ــ عبدالحسین هژیر وزیر کشور ــ ابراهیم زند وزیر جنگ ــ سرتیپ اسمعیل شفائی وزیر پیشه و هنر ــ محمد ساعد مراغه وزیر امورخارجه ــ مصطفی عدل وزیرمشاور ــ موسی نوری اسفندیاری وزیر کشاورزی ــ دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ ــ نصرالله انتظام وزیر راه ــ دکتر قاسم غنی وزیر بهداری.

دی ماه

٦ دکتر بنش رئیس جمهور چکسلواکی وارد تهران شد و دانشگاه تهران به او درجه دکترای افتخاری داد.

۷ نخست‌وزیر اعلامیه صادر کرد که مجلس چهاردهم در اول بهمن افتتاح خواهد شد.

۱۵ آیت‌الله شریعت سنگلجی دارفانی را وداع گفت:

۱۷ سلیمان میرزا اسکندری رهبر سوسیالیست‌ها در ادوار اولیه مجلس و وزیر معارف کابینه سردارسپه که بعداز شهریور ۱۳۲۰ رهبری حزب توده را در دست داشت درگذشت. در تشییع جنازه وی افراد حزب توده ایران نمایشی از قدرت خود را به مردم ایران عرضه کردند.

۲۱ آقاخان اشرفی معاون نخست‌وزیر و محمد سروری معاون وزیر کشور شدند.

۲۷ وزارت امور خارجه طی اعلامیه‌ای به عمال دولت سعودی عربستان به مناسبت گردن زدن یکی از حجاج ایرانی به نام ابوطالب یزدی شدیداً اعتراض نمود. مأمورین عربستان یک جوان ۲۲ ساله ایرانی را که هنگام مناسک حج دچار بیماری شده بود گردن زدند. وهابی ها غیر از آن جنایت مرتکب جنایات دیگری نسبت به ایران شده بودند به مناسبت این واقعه روابط سیاسی خود را ایران با عربستان قطع نمود و تا سالیان دراز اجازه زیارت بیت‌الله الحرام به کسی داده نمی‌شد.

بهمن ماه

۱ ابراهیم خواجه نوری رئیس تبلیغات با حفظ سمت معاون نخست‌وزیر شد.

۱۳ عباسقلی گلشائیان به شهرداری تهران منصوب گردید.

۱۴ به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر تقی ارانی حزب توده ایران مراسم باشکوه و عظیمی بر پا ساخت.

۱۵ دولت ایران موجبات ارتقاء سفارت خود را در واشنگتن و لندن به سفارت کبری اعلام کرد و از این تاریخ به بعد بین ایران و دولتین سفیرکبیر مبادله خواهد شد.

۱۵ انتخابات تهران پایان گرفت و نمایندگان تهران بدین ترتیب انتخاب شدند: ۱ــ دکتر محمد مصدق ــ ۲ــ سید محمدصادق طباطبایی ــ ۳ــ حسین پیرنیا ــ ۴ــ سیدرضا فیروزآبادی ــ ۵ــ سید احمد بهبهانی ــ ۶ــ دکتر جلال عبده ــ ۷ــ دکتر رضازاده شفق ــ ۸ــ علی دشتی ــ ۹ــ عباس مسعودی ــ ۱۰ــ مهندس غلامعلی فریور ــ ۱۱ــ محمدرضا تهرانچی.

۱۷ احمد مقبل معاون وزیر دارائی شد.

۲۱ حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) از قبول نمایندگی مجلس استنکاف ورزید.

۲۴ مهدی دادور (وثوق السلطنه) به استانداری آذربایجان منصوب شد.

۲۵ سرتیپ علی ریاضی معاون وزارت جنگ به جای سرتیپ رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش شد.

۲۶ سرهنگ محمدحسین جهانبانی مدیرکل وزارت کشور با ارتقاء به درجه سرپاسی رئیس شهربانی گردید.

۳۰ دادگاه عالی جنایی تهران به ریاست عبدالعطوف ریاحی و مستشاری ولی‌زاده انصاری و بوستان و عقیلی تشکیل و رأی خود را علیه عمال نظمیه رضاشاه اعلام نمود. به موجب احکام صادره پزشک احمدی به جهت قتل عمدی جعفرقلی اسعد و قتل عمدی محمد فرخی یزدی محکوم به اعدام گردید. سرهنگ نیرومند در اثر ارتکاب قتل مهدی‌خان اسعد و معاونت در قتل فرخی به حبس ابد، مختاری محکوم به ده سال و سرهنگ راسخ محکوم به شش سال زندان شدند.



سرلشگر علی ریاضی رئیس ستاد و ارتش

اسفند ماه

۱ سرتیپ اسمعیل شفائی وزیر پیشه و هنر و بازرگانی از کار کناره گیری کرد.

۶ دوره چهاردهم مجلس شورای ملی افتتاح شد. در همین جلسه امیر جنگ به ریاست موقتی و ملک مدنی و امیرتیمور نایب رئیس شدند.

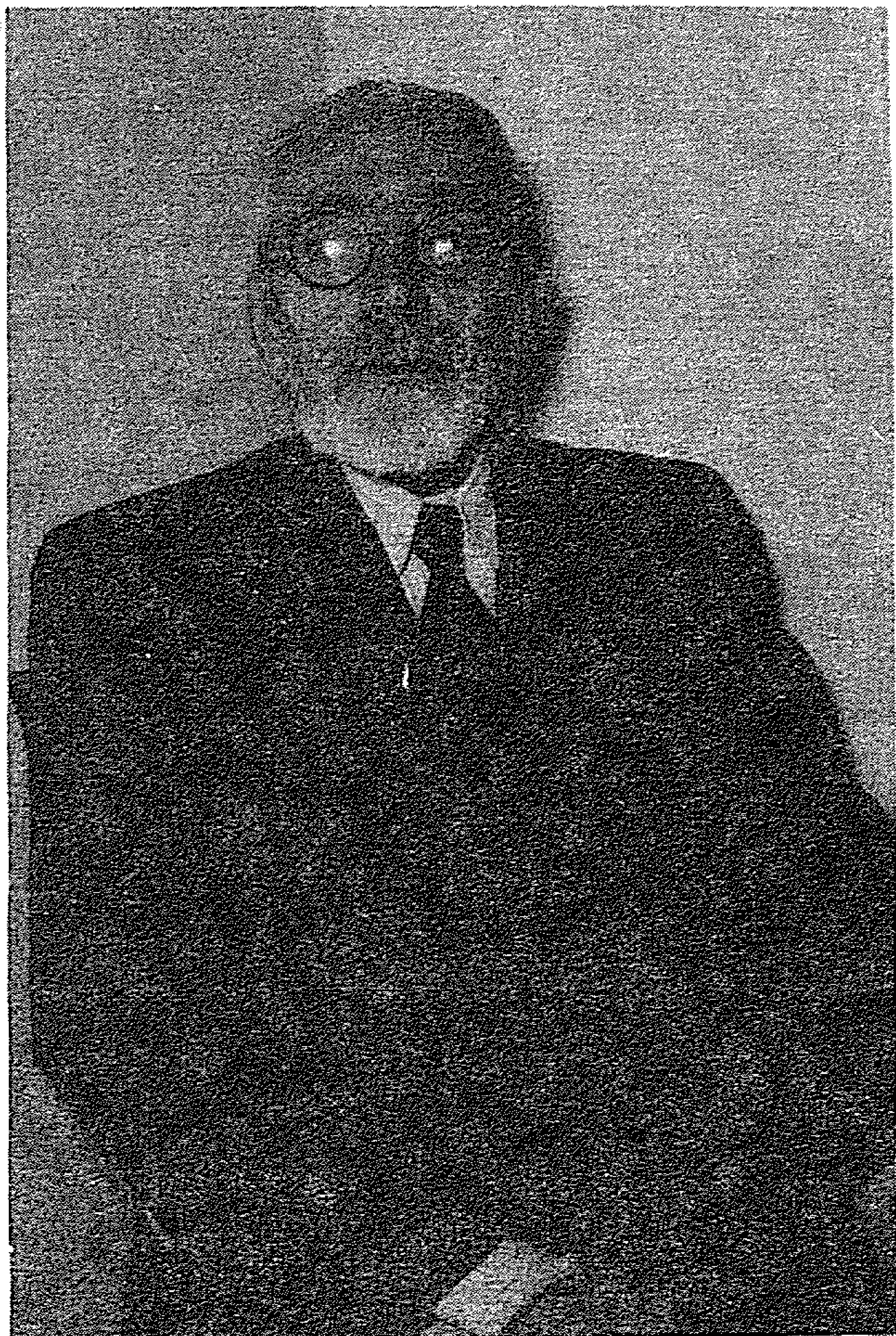
۱۴ دکتر محمد مصدق نماینده اوّل تهران، دکتر رادمنش و تقی فداکار با اعتبارنامه سید ضیاء‌الدین طباطبایی مخالفت کردند.

۱۶ در جلسه امروز مجلس دکتر مصدق دلائل مخالفت خود را با سید ضیاءالدین ابراز کرد و تقاضا نمود وکلای حزب توده مخالفت خودشان را پس بگیرند زیرا دفاع از وطن واجب کفائی است و آنها نیز پس گرفتند. مصدق در این جلسه طی نطق مشروحی در مورد کودتا و دخالت انگلیس ها در امور ایران و استقرار دیکتاتوری بعد از کودتا توسط رضاخان و استانداری فارس و استعفا از آن و اختفاء در خاک بختیاری مطالب تازه‌ی ایراد نمود.

۱۸ سید ضیاءالدین طباطبایی نماینده یزد در پاسخ دکتر مصدق توضیحات مفصّلی داد و او را مغرض و عوامفریب دانست. وی علل و جهات کودتا را تشریح نمود و مدعی شد کشور ایران را مشتی رجال از همه جا بی خبر با عنوان دوله ها و سلطنه ها و ملک ها به آن روز انداخته بودند و یک روزنامه نویس جوان توانست زمام امور را در دست بگیرد و رجال پوسیده و دروغین را به زندان بیفکند. ضیاءالملک فرمند در مخالفت با اعتبارنامه سید ضیاء و نقابت در موافقت سخن گفتند. سرانجام به اعتبارنامه سید ضیاءالدین با طریق مخفی رأی گرفته شد و از ۸۶ نفر عده حاضر ۵۷ نفر به اعتبارنامه او رأی دادند. پس از تصویب اعتبارنامه سید ضیاءالدین، دکتر مصدق به او تبریک گفت و صورت یکدیگر را بوسیدند.[۱]

۲۳ انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی به عمل آمد. سید محمد صادق طباطبایی ٤٤ رأی و دکتر محمد مصدق ٤٢ رأی داشتند در نتیجه سید محمد صادق طباطبایی به ریاست انتخاب شد.

۲۵ علی سهیلی نخست‌وزیر طبق عرف پارلمانی از ریاست دولت کناره گیری کرد.



سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی در دوره چهاردهم وی در تمام دوران رضا شاه دور از سیاست می‌زیست مردی به غایت نیکنام و صحیح العمل بود در ابتدای مشروطیت روزنامه مجلس را انتشار می‌داد

۲۷ اکثریت مجلس شورای ملی در یک جلسه خصوصی به نخست‌وزیری محمدساعد مراغه وزیر امورخارجه ابراز تمایل کردند. و بدین ترتیب علی سهیلی پس از یکسال و یک ماه زمامداری مجدد از صحنه سیاسی ایران خارج شد.

۱ ــ به بخش ضمائم و تعلیقات مراجعه شود

سال ۱۳۲۳ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۴٤ تا ۲۱ مارس ۱۹٤۵ میلادی

فروردین ماه

۱ عده زیادی از افسران ارتش ترفیع درجه یافتند ازجمله سرتیپ علی رزم‌آرا. سرتیپ علی ریاضی ــ سرتیپ حسن ارفع ــ سرتیپ اسمعیل شفایی ــ سرتیپ محمدحسین فیروز ــ سرتیپ دکتر کریم هدایت ــ سرتیپ روح‌الله کیکاووسی ــ سرتیپ عبدالرضا افخم ابراهیمی به درجه سرلشگری ارتقاء یافتند. در این ترفیعات سرهنگ علی اکبر شعری ــ سرهنگ منصور مزینی ــ سرهنگ رضا جوادی ــ سرهنگ اسدالله گلشائیان سرتیپ شدند.

٦ اعتبارنامه درّی نماینده مجلس از دره‌جز رد شد.

۷ محمد ساعد نخست‌وزیر اعضاء کابینه را به این شرح به شاه معرفی کرد: مرتضی قلی بیات وزیر مشاور، مصطفی عدل وزیر مشاور، عبدالحسین هژیر وزیر کشور، سرلشگر علی ریاضی وزیر فرهنگ، ابوالقاسم فروهر وزیر پست و تلگراف، حمید سیاح وزیر راه، ابراهیم زند وزیر جنگ، دکتر قاسم غنی وزیر بهداری، محمود فاتح وزیر کشاورزی، اسدالله ممقانی وزیر دادگستری، امان‌الله اردلان وزیر پیشه و هنر و بازرگانی، محمود نریمان وزیر دارایی، دکتر محمد نخعی معاون نخست‌وزیر.

١٤ انتخابات رئیس مجلس شورای ملی تجدید شد. سید محمد صادق طباطبایی با ۵۰ رأی رئیس شد. امیر جنگ اسعد ۳۱ رأی داشت.

سرتیپ علی اکبر شعری فرماندار نظامی تهران شد.

۱٦ حمید سیاح وزیر راه از عضویت دولت کناره گیری کرد.

۱۷ زلزله شدیدی درگرگان حادث و خرابی زیادی وارد ساخت.

۱۷ دکتر خلیل ثقفی (اعلم الدوله) مؤسس و رئیس انجمن معرفت‌الروح در سن ۸٤ سالگی درگذشت. وی دارای تألیفات متعدد و متنوعی بود.

۱۷ وزیران کابینه امروز استعفا کردند و کابینه جدید به این شرح معرفی شدند:

امان‌الله اردلان وزیر پیشه و هنر، مرتضی قلی بیات وزیر مشاور، ابوالقاسم فروهر وزیر دارائی، حمید سیاح وزیر راه، مصطفی عدل وزیر مشاور، عبدالحسین هژیر وزیر کشور، ابراهیم زند وزیر جنگ، دکتر قاسم غنی وزیر فرهنگ، سعید مالک وزیر بهداری، اسدالله ممقانی وزیر دادگستری، ناصر اعتمادی وزیر کشاورزی. برای وزارت خارجه و وزارت پست و تلگراف وزیر تعیین نشد.

۲۷ مجلس شورای ملی به اکثریت ٦٤ رأی از ۸۵ نفر عده حاضر به دولت رأی اعتماد داد.



محمد ساعد مراغه‌ای نخست وزیر

۳۰ سرپاس محمدحسین جهانبانی از ریاست شهربانی استعفا داد. پاسیار سیف به کفالت شهربانی منصوب شد.

اردیبهشت ماه

۱ وضع کارخانجات اصفهان دچار اختلال گردید و عده کثیری از کارگران دست به اعتصاب زدند و مشکلاتی برای دولت فراهم شد.

۹ دکتر قاسم غنی وزیر فرهنگ از سمت خود کناره گیری کرد. وحید تنکابنی به کفالت رسید.

۱۵ سرلشگر علی رزم‌آرا برای بار دوم رئیس ستاد ارتش شد.

۱۹ مهندس فریور دولت ساعد را به مناسبت انتصاب رضا افشار به استانداری اصفهان استیضاح کرد. افشار طبق حکم دادگاه محرومیت ابدی از خدمات دولتی داشت. اسدالله ممقانی وزیر دادگستری ابدیت را تفسیر کرد.

۲۶ به دنبال استیضاح دولت ساعد نخست‌وزیر تقاضای رأی اعتماد کرد. مجلس به اکثریت رأی داد.

خرداد ماه

۱۰ سرلشگر محمدحسین فیروز فرمانده لشگر فارس با حفظ مقام به استانداری فارس منصوب شد.

۱٤ سرتیپ محمود خسروپناه به ریاست ژاندارمری کل کشور برقرار گردید.

۲۸ آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی که در گلاب دره شمیران مخفی بود توسط مقامات متفقین بازداشت و به خارج از کشور تبعید شد.

تیر ماه

۱ مراسم نامگذاری سه خیابان تهران بنام‌های روزولت، چرچیل، استالین در انجمن شهر تهران تصویب شد.

۳ دکتر میلسپو رئیس کل دارایی ایران طی مشروحه مفصلی به آقای نخست‌وزیر اطلاع داد که بر اثر تصمیم دولت مبنی بر لغو اختیارات رئیس کل دارایی مستعفی خواهد شد و کلیه مستشاران آمریکایی هم استعفاء خواهند داد.

۱۱ مجلس شورای ملی به نخست‌وزیر اختیار داد بهر نحو که مصلحت بداند نسبت به اختیارات رئیس کل دارایی و استعفای وی و مستشاران آمریکایی اقدام نماید.

۱۲ اعتبارنامه رحیم‌زاده خویی نماینده اول تبریز در مجلس رد شد.

۱۳ دکتر میلسپو مجدداً مشغول کار شد.

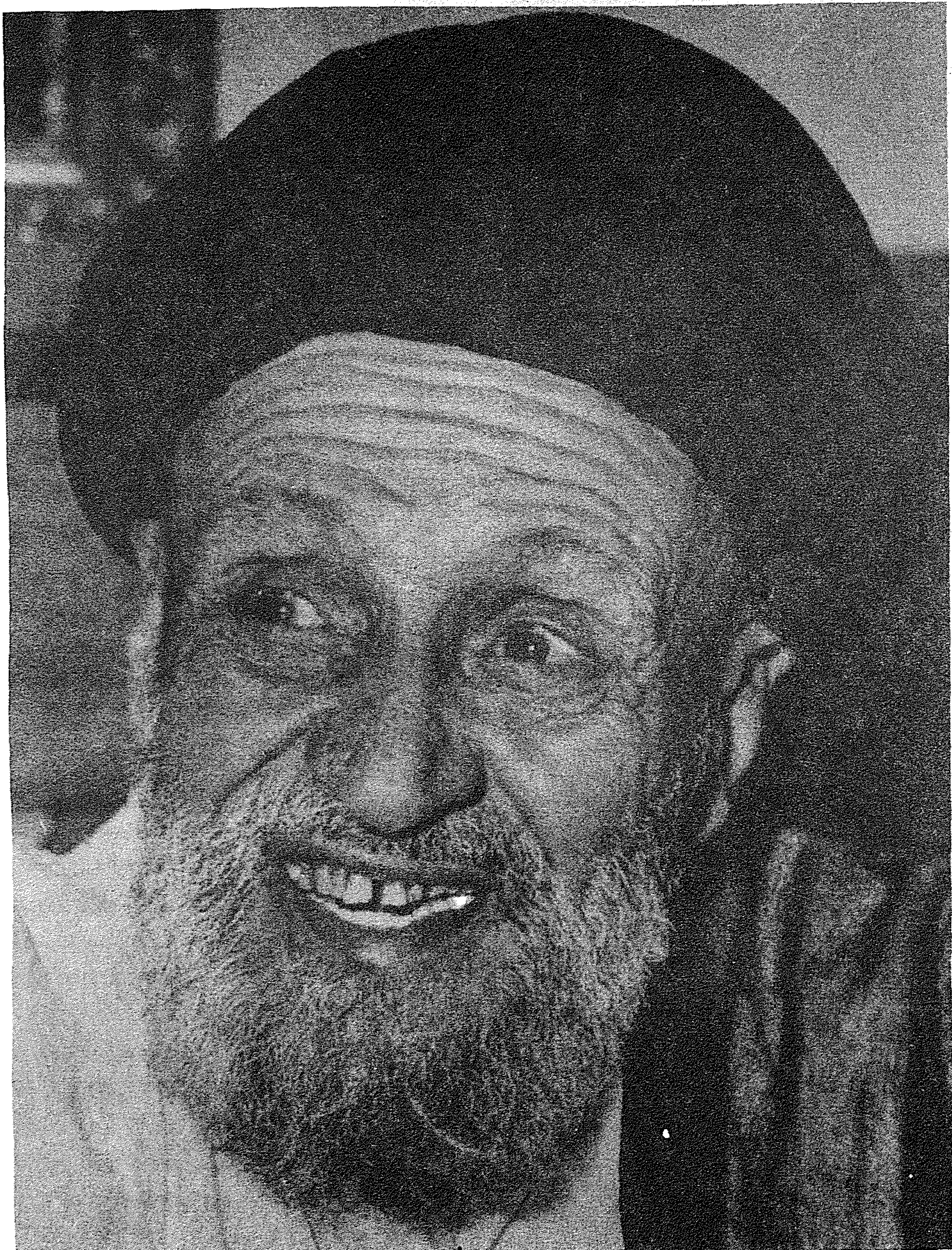
۱۸ مهندس فریور درمورد معامله نوغان علیه بدر وزیر سابق پیشه و هنر اعلام جرم کرد.

۱۸ به دنبال اعلام جرم مهدی فرخ علیه سید محمد تدین وزیر کشور وقت راجع به دخالت در انتخابات بندرعباس کمیسیون دادگستری پرونده را به دادگستری احاله کرد تا محاکمه به عمل آید.

۲۲ ایران دولت موقتی فرانسه را به رسمیت شناخت.

۲۳ اعتبارنامه سید جعفر پیشه‌وری مدیر روزنامه آژیر در مجلس چهاردهم رد شد.

۲۵ لایحه قانون کار و تعیین وظایف کارگر و کارفرما به مجلس تسلیم شد.



آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی

مرداد ماه

۳ در اثر تصادم دو هواپیما بین مهرآباد و امامزاده حسن یازده نفر مرد و زن و دو طفل طعمه حریق شدند.

٤ رضا پهلوی شاه سابق ایران به علت مرض قلبی در ژوهانسبورگ بدرود زندگانی گفت.

۱۰ پاسیار عبدالله سیف رئیس شهربانی درجه سرتیپی گرفت.

۱۰ نخستین کنگره حزب توده ایران با شرکت ۱٦۸ نفر نمایندگان شهرستانها در تهران تشکیل شد.

عبادالله رزبان فرهنگی سالخورده قزوین به ریاست سنی انتخاب گردید.

۲۲ گلشائیان شهردار تهران مستعفی شد و غلامحسین ابتهاج به جای او نشست.

شهریور ماه

٤ ساعد از نخست‌وزیری استعفا داد ولیکن مجلس شورای ملی دوباره به او رأی اعتماد داد.

۹ ساعد وزیران جدید را به این شرح معرفی نمود: محمد ساعد نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه، باقر کاظمی وزیر فرهنگ، خلیل فهیمی وزیر مشاور، الهیار صالح وزیر دادگستری، سرلشگر محمدحسین فیروز وزیر جنگ، علی اصغر زرین کفش وزیر دارائی، دکتر محمد نخعی وزیر پیشه و هنر، محمد سروری وزیر کشور، یوسف مشار وزیر پست و تلگراف، محمود نریمان وزیر راه، دکتر اقبال کفیل وزارت بهداری، وزیر کشاورزی بعداً معرفی خواهد شد.

۱۰ زین‌العابدین رهنما مدیر روزنامه ایران به سمت وزیر مختار در حکومت جمهوری موقتی فرانسه تعیین گردید.

۲۰ کمیسیونی ازطرف دولت اتحاد جماهیر شوروی تحت ریاست آقای کافتارازاده معاون کمیساریای امور خارجه شوروی وارد تهران شد.

۲۱ کمیسیون خارجه مجلس به ریاست دکتر مصدق تصمیم گرفت در سال جاری از صدور تذکره و مسافرت حجاج جلوگیری به عمل آید.

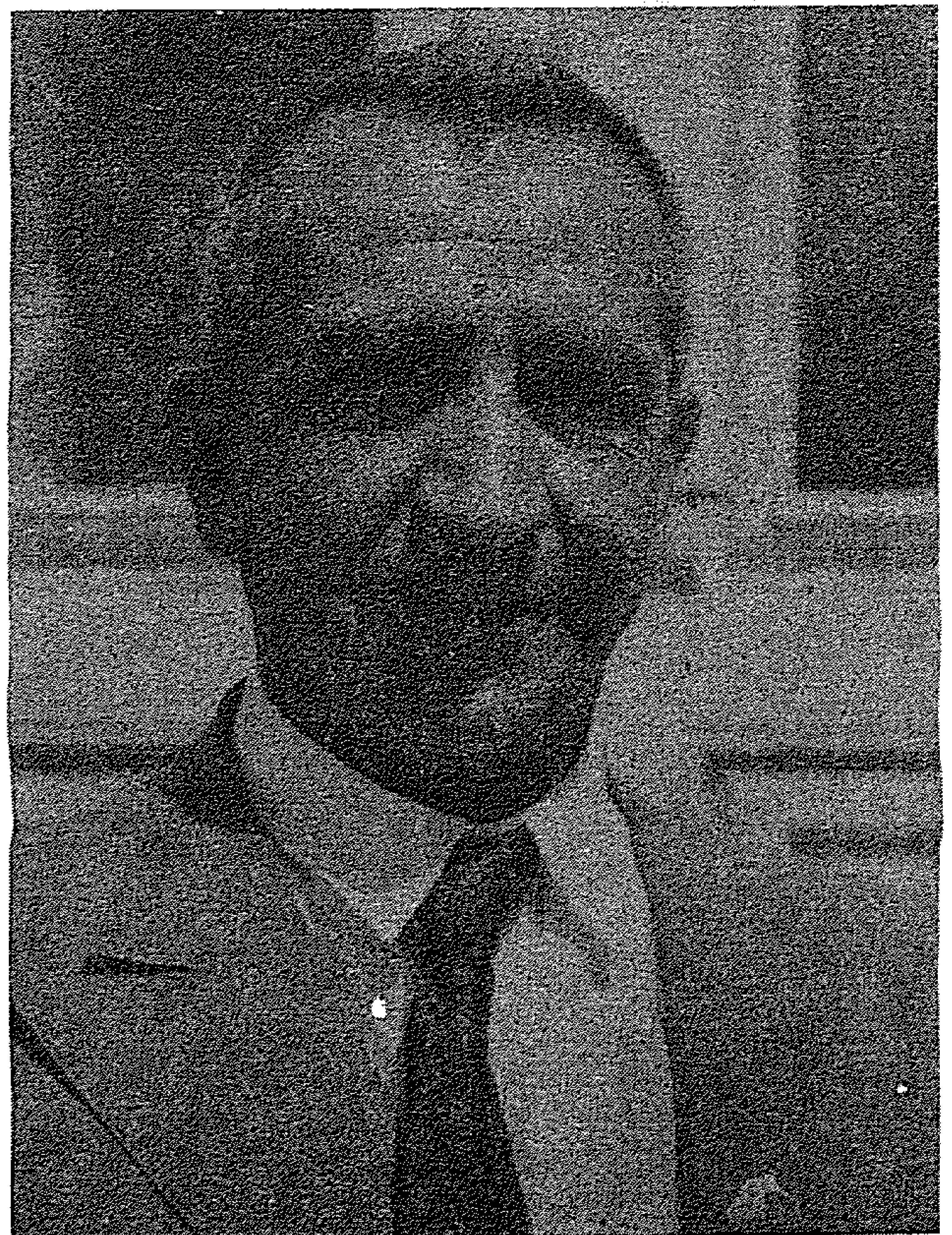


علی اصغر زرین کفش وزیر دارائی



خلیلی فهیمی (فهیم الملک) وزیر مشاور


نادر آراسته وزیر راه و پست و تلگراف


یوسف مشار (مشار اعظم)

۲۵ ایران استقلال کشورهای سوریه و لبنان را به رسمیت شناخت.

۲۶ اسدالله ممقانی وزیر سابق دادگستری به معاونت دادستان کل منصوب شد.

مهر ماه

۱۰ محمد رشید یکی از اشرار کردستان که از طرف دولت حکومت بانه به او واگذار شده بود مریوان را متصرف و شروع به اغتشاش نمود نیروی دولتی برای دستگیری او اقدام کرد وی هنگام فرار بانه را غارت نموده آتش زد.

آبان ماه

۱ دکتر میلسپو رئیس کل دارایی ایران به استناد اختیارات مصوب اردیبهشت ۱۳۲۲ ابوالحسن ابتهاج رئیس بانک ملی ایران را از کار برکنار ساخت و طی بخشنامه‌ای متذکر شد که امضای وی را معتبر نشناسند.

۲ ابوالحسن ابتهاج به استناد اساسنامه بانک ملی ایران به دکتر میلسپو طی نامه‌ای تذکر داد که تغییر وی خارج از اختیارات قانونی او می‌باشد.

۳ هیئت وزیران نظریه رئیس کل دارائی را نسبت به تغییر رئیس بانک ملی نپذیرفت.

۵ حزب توده ایران راه‌پیمایی عظیمی علیه ساعد در تهران برگزار نمود. عده زیادی از سالدات‌های شوروی داخل راه‌پیمایان بودند این راه‌پیمایی برای اعطاء نفت شمال به شوروی بود.

۷ دکتر محمد مصدق طی نطقی متذکر شد نباید به بیگانگان امتیاز داد.

۱۸ محمد ساعد نخست‌وزیر از کار کناره گیری کرد.

۲۱ مجلس شورای ملی به نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق ابراز تمایل نمود.

۲۱ دکتر مصدق قبول نخست‌وزیری را موکول بر این امر نمود که پس از کناره گیری از نخست‌وزیری مجدداً به مجلس بازگردد.

۲۳ دکتر مصدق به دربار احضار گردید و تشکیل کابینه

ازطرف شاه به وی تکلیف شد. مصدق از قبول زمامداری بدون شرط معذرت خواست.

۲۹ در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی برای ابراز تمایل به نخست‌وزیر آینده اخذ رأی به عمل آمد در نتیجه مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) با ۵۰ رأی صاحب اکثریت آراء گردید و فرمان نخست‌وزیری وی صادر شد.

آذرماه

٤ مرتضی قلی بیات کابینه خود را به این شرح به مجلس معرفی کرد: بیات نخست‌وزیر و وزیر کشاورزی، مصطفی عدل وزیر دادگستری، دکتر سعید مالک وزیر بهداری، امان‌الله اردلان وزیر دارایی، دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ، ابراهیم زند وزیر جنگ، حسنعلی هدایت وزیر پیشه و هنر، محسن رئیس وزیر امور خارجه، محمد سروری وزیر کشور، نصرالله انتظام وزیر راه، نادر آراسته وزیر پست و تلگراف، خلیل فهیمی وزیر مشاور، دکتر علی اکبر سیاسی وزیر مشاور.

۵ ژنرال دوگل رئیس دولت موقتی جمهوری فرانسه وارد تهران شد همراه وی بیدو وزیر امورخارجه و ژنرال ژوئن رئیس ستاد نیروهای فرانسه بود. دوگل و همراهان دو روز در تهران توقف کردند.

۸ سرهنگ عبدالحسین حجازی فرماندار نظامی تهران شد.

۱۱ دکتر محمد مصدق در مجلس شورای ملی نطق مفصلی راجع به نفت و اعطا امتیاز آن به کمپانیهای خارجی ایراد کرد و طرحی را که تهیه و ازطرف نمایندگان امضاء شده بود به مجلس داد و طرح مزبور فی‌المجلس تصویب شد.

به موجب این طرح هیچیک از مقامات کشور حق ندارند راجع به امتیاز نفت با خارجی ها مذاکره یا قرارداد منعقد نمایند ولی برای فروش نفت با اجازه مجلس حق دارند. متخلفین از این قانون به حبس مجرد از ۳ تا ۸ سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

۱۳ دولت بیات از مجلس رأی اعتماد گرفت.

۱۷ آقای نصرالله انتظام وزیر راه به جای محسن رئیس وزیر امورخارجه گردید.

۱۸ آقای کافتارازده قائم مقام کمیساریای امورخارجه اتحاد جماهیر شوروی که برای اخذ امتیاز نفت شمال در رأس هیئتی به ایران سفر کرده بود پس از تصویب طرح نمایندگان مبنی بر عدم واگذاری امتیازات به خارجیان ایران را ترک کرد.

۲۷ حسن رشدیه که از مؤسسین فرهنگ جدید ایران شمرده می شد درگذشت.

دی ماه

٦ سرلشگر حسن ارفع به جای سرلشگر رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش شد و سرلشگر عبدالرضا افخمی به جای سرلشگر ارفع فرماندار نظامی راه‌آهن گردید.

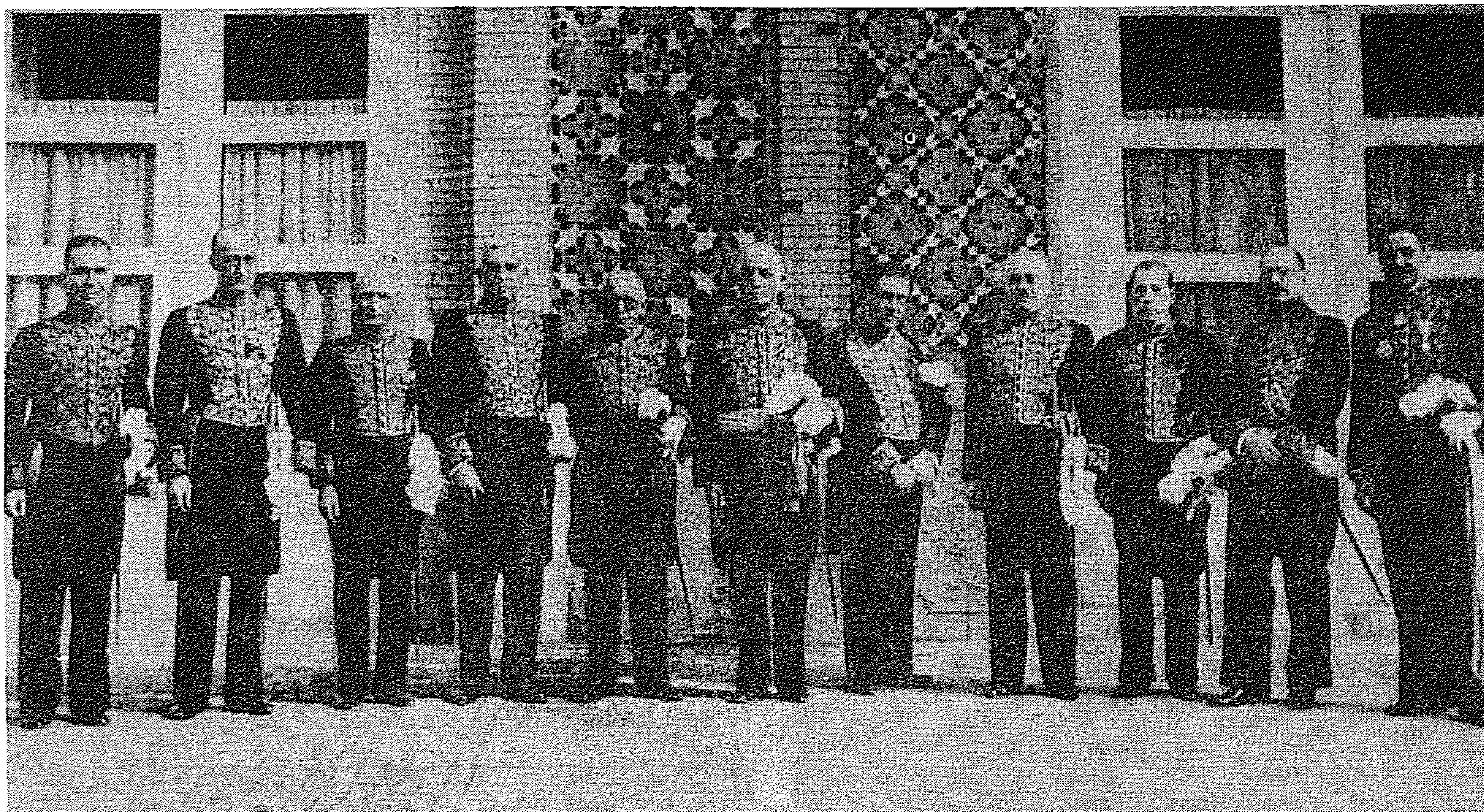
٦ سرتیپ کاظم شیبانی فرماندار نظامی تهران شد.

۱۸ قانون لغو اختیارات اقتصادی دکتر میلسپو رئیس کل دارایی تصویب گردید.

۲٦ در جلسه امروز مجلس بین گله‌داری نماینده بندرعباس و مرات اسفندیاری وکیل سیرجان بر سر معامله نخ زدوخورد شدیدی گرفت و طرفین به شدت مجروح شدند.



امان‌الله اردلان (حاج عزالممالک)



مرتضی قلی بیات نخست‌وزیر به اتفاق وزیران کابینه

۲۷ دکتر میلسپو رئیس کل دارایی بواسطه اینکه دولت با برکناری آقای ابوالحسن ابتهاج از ریاست بانک ملی موافقت نکرده است استعفا داد. این استعفا مورد موافقت قرار گرفت و هیئتی مأمور تحویل کارهای وی شدند.

بهمن ماه

۱۹ استعفای آقای دکتر میلسپو رئیس کل دارائی ازطرف دولت و مجلس مورد قبول واقع گردید.

۱۹ دولتین ایران و چین سفارتخانه های خود را به سفارت کبری ارتقاء دارند.

۲۲ موافقت‌نامه یالتا درباره طرح نهایی برای شکست آلمان ازطرف روزولت، چرچیل و استالین امضاء شد.

۳۰ سرتیپ اسدالله گلشائیان فرماندار نظامی تهران شد.

اسفند ماه

٦ حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) رئیس سابق مجلس شورای ملی در سن ۷۸ سالگی بر اثر بیماری قلبی درگذشت. وی متجاوز از ۹ دوره وکیل مجلس بود و در چهار دوره اخیر ریاست بر مجلس داشت. بعد از صدور فرمان مشروطیت کراراً در غالب کابینه ها وزیر بود. وی صاحب تألیفاتی در زمینه های معارف اسلامی و اخلاق بوده است.

۹ دکتر میلسپو ایران را ترک کرده و حقوق خود را تا آخر دی ماه ۱۳۲٤ به انضمام هزینه سفر دریافت کرد.

۱۰ نخست‌وزیر اعلان جنگ دولت ایران را به دولت ژاپن به اطلاع مجلس رسانید و تقاضای رأی اعتماد نمود. مجلس نیز از ۹٤ نفر عده حاضر به اکثریت ۹۱ رأی نسبت به عمل دولت درمورد اعلان جنگ به دولت ژاپن رأی اعتماد داد.

۱۳ در جلسه امروز مجلس شورای ملی دکتر محمد مصدق پیرامون اعلام جرم ها مذاکراتی نمود و درخواست کرد پرونده تدین را به مدت ۱۵ روز در اختیار او قرار دهند تا گزارش امر را به مجلس بدهد. نمایندگان این پیشنهاد را نپذیرفتند و مصدق به تعرض از مجلس خارج شد و مصمم شد دیگر به مجلس بازنگردد.

۱۵ به دنبال تعرض و قهر دکتر محمد مصدق از مجلس امروز عده‌ای از دانشجویان دانشکده حقوق به منزل ایشان رفتند و او را به مجلس آوردند ولی درنتیجه ازدحام محصلین و مردم نظامیان به تفرقه جمعیت اقدام کردند و منجر به تیراندازی شد

که چندین نفر در این جریان کشته و مجروح شدند.

۱۵ جمال امامی نماینده مجلس به علت تیراندازی نظامیان به سوی مردم از سرتیپ گلشائیان فرماندار نظامی توضیح خواست چون جواب مساعد نشنید به صورت او سیلی نواخت.

۱۵ سرتیپ گلشائیان از فرمانداری نظامی برکنار شد و به جای وی سرتیپ عبدالعلی اعتماد مقدّم فرماندار نظامی گردید.

۲۲ هیئتی ازطرف مجلس مأمور رسیدگی به واقعه ۱۵ اسفند شدند.

۲۳ دکتر بنش رئیس جمهوری چک اسلواکی به تهران وارد شد.

۲۷ هیئت وزیران آقایان انتظام وزیر امور خارجه، عدل وزیر دادگستری، دکتر سیاسی وزیر مشاور تقی زاده سفیر کبیر ایران در انگلستان، آهی سفیرکبیر ایران در مسکو را برای شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو انتخاب کرد. انتظام وزیر امور خارجه آهی سفیر مسکو و تقی زاده سفیر لندن از قبول عضویت امتناع کردند. انتظام از وزارت امور خارجه نیز کناره گیری کرد. به جای آنان باقر کاظمی ــ الهیار صالح ــ دکتر غنی و سرلشگر ریاضی انتخاب شدند.

۲۷ مجلس شورای ملی دکتر شفق، دکتر عبده، و دکتر اعتبار را به دولت معرفی نمود تا در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نمایند.



محسن رئیس وزیر پست و تلگراف

سال ۱۳۲۴ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۴۵ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۶ میلادی

فروردین ماه

۱ سرهنگ علی اکبر درخشانی فرمانده لشگر آذربایجان و سرهنگ مهدیقلی علوی مقدم رئیس اداره اصلاح نژاد اسب به درجه سرتیپی ارتقاء یافتند.

۸ هیئت وزیران اساسنامه شورای عالی اقتصاد را به تصویب رسانید. این شورا قسمتی از وظایف رئیس کل دارایی را انجام خواهد داد. اعضاء هیئت مدیره شورا عبارتند از: ابوالقاسم فروهر ـــ الهیار صالح ـــ دکتر سجادی ـــ گلشائیان ـــ دکتر امینی و دکتر مقبل.

۱۴ انتخابات هیئت رئیسه مجلس به عمل آمد. سید محمد صادق طباطبایی ۴۹ رأی و سید مهدی فرخ ۴۸ رأی برای ریاست داشتند در نتیجه طباطبایی به کرسی ریاست نشست.

۱۴ سرتیپ ابراهیم ضرابی رئیس دیوان تجدیدنظر به ریاست ادارهٔ کل شهربانی منصوب شدند.

۱۶ هاشم ملک مدنی و دکتر عبدالله معظمی نایب رئیس مجلس شدند.

۲۳ فرانکلین روزولت سی و دومین رئیس جمهور آمریکا که از سال ۱۹۳۲ چهار بار به ریاست جمهور آمریکا انتخاب شده بود درگذشت و به جای وی هاری ترومن معاون رئیس جمهور زمام امور را در دست گرفت.

۲۸ در جلسه امروز مجلس مرتضی قلی بیات نخست وزیر در اطراف چهار ماه زمامداری خود نطق مفصلی ایراد نمود. آنگاه تقاضای رأی اعتماد کرد. از ۹۲ نفر عده حاضر ۴۳ رأی ممتنع، سه مخالف و ۴۵ رأی موافق دادند. در نتیجه دولت آقای بیات سقوط کرد.

اردیبهشت ماه

۸ موسولینی دیکتاتور سابق ایتالیا اعدام شد.

۱۰ آدولف هیتلر پیشوای آلمان خودکشی کرد.

۱۲ برلن پایتخت آلمان سقوط و به دست سربازان متفقین افتاد.

۱۲ نمایندگان مجلس شورای ملی پس از ۱۵ روز بحران در یک جلسه خصوصی به زمامداری ابراهیم حکیمی ابراز تمایل نمودند. از یکصد نفر عده حاضر ٦٤ نفر رأی به نخست وزیری او دادند.

۱۷ آلمان بدون قیدوشرط تسلیم شد.

۱۸ هاری ترومن رئیس جمهور آمریکا طی نطقی خاتمه جنگ جهانی را به دنیا اعلام داشت.

۱۸ وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان خاتمه جنگ جهانی را به مردم دنیا بشارت داد.



ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) نخست‌وزیر

۱۸ در تهران به مناسبت خاتمه جنگ جهانی ۱۰۱ تیر شلیک کردند و تعطیل عمومی شد.

۲۱ حزب توده ایران به مناسبت شکست آلمان میتینگ عظیمی در تهران و شهرستانها بر پا نمود.

۲۲ زلزله سختی در گرمسار سمنان روی داد و خرابیهای بسیاری وارد ساخت. قریب ۱۵ هزار خانه از بین رفت.

۲۳ ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر برنامه کار خود را به مجلس تقدیم نمود و وزیران کابینه را به این شرح معرفی کرد: ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر و وزیر کشور، دکتر اسمعیل مرزبان (امین الملک) وزیر بهداری ــ حسنعلی هدایت (نصرالملک) وزیر مشاور ــ نصرالله خلعتبری (اعتلاء الملک) وزیر کشاورزی ــ عبدالحسین هژیر وزیر دارایی ــ مصطفی عدل وزیر مشاور ــ ابراهیم زند وزیر جنگ ــ نادر آراسته وزیر راه ــ انوشیروان سپهبدی وزیر امور خارجه ــ ابوالقاسم نجم (نجم الملک) وزیر پیشهٔ و هنر ــ غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ ــ الهیار صالح وزیر دادگستری.

۲۴ ادوارد هریو سیاستمدار معروف فرانسوی که چند بار به مقام نخست‌وزیری رسیده بود وارد تهران شد.

خرداد ماه

۸ وزیر امورخارجه در مجلس اعلام کرد به متفقین کتباً اعلام شد به مناسبت خاتمه جنگ قوای خود را از ایران خارج سازند.

۱۳ مجلس شورای ملی پس از چهارده جلسه مذاکره درباره برنامه دولت و امور مختلفه کشور و صلاحیت وزیران سرانجام به دولت نوزاد ابراهیم حکیمی رأی عدم اعتماد داد و وی پس از ۳۱ روز زمامداری ساقط شد.

۱۵ مجلس شورای ملی تمایل خود را به نخست‌وزیری محسن صدر ابراز نمود و فرمان صادر شد.

۱٦ محسن صدر نخست‌وزیر مورد حمله شدید روزنامه های حزب توده قرار گرفت نامبرده طی سرمقاله های مختلف در

روزنامه های رهبر ــ مردم ــ رزم عنوان مستنطق و میرغضب باغشاه لقب گرفت و متقابلاً به دفاع از خود برخاست و طی توضیحاتی خدمات خود را در باغشاه باطلاع رسانید. مستشارالدوله صادق و سید یعقوب انوار به دفاع از صدر مطالب ناگفته ای از خدمات او در باغشاه شمردند.

۲۲ محسن صدر نخست‌وزیر کابینه خود را به این شرح به شاه معرفی کرد: صدر نخست‌وزیر و وزیر کشور ــ مصطفی عدل و حسنعلی کمال هدایت وزیران مشاور ــ محمود بدر وزیر دارایی ــ امان‌الله اردلان وزیر دادگستری ــ عباسقلی گلشائیان وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ــ دکتر سعید مالک وزیر بهداری ــ احمد اعتبار وزیر پست و تلگراف ــ ابراهیم زند وزیر جنگ ــ انوشیروان سپهبدی وزیر امورخارجه ــ دکتر محمد نخعی وزیر کشاورزی ــ نادر آراسته وزیر راه ــ غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ.

۲۳ سی نفر از نمایندگان اقلیت به رهبری دکتر مصدق اعلامیه ای صادر و به نخست‌وزیری محسن صدر شدیداً اعتراض نمودند و عمل اکثریت مجلس را تقبیح کردند.

۲۳ احمد اعتبار وزیر پست و تلگراف از سمت خود استعفا داد.

۲۷ صدر طی نامه‌ای به مجلس اعلام کرد برای معرفی هیئت وزیران آمادگی کامل دارد.

۲۹ نخست‌وزیر به اتفاق وزیران در جلسه امروز مجلس شرکت کردند ولی اقلیت متوسل به اوبستروکسیون شدند.

تیر ماه

۵ در جلسه امروز مجلس شورای ملی دکتر محمد مصدق طی نطق مشروحی به صلاحیت صدر برای نخست‌وزیری ایراد گرفت و او را شایستهٔ این مقام ندانست و اقدام اکثریت را در روی کار آوردن وی مورد انتقاد شدید قرار داد. علی دشتی ازطرف اکثریت به مصدق پاسخ داد و متذکر شد در شرایط موجود صدر بهترین شخص برای نخست‌وزیری است و عمل اکثریت قانونی و موجه است.

۶ بنا به دعوت خانم ایران تیمورتاش مدیر روزنامه رستاخیز عده‌ای از مدیران جراید قطعنامه‌ای علیه دولت و حکومت نظامی و عمال ارتجاع صادر کردند.



محسن صدر (صدرالاشراف) نخست‌وزیر

۱۰ نخستین کنگره پزشکی ایران با شرکت نمایندگان سیزده دولت خارجی در تهران تشکیل شد.

۲۳ دکتر سونگ نخست‌وزیر چین وارد تهران شد.

۲۶ دولت ایران حکومت وحدت ملی لهستان را به رسمیت شناخت.

۲۶ کنفرانس پتسدام با شرکت ترومن ــ استالین و چرچیل منعقد گردید.

در این کنفرانس به آمریکا ــ شوروی ــ انگلستان ــ فرانسه اجازه داده شد مناطق اشغالی خود را در خاک آلمان اداره کنند.

۲۶ در اثر توافقی که بین نمایندگان اکثریت و اقلیت حاصل شد پس از چند روز جلسه علنی مجلس تشکیل گردید و صدر نخست‌وزیر پس از معرفی اعضاء کابینه به مجلس شورای ملی گزارش مفصل و مبسوطی درباره اوضاع فعلی ایران به مجلس داد و خاطرنشان کرد که دولت حاضر در انجام امور محوله کوتاهی نکرده است.

مرداد ماه

۲ درمجلس شورای ملی دکتر مصدق طی نطقی به لزوم خروج متفقین از ایران اشاره کرد و از انتخابات آزاد سخن گفت. دشتی در تأیید اظهارات مصدق متذکر شد دولت فعلی همان کسی است که مورد توجه مردم می‌باشد.

۱۳ در کنفرانس پتسدام تصمیم گرفته شد هرچه زودتر ایران از قوای متفقین تخلیه شود.

۱۶ هیروشیما توسط بمب اتمی با خاک یکسان شد. طبق اعلام رادیو توکیو هیچ موجودی در آنجا زنده نمانده است.

۱۷ بین زندانیان زندان تبریز که قصد فرار داشتند و مأمورین شهربانی زدوخورد شدیدی درگرفت. چندین نفر از زندانیان مقتول و مجروح شدند.

۱۹ در لیقوان بین افراد حزب توده که برای سخنرانی رفته بودند و عده‌ای از مالکین و رعایا زدوخورد خونینی روی داد. چهار نفر از حزب توده و چهار نفر از اهالی لیقوان مقتول شدند.

۲۳ آقای باخدا ازطرف نخست‌وزیر به ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات منصوب شد.

۲٤ خبر تسلیم بلاشرط ژاپن و خاتمه جنگ جهانسوز بوسیلهٔ رادیوها اعلام گردید.

۲٤ عده زیادی از افسران و درجه‌داران و سربازان لشگر خراسان بنابه تصمیم قبلی از پادگان مشهد فراری شده با مقدار زیادی اسلحه و مهمات از راه بجنورد به سوی دشت گرگان عزیمت نمودند. این عده در مسیر خود پادگان مرا و تپه را خلع سلاح کرده و عده‌ای از افراد پادگان را همراه خود نموده‌اند.

۲۵ در ایران به مناسبت پایان جنگ جهانی تعطیل عمومی گردید و مجلس جلسه فوق‌العاده تشکیل داد.

۲۶ در شهرهای آذربایجان اغتشاشاتی بروز کرد. هیئتی از تهران به ریاست سرلشگر جهانبانی به آذربایجان عزیمت کرد.

۲۹ در گنبدکاووس بین افسران فراری مشهد و گروهان ژاندارمری گنبد و مأمورین شهربانی زدوخورد شدیدی روی داد. در نتیجه هفت نفر از افسران فراری مقتول و دو نفر مجروح شدند یک ژاندارم و دو پاسبان نیز کشته شدند.

۳۰ به دنبال فرار افسران از لشگر خراسان ستاد ارتش عده زیادی از افسران و درجه‌داران را در ارتباط با فراریان بازداشت کرد.

شهریور ماه

۱ در شهرهای ساری و شاهی بین اهالی و افراد حزب توده زدوخوردی به وقوع پیوست عده زیادی از طرفین مجروح شدند ازطرف دولت دویست ژاندارم برای ایجاد امنیت گسیل شد که در فیروزکوه نیروی شوروی جلوی آنها را گرفت و اجازه حرکت به سمت شمال را نداد. بلافاصله وزیر امورخارجه یادداشتی در این مورد تسلیم سفارت شوروی کرد.

۳ سید جعفر پیشه‌وری وارد تبریز شد. این مسافرت به دنبال رد اعتبارنامه وی و توقیف روزنامه آژیر بود.

٤ نخست‌وزیر لایحه منشور ملل متفق را برای تصویب تسلیم مجلس کرد.

۱۰ حاج امام جمعه خویی روحانی متنفّذ و متعیّن که در ادوار اولیه در مجلس شورای ملی عضویت داشت درگذشت.

۱۲ سید جعفر پیشه‌وری در آذربایجان بیانیه‌ای صادر کرد در این بیانیه زبان ترکی و خودمختاری آذربایجان را جزو مرام خود قرار داد.

۱۳ وحید تنکابنی به معاونت وزارت فرهنگ معرفی شد.

۱۳ مجلس شورای ملی لایحه منشور ملل متفق را تصویب کرد.

۲۰ وزارت امورخارجه طی دو یادداشت به سفارتخانه‌های شوروی و انگلستان و همچنین آمریکا تخلیه ایران را از قوای متفقین بر طبق مقررات پیمان سه جانبه تا شش ماه بعد از خاتمه جنگ ژاپن خواستار شد.

۲۰ سید مهدی فرخ نماینده مجلس ازطرف دولت به سمت استانداری آذربایجان انتخاب گردید.

۲۰ سرتیپ عبدالعلی اعتماد مقدم فرماندار نظامی تهران شد.

۲۲ هیئت مؤسسان حزب دمکرات آذربایجان تشکیل شد. پیشه‌وری به سمت صدر فرقه و شبستری به معاونت انتخاب گردید.

۲۲ حزب توده آذربایجان الحاق خود را به حزب دموکرات اعلام کرد.

۲۳ ازطرف حکومت نظامی از اجتماع افراد حزب توده به منظور تشکیل میتینگ و سخنرانی جلوگیری به عمل آمد. همچنین محل حزب توده و شورای متحده کارگران به وسیله مأمورین حکومتِ نظامی و ژاندارمری تصرف شد و عبورومرور از خیابان فردوسی محل حزب توده قدغن گردید. در زدوخوردی که در محل حزب توده واقع در خیابان فردوسی بین نظامیان و افراد حزب به عمل آمد. عده زیادی ازجمله دکتر فریدون کشاورز وکیل مجلس توسط سرگرد زرین‌نعل به شدت مضروب و مجروح شد.

۲۵ محمد مهدی شاهرخ به استانداری کرمان منصوب گردید.

۲۹ نیروهای شوروی تمام شهر تهران و اطراف آن را تخلیه کردند و وزیرخارجه مراتب را در مجلس اعلام کرد.

مهر ماه

۳ بازار قزوین به کلی سوخت و تبدیل به تلی خاکستر گردید. در این حریق ۶۰۰ باب مغازه از بین رفت و میلیونها ریال کالا سوخت.

۳ دکتر فریدون کشاورز نماینده مجلس شورای ملی و عضو حزب توده در جلسه علنی مجلس باتوجه به اصل ۱۲ قانون اساسی راجع به مصونیت نمایندگان و حوادث دوره گذشته و آثار دیکتاتوری و سلب مصونیت از نمایندگان و اهانت به آنها شرح مفصلی بیان داشت و اضافه نمود مأمورین حکومت نظامی به نام جلوگیری از هرزگی به کلوپ حزب توده حمله کردند و در آن میان قصد قتل ایشان را داشته اند و بالاخره بدست یکی از افسران مجروح و مضروب شده اند و تقاضا کرد مجلس به این امر مهم رسیدگی کند. وزیر جنگ و رئیس مجلس در این باره توضیحاتی دادند.

٤ محسن صدر نخست‌وزیر راجع به تعیین تکلیف دولت و برنامه آن توضیحاتی داد در این توضیحات به تمام نکاتی که دکتر مصدق در جلسات قبل عنوان کرده بود پاسخ داد و تقاضا نمود به برنامه دولت رأی گرفته شود ولی نمایندگان اقلیت از جلسه خارج شدند و رأی‌گیری به جلسه بعد موکول گردید.

٤ چندتن از نمایندگان آذربایجان طی اعلامیه‌ای از اقدام حزب دموکرات آذربایجان درباره استقلال داخلی و ترویج زبان ترکی اظهار نارضایتی کردند.

۵ سیف‌پور فاطمی طی نقطی وقایع آذربایجان ــ خراسان ــ مازندران و آتش‌سوزی بازار قزوین را متوجه حزب توده نموده درخواست نمود دولت باید قاطع عمل کند.

۵ زدوخورد شدیدی بین دموکرات‌ها و عده‌ای از اهالی زنجان درگرفت در این نزاع مسلحانه عده‌ای مقتول و مجروح شدند.

۵ سرانجام مجلس شورای ملی به برنامه دولت رأی اعتماد داد و از ۱۱٤ نفر عده حاضر ٦۹ نفر رأی موافق دادند.

۷ عدم صلاحیت محمد مسعود برای روزنامه‌نگاری در شورای عالی فرهنگ مطرح و درنتیجه امتیاز روزنامه مرد امروز به اتفاق آراء لغو گردید.

۱۰ اولین کنگره حزب دموکرات آذربایجان در تبریز تشکیل یافت.

۱٤ طرح سردار فاخر حکمت مبنی بر اینکه به محض تخلیه تمام خاک ایران طبق پیمان سه جانبه انتخابات شروع گردد به تصویب رسید.

۲۹ وزیر امور خارجه تصمیم متفقین را مبنی بر تخلیه ایران در دوّم مارس طبق پیمان سه‌گانه به اطلاع مجلس رسانید.

۲۹ عصر امروز سید محسن صدر استعفای خود و وزیران کابینه را به شاه داد.

آبان ماه

۲ نمایندگان مجلس شورای ملی در یک نشست خصوصی به اکثریت ۷۵ رأی از ۹٤ نفر رأی تمایل خود را به نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی ابراز داشتند و فرمان نخست‌وزیری وی صادر شد.

۱۱ بزرگترین محاکمه سیاسی تاریخ به نام دادگاه نورنبرگ کار خود را آغاز کرد در این دادگاه متهمان به جرم توطئه و جنایت علیه صلح و جنایات جنگی و ضد بشری محاکمه شدند. ریاست دادگاه به عهده لرد یورنس انگلیسی قرار گرفت. در دادگاه چهار دادستان انجام وظیفه میکردند. از چهار کشور شوروی ــ آمریکا ــ فرانسه ــ انگلیس در این دادگاه ۲۱ نفر از سران آلمان نازی به محاکمه کشیده شدند.

۱۲ ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر پس از ده روز مطالعه و گفتگو با نمایندگان سرانجام وزیران خود را به این شرح معرفی نمود: حسنعلی کمال هدایت وزیر مشاور ــ خلیل فهیمی وزیر

کشور ــ امان‌الله اردلان وزیر دادگستری ــ عبدالحسین هژیر وزیر دارایی ــ الهیار صالح وزیر مشاور ــ سرلشگر علی ریاضی وزیر جنگ ــ دکتر سعید مالک وزیر بهداری ــ احمد حسین عدل وزیر کشاورزی ــ غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ ــ سرلشگر محمدحسین فیروز وزیر راه ــ ابوالقاسم نجم وزیر امور خارجه ــ وزیر پیشه و هنر و بازرگانی بعداً معرفی خواهد شد. محمود نریمان وزیر پست و تلگراف.

۱۵ مجلس به اکثریت قریب به اتفاق به دولت رأی اعتماد داد. تنها فراکسیون حزب توده رأی نداد.

۲۱ جیره‌بندی قماش لغو شد. و ورود قماش نخی و خرید و فروش آزاد آن تصویب گردید.

۲۶ وزارت امورخارجه طی یادداشتی که به سفارت کبرای شوروی فرستاد متذکر شد دخالت نیروهای ارتش شوروی موجب گردیده است در استانهای شمالی و کردستان وقایعی بوجود آید که موجبات ناامنی و اختلاف در امور می باشد در این نامه درخواست شد به مقامات نظامی شوروی دستور دهند که با آزادی عمل ارتش و قوای تأمینه ایران در استانهای شمالی موافقت نمایند.

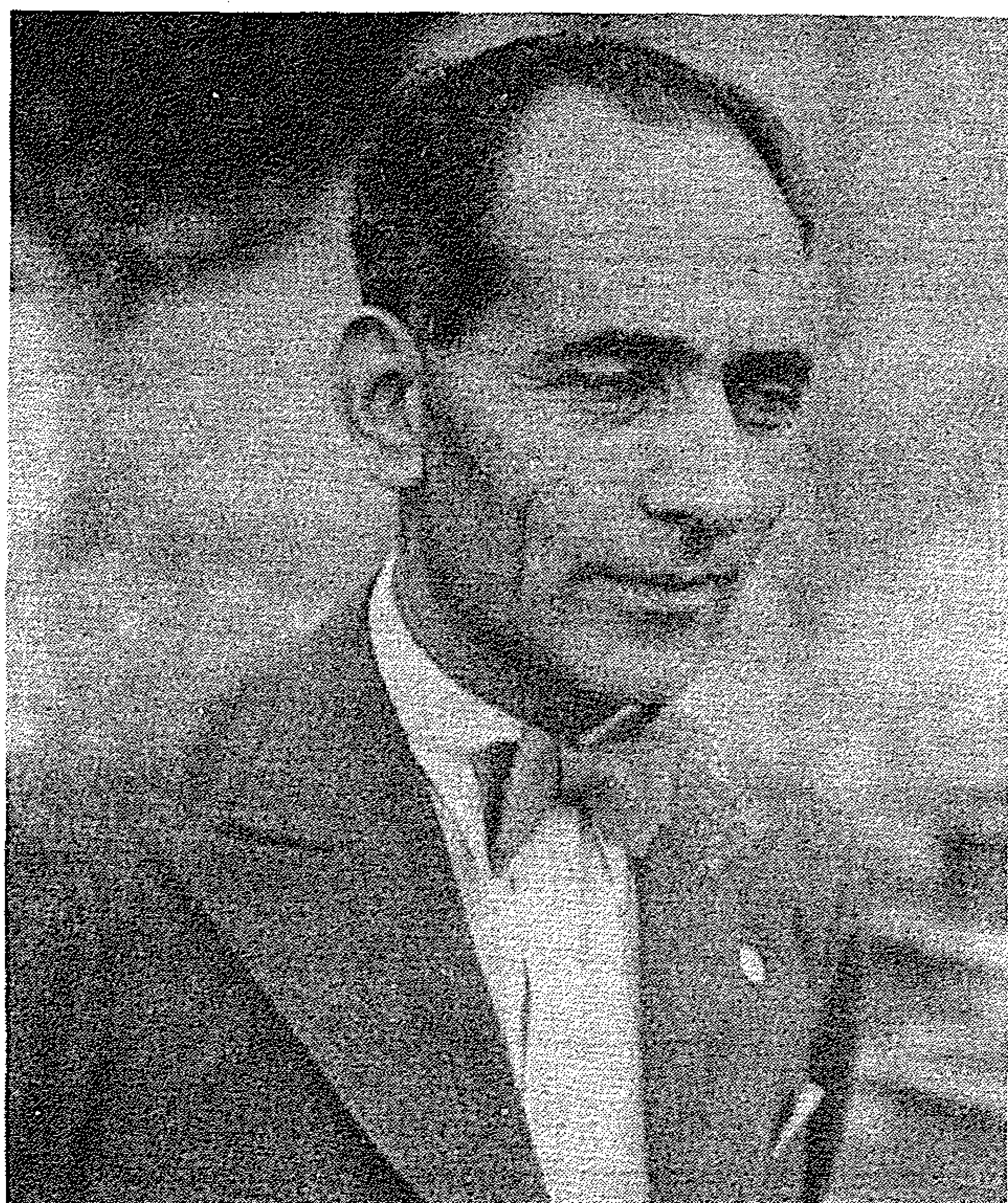
۲۶ کنگره ملی حزب دموکرات آذربایجان با شرکت نمایندگان تمام شهرهای آذربایجان و بخش ها در شهر تبریز تشکیل شد و تصمیماتی اتخاذ نمود.

۲۷ دکتر رضازاده شفق طی نطقی در مجلس درباره روابط ایران و شوروی سخن گفت و پیشنهاد کرد هیئتی به ریاست نخست‌وزیر برای توضیح افکار و آمال ملت ایران به شوروی برود و مسائل را حل کند.[۱]

۲۸ در شهرهای اهر ــ سراب ــ مراغه ــ میانه ازطرف افراد حزب دموکرات شورش هایی به عمل آمد.

آذرماه

۱ مرتضی قلی بیات (سهام السلطان) نخست‌وزیر سابق ازطرف دولت به استانداری آذربایجان انتخاب گردید. مهدی فرخ استاندار سابق قبل از حرکت به آذربایجان از سمت خویش کناره گیری کرد.



دکتر رضازاده شفق نماینده دوره چهاردهم مجلس

۱ ازطرف فرقه دموکرات آذربایجان تلگرافی به شاه ــ نخست‌وزیر ــ رئیس مجلس شورای ملی ــ روزنامه ها مخابره گردید. در مقدمه تلگراف آمده است: کنگره ملی که از نمایندگان تمام شهرستانها و بخش های آذربایجان از تاریخ ۲۶ تا ۳۰ آبان ماه ۱۳۲٤ در شهر تبریز تشکیل یافته بود در چهارمین جلسه خود به اتفاق آراء تصمیم گرفت با اعلامیه زیر به حکومت مرکزی ایران و دول معظم جهان آمریکا ــ انگلیس ــ اتحاد جماهیر شوروی ــ فرانسه و چین مراجعه نموده درخواست های مشروع و قانونی خود را که رئوس آن در موارد زیر قید شده است اعلام نمایند. رئوس مطالب در ۸ ماده تنظیم گردیده بود که اهم آن خودمختاری و رواج زبان ترکی است.

۵ سفارت شوروی طی یادداشتی دخالت نیروهای نظامی خود را در شئون آذربایجان و کردستان تکذیب کرد.

۵ رضاقلی هدایت (نیّرالملک) رئیس پیشین دیوان عالی کشور و رئیس شورای حزب اراده ملی درگذشت.

۷ مرتضی قلی بیات استاندار آذربایجان وارد تبریز شد و مذاکرات خود را با سران فرقه آغاز کرد.

۱۸ حکیمی نخست‌وزیر برای حل قضایای آذربایجان با آقایان قوام السلطنه ــ مؤتمن الملک ــ مستشارالدوله ــ

۱ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود

منصورالملک و بهاءالملک به مشاوره پرداخت.

۲۱ شهر تبریز توسط نیروهای فرقه دموکرات محاصره شد و سه ساعت قبل از ظهر مجلس ملی آذربایجان افتتاح گردید و شبستری به ریاست مجلس انتخاب گردید. پیشه‌وری وزرای کابینه خود را به این شرح معرفی کرد: دکتر سلام‌الله جاوید وزیر کشور ــ جعفر کاویان وزیر جنگ و قشون های ملی ــ دکتر مهتاش وزیر فلاحت ــ محمد بی ریا وزیر فرهنگ ــ دکتر اورنگی وزیر صحیه ــ غلامرضا الهامی وزیر مالیه ــ یوسف عظیما وزیر عدلیه ــ کبیری وزیر پست و طرق ــ رضا رسولی وزیر تجارت و اقتصاد ــ بیات ماکو وزیر تبلیغات ــ زین العابدین قیامی رئیس دیوان عالی کشور ــ فریدون ابراهیمی دادستان کل. پیشه‌وری به هنگام معرفی وزیران افزود: وزیر خارجه آذربایجان وزیر خارجه ایران است. ازطرف قاضی محمد رئیس حزب کومله کردستان هیئتی برای تبریک به تبریز اعزام شدند.

۲۱ درمجلس شورای ملی ابراهیم حکیمی طی نطقی وضع آذربایجان را تشریح کرده و افزود برای حل موضوع به اتفاق وزیر امورخارجه عازم مسکو خواهم شد.

۲۲ سهام‌السلطان بیات استاندار آذربایجان چون نتوانست کاری انجام دهد به تهران بازگشت.

۲۲ بین سید جعفر پیشه‌وری رئیس فرقه دموکرات و سرتیپ علی اکبر درخشانی فرمانده لشگر سوم آذربایجان قراردادی تنظیم گردید به موجب این قرارداد لشگر سوم آذربایجان تسلیم بلاشرط گردید.

۲۲ دولت طی دو یادداشت که برای سفارتخانه های شوروی و انگلیس فرستاد عوارض ناشی از عدم امنیت در کشور مخصوصاً حوادث آذربایجان و کردستان را مولود توقف نیروهای متفقین در ایران دانست و تأکید کرد هرچه زودتر ایران را تخلیه کنند.

۲۲ ناصر اعتمادی به سمت استانداری خراسان و مهدی فرخ به سمت استانداری فارس منصوب شدند.

۲۳ قوای کمکی برای پادگان تبریز که در شریف آباد قزوین از طرف قوای شوروی متوقف شده بودند پس از تسلیم لشگر آذربایجان به تهران مراجعت نمودند.

۲٤ مستشاران آمریکایی با موافقت وزارت دارایی به خدمت خود خاتمه دادند.

۲۶ به دستور قاضی محمد رئیس حزب کومله کردستان پرچم ایران از فراز عمارت دولتی پایین کشیده شد و پرچم استقلال کرد برفرازعمارات کردستان برافراشته شد.

۲۷ ابراهیم حکیمی پیرامون وقایع آذربایجان نطق مبسوطی در مجلس ایراد کرد.

۲۷ سرانجام تیپ رضائیه در اثر چندین روز زدوخورد با فرقه دمکرات از پای درآمد. در این نبرد قریب سه هزار نفر از طرفین کشته شدند. سرهنگ زنگنه فرمانده تیپ و سرهنگ نوربخش توقیف و برای محاکمه به تبریز اعزام گردیدند.

۲۸ سرتیپ درخشانی فرمانده لشگر آذربایجان و قریب بیست نفر از افسران لشگر وارد تهران شدند.

۲۸ دکتر محمد مصدق در جلسه امروز مجلس درباره آذربایجان سخن گفت و اضافه کرد با آذربایجان نباید جنگ کرد بلکه بایداز آنها رفع شکایت نمود تا مطیع مرکز شوند.

۲۹ الهیار صالح به سمت وزیر کشور و هاشم صهبا به وزارت پیشه و هنر و بازرگانی معرفی شدند.

۲۹ دستورالعمل انجمن های ایالتی و ولایتی ازطرف نخست‌وزیر به استانداران و فرمانداران سطح کشور ابلاغ شد.

دی ماه

٤ دولت ایران رژیم جدید جمهوری یوگسلاوی را به رسمیت شناخت.

۹ تهرانچی نماینده مجلس دولت حکیمی را به مناسبت وقایع آذربایجان و اغتشاشات در استان های دیگر کشور استیضاح کرد.

۱۲ سرلشگر محمدحسین فیروز وزیر راه از سمت خود کناره گیری کرد.

۱۵ میر سید محمد امامی امام جمعه تهران درگذشت.

۲۰ اولین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در لندن افتتاح شد.

۲۰ شیخ عبدالله فرزند شیخ خزعل با عده‌ای از اعراب مسلح به خرمشهر حمله برده عده ای از ژاندارم ها را خلع سلاح نمودند.

۲٤ دکتر سیدحسن امامی استاد دانشگاه و فرزند سید ابوالقاسم امام جمعه پیشین تهران به سمت امام جمعه انتخاب گردید.

۲۵ مجلس شورای ملی طرح مربوط به چاپ فرهنگ علی

اکبر دهخدا را تصویب کرد.

۲۹ دولت ایران درباره دخالت های شوروی در شئون ایران به شورای امنیت شکایت کرد.

۳۰ ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر به علت عدم موفقیت در قضیه آذربایجان از نخست‌وزیری استعفا داد.

بهمن ماه

۶ مجلس شورای ملی در یک جلسه خصوصی برای انتخاب نخست‌وزیری رأی‌گیری کردند عده حاضر در جلسه ۱۰۵ نفر رأی دهندگان به قوام السلطنه ۵۳ نفر به مؤتمن الملک ۵۱ نفر بودند.

۷ احمد قوام نخست‌وزیری را پذیرفت و فرمان وی صادر شد.

۸ احمد قوام نخست‌وزیر برای تحکیم روابط محبت‌آمیز تلگراف هایی به استالین و اتلی و جمس بیزنر وزیر خارجهٔ آمریکا مخابره نمود.

۸ سید حسن تقی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت نطق مفصلی ایراد نمود و طی آن از مشکلا تیکه دولت و ملت ایران به واسطه وجود نیروهای بیگانه با آن مواجه شده اند سخن راند ویشینسکی رئیس هیئت نمایندگان شوروی به وی پاسخ داد و شورای امنیت توصیه کرد ایران و شوروی مستقیماً با یکدیگر برای حل اختلافات مذاکره کنند.

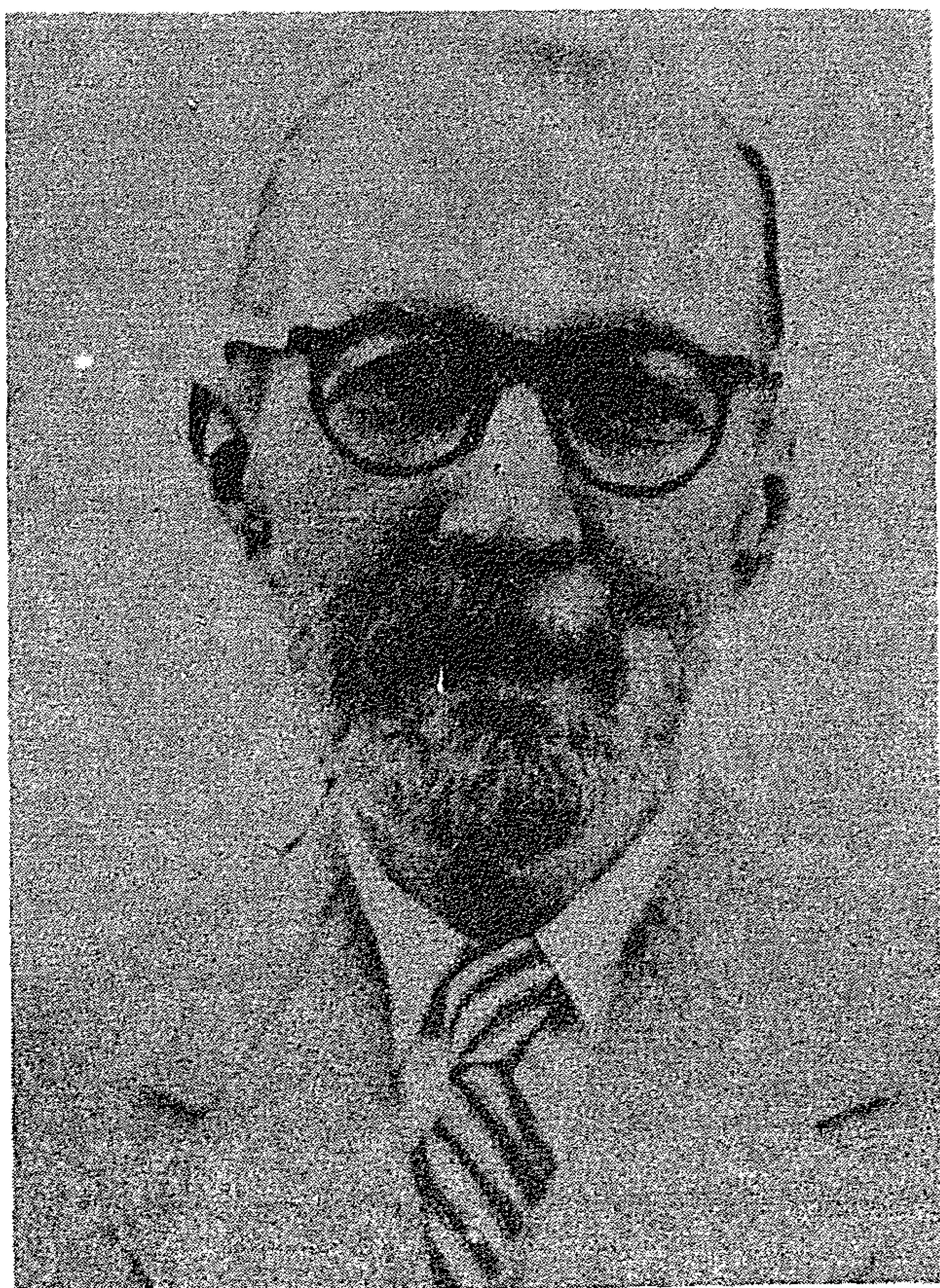
۱۰ برف شدیدی در تهران نازل شد که باعث قطع کلیه راه‌های اطراف شهر تهران شد.

۱۲ مظفر فیروز مدیر روزنامه رعد امروز به ریاست تبلیغات و معاونت سیاسی نخست‌وزیر انتخاب گردید.

۲۱ احمد قوام نخست‌وزیر اعلامیه‌ای مبنی بر آزادی اجتماعات و احزاب و لغو برخی از مقرّرات حکومت نظامی انتشار داد.

۲۶ مهدی فرخ استاندار فارس از کار برکنار و به تهران احضار شد.

۲۵ احمد قوام اعضا کابینه خود را به این شرح معرفی کرد: احمد قوام نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه و وزیر کشور ــ مرتضی قلی بیات وزیر دارایی ــ انوشیروان سپهبدی وزیر دادگستری ــ احمدعلی سَپهر وزیر پیشه و هنر ــ دکتر منوچهر اقبال وزیر بهداری ــ محمدتقی بهار وزیر فرهنگ ــ



محمد تقی بهار وزیر فرهنگ

سهام الدین غفاری وزیر پست و تلگراف ــ شمس الدین امیرعلائی کفیل وزارت کشاورزی ــ دکتر متین دفتری وزیر مشاور.

۲۷ سرلشگر حسن ارفع رئیس ستاد ارتش از کار برکنار و به جای وی سرلشگر آق اولی رئیس ستاد شد.

۲۷ سرتیپ اعتماد مقدم فرماندار نظامی و سرتیپ خسروپناه رئیس ژاندارمری از کار برکنار شدند.

۲۷ قوام نخست‌وزیر شخصاً ریاست ژاندارمری را عهده دار شد.

۲۷ سرهنگ مظفری فرماندار نظامی تهران شد.

۲۸ به علت مخالفت عده زیادی از نمایندگان مجلس دکتر متین دفتری وزیر مشاور استعفاء داد.

۲۸ قوام وزیران خود را به مجلس معرفی کرد و در صحن بهارستان تظاهراتی له و علیه دولت انجام گرفت.

۲۹ هیئتی تحت ریاست احمد قوام نخست‌وزیر برای مذاکره پیرامون تخلیه ایران به شوروی رفتند.

۲۹ سهام السلطان بیات وزیردارایی به نیابت نخست‌وزیری و



احمد قوام نخست وزیر بهنگام بازگشت از سفر مسکو باتفاق اعضاء هیئت

همایونجاه به نیابت وزارت امورخارجه و احمد فریدونی به نیابت وزارت کشور و سرهنگ معتضدی به نیابت ژاندارمری تعیین شدند.

۳۰ میسیون اعزامی به شوروی وارد مسکو شدند در فرودگاه مولوتف وزیر امورخارجه و عده زیادی از مقامات شوروی از نخست وزیر ایران استقبال کردند.

۳۰ دکتر سید ولی الله نصر که از اجله علمای معاصر بود و سالها در خدمت فرهنگ ایران صرف وقت نموده بود درگذشت.

اسفند ماه

۲ احمد قوام و ژوزف استالین پیرامون مسائل جاری دو کشور مذاکره کردند.

۱۱ کلیه نیروهای انگلیس طبق عهدنامه سه جانبه خاک ایران را ترک گفتند ولی نیروهای شوروی از تخلیه ایران خودداری نمودند. در همین روز رادیو مسکو اعلام کرد شوروی قوای خود را در یک قسمت از خاک ایران که تا اندازه‌ای آرام به نظر می رسد خارج خواهد کرد این نواحی عبارتند از مشهد ـــ

شاهرود ــ سمنان. ولی قوای شوروی در سایر نقاط باقی خواهد ماند تا اوضاع روشن شود.

۱۲ دکتر محمد مصدق در مجلس شورای ملی نطق مفصلی ایراد کرد و نسبت به عدم تخلیه ایران از نیروهای شوروی شدیداً اعتراض نمود.

۱٤ استالین ضیافت مجللی به افتخار قوام و میسیون وی در کاخ کرملین بر پا نمود. تمام مقامات شوروی در این ضیافت شرکت داشتند.

۱۶ قوام و هیئت وی خاک شوروی را ترک کردند. مولوتف و سایر مقامات شوروی در فرودگاه مسکو قوام را بدرقه نمودند. قبل از حرکت اعلامیه‌ای ازطرف دولت شوروی و دولت ایران پیرامون مذاکرات بین دو کشور منتشر شد.

۱۶ به تصویب مجلس شورای ملی به پاس خدمات علمی محمد قزوینی ماهیانه ده هزار ریال مادام‌العمر برای وی شهریه تعیین شد.

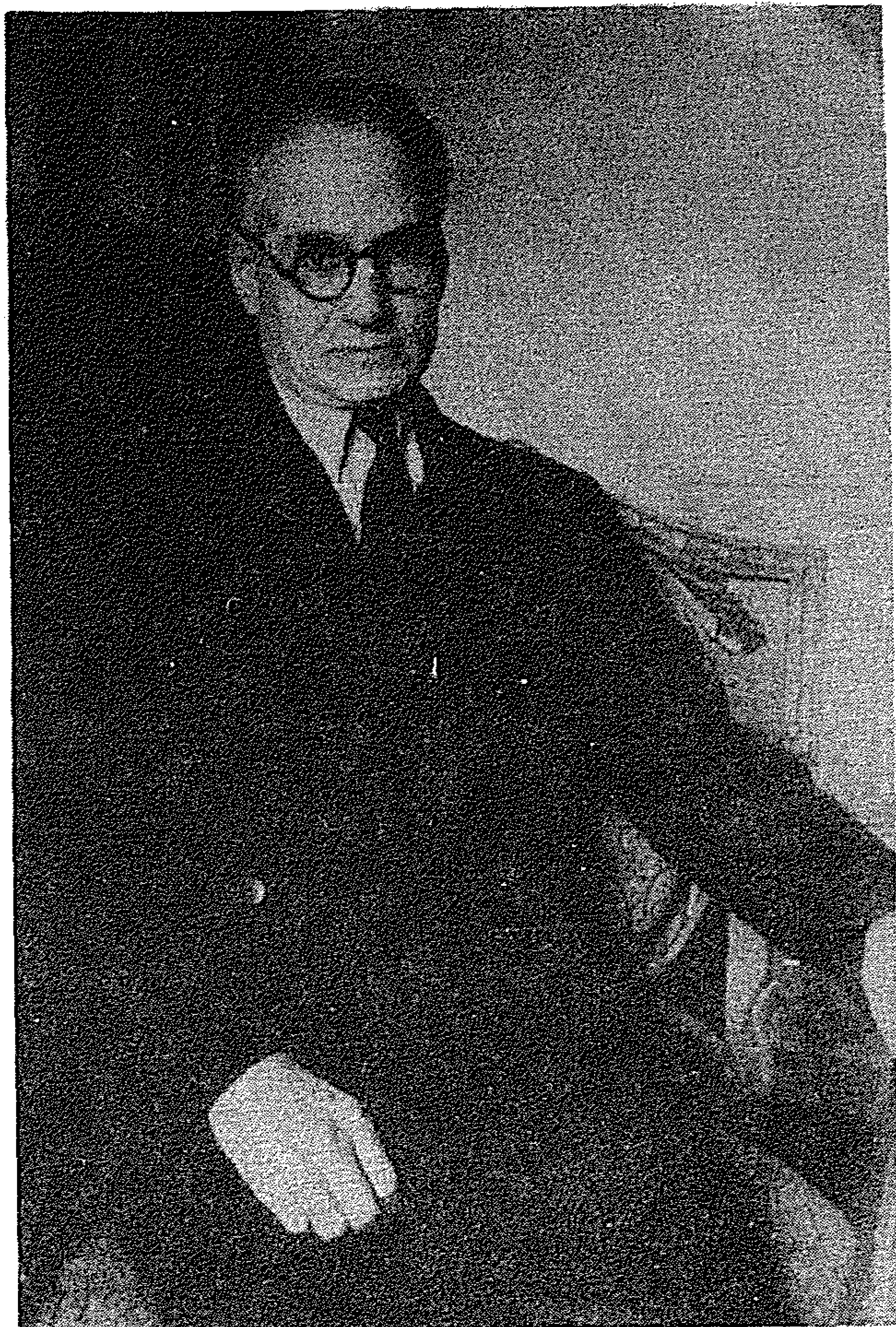
۱۹ احمد قوام نخست‌وزیر و همراهان وارد تهران شدند. ازطرف مردم استقبال پرشوری به عمل آمد.

۲۰ احمد کسروی مورّخ و محقق و مدیر روزنامه پرچم در شعبه ۷ بازپرسی دادسرای تهران به اتفاق حداد منشی خود مورد سوءقصد قرار گرفت و هردو کشته شدند. قاتلین برادران امامی ــ اصفهانی و جزء دسته فدائیان اسلام بودند.

۲۱ دوره چهاردهم مجلس شورای ملی پایان یافت. در همین روز قوام گزارش مسافرت خود را به شوروی به مجلس شورای داد.

۲۶ دولت ایران شکایتی علیه دولت شوروی مبنی برعدم تخلیه ایران در موعد مقرر و نقض قرارداد سه جانبه و دخالت در امور ایران تسلیم شورای امنیت کرد.

۲۹ سادچیکف سفیرکبیر جدید شوروی وارد تهران شد. وی دارای اختیارات کامل برای حل اختلافات ایران و شوروی می باشد.



سید احمد کسروی‌که در شعبه ۷ بازپرسی دادگستری توسط فدائیان اسلام به قتل رسید

۲۹ عمادالسلطنه فاطمی به استانداری فارس تعیین گردید.

۲۹ مهدی مشایخی به کفالت شهرداری تهران تعیین شد.

۲۹ تقی دینه‌سری و جعفر دینه‌سری و چند نفر دیگر از اشرار تیرباران شدند.

سال ۱۳۲۵ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۴۶ تا ۲۲ مارس ۱۹۴۷ میلادی

فروردین ماه

۱ آقای ترومن رئیس جمهور آمریکا اولتیماتوم معروف خود را برای دولت شوروی فرستاده و تهدید کرد که اگر شوروی ایران را تخلیه نکند آمریکا نیز نیروهای خود را وارد ایران خواهد کرد.

۱ سید ضیاءالدین طباطبایی برحسب امر رئیس دولت طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شد.

۱ سرهنگ مظفری فرماندار نظامی تهران درجه سرتیپی گرفت.

۶ سرهنگ محمدعلی صفاری مدیرکل اداره غلّه و نان به ریاست اداره کل شهربانی منصوب شد.

۶ گرومیکو نماینده دولت شوروی در شورای امنیت اشاره به تخلیه ایران از قوای شوروی نمود و اضافه کرد تدریجاً امر تخلیه اجرا خواهد شد و نیازی به مذاکره در شورای امنیت نمی باشد. نمایندگان آمریکا و انگلیس معتقد بودند که تخلیه ایران از قوای شوروی باید در شورای امنیت مطرح شود. موضوع طرح مسئله در شورای امنیت به رأی گذارده شد ۹ رأی موافق و ۲ رأی مخالف داده شد در همین جلسه حسین علاء نماینده ایران در شورای امنیت نطق مفصلی ایراد و گفت شوروی از ایران توقعاتی دارد که با حاکمیت و استقلال ایران مغایر است.

۱۰ حمید سیاح به سمت وزیر مختار ایران در شوروی تعیین گردید.

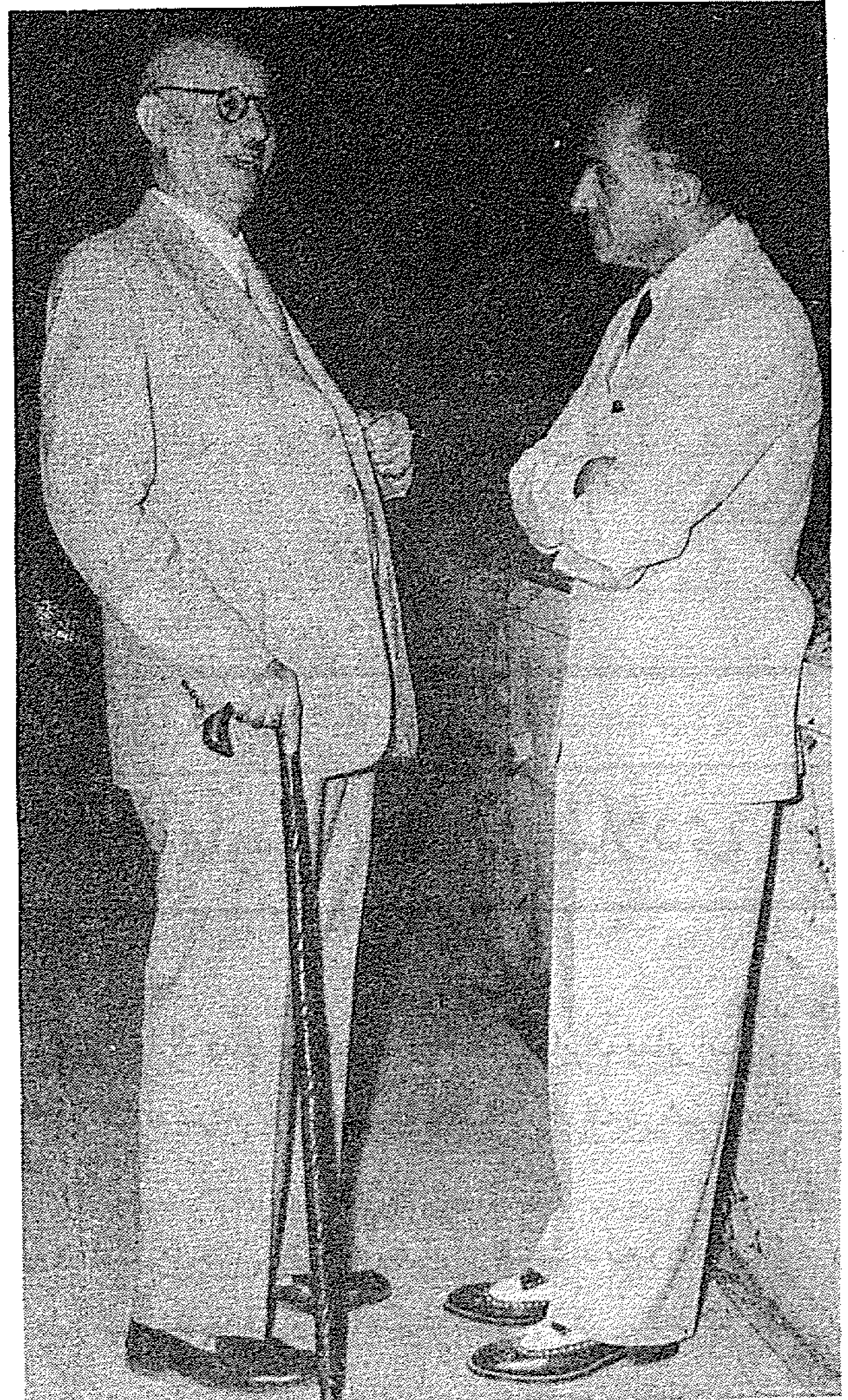
۱۰ اولین جلسه شورای عالی اقتصاد به ریاست قوام و عضویت مظفر فیروز ــ دکتر علی امینی ــ عبدالحسین نیک‌پور ــ ابوالحسن صادقی ــ ابوالحسن ابتهاج ــ سلمان اسدی ــ علی وکیلی ــ دانش بزرگ‌نیا ــ کورس خسروشاهی و آرامش تشکیل شد دکتر امینی دبیرکل شورای عالی اقتصاد شد.

۱۰ هاشم صهبا وزیر سابق پیشه و هنر و بازرگانی مدیرعامل بانک کشاورزی شد.

۱۵ محمدرضا وجدانی دادستان کل کشور بازنشسته شد.

۱۵ علی هیئت رئیس شعبه ۷ دیوانعالی کشور به سمت دادستان کل منصوب گردید.

۱۵ مذاکرات قوام و سادچیکف سفیر جدید شوروی پایان یافت و اعلامیه مشترکی صادر کردند. در متن اعلامیه آمده است ۱ــ ارتش شوروی ظرف یک ماه و نیم خاک ایران را تخلیه خواهد کرد ۲ــ قرارداد ایجاد شرکت نفت ایران و شوروی تا انقضاء مدت هفت ماه برای تصویب مجلس پانزدهم پیشنهاد شود. ۳ــ درمورد آذربایجان چون مسئله داخلی ایران



علی هیئت دادستان کل کشور باتفاق ابوالحسن ابتهاج

است ترتیب مسالمت‌آمیزی اتخاذ گردد.

۱۷ هیئت وزیران برای اداره امور کارخانه و مؤسسات صنعتی و معدنی و بهره‌برداری از آنها مؤسسه‌ای به نام بانک صنعتی و معدنی ایران تأسیس کرد.

۱۸ احمد قوام طی تلگرافی از استالین درباره مذاکرات ایران و شوروی تشکر کرد.

۱۸ مهندس احمد مصدق رئیس کل بنگاه راه‌آهن دولتی شد.

۱۸ شمس‌الدین امیرعلایی کفیل وزارت کشاورزی دانشکده کشاورزی کرج را به دانشگاه تهران واگذار کرد.

۲۰ سرلشگر حسن ارفع رئیس سابق ستاد ارتش به امر رئیس دولت طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شد.

۲۹ آخرین مجمع عمومی جامعه ملل در ژنو تشکیل شد و انحلال آن جامعه را اعلام نمود.

اردیبهشت ماه

۲ اعلامیه‌ای درباره تصمیمات دولت نسبت به آذربایجان منتشر گردید.

۲ شورایعالی کار برای تعیین رابطه بین کارگر و کارفرما، تهیه قانون کار، ایجاد کار، و رسیدگی به دعاوی کارگران تشکیل شد. دکتر کریم سنجابی منشی شورایعالی کار شد.

۲ شورایعالی انتخابات تشکیل شد تا در موقع انتخابات ناظر جریان برای صحت عمل باشد. الهیار صالح منشی شورایعالی انتخابات گردید.

۸ سید جعفر پیشه‌وری صدر فرقه دموکرات آذربایجان به اتفاق هیئتی وارد تهران شدند.

۱۱ به مناسبت مطابقت با اول ماه مه مراسم عید کارگران در تهران بر پا بود و نمایش عظیمی ازطرف شورای متحده مرکزی و اتحادیه های کارگران در تهران داده شد.

۱۲ برحسب امر رئیس دولت میرزا کریم خان رشتی مشاور محمدرضا پهلوی طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شد.

۱۲ غلامحسین رهنما معاون دانشگاه تهران و وزیر سابق فرهنگ که از علمای ریاضیات و نجوم بود بر اثر عارضه قلبی درگذشت و در ایوان مقبره ناصرالدینشاه مدفون شد.

۱۷ اعزاز نیک‌پی استاندار کرمانشاه و دکتر شایگان معاون وزیر فرهنگ شدند.

۲۳ سید جعفر پیشه‌وری و هیئت نمایندگان آذربایجان تهران را ترک نمودند. بین طرفین توافق ایجاد نشد.

۳۰ برحسب امر رئیس دولت آقایان علی دشتی ـــ جمال امامی ـــ سالار سعید سنندجی طبق ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت شدند.

۳۰ اداره کل امور هواپیمایی کشور تأسیس شد.

خرداد ماه

۱ در جلسه امروز شورای امنیت موضوع تخلیه ایران از نیروهای شوروی مطرح گردید چون گزارش کاملی از وضع ایران در دست نبود لذا اتخاذ تصمیم مدتی به تعویق افتاد.

۱ سرلشگر بازنشسته علی رزم‌آرا از بازنشستگی خارج و به

خدمت دعوت شد و به ریاست بازرسی مناطق آذربایجان و کردستان منصوب گردید.

۴ سفیرکبیر شوروی رسماً اعلام کرد تخلیه ایران از نیروهای شوروی انجام گرفته است.

۶ دولت تصمیم گرفت خالصجات دولتی را بین زارعین مجاناً تقسیم کند.

۶ انجمن روزنامه‌نگاران تأسیس گردید.

۸ برحسب دستور نخست‌وزیر حسین علاء از نمایندگی ایران در شورای امنیت معاف شد.

۱۴ نخست‌وزیر ابلاغیه‌ای صادر کرد که به ارتش نباید توهین شود.

۱۷ رضا حکمت (سردار فاخر) به استانداری کرمان برگزیده شد.

۲۱ یک هیئت سیاسی به ریاست مظفر فیروز و یک هیئت نظامی به ریاست سرتیپ عبدالله هدایت ازطرف نخست‌وزیر به تبریز عزیمت نمودند تا مذاکرات لازم با دولت خودمختار آذربایجان انجام دهند اعضاء هیئت عبارتند از ابوالحسن صادقی ــ موسوی‌زاده و سرهنگ محمدعلی علوی مقدّم.

۲۳ بین هیئت نمایندگی ایران و سران فرقه دموکرات موافقت‌نامه‌ای امضاء و مبادله شد.

۲۵ دکتر سلام‌الله جاوید وزیر داخله آذربایجان ازطرف دولت به استانداری آذربایجان منصوب شد.

۲۷ نام ژاندارمری کل کشور به اداره نگهبانی تبدیل شد.

۲۷ عباس اسکندری مدیر روزنامه سیاست و یکی از مؤسسین حزب توده فرماندار تهران شد.

۲۷ دولت هشت میلیون ریال برای اصلاحات آذربایجان در اختیار انجمن ایالتی تبریز قرار داد.

تیر ماه

۴ نخستین کنگره نویسندگان ایران با حضور دانشمندان، فضلا، ادباء و محققین در انجمن فرهنگی ایران و شوروی افتتاح شد. اعضاء هیئت رئیسه کنگره به این شرح معرفی شدند: مستشارالدوله صادق ــ ملک الشعرای بهار ــ علی اصغر حکمت ــ دکتر سیدعلی شایگان ــ علی اکبر دهخدا ــ بانو مهکامه کاظمی ــ بدیع الزمان فروزانفر ــ صادق هدایت ــ کریم کشاورز و میلانی.

این کنگره هفت جلسه تشکیل شد و درباره نظم و نثر و ترجمه و روزنامه‌نویسی در قرن اخیر به مذاکره پرداخت و حاصل مذاکرات به صورت قطعنامه انتشار یافت.

۵ قاضی محمد رهبر حزب کومله کردستان برای مذاکره با دولت وارد تهران شد.

۹ احمد قوام طی پیامی تشکیل حزب دموکرات ایران را به اطلاع ملت ایران رسانید.

۹ اعلامیه‌ای مبنی بر ائتلاف حزب توده و حزب ایران به امضای آقایان الهیار صالح و مهندس غلامعلی فریور ازطرف حزب ایران و آقایان دکتر فریدون کشاورز و ایرج اسکندری و ضیاء الدین الموتی ازطرف حزب توده انتشار یافت.

۱۱ سرلشگر حاج علی رزم‌آرا برای بار سوم به ریاست ستاد ارتش منصوب شد.

۱۵ برحسب دستور رئیس دولت احمدعلی سپهر (مورخ الدوله) وزیر بازرگانی و پیشه و هنر از کار برکنار و طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت و به کاشان تبعید شد.

۲۳ در تمام مراکز نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان ازطرف کارگران عضو اتحادیه کارگران اعتصاب عمومی اعلام گردید درنتیجه بین دستجات مختلف کارگران کار به زدوخورد خونین کشید. جمعی از قبایل عرب نیز در این زدوخورد شرکت داشتند.

۲۳ مظفر فیروز معاون سیاسی نخست‌وزیر به نمایندگی دولت به خوزستان عزیمت کرد و حکومت نظامی در آن استان برقرار گردید.

۲۵ ازطرف سفارت انگلیس در تهران درمورد وقایع خوزستان اعلامیه‌ای انتشار یافت. در این اعلامیه آمده بود روز یکشنبه ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیر ماه) اعتصاب عمومی کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس شروع شد. دولت ایران در ساعت ۸ صبح اعلام حکومت نظامی نمود. عصر ۱۴ ژوئیه بین اعراب محلی و طرفداران حزب توده نزاعی رخ داد. در این زدوخورد خونین ۱۷ نفر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی شدند. روز ۱۵ ژوئیه اعتصاب ادامه یافت. مظفر فیروز نماینده نخست‌وزیر و احمد آرامش کفیل وزارت پیشه و هنر، نماینده حزب توده وارد آبادان شدند. این اعتصاب به دلایلی کاملاً سیاسی ترتیب داده شده بود.

۲۶ در سمنان بین کارگران عضو حزب توده و کارگران مخالف زدوخورد شدیدی روی داد. عده کثیری از طرفین مجروح شدند. به دستور دولت در سمنان حکومت نظامی استقرار یافت.

آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی که به عزم زیارت مشهد در سمنان اقامت داشت مسبب بلوا و زدوخورد خونین شهر سمنان شناخته شد و طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت گردید. دولت در این مورد اعلامیه‌ای انتشار داد و مشروحاً به دخالت سید ابوالقاسم کاشانی اشاره کرد.

۲۹ لوئی سایان دبیر مسئول سندیکای کارگری جهان وارد تهران شد. رضا روستا صدر شورای اتحادیه کارگران میهماندار بود.

۲۹ هیئت مؤسس حزب دموکرات ایران احمد قوام را به سمت رهبر کل حزب برگزید. اعضاء کمیته مرکزی به این شرح معرفی شدند. سردار فاخر حکمت ــ مظفر فیروز ــ محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان ــ موسوی‌زاده ــ سیدهاشم وکیل ــ ابوالحسن حائری‌زاده ــ ابوالحسن عمیدی نوری ــ محمود محمود ــ زین‌العابدین فروزش ــ ابوالحسن صادقی و حسن ارسنجانی.

۲۹ عصر امروز عده کثیری از کارگران در میدان سپه در مقابل لوئی سایان رژه دادند.

۳۰ لوئی سایان در میهمانی انجمن روزنامه‌نگاران اعلام کرد به هیچ حزبی منتسب نیست.

مرداد ماه

۲ محمدرضا پهلوی شاه ایران به احمد قوام نخست‌وزیر اختصاصاً لقب جناب اشرف داد.

۲ طبق تصویبنامه هیئت وزیران کلیه کارمندان پیمانی، حکمی، روزمزد، قراردادی کارمندان رسمی دولت شناخته شدند و براساس سوابق آنها رتبه اداری گرفتند.

۳ لویی سایان به اتفاق رضا روستا و ایرج اسکندری به آذربایجان رفتند.

۵ سید جواد ظهیرالاسلام ازطرف شاه نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار شد.

۵ آقاخان اشرفی استاندار خراسان ــ احمد صلاحی استاندار کرمانشاه و اعزاز نیک‌پی معاون نخست‌وزیر شدند.

۵ دکتر مهتاش رئیس کشاورزی آذربایجان ازطرف وزارت کشور به معاونت استانداری آذربایجان و فرمانداری تبریز برگزیده شد.

۷ لوئی سایان تهران را ترک نمود.

۸ به دنبال تشکیل کنفرانس وزیران چهار دولت نخست‌وزیر ایران مجدداً مطالبه خسارات وارده ناشی از جنگ به ایران را مطالبه نمود.

۹ ساعت ۸ بعدازظهر هیئت وزیران به هیئت اجتماع استعفا دادند.

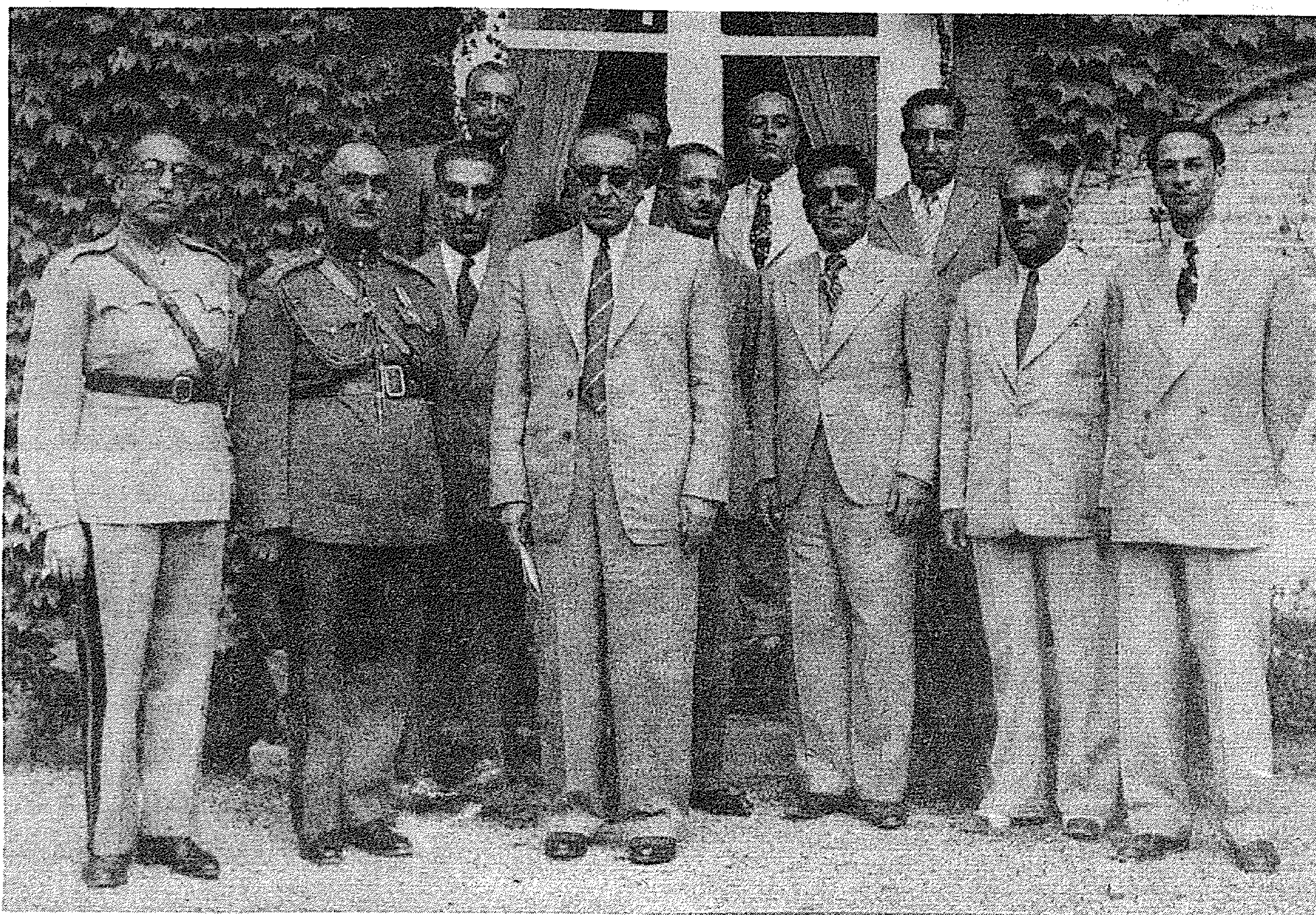
۱۰ عصر امروز احمد قوام نخست‌وزیر کابینه ائتلافی خود را با شرکت وزیران حزب توده ایران، حزب دموکرات ایران، حزب ایران به این شرح به شاه معرفی کرد: احمد قوام نخست‌وزیر ــ وزیر امور خارجه ــ وزیر کشور ــ سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ ــ عبدالحسین هژیر وزیر دارایی ــ الهیار صالح وزیر دادگستری ــ سرلشگر فیروز وزیر راه ــ انوشیروان سپهبدی وزیر مشاور ــ دکتر منوچهر اقبال وزیر پست و تلگراف ــ مظفر فیروز وزیر کار و تبلیغات ــ شمس‌الدین امیرعلائی وزیر کشاورزی ــ دکتر مرتضی یزدی وزیر بهداری ــ ایرج اسکندری وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ــ دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ.

۱۰ نخست‌وزیر پس از معرفی کابینه اعلامیه‌ای انتشار داد و علت شرکت نمایندگان بعضی از احزاب را توجیه نمود.

۱۲ دکتر کشاورز وزیر فرهنگ ــ ایرج اسکندری وزیر پیشه و هنر و دکتر یزدی وزیر بهداری و الهیار صالح وزیر دادگستری در وزارتخانه‌های خود دست به تغییرات دامنه‌داری زدند در وزارت فرهنگ و وزارت پیشه و هنر تمام مشاغل حساس در اختیار افراد حزب توده قرار گرفت.

۲۱ احمد قوام طی اعلامیه‌ای متذکر شد افراد ارتش ــ نگهبانی و شهربانی باید از مداخله در امور سیاسی برکنار باشند چنانچه یکی از افراد به وظایف سیاسی اشتغال ورزیده و داخل احزاب شود تسلیم دادگاه نظامی خواهد شد.

۲۲ سفارت کبرای انگلیس عزیمت قوای خود را از هند به عراق برای ورود به ایران تکذیب کرد و از اقدامات دولت در اعاده امنیت در مناطق نفت‌خیز تشکر کرد.



هیئت وزیران احمد قوام نخست‌وزیر در این کابینه بین احزاب ائتلاف شد حزب ایران و حزب دموکرات ایران و حزب توده ایران در کابینه شرکت کردند حزب توده سه وزیر به کابینه معرفی نمود.

۲۳ هیئت وزیران تصویب کرد به فارغ التحصیلان دانشکده‌ها و هنرستان‌های فنی و کشاورزی و دامپزشکی و مخترعین وام شرافتی اعطاء نماید حداکثر وام ۵۰ هزار ریال خواهد بود.

۲۶ در جلسه امروز انجمن صلح پاریس در اثر پافشاری ویشینسکی نماینده دولت اتحاد جماهیر شوروی ایران به انجمن صلح پاریس پذیرفته شد.

۲۷ برحسب امر رئیس دولت آقایان دکتر هادی طاهری ــ حسام دولت‌آبادی ــ شیخ حسین لنکرانی ــ احمد لنکرانی ــ حسام لنکرانی ــ مرتضی لنکرانی ــ مصطفی لنکرانی طبق ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت شدند.

۳۰ شبستری رئیس انجمن ایالتی تبریز و دکتر سلام‌الله جاوید استاندار آذربایجان در رأس هیئتی وارد تهران شدند.

۳۱ سپهبدی وزیر مشاور که از طرف دولت برای شرکت در انجمن صلح پاریس انتخاب شده بود در رأس هیئتی وارد پاریس شد.

شهریور ماه

۱ عشایر فارس دست به یاغیگری زدند و از اطاعت حکومت مرکزی سر پیچی نمودند.

۱ سرلشگر فضل‌الله زاهدی به عنوان بازرس ارتش به فارس اعزام شد.

۷ رکن الدین میرزا قاجار فرزند محمدحسن میرزا ولیعهد سابق ایران وارد تهران شد. نامبرده اصالتاً ازطرف خود و وکالتاً ازطرف سایر ورّاث درمورد املاک اقدسیه و سلطنت‌آباد که متعلق به پدرش بوده و دولت وقت آنرا تصاحب نموده با دولت مذاکراتی کرد.

۱۰ حاج سید نصرالله تقوی رئیس دیوانعالی کشور به تقاضای شخصی بازنشسته شد و به جای وی شفیع جهانشاهی رئیس شعبه دوّم مقام ریاست دیوان عالی تمیز گرفت.

۱۴ مجید آهی سفیرکبیر ایران در مسکو که مدتی بیمار و

بستری بود در تهران درگذشت.

۱۵ میتینگ بزرگی ازطرف حزب دموکرات ایران در میدان توپخانه با حضور قوام انجام گرفت.

۱۵ طبق اطلاعات متعدد به منظور جلوگیری از توطئه ای که علیه دولت در اصفهان و خوزستان درحال تکوین بود هیئتی به ریاست مظفر فیروز وزیر کار و تبلیغات و معاون سیاسی نخست‌وزیر وارد اصفهان شد. فیروز به محض ورود به فرودگاه اصفهان اعلام حکومت نظامی نمود و سرتیپ معتضدی فرمانده لشگر را به فرمانداری نظامی برگزید و دستور توقیف مرتضی قلی بختیاری ــ جهانشاه صمصام فرماندار چهارمحال ــ امیر بهمن بختیاری و عده‌ای دیگر را صادر کرد.

۱۸ به دستور مظفر فیروز سرهنگ عبدالحسین حجازی فرمانده لشگر خوزستان و ابوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن دستگیر و بازداشت شدند.

۲۰ به دنبال دستگیری و توقیف فرمانده لشگر خوزستان و بازجویی از وی توسط مظفر فیروز،سپهبد احمدی وزیر جنگ و سرلشگر رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش به عنوان اعتراض کناره گیری کردند.

۲۱ احمد قوام نخست‌وزیر بامداد امروز در وزارت جنگ حضور یافته از توقیف فرمانده لشگر خوزستان اظهار تأسف و عذرخواهی نمود و اعلامیه ای در حرمت افسران انتشار داد.

۲۸ پادگان کازرون توسط خوانین ممسنی ــ قشقائی ــ بویراحمدی و افراد آنها محاصره شد و جنگ سختی در آنجا درگرفت.

۳۰ پست های ژاندارمری بین اصفهان و شیراز و بوشهر مورد تعرض ایلات متمرد جنوب قرار گرفت.

۳۰ سرلشگر فضل الله زاهدی به فرماندهی قوای جنوب و سرپرستی استانداری فارس تعیین شد.

۳۱ برادران قشقایی طی تلگرافی از نخست‌وزیر خواستند ۱ ــ تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی در فارس ۲ ــ خودمختاری ۳ ــ اصلاح امور کشور و برکناری وزرای توده‌ای مدت تصمیم‌گیری برای خواسته‌ها تا غروب شنبه اول مهرماه تعیین شد. با وجودی که سران قشقائی برای دولت مهلت قائل شده بودند ولی تمام منطقهٔ فارس زیر سلطه آنها قرار داشت و مأمورین دولتی در هر اموری مسلوب الاختیار بودند.

مهر ماه

۱ عشایر یاغی جنوب، شهر بوشهر را به تصرف خود درآوردند. عده زیادی از نظامیان و اهالی مقتول شدند.

۲ احمد قوام نخست‌وزیر طی مخابره حضوری با ناصر قشقایی او را متوجه عواقب وخیم طغیان علیه دولت نمود و به وی هشدار شدید داد.

۳ یاغی‌گری عشایر فارس در تمام منطقه ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد. شهر کازرون مورد حملات خونبار عشایر قرار گرفت.

۳ به دستور احمد قوام نخست‌وزیر هیئتی مرکب از نیک پی معاون نخست‌وزیر، سردار فاخر حکمت، علی هیئت دادستان کل، سرپاس صفاری رئیس شهربانی، امیرهمایون بوشهری برای مذاکره با سران عشایر مخصوصاً ناصر قشقایی به شیراز رفتند.

۱۰ دادگاه نورنبرگ که به منظور محاکمه سران نازی و آتش افروزان جنگ جهانی تشکیل شده بود پس از یازده ماه محاکمه که ۴۰۲ جلسه تشکیل داد سرانجام رأی خود را صادر نمود. از متهمین دادگاه دوازده نفر محکوم به اعدام، سه نفر حبس ابد بقیه بین بیست تا ده سال زندان گرفتند. به موجب حکم همین دادگاه دکتر شاخت. فن پاپن و فریچه تبرئه شدند.

۱۳ پادگان کازرون پس از پانزده روز زدوخورد با عشایر به علت نرسیدن نیروی کمکی سقوط کرد.

۱۴ فرمان انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی صادر شد.

۲۱ هیئت وزیران به دنبال استماع گزارش سرلشگر زاهدی تصمیم گرفت نامبرده با اختیارات تام به فارس مراجعت نموده موضوع را به صورت مسالمت آمیز خاتمه دهد.

۲۲ سرلشگر زاهدی فرمانده نیروی جنوب به فارس وارد شد و با ناصر قشقایی مذاکراتی انجام داد.

۲۴ محمد ناصر قشقایی طی تلگرافی به احمد قوام متذکر شد دستور پراکندگی نفرات را دادم و از این تاریخ تمام ایلات جنوب مطیع و منقاد دولت و شخص نخست‌وزیر هستند.

۲۴ ده نفر جنایتکاران نازی بامداد امروز در زندان نورنبرگ

بدار مجازات آویخته شدند و اجساد آنها در گورهای مخفی و بدون علامت به خاک سپرده شد. اعدام شدگان عبارتند بودند از: کالتن برونر رئیس گشتاپو ــ الفرد روزنبرک فیلسوف معروف نازی ــ هانس فرانک فرماندار لهستان ــ ویلهلم فریک فرماندار چک اسلاواکی ــ فرانس ساوکل رئیس جبهه کار ــ سبس اینکوارات فرماندار اتریش ــ بولیوس اشترایستر دشمن معروف یهود ــ فن ریبن تروب وزیر امورخارجه ــ مارشال کاتیل فرمانده قوای آلمان ــ ژنرال بورس رئیس ستاد ارتش. فیلد مارشال گورنیک متهم ردیف اول در ساعت قبل از اجرای حکم در زندان نورنبرگ با سیانور خودکشی کرد وی فرمانده نیروی هوایی و نخست وزیر آلمان بود.

۲۵ عصر امروز نخست وزیر استعفای کابینه را به شاه داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد.

۲۷ احمد قوام وزیران تازه را به این شرح به شاه معرفی کرد احمد قوام نخست وزیر ــ احمد قوام وزیر امورخارجه ــ احمد قوام وزیر کشور ــ سپهبد احمدی وزیر جنگ ــ عبدالحسین هژیر وزیر دارایی ــ حمید سیاح وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ــ دکتر اقبال وزیر بهداری ــ شمس الدین امیرعلائی وزیر کشاورزی ــ دکتر سیدعلی شایگان وزیر فرهنگ ــ نیک پی وزیر پست و تلگراف و معاون نخست وزیر ــ موسوی زاده وزیر دادگستری ــ محمدولی فرمانفرمائیان وزیر کار و تبلیغات ــ ابوالحسن صادقی وزیر راه.

۲۸ مظفر فیروز به سمت سفیرکبیر ایران در شوروی تعیین شد.

۲۸ دکتر حسین پیرنیا به معاونت نخست وزیری ــ محمود محمود بجای موسوی زاده به استانداری تهران و ابوالقاسم امینی به استانداری اصفهان تعیین شدند.

آبان ماه

۱ بمناسبت صدمین روز تأسیس حزب دموکرات ایران اعلامیه ای ازطرف نخست وزیر صادر شد و افراد حزب در تهران و شهرستانها رژه رفتند.

٤ محمدحسین قشقائی به نمایندگی ازطرف ایلات و عشایر جنوب به تهران آمد و با نخست وزیر مذاکره کرد و اعلام آمادگی نمود که ایلات جنوب از دولت مرکزی اطاعت خواهند کرد.

۵ احمد آرامش گرداننده تبلیغات حزب دموکرات و مدیر روزنامه های بهرام و دیپلمات به معاونت وزارت پیشه و هنر منصوب شد.

۱۳ حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالحسن اصفهانی پیشوای بزرگ شیعیان جهان در شهر کاظمین به رحمت ایزدی پیوست. بمناسبت رحلت پیشوای شیعیان وزارتخانه ها و سازمانهای کشوری و لشگری تعطیل شدند همچنین بازار تهران، شهرستانها و اصناف سه روز تعطیل نمودند و مراسم عزاداری باشکوهی بر پا ساختند.

هیئت علمیه تهران طی تلگرافی که به حضرت آیت‌الله حاج آقاحسین قمی مخابره نمودند. ضمن عرض تسلیت تقاضا نمودند سر پرستی هیئت علمیه را عهده دار شوند.

فرماندار نظامی تهران بموجب اعلامیه ای متذکر شد احزاب حق اجتماع جز در محل حزب ندارند. کارگران نیز نمیتوانند در کارخانه ها اجتماع کنند.

۲۷ قرارداد نقشه برادری شهر تهران برای اجرای امر لوله کشی بین شهرداری تهران و شرکت انگلیسی الکساندر گیپ منعقد شد.

۲۸ قوای اعزامی از مرکز که در قزوین متوقف بودند به فرماندهی سرتیپ علی اکبر شعری به شهر زنجان وارد شد.

۲۸ آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی فرزند ارشد مرحوم آیت‌الله میرزاحسن آشتیانی در سن ۸۵ سالگی درگذشت. مرحوم آشتیانی در واقعه رژی و تحریم تنباکو در کنار پدر بزرگوار خود جانفشانی ها نموده بود.

آذر ماه

۱ ازطرف نخست وزیر اعلامیه اعزام نیرو به زنجان و خمسه صادر شد.

٤ عده زیادی از مدیران جراید و خبرنگاران داخلی و خارجی وارد زنجان شدند.

۸ عبدالحسین هژیر وزیر دارائی ــ علی اکبر موسوی زاده وزیر دادگستری ــ سیدعلی شایگان وزیر فرهنگ ــ دکتر منوچهر اقبال وزیر بهداری و همچنین مدیرکل تبلیغات و انتشارات وارد زنجان شدند.

۱۹ طبق دستور نخست وزیر نیروهای ارتش از زنجان به طرف

میانه، قافلانکوه و تبریز حرکت کردند.

در ستون زیرآب بین نظامیان و نیروهای نظامی جنگ درگرفت. پس ازچند ساعت زدوخورد کلیه افراد فرقه دموکرات دستگیر شدند.

ساختمان کاخ دادگستری که عملیات ساختمانی آن از فروردین ۱۳۱۷ آغاز شده بود افتتاح شد این ساختمان مجموعاً ۵۵۰ اتاق و سالن بزرگ و هفت حیاط دارد. مقاطعه کار شرکت اشکودا بوده است.

۲۰ نیروی نظامی شهر میانه را تصرف کرد. ژنرال غلام یحیی دانشیان و فدائیان دموکرات ضمن عقب‌نشینی و جنگ و گریز و غارت بانک ها و ادارات دولتی به سمت تبریز حرکت نمودند.

پیشه‌وری و وزیران فرقه دموکرات و سایر مقامات از مرز گذشته وارد خاک شوروی شدند.

۲۱ نیروهای دولتی به فرماندهی سرهنگ حسین هاشمی وارد شهر تبریز شدند و زمام امور را بدست گرفتند.

۲۱ سرهنگ هاشمی بدرجه سرتیپی ارتقاء درجه پیدا کرد.

۲۲ عده زیادی از سران فرقه دموکرات و افسران ارتش پیشه‌وری بازداشت شدند.

۲۲ دکتر جاوید و شبستری بازداشت و به تهران اعزام شدند.

۲۲ نیروی دولتی تمام شهرهای آذربایجان را تصرف کرد.

۲۳ شاه از سرلشگر رزم‌آرا رئیس ستادارتش بمناسبت وقایع آذربایجان تقدیر کرد.

۲٤ در تمام شهرهای آذربایجان حکومت نظامی اعلام شد.

۲۵ سرهنگ زنگنه فرماندار نظامی تبریز شد.

دو دادگاه صحرائی طبق قوانین زمان جنگ در تبریز برای مجازات بزهکاران تشکیل شد.

۲۷ یکصد و چهل و هشت نفر از فدائیان دموکرات که در معدن زیرآب به طرف نظامیان تیراندازی کرده بودند در دادگاه صحرأی ارتش محاکمه شدند سه نفر محکوم به اعدام و چهار نفر حبس ابد و عده‌ای به حبس های مختلف محکوم گردیدند.

۲۷ شاه طی نامه‌ای از خدمات احمد قوام در حل غائله آذربایجان تشکر و سپاسگزاری کرد.

۲۷ سه نفر از وزیران کابینه برای شرکت در انتخابات از وزارت کناره گیری کردند. وزیران مستعفی عبارتند از:



محمد علی همایون‌جاه وزیر امور خارجه

محمدولی فرمانفرمائیان وزیر کار و تبلیغات، ابوالحسن صادقی وزیر راه، اعزاز نیک‌پی وزیر پست و تلگراف.

۲۹ احمد قوام وزیران جدیدی برای عضویت کابینه باین شرح تعیین نمود: محمدعلی همایون‌جاه وزیر امورخارجه، غلامحسین فروهر وزیر راه ـــ احمد آرامش وزیر کار و تبلیغات ـــ احمد فریدونی کفیل وزارت کشور.

دی ماه

۳ نام اداره نگهبانی به ژاندارمری تغییر یافت.

٤ طبقات هفتگانه که ازطرف استانداری تهران برای انتخاب انجمن نظارت بر انتخابات دعوت شده بودند هیئت رئیسه خود را باین شرح معرفی نمودند: شفیع جهانشاهی رئیس ـــ دکتر علی امینی نایب رئیس ـــ سیدهاشم وکیل و حاج محمدتقی کی‌نژاد ـــ احمد اخوان و ارباب مهدی یزدی، منشی.

۵ علی منصور به استانداری آذربایجان منصوب شد. سپهبد یزدان‌پناه به ریاست بازرسی ارتش در آذربایجان و کردستان تعیین گردید.

۹ عمادالسلطنه فاطمی استاندار فارس شد.

۱۰ سرتیپ ابراهیم ضرابی به فرماندهی لشگر تبریز و سرتیپ عباس گزرن به فرماندهی لشگر رضائیه منصوب گردیدند.

۱۲ ۲۳ نفر از افسران ارتش که درعملیات فرقه دموکرات شرکت کرده بودند محاکمه و به جرم قیام مسلحانه علیه کشور بحکم دادگاه اعدام شدند.

۱۵ عده زیادی از دانشجویان به عنوان اعتراض به اعضاء انجمن نظارت انتخابات به قصد دربار از دانشگاه خارج شدند در مسیر حرکت بین دانشجویان و پلیس برخوردی رخ داد و عده زیادی مجروح شدند.

۱۵ حزب دموکرات ایران کاندیداهای خود را برای نمایندگی تهران معرفی کرد.

۱۵ دکتر محمد مصدق کاندیداهای خود را از طریق حزب وحدت ایران معرفی نمود.

۱۵ حزب ایران کاندیداهای خود را معرفی کرد.

۲۰ عده کثیری از مردم تهران در مسجد شاه اجتماع نموده سخنرانی دکتر محمد مصدق را درباره انتخابات استماع نمودند. مصدق در نطق تند و آتشین خود به قوام هشدار داد تا از دخالت در انتخابات خودداری نماید.

۲۲ عده زیادی از رجال و معاریف با اعتراض به انتخابات در دربار متحصن شدند. مانند آیت‌الله حسن امامی امام جمعه تهران، آیت‌زاده شیرازی، سیدرضا فیروزآبادی، دکتر محمد مصدق، دکتر احمد متین دفتری، سید مهدی فرخ، سید محمد صادق طباطبایی، حاج عزالممالک اردلان آشتیانی، مهندس فریور، جمال امامی، سیدحسن زعیم، رضا افشار. از روزنامه‌نویسان سرمد جلالی نائینی و خلیلی بودند.

۲۵ دادگاه زمان جنگ در مهاباد تشکیل شد و ده نفر از درجه‌داران ارتش را که با قاضی محمد همکاری نموده بودند محکوم به اعدام نمود و حکم به مرحله اجرا درآمد.

۲۶ متحصنین در دربار بدون اخذ نتیجه به تحصن خود خاتمه دادند.

۲۸ ژنرال کبیری همکار نزدیک پیشه‌وری دستگیر و اعدام شد.

۲۹ دادگاه فوق العاده زمان جنگ در مهاباد قاضی محمد، صدر قاضی، سیف قاضی را محکوم به اعدام نمود.

عده‌ای از درجه‌داران ارتش که به دموکرات‌ها پیوسته بودند پس از محاکمه اعدام شدند.

بهمن ماه

۳ عناوین و درجات افسران شهربانی مانند درجات افسران ژاندارمری شد. بدین ترتیب رسدبان (ستوان با علامت ستاره بجای تاج) سربهر، سروان ــ یاور، سرگرد ــ پاسیار، سرهنگ ــ سرپاس، سرتیپ.

۵ دادگاه زمان جنگ بطور فوق العاده در زنجان تشکیل شد و محاکمه اعضاء فرقه دموکرات و یاران آنها را شروع نمود.

۱۵ انتخابات تهران برای دوره پانزدهم پایان یافت و به ترتیب افراد زیر حائز اکثریت شدند: ۱ ــ احمد قوام ۲ ــ دکتر علی امینی ۳ ــ مهندس خسرو هدایت ٤ ــ دکتر جواد آشتیانی ۵ ــ ابوالحسن صادقی ٦ ــ دکتر جلال عبده ۷ ــ عبدالحسین نیک‌پور ۸ ــ عباس مسعودی ۹ ــ سیدعلی بهبهانی ۱۰ ــ سید هاشم وکیل ۱۱ ــ محمدتقی بهار ۱۲ ــ علی وکیلی ۱۳ ــ دکتر رضازاده شفق ۱٤ ــ آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی ۱۵ ــ شیخ العراقین بیات ۱٦ ــ دکتر محمد مصدق ۱۷ ــ دکتر احمد متین دفتری ۱۸ ــ دکتر سید حسن امامی ۱۹ ــ سید محمد صادق طباطبائی ۲۰ ــ تهرانچی ۲۱ ــ جزایری ۲۲ ــ سید محمود نریمان ۲۳ ــ اللهیار صالح ۲٤ ــ احمد دهقان.

۱۷ قاتلین سرلشگر محمود امین و مسببین غارت بانه محاکمه و اعدام شدند.

۱۷ حضرت آیت‌الله حاج آقا حسین قمی طباطبایی سرپرست حوزه علمیه نجف و رهبر شیعیان جهان در بیمارستان مجیدیه بغداد در سن ۸٤ سالگی درگذشت. در ایران یک روز تعطیل عمومی شد و بازار تهران و شهرستانها سه روز تعطیل کردند. از طرف قاطبه مردم ایران عزاداری مفصلی بعمل آمد.

۲۷ سید محمد صادق طباطبائی و برادرش سید عبدالمهدی طباطبائی کتابخانه شخصی خودشان را که جمعاً ۳۱٤٤ جلد کتاب بود به کتابخانه مجلس شورایملی اهدا نمودند از کتب مزبور ۱٤۳۸ مجلد خطی و بسیار نفیس بود.

اسفند ماه

۲ رادیو پاریس اعلام کرد عده زیادی از ایرانیان مقیم فرانسه بازداشت شده‌اند و جرم آنها قاچاق مواد مخدر بوده است در میان بازداشت‌شدگان نام عده‌ای از اعضاء سفارت دیده می‌شود.

۵ عده‌ای از علماء تهران و شهرستانها نسبت به ادامه بازداشت آیت‌الله کاشانی و تبعید ایشان به قزوین اعتراض کردند.

۷ نمایندگان سندیکای جهانی آقایان هاریس نماینده انگلستان و مالفت نماینده فرانسه وارد تهران شدند.

۸ منصورالملک استاندار آذربایجان نمایندگان قوام‌السلطنه را که برای تشکیل حزب دموکرات به تبریز رفته بودند نپذیرفت و روانه تهران کرد. احمد آرامش وزیر تبلیغات و اعزاز نیک‌پی که جزو هیئت مزبور بودند در یک مصاحبه اعلام کردند مردم آذربایجان از حزب دموکرات نفرت دارند چه مؤسس آن پیشه‌وری باشد یا قوام‌السلطنه.

۱۰ احمد قوام نخست‌وزیر که در انتخابات نفر اول نمایندگان تهران شده بود عدم قبولی نمایندگی خود را اعلام نمود و در نتیجه آقای دکتر رضازاده شفق نماینده سیزدهم تهران به مجلس معرفی شد.

۱۵ آقای اعزاز نیک‌پی وزیر پست و تلگراف که از اصفهان به‌مناسبت انتخاب بوکالت مجلس مستعفی شده بود مجدداً از طرف نخست‌وزیر به معاونت نخست‌وزیری و وزارت پست و تلگراف تعیین شد:

۱۵ علی اصغر حکمت در رأس هیئتی مرکب از آقایان رام، دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر خانبابا بیانی استادان دانشگاه و محمدتقی مقتدری و صفیه فیروز برای مذاکرات فرهنگی و اقتصادی عازم هندوستان شدند.

۲۷ آقای سید ضیاءالدّین طباطبائی نماینده دوره چهاردهم مجلس شورای ملی که در اواخر سال ۱۳۲٤ به دستور قوام‌السلطنه رئیس دولت به جهات سیاسی و ترضیهٔ خاطر همسایهٔ شمالی بازداشت و در زندان شهربانی بسر می‌برد به علت کسالت به منزل خود منتقل شد. جمع کثیری از مردم تهران از او عیادت و دیدار کردند.

۲۷ سرتیپ خسروپناه برای بار سوّم به ریاست تشکیلات ژاندارمری کل کشور منصوب و تعیین شد. ادارهٔ ژاندارمری عملاً توسط ژنرال شوارتسکف امریکائی مستشار اداره میشد و رؤساء ژاندارمری می‌بایستی تابع نظرات او باشند.

۲۸ بعلت نزول برف سنگین در همدان و ظهور سرمای شدید راههای ارتباطی بین همدان و اطراف قطع شد و مردم ۵ روز در خانه‌های خود محبوس شدند.

۲۰ کنسولگری شوروی در شیراز منحل گردید و کارمندان آن به تهران انتقال یافتند.

سال ۱۳۲۶ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۴۷ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۸ میلادی

فروردین ماه

۱ در ترفیع درجات عده زیادی باین شرح به درجه سرلشگری و سرتیپی ارتقاء یافتند:

سرتیپ محمد صادق کوپال ــ سرتیپ محسن دیبا ــ سرتیپ خسروپناه ــ سرتیپ هوائی خسروانی ــ سرتیپ عبدالله هدایت ــ سرتیپ محمود بهارمست ــ سرتیپ سید محمود میرجلالی ــ سرتیپ ابراهیم ضرابی ــ سرتیپ فضل الله همایونی ــ سرتیپ دکتر فتحی بدرجه سرلشگری و سرهنگ عبدالحسین حجازی ــ سرهنگ احمد زنگنه ــ سرهنگ احمد وثوق ــ سرهنگ صادق عزیزی ــ سرهنگ مقبلی ــ سرهنگ غلامرضا شاهین نوری ــ سرهنگ محمدعلی علوی مقدم ــ سرهنگ سیف الله همت ــ سرهنگ عبدالله عمیدی ــ سرهنگ حیدرقلی بیگلری ــ سرهنگ نادر باتمانقلیچ ــ سرهنگ نصرالله افطسی بدرجه سرتیپی.

۱۰ بامداد امروز قاضی محمد و صدرقاضی و سیف قاضی برحسب حکم دادگاه صحرائی اعدام شدند.

دادگاه صحرائی زمان جنگ در اواسط دیماه در مهاباد تشکیل شد و پس از یک هفته دادرسی تحت ریاست سرهنگ پارسی تبار و دادستانی سرهنگ فیوضی بنام قیام مسلحانه علیه نیروی دولتی و تجزیه قسمتی از خاک کشور و تشکیل حکومت خودمختار در تاریخ ۲۳ دیماه نامبردگان را محکوم به اعدام نمود.

۱۰ سپهبد محمد شاه‌بختی و سرلشگر احمد معینی و سرلشگر ایرج مطبوعی از بازنشستگی خارج و به خدمت دعوت شدند. شاه‌بختی بریاست بازرسی ناحیه ۲ آرتش کردستان و آذربایجان، معینی به فرماندهی لشگر فارس و مطبوعی به ریاست سررشته‌داری ارتش منصوب شدند.

۲۰ عبدالحسین صدری (رکن الملک) رئیس شعبه سوم دیوانعالی تمیز استاندار فارس شد.

۳۱ سرلشگر علی ریاضی وزیر سابق جنگ و رئیس پیشین ستاد ارتش درگذشت.[1]

۱ ــ سرلشگر علی ریاضی از افسران ژاندارمری و تحصیلکرده فرانسه در رشته مهندسی بود در کودتای ۱۲۹۹ چندی ریاست ژاندارمری را عهده‌دار شده بود و بعد به عضویت شورایعالی نظام درآمد. سپس وابسته نظامی ایران در پاریس و سرپرست محصلین نظامی بود در حوالی ۱۳۱۵ پس از قطع رابطه ایران و فرانسه بتهران احضار و از وی خلع درجه شد و به وزارت فرهنگ انتقال یافت. چندی ریاست فرهنگ فارس و مدتی مدیر کل باستانشناسی شد در ۱۳۱۸ با ارتقاء به درجه سرتیپی به ارتش بازگشت و رئیس اداره مهندسی گردید. در شهریور ۱۳۲۰ در شورایعالی نظام طرح مرخصی سربازان و استخدام سربازپیمانی را تهیه و بتصویب و اجرا رسانید. ریاضی مدافع ←

میرزا کریم خان رشتی مشاور مخصوص محمدرضا شاه بدرود حیات گفت.[1]

اردیبهشت ماه

۳ بمناسبت هفتادمین سال تولّد و پنجاهمین سال خدمات فرهنگی استاد عبدالعظیم قریب در دانشکده ادبیات مراسم باشکوهی بر پا شد عالیترین نشان‌های علمی و فرهنگی کشور به سینه استاد الصاق گردید.

۶ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل شد و اشرف پهلوی نیابت آنجا را برعهده گرفت.

۲۰ بودجه کل کشور برای سال ۱۳۲۶ به هزینه تقریبی ۷۷۰ میلیون تومان و درآمد تخمینی به مبلغ ۵۵۰ میلیون تومان در هیئت وزیران به تصویب رسید.

سروان خسرو روزبه که در زندان دژبانی تهران توقیف بود از زندان فرار کرد.

۲۷ محاکمه سید محمد تدین رئیس اسبق مجلس شورای ملی و وزیر پیشین معارف، خواروبار، مشاور و کشور در دیوانعالی تمیز باتهام مداخله در انتخابات بندرعباس و بلوچستان و سوءاستفاده از خرید گندم آذربایجان بریاست شفیع جهانشاهی رئیس دیوانعالی تمیز با شرکت سی و دو رئیس شعبه و مستشار آغاز گردید علی هیئت دادستان کل شخصاً به بیان ادعانامه پرداخت تدین ضمن دفاع از اتهامات به جریان انقراض قاجاریه و جلوس پهلوی و نقش خود اشاره کرد.[2]

خرداد ماه

۳ نخستین کنگره کارگران ایران افتتاح شد.

٤ سفیرکبیر امریکا بموجب چکی به مبلغ ١٤,٢٣١,٩٧٠ ریال بدهی دولت امریکا را به راه‌آهن ایران پرداخت کرد.

۶ دیوانعالی تمیز پس از یازده روز رسیدگی سرانجام رأی خود را درباره سید محمد تدین صادر کرد بموجب رأی صادره تدین از اتهامات منتسبه تبرئه شد.

۲۶ طبق دستور احمد قوام نخست‌وزیر حکومت نظامی در تهران برچیده شد.

۲۹ احمد قوام نخست‌وزیر استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید.

۳۰ احمد قوام وزیران را باین شرح به شاه معرفی نمود: سپهبد احمدی وزیر جنگ، علی اصغر حکمت وزیر مشاور، مصطفی عدل وزیر دادگستری، عبدالحسین هژیر وزیر دارائی، احمدحسین عدل وزیر کشاورزی، انوشیروان سپهبدی وزیر امورخارجه، دکتر منوچهر اقبال وزیر بهداری، دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ، ابوالحسن صادقی وزیر اقتصادملی، غلامحسین فروهر وزیر راه، سرلشگر آق‌اولی وزیر کشور، محمدعلی همایونجاه وزیر مشاور، سیدعلی نصر وزیر پست و تلگراف، سلمان اسدی وزیر کار و تبلیغات.

۳۰ وزارت پیشه و هنر و بازرگانی و هیئت عالی برنامه هفت ساله و مؤسسات اقتصادی درهم ادغام شد و وزارت اقتصادملی به وجود آمد.

تیر ماه

۳ شهرداری لوله‌کشی آب تهران را شروع کرد.

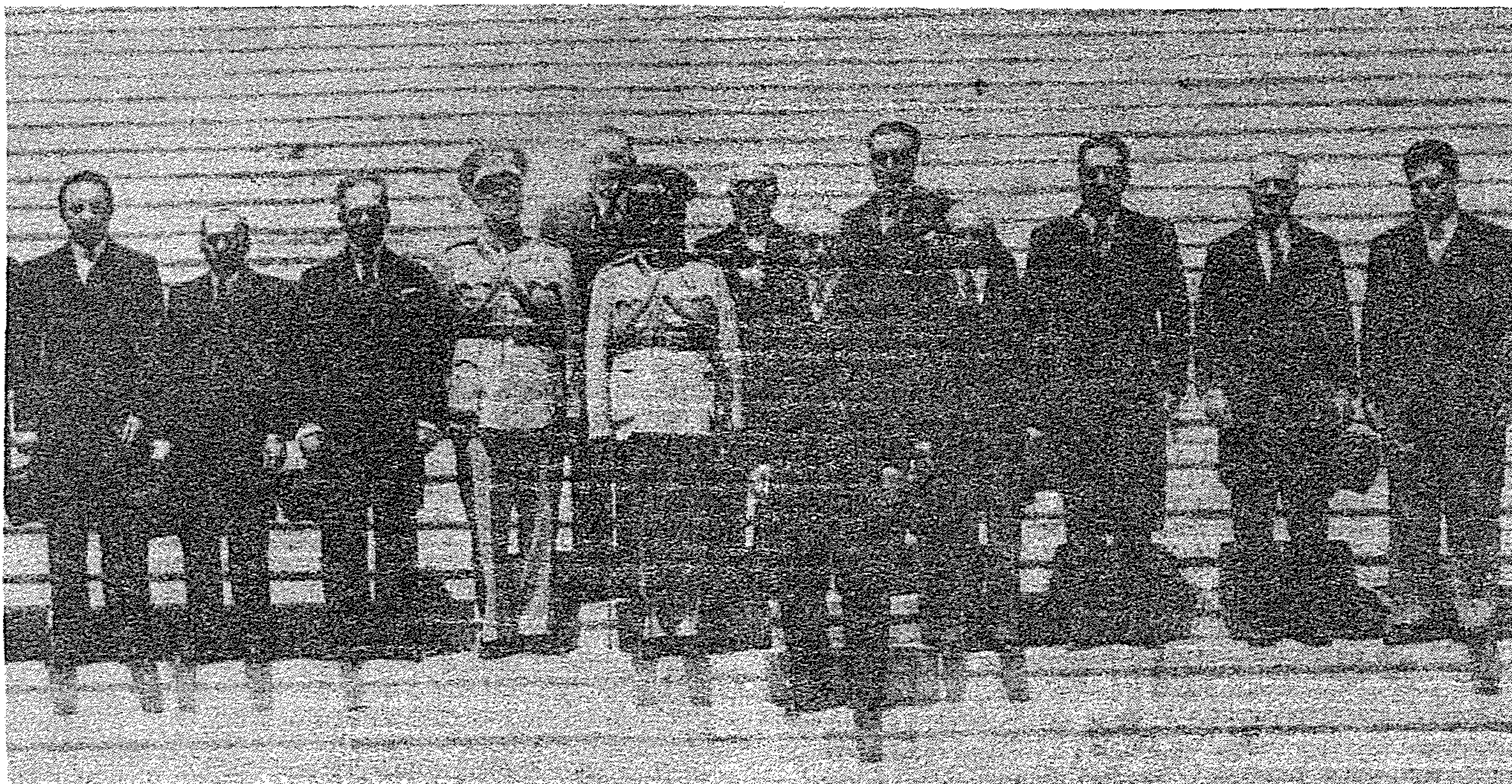
۷ بانک ملی ایران به استناد تاریخ هجری قمری به بانک شاهنشاهی اخطار کرد مدت امتیازنامه شصت ساله بانک خاتمه یافته است و بانک باید شعب خود را جمع‌آوری کند. بانک شاهنشاهی باستناد تاریخ میلادی بقای خود را تا ششصد روز دیگر قانونی دانست ولی سرانجام بانک ملی پیروز شد.

۱۰ سرتیپ علی اکبر درخشانی فرمانده سابق لشگر آذربایجان که در ۲۱ آذر ۱۳۲٤ تسلیم فرقه دموکرات شده بود در دادگاه

جدی طرح بود لاجرم مورد ضرب و شتم شدید رضاشاه قرار گرفت خلع درجه و زندانی شد. پس از استعفای رضاشاه از او اعاده حیثیت گردید و بکار دعوت شد و به ترتیب معاون ستادارتش، معاون وزارت جنگ، رئیس ستاد ارتش، وزیر فرهنگ و وزیر جنگ شد و مدتی هم رئیس دفتر نظامی شاه بود. رویهمرفته مردی ملایم، محافظه کار، تحصیلکرده و صحیح العمل بود.

۱ ــ میرزا کریم خان رشتی از مشروطه خواهان و آزادی‌طلبان و در ضمن از مالکان عمده گیلان بود. برادرش معزالسلطان که بعد سردارمحیی لقب گرفت انقلابیون رشت را سرپرستی و اداره می‌کرد و در استبداد صغیر قتل آقابالاخان سردار و عده زیادی از مأمورین دولتی بدست او انجام گرفت. معزالسلطان ظاهراً مجری دستورات بود. مغز متفکر انقلابیون گیلان همین میرزاکریم خان رشتی بود.

۲ ــ به بخش ضمائم وتعلیقات مراجعه شود



هیئت وزیران احمد قوام پس از ترمیم کابینه و خروج اعضاء حزب توده از آن

محکوم به حبس ابد گردید. ریاست این دادگاه را سرلشگر خسروپناه عهده‌دار بود دادستانی آنرا سرتیپ اعتماد مقدم برعهده داشت. قضات دادگاه عبارت بودند از: سرتیپ عمیدی، سرتیپ کریم قوانلو، سرهنگ خواجوی، سرهنگ حکیمی، معاونت دادستان را سرهنگ آزموده بعهده گرفته بود. سه نفر از قضات رأی به حبس ابد و دو نفر رأی به اعدام دادند در همین دادگاه سرهنگ زریو فرمانده تیپ اردبیل و سرگرد مستشاری فرمانده گردان میاندوآب تبرئه شدند.

۱۶ احمد قوام نخست‌وزیر اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد در اثر لغو مقررات حکومت نظامی بعضی از مطبوعات به نشر و جعل اکاذیب واهانت به شخصیت‌ها پرداخته و بانتشار مقالات محرک و فسادانگیز در امر حکومت و مملکت اخلال می‌کنند. طبق تصویبنامه هیئت دولت از تاریخ ۱۷ تیر ماه مقررات حکومت نظامی در تهران به توقع اجرا گذارده خواهد شد.

۱۶ بهنگام طرح برقراری مقررات حکومت نظامی در هیئت وزیران بین نخست‌وزیر و سپهبد احمدی وزیر جنگ مشاجره شدیدی درمی‌گیرد امیر احمدی از امضاء تصویبنامه خودداری می‌کند و قوام نیز به وی تکلیف استعفا می‌نماید.

۱۶ سپهبد امیراحمدی وزیر جنگ استعفا داد.

۱۶ سرتیپ مظفری فرماندار نظامی تهران شد.

۱۷ سرلشگر اق اولی وزیر کشور به دنبال برقراری حکومت نظامی از عضویت کابینه کناره گیری کرد.

۱۷ حسن صدر مدیر قیام ایران، سیدمهدی میراشرافی مدیر روزنامه آتش عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام بازداشت شدند و روزنامه‌های آنها در محاق توقیف قرار گرفت.

عده زیادی از جرائد توقیف و مدیران و سردبیران و نویسندگان آنها تحت پیگرد درآمدند.

۱۷ احمد قوام به دادگستری دستور تعقیب اتهامات روزنامه‌نگاران را داد.

۲۲ بازار اردبیل دچار حریق مدهش شد قریب یکصد باب مغازه تبدیل به خاکستر گردید.

۲۴ احمد قوام نخست‌وزیر، محمود جم نخست‌وزیر سابق را به وزارت جنگ معرفی کرد.

۲۵ مجلس پانزدهم بامداد امروز افتتاح و شروع به کار کرد سردار فاخر حکمت دراین جلسه به ریاست موقتی تعیین شد.

رضا حکمت (سردار فاخر) از اعضای مؤسس حزب دموکرات ایران بود و با کمک احمد قوام به وکالت و ریاست مجلس انتخاب شد. وی قریب پنج دوره بر مجلس ایران ریاست داشت.

مرداد ماه

۵ در جلسه امروز مجلس شورایملی با اعتبارنامه عده زیادی از نمایندگان مخالفت شد. ازجمله اعتبارنامه های مهدی مشایخی، ابوالفتح قهرمان، دکترعلی امینی، بهاء‌الدین کهبد، عباس گلبادی، مسعود ثابتی، شریف‌زاده، سید ابوالحسن حائری‌زاده، عبدالحسین نیک‌پور، یونس وهاب‌زاده، عبدالقدیر آزاد، ابوالحسن صادقی، سیدهاشم وکیل، احمد دهقان مورد اعتراض قرار گرفتند.

۸ ملک‌الشعرای بهار در جلسه امروز در مجلس از تجاوزات دولت هلند به اندونزی و تعدیات دول زورمند اظهار تنفر نمود.

۸ در جلسه امروز مجلس شورای‌ملی به هنگام طرح اعتبارنامه سیدحسن تقی‌زاده، عباس اسکندری به تفصیل درباره صلاحیت سیاسی تقی‌زاده سخن گفت وی درباره مجلس اول و دوّم و نقش تقی‌زاده درقتل سید عبدالله بهبهانی و تحصن تقی‌زاده در سفارت انگلیس و ارتباط وی با خارجی ها و تمدید قرارداد نفت در ۱۹۳۳ بحث نمود و تقی‌زاده را صالح برای نمایندگی مجلس ندانست در دفاع از صلاحیت تقی‌زاده امیرتیمور کلالی و عباس مسعودی به تفصیل به بحث پرداخته اتهامات را رد کردند سرانجام با فرمول پیشنهادی دکتر شفق مبنی بر صلاحیت شخصی و جریان انتخابات آقای تقی‌زاده رأی گرفته شد و اعتبارنامه ایشان به تصویب رسید.

۱۹ دولت رسماً اعلام کرد مظفر فیروز از سفارت ایران در مسکو برکنار شده است.

۲۳ پادشاه انگلیس از امپراطوری هندوستان صرفنظر نمود و کشور هندوستان استقلال یافت. در همین روز منطقه مسلمان‌نشین هندوستان کشور مستقلی بنام پاکستان تشکیل داد.

۲۵ در جلسه امروز مجلس شورای ملی رضا حکمت (سردار فاخر) باکثریت ۷۳ رأی به ریاست مجلس انتخاب شد. ۳۶ نفر هم به تقی‌زاده غائب رأی دادند.

۲۵ محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز طی مقاله شدیداللحنی برای اعدام احمد قوام نخست‌وزیر یک میلیون ریال جایزه تعیین کرد وی در مقاله خود متذکر شده بود: «اینجانب بموجب این سند برای خدمت به مملکت و جامعه تعهد مینمایم مبلغ یک میلیون ریال به خود یا ورثه کسی بپردازم که قوام‌السلطنه را در زمان زمامداری یعنی قبل از سقوط کابینه‌اش معدوم نماید.»

مسعود برای تأمین اعتبار این قتل سندی در دفترخانه بامضاء رسانیده بود و محل پرداخت پول را تعیین کرده بود.

مسعود بلافاصله پس از انتشار روزنامه مرد امروز متواری شد.

۲۹ فرمان عفوعمومی ازطرف شاه برای آذربایجان و کردستان صادر شد.

شهریور ماه

۱ آقایان حسین مکّی، دکتر مظفر بقائی، غلامحسین رحیمیان از فراکسیون حزب دموکرات که طرفدار حکومت قوام‌السلطنه بود استعفا کردند.

۶ احمد قوام از نخست‌وزیری استعفا داد.

۷ در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی از ۱۱۶ نفر عده حاضر ۷۸ نفر به نخست‌وزیری احمد قوام ابراز تمایل نمودند ۳۶ نفر هم رأی به مؤتمن‌الملک دادند.

۹ حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک) رئیس ادوار اولیه مجلس شورای ملی در سن ۷۳ سالگی در تهران درگذشت.

۱۰ بمناسبت فوت مؤتمن‌الملک پیرنیا تمام وزارتخانه ها و ادارات دولتی تعطیل شد و در مجلس شورای ملی طرحی به تصویب رسید که وی یکی از فرزندان لایق و خدمتگزار وطن است.

۱۵ عبدالقدیر آزاد در جلسه امروز مجلس شورای ملی علیه احمد قوام به عنوان نقض قوانین اعلام جرم کرد.

۱۹ احمد قوام وزیران خود را باین شرح تعیین نمود: محمود جم وزیر جنگ، علی اصغر حکمت وزیر مشاور، دکتر محمد سجادی وزیر دارائی، موسی نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه، احمد حسین عدل وزیر کشاورزی دکتر منوچهر اقبال وزیر بهداری، غلامحسین فروهر وزیر راه، جواد بوشهری وزیر پست و تلگراف، وزارت کشور به عهده نخست‌وزیر قرار گرفت وزیر دادگستری بعداً تعیین خواهد شد.

۲۰ ابراهیم خواجه نوری به معاونت پارلمانی نخست‌وزیر و ریاست تبلیغات گمارده شد.

۲۰ سید احمد بهبهانی فرزند سید عبدالله بهبهانی و نماینده مجلس شورای ملی در نه دوره گذشته درگذشت.
۲۲ احمد قوام نخست‌وزیر برنامه دولت را تقدیم مجلس نمود و اقدامات دولت را در زمینه سیاست داخلی و خارجی کشور در دوران نخست‌وزیری خود تشریح نمود.
۳۱ زلزله شدیدی در بیرجند و قائنات حادث شد چندین قریه در اثر زلزله ویران شدند. زلزله پنج روز ادامه داشت.

مهر ماه

۱۲ مجلس شورای ملی با کثریت ۹۳ رأی از ۱۲۰ نفر عده حاضر به دولت قوام رأی اعتماد داد.
۱٤ در جلسه امروز مجلس شورایملی انتخابات هیئت رئیسه تجدید شد و رضا حکمت با اکثریت ۱۰۷ رأی از ۱۰۸ نفر رأی‌دهنده به ریاست انتخاب گردید.
۱۵ سیدحسن تقی‌زاده وارد تهران شد.
۱٦ امیرحسین ایلخان ظفر و جواد گنجه‌ای نایب رئیس مجلس شدند.
۲۹ احمد قوام نخست‌وزیر در جلسه مجلس شورای ملی گزارش مفصل خود را درباب مسافرت به مسکو و تنظیم مقاوله نفت قرائت نمود و طرح پیشنهادی جمعی از نمایندگان در ردّ مقاوله‌نامه نفت با کثریت ۱۰۲ نفر از ۱۰٤ نفر عده حاضر در مجلس تصویب شد. ضمناً در همین طرح دولت موظف گردید درباره استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب باب گفتگو را باز کند.
۲۹ غلامحسین رحیمیان نماینده قوچان دولت را استیضاح کرد.

آبان ماه

۱۲ سید جلال‌الدین تهرانی ازطرف نخست‌وزیر به سمت وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر تعیین گردید.
۱۲ اعتبارنامه حسن ارسنجانی در مجلس با وجود دفاع ملک‌الشعرای بهار رد شد.
۱٤ دادستان تهران برای رضا روستا صدر شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران ادعانامه تنظیم نمود برای او تقاضای اعدام کرد.



حسن ارسنجانی مدیر روزنامه داریا ویارغار قوام

۲۳ سید حسن تقی‌زاده در مجلس طی نطق پرشوری طبقه حاکمه را محکوم نمود.
۲٤ ملکه جهان مادر احمدشاه در پاریس درگذشت. در تهران مجالس ختم مجلل بر پا شد و مطبوعات ایران به نیکنامی از او یاد کردند.
۲۸ سادچیکف سفیرکبیر شوروی در ایران به نمایندگی ازطرف دولت خود شرح تند و زننده‌ای به نخست‌وزیر نوشت و درباره رد قرارداد نفت در مجلس شدیداً اعتراض نمود و آنرا عهدشکنی تلّقی کرد و نسبت به ادامه قرارداد نفت با انگلیس‌ها مخالف نمود و آنرا نقض پیمان مودّت دانست.

آذر ماه

۱۰ احمد قوام نخست‌وزیر اعلامیه مفصلی بوسیله رادیو انتشار داد. این اعلامیه موجب عدم رضایت نمایندگان مجلس شد. فراکسیون حزب دموکرات پشتیبانی خود را از قوام پس گرفت.
۱۲ ده نفر از وزیران کابینه از سمت خود استعفا دادند. تنها

سید جلال تهرانی در کابینه باقی ماند قوام شدیداً به نحوه استعفای وزیران اعتراض کرد.

۱۳ حاج سید نصرالله تقوی رئیس سابق دیوانعالی تمیز که از معاریف و دانشمندان کشور بود بدرود حیات گفت. وی در ادوار اولیه مجلس نماینده بود و چندی هم نایب رئیس مجلس شد. قریب چهل سال در سمت‌های ریاست شعبه دیوان عالی تمیز، دادستان کل، ریاست دیوانعالی تمیز، ریاست دانشکده معقول و منقول انجام وظیفه مینمود. هم شاعر بود هم خطیب هم فقیه هم نویسنده.

۱۸ احمد قوام نخست‌وزیر به اتفاق سید جلال‌الدین تهرانی وزیر مشاور در جلسه امروز مجلس شورای ملی حضور یافت وطی نطق مفصلی از وضع سابق ولاحق کشور و خدمات خود در رفع غائله آذربایجان و کردستان بیان نمود و تقاضای رأی اعتماد کرد از ۱۱۲ نفر عده حاضر ٤٦ ورقه سفید و ۳۸ ورقه کبود شماره شد بدینطریق دولت احمد قوام سقوط کرد. قوام درهمین جلسه درنطق خود گفت دخالت قوه مقننه در قوه مجریه مشروطیت را به تراژدی غمناک میرساند.

۲۲ در جلسه خصوصی امروز مجلس شورایملی اکثریت نمایندگان به نخست‌وزیری رضا حکمت (سردار فاخر) ابراز تمایل نمودند. سردار ۷۲ رأی و دکتر مصدق ۳۱ رأی داشتند.

۲۳ رضا حکمت فرمان نخست‌وزیری دریافت کرد.

۲۸ رضا حکمت از قبول نخست‌وزیری منصرف شد.

۲۹ در جلسه خصوصی مجلس برای نخست‌وزیر آینده اخذ رأی به عمل آمد از ۱۱۳ نفر عده حاضر ٥٤ رأی بنام ابراهیم حکیمی و ٥۳ رأی بنام دکتر مصدق در صندوق ریخته شد شاه فرمان نخست‌وزیری حکیمی را صادر کرد.

۲۹ محمود جم بجای حکیم‌الملک وزیر دربار پهلوی شد.

دی ماه

۳ شیخ حبیب‌الله ذوالفنون ازا جله دانشمندان ریاضی و هیئت و نجوم و مستخرج تقویم در سن ۸۸ سالگی درگذشت.

۶ ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر کابینه را باین شرح معرفی کرد: دکتر محمد سجادی وزیر اقتصادملی مصطفی عدل وزیر مشاور، علی معتمدی وزیر راه، دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ، دکتر سعید مالک وزیر بهداری، محمد سروری وزیر دادگستری، ابوالقاسم نجم وزیر دارائی، سپهبد مرتضی یزدان‌پناه وزیر جنگ، سرلشگر فرج‌الله آق‌اولی وزیر کشور، محمدعلی وارسته وزیر پست و تلگراف، وزرای خارجه و کشاورزی بعداً انتخاب خواهند شد.

۸ احمد قوام ایران را به سوی اروپا ترک کرد.

۱۰ در جلسه امروز مجلس شورای ملی ۷٦ نفر از نمایندگان به دولت حکیمی رأی اعتماد دادند.

۲۳ مقررات حکومت نظامی لغو شد.

۲٦ هیئت وزیران جوازهای جو و گندم و برنج و اجناس انحصاری را لغو کرد.



ابوالقاسم نجم ملقب به نجم‌الملک از رجال موجّه و از دوستان نزدیک تقی‌زاده و حکیم‌الملک بود و در اثر حمایت آنها به مشاغل مهم اجرائی رسید. مردی بسیار صحیح‌العمل و درستکار و خسیس بود. از خساست او در کار اداری دادستانها گفته میشود از سال ۱۳۳٦ شمسی به بعد کاری در دستگاه دولت قبول نکرد.



محمد مسعود مدیر روزنامه تندروی مرد امروز که به قتل رسید.

بهمن ماه

۱ جیره‌بندی قندوشکر و چای لغو شد بهای شکر ۲۵ ریال تعیین گردید.

حسام دولت آبادی شهردار تهران شد.

۹ گاندی پیشوای معروف هندوستان به قتل رسید.

۱۰ سفارت شوروی طی نامه‌ای متذکر شد با قراردادهائیکه دولت ایران با امریکا درمورد تأسیسات نظامی منعقد نموده است ایران بیک پایگاه سوق الجیشی دولت امریکا مبدل شده است و طبعاً ایجاد خطر در مرزهای شوروی می‌کند و لازم است در برطرف کردن این وضع غیرعادی تدابیر لازم اتخاذ شود.

۱۴ دولت ایران به دولت شوروی پاسخ داد و از انعقاد قرارداد جنگی با امریکا تحاشی نمود و افزود شوروی در گذشته از فرقه دموکرات حمایت کرد پیشه‌وری و ملامصطفی بارزانی و همراهان را پذیرفت.

۱۵ نخست‌وزیر در کابینه خود تغییراتی بشرح زیر داد: باقر کاظمی وزیر امور خارجه. امان‌الله اردلان وزیر راه، باقر شاهرودی وزیر کشاورزی.

۲۱ دادگاه تجدیدنظر رأی خود را درباره سرتیپ درخشانی صادر کرد فرمانده سابق لشکر تبریز محکوم به ۲۵ سال زندان گردید.

۲۲ محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز در مقابل چاپخانه مظاهری واقع در خیابان اکباتان بضرب چند گلوله به قتل رسید.

۲۶ محاکمه علی سهیلی نخست‌وزیر سابق در دیوان‌عالی کشور به ریاست شفیع جهانشاهی و کلیه رؤسا و مستشاران دیوان کشور باتهام دخالت در انتخابات بندرعباس و شهرضا و توقیف جرائد و تفسیر قانون حکومت نظامی، قیام برعلیه حکومت ملّی و بالاخره خرید ابزار و مصالح ساختمانی از وزارت امورخارجه آغاز گردید. علی هیئت دادستان کل شخصاً به بیان ادعانامه پرداخت و تلویحاً سهیلی را از اتهامات منتسبه مبرا دانست آنگاه محمدعلی هدایتی و جدلی وکلای مدافع سهیلی سخن گفتند سرانجام سهیلی رشته سخن را در دست گرفت و اتهامات منتسبه را رد کرد در همین روز سهیلی



سرلشگر ابراهیم ضرابی رئیس شهربانی

باتفاق آراء تبرئه شد.

۲۷ سرتیپ محمدعلی صفاری رئیس شهربانی از سمت خود کناره گیری کرد.

۲۷ سرلشگر ابراهیم ضرابی به ریاست شهربانی منصوب شد.

۲۷ لایحه خرید ده میلیون دلار اسلحه از دولت امریکا به تصویب رسید.

اسفندماه

---

۳ اعتبارنامه دکتر احمد متین دفتری نماینده مشکین‌شهر که با اعتراض شدید عباس نراقی نماینده کاشان کــه یکی از ۵۳ نفر اعضای حزب توده مواجه شده بود به‌تصویب رسید.

۳ ابوالحسن حائری‌زاده و عبدالقدیر آزاد پیرامون استیضاح خود از دولت حکیمی توضیحات مفصلی دادند و از او خواستند که هرچه زودتر کرسی صدارت را رها سازد تا مرد باتدبیری در رأس امور قرار بگیرد.

۶ حکیمی نخست‌وزیر به استیضاح نمایندگان مخالف پاسخ داد و از یکصد و دو نفر عده حاضر ۵۵ نفر به دولت رأی اعتماد دادند ولی دولت درصدد کناره گیری برآمد و در نتیجه با دخالت بعضی از نمایندگان حکیمی ادامه خدمت داد.

۱۳ دکتر فاطمه سیاح استاد دانشگاه درگذشت. وی تحصیلات عالیه خود را در شوروی پایان داده بود.

۱۶ باقر شاهرودی وزیر کشاورزی در پاسخ اعتراضات عباس اسلامی نسبت به جوازهای چوب و قطع اشجار جنگلی گفت: در سال ۲۵ جمعاً ۳۰,۸۷۰ مترمکعب و ۱٤۰,۵۰۰ درخت بنام بنگاههای وابسته به دولت و تعداد ٤۷ هزار مترمکعب بنام پنج نفر بشرح زیر جواز صادر شده است. ۱ - ابراهیم قوام ۲۰ هزار مترمکعب ۲- منوچهر گلبادی ۱۰ هزار مترمکعب ۳- جلال الدین تاجیک ۲ هزارمترمکعب ٤-محمدمعتمددماوندی پنجهزار مترمکعب ۵ - حاجی محمد مددی ۲ هزار مترمکعب.

۱۷ سرلشگر فرج‌الله آق‌اولی وزیر کشور از سمت خود کناره گیری کرد.

۲۰ نخست‌وزیر آقایان علی سهیلی و عبدالحسین هژیر را به سمت وزرای مشاور تعیین نمود. همچنین سپهبد احمد امیراحمدی رابه‌سمت وزیرکشور و موسی نوری اسفندیاری را به سمت وزیر امور خارجه معرفی کرد.

۲۰ علی معتمدی سفیرکبیر ایران در هند از خدمت دولت کناره گیری نمود.

سال ۱۳۲۷ شمسی

برابربا

۲۱ مارس ۱۹۴۸ تا ۲۱ مارس ۱۹۴۹ میلادی

فروردین ماه

۱ سرلشگر علی رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش، سرلشگر محمد نخجوان (امیرموثق) رئیس دانشگاه جنگ، سرلشگر امان‌الله جهانبانی بازرس ویژه ارتش به‌درجه سپهبدی ارتقاء یافتند. همچنین سرتیپ مقتدر معاون وزارت جنگ، سرتیپ نصرت‌الله معتضدی فرمانده لشگر اصفهان و سرتیپ منصور مزینی فرمانده لشگر ۲ مرکز به‌درجه سرلشگری رسیدند. در این سال ۱۵ سرهنگ به‌درجه سرتیپی ارتقاء درجه پیدا کردند.

۱۱ حسین دادگر (عدل‌الملک) رئیس اسبق مجلس شورای‌ملی که از پایه‌گذاران سلطنت پهلوی بود و در سال ۱۳۱٤ از ایران تبعید شده بود به تهران بازگشت.

۱۱ سرلشگر محمدحسین آیرم رئیس شهربانی مقتدر رضاشاه که در سال ۱۳۱٤ ظاهراً به‌علت معالجه بیماری به اروپا رفته بود در اثر عمل جراحی در سویس درگذشت او در جنگ بین‌الملل دوّم چندی در اروپا ایران آزاد را تشکیل داد.

۱۵ انتخابات مجلس شورای‌ملی برای تعیین رئیس تجدید شد. پس از سه بار اخذ رأی سردارفاخر با ٥٤ رای به ریاست انتخاب شد. هاشم ملک‌مدنی رقیب او ٥۲ رأی داشت.

۱۵ عباسقلی گلشائیان به استانداری خراسان منصوب گشت و اردلان استاندار فارس شد.

۱۹ خسرو روزبه افسر سابق ارتش که چندی پیش از زندان دژبان فرار کرده بود دستگیر و بازداشت شد.

۲۰ شهر زاهدان دچار سیل مدهشی شد، بیش از صد و پنجاه خانه ویران گردید.

۲۲ محمد سروری وزیر دادگستری گزارش دادسرای دیوان کیفر را راجع به فروش جوازها و سوء استفاده از آن به مجلس تسلیم نمود.

۲۶ لایحه منع کشت تریاک با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد.

اردیبهشت ماه

۱ هیئت وزیران برای ابنیه و مستغلات و اراضی واقع در حوزه تهران عوارض تعیین کرد.

٤ دکترعلی‌اکبر سیاسی وزیر فرهنگ از کار کناره‌گیری نمود.

٦ به‌دنبال استیضاح عباس اسکندری دولت حکیمی رای اعتماد گرفت.

۱۵ چهار ژاندارم و چند مسافر در ۹ فرسخی شیراز به‌دست

سارقین مسلح به‌قتل رسیدند.

۱۹ لایحه تشکیل مجلس سنا و لایحه استقلال شهرداری‌ها به مجلس داده شد.

۱۹ به‌دستور سردار فاخر حکمت به‌هنگام تشکیل جلسات مجلس اجتماعات و تظاهرات درمقابل مجلس ممنوع شد.

۲۱ احمد دهقان نماینده مجلس شورای ملی و مدیر مجلهٔ تهران‌مصور علیه احمد قوام اعلام جرم کرد و او را متهم به خیانت به کشور نمود.

۲۴ وزیر امور خارجه درمورد سابقه تاریخی رود هیرمند و اختلاف ایران و افغانستان در مجلس توضیحات مفصلی داد.

۲۸ بودجه سال ۱۳۲۷ کشور در مجلس تصویب شد.

۳۰ تظاهرات بزرگی در مسجد شاه علیه عملیات یهود در فلسطین تحت زعامت آیت‌الله کاشانی به‌عمل آمد. این گردهم‌آیی به‌دنبال اعلام استقلال اسرائیل و حمله نیروهای عرب به کشور مزبور به‌عمل آمد.

خرداد ماه

۱۸ عبدالحسین هژیر وزیر مشاور گزارش اقدامات دولت حکیمی را ظرف چهار ماه به مجلس شورای ملی داد و از مجلس تقاضای رأی اعتماد نمود. درنتیجه دولت حکیمی با ۵۸ رای ممتنع و ۳۸ رای موافق سقوط نمود.

۲۳ مجلس شورای ملی در یک جلسه خصوصی به عبدالحسین هژیر ابراز رأی تمایل نمود. از ۱۲۰ نفر عده حاضر در جلسه ٦٦ نفر به نخست‌وزیری او رای دادند. ساعد ۴۳ رای و عباس اسکندری ۸ رای داشتند و به‌دنبال ابراز تمایل نمایندگان شاه فرمان نخست‌وزیری او را صادر کرد.

۲۳ به‌دنبال ابراز تمایل مجلس شورای ملی به عبدالحسین هژیر ابتدا دانشجویان دانشکده حقوق و سپس دانشجویان دانشکده فنی در صفوف منظم و متشکل به‌سمت مجلس حرکت کردند و ضمن ملاقات با نمایندگان مجلس به انتخاب هژیر به نخست‌وزیری اعتراض کردند و در میدان بهارستان دست به تظاهرات زدند. در همان موقع عده کثیری از طبقات مختلف و بازاریان در میدان بهارستان حضور یافته، به دانشجویان پیوستند و شروع به ایراد سخنرانی نموده اعتراض خود را به نخست‌وزیری هژیر اعلام داشتند. پلیس برای تفرقه مردم و دانشجویان متوسل به خشونت و تیراندازی شد و درنتیجه عده‌ای از طرفین زخمی شدند و بعضی از تظاهرکنندگان نیز توسط پلیس بازداشت گردیدند. این تظاهرات به‌دستور آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی صورت گرفت.

۲۳ سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی طی مصاحبه‌ای اعلام کرد اگر آیت‌الله کاشانی با زمامداری هژیر مخالفت دارند باید نمایندگان مجلس شورای ملی را راضی به نظریات خود نمایند نه اینکه متوسل به سروصدا و جنجال شوند.

۲۴ به‌دنبال تظاهرات شدید علیه زمامداری هژیر در شهرستانهای قم، مشهد، اصفهان، قزوین علیه هژیر تظاهرات شدیدی صورت گرفت. تظاهرکنندگان حامل عکس هائی از آیت‌الله کاشانی بودند.

۲۵ آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی اعلامیه شدیداللحنی علیه نخست وزیری هژیر انتشار داد و نمایندگانی را که به وی رای داده‌اند به‌شدت مورد انتقاد قرار داد.

۲۵ هژیر نخست‌وزیر در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار کرد: مبارزه سیاسی بین جمعی نباید از حدود نزاکت خارج شود. او افزود کسانی که نظم عمومی را مختل کنند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

۲۷ چندین هزار بازاری و روحانی درحالی که قرآنی بر سر داشتند به رهبری سید مجتبی نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و ضمن ایراد سخنرانی از وکلای مجلس نسبت به انتخاب هژیر انتقاد کردند. بین گارد مجلس و ماموران انتظامی و جمعیت تظاهر کننده زدوخورد آغاز شد و عده‌ای مجروح شدند.

۲۷ هژیر نخست‌وزیر اعلامیه‌ای منتشر کرد و متذکر شد از تحریکات و عملیات مفسده‌جویانهٔ اشخاص به‌شدت جلوگیری خواهد شد.

۳۰ دکتر سلام‌اله جاوید وزیر کشور فرقه دموکرات آذربایجان و شبستری رئیس مجلس فرقه به‌موجب رای دادگاه زمان جنگ به دو سال زندان محکوم شدند.

۳۰ عبدالحسین هژیر نخست وزیر اعضاء دولت را بشرح زیر به شاه معرفی کرد:

مصطفی عدل وزیر مشاور، خلیل فهیمی وزیر کشور، سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ. امان‌الله اردلان وزیر دارائی،



اولین جلسه هیئت وزیران عبدالحسین هژیر در کاخ نخست‌وزیری

موسی نوری اسفندیاری وزیر خارجه. نادر آراسته وزیر پست و تلگراف و تلفن، دکتر منوچهر اقبال وزیر فرهنگ، جواد بوشهری وزیر کشاورزی، محمدعلی نظام‌مافی وزیر دادگستری، دکتر عباس ادهم (اعلم الملک) وزیر بهداری، دکتر سید فخرالدین شادمان وزیر اقتصاد ملی، جمال امامی وزیر مشاور.

تیر ماه

۳ نخست‌وزیر ضمن معرفی هیئت دولت به مجلس شورای ملی برنامه خود را نیز اعلام نمود. به‌هنگام نطق نخست‌وزیر در جایگاه تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه هژیر به‌وقوع پیوست و عده‌ای از نمایندگان له و علیه دولت صحبت کردند، در همین جلسه مکّی، حائری‌زاده، آزاد، رحیمیان، آشتیانی زاده علیه هژیر اعلام جرم نمودند.

۵ عبدالحسین هژیر، دکتر عبدالحسین مشیرفاطمی را به معاونت اداری خود برگزید.

۸ در جلسه مجلس شورای ملی نمایندگان به برنامه دولت و وزیران رای دادند از ۹۶ نفر عده حاضر ۸۸ نفر به دولت رای اعتماد دادند. هژیر ضمن تشکر از نمایندگان به مخالفین هشدار داد.

۱۲ طبق تصویبنامه هیئت وزیران فروش و عرضه انواع مشروبات الکلی در شهرهای مشهد، قم و شهری ممنوع گردید.

۱۵ دولت لایحه عفو محکومین آذربایجان و زنجان را به مجلس داد.

۱۹ لطفعلی معدل نماینده سابق مجلس و جهانگیر تفضلی مدیر روزنامه ایران، به معاونت نخست وزیری معرفی شدند.

۲۶ عباس اسکندری دولت هژیر را به‌علت سوء سیاست داخلی و خارجی و بحرین استیضاح کرد.

۲۸ مهدی فرخ به سمت سفارت کبرای ایران در چین منصوب شد.

۳۱ ارتباط تلفنی بین تهران و لندن برقرار گردید.

شهریور ماه

۱ عبدالحسین هژیر نخست‌وزیر از مجلس تقاضای رای اعتماد نمود درنتیجه ۹۳ نماینده به او رای داد.

۲ عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام به نیابت ریاست عمومی اتحاد اسلام انتخاب شد. امور مسلمین ایران، افغانستان، پاکستان و شوروی به‌عهده ایشان قرار گرفت.

۸ سیل مدهشی در سراب جاری شد، خسارات وتلفات زیادی برجای گذارد.

۸ دولت عبدالحسین هژیر تصویبنامه‌ای درباره تحدید

مطبوعات صادر کرد. به‌موجب این تصویبنامه کسانی که به‌نحوی از انحاء از دولت حقوق می‌گیرند حق شرکت کردن در روزنامه به‌عنوان مدیر، سردبیر و عضو هیئت تحریریه را ندارند. این تصویبنامه مطبوعات را علیه هژیر تحریک کرد و جرائد دست به حملات شدیدی به دولت زدند و دولت نیز عده زیادی از جراید را توقیف نمود.

۱۱ سرتیپ محمدعلی صفاری به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شد. سرلشگر ضرابی رئیس سابق به ارتش بازگشت.

۱٤ عبدالقدیر آزاد نماینده مجلس دولت هژیر را به‌علت توقیف غیرقانونی مطبوعات و اختناق آزادی و قیام علیه قانون استیضاح نمود.

۱۵ دولت اعلامیه برقراری روابط سیاسی با دولت عربستان سعودی را منتشر کرد. به‌موجب این اعلامیه زیارت مکّه برای ایرانیان آزاد شد.

۲۵ تفضلی و معدل معاونین نخست‌وزیر کناره‌گیری کردند.

۲٦ در جلسه علنی مجلس شورای ملی به‌هنگام طرح لایحه عفو مرتکبین قضایای آذربایجان و زنجان بین هژیر نخست وزیر و چند تن از نمایندگان اقلیت مشاجره شدید درگرفت. هژیر خطاب به آنها گفت شما تیشه برداشته‌اید و به ریشه این مملکت می‌زنید. اقلیت نیز حملات تند و بی‌پروا به هژیر کرد.

۲۸ محسن صدر (صدرالاشراف) نخست وزیر سابق به‌سمت امیرالحاج تعیین گردید.

۳۰ جواد بوشهری وزیر کشاورزی و محمدعلی نظام‌مافی وزیر دادگستری استعفا کردند.

۳۱ خلیل فهیمی به استانداری آذربایجان منصوب شد. علی منصور از تبریز احضار گردید.

مهر ماه

۱ عبدالحسین هژیر نخست وزیر کابینه را ترمیم کرد و وزیران تازه را به این شرح معرفی نمود. عباسقلی گلشائیان وزیر دادگستری، محمدعلی وارسته وزیر دارائی، آقاخان اشرفی وزیر اقتصاد ملی، دکتر فخرالدین شادمان وزیر کشاورزی. نخست وزیر وزارت کشور را شخصاً برعهده گرفت.

۱۳ کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی احمد قوام را از اتهامات وارده تبرئه نمود.

۱٤ زلزله شدیدی در مشهد، قوچان، بجنورد، شیروان، باجگیران، درجز، کلات حادث شد. مجموعاً سی و یک قریه ویران و متجاوز از هزار نفر مقتول و مجروح شدند.

۱٤ در انتخابات هیئت رئیسه مجلس اخذ رای به‌عمل آمد. سردار فاخر حکمت با ۵۳ رای به‌ریاست انتخاب شد. چهل و شش نماینده به ریاست سید حسن تقی‌زاده رای دادند.

۱٤ محمدعلی وارسته وزیر دارائی از کار کناره‌گیری کرد.

آبان ماه

۳ علی دشتی به سفارت ایران در مصر تعیین گردید.

۱۵ عبدالحسین هژیر و کلیه وزیران استعفای خود را به شاه دادند.

۱۷ مجلس شورای ملی تمایل خود را به نخست‌وزیری محمد ساعد اعلام کرد و فرمان صادر شد.

۲۵ ساعد وزیران خود را به‌شرح زیر به شاه معرفی نمود: محسن صدر وزیر دادگستری، دکتر امیراعلم وزیر بهداری، سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ. علی اصغر حکمت وزیر خارجه، دکتر محمد سجادی وزیر فرهنگ، عباسقلی گلشائیان وزیر دارائی، نادر آراسته وزیر پست و تلگراف و تلفن، دکتر منوچهر اقبال وزیر راه، آقاخان اشرفی وزیر اقتصاد ملّی، دکتر احمد مقبل وزیر کشاورزی، جمال امامی وزیر مشاور، دکتر هادی طاهری وزیر مشاور.

آذر ماه

۲ محمد ساعد وزیران کابینه را به مجلس معرفی کرد و برنامه دولت را تقدیم نمود. مهندس رضوی به‌عنوان مخالف صحبت کرد. سخنان او پنج جلسه به‌طول کشید.

۳ محسن صدر وزارت دادگستری را و دکتر امیراعلم وزارت بهداری را نپذیرفته، استعفا دادند.

۱۵ مهندس مهدی بازرگان به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد.

۱۷ مجلس به دولت ساعد رای اعتماد داد، ۵٦ نفر با دولت او



هیئت وزیران ساعد به ترتیب: مقبل، گلشائیان، امیر احمدی، امامی، ساعد، آراسته، امیراعلم، سجادی، حکمت، اقبال، اشرفی و طاهری

موافقت کردند.

۲۱ محمد ساعد در کابینه خود به‌دنبال استعفای دو تن از وزیران تغییراتی به‌شرح زیر داد:

دکتر محمد سجادی وزیر راه، دکتر منوچهر اقبال وزیر بهداری و سر پرست وزارت کشور، دکتر زنگنه وزیر فرهنگ.

۲۳ دکتر علی اکبر سیاسی مجدداً رئیس دانشگاه تهران شد.

بهمن ماه

۲ سید محسن صدر (صدرالاشراف) به‌سمت استانداری خراسان تعیین شد.

۲ مهندس رضوی نماینده مجلس هنگام خروج از مجلس توسط سرهنگ برخوردار مورد حمله و ضرب شدید قرار گرفت.

۵ دکتر حسن مشرف نفیسی از سازمان برنامه کنار رفت. احمد حسین عدل جای او را گرفت.

۷ عباس اسکندری نطق بسیار مشروحی در طی چند جلسه در مجلس ایراد کرد و تقاضا نمود امتیاز نفت باید لغو شود. اسکندری در این نطق به‌شدت تقی زاده را مورد حمله قرار داد

۷ تقی زاده در پاسخ به نطق اسکندری سخنان مشروحی ایراد نمود و پرده از روی تجدید قرارداد نفت برداشت[۱].

۱٤ تظاهرات شدیدی از طرف دانشجویان دانشگاه برای الغاء قرارداد نفت و تعطیل بانک شاهی در تهران صورت گرفت.

۱٤ هیئتی از طرف دولت به ریاست گلشائیان وزیر دارائی برای مذاکره با نمایندگان شرکت نفت جنوب تعیین گردید.

۱۵ بعد از ظهر امروز اجتماع عظیمی از اعضاء حزب توده ایران به‌مناسبت سالروز وفات دکتر ارانی بر سر قبر او تشکیل یافت و در این اجتماع سخنانی ایراد گردید.

۱۵ بعد از ظهر امروز در جلوی دانشکده حقوق محمدرضا پهلوی هدف چند گلوله قرار گرفت. باوجودی که ضارب در نزدیکی شاه قرار داشت گلوله‌ها مؤثر نیفتاد و فقط خراشی ایجاد کرد. ضارب ناصر فخرآرائی ظاهراً خبرنگار روزنامه

۱ ــ به بخش ضمائم و تعلیقات مراجعه شود

پرچم اسلام ولی عضو حزب توده ایران بود. شاه در آن روز طبق معمول سنواتی قصد شرکت در جشن دانشگاه را داشت. گارد محافظ شاه با شلیک گلوله، ضارب را از پای درآوردند.

۱۵ محمد ساعد نخست وزیر به مناسبت حادثه دانشگاه اعلامیه‌ای انتشار داد.

۱۵ در تهران حکومت نظامی اعلام شد و سرلشگر هوائی، احمد خسروانی معاون ستاد ارتش فرماندار نظامی تهران شد.

۱۵ عده زیادی از مخبرین و عکاسان که در محوطه دانشگاه حضور داشتند بازداشت شدند. دکتر فقیهی شیرازی مدیر روزنامه پرچم اسلام و دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه بازداشت گردیدند.

۱۵ هیئت وزیران در یک جلسه فوق العاده حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کرد.

۱۵ تمام مراکز و کلوپ های حزب توده ایران در تهران و شهرستان‌ها توسط مامورین انتظامی و شهربانی تصرف گردید. عده زیادی از سران حزب توده در تهران و شهرستان ها توقیف شدند.

۱۵ حکومت نظامی دست به بازداشت عده زیادی زد. مخالفین دولت درصدر بازداشت شدگان بودند چند روزنامه‌نویس نیز به محبس رفتند و روزنامه های آنها توقیف شد.

۱۷ سید ابوالقاسم کاشانی طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت و به خرم‌آباد تبعید گردید.

۱۷ دولت ساعد پیرامون حادثه دانشگاه به مجلس گزارش داد و برای تأیید اقدامات دوروزه خود که یکی غیرقانونی بودن حزب توده بود تقاضای رای اعتماد نمود. ۸۶ نفر از ۹۱ نماینده حاضر در جلسه به دولت ساعد رای اعتماد دادند

۱۸ قاسم صوراسرافیل از رجال معمر و آزادیخواه در تهران درگذشت.

اسفند ماه

٤ عده زیادی از مدیران و نویسندگان جرائد در دادگاه نظامی محاکمه و محکوم شدند. دانش نوبخت مدیر روزنامه سیاست، و سیدعلی بشارت مدیر روزنامه صدای وطن هریک به پنج سال حبس، محمود دژکام ناشر روزنامه رگبار به ٤ سال زندان، فرهنگ ریمن به سه سال و سید محمدباقر حجازی مدیر روزنامه وظیفه به دو سال، والاتژاد یک سال و نیم و جهانگیر بهروز به یک سال زندان محکوم شدند.

۵ بعدازظهر امروز نمایندگان فراکسیون های مجلس شورای ملی در دربار حضور یافته با شاه ملاقات و مذاکره کردند. شاه در این اجتماع به نمایندگان شدیداً حمله نمود و اظهار کرد دولت‌ها را شما می‌آورید و می‌برید و گلوله آن را من می‌خورم، بنابراین درصدد گرفتن اختیاری برای خود می‌باشم و به دولت دستور داده‌ام مجلس مؤسسان را تشکیل دهد و اصل ٤۸ متمم قانون اساسی را تغییر دهد و اختیاراتی جهت انحلال مجلس برای ما بگیرد.

۷ فرمان تهیه مقدمات وسائل انتخابات دوره شانزدهم صادر و منتشر گردید.

۹ فرمان تشکیل مجلس مؤسسان به‌منظور اصلاح چند اصل از قانون اساسی و متمم آن صادر شد.

۱۱ محاکمه ١٤ نفر از سران حزب توده به اتهام ترویج مرام اشتراکی و ضدیت با حکومت مشروطه در شهربانی آغاز شد. سرهنگ باستی ریاست دادگاه را برعهده داشت. سرهنگ ۲ اداری علی اکبر مهتدی نیز دادستان بود.

۱۲ لایحه اختناق مطبوعات به‌صورت ماده واحده به‌تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۲۱ ساعد کابینه را ترمیم کرد. وزیران تازه به این شرح معرفی شدند: خلیل فهیمی وزیر مشاور، دکتر محمد سجادی وزیر دادگستری، نادر آراسته وزیر راه، دکتر منوچهر اقبال وزیر کشور، دکتر عباس لقمان ادهم وزیر بهداری.

۲۶ انتخابات اعضاء اتاق بازرگانی تهران پایان یافت. علی اصغر ناصر رئیس بانک ملی بازار به‌ریاست اتاق انتخاب شد.

سال ۱۳۲۸ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۴۹ تا ۲۱ مارس ۱۹۵۰ میلادی

فروردین ماه

۱ عده زیادی از افسران ارتش ترفیع درجه یافتند ازجمله سرتیپ عباس گرزن و سرتیپ حسن بقائی به درجه سرلشگری و سرهنگ دفتری، سرهنگ گلپیرا، سرهنگ دادستان، سرهنگ بیژن وگیلانشاه، سرهنگ محمد مظهری به درجه سرتیپی نائل شدند.

۶ انجمن نظارت بر انتخابات مجلس مؤسسان تشکیل شد. نصرالملک هدایت به ریاست انجمن منصوب گردید.

۱٤ انتخاب رئیس مجلس شورای ملی تجدید شد. سردار فاخر حکمت با ۵۰ رای بر رقیب خود هاشم ملک‌مدنی که ٤٤ رای داشت فائق آمد.

۱٤ محاکمه ۹ نفر متهمین شرکت در سوء قصد به شاه در دادگاه نظامی آغاز شد. ریاست دادگاه با سرهنگ شکرالله هدایت و دادستانی با سرهنگ مهتدی بود.

۱۸ گنجینه قرآن‌های خطی و نمایشگاه خطوط نفیسه در موزه ایران باستان افتتاح شد.

۲۰ نماینده ایران در سازمان ملل متفق با ورود دولت اسرائیل به سازمان مزبور مخالفت کرد.

۲۰ به‌دستور ستاد ارتش لباس افسران تغییر یافت و به‌صورت لباس های افسران امریکائی درآمد.

۲۳ حسین مکّی در مجلس شورای ملی در بیان استیضاح خود، دولت ساعد را در استقرار حکومت نظامی و تبعید آیت‌الله کاشانی به‌شدت مورد انتقاد قرار داد.

۲۳ عریضه سرگشاده دکتر مظفر بقائی خطاب به شاه در مجلس قرائت گردید. در این عریضه بقائی، شاه را ازعدم اجرای قوانین و تضییع حقوق افراد و تعطیل مطبوعات و مداخله مقامات نظامی در امور کشوری و تشکیل مجلس مؤسسان برحذر داشت.

۲۷ دکتر مظفر بقائی در دنباله استیضاح خود راجع به تصمیم دولت در غیرقانونی شناختن حزب توده و برکنار ساختن جمعی از کارگران و تشکیل مجلس موسسان اعتراض نمود.

۳۰ دکتر بقائی دربارهٔ مداخله دولت در انتخابات و ایجاد دیکتاتوری و قتل محمد مسعود توضیحات مفصلی داد.

۳۰ سردار فاخر حکمت در پاسخ بقائی در مورد قتل محمد مسعود اظهار نمود: خدا رحمتش کند همان‌طور که گفتید با یک حقوق کمی مشغول اعاشه بود و با اشاعه فساداخلاق پولهائی به‌دست آورد و با چندصد هزار تومان از دنیا رفت. آقای دکتر بقائی مملکت را خراب نکنید. بگذارید حقیقت را مردم بدانند. دیکتاتوری وجود ندارد و من خودم جلوی

دیکتاتوری را خواهم گرفت.
۳۰ دکتر بقائی در بیان استیضاح خود سپهبد رزم‌آرا را به‌شدت مورد انتقاد قرار داد.

اردیبهشت ماه

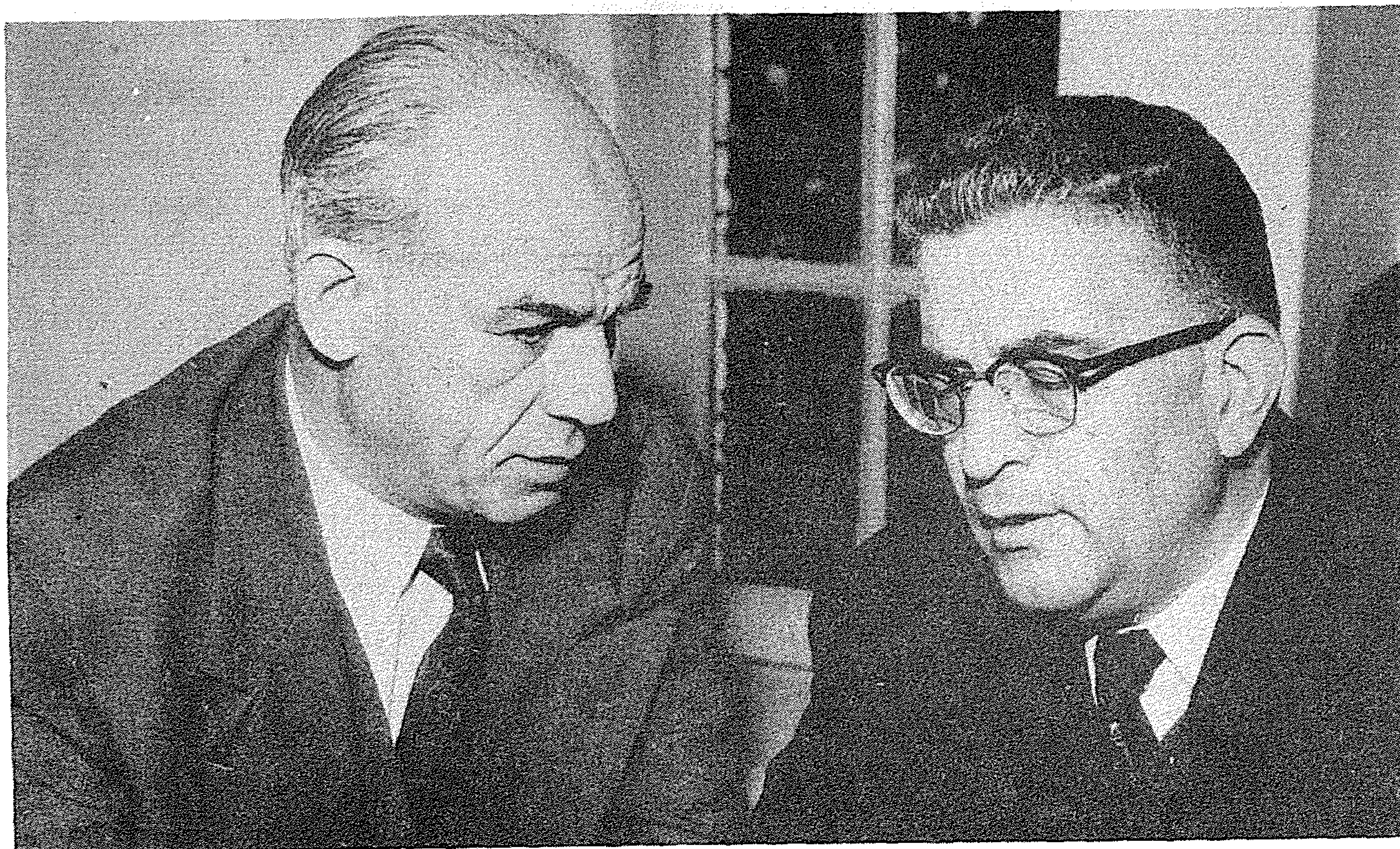
۱ حائری‌زاده در بیان استیضاح خود به تبعید آیت‌الله کاشانی و خالصی‌زاده و تغییر اصول قانون اساسی و امتیاز نفت جنوب و انتخابات مجلس مؤسسان اعتراض نمود.
۱ ساعت ده بامداد امروز مجلس مؤسسان در کاخ دادگستری افتتاح شد. حکیم‌الملک به‌ریاست سنی انتخاب گردید.
۳ سید محمد صادق طباطبائی به ریاست مجلس مؤسسان و نصرالملک هدایت و سهام‌السلطان بیات به نیابت انتخاب شدند.
۳ حکومت نظامی اعلامیه‌ای انتشار داد و محکومیت ۱۳ نفر از سران حزب توده را اعلام کرد. متعاقباً محکومیت هفت نفر دیگر نیز اعلام شد.
٤ در بندرعباس زلزله شدیدی روی داد. عده زیادی تلف و مجروح شدند و چندین خانه ویران شد.
٦ ابوالفتح والا تبار (حشمت‌الدوله) استاندار آذربایجان گردید.
۷ بانک شاهی طبق تصویبنامه هیئت وزیران مجبور شد پنجاه‌درصد سرمایه خود را در بانک ملی بسپارد.
۹ به‌دنبال کودتای حسنی‌الزعیم در سوریه، دولت ایران رژیم تازه را به‌رسمیت شناخت.
۱۰ در جلسه امروز مجلس نخست وزیر و چند تن از وزیران به استیضاح آقایان دکتر بقائی، حسین مکی، حائری‌زاده پاسخ مشروح دادند و سپس اخذ رای به دولت به‌عمل آمد از ۹٦ نفر عده حاضر نود رای موافق و پنج رای کبود و یک رای ممتنع بود.
۱۷ مجلس مؤسسان اصل الحاقی به قانون اساسی را تصویب کرد.
۱۸ اصل ٤۸ قانون اساسی که تغییراتی در آن داده شده بود به‌تصویب مجلس مؤسسان رسید.
۱۸ عبدالرضا پهلوی سرپرست برنامه هفت‌ساله شد و اعضای شورای سازمان برنامه بدین ترتیب انتخاب شدند. علی منصور، ابوالقاسم نجم، دکتر مشرف نفیسی، احمد حسین عدل، دکتر شمس‌الدین جزایری، دکتر فضل‌الله مشاور، مهندس احمد زنگنه، دکتر تقی نصر به‌سمت مدیرعامل سازمان برنامه انتخاب شد.
۱۹ حمید سیاح به‌سمت وزیر راه تعیین گردید.
۲٤ لیاقت علیخان نخست‌وزیر پاکستان وارد تهران شد.
۲۸ دادگاه جنائی شماره ۲ فرمانداری نظامی آقایان دکتر فریدون کشاورز، دکتر رضا رادمنش، عبدالصمد کامبخش، احسان طبری، علی امیرخیزی، ایرج اسکندری، رضا روستا، آرداشس آوانسیان را به اتهام فعالیت کمونیستی محکوم به اعدام نمود و عده دیگری را مانند مریم فیروز، دکتر محمد بهرامی، دکتر فروتن، امان‌الله قریشی، یوسف جمارانی، محمد شریفی، پطروس شمعون، مهندس محمد شریفی از پنج تا ده سال محکوم به حبس نمود.

خرداد ماه

٦ علامه محمد قزوینی دانشمند و محقق بزرگ معاصر در تهران درگذشت.
۸ جنازه علامه قزوینی با شکوه تشییع شد. دانشگاه تهران به احترام آن مرحوم تعطیل گردید.
۹ واحدهای ژاندارمری در نقاط مختلف کشور در اختیار وزارت جنگ قرار گرفت.
۱۵ لایحه برگشت املاک و مستغلات رضاشاه به ملکیت محمدرضا شاه به‌تصویب مجلس رسید. و بهره‌برداری از آن به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی محول شد.
۱۷ ساختمان مقبره بوعلی سینا در همدان آغاز شد.
۲٤ عبدالاله نایب السلطنه و ولیعهد عراق وارد تهران گردید.
۲٦ فرمان انتخابات مجلس سنا صادر شد.

تیر ماه

۲ دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی استاد مدرسه طب دارالفنون و اولین وزیر بهداری ایران درگذشت.
۱۱ بمناسبت کمبود قند و شکر و ایجاد قحطی مصنوعی در



دکتر مظفر بقائی و سید حسین مکّی

تهران و شهرستانها تظاهراتی از طرف مردم صورت گرفت. نخست وزیر در این مورد اعلامیه داد و سهمیه عاملین فروش را دوبرابر کرد.

۱۱ منوچهر نیک‌پی معاون وزارت دارائی و رئیس کل قند و شکر از طرف دادستان دیوان کیفر بازداشت شد.

۱۳ قانون تجدیدنظر در سازمان وزارتخانه ها و تصفیه کارمندان دولت به تصویب رسید.

۲۳ بودجه کل کشور تصویب شد.

۲۳ بانک جدیدی بنام بانک اعتبارات صنعتی تأسیس گردید.

۲۳ ساختمان راه‌آهن تهران تبریز بطول ۷۵۰ کیلومتر و راه‌آهن تهران مشهد به طول ۹۲۷ کیلومتر تصویب شد.

۲۸ لایحه الحاقی قرارداد نفت از طرف وزیر دارائی تقدیم مجلس گردید.

۲۸ عبدالحسین هژیر نخست وزیر سابق به وزارت دربار منصوب شد.

۳۰ قانون استخدام مستشاران سوئدی برای شهربانی به‌تصویب رسید.

مرداد ماه

۱ لایحه الحاقی قرارداد نفت در مجلس مطرح شد. مکی در مخالفت با آن سخن گفت و لایحه مزبور را کافی برای استیفای حقوق ملت ایران ندانست.

٤ گلشائیان وزیر دارائی پیرامون لایحه نفت توضیحاتی داد و گذشتگان را مقصر دانست.

٦ عمر دوره پانزدهم مجلس شورای ملی پایان یافت.

٦ ملک عبدالله پادشاه کشور هاشمی اردن وارد تهران شد.

۹ دولت دویست هزار تن گندم از امریکا خریداری کرد.

۱۱ محمد علی کشاورز صدر به معاونت نخست وزیر و رئیس تبلیغات انتخاب شد.

۱۵ ساعد نخست وزیر، جواد گنجه‌ای را به وزارت پست و تلگراف معرفی نمود.

۱٦ غلامحسین فروهر از طرف نخست وزیر به وزارت کار تعیین گردید.

۱٦ حکومت نظامی در تهران ملغی شد.

۱٦ محمدعلی وارسته استاندار کرمان و فضل‌الله بهرامی

استاندار خوزستان شدند.

۲۰ دکتر تقی نصر از مدیرعاملی سازمان برنامه کناره گیری کرد. دکتر مشرف نفیسی به جای او نشست.

۲۰ ساعد نخست وزیر طی یک مصاحبه مطبوعاتی توجه مجلس سنا و کنگره امریکا را به وضع دفاعی ایران و مطابقت با همسایگان جلب کرد.

۲۰ نام بانک شاهی به بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه تغییر یافت.

۲۰ در اجرای قانون ۱۳ تیرماه مربوط به تجدید نظر در سازمان وزارتخانه ها و تصفیه کارمندان، دولت هشت نفر به این شرح تعیین کرد: محمد سروری، اسدالله ممقانی، عبدالعلی لطفی، باقر شاهرودی، احمد امامی، مختارالملک صبا، محسن قریب.

۲۲ هیئت نظارت بر انتخابات مجلس سنا تشکیل شد و سید محمد صادق طباطبائی به ریاست انتخاب شد.

۲۷ عیسی سروش به استانداری مازندران منصوب گردید.

شهریورماه

۲ خان ملک ساسانی به معاونت سیاسی نخست وزیر برگزیده شد.

۳ بانک صنعتی و معدنی ایران منحل گردید.

۵ مهندس میکده مدیرکل لوله کشی آب تهران شد.

۶ عبدالله انتظام به وزیر مختاری در لاهه منصوب گردید.

۲۰ عباس اقبال آشتیانی به نمایندگی فرهنگی ایران در عراق، سوریه، لبنان و مصر و محمد محیط طباطبائی نماینده فرهنگی ایران در هندوستان و حسین مشایخ فریدنی نماینده فرهنگی ایران در پاکستان و محمدتقی مقتدری نماینده فرهنگی ایران در افغانستان شدند.

۲۴ از خدمات فرهنگی دکتر لقمان الدوله ادهم تجلیل شد.

مهرماه

۲ ساعد نخست وزیر، سپهبد یزدان‌پناه را به سمت وزارت راه و حمید سیاح را به سمت وزیر پست و تلگراف و تلفن تعیین نمود.

۲ سرلشگر فرج الله آق اولی به ریاست بانک سپه تعیین شد.

۱۷ هیئت وزیران بنا به تقاضای آقاخان محلاتی به وی تابعیت ایران را داد.

۱۷ محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان وارد تهران شد.

۲۱ ساعد نخست وزیر برای معالجه به اروپا رفت. علی اصغر حکمت کفالت نخست وزیری را عهده دار شد.

۲۲ قبل از ظهر دکتر محمد مصدق به اتفاق جمعی قریب دویست نفر برای تحصن به دربار حرکت کردند و قبل از اقدام به تحصن عریضه ای توسط هژیر وزیر دربار دربارهٔ سوء جریان انتخابات دوره شانزدهم تقدیم نمود.

۲۲ عبدالحسین هژیر وزیر دربار پاسخ دکتر مصدق را از طرف شاه مبنی بر آزادی انتخابات و رسیدگی به شکایات آنان تسلیم نمود.

۲۲ دکتر محمد مصدق به اتفاق عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام، ابوالحسن عمیدی نوری مدیر روزنامه داد، حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز، احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره، جلالی نائینی مدیر روزنامه کشور، حسین مکّی، مهندس زیرک‌زاده، دکتر سید علی شایگان، محمود نریمان، شمس الدین امیرعلائی، دکتر بقائی، عبدالقدیر آزاد، کریم سنجانی، آیت الله غروی، ارسلان خلعتبری، دکتر کاویانی، یوسف مشار، حائری‌زاده و عدیلی در کاخ شاه متحصن شدند. مصدق موارد شکایت خود را به انجمن مرکزی انتخابات ارسال نمود اخذ آراء موقتاً متوقف گردید.

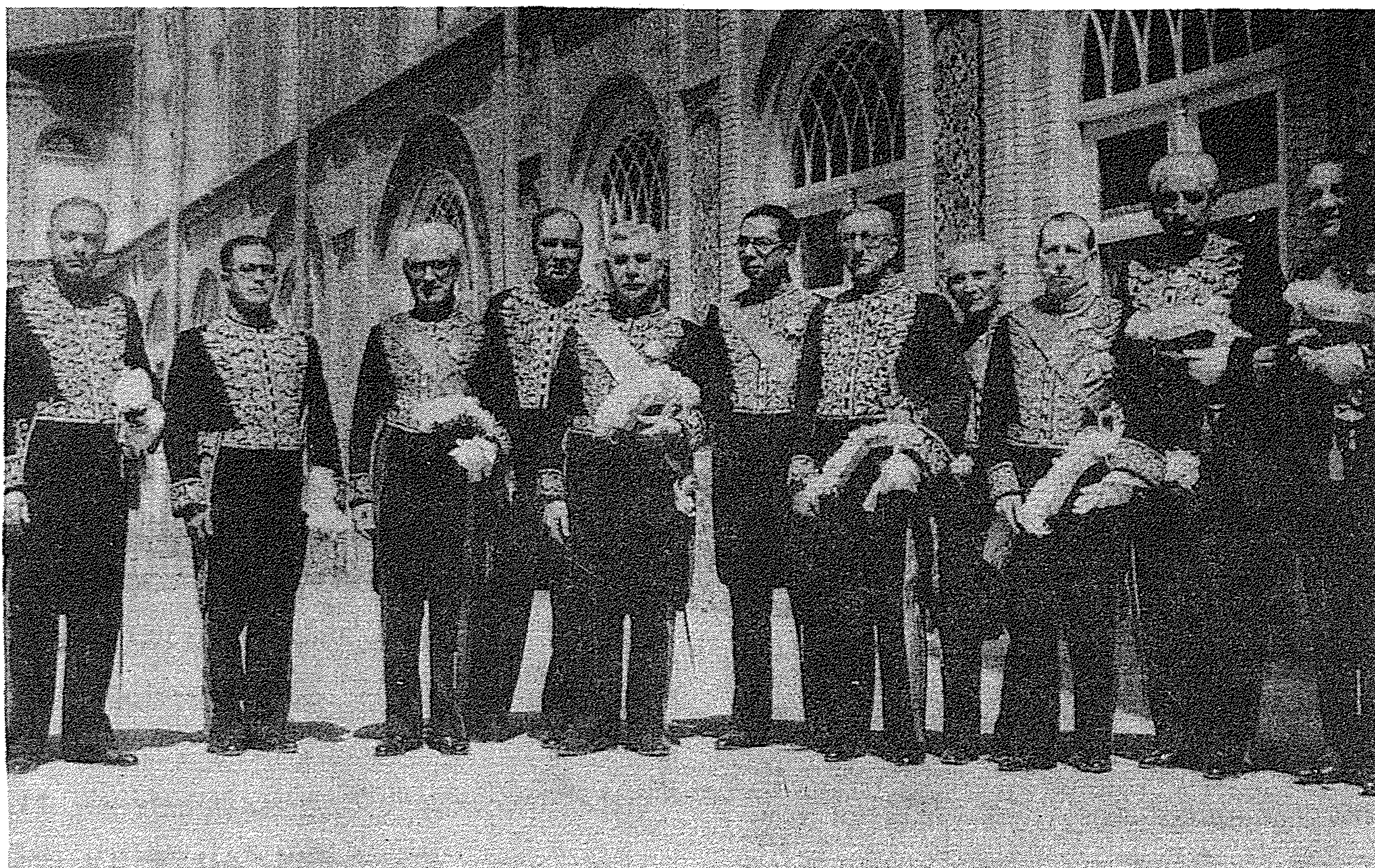
۲۶ دکتر مصدق و سایر متحصنین بدون اخذ نتیجه از تحصن خارج شدند.

آبان‌ماه

۲ دولت شوروی یکصد هزار تن گندم به ایران فروخت.

۳ مهدی حمیدی شیرازی به اتفاق آراء از دانشکده ادبیات درجه دکتری دریافت کرد.

۷ برحسب دعوت استاندار تهران از منتخبین درجه اول و اعضاء نظارت انتخابات مجلس سنا و معاون اول دادستانی استان مرکز جلسه ای برای انتخابات درجه دوّم مجلس سنا تشکیل گردید. دکتر مصدق که جزو منتخبین درجه یک



هیئت وزیران ساعد پس از ترمیم به ترتیب: حکمت، اشرفی، آراسته، عدل، امیراعلم، سجادی، ساعد، امامی، سیاح، زنگنه، مقبل

مجلس بود اظهار داشت: من اعتمادی برای این مجلس ندارم. برای اینکه لیست دولت دیشب تهیه و منتشر شد و من آن را در این پاکت سربسته مهر کرده‌ام. وقتی نتیجه این مجلس معلوم شد با این لیست مطابقت می‌کنیم تا حقیقت معلوم شود سزاوار نیست که ۱۵ نفر سناتورهائی که به اختیار مردم گذاشته شده مانند سناتورهای انتصابی انتخاب شوند. سپس شایگان، حائری‌زاده، عمیدی نوری در تأیید بیانات مصدق اعتراضات خود را نمودند و اخذ رای با نظارت آقایان لسانی، سرمد، و حائری‌زاده به‌عمل آمد از ٦٤ نفر عده حاضر حائزین مجلس سنا به‌این شرح انتخاب شدند: ۱- نصرالملک هدایت، ۲- دکتر متین دفتری، ۳- دکتر سعید مالک، ٤- عبدالحسین نیکپور، ۵- یمین اسفندیاری، ٦- ابراهیم حکیمی، ۷- سید حسن تقی زاده، ۸- محمد سروری، ۹- ابراهیم خواجه‌نوری، ۱۰- نجم الملک، ۱۱- عباس مسعودی، ۱۲- دکتر صدیق، ۱۳- حسین نقوی، ١٤- دکتر ملک زاده، ۱۵- جواد بوشهری.

۱۳ در مجلس عزاداری و روضه‌خوانی دربار در مسجد سپهسالار، عبدالحسین هژیر وزیر دربار هدف سه گلوله قرار گرفت و به‌سختی مجروح گردید. تیرانداز حسین امامی عضو جمعیت فدائیان اسلام بود.

۱۳ در تهران و حومه حکومت نظامی برقرار شد و سرلشگر احمد خسروانی معاون ستاد ارتش با حفظ سمت فرماندار نظامی شد.

۱۳ آقایان: دکتر بقائی، حائری‌زاده، سید مصطفی کاشانی، سید علی بشارت، علی جواهرکلام، دانش نوبخت، خلیل طهماسبی و عبدالقدیر آزاد طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شدند.

۱۳ دکتر محمد مصدق طبق دستور فرماندار نظامی به احمد آباد تبعید شد.

١٤ عبدالحسین هژیر درگذشت.

١٤ حسین امامی در اولین جلسه باز پرسی به قتل هژیر اعتراف کرد و اظهار نمود بر من مسلّم شد وجود هژیر برای مملکت ضرر دارد لذا درصدد کشتن او برآمدم و قریب دو ماه بود که اسلحه شبانه‌روز با من بود تا بالاخره روز سوم عاشورا توانستم برنامه خود را اجرا کنم.

۱۵ دادگاه نظامی به‌ریاست سرهنگ جهانشاهی قاجار و دادستانی سرهنگ جهانگیری محاکمه حسین امامی را آغاز و سرانجام حکم اعدام را صادر کردند. امامی از تجدید نظر خودداری نمود و اظهار کرد تجدیدنظر باعث اتلاف وقت است.

۱۷ حسین مکی طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شد.

۱۸ سحرگاه امروز حکم اعدام حسین امامی به‌مرحله اجرا درآمد.

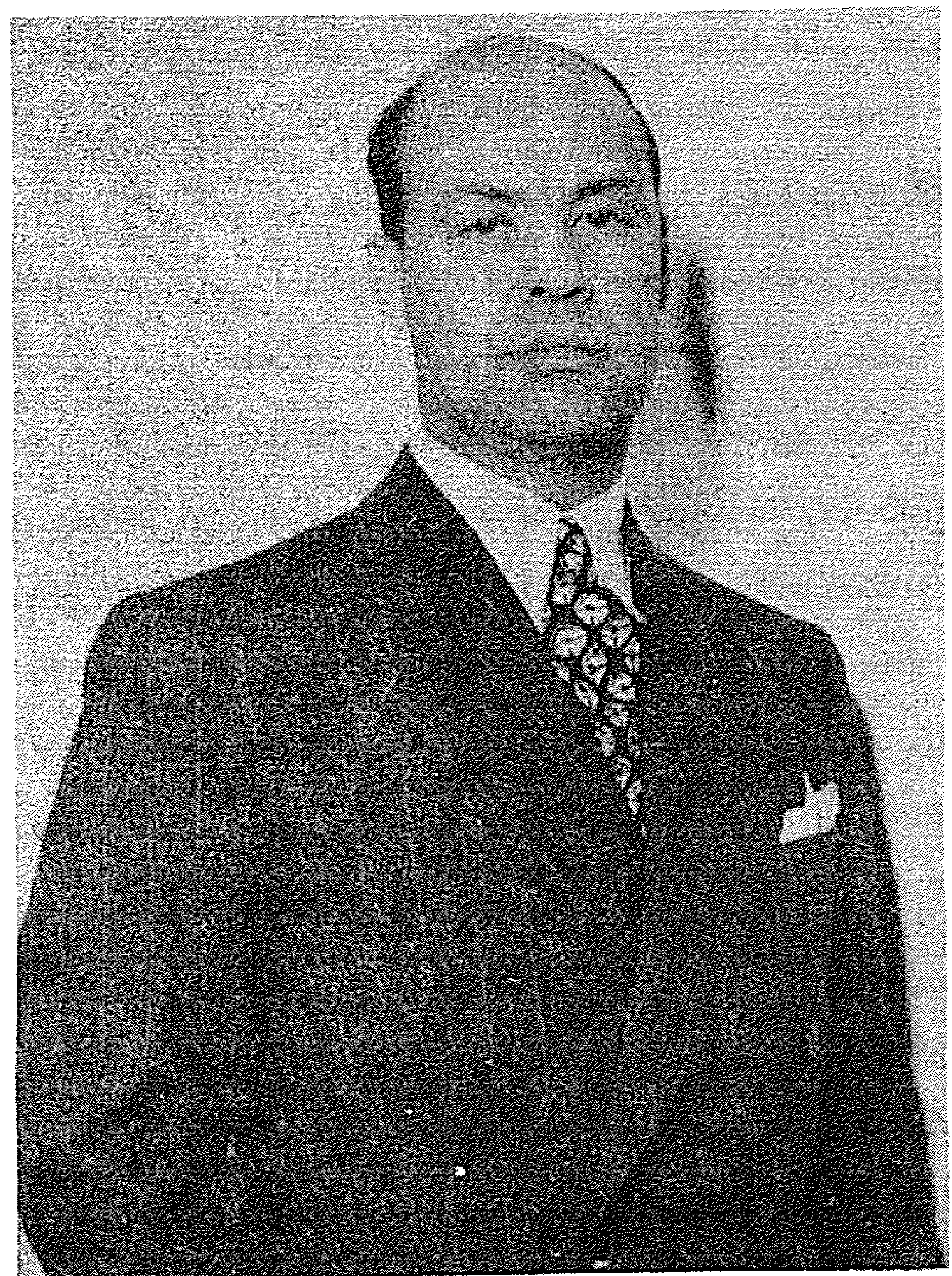
۱۹ قرائت آراء انتخابات تهران موقوف گردید. انجمن نظارت بطلان آراء مأخوذه را اعلام نمود.

۱۹ سید محمد صادق طباطبائی رئیس انجمن نظارت طی اعلامیه‌ای فساد در انتخابات را تأیید نمود.

۱۹ دکتر احمد مقبل وزیر کشاورزی از کار کناره گیری کرد.

۲۱ ساعد نخست وزیر، سید جلال الدین تهرانی و دکتر محمد نخعی را به‌عنوان وزیران مشاور تعیین نمود.

۲۱ جبهه‌ملی ایران به لیدری مصدق تشکیل گردید.



دکتر تقی نصر وزیر اقتصاد ملی

۲۲ سرلشگر فضل‌الله زاهدی به ریاست شهربانی منصوب شد.

۲۳ دادگاه نظامی لار سی نفر از مسئولان واقعه انتخابات لار را محکوم نمود. ۵ نفر اعدام، ٦ نفر ده‌سال زندان، یک نفر ۵ سال، ۱٤ نفر به دو سال محکوم شدند.

۲٤ ابراهیم حکیمی به وزارت دربار تعیین شد.

۲٤ غلامحسین ابتهاج شهردار تهران گردید.

۲٤ شاه به قصد امریکا تهران را ترک کرد. درغیاب خود شورای سلطنتی تشکیل داد.

۲۹ انتخابات تبریز باطل شد و انجمن نظارت منحل گردید.

آذرماه

۱۷ حائری‌زاده، مکی، بقائی، عبدالقدیر آزاد از زندان فرمانداری مستخلص شدند.

۲۰ در آمل هنگام اخذ رای برای انجمن شهر بیش از یکصد نفر در زدوخورد مجروح شدند.

۲۸ دانشگاه شیراز افتتاح و کار خود را آغاز کرد.

۲۸ سرهنگ عابد شیشکلی در سوریه کودتا کرد. سرهنگ سامی حناوی و یاران او را اعدام کرد.

دی‌ماه

۲۱ ساعد نخست وزیر استعفا داد. مجدداً ازطرف شاه مامور تشکیل کابینه شد.

۲٦ ساعد وزیران خود را بشرح زیر معرفی نمود: علی اصغر حکمت وزیر مشاور، دکتر محمد سجادی وزیر دادگستری، عباسقلی گلشائیان وزیر دارائی، سپهبد یزدان‌پناه وزیر جنگ، دکتر سیاسی وزیر امور خارجه، دکتر منوچهر اقبال وزیر راه، دکتر عبدالحمید زنگنه وزیر فرهنگ، دکتر تقی نصر وزیر اقتصاد ملی، دکتر محمد نخعی وزیر کشاورزی، سید جلال الدین تهرانی وزیر پست و تلگراف، امیر اسدالله علم وزیر کشور، دکتر شهید نورائی وزیر کار، دکتر عباس لقمان ادهم وزیر بهداری.

۲۷ دادگاه نظامی دکتر مظفر بقائی را به اتهام اهانت به ارتش به یک سال زندان محکوم ساخت.

۲۸ اعضاء جدید نظارت بر انتخابات در استانداری تهران دعوت شدند. دکتر حسن لقمان ادهم به‌ریاست انجمن انتخاب شد.

بهمن ماه

۲ اولین بانک خصوصی به‌نام (بانک بازرگانی ایران) با سرمایه پنجاه میلیون ریال تأسیس شد.

۳ زلزله شدیدی در کنگان روی داد. جمع کثیری به‌قتل رسیدند.

٤ مقررات حکومت نظامی در تهران به‌مناسبت انتخابات موقوف الاجراء ماند.

٤ ازطرف نخست وزیر آقایان دکتر سجادی، گلشائیان، دکتر نصر، شاهرخ برای رسیدگی به‌پرونده کارمندان دولت و تصفیه آنها تعیین شدند.

٤ دکتر شهید نورائی از وزارت کار کناره‌گیری کرد.

۸ سیل وحشتناکی در زاهدان جاری شد. متجاوز از هزار نفر تلف شدند و هزار و پانصد خانه ویران گردید.

۱۷ در اثر کثرت بارندگی و نزول برف درغالب شهرهای ایران اغلب راه‌ها مسدود و عبور و مرور قطع شد.

۱۸ میتینگ بزرگی در میدان بهارستان با حضور گسترده مردم تشکیل شد. ابتدا دکتر محمد مصدق در باب ابطال انتخابات گذشته تهران سخن گفت و به افتتاح مجلس قبل از انتخابات تهران اعتراض کرد.

۲۰ دوره اول مجلس سنا و دوره شانزدهم مجلس شورای ملی افتتاح و کار خود را آغاز کردند. ابراهیم حکیمی به‌ریاست سنی مجلس سنا و مخبر فرهمند به‌ریاست سنی مجلس شورای ملی انتخاب شدند.

۲۳ دکتر بقائی با قرار از زندان آزاد شد.

۲۵ اخذ آراء انتخابات تهران خاتمه یافت.

۳۰ انتخابات هیئت رئیسه دائمی مجلس سنا انجام گرفت. سیدحسن تقی‌زاده به‌ریاست و نصرالملک هدایت و سهام‌السلطان بیات به نیابت انتخاب شدند.

۳۰ به‌دنبال استعفای غلامحسین ابتهاج از شهرداری تهران، محمد مهران شهردار گردید.

اسفند ماه

۳ در انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی، سردار فاخر حکمت به‌ریاست و دکتر معظمی و گنجه‌ای به نیابت انتخاب شدند.

٤ هیئت رئیسه مجلسین با شاه ملاقات و آمادگی مجلس را برای کار اعلام داشتند. در این دیدار شاه از مجلسین خواستار حقوقی برای خود شد که مجلس مؤسسان در اصل ٤۹ برای شاه منظور نموده بود.

۵ محمد ساعد مراغه از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد ولی مجدداً ازطرف شاه مأمور تشکیل دولت شد.

۷ محمدساعدنخست‌وزیر، وزیران را به‌شرح زیر معرفی نمود: علی اصغر حکمت وزیر مشاور، دکتر سجادی وزیر دادگستری، عباسقلی گلشائیان وزیر دارائی، سپهبد یزدان‌پناه وزیر جنگ، ابراهیم زند وزیر کشور، دکتر زنگنه وزیر فرهنگ، دکتر عباس لقمان ادهم وزیر بهداری، دکتر محمد نخعی وزیر کار، سید جلال تهرانی وزیر پست و تلگراف، دکتر تقی نصر وزیر اقتصاد ملی، امیر اسدالله علم وزیر کشاورزی، حسین علاء وزیر امور خارجه.

۸ دکتر منوچهر اقبال به‌سمت وزیر راه معرفی شد.

۱۰ شاه به پاکستان پرواز کرد.

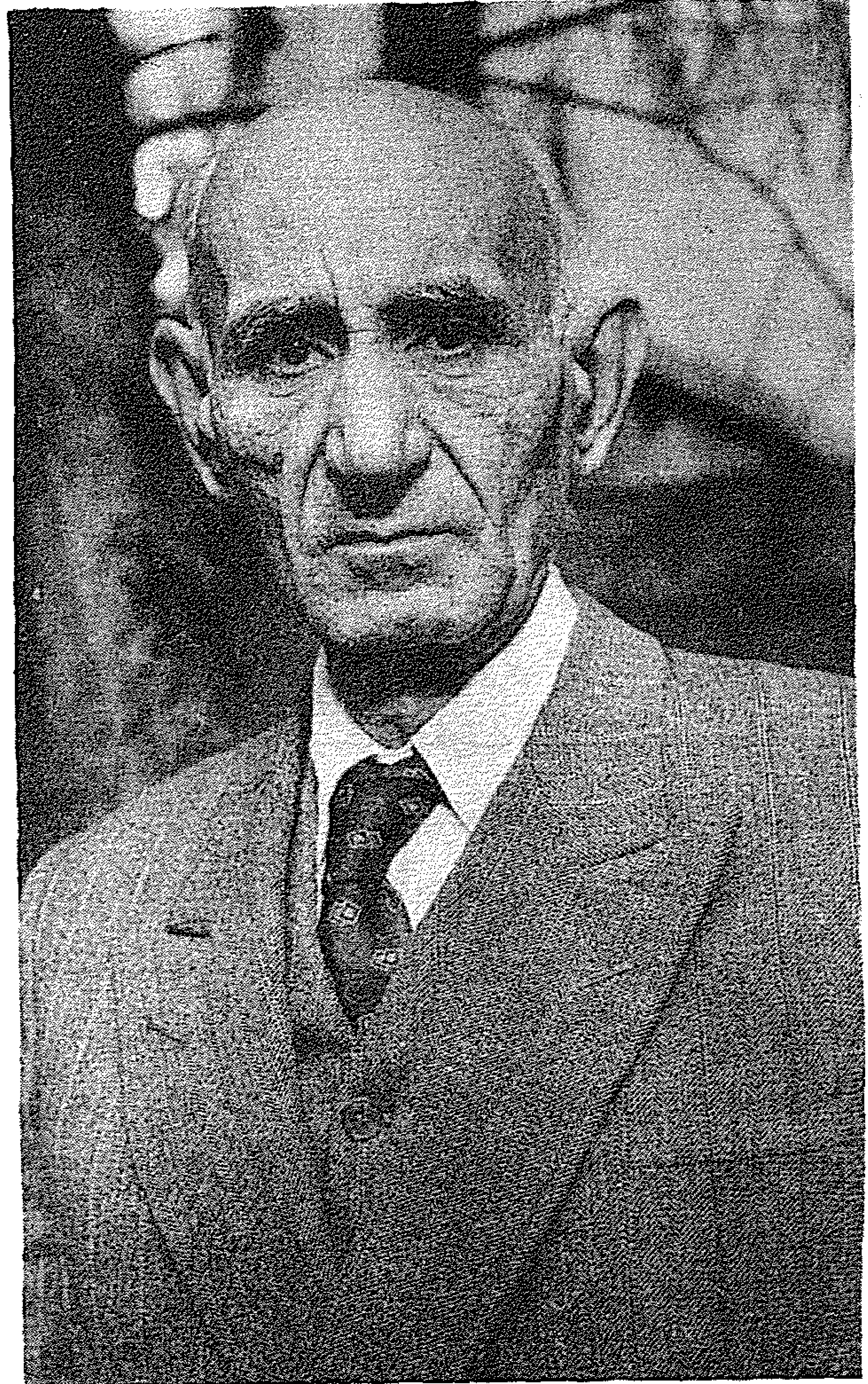
۱۱ در مجلس سنا هنگام طرح برنامه دولت، نجم‌الملک دولت ساعد را مورد انتقاد شدید قرار داد و او را قادر برای حل مشکلات ندانست.

۲٤ پیمان مودتی بین وزارت امور خارجه و سفیرکبیر هندوستان پیرامون توسعه روابط سیاسی و کنسولی به امضاء رسید.

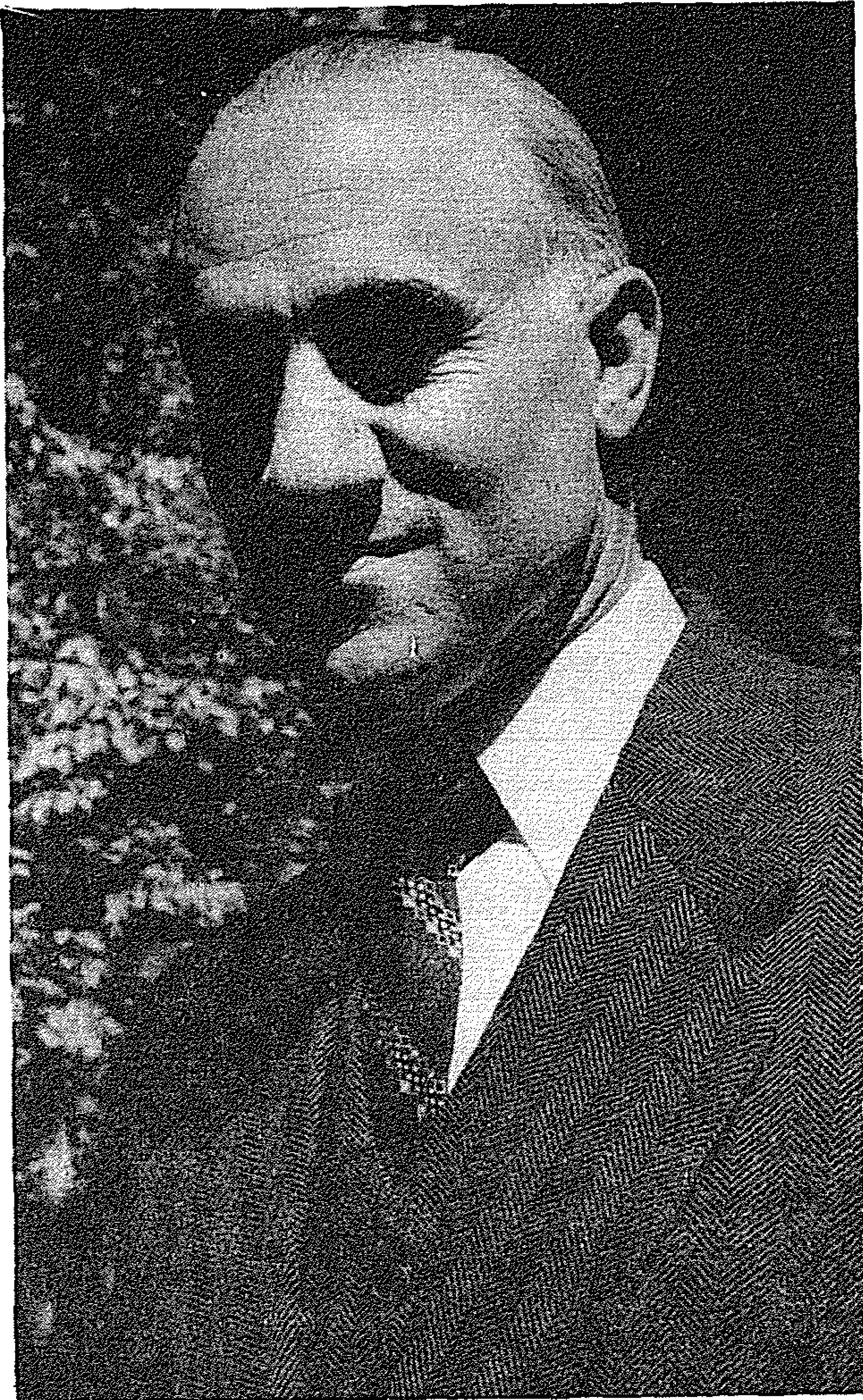
۲۵ شاه و همراهان پس از دو هفته اقامت در پاکستان به تهران بازگشت.

۲۶ قریب پانزده هزار نفر از زارعین آذربایجان بعلت فقر و بیکاری به تهران هجوم آوردند. علت بیکاری و سرگردانی زارعین این بود که در سفر گلشائیان به آذربایجان به ملاکین گفتند تعهد غله نگیرید خود ما وضع نان آذربایجان را تأمین می‌کنیم و این امر موجب بیکاری کارگران و کشاورزان گردید.

۲۸ محمد ساعد از نخست وزیری کناره‌گیری کرد.



دکتر مهدی ملکزاده فرزند ارشد ملک المتکلمین تحصیلات خود را در رشته پزشکی در بیروت باتمام رسانید در ادوار مختلف نماینده مجلس شد چندی هم سناتور و نایب رئیس سنا بود.



جواد گنجه‌ای که در ادوار چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم نماینده و نایب رئیس مجلس بود در کابینه محمد ساعد چندی به وزارت پست و تلگراف منصوب گردید.

سال ۱۳۲۹ شمسی

برابر با

۲۲ مارس ۱۹۵۰ تا ۲۲ مارس ۱۹۵۱ میلادی

فروردین ماه

۳ علی منصور رئیس شورای عالی سازمان برنامه از طرف شاه نخست وزیر شد.

۶ محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان وارد ایران گردید.

۱۰ عده زیادی از طبقات مختلف مردم درمقابل وزارت کشور اجتماع نمودند و نسبت به آراء صندوق لواسانات اعتراض شدیدی کردند. بین طرفداران و مخالفین ابطال انتخابات صندوق لواسانات زدوخورد شدیدی درگرفت و عده زیادی مجروح و مصدوم شدند.

۱٤ علی منصور نخست‌وزیر اعضاء کابینه را به این شرح تعیین نمود: سپهبد یزدان‌پناه وزیر جنگ، دکتر علی امینی وزیر اقتصاد ملّی، دکتر اقبال وزیر راه، دکتر نخعی وزیر کار، ابراهیم زند وزیر کشور، علی هیئت وزیر دادگستری، مسعود کیهان وزیر فرهنگ، محمدعلی وارسته وزیر بهداری، اسدالله علم وزیر کشاورزی، سید جلال تهرانی وزیر پست و تلگراف. اداره امور وزارت دارائی را نخست وزیر عهده‌دار شد.

۱۶ به تصمیم هیئت وزیران کلیه مقررات حکومت نظامی در تهران و حومه لغو شد.

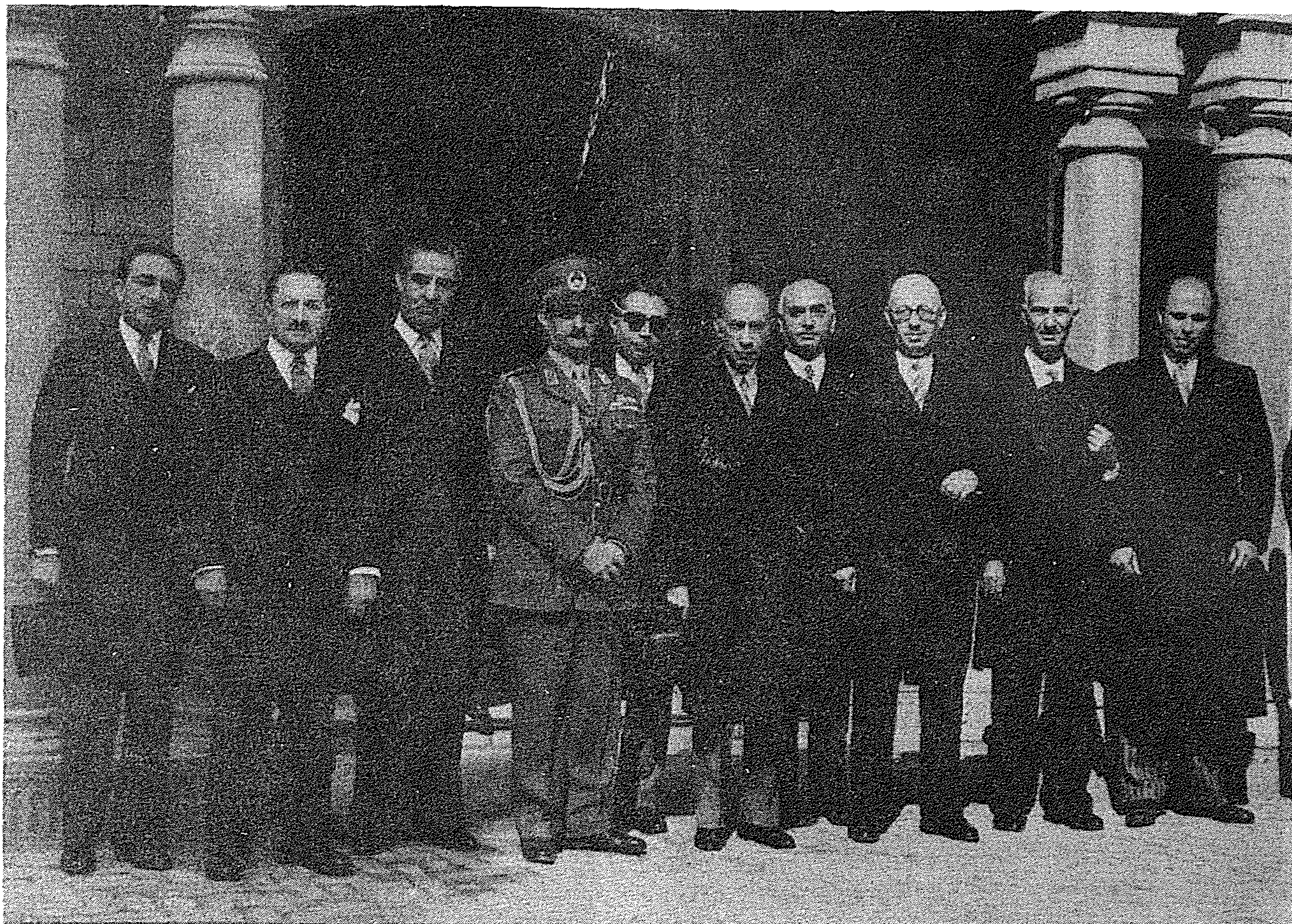
۱۹ در این روز عریضه سرگشاده‌ای از طرف احمد قوام (قوام‌السلطنه) در تهران بین نمایندگان مجلسین و رجال و معاریف و مطبوعات منتشر گردید. در این عریضه قوام به‌شدت از اعمال شاه نسبت به تشکیل مجلس مؤسسان و اصلاح بعضی از اصول قانون اساسی انتقاد نموده بود و اقدام شاه را از هر نظر مضرّ و خطرناک و برخلاف مصالح عالیه کشور دانسته بود و عواقب وخیم برای شاه پیش‌بینی کرده بود.

۲۰ ابراهیم حکیمی وزیر دربار به‌دستور شاه در پاسخ نامه احمد قوام شرح مفصلی تهیه و وی را مسبب بدبختی های چند ساله ایران معرفی نمود و سرانجام لقب (جناب اشرفی) از وی سلب گردید.

۲۱ مجلس سنا در نشست خود حقوق سناتورها را هزار و پانصد تومان و حقوق رئیس سنا را سه هزارتومان تعیین نمود.

۲۲ انجمن نظارت بر انتخابات تهران، ابطال آراء صندوق لواسانات را تصویب نمود و درنتیجه حائزین اکثریت را به‌شرح زیر اعلام نمود: ۱-دکتر محمد مصدق، ۲-دکتر بقائی، ۳-حسین مکّی، ٤-حائری‌زاده، ۵-سید ابوالقاسم کاشانی، ٦-عبدالقدیر آزاد، ۷-جمال امامی، ۸-دکتر سید علی شایگان، ۹-محمود نریمان، ۱۰-سید محمد صادق طباطبائی، ۱۱-جواد مسعودی، ۱۲-میرسید علی بهبهانی.

۲۲ مجلس شورای ملی به اتفاق آراء به برنامه دولت رای



هیئت وزیران علی منصور به ترتیب: نخعی، کیهان، هیئت، وارسته، منصور، یزدان‌پناه، اقبال، زند، علم

اعتماد داد.

۲۶ مجلس سنا با اکثریت آراء برنامه دولت را تأیید نمود.

۲۶ وزارت دربار طی اعلامیه‌ای فاطمه‌پهلوی را از تمام مزایای خانوادهٔ سلطنتی محروم نمود. علت انتشار این اعلامیه آن بود که فاطمه پهلوی برخلاف قوانین مملکتی در کشور ایتالیا با ونست هیلر روزنامه‌نگار امریکائی ازدواج کرده بود.

اردیبهشت‌ماه

۲ دادگاه جنائی تهران به‌ریاست عبدالله معقول و عضویت فلسفی و قاموس مستشاران شعبه اول با حضور هیئت منصفه و وکلای مدافع و نماینده دادستان به پرونده اتهامی دکتر مظفر بقائی کرمانی به‌اتهام اهانت به ارتش از طریق روزنامه شاهد رسیدگی کرد. دادگاه جنائی تهران سرانجام حکم به برائت متهم صادر نمود. و در حکم نوشت انتقاد در شأن نویسنده است و جرم نیست.

۵ دکتر محمد مصدق و شش نفر از نمایندگان تهران در مجلس حضور یافتند

۵ نخست وزیر، امان‌الله اردلان را به‌سمت وزیر کشور و محمدعلی وارسته را به‌سمت وزیر دارائی معرفی نمود

۵ مجلس اعضاء دیوان محاسبات را به این شرح تعیین نمود. هادی اشتری، ابوالحسن آق اولی، محمدمهدی شاهرخ، حسن فرزاد، اسدالله هادی، حسین مجیدزاده عندلیبی، محمد فاطمی.

۵ مجلس اعضاء نظارت بر سازمان برنامه را به این شرح انتخاب کرد: دکتر خشایار، مهندس معظمی، دکتر شیخ، سلطان محمد عامری، علی اصغر زرین کفش، دکتر جلالی.

۹ هیئتی برای انتقال جنازه رضاشاه از تهران به‌سوی مصر حرکت کردند.

۱۷ جنازه رضاشاه به تهران انتقال یافت و در مقبره‌ای که در شهرری احداث شده بود دفن گردید.

۲۶ طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس دائر به لغو تصمیمات هیئت تصفیه نسبت به وزارت کشور تصویب شد.

خرداد ماه

۱ مهدی فرخ به‌جای سرلشگر زاهدی به ریاست شهربانی منصوب گردید.

۵ ابراهیم زند به‌سمت استاندار آذربایجان تعیین شد.

۶ ساعت نه و نیم بعد از ظهر احمد دهقان مدیر مجله تهران مصور و نماینده مجلس شورای ملی در عمارت تماشاخانه تهران به‌ضرب گلوله از پای درآمد و در بیمارستان شماره ۲ ارتش پس از یک عمل جراحی درگذشت. قاتل حسن جعفری نام داشت و عضو شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان بود.

۸ در اثر بارندگی در خراسان سیل مهیبی در شهر مشهد از کوه سنگی و آبکوه و خواجه‌ربیع جاری شد و شهر را فرا گرفت. زندان شهربانی، ادارهٔ برق، شیروخورشید سرخ را ویران ساخت و قریب هزار خانه از بین رفت.

۱۱ اعتبارنامه یازده نفر از نمایندگان تهران در مجلس به‌تصویب رسید. درمورد اعتبارنامه آقای سید ابوالقاسم کاشانی مذاکراتی به‌عمل آمد ولی رای گیری نشد.

۱٤ کارگران کارخانجات نساجی شاهی دست به اعتصاب زدند. در اثر زدوخورد با مامورین انتظامی عده‌ای کشته شدند.

۲۰ بنا به دعوت و اصرار دولت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی که پس از واقعه ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۲۷ به لبنان تبعید شده بود درمیان شور و هیجان و استقبال و تظاهرات پرشکوه مردم تهران مخصوصاً علمای اعلام، اعضاء جبهه ملی، اصناف، بازرگانان وارد فرودگاه مهرآباد شد. در مسیر آیت‌الله مردم در صفوف مختلف ایستاده و ابراز احساسات می‌کردند. این استقبال تا آن تاریخ در ایران سابقه نداشت.

۲۳ غلامحسین وثیقی رئیس بانک رهنی به وزارت اقتصاد ملی معرفی شد.

۲۵ نامه احمد قوام درپاسخ وزیر دربار درمیان رجال و روزنامه‌نگاران و نمایندگان توزیع شد. در این نامه قوام شرح مفصلی نوشته و طبق قانون اساسی اختیارات شاه را تشریح نموده بود و به‌وی نصیحت کرده بود از حدود قانون اساسی تجاوز نکند. نسبت به دارائی شاه و اعمال وی انتقاد شده بود. نامه‌های قوام و پاسخ دربار در بخش ضمائم به‌نظر خوانندگان خواهد رسید.

۲۷ لایحه جدید مطبوعات به مجلس تقدیم شد.

۲۸ جمعیت ایرانی هواداران صلح در تهران تشکیل گردید. مؤسسین جمعیت عبارتند از ملک‌الشعرای بهار، حائری‌زاده، احمد لنکرانی، دکتر شایگان، دکتر محمدعلی حکمت، محمد رشاد، محمود هرمز، مهندس قاسمی، روزنامه نصیحت ارگان جمعیت قرار گرفت.

۲۸ در جلسه امروز مجلس شورای ملی دکتر محمد مصدق متن پیام آیت‌الله کاشانی را قرائت نمود. خلاصه پیام ایشان عبارت بود از: نفت ایران متعلق به ملت ایران است، کسانی که مرا تبعید کردند باید مجازات شوند، قتل ناصر فخرآرائی مانع کشف دسیسه خائنین شد، ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی‌رود، تصمیمات مجلس مؤسسان اعتبار ندارد.

۳۰ معاون وزارت دادگستری برای تعقیب احمد قوام چندین پرونده تقدیم مجلس کرد که عبارت بودند از ربودن اسناد دولتی از وزارت امور خارجه، پرونده مداخله در انتخابات، پرونده جواز ۴۵۰ تن جو، پرونده جواز مربوط به قطع جنگل، پرونده صدور جو، پرونده جواز ۵۰۰ تن چای.

تیر ماه

۱ دکتر سجادی وزیر دارائی شد.

۱ اعضاء کمیسیون نفت از طرف نمایندگان مجلس به این شرح انتخاب شدند: دکتر محمد مصدق، دکتر علوی، ناصر ذوالفقاری، جواد گنجه‌ای، ابوالقاسم فقیه‌زاده، اللهیار صالح، حسین مکی، خسرو قشقائی، سرتیپ‌زاده، جمال امامی، جواد عامری، دکتر نصرت‌الله کاسمی، حائری زاده، فرامرزی، دکتر محمدعلی هدایتی، دکتر شایگان، سیدعلی بهبهانی و پالیزی.

۵ هیئت رئیسه کمیسیون خاص نفت به این شرح برگزیده شدند: دکتر مصدق رئیس، گنجه‌ای و بهبهانی نایب رئیس،

حسین مکی مخبر، دکتر علوی و خسرو قشقائی منشی.

۵ بامداد امروز علی منصور از نخست وزیری کناره گیری کرد.

۵ بامداد امروز فرمان ذیل برای سپهبد علی رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش صادر شد:

«جناب حاج علی رزم‌آرا نخست وزیر: نظر به اطمینانی که بر کفایت و لیاقت شما داریم به‌موجب این دستخط شما را به سمت نخست وزیر منصوب و مقرر می داریم که در تعیین هیئت وزیران اقدام و مطابق برنامه جدیدی که اصول حکومت ملی را کاملاً تأمین نماید با کمال جدیت و فعالیت تحولات اجتماعی را که منظور نظر است به‌موقع اجرا گذارید. شاه»

۵ رزم‌آرا همزمان با دریافت فرمان نخست وزیری احکام زیر را صادر کرد:

سرلشگر عباس گرزن رئیس ستاد ارتش، سرتیپ محمد دفتری رئیس شهربانی، سرتیپ گلپیرا رئیس ژاندارمری، سرتیپ ولی انصاری مدیرکل راه‌آهن، دکتر احمد نامدار شهردار تهران، مورخ‌الدوله سپهر رئیس شیلات، فروغی‌زاده رئیس گمرک.

۶ سپهبد رزم‌آرا نخست وزیر برای معرفی هیئت دولت در جلسه مجلس شورای ملی حضور یافت. هنگام ورود نخست وزیر و وزراء به مجلس دکتر مصدق، بقائی، مکی، آزاد، صالح، نریمان و شایگان خطاب به نخست وزیر فریاد نمودند برای چه آمده ای ملت ایران زیر بار دیکتاتور نمی‌رود. از مجلس بیرون برو. دکتر مصدق درمقابل هیئت دولت با تشنج و فریاد بلند اعتراض می‌کرد و بیهوش شد. در اتاق دیگری او را به هوش آوردند و دوباره به مجلس آمدند و به‌سختی نسبت به دولت جدید اعتراض می‌کرد در این موقع نخست وزیر در میان هیاهو و تظاهرات سخت مخالفین هیئت دولت را بشرح زیر معرفی کرد: دکتر تقی نصر وزیر دارائی تا ورود ایشان عبدالباقی شعاعی معاون آن وزارتخانه عهده‌دار امور مربوطه خواهد بود. محمود صلاحی کفیل وزارت امور خارجه، محمدعلی بوذری وزیر دادگستری، سرلشگر هدایت وزیر جنگ، دکتر مرتضی آزموده وزیر اقتصاد ملی، دکتر شمس‌الدین جزایری وزیر فرهنگ، دکتر جهانشاه صالح وزیر بهداری، مهندس ابراهیم مهدوی وزیر کشاورزی، دکتر محمد نخعی وزیر کار تا ورود



علی منصور نخست وزیر



رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش ایران بطور ناگهانی به نخست‌وزیری رسید

ایشان پرویز خوانساری معاون آن وزارتخانه عهده دار امور مربوطه خواهد بود تا تعیین وزیر راه هم آقای مهندس شریف امامی معاون آن وزارتخانه امور را تصدی خواهد کرد و تا تعیین وزیرپست و تلگراف مهندس اشراقی معاون آن وزارتخانه امور را متصدی خواهدنمود. وزارت کشور را خود اینجانب عهده‌دار خواهم بود و دکتر محسن نصر به معاونت آن وزارتخانه معرفی می‌شود. رزم‌آرا در توضیح برنامه خود افزود برنامه من کار و عمل است.

۶ آیت الله کاشانی و جبهه ملی اعلامیه‌هائی علیه نخست‌وزیری رزم‌آرا صادر کردند.

۶ علی منصور نخست وزیر سابق به‌سمت سفیر کبیر ایران در ایتالیا تعیین شد.

۶ سرهنگ اداری علی‌اکبر مهتدی و محمود هدایت مستشار دیوان کشور به معاونت نخست وزیر تعیین شدند.

۷ نخست وزیر هیئت وزیران را به مجلس سنا معرفی کرد و برنامه دولت خود را تشریح نمود.

۱۰ رزم‌آرا نخست وزیر در آمفی تئاتر دانشکده حقوق اصول عقاید خود را برای اداره کشور بیان داشت و به مخالفین حمله کرد.

۱۱ عده کثیری از موافقین و مخالفین دولت در میدان بهارستان اجتماع کردند و هنگام خروج اعضاء دولت از مجلس تظاهراتی له و علیه نمودند و بین طرفین و مأمورین انتظامی زدوخورد شد و جمعی مجروح و مصدوم شدند، عده‌ای نیز دستگیر و به زندان افتادند.

۱۳ در جلسه امروز مجلس شورای ملی پس از ایراد سخنان مخالفین و موافقین به دولت اخذ رای به‌عمل آمد. از ۱۰۷ نفر عده حاضر در جلسه ۹۳ نفر رای اعتماد به دولت دادند. دکتر مصدق، بقائی، مکی، حائری‌زاده، صالح، آزاد، شایگان، معظمی رای مخالف دادند و سه رای هم ممتنع بود. در همین جلسه به‌هنگام نطق نخست وزیر مخالفین به‌شدت اعتراض کرده جلوی صندلی های خود را شکستند.

۱۹ رزم‌آرا از مجلس سنا رای اعتماد گرفت از ۴۹ نفر عده حاضر ۳۵ نفر به او رای دادند. ۱۴ سناتور مخالف یا ممتنع بودند. دکتر متین دفتری، سید محمد تدین، عدل الملک دادگر، دکتر حسابی، نیک‌پور به‌شدت از رزم‌آرا و دولت وی



سرلشگر عباس گرزن رئیس ستاد ارتش



سرتیپ محمد دفتری رئیس شهربانی

تنقید کردند.

۲۱ منصورالسلطنه عدل سناتور که از علمای حقوق بود به بیماری سرطان درگذشت.

۲۷ ابراهیم زند به مدیرکلی بانک ملی ایران انتخاب شد. ابوالحسن ابتهاج مدیرکل سابق بانک ملی به سفارت ایران در پاریس برگزیده گردید.

مردادماه

۱۱ به‌دستور نخست وزیر فقراء و ولگردان تهران به‌وسیله ماموریـن پلیس جمع‌آوری شدند و در باغ امین‌آباد به آنها سکنی دادند.

۱۲ به‌دستور نخست وزیر مردم موظف شدند برای سوار شدن به اتوبوس‌های شهری در صفوف منظم قرار بگیرند تا حقی از آنها زائل نشود.

۱۳ به‌دستور نخست وزیر بوق زدن اتومبیل‌ها در تهران و شهرها ممنوع شد.

۲۳ محسن رئیس به سمت وزیر امور خارجه تعیین و مشغول کار شد، محمود صلاحی کفیل سابق وزیر مختار در عراق گردید.

۳۰ سید حسن امامی امام جمعه تهران هنگام عبور از میدان شمس‌العماره مورد حمله شخصی به‌نام نبی‌الله اکبری قرار گرفته با ضربات دشنه سروصورت و دست و سینه او به‌شدت مجروح می‌شود. فوراً دکتر امامی را به بیمارستان نجمیه منتقل کرده تحت عمل جراحی قرار دادند ولی دست و صورت او فلج شد.

۳۰ دکتر محمد سجادی رئیس هیئت تصفیه کارمندان دولت پس از کسب اجازه لیست کارمندان تصفیه شده دولت را اعلام نمود بموجب این لیست عده‌ای در بند (ج) قرار گرفته بودند. مشمولین این بند صلاحیت خدمت در دستگاه دولتی را نداشته بایستی اخراج شوند. پس از انتشار این لیست هیجان و فعالیت شدیدی در هیئت حاکمه و مجلسین ایجاد شد زیرا نام عدهٔ زیادی از سناتورها، نمایندگان مجلس، استانداران و فرمانداران وقضات و امراء در بند (ج) آمده بود.



دکتر جهانشاه صالح وزیر بهداری



محمد علی بوذری وزیر دادگستری

شهریورماه

۴ میر سید علی حائری شاه‌باغ رئیس شعبه ششم دیوان عالی کشور به سَمت دادستان کل تعیین شد.

۸ حسین قدس نخعی به معاونت وزارت امور خارجه تعیین گردید.

۸ نام اداره تبلیغات و انتشارات به اداره مطبوعات و رادیو تبدیل شد و قریب یکصد نفر از کارمندان آن اخراج شدند.

۸ به دستور نخست وزیر عده‌ای از قضات دادگستری مامور تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی در چند استان شدند.

۹ بین ارتش و عشایر جوانرودی زدوخورد شدیدی به‌وقوع پیوست. از طرفین تعدادی مقتول شدند.

۱۵ در جلسه امروز مجلس سپهبد رزم‌آرا نخست وزیر پیرامون تصمیمات هیئت تصفیه سخن گفت و افزود چهارصد نفر از افراد تصفیه شده بازنشسته شدند و بقیه نیز اخراج خواهند شد ولی درمورد وزیران، قضات و نمایندگان مجلس دولت با اشکالات مهمی مواجه است و باید راه‌حل ارائه شود. در این جلسه دکتر مصدق و نریمان در تأیید و اجرای لیست صحبت کردند و عده زیادی از نمایندگان مجلس هیئت تصفیه را تقبیح نمودند. سردار فاخر حکمت که درلیست (ج) قرار داشت از خود دفاع نموده و سرانجام گریه کرد و دکتر بقائی اشک او را اشک تمساح خواند.

۱۶ در جلسه امروز مجلس شورای ملی گزارش کمیسیون دادگستری مجلس نسبت به لایحه دولت راجع به تصمیمات هیئت تصفیه مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه سردار فاخر طی نطق مفصلی از خود دفاع نمود.

۱۹ رزم‌آرا در کادر وزیران تغییراتی به این شرح داد: محسن رئیس وزیر خارجه، غلامحسین فروهر وزیر کار، مهندس شریف امامی وزیر راه، مهندس اشراقی وزیر پست و تلگراف.

۲۱ در جلسه مجلس شورای ملی کشاورز صدر و عباس اسلامی علیه دکتر سجادی و باقر شاهرودی اعضاء هیئت تصفیه اعلام جرم نمودند.



مهندس جعفر شریف امامی وزیر راه



دکتر مهدی نامدار شهردار تهران

۲۵ مجلس شورای ملی طی ماده واحده‌ای تصمیمات هیئت تصفیه را لغو و بی اثر گردانید.

۲۶ حکم اعدام حسن جعفری قاتل احمد دهقان ازطرف دادگاه عالی جنائی به اکثریت صادر شد.

۲۷ کمیسیون نفت مجلس شورای ملی ده روز به دولت فرصت داد تا عقیده خود را نسبت به لایحه (گس-گلشائیان) ابراز دارد. در صورت عدم ابراز عقیده دولت استیضاح خواهد شد.

۲۹ نصرالله انتظام رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد با ۳۲ رأی از ٥٤ رأی به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب گردید.

۳۰ بین سردارفاخرحکمت رئیس مجلس و دکتر محمد مصدق نماینده اول تهران براساس تصمیمات هیئت تصفیه مشاجره شدیدی پیش آمد که موجب تعطیل جلسه شد.

۳۰ در جلسه امروز مجلس دکتر مصدق نسبت به لغو تصمیمات هیئت تصفیه اعتراض نمود و به اظهارات سردار فاخر پاسخ داد که درنتیجه جلسه متشنج گردید.

مهر ماه

۲ پیمان دوستی بین ایران و ایتالیا به امضاء رسید.

٤ سیل در اهر جاری شد و شصت خانه ویران گردید.

٦ دکتر مصدق، حائری‌زاده، صالح، دکتر هدایتی، دکتر علوی، حسین مکی دولت رزم‌آرا را به‌علت تعلل در استیفای حقوق ملت ایران و عدم اجرای قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲٦ درمورد نفت جنوب استیضاح نمودند.

۱۲ حسین مکی از وزیر دادگستری استیضاح به‌عمل آورد.

۱٦ وزیر دادگستری به استیضاح ملکی پاسخ گفت و مجلس با ۹۷ رای دولت را مورد اعتماد قرارداد.

۱۹ مراسم نامزدی ثریا اسفندیاری با شاه در کاخ مرمر انجام گرفت.

۲۷ طرح همکاری استفاده از اصل ٤ ترومن بمبلغ پانصد هزار دلار بین نخست‌وزیر و سفیر امریکا امضاء شد.

۲۷ استیضاح دکتر مصدق و سایرین در باب نفت پایان یافت و مجلس نسبت به‌آن رای سکوت داد.

آبان ماه

۱ دکتر محمد حسین لقمان ادهم (لقمان‌الدوله) که سال‌ها استاد و رئیس دانشکده پزشکی بود درگذشت.

۲ نخست‌وزیر، غلامحسین فروهر را به‌سمت وزیر دارائی و دکتر عبدالله دفتری را به‌سمت وزیر اقتصاد ملی معرفی کرد.

۱۲ پرونده سران و اعضاء حزب توده که در دادگاه جنائی شماره ۲ فرمانداری نظامی رسیدگی و حکم به محکومیت آنها صادر شده بود برحسب شکایت متهمین به شعبه یک دادگاه جنائی دادگستری احاله گردید و دادگاه قرار عدم صلاحیت رسیدگی صادر کرد و بر اثر تقاضای فرجامی متهمین پرونده از دیوان کشور به دادگاه مذکور ارجاع گردید.

۱۳ موافقت‌نامه بازرگانی بین ایران و شوروی امضاء و مبادله شد.

۲۹ نخست وزیر، امان‌الله اردلان را به‌سمت وزیر کشور و اسدالله عَلم را به‌سمت وزیر کار معرفی کرد.

آذر ماه

۲ قرارداد بازرگانی بین ایران و آلمان امضاء شد.

٤ کمیسیون خاص نفت تصمیم نهائی خود را اتّخاذ کرد و آن این بود که قرارداد الحاقی(ساعد - گس) استیفای منافع ملت ایران را از نفت جنوب نمی‌کند.

٥ استیضاح جمال امامی از دولت مطرح و پس از پاسخ نخست‌وزیر رأی ساکت داده شد.

٦ دادگاه جنائی تهران نسبت به پرونده متهمین حزب توده قرار صادر کرد. بموجب این قرار دادگاه نظامی و دادستان ارتش حق رسیدگی و صدور کیفرخواست نداشته‌اند و کلیه تصمیمات آنها ملغی‌الاثر می‌باشد و مرجع صالح برای رسیدگی به‌این پرونده دادسرای استان تهران می‌باشد.

۲٤ تلفن های چهارشماره‌ای تهران به پنج شماره‌ای تبدیل شد و ده‌هزار شماره تلفن جدید به کار افتاد.

۲٤ ساعت هشت و نیم بامداد امروز شخصی با لباس سرهنگ دومی به‌اتفاق هشت نفر دیگر ملبس به لباس گروهبانی ارتش در کامیونی که دارای علائم ارتشی بوده

است به زندان قصر می‌روند و به ستوان یکم قبادی افسر نگهبان اطلاع می‌دهند که برای بردن زندانیان سیاسی به دادگاه آمده‌اند. کامیون به محوطه زندان وارد می‌شود و با موافقت ستوان‌یکم محمدزاده افسرنگهبان داخلی زندان زندانیان ذیل را تحویل گرفته به‌اتفاق دو افسر مذکور خارج می‌شوند. «دکتر یزدی، دکتر جودت، دکتر کیانوری، اکبر شاندرمنی، احمد قاسمی، نوشین، صمد حکیمی، روزبه، علوی»، همین که مدتی از خروج زندانیان می‌گذرد و معاودت آنها به زندان به‌طول می‌انجامد. مأمورین زندان مراتب را به شهربانی اطلاع می‌دهند. از ستاد ارتش و شهربانی برای دستگیری زندانیان فعالیّت آغاز می‌شود و در عین حال انعکاس خبر فرار زندانیان سیاسی در تمام محافل با حیرت تلقی شد.

۲۶ گزارش کمیسیون نفت در جلسه امروز مجلس قرائت شد و پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت با امضای یازده نفر از نمایندگان تقدیم گردید. امضاء کنندگان پیشنهاد اشخاص زیر بودند: دکر مصدق، دکتر شایگان، حائری‌زاده، دکتر بقائی، اللهیار صالح، محمود نریمان، حسین مکّی، عبدالقدیر آزاد، میر سیدعلی بهبهانی، عباس اسلامی، و کاظم شیبانی.

۲۷ به‌دنبال حمله به روزنامه و چاپخانه شاهد عده‌ای از مدیران جرائد در مجلس متحصن شدند.

۲۸ دکتر شایگان و محمود نریمان در جلسه امروز مجلس درباره ملی شدن صنعت نفت به‌تفصیل سخن گفتند.

۲۸ در جلسه امروز مجلس بین امان‌الله اردلان وزیر کشور و نمایندگان اقلیت برخورد بسیار شدید به‌وقوع پیوست.

۳۰ دانشجویان دانشگاه در صفوف منظم و شعار (نفت ایران باید ملی شود) در میدان بهارستان اجتماع نمودند و دربارهٔ ابطال قرارداد ۱۹۳۳ و استیفای حقوق ملت از نفت جنوب سخن گفتند.

دی ماه

۱ برحسب دعوت و اعلامیه آیت‌الله کاشانی میتینگ بزرگی با حضور بیش از چندهزار نفر از طبقات مختلف در مسجد شاه تشکیل گردید. ناطقین درمورد ملی کردن صنعت نفت و ابطال قرارداد ۱۹۳۳ سخنرانی کردند.

۲ جمع کثیری از مدیران جرائد برای تحصن در عمارت بهارستان حضور یافتند و پس از مذاکره با سناتورها ده نفر از ایشان باقی ماندند و بقیه خارج شدند.

۲ دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز از زندان آزاد شد.

۳ علی رزم‌آرا نخست وزیر در جلسه خصوصی مجلس پیرامون ملی شدن صنعت نفت سخن گفت و افزود ایران دارای آن قدرت صنعتی نیست که بخودی خود استخراج نفت نموده در بازارهای دنیا بفروشد ایرانی که یک کارخانه سیمان را نمی‌تواند با پرسنل خود اداره نماید و ایرانی که کارخانجات کشور را در اثر عدم قدرت فنی به‌صورت ناگواری درآورده است و ضرر می‌دهد، با کدام وسائل می‌خواهد نفت را شخصاً استخراج کند. رزم آرا صریحاً گفت ملی کردن صنعت نفت بزرگ‌ترین خیانت است.

۵ غلامحسین فروهر وزیر دارائی در مجلس ضمن مخالفت با ملی شدن صنعت نفت کمیسیون خاص نفت را متهم به عدول از وظیفه و دستور کار متهم کرد و تقاضای استرداد لایحه (گس- گلشائیان)را نمود. سخنان فروهر با مخالفت شدید اقلیت مجلس مواجه شد.

۸ برحسب دعوت آیت اله کاشانی میتینگ عظیمی با حضور چند هزار نفر در میدان بهارستان تشکیل گردید و ناطقین هر دسته با احساسات شدیدی علیه اقدامات دولت و شرکت نفت و تضییقاتی که بدین منظور بر مطبوعات وارد می‌گردد سخنرانی شایان تحسینی نمودند.

۸ به‌مناسبت مخالفت رزم‌آرا و فروهر وزیر دارائی با ملی شدن صنعت نفت میتینگ‌های عظیم از طرف طبقات مختلف بر پا شد، و اعلامیه‌هائی انتشار یافت. مطبوعات نیز در حد خود به دولت حملات شدیدی نمودند.

۸ در جلسه هیئت وزیران دکتر دفتری وزیر اقتصاد ملی، شریف امامی وزیر راه، مهندس مهدوی وزیر کشاورزی به نطق فروهر وزیر دارائی در مجلس اعتراض نموده از مشاغل خود مستعفی شدند.

۹ قسمت وسیعی از جنگل‌های شمال طعمه حریق شد. حریق مجموعاً ۶۰ ساعت ادامه داشت.

۱۰ غلامحسین فروهر وزیر دارائی از کار کناره گیری کرد و وزرای مستعفی به کار خود بازگشتند.

۱۹ بموجب طرحی که در مجلس تصویب شد کلیه قوانین مطبوعاتی به‌جز قانون محرم ۱۳۲۶ لغو شد.

۱۹ کلیه مدیران مطبوعات متحصن در مجلس و نمایندگان اقلیت مجلس که در قبال تضییقات دولت نسبت به مطبوعات در مجلس متحصن شده بودند از تحصن خارج شدند.

۲۱ در مجلس طرحی به تصویب رسید که کمیسیون نفت ظرف دو ماه رویه و وظیفه دولت را در حل مسئله نفت تعیین نماید.

بهمن ماه

۳ قانون جدید حکومت نظامی در مجلس تصویب شد. بموجب این قانون اعلام حکومت نظامی در هر نقطه ایران بایستی با تصویب مجلسین باشد.

۵ حسن وثوق (وثوق‌الدوله) رئیس‌الوزرای اسبق ایران و عاقد قرارداد ۱۹۱۹ با انگلستان در سن ۷۸ سالگی در تهران درگذشت. وثوق ادیب و شاعر بود و چندی نیز ریاست فرهنگستان ایران را عهده‌دار شد.

۵ حسین مکی، مظفر بقائی، صالح، حائری‌زاده، نریمان و آزاد دولت را به‌علت عدم امنیت قضائی استیضاح کردند. در همان روز دولت به‌استیضاح پاسخ دادو از ۱۰۳ نفرعده حاضر ۹۱ نفر به دولت رای اعتماد دادند.

۶ میتینگ بزرگی برحسب دعوت آیت‌الله کاشانی در مسجد شاه ازطرف بازرگانان و اصناف بر پا شد. در این گردهم‌آیی مردم خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند.

۱۲ خلیل فهیمی به‌سمت وزیر مشاور به مجلس معرفی گردید.

۱۵ دکتر شمس الدین جزایری وزیر فرهنگ بر اثر اعتراض به نطق وزیر دارائی پیرامون نفت از کار کناره گرفت.

۱۷ سپهبد رزم‌آرا نخست‌وزیر دکتر عبدالحمید زنگنه رئیس دانشکده حقوق را به‌سمت وزیر فرهنگ تعیین کرد.

۳۰ ابراهیم حکیمی وزیر دربار و انوشیروان سپهبدی رئیس تشریفات مستعفی شدند.



دکتر شمس الدین جزایری وزیر فرهنگ



غلامحسین فروهر وزیر دارائی



حسن وثوق رئیس الوزرای سابق ایران بهنگام بازگشت از اروپا

اسفند ماه

۱۲ میتینگ عظیمی از طرف جمعیت فدائیان اسلام در مسجد شاه بر پا شد. در این میتینگ علیه مظالم شرکت نفت ایران و انگلیس و لزوم ملی شدن صنعت نفت بیانات و تظاهرات هیجان‌انگیزی به‌عمل آمد و رزم‌آرا به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

۱۶ قبل از ظهر امروز سپهبد رزم‌آرا نخست وزیر در مسجد شاه به‌قتل رسید. نخست‌وزیر که در معیت اسدالله اعلم وزیر کار برای شرکت در مجلس ختم آیت‌الله فیض در مسجد شاه حضور یافته بود در حیاط مسجد توسط خلیل طهماسبی به‌ضرب سه گلوله کشته شد. طهماسبی عضو جمعیت فدائیان اسلام بود و در اولین بازجوئی به قتل اعتراف کرد و گفت چون رزم‌آرا خائن بود او را کشتم. جسد نخست‌وزیر فوراً به بیمارستان سینا حمل گردید.

۱۶ دولت به‌مناسبت قتل رزم‌آرا اعلامیه داد و مطبوعات فوق‌العاده انتشار دادند.

۱۶ خلیل فهیمی وزیر مشاور به‌سمت سر پرستی موقت دولت تعیین شد.

۱۷ آیت الله کاشانی، محمود نریمان، دکتر بقائی و حسین مکّی در رابطه با قتل سپهبد رزم‌آرا بازداشت شدند.

۱۷ کمیسیون خاص نفت ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد.

۱۷ جنازه رزم‌آرا در کمال سردی مشایعت شد و در مقبره خانوادگی واقع در باغ طوطی در حضرت عبدالعظیم دفن گردید.

۱۷ آیت الله کاشانی طی یک مصاحبه با خبرنگاران خارجی قتل رزم‌آرا را واجب دانست و خلیل طهاسبی را منجی ملّت ایران معرفی کرد.

۱۷ بعد از ظهر امروز میتینگ بزرگی در میدان بهارستان به‌مناسبت قتل رزم‌آرا برپا شد. در این اجتماع حسین مکی، دکتر بقائی ضمن ایراد سخنانی کشتن رزم‌آرا را به ملت ایران تبریک گفتند.

در همین اجتماع اعلامیه سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام تحت عنوان (ای پسر پهلوی) منتشر شد و در آن اخطار شده بود که اگر حضرت خلیل طهماسبیان آزاد نشود عده زیادی از رجال دچار سرنوشت رزم‌آرا خواهند شد.

۱۷ در جلسه امروز مجلس شورای ملی سردار فاخر حکمت از قتل رزم‌آرا اظهار تأسف و تألم نمود.

۱۸ مجلس شورای ملی به نخست وزیری حسین علاء ابراز تمایل نمود.

۱۸ جمعیت کثیری از جبهه ملی، حزب ایران، مجمع مسلمانان مجاهد، حزب استقلال، کمیته جوانان و گروهی از بازرگانان و اصناف در میدان بهارستان اجتماع نموده و تظاهرات دامنه‌داری برای ملی شدن صنعت نفت به‌عمل آوردند

۲۱ مجلس سنا به حسین علاء ابراز تمایل کرد.



میرپنج محمد رزم‌آرا پدر سپهبد رزم‌آرا

۲۳ سفارت انگلیس طی یادداشتی نسبت به ملی شدن صنعت نفت در کمیسیون خاص نفت اعتراض نمود و تقاضا کرد همجواری ایجاب می‌کند دولت ایران قرارداد نفت را فسخ نکند.

۲۴ در جلسه علنی امروز مجلس شورای ملی طرح ملی شدن صنعت نفت به‌اتفاق آرا به‌تصویب رسید. از طرف تماشاچیان تظاهرات بسیار شدید و دامنه‌دار انجام گرفت و پس از تعطیل مجلس سر و صورت نمایندگان توسط مردم غرق در بوسه شد.

۲۴ به‌مناسبت تصویب ملی شدن نفت مردم در تهران و شهرستان‌ها به چراغانی پرداخته و تظاهرات زیادی از خود بروز دادند.

۲۸ ظهر امروز دکتر عبدالحمید زنگنه رئیس دانشکده حقوق و وزیر سابق فرهنگ هنگام خروج از دانشکده هدف گلوله شخصی به‌نام نصرت‌الله قمی قرار گرفت و به‌سختی مجروح گردید و به بیمارستان انتقال یافت.

۲۹ مجلس سنا درجلسه امروزخود رأی مجلس شورای ملی را درمورد ملی شدن صنعت نفت تایید کرد. و شاه در همان روز قانون را امضاء کرد.

۲۹ سرتیپ محمد دفتری رئیس شهربانی از کار برکنار شد.

۲۹ حسین علاء نخست وزیر دولت خود را به‌این شرح معرفی کرد: حسین علاء نخست وزیر و وزیر امور خارجه، محمدعلی وارسته وزیر دارائی، شمس‌الدین امیرعلائی وزیر دادگستری، علی دشتی وزیر مشاور، حبیب‌الله آموزگار وزیر فرهنگ، حسنعلی فرمند وزیر کشاورزی، دکتر عباس نفیسی معاون وزارت بهداری، مهندس حبیب نفیسی معاون وزارت کار، مهندس احمد زنگنه معاون وزارت پست و تلگراف، سرلشگر محمود میرجلالی معاون وزارت جنگ، دکتر جمشید مفخم معاون وزارت اقتصاد ملی، مهندس احمد مصدق معاون وزارت راه، دکتر افخم حکمت معاون وزارت کشور.

۲۹ طبق تصمیم هیئت وزیران برای مدّت دو ماه حکومت نظامی در تهران و حومه برقرار شد.

۲۹ سرتیپ عبدالحسین حجازی معاون ستاد ارتش و فرمانده دانشکده افسری به فرمانداری نظامی و ریاست شهربانی منصوب شد.

۲۹ طرح جمع‌آوری اسکناس های پانصد و هزار ریالی ظرف سه ماه تصویب شد.

سال ۱۳۳۰ شمسی

۲۲ مارس ۱۹۵۱ تا ۲۱ مارس ۱۹۵۲ میلادی

فروردین ماه

۱ عده زیادی از افسران ارتش ارتقاء درجه یافتند ازجمله سرلشگر نقدی و سرلشگر آق اولی به درجه سپهبدی و آقایان سرتیپ رضا جوادی، سرتیپ مهدیقلی علوی مقدم، سرتیپ احمد وثوق، سرتیپ عبدالحسین حجازی، سرتیپ نصرالله مقبلی، سرتیپ شاهین نوری، سرتیپ گلشائیان، سرتیپ باتمانقلیچ، سرتیپ شاهنده، سرتیپ هاشمی حائری به درجهٔ سرلشگری و آقایان سرهنگ تقی ریاحی، سرهنگ محمود امینی، سرهنگ ولی قرهنی، سرهنگ حسین آزموده، سرهنگ عزیزالله کمال، سرهنگ محمود افشار طوس، سرهنگ علی اصغر مزینی و سرهنگ سیاسی به درجه سرتیپی ارتقاء درجه پیدا کردند.

٤ دکتر عبدالحمید زنگنه رئیس دانشکده حقوق که روز ۲۸ اسفند مورد سوء قصد قرار گرفت، چون معالجات مؤثر نیفتاد درگذشت.

۵ محمد حجازی (مطیع الدوله) نویسنده معروف به سمت معاون نخست وزیر و ریاست اداره کل تبلیغات و انتشارات تعیین شد.

۵ وضع عمومی خوزستان مخصوصاً شرکت نفت به هم خورد و کارگران اعتصاب خود را آغاز کردند. این اعتصاب از این جهت صورت گرفت که پس از ملی شدن صنعت نفت شرکت نفت ایران و انگلیس مزایا و امتیازات کارگران را قطع کرد و یک زمینه نامناسب برای دولت فراهم نمود.

۵ درخوزستان حکومت نظامی اعلام شد.

١٤ سرلشگرفضل الله زاهدی به سمت وزیر کشور و سرلشگر حسن ارفع به سمت وزیر راه تعیین شدند.

١۵ دکتر موسی عمید به جای دکتر زنگنه رئیس دانشکده حقوق شد.

١٨ در آبادان بین کارگران اعتصابی و قوای نظامی زدوخورد شدیدی آغاز شد. عده‌ای از انگلیسی ها و دانشجویان و کارگران کشته شدند و جمع کثیری هم جراحت برداشتند.

١٩ کار اعتصاب در خوزستان اوج گیری کرد. دولت ناچار یک هیئت نظامی مرکب از سپهبد شاه‌بختی، سرلشگر بقائی و سرتیپ کمال را با چند گردان سرباز و مهمات بدانجا اعزام داشت.

۲۲ ارسلان خلعت‌بری وکیل دادگستری و روزنامه‌نویس منقد به سمت شهردار تهران تعیین شد.

۲۳ صادق هدایت نویسنده بزرگ ایران در پاریس خودکشی کرد.

۱۸ حسین علاء نخست وزیر کابینه را ترمیم و به‌شرح زیر به مجلس معرفی کرد:
محمدعلی وارسته وزیر دارائی، امیر علائی وزیر دادگستری، دشتی وزیر مشاور، سپهبد نقدی وزیر جنگ، سرلشگر زاهدی وزیر کشور، آموزگار وزیر فرهنگ، عبدالله انتظام وزیر امور خارجه، سرلشگر ارفع وزیر راه، فرمند وزیر کشاورزی، مهندس زنگنه وزیر پست و تلگراف، دکتر نفیسی کفیل وزارت بهداری، مهندس نفیسی کفیل وزارت کار، دکتر مفخم کفیل وزارت اقتصاد ملی، معاونین نخست وزیر حجازی و محمود هدایت.

۲۳ سرلشگر مهدیقلی علوی مقدم به ریاست ژاندارمری کل کشور منصوب شد.

۲۵ حسن جعفری قاتل احمد دهقان اعدام شد.

۲۵ وضع کارگران اصفهان آشفته شد و دولت در آنجا حکومت نظامی اعلام نمود.

۲۶ مجلس سنا به دولت رای اعتماد داد.

۲۷ مجلس شورای ملی با ۷۷ رای کابینه علاء را تایید نمود.

۲۷ دکتر عباس نفیسی وزیر بهداری شد.

اردیبهشت ماه

۱ محمدتقی بهار معروف به ملک الشعراء، سیاستمدار، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر بزرگ معاصر در سن ۶۷ سالگی در اثر ابتلاء به بیماری سل درگذشت. تشییع جنازه وی با شکوه کامل توسط دوستان و شاگردانش انجام گرفت و در مقبره ظهیرالدوله در راه دربند مدفون گردید.

۶ انبار مهمات لشگر فارس منفجر شد. در این انبار ۵۷۰۰۰ تفنگ برنو، ۱۸ میلیون فشنگ، انواع بازوکا و توپ های ساحلی وجود داشت. گفته شد موجودی انبار یک سوم سلاح های ایران بوده است. در اثر این انفجار سرلشگر نصرت‌الله معتضدی فرمانده لشگر فارس و سرلشگر عطاپور رئیس اداره تسلیحات بازداشت و تحت تعقیب قرار گرفتند.

۶ سفیر کبیر انگلیس در ایران طی اعلامیه‌ای اقدام مجلسین ایران را دائر به ملی کردن صنعت نفت عجولانه خواند و از نتایج وخیم آن که بسیار دامنه‌دار خواهد بود به دولت ایران هشدار داد.

۶ حسین علاء از نخست وزیری کناره گیری کرد. علت استعفای وی ناتوانی در حل بحران نفت و فشار دولت انگلستان بود.

۷ امروز جلسه فوق العاده مجلس جهت ابراز تمایل به نخست وزیر جدید تشکیل شد. جمال امامی در این جلسه به دکتر محمد مصدق پیشنهاد قبول نخست وزیری نمود و مصدق بدون هیچ قید و شرطی ریاست دولت را پذیرفت از صد نفر نمایندگان حاضر در جلسه ۷۹ نفر به زمامداری مصدق رای دادند.

۹ طرح قانونی دائر به طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور به تصویب مجلسین رسید و هیئت دولت مأمور اجرای قانون شد.

۹ حسین علاء به وزارت دربار بازگشت.

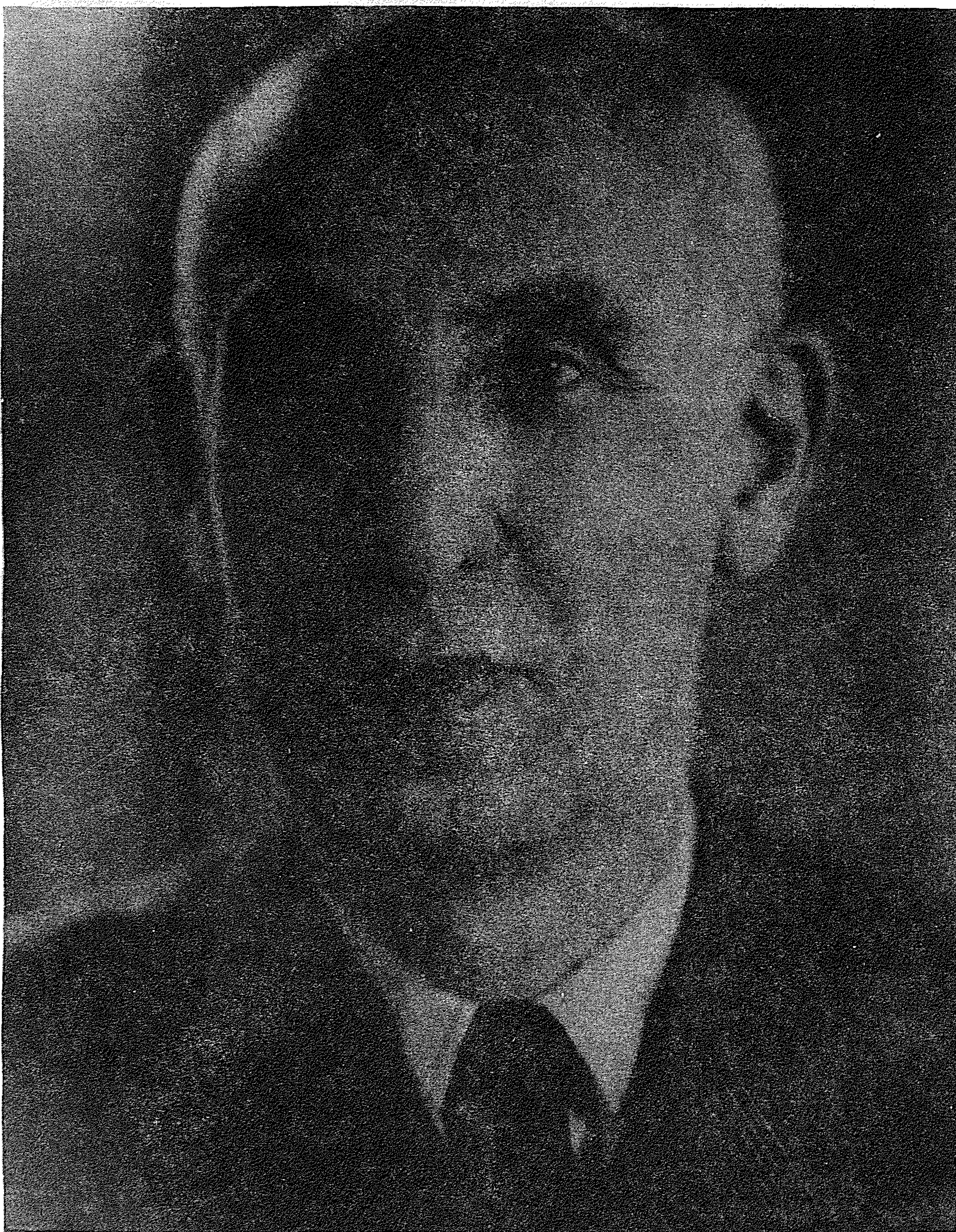
۱۱ ارسلان خلعتبری شهردار تهران از سمت خود کناره گیری کرد و بجای وی محمد مهران شهردار شد.

۱۲ دکتر محمد مصدق نخست وزیر از زندان بازدید کرده و اظهار نمود اینجا قتلگاه بسیاری از صاحبان فکرهای روشن و آزاد بوده است.

۱۲ دکتر محمد مصدق نخست وزیر بدون مشورت با اعضاء جبهه ملی وزیران خود را به‌شرح زیر تعیین و معرفی کرد. دکتر حسن ادهم (حکیم الدوله) وزیر بهداری، یوسف مشار (مشار اعظم) وزیر پست و تلگراف باقر کاظمی (مهذب الدوله) وزیر امور خارجه، جواد بوشهری (امیرهمایون) وزیر راه، محمدعلی وارسته وزیر دارائی، علی هیئت وزیر دادگستری، حسنعلی فرمند (ضیاء الملک) وزیر کشاورزی، سپهبد علی اصغر نقدی وزیر جنگ، سرلشگر فضل‌الله زاهدی وزیر کشور، امیرتیمور کلالی (سردار نصرت) وزیر کار، دکتر کریم سنجابی وزیر فرهنگ.

دکتر مصدق پس از معرفی وزیران برنامه خود را به این شرح عنوان نمود: ۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور برطبق قانون طرز اجرا شدن مصوبه ۳۰/۲/۹.
۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری ها.

۱۵ دکتر عباس نفیسی معاون نخست وزیر شد.



دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر

۱۵ در جلسه امروز مجلس شورای ملی پیرامون برنامه دولت موافق و مخالف صحبت کردند. سید محمدعلی شوشتری تنها مخالف دولت بود سرانجام برنامه دولت با ۹۹ رای مثبت از ۱۰۲ نفر عده حاضر به تصویب رسید.

۱۵ دکتر مصدق نخست‌وزیر لایحه عفو زندانیان را به مجلس داد.

۱۵ دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز به معاونت نخست‌وزیر تعیین گردید.

۱۷ دکتر محمد مصدق، شمس‌الدین امیرعلائی را به‌سمت وزیر اقتصاد ملی برگزید.

۱۸ مجلس سنا در جلسه علنی امروز خود به وزیران و برنامه دولت رای داد، از ۵۱ سناتور حاضر در جلسه ۴۸ نفر دولت را تأیید نمودند.

۱۸ غلامرضا رشید یاسمی مورخ و محقق و استاد دانشگاه در سن ۵۷ سالگی در تهران درگذشت.

۲۲ دکتر مصدق در جلسه علنی امروز مجلس شورای ملی اظهار نمود توطئه‌ای برای کشتن من چیده شده است. بنابراین از امروز در مجلس اقامت خواهم نمود.

۲۲ مجلس شورای ملی اعضاء هیئت مختلط برای نظارت در امر خلع‌ید را به‌این شرح انتخاب کرد: دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصرقلی اردلان.

۲۲ مجلس سنا اعضاء هیئت مختلط برای نظارت در امر خلع‌ید را به‌شرح زیر انتخاب کرد. مرتضی قلی بیات، دکتر متین‌دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر شفق.

۲۲ مهندس حسیبی به معاونت وزارت دارائی انتخاب شد و ازطرف دولت به‌عنوان قائم مقام وزیر دارائی و نماینده دولت در کمیسیون مختلط معرفی گردید.

۲۲ از طرف دولت هیئت نمایندگی ایران برای خلع‌ید تعیین شد که عبارت بودند از: محمدعلی وارسته، مهندس حسیبی، مهندس بازرگان، دکتر عبدالحسین علی‌آبادی و محمد بیات.

۲۴ دکتر مصدق نخست‌وزیر طی بخشنامه‌ای انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس را به کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی اعلام کرد.

۲۵ سرلشگر حجازی رئیس شهربانی از کار کنار رفت و سرلشگر زاهدی وزیر کشور سرپرست شد.

۲۷ سفیر کبیر انگلیس در ایران تذکاریه‌ای تسلیم دولت ایران کرد و قانون ملی شدن صنعت نفت را خلاف قوانین بین المللی دانست.

۲۸ دولت امریکا در مورد ملی شدن صنعت نفت ایران بیانیه‌ای انتشار داد و تصمیم یک‌طرفه ایران را خلاف عرف و مقررات بین‌المللی توجیه نمود.

۲۹ دولت ایران به سفیرکبیر انگلیس جوابی قاطع و دندان‌شکن داد و متذکر شد ملّی کردن صنایع ناشی از حق حاکمیت ملل است و هیچ مقام بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به این امر را ندارد.

۳۰ دولت ایران در پاسخ بیانیه دولت امریکا متذکر شد عمل ایران منعکس کننده تمایلات و نظرات ملّت ایران است.

۳۰ حزبی به‌نام حزب زحمتکشان به‌رهبری دکتر مظفر بقائی تشکیل شد، هسته اصلی این حزب سازمان نظارت بر آزادی انتخابات بود که قبلاً تاسیس شده بود. تنی چند از تئوریسین‌های حزب توده به‌این حزب پیوستند.

خرداد ماه

۲ مهندس احمد زنگنه به سمت مدیرعامل سازمان برنامه تعیین شد.

۲ مهندس مهدی بازرگان رئیس دانشکده فنی به‌سمت معاونت پارلمانی وزارت فرهنگ منصوب شد.

۶ دولت انگلستان و همچنین شرکت ملی نفت ایران و انگلیس به‌مناسبت فسخ قرارداد و ملی ساختن صنعت نفت به دیوان داوری لاهه شکایت بردند.

۷ به‌مناسبت هفدهمین سال انعقاد قرارداد نفت (۱۹۳۳ م) تظاهرات بسیار منظم و باشکوهی از طرف جمعیت ملّی مبارزه با شرکت‌های استعماری در تهران و شهرستان‌ها انجام گرفت.

۸ سرتیپ کاظم شیبانی نماینده مجلس استاندار کرمانشاه شد.

۸ شمس‌الدین امیرعلائی وزیر اقتصاد ملی با حفظ سمت به‌عنوان مامور فوق‌العاده دولت در خوزستان و استاندار استان ششم تعیین گردید.



سپهبد علی اصغر نقدی وزیر جنگ



حسنعلی فرمند (ضیاء الملک) وزیر کشاورزی



جواد بوشهری (امیر همایون) وزیر راه



دکتر کریم سنجابی وزیر فرهنگ

۹ سید جلال‌الدین تهرانی نایب‌التولیه آستان قدس و مسعود کیهان معاون دانشگاه شدند.

۱۳ سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام توسط مامورین آگاهی دستگیر و زندانی گردید. وی به هنگام دستگیری اظهار کرد حکومت ایران باید توسط خلیفه مسلمین اداره شود.

۱۴ آیت‌الله کاشانی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران اعلام کرد اگر انگلیس‌ها خودشان خلع‌ید نکنند حکم جهاد علیه آنها خواهم داد.

۱۵ فدائیان اسلام به‌موجب اعلامیه‌ای متذکر شدند که اگر یک مو از سر نواب صفوی کم شود خیلی‌ها را خواهیم کشت.

۱۸ هیئت نظارت بر خلع‌ید مرکب از نمایندگان دومجلس و نمایندگان دولت از طریق راه‌آهن عازم خوزستان شدند. جمعیّتی متجاوز از صدهزار نفر هیئت را مشایعت نمود.

۲۰ هیئت عامله اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مرکب از دکتر محمود حسابی سناتور، دکتر علی آبادی و مهندس بیات در خرمشهر مستقر شدند.

۲۰ همزمان با استقرار هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران هیئتی از انگلستان به‌ریاست جاکسن برای مذاکره با دولت ایران وارد تهران شد. وی اعلام کرد آمادگی دارد شرکت را به شناسائی نوعی ملی شدن که شرکت سابق نیز در آن محلی داشته باشد با برقراری رژیم ۵۰ در ۵۰ بشناسد.

۲۲ آگهی فروش نفت از طرف شرکت ملی نفت ایران اعلام شد.

۲۹ دکتر مصدق طی پیامی به مردم اطلاع داد که پیشنهادهای هیئت جاکسن منافی با قانون ملی شدن صنعت نفت بود و لذا مورد قبول واقع نشد و عملیات اجرائی ادامه پیدا خواهد کرد.

۳۰ مصدق در جلسه امروز مجلس طی نطقی ختم کار خلع ید و قطع گفتگو با نمایندگان انگلستان را به مجلس داد و تقاضای رای اعتماد نمود از ۹۲ نفر وکیل حاضر در جلسه ۹۱ نفر رای دادند.

۳۰ دولت برای حفظ تأسیسات نفت در برابر خرابکاری لایحه‌ای به‌عنوان لایحه ضدّ خرابکاری تسلیم مجلس کرد. در این لایحه برای خرابکاران مجازات‌های سنگین پیش‌بینی شده بود.

تیر ماه

۴ موریسون وزیر خارجه انگلستان درباره اقدامات دولت ایران و خلع‌ید از شرکت نفت در مجلس عوام آن کشور نطق تهدیدآمیزی ایراد کرد و افزود برای حفظ جان اتباع انگلیس به رزمناو موریتش فرمان داده شده است که به آب‌های آبادان عزیمت کند.

۵ کارگران و مهندسین انگلیسی آبادان را به‌سوی بصره ترک کردند. آقای نخست‌وزیر انگلیس در این زمینه به مجلس گزارش داد و افزود علت ترک ایران قانون جدید ضدخرابکاری است که ممکن است به‌موجب آن اتباع انگلیس را اعدام کنند.

۱۷ هاری ترومن رئیس جمهوری امریکا طی پیامی که برای دکتر مصدق فرستاد. اورل هریمن را برای فراهم ساختن زمینه مساعدی در جهت مذاکره بین ایران و انگلیس به تهران اعزام داشت.

۱۹ سرلشگر حسن بقائی رئیس دادرسی ارتش به‌ریاست شهربانی منصوب شد.

۲۳ اورل هریمن با دو تن از همراهان خود وارد تهران شد.

۲۳ امروز قریب بیست هزار تن از کارگران ظاهراً به‌عنوان سالروز اعتصاب کارگران شرکت نفت خوزستان و باطناً به‌نشانه اعتراض به ورود فرستاده رئیس جمهور امریکا تظاهرات وسیعی ترتیب دادند. در این تظاهرات بین افراد حزب توده و حزب زحمتکشان برخورد شدیدی رخ داد. مامورین انتظامی برای حفظ امنیت و آرامش به‌سوی تظاهر کنندگان آتش گشودند و درنتیجه قریب بیست نفر مقتول و صدها نفر مجروح شدند.

۲۷ به‌دستور دکتر مصدق نخست‌وزیر سرلشگر بقائی رئیس شهربانی که بروی مردم آتش گشوده بود از کار برکنار و تحت تعقیب قرار گرفت. بقائی دستور شلیک را از شاه گرفته بود.

مرداد ماه

۱ سرلشگر زاهدی وزیر کشور از کابینه خارج شد و به مجلس سنا رفت. شمس الدین امیرعلائی ازطرف مصدق به‌سمت وزیر کشور تعیین گردید.

٤ به‌دنبال تهدید دولت انگلستان تعداد کشتی های جنگی بریتانیا در بندر آبادان به ۹ فروند رسید.

۸ اورل هریمن که پس از مذاکره با دکتر مصدق به لندن رفته بود مجدداً به تهران بازگشت.

۱۲ نمایندگان دولت انگلستان به سر پرستی لرد ریچارد استوکس وزیر مشاور و مهردار سابق سلطنتی انگلستان وارد تهران‌شدند. مصدق شرط مذاکره با این هیئت را منوط به‌این نموده بود که دولت انگلستان و شرکت سابق نفت قانون ملی شدن را به‌رسمیت بشناسد. استوکس طی نامه‌ای به مصدق متذکر شد قانون مزبور را قبول دارد.

۱۳ لایحه قرضه ملی به‌تصویب رسید. قرضه ملی به‌مدت دو سال با ربح ٦ درصد خواهد بود.

۱۵ لرد استوکس و هریمن به آبادان عزیمت نمودند.

۱۳ در مجلس شورای ملی مصدق مذاکرات خود را با هریمن گزارش داد و بین آزاد و مصدق مشاجره شدید پیش آمد.

۲۱ استوکس پیشنهاد خود را جهت آینده نفت ایران در هشت ماده ارائه داد.

۳۰ جلسه مشترک در مجلس به‌تقاضای دکتر مصدق تشکیل شد، مصدق گزارش مفصل شکست مذاکرات را با نمایندگان دولت انگلستان تشریح نمود و سپس تقاضای رای اعتماد نمود. سنا با ٤۱ رای و مجلس شورا به اتفاق به‌دولت ابراز اعتماد کردند.

۳۰ استانداران خراسان، فارس، آذربایجان، مازندران، و گیلان برکنار شدند.

۳۱ استوکس و هیئت وی با دریافت جواب منفی ایران را ترک کردند.

۳۱ سرلشگر منصور مزینی به‌ریاست شهربانی منصوب شد.

شهریور ماه

۲ به خدمت مستشاران سوئدی شهربانی خاتمه داده شد.

۳ وزیر کشور استانداران جدید را به‌این شرح معرفی کرد: حسنعلی هدایت (نصرالملک) فارس، دکتر محمد سجادی خراسان، دکتر مهیمن مازندران، ارسلان خلعتبری گیلان.

۳ هریمن نماینده مخصوص رئیس جمهور امریکا بدون اخذ نتیجه تهران را ترک کرد.

۹ دکتر مصدق طی نطقی از ملت ایران تشکر کرد و افزود انگلیس می خواهد از نظر اقتصادی دولت را در مضیقه بگذارد و با دوستان ایرانی خود مشغول نفاق‌اندازی شده‌اند.

۱۰ در جلسه امروز مجلس حائری‌زاده وذو الفقاری حملات شدیدی به مخالفین ازجمله جمال امامی نمودند. در همین جلسه بین یوسف مشار وزیر پست و تلگراف و عبدالقدیر آزاد مشاجره شدید به‌حد زدوخورد آغاز شد مشار گفت وکلاء مجلس عده‌ای مجذوبند و عده‌ای مرعوب.

۱۳ در جلسه امروز مجلس سنا دکتر مصدق به نطق های مخالفت‌آمیز مهدی فرخ و خواجه‌نوری پاسخ داد و تقاضای رای اعتماد کرد از ۲۸ نفر سناتور حاضر در جلسه ۲٦ نفر به مصدق رای دادند.

۱۵ دولت انگلستان به جهانیان اعلام داشت هرکس از ایران نفت بخرد در محاکم مورد تعقیب قرار خواهد گرفت.

۲۳ باشگاه مرکزی حزب اداره ملی به‌رهبری سید ضیاءالدین طباطبائی افتتاح شد.

۲٤ نمایندگی دولت در انگلستان برای نظارت در امور نفت منحل گردید.

۲۹ بازار شهر میانه یکسره طعمه حریق شد.

۳۰ لوی هندرسن سفیر جدید امریکا وارد تهران گردید.

۳۱ فرمان انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی صادر شد.

۳۱ سید محمدعلی شوشتری نماینده مجلس متحصن گردید.

شوشتری طی مصاحبه‌ای اعلام کرد چون در خارج از مجلس تأمین جانی ندارد لذا در خانه ملّت تحصن اختیار نمودم.

مهر ماه

۲ مصدق در کابینه خود تغییراتی داد باقر کاظمی وزیر خارجه و کفیل نخست‌وزیری، دکتر ادهم وزیر مشاور، دکتر محمد علی ملکی وزیر بهداری، محمود نریمان وزیر دارائی.

۲ ابراهیم زند مدیر کل بانک ملی به سفارت به مادرید رفت و علی اصغر ناصر کفیل بانک ملی شد.

۲ به دستور نخست‌وزیر هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت به آن عده از کارشناسان و کارکنان انگلیسی شرکت سابق که هنوز در ایران بودند و حاضر به قبول خدمت در شرکت نشده بودند اطلاع داد باید ظرف یک هفته ایران را ترک کنند.

٤ مصدق برای گزارش اقدامات خود درمورد نفت در مجلس حضور یافت ولی جلسه به‌علت عدم حضور اکثریت تشکیل نشد. مصدق به میدان بهارستان رفت و نطق خود را برای مردم ایراد کرد و گفت هرجا مردمند مجلس همانجا است.

۵ وزارت امور خارجه انگلستان تصمیم دولت ایران را درمورد اخراج کارکنان انگلیسی شرکت سابق مغایر اصول بین المللی اعلام کرد.

۵ رادیو تهران اعلام کرد دولت انگلستان از دست ایران به شورای امنیت مراجعه کرده است.

۷ بنا به تقاضای آیت‌الله کاشانی امروز برای پشتیبانی از دکتر مصدق و ابراز انزجار از رفتار نمایندگان مخالف تعطیل عمومی اعلام شد.

١٤ دکتر مصدق در راس هیئتی به‌منظور شرکت در جلسه شورای امنیت عازم امریکا شد. اعضاء هیئت عبارتند از سناتور متین‌دفتری، سناتور بیات، اللهیار صالح، دکتر شایگان، دکتر کریم سنجابی، دکتر بقائی، جواد بوشهری، دکتر حسین فاطمی، حسین نواب، دکتر عیسی سپهبدی (مترجم)، محسن اسدی (مترجم)، عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات و سناتور، دکتر مصباح‌زاده مدیر کیهان و نماینده مجلس، شجاع‌الدین شفا رئیس تبلیغات، دکتر غلامحسین مصدق و ضیاء اشرف مصدق.

۱۵ نیویورک از دکتر مصدق استقبال بی سابقه ای کرد.

۱۸ مصدق در شورای امنیّت از جریان ملی شدن صنعت نفت و مظالم استعماری انگلیس سخن گفت.



دکتر حکیم‌الدوله ادهم وزیر بهداری و مشاور



نریمان وزیر دارائی

۲۳ شورای امنیّت قطعنامه انگلستان را درمورد نفت مسکوت گذارد تا اینکه حکم دیوان داوری لاهه صادر شود.

۳۰ مصدق وارد واشنگتن شد. وزیر خارجه امریکا وعده‌ی از رجال و مقامات امریکائی از او استقبال گرمی به‌عمل آوردند. دکتر مصدق به‌اتفاق انتظام سفیر کبیر ایران در امریکا و رئیس سازمان ملل با ترومن رئیس‌جمهور امریکا ملاقات کرد.

آبان ماه

۷ از طرف دانشجویان دانشگاه میتینگ عظیمی در تهران بر پا شد، بین پلیس و دانشجویان زدوخورد شد.

۸ عده زیادی از افراد مختلف به شورای دانشگاه هجوم بردند وبا گستاخی اعضای شورای دانشگاه را مورد اهانت قرار دادند و آنان را از ساعت ۱۱ صبح تا ۷ بعد از ظهر در بازداشت نگهداشتند.

۹ جمال امامی به‌مناسبت وقایع دانشگاه دکتر مصدق را به‌شدت مورد انتقاد قرار داد.

۱۲ دکتر سیاسی رئیس دانشگاه اعلامیه‌ای صادر کرد و از دولت تقاضای اختیارات نمود و درخواست تشکیل گارد نظامی کرد.

۲۸ دکتر محمد مصدق و همراهان وارد مصر شدند. دولت و مردم مصر استقبال بی سابقه‌ای از مصدق به‌عمل آوردند.

آذر ماه

۱ دکتر محمد مصدق و هیئت وی از طریق مصر از سفر امریکا و شرکت در سازمان ملل به تهران بازگشت. از طرف تمام طبقات و اصناف و احزاب از ایشان استقبال بی سابقه‌ای به‌عمل آمد. در چند نقطه تهران بین طرفداران و مخالفین زدوخورد به‌وقوع پیوست.

۳ نخست‌وزیر گزارش مسافرت به امریکا و شرکت در جلسات شورای امنیت را به مجلس داد و افزود انگلیس‌ها نیتشان این است که از اداره نفت ایران به‌دست ایرانی جلوگیری کنند. پس از گزارش مصدق، جمال امامی اتهاماتی به مصدق و دولت وی وارد کرد. سرانجام رای اعتماد گرفته



دکتر محمد مصدق در سازمان ملل متحد

شد و از ۱۰۷ نفر عده حاضر ۹۰ نفر رای به اقدامات مصدق دادند.

٤ عده‌ای از دانش آموزان دبیرستان دخترانه نوربخش به‌عنوان اعتراض به اخراج یازده نفر از آنها که دست به تظاهرات توده‌ای زده بودند در خیابان نادری به قوای انتظامی حمله کردند.

۹ نخست‌وزیر در کابینه خود تغییراتی به‌این شرح داد: امیر علائی وزیر دادگستری، سپهبد یزدان‌پناه وزیر جنگ، دکتر علی امینی وزیر اقتصاد ملی، امیرتیمور کلالی وزیر کشور.

۹ سرلشگر منصور مزینی رئیس شهربانی در اثر اهمال در وقایع دانشگاه از کار برکنار شد.

۹ امیرتیمور کلالی وزیر کشور با حفظ سمت سر پرست شهربانی گردید.

۱۲ سرلشگر احمد وثوق به ریاست ژاندارمری منصوب گردید.

١٤ میتینگ عظیمی در میدان فوزیه برگزار شد. در این اجتماع کشاورز صدر، حسین مکی، قنات‌آبادی، علی زهری و مصطفی کاشانی صحبت کردند. پس از اختتام میتینگ جمعیت به شهر هجوم آورد و در خیابان فردوسی خانه صلح و روزنامه‌های به‌سوی آینده، بدر، تئاتر سعدی، روزنامه نوید

آزادی، فرمان، آتش، سیاسی، طلوع را مورد هجوم قرارداده و آتش زدند. سرانجام پلیس برای جلوگیری مداخله کرد و زدوخورد خونینی آغاز شد و عده زیادی از تظاهر کنندگان مقتول و مجروح و مصدوم شدند. در این زدوخورد سرتیپ دانشپور معاون شهربانی به‌شدت مجروح شد و سرهنگ نوری‌شاد رئیس کلانتری به‌قتل رسید. چند پاسبان و درجه‌دار هم به‌قتل رسیدند.

۱۴ در مجلس شورای ملی مخالفین به‌مناسبت فعالیت تازه حزب توده مصدق را مورد انتقاد قرار دادند.

۱۴ دکتر محمود حسابی رئیس دانشکده علوم و سناتور به وزارت فرهنگ تعیین شد.

۱٦ مدیران جرائد در مجلس شورای ملی متحصن شدند و اعلامیه‌ای انتشار دادند.

۱۷ نمایندگان اقلیت در مجلس شورای ملی به حمایت از مطبوعات متحصن گردیدند.

۱۷ درجلسه مجلس شورای ملی پیرامون وقایع ۱٤ آذر و اغتشاش تهران جمال امامی، آزاد و آشتیانی زاده دولت را مورد انتقاد شدید قرار دادند. حملات جمال امامی با هتاکی و تندی خاص توأم بود.

۱۹ درجلسه امروز مجلس شورای ملی از طرف اقلیت و تماشاچیان علیه دولت به‌شدت تظاهرات انجام گرفت. عده‌ای از تظاهر کنندگان داخل جلسه علنی شدند و با نمایندگان گلاویز شدند. کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش مورد ضرب و شتم مخالفین دولت قرار گرفت.

۲۱ نخست‌وزیر وزیران تازه‌ای برگزید به‌این شرح: مهندس خلیل طالقانی وزیر کشاورزی، دکتر غلامحسین صدیقی وزیر پست و تلگراف، فروزان کفیل وزارت دارائی.

۲۱ آیت‌الله کاشانی برای تأیید مصدق میتینگ بزرگی بر پا ساخت ناطقین مخالفین را مورد انتقاد قرار دادند.

۲۵ سید محمد تدین سناتور در امریکا درگذشت وی به‌هنگام تغییر سلطنت در ایران و خلع قاجاریه رئیس مجلس شورای ملی بود.

۲۵ دکتر فاطمی و مهندس حسیبی معاون وزارت دارائی استعفا دادند.

۲۷ سرلشگر صادق کوپال به ریاست شهربانی منصوب شد.



دکتر محمود حسابی وزیر فرهنگ



دکتر ابراهیم خلیل عالمی وزیر کار

۲۸ انجمن نظارت بر انتخابات دوره هفدهم تشکیل شد. آقا شیخ علی مدرس به‌ریاست تعیین شد.

دی ماه

۱ اوراق قرضه ملی انتشار یافت. شاه دو میلیون ریال و مصدق ۲۵۰ هزار ریال اوراق قرضهٔ ملّی خریدند.

۲ عبدالحسین مسعود انصاری به استانداری فارس منصوب شد.

۳ اقلیت مجلس دولت را در چهار مورد استیضاح کرد.

۱۱ دکتر علی اکبر سیاسی مجدداً رئیس دانشگاه گردید.

۱۴ امیرتیمور کلالی از وزارت کشور کناره گیری نمود.

۲۹ دکتر خلیل عالمی استاد دانشکده حقوق به وزارت کار تعیین شد.

بهمن ماه

۱ به‌مناسبت تصمیم دولت به بستن قنسولگری های انگلیس در ایران مردم تهران و شهرستان ها تعطیل عمومی نمودند. در تهران و شهرها تظاهرات شورانگیزی از طرف مردم به‌منصهٔ ظهور رسید.

۲ در مبارزه انتخاباتی در فسا تفنگچی های عرب شیبانی و اینانلوها مخالفین خود را به گلوله بستند. چند نفر کشته و عده زیادی مجروح گردیدند.

۳ اخذ آراء در تهران خاتمه یافت مجموعاً ۱۴۳۱۶۳ نفر رای در صندوق ها ریختند

۱۰ قرارداد بازرگانی پایاپای بین دولت ایران و مجارستان به امضاء رسید. در این قرارداد فروش نفت هم منظور شده است.

۱۴ حسین نواب وزیرمختار ایران در هلند لایحه مربوط به عرض‌حال دولت انگلستان را از طرف دولت ایران به دادگاه لاهه تسلیم نمود. در این لایحه دولت ایران به‌صلاحیت دادگاه ایراد گرفته است.

۱۵ وزیر خارجه انگلیس در پارلمان آن کشور اعلام کرد دولت انگلیس دیگر سفیر به ایران اعزام نخواهد کرد ، زیرا دولت ایران با آگرمان سفیر پیشنهادی انگلستان مخالفت کرده است.

۱۶ امیر علائی وزیر دادگستری به وزارت مشاور و معاون نخست‌وزیری تغییر سمت داد. دکتر سمیعی به کفالت وزارت دادگستری منصوب شد.



حسینعلی راشد نماینده مجلس شورای ملی

۱۸ قرائت آراء انتخابات تهران برای دوره هفدهم پایان یافت، ۱۲ نفر حایزین اکثریت به‌این شرح معرفی شدند: ۱-حسین مکی، ۲-آیت الله کاشانی، ۳-دکتر شایگان، ٤-مهندس حسیبی، ۵-حائری‌زاده ٦-دکتر بقائی، ۷-نریمان، ۸-مهندس زیرک‌زاده، ۹-دکتر فاطمی، ۱۰-حسینعلی راشد، ۱۱-یوسف مشار، ۱۲-علی زهری.

۱۹ مبارزارت انتخاباتی در زابل منجر به منازعات انتخاباتی گردید و عده زیادی به‌قتل رسیدند. فرماندار زابل، رئیس انجمن انتخابات، بازرس انتخابات و یکی از اعضاء انجمن جزء مقتولین هستند. مجموعاً در این حمله مسلحانه ده نفر مقتول و ۵۰ نفر مجروح شده‌اند.

۲۱ هیئتی ازطرف بانک بین‌المللی وارد تهران شدند، این هیئت به‌عنوان میانجی بین دولتین ایران و انگلیس برای التیام روابط نفتی مامور هستند.

۲٤ اللهیار صالح به‌سمت وزیر کشور تعیین گردید.

۲۵ در مراسم پنجمین سال قتل محمد مسعود مراسمی بر مزار



دکتر حسین فاطمی چند لحظه قبل از سوء قصد

او واقع در ظهیرالدوله برگزار شد. دکتر فاطمی به هنگام ایراد سخن مورد سوءقصد واقع شد. ضارب مهدی عبدخدائی نام داشت، عضو فدائیان اسلام و چهارده ساله بود. فاطمی برای عمل جراحی به بیمارستان منتقل شد.

۲۹ مجلس شانزدهم پایان گرفت، در جلسه تودیع فقط ۵۲ وکیل شرکت کردند. اقلیت مجلس به تحصن خود ادامه دادند.

۳۰ اعلامیه مشترکی از طرف نمایندگان بانک بین‌الملل و دولت ایران منتشر گردید.

۳۰ مهلت قانونی تعویض اسکناس های پنجاه و صدتومانی پایان یافت و قریب ۴۵ میلیون ریال از اسکناس های مزبور به بانک برنگشت.

اسفند ماه

۷ هیئتی از تهران برای شرکت در کنفرانس اقتصادی به مسکو پرواز کردند. دکتر متین‌دفتری ریاست هیئت را عهده‌دار بود. در مسکو نیز ریاست کنفرانس به‌عهده او قرار گرفت.

۵ در ساعت ۱۲ و ۱۷ دقیقه در تهران کسوف واقع شد.

۱۳ نمایندگان بانک بین‌المللی که به لندن مسافرت کرده بودند به‌تهران بازگشتند تا نظرات دولت انگلستان را به اطلاع دولت ایران برسانند.

۲۱ محمدعلی وارسته به‌سمت وزیر دارائی تعیین شد.

۲۵ میسیون بانک بین‌الملل پس از یک ماه اقامت در تهران و لندن و مذاکره با مقامات ایرانی و انگلیسی چون با شکست روبرو شد تهران را ترک نمود.

۲۶ مصطفی قلی رام به‌سمت وزارت کشور تعیین گردید.

۲۷ ٤۸ نفر از روزنامه‌نگاران امریکائی وارد تهران شدند. در ملاقاتی با مصدق مداخلات دولت انگلیس در امور داخلی ایران برای آنان تشریح شد.

۲۹ طبق دستور نخست‌وزیر روز ۲۹ اسفند روز نفت و جشن ملی و تعطیل عمومی اعلام شد.

سال ۱۳۳۱ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۵۲ تا ۲۱ مارس ۱۹۵۳ میلادی

فروردین ماه

۱ دکتر محمد مصدق طی پیام نوروزی ملت را در مقابل فشار فقر، بیکاری، بی‌نظمی و عدم امنیت قضائی به ایستادگی و پایمردی دعوت کرد.

٤ دولت انگلستان دادخواست مجدد خود را علیه اقدامات ایران در ملی کردن صنعت نفت و خلع ید از شرکت تسلیم دیوان دادگستری بین‌المللی کرد. خلاصه عرضحال این بود که دولت ایران نمی‌تواند به‌طور یک طرفه قرارداد ۱۹۳۳ را لغو کند مآلاً دولت ایران باید ترمیم و جبران مافات بکند.

٦ دکتر قاسم غنی از رجال دانشمند، مؤلف و مترجم اندیشمند در امریکا درگذشت.

۸ از طرف جوانان دموکرات میتینگی در میدان فوزیه داده شد ولی هنگام بازگشت افراد به مراکز خود بین دسته های جوانان دموکرات و قوای انتظامی زد و خورد شد و مراکز آنها از طرف قوای انتظامی اشغال گردید.

۱۰ در تهران برای مدت یک ماه حکومت نظامی اعلام شد و سرلشگر مهدی‌قلی علوی مقدم فرماندار نظامی شد.

۱٦ دولت انگلیس یادداشتی برای دولت ایران فرستاد در آن یادداشت آمده بود: در موقعی که امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران به‌نوعی از آن شرکت سلب شده که برخلاف اصول بین‌المللی و مخالف مقررات پیمانی است که ازطرف کشور ایران درقبال کشور متحده انگلیس به‌عهده گرفته شده و ضمن دادخواستی که به دیوان دادگستری لاهه تقدیم شده تصریح شده است که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران موضوعی نیست که در حدود حاکمیت داخلی ایران باشد.

۱۷ دولت ایران به یادداشت دولت انگلیس جوابی قاطع و دندان‌شکن داد.

۲۱ در انتخابات هیئت رئیسه مجلس سنا، سید حسن تقی‌زاده به ریاست و دکتر لقمان الملک مالک و سهام السلطان بیات به نیابت انتخاب شدند.

۲۳ ٦۰ نفر از نمایندگان دوره هفدهم در منزل دکتر مصدق اجتماع نمودند. دکتر مصدق در این اجتماع طی نطق مشروحی علل خرابی اوضاع کشور و بیکاری و فقر عمومی را بیان داشت و تصمیمات دولت را برای اصلاح عمومی در موارد زیر خلاصه نمود: ۱- تجدید نظر در کلیه ارقام بودجه.

۲- تجدید نظر در قوانین مالیاتی. ۳- تامین اعتبارات کافی برای کارهای تولیدی. ٤- تجدید نظر در سازمان اداری. ۵- لغو کلیه مقررات مزاحم. ٦- تنظیم برنامه برای استفاده از اسباب و وسائل نفت.

۲۸ عهدنامه مودت بین دولتین ایران و پاکستان که از چندی پیش تهیه و تنظیم شده بود در تهران امضاء و مبادله شد. وزیر امور خارجه و سفیرکبیر پاکستان ممضی قرارداد بودند.

۳۰ دولت ایران به مسافرت مشاور حقوقی وزارت خارجه انگلیس به بحرین شدیداً اعتراض نمود.

اردیبهشت ماه

۷ مجلس دوره هفدهم گشایش یافت. شاه نطقی ایراد کرد، دکتر مصدق در مراسم افتتاح شرکت ننمود، پس از افتتاح شیخ الملک اورنگ رئیس سنی مجلس شد.

۷ اولین جلسه نمایندگان دوره هفدهم پس از ٦۸ روز فترت با ۷۰ نماینده تشکیل جلسه داد.

۸ دکتر محمد مصدق نخست وزیر طی نامه‌ای که به مجلس فرستاد متذکر شد در بعضی از حوزه‌های انتخاباتی فساد وجود داشته است و مردم از وکلاء تحمیلی تنفر کامل دارند و از نمایندگان خواست تا اعتبارنامه های مخدوش را رد کنند.

۹ آیت اله سید فخرالدین جزایری نایب رئیس انجمن نظار انتخابات تهران در پاسخ نامه نخست وزیر شرحی انتشار داد و فساد را در انتخابات تهران تأیید نمود و به صراحت گفت برخی از کسانی که به نمایندگی انتخاب شده‌اند نه کسی آنها را می شناسد و نه رای داشته اند و من اعتبارنامه های آنها را امضاء نکرده‌ام.

۱۱ آرامگاه سعدی در شیراز با شرکت شاه و ثریا افتتاح شد.

۱۲ لوله کشی شهر شیراز که با همت حاج محمد نمازی انجام گرفته بود افتتاح و بهره‌برداری از آن آغاز شد.

۱۳ دولت انگلستان طی یادداشتی به دولت ایران هشدار داد که بحرین کشوری است که تحت حمایت انگلستان می باشد.

۱۸ در جلسه امروز مجلس شورای ملی پنجاه اعتبارنامه به‌تصویب رسید و نسبت به بقیه مخالفت شد. هنگام طرح اعتبارنامه دکتر سید حسن امامی امام‌جمعه تهران تشنج شدید



شیخ الملک اورنگ رئیس سنی مجلس هفدهم

ایجاد شد. میر اشرافی نماینده مشکین‌شهر به دکتر مصدق و کابینه او حمله کرد.

۲٤ هانری بایرود معاون وزارت خارجه امریکا وارد تهران شده با دکتر مصدق و وزیر خارجه ملاقات کرد.

۳۱ دکتر مصدق در جلسه علنی سنا درمورد فروش نفت به مشتریان جدید و مذاکرات با نمایندگان بانک بین المللی و علل عدم توافق بـه پیشنهادات ایشان و عودت کارشناسان انگلیسی و طرز اداره و قیمت نفت خام و تصفیه شده و انحلال قنسولگری های انگلیس گزارش مشروحی داد و افزود دولت ایران به صلاحیت دادگاه لاهه عقیده ندارد و اگر رای به صلاحیت خود بدهد مورد قبول دولت ایران نخواهد بود.

خرداد ماه

۱ در جلسه علنی مجلس شورای ملی بر سر تصویب دو اعتبارنامه سروصدا و تشنج به اوج رسید و مجلس تعطیل شد.

٤ در جلسه علنی مجلس شورای ملی باقر کاظمی وزیر امور خارجه و نایب نخست وزیر گزارش مشروحی از طرف دکتر مصدق به نمایندگان داد و مسافرت ایشان را به لاهه قریب الوقوع دانست.

٦ کشتی روزمیری در بندر بوشهر پهلو گرفت و ۷۰۰ تن نفت خام بارگیری کرد ولی در عدن کشتی مزبور توقیف شد.

۷ دکتر مصدق نخست وزیر به اتفاق همراهان خویش با طیاره هلندی برای حضور در دیوان لاهه از فرودگاه مهرآباد عزیمت

نمود. همراهان نخست وزیر عبارت بودند از: اللهیار صالح، دکتر غلامحسین مصدق، دکتر بقائی، دکتر سنجابی، مهندس حسیبی، دکتر عبدالحسین علی آبادی و همچنین آقایان حسن صدر و دانشپور منشی و مترجم از مطبوعات، حسینقلی مستعان از تهران‌مصور به‌علاوه نمایندگان اطلاعات، کیهان، باختر امروز و سیاست، مردم تهران با شور و هیجان خاصی نخست‌وزیر را مشایعت نمودند. در فرودگاه لاهه دادستان دیوان لاهه از دکتر مصدق استقبال کرد.

۸ حسین شکوه (شکوه‌الملک) از سرآمد رجال ایران درگذشت.

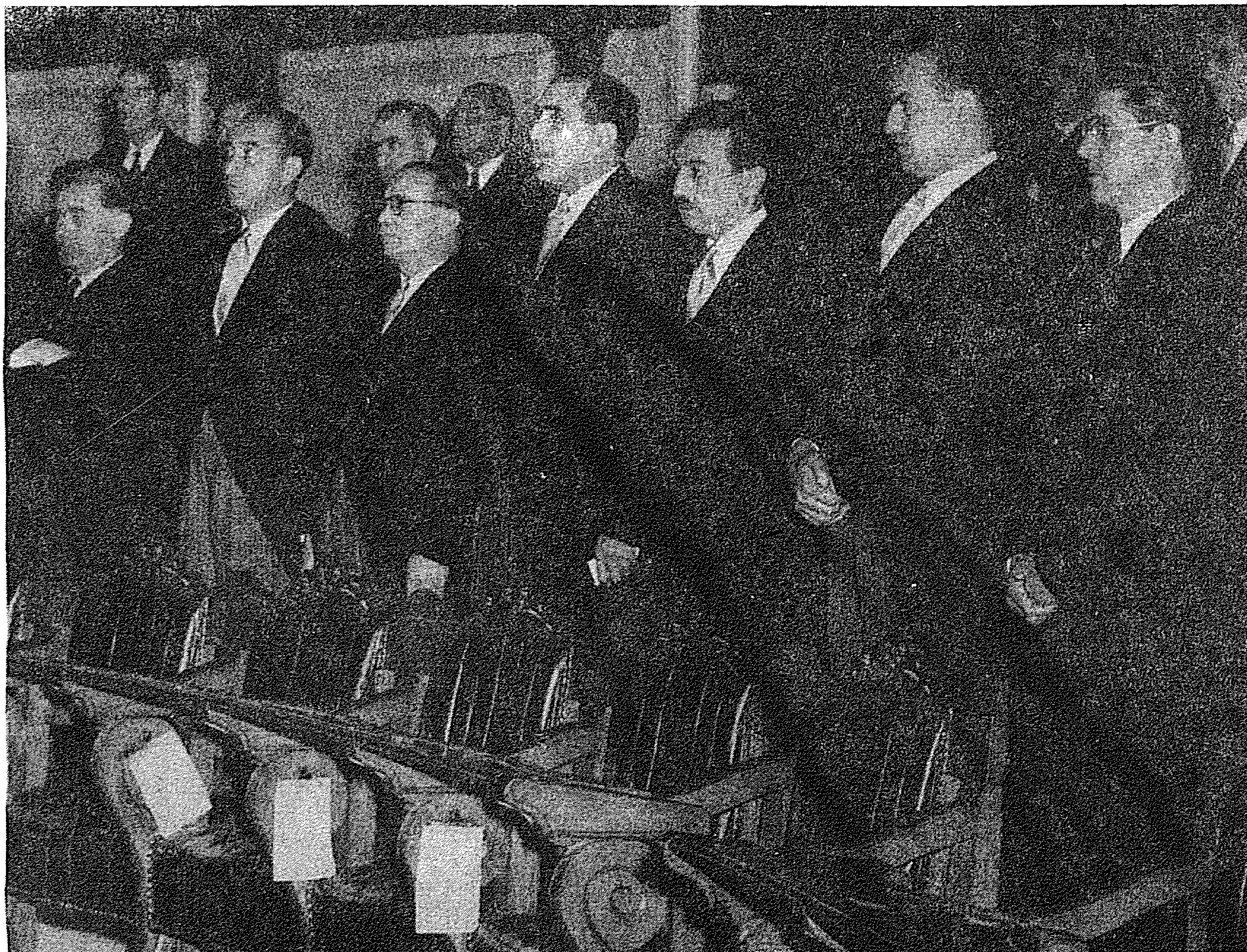
۱۰ نظام السلطان خواجه‌نوری وزیر مختار در رم شد.

۱۱ برحسب دعوت نخست‌وزیر دکتر شایگان به لاهه رفت.

۱۱ دکتر کریم سنجابی به‌سمت قاضی اختصاصی ایران به دادگاه لاهه معرفی شد.

۱۱ هانری رولن وکیل‌دادگستری تبعه بلژیک که از حقوق‌دانان معروف بین‌المللی است به‌عنوان مشاور حقوقی ایران در دادگاه لاهه معرفی گردید.

۱۹ هیئت نمایندگی ایران به‌اتفاق رولن مشاورحقوقی در اولین جلسه دادگاه لاهه حضور به‌هم رسانیدند. پس از معرفی آقای دکتر مصدق، ایشان نطق مستدل و بلیغ خود را ایراد نموده و افزودند شما نباید ملت کوچکی را در مقابل یک دولت بزرگی از وسایل دفاع و استیفای حق خود محروم کنید. پس از نطق مصدق، پروفسور رولن از لحاظ قضائی و ماهوی به‌دفاع پرداخت.



مجلس هفدهم توسط شاه بدون شرکت دکتر محمد مصدق افتتاح شد. در صف مقدم ناصر و محمد ذوالفقاری، دکتر عبدالله معظمی، دکتر غلامرضا کیان و عبدالرحمن فرامرزی دیده می‌شوند.

تیر ماه

۲ دکتر محمد مصدق پس از ۲۶ روز غیبت از ایران و استظهار به‌موفقیت خویش در جلب نظر قضات دیوان دادگستری لاهه به تهران بازگشت. در مسیر بازگشت مصدق مردم ابراز احساسات شدید می‌نمودند.

۱۰ در جلسه امروز مجلس شورای ملی انتخابات هیئت رئیسه آغاز شد. کاندیداها عبارت بودند از دکترشایگان، دکتر عبدالله معظمی و دکتر سید حسن امامی استادان دانشکده حقوق. در ابتدای جلسه دکتر شایگان به‌نفع دکتر معظمی از کاندیدائی ریاست مجلس کنار رفت. سرانجام پس از رای گیری دکتر سید حسن امامی با ۳۹ رای از ۷۶ نفر عده حاضر به‌ریاست مجلس انتخاب شد. دکتر معظمی هم ۳۱ رای داشت. از طرف مردم تظاهرات شدیدی برعلیه رئیس جدید به‌وقوع پیوست.

۱۲ در جلسه علنی مجلس محمد ذوالفقاری و مهندس احمد رضوی نایب رئیس شدند.

۱۲ چاه نفت قم به‌عمق ۲۲۸۸ متر به‌نفت رسید و بهره‌برداری از آن آغاز شد.

۱۴ مجلس شورای ملی آمادگی خود را اعلام داشت و طبق سنت پارلمانی نخست وزیر از سمت خود کناره گیری کرد و ضمن استعفا پیامی برای ملت ایران فرستاد.

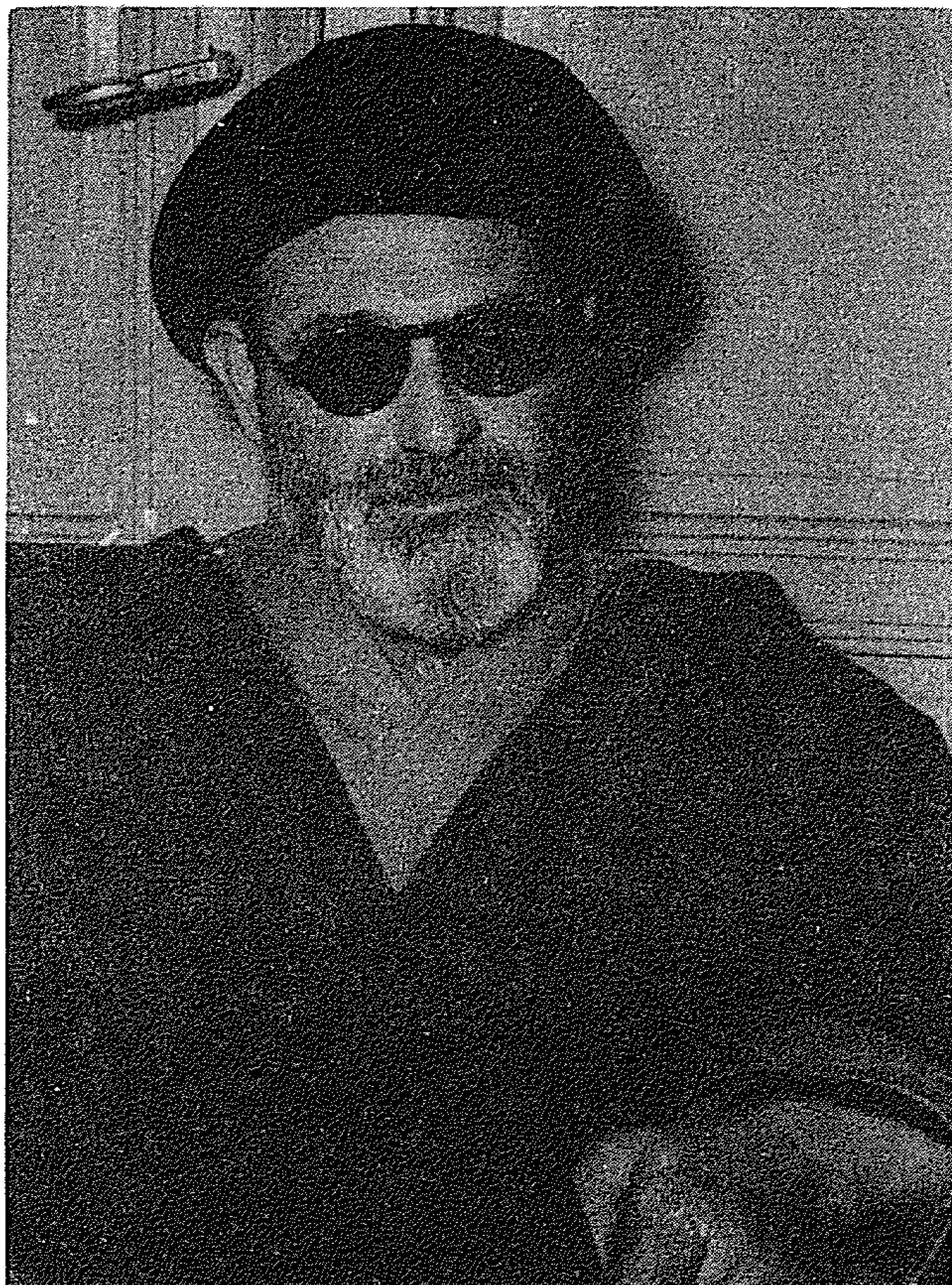
۱۵ مردم ایران چه در تهران و چه در شهرها توسط طومار و سخنرانی و تلگراف تجدید نخست‌وزیری مصدق را خواستار شدند.

۱۵ درجلسه خصوصی مجلس شورای ملی ۵۲ نماینده از ۶۵ نفر عده حاضر به تجدید زمامداری مصدق اظهار تمایل نمودند.

۱۶ مجلس سنا از ابراز تمایل به نخست وزیری مصدق خودداری کرد و اظهار نظر نمود پس از ملاحظه برنامه دولت تصمیم لازم را اتخاذ خواهد نمود.

۱۶ دکتر مصدق از قبول نخست وزیری به‌علت عدم ابراز تمایل مجلس سنا خودداری کرد.

۱۷ سیل طومار و تلگراف از تهران و شهرستان‌ها برای نخست وزیری مصدق سرازیر شد.



دکتر سید حسن امامی (امام جمعه تهران) رئیس مجلس شورای ملی

۱۸ در جلسه خصوصی مجلس سنا از ۳۶ سناتور حاضر در جلسه فقط ۱۴ نفر به نخست وزیری مصدق ابراز تمایل نمودند.

۱۹ آیت الله کاشانی اعلامیه شدیدالحنی علیه تصمیم مجلس سنا انتشار داد و از اصناف و بازرگانان و پیشه‌وران تقاضا کرد از تعطیل تا اطلاع ثانوی خودداری نمایند.

۱۹ فرمان نخست وزیری مجدد دکتر مصدق صادر شد.

۲۲ دکتر مصدق در جلسه خصوصی مجلس شرکت نمود و تقاضای اختیارات شش ماهه کرد.

۲۵ دکتر محمد مصدق با شاه ملاقات کرد و تقاضا کرد وزارت جنگ را عهده‌دار شود ولی شاه نپذیرفت.

۲۵ دکتر مصدق ضمن نامه‌ای که برای شاه فرستاد از نخست وزیری استعفا داد. نامه مصدق به‌این شرح بود. چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق به‌دست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده‌دار شود و مورد تصویب شاهانه واقع نشده، البته بهتر آن است دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد

اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند و با وضع فعلی ممکن نیست مبارزاتی را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد.

علاء وزیر دربار با اعلام قبول استعفای مصدق از طرف شاه رای تمایل مجلس شورای ملی را نسبت به نخست وزیر آینده خواستار شد.

۲۶ جلسه سری مجلس شورای ملی با حضور ٤۲ نفر نماینده تشکیل شد. از این عده حاضر در جلسه سری چهل نفر به زمامداری احمد قوام رای تمایل دادند. یک رای سفید بود، ریاست هم در رای شرکت نکرد.

۲۷ فرمان شاه بدین صورت برای احمد قوام صادر شد: جناب اشرف آقای احمد قوام نخست وزیر نظر به اعتمادی که به مراتب شایستگی و کاردانی شما داریم، به موجب این دستخط سمت نخست‌وزیری را به شما محول و مقرر می داریم در تشکیل هیئت وزیران اقدام نموده نتیجه را زودتر به اطلاع ما برسانید. شاه.

۲۷ احمد قوام نخست‌وزیر اعلامیه تند و شدید اللحنی انتشار داد و متذکر شد (کشتیبان را سیاستی دگر آمد) و محاکم انقلابی تشکیل خواهم داد و روزی صدها تبهکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیره‌روزی می سازم .

۲۷ احمد قوام عباس اسکندری و حسن ارسنجانی را به معاونت خویش برگزید.

۲۷ سرتیپ محمدعلی صفاری شهردار تهران شد.

۲۸ ۲۸ نماینده مجلس طی اعلامیه ای متذکر شدند برای ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکترمصدق با شخص دیگری موافقت نخواهند کرد.

۲۸ جبهه ملی اعلامیه داد و روز ۳۰ تیر را تعطیل عمومی اعلام نمود. تهران و شهرها دچار تشنج و نا امنی گردید. طبقات مختلف به تظاهرات پرداختند.

۲۸ بازار تهران تعطیل شد. در خیابان‌ها بین تظاهر کنندگان و پلیس زدوخورد آغاز شد.

۲۸ قوام از شاه تقاضای اختیارات فوق العاده نمود و درخواست کرد مجلسین را منحل کند.

۲۹ وضع تهران و غالب شهرها به حالت نیمه تعطیل درآمد و همه جا حمایت از زمامداری مصدق شد.

۳۰ در تهران و تمام شهرها تعطیل عمومی گردید و مردم در میادین و خیابان‌ها به تظاهرات پرداختند.

۳۰ در تهران مردم از بامداد دست به کار شدند درحالی که دسته های مختلف شعار می دادند به‌طرف خیابان‌های مرکز شهر و میدان بهارستان در حرکت بودند. در تظاهرات و مقاومت روز سی تیر همه طبقات اعم از کارگر، پیشه‌ور، فرهنگی، دانشجو، روشنفکر، بازاری، پیر و جوان و زن و مرد با هم بودند. اولین تیر اندازی در ساعت ۷ بامداد در بازار تهران آغاز شد که چند نفر مجروح شدند، تدریجاً زد وخورد با پلیس و مامورین نظامی در خیابان‌های شاه‌آباد، فردوسی، نادری و سعدی و دانشگاه شروع شد. فرمان قتل عام مردم از طرف حکومت نظامی صادر و از زمین و آسمان خون می‌بارید. هزاران نفر در این زدوخورد مقتول و مجروح شدند.

۳۰ در شهرستان‌ها تظاهرات مردم خونین شد و بین پلیس و مردم جنگ درگرفت. در اهواز عده زیادی به‌قتل رسیدند.

۳۰ عده‌ای از نمایندگان مجلس با شاه ملاقات نموده وخطر سقوط رژیم را اعلام کردند.

۳۰ شاه قوام را از نخست وزیری معزول نمود.

۳۰ علاء وزیر دربار به مجلس رفت و خبر استعفای قوام را به اطلاع مجلس رسانید.

۳۰ از ٦٤ نماینده حاضر در مجلس ٦١ نفر به زمامداری دکتر مصدق ابراز تمایل کردند.

۳۰ ساعت ۵ بعد از ظهر مأمورین انتظامی در تهران جمع آوری شدند و مردم نظم شهر را دردست گرفتند.

۳۰ دکتر مصدق و آیت الله کاشانی اعلامیه‌هائی بر حرمت نظامیان دادند و از مردم خواستند از حمله وضرب و شتم نظامیان و مأمورین پلیس خودداری نمایند.

۳۰ احمد قوام در امام‌زاده قاسم در منزل برادر خود (معتمد السلطنه) مخفی شد.

۳۰ مردم عازم خانه مصدق شدند. مصدق به مردم گفت استقلال ایران از دست رفته بود ولی شما با رشادت خود آن را گرفتید.

۳۱ فرمان نخست وزیری مجدد دکتر محمد مصدق صادر شد.

۳۱ دکتر سیدحسن امامی رئیس مجلس شورای‌ملی از سمت

خود کناره گیری کرد.

۳۱ دادگاه لاهه در رسیدگی نسبت به اختلاف ایران و انگلیس در مسئله نفت، عدم صلاحیت خود را به اکثریت ۹ رای درمقابل پنج رای اعلام داشت. قاضی انگلیسی رای خود را به نفع ایران داد.

۳۱ در مصر ژنرال محمد نجیب پاشا به اتفاق عده ای از افسران خود کودتا کردند. فاروق پادشاه مصر ظاهراً به نفع فرزند یک ساله خود استعفا داد و مصر را ترک کرد.

۳۱ به مناسبت پیروزی ملت ایران در قیام ۳۰ تیر دمونستراسیون عظیمی با شرکت همه احزاب و دستجات سیاسی تشکیل شد که در آن ده ها هزار نفر شرکت کردند.

مرداد ماه

۱ سرلشگر گرزن رئیس ستاد ارتش، سرلشگر علوی مقدم فرماندار نظامی و سرلشگر کوپال رئیس شهربانی از مشاغل خود برکنار و به مناسبت وقایع ۳۰ تیرماه تحت تعقیب قرار گرفتند.

۱ سناتورها در جلسه علنی خود به دکتر مصدق رای اعتماد دادند از ۴۱ سناتور حاضر در جلسه سی وسه نفر به مصدق رای دادند.

۱ دکتر مصدق شرحی درپشت قرآن نوشته و آن را پس از امضا و مهر برای شاه فرستاد. متن نوشته شده از طرف مصدق به این شرح بود: دشمن قرآن باشم اگر بخواهم برخلاف قانون اساسی عمل کنم همچنین اگر قانون اساسی را نقض کنند و رژیم مملکت را تغییر دهند من ریاست جمهور را قبول کنم.

۱ دفاتر اختصاصی برادران و خواهران شاه برچیده شد و به آنها تکلیف گردید خاک ایران را ترک نمایند.

۱ نمایندگان منسوب به جبهه ملی وعده ای دیگر از نمایندگان فراکسیونی به نام (نهضت ملّی) تشکیل دادند. این فراکسیون مجموعاً ۳۵ عضو دارد.

۱ از طرف اصناف و بازرگانان مجلس ترحیم و یادبود شهدای سی تیر با شرکت هزاران نفر تشکیل شد.

۲ به دستور دکتر مصدّق به مناسبت شهدای روز ۳۰ تیر کلیه ادارات دولتی تعطیل عمومی نموده و پرچم ها به حالت عزا



دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱

نیمه افراشته شد.

۲ سپهبد مرتضی یزدان پناه از طرف دکتر مصدق به ریاست ستاد ارتش برگزیده شد.

۲ مجلس شورای ملی قیام سی تیر را به نام (قیام مقدس ملی) شناخت و شهدای آن روز را (شهدای ملی) نامید.

۵ باقر کاظمی نایب نخست وزیر کابینه جدید را از طرف نخست وزیر به شرح زیر به مجلس معرفی کرد: دکتر محمد مصدق نخست وزیر و وزیر دفاع ملّی، باقر کاظمی نایب نخست وزیر و وزیر دارائی، دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور، دکتر عالمی وزیر کار، مهندس طالقانی وزیر کشاورزی، عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری، حسین نواب وزیر خارجه، سیف اله معظمی وزیر پست و تلگراف، مهندس رجبی وزیر راه، دکتر علی اکبر اخوی وزیر اقتصاد ملی، دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ، دکتر صبار فرمانفرمائیان کفیل وزارت بهداری و سرلشگر وثوق معاون وزارت دفاع ملّی. نام وزارت جنگ به وزارت دفاع ملی تبدیل شد.

۶ مجلس شورای ملی به اتفاق آراء به کابینه دکتر مصدق رای اعتماد داد.

۶ لایحه اختیارات دکتر مصدق به مجلس داده شد و دو فوریت آن تصویب گردید.

۷ ماده واحده اختیارات دکتر مصدق به این شرح تصویب شد:

ماده واحده ــ به آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر اختیار داده می‌شود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شش ماه لوایحی که برای اجرای مواد ۹ گانه برنامه دولت ضروری است و در جلسه هفتم مرداد ماه ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی تصویب شده است تهیه نموده و پس از آزمایش تقدیم مجلسین نماید و تا موقعی که تکلیف آنها در مجلسین معین نشده لازم‌الاجراء است.

۹ دکتر محمد نصیری به ریاست بانک ملی ایران تعیین شد.

۹ دکتر علی اصغر پورهمایون به ریاست شرکت سهامی بیمه ایران برگزیده گردید.

۹ بانک شاهنشاهی متعلق به انگلیس‌ها که پس از انقضای مدت ۶۰ ساله قرارداد که با تغییر نام در ایران مشغول صرافی بود برچیده شد.

۱۱ از ۳۵ سناتور حاضر در جلسه علنی مجلس سنا ۳۴ نفر به دکتر مصدق و برنامه او رای اعتماد دادند.

۱۱ نصرت‌الله امینی قاضی دادگستری شهردار تهران شد.

۱۲ لایحه ضبط اموال احمد قوام به‌شرح زیر تصویب شد. چون احمد قوام یکی از عوامل مؤثر قتل و فجایع جریان اخیر که منتهی به کشتار دسته‌جمعی روز سی ام تیر ماه می‌باشد و قیام مسلحانه علیه ملت ایران شده است تشخیص و مفسد فی‌الارض شناخته شد. علاوه‌بر تعقیب و مجازات قانونی به‌موجب این قانون کلیه اموال و دارائی منقول و غیرمنقول احمد قوام از ملکیت او خارج می‌گردد.

۱۳ دکتر ملک اسمعیلی به معاونت وزارت دادگستری منصوب شد.

۱٤ ساعت ده و ٤۵ دقیقه بعد از ظهر خسوف در یک سوم قرص ماه ظهور کرد و ساعت دوازده و نیم خاتمه یافت.

۱۵ قوام السلطنه نامه‌ای به مجلس فرستاد و پیرامون نخست وزیری خود توضیحاتی داد و مصادره اموال خود را برخلاف قانون اساسی دانست.

۱۵ دکتر سید حسن امامی امام جمعه تهران و رئیس سابق مجلس تهران را به‌سوی اروپا ترک کرد.



هیئت دولت دکتر مصدق بعد از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که توسط باقر کاظمی نایب نخست‌وزیر معرفی شد. از راست به چپ: طالقانی، دکتر صدیقی، لطفی، کاظمی، نواب، دکتر آذر، دکتر عالمی، دکتر اخوی، مهندس معظمی، دکتر فرمانفرمائیان.

۱۶ در جلسه علنی مجلس شورای ملی نمایندگان آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی را به ریاست مجلس برگزیدند. آیت‌الله کاشانی پس از قبول این سمت اعلام کرد در مجلس حضور پیدا نخواهد کرد و نواب رئیس باید جلسات را اداره کنند.

۱۶ در جلسه امروز مجلس آقایان دکتر شایگان، ناصر ذوالفقاری، حسین مکی، خسرو قشقایی و مهندس حسیبی به عضویت هیئت مختلط نفت انتخاب شدند.

۱۶ طرح ذیل برای عفو و آزادی خلیل طهماسبی با سه فوریت به تصویب رسید.

ماده واحده: چون جنایت حاج علی رزم‌آرا و حمایت او از اجانب بر ملت ایران ثابت است برفرض آنکه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد از نظر ملت بی‌گناه و تبرئه شناخته می‌شود.

۲۰ مجلس سنا لایحه اختیارات شش ماهه دکتر محمد مصدق نخست وزیر را تصویب کرد.

۲۰ دکتر محمد حسین علی آبادی استاد دانشکده حقوق به معاونت نخست وزیری برگزیده شد.

۲۱ یازده قریه از املاک اختصاصی ورامین بین زارعین آنجا تقسیم شد.

۲۱ خرید شش کارخانه قند برای رفع نیازمندی‌های کشور تصویب گردید.

۲۱ مقررات حکومت نظامی در تهران ملغی شد.

۲۳ لایحه تمدید سه ماه حکومت نظامی در مناطق نفت‌خیز تصویب شد.

۲۳ مجلس شورای ملی تعطیلات تابستانی را آغاز کرد و تا ۱۵ مهر تعطیل گردید.

۲۸ سرلشگر احمد وثوق از معاونت وزارت دفاع ملی برکنار شد و سرتیپ مهنا به‌معاونت پارلمانی و سرتیپ تقی ریاحی به معاونت اداری و مالی آن وزارتخانه تعیین شدند.

۳۰ سرتیپ محمدعلی علوی مقدم به ریاست ژاندارمری کل کشور برگزیده شد.

۳۰ در تهران بین دستجات سیاسی زدوخورد شدیدی آغاز شد و عده زیادی از طرفین مقتول یا مجروح شدند. تظاهر کنندگان خانه صلح را به‌آتش کشیدند. رهبر حزب سومکا و عده زیادی دستگیر شدند.

۳۰ استقرار حکومت نظامی در تهران به‌تصویب هیئت وزیران رسید.

۳۰ سرتیپ رضا عظیمی فرماندار نظامی تهران شد.

۳۰ سپهبد یزدان‌پناه رئیس ستاد ارتش از سمت خود کنار رفت و سرلشگر محمود بهارمست به‌جای او نشست.

شهریورماه

۱ عده زیادی از افسران ارتش از جمله سپهبد شاه‌بختی، سرلشگر هدایت، سرلشگر حجازی، سرلشگر کوپال، سرلشگر گرزن، سرلشگر علوی مقدم، و ده سرتیپ بازنشسته شدند. در تصفیه ارتش توسط دکتر مصدق مجموعاً ۱۳۶ افسر بازنشسته گردیدند.

۱ سرتیپ عزیزالله کمال به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شد.

۱ جیره بندی قند و شکر لغو شد و دولت هر کیلو شکر را ۱۶ و هرکیلو قند را به ۲۱ ریال به هر میزان خواهد فروخت.

٤ آیت‌الله کاشانی رئیس مجلس شورای ملی به‌عزم زیارت بیت‌الله به‌صوب بیروت عزیمت نمود. عده کثیری از مردم آیت‌الله را تا فرودگاه مشایعت کردند.

۷ آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری که یکی از بزرگ‌ترین علماء و رجال روحانی و مرجع تقلید به‌شمار می‌رفت در شهر همدان به رحمت ایزدی پیوست. جنازه فقید سعید به آستانه معصومه حمل شد.

۸ از طرف دکتر مصدق، پیام مشترک ترومن و چرچیل منتشر گردید.

۹ به‌مناسبت درگذشت آیت‌الله خوانساری ادارات دولتی تعطیل گردید.

۱۸ دکتر شاخت کارشناس معروف اقتصادی آلمان بنا به‌دعوت دکتر مصدق وارد تهران شد و با مصدق و سایر مقامات اقتصادی ملاقات کرد.

۱۹ اللهیار صالح با سمت سفیر کبیر عازم امریکا شد.

۲۳ آیت‌الله کاشانی از سفر حج به تهران بازگشت. از طرف بازرگانان چندین طاق نصرت در مسیر آیت‌الله بر پا شده بود.

۲۵ بنا به تقاضای نخست وزیر جلسه فوق‌العاده مجلس

تشکیل شد و گزارش نخست‌وزیر راجع به پیام مشترک چرچیل و ترومن قرائت گردید. در این گزارش به شدت پیشنهاد انگلیس مورد انتقاد قرار گرفت و پس از ایراد نطق مهیج مهندس رضوی به پیشنهاد دکتر شایگان گزارش دولت در کار نفت مورد تصویب قرار گرفت و از ۶۱ نفر عده حاضر در جلسه مجلس با اکثریت شصت رأی به دولت ابراز اعتماد نمود.

۲۶ در جلسه فوق العاده مجلس سنا گزارش نخست وزیر در مورد نفت قرائت شد و سنا به اتفاق آراء به دولت ابراز اعتماد نمود.

۲۶ بانک شاهنشاهی سابق مستغلات و اثاثیه و مطالبات خود را به مبلغ سی وشش میلیون ریال به بانک بازرگانی فروخت.

۲۶ به دستور دکتر مصدق نخست وزیر تصویب‌نامه های سال ۱۳۲۵ مبنی بر تبدیل کارمندان پیمانی و حکمی و قراردادی به رسمی لغو گردید.

۲۶ بانک عمران پهلوی کار خود را آغاز کرد.

۲۹ لایحه اصلاح قانون استخدام قضات و لایحه انحلال محاکم اختصاصی برطبق قانون اختیارات نخست وزیر به تصویب ایشان رسید و برای اجرا به دادگستری ابلاغ گردید.

مهر ماه

۱ مهندس مهدی بازرگان عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران به سمت مدیریت عامل بنگاه مستقل لوله کشی آب منصوب شد.

۱ سرتیپ مهنا معاون وزارت جنگ، سرتیپ علوی مقدم رئیس ژاندارمری کل کشور و سرتیپ عزیزی فرمانده لشگر فارس به درجه سرلشگری ارتقاء یافتند.

۳ پیشنهاد متقابل ایران به پیام مشترک چرچیل و ترومن منتشر گردید و مصدق شرایط ایران را در مقابل پیشنهاد انگلیس و امریکا تشریح نمود.

۱۲ نخست وزیر برحسب اختیارات مصوب مجلس سرمایه بانک ملی ایران را به دوهزار میلیون ریال ترقی داد.

۱۴ سومین دوره اجلاسیه مجلس سنا افتتاح شد.

۲۱ به دستور دولت سرلشگر حجازی و برادران رشیدیان توسط حکومت نظامی بازداشت شدند.



دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه

۱۷ حسین نواب از وزارت امور خارجه استعفا داد و به سمت وزیر مختاری در عراق تعیین گردید.

۱۹ دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز و نماینده مجلس به سمت وزیر امور خارجه تعیین شد.

۲۰ لایحه به جریان گذاشتن چک های تضمینی با توجه به اختیارات نخست وزیر تصویب شد.

۲۴ نخست وزیر گزارشی از طریق رادیو انتشار داد. در این گزارش به کلیه مسائلی که تاکنون بین دولتین ایران و انگلیس راجع به ملی شدن نفت و ارجاع آن به سازمان ملل و دیوان دادگستری لاهه و پیام مشترک و یادداشت اخیر دولتین امریکا و انگلیس اشاره کرده در پایان آن راجع به قطع رابطه با دولت انگلیس چنین اظهار عقیده شده: متاسفانه دولت مجبور به اتخاذ تصمیم مبتنی بر قطع رابطه سیاسی شده است.

۲۵ مجلس سنا با لوایح عفو خلیل طهماسبی و مصادره اموال

احمد قوام مخالفت کرد و آن را خلاف قانون اساسی و قوانین موضوعه دانست.

۲۶ حکومت نظامی برای مدت دو ماه تمدید شد و سرتیپ زنگنه به فرمانداری نظامی انتخاب شد.

۲۷ در مجلس شورای ملی سید محمود نریمان به‌شدت سناتورها را مورد انتقاد قرار داد و مجلس سنا را غیرقانونی خواند.

۳۰ در جلسه فوق‌العاده هیئت وزیران قطع رابطه سیاسی ایران و انگلستان به‌تصویب رسید و عصر آن روز به کاردار سفارت انگلیس تسلیم شد. پس از انتشار این خبر مردم در مقابل سفارت انگلیس دست به تظاهرات زدند. مردم نشان امپراطوری انگلیس را از سردر سفارت برداشتند. حفظ منافع اتباع ایران در انگلستان به‌عهده دولت سوئد قرار گرفت.

آبان ماه

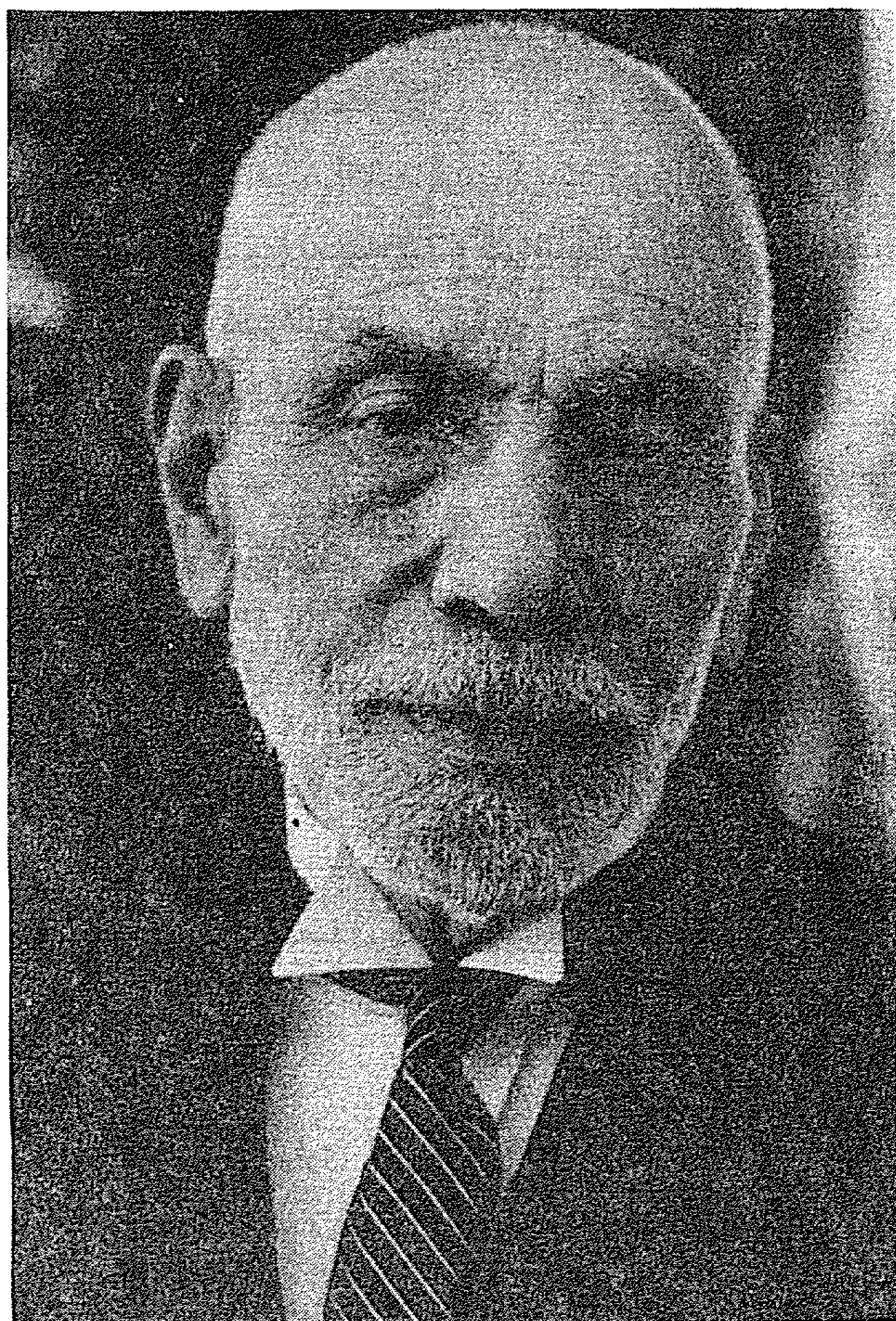
۱ در جلسه امروز مجلس شورای ملی طرح تقلیل مدت مجلس سنا از چهار سال به دو سال با تفسیر اصل پنجم قانون اساسی از طرف عده‌ای از نمایندگان به‌قید دو فوریت به مجلس داده شد و فی‌المجلس تصویب شد.

۳ سناتورها برای تشکیل جلسه خواستند به باغ بهارستان وارد شوند ولی درهای مجلس بروی آنها بسته شد و درنتیجه جلسه خود را در منزل نظام‌السلطنه مافی تشکیل دادند و نسبت به تفسیر مصوبه مجلس چنین اتّخاذ تصمیم نمودند که مجلس سنا لازم می‌داند اعلام بدارد که تا آخر مدت دوره فعلی همیشه آماده انجام وظایف قانونی خود می‌باشد و در این مدت هرقانونی که بدون رعایت اصل ٤٦ قانون اساسی فقط به‌تصویب مجلس شورای ملی برسد قابل توشیح و معتبر نخواهد بود. بدین ترتیب مجلس سنا تعطیل گردید.

۳ روزنامه باختر امروز ضمن مقاله‌ای تند و کوبنده سناتورها را مجری وزارت خارجه انگلیس معرفی کرد.

٤ در مراسم جشن تولد شاه تظاهرات شدیدی علیه شاه به‌عمل آمد و زدوخورد گردید عده‌ای مجروح و عده‌ای دستگیر شدند.

۵ شاه قانون تفسیر اصل پنجم قانون اساسی را مبنی بر تقلیل مدت مجلس سنا توشیح کرد و از دولت خواست اقدامات



عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری

قانونی برای انتخابات مجلس سنا فوراً به‌عمل آورد.

۸ وزیر دادگستری لایحه‌ای برای تعقیب احمد قوام به قید دو فوریت تقدیم مجلس نمود که دو فوریت آن به تصویب رسید.

۱۳ ماده واحده تعقیب احمد قوام به‌شرح زیر تصویب شد: مجلس شورای ملی به وزارت دادگستری اجازه می دهد که نسبت به وقایع ۲۷ تیر تا ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ آقای احمد قوام را مورد تعقیب قانونی قرار دهد.

۱۳ طرح قانونی عفو و آزادی خلیل طهماسبی به دولت ابلاغ شد.

۱۵ لایحه ملی شدن تلفن به قید دو فوریت به مجلس داده شد.

۲٤ خلیل طهماسبی اززندان آزاد شد. پس از زیارت حضرت عبدالعظیم به ملاقات آیت‌الله کاشانی رفت.

۲۳ در تهران و بعضی از شهرستان‌ها برف سنگینی نازل شد و عبور و مرور را قطع نمود.

۳۰ شیخ عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری با توجه به اختیارات دکترمصدق دست به تغییرات دامنه‌داری در دادگستری زد از جمله دیوان‌عالی کشور، دیوان کیفر کارکنان دولت، دیوان دادرسی دارائی، دادرسی ارتش و دادستانی ارتش را منحل نمود.

۳۰ شفیع جهانشاهی رئیس دیوان عالی کشور، جمال اخوی دادستان کل، شیخ محمد عبده رئیس دادگاه انتظامی قضات و جمع کثیری از قضات دادگستری باز نشسته شدند. لطفی نسبت به تصفیه وکلای دادگستری و کارمندان اداری وزارت دادگستری نیز قدم‌های بلندی برداشت.

آذر ماه

۱ از طرف لطفی وزیر دادگستری، محمد سروری به ریاست دیوان عالی کشور، حشمت‌الله قضائی به دادستانی کل کشور و حائری شاهباغ به‌ریاست دادگاه انتظامی قضات منصوب شدند.

٤ دکتر بقائی در مجلس به‌شدت دکتر مصدق را مورد انتقاد قرار داد.

٦ از طرف نخست وزیر اجرای قانون مصادره اموال قوام به‌عهده وزارت دارائی محول گردید و وزارت دارائی به‌وسیله مامورین مخصوص به تقویم دارائی قوام و اجرای قانون آغاز بکار کرد

۱۱ قانون جدید مطبوعات که به امضای نخست وزیر رسیده بود منتشر شد و برای صاحب امتیازی روزنامه سه شرط قائل شدند ۱- سی سال سن. ۲- سواد خواندن و نوشتن. ۳- نداشتن سوء سابقه کیفری.

۱۳ هیئت دولت آقایان حسین مکی، مهندس حسیبی، دکتر شایگان و دکتر سنجابی نمایندگان مجلس را طبق اساسنامه به‌عضویت شورای عالی نفت انتخاب کرد. از طرف دولت وزیر دارائی و وزیر کار و رئیس بانک ملی در شورای نفت عضویت دارند.

۱٦ دکتر مصدق طی نامه‌ای که به مجلس فرستاد به دکتر بقائی هشدار داد که در انتقاد از دولتی که به پشتیبانی مردم روی کار آمده است از سخنان تند و نادوستانه خودداری کند.

۱٦ مستشارالدوله صادق از رجال صدر مشروطیت که مدتی ریاست مجلس شورای ملی را برعهده داشت و کراراً در کابینه‌های بعد از استبداد صغیر، وزیر بود درگذشت. وی در چند سال آخر عمر ریاست انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی را برعهده داشت.

۱٦ سید حسین مکی از سفر امریکا به تهران بازگشت.

۱۹ به تصمیم دولت بندر بوشهر بندر آزاد شناخته شد و بازرگانان داخلی و خارجی می‌توانند کالای خود را بدون پرداخت عوارض گمرکی عرضه کنند.

۲٦ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای به‌تصویب رسانید که دول به‌طریق مستقیم یا غیرمستقیم مانع اعمال حق حاکمیت دولتی که می خواهد از منابع ثروت ملی خود استفاده کند نشوند. انتظام رئیس نمایندگی ایران در سازمان ملل نسبت به طرح و تصویب این قطعنامه کوشش فراوان مبذول داشته بود.

۲٦ سرتیپ دفتری رئیس شهربانی، رزم‌آرا از طرف دکتر مصدق رئیس گارد مسلح گمرک شد.

۲٦ لایحه قانونی انتخابات مجلس شورای ملی در ۹ فصل و ٤٦ ماده و ۱٦ تبصره از طرف نخست وزیر انتشار یافت تا ظرف ۱۵ روز مردم نسبت به آن اظهار نظر نمایند.

۲۷ برحسب تصمیم دولت حکومت نظامی در تهران و حومه برای مدت دو ماه تمدید شد.

۲۷ لایحه تأسیس شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه به‌قید دو فوریت به مجلس داده شد.

۲۷ آیت الله کاشانی به‌علت بیماری در بیمارستان وزارت راه بستری شد.

۳۰ در جلسه شورای عالی نفت مرکب از آقایان دکتر شایگان، حسین مکی، مهندس حسیبی و دکتر سنجابی در منزل نخست وزیر، مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به مدیریت عامل شرکت ملی نفت انتخاب گردید. در همان جلسه دکتر فلاح به‌مدیریت قسمت پالایشگاه، مهندس هلالی به مدیریت استخراج، مهندس پرخیده به مدیریت بازرگانی و دکتر عبدالحسین علی آبادی به مدیریت اداری شرکت ملی نفت انتخاب شدند.

دی ماه

۴ یک هواپیمای دوموتوره شرکت هواپیمائی ایران از آبادان به‌قصد شیراز و اصفهان و تهران حرکت کرد و هنگام ورود به تهران در یافت‌آباد سقوط کرد و درنتیجه ۲۲ نفر از مسافرین به‌قتل رسیدند، فقط دو نفر از مسافرین به‌وضع معجزه‌آسائی جان بدر بردند.

۴ طرحی از طرف دکتر بقائی به مجلس تقدیم شد که هیچ طرح و لایحه‌ای به‌موجب اختیارات اعطائی به نخست وزیر نمی‌تواند باعث تعطیل یا فلج شدن آن گردد. بحث در اطراف این طرح تشنج شدیدی در مجلس ایجاد کرد و چند تن از نمایندگان برای جلوگیری از تصویب آن از جلسه خارج شدند و مجلس از اکثریت افتاد.

۱۵ دکتر مصدق پیامی از رادیو به ملت ایران فرستاد و افزود آیا سزاوار است در روزهائی که چرچیل رهسپار امریکا است و دولت ایران نیز به مذاکرات مهمی مشغول است. جماعتی از پشت به حکومت خود خنجر بزنند و دانسته و ندانسته مجاهدات ملی را قربانی غرض‌رانی یا کوته‌نظری یا بی‌اطلاعی خود سازند. دوسه تن از امضاء کنندگان طرح دیروز کسانی هستند که دستشان آلوده به خون بی‌گناهان سی تیر است. حال باید دانست به‌چه علل و جهاتی باعث شده تا آنهائی که مجازات مسببین فجایع سی‌ام تیر را به عجله از دولت مطالبه می‌کنند.

۱۶ دکتر مصدق نامه‌ای به مجلس نوشته و متذکر شد هیچ‌گاه در صدد تعطیل مجلس نیست و پس از مذاکرات مفصل بین موافقین و مخالفین از ۶۵ نفر عده حاضر در جلسه ۶۴ نفر به دولت ابراز اعتماد کردند.

۱۶ از شرکت تلفن خلع ید شد و امور شرکت را تحت عنوان شرکت سهامی تلفن ایران دولت در دست گرفت.

۱۷ دکتر بقائی در روزنامه شاهد طی مقاله‌ای مصدق را به‌باد انتقاد گرفته و از اطرافیان وی به‌زشتی یاد کرد.

۱۷ در شهرستان‌ها محض پشتیبانی از مصدق تظاهرات دامنه‌داری صورت گرفت. غالب دکاکین تعطیل کرده و طی تلگراف‌های متعدد از دولت حمایت و طرفداری کردند.

۱۸ دکتر مصدق طی نامه‌ای از مجلس تقاضای تمدید اختیارات خود را برای یک سال دیگر کرد. پس از قرائت نامه نخست وزیر توسط کاظمی، مکی گفت با این وضع از این مجلس استعفا می‌دهم و استعفای خود را روی تریبون گذاشت و طی یک مصاحبه مطبوعاتی مصدق را به هیتلر تشبیه نمود و گفت مصدق مرتکب اشتباهی می‌شود که زیان‌های فاحش و جبران ناپذیری برای ایران دارد.

۱۸ سادچیکف سفیر شوروی در امور شیلات و مسائل دیگر با مصدق ملاقات و مذاکره کرد.

۱۸ لایحه الغاء عوارض در دهات که برطبق اختیارات نخست وزیر به‌تصویب ایشان رسیده بود برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم شد.

۱۸ لایحه شورای عالی فرهنگ در تعیین وضع و سازمان این شورا برطبق اختیارات قانونی نخست وزیر تصویب و به وزارت فرهنگ ابلاغ شد. اعضاء شورا به‌این شرح تعیین گردیدند: حجة‌الاسلام آقا شیخ مهدی حائری یزدی، دکتر شایگان، دکتر صدیق، دکتر سنجابی، دکتر معین، مهندس حسین شقاقی، دکتر میرسپاسی، احمد مقبلی

۲۳ طرح جلوگیری از تعطیل مجلس که به تصویب رسیده بود مسکوت ماند.

۲۳ دوفوریت لایحه تمدید یک‌سال اختیارات دکتر مصدق در مجلس شورای ملی تصویب گردید.

۲۴ دکتر ملک اسمعیلی به معاونت نخست وزیر تعیین شد.

۲۵ در جلسه فراکسیون نهضت ملی که در منزل دکتر مصدق تشکیل شد موافقت گردید تمدید یک‌ساله اختیارات دکتر مصدق تصویب شود به‌شرط اینکه لوایح قانونی پس از امضاء ایشان سه ماه به سه ماه به مجلس شورای ملی تقدیم گردد. از فراکسیون مزبور آقایان مکی، حائری‌زاده، دکتر بقائی، نریمان و وکیل‌پور شرکت نکردند.

۲۵ جمعی از اصناف و بازرگانان مکی را که استعفا داده بود به مجلس بردند.

۲۵ دکتر بقائی در جلسه امروز مجلس شورای ملی به‌عنوان مخالف با تمدید یک‌ساله اختیارات نطق مفصلی ایراد کرد و تظاهرات شدیدی از طرف تماشاچیان له و علیه مکی وبقائی و مصدق صورت گرفت و جلسه خاتمه یافت.

۲۵ هندرسن سفیر کبیر امریکا پیشنهاد جدید دولتین امریکا و انگلیس را برای حل مشکل نفت تقدیم آقای نخست وزیر نمود و از جمله اینکه نفت های موجود در آبادان از دولت ایران خریداری و صدی ۲۵ قیمت آن بابت غرامات در بانک مرضی الطرفین به امانت سپرده شود. ملاقات مصدق و هندرسن ۷ ساعت به‌طول انجامید.

۲۸ حسین مکی در مجلس اعلام کرد که به دکتر مصدق رای اعتماد خواهد داد و تا حصول موفقیت کامل در موضوع نفت در صف مبارزین باقی خواهد بود.

۲۸ حائری‌زاده با لایحه تمدید اختیارات مخالفت کرد و گفت آقای مصدق روح حساس دارند و راجع به مسائل جزئی گرفتار گریه و غش می‌شوند و به‌عقیده من باید من و جناب دکتر هردو در آسایشگاه قدری راحت کنیم و طالب اختیار در این دنیای پرآشوب نباشیم. حائری‌زاده در آخر نطق خود افزود امیدوارم به حکومت بوقلمون‌ها با همت ملت ایران خاتمه داده شود و کشتی شکسته ایران به ساحل نجات برسد.

۲۸ آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی نامه‌ای به مجلس فرستاد. در این نامه متذکر شد تمدید لایحه اختیارات دکتر مصدق خلاف قانون اساسی است و نمایندگان باید از تصویب آن خودداری نمایند. نامه کاشانی به رئیس مجلس شورای ملی پس از قرائت در مجلس توسط خبرنگاران خارجی در سراسر جهان پخش گردید. بدین ترتیب مخالفت دو قطب نهضت ملی ایران آشکار گردید.

۲۸ هیئت رئیسه مجلس شورای ملی به کاشانی پاسخ داد طبق موازین قانونی لایحه اختیارات دکتر مصدق در مجلس به رای نمایندگان گذاشته خواهد شد.

۲۸ تظاهرات شدیدی در تهران و تمام شهرها له و علیه مصدق و کاشانی بروز کرد و تعطیل مغازه‌ها آغاز شد. سیل طومار و تلگراف به طرفداری مصدق همه‌جانبه شد، در تهران بعضی از افراد به زدوخورد پرداخته ولقب حسین مکی را از سرباز فداکار به سرباز خطاکار تغییر دادند.

۲۹ آیت‌الله کاشانی در مقابل تظاهرات شدید مردم به طرفداری از مصدق اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد که در پیشرفت مقاصد دکتر مصدق جدّیت خواهم کرد.

۲۹ اعضاء فراکسیون نهضت ملی اعلامیه‌ای انتشار داده و متذکر شدند تا تصویب لایحه اختیارات دکتر مصدق در مجلس تحصن اختیار خواهند نمود.

۲۹ تظاهرات و تعطیل و اعتصاب مردم در شهرستان‌ها به اوج رسید از خوزستان سه هزار کفن‌پوش عازم تهران شدند. در تبریز تظاهرات زیادی به طرفداری مصدق صورت گرفت.

۲۹ در جلسه امروز مجلس شورای ملی دکتر بقائی دنباله نطق خود را در مخالفت با تمدید اختیارات ایراد کرد و به‌تفصیل دلائل مخالفت خود را گفت. بقائی از عضویت جبهه ملی در همین جلسه استعفا کرد. دکترشایگان در همین جلسه در قبال دلائل مخالفت بقائی توضیحات مفصلی داد، سرانجام لایحه اختیارات دکتر مصدق با قید تبصره ذیل با ۵۹ رای از ۶۷ نفر عده حاضر در مجلس به‌تصویب رسید. تبصره اضافه این بود که قوانین مصوبه هر سه ماه به سه ماه برای تصویب تقدیم مجلس شود.

۳۰ آیت‌الله کاشانی رئیس مجلس شورای ملی نامه‌ای به نخست وزیر نوشته و با توجه به سوابق سیاسی دکتر مصدق و نطق های مشارالیه در ادوار پنجم و ششم و چهاردهم و شانزدهم وی را از گرفتن اختیارات برحذر داشت و سرانجام متذکر شد از راه خطائی که می‌پیمائید اگر بازنگردید پشیمان خواهید شد و قصد تجاوز به حقوق عامه را کنار بگذارید.

بهمن ماه

۲ دکتر مصدق از پشتیبانی مردم قدردانی کرد و توجه همگان را به حساسیت اوضاع و اهمیت مبارزه‌ای که در پیش دارند جلب نمود و آنگاه به مخالفین حمله کرد و گفت مجادله با حکومتی که در تمام جبهه‌ها با اجنبی سرگرم زد و خورد است اگر دور از انصاف نباشد شایسته وطن‌پرستان و علاقمندان به استقلال کشور نیست.

۹ دکتر مصدق نخست وزیر به سادچیکف سفیر اتحاد جماهیر شوروی اطلاع داد که مدت قرارداد شیلات دریای خزر پایان یافته ودولت ایران مایل به تمدید امتیاز نیست.

۱۹ مهندس رجبی به وزارت مشاور و مهندس حق‌شناس به وزارت راه تعیین شدند.

۲۴ نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام از زندان آزاد شد.
۳۰ سرتیپ محمود افشار طوس فرماندار نظامی تهران به‌سمت ریاست شهربانی برگزیده شد.

اسفند ماه

۱ هندرسن سفیر کبیر امریکا در تهران پیشنهاد جدیدی به‌نام طرح مشترک دولتین امریکا و انگلیس تسلیم نخست وزیر کرد. در این پیشنهاد اصل ملی شدن صنعت نفت شناخته شده بود و اداره صنعت نفت تحت کنترل دولت ایران قرار می‌گرفت ولی مداخله کارشناسان خارجی و فروش و تعیین قیمت برخلاف اصل نه ماده‌ای طرز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود.
۲ ابوالقاسم بختیاری سر به طغیان برداشت و با نیروی دولتی به جنگ پرداخت.
۶ سرلشگر زاهدی بازداشت شد.
۹ شاه و ثریا ملکه ایران تصمیم به مسافرت خارج گرفتند و آماده برای حرکت شدند. دولت تمام وسائل حرکت آنها را محرمانه فراهم کرده بود. دکتر مصدق بامداد امروز برای خداحافظی به دربار رفت.
۹ به‌مناسبت مسافرت شاه به‌علت تحریکات عده‌ای بازار تهران تعطیل شد و دستجاتی از مردم که توسط مخالفین مصدق تحریک می‌شدند درمقابل کاخ شاه اجتماع نموده و با تظاهرات شدید مانع مسافرت شاه شدند.
۹ آیت‌الله سید محمد بهبهانی به‌اتفاق عده‌ای در دربار حضور یافته و شاه را از این مسافرت منع نمود.
۹ آیت‌الله کاشانی اعلامیه‌ای منتشر نمود و از مردم خواست تا مانع مسافرت شاه به خارج از کشور شوند.
۹ تظاهرکنندگان در مقابل کاخ شاه قصد هلاکت دکتر مصدق راداشتند و مصدق ناچار با هدایت عده‌ای از درباریان دور از چشم مردم از کاخ خارج شد.
۹ شاه در مقابل تظاهرکنندگان قرار گرفته و انصراف خود را از مسافرت اعلام داشت.
۹ عده‌ای از مخالفین دکتر مصدق که غالباً افسران بازنشسته بودند به‌خانه او ریختند و قصد قتل او را نمودند. مصدق با جامه خواب از راه پشت بام به اداره اصل چهار ترومن رفت و از آنجا خود را به ستاد ارتش رساند و به‌اتفاق سرلشگر بهارمست به مجلس رفت.
۹ جلسه فوق‌العاده مجلس با حضور مصدق تشکیل شد و مصدق طی نطقی گفت ریاست عالیه قوا با شاه است و امراء به‌دستور من اعتنائی نمی‌کنند. موافقین و مخالفین نطق‌هائی ایراد کردند، سرانجام مصدق در مجلس متحصن شد.
۱۰ در تهران و شهرستان‌ها تظاهراتی له و علیه شاه و مصدق صورت گرفت و در زدوخورد های موضعی عده‌ای مقتول و عده‌ای مجروح و مصدوم شدند.
۱۰ مجلس شورای ملی از بین خود هشت نفر را تعیین نمود تا اختلافات بین شاه و مصدق و کاشانی را حل نمایند.
۱۰ ۲۸ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی در مجلس تحصن اختیار نمودند.
۱۰ بازار تهران و بعضی از شهرها تعطیل کردند و تظاهرات له و علیه مصدق و شاه اوج گیری کرد.
۱۰ سرلشگر بهارمست رئیس ستاد ارتش از کار برکنار شد.
۱۰ سرتیپ تقی ریاحی به‌ریاست ستاد ارتش منصوب گردید.
۱۰ سرتیپ مدبّر به فرمانداری نظامی تهران برگزیده شد.
۱۰ سرتیپ محمود امینی به‌معاونت وزارت جنگ برگزیده شد.
۱۰ عده زیادی از امراء بازنشسته و رجال از طرف فرمانداری نظامی بازداشت شدند.
۱۱ تعطیل عمومی همچنان ادامه یافت.
۱۲ دولت طی پیامی از مردم خواست تا به تعطیلات خاتمه دهند.
۲۱ هیئت هشت نفری میانجی بین شاه و دولت نظر خود رادادند و صریحاً اظهار عقیده نمودند که شاه از مسئولیت مبرّا است و به‌هیچ وجه حق مداخله در امور کشور را ندارد.
۲۶ سرلشگر زاهدی و عده‌ای از رجال که پس از واقعه نهم اسفند بازداشت شده بودند آزاد شدند.
۲۹ دکتر مصدق طی پیامی رد پیشنهاد دولتین امریکا و انگلیس را با دلائل به اطلاع عامه رسانید.

سال ۱۳۳۲ شمسی

برابر با

۲۱ مارس ۱۹۵۳ تا ۲۱ مارس ۱۹۵٤ میلادی

فروردین ماه

۱۵ دالس وزیر خارجه امریکا اعلام کرد فعلاً امریکا پیشنهاد دیگری برای حل مسئله نفت ایران ندارد. این اظهار نظر تأثیر بسیاری در محافل سیاسی ایران نمود و معلوم داشت سیاست حکومت جمهوری‌خواه امریکا با دولت انگلستان همساز گشته است.

۱۵ در شیراز بین طرفداران مصدق و دسته های دیگر سیاسی نزاع سختی درگرفت. عده‌ای مقتول و مجروح شدند. مردم اداره اصل ٤ را غارت نمودند.

۱۶ دکتر مصدق نخست وزیر پیامی از رادیو به مردم ایران فرستاد و از ماجرای ۹ اسفند پرده برداشت و صریحاً اعلام کرد شاه حق مداخله در امور کشور را ندارد.

۱۶ در دزفول بین طرفداران و مخالفین دولت نزاع خونینی دست داد و عده‌ای مقتول و مجروح شدند.

۳۰ ابوالقاسم بختیاری که چند ماه در حال طغیان بود در جنگ با قوای دولتی شکست خورده تسلیم شد.

از طرف دولت سرهنگ تیمور بختیار فرمانده تیپ ۳ کوهستانی تهران با دو گردان پیاده برای مقابله با ابوالقاسم خان به اصفهان رفت.

اردیبهشت ماه

۱ سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور مفقود شد.

۳ حسین علاء وزیر دربار طبق نظر دکتر مصدق از سمت خود کناره گیری کرد.

۳ در رابطه با مفقود شدن رئیس شهربانی چهار نفر از امراء بازنشسته ارتش به این شرح: سرتیپ دکتر منزّه، سرتیپ علی اصغر مزینی، سرتیپ بایندر، سرتیپ نصرالله زاهدی بازداشت شدند.

۵ حاج عبدالحسین ذوالریاستین شیرازی از اقطاب و از اعاظم صوفیه درگذشت.

۵ ابوالقاسم امینی به کفالت وزارت دربار منصوب شد.

٦ جسد افشارطوس رئیس شهربانی در تپه های لشگرک واقع در شمال تهران کشف شد.

۱۲ فرمانداری نظامی طی اعلامیه ای اطلاع داد که رئیس شهربانی به وسیله چند تن از افسران بازنشسته و مخالفین دولت به قتل رسیده و دکتر مظفر بقائی و سرلشگر زاهدی در این جنایت دست داشته اند.

۱۲ سرتیپ نصرالله مدبر رئیس شهربانی شد.

۱۳ فرمانداری نظامی سرلشگر زاهدی را احضار کرد.
۱۳ سرتیپ محمود امینی فرمانده ژاندارمری گردید.
۱۴ سرلشگر زاهدی با موافقت آیت‌الله کاشانی رئیس مجلس به‌وسیله میراشرافی به مجلس آورده شد و به‌بهانه نداشتن امنیت در آنجا متحصن شد.
۱۵ مهندس خلیل طالقانی وزیر کشاورزی از شغل خود استعفا داد و مهندس منصور عطائی کفیل شد.
۲۱ به‌دستور دکترمصدق، شاه کلیه املاک پهلوی را به دولت واگذار کرد ودولت قبول نمود از بابت منافع املاک سالیانه ۶۰ میلیون ریال به سازمان شاهنشاهی پرداخت نماید.
۲۱ سخن گوی دولت اعلام کرده روابط شاه و دولت بسیار حسنه است.
۲۴ عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری طی نامه‌ای خطاب به مجلس شورای ملی اظهار داشت که مطابق گزارش وزارت دفاع ملی و اسناد و مدارک متقن که منضم به نامه است دکتر مظفر بقائی کرمانی متهم به معاونت در قتل رئیس شهربانی می باشد و تقاضای سلب مصونیت او را کرد.

خرداد ماه

۳ دوفوریت طرح گزارش هیئت هشت نفری در مجلس شورای ملی به‌تصویب رسید ولی هنگام طرح فوریت سوم لایحه اقلیت مخالف دولت با ایجاد جنجال و تعرض مانع ادامه کار مجلس شدند.
۷ در جلسه امروز مجلس شورای ملی بین موافقین و مخالفین دولت ابتدا مشاجره لفظی، بعد زدوخورد شدیدی صورت گرفت.
۱۷ درمجلس شورای ملی بر سر انتخاب رئیس زد و خوردی بین نمایندگان درگرفت، نریمان و اقبال مجروح شدند.
۱۸ دکتر صبار فرمانفرمائیان کفیل وزارت بهداری به استانداری فارس منصوب گردید.
۱۹ دکتر محمد علی ملکی وزیر بهداری شد.
۲۱ موافقت نامه جدید بازرگانی بین ایران و شوروی امضاء شد. مصدق خواستار استرداد ۲۰ تن طلای ایران توسط شوروی شد.



سرتیپ محمود افشارطوس رئیس شهربانی



ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار

۲۹ به‌مناسبت سالروز خلع ید از شرکت نفت، فراکسیون نهضت ملی از مردم تهران دعوت عام به‌عمل آورد تا در میدان بهارستان حضور یابند. در این گردهم آئی دکتر شایگان، دکتر سنجابی و مهندس رضوی دربارهٔ اهمیت موقع و حساسیت مبارزه ملت ایران سخنرانی کردند.

تیر ماه

٤ دکتر مصدق در ملاقات با اعضای فراکسیون های مجلس گفت که کاری نباید کرد که مجلس تعطیل شود.

۱۰ انتخاب رئیس مجلس شورای ملی امروز انجام گرفت، دکتر شایگان به‌نفع دکتر معظمی کنار رفت و درنتیجه دکتر عبدالله معظمی با ٤۱ رای رئیس مجلس شد. آیت‌الله کاشانی ۳۱ رای داشت.

۱۲ دکتر محسن نصر شهردار تهران شد.

۲۰ علی زهری دولت دکتر مصدق را استیضاح کرد.

۲۰ پیام های مبادله شده بین دکتر مصدق و آیزنهاور در جراید منتشر شد.

۲٤ بیست و هفت نفر از نمایندگان عضو فراکسیون نهضت ملی دستجمعی از وکالت استعفا دادند.

۲۵ ۲۵ نفر دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی به تبعیت از نمایندگان عضو فراکسیون نهضت ملی استعفا دادند و با این ترتیب عمر مجلس هفدهم به‌پایان رسید.

۲۸ کرمیت روزولت از طریق مرز عراق وارد تهران شد و در مخفی گاه با زاهدی ملاقات کرد.

۲۹ سرلشگر زاهدی با وساطت دکتر معظمی از تحصن مجلس خارج و مخفی شد.

۳۰ سرهنگ اشرفی به فرمانداری نظامی تهران منصوب گردید.

۳۰ سالگردقیام سی تیر با شکوه فراوان توسط طرفداران مصدق در تهران و شهرستان ها انجام گرفت در این میتینگ به‌شدت به مخالفین دولت حمله گردید. حزب توده نیز در این باره میتینگ منظم و باشکوهی بر پا ساخت.



دکتر عبدالله معظمی رئیس مجلس شورای ملی



دکتر محسن نصر شهردار تهران

مرداد ماه

۳ اشرف پهلوی که به دستور دکتر مصدق به خارج تبعید شده بود وارد تهران شد و حامل پیامی برای برادر خود بود.

٤ ژنرال شوارتسکف امریکائی وارد ایران گردید.

۵ اشرف پهلوی با خفت و خواری از ایران اخراج شد.

۵ مصدق ضمن یک پیام رادیوئی موضوع رفراندم درباره تعطیل مجلس هفدهم را عنوان کرد.

۷ دالس وزیر امور خارجه امریکا از فعالیت حزب توده در ایران ابراز نگرانی نمود.

۸ در جلسه سخنرانی در منزل آیت‌الله کاشانی، عده‌ای به‌طرفداری کاشانی و دسته‌ای به حمایت از مصدق به زدوخورد پرداختند درنتیجه عده‌ای مجروح شدند.

۱۲ در تهران برای انحلال مجلس هفدهم به آراء عمومی مراجعه شد و مردم رای به انحلال مجلس دادند.

۱۵ آیزنهاور در یک مصاحبه مطبوعاتی از فعالیت حزب توده در ایران سخن گفت و نگرانی خود را از توسعه فعالیت آنها ابراز نمود.

۱۸ حزب توده ایران با برگزاری میتینگ و دمونستراسیون به فعالیت همه‌جانبه‌ای دست زد و برخورد افراد حزب توده با مامورین انتظامی خونین شد.

۱۹ در شهرستان‌ها برای انحلال مجلس هفدهم به آراء عمومی (رفراندم) مراجعه شد و آراء قابل ملاحظه‌ای تحصیل گردید.

۲۰ دکتر مصدق عده زیادی از مخالفین خود را بازداشت کرد.

۲۲ شاه محرمانه فرمان عزل دکتر محمد مصدق و فرمان انتصاب سرلشگر زاهدی را به نخست‌وزیری صادر کرد و خود و ثریا ظاهراً برای استراحت به رامسر رفتند.

۲٤ برای براندازی حکومت دکتر مصدق بامداد امروز جلسه‌ای در باغ مصطفی مقدم با شرکت سرتیپ گیلانشاه، سرلشگر باتمانقلیچ، سرهنگ فرزانگان، سرتیپ تقی‌زاده، سید ابوالحسن حائری زاده، عبدالرحمن فرامرزی و پرویز یارافشار تشکیل شد.

۲٤ افراد گارد شاه شب هنگام مهندس زیرک‌زاده، مهندس حق‌شناس وزیر راه را بازداشت کردند.

۲٤ سرتیپ مدبر رئیس شهربانی از کار کناره‌گیری کرد.

۲۵ ساعت ۲ بامداد سرهنگ نصیری فرمانده گارد شاه فرمان عزل دکتر مصدق را در منزل به‌وی ابلاغ و رسید دریافت کرد و پس از چند لحظه توقیف شد.

۲۵ دولت طی اعلامیه‌ای وقوع یک کودتای نظامی در تهران و خنثی شدن آن را اعلام نمود.

۲۵ شاه به‌اتفاق ثریا از رامسر با هواپیمای اختصاصی به خلبانی سرگرد خاتم به بغداد رفت.

۲۵ دکتر فاطمی وزیر امور خارجه به تمام سفراء و وزرای مختار و کارداران ایران در خارج اعلام کرد شاه از سلطنت مخلوع است و نباید مورد استقبال قرار گیرد.

۲۵ زاهدی توسط فرمانداری نظامی احضار شد.

۲۵ دکتر مصدق اعلامیه انحلال مجلس شورای ملی را انتشار داد.

۲۵ دکتر مظفر بقائی و علی زهری و عده‌ای از نمایندگان غیر مستعفی مجلس بازداشت شدند.

۲۵ عده زیادی از افسران به‌اتهام مشارکت در کودتا بازداشت شدند. باتمانقلیچ، نصیری، زند کریمی و اسکندر آزموده جزء بازداشت شدگان بودند.

۲۵ لشگر گارد خلع سلاح شد.

۲۵ شاه وارد بغداد شد و به‌طور غیررسمی از طرف ملک فیصل پذیرائی گردید. مظفر اعلم وزیر مختار در عراق برخلاف توصیه نوری سعید نخست وزیر عراق از استقبال و ملاقات شاه خودداری کرد.

۲۵ عکس‌های شاه و ثریا از ادارات و سازمان‌ها جمع‌آوری گردید.

۲۵ مجسمه‌های محمدرضا شاه و رضاشاه در تهران و شهرستان‌ها پائین کشیده شد.

۲۵ افراد حزب توده نام خیابان‌های تهران را تغییر دادند.

۲۵ ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار و سلیمان بهبودی رئیس تشریفات و هیراد رئیس دفتر مخصوص و سایر درباریان بازداشت شدند.

۲۵ دکتر فاطمی وزیر امور خارجه کاخ‌های سلطنتی را مهروموم کرد.

۲۵ سرتیپ ریاحی طی مصاحبه‌ای از کودتا پرده برداشت و فرار شاه را استعفا تلقی نمود.

۲۵ بعد از ظهر امروز میتینگ بزرگی در میدان بهارستان درباره فرار شاه تشکیل شد، دکتر فاطمی در این میتینگ خواستار لغو نظام سلطنتی ایران شد. دکتر شایگان در همین گردهم‌آئی گفت تحفه‌ای که می‌بایستی به تهران بیاید به بغداد رفت.

۲۵ تمام روزنامه‌های حزب توده ایران خواستار لغو نظام سلطنتی شدند.

۲۵ دکتر فاطمی در روزنامه باختر امروز شدیدترین حملات را به شاه و خانواده سلطنتی نمود.

۲۶ طبق دستور دکتر مصدق، ستاد ارتش طی بخشنامه‌ای نام شاه را از دعای صبحگاهی و شامگاهی واحدهای نظامی حذف کرد.

۲۶ شاه و ثریا وارد رم شدند. نظام‌السلطان خواجه‌نوری وزیر مختار از استقبال شاه خودداری کرد.

۲۶ اردشیر زاهدی در خارج از شهر اصفهان با سرهنگ امیرقلی ضرغام معاون لشگر اصفهان ملاقات نمود و از وی خواست در صورت لزوم برای کودتا قوای خود را به تهران حرکت دهد. ضرغام به زاهدی پاسخ مثبت داد.

۲۶ سرهنگ فرزانگان از طرف سرلشگر زاهدی در کرمانشاه با سرهنگ تیمور بختیار فرمانده تیپ ملاقات و مذاکره کرد و از وی خواست برای تصرف تهران و ساقط کردن مصدق با تیپ کرمانشاه به تهران حرکت کند. بختیار بلافاصله به تیپ آماده‌باش داد.

۲۶ امینی وزیر دربار از زندان نامه تضرع آمیزی به مصدق نوشت و تقاضای استخلاص از زندان نمود. امینی در این نامه شاه را (پسره) خطاب کرده بود.

۲۷ آیت‌الله کاشانی طی نامه‌ای به‌مصدق تذکر داد وقوع یک کودتا در تهران توسط زاهدی حتمی است، بهتر است با دیپلماسی کنار بروید، مصدق به این نامه پاسخ داد مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم.

۲۷ ابوالقاسم امینی وزیر دربار از زندان آزاد شد.

۲۷ هندرسن سفیر امریکا که مدتی به مسافرت رفته بود به تهران بازگشت و با مصدق ملاقات نمود.

۲۷ جرائد حزب توده خواستار برقراری جمهوری دموکراتیک شدند.

۲۷ سرهنگ اشرفی فرماندار نظامی از کار برکنار شد و سرتیپ محمد دفتری جانشین او شد.

۲۸ سرتیپ دفتری ریاست شهربانی را نیز به‌دست گرفت.

۲۸ از بامداد امروز تظاهرات در تهران تغییر شکل داد. نظامیان از فرمان نخست‌وزیر سرپیچی کردند. زد و خورد بین موافقین و مخالفین مصدق و شاه شدت گرفت. نظامیان با کامیون‌ها به‌نفع شاه شعار سر دادند.

۲۸ بعد از ظهر امروز اداره رادیو به‌دست کودتاچیان افتاد، فرمان نخست وزیری زاهدی از رادیو خوانده شد. سرلشگر زاهدی و میراشرافی سقوط حکومت مصدق را اعلام کردند.

۲۸ سرلشگر زاهدی شهربانی را مرکز کار خود قرارداد.

۲۸ مخالفین مصدق و نظامیان به خانه او یورش بردند و بین محافظین منزل مصدق به فرماندهی سرهنگ ممتاز و مهاجمین زدوخورد مسلحانه آغاز شد. ساعت‌ها این جنگ ادامه داشت و عده زیادی مقتول و مجروح شدند، سرانجام محافظین خانه مصدق تسلیم شدند.

۲۸ مصدق و یارانش به خانه‌های مجاور پناه بردند.

۲۸ در شهر تهران حکومت نظامی برقرار شد و سرتیپ فرهاد دادستان به حکومت نظامی منصوب شد.

ضمائم وتعليقات

ضمائم و تعلیقات

۱ – نطق مظفرالدینشاه در افتتاح مجلس

بسم‌الله الرحمن الرحیم

منت خدای را که آنچه در نظر داشتیم امروز بعون‌الله تعالی از قوه به فعل آمده و به انجام این مقصود مهم به عنایات الهی موفق شدیم، زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورایملی است. مجلسی که رشته‌های امور دولتی و مملکتی را بهم مربوط و متصل می‌دارد و علائق مابین دولت و ملت را متین و محکم می‌سازد. مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است. مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون است در حفظ ودایعی که ذات واجب الوجود بکف باکفایت ما سپرده. امروز روزیست که بر وداد و اتحاد مابین دولت و ملت افزوده می‌شود و اساس دولت و ملت بر شالوده محکم گزارده می‌شود، و امروز روزیست که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتخواه دولت و امناء و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت، در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن بکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولتی و ملتی و منافع اهالی مملکت. البته می‌دانید که نیّت اساس مقدسی که به ملاحظات شخصی مشوب و مختل نشود و باغراض نفسانی فاسد نگردد، حالا بر انتخاب‌شدگان است که تکلیف خود را چنانکه منظور دولت و ملت است انجام بدهند، بدیهی است که هیچکدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید و مگر به واسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب مردم داشته‌اید، و خود این نکته باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ما است و رجاء واثق داریم که با کمال دانش و بینش و بی‌غرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد، و تکالیف خود را باکمال صداقت و راستی انجام خواهید داد. ولی با وجود این چون قاطبه اهال را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خود می‌دانیم و در خشنودی و مسرت و غم و اِلم آنها سهیم و شریکیم، باز لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها فقط عاید به خودتان بود و بس. ولی امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده‌اند و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموری که باعث فساد است احتراز نمائید.

پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما خجل و شرمنده نباشید. این پند و نصیحت‌ها را هیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته‌اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهاست و حافظ حق و حقانیت است خدا همراه شما. بروید مسئولیتی را که بر عهده گرفته‌اید با صداقت و درستی انجام بدهید و به فضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید (هیجدهم شعبان ۱۳۲٤)

مظفرالدین شاه در آن روز که این خطابه را ایراد نمود سخت بیمار بود در حالی که دو نفر زیر بازوان او را گرفته بودند بر تخت نشاندند و وی قبل از ایراد خطابه اظهار داشت سالها در آرزوی چنین روزی بودم و خدای را شکر که به آرزوی خود رسیدم در این موقع حالت رقت و گریه به شاه دست داد.

۲ـ مجلس اول از دیدگاه تقی‌زاده

مجلس اول در اطاق بزرگ یعنی تالار بهارستان که حالا اطاق خصوصی مجلس فعلی است منعقد می شد و وکلا چهار صف مربع روی زمین می نشستند. ضلع بالائی که ضلع غربی تالار بزرگ بهارستان باشد علما و بعضی وکلای معمم و بانفوذ قرار می‌گرفتند و ضلع دیگر طرف راهرو و در ورود تا سه چهار ذرع به آخر اطاق مانده رئیس و هیئت رئیسه و بعضی دیگر از وکلا و ضلع مقابل (جلو پنجره) وکلای دیگر و غالب وکلای تجار، و باز تا سه چهار ذرع مانده به آخر طالار و ضلع پائین که در میانه طالار بود و تکیه به دیوار نداشت غالباً وکلای اصناف می‌نشستند و پشت این صف پنج شش صف تا دیوار پائین تماشاچیان دوزانو روی زمین نشسته بودند و معلوم بود که اغلب کفش را در دم در بیرونی می‌کَندند.

خادم داخلی مجلس که (ناظم) می‌گفتند آقاسید محمود نامی بود که از آن وقت تا سال ۱۳۱۸ در همان شغل ثابت بود و در سال مزبور وفات یافت.

عده وکلا بر ۱٦۲ نفر مقرر شده بود که قریب ٦۰ نفر آن از شهر تهران بوده و ارامنه و یهود هر کدام حق یک وکیل در مجلس داشتند که در مجلس اول از حق خود استفاده نکرده و وکالت خود را به آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی از علمای تهران دادند ولی زردشتیان که حق یک وکیل داشتند ارباب جمشید تاجر زردشتی را به وکالت انتخاب کردند.

هفته‌ای سه یا چهار جلسه منعقد می شد عصرها تقریباً چهار ساعت بعد از ظهر و تا یک دو ساعت بعد از غروب آفتاب طول می‌کشید بیشتر اشخاصی که نطق می‌کردند این جانب و عده‌ای از علماء مخصوصاً آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی بودند و سعدالدوله و حاج سید محمد اسمعیل مغازه و حاج سید نصراله اخوی و شاهزاده اسداله میرزا (که بعدها شهاب‌الدوله شد و چندی قبل مرحوم شد) و میرزا محمود کتابفروش و حاج معین‌التجار بوشهری (پدر امیر همایون بوشهری سناتور) و صدیق حضرت و حسنعلی خان (که چندی بعد ملقب به نصرالملک شد و چند سال قبل سفیر ایران در دربار پاپ بود) و شیخ حسین سقط فروش و خود صنیع‌الدوله رئیس مجلس و آقا سید حسین بروجردی مدیرالاسلام و وثوق‌الدوله و ملا محسن وارث و بعداً که وکلا ولایات رسیدند مستشارالدوله ــ آقا میرزا فضل علی آقا ــ حاج میرزا یحیی معروف به امام جمعه خوئی (پدر جمال و نورالدین امامی) حسام‌الاسلام رشتی ــ وکیل‌التجار یزدی وکیل گیلان آقا شیخ ابراهیم زنجانی ــ میرزا محمود اصفهانی وکیل تهران ــ آقا سید محمد تقی هراتی وکیل تهران و منشی مجلس ــ محقق‌الدوله ــ حاج شیخ علی نوری.

البته بعض وکلای دیگر هم حرف می زدند و بعضی دیگر خیلی کم حرف بودند و بعضی هیچ حرف نمی زدند. بعدها که احتشام‌السلطنه به مجلس آمد او هم خیلی نطق می‌کرد و همچنین میرزا آقای اصفهانی.

یک روز در سفارت ایران در لندن نشسته بودم که یک نفر از اهالی لندن از من تقاضای ملاقات کرد.

وارد شد و خود را به نام (الدرید) معرفی کرد. مردی بود کهنسال و از عجایب اینکه هنگام معرفی خود به زبان شیرین فارسی با من صحبت نمود.

مسترالدرید که خانه او در حومه لندن واقع بود پس از انجام احوال‌پرسی کیف خود را گشود و چند پرونده از لای آن خارج کرد و به من داد، پرونده را نگاه کردم دیدم اسناد و مدارک زیادی از تاریخ مشروطیت ایران است.

مثلاً یکی از اسناد دفتر حقوق نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی بود که امضاء و مهر تمام نمایندگان از جمله آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی و صنیع‌الدوله و

مستشارالدوله در آن دیده می شد.

حقوق آن دوره نمایندگان ماهی یکصد تومان بود که نمایندگان بابت ۲۲ ماه دوره نمایندگی فقط حقوق ۳ ماه و نیم را که سیصد و پنجاه تومان باشد دریافت نموده بودند.

یک سند جالب دیگر پیمان دسته‌جمعی مشروطه‌طلبان برای تحصن در سفارت انگلیس بود که عین آن پیمان که به خط قشنگی نوشته شده بود به این شرح بوده است:

«عموم رؤساء متحصنین و محصلین مدارس متعهد شدیم که در سفارتخانه دولت فخیمه انگلیس مادامی که تشکیل مجلس شورای ملی نشود و نظامنامه به تصویب روساء مذهب و همچنین از طبقات ملت نرسد از سفارتخانه حرکت ننمائیم و محض ابقاء و استقامت خودمان بنا گذاردیم که همین ورقه را ممهور نمائیم:

مهر صنف تجار ــ بزاز ــ معلمین مدارس ــ کلاه‌دوز ــ ارسی دوز ــ فرش فروش ــ صراف ــ بلور فروش ــ عطار ــ خرازی ــ سقط فروش ــ رزاز ــ مسکر ــ قهوچی ــ قناد ــ سمسار ــ خیاط ــ سراج ــ آهنگر ــ توتون فروش ــ حلبی ساز ــ گیوه‌فروش ــ جوراب باف ــ لحاف دوز ــ پینه دوز ــ صابونی ــ کتابفروش ــ نقاش ــ ساعت ساز ــ خورده فروش ــ صحاف ــ لباف ــ نعل ساز ــ حصیرباف ــ ریخته گر ــ کوره پز ــ کالسکه‌ساز ــ چرم‌فروش ــ سیگارفروش ــ سلمانی ــ تیر فروش ــ شیشه‌فروش ــ قفل‌ساز ــ قصاب ــ علاف ــ صباغ ــ روغن فروش و تنباکو فروش».

وقتی من این اسناد را یکی بعد ازدیگری مرور کردم دچار تعجب شدم و گفتم اینها درنزد مسترالدرید چه می‌کند؟ جویای زندگی گذشته او شدم معلوم شد در صدر مشروطیت رئیس بانک شاهی ایران شعبه تهران بوده و متجاوز از چهل و پنج سال است که به انگلستان برگشته است.

از مسترالدرید سؤال نمودم این اسناد از کجا بدست شما رسیده است؟

در جواب گفت: روزی که مجلس شورایملی از طرف محمد علی‌شاه به توپ بسته شد و درنتیجه قسمتی از مجلس ویران و اثاثیه آن به غارت رفت در آن روز از اعضاء سفارت انگلیس در تهران فقط (کلنل استوکس) و چند نفر پیشخدمت و دربان در محل سفارت شهری حضور داشتند. قزاقان و سیلاخوریها وقتی اسناد مجلس به دست آنها افتاد تمام آن را در گونی های متعددی ریخته و به سفارت انگلیس حمل و تحویل می دهند منظور قزاقها از این عمل این بود که چون در نتیجه تحصن ایرانیها در سفارت انگلیس مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را صادر کرده بود پس مجلس و حکومت مشروطه مربوط به سفارت انگلیس و اسناد موجود در مجلس البته بجز قالی و اثاثیه و چهل‌چراغهای گرانبها متعلق به آن سفارت است.

مسترالدرید می‌گفت: در آن روز این چند سند به دست من افتاد و چون مدتی مجلس شورایملی درحال فترت بود و من عازم لندن بودم نتوانستم آنها را به مجلس شورای ملی ایران برگشت دهم لذا با خود به انگلستان برده و در این چهل سال در آرشیو کتابخانه من محفوظ بود و حال که برف پیری بر سرم نشسته است به یاد آن اسناد افتاده و آنها را از آرشیو خود برداشته و تحویل شما می دهم امیدوارم از آن نگاهداری خوبی بشود.

مسترالدرید این را بگفت و من هم برای حفظ اسناد مزبور هیچ جائی را بهتر از کتابخانه مجلس شورایملی ندانستم و آنها را به تهران فرستاده و اکنون در آرشیو اوراق بهادار کتابخانه مجلس شورایملی نگاه‌داری و یکی از مدارک زنده و روح‌دار تاریخ مشروطیت ایران محسوب می‌گردد.

۳- قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می شود:

بر حسب دستورالعملی که از دولت متبوعه دوستدار رسیده شرف دارم که صورت ترتیب منعقده فیمابین دولتین روس و انگلیس مورخه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ را تا اندازه‌ای که راجع به دولت علیه ایران است لفاً ایفاد دارم محض تسهیل قرائت نوشته مزبور ترجمه غیر مستند آن را به نسخه فرانسه الحاق داشت محض احتراز از هرگونه اشتباه نیز باید اظهار بدارم که مسلم است نسخه فرانسه سندیت خواهد داشت. صورت این قرارداد رسماً به دول معظمه ایفاد خواهد شد و بزودی انتشار خواهد یافت.

در این موقع احترامات فائقه را تجدید می نماید. امضاء وزیر مختار انگلیس

اعلیحضرت پادشاه بریطانیای کبیر و ایرلند و کلیه ممالک بریطانیا واقعه در ماوراء دریاها و امپراطور هندوستان از طرفی و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه ازطرف دیگر،

نظر به میل صمیمی که در حل مسائل مختلف راجع به منافع قاره آسیا دارند مصمم به عقد قراردادهائی شده‌اند که به وسیله آن از هر علتی که موجب سوء تفاهم مابین انگلیس و روس راجع به مسائل مذکور باشد جلوگیری نمایند و برای انجام این مقصود نمایندگان خود را به طریق ذیل معین می‌کنند:

از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلیس و ایرلند (سرارتورنیکلسن) سفیر فوق العاده و مختار در دربار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه؛

از طرف اعلیحضرت تزار آقای الکساندر ایزولسکی وزیر امور خارجه. نمایندگان فوق‌الذکر پس از رد و بدل اعتبارنامه‌های خود رسیدگی و تصدیق صحت آنها قرارهای ذیل را گذاشتند.

از آنجائی که دولتین بریطانیای کبیر و روسیه در برابر یکدیگر متعهد شده‌اند که تمامیت و استقلال ایران را محترم شمرده و صمیمانه مایل به حفظ نظم در تمام قلمرو این مملکت و نمو صلح جویانه آن و هم‌چنین طالب استقرار دائمی منافع تجارتی و صنعتی سایر ملل باشند و نظر به اینکه هریک از دو دولت از لحاظ ترتیبات جغرافیائی و اقتصادی ذینفع در استقرار صلح و امنیت در بعضی از ایالات متصله و یا همسایه سرحدات افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر می باشند و نظر به اینکه می خواهند از هرگونه موجبات اختلال و کشمکش که ممکن است در منافع طرفین در ایالات مذکوره ایران بروز نماید اجتناب کنند به مقررات ذیل موافقت نمودند.

ماده اول ــ دولت بریطانیای کبیر تعهد می‌کند که در ماوراء خطی که از قصر شیرین به اصفهان‌ویزد و خاف ممتد شده به یک قطعه در سرحد ایران که در محل تقاطع دو خط سرحدی روس و افغان منتهی می‌شود تقاضای هیچگونه امتیاز سیاسی و تجارتی از قبیل امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، طرق، حمل و نقل، بیمه و غیره برای خود و یا تبعه دولت ثالثی ننماید و با درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت روسیه در منطقه فوق‌الذکر مستقیماً یا غیر مستقیم مخالفتی ابراز ننماید. بدیهی است که امکنه فوق‌الذکر در جزء منطقه است که دولت بریطانیای کبیر خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده دوم ــ دولت روسیه به نوبه خود تعهد می‌کند که در منطقه واقعه در آن طرف خطی که ازسرحد افغانستان از قاذیک (مشرق بیرجند) و بیرجند و کرمان ممتد شده و به بندرعباس منتهی می شود تقاضای هیچگونه امتیاز سیاسی و تجارتی از قبیل امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، راه شوسه، حمل و نقل، بیمه و غیره برای خود و اتباع خود و یا تبعه دولت ثالثی ننماید و با درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت انگلیس در منطقه فوق‌الذکر مستقیماً مخالفتی ابراز ننماید. بدیهی است که امکنه فوق‌الذکر در جزء منطقه است که دولت روسیه خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده سوم ــ دولت روسیه از طرف خود متعهد می شود که پیش از موافقت نظر با دولت انگلیس هیچگونه مخالفتی با تفویض هرگونه امتیازات به یکی از تبعه بریطانیا در نواحی ایران واقعه در بین دو خط مذکور در ماده ۱ و ۲ ننماید.

دولت انگلیس نیز نظیر تعهد فوق را در خصوص تفویض هرگونه امتیازی در نواحی مذکوره ایران به اتباع روسیه برعهده می‌گیرد. کلیه امتیازاتی که در موقع انعقاد این عهدنامه در مناطق مذکوره در ماده ۱ و ۲ وجود دارد به حال خود باقی خواهد ماند.

ماده چهارم ــ توضیح آنکه کلیه عواید گمرکی ایران به استثنای عواید گمرکی فارس که وثیقه برای تأدیه منافع و استهلاک قروض شاه ایران به بانک استقراضی روس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است می باشد برای اجرای منظور فوق اختصاص خواهد داشت هم‌چنین عواید گمرکی فارس و خلیج به انضمام عواید صید ماهی آن قسمت بحر خزر که متعلق به ایران است و عواید حاصله از پست و تلگراف کما فی السابق برای تأدیه و استهلاک قروض شاه ایران در مقابل بانک شاهنشاهی انگلیس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است اختصاص خواهد داشت.

ماده پنجم ــ در مواردی که مرتباً تأدیه منافع و یا قسط استهلاک قروض که دولت ایران در مقابل بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس تا تاریخ امضای این معاهده برعهده دارد صورت نگیرد و هرگاه برای دولت روسیه لازم شود که نظارتی در موضوع منافع عایداتی که وثیقه تأدیه منافع قرض دولت ایران در مقابل بانک استقراضی است و در جزو منطقه مذکوره در ماده ۲ می باشد برقرار نماید و یا دولت بریتانیای کبیر خواسته باشد که نظارتی در موضوع منابع عایداتی که وثیقه تأدیه منافع قروض ایران در مقابل بانک شاهنشاهی است و در منطقه مذکوره در ماده ۱ معاهده واقع باشد بنماید دولتین انگلیس و

روس تعهد می‌کنند که قبلاً بطور دوستانه تبادل نظری به عمل آورده و متفقاً وسایلی را که برای انجام نظارت مذکوره لازم است اتخاذ نمایند و از هرگونه مداخلهٔ که موافق با اصول مندرجه در این معاهده نباشد اجتناب ورزند.

٤- صدرالاشراف و محاکمات باغشاه

مرحوم محســن صدر (صدرالاشراف) در خاطرات خود دربارهٔ این دادگاه چنین نوشته‌اند: باری بعد از بمباران مجلس شورا و کشتن ملک المتکلمین و یکی دو نفر دیگر نامه‌ای از مشیرالسلطنه که تازه وزیر اعظم شده بود و چند روز بعد لقب صدراعظم به او دادند به من رسید. بعد از وصول این نامه من مشیرالسلطنه را اگرچه مستبد بود مرد مسلمانی می دانستم به باغشاه رفتم و مشیرالسلطنه را که مختصر آشنائی با او داشتم در خلوت ملاقات کردم. ابتدا خواهش کردم که مرا از این کار معاف بدارد ولی هرچه اصرار کردم قبول نکرد. بعد اظهار داشت اشخاصی که در این مجلس عضویت دارند همه مردمان خوبی هستند. من گفتم مقصود از استنطاق و تحقیق چیست و مقصر کیست؟ اگر مشروطه طلبی است اکثرملت مشروطه خواه هستند. انجمن‌ها در مدت گذشته برای تقویت مشروطیت تشکیل شده خود شما شنیدم در انجمنی عضویت داشتید بعد از مدتی سؤال و جواب گفت حقیقت اینست آنها که مقصر بودند به جزای خود رسیدند (کنایه از کسانی که در چند روز قبل کشته شده بودند) و اغلب این اشخاص که در هوای گرم زیر چادر محبوس هستند مسلمانند؛ باید اغماض کرد من شخصاً شما را در نظر گرفتم که مردم بی تقصیر را نجات دهید و اگر در میان آنها کسانی باشند که اسباب خونریزی شده یا از قوای دولت کسی را کشته باشند مقصر بدانید.

من با آنکه می دانستم نیت مشیرالسلطنه چندان بد نیست ولی چون می دانستم که او دارای اختیار مطلق نیست قصد قبول نداشتم ولی چون نامهٔ رئیس دولت به صورت حکم بود و وارد خدمت دولت شده بودم گرفتار تردید شدم و پس ازآنکه دوستان و آشنایان من که مشروطه خواه بودند مطلع شدند با کمال اصرار مرا تشویق به قبول حضور در مجلس استنطاق نمودند تا بالاخره بعد از دو سه روز دیگر رفتم باغشاه و احمد اشتری منشی محکمه جزا را که به او اعتماد داشتم با خود به سمت منشی همراه بردم.

من بعد از رفتن به باغشاه و اطلاع بر اینکه درنتیجه اعتراض سفرای دول خارجه به طرز عمل دولت این مجلس تشکیل یافته به امیرالامراء برادرزن وزیر افخم که وزیر دربار بود گفتم در این عده دویست سیصد نفری که فعلاً محبوس هستند البته اشخاصی بیگناه که گرفتاری آنها فقط سخنرانی در مجلس بوده و روز بمباران دستگیر و گرفتار شده‌اند زیاد است و برای اینکه نظر دولت و انعکاس عمل این مجلس در نظر مردم و خارجی‌ها خوب و دلیل عدالت باشد بهتر این است که ابتدا به تحقیق از آن قبیل اشخاص بشود که بیشتر و زودتر خلاص شوند او این نظر را پسندید و عمده نظر من از این پیشنهاد دو چیز بود یکی آنکه مردم متفرقه که اکثریت محبوسین از آنها بود زودتر خلاص شوند دیگر آنکه در اول هر امر جنبه تشدید و سختگیری و حرارت‌ها زیاد است از ابتدا نمی‌شود اشخاصی را که مورد نظر دربار هستند رأی بر خلاف آنها داد ولی هر موضوعی همین که کهنه شد حرارت‌ها سرد و عصبانیت کم می شود و بعدها ممکن است ارفاقی درباره اشخاص معمول داشت خلاصه در روزهای اوایل دسته‌دسته اشخاص را به مجلس می‌آوردند و چون هیچگونه دلیل بر تقصیر آنها (تقصیر از نظر دربار) نبود خلاص می شدند و به چند کلمه سؤال و جواب مختصر اکتفا می‌شد تا نوبت به معاریف و آنها که به نظر دربار شدیداً مقصر بودند رسید.

٥- قتل سید عبدالله بهبهانی

ابراهیم صفائی در جلـد اول کتاب رهبـران مشروطه صفحه ۱۹۹ درباره قتل بهبهانی چنین نوشته است ... اعتدالیون که اکثریت مجلس بودند بیشتر از بهبهانی تبعیت می‌کردند. به همین مناسبت دموکرات‌ها که جبهه تندرو و انقلابی مجلس بودند با بهبهانی مخالف شده ظاهراً معتقد بودند که او نفوذ خودش را برتر از مشروطه می داند و مجلس را تضعیف می‌کند، ولی در باطن امر شخصیت و نفوذ او را مانع پیشرفت مقاصد خود می دانستند. بهمین دلیل نقشه قتل بهبهانی کشیده شد. روز جمعه ۸ رجب ۱۳۲۸ ق (٢٤ تیر ۱۲۸۹ شمسی) آغاز شب حیدر عمو اوغلی و رجب سرابی و دو نفر دیگر طبق نقشه‌ای که با نظر سران دموکرات طرح شده بود در حالی که سر و صورت خود را مستور کرده و به قیافه راهزنان نقابدار درآمده بودند به منزل

بهبهانی رفتند و با عجله راه پله‌های ایوان تابستانی را پیش گرفته با سه گلوله او را به قتل رسانیده فرار کردند. روز نهم رجب مجلس به همین مناسبت تعطیل شد و بازار طهران هم تعطیل گردید و حالت بهت و ناراحتی بر همه‌جا سایه افکند. چند هزار نفر مردم صبح روز شنبه در اطراف منزل بهبهانی ازدحام کردند، بیم حوادث ناگواری می‌رفت، امّا میرسید محمد (آیت‌الله بهبهانی) با بردباری و متانت قابل ستایشی مردم را نصیحت کرده آتش فتنه را خاموش نمود و آنان را با خواهش و اصرار متفرق ساخت و آرامش شهر را حفظ کرد. در تمام شهرهای ایران مجالس ترحیم گذاشته شد و تأثر عمیقی ایجاد گردید. جنازه آن مرحوم به صحابت میر سید علی بهبهانی و جمعی از منسوبان و اطرافیان او به نجف حمل شد و در مقبره خانوادگی دفن گردید. درعتبات نیز مجالس ترحیمی برای بهبهانی ترتیب دادند و از این حادثه اظهار تأسف کردند. طرفداران بهبهانی و جمعی از اعتدالیون به صدد خونخواهی برآمدند. اصناف و مردم بازار نسبت به تقی‌زاده مظنون و خشمگین بوده مجازات او را می‌خواستند (دسته‌های عزاداری این شعر را می‌خواندند: فقیهی که اسلام را بود پشت ــ تقی‌زاده گفت و شقی‌زاده کشت) از متهمان اصلی این توطئه حیدرعمواوغلی گریخت و پس از چند روز دستگیر شد و قریب چهل روز زندانی بود ولی بدون محاکمه و مجازات با مداخله دموکرات‌ها و با کمک یپرم رئیس شهربانی آزاد شد. علی محمدخان (خواهرزاده تقی‌زاده) و سید عبدالرزاق خان گراورساز (از مجاهدین) در چهار راه مخبرالدوله شب بیست و سوم رجب به قتل رسیدند، قاتل آنها یکی از افراد مجاهد گروه سردار محیی بود، و به دستور اعتدالیون این کار را کرد. سید عبدالرزاق خان بیگناه بود در آن روز همراهی با علی محمد خان او را به کشتن داد...

درباره سید عبدالله بهبهانی در مقام قیاس از نظر علم و دانش اسلامی با شیخ فضل‌الله نوری و از نظر زهد، پرهیزکاری با سید محمد طباطبائی آقای دکتر فریدون آدمیت داوری منصفانه‌ای در کتاب فکر آزادی دارند. در صفحه ۲۴۶ کتاب مزبور چنین آمده است: پیشوایان روحانی سید محمد طباطبائی، شیخ فضل‌الله نوری مازندرانی و سید عبدالله بهبهانی بودند. طباطبائی از لحاظ فضیلت اخلاقی و صفای باطن و اعتقاد به اصول آزادی در میان طبقه خود ممتاز بود. روشنفکران نسبت به او احترام داشتند و پدرش سید محمد صادق طباطبائی نیز با میرزا ملکم‌خان آشنائی داشت. درجنبش مشروطیت سید محمد طباطبائی مؤثرترین عامل هیجان‌ملی به‌شمار می‌رفت. شیخ فضل‌الله نوری در مدارج علمی بر دیگران برتری داشت و در قیامی که منجر به صدور فرمان مشروطیت گردید خدمت ارجمند کرد ولی رقابت شدید بهبهانی با او در صف ملایان جدائی افکند و آن به سود استبداد تمام گشت. درباره سید عبدالله بهبهانی گفته‌اند نه در پرهیزکاری و ایمان، نه مشروطه‌خواهی به مقام طباطبائی می‌رسید و نه در علم و دانش اسلامی هم‌طراز شیخ فضل‌الله بود. روشنفکران نیز اعتقادی به او نداشتند. ولی در میان خلق، صاحب نفوذ فراوان، و به همین جهت در جریان کارها بسیار مؤثر بود.

۶ـ احزاب سیاسی بعد از استبداد صغیر

مرحوم محمد تقی بهار (ملک‌الشعراء) در جلد اول تاریخ احزاب سیاسی در مورد احزاب سیاسی و مجلس دوم چنین نوشته‌اند در سال اول فتح تهران رجب ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی در ایران دو حزب پیدا شد، یکی انقلابی، دیگر اعتدالی و در همان سال بعد از افتتاح مجلس دوّم این دو حزب به اسم دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون رسمی شد و خودشان را به مجلس معرفی کردند.

احزاب دیگر هم مانند اتفاق و ترقی وجود داشت اما چون در مجلس نماینده حسابی نداشتند گل نکرده کاری از پیش نبردند.

دموکرات‌ها که ۲۸ نفر بودند مخالفان خود یعنی اعتدالیون را که ۳۶ تن می‌شدند ارتجاعی می‌نامیدند زیرا آن حزب هوادار روش ملایمتر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد به کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعی‌ها نداشت و ازینرو بیشتر اعیان بدان حزب پناه می‌بردند. سپهدار اعظم تنکابنی سردار محیی دولت‌آبادی‌ها سید عبدالله بهبهانی سید محمد طباطبائی دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصرالملک نایب‌السلطنه وفرمانفرما، وغالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوّم طرفدار یا عضو این حزب شدند اینها دموکرات‌ها را انقلابی و تندرو می‌خواندند و در جراید خود از آنها انتقاد می‌کردند و احیاناً از تهمت‌های دینی و تکفیر خودداری نمی‌نمودند حزب اعتدال با ۲۴ نفر مؤتلفه و ٤ اتفاق و ترقی و ۳ تن طراز اول و ۷ نفر بیطرف ائتلاف داشتند.

دموکرات‌ها که یک بند مرامشان «انفکاک کامل قوه سیاسی ازقوه روحانی» و بند دیگر «ایجاد نظام اجباری» و بند دیگر «تقسیم املاک بین رعایا» و دیگر «قانون منع احتکار» و «تعلیم اجباری» (و بانک فلاحتی) «و ترجیح مالیات غیر مستقیم بر مستقیم» و «مخالفت مجلس با اعیان» وغیره وغیره بود مورد هجوم علما و گروه انبوهی از رعایای توده قرار گرفتند. امّا نظر به اینکه افراد فعال و صاحب عقیده و با ایمان و حرف‌زن و چیزنویس در میان آنها زیاد بود و اساساً منقد و تندزبان بوده هوادار فقرا و رنجبران معرفی گردیده بودند موفق شدند که در مجلس فراکسیون ۲۸ نفری به‌وجود آورند و در خارج افراد کثیری از جوانان و غیر جوانان طبقه دوّم را به خود جلب نمایند و چند روزنامه خوش قلم و موجّه و مشهور مانند ایران نو در تهران، شفق در تبریز، نوبهار در خراسان منتشر سازند و مخالفان خود را به نام محافظه‌کار و ارتجاعی و آخوند و سرمایه‌دار و اشراف و اعیان به باد انتقاد بگیرند.

رؤسای دموکرات سید حسن تقی‌زاده و «حسینقلی نواب» و «سلیمان میرزا» و وحیدالملک و سید محمد رضا مساوات بودند و رؤسای اعتدالیون میرزا محمد صادق طباطبائی میرزا علی اکبرخان دهخدا، حاج علی میرزا علی محمد خان دولت‌آبادی حاج آقا شیرازی قوام‌الدوله شکرالله خان بودند. . . .

۷- مسافرت سپهدار به فرنگ

در کتاب سپهسالار تنکابنی گردآوری امیر عبدالصمد خلعتبری که به اهتمام محمود تفضلی انتشار یافته است درباره مسافرت ناگهانی سپهدار به رشت چنین نوشته شده است «..... در ماه جمادی الثانی بودجه کشور در مجلس مطرح گشت. در این بودجه جرح و تعدیلی در بودجه دربار روی داد که موجب نارضایتی ناصرالملک نایب السلطنه شده بود و تهدید می‌کرد که استعفا خواهم داد.

به علاوه در ۱۵ جمادی‌الثانی هم قانون اختیارات مالی خزانه‌دار کل به تصویب مجلس رسید. در این قانون اختیارات وسیعی به شوستر اعطاء شده بود.

سپهدار از اوضاع به سختی ناراضی و عصبانی بود. بالاخره روز ۷ جمادی‌الثانی در جلسه مجلس بر سر موضوع بودجه گفتگوهائی شد و چون مجلس بانیات سپهدار که می خواست اعتبارات وزارت جنگ را اضافه کند و نظام و قشون را مرتب سازد موافقت نمی‌کرد، سپهدار هم با حال عصبانیت از مجلس خارج شد به کالسکه‌اش که در مقابل مجلس بود نشست و به راننده‌اش گفت «برو به فرنگ».

به این ترتیب محمد ولیخان سپهدار که ناراضی و رنجیده خاطر بود قهر کرد و از تهران خارج شد در حالی که این داستان او بر سر زبان‌ها افتاد و آنرا حتی تا مدتها بعد هم نقل می‌کردند.

وقتی که سپهدار به رشت رسید انجمن ایالتی آنجا با اصرار زیاد مانع ادامه سفر او شد. ستارخان و باقرخان هم در رشت به سپهدار ملحق شدند. از تهران هم تلگراف زیادی برای دلجوئی او می‌کردند.

مخصوصاً در این اوقات خبر آمدن مجدد محمد علی شاه به همراهی شعاع‌السلطنه و سالارالدوله انتشار یافت و اسباب وحشت و نگرانی عمومی شده بود. . .»

سپهدار در این باره یادداشت‌هائی دارد که به قسمتی از آن مراجعه می شود:

«... من از دست دخالت و فضولی و هتاکی روزنامه‌ها و دموکرات‌ها و بی‌عرضه گی نایب السلطنه و نفاق وزراء و تجری دوایر و بردن مال ملت و ازدیاد اشخاص غیر قابل و هرزه و بد، و در دوایر ولایات و تنفر عموم از وضع حاضر به طرف فرنگ فرار کردم... در این ضمن مردم گویا پشت‌گرمی به محمد علی و سالارالدوله دادند از این غیبت من طلوع و ظهور کردند و مرا از رشت فی الحقیقه مجبوراً معاودت دادند. فتنه قزوین را نشاندم (عزیزاله خان) و به تهران آمدم.»

۸- قتل میرزا علی خان ارشد الدوله

مرحوم مهدی بامداد در جلد ششم تاریخ رجال صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸ درباره ارشدالدوله چنین نوشته است: علیخان ارشدالدوله سردار ارشد نوه‌فضلعلی خان قره‌باغی بوده و مادرش تابنده خانم برادرزاده حاج محمد کریم‌خان قاجار پیشوای فرقه شیخیه بوده است.

در سال ۱۳۰۰ هجری قمری که ناصرالدینشاه برای عزیزالسلطان کودک پنجساله سوگلی خود در مدرسه دارالفنون کلاس موزیکی تشکیل و ترتیب داد علی‌خان در جزو دسته مزبور بوده و کارش بوگل‌زنی یعنی شیپورزنی بود. بعد در

کشیک‌خانه و گارد سلطنتی وارد شد و معروف گردید به علی‌خان گاردی.

چون با عزیزالسلطان مربوط شده بود پس از آنکه عزیزالسلطان زن خود اخترالدوله دختر دهم ناصرالدین‌شاه را طلاق داد علی‌خان چون با او ارتباط داشت او را به عقد ازدواج خویش درآورد. در اواخر سلطنت مظفرالدینشاه ملقب به ارشدالدوله و در آغاز مشروطیت جزو مشروطه‌خواهان بود. در انجمن‌های خلق‌الساعه که در کنار و گوشه تهران به نام‌های گوناگون دائر شده بود علی‌خان رئیس انجمن مرکزی بود و ضمناً با شاه هم بی ارتباط نبود.

محمد علی شاه در سال ۱۳۲۶ قمری پس از توپ بستن مجلس عده زیادی را دستگیر نمود و دادگاهی نیز برای بازپرسی و رسیدگی به اعمال توقیف‌شدگان دائر شد. ارشدالدوله هم یکی از اعضاء آن دادگاه بود. محمد علی شاه بعداً او را به لقب سردار ارشد ملقب کرده سپس او را به یاری عین‌الدوله استاندار آذربایجان برای گرفتن تبریز به آذربایجان فرستاد. قوای اعزامی شاه کاری از پیش نبرد و در سال ۱۳۲۷ قمری که محمد علی شاه ازسلطنت خلع گردید و سپس به روسیه رهسپار گردید یکی از همراهان او ارشدالدوله یا سردار ارشد بود.

در سال ۱۳۲۹ قمری = ۱۲۸۹ خورشیدی که محمد علی شاه از روسیه به ایران بازگشت یا روس‌ها او را آوردند ارشدالدوله نیز یکی از همراهان او بود که در گمیشان به او پیوست.

در این هنگام محمد علی شاه او را با دوسه هزارتن ترکمان مأمور گرفتن شاهرود نمود. نامبرده پس از گرفتن شاهرود و دامغان با قوای زیادتری به سمت تهران رهسپار گردید و تا امامزاده جعفر ورامین نیز آمد و در جنگی که میان قوای دولتی و قوای او در این محل روی داد سخت شکست خورد و ترکمن‌ها که عمده قوای او را تشکیل می دادند پا به فرار گذاشتند و خود ارشدالدوله هم که پایش گلوله خورده بود نتوانست فرار کند و دستگیر شد و روز بعد او را تیرباران کردند نعشش را به تهران وارد کردند و در میدان توپخانه در معرض تماشای مردم گذاشتند.

ارشدالدوله مردی بود شجاع ــ متهور ــ جاه‌طلب و خواهان ریاست و از هواخواهان و فدائیان محمدعلیشاه به‌شمار می آمد.

۹- شرح حال مشیرالسلطنه

میرزا احمدخان مشیرالسلطنه از درباریان صدیق و صمیمی مظفرالدینشاه و محمد علی شاه بود. نسبتاً کم سواد و عامی بود، به اصول و موازین مذهبی سخت پای‌بندی داشت. با بیگانگان سرو سرّی نداشت. به علمای اعلام و روحانیون احترام می‌گذاشت. در وطن پرستی و صمیمیت به شاه کم‌نظیر بود. در دربار مظفرالدین‌شاه مشاغل مهمی به او ارجاع می شد. در دوران محمد علیشاه دوبار به رئیس الوزرائی منصوب شد. محمد علیشاه یک ماه قبل از خلع خود او را از رئیس الوزرائی برکنار نمود. ابتدا عموی خود کامران میرزا و بعد ناصرالملک را به جانشینی او برگزید که هیچکدام بر اریکه صدارت‌تکیه نزدند. سرانجام سعدالدوله به سر پرستی دولت تعیین شد. بر خلاف نوشته بعضی ازمورخین ازشهود عینی شنیده شد در دوران استبداد صغیر وی با محبوسین باغشاه رفتاری انسانی و اسلامی داشته است و حسن نیت و خیرخواهی او موجب آزادی عده زیادی از زندانیان گردیده است. وی در میانسالی با دختر میرزا عباس خان قوام‌الدوله ازدواج کرد این خانم قبلاً همسر میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه(پدروثوق الدوله و قوام‌السلطنه) بود و از وی یک فرزند به نام مهدی داشت که بعداً یمین‌السلطنه لقب گرفت. مشیرالسلطنه فرزند همسر خود را تحت مراقبت کامل قرار داد و از لحاظ خط و انشاء و معلومات زمان درخشیدن گرفت. معروف است که خانم بهجت‌السلطنه همسر مشیرالسلطنه در زمانی که شوهرش رئیس الوزراء و صدراعظم بوده است برای اینکه شوهر سابق‌خود (معتمدالسلطنه) را مورد تحقیر و سرزنش قرار دهد درحوزه‌صدارت حضور یافته و امر به احضار او می داده است و بر کارهای وی خرده گیری می‌کرده است.

مشیرالسلطنه در زمان حیات خود مدرسه و مسجدی در خیابان مولوی بر پا ساخت که هنوز آثار آن باقی است.

۱۰- مرگ آخوند ملا محمد کاظم خراسانی

احمد کسروی در تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان درباره سفر آخوند ملامحمد کاظم خراسانی به ایران و مرگ مشکوک وی چنین نوشته است:

... یک کاری که در آن میان رخ داد و بر بیم دولت افزود آمدن علمای عتبات به کاظمین و هیاهوی ایشان می بود که می بایست آنان را از آن جوش و خروش پائین آورد و بر سر جایشان باز گردانید و به هر حال نگذارد و آواز ایشان به گوش مردم رسد. ما این داستان را اندکی گشادتر می نگاریم چنانکه گفته ایم روسیان التیماتوم دوّم را دادند و مردم در همه جای ایران شوریدند و گمان می رفت که توده و دولت یک دل و یک زبان در برابر زورگوئی ایستادگی خواهند نمود. در نجف آخوند خراسانی و حاج شیخ مازندرانی که ما بارها غیرت و مردانگی ایشان را ستوده ایم بر این شدند که با پیروان خود به ایران آیند و همه مردم را یک دل و یک زبان به کوشش و ایستادگی برانگیزند و این کار ایشان با آنکه گمان می رفت بسیار بجا بود و اگر دولت و توده یک زبان بودندی و آنان نیز بدانسان که امید می رفت به ایران آمدندی یک نتیجه بسیار بزرگی بدست آمدی و چون آخوند و حاج شیخ پا پیش گذاردند همه ملاّیان دیگر از نجف و کربلا و کاظمین از بزرگ و کوچک پیروی و همدردی نمودند جز از سید کاظم یزدی که از نخست با مشروطه خواهی دشمنی نشان داده و هواداری از محمد علی میرزا نموده بود، و این هنگام نیز با آنکه گفتگو از روس و ایران در میان می بود نه از مشروطه و محمد علی میرزا، همچنان پا پس گذاشت و راستی این است که روسیان با دست کارکنان خود او را رام خویش گردانیده بودند.

آخوند و یارانش بر آن بودند که روز چهارشنبه بیست و یکم آذر (۲۱ ذیحجه ۱۳۲۹) از نجف روانه شوند ولی چون پاره ای چهارشنبه را برای سفر نیک نمی شماردند چنان نهادند که روز سه شنبه بیرون آمده و آهنگ مسجد سهله کنند و شب را در آنجا بسر داده فردا روانه شوند ولی شب سه شنبه نزدیک بامداد ناگهان آخوند را درد دلی گرفت. کسانش پی پزشک فرستادند و خود به آن شدند که فردا از رفتن چشم بپوشند و چگونگی را به مردم آگاهی دهند. شادروان آخوند خرسندی نداد و همچنان اندیشه رفتن می داشت و دستور بسیج می داد و افسوس که دیری نگذشت ناگهان درد دل سخت تر گردید و پیش از آنکه آفتاب درآید او درگذشت....

کسانی که مایل باشند از فعالیت های سیاسی و اجتماعی آخوند خراسانی آگاهی یابند می توانند به کتاب مرگی در نور (زندگانی آخوند خراسانی صاحب کفایه) نوشته عبدالحسین مجید کفائی از انتشارات کتاب فروشی زوار استفاده نمایند.

۱۱- بمباران گنبد ثامن الائمه

در کتاب تاریخ ایران تألیف ژنرال سر پرسی سایکس ترجمه سید محمد تقی فخر داعی دربارهٔ توپ بستن حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام چنین آمده است:

در میان عملیات روس ها در ایران عملی که بیش از بمباران مزار امام رضا باعث بدنامی آنها باشد خیلی کم است. همقطار روسی من در شهر مقدس مشهد برای منافع شاه مخلوع جداً کار می‌کرد او حتی تا اینقدر جلو رفت که یوسف هراتی را که یک اخلالگر مفسد و بدنامی بود تحریک نمود که از مأمن و پناه قنسولگری برای شاه تبلیغات نماید. من این وقایع را به سفارت گزارش دادم و نتیجه این شد که مطابق تعلیمات سفیر روس یوسف و همکارانش از قنسولگری به خارج رانده شدند ولی او فوراً به مزار و مکان مقدس شتافت. همقطار من باز توانست او را در همان مکان استخدام نماید. چون او خود را در آن مکان مقدس مستقر ساخت توانست که عده زیادی زن و مرد را دور خود جمع نماید. از بین این عده صدها نفر از زائرین بودند که به نطق های مهیج و مرتجعانه او گوش می دادند. اینجا بود که روس ها اظهار داشتند که جان اتباع آنها به خطر افتاده و نیروهای زیادی به آنجا وارد کردند. اهالی عمده و بزرگان مشهد که من با آنها تماس نزدیک داشتم بطور وضوح دامی را که تعبیه شده بود دیدند و تمام کوشش آنها برای نجات از این بحران بی نتیجه ماند. روس ها تصمیم به بمباران مزار مقدس که در دست جاسوسان خودشان بود گرفتند و آنها به این مطلب که توده مردم ساکت و آرام باشند یا نه هیچ اهمیت نمی دادند. در ۲۹ مارس توپخانه آنها شروع به فعالیت و شلیک نمود عملاً هیچگونه مقاومتی به عمل نیامد. هرچند که یوسف هراتی و مردان وی مطابق تعلیماتی که به آنها داده شده بود چند تیری خالی کردند ولی فقط یک عده زوار بی گناه و مردم بدبخت کشته و مجروح شدند. پس از آنکه تاریکی همه جا را فرا گرفت یوسف و دیگر مزدوران و جاسوسان در یک واگونی از یک دروازه که روس ها در حصار شهر باز کرده و تحت مراقبت و محافظت داشتند به خارج فرستادند. چند روز بعد یوسف هراتی

به من نامه‌ای نوشته و شکایت کرد که هم‌قطار من پاداش زحمات و خدمات او را بطور کلی نداده است. روس‌ها در ایران موقع مقامات ایرانی را تحریک نمودند که وارد عمل شوند. یوسف هراتی دستگیر شد و بدون محاکمه به قتل رسید و نعش او را برای عبرت مردم در کوچه‌ها گردانیدند.

چون من نتوانسته بودم از بمباران جلوگیری نمایم بر ضد آن به سختی اعتراض کرده و روز بعد اصرار نمودم که از آن مزار دیدن نمایم. البته اجساد مقتولین و مجروحین را از آنجا برده بودند ولی خسارات و زیان‌های وارده بر اثر بمباران بی جهتی که روس‌ها برای ارتکاب بدان دنبال بهانه‌ای می‌گشتند کاملاً ظاهر و آشکار بود. خزانه حضرتی که دارای نفایس و هدایای گرانبها امراء و سلاطین و دیگر زائرین بود به بانک روس انتقال داده شده بود که پس از بازدید نگارنده آن را پس دادند. هرچند که به بعضی از آن اشیاء قیمتی و گرانبها دستبرد زده و از بین برده بودند و متولی حرم را با تهدید به مرگ حاضر کردند تا سندی را امضاء کند که تمام خزانه را تحویل گرفته است.

احساسات مردم در تمام ایران و تا یک اندازه در تمام دنیای اسلام برانگیخته شد چه مشهد، مرکز مهم زیارتی ایران است. مع‌التعجب این بمباران در لندن چون با حادثه وحشتناک غرق کشتی تیتانیک مصادف شده بود کم جلب توجه نمود.

۱۲- مستشارالدوله و یپرم خان

درباره یپرم در تاریخ مشروطیت ایران سخن بسیار است غیر از کتبی که درباره مشروطیت تنظیم شده و همه‌جا از یپرم و تلاش‌ها و فداکاریهای او سخن به میان آمده است چند کتاب مستقل هم درباره یپرم انتشار یافته است.

آنچه مسلم است یپرم مردی بوده است روشنفکر و انقلابی و خونریز در عین حال جنگجو و شجاع و بی گذشت و سرانجام نیز در نتیجه همین بی باکی و جنگجوئی جان خود را از دست داد. در یادداشت‌های تاریخی مستشارالدوله صادق که به همت و کوشش ایرج افشار انتشار یافته است از یپرم و اعمال وی شمه‌ای ذکر شده است. مرحوم صادق مدتی در اوایل مشروطیت وزیر داخله و یپرم رئیس نظمیه بوده‌اند. بدون شک نظرات وی خالی از غرض و بغض می باشد و آنچه بر روی کاغذ آورده است یقیناً برای ضبط در تاریخ بوده است. مطلبی از نوشته ایشان تحت عنوان «یفرم‌خان و مجازات رجال مستبد» نقل می‌کنیم:

در موقعی که من به دفعهٔ اول به سمت وزیر داخله کابینهٔ مرحوم سپهسالار (محمدولی خان تنکابنی) شدم مسیو یفرم‌خان ارمنی که جزو مجاهدین گیلان تحت ریاست سپهسالار مرحوم به تهران آمده بود رئیس نظمیه بود. علی خان دیوسالار (سالار فاتح) مازندرانی معاون نظمیه بود.

یک روز صبح سالار فاتح به منزل من آمده راپُرتی ارائه داد مشعر بر اینکه دیروز عصر در منزل عین‌الدوله چند نفر از مخالفین دولت مثل فرمانفرما، وثوق‌الدوله، قوام‌السلطنه و دو سه نفر دیگر نسبت به نایب‌السلطنه (ناصرالملک) و هیئت دولت بد می‌گفتند. چون یکی از عادات مذمومهٔ ایران است که داوطلبان وزارت و ریاست اعمال آنانی را که مصدر کارند تنقید می‌کنند اهمیتی به این راپرت ندادم.

متوالیاً دو سه مرتبه دیگر راپرت تکرار شد که همین اشخاص با تغییر محل جمع شده و از هیأت دولت و از نایب‌السلطنه بدگوئی می‌کنند. همین تکرار موضوع در نظر من از اهمیت آن می‌کاست و یقین حاصل کردم که در تعقیب افسانهٔ بمب‌سازی عین‌الدوله مقاصد دیگری تهیه می شود.

دو روز پس از ارائهٔ این راپرتها یپرم‌خان آمد. در ضمن مطالب چند گفت سالار فاتح راپرتها را به نظر شما می‌رساند.

ــ گفتم بلی چند فقره راپرت در یک موضوع به من داده است.

ــ پرسید عقیدهٔ شما در این باب چیست؟

ــ گفتم هیچ اهمیتی نمی‌دهم به اینکه چند نفر معین در منازل و مجالس خودشان از اعمال هیأت دولت تنقید می‌کنند و ابداً خلاف آن را انتظار ندارم.

یفرم‌خان چون فهمید که راپرت‌سازیها در من هیچ تأثیر نخواهد داشت رگ آزادیخواهی مرا خواست تحریک کند. گفت نکتهٔ قابل ملاحظه این است که چند روز قبل دولت سه نفر آزادیخواه را تبعید کرده حال برای حفظ موازنه مجبوریم چند نفر مستبد را گوشمالی بدهیم.

ــ پرسیدم سه نفر آزادیخواه کیست؟

ــ گفت محمد امین رسول‌زاده مدیر روزنامهٔ ایران نو، یار محمد کرمانشاهی و حیدرخان بمب‌ساز معروف.

با کمال تعجب گفتم شما این سه نفر را آزادیخواه می دانید. آنکه رسول‌زاده است هر روز در روزنامهٔ خود مقالات آتشین بر علیه دولت تزاری روس می نوشت تا به دست سفارت روس بهانهٔ اعتراض افتاده دولت را گرفتار نماید، چنانکه تبعید او را به شدت پروتست کردند و رئیس الوزراء عصبانی شده شخصاً به سفارت روس رفته گفت شما هر روز برای حملات رسول‌زاده ما را به باد اعتراض گرفته بودید، حال که او را تبعید نموده‌ایم پروتست می‌کنید. معلوم می شود مأموریت مخصوص داشته است و اجرامی کرده است. آنکه یار محمدخان است گزارش مفصلی به دولت رسیده بود که او را مخصوصاً به تهران آورده بودند که رئیس الوزراء را ترور نماید، لهذا دفع شر او لازم بود. حیدرخان عمواغلی هم که آنارشیست معلوم الحال و کارش ساختن بمب و ایجاد وحشت و هراس عمومی است، لهذا دولت لازم دانست برای تأمین اذهان نگران چندی او را از پایتخت دور سازد. حال در عوض تبعید این سه نفر می‌خواهید دولت چه بکند؟

صورت مفصلی داد که نظمیه لازم می‌داند این اشخاص مستبد مجازات شوند. در ورقهٔ بزرگی از عین‌الدوله و فرمانفرما، وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه گرفته اسامی اشخاص زیادی را نوشته در مقابل اسامی اشخاص انواع مجازات از اعدام، حبس ابد، مصادرهٔ اموال و املاک و جریمهٔ نقدی با حبس ده‌ساله و غیره قید کرده و مخصوصاً اجرای این تنبیهات شدیده را توسط نظمیه تصریح و تأکید کرده بود.

به او گفتم چون موضوع بسیار مهم است من باید در این باب فرصت مطالعه داشته باشم. صورت را برداشته به جلسهٔ وزراء رفتم. معلوم شد از همین صورت یکی به نایب السلطنه و یکی هم به رئیس الوزراء تقدیم شده است و هر دو بزرگوار حین صحبتهای خصوصی که با من کردند گفتند باید به مصلحت اندیشیهای مسیو یفرم اهمیت داد، والا خدمت دولت را ترک گفته از ایران خواهد رفت.

در یکی از این روزها که جلسهٔ وزراء در حضور نایب السلطنه تشکیل شده بود به محض اینکه وارد جلسه شدم و نشستم رئیس الوزراء گفت آقا این مرد که آمده و بالصراحه می‌گوید اگر پیشنهادات من از این قسم با بی اعتنائی تلقی شود من نمی‌توانم به خدمت خود ادامه دهم. از لحن فرمایشات رئیس الوزراء و از اینکه بلافاصله پس از ورود من به جلسه عنوان مطلب شد ـ در حالتی که در این سه چهار روز در پرده گفتگو می‌شد ـ فهمیدم که بین او و نایب‌السلطنه تبانی بوده و خواسته‌اند مرا مأخوذ به حیا کنند و نتیجهٔ مشئومه‌ای را که در نظر دارند حاصل کنند. چون تصمیم گرفته بودم که زیر بار چنین مسئولیت بزرگی نروم با کمال شدت و حدت گفتم آقای رئیس الوزراء من که وزیر داخله هستم نمی‌توانم با میل یک ارمنی آنارشیست که معلوم نیست با چه نیت و چه مأموریت می‌خواهد انقلاب بزرگی در تهران راه بیندازد موافقت کنم. او تابع امر دولت است. نمی‌تواند مستقلاً منویات داشناکسیونی خود را اجرا کند. قهر می‌کند و می رود، بجهنم برود. مگر ما مجبوریم که افسار خود را به دست او بدهیم. بنده به سهم خود از چنین وزارت استعفا می‌کنم تا خود دانید با سیاست یفرم. این را گفته از اطاق خارج شدم. پشت سر من حاج محتشم السلطنه، ممتازالدوله و معاون‌الدوله دویده مرا توی باغ گلستان گرفته به اصرار به اطاق جلسهٔ وزراء بردند و چون استعفای من و سبب او معلوم بود فوراً منتشر و به رسوائی حضرات منجر می شد نایب السلطنه رئیس الوزراء را مجبور کرده بود که بلافاصله مرا به اطاق دیگر... است از من استمالت نماید.

در آنجا حاج محتشم‌السلطنه به من گفت ما به کلی بی‌خبریم نمی دانیم موضوع اختلاف چیست؟

بنده فوراً صورت پیشنهادی یفرم‌خان را درآورده جلو چشم وزراء گذاشتم. آقایان که واقعاً به کلی بی خبر بودند یا از گوشه و کنار اجمالاً چیزی می دانستند با نهایت تعجب و حیرت راپرت مفصل نظمیه را ملاحظه کردند. از آنجائی که در اخلاق ایرانی صراحت لهجه نیست و همهٔ مطالعات و ملاحظات در تحت تأثیر... دربحر عمق مجامله مستهلک می شود همگی گفتند برای اینکه کاری کرده شود عقیدهٔ خودتان چیست؟

گفتم من به هیچ وجه عقیده ندارم بدون جهت مشروع و مسلمی مزاحم اشخاص محترمی بشویم. اما با این نظر که شما دارید که نه سیخ بسوزد و نه کباب و یک کاری شده باشد قلم را به دست گرفته اولاً سرلوحهٔ راپرت را که اجرائیات توسط نظمیه صورت بگیرد قلم کشیدم. مقابل اسم عین الدوله نوشتم از ایشان خواهش می‌کنم چند ماهی برای سرکشی... تشریف ببرند. به فرمانفرما و وثوق‌الدوله حکومتی می دهم که چندی از تهران خارج شوند. از قوام‌السلطنه خواهش می‌کنم چند ماهی مسافرت فرنگستان برود. از حاج ناصرالسلطنه دویست هزار

تومان به نفع خزانهٔ دولت می‌گیرم. حشمت‌الدوله وظهیرالاسلام و حاج مجدالدوله و برادرانش و غیره و غیره را به کلی معاف می‌کنم.

آقایان وزراء ظاهراً یا باطناً به همین اندازه قانع شدند و بنا شد مشغول انجام همین مقررات بشوم.

چون من در آن وقت با عین‌الدوله هیچ خصوصیتی نداشتم و بین ما در ملاقات فقط سلام‌علیکی مبادله می شد. پیغام خود را خواستم توسط شاهزاده نیرالدوله به ایشان برسانم. علیهذا به وسیلهٔ تلفن فردای آن روز را وقت معین کردم چایی عصر را در منزل من صرف فرمایند. فوراً صبح آن روز به منزل فرمانفرما رفته گفتم میل دارید به حکومتی تشریف ببرید؟

فوراً گفت حکومت است یا تبعید؟

گفتم کنجکاوی چه لازم است. سابقاً برای حکومتها چهل پنجاه هزار تومان تعارف می دادند حالا وزیر داخله به صرافت طبع و مجاناً در طبق اخلاص به شما تقدیم می‌کند.

ــ پرسید حکومت کجا؟

ــ گفتم کرمانشاه و همدان.

ــ گفت با کمال میل می روم.

به آقای وثوق‌الدوله تلفن کردم تشریف آورد به جلسهٔ وزراء. در اطاق خصوصی گفتم میل دارید به یک محل خوش‌آب و هوائی مثل کردستان تشریف ببرید؟

ــ گفتند می‌روم.

فردای آن روز باز جلسهٔ وزراء در حضور نایب‌السلطنه تشکیل شد. موضوع مذاکره تعیین شخص محترم و باشأنی بود که برای تاجگذاری ژرژ پنجم پادشاه انگلستان به لندن اعزام شود. از اشخاص اسم برده می شد. از جمله یکی از وزراء (که با عین‌الدوله سابقهٔ ارتباط نزدیک داشت) اسم عین‌الدوله را برد. بعضیها ساکت ماندند. بعضیها گفتند خیلی مناسب است. من ساکت و متحیر که خدایا چه مملکت عجایب است. چند روز پیش در روز روشن خانهٔ او را محاصره می‌کردند که بمب‌سازان او را بگیرند! پس از آن با قضاوت و تشخیص یفرم‌خان می خواستند او را به حبس ابد و مصادرهٔ اموال و املاک مجازات دهند! حالا می‌خواهند همان شخص را به عنوان سفیر کبیر فوق‌العاده یعنی شخص معتمد و جلیل‌الشأنی به دربار انگلستان بفرستند. نه نایب‌السلطنه، نه رئیس‌الوزراء و نه هیچیک از وزراء نمی‌گوید دیروز قرار شد عین‌الدوله به فریمان تبعید شود امروز چطور او را نمایندهٔ دولت و ملت می توان معین نمود.

برای اینکه علاوه بر قباحت اخلاقی و خلاف نزاکت نسبت به دولت انگلیس تأثیر سوء این مذاکره برخوانندگان روشن شود لازم است وضعیت در اطاقی را که در قصر ابیض محل نشیمن نایب‌السلطنه بود متذکر شوم. این در هرگز تماماً چفت نمی شد و دائماً چند نفر به عنوان پیشخدمت رئیس‌الوزراء، خادم اطاق، پیشخدمت فلان وزیر پشت در ایستاده و تمام صحبتها را می شنیدند و حتماً توی اینها جاسوسان صحبتهای مهم را به مراکز متبوعهٔ خود می رسانیدند. صحبت تعیین عین‌الدوله به این مأموریت مهم البته مستقیم یا غیر مستقیم به عین‌الدوله می رسید. پس درین بین تکلیف من به عین‌الدوله که چندی به فریمان تشریف ببرند حقاً و منطقاً این معنی را می بخشید که دولت نسبت به او سوء نظری ندارد و تکلیف فریمان رفتن میل شخص من است.

حاج ناصرالسلطنه را هم ندیدم. سه چهار روز بعد در جلسهٔ وزراء از اجرائیاتی که برعهده گرفته بودم جویا شدند.

ــ گفتم آن صحبتها که جدی نبود تا من تعقیب نمایم.

ــ گفتند چطور جدی نبود؟

ــ گفتم دو روز پیش از آنکه من عین‌الدوله را مجبور به رفتن فریمان کنم شما می خواستید و شاید هنوز هم می خواهید او را برای تبریک تاجگذاری پادشاه انگلستان بفرستید. لهذا من حق دارم صحبتهای تبعید و غیره را شوخی فرض کرده ترتیب اثری به او ندهم.

البته با مقدماتی که در این خصوصها بین نایب‌السلطنه و رئیس‌الوزراء طراحی شده بود و من سنگ بزرگی به میان انداختم تکلیف من منحصراً استعفا از وزارت بود. لهذا استعفانامهٔ خود را حاضر کرده به جلسهٔ وزراء رفتم. من در این اندیشه که ناگاه حوادث ناگه ظهور این تصمیم قطعی را چندی به تأخیر انداخت.

۱۳ ــ رئیس‌الوزرائی سعدالدوله

مورخ‌الدوله سپهر در کتاب (ایران در جنگ بزرگ) در این مورد نوشته است:

عصر امروز یکی از درباریان مقرب سلطان احمدشاه که در

جمعیت مخفی آلمان عضویت دارد دوان‌دوان خود را از قصر فرح‌آباد به تهران رسانیده به نگارنده چنین اطلاع داد سه ساعت و نیم بعد از ظهر، ولینگ وزیر مختار انگلیس و باخ شارژ دافر روسیه بدون اجازه قبلی متفقاً حضور شاه شرفیاب شدند و در تحت جبر وَ فشار و تهدید شاه را مصمم داشتند که به عزل مشیرالدوله و نصب سعدالدوله و بستن مجلس و توقیف جراید و اخراج صاحبمنصبان سوئدی و سپردن ژاندارمری به کلنل مریل امریکائی و طرد دیپلماتهای آلمانی و عثمانی از ایران مبادرت ورزد. ضمناً علاوه کرد که در این ساعت مشیرالدوله و موتمن‌الملک رئیس مجلس در فرح‌آباد حضور شاه هستند و اگر جلوگیری نشود فردا سعدالدوله به مقام صدارت با اختیارات تامه جلوس خواهد کرد. نگارنده پس از شنیدن خبر به این مهمی چون کاردرف را در سفارت پیدا نکردم به منزل رئیس ژاندارمری واقع در خیابان اسلامبول رفتم و در آنجا اکثر افسران سوئدی اعم از مستشاران ژاندارمری و نظمیه را جمع آورده به منظور مقاومت در مقابل حوادث به مشاوره پرداختیم. بعضی از صاحبمنصبان سوئدی می‌گفتند باقوه قهریه همین امشب شاه را دزدیده به خارج خواهیم برد. چند نفر دیگر می‌خواستند وزراء مختار روس و انگلیس را توقیف و تبعید کنند. عقیده مرا استعلام نمودند جواب دادم من چنین مسئولیتی را به عهده نمی‌گیرم هرطور است شارژ دافر آلمان را پیدا کرده به اینجا خواهیم آورد که باحضور او چنین تصمیم خطیری اتخاذ شود. ساعت ده به اتفاق کاردرف و عاصم بیک سفیر کبیر عثمانی مجدداً به منزل رئیس ژاندارمری آمدیم و بعد از مذاکرات طولانی چنین مقرر شد که همان شب سفیرکبیر و شارژ دافر با یک اسکورت چند صد نفری سوار ژاندارم به قصر فرح‌آباد رفته جبراً حضور شاه شرفیاب شوند و حتی اگر شاه خواب باشد او را بیدار کرده هر طور شده ناسخ دستخط صدارت سعدالدوله را صادر کنند. بعد از نصف شب هر دو دیپلمات به فرح‌آباد رسیدند. موثق‌الدوله وزیر دربار از صدای هیاهو سراسیمه از خواب پرید و با پای بی جوراب و زیرشلواری سفیر کبیر عثمانی و شارژدافر آلمان را پذیرفت و مجبور شد برود شاه را از خواب بیدار کند. خلاصه دو نماینده متحدین اروپای مرکزی تا سه ساعت و نیم بعد از نصف شب حضور شاه بودند و موفق شدند نقشه کودتای متفقین را نقش بر آب نمایند.

۱۴- استعفای نیکلا امپراطور روسیه

«با عنایت الهی ما نیکلای دوم امپراطور کل ممالک روسیه و پادشاه لهستان و گراندوک فنلاند و غیره و غیره به عموم رعایای وفادار خود اعلام می داریم:

در این ایام مبارزهٔ عظیم که دشمن خارجی از سه سال به این طرف هم خود را به انقیاد وطن ما مصروف می دارد ارادهٔ خداوند متعال بر آن تعلق یافته که روسیه مورد آزمایش جدیدی در حین تیره‌روزی قرار گیرد. نظر به اینکه شدت اختلالات داخلی ممکن است تأثیر شومی در جریان آیندهٔ این رزم عنود و مخوف داشته باشد چنین مقتضی است که با هر قیمت میسر گردد به احترام مقدرات روسیه و شرافت ارتش قهرمان و سعادت ملت و آتیهٔ کلی میهن گرامی جنگ تا پیروزی نهائی دوام داده شود. دشمن قسی القلب و بیدادگر آخرین تلاش خویش را بکار می برد اما موقع نزدیک است که قشون دلیر ما دست در دست متفقین بزرگوارمان او را بالمره از پای درآورد. در این روزها که موجودیت روسیه قطعیت می یابد ما خود را برای اطاعت از ندای وجدان مکلف می دانیم تسهیلاتی فراهم سازیم تا اتحاد تنگ‌تری در میان ملت به‌وجود آید و تمام قوای کشور به منظور نیل به فتح سریع متشکل گردد.

به همین جهت است که با موافقت دومای امپراطوری مقتضی می دانیم که از تخت و تاج سلطنت استعفاء نمائیم و از قدرت عالیه صرف نظر کنیم. چون مایل به جدائی از فرزند دلبند خویش نیستیم میراث خود را به برادرمان گراندوک میشل الکساندرویچ انتقال داده در موقع جلوس وی روی تخت شاهی دعای خیرمان را نثار او می داریم و درخواست می نمائیم که با اتحاد کامل با نمایندگان ملت، کرسی‌نشینان مؤسسات تقنینیه، فرمانروائی کند و یک سوگند ناگسستنی در برابر ایشان بنام وطن محبوب یاد فرماید. ما عموم فرزندان صدیق میهن را مخاطب ساخته از آنها تمنی داریم که در این لحظهٔ رنجبار آزمایش ملی به وظیفهٔ وطن‌پرستانه و مقدس خویش عمل کرده اوامر امپراطور را اطاعت نمایند و به اتفاق نمایندگان ملت با او مساعدت ورزند تا بتواند دولت روس را در راه ترقی و افتخار رهنمون باشد.

نیکلای دوم پس از امضاء استعفانامه تلگراف ذیل را به عنوان برادرش گراندوک میشل مخابره نمود:

«اعلیحضرت امپراطور میشل، پطروگراد، پیش آمدهای ناگهانی ایام اخیر مرا به اتخاذ تصمیم فوق العاده وادار نمود. از اینکه فرصت اجازه نداد که تو را مستحضر کنم پوزش می طلبم. من همواره برای تو یک برادر صدیق وفاداری خواهم بود، فعلاً به استوکا مراجعت می نمایم و امیدوارم تا چند روز دیگر به تزار سکوی سلو برویم. رجاء واثق دارم که خداوند تو و ملت تو را در پناه خود محفوظ دارد نیکا».

روز شانزدهم مارس کمیسیون سه نفری با موافقت حکومت موقتی فرمانی تنظیم و به امضای گراندوک میشل رسانیدند. اینک ترجمه فرمان:

«هموطنان، مسئولیت سنگین تاج و تخت را ارادهٔ برادرم موقعی به من محول می‌کند که کشور علاوه بر جنگ بی سابقهٔ خارجی دچار اختلالات داخلی است. اینجانب چون مانند سایر هموطنان سعادت مملکت بزرگ خود را مافوق همه آمال و آرزوها می دانم قبول مسئولیت را به تشکیل مجلس مؤسسان که با ارادهٔ ملت قوانین اساسی کشور را تدوین خواهد نمود موکول می‌دارم. با توجه به عنایات خداوند یکتا از کلیهٔ هموطنان روسی خود تقاضا می‌کنم اوامر حکومت موقتی منتخبه از طرف مجلس دوما را که دارای کلیه اختیارات قانونی است تا انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان که به اسرع اوقات با کمال آزادی به وسیلهٔ رأی مستقیم و مخفی کلیه افراد کشور تشکیل و تکلیف نوع حکومت را ارادهٔ ملت تعیین می نماید اطاعت کنند میشل»

۱۵- بیانیه لنین و تروتسکی

اعلامیه‌ای که لنین خطاب به مسلمانان روسیه و مشرق‌زمین منتشر کرد به این شرح است:

«رفقا، برادران، وقایع عمدهٔ در خاک روسیه در جریان است؛ خاتمه مجازات خونینی که از برای تقسیم کردن ممالک دیگران شروع شده بود نزدیک می شود. سلطنت وحشیانهٔ که زندگانی ملل عالم را بنده خود قرار داده بود مقهور گردید. عمارت کهنه و پوسیدهٔ استبداد و بندگی در زیر ضربات انقلاب روس خراب می شود... حکومت مملکت در دست ملت است.... در این مقصود مقدس روسیه تنها است.... و آن هندوستان دوردست که قرون متمادی در تحت ظلم و فشار درندگان متمدن اروپا واقع شده بود بیرق انقلاب برافراشته.... سلطنت غارت و زور سرمایه داران منقرض گردید.

مسلمانان مشرق؛ ایرانیان، ترکها، عربها؛ هندوها و تمام طوایفیکه سباع حریص اروپا زندگی و دارائی و آزادی آنها را در قرون متوالی مال الاجاره از برای خود قرار داده و غارتگران جنگجو می خواهند ممالک آنها را تقسیم کنند!

ما اعلام می‌کنیم که عهدنامه سری راجع به تقسیم ایران محو و پاره گردید و همین که عملیات جنگی خاتمه یافت قشون روس از ایران خارج می شود و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تأمین خواهد گردید.... در این موقع که حتی مسلمانان هند که تحت ظلم و فشار بیگانه کوبیده و فشرده شده‌اند بر ضد ستمکاران شورش می‌کنند نباید خاموش نشست فرصت را غنیمت و غاصبین را از اراضی خود دور اندازند، ما زیر پرچمهای خود ملل مظلومه را برای استخلاص جای می دهیم. ای مسلمانان روسیه، ای مسلمانان مشرق زمین، در این راه تجدید حیات عالم ما از جانب شما انتظار هم‌عقیدگی و مساعدت را داریم.»

متن مراسله دولت بلشویکی لنین به شارژ دافر ایران در پطروگراد مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۱۸ = ۲۶ دی ۱۲۹۶ به شرح زیر است:

«نظر به اینکه ملت ایران از وضع آتیه عهدنامه ۱۹۰۷ منعقد بین روس و انگلیس مردد است با نهایت احترام بنام حکومت جمهوری روسیه مراتب ذیل را به استحضار خاطر شریف می رساند: موافق نص صریح اصول سیاست بین المللی که در کنگره ثانی کمیسرهای ممالک روسیه در ۲۶ اکتبر ۱۹۱۷ مقرر شده است شورای کمیسرهای ملت روس اعلام می دارند که معاهده فوق الذکر نظر به اینکه بر علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین روس و انگلیس بسته شده به کلی ملغی و تمام معاهدات سابق و لاحق آن نیز که هرجا حیات ملت آزادی و استقلال ایران را محدود نماید از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود.

در خصوص تعدیات دستجاتی از قشون روس که هنوز خاک ایران را تخلیه نکرده‌اند باید خاطرنشان شود که این ترتیبات بر خلاف اراده و میل ما صورت گرفته و ناشی از جهالت قسمتی از سربازان و سوء نیت ضد انقلابی فرماندهان ایشان است. شورای کمیسرهای روسیه آنچه در حیز قدرت دارد

به استخلاص ایران از مأمورین تزار و سرمایه‌داران امپراطوری خود که هم دشمن ملت ایران و هم خصم روسیه می باشند مبذول داشته تمام اتباع روس را که مرتکب اعمال تجاوزکارانه نامشروع نسبت به ملت ایران شده‌اند مجدانه موافق قوانین انقلابی تنبیهً خواهد کرد و در زمینه روابط بین‌المللی تا درجه امکان جدیت خواهد کرد که به تخلیه کامل قشون عثمانی و انگلیس از ایران موفقیت حاصل کند. صمیمانه امیدوارم موقع آن نزدیک شده باشد که ملل دنیا حکومتهای خود را به جلوگیری از تجاوزات نسبت به ملت ایران وادار و موانع توسعهٔ قوی و ترقی آزادانه مملکت مزبور را مرتفع نمایند به هر حال شورای کمیسرهای ملت روس فقط روابطی را با ایران معتبر می‌داند که مبنی بر تعهداتی به رضایت طرفین و احترامات بین دو دولت باشد.

«امضاء ــ تروتسکی»

۱۶ــ ظل السلطان را بشناسیم

دربارهٔ مسعود میرزا ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه قاجار که زمانی بر نیمی از ایران حکومت داشت مورّخین و محققین مطالب زیادی نوشته‌اند و در غالب کتبی که درباره تاریخ معاصر تنظیم شده است این مطالب به چشم می‌خورد. مورخ دانشمند حسین سعادت نوری که تحقیقات پرارزشی درباره دوران قاجاریه نموده‌اند کتابی تحت عنوان (ظل السلطان) به رشته تحریر درآورد. که حاوی نکات جالبی است ما خلاصه‌ای از کتاب مزبور را که توسط آن شادروان تلخیص و در یکی از سالنامه‌ها به چاپ رسیده بود برای خوانندگان ارجمند در ذیل نقل می‌کنیم.

مسعود میرزا ظل السلطان فرزند ارشد ناصرالدین شاه که قبلاً یمین‌الدوله لقب داشت روز بیستم صفر سال ۱۲۶۶ هجری قمری برابر با پنجم ژانویه ۱۸۵۰ میلادی قدم به عرصه وجود نهاد.

مادر ظل السلطان عفة‌الدوله است که بعدها لقب عفة‌السلطنه یافت دختر رضاقلی بک غلام پیشخدمت بهمن میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه.

قبل از تولد ظل السلطان سه پسر ناصرالدین شاه ملک قاسم میرزا و معین‌الدین میرزا و محمود میرزا و یک دختر به نام فخرالملوک در طفولیت فوت کرده بودند بنابراین ظل السلطان فرزند پنجم ناصرالدین شاه و پس از فوت آن چهار تن فرزند ارشد او بوده است.

ظل السلطان سه سال از مظفرالدین شاه بزرگتر بود ولی چون مادرش عقدی نبود به ولیعهدی انتخاب نگردید.

صاحب ترجمه از اوایل جوانی یعنی از چهارده سالگی مصدر خدمات دولتی شد و در ابتداء پس از عزل کیومرث میرزا ملک‌آرا به حکمرانی فارس و اصفهان و ترکمن صحرا منصوب گردید سپس متناوباً به حکمرانی فارس و اصفهان انتخاب شد و موقعی تقریباً بر تمام جنوب ایران حکومت می‌کرد.

ظل السلطان چون مالیات شاه را به خوبی وصول و طرق و شوارع حوزه مأموریت خود را امن کرده بود محبوب دربار محسوب می شد و بدیهی است برای تقرّب نزد شاه مستبد قاجار توجه به حال رعایا و اینکه آیا آن‌ها در رفاه یا بالعکس به سختی روزگار می‌گذرانند مورد نظر شاه نبود. قسمتی از این وجوه بمصرف سپاهیان ظل السلطان که عده آنها بالغ بر ۲۱ هزار نفر بود و به سبک نظام اطریشی تعلیم یافته و دارای خودهای آهنین و تفنگهای اطریشی بودند می‌گردید و به قراری که دکتر فوریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه می‌نویسد: ظل السلطان غالباً لباس ژنرالی این سپاه را می‌پوشیده است.

از بیست و یک هزار نفر قشون ظل السلطان هفت هزار نفر سواره و بقیه پیاده بودند و جمعی می‌گفتند که شاهزاده با این تجهیزات خیال مخالفت با برادر خود مظفرالدین میرزا را در سر می پروراند و جمعی هم مدعی بودند شمشیری به استادان اصفهان سفارش داده و روی تیغه آن مظفرکش نوشته است.

لرد کرزن در کتاب خود راجع به ایران در باب ظل السلطان می نویسد:

«ظل السلطان برعکس برادر خود مظفرالدین میرزا وارد اجتماع است و در کارهای دولتی عامل مؤثری است با فرنگیها معاشرت می‌کند و از دوستی با انگلیسیها دم می زند و خود را روشن‌فکر و طرفدار تمدن جدید می داند و از هرگونه خونریزی باک ندارد، مردم ایران از بی رحمی های او داستانهائی نقل می‌کنند..

«من در عمارت مسعودیه (محل فعلی وزارت فرهنگ) به ملاقاتش رفتم و شاهزاده مطابق وقتی که قبلاً تعیین شده بود در وسط راهرو ایستاده و سرداری ترمه کشمیری و شلوار خاکستری

رنگ و پوتین بوقی پوشیده بود و پس از ورود مرا در صندلی مقابل جا داد.

«آنگاه سخن آغاز شد، شاهزاده بنا به عادت خانوادگی تندتند حرف می‌زد و در ضمن قاه‌قاه می‌خندید، مجموع گفته‌های او اینکه انگلستان مرکز تمدن جهان است و لرد سالیسبری بهترین رئیس الوزراء های دنیا می باشد و ضمناً اظهار داشت که چندین روزنامه انگلیسی و فرانسوی وروسی و آلمانی را مشترک است و مرتباً برای او ترجمه می‌کنند ولی بیش از همه شیفته تمدن و حکومت انگلستان است. عین همین حرفها را به من گفته به مهمانهای روسی هم تحویل داده و قرائنی هم برای اثبات صحت گفته دکتر ستاک در دست می‌باشد.

«چون مظفرالدین میرزا و امیرنظام درمنطقه روسها اقامت دارند و تحت نفوذ آنها درآمده اند ظل السلطان نیز به انگلیسیها متمایل شده ولی حقیقت قضیه این است که هر دو شاهزاده منتظر پیش آمد هستند تا به نفع خود با این و آن دمساز گردند».

دکتر فوریه طبیب ناصرالدین شاه راجع به ظل السلطان چنین می نویسد:

«شاهزاده ظل السلطان پسر ارشد شاه چند روز بعد از ورود به تهران کالسکه خود را پی من فرستاد... مرا به اطاقی که نور ضعیفی آن را روشن کرده بود هدایت نمودند. شاهزاده را دیدم که با تأنی و وقار مخصوصی به بازی شطرنج مشغول است به من گفت که از این بازی اطلاعی داری؟ من تاکنون هیچگاه در بازی شطرنج نباخته‌ام. و وقتی که من به او نزدیک شدم مرا بنشستن پهلوی خود دعوت کرد و لابد قصد او این بود که مهارت او را در بازی تحسین کنم.

«ظل السلطان مردی است تنومند و کوتاه‌قامت و چهل سال دارد، موی سر و سبیل و ابروان او سیاه سیر است و پوست بدنش بسیار سیاه‌رنگ و چشم چپش لوچ و از چهره‌اش سخت کشی و رعب می بارد. کلامش کوتاه و قاطع است و می فهماند که او به فرمان دادن و مردم را به اطاعت واداشتن عادت کرده است. از این گذشته در مملکت مظهر قدرتی است که موجب نگرانی شده و شاه به اشاره صدراعظم علی الاجبار به محدود کردن او قدمهائی برداشته است.

«پسر ارشد شاه بر تمام جنوب ایران نه تنها حکومت بلکه سلطنت می‌کند. این شاهزاده در اصفهان به تهیه قشونی دست زده که می تواند هر آن او را در اجرای منویاتش کمک کند و هرگاه بخواهد چنانکه خود علناً گفته است که مدعی برادرخود یعنی ولیعهد قانونی مملکت بشود قشون مورد بحث او را پشتیبانی خواهد نمود».

سر پرسی سایکس در کتاب هشت سال در ایران می نویسد:

«در حین توقف در اصفهان دومرتبه با ظل السلطان ملاقات نمودم و یک مرتبه نیز افتخار صرف شام با معزی الیه نصیب نگارنده شد.

«شاهزاده که از خیلی جهات نظیر پدر خود است و بذله‌گوئی و مطایبه او در جلسه اول ملاقات معلوم می شود از اینجانب پذیرائی گرمی به عمل آورد و اطلاعات او راجع به اوضاع بین المللی و مراقبت وی در حفظ امنیت منطقه مأموریت خود قابل تمجید می باشد.» و ایضا همان نویسنده در کتاب دیگری به نام تاریخ ایران می نویسد:

«ظل السلطان ظاهراً با مشروطه‌خواهان کمک و همراهی می‌کرد ولی در باطن تصور می نمود که با ایجاد تزلزل مقام محمد علیشاه ممکن است که به آرزوی دیرینه خود یعنی سلطنت برسد و تخت و تاج کیانی را تصاحب نماید لیکن همه می دانستند که هرگاه او به تخت پادشاهی تکیه زند از هر سلطان مستبدی خونخوارتر خواهد بود».

مسعود میرزا تا چهارده سالگی با برادر اعیانی خود سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله (بعد از فوت سلطان حسین میرزا این لقب به پسر ارشد ظل السلطان داده شد) و مادرش عفة السلطنه در عمارت مخصوصی که برای آنها با تجمل کامل تهیه شده بود زندگی می‌کردند و روزها را غیر از ایام تعطیل در دیوانخانه که موسوم به انارستان بود به تحصیل زبان فارسی وعربی و فرانسه اشتغال داشتند للهٔ مسعود میرزا و للهٔ برادرش میرزاکاظم و معلم فارسی و عربی آنها سید محمد نامی بود زبان فرانسه را نیز میرزا یعقوب‌خان ارمنی پدر میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و پس از او میرزا هارطون ارمنی مترجم اول وزارت خارجه به آنها تدریس می‌کرد.

در ماه ذی الحجه ۱۲۷۸ ظل السلطان به حکومت مازندران و ترکمن‌صحرا و سمنان و دامغان منصوب گردید و در این مأموریت مصطفی‌خان افشار ملقب به بهاءالملک به وزارت و حاجی‌غلامعلی‌خان دنبلی به پیشکاری وی انتخاب و همراه او به ساری مقر مأموریت او عزیمت نمودند این مأموریت چهار

سال و دو ماه به طول انجامید سپس به تهران احضار شد و در موقع ورود به پایتخت همدم‌الملوک که بعدها همدم‌السلطنه لقب یافت دختر عزة‌الدوله و میرزا تقی‌خان امیرکبیر به حباله نکاح وی درآمد.

ظل‌السلطان به ازدواج با تاج‌الملوک خواهر همدم‌السلطنه زیادتر تمایل داشت ولی مظفرالدین میرزا به تاج‌الملوک که بعدها بام‌الخاقاق ملقب شد دل سپرده شکوه‌السلطنه مادر ولیعهد او را برای فرزند خود خواستگاری کرد. در همین اوان بود که مسعود میرزا یمین‌الدوله ملقب به ظل‌السلطان گردید و مهد علیا مژده حکومت پارس را به او داد و ضمناً او را مطلع ساخت که حکومت مازندران در عهد شیرخان اعتضادالدوله (عین‌الملک خوانسالار) شوهر عزة‌الدوله گذاشته خواهد شد.

ظل‌السلطان سه سفر به حکومت فارس رفت. اول به وزارت محمد ناصرخان ظهیرالدوله و میرزا محمد قوام‌الدوله آشتیانی که هر کدام یک سال وزیر او بودند.

محمد ناصرخان ظهیرالدوله قاجار پدر علی خان ظهیرالدوله است که از دراویش شاه نعمة‌اللهی بود و قبر وی اینک بین راه تجریش و امامزاده قاسم مطاف اهل طریقت است، قوام‌الدوله جد اعلای مرحومان حسن وثوق و احمد قوام بود که در زمان وزارت شاهزاده حمزه میرزا حشمة‌الدوله در خراسان در جنگ مرو به افتضاح تمام شکست خورد و در نتیجه عده کثیری از سپاهیان ایران به اسیری در جنگ ترکمن‌ها افتادند.

در سفر دوم به فارس آصف‌الدوله وزیر ظل‌السلطان بود و در سفر سوم با ظهیرالدوله و در همین سفر اخیر است که مرحوم حاج میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار راجع به ظل‌السلطان به ناصرالدین شاه اینطور می‌نویسد:

«مأموریت نواب اشرف ارفع شاهنشاهزاده اعظم ظل‌السلطان صلاح حالیهٔ دولت نیست زیرا از یک طرف به جهت قرب به پایگاه عظمت مطمئن است و از جانب دیگر میل مفرطی به جمع‌آوری پول دارند و ابقاء بر مال و عرض احدی نخواهند فرمود، رعیت بی پا می‌شود و مالیات به خزانه نخواهد رسید... یا آنکه شاهزاده را با شرایط و عهود و پیشکار معقول و مسلط بفرستیم و مالیات را از پیشکار بخواهیم و قدرت تعدی و اجحاف یا تعرض به ناموس مردم به او مرحمت نشود... در این صورت به غیر از ظهیرالدوله و یا علاءالدوله عجالة در دربار همایون کسی قابل ولایق این کار نیست».

ناصرالدین شاه در جواب می‌نویسد:

«جناب صدراعظم در فقرهٔ تعیین حکام و پیشکاران ولایات بزرگ و کوچک از قراری که مکرر گفته‌ام خود تکلیفی بشما نمی‌کنم و ابداً اظهار رأی نخواهم کرد هر طور مصلحت مملکت و دولت باشد قرار حاکم و پیشکار فارس را بدهید و زود روانه کنید.»

به همین مناسبت ظل‌السلطان کینه سپهسالار را همیشه در دل داشته و همواره برای او کارشکنی می‌کرده و در ص ۳۱۳ کتاب خود بنام تاریخ مسعودی در باب چهار فرزند میرزا نبی‌خان امیر دیوان می‌نویسد:

«حقیقة چهار شیطان مجسم بودند بخصوص برادر بزرگشان میرزا حسینخان»

ظل‌السلطان در سال ۱۲۹۱ فرمانفرمای اصفهان شد و مدت چهل سال با کمال جبروت و اقتدار حکومت کرد.

در این مدت دست تعدی و تطاول به مال و ناموس و جان اشخاص دراز نمود و املاک فراوانی از مردم بسیاری که دسترسی بجائی نداشتند غصب و تصاحب کرد. رضا قلیخان ایروانی منشی خود را که ملقب به سراج‌الملک بود بطمع نقدینه‌ای که داشت چای مسموم داد و تمام اموال او را مصادره نمود و فرزندان وی را به خاک سیاه نشانید.

مشیرالملک را نیز کشت و اموال او را تصرف کرد رحیم‌خان نایب‌الحکومهٔ اصفهان و بانی مسجد معروف پای نارون را به طمع ضبط اموال او به چوب بست و در زیر شکنجه هلاک ساخت و خانه و اموال مصطفی قلیخان نوری فراشباشی خود را به جبر و عنف ضبط نمود و فرزندان او را تیره‌بخت وسیه‌روز و از همه مهم‌تر حسین قلیخان ایلخانی را که در سفر بختیاری از او کمال پذیرائی را کرد بنامردی در اصفهان در ۲۷ رجب ۲۲۹ قمری دستگیر وخفه کرد.

اما داستان بی‌ناموسی های ظل‌السلطان چون از حوصله این مقاله خارج است از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

آقای جابری انصاری صاحب تاریخ ری و اصفهان می‌نویسد که ظل‌السلطان برای اینکه عمارات صفوی و زیبائی شهر.اصفهان توجه ناصرالدین شاه را جلب ننماید دستور قطع اشجار خیابانها و تخریب ساختمانهای صفوی را داد و با آنکه چند نفر از بازرگانان اصفهان حاضر شدند مبالغ هنگفتی به او بدهند و وی را از این کار زشت بازدارند از تصمیم خود منصرف

نگردید و بالنتیجه اکثر باغات و عمارات ذیل بدست بیداد وی خراب و ویران شد:

۱ ــ باغ و قصر سعادت آباد ۲ ــ عمارت هفت دست ۳ ــ قصر نمکدان ٤ ــ آئینه خانه ۵ ــ بهشت برین ٦ ــ بهشت آئین ۷ ــ انگورستان ۸ ــ بادمستان ۹ ــ نارنجستان ۱۰ ــ کلاه فرنگی ۱۱ ــ باغ تخت ۱۲ ــ باغ آلوبالو ۱۳ ــ باغ طاوس ۱٤ ــ عمارت و باغ نقش‌جهان ۱۵ ــ باغ فتح‌آباد ۱٦ ــ گلدسته ۱۷ ــ تالار اشرف ۱۸ ــ عمارت خورشید ۱۹ ــ سر پوشیده ۲۰ ــ عمارت خسروخانی ۲۱ ــ باغ زرشک ۲۲ ــ باغ چرخاب ۲۳ ــ باغ محمود ۲٤ ــ باغ صفی میرزا ۲۵ ــ باغ قوشخانه ۲٦ ــ باغ نظر ۲۷ ــ عمارت و سردرباغ هزار جریب ۲۸ ــ عمارت جهان‌نما و قریب چهل باغ و عمارت دیگر که اهمیت باغات فوق را نداشته.

گویند قساوت و بی‌رحمی ظل‌السلطان بحدی بود که مظفرالدین شاه وقتی می خواست کسی را به قساوت و بیرحمی مثل بزند می‌گفت:

«این آقا را نمی‌شناسید؛ این آقا عیناً مثل ظل‌السلطان است، در ایام طفولیت با هم درس می خواندیم و طرف عصر که به اندرون می‌رفتیم ظل‌السلطان با میخ و چاقو چشم گنجشکهائی را که غلام‌بچه‌ها برای او می‌آوردند در آورده و آنها را در هوا رها می‌کرد و می‌گفت داداش حالا ببین چطور پرواز می‌کنند یک مرتبه شاه رسید و کتک مفصلی به ظل‌السلطان زد و گوش مرا هم کشید و گفت بعدها با این پسره راه نرو».

در باب قساوت قلب ظل‌السلطان مستر بنجامین اولین وزیر مختار امریکا در ایران در کتاب مشاهدات خود چنین می‌نویسد:

«اگر چه در باب برائت اعمال اعلیحضرت شاه و بعضی از حکام و شاهزاده‌های ایران عذر اینکه آنها به مراتب بهتر از اجداد خونریز خود هستند بلکه بهتر از سلاطین چند پشت قبل فرنگ می باشند زیاد است اما در باب ظل‌السلطان مسعود میرزا که فرزند ارشد اعلیحضرت‌شاه و حاکم محالات مرکزی ایران است و در اصفهان اقامت می‌کند نمی توان عذر و بهانهٔ پیدا کرد.

«این شاهزاده شخصی است با قد متوسط و تنومند و سن او بسی و پنج رسیده، از اخلاق او معلوم می‌شود که عزم و جزم و اصالت رای زیادی دارد، هیچوقت من کسی را ندیدم که مانند ظل‌السلطان در من تأثیر نموده باشد.

او گوئی برای اقتدار و حکمرانی متولد شده باشد و با وجود تمام این عزم و جزم از صورت او به طوری علامات تزویر پیداست که ممکن نیست شخص در آن باب اشتباه کند و اتفاقات در زندگی او، هم استعداد و هم زیرکی او را به اثبات رسانیده است.

ظل‌السلطان به من گفت که از سن ده سالگی حکومت نموده‌ام، مسلماً شخص با تجربهٔ را در پیشکاری او قرار داده بودند.

این شاهزاده میل زیادی به جلال و ترقی دارد ولی به موجب قوانین ایران برادر کوچک که حاکم آذربایجان است ولیعهد سلطنت قرار داده شده. اگر چه طبیعی بود که او به واسطهٔ بزرگی سن ولیعهد شود ولی چون مادر ولیعهد از خانواده سلطنتی است و مادر ظل‌السلطان از طبقات متعارفی، او باین مقام نرسید، مخصوصاً جای تأسف است زیرا که ظل‌السلطان چنان طبیعتی ندارد که به ابطال حقوق طبیعی خود تن دردهد و جای ترس است که وقتی زمان جلوس ولیعهد برسد حاکم جلال دوست و محیل فارس در باب سلطنت ادعا نکند.

«ظل‌السلطان مکنت زیادی جمع کرده و اگرچه قدغن است که قشون مخصوص نگاه دارد و اسلحه به ایران بیاورد معهذا او ادارهٔ قشون خود را بدست آورده و قشون او به طرز قشون آلمان مسلح و ملبس‌اند و از جهت مشق بهترین قشون حالیهٔ ایران می باشد.

این شاهزاده در والد معظم خود نفوذ زیادی دارد و پادشاه قابلیت پسر خود را دانسته و یحتمل باطنا مایل به پیشرفت خیالات او باشد و نیز ممکن است که اعلیحضرت شاه در باب دوستی با انگلیس و اکراه از روس با پسر خود هم‌رأی باشد اگر ظل‌السلطان بر سریر سلطنت جلوس کند مسلم است که کار با روس به جای سختی خواهد کشید زیرا که ظل‌السلطان آن دولت را مجبور خواهد کرد که از دست‌اندازی‌های محیلانه خود دست بکشد یا صراحة به ایران حمله کند و مسئله را یک‌طرفی نماید.

ظل اسلطان اگرچه از جهت قابلیت حکومت شباهتی به آقامحمد خان دارد اما از بدبختی از جهت بیرحمی و خونریزی به سلاطین قرون ماضیه ایران بی‌شباهت نیست و بر من معلوم است که در دولتی مثل دولت ایران تنبیه و سیاست سخت لازم ولی سیاست غیر از بیرحمی فطری و خشونت قلب در وقت

عذاب مخلوق است، قتل رئیس بزرگ بختیاری‌ها اگر چه بکلی منافی با قواعد میهمان‌نوازی است ولی از جهت اقتصادی امور معفو شمرده شده اما در باب کشتن تاجر متمول اصفهانی چه عذری می‌توان آورد؟

می‌گویند شاهزاده ظل‌السلطان از یک تاجر متمول اصفهانی پول زیادی گرفته و خیلی بیشتر از مالیات معموله از او اخذ نموده بود شاهزاده این پول را پس نداده بود و تاجر از روی جسارت به طهران رفته عریضه باعلیحضرت شاه عرض کرد و طلب احقاق حق نمود، شاه در حق او مرحمت فرمود حکم ملوکانه بدست او داد که پیش ظل‌السلطان ببرد و در آن حکم به ظل‌السلطان امر شده بود که مبلغ ماخوذ را به آن تاجر مسترد سازد و در مراعات حقوق تبعه اعلیحضرت شاه بیشتر دقت کند.

تاجر بیچاره امیدوارشده به اصفهان مراجعت نمود و دستخط را به ظل‌السلطان تقدیم کرد ظل‌السلطان این امر را مطالعه نمود؛ بعد به وضعی گیرندهٔ یک لمحه بر آن شخص نظر کرد، تاجر گرچه از این نظر خطرناک ترسید معهذا اطمینان کلی داشت که حق او به او ادا خواهد شد ولی شاهزاده بطور استهزاء به او گفت پس خواستی به واسطه رفتن پیش شاه شاهزاده‌ها را بترسانی؟ عجب آدم رشیدی هستی! من کمتر شخصی را به این جرأت گمان می‌کردم مثل تو شخص رشیدی، باید دل رشید و بزرگی داشته باشد، من می خواهم دل ترا ببینم تا از تو جرأت یاد بگیرم. بعد به صدای بلند شاهزاده به نوکرهای خودامر کرد که دل این شخص را درآورید، نوکرها تاجر مبهوت را گرفته شکم او را از جای دل پاره کردند و دل او را درآورده به روی سینی گزاردند و پیش شاهزاده بردند».

چون بیدادگری و بلندپروازی ظل‌السلطان روز به روز به فزونی می نهاد شاه در سال ۱۳۰۶ هجری او را به طهران احضار کرد.

عباس میرزا ملک آرا در ص ۱۰۵ از کتاب خود می نویسد:

«دلایل عزل ظل‌السلطان را چیزها گفته اند ولی صحیح این است که ظل‌السلطان در ادارات خود کمال تسلط را داشت جنرال واگنرخان را شاه ظاهراً برای ملاحظه قشون ابواجمعی و باطنا برای تحقیق کار او فرستاد.

«واگنر کما ینبغی بعد از مراجعت مایهٔ ظل‌السلطان را گرفت و دلغورکی وزیر مختار روسیه هم در جاجرود اظهارات زیاد در این باب کرده و حقیقة شاه را ترساندند به درجه که روزی سوارهای ظل‌السلطان را خواست سان ببیند حکم کرد که تفنگ در دست نگیرند و در عوض تفنگ هر سواری چوب در دست داشته باشد.

«امین‌السلطان تعهد عزل او را نمود، روزی بر حسب معمول اعلیحضرت شاه را با تمام خدام و چاکران ظل‌السلطان دعوت کرد، از قرارمعلوم پیشکش زیادی هم گذاشت. عصری که شاه مراجعت کرد حکم صریح به امین‌السلطان شد که ظل‌السلطان معزول شود، فردای روز مهمانی ظل‌السطان را احضار حضور کردند و از آنجا با امین‌السلطان رفتند آبدارخانه. آنجا دستخط شاه را امین‌السلطان نشان داد که شما باید از جمیع ولایات ادارهٔ خودتان جز اصفهان استعفا کنید، هرچه تلاش کرد قبول نشد و حکما عریضه استعفا را از او گرفتند. فوراً حکومت‌ها را عوض کردند فارس را معتمدالدوله سلطان اویس میرزا و سایر ولایات را هم همین‌طور به سایرین دادند ولی عجب این است که تا دو سه روز از ترس ظل‌السلطان کسی جرأت قبول این کار را نمی نمود».

عبدالله مستوفی در کتاب خود می نویسد:

«مردم پایتخت از این کار بی‌اندازه خشنود شدند به درجه‌ای که اشعاری هم برای این عزل و انفصال ساختند و بچه‌ها در کوچه و بازار خواندند:

ستاره کوره ماه نمیشه
شازده لوچه شاه نمیشه
تو بودی که پارک میساختی
سر در ولاک میساختی
پشت دادی به پشتی
صارم‌الدوله را تو کشتی
کفشا تا گیوه کردی
خواهر تا بیوه کردی

در سال ۱۳۱۳ که ناصرالدین شاه هدف تیر میرزا رضای کرمانی واقع شد و از پای درآمد همه رجال و درباریان مترصد بودند که ببینند از ظل‌السلطان چه حرکتی سر می‌زند ولی بر خلاف انتظار شاهزاده به مظفرالدین شاه چنین تلفن کرد:

«من تصور نمی‌کنم که اعلیحضرت شاه فوت شده فقط اسم تبدیل یافته. ناصرالدین شاه بود مظفرالدین شاه شد، از این تاریخ خود را برادر شاه یا شاهزاده نمی‌دانم بلکه کمترین غلام زرخرید اعلیحضرت می‌شمارم. رای همایون قرار بگیرد در

اصفهان می مانم، امر صادر شود که به تبریز بیایم فوراً حرکت می‌کنم. اجازه می فرمائید به طهران بروم بدون درنگ عازم می شوم، حکم می فرمایند که مقام و شغل فرمانروائی را تسلیم نمایم بدون تأمل تسلیم کرده مطیع و منزوی می شوم و اگر چنانچه رأی ملوکانه مقتضی می داند که به مقام فرمانفرمائی باقی باشم خلعتی درحق کمترین غلام مرحمت فرمائید تا عموم بدانند که مشمول الطاف و مراحم شاهانه واقع شده‌ام و به جان و مال دربندگی و چاکری باشم».

ضمناً تلگرافی هم به صدراعظم مخابره نمود و علاوه بر اظهار اطاعت تمنی کرد که او را برادر و یا شاهزاده ندانند بلکه بنده‌زر خرید شاه و مطیع صدارت عظمی بشناسند و مبلغ معتنابهی نیز به عنوان تقدیمی برای مصارف بین‌راه تبریز و طهران برای شاه جدید برات نمود.

ملک‌آرا درص ۱۳۱ از کتاب خود می نویسد:

«از طرف اعلیحضرت شاه در جواب این اظهار منتهای مرحمت شده به حکومت یزد و اصفهان کماکان که با ایشان بود ابقاء شد».

ظل‌السلطان در سال ۱۳۲۳ یعنی یک سال قبل از مشروطیت به اتفاق دو نفر از فرزندان خود یعنی اکبرمیرزا صارم‌الدوله و بهرام‌میرزا از طریق باکو به اروپا رفت بعد از استقرار مشروطه و انفصال از کارهای دولتی مجدداً با اسمیل‌میرزا به فرنگستان رهسپار شد و در این سفر بود که بهرام میرزا برای انجام کارهای شخصی در پاریس ماند و شاهزاده با اسمعیل میرزا به انگلستان رفت سپس بهرام‌میرزا عازم لندن گردید و کشتی حامل او در دریای مانش هدف تیر پیل تحت البحری آلمان واقع شد و بهرام میرزا به قعر دریا فرو رفت.

مرگ نابهنگام بهرام‌میرزا که جوان بسیار زیبا و صبیح‌المنظر بود فوق‌العاده در ظل‌السلطان مؤثر واقع شد و شاید او در این وقت به فکر بازماندگان عده بیشماری باشد که به تیغ بیدادی وی هلاک و رهسپار دیار عدم گردیده بودند.

ظل‌السلطان در اواخر جنگ بین‌المللی اول به اصفهان مراجعت نمود و در «باغ نو» عمارت اختصاصی خود منزوی گردید. عاقبة‌الامر گرفتار عواقب شوم گذشته خود شد و جنون بر وی استیلا یافت تا بالاخره در شب ۲۳ رمضان ۱۳۳۶ درگذشت و جنازه او را به مشهد حضرت ثامن‌الائمه انتقال داده و در آنجا به خاک سپردند، آقای جابری انصاری در ماده تاریخ فوت او می‌گوید:

زین پرستار جهان صافی دوا خواهی ولی
نیست اندر دست و جامش غیر درد و غیر درد
عبرت از آن آفتابی گیر کاندر سایه‌اش
مال دولت برده جمعی خردسال و سالخورد
چرخ چون برگشت آن تدبیر و نیرو شد و بال
هر چه دستش زر شمرد و هرچه عقلش پافشرد
با تمام اعتبار از دوره بی اعتبار
جز بدو نیک عمل همراه خود چیزی نبرد
پرده گیر ازین معما جابری بی‌پرده گو
بهر تاریخ وفاتش: «ظل سلطان بمرد»

۱۳۳۶

ظل‌السلطان فرزندان متعدد داشته به این شرح اکبر میرزای صارم‌الدوله و محمود میرزای یمین‌السلطنه و همایون میرزای امیر ارفع و اسمعیل میرزای معتمدالدوله و اردشیر میرزا و غلام حسین میرزا جلال‌الدوله و فریدون و مراد میرزا و بهرام میرزا و فیروز میرزا و تیمور میرزا و هرمز میرزا و محمد حسن میرزا.

۱۷- ماجرای قتل دکتر حشمت توسط تیمورتاش

ابراهیم خواجه نوری در جزوات بازیگران عصر طلائی در مورد این اقدام تیمورتاش شرح مختصری نوشته‌اند که عیناً جهت استحضار خوانندگان نکته سنج درج می‌گردد:

قصه دیگری که، به طور متحدالمال در حافظهٔ اشخاص، راجع به حکومت گیلان تیمورتاش، ضبط شده و کمک زیادی در تنفر مردم آن سامان نسبت به آن مرحوم کرده است اینست:

روزی از روزها که عده‌ای از مردمان بی‌آزار، در شالی کاری نزدیک جنگل، بعضی مشغول کار و برخی در تفرج بودند، یک مرتبه می بینند عده‌ای نظامی پدیدار شده و دور این مردمان بیخبر از نیرنگ روزگار را احاطه می نمایند ــ داد و فریاد و اعتراض و ناله هیچیک در دل مأمورین معذور و مغرور اثری نمی بخشد ــ حکم حاکم است که تمام شما دستگیر شده و تحت‌الحفظ به زندان رشت بیافتید ــ در تحقیقات اولی (و آخری) که به عمل آمد و این بیچاره‌ها هویت خود را آشکار ساختند معلوم شد که عده‌ای از آنها رعیت بیگناه و عدهٔ دیگر پیشه‌ور هستند، یک نفرشان دکتر در طب، و یکی دیگر هم

بندباز است.

صورت جامعی از اسامی دستگیر شدگان نزد حاکم می‌آورند و لابد، چنانکه معمول خوش رقصان اداری است، اظهار می‌دارند، به اقبال بیزوال حضرت حاکم، قسمت عمدهٔ غائلهٔ جنگل را با دستگیری این «اشرار» خاتمه دادیم ــ خان نردینی اسبق، یعنی معززالملک سابق، یعنی سردار معظم آن روز که همان تیمورتاش وزیر دربار بعد باشد، دستور می‌دهد همه را به دار بیاویزند تا عبرت دیگران بشود ــ شفاعت و تذکرات اخلاقی و قانونی خیراندیشان هم تغییر زیادی در تصمیم حاکم نمی‌دهد، فقط به جای اینکه همه را همین‌طور چکی به پای دار بفرستند به چند تن از آنها اکتفا می‌کند یعنی، به قراری که مشهور است انگشت خود را تصادفاً روی چند اسم می‌گذارد و فقط با همین یک ژست مختصر، تمام تشریفات دادرسی آنها را در قلب خود به یک لحظه خاتمه داده و دستور می‌دهد به دارشان بیاویزند ــ (کسانی که همیشه از طول مدت و تشریفات زیاد محاکمات شکوه دارند، حرف خود را پس بگیرند!!!) ــ شهرت این واقعه جنجالی برپا کرد و در اطراف این عمل غیرعادی سردار معظم چیزها گفتند و مقالات نوشتند «روح دکتر حشمت» یعنی همان پزشکی که بیگناه و بدون محاکمه در جزو «اشرار» به دار آویخته شده بود، مستمسک و زیب ادبیات قلمفرسایان و آزادیخواهان گردید، و گاهی هم عبارات محکم و طنین‌اندازی به وجود آورد ازقبیل این جمله که برای نمونه از یکی از جراید پایتخت سال ۱۳۵۱ برایتان نقل می‌کنم «... هنوز روح دکتر حشمت از اعماق قبر به گیلانیهای بیحس و به این محیط بی‌قضاوت نفرین می‌کند...» و امثال آن....

البته سردار معظم و دوستانش دلایل منطقی(!) بسیاری برای تبرئه این عمل شدید آوردند ــ مثلاً گفتند که اگر این چند نفر از بالای دار، با زبان بیرون آمده و با گردن کج خود، به زبان حال، سزای شرارت را به طور مؤثری به جنگلبان گوشزد نکرده بودند، غائلهٔ جنگل بالا گرفته و طرفدارانش که در رشت زیرجلکی کار می‌کردند، آشوبی راه می‌انداختند و در نتیجه هزارها بیگناه کشته می‌شد ــ پس صلاح جامعه در این بود که چند تن ولو بیگناه باشند، فدای سلامت هزارها نفوس بشوند ــ ولی این فورمول بسیار خطرناک در ذهن ساده ولی صائب جامعه تأثیر نبخشید ــ این یکی از خطرناکترین فورمول‌های فلسفهٔ اجتماعی است که مثل استرکنین و آرسنیک باید خیلی با احتیاط و به تجویز پزشکان خیلی باتجربه و خیراندیش استعمال شود.

این قضیه تا چندین سال هم فراموش نشد، و هنوز هم که هنوز است هرکس به سلیقهٔ خود تعبیری از آن می‌کند ــ یکی می‌گوید سردار معظم در حال مستی این دستور شوم را صادر کرده و الا چون مسلم است هیچ سابقهٔ دشمنی خصوصی بین این بخت‌برگشتگان و تیمورتاش نبوده، و طمعی هم به مال آنها نداشته، و از طرف دیگر چون مسلم است که سردار معظم غالب اوقاتش را (مخصوصاً در هوای مشروب‌طلب رشت) به باده‌نوشی می‌گذرانیده؛ پس به احتمال قوی این دستور عجیب را؛ در حال مستی داده است.

دیگری می‌گوید این نتیجهٔ خصلت های توارثی است ــ مگر نه جد او به محمد حسنخان «کله کن» معروف بوده و مشهور است که دخترهای خود را به محض تولد می‌کشته است؟ بنابراین غریزهٔ طبیعی و موروثی او است که در آن زمان بیدار شده و موقع مقتضی برای ظهور پیدا کرده است...

من به خلاف تمام این عقاید و حتی به خلاف «لومبروزو» و پیروان «انتروپولوژی» که وجود بعضی از «جانیان مادرزاد» را امری صحیح و مسلم می‌دانند، تصور می‌کنم که منطق و عامل این عمل همان بوده که خود تیمورتاش در دفاع از خودش می‌گفته است ــ یعنی او به این دلیل دستور اعدام آنها را داده است که اولاً آنها را حقاً مقصر می‌دانسته ولی منتها چون قانوناً مدرکی بر علیهشان نداشته نمی‌خواسته است که آنها بی مجازات بمانند و جری‌تر شوند ــ و دیگر آنکه جداً معتقد بوده که به دار آویختن آنها تأثیر فوری در عبرت گرفتن سایر آشوب چیان آن زمان خواهد کرد؛ و شاید در قسمت دوم حدسش به خطا نرفته باشد ــ فقط یک اصل مهم حقوقی را فراموش کرده یا اصلاً نمی‌دانسته است (چنانکه هنوز هم هزار یک متمدنین ما نمی‌دانند) و آن این است که از نظر حق و قانون بهتر است هزار نفر بزهکار آزاد و بدون مجازات بگردند تا یک نفر بدون گناه به کیفر برسد!) ــ نکتهٔ دیگر که مسئولیت او را به نظر من کم می‌کند اینست که تیمورتاش به واسطهٔ تحصیلات و نشو نمای نظامی دورهٔ طفولیتش اصولاً سنخ فکرش دربارهٔ کشته شدن اشخاص همان سنخ منطق نظامی بود؛ و از این حیث البته با نظریهٔ غیر نظامیان فرق بسیار داشته است. یعنی یک نفر افسر نظامی که از ابتدا هر

روزشیوهٔ بهتر کشتن و بیشتر کشتن را در کارهای لشگری به او آموخته اند؛ البته تأثرش در مقابل مرگ افراد نباید شبیه تأثر کسانی باشد که برای کارهای کشوری تربیت شده اند ــ «از شیر حمله خوش بود و از غزال رم» ــ شاید به همین جهت است که اجتمعاعیون و آزادیخواهان جداً مخالفند که افسر لشگری مصدر کارهای کشوری بشود و خطرناک می دانند که قضایای غیر نظامی با منطق نظامی حل و انجام گردد ــ و دوره های گذشته تاریخ شاهد خوبی برای تأیید این نظریه است...»

۱۸ - اعلامیه وثوق الدوله وقرارداد ۱۹۱۹

در این موقع که ذات شهریاری ارواحنا فداه مصمم مسافرت به اروپا می باشند و مدت یک سال از تاریخ زمامداری این جانب می‌گذرد البته هموطنان من مترصد هستند از اقداماتی که در حل مشکلات داخلی وتسویهٔ مناسبات خارجی مملکت در مدت این یک سال نموده‌ام، بیشتر اطلاع حاصل نمایند، بنابراین لازم می دانم حقایقی را که تأثیر آنها در گذشته وآتیه متضمن مصالح حیاتی مملکت می باشد به اطلاع عامه برسانم.

برای مقایسه وضعیات قبل از زمامداری خود با امروز و بیان کل حقایق فرصت و مجال وسیعتر و تسوید اوراقی بیشتر لازم است؛ و به علاوه مایل نیستم خاطر هموطنان عزیزم را از شرکت در تمام تأسفات و معاینات تأثرانگیزخود ملول سازم؛ پس قسمتی از حقایق ناگفتنی را به تشریح تاریخ و تفرس افکار دقیق هموطنان حوالت نموده، فقط رئوس مسائل را یادآور می شوم.

سال گذشته در همین ایام اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه وظیفهٔ تشکیل هیئت دولت و سر پرستی مملکت را به عهدهٔ بنده مقرر فرمودند؛ من نیز با آنکه روزنهٔ امید و شعاع بهبودی را با آن همه گسیختگی شیرازه ها از هیچ طرف مشاهده نمی‌کردم فقط به نیت فداکاری و اینکه شاید مداخلهٔ من لااقل بتواند از توسعهٔ دایرهٔ مصائب جلوگیری کند امر پادشاه متبوع معظم خود را اطاعت کردم.

از نخستین لحظهٔ شروع در هر قدم با سلاسل طاقت‌فرسای مشکلات و موانع مصادف گشته برای حل کوچکترین قضایا بزرگترین محذورات را مشاهده می‌کردم.

در آن موقع جنگ بین المللی با تشنجات شدیدهٔ خود زلزلهٔ گیتی را همچنان مداومت می داد و بر اثر آن مملکت ما نیز به نوبهٔ خود بیشتر از توانائی به نیت و طاقت خویش متزلزل می‌گشت؛ امنیت در تمام نقاط داخلهٔ مملکت مسلوب؛ دولت مرکزی فاقد کل وسایل و اختیارات همچنانکه افراد و تشکیلات ترور در پایتخت آسایش عامه را دچار اختلال نموده بودند؛ دستجات یاغی و قطاع الطریق در اقطار ایران به اعراض و نوامیس عامه حکمفرمائی داشته؛ اغلب ولایات و نقاط مهم مملکت بی حکومت و سر پرست و دستخوش غارتگران محلی باقی مانده قوای متلاشی شدهٔ تأمینیه با رقت‌ناکترین احوالی بر مقدرات خود نالان و افراد آن از گرسنگی در حالت احتضار، خزانه تهی، عایدات مالیاتی لاوصول، اقساط مخارج مهم و ضروری دولت در عهدهٔ تعویق و تعطیل، ابواب تجارت بکلی مسدود و همه کس برای ضروریات زندگانی نگران و سرگردان، سختی ارزاق عمومی در مرکز و ولایات با قیافهٔ فجیع خود حیات هیات اجتماعیه را تهدید، قحطی و استیلای امراض چرخ نظام اجتماعی و زندگانی افراد را متوقف، مناسبات خارجی ما تعطیل، روابط با دولت انگلستان (دولتی که در آن موقع بیش از همهٔ مساعدت و مخالفتش مؤثر در وضعیات داخلی بود) تیره و مبهم، و بالاخره تمام موجبات بدبختی و انقراض مهیا و با اندک اشتباه و خودپرستی و یا تعلل و لاقیدی و یا جبن و بددلی ممکن بود آخرین ضربهٔ مخاطرات متوجه حیات سیاسی و استقلال ملی ما گردد.

در یک چنین موقع خطیر و ایام سیاهی بود که متوکلا علی الله با اعتماد به نفس و اتکا به وجدان و حقیقت، خودخواهی و خودپسندی را از نظر دور کرده منافع ملت را بر مصالح شخصی ترجیح دادم و از هیچ مخاطرهٔ جانی و شرافتی نهراسیده بار سنگین مسئولیت خدمتگزاری مملکت را بر دوش خود گذاردم.

بدیهی است در اول امر محض تغییر و بهبودی موقتی اوضاع مجبور بودم با هر نوع سعی و تلاش وسایل آنی و فوری تهیه و تدارک نمایم تا با وضعیاتی که مستلزم مخاطرات و مهالک آنی بود مقاومت، و فرصت کافی برای امعان نظر و مطالعهٔ دقیق حقایق در هنگامهٔ عظیم دنیا و تجسس طرق ممکنه برای اصلاحات اساسی و تأمین حقیقی آتیهٔ مملکت تحصیل بنمایم.

حالت من در آن ایام مانند غریقی بود که اول به حکم اضطرار به هر تخته پاره‌ای متوسل گردد تا خود را به وسیلهٔ آن به کشتی و ساحل نجات برساند. به همین دلیل در تصمیمات و

عملیات خود اگر معارضی می یافتم و منقد بی خبر از اوضاع می دیدم، طرف توجه قرار نداده و برای رسیدن به مقصود یعنی نجات مملکت، احکام عقل و دانش را بر احساسات خود و دیگران ترجیح می دادم.

بسی مشعوف و خرسند هستم که به یاری خدای متعال نخستین تکالیف موقتی خود را با هدایت عقل و وجدان و به نیروی آن درجه از قوه و توانائی که باری تعالی جله اسمه به این بنده ضعیف عطا فرموده در تهیهٔ وسائل پیشرفت موقتی و در عین حال خاتمه دادن به مخاطرات و منع عوایق داخلی و خارجی با حس فداکاری تا حدی که مقدور شد، انجام دادم.

در ادای این وظیفهٔ صعب پس از تأییدات غیبیه و توجهات اولیاء اسلام و اتکاء به تقویتهای شاهانه که البته علل اصلی موفقیت اینجانب بودند، مساعدت و حسن موافقت اولیای دولت انگلستان نیز عامل مؤثر و قوی گردید و البته نباید از امتنان مساعدتهای آن دولت خاموش نشست.

دولت معظم انگلستان در عقیدهٔ جلوگیری از هرج و مرج و ایجاد امنیت و نظم در ایران با اولیای دولت شاهنشاهی ابراز موافقت نموده و حصول این مقصود را موافق با مصالح خویشتن یافته در حدودی که وضعیات عمومی اجازه می داد از کمک با کابینهٔ اینجانب مضایقت ننمود.

گرچه این مساعدت از بعضی حیثیات و مخصوصاً از حیث اسلحه و مهمات نظامی رضایت‌بخش و تا آن درجه کافی نبود که موفقیت اولیای دولت را درحفظ انتظامات زودتر و بیشتر محسوس نماید؛ لیکن همان مقدار کمکی که با دولت ایران به عمل آمد قابل تقدیر و در موفقیت دولت تأثیر کامل داشت مخصوصاً مساعدت مالی در تأمین ارزاق و اقتدار دولت بر تأدیهٔ منظم مصارف جاریهٔ مملکت برای استقرار و بقای نظم به موقع و نافع واقع گردید.

بدیهی است در این مدت معاندین من و جاهلین و ارباب اغراض از آنچه توانستند برای اینکه اینجانب را خسته و مأیوس و به کناره‌جوئی مجبور نمایند خودداری نکرده علاوه بر انواع تشبثات جاهلانه مکرر سعی کردند خاطر مهر مظاهر ملوکانه را از این بنده مکدر نمایند؛ ولی هیچوقت ذات مقدس شاهانه از القاآت آنان متأثر نگردیده و همواره علاقهٔ خاطر همایونی به حفظ مصالح مملکت پشتیبان قوی و نگاهبان مؤثر اینجانب بود.

در طی این عقبات و در عین آنکه برای نگاهداری و بهبودی اوضاع موقتی صرف مساعی می نمودم البته از این نکته غفلت نداشتم که این بهبودی دارای جنبهٔ دوام و ثبات نیست و اتخاذ تدابیر اساسی برای تأمین زندگانی دائمی و ترقی و تکامل مملکت از نقطهٔ نظر اقتصادی و اجتماعی مرحلهٔ ثانوی و مهمتر وظیفهٔ اینجانب است و مادام که در این طریق فکر و تدبیری نشود زحمات و مشقات بی‌نتیجه و مخاطرات حتمی الوقوع است؛ زیرا اولاً همه روزه تجربه جدیدی عقیده راسخهٔ مرا تأیید می‌کرد که نجات مملکت بدون انتظام و اصلاح ادارات میسر نیست؛ و انتظام ادارات بدون توسل به معلومات فنی مستشارها و معلمین خارجی صورت نمی پذیرد؛ و بالاخره تأسیس و اصلاح ادارات ایران که علی الظاهر مدعی مشابهت با ادارات اروپائی هستند؛ ولی از حقایق تنظیمات اروپائی به کلی بی بهره می باشند بدون توسل به معلومات متخصصین و ارباب فن خارجی غیر ممکن است.

سعی و تلاش اداره‌کنندگان ایرانی که به واسطهٔ نقص تجربه و تعلیمات و نبودن وضعیت ثابت تاکنون در اجرای اصلاحات عقیم مانده و در مقابل برچیدن اوضاع قدیم به ایجاد **هیچ وضع جدیدی که قابل دوام و بقا باشد موفق نشده عدم کفایت خود را ثابت و این حقیقت را روشن‌تر نموده است که مادام که معلمین کارآزموده شالودهٔ محکمی برای اصلاحات طرح نکرده و اساس متینی ایجاد ننموده‌اند که عناصر مستعد ایرانی را در مکتب عمل و اداره، با تمرین متینی که لابدمنه آموختن فنون و تجارب اداری است، برای خدمات مملکت حاضر نمایند تشکیل ادارات و دوایر و شعب و هیئتها و کمیسیونها و غیره جز افزودن خرج و تشویق هرج و مرج حاصل و نتیجه نخواهد داشت.**

ثانیاً بالبداهة معلوم و مسلم بود که مساعدت مالی که با دولت ایران می شد و اثرات آنی و موقتی خود را می بخشید و با مضراتی که داشت صرف‌نظر از آن ممکن نبود و مانند مخدری که در تسکین فوری درد مؤثر ولی در دفع مرض بی‌اثر بود، نمی توانست دوای دائمی مملکت و موجب شفای قطعی باشد و تدبیر زندگانی اساسی و دائمی مملکت و ترک زندگانی روزمره و بی اساس هر روز به صورتی و در تحت تأثیر حادثهٔ جدیدی لزوم غیر قابل انکار خود را اثبات می نمود.

اوضاع مالیهٔ مملکت بیش از آنچه به شرح درآید اسف‌انگیز بود؛ مالیاتهای دولت به واسطهٔ کشمکشها و بی نظمیهای داخلی

و نتایج جنگ بین‌المللی و قحطی و امراض و عوامل مهلکه دیگر به درجهٔ صفر رسیده بود؛ عایدات گمرکی به واسطهٔ عدم امکان مبادلات تجارتی از میان رفته تهیهٔ اسلحه و مهمات برای تنظیمات و تجدید قوای تأمینیه غیر مقدور بود و برای شروع به هر اصلاح و استفاده از هر وضع و علاج هر خطری مراجعه به سرمایهٔ خارجی وسیله و شرط منحصر به نظر می آمد.

تبدیل سیاست دنیا در نتیجهٔ جنگ بین‌المللی و طرح خطوط و نقوش اصلیه در نقشهٔ جغرافیای عالم (مخصوصاً پس از انقلاب و تشنج عظیم روسیه) و سعی و تلاش هر یک از قطعات مجاور مملکت ما برای تقویت و نیرومندی خویش و اتصالات آنها به دول قویتر و نیرومندتر در هر لحظه درس جدید و تنبیه تازه‌ای بود که باید در تقویت اساس مملکت کوشید و مزاج مملکت را برای مقابله با وضعیت و مشکلات محتمل‌الوقوع آتیه حاضر و مهیا کرد؛ بالجمله بطوری که در فوق ذکر شد احتیاج مملکت از حیث توسل به کمکهای فنی و مالی خارجی محل شبهه و تردید نبود؛ فقط سخن در اینجا بود که این کمکهای فنی و مالی ضروری از کدام منبع خارجی تحصیل شود که شرایط اصلی ممکن بودن و عملی بودن را دارا بوده موافقت آن با استقلال مملکت نیز مشکوک نباشد.

در این باب عقاید مخصوصاً از نقطه نظر احساسات متفاوت بود؛ طرق مختلفی برای مشی سیاسی دولت ترسیم می شد ولی به واسطهٔ دور بودن از محیط حقیقی سیاست و عجز از تمیز وضعیات یا ملاحظه در اظهار عقیده جنبهٔ امکان اجرا و قابلیت عمل در آنها کمتر رعایت می‌گردید.

هیئت دولت که مسئول مقدرات مملکت بود مجبور بود نظر خود را به حقایق و واقعیات محدود کرده از احساسات و اوهام تحقق‌ناپذیر دوری جسته متعاقب تجربیات ده ساله و تشبث به تمام وسایل متصوره، و بالاخره عقیم ماندن نقشه های اساسی و نتایج وخیمی که ازآن حاصل گردید غیر از خرد و دانش هادی دیگری برای خود نپذیرد.

در نتیجهٔ این افکار هیئت دولت مطالعات زیادی در اطراف قضیه نموده و تمام طرق را در تحت نظر و تفکر درآورده در نتیجه معتقد به این عقیده شد که مراجعه و توسل به متخصصین از ملل مختلفه برای مصالح دولت و مملکت عملی نبود.

زیرا علاوه بر احتمال وقوع رقابتهای ملی و نژادی مابین آنان که برای پیشرفت اصلاحات مضر و نتایج سوءِ آن متوجه ما می‌گردید هیچیک از ملل را در تمهید وسایل سعادت مملکت طوری ذیعلاقه و ذی‌نفع نمی‌کرد که مساعدتهای مهمی برای ترقیات فوری و سریع نموده مملکت را از حالت بدبختی و فلاکت امروزه به طرز مؤثری رهائی بخشند و علاوه بر اینکه همان رقابتهای اول امر امکان وقوع آن را مشکل می نمود بر فرض وقوع پس از مدتی تجربه و عمل با تحمل مضار و آفات مسلمه تأخیر مسئلهٔ توحید سبک و اسلوب اصلاحات مراجعه به مبدأ واحد فنی را مخصوصاً در پاره‌ای ادارات مهمه الزام می‌کرد.

با توجه به نکات فوق و تحت نظر آوردن حقایق وضعیات داخلی و خارجی، مراجعه به دولت دیگر غیر از انگلستان علاوه بر اینکه با سوابق مساعدتها و اطمینان قطعی که در ضمن مذاکرات از نظر مساعد آن دولت به حسن استقبال و آتیه ایران حاصل گردید اقتضا نداشت، شرط امکان و عملی بودن را نیز فاقد بود.

بنابر ملاحظات فوق هیئت دولت در ضمن ایفای وظایف روزانه و استقرار نظم و تهیهٔ موجبات آسایش حال اهالی از نقطه نظر تعیین خط مشی سیاسی دولت و روشن کردن این تکلیف از مذاکره با دولت انگلستان در تأمین آتیهٔ مملکت خودداری ننمود.

چندی از متارکهٔ جنگ نگذشته بود که در این مسائل بطور کلی با اولیای دولت معظم‌لها مذاکرات به میان آمد؛ و در این مذاکرات تمام شرایط صلاح مملکت رعایت و در نتیجه تبادل نظریات و اقدامات که مدت چندین ماه طول کشید قراردادهائی با موافقت طرفین مقرر گردید.

البته برای تصمیم در عقد این قرارداد و خاتمهٔ دورهٔ بی‌تکلیفی علل و موجبات دیگری نیز موجود بود که اظهار و اعلام آنها فعلاً نیز خالی از اقتضاء است و ارباب فراست با این حقایق مربوط به سیاست گذشته ایران در مدت امتداد جنگ بود که سعی و کوشش نمایندگان دولت را در کنفرانس صلح دچار موانع و اشکالات کرد و بالاخره با تمام مشکلات و ملاحظات فوق موفقیت به انجام این قرارداد حاصل گردید.

به طوری که ملاحظه می‌شود در آنها دولت تأمینات کافیه برای حفظ حیثیات استقلال مطلق و تمامیت ایران تحصیل نموده و استفاده از معلومات فنی متخصصین انگلیسی را با کمکهای مادی و مالی دیگر از قبیل اسلحه و مهمات بدون اینکه تکالیف مضری قبول نماید بدست آورده، تغییرعهدنامه و

تجدید نظر در تعرفه گمرکی برای اینکه عایدات در آتیه کفایت مصارف اصلاحات را نیز بنماید مسلم گردیده.

علاوه بر اینها به موجب مراسله و تعهدات رسمی جداگانه به تحصیل مساعدت دولت انگلستان برای موفقیت با تقاضای مشروع مملکت در کنفرانس صلح موفق گردیده است.

موفقیت دولت راجع به عضویت ایران در مجمع اتفاق ملل که علی حده محرز و مسلم است نیز یک وثیقهٔ بین المللی مهمی برای استقلال و تمامیت ایران از نقطه نظر مناسبات خارجی موجب اطمینان تام می باشد.

در ضمن از ذکر این نکته هم نباید خودداری نمایم که این قراردادها بالذات هر شرط و تعهد مضری را فاقد و اصول و موجبات مسلمهٔ سعادت و استقلال مملکت را دارا است؛ لکن بدیهی است شرط استفاده مملکت از آن به وسیلهٔ حسن استعمال و اجرای آن به دست اشخاص بصیر و به وضعیات و مصالح آنی مملکت است.

زیرا بهترین قراردادها و عهدنامه ها اگر مورد سوء استعمال شود و دستهای آلوده یا نالایق مأمور اجرای آن گردند مضاری را در برداشته و فاقد منافع خواهد گردید و در چنین صورتی نقص و کمال قرارداد و یا ضرر و نفع آن بالسویه خواهد بود و مملکتی که اشخاص واقف به مصالح وقت و قادر بر اجرای وظایف را فاقد باشد و یا نخواهد بشناسد از هیچ قراردادی استفاده نخواهد کرد و به طریق اولی فقدان قرارداد و دوام بی تکلیفی و درماندگی هیچوقت از زوال و فنای آن جلوگیری نخواهد نمود.

اینجانب همانطوری که تطبیق وضعیات حالیه را با سال گذشته و مقایسهٔ عملیات دوازده‌ماهه و موقتی خود را به محاکمه و انصاف افکار عامه واگذار نمودم در موضوع این موفقیت اساسی نیز وجدان پاک اشخاصی را که به سعادت حقیقی مملکت علاقه‌مند هستند و از اغراض جاهلانه و حسیات عوام‌فریبانه دورند و مبنای حکم و تصدیق آنها عقل سلیم و منظور داشتن حقایق است حاکم قدرشناس و حقگذار قضیه قرار داده امیدوارم نتایج حسنه این موفقیت منظور نظر حقشناس عموم اهالی مملکت بوده بهترین مزد خدمات و فداکاریهای اینجانب که ظهور سعادت ابدی و حقیقی مملکت است هرچه زودتر مشهود گردد.

وثوق الدوله ــ رئیس الوزراء

قرارداد بین دولت انگلستان و دولت ایران

اینک ترجمهٔ قراردادها که برای اطلاع عامه ذیلاً درج می شود: نظر به روابط محکمهٔ دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است نظر به اعتقاد کامل به اینکه مسلماً منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می‌نماید و نظر به لزوم تهیهٔ وسایل ترقی و سعادت ایران به حد اعلی بین دولت ایران از یک‌طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می‌شود:

۱ ــ دولت انگلستان با قطعیت هر چه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار می نماید.

۲ ــ دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد؛ این مستشارها با کنترات اجیر و به آنها اختیارات متناسبه داده خواهد شد؛ کیفیت این اختیارات بسته به توافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود.

۳ ــ دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب منصبان و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحد الشکلی که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد؛ عده و مقدار و ضرورت صاحب‌منصبان و ذخایر و مهمات مزبور به توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت‌را برای تشکیل قوهٔ مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد.

٤ ــ برای تهیهٔ وسایل نقدی لازمه به جهت اصلاحات مذکوره در مادهٔ (۲) و (۳) این قرارداد دولت انگلستان حاضر است که یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آن را بدهد. تصمیمات این قرض به اتفاق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعیین می شود تا مدتی که مذاکرات استقراض مذکور خاتمه نیافته دولت انگلستان بطور مساعده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکوره لازم است خواهد رسانید.

۵ ــ دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین و توسعهٔ تجارت و جلوگیری از قحطی در مملکت می باشد حاضر است که با دولت ایران موافقت نموده اقدامات مشترکهٔ ایران و انگلیس را راجع به تأسیس خطوط آهن و یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق نماید؛ دراین باب باید قبلاً مراجعه به متخصصین شده و توافق بین دولتین در طرحهائی که مهمتر و سهلتر و مفیدتر باشد حاصل شود.

۶ ــ دولتین توافق می نمایند در باب تعیین متخصصین، طرفین برای تشکیل کمیته که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدید نظر نموده و با منافع حقهٔ مملکتی و تمهید و توسعهٔ وسایل ترقی آن تطبیق نماید.

سواد مراسلهٔ ضمیمهٔ قرارداد فوق

جناب مستطاب اجل اشرف افخم

امیدوارم که حضرت اشرف در دورهٔ زمامداری با موفقیت خودتان در امور مملکت ایران تعیین کرده‌اید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آنچه در قوه دارد کابینهٔ حضرت اشرف را برای اینکه از یک طرف اعادهٔ نظم و امنیت در داخلهٔ مملکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانه بین دولتین ایران و انگلستان محفوظ باشد تقویت نماید.

برای ابراز جدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینهٔ لندن بوده است من حالا مأذون هستم که به حضرت اشرف اطلاع دهم که در موقع امضای قراردادی که مربوط به رفورمهائی است که کابینهٔ حضرت اشرف اجرای آن را در نظر گرفته اند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهد بود با دولت علیه ایران برای اجرای تقاضاهای ذیل موافقت نماید.

۱ ــ تجدید نظر در معاهدات حاضرهٔ بین دولتین.

۲ ــ جبران خسارات مادی وارده به مملکت ایران به واسطهٔ دول متخاصم دیگر.

۳ ــ اصلاحات خطوط سرحدی ایران در نقاطی که طرفین آن را عادلانه تصور نمایند.

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسایل مقتضیه تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره مابین دولتین خواهد گردید.

این موقع را برای اینکه احترامات فائقهٔ خود را به حضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم می شمارم.

پ.ز. کاکس

---

۱۹ \ ۱ ــ امیرپنجه رضا خان کی بود

دربارهٔ زندگانی رضاشاه قبل از کودتا مطالب مختلفی نوشته شده است که غالباً با حقیقت وفق نمی‌دهد. مرحوم محمد تقی بهار (ملک‌الشعراء) تحت عنوان «رضاخان میرپنجه که بود» شرحی مرقوم و در جلد اول تاریخ احزاب سیاسی چاپ کرده‌اند که حاوی مطالب جالب و بکری است این تحقیق برای اطلاع خوانندگان در ذیل نقل می‌گردد.

رضاخان میر پنجه پسر **«داداش بیک»** افسر سوادکوهی از ایل **«پالانی»** بود، نام این طایفه در تاریخ **«خانی»** طبع پتروگراد برده شده است و تا جائی که به یاد دارم غیر از آن تاریخ که وقایع حکام گیلان و لاهیجان و ظهور شاه **اسمعیل** و حالات **خان احمد گیلانی** را می نویسد نامی از این طایفه در تاریخ دیگر برده نشده است.

در بار فروش (بابل) از مرحوم میرزا **محمود رئیس** که مردی معمر و فاضل و درویش بود، شنیدم که می‌گفت: شاه (یعنی **رضاشاه**) از ایل **«پالانی»** است، و از قضا بین **«پالانی»** و **«پهلوی»** قرابت لفظی عجیبی موجود است، اما گمان ندارم خود شاه ملتفت نام عشیرهٔ خود بوده و این اسم خانوادگی یعنی **«پهلوی»** را بدین مناسبت انتخاب کرده باشد.

خود شاه سابق روزی می فرمود: **آقامحمد خان** که از شیراز فرار کرد در حدود سوادکوه آمد و خانوادهٔ ما را فریب داده با خود همراه کرد و نیز می‌گفت: من طفل شیرخوار دوماهه بودم که با مادرم از سوادکوه به تهران روانه شده بودیم، در سر گدوک **فیروزکوه** من از سرما و برف سیاه شدم، و مادرم به خیال آنکه من مرده‌ام مرا به چاروادار سپرد که مرا دفن کند و حرکت کنند، چاروادار مرا در آخور یکی از طویله‌ها با قنداق بر جا گذاشت و خود و قافله به‌راه افتاده به فیروزکوه رفتند. ساعتی دیگر قافلهٔ دیگر می‌رسند و در قهوه‌خانهٔ گدوک منزل می‌گیرند یکی از آنها آواز گریهٔ طفلی را می‌شنود می‌رود و کودکی را در آخور می‌بیند، او را برده گرم می‌کنند و شیر می‌دهند و جانی می‌گیرد و در فیروزکوه به مادرش تسلیم می‌نمایند!

از صد هزار طفل کشان رد کند پدر
سیمرغ زال را بسوی آشیان برد

پدرش مرد، مادرش که از اهل محل نبود با طفل صغیر شیرخوار از سوادکوه چنانکه گفتیم به تهران آمد. این خانم برادری داشت **ابوالقاسم بیک** نام که خیاط قزاقخانه بود و بعد به درجهٔ سرهنگی رسید و پس از کودتا مرحوم شد، خانم نامبرده نزد برادر خود رفت و طفل را نیز با خود برد و این کودک در خانهٔ دائی خود بزرگ شد.

از روزی که به حد رشد رسید آثار گردن فرازی و سرکشی در او پیدا آمد و تا پانزده سالگی آزاد و راست راست راه می رفت، در آن هنگام دائی او وی را به عنوان پیاده قزاق به فوج اول قزاقخانه سپرد و رئیس این فوج **غلامرضاخان میرپنجه** بود و در آن فوج قرار گذاشتند هر سواری که بیمار شود یا غایب باشد این پیاده قزاق به نیابت او سوار شده وارد صف گردد.

مظفرالدین شاه چند عدد «شصت تیر» وارد کرده بود از آن جمله یکی به قزاقخانه داد ــ عبدالله خان معروف به **«ماژور سرهنگ»** که پدرش روزی ماژور فوج اتریشی بوده است فرمانده گروهان شصت تیر شد و رضای قزاق پیاده به سمت وکیلباشی این گروهان انتخاب گردید و بالاخره فرمانده گروهان شد و رفته رفته در قسمت اداره کردن شصت تیر ترقی کرد و به **«رضاخان شصت‌تیر»** نامبردار شد و در سفرهای عمدهٔ جنگی از قبیل جنگ با **رحیم خان چلبیانلو** در اردبیل که عده‌ای به ریاست **جعفر قلیخان سردار بهادر** پسر بزرگ **«سردار اسعد»** بختیاری از چریک و قزاق فرستاده شده بودند و **«یفرم خان ارمنی»** رئیس شهربانی هم با آنها بود ــ رضاخان نیز شرکت داشت.

شبی در مدرسهٔ ارامنه نمایش بود ــ «سردار سپه» وزیر جنگ و سردار بهادر که آنوقت **«سردار اسعد»** لقب یافته بود و جمعی دیگر از رجال نیز دعوت داشتند ــ منهم بودم.

در یکی از فواصل پرده‌های نمایش در اطاقی هدایت شدیم که مخصوص مهمانان محترم تهیه و چیده شده بود، سردار سپه مرا نیز دعوت کرد و در آن اطاق سر میز نشسته بودیم و صحبت های متفرق به میان آمد، منجمله سردار اسعد اشاره به سفر اردبیل کرده گفت: در سفری که ما در رکاب حضرت اشرف به اردبیل رفتیم.... سردار سپه نگذاشت سخنش تمام شود و گفت: خیر من در رکاب شما بودم.... و بعد از آن گفت:

من در آن سفر «یفرم» را از مرگ نجات دادم زیرا اشرار سردار را از دو طرف گرفته و تا ته دره و کوهها را در دست داشتند، ما در جلگهٔ مقابل آن دره اردو زده بودیم و میدان جنگ فاصلهٔ زیادی نداشت و به درهٔ مزبور نزدیک بود.

روزی از دشمن خبری نشد، یفرم سوار شده برای تحقیق از مواضع مقدم دشمن تنها پیشرفت و من ملتفت خبط او شدم، و نگران بودم، یفرم رفت و داخل دره شد و بلافاصله صدای شلیک تفنگ شنیده شد و یفرم برنگشت.

من به عجله سوار شده به سوی دره راندم، به دهنهٔ دره که رسیدم دیدم اشرار در دو طرف دره پشت سنگها موضع گرفته اند، یفرم غفلت کرده مسافتی به داخل تنگه رانده است، و از دو سو هدف قرار گرفته و اسبش را زده‌اند و خود او به خاکریز سر قناتی پناه برده و تا فشنگ داشته است از خود دفاع کرده و سپس با ماوزر به دفاع پرداخته و فشنگ در لولهٔ ماوزرش گیر کرده است. چند نفر پشت خم به طرف او کشاله کرده‌اند و او با لولهٔ ماوزر مأیوسانه به آنها نهیب می دهد!

من پیاده شدم و با تفنگ چند تیر به اطراف و جلو او تیراندازی کرده یفرم را از آن مخمصه نجات دادم... و آن روز کاری مهم صورت دادیم.

در سفر جنگی بزرگ و مشهور **سالارالدوله** که با طوایف کلهر قریب چهل هزار سوار به قصد گرفتن تهران تا ساوه پیش آمده بود، و دولت خوانین بختیاری را به دفاع او فرستاد نیز **رضاخان** و شصت تیرش شرکت داشت.

و باز بعد از آن محاربه در سفر جنگی دیگری که به ریاست شاهزادهٔ **«عبدالحسین میرزای فرمانفرما»** به دفع سالارالدوله عده‌ای مأمور غرب گردید و یفرم در جنگ معروف به «جنگ شورجه» به قتل رسید، **رضاخان** با شصت‌تیرش شرکت داشت و از کسانی که در آن جنگ بوده‌اند شنیدم که می‌گفتند **رضاخان** کمال شهامت و جلادت را به خرج داده بود، و یکی از عوامل عمدهٔ شکست اشرار و عشایر، توپخانه و مقاومت **رضاخان** بود.

در خراسان و قسمتهای جنوبی و حدود جام و باخزر نیز مأموریتهای مکرر داشته است و خود ایشان می‌گفتند که: «من در حدود جام یک اطاق برای خودم ساختم که هنوز هم آن اطاق کاه گلی بر سرپاست».

چندی در شهر مشهد در ردیف قزاقهای مستحفظ بانک استقراضی قرار داشته است، که احیاناً موجب شکایت تجار و

مردم بازار نیز می‌شدند و من خود روزی در نزد والی خراسان بودم که جمعی تجار آمده بودند و از گردنکشی قزاقهای مستحفظ بانک و تعرضات ایشان به مردم شکوه داشتند!

در اوقات جنگ بین‌الملل و اوان مهاجرت، رضاخان را در همدان جزء دستهٔ تیراندازان همدان می‌بینیم که مصلای همدان را در دست دارند، و با ماژور محمد تقی خان صاحبمنصب ژاندارم در ۱٤ محرم ۱۳۳٤ در جنگ است و از آنجا شکست خورده به مرکز می‌آید و در مرکز کودتائی می‌کند و این وقتی بود که سرهنگ رضاخان فرمانده گردان پیاده آتریاد همدان بود و بعد از آن در نتیجهٔ این کودتا رئیس فوج تیراندازان همدان گردید.

۲۰ـ متن اعلامیه سید ضیاء الدین

هموطنان: پس از پانزده سال مشروطیتی که به قیمت گرانبهاترین خون فرزندان ایران خریده شد، پس از پانزده سال امتحانات و تجربیات و تحمل انواع محن و مصائب، پس از پانزده سال کشمکش، اشکالات غیر قابل تصور داخلی و خارجی وطن ما به روزگاری افکنده شد که نه تنها هیچیک از سیاستمداران وقت نخواستند بار گران مسئولیت زمامداری را به عهده گیرند بلکه حتی مبعوثین و وکلاء ملت جرأت ننمودند که به وظائف خویش اقدام نمایند و از قبول این بار استنکاف ورزیدند ـ !ـ آیا مسبب و مسئول این وضعیت و بی‌تکلیفی چه اشخاصی بودند؟؟!

کسانی که ملت را به وعده‌های مشروطیت و آزادی و استقرار قانون و عدالت فریب داده در همان حال این مواعید را حجاب قرار دادند تا در سایهٔ آن رویه هرج و مرج، اساس انتفاع شخصی و لجام‌گسیختگی ـ اصول ملوک‌الطوایفی قرون وسطی اصولی که با سیاهی و تیره‌گیهای فجایع و جنایات احاطه شده بود مستقر سازند.

چند صد نفر اعیان و اشراف که زمام مهام مملکت را به ارث در دست گرفته بودند مانند زالو خون ملت را مکیده ضجه وی را بلند می‌ساختند و حیات سیاسی و اجتماعی وطن ما را به درجهٔ فاسد و تباه نمودند که حتی وطن‌پرسترین عناصر، معتقدترین اشخاص به زنده بودن روح ملک و ملت امید خود را از دست داده کشور ما ایران را در میان خاک و خاکستر سرنگون می‌دیدند... ! **موقع فرا رسید که این وضعیات خاتمه یابد ـ موقع فرا رسید که عمر حکومت این طبقه سپری گردد.**

مسببین فلاکت و پریشانی ایران که باز هم دست نالایق خویش را از عمارت فروریخته ایران نمی‌کشیدند به حساب دعوت شوند:

بالاخره روز واژگون شدن و انتقام فرا رسیده...

... اکنون قضا و قدر مرا تعیین کرده است که مقدرات و سرنوشت ملت خود را در این موقع بحران و خطرناک در دست گرفته وی را از آن پرتگاهی که حکومت‌های بی اراده و نالایق پرتاب کرده بودند نجات بخشم.

من.... این بار را قبول می‌کنم نه از آن جهت که به **لیاقت** شخصی خود اعتماد می‌کنم بلکه اعتمادم **اول** به خدای متعال بخشنده نیرو و دلیری است که خدمت‌گذاران و پاک‌نیتان را هدایت و راهنمائی می‌نماید.

بر قشون شجاع و وفاداری که دشت و **هامون را با خونهای خویش** در راه وطن گلگون کرده و بالاخره به حس فداکاری هموطنان عزیزی است که با چشم‌های باز گذشته را نگریسته و آینده را منصفانه قضاوت و حکمیت خواهند نمود.

هموطنان: شما بهتر از همه‌کس واقف و مطلعید از وظایف شخصی که در یک چنین موقع سهمگینی بار مسئولیت را بدوش می‌گیرد زیرا شما هستید که حیات و موجودیتتان آغشته فلاکت ـ بدبختی ـ ناامنی و بی‌تکلیفی است.

هموطنان: لازمست عمارت متزلزل و لرزانی که مفت‌خواران در آن آشیانه نهاده‌اند سرنگون گردد.

لازمست **اداره‌ایکه تأسیس** آنها برای اسراف و تبذیر مال و پولیست که با قطرات عرق تودهٔ ملت تحصیل شده یا بالاتر و بدتر از همه به قیمت شرافت و استقلال ایران از اجانب قرض شده است از میان برود و به جای **آن مبانی محکمی** استوار گردد که وظیفه خدمتگذاری به مملکت را از عهده برآید.

موقع آن فرارسیده که شرافت و استقلال وطن به شکل پول در جیب این مفتخواران فرو نرود.

باید سعی و کوشش نمود که مملکت با عواید داخلی خود اداره شود و برای گردش دوائر مفت‌خواری محتاج به قرض از اجانب نگردد ـ انجام این امر یعنی محو و انهدام مفت‌خواری و **مبانی امنیت و رفاه و استفاده کارگران از مشقت خویش اولین وظیفه من خواهد بود.**

لازم است بنیان عدلیهٔ ما که مرکز فجایع و جنایات است واژگون و معدوم گشته و بر روی خرابه‌های وی یک عدالتخانه حقیقی که ارکانش مبنی بر عدل و نصفت باشد بنا گردد زیرا فقط چنین عدالتخانهٔ می‌تواند شالودهٔ یک حکومت عادلی باشد.

لازم است قیمت زحمت و مشقت کارگران و دهقانان سنجیده گشته و دورهٔ فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد.

برای حصول این مقصود اولین اقدامی که باید به عمل آید تقسیم خالصجات و اراضی دولتی مابین دهقانان و همینطور وضع قوانینی که زارع را از املاک اربابی بیشتر بهره‌مند سازد و در معاملات ارباب با دهقان تعدیلی شود و موجبات صحی و زندگانی آنان را تأمین کند.

لازم است مدارسی تأسیس گردد که برای کشور ایران آری برای ایران که مانند خورشید فروزان و آبادان بود و اکنون از تمدن و ترقی دور افتاده است تدارک فرزندان لایق و شایسته نماید.

بهره‌مند شدن از نعمت تعلیم و تربیت نباید از حقوق مختصه طبقات متمول اولاد وارثان ظالمان بی‌لیاقت گردد، بلکه برعکس تمام طبقات مردم و دهقانان باید از نعمت تعلیم و تربیت بهره‌مند شوند.

فقط سپاهیان دلیر ما قادرند که حیات و هستی مملکت را تأمین نموده ترقی و سعادت و اقتدار را فراهم سازند

قبل از همه چیز و بالاتر از همه چیز **قشون ــ هر چیزی اول برای قشون و باز هم قشون**

اما سیاست خارجی ما

در اینجا نیز یک تغییر اساسی لازم است. لازم است یک سیاست شرافتمندانهٔ بر مناسبات ما با ممالک خارجه حکومت داشته باشد.

ملت ما وارث حکم و اندرزهای اعصار و قرون متوالیه است.

ولی بدیهی است دوستی ما نباید وسیلهٔ استفاده‌های غیر مشروع اجانب گردد که در جامعه ملل به شرافت و استقلال ایران لطمه وارد آورد.

مناسبات ما با هر یک از دول خارجه نباید مانع از حسن مناسبات و دوستی با سایرین گردد.

به نام همین دوستی **کاپیتولاسیون** را که مخالف استقلال یک ملت است الغاء خواهم نمود، و برای موفقیت در این مقصود و اینکه اتباع خارج از عدالت تام بهره‌مند بوده حقوق خود را بتواند حقاً دفاع نمایند ترتیبات و قوانین مخصوصهٔ با محاکم صلاحیتداری وضع و ایجاد خواهد شد. تا همه نوع وثیقه داشته باشند.

بر طبق اصول فوق‌الذکر اعلام می‌دارم که بعضی از امتیازاتی که در گذشته به اجانب داده شده است باید اساساً مورد تجدید نظر واقع گردد ما باید به تمام همسایگان به نظر دوستی نگریسته و با همهٔ آنها مناسبات حسنه همجوارانه داشته باشیم و روابط مودت و تجارت را محکم کنیم.... هیچ ملتی هرقدر قوی و نیرومند باشد نباید آزادی ما را محدود نماید.

ما آزادیم و آزاد باقی خواهیم بود

بنا به همین اصول و به خاطر همین اصول است که الغاء قرارداد ایران و انگلستان مورخه اوت ۱۹۱۹ اعلام می دارم.

* * *

تخلیه ایران از قشون اجانب مهمترین موضوعی است که اساس مناسبات دوستی ما را با دول همجوار مستحکم‌تر خواهد نمود.

* * *

هموطنان.... بنام قشون دلیر و فداکارمان من شما را به انتظام و سعی و کوشش در نجات وطن دعوت می نمایم،

من اعتماد به مشارکت شما دارم.

من اعتماد به وطن پرستی شما دارم.

از تمام شماها، درخواست می‌نمایم که به وسیله طرح پیشنهادها و تقدیم افکار و مشورتهائی که در نزد من کمال وقع و تعظیم را خواهد داشت مرا مساعدت کنید.

اکنون اعلام می دارم که از این ببعد فرصت ملاقات کمتر خواهم داشت لکن هر گونه مسائلی که کتباً ارسال گردد مورد توجه و مطالعه کامل واقع خواهد شد.

در همان حال اعلام می دارم که هیچ چیز و هیچ ملاحظهٔ مرا از مهمی که برعهده گرفته‌ام باز نخواهد داشت زیرا پس از تفضلات سبحانی و تأییدات..... مستظهر و به نیات پاکی متکی هستم. حتی اگر برادرم در نجات مملکت از مصائب کنونی امتناع ورزد به او رحم نخواهم کرد.

هموطنان: شما را به انتظام و کار دعوت می نمایم.

س. ضیاء الدین طباطبائی: رئیس الوزراء

۸ حوت ۱۲۹۹

۲۱- متن اعلامیه سردار سپه

«وظایف مقدسهٔ فداکاری نسبت به شاه و وطن ما را به میدانهای جنگ هولناک گیلان اعزام نمود، همان میدان‌های خونین مرگباری که قشون دشمن برای تسخیر ایران و تهدید پایتخت با قوای فزونتر و اسلحهٔ مکمل‌تر تشکیل نموده بود.

افراد دلاور قزاق این وظیفهٔ مقدسه را با جان و دل استقبال نمودند؛ زیرا تنها قوهٔ منظم ایرانی که می‌توانست وظیفهٔ مدافعهٔ وطن را ایفاء نماید، همین قوه و افراد آن بودند که بدون لباس، بدون کفش، بدون غذا، بدون اسلحهٔ کافی سینه و پیکر خود را سپر توپ های آتشفشان نمودند، غیرت و حمیت ایرانی را ثابت و دستجات انبوه متجاسرین را از پشت دروازهٔ قزوین تا ساحل دریا راندند. اگر فداکاری و خدمات جانبازانهٔ اردوی قزاق نتیجهٔ مطلوب را حاصل نکرد و نتوانستیم خاک مقدس وطن و عصمت برادران گیلانی خود را از دست دشمن نجات دهیم، تقصیری متوجهٔ ما نبود؛ بلکه خیانت های صاحبمنصبان و کسانی که سرپرستی و ادارهٔ امور به آنها محول شده بود، موجب عقیم ماندن نتیجهٔ خدمات ما گردید؛ ولی باز افتخار می‌کنیم که فوراً خون قزاق دلیر توانست پایتخت وطن مقدس ما را از استیلای دشمن نجات دهد. اگر خیانتکاران خارجی توانستند نتیجهٔ فداکاری های اولاد ایران را خنثی نمایند، برای این بود که خیانتکاران داخلی، ما را بازیچهٔ دست و آلت شهوت خود و دیگران قرار می دادند!

هنگام عقب‌نشینی از باطلاق های گیلان، در زیر آتش توپ دشمنان احساس نمودیم که منشأ و مبدأ تمام بدبختی های ایران، ذلت و فلاکت قشون، خیانتکاران داخلی هستند.

در همان هنگامی که خون خود را درمقابل دشمن مهاجم می‌ریختیم به حرمت همان خون‌های پاک و مقدس قسم خوردیم که در اولین موقع فرصت خون خود را نثار نمائیم تا ریشهٔ خیانتکاران خودخواه تن‌پرور داخلی را بر انداخته ملت ایران را از سلسلهٔ رقیت مشتی دزد و خیانتکار آزاد نمائیم.

مشیت کردگاری و خواست حضرت خداوندی این فرصت را برای ما تدارک دیده اینک در تهران هستیم.

ما پایتخت را تسخیر نکرده ایم، زیرا نمی‌توانستیم اسلحهٔ خود را در جائی بلند کنیم که شهریار مقدس و تاجدار ما حضور دارد. فقط به تهران آمدیم که معنی حقیقی سرپرستی مملکت و مرکزیت حکومت بدان اطلاق گردد(!)

حکومتی که در فکر ایران باشد، حکومتی که فقط تماشاچی بدبختی ها و فلاکت ملت خود واقع نگردد.

حکومتی که تجلیل و تعظیم قشون را از اولین سعادت مملکت بشمار آورد، نیرو و راحتی قشون را یگانه راه نجات مملکت بداند.

حکومتی که بیت‌المال مسلمین را وسیلهٔ شهوترانی مفتخواران تنبل و تن‌پروران بی حمیت قرار ندهد.

حکومتی که سواد اعظم مسلمین را مرکز شقاوتها، کانون مظالم و قساوت نسازد(!)

حکومتی که در اقطار سرزمین آن هزارها اولاد مملکت از گرسنگی و بدبختی حیات را بدرود نگویند.

حکومتی که ناموس و عصمت گیلانی، تبریزی، کرمانی را با خواهر خود فرق نگذارد.

حکومتی که برای زینت و تجمل معدودی، بدبختی مملکتی را تجویز ننماید(!)

حکومتی که بازیچهٔ دست سیاسیون خارجی نباشد(؟!)

حکومتی که برای چندصد هزار تومان ارز هرروز آبروی ایران را نریزد و مملکت خود را زیر بار فروتنی نبرد.

ما سرباز هستیم و فداکار حاضر شده ایم برای انجام این آمال، خون خود را نثار نمائیم و غیر از قوت و عظمت قشون برای حفظ شهریار و وطن مقدس آرزوئی نداریم؛ هرلحظه چنان حکومتی تشکیل شود و موجبات شرافت وطن، آزادی، آسایش و ترقی ملت را عملاً نمودار سازد و با ملت نه مثل گوسفند زبان‌بسته رفتار نماید(؟!) بلکه به معنی واقعی ملت بنگرد، آن لحظه است که ما خواهیم توانست به آتیه امیدوار بوده و چنانچه نشان دادیم وظیفهٔ مدافعهٔ وطن را ایفاء نمائیم، با تمام برادران نظامی خود، ژاندارم، افواج پلیس که آنها هم با دل های دردناک شریک فداکاری اردوی قزاق بودند، کمال صمیمیت را داشته و اجازه نخواهیم داد که دشمنان سعادت قشون، بین ماها تفرقه و نفاق بیفکنند؛ همه شاه‌پرست و فداکار وطن، همه اولاد ایران، همه خدمتگزار مملکت هستیم.

زنده باد شاهنشاه ایران؛ زنده باد ملت ایران، پاینده باد ملت ایران، قوی و باعظمت باد قشون قزاق دلاور ایران.

رئیس دیویزیون قزاق و فرماندهٔ کل قوا-رضا

۲۲- چگونگی انتصاب قوام‌السلطنه به رئیس‌الوزرائی

مرحوم اسدالله شمس ملک‌آراء (شهاب‌الدوله) که در آن تاریخ رئیس تشریفات دربار سلطان احمدشاه بود در خاطراتیکه در سال قبل از مرگ خویش انتشار داد در قسمتی از خاطرات خود تحت عنوان «بدین ترتیب فرمان نخست‌وزیری را در زندان عشرت‌آباد به قوام‌السلطنه ابلاغ کردم» می‌نویسد:

احمدشاه در ساعات عصری مرا احضار و امر دادند که با اتومبیل درباری به شهر رفته و از آنجا به عشرت‌آباد که یک عده از رجال از قبیل عین‌الدوله و قوام‌السلطنه و دیگران هنوز زندانی بودند رهسپار شوم و سپس به اطاق یا مجلس مخصوص قوام‌السلطنه داخل شده او را از طرف شاه دعوت به قبول زمامداری نمایم و متفقاً با وی به فرح‌آباد برگردیم.

احمدشاه یک پیغام محرمانه‌ای نیز دادند که به قوام‌السلطنه ابلاغ نمایم. مفاد پیغام این بود که در سیاست خارجی از تسلیم در برابر تمایلات انگلیسی‌ها خودداری نماید. این پیغام و تأیید احمدشاه بر عدم همراهی دولت با نظریات انگلیس شایسته تجلیل و تفسیر بیشتر نیست به نظر اینجانب سردار سپه که در کناره کردن سید ضیاءالدین عامل مؤثری بود به علاوه بیم داشت که باز انگلیسی‌ها برای به دست گرفتن قوای نظامی ایران قدم هائی بردارند و تدابیری بیندیشند و طرحی بریزند بدین لحاظ تصمیم راستین رئیس دولت این شرط را لازم می‌شمرد که زمامدار هر کسی باشد در مقابل امیال انگلیسی ها تسلیم نشود.

منظور از این پیام شاه رعایت نظریه سردار سپه بود، مضافاً به اینکه خود ارادت و عقیدتی نسبت به سیاست انگلیس نداشت. ضمناً شاه می‌خواست با زمامدارانی موضوع سیاست خارجی را روشن کرده باشد که قوام‌السلطنه از آن راه و سیاست منحرف نگردد. بالجمله اینجانب مهیای حرکت شده قبل از عزیمت من سردار سپه به وسیله تلفن به جان محمدخان که فرمانده قوای عشرت‌آباد بود دستور فرستاد که شهاب‌الدوله برای انجام مأموریتی به عشرت‌آباد خواهد آمد مانع نشوید و راهنمائی و مساعدت کنید. اینجانب برای اجرای امر با شتاب به عشرت‌آباد رفتم. پاسداران راهنمائی کردند. جان محمدخان خود شرط ادب و مهربانی به جای آورد. مستقیماً به بالاخانه آئینه کاری معروف به کلاه‌فرنگی که هنوز هم به همان شکل وجود داشته و چند سالی کبوترخانه و حالیه محل دادرسی لشگر یک پادگان مرکز است و ناصرالدین شاه برای سکونت سوگلی خود انیس‌الدوله تخصیص داده بود و آن روز به صورت محبس درآمده بود رفتم.

قوام‌السلطنه مشغول نماز و عبادت به درگاه بی‌نیاز بود. پس از گذراندن فریضه چون مدتی بود به دیدارشان برخوردار نبودم یکدیگر را در آغوش کشیدیم. دو امر شاهانه را کماینبغی ابلاغ کردم و پیام مهم مذکور در فوق را نیز رساندم. قوام‌السلطنه پیغام شاه را پذیرفته پس از تشکر از مراحم ملوکانه متفقاً با همان اتومبیل درباری به دربار فرح‌آباد رفتیم. خلاصه آنکه حکم قضا چنین رفته بود که من قوام‌السلطنه را از گوشه زندان ذلّت بر مسند اقبال و صدارت رساندم.

به طوری که می‌دانم کابینه اول قوام‌السلطنه تشکیل گردید در این کابینه سردار سپه وزیر جنگ و فرماندهی کل قوا معرفی شد. در همین ایام بود که لرد کرزن نطق مشروح خود را حاکی از شکایت و عدم رضایت در مجلس لردها ایراد نمود. چندی نگذشت انگلیسی‌ها مستر نورمان را احضار و شارژدافری را معرفی کردند که ناظر جریان امور بوده باشد. گفته شد وزارت خارجه انگلیس از نحوه کار نورمان ناراضی بود چه که دیگر نام و نشانی از وی پدیدار نشد و همچنین افسرانیکه در این نقشه دخالت داشتند و به هدف و منظور نرسیدند مورد شماتت شدند....

۲۳- توطئه ظهیرالاسلام علیه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ

مرحوم جواد امامی معروف به ظهیرالاسلام فرزند سید زین‌العابدین امام جمعه تهران و نوه دختری ناصرالدینشاه قاجار ضمن انتشار خاطرات خود دربارهٔ توطئه علیه رئیس‌الوزراء و سردار سپه مطالبی نوشته است که در زیر به نظر خوانندگان ارجمند می‌رسد:

در واقعه کودتای ۱۲۹۹ شمسی اینجانب نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بودم و در شهر مشهد اقامت داشتم قدرت استان خراسان در دست دونفر بود اولی قوام‌السلطنه که سمت والی‌گری داشت و دوّمی اینجانب که از طرف شاه سمت تولیت آستان قدس رضوی را عهده‌دار بودم قوام‌السلطنه با قدرت عجیبی حکومت می‌کرد و کسی را یارای مقاومت و برابری با او نبود در

اطاق کارش ابداً صندلی قرار نداشت و یک صندلی بود که پشت میز او بود اختصاص به خودش داشت هر کس به ملاقات او می‌رفت موظف بود دست به سینه در کنار اتاق ایستاده و با بعضی از شخصیت‌ها از قبیل علماء می‌توانستند روی قالی که در زمین اتاق مفروش بود بنشینند.

قبل از من نایب التولیه آستان قدس مرتضی قلی نائینی بود با وجودی که مقام او با مقام قوام السلطنه برابر بود فقط حق داشت روی قالی بطور مؤدب و معقول نشسته و مرتباً بله‌بله قربان بگوید موقعی که اینجانب به این سمت منصوب و وارد مشهد شدم به طور کلی با این رسم مبارزه کردم یک روز به ملاقات قوام السلطنه رفتم مرا به اطاق او هدایت نمودند هنوز قوام وارد اطاق کارش نشده بود پیشخدمت مخصوص مرا دعوت به نشستن روی قالی نمود ولی من به جای نشستن روی قالی بر صندلی مخصوص والی خراسان قرار گرفته و هنگامی که قوام السلطنه وارد اتاق گردید تنها کاری که برای او نمودم از روی صندلی برخاسته و برای او تواضع نمودم همین عمل باعث شد که بعدها قوام السلطنه در موقع ملاقات با اینجانب اجازه آوردن یک صندلی اضافی در اتاق خود می داد. علاوه بر این قوام السلطنه مارک دولتی را که بر روی کاغذ تحریر منقوش شده بود تغییر داد مارک آن زمان نقش شیر و خورشید بود و زیر آن نوشته شده بود (وزارت داخله ــ والی خراسان) ولی قوام السلطنه تمام آن را برداشت و این جمله را روی یادداشت چاپ نمود(فرمانفرمای کل خراسان و سیستان) و بطور خلاصه قدرت قوام السلطنه در استان خراسان بی حد بود تا اینکه روز سیزده نوروز شمسی فرا رسید کلنل محمد تقی خان پسیان فرمانده ژاندارمری بود او یکی از دوستان من بود صبح روز سیزده قوام السلطنه به اتفاق حاج مقبل ــ شیخ الرئیس و شیخ التجار با اتومبیل آلبالوئی رنگ خود برای قمار به خارج شهر رفته بود هنگام برگشت به شهر طبق دستور سید ضیاء الدین نخست‌وزیر از طرف قوای ژاندارمری دستگیر گردید.

قوام السلطنه بازداشت خود را به حساب من گذاشت و از همان وقت حس انتقام‌جوئی در او پدیدار گشت تا اینکه بعد از سقوط کابینه سید ضیاءالدین وقتی به ریاست دولت رسید اولین اقدامی که نمود به وسیله تلگراف به مسیو (کلروپ) رئیس نظمیه خراسان که او هم سوئدی بود دستور داد مرا دستگیر و تحت بازداشت قرار دهد.

رئیس تلگرافخانه هندواروپ مشهد مترجم‌الملک نجومی بود او دوستی زیادی با من داشت به مجردی که تلگرافچی تلگراف را از تهران گرفت و روی ورقه تلگراف آورد مترجم‌الملک به ملاقات من آمده جریان را حکایت و گفت هنوز تلگراف را برای رئیس شهربانی نفرستادم قبل از هر کاری شما از مشهد خارج شوید چاره نبود جریان را به کلنل محمد تقی خان پسیان اطلاع دادم او عده‌ای ژاندارم و یک کالسکه در اختیار من گذاشت و من روانه شریف‌آباد که در دوفرسخی مشهد واقع است شده تا از آنجا به وسیله کالسکه پستی به تهران بروم همسر و فرزندان خود را در مشهد گذاشتم موقعی که سوار کالسکه شده و تحت حفاظت ژاندارم‌ها قصد خروج از شهر را داشتم افراد پلیس شهربانی که چند دقیقه قبل تلگراف قوام السلطنه به آنها واصل شده بود در میدان ارک جلوی کالسکه را گرفته و قصد توقیف مرا داشتند که در این وقت نزاع سختی درگرفت و بالاخره ژاندارم‌ها موفق شده و من از دروازه شهر خارج شدم و در شریف‌آباد به کالسکه پست منتقل شدم و یک ماه بعد مخفیانه وارد تهران شدم. قوام السلطنه که شنیده بود من از مشهد خارج شدم هر چه تلاش کرد بین راه مرا دستگیر نمایند ممکن نبود و در تهران هم دستگیری من خطراتی برای او در بر داشت چون مورد حمایت شدید طبقه روحانیون و دربار احمدشاه بودم و به همین جهت بود روز دوّم ورود به تهران تک و تنها به خیابان رفتم و روز سوّم با احمد شاه ملاقات و از او شدیداً گله کردم و گفتم چگونه ممکن است قوام السلطنه نخست‌وزیر بدون اجازه شما دستور دستگیری نایب شاه را در خراسان صادر نماید.

قوام السلطنه همچنان در فکر انتقام بود سه ماه بعد از ورود من به تهران توطئه دیگری چید یک روز در خانه خود واقع در خیابان شاه‌آباد کوچه ظهیرالاسلام نشسته و تازه از لقانطه چلوکباب آورده و مشغول خوردن ناهار بودم که یک نفر مأمور سویل تأمینات وارد منزل شده گفت «حضرت اشرف برای دو دقیقه با شما کار دارند» من فوراً حدس زدم منظور از این ملاقات چیست چون شب قبل در روزنامه خوانده بودم که صبح دیروز دو نفر تروریست قفقازی در مقابل خانه وزیر جنگ دستگیر شدند. بلافاصله به وزارت جنگ که در عمارت فعلی دژبانی ارتش بود مراجعه و مرا بدون هیچ سؤال و جوابی به زندان منتقل کردند و یکی دو ساعتی که از بازداشت من گذشت هشترودی نماینده آذربایجان ــ نیرالسلطان نوری، رکن‌الملک برادر

حکیم‌الملک، نصیرالملک، علیقلی انصاری، میرزا کریم‌خان رشتی، سردار منتصر، ضیاءالسلطان که رویهم تعداد آنها ۱۲۰ نفر بود وارد زندان قزاقخانه نمودند با دستگیری اینجانب علماء تهران در مقام اعتراض برآمده بازارها به کلی بسته شد و جامعه علمیه از بین خود سه نفر را انتخاب و مأمور مذاکره با شاه ــ قوام السلطنه نخست‌وزیر و سردار سپه وزیر جنگ نمودند. سید جزایری با وزیر جنگ شیخ عبدالنبی با احمد شاه و شیخ محمد صادق کاشانی با قوام‌السلطنه هر روز در تماس بودند. و به دستگیری و توقیف من اعتراض می‌کردند تا اینکه ده روز بعد از بازداشت من را برای بازجوئی احضار کردند بازپرس (پدر) بود در جلسه باز پرسی سپهبد یزدان‌پناه ــ امیر احمدی ــ سپهبد جهانبانی ــ سرلشگر انصاری ــ سرلشگر ایرم حضور داشتند وسؤال بازپرس این بود که من تا چه حد از توطئه قتل قوام‌السلطنه و سردار سپه با اطلاع هستم ولی من سخت اعتراض کردم جلسه بازپرسی مرتباً تشکیل می‌شود تا اینکه یکی از روزها سرلشگر انصاری وارد اتاق زندان شد و پس از قدری صحبت دوستانه از من تقاضا کرد برای خلاصی خود از قید و بند و جلوگیری از تشنج شهر که بواسطه دستگیری شما به‌وجود آمده در دو کلمه بگوئید (احمدشاه‌درتوطئه دخالت داشت) با گفتن این جمله با احترام و اعزاز آزاد می‌شوید ولی من کسی نبودم که ناجوانمردی را پیشه گرفته بدون اطلاع و جهت کسی را بدنام سازم و با قوت قلب گفتم خیر احمدشاه کیست من خودم‌در توطئه قتل نخست‌وزیر و وزیر جنگ دخالت داشتم.

۲۴- مسبب کودتا

«از آنجائی که، اثرات دورهٔ انحطاط، مفهوم و معانی عقاید را از اغلب سلب کرده، و یک رشته کلمات و الفاظ خالی از معنی، قائم مقام حقائق قرار داده است، و از آنجائی که به واسطهٔ همان تأثیرات تدنی و انحطاط اغراض انفرادی بالمره جایگزین سعادت جماعت شده است، اینست که در بعضی از جرائد مرکزی پس از یک سال تمام که از مدت کودتا گذشته، تازه دیده می‌شود که مسبب حقیقی کودتا را موضوعی مباحث خود قرار داده، و در اطراف آن قلمفرسائی می‌کنند.

من اگر می دانستم، که جرائد مذکوره قائد عقاید جمعیت و پیشوای افکار امت شناخته می‌شوند. و از روی منطق و برهان می‌خواهند، وارد در فلسفهٔ ظهور کودتا بشوند فوق‌العاده مشعوف می‌شدم، که اصل سبب را به معرض افکار عمومی گذارده، و حقایق را بی پرده آشکارا سازم. اما چون از ارتباط مدلول بعضی از جراید، با افکار ملی و عمومی مردد هستم، و به علاوه به طور قطع و وضوح می بینیم که این موضوع مهم وسیلهٔ سوء استفاده ارباب جرائد مزبور و بروز اغراض و حملات شخصی آنها و تحریک باطنی ایادی سایرین شده است، این است که بدواً از استفهام و ذکر این سؤال ناچارم.

آیا با حضور من، مسبب حقیقی کودتا را تجسس کردن مضحک نیست؟

اگر چه من به صفای نیت و خلوص عقیده و احساسات ایرانیت و ایران‌پرستی خود تکیه داده، خدای بصیر و وجدان بی‌آلایش را سرلوحهٔ رفتار و عقاید خویش قرار داده‌ام، و هر چشم بینا و گوش شنوائی را به محکمهٔ قضاوت دعوت می‌کنم، و به اضافه، منتشرات اوراقی را که ارتباط به هر مسلک و جمعیتی مطرود، و نمایندهٔ احساس ساختگی (نه فکر) یک نفر واحد شناخته می‌شوند، در درجهٔ صدم از اهمیت تشخیص خواهم داد معهذا صاحبان همین اوراق هم خوبست، به جنبهٔ فکری خود، اگر متکی به یک معلوماتی است، مراجعه کرده، عمداً اشتباه نکنند که موضوع مهم کودتادر دسترس اقدام هر کسی نبوده، اشخاصی می توانستند مبادرت به این اقدام نمایند، که ظلم خارجی و بی‌لیاقتی زمامداران داخلی را از روی قلب و عقیده تشخیص داده باشند!

کسانی مسبب این اقدام می توانستند بشوند، که تمام عمر خود را جزو صف و قشون صرف کرده، اغراض حقیقی مستشاران خارجی را، از هر طبقه و صنفی بودند در خرابی بنیان این مملکت، عملاً استنباط کرده باشند.

اشخاصی می توانستند، در مقام اجرای این مقصود برآیند که مدت العمر در کوه و بیابانها جان خود را در راه این مملکت بر کف دست گرفته، و تشخیص داده باشند که زمامداران نالایق پست‌فطرت، تمام آن فداکاریها را به هیچ شمرده، وتمام زحمات صاحب‌منصبان و افراد قشونی را فدای صد دینار منفعت خود نموده‌اند.

آری! هرکس نمی توانست پردهٔ این شئامت کاری‌ها را دریده، دستهای خارجی را از گریبان این مملکت بیچاره قطع،

و به خودسری و بی لیاقتی و منفعت‌طلبی مزدوران داخلی خاتمه دهد. این یک فکری نبود که در اثر گردش در باغ گلستان و اطاقهای گرم انشاد شده باشد. کسی را در این مورد یارای اقدام و عمل بود که بدبختی و بیچارگی نفرات زحمت کش قشون را در جلوی چشم، بطور عبرت دیده، و تمام آن بیچارگی ها را با تعیشات لاابالیانه، و هیولاهای غریب و عجیب کرسی‌نشینان تهران، موازنه، کرده باشد. بی جهت اشتباه نکنید و از راه غلط مسبب کودتا را تجسس ننمائید. با کمال افتخار و شرف به شما می‌گویم، که مسبب حقیقی کودتا منم، و با رعایت تمام این معنی، این راهی است که من پیموده‌ام و از اقدامات خود ابداً پشیمان نیستم. اگر علی الظاهر، یکی دو نفر را دیدید که چند صباحی عرض اندام کردند، و سطحاً راهی پیمودند، نه این بود که اعماق قلب آنها در نظر من مخفی و مستور باشد. همه را می دانستم، و استنباط کرده بودم فقط احتیاجات موقع مرا ملزم می‌کرد که موقتاً دست خود را بر سینهٔ آنها آشنا نسازم. تا زمانیکه ایران را آئینهٔ فداکاری‌های خود قرار داده، و نامحرمان را از محمل انس خارج سازم، چنانکه دیدید و شنیدید.

اینک اگر به مسبب حقیقی کودتا اعتراض دارید، به جای آنکه هر روز در اوراق جرائد به مقام تفتیش و تفحص برآئید، بدون اندیشه، مستقیماً به من مراجعه کرده، با نهایت مهربانی اعتراضات خود را از من جواب گرفته، و آنچه را که خودتان هم می دانید، و قلباً تصدیق می‌کنید دوباره از من بشنوید، و چنانکه گفتم، اثرات دورهٔ انحطاط متأسفانه الفاظ و لغات را قائم مقام معانی و حقائق قرار داده، و کمتر کسی است که بخواهد، وارد در مرحلهٔ حقیقت گشته، سپس در مقام تثبیت عقیدهٔ خود برآید. ولی باید دانست که به یک سلسله الفاظ مجوف چسبیدن، و از محیط فکر و حقیقت دوری جستن، کار خردمندان نیست.

در این صورت، از حملهٔ به اشخاص غیرمتجانس، اگر به فلسفهٔ کودتا اعتراضی دارید علی التحقیق فرع سبک مغزی شما خواهد بود و این یک نوع بروز احساسی است که ابداً به جنبه‌های فکری و تعقل شما مربوط نیست و اگر اندکی قوهٔ مخیله خود را حکم قضیه قرار دهید، می دانید که اضمحلال وطن داریوش، بر اثر حرکات ناخلفان داخلی و اعمال نفوذ خارجی، در شرف تثبیت، و فقط مشیت خداوند متعال بود که هویت ناخلفان وزمامداران بی‌عرضهٔ دون همت را در پیشگاه عموم ملت آشکار و باز با مشیت خدای ایران است که در تحت تأثیر همین اقدام، می رویم حیات از دست‌رفتهٔ خود را به جهانیان اثبات نمائیم.

من از اقدامات خود در پیشگاه عموم ابداً شرمنده نیستم و با نهایت مباهات و افتخار است که خود را مسبب کودتا به شما معرفی می‌کنم.

این یک فکری نبود که فقط در سوم حوت سال گذشته در دماغ من تأثیر کرده باشد. این یک عقیده نبود که در تحت تأثیر افکار دیگران به من تحمیل شده باشد بدبختی نوع ایرانی مخصوصاً نفرات قشونی را من از چندین سال قبل احساس کرده بودم و اشخاصی که لیاقت شنیدن آن‌را از من داشتند همه می‌دانستند که تحمل شقاوت کاری خارجیان و مملکت‌فروشی پست‌فطرتان داخلی برای من امری بس صعب و دشوار بود و در تمام میدانهای جنگ، دفاع مرا در مقابل این شدائد می‌دیدند. من نمی‌توانستم تحمل نمایم که نفوس بیچارهٔ ایرانی و هموطنان بدبخت من به معرض بیع فروش اجانب درآمده، و پست‌فطرتان تهران هم اسناد این مبایعه را امضاء می‌نمایند.

من نمی خواستم مشاهده کنم که یک ایالت مهمی مثل گیلان در آتش بیداد جمعی یغماگر مشغول سوختن است و زمامداران مرکز تمام این خانه‌خرابیها را اسباب تفریح خود در هیئت و سایر مجالس قرار داده، و به جای قلع و قمع و سرکوبی آنها، در مشارکت بر عُمال یغماگران نیز، بر وجاهت ملی خود می افزایند.

برای من طاقت‌فرسا بود که این ملت بیچاره سالی ده کرور تومان مخارج قشون را از بیوه‌زنهای فقیر کرمان و بلوچستان دریافت و تأدیه نموده و آن وقت یک نفر دزد ده سال، در اطراف قم و کاشان و تا دروازهٔ تهران، مشغول شرارت و راه‌زنی و سپس بعضی از مرکزیان را هم در تمام دزدیها، شریک و انباز بینم.

هیچ ذیحسی تصدیق آن را نمی‌کرد که لشگریان بیچاره، از صاحب‌منصب و تابعین در تمام‌جنگها لگدکوب خارجی و داخلی گشته، فوج‌فوج قربانی بدهند و در مرکز دولت بلع حقوق آنها را اولین وظیفهٔ خود قرار داده، برای مناصب و درجات با شرف نظامی چوب حراج در دست گرفته و هر روز یک عده سردار و صاحب‌منصبان خود را بیرون بیندازند، آبروی دولت و ملت را در نزد اجانب ریخته و خون هر نظامی فداکاری را در عروق آنها منجمد نمایند، قشون برای هر مملکتی لازم و همه این حرف را من‌باب هوس و برای کسب وجاهت ملی

می‌سرودند ولی در همان حین با تمام قوا با فناء و اضمحلال قشون کوشیده، جیب خود را پر و قلب هر نظامی وطن‌پرستی را می‌شکافتند و دنباله را با کمال بی‌آزرمی و بی‌شرمی به جائی ممتد کردند که کلمهٔ قشون (همان کلمه که در تمام عالم با قید شرف و افتخار تلقی می‌شود و به پاسبانی حقیقی ملت و مملکت معرفی می‌گردد) جز تخفیف صاحبان آن رسم دیگری را متضمن نبوده و در مقابل تمام صنوف و طبقات مسلوب‌الاعتبار شده بودند.

آری تحمل این شدائد ومظالم برای من و هرکس که خود را پروردهٔ این آب و خاک می‌داند کمرشکن و طاقت‌فرسا بود و بالاخره با حقوق بشریت من مخالف بود که ببینم و مشاهده کنم یک جمعی پست‌فطرت دون‌همت نالایق، رشتهٔ ارکان مملکت را گسسته و در صدد آن هستند که به حیات استقلالی مملکت و ملت خاتمه داده و در تمام موارد مختصر نفع شخصی را بر ارکان یک مملکت سه هزار ساله ترجیح و مرجح سازند.

مسبب حقیقی کودتا همین عواملی هستند که هزاریک آنرا در ضمن این ابلاغیه ملاحظه می‌کنید و در تحت تأثیر همین عوامل بود که من به لطف خداوندی پناه برده و با عقیدهٔ راسخ و عزم جازم در صدد برآمدم که به آن دوران سیاه خاتمه داده آبروی از دست‌رفتهٔ نظام را عودت و با شهامت همان‌ها حیات مملکتی را تجدید نمایم.

من به پیشرفت منظور و مقصود مقدس خود مطمئنم و در تمام موارد از خدای ایران و روح ملیت خود استمداد می‌جویم. زیرا غیر از این دو نقطه اتکاء به هیچ نقطه‌ای متکی نبوده و نخواهم بود، در این صورت به تمام ارباب جرائد و صاحبان احساس پیشنهاد می‌کنم که پس از این ابلاغیه و معرفی مسبب حقیقی کودتا و سابقه‌ای که به احوال من حاصل کردند، دیگر هر عنصر غیر مانوسی را سبب حقیقی این امر عظیم تشخیص نداده بفهمند که مبارزه با عوامل مؤثره جز از قلوبی که قابلیت تأثیر را داشته باشد تراوش نخواهد کرد.

باز هم اشتباه نکنید بعضی از اشخاص کوچکتر از آن بوده و هستند که یک ارادهٔ منتظم نظامی را با ارادهٔ و عقاید خویش مربوط ساخته و به علاوه، مقام نظامیان فداکار نیز والاتر از آن بود که با اراده‌های خفیفه متحرک باشند.

اکنون اگر به ساده‌لوحی خود در انتشار این افکار تردیدی نداشته باشید می‌توانید قطعاً بدانید که اشخاص آلوده به غرض و عناصری که به دست دیگران متحرک باشند در دنیای تاریخ هرگز دوام و بقائی را همراه نبوده و حقایق معنوی را حتماً به القای شبهات نمی‌توان برای همیشه مستور و مکتوم داشت.

اینک در پیشرفت مقاصد ملی خود قلباً از حی ذوالجلال استعانت جسته و به تمام هموطنان عزیز عموماً اطلاع می‌دهم که با مسبب حقیقی کودتا هرکس اعتراضی و اشتباهی دارد به خود من مراجعه نموده و چون در ضمن تمام گرفتاریهای دیگر برای من غیر مقدور است که هر روز در جراید به مقام رفع شبهات خصوصی برآیم صریحاً اخطار می‌کنم که پس از این بر خلاف ترتیب فوق در هر یک از روزنامه‌ها از این بابت ذکری بشود به نام مملکت و وجدان آن جریده را توقیف و مدیر و نویسندهٔ آن را هم هرکه باشد تسلیم مجازات خواهم نمود.

وزیر جنگ ــ رضا

دویم برج حوت ۱۳۰۰

(برابر ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۰ ق)

۲۵ - حمله معتمدالتجار به سردارسپه ونطق مدرس

مجلس به ریاست مؤتمن‌الملک تشکیل شد **معتمدالتجار** بر حسب وقتی که قبلاً خواسته بود پشت تریبون رفته اظهار داشت:

حقیقةً خیلی ننگ‌آور و باعث تأسف است که پس از ۱۷ سال مشروطیت و آن همه قربانی ها که در راه آزادی داده شده مجبور شویم که در عوض اصلاحات اساسی از نقض قانون اساسی و اجرا نشدن سایر قوانین شکایت کنیم خطوطی که از آذربایجان می‌رسد ما را عصبانی و وادار به عرض این عرایض نموده است.

در ضمن عرایضی که راجع به پاره‌ای قضایای آذربایجان سابقاً به عرض مجلس رسانیدم شرحی هم از کلیهٔ اوضاع آن ایالت عرض و ضمناً درخواست کردم نمایندگان محترم که برای حفظ حقوق این ملت منتخب شده‌اند عطف توجهی بفرمایند ازآذربایجان که به قصد تهران عازم بودیم بانهایت ذوق و شوق می‌آمدیم و خیال می‌کردیم به مجرد تشرف در مجلس با مساعدت آقایان برای جبران مافات اقداماتی خواهیم کرد متأسفانه بعد از ورود و مطالعاتی که در این مدت کرده‌ایم می‌بینیم نسبت به امورات اساسی مملکت و حملاتی که به اساس و ارکان آزادی و مشروطیت در این پایتخت می‌شود

مجلس ساکت و نمایندگان محترم توجه مخصوصی نمی‌فرمایند جلسات گران‌بهای مجلس تمام صرف جزئیات شده و اوقات ذیقیمت نمایندگان تلف می‌شود دشمنان آزادی و استقلال مملکت لاینقطع در کار، اتصالاً نقشه‌های خودشان را توسعه می‌دهند و قریباً روزی می‌رسد که نه سر می‌ماند نه دستار بساط مشروطیت که برچیده می‌شود سهل است استقلال مملکت را هم می‌برند.

ترتیبات حالیه بنده را حق می‌دهد که نسبت به اوضاع حاضره بدبین و ظنین باشم مجلس که حامی و ناظر قوانین اساسی است دلسرد، شاه که حافظ و نگهبان قانون اساسی و اصول مشروطیت است در خارج، دیگران در حالت بی تکلیفی، اهالی و موکلین به خیال اینکه وکیلشان در مجلس است و برای آن‌ها کار می‌کند رفته به فراغت خاطر برای نتیجهٔ اقدامات منتظر نشسته یک‌دفعه ملتفت خواهند شد که خاک بر سرشان شده است مادامی که قانون اساسی این‌قدر زیر پا انداخته شده و ابداً نشانی از او دیده نمی شود ما و شما وضع قوانین را برای کی می‌کنیم و کدام هیئت دولت مجری آن خواهد بود مگر ملاحظه نمی‌فرمائید در خارج نمایندگان و این مجلس تا چه درجه موهون شده‌اند به هر محفل و اجتماعی که می رویم و با هرکس که ملاقات می‌کنیم از سکوت مجلس و مجلسیان شکایت می‌کند از تبریز در این مدت کم که وارد شده‌ایم خطوط متعدد رسیده از وضع مجلس و نمایندگان و هیئت دولت استفسار کرده‌اند و می‌کنند نمی‌دانم چه جوابی بنویسم و حقیقةً در حیرت هستم اوضاع حاضره را قطعاً نمی‌توان مناسب و لایق و سزاوار اطلاق یک حکومت ملی دید در حقیقت نمایشاتی می‌شود که خیلی اسباب وحشت و پریشانی و نگرانی است. عملیاتی در مرکز مملکت می‌شود که که به نظر ممکن است در آتیه خیلی نزدیک برای مملکت و ملت خطراتی را متوجه سازد.

بدون مجوز قانون جرائد را می‌بندند و مدیران آنها را توقیف — حبس — تبعید و زجر می‌کنند و می‌زنند چرا؟ برای اینکه از کثرت ظلم و تعدی و انتخاب اشخاص بدسابقه برای مأموریت‌ها و اختلاس‌ها و هزار مظالم دیگر تنقید کرده و دولتیان را به راه راست دلالت و نصیحت می‌نمایند، اینها عوض اصلاح احوال و مفاسد خودشان متشبث به نقض قوانین می‌شوند آیا برای جلوگیری از خطرات متصوره نمایندگان ملت چه تصمیمی اتخاذ می‌نمایند.

قانون اساسی اعمال را تقسیم و هر وزیری را در کار خود مسئول کرده است آیا حالا در اینجا رعایت می‌شود؟ خوبست برای مراعات سوگندی که آقایان نمایندگان در مجلس یاد کرده‌اند عجالتاً از بعضی کارهای جزئی صرف‌نظر فرموده و اوقات عزیز و پربهای خودشان را صرف مذاکرات مهمهٔ اساسی بفرمایند، از قانون اساسی که به غیر از لفظ و یک کتابچهٔ مطبوع آنهم در کتابخانه‌ها و در خانه‌ها عجالتاً چیز دیگری نیست همان مظالمی که در ادوار فترت می‌شد همان خلاف قانون‌ها که در آن اوقات مرتکب می‌شدند حالا هم می‌شوند و این مظالم و نقض قوانین باز زمینه‌هائی برای انقلابات در مملکت تهیه کرده و می‌کند. معلوم می‌شود ماها عمرمان را باید در انقلاب صرف نمائیم و همیشه در زد و خورد باشیم ترتیبات و اوضاع حاضره و این لاقیدی در مراعات اصول قوانین اساسی است که اتصالاً در مملکت باعث تولید قیام‌ها و نهضت‌ها می‌شود قیام تجددیون تبریز برای چه بود؟ آیا به غیر از عدم رضایت از اوضاع پریشان و اسف‌آور مملکت بود که می‌خواستند دولت را وادار به اجرای کامل اصول قوانین اساسی بکنند؟

آیا اولیای امور تجربه حاصل کردند و یک قدمی برای اجرای قانون اساسی برداشتند و یا برای آسایش اهالی این مملکت اقدامی کردند؟ فرداست که از کثرت ظلم و تعدی در سایر نقاط مملکت نیز قیام‌ها می‌شود و به اینطور همیشه این مملکت در جزر و مد انقلاب و همیشه مردم در زحمت بوده روی راحت نخواهند دید لازم است مجلس شورای ملی هر چه زودتر به هیئت دولت و زمامداران وقت و مسئولین امور جداً اخطار کند که قوانین اساسی مملکت را با خون پاک جوانان وطن و مجاهدین باغیرت تحصیل شده است مراعات و هر یک از وزراء در اداره و حدود اختیارات خود با جدیت مشغول اصلاحات بشوند حالا اگر آقایان نمایندگان بخواهند از وزارت‌خانه‌های داخله و مالیه و غیره سئوال و استیضاحی فرمایند آیا جواب مسکت می شنوند؟

به عقیدهٔ بنده خیر زیرا در حدود اختیارات آنها مداخلاتی می شود که نبایستی بشود و این هم در واقع هرج و مرج است و ابداً شایسته یک دولت مشروطه و حکومت ملی نیست ایرانیان با غیرت که جمع شده و بیرق استبداد را سرنگون و به تحصیل مشروطیت نائل شدند گمان نمی‌کنم دیگر زیر بار استبداد بروند

و قطعاً کار منجر به انقلاب و خون‌ریزی خواهد شد تا زود است باید مجلس چاره‌ای بکند و به انقلاب میدان ندهد حکومت‌های نظامی باید ازمرکز و سایرنقاط مرتفع بشود به وزراء تذکر داده شود که به وظائف یکدیگر مداخله نکنند عواید دولتی باید از هر منبعی که باشدَ توسط مأمورین مالیه به خزانهٔ دولت وارد و از آنجا مطابق تصویب مجلس به مصارف برسد وزراء باید هر یک در حدود اختیار و مسئولیت خود مشغول اصلاحات باشند دولت را باید تذکر داد و وادار کرد که جداً مراعات قوانین اساسی مملکت را نموده و در اجرای قوانین موضوعه مصوبه از طرف مجلس مراقبت نماید.

در مرکز و ولایات کسانی را که تحریکات برجسته بر ضد آزادی و مشروطیت قلماً و لساناً و عملا می نمایند شدیداً تعقیب و به مجازات برسانند. در حیرتم چطور می شود در جلو چشم مأمورین دولت مشروطه عملاً برضد مشروطیت و قوانین اساسی قیام و بدگوئی می‌کنند! چرا دولت آن‌طور مأمورین وظیفه ناشناس را تحت مسئولیت در نمی آورد و مؤاخذه و تنبیه نمی نماید در تبریز که مهد آزادی است و مرتجعین قدرت نفس کشیدن نداشتند حالا در ظرف این یکی دو ماه وضع آنجا طوری شده که بعضی از مفت‌خورها علناً نفوذهائی بر علیه قانون اساسی و مشروطیت اعمال می‌کنند و مأمورین دولت هم ابداً حرفی نمی زنند و ساکت نشسته‌اند معلوم می شود حکومت نظامی آنجا یا سایر نقاط فقط برای جلوگیری از اجتماع آزادیخواهان و مذاکرات آن‌ها و بالاخره خفه کردن آنها برقرار شده است و الا علت ندارد که از آزادیخواهان جلوگیری بشود که حرفهای خودشان را نگویند ولی مرتجعین در اظهار عقاید مضر خود آزاد باشند حقیقتاً وضع وکالت ما و این دوره تقنینیه چیز غریب و مضحکی است ما نباید اینطور و تا این اندازه در مقابل نقض قوانین و هزار بی قاعدگی های دیگر ساکت و صامت باشیم و اوضاع حاضره را با کمال خون‌سردی تلقی نمائیم باید قسمی را که در حفظ قانون اساسی و نظارت در اجرای اصول آن و مواد سایر قوانین موضوعهٔ مصوبه یاد شده است همیشه در مد نظر بگیریم و به وظیفهٔ خود عمل کنیم و الا نزد خدا و خلق مسئول و در تاریخ مفتضح خواهیم شد و اعقاب ما ما را مورد طعن و لعن خواهند کرد با آنکه آقای رئیس‌الوزراء به آقایان متحصنین مجلس چندی قبل قول داده و تعهد کرده‌اند که حکومت‌های نظامی را رفع و انجمنهای ایالتی و ولایتی را مفتوح و در اجرای اصول قوانین اساسی جداً مراقبت فرمایند جای بسی تعجب و تأسف است که دایرهٔ حکومت نظامی تا آخرین نقطهٔ شمالی مملکت توسعه می یابد آیا به مردم نباید حق داد که به هیچ یک از اقوال دولت اعتماد و اطمینان نکنند، مملکت ما وضع غریبی به خود گرفته است که هیچ نمی‌توان به یکی از اشکال حکومت‌های دنیای امروزه تشبیه کرد، معلوم می شود اولیای امور ما به کلی در خواب غفلت بوده و ابداً اطلاعی از دنیای امروزه ندارند **در نتیجهٔ همین اوضاع حاضره است که اتفاقات این چند روزه در تهران رخ داده است.**

البته دشمنان استقلال مملکت هم از این مواقع استفاده خواهند کرد اگر در پایتخت از آنهائی که بر ضد اساس مشروطیت و قانون اساسی علناً صحبت می‌کنند جلوگیری می شد در ایالات و ولایات هم مرتجعین از بیغوله‌ها سربیرون نمی‌کشیدند! تا پایتخت اصلاح نشود عادات و اخلاق در سایر ولایات خوب نخواهد شد هر وقت اساس در پایتخت محفوظ ماند در اقطار مملکت محفوظ است. در خاتمه عرایضم بنده پیشنهاد می‌کنم که هیئتی از طرف مجلس معین و راجع به اوضاع حاضرهٔ مملکت با وزراء داخل مذاکره و تعیین تکلیف بکنند والا با این وضع و ترتیب مملکت اداره نخواهد شد.

نطق مدرس

فرمایشاتی که نمایندهٔ محترم نمودند مشتمل بر چند فقره بود یکی وجود معایبی بود که همه تصدیق می‌کنیم زیاده از آن حدی که فرمودند.

اما اینکه فرمودند بعضی اظهار بدبینی به مجلس می‌کنند بنده این را نفهمیدم و اگر چنین چیزی هم باشد به غیر حق است. در سه دورهٔ تقنینیه که من بوده‌ام و اغلب آقایان هم بوده اند، این مجلس از اول تشکیل خدماتی که به مملکت کرده است بنده کم سراغ دارم در دوره‌های سابق چنین خدماتی شده باشد. یکی از عملیات مهم این مجلس لغو شدن قرارداد است که به واسطهٔ وجود این مجلس رد شد، قراردادی که همه می دانیم چقدر برای مملکت مضر بود و آثارش تا موضع انعقاد مجلس باقی بود (از طرف بعضی قرارداد یک کاغذی بود ولی تحمیلاتش عملاً هست!) پلیس جنوب که از آثار مشئومهٔ قرارداد بود ملغی شد و مستشار که تا موقع انعقاد مجلس در خانهٔ من و شما و همه بود لغو گردید. این ها تمام به برکت وجود این مجلس بوده است چرا خدمات را قدردانی نکنیم؟

و اما در کارهای دیگر هم که همیشه شب و روز مشغول بوده‌اند اما عجالتاً امنیت در دست کسی است که اغلب ماها خوشوقت نیستیم!

شما مگر ضعف نفس دارید این حرفها را می‌زنید و در پرده سخن می‌گوئید ما بر هر کس قدرت داریم، از رضاخان هم هیچ ترس و واهمه نداریم، ما قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم رئیس‌الوزراء را بیاوریم سئوال کنیم استیضاح کنیم، عزلش کنیم و همچنین رضاخان را استیضاح کنیم، عزل کنیم، می روند در خانه شان می نشینند.

قدرتی که مجلس دارد هیچ چیز نمی تواند مقابلش بایستد، شما تعیین صلاح بکنید مجلس بر هر چیزی قدرت دارد.

مجلس به منزلهٔ سی کرور نفوس است. آقایانی که در این مجلس بودند و آن وقایع بزرگ را دیده‌اند از قبیل آمدن محمد علی میرزا و سالارالدوله با سی هزار نفر تا ۶ فرسخی تهران دیگر از این چیزها نمی‌ترسند، بنده عرض می‌کنم مقاومت با این مجلس غیر ممکن است فقط چیزی که هست این است که باید تعیین صلاح را نمود. آقای وزیر جنگ منافعی دارد و مضاری هم دارد اینها را باید سنجید دید منافعش بیشتر است یا مضارش و الا برای مجلس که سلطنت تغییر می دهد و کارهای بزرگتر می‌کند تغییر دادن وزیر جنگ کاری ندارد شما بنشینید تعیین صلاح و فساد را بکنید.

بنده می خواستم این عرایضم را در اطاق تنفس بکنم ولی حالا عرض می‌کنم که: **دوصد گفته چون نیم کردار نیست.**

هی لایحه بخوانید، حائری‌زاده هم بگوید احسنت، اینها کار نیست صلاح و فساد را بسنجید و عمل کنید، بنده تقدیس می‌کنم این مجلس را که از اول خدماتی کرده‌اند و لااقل ضرری نرسانیده‌اند.

اما در مسئله‌ای که طرف دولت است دو هفته قبل عرض کردم که قوام‌السلطنه را بیاورید از او سئوال نمائید، قدما گفته‌اند که چند کس دعاشان مستجاب نمی‌شود: یکی کسی که نفرین کند در حق نوکرش زیرا وقتی از او راضی نبود بایستی اخراجش کند.

یکی هم کسی که در حق زنش نفرین کند به جهت اینکه او را هم وقتی مطابق سلیقه اش نبود طلاق می‌گوید، حالا ما هم اشخاصی هستیم که نفرین می‌کنیم. پیشترها به آخوندها می‌گفتیم نفرین می‌کنند حالا خودمان آن کار را می‌کنیم، قدرت مجلس در تمام مزاحمات خیلی زیادتر است، خیلی آقایان در این مجلس بودند وقتی سالارالدوله با سی هزار نفر آمد تا شش فرسخی شهر ما نترسیدیم و با دویست نفرلات از آنها جلوگیری کردیم و این جلوگیری به واسطهٔ تقویت مجلس بود، ما اگر اتفاق داشته باشیم هیچ قوه در مقابل ما که برای صلاح مملکت نمی تواند عرض اندام کند (صحیح است).

با وجود این عقیدهٔ من در باب وزیر جنگ این است که منافعش اساسی و مضارش فرعی است بایستی سعی کرد که مضارش رفع شود تا منافعش عاید مملکت گردد.

آقای رئیس ــ آقای مدرس در ضمن فرمایشاتشان به واسطهٔ حرارت فوق‌العاده نسبت به مقام سلطنت فرمایشاتی فرمودند که بنده گمان نمی‌کنم مطابق قانون اساسی باشد. زیرا سلطنت هم در قانون اساسی حقوقی دارد و مذاکراتی که مجلس با مقام سلطنت می‌کند البته موافق مواد قانون اساسی است.

آقای مدرس ــ توضیح دادند که من منکر سلطان مشروطه‌خواه نیستم و غرضم این بود که هر سلطانی که بر خلاف قانون اساسی و مشروطه باشد بر می داریم.

---

۲۶ – بیانیه سردارسپه در فتح قلعه چهریق

صاحب منصبان رشید من!

بی پیرایه از من بشنوید و در ضمیر خود بسپارید به ظهور این شب جشن و ترانه هائی که از اثر این محفل انس در آسمان ایران طنین‌انداز است یک فصل جدیدی است که در دیباچهٔ افتخارات شما دارد شروع می شود.

من در مقابل لطف کردگار، و قدرت خداوند توانا زانو زده در همان حینی که ذرات وجودم عظمت تاریخ وطن و افتخارات ابدی شما را استقبال می‌کند؛ در همان حال یکقدم فراتر گذاشته انعقاد این مجلس جشن را بفردفرد شما ها تبریک می‌گویم.

انعقاد این جشن مقدس بآحاد و افراد صاحبمنصبان رشید و نفرات دلیر خود که در لشکرهای ایالات و ولایات مشغول جانبازی هستند، مخصوصاً به آن سلحشوران باتعصبی که در زوایا و اطراف آذربایجان پردهٔ دشمن را از هم دریده و بیرق مقدس وطن را بر زبر اجساد خائنین مملکت افراخته اند تهنیت می‌گویم.

فرزندان من! قبهٔ بارگاه سیروس و کنگرهٔ باعظمت و

کبریائی وطن نور و فروغ خود را در گذرگاه شما تجدید نمود، پای بکوبید و از دل و جان نعرهٔ نشاط و شادی برآرید که جان‌بازی‌های شما در راه وطن افتخار آیندگان شماست، بکوشید که گذشتگان وطن را به ابراز لیاقت و اهلیت خود دلشاد و آیندگان وطن را به ظهور تجلیات خود سربلند و مفتخر سازید.

من جمال مقدس وطن را به اقامتگاه شهامت و شجاعت شماها مراجعه و تجلی داده از خلال همین انوار مقدس است که شما را به قربانگاه افتخار و سعادت دعوت کرده فتوحات دلیرانهٔ شما را به فردفرد شما تبریک می‌گویم.

آری برای من جای بسی خوشوقتی است که با اطمینان خاطر و قلب مملو از امید به ذکر تبریکات مفتخرانهٔ خود مبادرت می ورزم، زیرا می بینم که تهیجات وطن‌پرستی پیشانی شما را روشن و با تمام معنی در سیمای شما عرض وجود کرده است.

من در پایان همین تبریک و در ضمن آنکه از خدمات شما قدرشناسی می‌کنم خودداری از این اظهار ندارم که لشکرهای ما در تمام ولایات صمیمی ترین درجات فداکاری و لیاقت خود را به معرض افکار عمومی گذارده و در پیشگاه باعظمت و جلال وطن موجبات سرافرازی و افتخار خود را فراهم ساخته اند، من رضایت خاطر خود را نسبت به خدمات تمام آنها اظهار و فداکاریهای آنها در راه وطن و در حراست و نگاهبانی مملکت تمجید می‌کنم، من به آن صاحبمنصبان و افراد فداکاری که چهره های ملالت‌خیز برادران آذربایجانی خود را به تبسم های امید و نشاط تبدیل کرده و با تمام علائم مردی و مردانگی صفوف سنگین دشمن را از هم دریده و سلاسل اقتدار آنها را در هم شکسته اند تحسین می فرستم. من به آن دستجات شجاعی که از آتش توپ و اسلحهٔ مکمل دشمن نهراسیده تارو پود آنها را از هم گسسته و قلعه های مستحکم و لانه و آشیانهٔ آنها را با خاک یکسان کرده‌اند تهنیت می‌گویم، و بالاخره به آن دست و بازوهائی که می توانند در وطن خود و به نام استقلال و عظمت مملکت خود انعقاد جلسات جشن و شادمانی را آیین سازند از صمیم قلب تبریک و تمجید می‌گویم.

صاحب‌منصبان و فرزندان من!

اکنون با آنکه تمام رفتار و اقدام و اعمال شما در مرکز و ولایات حاکی از احساسات وطن‌پرستانهٔ شما است و پیدایش این جشن کنونی نیز بر اثر جانبازی های شما متکی است معهذا ساعی و جاهد بوده از من بشنوید و به علم‌الیقین بدانید که افتخار شما فقط و فقط در وطن‌پرستی شما است زیرا آن ملتی که بر خلاف جهات وطن‌پرستی طی طریق نمایند نه تنها از مراحل سعادت و افتخار ابدی محروم بلکه در دنیای حیات و زندگی حق زندگی و حیات را از او مسلوب خواهند نمود و در عالم استقلال و انسانیت اسم او را با پستی و دون همتی و عدم رشد و لیاقت ذکر خواهند کرد. به عزم خود جازم و به عقیدهٔ خود راسخ بمانید که حس وطن‌پرستی بر طبق تشکیلات امروزهٔ عالم طبیعی اولاد بشر است و محرومین از این احساس محرومین عالم حیات شمرده خواهند شد. اینک در مراحل قطعی نشو و ارتقاء تا زمانی افتخارات و سعادت‌ونیکنامی شما باقی است که از همین شاهراه مستقیم وارد شوید و اگر به فلسفه تاریخ ملل و دول عالم مراجعه کنید قطعاً خواهید دید که بقاء هر ملتی منوط به بقاء اخلاق آنهاست، اخلاق هیچ ملتی نیز ثبات و دوام نخواهد گرفت تا زمانی که مشحون به مقامات وطن‌پرستی نباشد. پس از همین‌جا و از همین مرحله است که من به حکم تاریخ و فلسفهٔ تاریخ با تمام قلب شما را دعوت به وطن‌پرستی می‌نمایم و بطور قطع و یقین گوشزد می‌کنم که زندگانی جاویدانهٔ شما با توسل به دامان وطن‌پرستی توأم و این لباس زیبنده را با هر قیمتی که هست باید به اندام رسای خود استوار سازید.

من خدای متعال و قادر ذوالجلال را شاهد گرفته و بعضی از شماها را نیز که اختصاراً به عقاید درونی من واقف بوده‌اند به شهادت طلبیده و بالاخره جامعه را به مدلول بیانیهٔ اولیه خود مراجعه می دهم که من از روز اول و در پایان سالیان دراز به همین عقاید وطن‌پرستانه معتقد و متکی بوده کمتر شب و روزی بر من می‌گذشت که زهر تلخ نفوذ خارجیان از یکطرف و بی‌لیاقتی زمامداران امور از طرف دیگر قلب من و قلب هر صاحب‌دلی را مجروح و مکدر نسازد و بالاخره از همین جراحت و یاد عظمت از دست‌رفته و جلوگیری از ایران‌کشی خارجیان بود که رازهای نهفتهٔ خود را آشکار و به تائیدات الهی و عزم راسخ خود تکیه داده مکنونات قلبی را علنی و اظهار کردم و برای تعقیب همین عقیدهٔ مقدس بود که اهتزازات لوای شیر و خورشید را نصب‌العین خود قرار داده قوای نظامی را در دست گرفتم و از هیچ اندیشه‌ای نهراسیدم.

ما باید حفظ اساس قانون و احترام قوانین اساسی وطن را سرسلسلهٔ مکنونات قلبی خود قرار داده اجرای تمام مواد آن را از دل و جان تصدیق و تقدیس کنیم، ما باید اساس مقدس مشروطیت و حریت و آزادی ملی را مقدس‌ترین دیباچهٔ مرام و درخشنده‌ترین دفتر آرزو و آمال خود بدانیم و در مقابل شورای حقیقی ملت پیوسته با نظر احترام نگریسته اجرائیات احکام حقیقی ملت را به چشم تقدیس و تکریم تلقی نمائیم و خاطر خود را به همین انتظار مشعوف و مسرور سازیم که انتخابات جدید عنقریب شروع و امیدوار باشیم که انتخابات مزبور انشاءالله با نظر حقیقی ملت و بر منفعت ملت و خیر و صلاح ملت صورت ختام خواهد یافت و از حالا مستعد آن باشیم که خدمات مهمتری را از خود آشکار ساخته مفاد آن را نیاز راه ملت و وطن مقدس و برادران اسلامی خود نمائیم.

بالاخره صاحب‌منصبان رشید من. آن عواطف و احساس و آن ملکات فاضله‌ای که از چندین سال به این طرف در ضمیر ما منور بود و شما را به تعقیب دستور و مقررات من وادار کرد کماکان به حال خود باقی و ابداً تغییر لون و صورتی به خود نداده ونخواهد داد. ما از عواطف و احساسات وطن‌پرستانهٔ خود سوء استفاده نکرده(!) و اقتدارات نظامی خود را وسیلهٔ منفعت‌طلبی و استفاده‌های شخصی قرار ندادیم(!) ما با تمام قیافه و معنی خدمت سربازی را خدمت به مملکت و وطن تشخیص داده امیدواریم که ایران خود را در عرصهٔ پهناور مدنیت و استقلال یک ایران مصفا و مستقلی معرفی نمائیم.

اشعهٔ پرچم شیر و خورشید نور چشم ماست و لوای مقدس ملی ما پیش‌آهنگ نجات ما است، این احساسات مقدس و این عقاید بی‌آلایش همان قسم که دیروز سرنوشت ما را معین و به دست ما سپرد و ما هم خوشبختانه همان راهی را که حقیقت وطن‌پرستی برای ما مقرر کرده بود تعقیب نمودیم، امروز هم ما را مجبور می‌سازد که اساس مقدس مشروطیت و مواد قانون اساسی و عظمت مقام سلطنت(!) و جلوگیری از نفوذ خارجیان را نقش ضمیرخود ساخته از دل و جان بکوشیم و حفظ این آثار را ثبت دفاتر ابدی خود نمائیم.

اینک بشنوید و بهوش باشید که آسمان ایران اقدامات یکسالهٔ شما را تا به ابد منعکس خواهد داشت، اینک چشم دختران ارومیه و سلماس، نالهٔ حسرت‌خیز گیلان و گیلانیان غمهای جانفرسای خراسان و مازندران ضجه‌های دلخراش خطهٔ غرب و کردستان و لرستان و عراق و همدان، آه‌های سوزناک کشور جنوب و شمال شرق و غرب، پیش‌آهنگ افتخارات شما است.

دیروز اگر این ناله‌های حسرت‌خیز چشم شما را گریان و قلوب با شهامت شما را مجروح می‌ساخت امروز بر اثر تبسم‌های جانبخش و نغمات دلفریب آنها آغاز جشن و شادکامی و اظهار انبساط و سرور نمائید و هوشیار باشید که خدای ایران و رب‌النوع عظمت و استقلال ایران با شماست پیش بروید و مطمئن باشید آن دستهای خائنی که در اثر اقدامات خائنانه خود بر ضد شما بلند می‌شود منقطع و مقطوع خواهد شد، آثار شهامت و رشادت شما در همه جا باقی است و دنیای افتخار و سعادت به استقبال شما قدم برداشته است، پیش بروید!

آفتاب عظمت کشور باستان طلوع خود را به شما مژده و نوید می‌دهد جای تردید و تفکر نیست، روح شهدای شما و نظامیان عزیزم که در میدان‌های جنگ به خون غلطیده‌اند افتخارات اعقاب شما را منتظرند، من از بحبوحهٔ همین مجلس جشن به ارواح شهید و خونهای پاک و شجاعت فناناپذیر آنها سلام می‌فرستم، آنها زندهٔ جاویدند. از شما نیز انتظار دارم که با من همصدا شده به آن خونهای عزیزی که در راه عظمت و استقلال وطن جاری شده سلام کنید، عواطف قلبی من پیوسته متوجه شما است، خدمات هیچ‌یک از شماها در مرکز و ولایات از نظر من مستور نیست، جبران خدمات و فداکاری و رضایت هر یک از شماها را به قدرشناسی خود و روح شهدای وطن واگذار می‌کنم و اقتدارات نظام را از یزدان پاک آرزو دارم.

وزیر جنگ و فرمانده کل قوا ـ رضا

۲۷ ـ حزب دموکرات و سردار سپه

رئیس‌الوزرائی سردار سپه با مساعدت و همکاری سوسیالیست‌های مجلس چهارم صورت گرفت سلیمان محسن و سید محمد صادق طباطبائی دو لیدر متنفذ سوسیالیست‌ها از چندی پیش با سردار سپه وزیر جنگ هم‌پیمان شده بودند. سردار سپه نیزدر مقابل آنها متعهد شده بود اکثر اعضاء کابینه خود را اختصاص به آنها دهد.

سلیمان بهبودی در آن تاریخ منشی و نوکر سردار سپه بوده

است وی در خاطرات خود می‌نویسد: کابینه به کمک افرادی که معروف بودند سوسیالیست و صاحب نفوذ هستند تشکیل شد سید محمد صادق طباطبائی در تشکیل کابینه حضرت اشرف سهم مهمی داشت عده‌ای از دوستان او که واقعاً فعالیت زیادی کرده بودند به سمت وزیر انتخاب شدند سلیمان میرزا وزیر فرهنگ، میرزا قاسم خان صور اسرافیل کفیل وزارت داخله، حاج عزالممالک وزیر فوائد عامه و خدایار خان امیر لشگر هم وزیر پست و تلگراف شد. اینها پست‌های مهمی بود که به دوستان سید محمد صادق طباطبائی داده‌شد. سید محمد صادق طباطبائی خودش پس از تشکیل کابینه به سفارت ترکیه منصوب شد. روزی که عمامه را برداشت و کلاه بر سر گذاشت شرفیاب شد. خیلی خوش‌قیافه شده بود به اندازه‌ای که دستور فرمودند خادم عکاس عکس زیبائی از او برداشت این عکس مدتها در دفتر حضرت اشرف در منزل به دیوار بود سید محمد صادق مورد علاقه بود و همیشه از او تعریف می‌کردند و تا آنجا که از عهده‌اش ساخته بود بدون تظاهر خدمت می‌کرد.

نویسنده در جای دیگر می‌نویسد: حضرت اشرف احضار فرمودند اول شب سید محمد صادق طباطبائی و سلیمان میرزا و میرزا کریم‌خان و خدایار خان خواهند آمد آنها را ببر به دفتر تا خودم بیایم و اگر کسی کاری داشت بگوئید من نیستم تا بعد خودم اطلاع دهم همینطور هم عمل کردم بعد اطلاع پیدا کردم بین حضرت اشرف و آقایان قرارداد و تعهدنامه‌ای به امضاء رسیده که متن آن از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحیم امضاء کنندگان ذیل خداوند متعال را گواه گرفته به کلام‌الله مجید قسم یاد می‌کنیم و به ضمانت قول و شرافت و ناموس و وجدان خود بر طبق مواد آتیه با یکدیگر معاهده نموده پیمان می‌بندند و با اتحاد و اتفاق و صمیمیت کامله در حفظ استقلال و تمامیت ایران و اقدام فداکارانه در پیشرفت ترقیات قشونی و سیاسی و اداری و فلاحتی و تجارتی و صنعتی و علمی مملکت و نجات وطن از خرابی‌ها و اوضاع ناگوار کنونی می‌کوشند.

۱ ــ ریاست عالیه نظام ایران کماکان با شخص حضرت اشرف آقای رضاخان سردار سپه وزیر جنگ خواهد بود و حضرت معظم‌له قوه مجریه این هیئت هستند.

۲ ــ افراد این هیئت هرجا و در هر حال باشند و بهر مقام نائل شوند از صمیم قلب با یکدیگر دوست صمیمی بوده با جان و مال و تمام‌هستی خود از یکدیگر دفاع کرده تا آخرین نقطه امکان با تمام قوای خود در حمایت جان و مال و حیثیت و عرض و ناموس یکدیگر ثبات و مقاومت خواهند نمود و نخواهند گذاشت هیچ قوه و هیچ وسیله باعث تفرقه آنان شده آنها را از یکدیگر جدا کند.

۳ ــ این هیئت در تشکیل دولت و کلیه امور مملکتی (غیر از نظام که اداره آن با شخص آقای سردار سپه است) با یکدیگر مشورت و اتخاذ تصمیم نموده و به موقع اجرا خواهند گزارد.

٤ ــ هیچیک از اعضاء این هیئت نمی‌توانند از مواد این تعهدنامه تخلف ورزند همچنین این هیئت حق ندارد به مجرد حرف و سوء ظن عضوی از اعضاء خود را تخلف کننده از مواد مزبور بداند مگر آنکه حقیقت امر مکشوف و ثابت شده باشد و این در صورتی است که مسئله قبلاً در هیئت مطرح و معلوم شود و در آن صورت مجازات مقصر به نظر هیئت تعیین خواهد شد.

۵ ــ هیئت با مشورت و صلاح‌دید همدیگر سعی خواهد کرد که اشخاص خوش‌سابقه را که به هیچ‌وجه آلوده خیانت و ارتشاء نباشند جمع‌آوری نموده در اطراف این هیئت تمرکز دهد که بعداً در انجام مقصود مقدس این هیئت کار کنند.

٦ ــ این هیئت اقدام خواهد نمود که دولتی قادر و لایق تشکیل داده بدست آن دولت از ریشه و اساس به‌اصلاح امور مملکت قیام کند و تمام همت خود را متوجه خواهد نمود که دولت مذکور مدتی کافی که لااقل کمتر از سه سال نباشد قائم و باقی باشد.

۷ ــ امضاء کنندگان این ورقه حق ندارند که با احدی خارج از این هیئت تعهداتی داشته باشند که نساخ با مواد این تعهد باشد.

۸ ــ هرگاه یکی از اعضاء این هیئت در نزد هیئت محکوم به اشتباه گردیده یا فوت نماید یا به‌مأموریتی منصوب شود که در ظرف شش ماه نتواند در جلسات هیئت حضور بهم رساند این هیئت با مشورت یکدیگر یک نفر امین صالح به جای او انتخاب خواهد کرد.

۹ــ هیئت لااقل هر ۱۵ روز یک جلسه خواهد داشت.

۱۰ ــ مواد فوق پنج سال حتمی الاجراء بوده پس از آن به اتفاق آراء هیئت ممکن است تجدید شود و عین این حال صمیمیت و دوستی بین اعضاء هیئت ثابت و باقی خواهد بود قبل از خاتمه پنج سال مذکور هیچیک حق استعفا ندارند مگر

اینکه مبتلا به مرض مزمن شده یا قادر به تفکر و تعقل نباشند.

۱۱ ــ این مواد سری بوده افشاء آن نزد هرکس باشد ممنوع است.

۱۲ ــ به حول و قوه و تفضل الهی و توجه اولیاء اطهار سلام‌الله علیهم اجمعین عهد مقدس و میثاق مبارک و پیمان شکست‌ناپذیر فوق در تاریخ شب سه‌شنبه ۱۶ میزان ۱۳۰۲ هجری شمسی مطابق ۲۷ صفرالمظفر ۱۳۴۲ هجری قمری در عمارت شهری حضرت اشرف آقای سردار سپه دامت شوکته با حضور حضرات آقایان امضا کنندگان ذیل برقرار و منعقد و امضاء گردید.

رضا ــ سلیمان محسن ــ محمدصادق طباطبائی خدایار ــ عبدالکریم.

سلیمان بهبودی در مورد سید محمد صادق طباطبائی و رضاشاه دریادداشت‌های خود چنین می‌نویسد:

نظرم هست زمانی که حضرت اشرف به مقام سلطنت رسیدند و سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه بود طبق رویه‌ای که داشت و برای هرکس در صدد پرونده‌سازی بود ضمن گزارش‌های یومیه دائماً ذکر می‌کرد که در منزل سید محمد صادق طباطبائی جلساتی تشکیل می‌شود. عاقبت در یکی از روزها که رئیس نظمیه را احضار فرموده بودند من حضور داشتم که می‌فرمودند درگاهی، سید محمد صادق طباطبائی مرد خدمتگزار و وطن‌پرستی است علیه منهم عملی نخواهد کرد من اطمینان دارم اینقدر در مورد او گزارش ندهید ما با هم سابقه داریم منتها نتوانستیم با هم کار کنیم از هم جدا شدیم دیگر بس است از ایشان صرفنظر کن...

۲۸ـ ملاقات سردار سپه و سمیتقو

حاج آقا رضا رفیع معروف به قائم مقام‌الملک که از محارم و نزدیکان سردار سپه بود در این سفر او را همراهی می‌نموده است وی ماجرای این مسافرت را تحت عنوان (شبی که شاه در اردوی اسمعیل آقا سمیتقو بسر برد) به رشته تحریر درآورده و در هفدهمین سالنامه دنیا انتشار داده است که عیناً نقل می‌نمائیم.

اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی بود سردار سپه در نهایت اقتدار و تمام نیروهای مسلح مملکت تحت فرمان او بودند و معلوم بود در آینده نزدیک اوضاع به کام او شده صاحب تخت و تاج ایران خواهد گردید چنانکه شش ماه بعد طبق تصمیم مجلس شورایملی به حکومت موقتی ایران و پس از تشکیل مجلس مؤسسان به سلطنت رسید.

شاید غالب خوانندگان ندانند اغلب روزها ناهار را در اقامتگاه شاه صرف و پس از قدری استراحت در حدود غروب در التزام سردار سپه پیاده از منزل که روبروی دانشکده افسری و فعلاً کاخ ملکه مادر است حرکت کرده به عمارت وزارت جنگ می‌رفتیم و رئیس‌الوزرا پس ازرسیدگی به امور مجدداً به اتفاق هم پیاده حرکت و به قصر بازگشت می‌نمودیم. درفروردین ۱۳۰٤ بود شاه آینده ایران تصمیم گرفت سفری به آذربایجان نماید شاید بتواند با نیروی تدبیر مشکل اسمعیل آقا سمیتقو را که مجهز به ده هزار سرباز مسلح بود حل نماید شبی که در معیت ایشان از چهارراه حسن‌آباد حرکت می‌کردیم فرمودند:

«فلانی من چنین تصمیمی گرفتم و عبدالله خان طهماسبی فرمانده آذربایجان طی چند گزارشی که برایم فرستاده است اظهار عقیده نموده این مسافرت لازم و برای اسکان عشایر و ایلات داروئی برای درمان دردهاست و بنابراین شما هم خود را جمع و جور نمائید که این چند روزه باید به طرف آذربایجان حرکت نمائیم».

من خیلی از این مسافرت نگران بودم و نگرانی خود را پوشیده نداشتم چون اسمعیل آقا به قدری قدرت و نفوذ در خطه آذربایجان به هم زده بود که تا آن تاریخ جنگها و زدو خوردهای قوای دولتی که از حیث اسلحه و مهمات بر نیروهای جرار اسمعیل‌آقا برتری داشتند به نتیجه نمی‌رسید و نیروهای دولتی شکست می‌خوردند و بر تجری اسمعیل‌آقا افزوده می‌شد روی همین اصل عرض کردم با این سوابق آیا مسافرت صلاح است؟

فرمودند: باداباد می‌رویم و حتی قصد دارم اسمعیل‌آقا را شخصاً ملاقات تا به‌بینم حرف حساب او چیست.

به هر حال در روز موعود به طرف آذربایجان حرکت کردیم سرلشگر عبدالله خان طهماسبی با قدرت عجیبی در آذربایجان حکومت می‌کرد و در نتیجه این قدرت ساختمانهای اساسی و محکمی برای سربازخانه و سایر شهرها احداث و جاده‌های شوسه را که تا آن تاریخ آثاری ازآن نبود به قدری‌خوب‌مرمت کرده بود که بدون اغراق از اسفالتهای این زمانه بهتر بود.

از شرح جریان مسافرت آذربایجان می‌گذرم و فقط به جریان

ملاقات با سمیتقو اشاره می‌کنم. پس از اینکه دیدار از شهر رضائیه پایان یافت شاه به امیر لشکر طهماسبی اظهار داشت هم‌اکنون باید به سلماس (شاهپور فعلی) برویم سرلشگر طهماسبی که افسری با تدبیر بود انجام این مسافرت را با تردید تلقی کرد و پس از قدری فکر گفت آیا اجازه می‌فرمائید از نیروهای متمرکز در پادگان رضائیه برای حفظ و امنیت راه‌ها که در منتهای ناامنی و در آتش بیداد اسمعیل‌آقا می‌سوزد همراه ببریم؟

شاه در جواب گفت: خیر احتیاج به تفنگچی نداریم من می‌خواهم با همین لباس وهمین‌عده از ملتزمین که از تهران حرکت نمودیم خود را به اسمعیل‌آقا نشان دهم و به او بفهمانم ما قصد برادرکشی نداریم و می‌خواهیم با روح مسالمت این اختلاف و گردنکشی را از بین برداریم.

سرلشگرخدایارخان و سرلشگر محمود انصاری و عده‌ای از امرای لشگر که در التزام بودند به من ملتجی شده خواهش کردند سردار سپه را از این مسافرت بازدارم چون به‌طور حتم مسافرتی است که برگشت ندارد و در حدود پنج هزار از تفنگچی‌های ورزیده اسمعیل‌آقا در سلماس متمرکز بوده گرد و خاک آنها کافی است ما شصت نفر را که در التزام می‌باشیم از بین ببرند.

من هم که قدری مرعوب شده بودم و می‌دانستم وضع به طور کلی مغشوش و شاه در تمام طول این سفر بخصوص رضائیه هر قدمی که نهاده آه سوزان داغدیدگان نیروهای اسمعیل‌آقا را شنیده و داستانها از جنایات و قتل و غارت افراد او از طرف بسیاری از اعیان و اشراف و مالکین و طبقات مختلف شهر شرح داده شده تصمیم گرفتم هر طور شده شاه را منصرف نمایم. فوراً خود را به اقامتگاه رسانده جریان را عرض نمودم و خواهش کردم در صورتی که این مسافرت را لازم می‌دانند یا چند هزار نفر تفنگچی مقیم رضائیه و تبریز در التزام قرار گیرند یا اینکه اسمعیل‌آقا را تحت شرایط و قول و قراری به رضائیه احضار فرمایند و بدون ناراحتی خیال در اینجا به مذاکره بپردازند.

شاه آینده ایران در جواب فرمود: فلانی مرغ یکپا دارد شما چرا این حرف را می‌زنید خودتان همیشه می‌گفتید باید با خدا بود اسمعیل‌آقا را آنطوری که من می‌شناسم با این قول و قرارها به ملاقات ما نمی‌آید و اصولاً او از دیدن یک سرباز دولتی رم کرده و نخواهیم توانست به مقصود برسیم ما دست‌خالی می‌رویم و به او محبت زیادی می‌کنیم و حرفهای او را می‌شنویم شاید بتوانیم غائله او را برچیده کنیم.

دیدم شاه ابداً قصد انصراف از این مسافرت خطرناک را ندارد برگشتم امیرلشگر طهماسبی را خواستم و با حضور سرلشگر احمد آقاخان امیر احمدی و سرلشگرخدایارخان و سایرین جریان را تعریف و گفتم سردار سپه پافشاری به انجام این مسافرت دارد و به عقیده من وظیفه امیرلشکر طهماسبی بسیار مشکل و ایشان باید با نیروی تدبیر این مسافرت را به خوشی و بدون اتفاق سوئی انجام دهند.

به هر حال فردای آن روز به وسیله چند دستگاه اتومبیل فورد مدل قدیمی به طرف سلماس حرکت کردیم در یک فرسنگی سلماس ناگهان چشم ما به سواران اسمعیل‌آقاافتاد که اطراف جاده صف کشیده بودند و همگی سوار بر اسب و مسلح بودند خون از چشمان این سواران جاری بود همگی گردن کلفت و در تیراندازی و شرارت و قتل و غارت معروف بودند. البته قبلاً مسافرت سردار سپه و همراهان به اطلاع اسمعیل‌آقا رسیده بود تعداد ما رویهم شصت و دو نفر و ابداً سرباز و افسری که به صورت مسلح و محافظ باشند همراه ما نبودند.

سردار سپه و به دنبال او همراهان از اتومبیلها پیاده شدیم و از برابر صف طویل نیروی اسمعیل‌آقا که در حدود پنجهزار نفر بود حرکت کردیم تمام افراد خیره‌خیره به سردار سپه نگاه می‌کردند و ابداً احترامی به عمل نمی‌آوردند امراء لشکر که همراه بودند حساب کار خود را کردند و به قدری ترس و وحشت بر آنها مستولی شده بود که سرلشگر خدا یارخان در همان دقیقه اول به اتومبیل برگشت و حاضر نشد پیاده از برابر صفوف این افراد جرار عبور نماید. از قیافه سردار سپه معلوم بود شاه آینده ایران در ناراحتی عجیبی می‌باشند ولی استقامت و پایداری می‌کنند و مانند فرمانده‌ای که از نیروهای خود، سان به‌بینند از برابر افراد عبور می‌کنند صف اشرار که همگی‌سواره بودند به قدری طویل بود که حد و وصف نداشت در آخر صف بود که ناگهان قیافه اسمعیل‌آقا سمیتقو با لباس کردی خودنمائی کرد. سرلشگر امیر طهماسبی که چند قدم جلوتر از سردار سپه و سایرین قدم بر می‌داشت بزرگترین برگ را زده فوراً خود را به اسمعیل‌آقا رسانید و مانند برادری که از سفر دور و درازی برگشته باشد خود را در بغل اسمعیل‌آقا انداخت و با او گرم روبوسی و احوالپرسی نمود. این رفتار سرلشگر طهماسبی کار خود را کرد زیرا ما تا

دقیقه قبل یقین و اطمینان داشتیم جان خود را از دست داده ایم و با یک اشاره چشم اسمعیل‌آقا بزرگترین شخص مملکت که سردار سپه باشد و به دنبال او ماها ذره‌ذره خواهیم شد ولی تدبیر سرلشکر عبدالله خان طهماسبی باعث شد که اسمعیل‌آقا به مجرد رسیدن سردار سپه به مقابل او احترام نماید و خود را به نخست‌وزیر رسانده ضمن احوالپرسی سعادت و سلامت ایشان‌را مسئلت نماید.

اسمعیل‌آقا به قدری مقتدر و خودخواه بود که در برابر سردار سپه دستهای خود را به کمر زده بود البته قدری هم حق داشت چون در برابر نیروهای عظیم خود با سردار سپه روبرو شده بود و اگر غیر از این می‌کرد اعتبار و نفوذ خود را از دست می داد زیرا مدتها بود به افراد خود تلقین کرده بود در سراسر ایران جز او کسی مقتدرتر و با نفوذتر نیست و همه افراد حتی نخست‌وزیر تحت انقیاد او می باشند!

برخورد سردار سپه با اسمعیل‌آقا خیلی سرد بود و از آنجا پیاده راه افتاد و در وسط شهر وارد کاروانسرائی شدیم در کاروانسرا قبلاً نیمکت چوبی گذارده بودند روی نیمکت نشسته شاه مختصری با اسمعیل‌آقا صحبت نمودند ولی روی رعب و وحشتی‌که به همه مستولی شده بود و هرآن در این فکربودند که الساعه نیروی اسمعیل‌آقا شبیخون می‌زنند سردارسپه ابداً مذاکره ای با اسمعیل‌آقا نکردند و نپرسیدند منظور شما چیست و چه باید کرد؟ هنوز چند دقیقه نگذشته بود عکاسی با دستگاه عکاسی که روی چهارپایه‌سوار بود وارد کاروانسرا گردید و اسمعیل‌آقا تقاضا کرد اجازه فرمایند با سردار سپه عکس برداشته شود شاه که به زبان ترکی با اسمعیل‌آقا صحبت می‌کردند پس از شنیدن این تقاضا روی خود را به من کرده به زبان گیلک که اسمعیل‌آقا از آن سردر نمی آورد فرمود: فلانی شما بلند شوید با ایشان عکسی بردارید و به او هم بگوئید رضا را با عکس سرو کاری نیست. در جواب گفتم ابداً بنده رضا نمی دهم که با یک مرد شرور عکس بردارم بنده را معاف فرمائید.

سرلشگر طهماسبی که این گفتگو را می‌شنید معطلی را جایز ندانسته اسمعیل‌آقا و عکاس را به کناری کشیده و چند عکس در حالات مختلف با اسمعیل‌آقا گرفت و با تدبیر دوم خود از لغزش و پیش‌آمدهای ناگوار جلوگیری کرد.

اسمعیل‌آقا مجدداً برگشت و در حضور سردار سپه روی نیمکت چوبی نشست رئیس الوزرا و فرمانده کل قوای ایران به انیفورم نظام ملبس بودند ولی ابداً سلاح کمتری همراه نداشتند و در عوض اسمعیل‌آقا غرق سلاح سرد و گرم بود و ابداً لبخندی بر لب نداشت در این وقت چای آوردند صرف‌شد و شاه آینده ایران اظهار تمایل نمود استراحت نماید چون نزدیک غروب بود ساختمان ساده که دارای چند اطاق در کنار رودخانه بود برای شاه درنظر گرفتند تا شب را در آنجا استراحت نمایند.

من واقعاً نمی‌توانم جریان را آن‌طور که‌باید و شاید برای خوانندگان حکایت کنم و بگویم آن روز و آن شب چه روز و شبی بود و چگونه بر ما گذشت همینقدر می‌گویم وقتی وارد اطاق سردار سپه شدم ایشان را سخت در ناراحتی دیدم تازه گماشته شاه لگن آب را آورده بود یکی از برنامه های زندگی سردار سپه در طول زندگی یعنی تا روز مرگ (پاشویه) بود و هر شب قبل از خواب پاهای خود را با آب (ولرم) می شست و آن وقت در رختخواب قرار می‌گرفت این برنامه هیچگاه قطع نمی شد و هر شب انجام می شد آنشب وقتی وارد اطاق شدم دیدم سردار سپه مشغول شستشوی پاهای خود می باشد ولی زیاد نگران و می‌گوید می ترسم امشب خوابم نبرد و بی‌خوابی امروز بعد از ظهر دست بدست داده اعصابم ضعیف شود.

قدری ایشان را دلداری داده احادیث و روایاتی را به عرض رسانده و گفتم خود حضرت اشرف هنگام حرکت از رضائیه اشاره به فضل خداوندی که بنده همیشه بر زبان می راندم فرمودید حال هم نگرانی به خود راه ندهید.

فرمود: اینها که زبان نمی‌دانند مردمی یاغی و گرسنه هستند می ترسم با مختصر اشاره‌ای هر کاری را بخواهند بکنند.

عرض کردم: امیرلشکر عبدالله‌خان قبلاً پیش‌بینی واقعه را نموده من مرتباً با او در تماس هستم مطمئن باشید خدا با ماست.

پرسیدند: شما خوابتان می آید و خواهید خوابید؟

عرض کردم: سعی می‌کنم بخوابم و اگر موافقت بفرمائید فردا شب تلافی خواب را بنمایم و برای نجات از این بن‌بست مراقب اوضاع باشم.

فرمودند: من هم به خواب نمی روم پس مرتباً مرا در جریان بگذارید.

از اطاق خارج شده حالا در حدود ساعت ۸ بعد از ظهر است خود را به امیر لشکر عبدالله خان رساندم سایر ملتزمین رکاب به خصوص خدایارخان و دبیر اعظم بهرامی وحشت‌زده می باشند کمی نسبت به آنها تغییر کرده گفتم شما وقتی روحیه

خود را ببازید (گزک) به دشمن داده و آنها بدون درنگ تصمیمات شدیدی خواهند گرفت.

با سرلشکر طهماسبی صحبت کرده او گفت فکری به خاطرم رسید الساعه نایب اول ابراهیمی را مأمور نمودم به ملاقات اسمعیل آقا که هم اکنون در وسط قشون خود در چادری مراقب اوضاع می باشد رفته و با زبان چرب و نرم خود او را سرگرم نماید و مخصوصاً تأکید نمودم بازی (تخت نرد) که مورد علاقه اسمعیل آقا می باشد با او بنماید و تا می تواند ببازد تا اسمعیل آقا سرگرم بازی و به عشق بردن از اجرا هرگونه تصمیمی امتناع نماید تا صبح شود و سلماس را ترک نمایم.

ابراهیمی با چه زحمتی تا صبح اسمعیل آقا را سرگرم نمود و خود سرلشکر هم چند بار به چادر اسمعیل آقا سری زد و او را تشویق به بازی نمود و از مهارت او در تخت نرد تمجید نمود.

خلاصه تا صبح وحشت‌زده چشم را روی هم نگذاشتیم و صبح زود بدون انجام خداحافظی با اسمعیل آقا سوار اتومبیلهای خود شده سلماس را در میان پنجهزار قوای مسلح اسمعیل آقا ترک نمودیم و تا ورود به رضائیه مرتباً عقب سر خود را نگاه می‌کردیم و تصور می نمودیم نیروی اسمعیل آقا در تعقیب ما هستند.

این مسافرت یکی از هیجان انگیزترین مسافرت‌ها بود و به خاطر دارم هر وقت در التزام اعلیحضرت مسافرت وحشتناک سلماس را به خاطر می آوردند برای مدتی یک هیجان روحی به ایشان دست می داد.

چندی بعد سرلشکر امیر طهماسبی برایم حکایت می‌کرد اسمعیل آقا بعدها به او گفته بود بزرگترین خبط را آنشب مرتکب شده بود اگر گرد و خاک مختصری بلند می‌کرد و سردار سپه را از بین می برد بطور حتم تمامی خاک آذربایجان در تسلط او قرار می‌گرفت و افسوس می خورد چرا نکرد و با وجودی که تصمیم داشت اگر هم به قتل و کشتار نرسد عده‌ای از جمله سردار سپه را اسیر نماید. قمار آن شب او را از این فکر بازداشت و موقعی به خود آمد که هزاران تومان برده بود و مرغ هم از قفس پریده بود.

۲۹- اخراج محمد حسن میرزا ولیعهد

امیرلشگر عبداله‌خان امیر طهماسبی حاکم نظامی تهران در خاطرات خود در مورد خلع قاجاریه و اخراج محمد حسن میرزا چنین می‌نویسد:

حسب الامر والاحضرت پهلوی دو ساعت بعد از ظهر شنبهٔ نهم آبان‌ماه ۱۳۰۴ مأمور شدم که دربار را تحویل گرفته و خانوادهٔ سلطان مخلوع را بیرون نمایم دو ساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته بود که وارد عمارت سلطنتی شدم مشکوه‌الدوله پیشخدمت احمد میرزا را خواستم و به محمد حسن میرزا (ولیعهد مخلوع) که در غیاب احمد میرزا در ظرف سه سال قائم‌مقام او بود و در پس پرده هزار رنگ به آب می‌زد اخطار نمودم که فوراً تهیه مسافرت خود را دیده و همین امشب از تهران خارج و بطرف اروپا حرکت و به برادر خود ملحق گردد.

موقعی که من وارد شدم شوفر محمد حسن میرزا می‌خواست از دربار خارج گردد. بمشارالیه امر شد که بلا تأخیر اتومبیل را تهیه و حاضر نماید و یکنفر مأمور را تعیین نمودم که شوفر را تحت نظر گرفته و برای اتومبیل بنزین و روغن تهیه نماید. آغاباشی (معتمد الحرم) نیز احضار و تأکید شد که هر چه زودتر اندرون را تخلیه و اسباب‌های شخصی خود را نیز از دربار بیرون برد و تا صبح این امر حتمی‌الاجرا است.

بلافاصله اوامر بموقع اجرا گذاشته شد در این بین صاحب‌جمع جواب پیغام را آورد که (والاحضرت ولیعهد) بگوئید محمد حسن میرزا، بعد اظهار می‌فرمایند برای رفتن حاضرم ولی وسائل حرکت ندارم پول هم ندارم تا لوازم حرکت را تهیه نمایم و در صورت امکان طالب ملاقات و مذاکرات دوستانه دارد و اینطور می‌گوید چهل هزار تومان از دولت طلب دارم. ممکن است از این بابت وجهی بدهید بعلاوه قرض و کارهای شخصی دارم که باید کسی را مأمور تصفیه امورات خود نمایم.

جواب دادم ملاقات ممکن نیست مذاکرات دوستانه نیز با هم نداشته و نداریم امر بندگان اعلیحضرت پهلوی است که باید بموقع اجرا گذاشته شود فوراً یکنفری را برای تسویه امور و محاسبات خود تعیین و حرکت نمایند و کارهای شما انجام خواهد شد و اگر عرایض دیگری داشته باشید بعرض والاحضرت پهلوی خواهد رسید.

صاحب جمع مثل این بود که بحوادث معتقد نبوده و یا خود تجاهل می‌نمود و یا برای اثبات فدویت و یا تجویز تقلید بقاء برمیت اظهار داشت ــ این مسائل را به والاحضرت ولیعهد ــ اخطار شد بگوئید محمدحسن میرزا از طرف که ابلاغ کنم؟ و این امر حرکت از طرف کیست؟ جواب داده شد در تفهیم و فهم قبلاً

خود را مستعد نموده بدانید از طرف بندگان والاحضرت پهلوی این احکام ابلاغ می‌شود.

ساعت دو و نیم بعد از ظهر بود که موثق‌الدوله (مغرور میرزا) وزیر دربار سابق که قبلاً به وسیلهٔ تلفون احضار شده بود حاضر شد و به ایشان اظهار شد هر چه زودتر رؤساء مسئول دربار را حاضر نمائید که فوراً اشیاء سلطنتی و اطاق‌ها باید مهر و موم شود!.

روز شنبه بود ولی دربار تعطیل بود و جز چند نفر پیشخدمت و عبدالله میرزا (سردار حشمت) کالسگه‌چی‌باشی و ابراهیم‌خان صدیق همایون کسی دیگر حاضر نبود و به وسیلهٔ تلفون چند نفری حاضر شدند و با حضور حاج عدل‌السلطنه صندوق‌خانه و با حضور سردار حشمت کالسگه‌خانه و با حضور عین‌السلطان آبدارخانه و چون قهوه‌چی باشی حاضر نبود با حضور صدیق همایون درب‌ها مهر و موم گردید.

سرایدارخانه نیز با حضور صدیق همایون مهر و موم شد موثق‌الدوله حاضر بود که خزانه نیز مهر و موم شد و بالجمله تمام ابنیه و اثاثیه دولتی با حضور رؤساء مربوطه به مسئولیت خود آنها تحت ضبط و توقیف درآمد و این مهر کار خود را کرد و دست توقیف را بروی آنها گذاشت.

اشخاص جزو جمع و غیر مسئول از قبیل پیشخدمت و فراش و اجزاء خلوت اجازه یافتند که چنانچه بخواهند از دربار خارج شوند در این موقع صاحب جمع از طرف محمد حسن میرزا پیغام آورد که اجازه دهند سهم‌الدوله برای تهیهٔ یک هزار تومان وجه از دربار خارج شود اجازه داده شد که به معیت یک نفر صاحب منصب بیرون رفته و مقصود خود را انجام دهد در این موقع کار دربار خاتمه یافت و هرچه بود تحت تصرف درآمد و به اتفاق سرتیپ مرتضی‌خان و سرتیپ محمّدخان که همراه من بودند به ملاقات محمد حسن میرزا رفتیم و به صاحب منصب مأمور قراول‌های دربار دستور لازم داده شد که پس از ملاقات ما جز چند نفر نوکر شخصی محمد حسن میرزا که باید همسفر وی گردند کسی حق ملاقات با مشارالیه را ندارد ولی این نوکرها نیز با حضور مأمور فقط می‌توانند ملاقات کنند.

راه افتادیم تا درب اطاقی که محمد حسن میرزا توقف داشت پیشخدمت‌ها قبلاً درهائی را که در یک قرن و نیم به روی ایرانیان بسته و نمایندهٔ عقاید و افکار و احساسات قلبی ساکنین این نقطه پر پیچ و خم دور از عاطفه و عدالت بود پشت سر هم به روی ما باز می‌نمودند در مشاهدهٔ این حال نکته‌ای از خاطرم گذشت و بی اختیار حواسم را به جای دیگر کشانید و او عبارت از قدرت و قوه دست ملت بود که با یک اراده درهای بسته را باز و زندگانی یک سلسله را بهم پیچید و مظهر قدرت خود را والا حضرت پهلوی معرفی نمود این است که یکی از مأمورین این مظهر قدرت میل دارد از این اطاقهای تودرتو می‌گذرد و مأموریت خود را اجرا می‌نماید محمد حسن میرزا از آمدن ما مطلع شده به اطاق نشیمن‌گاه او و هنوز وارد نشده بودیم که از روی صندلی خود برخواست و تا نزدیک در اطاق به استقبال شتافت و همین شخص بود که چند ساعت قبل ایرانیان را عبید و اماء خود محسوب می‌داشت و چیزی که در مخیلهٔ او قدر و قیمتی نداشت همانا ملت ایران بود در این ساعتی که وارد می‌شدیم مشارالیه مشغول خوردن نان شیرینی و چائی بود و از شدت اضطراب چائی را نیمه گذاشته و به استقبال آمده بود. اظهار نمودم که توسط صاحب جمع پیغام داده بودم که حسب‌الامر والاحضرت پهلوی باید زودتر تهیه سفر را ساز و ساعت یازده امشب حرکت نمائید و ضمناً اخطار می‌کنم که لباس نظام را از تن خود بکنید!. جواب داد فرستاده‌ام لباس دیگری تهیه کرده بیاورند تا عوض نمایم و چهار نفر که همراه من خواهند بود تذکره لازم دارند پول هم برای تهیه لوازم حرکت ندارم چهل هزار تومان از دولت طلبکار هستم پیغام دوستانه مرا به اعلیحضرت برسانید که از نقطهٔ نظر دوستی وسیله حرکت مرا فراهم نمایند.

جواب ــ البته برای ملتزمین یا در مرکز دربین‌راه تذکره تهیه می‌شود ــ چگونه می‌شود پول نداشته باشید؟ به خدا که پول ندارم مبلغی هم مقروض هستم. بسیار خوب به عرض والاحضرت می‌رسانم هرطور امر فرمودند ابلاغ خواهم نمود.

برای حمل و نقل اسباب وسیلهٔ ندارم.

جواب ــ بندگان والاحضرت پهلوی همه قسم مساعد هستند به عرض مبارکشان می‌رسانم.

مبلغی مقروض هستم و محاسباتی دارم نمی‌دانم به که رجوع کنم؟

جواب ــ قبلاً به صاحب جمع گفتم صورت محاسبات خود را به او بدهید اگر مطالبی باشد که محتاج به عرض رساندن باشد به عرض مبارک می‌رسانیم می‌توانم بگویم نظر به معلومات قطعی خودم از عاطفهٔ والاحضرت پهلوی مطمئن باشید

و همه نوع مساعدت در کارهای شما از طرف والاحضرت خواهد شد و اوامر لازمه در تصفیهٔ امور و محاسبات شما صادر می‌گردد خانواده را چکنم همراه ببرم یا خیر؟

مختار هستید می خواهید ببرید می خواهید در ایران بمانند.

کسانی را که می خواهید همراه خود ببرید ایرادی نیست.

می توانم با اجزای دربار تودیع کنم مانعی برای ملاقات نیست؟

جواب ــ اجزاء و عمله دربار که تاکنون نزد شما بودند البته مراسم تودیع را به عمل آورده‌اید.

لازم بود به مذاکرات خاتمه داده شود اظهار نمودم دیگر با شما خداحافظی می‌کنم و به هم دست دادیم سرتیپ مرتضی خان فرمانده لشگر مرکز و سرتیپ محمدخان نیز دست دادند و از درب سالون خارج شدیم.

به موجب دستوری که قبلاً داده شده بود صاحب‌منصب گارد مأمور بود از ورود اشخاص و ملاقات‌ها جلوگیری نماید و بجز از چهار نفر همسفر کسی حق ملاقات را نداشت آنها نیز با حضور صاحب منصب می بایست ملاقات کنند.

امر نظامی به موقع اجرا گذاشته شد و دیگر کسی حق ملاقات نداشت!.

محمد حسن میرزا از اجرای این امر مستحضر گردید از درب سالون خارج شد و از پشت سر اظهار نمود مگر از ملاقات اشخاص ممنوع هستم؟

چون قبلاً با سایرین تودیع نموده‌اید دیگر با کسی ملاقات نخواهید کرد مگر چهار نفر با همراهان خود آنهم با حضور مأمور.

قانع شد و ساکت گردید و سر به زیر انداخت این جانب و رفقا از اطاقهای سلطنتی خارج و برای تسریع حرکت مسافرین و عرض راپرت به خاکپای والاحضرت تشرف حاصل نمودیم.

مراتب را معروض داشتم امر فرمودند مبلغ پنج هزار تومان نقد پرداخته و به قدر کفایت اتومبیل و کامیون برای حمل اسباب و مسافرین داده شود فوراً امر عالی اجرا و ساعت نه بعد از ظهر همان روز وسائل نقلیه حاضر و نه و نیم بعد از ظهر این جانب و سرتیپ مرتضی خان به دربار رفته وسائل حرکت آماده اعلام شد که ساعت ده حرکت نمائید در ساعت شش بعد از ظهر اعتضادالسلطنه، نصرت السلطنه، عضدالسلطنه و یمین الدوله از صبح برای تودیع آمده بودند و ساعت ورود ما در گوشهٔ اطاق انتظار آنها را دیدم که مجسمه‌وار با رنگ پریده ایستاده بودند.

به مجرد اینکه چشمشان به ما افتاد بی‌اندازه پریشان شدند و بی اختیار لرزیدند چه یقین کردند که توقیف خواهند شد ولی کم کم این اضطراب از آنها رفع شد برای آنکه اعتماد به عاطفهٔ والاحضرت پهلوی اندیشه های مشوش آنها را رفع و مرعوبیت آنها را تسکین داد و در برابر جرائم غیر قابل عفو سلسلهٔ خود شخص کریم و با عاطفهٔ را دیدند که چشم از سیأت آنها پوشیده و به نام عظمت اخلاقی ملت ایران از گناهان آنها صرف‌نظر نموده بلکه همّ خود را متوجه تامین موجودیت آنها کرده و در بحبوحهٔ طغیان عصبانیت ملی اینک دست آنها را گرفته و از گرداب هلاکت به ساحلی می برد این بود در مقابل یک چنین عطوفت و مهربانی هول و هراس را تسکین دادند و بالجمله ساعت هشت و نیم بعد از ظهر است که شاهزادگان هنوز در اینجا هستند و منتظر آخرین تودیع می باشند ــ در همین ساعت محمد حسن میرزا برای تودیع با خانواده خود به اندرون رفت.

ده ساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر محمد حسن میرزا در درب اندرون با اجزاء و مستخدمین و خواجه‌ها آخرین مراسم تودیع را به عمل آورده و در تحت محافظت صاحب‌منصبان مخصوص به طرف خارج دربار حرکت نمود.

یک اتومبیل حامل نظامیان از جلو اتومبیل محمد حسن میرزا از عقب و مابقی اسکورت به فاصلهٔ ده قدم از یکدیگر سلسله‌وار راه بغداد را از راه قزوین پیش گرفتند.

پس از صدو پنجاه سال تقریبی آخرین شخص منتظر که روزی بر اریکهٔ سلطنت جلوس نماید و یک دفعهٔ دیگر تخت و تاج با افتخار ایران مایهٔ هوا و هوس گردد از ایران رفت و در عالم سیاست به دریای نیستی غرق و امواج از سرش گذشت.

(کان لم‌یکن بین‌الحجون الی الصفا انیس) (ولم یسمر بمکة سامر)

هیچ اثری باقی نماند چه آنکه اثری نداشت تا از خود باقی بماند رفت و به دریای عدم ملحق شد.

راستی باید اندکی نیز قضاوت نمود ــ وقتیکه اعمال و حرکات مؤسسین سلسله قاجاریه را نسبت به طبقهٔ زندیه از نظر می‌گذرانیم و در طول (۱۵۰) سال اطوار وحشیانه و سبعانهٔ سلاطین قاجار را نسبت به زیردستان و مخصوصاً کسانی که مغلوب اراده و قدرت آنها گردیده‌اند ملاحظه می‌کنیم یک چنین گزارشات فجیع و ننگین را با مراتب بزرگواری اخلاقی مظهر قدرت ملی امروزه که به رسم ودیعه ملی سلطنت ایران را دست

گرفته (ودیعهٔ یک ملتی که به تمام معنی بر علیه این سلسله قیام و در نظر ملت غیر از انتقام و محو و نابودی احمد میرزا و محمد حسن میرزا و خانوادهٔ قاجاریه چیز دیگری منظور نداشتند) مقایسه نمائیم جز به این سر نمی‌توان قضاوت نمود که این فضیلت اخلاقی خدادادی و شایستهٔ سر پرست ملت اخلاقی ایران باستانی است که در مقام غضب با قوهٔ عاطفه بی ادب را تادیب و پس از منکوبی دشمن با دست ترحم بسیئات اعمال قلم عفو و بخشایش می‌کشند آری این خود یک معجزهٔ اخلاقی و در خور ملت ایران است مگر دارا پس از فتح یونان و روم تاج بخشی نکرد؟ مگر نادرشاه افشار پس از تسخیر هندوستان دست رافت به سر مجرمین نگذاشت؟ــ پهلوی نیز زاده ساسان است که دشمن را مغلوب و منکوب و شکست خورده دیده و با یک عاطفهٔ شاهانه دارد امواج ترحم را بر روی غرقاب دیدهٔ سیآت اعمال زندگانی ریخته و از دریای نیستی و قهر و غضب ملت نجات می دهد.

۳۰ــ صدرالاشراف و عدلیه

من در سال ۱۳۲۵ قمری به دعوت مرحوم حاج مخبرالسلطنه وزیر عدلیه وقت وارد خدمت عدلیه و به معاونت محاکم جزا که ریاست آن با میرزا علی خان صدق الملک کرمانی و بعد با میرزا محمودخان مشاورالملک بود منصوب شدم و آن محکمه دارای پنج نفر عضو بود و تحقیقات مقدماتی و استنطاق در خود محکمه انجام می شد.

در آن تاریخ هیچ قانونی برای طرز رسیدگی محاکم چه در امور حقوقی و چه در امور جزائی نبود و محاکم به نظر خودشان متداعیین یا متهم را احضار و رسیدگی می‌کردند و وظیفه مدعی العموم را نیز خود محکمه مطابق شرع اسلام حکم صادر می‌کرد و در امور جزائی به نظر خود حکم صادر می نمود ولی درباره موارد مهم با استعلام از علماء شرع حکم مجازات می داد چنانکه در مورد قتل یکی از تجار زردشتی که به نظرم بهرام جهانیان بود و قضیه جنبه سیاسی پیدا کرده بود نسبت به سه نفر که متهم به قتل عمدی بودند علماء حکم ضرب شدید فجیع دادند ولی درعمل بیش از آنچه منظور علما بود متهمین را آنقدر تازیانه زدند که نزدیک بهِ هلاکت رسیدند بعد از حاج مخبرالسلطنه میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله وزیر عدلیه شد و او دستورهای کلی برای طرز رسیدگی به محاکم صادر می‌کرد و رسیدگی مطابق آن دستورها بود تا در سال ۱۳۲۶ قمری که مجلس شورای ملی بمباران و اوضاع مملکت به حالت استبداد درآمد در آن وقت مشیرالدوله وزیر عدلیه و برادرش موتمن الملک وزیر فرهنگ بود و چون این دو برادر از عناصر مشروطه خواه بودند اطرافیان محمد علیشاه زمینه محاکمه برای توهین این دو برادر فراهم کردندــ چون آن محاکمه موجب استعفا ایشان شد و اساساً قابل تحریر است.

موضوع محاکمه عبارت بود از ادعاء یکنفر سرهنگ به مبلغ هشت هزار تومان علیه آن‌ها به استناد نوشته‌ای از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و پدر آن‌ها حاکی از طلب سرهنگ از پدر ایشان محکمه در باغشاه به ریاست مشیرالسلطنه صدراعظم و عضویت امیر بهادر جنگ و سپهسالار و وزیر افخم وزیر دربار و من و شاهزاده مؤیدالسلطنه تشکیل شد و مشیرالدوله و موتمن الملک در مقابل هیئت محاکمه نشستند.

مدعی سند خود را به دست امیر بهادر جنگ داد و او به دست مشیرالسلطنه صدراعظم و او به دست دیگران داد تا به دست من رسید سند به مهر میرزا نصرالله خان مشیرالدوله بود ولی به دقت که ملاحظه کردم استنباط شد که در دو جای سند علامت دست‌خوردگی است یکی در اسم داین ویکی در مبلغ ولی چیزی نگفتم و سند را رد کردم تا سند را دادند به دست مشیرالدوله و موتمن الملک آن دو نفر یا ساختگی سند را ملتفت شده یا نشده چیزی نگفتند مشیرالسلطنه که رئیس محکمه بود از آن‌ها جواب خواست. آن‌ها گفتند: ما از این سند اطلاع نداریم ولی هر چه محکمه حکم کند اطاعت داریمــ مشیرالسلطنه بعد از چند دقیقه سکوت مجلس از اعضاء رأی خواست هیچکدام از اعضاء به ملاحظات سیاسی اظهاری نکردند امیر بهادر جنگ با بیانی ملامت‌آمیز به مدعی علیها گفت بگوئید این نوشته از پدر شما هست یا نه آن‌ها همان جواب اول را دادند مشیرالسلطنه به من گفت شما از احکام شرع بهتر مطلع هستید تکلیف چیست من گفتم عقیده من این است که باید دست این سرهنگ را ببرید برای آن که با یک نوشته تقلبی به دو وزیر مملکت ادعای واهی در چنین مجلسی اقامه کرده است.

امیر بهادر جنگ که شالوده این محاکمه را او ریخته بود به شدت برآشفت و گفت شما باید تقلب نوشته را اثبات کنید من نوشته را جلو آفتاب گرفته به یک یک اعضاء نشان دادم و همه

فهمیدند حتی خود امیر بهادر هم فهمید و نوشته را گرفته پاره پاره کرد و مجلس برهم خورد ـــ مشیرالدوله و موتمن الملک در همان مجلس استعفای خود را نوشته به مشیرالسلطنه دادند.

بعد از آن نظام الملک وزیر عدلیه شد تا بعد از فتح تهران به توسط مجاهدینَ و عود مشروطیت که در سال ۱۳۲۷ هجری قمری بود ابتدا فرمانفرما و به فاصله کمی مشیرالدوله وزیر عدلیه شد و چون تا آن تاریخ نه قانونی برای تشکیلات عدلیه و نه آئین دادرسی موجود و نه اعضای عدلیه حقوق مرتبی داشتند و وزارت عدلیه مانند زمان استبدادی صدی ده از قیمت محکوم به از محکوم له و صدی پنج از محکوم علیه می‌گرفت و این درآمد هر چند ماه یک دفعه مبلغی ناقابل به اعضای محاکم می دادند مشیرالدوله در سال ۱۳۲۸ قمری در مجلس شورای ملی عنوان کرد که مجلس باید بودجه برای حقوق اعضای محاکم و ادارات عدلیه تصویب کند و به او مهلت بدهند تا قانون تشکیلات عدلیه و قوانین اصول محاکمات را تهیه و به مجلس تقدیم کند ـــ مشیرالدوله در ظرف شش ماه این دو قانون را تهیه کرده به مجلس پیشنهاد کرد قانون تشکیلات بالاخره به تصویب مجلس رسید ولی قانون اصول محاکمات که به کمیسیون عدلیه مجلس مراجعه شده بود هیأت علمای طراز اول که در مجلس شورای ملی بودند قانون را رد کردند مخصوصاً مرحوم سید حسن مدرس که وکیل مجلس و عضو هیأت طراز اول و ناطق آن هیأت بود شدیداً با قانون اصول محاکمات مخالفت کرد مشیرالدوله قهر کرده به مجلس نرفت و در وزارت عدلیه هم حاضر نشد من چون با مرحوم مدرس و مرحوم مشیرالدوله هر دو آشنا بودم با کمک میرزا مرتضی قلیخان نائینی نایب رئیس مجلس در مقام اصلاح برآمدیم و بعد از تشکیل مجالس عدیده با حضور این دو نفر و مذاکرات زیاد مرحوم مدرس از طرف هیأت طراز اول هشت ماده که در اول کتاب محاکمات حقوقی ابتدائی نوشته شده پیشنهاد کرد که اگر این هشت ماده را مشیرالدوله قبول و ضمیمه قانون بکند به آن قانون رأی خواهند داد البته آقایان قضات و آقایان وکلاء عدلیه از مفاد هشت‌گانه اطلاع دارند ولی شاید اغلب خوانندگان محترم بی اطلاع باشند لذا به اختصار اشعار به آن می شود مفاد مواد مذکوره به طور اجمال عبارت از این است که موضوعات مورد اختلاف را سه قسم کرده موضوعات شرعیه از قبیل اختلافات راجع به نکاح و طلاق و نسب و وقفیت و ملکیت و نصب قیم و حکم بافلاس و اختلافات حقوقی که فتاوی علماء در اصل حکم مختلف باشد که منحصراً باید محاکم شرعی رسیدگی نمایند موضوعات عرفیه از قبیل اختلاف راجعه به مالیات و امتیازات دولتی و امثال آن‌ها که محکمه عدلیه رسیدگی می نماید موضوعات مشترکه یعنی غیر از موضوعات شرعیه و عرفیه به شرطی که شرعی و عرفی بودن آن مشتبه نباشد که اگر مشتبه باشد باید به محاضر شرع رجوع شود. و در این قسم هم اگر متداعیین ابتدائاً تراضی به رسیدگی محکمه عدلیه بکنند محکمه رسیدگی می‌کند و الا باید به محاضر شرع رجوع شود ـــ مشیرالدوله نسبت به بعضی از مواد هشت گانه بخصوص ماده ۱۴۸ که مفاد آن این است که (در غیر موضوعات شرعیه تراضی متحاکمین نسبت به رسیدگی محکمه عدلیه شرط است و بدون تراضی متحاکمین محکمه عدلیه حق رسیدگی ندارد و باید ارجاع به محضر شرع بکند) جدا ایستادگی و مخالفت کرد ولی بالاخره چون چاره و پیشرفت قانون را منحصر در قبول کلیه مواد دید ناچار تسلیم شد و به این ترتیب قانون آئین دادرسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید ولی در همان موقع کابینه تغییر کرد و مدتی برای وزارت عدلیه وزیر معین نشد و امور آن وزارت به توسط مرحوم مشاورالملک که معاون بود و ادلف پرنی فرانسوی که دولت او را به عنوان مستشاری عدلیه استخدام کرده بود اداره می شد بنابراین اجرای قوانین تشکیلات به تصدی مستشار فرانسوی ولی با اطلاع و تعلیمات معنوی مشیرالدوله انجام گردید و چون در آن وقت می بایست اشخاصی متناسب با محاکم صلحیه و ابتدائی و استیناف و تمیز از خارج دعوت شوند مشیرالدوله به کفیل وزارت عدلیه و به مستشار فرانسوی سفارش کرده بود که انتخاب اشخاص با نظر چند نفر از قبیل مرحومین فروغی «ذکاء الملک» ـــ حاج سید نصرالله تقوی و حاج سید حبیب الله شبیر و من باشد مرحوم مشاورالملک معاون دخالت در این امر نکرد و فقط پرنی متصدی این انتخابات شد و می‌توان گفت که انتخابات آن تاریخ در نهایت دقت و صحت به عمل امد که یک مورد را برای نمونه حکایت می‌کنم. یک روزی پرنی مرا به اطاق خود دعوت کرد و از من پرسید شیخ علی بابا نامی را برای عضویت عدلیه پیشنهاد کرده‌اند شما او را می شناسید؟ گفتم: بلی. گفت: که اطلاع کافی از قانون دارد؟ گفتم کدام قانون؟ قانون مدنی یعنی قانون موجد حق در ایران قانون اسلام است و او مردی است مطلع ازمدارس فقه اسلامی و کاملاً مطلع است و اما

قانون اصول محاکمات که تازه به تصویب مجلس رسیده فارسی است و هر شخص با سوادی آنرا می فهمد. بعد پرسید اخلاق او چطور است؟ گفتم از چه جهت؟ گفت از جهت درستی و پاکدامنی ــ گفتم من چیزی خلاف آن از او نشنیده‌ام. گفت: فقیر است یا متمول؟ گفتم فقیر است گفت چون فقیر است آیا ممکن است تقاضای رشوه از متداعیین بکند؟ گفتم مشکل است زیرا که رشوه در شرع اسلام حرام مؤکد است و او مشکل است مرتکب چنین علمی بشود. گفت: اگر در یک محاکمه‌ای حق را با یکی از طرفین بداند آن شخص به او پولی عرضه کند و بدهد قبول می‌کند یا نه؟ گفتم من تا این درجه به احوال او مطلع نیستم که بدانم در خلوت درستی او تا چه حد است. گفت: این شخص در خارج به صحت قول معروف است یا نه؟ گفتم او مرد فقیری است روابط معامله با مردم آن قدر ندارد که معلوم شود مقید به صحت قول یا امضاء هست یا نه. گفت: اگر این شخص انتخاب برای محاکم عدلیه بشود مردم چه خواهند گفت آیا تصدیق می‌کنند که انتخاب خوبی است یا مستحسن نمی‌دانند؟ گفتم به نظر من ظاهراً انتخاب او مورد رضایت مردم‌خواهدبود. گفت: برای چه مقامی از مقامات قضا مناسب است انتخاب شود؟ گفتم به نظر من مدیر یک محکمه نمی‌تواند باشد ولی مستشار خوبی است و به نظر من برای استیناف خوب است بعنوان مستشاری انتخاب شود ــ البته راجع به این شخص از دیگران یعنی از مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و مرحوم فروغی و غیره سؤال و تحقیق کرده بود و آنها هم نزدیک به همین جوابهای من جواب داده بودند معذالک او را برای امانت صلحیه انتخاب کرد و حتی در محکمه ابتدائی هم او را منصوب نکرد مقصود از این جمله آنکه انتخاب اشخاص در آن موقع به این دقت انجام می شد ــ نکته دیگر که در انتخاب اشخاص برای مقامات قضائی رعایت می شد این بود که در آن تاریخ نفوذ علماء زیاد و قضاوت را مخصــوص، مجتهد جامع‌الشرایط می دانستند و احکام محاکم عدلیه مورد قبول و احترام عامه نبود مشیرالدوله به من و چند نفر دیگر که معرف اشخاص برای قضاوت عدلیه بودیم سفارش می‌کرد که قضات باید از زمره اهل علم انتخاب شوند تا آنکه علماء متنفذ نتوانند بر آنها ایراد بگیرند و احکام محاکــم را موهون بشمارند خلاصه زمان زیادی نگذشت که مجدداً مشیرالدوله وزیرعدلیه شد و بقیه انتخاب اشخاص در زمان وزارت او صورت گرفت. مشیرالدوله

در خلوت می‌گفت با وجود پیشنهادی علماء بخصوص ماده ۱۴۸ قانون اصول محاکمات که تراضی متداعیین برای رسیدگی محکمه عدلیه شرط شده محاکم عدلیه موقعیت شایسته‌ای نخواهد داشت دول خارجه نسبت به اتباع خودشان در ایران تمکین از این محاکم نخواهند کرد و بالاخره به فکر او رسید که علماء را وادار به تعیین علماء لایق قضاوت یعنی مجتهدین جامع‌الشرایط بکند و از من خواست که با علماء و مخصوصاً علماء طراز اول مذاکره شود به این عنوان که چون به موجب مواد هشت‌گانه مخصوصاً ماده ۱۴۸ اغلب دعاوی رجوع به محضر شرع باید بشود و محاکم عدلیه علمائی که لایق قضاوت شرعی باشند نمی‌شناسند بنابراین مقتضی است علماء درجه اول اشخاصی را که لایق قضاوت شرعی هستند به محاکم عدلیه معرفی کرده صورت بدهند تا محاکم رسیدگی به دعاوی را به یکی از آن اشخاص ارجاع کنند و من این مطلب را با حضور علمای درجه اول وقت اظهار و مذاکره کردم ولی اختلاف نظر علماء برای تعیین اشخاص به قدری زیاد بود که درمدت ششماه حتی یک نفر را هم به وزارت عدلیه معرفی نکردند. مشیرالدوله در آن موقع ابلاغی برای محاکم صادر کرد که چون مراجع شرعی برای محاکمه معین نشده محاکم عدلیه نباید محاکمات را معوق بدارند و تا مراجع شرعی معین نشده خود محاکم رسیدگی و حکم بدهند لیکن نظر به اینکه بعضی موضوعات شرعی از قبیل نکاح و طلاق و امثال آنها ناچار می بایست به یکی از مراجع شرعی ارجاع شود بالاخره بعد از مدتی مرحوم آقا سید محمد یزدی با تصویب آقایان علماء ریاست محکمه شرعی را قبول کرده و محکمه برای رسیدگی به منازعات راجعه به نکاح و طلاق و نصب قیم نیز برای بعضی جنایات شرعیه در سال ۱۳۳۲ بـا عضویت دو نفـر به عنوان معـاون که یکـی از آنـان آقـای حائـری شاه بـاغ بـود، تشکیـل شـد و طولـی نکشید کـه مراجعات بـه آن محکمه انحصـار بـه اختـلاف راجـع بـه زوجیت و طلاق یافـت. و محکمـه جنائی در استیناف تشکیل گردید ــ قبل از تشکیل محکمه جنائی محاکم جزا که در ردیف محاکمه ابتدائی بود به کلیه امور جزائی اعم از جنحه و جنایت رسیدگی می‌کردند و چون قانون جزا هنوز تدوین نشده و درجات جرائم نیز معین نبود وستد اهل سوئدی رئیس شهربانی وقت ایران که دارای اختیارات وسیعی بود محکمه به نظر خود در شهربانی تشکیل داد و با نظر

او در جنایات احکام صادر می‌کردند و در این وقت پرنس ارفع الدوله وزیر عدلیه بود و او هر قدر کوشش کرد که محکمه شهربانی را موقوف کند نتوانست تا با اقدام دیپلماسی او سفیر انگلیس جلو خودسری رئیس شهربانی را گرفت و محکمه جنائی شهربانی منحل شد. این نکته را برای آن گفتم که دانسته شود دولت ما در امور داخلی خود دچار چه مشکلاتی بود تا سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی که به خودسریها و دخالت اجانب در امور داخلی ایران خاتمه داده شد.

مشکل دیگر که عدلیه آن وقت با آن مواجه بود عدم تمکین رجال دولت و متنفذین از احکام عدلیه بود در بسیاری از احکام که علیه بعضی متنفذین یا اشخاص دیگر که متوسل به صاحبان قدرت می شدند صادر می شد اجراء آنها دچار اشکال بود حتی اشخاص عادی هم اعتنا به احکام عدلیه نداشتند چه آنکه مقتضای اوضاع وقت بر این نهج بود که اگر حکم از عالم مشهور متنفذی یا از رجال درجه اول دولت صادر می شد مردم عادت به اطاعت آن داشتند ولی به احکامی که از چند نفر آخوند و سید متوسط به نام محکمه عدلیه صادر شده بود بی اعتنا بودند ــ به خاطر دارم که خواهر یکی از رجال متنفذ نسبت به ملکی بحکم قطعی عدلیه محکوم شد و مأمور برای اجراء حکم رفته بود شخص مقتدر فرستاد مأمور عدلیه را کتک زدند و گفت به عدلیه بگوئید کار خودش را بکند به ملک خواهر من چکار دارد. باری در تشکیلاتی که به توسط مستشار فرانسوی در اول ۱۳۳۰ قمری انجام شد من به ریاست استیناف مرکز منصوب شدم و در آن موقع نظر به اینکه جز چند نفر که سابقه قضاوت عدلیه داشتیم باقی اشخاص تازه‌وارد کم اطلاع از قوانین و اصول محاکمات بودند قرار شد هفته‌ای یک روز در یکی از اطاقهای بزرگ وزارت دادگستری همه قضات صلحیه و ابتدائی و استیناف مجتمع شوند و مشکلات قانون را در آنجا طرح و حل کنند و هر یک از قضات که مشکلی از حیث فهم و شرح قانون و یا از حیث تطبیق موضوع محاکمه با قانون اعم از قانون اصول محاکمات یا قانون شرع داشتند در آن مجلس مطرح می شد و این بهترین کلاس بود از برای رفع ابهام و اشکال قوانین و نتیجه آن وحدت رویه قضائی در همه محاکم بود که تا مدتی این مجلس ادامه داشت. حالا تحولاتی را که در عدلیه روی داده اجمالاً بیان می‌کنم. در اوایل مشروطه که عناصر تندرو که به انقلابی معروف شده و متنفذ بودند قضات عدلیه بیشتر مناسب با آن وضع انتخاب شده و قضاوت می‌کردند چون از محاکم آنوقت احکامی صادر می‌شد که بر خلاف عدالت بود از این جهت که اگر یکی از متداعیین جزو عناصر انقلابی یا متشبث به آنها بود و طرف مقابل مستبد یا اعتدالی بود آن طرف که از عناصر انقلابی نبود محکوم می‌شد و چون این رویه بر خلاف عدالت و افکار عامه مردم بود از این جهت یک تحول در اوایل مشروطیت پیش آمد که به توسط مرحوم مشارالسلطنه وزیر عدلیه وقت اغلب آن اشخاص را تغییر دادند تحول دیگر که مهم بود زمان رضاشاه پهلوی به توسط مرحوم میرزا علی اکبر خان داور وزیر عدلیه در سال ۱۳۰۵ شمسی صورت وقوع یافت و علت اساسی آن بود که رضاشاه مایل بود در کلیه امور مملکت وضع نوینی به وجود آورد که متناسب با عرف ممالک راقیه باشد بخصوص که در نظر داشت کاپیتولاسیون را لغو کند.

لازمه آن اصلاح ظاهری عدلیه و اصلاح قوانین بود و چون در آن وقت قضات عدلیه اغلب ملبس به لباس عبا و عمامه بودند و لباس بعضی از قضات از عبا و عمامه و نعلین مندرس و به درجهٔ زننده بود که هر بیننده را مشمئز می‌کرد و نظامات ظاهری عدلیه هم تا درجه مختل بود اصلاح اوضاع عدلیه را از میرزا علی‌اکبر خان داور که به وسیله مرحوم تیمورتاش نزد اعلیحضرت فقید تقرب یافته بود خواست و او به وزارت عدلیه منصوب گردید. داور مرد تجددطلب و باهوش و تندفکر و سریع‌الاجراء بود یعنی فکر خود را بدون آنکه در اطراف آن تأمل و اتود کند اجرا می‌کرد ولی این خصوصیت در او بود که اگر به خبط و خطای خود مطلع می‌شد اصرار و لجاج در پیشرفت آن نداشت و در مقام جبران آن بر می‌آمد در هر حال او خواست اوضاع عدلیه را یک‌دفعه تغییر دهد این بود که در بهمن ۱۳۰۵ یعنی در سال دوم سلطنت اعلیحضرت فقید عدلیه را به کلی منحل کرد و بعد از انحلال از مجلس شوری درخواست اختیار تام برای اصلاح تشکیلات و قوانین اصول محاکمات و تغییر قضات و منصوب نمودن اشخاص بی‌سابقه و اعطاء رتبه به تشخیص خود به آنها و رسمیت موقتی قوانین عدلیه که خود وضع می‌کند نمود ــ در مجلس مرحوم مدرس که مردی مستبدرأی و شجاع و بی‌باک ولی با حسن نیت بود با دسته خود که تابع سیاست او و از مخالفین سلطنت اعلیحضرت فقید بودند با لایحه اختیارات داور به شدت مخالفت کردند ولی چون در اقلیت بودند لایحه به تصویب رسید و داور به سرعت شروع به انتخاب اشخاص بی‌سابقه از

دیپلمه‌های مدرسه سیاسی و مدارس متوسطه و بعضی اشخاص تحصیل‌کرده خارجه و چند نفر از اعضاء وزارت خارجه که متصدی محاکمات وزارت خارجه بودند نمود و از قضات سابق جز معدودی را که سه محکمه ابتدائی موقت از آنها تشکیل داد باقی نگذاشت چون ممکن است بعضی از جوانان که از اوضاع سابق بی‌اطلاع هستند از اینکه در وزارت خارجه محاکمی بوده و اعضاء محاکمات داشته تعجب کنند لذا بطور اختصار لازم است تذکر بدهم که تا قبل از سلطنت اعلیحضرت مرحوم دولت ایران گرفتار کاپیتولاسیون که منشا آن معاهده منحوس ترکمان‌چای است بود و محاکمه اتباع داخله با اتباع خارجه می‌بایست در وزارت امور خارجه با حضور سفیر یا کنسول دولت متبوع تبعه که طرف محاکمه است بشود حتی آنکه گذشته از اتباع خارجه در اواخر دولت قاجاریه محاکمه یهودیها و ارامنه ایران نیز در محاکمات وزارت امور خارجه قطع و فصل می‌شد و سبب آن اقدام یکی از علماء به وصله زدن لباس یهودیها و تضییق بر آنها بود که متعاقب آن یک نفر یهودی انگلیسی از طرف دولت انگلیس برای حمایت یهودیها آمد که این خود تاریخ مفصلی است و هر چند این موضوع از بحث ما خارج است ولی برای آنکه خوانندگان محترم از درجه ضعف دولت ایران در مقابل اجانب و دخالت آنان در امور داخلی ایران مطلع شوند به طور خیلی مختصر مقدمه را که سبب آن گردید عرض می‌کند: در سال ۱۳۰۶ قمری ناصرالدین شاه که به سفر اروپا رفت، در لندن یک نفر یهودی متمول که گویا نام او رچیل بود مهمانی از شاه و همراهان او کرد و در آن مجلس به شاه گفته بود که یهودیها در ایران دچار ذلت و حقارت هستند و خواهش کرده بود که شاه توجهی به حال آنها بکند که از ایذا و تحقیر جهال مسلمانان مصون و در رفاه باشند و شاه وعده مساعدت به او داده بود ــ بعد از یک سال از سفر ناصرالدین شاه واقعه در تهران اتفاق افتاد و آن اینکه مسلمانها نزد مرحوم سید ریحان‌الله بروجردی که از علما متنفذ بود شکایت کردند که یهودیها به حمام مسلمانان می‌روند و از سقاخانه‌ها که در بعضی کوچه‌ها منصوب است آب می‌خورند و شراب‌فروشی می‌کنند و زنهای آنها در خانه‌های مسلمانان رفت و آمد می‌کنند و دلال محبت می‌شوند و از این قبیل شکایات اظهار داشتند ــ سید مزبور حکم کرد یهودیها باید وصله به سینه خود بزنند که شناخته شوند. در یک روز عوام‌الناس متعرض یهودیها شده وصله به سینه آنها می‌زدند در این بین جمعیت زیاد شد و ریختند به خانه‌های یهودیها خم‌های شراب را شکستند وضمناً اموالی هم به غارت بردند ــ هر چند دولت در همان روز با قوای مسلح جلوگیری کرد و متجاوزین را گرفت تنبیه نمود و اموال غارت‌شده را گرفته رد کرد ولی متعاقب آن یادداشتی از دولت انگلیس به دولت ایران رسید مبنی بر اعتراض به این حادثه و وعده مساعدت شاه را درباره یهودیها بهانه قرار داده یک نفر انگلیسی به عنوان سرپرست یهودیها به تهران آمد و حمایت آنها را به عهده گرفت و بر حسب فشار دولت انگلیس دولت قبول کرد که اختلافات آنها با مسلمانان که هر دو از اتباع ایران بودند در محاکمات وزارت امور خارجه با حضور نماینده انگلیس قطع و فصل شود ــ حالا برگردیم به اصل مطلب چون اشخاصی را که داور تازه دعوت کرده بود اغلب آنها آشنائی به فن قضائی نداشتند بلکه بعضی از آنها دارای علومات قضائی نبودند امور محاکمات دفعة فلج و شکایت مردم از اوضاع عدلیه زیاد شد و با آنکه داور مجبور گردید از قضات سابق به تدریج دعوت کند ولی چون آنها را زیردست اعضاء تازه‌وارد قرار داد بهبودی حاصل نشد تا آنکه محکمه انتظامی قضات با اختیار وسیع تشکیل گردید که تفصیل آن در سطور بعد خواهد آمد. من قبل از انحلال عدلیه ریاست شعبه دوم دیوان عالی کشور را که فقط دو شعبه بود داشتم و در موقع انحلال به واسطه مأموریتی از طرف اعلیحضرت مرحوم در رشت بودم بعد از مراجعت به مرکز داور مرا برای عضویت کمیسیون اصلاح قوانین عدلیه دعوت کرد ــ اعضاء کمیسیون عبارت بودند از: مرحوم مشیرالدوله و آقای دکتر محمد مصدق و اینجانب و مرحوم منصور السلطنه عدل و میرزا احمدخان شریعت‌زاده و جلسه اولی که برای رسمیت کمیسیون در اطاق وزیر تشکیل شد مشیرالدوله به ریاست و منصورالسلطنه و شریعت‌زاده به عنوان منشی انتخاب شدیم و قرار شد جلسات بعد در منزل مشیرالدوله منعقد شود. پس از آنکه مجلس برهم خورد داور از من خواست که تنها با هم صحبت کنیم من تا آن وقت داور را نمی‌شناختم و با او وارد صحبت نشده بودم و این اولین ملاقاتی بود که مابین من و داور اتفاق افتاد. داور مقدماتی از برای عمل خودش یعنی انحلال سرتاسر عدلیه و قصد خودش را از تجدید تشکیلات و قوانین عدلیه و نظر اعلیحضرت فقید بیان کرد و بعد از بیان مفصل خود که تصور کرد مرا اقناع کرده گفت نظر شما چیست من با یک جمله معذرت‌خواهی در

جواب گفتم به نظر من تمام این اقدامات غلط بوده است. با حالت تعجب و رنجش باطنی به من گفت به چه دلیل؟ گفتم به دلیل اینکه شما سر سفره گسترده وارد شدید و نمی‌دانید که هر یک از مواد قانون با چه زحماتی به تصویب مجلس رسیده و رسمیت یافته و قضات در عمل به آن آشنا شده و عدلیه مورد رضایت عقلا و مردم واقع شده و همچنین شما نمی‌دانید که هر یک از قضات موجود با چه دقت و زحمتی انتخاب شده‌اند و چه بسیار از این اشخاص با خواهش و تمنا وارد خدمت قضائی شده‌اند چنانکه بسیاری از اشخاص که من واسطه برای دعوت آنها به خدمت قضائی بودم قبول نکردند و حاضر نشدند— شما به یک نوک پا تمام این اوضاع را از قوانین و تشکیلات و افراد و اشخاص زیر و رو کردید آیا در مدت چهار ماه که شما مهلت از مجلس خواسته‌اید و حالا دو ماه آن گذشته می‌توانید عدلیه دنیاپسندی به قول خودتان تشکیل بدهید یا نه؟ من یقین دارم که شما از عهده بر نمی‌آئید و مخالفین شما چه در مجلس و چه در خارج زیادتر خواهند شد و چون از عهده بر نمی‌آئید استعفا خواهید داد و در آن موقع من هیچ‌کس را سراغ ندارم که بتواند خرابیهای شما را مرمت کند و اگر هم با طول مدت و زحماتی توانستید عدلیه‌ای تشکیل بدهید به طور محقق از حیث معنویت به پایه عدلیه‌ای که شما آن‌را منحل کرده‌اید نمی‌رسد به علاوه این کار شما یک مضرت بسیار مهم در بر دارد و آن این‌که رویه شما سرمشق برای هر دولت مقتدری بعد از این خواهد بود که هر روز عدلیه را منحل کند و قضات را تغییر دهد در حالتی که تغییر قضات مفسده‌ای است از برای امور قضائی زیرا قاضی اگر صددرصد مطمئن به استقرار و استقلال خودش نباشد انتظار حکم به حق و استقامت در مقابل نفوذ و توقعات اشخاص از او نباید داشت. داور جواب درستی نداشت بدهد ولی به من گفت که شما حاضر هستید صمیمانه خود و دوستانتان در تقویت من بکوشید؟ گفتم البته حالا که اینکار را کرده‌اید من چاره و راهی غیر از این به نظرم نمی‌رسد که همه به شما کمک کنند و من در سهم خودم در مساعدت با شما کوتاهی نمی‌کنم و حقیقتاً هم آنچه در قوه داشتم به ایشان کمک کردم و مهمترین اقدام حاضر کردن مرحوم مدرس برای تمدید اختیارات داور به مدت چهار ماه علاوه بود چون سه ماه از اختیارات قانونی داور گذشت و هنوز محاکم تشکیل یا تکمیل نشده و عدلیه مرکز هم مورد انتقاد شدید مخالفین او در مجلس شوری بود در حالی که اعضاء سابق عدلیه هم جلساتی داشته و کارشکنی می‌نمودند به علاوه رئیس شهربانی وقت هم مخالف باطنی داور بود و گزارش‌هائی از اختلال اوضاع عدلیه و شکایت مردم به شاه می‌داد داور احساس کرد که دچار مشگل بسیار سختی شده یک روز مرا به منزل خود دعوت کرد در حالی‌که حقیقتاً یا از شدت خیال مریض شده بود و از من خواست که مدرس را حاضر کنم با درخواست چهار ماه علاوه بر مدت اختیارات سابق که از مجلس شوری خواهد خواست مخالفت نکند بلکه موافقت و تائید کند چه در این موقع عوامل دیگری غیر از مخالفت مدرس و دسته او بر ضد داور زیاد بود و با سکوت مدرس هم احتمال رد درخواست از مجلس می‌رفت من مدرس را ملاقات و با هر بیانی راجع به عدم مخالفت با درخواست داور موافقت نکرد بالاخره به او گفتم داور اگر تقاضای تمدید مدت اختیارات او در مجلس رد شود مسلماً استعفا خواهد داد آن‌وقت به نظر شما چه می‌رسد و اوضاع عدلیه چه خواهد شد؟ فکری کرد و گفت ناچار شخص دیگر باز اختیارات خواهد خواست که یا دنباله کارهای داور را بگیرد یا کار را از سر شروع کند و چون رد تقاضای داور برای او خوب است و خواهد گفت اگر اختیارات من تمدید می‌شد چنین و چنان می‌کردم بنابراین من با درخواست او موافقت می‌کنم و موافقت هم کرد. و اختیارات داور برای چهار ماه اضافه بر چهار ماه اول تصویب شد. داور در این وقت شروع به دعوت از قضات سابق که به صلاحیت معروف بودند نمود و برای تصفیه اعضاء محاکم لایحه قانونی تشکیل محکمه انتظامی قضات را با شرائط و اختیاراتی به مجلس پیشنهاد کرد و به تصویب رسید و چون شرایط ریاست آن محکمه با اینجانب مطابق بود مرا به ریاست آن محکمه تعیین کرد. در مدت دو سال که به معیت قضات درجه اول که از هر جهت ممتاز بودند و اسامی ایشان که به نظرم می‌رسد عبارت است از: آقایان محمد عبده و عبدالمهدی طباطبائی و مرحومین میرزا عیسی‌خان علی‌آبادی و میرزا اسحق‌خان و بعد از فوت میرزا اسحق‌خان مرحوم میرزا مهدی آشتیانی و با وجود مشکلاتی که نوعاً در رسیدگی به صلاحیت اشخاص و تعیین مقدرات آتیه آنان از سفارش‌ها و توصیه متنفذین موجود است به واسطه بی‌نظری و تجانس اعضاء محکمه و حسن نیت و اعتماد به یکدیگر تصفیه کاملی در اعضاء محاکم به عمل آمد و اوضاع عدلیه رو به بهبودی رفت.

از بیان این نکته هم خودداری نمی‌کنم که داور وزیر عدلیه

با آنکه وزیر مقتدری بود کوچکترین مداخله و اظهار نظر و تمایلی درباره اشخاص که صلاحیت ایشان مورد رسیدگی بود ننمود و در تقویت محکمه از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد در قسمت تحولات تا آنجا که جنبه تاریخی دارد ذکر شد و اوضاع بعدی چون مشهود نظر همه است محتاج به بیان نیست.

۳۱- پیمان اتحاد بین ایران، شوروی، انگلیس

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یک طرف و اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراتور هندوستان و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر نظر به اصل منشور آتلانتیک که رئیس جمهور دول متحدهٔ امریکا و نخست وزیر دولت انگلستان در چهاردهم ماه اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده و به جهان اعلام نموده‌اند و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز در بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور را تأیید نموده و دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خود را با آن اصل ابراز می‌نمایند و مایلند که با ملل دیگر جهان به‌طور یکسان از آن بهره‌مند شوند و چون آرزومند می‌باشند که رشتهٔ دوستی و حسن تفاهم فیمابین استوار شود و نظر به اینکه این مقاصد به‌وسیلهٔ عقد پیمان اتحاد بهتر حاصل می شود توافق نمودند که برای این منظور پیمانی منعقد سازند و نمایندگان مختار خود را از این قرار تعیین نمودند:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران: جناب آقای علی سهیلی، وزیر امور خارجهٔ شاهنشاهی

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراتور هندوستان بنام مملکت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی: جناب آقای سر ریدر ویلیام بولارد، وزیرمختار و نماینده فوق‌العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران.

هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی: جناب آقای آندریویچ اسمیرنوف، سفیر کبیر فوق‌العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران و نمایندگان مزبور اختیاراتِ تامهٔ خود را ارائه نمودند که صحیح و معتبر بوده و بر مقررات ذیل موافقت کردند:

فصل اول

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراتور هندوستان و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (که از این پس آنها را دول متحده خواهیم نامید) مشترکاً و هریک منفرداً تعهد می‌کنند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بدارند.

فصل دوم

مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یک طرف و دول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته می شود.

فصل سوم

۱- دول متحده مشترکاً و هریک منفرداً متعهد می شوند که به‌جمیع وسایلی که در اختیار دارند ایران را درمقابل هرتجاوزی از جانب آلمان یا هردولت دیگر دفاع نمایند.

۲- اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد می شوند که:

الف ــ به‌جمیع وسایلی که در دست دارند و به هر وجه ممکن شود با دول متحده همکاری کنند تعهد فوق انجام یابد ولیکن معاضدت قوای ایرانی محدود به حفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود.

ب ــ برای عبور لشکریان یا مهمات از یک دولت متحد به دولت متحد دیگر یا برای مقاصد مشابه دیگر به دول متحده حق غیر محدود بدهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران بکار ببرند و نگاهداری کنند و حفظ بنمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به‌هر نحوی که مقتضی بدانند در دست بگیرند راه‌های آهن و راه‌ها و رودخانه‌ها و میدان‌های هواپیمائی و بنادر و لوله‌های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بی‌سیم مشمول این فقره می‌باشند.

ج ــ هرنوع مساعدت و تسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری و بهبود وسائل ارتباطیهٔ مذکور در فقرهٔ (ب) مصالح و کارگر فراهم شود.

د ــ به اتفاق دول متحده هرگونه عملیات سانسوری که نسبت به وسایل ارتباطیهٔ مذکور در فقرهٔ (ب) لازم بدانند برقرار

کنند و نگاه بدارند.

۳- واضح و مسلم است که در اجرای فقرات (ب-ج-د) از بند دوم این فصل دول متحده حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت.

فصل چهارم

۱- دول متحده می‌توانند در خاک ایران قوای زمینی و دریائی و هوائی به‌عده‌ای که لازم بدانند نگاه دارند و تا جائی‌که مقتضیات استراتژیک اجازه بدهد نقاطی که این قوا آنجا نگاهداشته خواهند شد با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد. جمیع مسائل مربوط به روابط بین قوای دول متحده و ادارات دولت ایران حتی‌الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد به‌نحوی که مامونیت قوای مزبور محفوظ باشد. مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود و نسبت به ادارات و قوای تامینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت و آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران هرقدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود.

۲- هرچه زودتر ممکن شود بعد از اعتباریافتن این پیمان یک یا چند قرارداد راجع به تعهدات مالی که دول متحده به‌سبب مقررات این فصل و فقرهٔ «ب-ج-د» از بند دوم فصل سوم برعهده خواهند داشت در اموری ازقبیل خریدهای محلی و اجارهٔ ابنیه و تأسیسات صنعتی و به‌کار گرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل امثال آن فیمابین منعقد خواهد شد قرارداد مخصوصی منعقد خواهد شد مابین دول متحده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد که بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری که دول متحده در خاک ایران انجام داده باشند به‌چه شرایط به دولت شاهنشاهی ایران واگذار می‌شود در قراردادهای مزبور مصونیت‌هائی هم که قوای دول متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید.

فصل پنجم

پس از اینکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن به‌موجب یک یا چند قرارداد متارکه جنگ متوقف شد دول متحده درمدتی که زیاده از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد ولو اینکه قبل از شش ماه بعد از متارکه باشد بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد. مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده با یکی از دول متحده بنای مخاصمه گذاشته یا بگذارد.

فصل ششم

۱- دول متحده متعهد می‌شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که به تمامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمان‌هایی نبندند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد و متعهد می‌شوند که در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد با دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲- اعلیحضرت همایون شاهنشاه متعهد می‌شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمان‌هائی منعقد نکنند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم

دول متحده مشترکاً متعهد می‌شوند که بهترین مساعی خود را به‌کار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را درمقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجهٔ جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند.

پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن به این تعهد مابین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد.

فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه و هریک از دو طرف معظم متعاهد دیگر مانند تعهدات دوطرفی یکسان الزام‌آور است.

فصل نهم

این پیمان پس از امضا معتبر است و تا تاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحده از خاک ایران برطبق فصل پنجم مقرر شده به‌اعتبار باقی خواهد بود.

بنابراین نمایندگان مختار مذکور در فوق این پیمان را امضا و مهر کرده‌اند. در تهران به سه نسخه فارسی و انگلیسی و

روسی تحریر شد و هرسه نسخه یکسان معتبر خواهد بود.

علی سهیلی-ر.دبلیو.بولارد-ا.اسمیرنوف.

ضمیمهٔ اوّل

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

تهران ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲

آقای وزیر

با عطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جنابعالی اطمینان می دهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی می‌کنند که آن مقررات به هر کنفرانس صلحی خواه یک کنفرانس خواه کنفرانس های متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد می شود و همچنین به کنفرانس های بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابراین متعهد می شوند که در کنفرانس های مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند و نیز در کنفرانس های مزبور وارد هیچ مذاکره‌ای نشوند که به منافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه با دولت ایران مشاوره کنند.

علاوه بر این دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش را به کار خواهند برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً به منافع او مرتبط باشد با دول دیگر به‌طور تساوی نماینده داشته باشد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

ا. اسمیرنوف

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجهٔ شاهنشاهی ایران- تهران

ضمیمهٔ اوّل

سفارت انگلیس-تهران

۹ بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر

با عطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به جنابعالی اطمینان می دهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی می‌کنند که آن مقررات به هر کنفرانس صلحی خواه یک کنفرانس خواه کنفرانس های متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود و همچنین به کنفرانس های بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابراین متعهد می شوند که در کنفرانس های مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند و نیز در کنفرانس های مزبور وارد هیچ مذاکره‌ای نشوند که به منافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه با دولت ایران مشاوره کنند.

علاوه بر این دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نهایت کوشش را به کار خواهند برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً به منافع او مرتبط باشد با دول دیگر به‌طور تساوی نماینده داشته باشد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید

ر.دبلیو.بولارد

ضمیمهٔ دوّم

وزارت امور خارجه

شمارهٔ (۹۴۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای سفیر کبیر

با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً از جانب دولت ایران به جنابعالی اطمینان می دهم که دولت ایران بنا بر بند مزبور خلاف تعهدات خود می داند که چنانچه این دو دولت هردو با دولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه بدارد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

علی سهیلی

جناب آقای آندره آندریویچ اسمیرنوف، سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی- تهران

ضمیمهٔ دوم

وزارت امور خارجه

شمارهٔ (۹۴۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای سفیر کبیر

با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً از جانب دولت ایران به جنابعالی

اطمینان می دهم که دولت ایران بنا بر بند مزبور خلاف تعهدات خود می داند که چنانچه این دو دولت هردو با دولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه بدارد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

علی سهیلی

جناب آقای آندره آندریویچ اسمیرنوف، سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی- تهران

ضمیمۀ دوم

وزارت امور خارجه

شماره (۹۴۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر مختار

با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً از جانب دولت ایران به جنابعالی اطمینان می دهم که دولت ایران بنا بر بند مزبور خلاف تعهدات خود می داند که چنانچه این دو دولت هردو با دولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه بدارد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

علی سهیلی

جناب سرریدر ویلیام بولارد، وزیر مختار و نمایندۀ فوق العادۀ اعلیحضرت پادشاه انگلستان- تهران

ضمیمۀ سوم

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

تهران ۲۹ ژانویۀ ۱۹۴۲

آقای وزیر

افتخار دارم از طرف دولت (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) به جنابعالی اطمینان های زیر را ابلاغ نمایم:

۱- راجع به فقرۀ (۲) فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضا شده است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را در هیچ جنگ و یا عملیات نظامی برضد یک یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهد نمود.

۲- راجع به فقرۀ (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شوند.

۳- مسلم است درصورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقادفصل از درجۀ اعتبار ساقط شود ضمیمۀ یک باز به‌قوت خود باقی خواهد ماند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

ا.اسمیرنوف

جناب آقای علی سهیلی، وزیر امور خارجۀ دولت شاهنشاهی ایران- تهران

ضمیمۀ سوم

سفارت انگلیس-تهران

۹ بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر

افتخار دارم از طرف دولت (اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ممالک متحده) به جنابعالی اطمینان های زیر را ابلاغ نمایم:

۱- راجع به فقرۀ (۲) فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضا شده است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را در هیچ جنگ یا عملیات نظامی برضد یک یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهد نمود.

۲- راجع به فقرۀ (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شوند.

۳- مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح از درجۀ اعتبار ساقط شود ضمیمۀ یک به‌قوت خود باقی خواهد ماند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

ر.دبلیو.بولارد

جناب آقای علی سهیلی، وزیر امورخارجۀ دولت شاهنشاهی ایران- تهران

جناب آقای استالین رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی- مسکو

اجازه می‌خواهم مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را به‌مناسبت امضای پیمان اتحاد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان به جنابعالی اظهار دارم. یقین دارم که این پیمان موجب تشیید مناسبات دوستی و حسن‌تفاهم بین دو کشور ما خواهد شد و ایران و اتحاد جماهیر شوروی از مزایای همکاری که بر اساس احترام منافع متقابل استوار است بهره‌مند خواهند گردید.

م.ع.فروغی- نخست وزیر ایران
۱۳۲۰/۱۱/۱۱

جناب آقای فروغی نخست وزیر ایران- تهران

جناب آقای نخست وزیر به‌مناسبت امضای پیمان اتحاد بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و بریتانیای کبیر و ایران به جنابعالی و به‌وسیلهٔ آن جناب به دولت ایران صمیمانه شادباش می‌گویم. قویاً اطمینان دارم که مناسبات اتحاد نوین بین کشورهای ما دوستی بین مردم ایران و مردم اتحاد جماهیر شوروی را تحکیم می‌نماید و به‌نفع کشورهای ما با موفقیت توسعه خواهد یافت.

ی ـــ استالین
رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
۱۳۲۰/۱۱/۱۲

جناب آقای وینستون چرچیل- لندن

به‌مناسبت امضای پیمان اتحاد بین بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بدین وسیله استظهار خود را ابراز و امیدوارم که این پیمان منافع متقابله را در بر داشته و موجب تشیید مناسبات دوستانه و حسن تفاهم بین دو کشور خواهد بود ضمناً اجازه می خواهم که مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را به‌مناسبت تشریک مساعی آن جناب در حفظ منافع ایران تقدیم دارم.

م.ع.فروغی- نخست وزیر ایران
۱۳۲۰/۱۱/۱۱

جناب آقای محمدعلی فروغی نخست‌وزیر ایران- تهران

از تلگراف شادباشِ جنابعالی به‌مناسبت امضای پیمان اتحاد بی‌نهایت متشکرم. این نخستین مرتبه‌ای است که ایران و بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی گرد هم آمده و برای منظور مشترک و منافع متقابله هم‌عهد گشته‌اند. مساعی جمیلهٔ که جنابعالی در ایجاد این حسن تفاهم به‌کار برده‌اید فال نیکی است برای آینده.

وینستون چرچیل
۱۳۲۰/۱۱/۱۲

۳۲- رضاشاه چگونه اموال خود را هبه کرد

بعد از انجام مراسم سوگند به‌وسیله اعلیحضرت محمدرضا شاه پادشاه جدید دولت فروغی مستعفی گردید و بلافاصله فروغی مجدداً مامور تشکیل کابینه شد و دولت جدید با شرکت اغلب وزرای سابق تشکیل و اینجانب نیز کماکان سمت وزارت راه را عهده‌دار بودم. غروب روز اول مهر از طرف اعلیحضرت جدید به کاخ اختصاصی شهری احضار شدم. فوراً به‌طرف کاخ رهسپار و معلوم شد فروغی قبلاً شرفیاب شده و هنوز در حضور شاهنشاه می‌باشد. پس از شرفیابی اعلیحضرت به‌من فرمودند مأموریتی است که به شما محول شده و چون مورد اعتماد و اطمینان ما هستید امیدواریم این مأموریت را به‌خوبی به‌انجام رسانید. عرض کردم: چه مأموریتی؟ فرمودند: برای تعیین تکلیف املاک و دارائی اعلیحضرت پدرم. به‌عرض رساندم: ارجح این بود وزیر دارائی و یا وزیر دادگستری به این مأموریت اعزام شوند چون آنها ازنظر مقامی که دارند بهتر می‌توانند این وظیفه را انجام دهند.

در این وقت شاه از اتاق بیرون رفته و من و فروغی را تنها گذاشتند، فروغی به‌من گفت: اعلیحضرت از نظر همان اعتماد و اطمینان دستوراحضارشما را دادند. این مأموریت برای انتقال اموال و املاک شاه سابق است که چون شاه سابق از شما حرف‌شنوی دارند اعلیحضرت همایونی اینطور تصمیم گرفتند که شما را به اصفهان اعزام و ترتیب این کار را به‌نحو احسن بدهید. در جواب فروغی گفتم: این صحیح ـــ امر اعلیحضرت را اطاعت می‌کنم ولی اگر هیأتی مرکب از دو تن از وزیران و چند نفر از قضات به این مأموریت بروندبهتر خواهد بود. چون باز فروغی اصرار نمود و مرا در قبول این مأموریت خطیر تشویق کرد و از طرفی چون حس کردم اعلیحضرت همایونی قصد

دارند اموال منقول و غیرمنقول پدر را در صورت انتقال به ملت ببخشند با کمال میل حاضر به انجام آن شدم. در این وقت فروغی از اتاق خارج شد و چند دقیقه بعد در التزام اعلیحضرت همایونی بازگشتند و اعلیحضرت خطاب به من فرمودند: پس در این صورت نامه‌ای به اعلیحضرت پدرم می‌نویسم و در آن جریان مملکت را تشریح و اشاره به مأموریت شما نموده و تقاضا خواهم کرد با صلاحدید و مشورت شخص شما ترتیب این کار را بدهند. همانجا اعلیحضرت نامه‌ای تحت عنوان «اعلیحضرت پدر تاجدارم» که کاملاً جنبه خصوصی و خانوادگی داشت شخصاً تحریر و قرار شد فردا صبح من به اتفاق آقای قوام‌الملک شیرازی پدر شوهر والاحضرت اشرف پهلوی به‌سوی اصفهان حرکت نمایم. چون راهها نا امن بود، من از مرحوم فروغی درخواست نمودم با سفارت انگلیس تماس گرفته شود تا سرفرماندهی ارتش انگلیس دستورات لازم به نیروهای متمرکز در راه قم و اصفهان بدهند که مزاحم ما نشوند. قرار بر این شد همان شب جریان به سر ریدر بولارد وزیر مختار انگلیس اطلاع داده شود ولی موافقت سفارت در حدود یک بعد از ظهر روز حرکت واصل و ما ناچار در ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر به‌طرف اصفهان حرکت و شب را استراحت نموده و فردا صبح در منزل کازرونی خدمت اعلیحضرت رضاشاه رسیدیم. همین که وارد باغ کازرونی شدیم دیدیم شاه فقید درحالی‌که شنل آبی‌رنگ خود را به‌روی دوش انداخته و به لباس نظامی ملبس بودند آماده حرکت به‌طرف کرمان می‌باشند. سرهنگ آذر پی رئیس اسکورت سلطنتی و سرهنگ بهنام رئیس شهربانی اصفهان نیز در التزام می‌باشند. فوراً خود را به رضاشاه رسانده گفتم: برای عرض مطلب لازمی شرفیاب شدیم استدعا داریم اجازه فرمائید عرایض خود را در مکان خلوتی به‌عرض برسانیم. شاه با قیافه متبسم ولی ناراحت گفت: ای وزیر راه من می دانم تو آمدی مرا راه بیندازی...

لحظه‌ای بعد در سالن پذیرائی کازرونی قرار گرفته نخست یکی از حاضران اظهار داشت: «ملت ایران هیچ گاه خدمات اعلیحضرت همایونی را فراموش نکرده و تا دنیا باقی است نام آن پدر تاجدار...

صحبت این شخص ادامه داشت که اعلیحضرت فقید به‌خود حرکتی داده و با صدای بلند گفتند: شعر چرا میگی! شخص مزبور ادامه صحبت را مصلحت ندانسته و دقیقه‌ای بعد به‌عنوان اینکه حضور علیاحضرت ملکه مادر برسد از اتاق خارج و من تنها در خدمت اعلیحضرت فقید ماندم. شاه پرسیدند: منظور از آمدن به اصفهان چه بود و چه کار لازمی داشتی؟ من در جواب عین نامه اعلیحضرت همایونی را تقدیم نموده و شاه آن را تا آخر قرائت نمودند. اعلیحضرت فقید هم خوب می‌توانستند بخوانند و هم بادقت مطالب را تحریر می‌کردند. شاه فقید پس از اینکه نامه اعلیحضرت فعلی را تا انتها خواندند اظهار داشتند: بسیار خوب من هم، چنین قصدی را داشتم قلم و کاغذ را بده تا تمام دارائی خود را ببخشم. عرض کردم غیررسمی صلاح نیست. پرسیدند: چطورصلاح نیست؟ گفتم: قانون اینطور گفته است. وقتی اسم قانون را بردم سر را تکان داده دوبار تکرار نمودند: عجب قانون اینطور گفته، عجب قانون اینطور گفته.

آنگاه فرمودند: دکتر خودت هرطور مصلحت می دانی عمل کن. به‌عرض رساندم: باید تشریفات محضری آن انجام و صلحنامه به‌ثبت برسد تا صورت قانونی به‌خود بگیرد. شاه جواب داد: شما، [هم] وزیر راهی و هم حقوق‌دان برو هرطور می دانی تمام کن که باید هرچه زودتر از اینجا حرکت کنم. به‌فوریت از جا بلند شده وعده‌ای را برای احضار یک نفر از سردفتران اسناد رسمی فرستادم. ولی هرچه در شهر گشتند از محضردار خبری نبود. آن روز روز جمعه بود. اصفهانی ها رسم دارند که روزهای جمعه به کلی تعطیل نموده و از شهر خارج شده و در باغات به هواخوری می پردازند. چون من عجله در کار داشتم آقای سعید رئیس ثبت اسناد اصفهان (پدر زن مرحوم صادق سرمد) را خواستم. سعید در حمام بود و ایشان از ترس شاه بدون انجام کیسه و صابون حمام را ترک نموده و وارد منزل کازرونی شدند و با من ملاقات کردند. جریان را به آقای سعید گفته و از ایشان خواستم فوری یک صاحب دفتر را حاضر نمایند. بالاخره درنتیجه سعی ایشان یکی از صاحبان محاضر که رشتی بود پیدا شده و ما در منزل امیرنصرت اسکندری فرماندار اصفهان (در آن موقع اصفهان استاندار نداشت و برطبق قانون قدیم توسط فرماندار اداره می شد) حاضر شده و صلحنامه‌ای که شخصاً تهیه کرده بودم روی دو ورقه از اوراق اسناد رسمی نوشته و بعد در دفاتر «ثبت» و «نماینده» وارد و

شخصاً دفاتر را زیر بغل گذارده به‌طرف منزل کازرونی حرکت نمودم تا اعلیحضرت فقید آن را امضاء نمایند.

هنوز وارد ساختمان باغ کازرونی نشده بودم که صدائی از دور بگوشم رسید. این صدای اعلیحضرت سابق بود که روی بالکن عمارت قرار داشته و به‌من می‌فرمودند: دکتر، دکتر، از این طرف بیا. بلافاصله خدمت ایشان رسیده و اوراق را به‌نظرشان رسانیدم. فرمودند: اینها چیست؟ گفتم: دفتر است که عین مندرجات سند در آن به‌ثبت رسیده و اعلیحضرت باید در هردو جا امضاء نمایند و در دفاتر نیز به‌خط خود مندرجات سند را تصدیق نمایند. شاه صلحنامه را که به‌این شرح بود به‌دقت خواندند و بعد با تقریر من جمله‌ای در پای ثبت نوشتند.

صلحنامه

بنام خداوند متعال ــ چون از ابتدای تأسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران آبادی کشور بوده و این مطلب را در مقدمه برنامه اصلاحات کشور خود قرار داده بودم و همواره درنظر داشتم آن رویه عمران سرمشق کلیه صاحبان زمین و املاک گردد تا درموقع خود بتوانم از ثمره این املاک کلیه ساکنین و رعایای کشور خود را بهره‌مند نمایم این فرصت را در این موقع که فرزند ارجمند عزیزم اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی زمام امور را به‌دست گرفته‌اند حاصل شده است بنابراین مصالحه نمودم کلیه اموال و دارائی خود را اعم از منقول و غیرمنقول و کارخانجات و غیره از هرقبیل که باشد به ایشان به مال‌الصلح ده گرم نبات موهوب تا به‌مقتضای مصالح کشور به‌مصارف خیریه و فرهنگی و غیره به‌هر طریقی که صلاح بدانند برسانند. ثبت با سند برابر است.

امضاء ــ رضا پهلوی

پس از اینکه اعلیحضرت رضاشاه در دفاتر ثبتی و روی دو برگ سند رسمی امضای رسمی خود را نمودند و تشریفات قانونی انتقال املاک به‌این ترتیب خاتمه یافت زنگ زده پیشخدمت مخصوص خود را که «محمود» نام بود و ایشان در جزیره موریس و ژوهانسبورک تا دم واپسین از شاه دور نبودند احضار کردند. شاه فقید به پیشخدمت دستور داد کیف دستی را از اتاق خواب بیاورد. پیشخدمت لحظه‌ای بعد کیف قطور سیاه‌رنگی به‌دست رضاشاه داد و شاه در حضور من آن را گشودند و دسته‌چکی از آن خارج نمودند و آنگاه روی خود را به‌من کرده فرمودند: «تمام دارایی نقدی من مبلغ ۶۸۰ میلیون ریال است که در بانک ملی ایران شعبه مرکزی در حساب مخصوص موجود می‌باشد». در این وقت شاه دقیقه‌ای سکوت نموده بعد با قیافه دردناک اینطور اضافه کردند: «دکتر، من یقین دارم وقتی پا را از مملکت به خارج نهادم همه‌جا خواهند گفت و خواهند نوشت که در بانک های خارج نیز وجوه بی شماری داشته و این پول ها را برای چنین روزی ذخیره کرده بودم ولی اینطور نیست. من به‌جرأت می‌گویم نه در بانک های خارجه و نه در بانک های داخله جز بانک ملی ایران وجهی ندارم و اموال و املاک من همان مستغلات تهران و شمیران و بعضی از شهرستان ها می‌باشد.»

آنگاه شاه برای تائید بیانات خود دست در کیف برده دفترچه‌ای از آن خارج نمودند و به‌دست من دادند. در این دفتر که تمام صفحات آن به‌خط اعلیحضرت فقید و با مداد نوشته شده بود صورت تمام اموال منقول و غیرمنقول به‌طور دقیق در آن ثبت بود و درمقابل هریک از املاک میزان بهره و عایدی هر ملک دیده می‌شد و تا آنجا که به‌خاطر دارم به‌طور جدول‌بندی عایدی چندین سال را نوشته بودند تا بدانند عواید فلان ملک هرسال چقدر اضافه می‌گردد.

رضا شاه فرمودند: «تا این ساعت هیچ کس را از وجود چنین دفترچه‌ای مطلع نبود، چون حق داشتم این سر را از دیگران و محاسبین املاک پنهان بدارم تا اگر در سر سال بیلان آن را در جلویم گذاردند بدون مطالعه، آن بیلان را قبول نکرده پس از مراجعه به دفترچه صحت یا عدم صحت بیلان عملکرد املاک را اعلام بدارم. حال که با انجام این تشریفات دفترچه برایم ارزشی ندارد و در طول سلطنت خود این دفترچه را هیچ گاه از خود دور نداشته بودم امروز به شما داده تا به فرزند عزیزم بدهید که از ارقام آن استفاده نمایند.»

دفترچه را از اعلیحضرت گرفته در جیب خود نهادم. در این‌وقت شاه از روی مبل بلند شده و من هم به احترام برخاسته و اعلیحضرت چشمان خود را به‌روی قالی اتاق دوخته و درد ودل های خود را برایم آغاز کرد. آن روز من نزدیک دو ساعت تک و تنها در حضور پادشاهی بودم که بیست سال با اقتدار کامل در مملکت حکومت نمود. اعلیحضرت فقید به‌راستی وطن‌پرست بود و بدون مبالغه در جهان بیش از هرچیز به ایران

و فرزندان خود علاقمند بوده است. شاهی که برای آقائی ایران و عظمت کشور خود کاپیتولاسیون را لغو نمود و در سال های اول سلطنت خود کاروان محصل به اروپا اعزام داشت و تا شهریور ۲۰ صدها کارخانه و مؤسسات تولیدی و انتفاعی در سراسر کشور بر پا کرد واقعاً درد دل های او در قلب ها اثر می‌کرد.

آن روز بیش از پنج روز از استعفای سرسلسله دودمان پهلوی نگذشته بود. من در طول وزارت خود بارها به حضور اعلیحضرت فقید بار یافته و در مسائل مختلف که اغلب با امور وزارتخانه ارتباط داشت به مذاکره می پرداختیم و دستوراتی اخذ می‌نمودم ولی آن روز صحبت شاه فقید صحبت دیگری بود. شاه مانند یک دوست صمیمی و وفادار که در شادی و غمگساری شریک هم باشیم برایم صحبت کرد. از گذشته و از آینده.

بیش از پنج دقیقه شاه فقید در سالن بزرگ کازرونی ایستاده و چشم از قالی برنمی داشت. به‌قدری شاه متأثر بود و به اندازه‌ای رنج می‌برد که سیمایش هرلحظه تغییر رنگ می داد. من که بیش از این صلاح نمی دانستم که شاه فقیددر آن حال باقی باشند عرض کردم: «قربان چرا متأثر می‌باشید. تأثر برای چی؟ آیا اعلیحضرت تاریخ اقوام و ملل زنده دنیا را مطالعه نفرمودند؟ اعلیحضرت به‌خوبی می دانند این آتشی که در دنیا افروخته شده نتیجه خودکامی و حرص و آز زمامداران ممالکی می‌باشد که خود را مشعلدار تمدن می دانند و در پناه این مشعل روزی هزاران نفر از جوانان خود را در نبرد جاه و جلال به وادی فنا می‌فرستند. چنان که در ایران نیز آتش شهوت خود را بر افروخته و نزدیک بود این ملت بی پناه و صلح خواه را نیست و نابود نمایند. ولی سیاست اعلیحضرت مانع از انجام نقشه آنان شد و به‌عقیده من همین افتخار برای پادشاهی بس که برای جلوگیری از خونریزی و ثبوت بی طرفی یک ملت ضعیف دستور آتش بس صادر کرده و حتی به‌خاطردوام و بقای این ملت از تاج و تخت خود نیزصرف نظر نمود.»

شاه که به‌دقت سخنان مرا استماع می‌کرد سر را بلند نموده و من برای اولین بار دیدم که چشم های شاه پر از اشک است و در همین حال شاه فقید با صدای گرفته گفت: «ولی کدام منصف و کدام حقیقت‌دانی وجود دارد که خیرخواهی مرا اذعان نماید. دیدید مجلس با من چه کرد. هنوز قدم از تهران بیرون ننهادم که در مجلس نغمه ساز نمودند. این نغمه‌ها را چه کسانی ساز نمودند، همان کسانی که همیشه و همه‌جا مرا می ستودند و از اعمال و رفتار من تملق ها می‌گفتند. من یک سربازی بودم که از روی قاطر و یا در پشت مسلسل و توپ برای بقای ایران دوش به‌دوش صدها سرباز پابرهنه و گرسنه دیگر جنگ می‌کردم. خاطرات دوران سربازی من در گیلان باورکردنی نیست. من که از مشکلات مردم، بخصوص طبقات سوم و چهارم واقف بودم و خود نیز از میان این طبقه برخاسته بودم چگونه ممکن بود در فکر مردم نباشم و در طول سلطنت با عفریت بیکاری و فقروفاقه در نبرد نشوم.»

شاه از جای خود حرکت کرده، دور سالن را طی نمود و به صحبت خود ادامه داد:

«من مطمئن هستم تمام خاطراتم در دلم باقی خواهد ماند و هیچ کس از اسرار درونم آگاهی نخواهد یافت».

مجدداً شاه در برابرم قرار گرفته و در حالی که از شدت احساسات می‌لرزیدند گفتند: «این بوق و کرناها چیست؟ این رادیو انگلیس (مقصود رادیو لندن) چه می‌گوید و چه حق‌حسابی از من می خواهد؟ و این کی است که به‌فارسی فحش می دهد؟ من، مگر رشوه‌بده بودم که رشوه این رادیو را نداده و حالا هرشب باید یک‌مشت فحش و ناسزا بشنوم. راستی دکتر، مردم چه می‌گویند و درباره این داد و بیداد رادیو انگلیس چه نظری می دهند»؟

من به این سئوال شاه فقید جوابی نداده گفتم: اعلیحضرت بی اعتناء باشند. نظیر همین سخن‌پراکنی ها در رادیو برلن علیه زمامداران انگلیس می شود. مثلی است معروف در روز سختی آش و حلوا تقسیم نمی‌کنند.

من حق داشتم به شاه این‌طور جواب دهم. چون همان‌طوری که گفتم به‌قدری شاه فقید متأثر بود که بی اختیار می‌لرزید. ولی وقتی شاه این جواب را قانع کننده ندانست و مجدداً گفتند: «بشر بی‌عیب نیست. مسلماً من در سلطنت خود کارهائی کرده‌ام که از نظر بعضی ها خوب و به‌نظر برخی ها بد بوده است. به‌راستی کارهای خوب من کدام است و چه کارهائی خوب نبوده است که تاکنون به آن واقف نشده‌ام».

سکوت را جایز ندانسته گفتم: «من از نظر یک وزیری که چندین سال بنا به‌تمایل اعلیحضرت در کابینه‌ها عضویت داشته به‌عرض می‌رسانم چون در این چند روزه مجال و فرصتی نبود که از مردم، از افراد آن طبقه که از روی عقل و انصاف قضاوت می‌کنند سئوالی نمایم البته اعلیحضرت حق می دهند که من ندانسته از زبان مردم سخن نگویم و بدون پرده عرض می‌کنم به‌نظر من که وزیر اعلیحضرت بودم جز یک کار بیشتر کارهای اعلیحضرت به‌خیر و صلاح مردم بوده و اگر امروز تر و خشک باهم بسوزند جبر تاریخ می‌باشد ولی وقتی که احساسات فرو نشست، همین رادیو لندن که یک فرستنده خارجی است و به‌دستور خارجی علیه اعلیحضرت سخن می‌گوید روزی خواهد رسید له اعلیحضرت داد سخن بدهد.»

شاه که با دقت زایدالوصفی اظهارات مرا گوش می داد باعجله پرسید: «خوب آن یک کار کدام بود؟» عرض کردم: «قربان تعدیات مامورین املاک اختصاصی مردم را به‌ستوه آورده بود». شاه وقتی این جمله را شنید دست را به پیشانی خود برده و در فکر فرو رفت و لحظه‌ای بعد دست را حرکت داده گفت: «راست گفتی، راست گفتی بر پدر.. لعنت که از نیت خیرخواهانه من سوء استفاده کرده، رعایای بدبخت مازندرانی را که هم‌ولایتی من بودند تحت فشار قرار داده و با وجودی که من بعضی مواقع به این فشارهای بی مورد پی می‌بردم با زبان تملق می‌گفت: خیر قربان همه به دعاگوئی مشغول می‌باشند. ای لعنت بر او و سایرین که مرا در جریان وقایع نمی‌گذاشتند. چقدر درست گفتی دکتر، او آن صدهزار تومان را از کجا آورده بود که در زیر سقف بام اتاقش در قصبه «کیاکلا» بابل پنهان کرده بود. اگر آن روز آن گزارش محرمانه به‌من نرسیده بود و بدون اطلاع وارد اتاق او نمی شدم و دستور نمی دادم که سقف اتاق را برچینند او هنوز در رأس کار بوده و به‌قول شما مردم را بیشتر به‌ستوه می‌آورد.»

شاه باز در فکر فرو رفت و بعد از لحظه‌ای مکث اضافه کردند: «از همین نقطه ضعف است که رادیواجنبی استفاده کرده هرشب به من ناسزا می‌گوید کوآن وسیله که من بتوانم حقایق را فاش نمایم و بگویم روحم از این تعدیات خبر نداشت و منظور واقعی من از خرید املاک، آبادانی املاک و ازدیاد محصول و رونق صادرات بود.»

درد دل شاه سابق ساعتی به‌طول انجامید چون هردو خسته شده بودیم و هردو به‌شدت متأثر بودیم و ازطرفی لازم بود فوراً به تهران بازگشت نمایم چون در آن روزها از نقطه‌نظر مسئولیتی که در دولت داشتم و امور راه‌های شوسه و آهن با من بود می‌بایست در تهران حضور داشته باشم، اجازه مرخصی خواستم.

شاه با تقاضای من موافقت و گفتند: ما هم از این طرف می‌رویم. مقصود شاه خروج از اصفهان و حرکت به کرمان بود. سئوال کردم: بالاخره تصمیم اعلیحضرت اقامت در کرمان است یا مسافرت به خارج از ایران؟ فرمود: دیشب تصمیم غیرقابل برگشت خود را گرفتم و باید حتماً ایران عزیز را بالاجبار ترک گویم و با کشتی راه امریکای جنوبی را در پیش می‌گیریم. بعد شاه پرسید: «در میان ممالک امریکای جنوبی کدام کشور بهتر است و من خواهم توانست در آن مملکت زندگی آسوده و بدون سروصدائی داشته باشم؟»

به اطلاع ایشان رساندم: «بهترین مملکت امریکای لاتین که آب و هوای آن سازگار باشد، کشور آرژانتین است و تا حدودی که اطلاع دارم در این مملکت چند نفر از تجار ایرانی نیز سالهاست اقامت دارند و خیلی کسب و کارشان رونق دارد.»

شاه پرسید: «مثل اینکه در این مملکت سفارتخانه هم داشتیم؟» به‌عرض رساندم: «چند سال قبل آقای نادر آراسته وزیر مختار ایران در ممالک امریکای لاتین مانند آرژانتین، برزیل و شیلی بودند.»

در این وقت شاه دوباره با من دست داده و بار دیگر نسبت به اینجانب تفقد مخصوص نموده و اعتماد و اطمینان همیشگی خودشان را خاطرنشان فرمودند و تا جلوی پلکان عمارت تشریف آورده و هنوز چند متری از شاه فقید دور نشده بودم که اعلیحضرت مرا صدا زده فرمودند: «دو قطعه جواهر مربوط به خزانه جواهرات سلطنتی که در زمان عروسی علیاحضرت ملکه فوزیه به‌امانت گرفته بودند نزد والاحضرت های اشرف و شمس می‌باشد. آنها را با خود به تهران برده تحویل بانک ملی نمائید». عرض کردم: «اگر آقای قوام‌الملک این وظیفه را انجام دهند، بهتر خواهد بود.» شاه فقید قوام‌الملک را احضار نموده و دو قطعه جواهر را به ایشان دادند و آقای قوام نیز پس از

ورود به تهران با حضور آقای گلشائیان وزیردارائی و مرحوم فرزین مدیرکل بانک ملی و مؤید احمدی ناظر مجلس در بانک ملی تحویل خزانه سلطنتی دادند و رسید آن را به وزارت دربار فرستادند.

مسافرت به اصفهان سه روز به‌طول انجامید. به‌مجرد ورود، در کاخ اختصاصی به‌حضور اعلیحضرت همایونی رسیده و سند رسمی را تقدیم نمودم. اعلیحضرت فرمودند: نروید تا کار را تمام نمائیم. من اطلاعی از کار نداشتم. بعد از اینکه آقای نصرالله انتظام رئیس تشریفات سلطنتی را احضار فرمودند معلوم شد اعلیحضرت قصد بخشیدن اموال غیرمنقول به دولت و ۶۸۰ میلیون ریال وجوه نقد را به ملت دارند. درست به‌خاطرم می‌باشد تا ساعت یک بعد از نصف شد دوم مهرماه ۱۳۲۰ اینجانب و آقای انتظام در حضور اعلیحضرت بودیم تا بالاخره ۶۸۰ میلیون ریال را برای تأسیس دبستان، دبیرستان، بیمارستان و پرورشگاه در تهران و شهرستان‌ها تقسیم نمودیم ولی حیف در حدود ۵۰ میلیون ریال از این وجوه به آذربایجان مرحمت شده بود که بیشتر آن لوطی خور شده و کمتر از ششصد هزار تومان آن را به مصرف رسانیدند. من خودم در زمان استانداری آذربایجان با تعجب واقف به این جریان شده و بسیار تأسف خوردم از اینکه در مملکتی زندگی می‌کنیم که دزدان اجتماعی حتی از اموال و هدایا و عطایای شاه نیز نمی‌گذرند و این وجوه را که برای مؤسسات فرهنگی و خیریه اعطاء شده است می‌خورند و هیچ کس نیست که این دسته از دزدان را تحویل محکمه قانون دهد. دکتر محمّد سجادی

۳۳- جدال دکتر مصدق و سید ضیاء الدین

انتخابات دوره چهاردهم در ۱۳۲۲ انجام گرفت، در آن مجلس چهره‌های تازه انتخاب شدند که بعضی از آنها سال‌ها از صحنه سیاسی ایران دور بودند. در میان انتخاب شدگان یکی دکتر محمد مصدق بود که وکیل اول تهران شد، دیگری سید ضیاء الدین طباطبائی نخست‌وزیر کودتای ۱۲۹۹ که از یزد به‌وکالت انتخاب گردید هردو در دوره رضاشاه مغضوب بودند اولی در ایران و دومی در خارج ایام را می‌گذراندند. دکتر مصدق با اعتبارنامه سید ضیاء الدین به مخالفت برخاست و سخنان تازه‌ای درباره کودتای ۱۲۹۹ و نقش انگلیس در آن ایراد کرد و سید ضیاء الدین بدان پاسخ داد و اسرار جدیدی را افشاء نمود. جدال دکتر مصدق و سید ضیاء الدین در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت خاصی است، لذا برای آگاهی خوانندگان هردو نطق ذیلاً درج می‌گردد.

صبح روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند ساعت ۷/۵ دومین جلسه مجلس چهاردهم به‌ریاست آقای اسعد تشکیل شد جلسه مزبور دنباله مذاکرات جلسه قبل و تصویب اعتبارنامه آقایان نمایندگان بود و چون در جلسه قبل پس از آنکه اعتبارنامه آقای سید ضیاء الدین طباطبائی مطرح شد آقای دکتر مصدق و دکتر رادمنش و فداکار مخالفت نمودند. لذا قرار شد اول آقای دکتر مصدق اعتراضات خود را برعلیه اعتبارنامه آقای طباطبائی اظهار دارند. بدین ترتیب یکی از پرهیجان‌ترین جلسات مجلس شورای ملی که از بدو تاریخ مشروطیت ایران بی‌نظیر بوده است آغاز شد.

آقای دکتر مصدق ــ من بیست سال است ملت ایران را ندیده‌ام به‌ملت ایران تعظیم می‌کنم و امیدوارم که رشد ملی اینقدر باشد که نظم را در جلسه رعایت کنند من خیلی میل دارم که مطالب را سربسته بگویم و این نطقی را که من تهیه کرده‌ام دال بر صحت مدعی است.

تلفن‌هائی که به‌من رسید ملاقات‌هائی که با من شد و هرکس هم که مرا ملاقات کرد مرا مجبور نمود که قبل از خواندن این نطق یک عرایضی بکنم اینطور شهرت داده بودند که من در حزب توده هستم و با حزب توده بستگی دارم یا به‌جهت بستگی با حزب توده با آقای سید ضیاء الدین مخالفت می‌کنم.

من بیست و دو سال است که با ایشان مخالفم، مخالفت امروز من چه دخلی با حزب توده دارد. از آقایان مخالفین حزب توده خواهش می‌کنم که مخالفت خود را پس بگیرند اگر پس نگیرند من در اینجا یک کلمه صحبت نخواهم کرد.

دکتر رادمنش ــ پس می‌گیریم

دکتر مصدق ــ یکی بود؟

فداکار ــ بنده هم پس می‌گیریم

دکتر مصدق ــ دفاع از وطن واجب عینی نیست واجب کفائی است اگر یک نفر حاضر شد که دفاع از وطن را بکند از

گردن دیگران ساقط می شود.

من می خواهم در راه وطن شربت شهادت را بنوشم من می خواهم در راه وطن بمیرم من می خواهم در قبرستان شهدای آزادی دفن بشوم، من تا آخر عمر برای دفاع از وطن حاضر می‌باشم، در روزنامه رعد امروز دیدم که اقدامات آقای سید ضیاء الدین طباطبائی را به‌مدرک فرمان شاه قرار داده بودند که چون شاه فرمانی به ایشان دادند ایشان هم اقداماتی نموده‌اند خواستم عرض کنم که کودتا در شب سوم حوت شد و فرمان شاه در ششم حوت به‌ولایات مخابره شد، پس فرمان شاه بعد از کودتا بوده و درنتیجه کودتا بوده.

اگر فرمان شاه در اثر کودتا نبود چطور می شد مدیر روزنامه رعد رئیس الوزراء بشود؟

در آن فرمان به ایشان ماموریت انجام ریاست وزرائی دادند.

کدام سابقه حکم می‌کرد که رئیس الوزراء مردم را حبس بکند، مردم را گرفتار بکند، نیک و بد را با هم بسوزاند. آقا یک روزنامه نویس بودند و فرمانده قوا نبودند با چه وسیله قشونی که در تحت سر پرستی کلنل اسمایلز انگلیسی بود در تحت اختیارات آوردند اگر قشونی که در تحت اختیار داشتند به‌امر آقا بود که آقا قرار داد را ملغی فرمودند وقتی که تلگراف ها به‌شیراز رسید کونسول انگلیس گفت که مرده گربه را کسی چوب نمی‌زند قرارداد مرده بود محتاج به موت نبود قرارداد را کی بسته بود؟

وثوق الدوله و سر پرسی کاکس که نظر استعمار داشت ولی همه مامورین انگلیس صاحب این نظر نیستند بنده مامورین خوب از انگلستان دیده‌ام من مامورین بسیار شریف و وطن دوست از انگلستان دیده‌ام من مذاکراتی در شیراز و در تهران با اینها دارم یک روز ماژور هود قنسول انگلیس آمد به‌من گفت ما حکم کرده‌ایم تنگستانی ها را تنبیه کنند من حالم بهم خورد گفت شما چرا حالتان بهم خورد گفتم چون این صحبتی را که کردید نه درنفع شما و درنفع ما است گفت توضیح بدهید گفتم شما از پلیس جنوب شکایت دارید و می‌گوئید که پلیس جنوب در شیراز منفور است پس وقتی که شما پلیس جنوب را مامورتنبیه تنگستانی ها بکنید بر منفوریت آنها افزوده می شود تنگستانی ها اگر شرارت می‌کنند من تصدیق می‌کنم اگر بعضی از آنها راهزنی می‌کنند من تصدیق دارم اگر آنها را پلیس جنوب تنبیه کند آنها جزء شهدا و وطن‌پرست‌ها می شوند و من راضی نیستم ولی اگر من که والی هستم آنها را تنبیه کنم وظیفه خودم را عمل کرده‌ام گفت توضیحات شما مرا قانع کرد شما کار خودتان را بکنید من از شما تشکر می‌کنم.

بعد از چند روز من تنگستان را امن کردم و ماژور هود آمده از من تشکر کرد این سابقه‌ای است که من با ماژور هود قنسول انگلیس دارم با کلنل فریزر هم که امروز ماژور ژنرال فریزر شده سابقه دارم آقای مؤید الشریعه که یکی از ملاکین شیراز است روزی که من استعفا داده بودم و هنوز شاه استعفای مرا قبول نکرده بود آمد به‌من شکایت کرد گفت از پلیس جنوب شکایت دارم گفتم شکایت خودتان را بگوئید گفت شب عید است و محصول من در اطراف شهر بلند است و آنجا می‌خواهند پلیس جنوب اسب دوانی بکنند.

من با پلیس جنوب هیچ مکاتبه رسمی نمی‌کردم پسر وکیل السلطنه وکیل دوره اول در پلیس جنوب بود به کلنل فریزر پیغام دادم آقای مؤید الشریعه شکایت دارند که اراضی او بواسطه اسب‌دوانی ازمیان می رود و زراعت او خراب می شود کلنل به‌من پیغام داد بعد از اینکه اسب‌دوانی در آنجا تمام شد مقوم می‌فرستم هرچه خسارت می شود می پردازم من خیال کردم که کار بزرگی برای مؤیدالشریعه انجام داده‌ام او را خواستم و با او گفتم او گفت مقصود من انجام نشد مقصود من این است که در این سرزمین اسب‌دوانی نشود اگر اسب‌دوانی بشود این عادت جاری خواهد شد و ملک من همیشه دچار این خسارت خواهد بود گفتم والله بیش از این کاری از من ساخته نیست.

روز بعد دعوتی از پلیس جنوب رسید که مرا دعوت به اسب‌دوانی کرده بودند من روی کاغذ خصوصی برای پلیس جنوب نوشتم درجائی که صاحبش راضی نیست اسب‌دوانی بکنند من حاضر نمی شوم کلنل فریزر مرا پای تلفن خواست و گفت کاغذ شما یک درس بزرگی برای من بود و فردا می‌آیم پیش شما و آنچه را در نظر دارید انجام می دهم فردا آمد و یک نفر را هم آورده و گفت این کیست گفتم این میرزا محمد خان زند نماینده قوام‌الملک است گفت دیگر نماینده کیست گفتم

نماینده فرمانفرما است گفت اگر نماینده فرمانفرما بگوید که در سلطان آباد ملک فرمانفرما هم اسب دوانی بکنم ضرری برای مالک نیست شما به اسب‌دوانی می‌آئید گفتم البته با اینکه تمام دعوت‌ها برای فردا منتشر شده بود و تمام چادرها زده شده بود جار زدند و تمام دعوتها را جمع کردند و برای سه روز بعد اسب دوانی را در سلطان‌آباد قرار دادند و از من دعوت کردند و بنده حاضر شدم اینهم یک سابقه کلنل شریف انگلیس است که در شیراز دیدم.

دیگر از اشخاصی که من او را فراموش نمی‌کنم و مراحم او و محبت‌های او را ازنظر دور نمی‌کنم سر پرسی لرن وزیر مختار انگلیس است که حقیقتاً مرد بزرگ و وطن‌پرستی است که هروقت مرامی دید و من راجع به مملکت خودم با او صحبت می‌کردم و در مصالح ایران با او نظریاتی می‌گفتم می‌گفت من به‌شما تحسین می‌کنم که شما وطن خود را دوست دارید حالا اینکه از انگلیس ها من تمجید می‌کنم دول اتحاد جماهیر شوروی نگویند که من از جنبه بی‌طرفی خارج شده‌ام من یک کاری هم با رتشتین وزیر مختار دولت اتحاد جماهیر شوروی داشتم از شیراز که آمده بودم من وزارت مالیه را قبول نمی‌کردم چهار پنج ماه کار وزارت مالیه با کفالت می‌گذشت روزی که من به وزارت مالیه رفتم دیدم کسی کاغذ آورد گفت این را رتشتین داده که امضا کنید دیدم اجازه‌نامه بانک استقراضی است کابینه قوام‌السلطنه تصویب‌نامه‌ای صادر کرده بود که بانک استقراضی برای مدت سی سال به‌اجاره تجارتخانه شوروی داده شود و نظردولت شوروی این بود که چون انبار نداشتند این بانک را برای انبار اجاره بکنند این اجاره را تنظیم کرده بودند آوردند که من امضاء کنم من به مسیو رتشتین پیغام دادم که می‌خواهم شما را ملاقات کنم گفت من فردا نهار منتظر شما هستم فردا رفتم در سفارت نهار می خوردیم گفت اجاره‌نامه را چرا امضا نکردید.

گفتم والله حقیقتش این است من استنکاف از امضای اجاره‌نامه ندارم ولی این اجاره را برای خود شما صلاح نمی دانم گفت چرا گفتم مردم اینطور تصور می‌کنند که شما آنچه در نتیجه معاهده داده‌اید می خواهید از ما پس بگیرید شما در این معاهده از قرض گذشته خیلی چیزها به ایران دادید بناهای خودتان را به ایران واگذار کردید ولی این اجاره‌نامه که شما می خواهید از ما بگیرید وقتی عده‌ای از اتباع شما در این جا مسکن کردند مردم ایران به شما خوشبین نخواهند بود و خواهند گفت که دولت شوروی آنچه به‌ما داده است تدریجا می خواهند از ما پس بگیرند گفت حقیقتاً منهم با شما موافقم و من هیچ متوجه نبودم گفت اجاره‌نامه را پاره کنید و پس بگیرید من آمدم تصویبنامه را هم پاره کردم و امضا نکردم پس حقیقتاً مامورین متفقین ما حقیقتاً بعضی ایشان به‌قدری خوب هستند که هرقدر بخواهیم اظهار تشکر کنیم کم است ولی البته مامورین بدی هم داشتند که آنها مامورین استعماری بودند مثل کاکس که آمد در ایران قرارداد وثوق‌الدوله را با انگلیس گذاشت نمی شود همه را پای هم گذاشت هر دولتی اعضای خوب دارد بد هم دارد البته نظر دولت های متفقین ما نیست نظریات متفقین ما جز خوبی و احسان چیزی نیست مامورین آنها فرق می‌کنند سیاست آن فرق دارد یک ماموری شاید تصور کند که اگر ایران را به‌طور استعمار اداره بکنند برای دولت خودش خوب باشد یک مامور هم شاید این نظر را داشته باشد که باید ایران مستقل و آزاد باشد و در کار او هیچکس دخالت نکند البته ما کدام مامور را می خواهیم و موافقت می‌کنیم مسلم با آن ماموری که آزادی و استقلال ما را محترم بدارد (صحیح است) قرار داد وثوق‌الدوله در یک موقع بدی گذشت در وقتی بود که جامعه ملل درست شده بود نظر جامعه ملل آیا این بود که بیایند دول را تحت‌الحمایه قرار بدهند و با آنها قرارداد به‌بندند؟

نظر جامعه ملل این بود که دول آزاد باشند مستقل باشند دول اختیارات خود را ازدست ندهند و خودشان در هرکاری که می‌خواهند دخالت بکنند. این نظر جامعه ملل بود چه جهت داشت که قرارداد ملغی شد: یکی اینکه قرارداد را سر پرسی کاکس با نظر دولت انگلیس نبسته بود و البته خود دولت انگلیس هم بعد متوجه شد که این کار خوبی نیست و بعد عدم رضایت ملت ایران.

ملت ایران راضی نبود پس از آن بیانیه‌ای که دولت امریکا داد که ما باید همیشه مرهون آن بیانیه باشیم و این بیانیه را من باید یک مرتبه دیگر برای اظهار سپاسگزاری در این مجلس بخوانم:

«تهران سفارت امریکا دولت ممالک متحده امریکا

به‌شما دستور می‌دهد که نزد زمامداران ایران و اشخاص علاقمند این موضوع را که دولت اتازونی از مساعدت نسبت به ایران امتناع ورزیده است تکذیب نمائید.

امریکا همواره علاقه خود را برای سعادت ایران به‌طریق بسیار اظهار و ابراز داشته نمایندگانی که ازطرف دولت امریکا در کمیسیون صلح پاریس عضویت داشته‌اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده‌اند که سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند نمایندگان آمریکا متعجب بودند که چرا مجاهدت آنها بیش از این به تقویت و مساعدت تلقی نمی‌شود لیکن امریکائی ها قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران را باصغاء برسانند و نیز معلوم می گردد که دولت ایران در تهران با مساعی نمایندگان خود درپاریس مساعدت و تقویت کافی نمود دولت امریکا معاهده جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی می‌نماید».

این هم بیانیه‌ای بود که در آنوقت دولت امریکا داده است پس وضع قرارداد این بود آن‌وقت آقا در بیانیه خود این‌طور مرقوم فرموده‌اند که قرارداد را من ملغی کردم بنده از آقا سئوال می‌کنم اگر آقا قبل از الغاء با نمایندگان انگلیسی داخل در مذاکره‌شده بودند و الغاء کردند پس البته در یک کلیاتی مذاکره کردند که کودتا جزء آن بوده است.

اگر خیر با نمایندگان انگلیس داخل مذاکره نشده بودند به‌چه ترتیب قرارداد را ملغی کردند قرارداد یک عقد دوطرفی است یعنی یک عمل دوطرفی است، عقد است، عقد محتاج به ایجاب و قبول است اگر یکی از طرفین موافقت نکند فسخ قرارداد ممکن نیست از آقا تعجب می‌کنم که می‌گویند مذاکراتی نفرمودند.

چطور قرارداد را ملغی فرموده‌اند چطور تصور فرموده‌اند که دولت انگلیس ضعف پیدا کرده باشد که با الغاء قرارداد مخالفت بکند حالا موضوع قرارداد چیست؟

ماده اولش می‌نویسد دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمام‌تر تعهداتی را که مکرر درسابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار می‌کند.

مادهٔ دوم:

دولت انگلستان خدمات هرعده مستشار متخصصی را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلف بین دولتین توافق حاصل گردد به‌خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.

این مستشارها با کنترات اجیر و به‌آنها اختیارات متناسب داده خواهد شد.

کیفیت این اختیار بسته به‌توافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود.

ماده سوم:

دولت انگلیس به‌خرج دولت ایران صاحب‌منصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکلی که دولت ایران ایجاد آن را در نظر دارد تهیه خواهد کرد.

عده و مقدار ضرورت صاحب منصبان و ذخایر و مهمات مزبور به‌توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد.

درواقع دو ماده مهم در این قرارداد هست یکی راجع به مستشاران است یکی راجع به قشون.

اینهم موضوع قرارداد است اگر آقا قرارداد را ملغی کرده بودند چرا بعد از اینکه رئیس‌الوزراء شدند قشون جنوب را به‌رسمیت شناخته و چرا مستشار مالیه را که مرحوم مشیرالدوله پس از اینکه رئیس‌الوزراء شدند بعد از کابینه وثوق‌الدوله برای تفتیش نفت در کمیسیون انگلیس و ایران به لندن فرستادند ایشان به ایران رجعت دادند همان قشونی را که آقا در تلگراف خودشان مرقوم فرموده‌اند که در تحت امر ایشان بوده آقا را از این مملکت بیرون کرد و اگر آقا در موقع تشریف بردن احتیاج به بودجه نداشتند چرا از مالیه ایران وجه گرفته و اگر محتاج به بودجه بودند آقا بفرمایند در این بیست‌ودو سال با چه سرمایه تحصیل علم کردند و با چه سرمایه املاکی جمع‌آوری کردند.

اهالی یزد که کاغذ و تلگراف تا آنجا چند روز لااقل می‌رسد از ورود آقا چطور مستحضر شدند و آقا را بعد از بیست‌ودو سال که نسیامنسیا بوده از روی چه نظر انتخاب نمودند فقط یزدی بودن برای انتخاب کافی نیست من اهل آشتیان هستم و از آشتیان یک رای هم ندارم از خواص آقا شنیده شد که دو میلیون تومان اهالی یزد برای تشکیلات حزبی آقا داده‌اند یزدی‌ها این تمول را از کجا آورده بودند و این سخاوت محیرالعقول را برای چه به‌خرج داده‌اند؟

ما زیر باراین حرف نمی‌رویم، ملت ایران بیدار است ملت ایران به این حرف هم فریب نمی‌خورند ملت ایران از زمامداران سیاست درخواست تجدید نظر دارد در این سال که محصول ایران چند برابر سالهای قبل است در این سال که علامت خشگسالی آشکار است و باید آذوقه سال آینده هم تامین شود سیلوی ما دو ماه و نیم هم ذخیره ندارد ایرانی باید خانه خودش را خودش اداره نماید ایرانی حاضر نیست که رؤسای خویش را خارج کند وبجای آنها رؤسای خارجی بگمارد این است موضوع نطق من چون جنبه تاریخی دارد نطقی را که تهیه کرده‌ام آن را هم می‌خوانم.

از دوره هفتم تقنینیه که من از سیاست دور شدم قریب ۱۶ سال می‌گذرد که اغلب در احمد آباد از دهستان ساوجبلاغ به‌فلاحت مشغول بودم و خیالم ناراحت و از آتیه خود بی‌نهایت نگران بودم و گاه می‌خواستم که با پای خود به زندان قصر بروم و در آنجا روحاً و جسماً هردو مقید بمانم تا اینکه در پنجم تیرماه ۱۳۱۹ بدون جهت و دلیل مرا چند روز در زندان موقت طهران محبوس و از آنجا به‌زندان بیرجند انتقالم دادند در عرض راه و در زندان دومرتبه اقدام به خودکشی نمودم و پس از شش ماه تحمل سختی و مشقت از آنجا مرا به احمد آباد آوردند و تحت نظر مامور شهربانی بودم تا شهریور ۱۳۲۰ که تمام مقصرین سیاسی خلاص شدند حکم آزادی من هم رسید و تصمیم گرفتم که در همانجا بمانم و در سیاست مداخله ننمایم انتخابات این دوره که شروع شد به‌من نوشتند که دوری از اوضاع صلاح نیست اگر اهل تهران در هفت دوره اخیر نتوانستند به‌من رای بدهند در عقیده خود باقی هستند و چون می‌گویند انتخابات دوره ۱۴ تقنینیه آزاد است می‌توانند اعتماد خود را به‌من اظهار نمایند دلیلی نیست که از خدمت سرباز زنم و باز در کنج عزلت و انزوا بمانم اگر امور اجتماعی خوب نباشد امور انفرادی هم بد می‌شود پس لازم است که اول هرکس در اصلاح جامعه بکوشد و بعد امور انفرادی را اصلاح نماید.

در مقابل این منطق نتوانستم جوابی بدهم و مردد بودم که چه تصمیمی اتخاذ کنم چنانچه قبول نمی‌کردم می‌گفتند همه‌چیز این اشخاص از این مملکت و از این مردم است امروز که موقع خدمت است خودخواهی مانع است که قبول خدمت کنند حالا که قبول کرده‌ام نمی‌دانم با این اوضاع چه خدمتی می‌توانم بکنم اگر حرف حساب در این مجلس اثر نکند و اگر ما در سیاست عالیه مملکت آزاد نباشیم چرا من عرض خود را ببرم و زحمت آقایان را فراهم نمایم؟

معروف است که در استبداد صغیر مشیرالسلطنه صدر اعظم محمد علیشاه به مردم گفت شاه مجلس را مرحمت می‌کند به‌این شرط که وکلا در سیاست دخالت ننمایند اگر غرض از مجلس آن است که وکیل تابع جریانات شود و یا هرچه پیش آید بسازد و دم فرو بندد نه من، تصور می‌کنم که تمام آقایان همچو وکالتی را نخواهند و قبول ننمایند و اگر وکیل آزاد است و می‌تواند در مصالح عمومی نظریات خود را اظهار کند وقتی که مصالح عمومی در پیش است از هیچ چیز نباید ملاحظه نماید و باید همه چیز خود را برای خیر و صلاح وطن بخواهد اگر وطن‌پرستی بد است چرا دول بزرگ هرچه خوب است برای وطن خود می‌خواهند و اگر دموکراسی خوب نیست چرا این رژیم را به‌تمام معنی در ممالک خود اجرا می‌نمایند اگر آزادی جراید مضر است چرا در آن ممالک متعرض جراید نمی‌شوند اگر اخلاق خوب مستحسن نیست چرا در هرکجا که نفوذ دارند برای توسعه نفوذ خود مشوق مردمان بد اخلاق نمی‌شوند؟ مردمان بداخلاق کسانی هستند که برخلاف مصالح جامعه قیام کنند آنها کسانی هستند که نیک و بد را باهم بسوزانند و از حیثیات هموطنان خود بکاهند با کسی غرضی ندارد، می‌گویند آنچه را که باید در نفع جامعه بگویند و امیدوارم که ما نمایندگان دوره ۱۴ پیرو این اصل باشیم و ثابت کنیم دولت ایران طالب استقلال است و آن را به‌هیچ قیمتی از دست نمی‌دهد ملت می‌خواهد که خارجی از این مملکت برود و در امور ما مطلقاً دخالت نکند و انتظار دارد که لطفاً و معناً استقلال او را محترم شمارند و چون از مطلب نباید دور شد از مقدمه می‌گذرم و داخل در موضوع می‌شوم.

شب سیم حوت ۱۲۹۹ تلگراف شیراز و تهران قطع شد و قریب ۳ روز کرسی یکی از ایالات مهم از مرکز بی‌خبر بود و هرکسی این پیش‌آمد را به‌نوعی تعبیر می‌کرد تا اینکه پرده از روی کار برداشته شد تلگراف سلطان احمد شاه به‌این شرح رسید: (از تهران به‌شیراز شب ششم حوت حکام ایالات و ولایات درنتیجه غفلت کاری و لاقیدی زمامداران دوره‌های

گذشته که بی تکلیفی عمومی و تزلزل و آسایش را در مملکت فراهم نموده ما و تمام اهالی را از فقدان یک دولت متأثر ساخته بود مصمم شدیم که با تعیین شخص لایق خدمتگذاری که موجبات سعادت مملکت را فراهم نماید به بحران های متوالیه خاتمه دهیم بنابراین به اقتضای استعداد و لیاقتی که در جناب آقای سید ضیاء الدین سراغ داشتیم اعتماد خاطر خود را متوجه به معزی الیه دیده ایشان را به مقام ریاست وزراء انتخاب و اختیارات تامه برای انجام وظایف خدمت ریاست وزراء به معزی الیه مرحمت فرمودیم شهر جمادی الاخر ۱۳۳۹) چون روز گذشته روزنامه رعد امروز در شماره ۱۰۶ دستخط شاه را منتشر نمود و آن را دلیل برائت مرتکب کودتا دانسته است تذکر می دهم که کودتا شب سوم حوت واقع و دستخط شاه شب ۶ حوت به ولایت مخابره شده است و این دستخط در اثر کودتا است و الا سابقه نداشت که یک مدیر روزنامه که نه طی مراحل اداری نموده و نه مقبولیت عامه داشته است یکمرتبه رئیس الوزراء بشود دیگر اینکه در این دستخط اختیارات تامه برای انجام وظایف خدمت ریاست وزراء داده و به آقا مأموریت نداده بود که مردم را حبس کندو نیک و بد را با هم بسوزاند چون من مردد بودم که شخص طرف اعتماد مدیر روزنامه رعد است با دیگران تصمیم گرفتم که درصورت اول تسلیم نشوم و خود را برای هرگونه پیش آمدی حاضر نمایم و پس از اینکه به وسیله رئیس تلگرافخانه تحقیق و معلوم شد که مدیر روزنامه رعد است تصمیم غیرقابل تردید خود را اجراء نموده و تلگراف زیر را به شاه مخابره نمودم.

(۶ حوت ۱۲۹۹ از شیراز بعد از عنوان دستخط جهانمطاع تلگراف بواسطه تلگرافخانه مرکزی زیارت شد و در مقام دولتخواهی آنچه می داندبعرض خاکپای مبارک می‌رساند که این تلگراف اگر در فارس انتشار یابد اسباب انقلاب و اغتشاش خواهد شد و اصلاح آن خیلی مشگل خواهد بود چاکر نخواست در دولت خواهی موجب این انقلاب شود و تاکنون آن را مکتوم داشته هرگاه تلگراف مزبور برحسب امر ملوکانه انتشارش لازم است امر جهان مطاع مبارک صادر شود که تلگرافخانه انتشار دهد.)

بلافاصله پس از مخابره این تلگراف بیانیه رئیس دولت و رئیس کل قوا رسید و مردم بیشتر به عدم صداقت گفته های آنها **پی برده و عموم اهل شهر برعلیه حکومت جدید قیام نمودند بطوری که فتح الدوله اهل طهران که در شیراز بود و تلگراف تبریکی به رئیس دولت مخابره نموده بود در خطر جانی واقع شده و قونسول انگلیس او را با خود نزد اینجانب آورد و تقاضای تامین نمود و آقای سید ضیاء الدین هم چون از اوضاع شیراز مستحضر شد شب ده حوت این تلگراف را به من مخابره نمود:**

بعد از عنوان، آگاهی یافته ام که تلگراف تصدی مرا به شغل ریاست وزراء انتشار نداده گفته اید که ازحدوث اشکالات احتراز نموده اید رسیدن این خبر به اینجانب معلوم داشت که حضرتعالی از وضعیات تهران بی اطلاع و افق تهران را همانطور تصور کرده اید که قبلاً دیده و عیناً مشاهده کرده اید، نه، چنین نیست دوری مسافت و بی اطلاعی از جریان حضرتعالی را از اطلاعات مفیده محروم داشته است این حکومت جدیدالتشکیل که با اسلحه و آتش یک سرکرده و نماینده اقتدار قشونی است به کسانی که در معبر او ایجاد اشکالات نمایند جز مشت چیزی نشان نمی دهد و در لحظه واحد جان و مال وعائله انکار کنندگان به‌عنوان رهینه صداقت آنها در معرض تهدید گذارده و این زبری و خشونت نه برای مصالح شخصی است بلکه برای مصالح وطن است که هر اقدامی را مجوز و مشروع می سازد بنابراین تصور اینکه قرائت دستخط اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه محتمل است حدوث اشکالی را تولید کند بالمره فکری نارسا بوده است با کمال اقتدار و بانهایت نیرومندی لازم است وظیفه خود را ایفا نمائید تشکیل این دولت وطنی و اصلاح کننده را هیچکس جز خیانت کار نمی‌تواند تردید کند آنهم فوراً تنبیه می شود و من در اینجا تمام رجال پوسیده و دروغین را توقیف کردم، ندای اصلاحات داده و با تهور و جسارت قشونی که در تحت امر دارم هرمانع ومشگلی را به هیچ می شمارم حضرت‌عالی نیز اگر می خواهید نماینده چنین دولتی باشید با جسارت قدم برداشته اصلاحات را در خطه ماموریت خودتان شروع کنید و از تقویت بی‌نهایت این جانب استفاده نمائید و باور کنید که اشخاص دانشمند و بی غرض را مجالی به‌دست آمده است راست و بی پرده همانطور که عادت منست به حضرت‌عالی شخص شایسته در اصلاحات فارس استفاده کنم به‌طور متقابل لازم است از صداقت و صمیمیت حضرت‌عالی آگاه گردم بنابراین منتظرم

که خودتان برای خودتان تعیین تکلیف نمائید ولی در عین حال هم خود را از ذکر این نکته که باز یک شمه از صمیمیت و صداقت من است ناچار می‌بینم و آن این است که انتخاب طریقی جز صداقت و راست گفتاری برای اشخاصی که مرجع این سئوالات من می شوند مصلحت نیست و موجب زیان خودشان می شود امیدوارم بنام وطن و بنام اصلاحات حضرت‌عالی از آن فاصله بعید آغوش گشوده مرا برادروار در بغل گرفته کمک و مظاهرت خودتان با احترام منافع ملی به‌من اهداء نمائید روش و منشور خودم در بیانیه ای که امر داده‌ام به ولایات مخابره کنند لامحال ملاحظه و از عقاید این جانب آگاهی یافته‌اید (ریاست وزراء) به این تلگراف جواب ندادم و چون در بیانه خود نوشته‌اند (که قرارداد را ملغی نمودم) عرض می‌کنم که در ۱۹ میزان ۱۲۹۹ که به ایالت فارس منصوب شدم قرارداد انگلیس و ایران ملغی نشده بود نخواستم به‌قشون جنوب رسمیت بدهم و به‌امر من کارگذاری کل بنادر این تلگراف را به مرکز مخابره نمودم:

اداره پلیس جنوب که از قرار مذکور ۳ هزار نفر است کتباً و شفاهاً با وجوهاتی داشته و دارند و در مواقع رسمی و اعیاد هم حاضر می شدند مستدعی است تکلیف معین فرمائید که روابط آنها از چه قرار باید باشد.

نمره ۲۶۳۰-۱۹ میزان کابینه مرحوم مشیرالدوله تلگراف مرا بلاجواب گذارد و چون سابقه راتایید نکرد این طور صلاح دیدم که به قشون جنوب رسمیت ندهم و با آنها رسماً مکاتبه نکنم و سلام رسمی را که در آن‌وقت در سال یکی دو دفعه محدود نبود و در تمام اعیاد مذهبی انعقاد می یافت ترک کنم و آنها را نپذیرفتم ولی آقا که قرارداد را ملغی نموده بود معلوم نشد به‌چه دلیل قشون جنوب را به‌رسمیت شناخت و آنها را به‌موجب تلگرافی که قرائت می شود به‌طهران احضار نمود.

«تلگراف رمز شب ۱۲ حوت از تهران به شیراز ایالت جلیله فارس برای اطلاع حضرت‌عالی اعلام می دارد به فرمانده قشون جنوب امر شده است که یک ستون قشون با توپخانه به طهران اعزام دارند».

(۱۱ حوت نمره ۱۴۰۱ ریاست وزراء سید ضیاء الدین طباطبائی)

وصول این تلگراف بر تأثرات عمومی افزود و هرکس که روزنامه های گلستان رجب ۱۳۳۹ و استخر ۲۴ حوت و بیانیه شورای مطبوعات ۲۵ حوت و عصر آزادی ۲۰ حمل ۱۳۰۰ را بخواند می‌تواند به وطن‌پرستی اهالی فارس و حقیقت افکار عمومی متوجه گردد اهالی روز‌به‌روز بر مقاومت خود افزودند و من به هیچ یک از تلگرافات آقا جواب ندادم و درنتیجه مذاکرات با آقای کلنل فریزر فرمانده کل قشون جنوب این تلگراف را مخابره نمودم:

از شیراز به‌طهران بعد از عنوان نظر به‌آثار پیش‌آمدی محتمل‌الوقوع و کسالت مزاجی که بغتتاً عارض شده چاکر را از تحمل زحمت فوق العاده و مقاومت ممنوع می نماید و تا ورود آقای قوام‌الملک از محال ابوابجمعی خودشان به‌هر زحمت باشد حوزه ایالتی را مراقبت می‌نماید و بعد از ورود ایشان امر امر مبارک خواهد بود. ۱۶ حوت ۱۲۹۹ شمسی»

غرض از آثار پیش آمدهای محتمل الوقوع که در این تلگراف نوشته شده همان خلع سلطان احمدشاه از سلطنت ایران است که برای من مثل روز روشن بود زیرا موقعی که شاه در لندن حاضر نشد در دعوت رسمی دولت انگلیس از قرارداد اسمی ببرد و آن را بشناسد با اینکه ناصرالملک به‌او گفته بود اگر مقاومت کند از سلطنت خلع می شود شاه وطن‌پرست بر مقاومت خود افزود و از قرارداد اسمی نبرد برای شاه چه بالا تر از این که امروز نامش به‌نیکی برده شود حوادثی که موجب بلندی نام می شود کم است و شاید در عمر کسی به‌این حوادث تصادف نکند. خوشبخت کسانی که از این حوادث استفاده کنند و بدبخت آنهائیند که خود را مطیع پیش آمد نموده و با هر ناملایمی بسازند در سلسله سلاطین قاجار هفت نفر سلطنت نمودند که از آنها فقط دو نفر پادشاه نامی شده‌اند اول مظفرالدین شاه است که در سلطنت او آزادی نصیب ملت شد و بعد احمدشاه است که تن به اسارت نداد و از سلطنت گذشت ای کاش که این پادشاه جوانبخت به کودتا تسلیم نمی شد و زودتر مقام را ترک می‌کرد. از شاه جوابی نرسید و معلوم نبود که با نظریات من موافقت می‌کند و مرا به ایالت فارس باقی می‌گذارد یا اینکه منتظر است قوام الملک از فسا بیاید و افکار عمومی را ساکت کند و بعد استعفای مرا قبول نماید چون احساسات روز‌به‌روز بیشتر مردم که آشوب‌طلب می خواستند از اوضاع سوء استفاده کنند مقاصد خود را انجام

دهند برای جلوگیری از اغتشاش در حوزه ایالتی و تحریکات متنفذین در ۲۴ حوت از اعیان شهر این پیشنهاد رسید:

شیراز ٤ رجب ۱۳۳۹ مطابق ٢٤ حوت ۱۲۹۹

(بعد از عنوان چون پاره‌ای بی‌نظمی ها در اطراف این ایالت شروع شده سارقین دست به کار هرزگی و شرارت زده در ظرف این چند روز چندین اتفاق غیرمنتظر افتاده و نا امنی دارد انتشار پیدا می‌نماید و در این موقع بعضی هنگامه‌طلب ها ممکن است برای تائید بی‌نظمی و به‌هم‌خوردگی به‌بعضی عملیات بپردازند لازم است تلگرافاتی که به تلگرافخانه فرستاده می شود در تحت نظر ایالت باشد استدعا می شود به‌ریاست تلگراف‌خانه مرکزی امر و مقرر فرمائید تلگرافاتی که به نقاط گفته می شود قبل از اینکه به‌نظر کارگذاران حضرت اشرف عالی برسد مخابره ننمایند و تلگرافات مخل نظم و صلاح مملکت را توقیف فرمایند. ابوالقاسم نصیرالملک ــ مؤیدالملک ــ محمد باقر لطفی ــ نوری فضلعلی ــ رئیس نظمیه و سه امضاء دیگر)

پس از اینکه پیشنهاد مزبور اجرا شد آقای ماژرمید قونسول انگلیس مرا ملاقات و اظهار نمود که آقایان سردار فاخر و مشارالدوله تلگرافی از طهران به شیراز مخابره نموده‌اند که به‌مقصد نرسیده است من جواب دادم نظارت رئیس تلگرافخانه راجع به تلگرافی است که از شیراز به‌خارج مخابره می شود و در تلگرافی که از خارج به شیراز می‌رسد حق تفتیش ندارد و باید بلادرنگ آنها را به مقصد برساند معلوم شد که اظهارات من ایشان را متقاعد نکرد و بعد این مراسله را به‌من نوشتند.

«فدایت شوم واقعاً از زحمت دادن به حضرت اشرف خجالت می‌کشم اما چاره ندارم عرض شود که چند روز قبل خدمتتان عرض کردم که از قراری که جناب وزیر مختار فرموده بودند بنا بود که آقای سردار فاخر و مشارالدوله یک تلگرافی کنند به‌جناب آقای حشمت الممالک آن‌وقت از ایشان پرسیدم که همچو تلگراف رسیده است یا خیر فرمودند که هنوز خیر چند روز که گذشت از جائی شنیدم که واقعاً رسیده بود ولیکن به آقای مزبور ندادندش حالا هم وزیر مختار سئوال می‌کند که تلگراف رسید یا خیر خدمت ایشان چه جواب بدهم اگر از جائی جلوگیری از دادن این به صاحبش شده باشد تا یک اندازه برای این‌جانب جواب دادن به وزیر مختار مشگل است چه کنم دوستدار شما ماژرمید.»

من یقین دارم که آقایان مخابره کنندگان تلگراف با تقاضای آقای وزیر مختار انگلیس موافقت نموده تلگرافی به شیراز مخابره نکرده‌اند و الا سهل بود که به اسم کمپانی که آن‌وقت دایر بود و تحت تفتیش ایالت هم نبود تلگراف دیگری مخابره کنند و قونسول انگلیس را از من مکدر ننمایند دو روز بیشتر به عید نمانده بود که چند نفر از اعیان من جمله مرحوم نصیرالملک که قبل از اینجانب به‌علت تقصیر سیاسی در حبس بود به‌ملاقات من آمدند و پیشنهاد نمودند که روز اول سال سلام منعقد شود و نظریه خود را این‌طور بیان نمودند که چون قشون جنوب را رسماً دولت شناخته است اگر سلام منعقد نشود مخالفتی است که با قشون جنوب و دولت هردو می شود و ممکن است که دولت به قشون نامبرده دستوراتی دهد و بدبختی های سابق ما باز تجدید شود اگر شاه استعفای شما را قبول کرد همه باید از قشون جنوب که قشون ایران شده اطاعت کنند و اگر ننمود شما می‌توانید باز نظریات خود را تعقیب کنید این بود که روز اول حمل سلام منعقد شد و دویم حمل هم شاه استعفای مرا به‌موجب این تلگراف قبول کرد.

از تهران به شیراز بعد از عنوان استعفای شما از ایالت فارس به‌تصویب جناب رئیس الوزراء قبول شد لازم است کفالت امور ایالتی را به قوام‌الملک تفویض نموده فوراً حرکت نمائید.»

چون شاه به‌فوریت احضار نمود و ظن قوی بود که آقای سید ضیاء‌الدین طباطبائی مرا توقیف کند متجاوز از چهل روز در قریه سیدان که تا شیراز ۱۶ فرسخ است ماندم و در این اثنا از آقای آرمیتاژ اسمیت کارتی رسید مشارالیه پس از انعقاد قرارداد وثوق‌الدوله به سمت مستشاری در مالیه ایران دخالت داشت کابینه مشیرالدوله که بعد از کابینه وثوق‌الدوله تشکیل شد از نظر اینکه قرارداد اجرا نشود او را به لندن فرستاد که شرکت نفت جنوب را تفتیش کند و آقای سید ضیاء‌الدین طباطبائی با اینکه قرارداد را الغا نموده بود آقای آرمیتاژ را برای تصدی شغل سابق به تهران احضار نمود و باز در وزارت مالیه دخالت داد مقصود آرمیتاژ از فرستادن کارت این بود که مرا ملاقات کند و من هم برای اینکه زمامداران وقت به این ملاقات محملی نبندند و آن را پیراهن عثمان نکنند و به‌من

زحمت نرسانند امتناع نمودم.

چون برای ورود آقای نصرة‌السلطنه قائم‌مقام من زمینه تهیه شده بود و در ۱۸ ثور ایشان وارد شیراز شدند دیگر صلاح ندانستم که در خاک فارس بمانم به‌قصد طهران حرکت نمودم در قهپار امنیه ناشناسی را دیدم که مرا از دستور دولت مطلع کرد و گفت که اگر در اصفهان بمانم اداره امنیه مرا توقیف می‌کند و چنانچه از شهر خارج شوم به‌مرکز اطلاع می دهد که به‌واسطه عدم توقف من در اصفهان دستور بلااجرا ماند این بود که از شهر گذشتم و در قریه گز که سه فرسخ است تا اصفهان سه روز ماندم و با بلدی که آقای غلامحسین بختیار سردار محتشم فرستاده بودند وارد چهارمحال شدم و چند روز بعد کابینه سیاه سقوط کرد.

در ۱٤ جوزی ۱۳۰۰ تلگرافی از قوام‌السلطنه رسید که مرا برای پست وزارت مالیه به شاه معرفی کرد پس از ورود به تهران آقای آرمیتاژ که خود را عضو وزارتخانه من می دانست به‌دیدن من آمد قیافه ایشان به‌قدری شریف و جذاب بود که می‌گفتم ایکاش منافع متعارضه بین ما نبود و می‌توانستم با ایشان همکاری کنم نه می خواستند از مالیه ایران دور شوند و نه حب وطن به‌من اجازه می داد که ورود ایشان را در مالیه تصدیق کنم و قرارداد ازبین رفته را تجدید نمایم کابینه قوام‌السلطنه هم که خواست ما را دست به‌دست دهد نتوانست شرح قضیه این است که می خواست اوراقی به امضای آرمیتاژ و من منتشر شود که سرمایه‌داران خارجی و داخلی به امضای ما دو نفر اعتماد کنند و آنها را خریداری نمایند و گره از کار وزارت جنگ که احتیاج مبرمی به وجه داشت بگشایند مرا به هیئت دولت دعوت نمود و با اینکه سردارسپه مایل بود این کار بشود و در هیئت دولت هم بود که از ایشان ملاحظه کنم امتناع نمودم و مدتی بعد که با ایشان در امور مملکتی مذاکره می شد به‌من گفت که از جواب شما در آن جلسه طوری عصبانی شدم که می خواستم همانجا با شما گلاویز شوم گفتم اگر می شدید در من اثری نمی‌کرد زیرا به‌هیچ قیمتی حاضر نمی‌شدم که مستشار انگلیسی در امور مالیه دخالت کند و قرارداد را تجدید نمایند.

چند ماهی کار وزارت مالیه بدون وزیر می‌گذشت و آرمیتاژ هم برای این که میخش محکم شود کار جدی نمی‌کرد و امور به کام دوستان می‌گشت بعد از آن که آرمیتاژ مایوس شد قصد حرکت نمود و روزی که به بازدید او رفتم از من طوری پذیرائی کرد که هیچ وقت فراموش نمی‌کنم و یقین دارم که اگر با او موافقت می‌کردم عشری از اعشار آن احترامات را به‌من نمی‌کرد اینجاست که باید به‌عظمت اخلاقی ملت انگلیس پی برد از آنچه گذشت معلوم شد که آقا در بیانیه خود قرارداد را الغاء نمود و بعد آن‌را عملاً اجرا کرد.

آقا در تلگراف ٦ حوت می‌نویسد «با قشونی که تحت امر دارم هر مانع و مشکلی را به‌هیچ می شمارم» معلوم نیست این قشون به‌چه ترتیب تحت امر او درآمد بسیار مشکل است که کسی صاحب‌منصب نظامی نباشد و مرکز اتکائی هم نداشته باشد و قشون که تحت سرپرستی اسمایلز انگلیسی است مطیع خود کند و موقعی که وارد تهران شد قشون مرکزی مقاومت نکند و ساکت بماند و شاه هم تسلیم شود اگر این قشون تحت امر آقا بود چرا رئیس آن خود را در عرض آقا گذاشت و بیانیه‌ای مثل بیانیه خود آقا داد آیا می شود گفت که به کمک دسته قزاقی که تحت امر خارجی است انقلاب کنند و ملت را به‌راه راست دلالت نمایند؟

آیا به‌وسیله یک بیانیه پوچ می‌توان انقلابی شد و یا اینکه دعوی اصلاحات کرد کدام آدم بی‌بصیرتی است که به‌این حرف‌ها گول بخورد اگر فرمایشات آقا اساس داشت و اگر نظریاتشان در خیر مملکت بود چرا رجال وطن‌پرست را توقیف و حبس نمود؟

اشخاص وطن‌پرست ملت را حقیر نمی‌کنند و به‌افکار عمومی احترام می‌گذارند تا در بروز حوادث آنها را پشتیبان خود کنند و هرکس که به ملت خود احترام نکرد پشتیبان او جای دیگر است.

به‌اتکای قوای خارجی قیام نمودن و به‌روی هموطنان تیغ کشیدن و آنان را توهین کردن و حبس نمودن کار وطن‌پرستان و آزادمردان نیست.

آقا را چه واداشت که پیرامون این عملیات برود و چه باعث شده بود که صالح و طالح را حبس کند و در اصلاحات باید اشخاص بد را از کار خارج نمود و محاکمه و محکوم کرد.

اگر مقصود انقلاب بود خوب است آقا توضیح دهد که در

ایران زمینه برای چه انقلابی حاضر بود و با چه اشخاصی می‌خواست هادی انقلاب شود و روزگار ثابت کرد نه مصلح بود و نه انقلابی و مأمور بود کابینه محللی تشکیل دهد تا از ترس او مردم به‌سردار سپه ملتجی شوند و به او اهمیت بدهند تا او به‌مقصود خود برسد.

هرگاه قانون مجازات عمومی در آن زمان بود آقا را من روانه دادگاه می‌نمودم چون قانون نبود و عقاب بلا بیان هم بی‌مورد است آقا مشمول فقره دهم از ماده ۱۲ قانون انتخابات است که «مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند حق انتخاب شدن ندارند»

در آخر دوره ششم که انتخابات دوره هفتم شروع شده بود و دولت مداخله می‌کرد توسط مرحوم تیمورتاش از شاه وقت ملاقات خواستم و اظهار نمودم که اگر دولت می خواهد برخلاف مصالح مملکت اقدام کند و قرار و قراردادی منعقد نماید و مثل اینکه وثوق الدوله از نظر گذشتن قرارداد در انتخابات دوره چهارم مداخله کرد البته انتخابات دوره هفتم هم باید آزاد نباشد ولی اگر شاه مقصودی غیر از اصلاح مملکت ندارند خوب است که در انتخابات مداخله نکنند تا نمایندگان حقیقی مملکت به مجلس وارد شوند و از مصالح عمومی دفاع نمایند.

شاه تیمورتاش را خواست و از او سئوال کرد که مگر در انتخابات مداخله می‌کنید؟ جواب داد نه!

پس از آن گفت دکتر مصدق را قانع کنید جعلیات را تکذیب کنید! در اطاق تیمورتاش از انتخابات تهران که دخالت دولت در آن اظهر من الشمس بود مذاکره شد چنین اظهار نمود که در حضور اعیحضرت غیر از آنچه گفتم چیز دیگری نمی‌توانستم بگویم بیائید با هم صلح کنیم و لیست مشترکی که شش نفر از دولت و شش نفر از ملت باشند (مدرس، مشیرالدوله، مستوفی الممالک، موتمن الملک، تقی‌زاده، دکتر مصدق) ترتیب دهیم و قضیه را به این طریق حل کنیم چون راه حلی که مرحوم تیمورتاش پیشنهاد نمود با نظر من که آزادی انتخابات بود تطبیق نمی‌کرد انتخابات همانطوری که دولت می خواست جریان خود را طی کرد.

معروف است که بعداز خاتمه انتخابات مرحوم مدرس از رئیس شهربانی وقت پرسید که در دوره ششم من قریب ۱۴ هزار رأی داشتم در این دوره اگر از ترس شما کسی به‌من رای نداد پس آن رأیی که من به‌خودم دادم کجا رفت؟

این است مختصری از مفصل انتخابات آن دوره و ادوار بعد طرز ورود آقا بعد از ۲۲ سال به ایران و اینکه فوراً از یزد انتخاب شدند ثابت می‌کند که آقا باز برای کاری مامور هستند بسیار جای تأسف است که وعده‌های سهیلی و تدین راجع به‌عدم دخالت در انتخابات لباس عمل نپوشید و درهرکجا هم تحت نفوذ واقع نشدند انتقادات بسیار نمودند و ناموس مملکت را به‌باد دادند ایکاش این‌قبیل اشخاص یک روز دیگر اگر می شد شاگرد دبستان سید یزدی بودند شخص موثقی نقل می‌کرد که در زمان صدارت حاج میرزا حسین سپهسالار او را خواست و گفت که چون تو اولاد رسولی توبه کن تا نزد شاه از تو شفاعت کنم سید یزدی گفت من دزدم ولی راستگو و صدیقم و تاکنون با کسی عهدی ننموده‌ام که از آن تخلف نمایم من از مرگ هراسی ندارم من می خواهم کشته شوم و کسی را به‌دروغ امیدوار نکنم من به‌دوستی و راستی ایمان دارم و خود را فدای عقیده می‌نمایم.

من نمی‌توانم عهدی ببندم که بعد وفا ننمایم هرقدر سپهسالار اصرار نمود اظهار ندامت نکرد ایکاش می‌گفت گوش دروغگو را باید برید تا صورتاً هم مصداق حقیقی (ومن یشا به‌آیه فما ظلم) باشد.

نظریات من در عدم صلاحیت آقا و طرز انتخابشان معلوم شد ولی ممکن است کسانی که از دوره دیکتاتوری استفادات کلی نموده و باز خواهان آنند اینطور اظهار کنند که مملکت محتاج اصلاح است و از خود گذشته هم کسی نیست پس باید با آقا موافقت نمود که ما را به شاهراه ترقی هدایت کند جواب آنها این است که جامعه را با دو قوه می شود اصلاح کرد قوه اخلاقی که مخصوص پیغمبران و خوبان است و قوه مادی ما که از نیکان نیستیم پس آقا باید بگوید که با کدام قوه می‌تواند خود را به مقصود رساند.

آیا کسی هست بگوید که مرکز اتکاء آقا ملت ایران است به‌خاطر دارم که سردارسپه رئیس الوزراء وقت در منزل من با حضور مرحوم مشیرالدوله و مستوفی الممالک و دولت‌آبادی و مخبرالسلطنه و تقی‌زاده و علاء اظهار کرد که مرا انگلیس آورد و ندانستند با کی سروکار پیدا کردند آنوقت نمی شد در این

باب حرفی زد ولی روزگار آن‌را تکذیب کرد و به‌خوبی معلوم شد همان‌کس که او را آورد چون دیگر مفید نبود او را برد.

دیکتاتور با پول ما و به‌ضرر ما راه‌آهن کشید و بیست سال برای متمقین امروز ما تدارک مهمات دیده عقیده و ایمان و رجال مملکت را از بین برد املاک مردم را ضبط و فساد اخلاق را ترویج و اصل ۲۸ قانون اساسی را تغییر داده و قضات دادگستری را متزلزل کرد و برای بقاء خود قوانین ظالمانه وضع نمود چون به کمیت اهمیت می داد بر عده مدارس افزود به کیفیت عقیده نداشت سطح معلومات تنزل کرد کاروان معرفت به اروپا فرستاد سجیه آنها را ناتوان و معدوم کرد.

اگر به‌تدریج که دختران از مدارس خارج می شدند حجاب رفع می شد چه می شد رفع حجاب از زنان پیر و بی‌تدبیر چه نفعی برای ما داشت.

اگر خیابان‌ها اسفالت نبود چه می شد و اگر عمارت‌ها و مهمانخانه‌ها ساخته نشده بود به کجا ضرر می‌رسید من می خواستم روی خاک راه بروم و وطن را در تصرف دیگران نه بینم، خانه در اختیار داشتن به از شهری است که دست دیگران است. این است کار سیاستمداران وطن‌پرست که کسی را آلت اجرای مقصود قرار می دهند و پس از اخذ نتیجه از بردن او به‌مردم منت می‌گذارند.

برفرض که با هواخواهان این رژیم موافقت کنید و بگوئیم دیکتاتور به مملکت خدمت کرد درمقابل آزادی که از ما سلب کرد چه برای ما کرد.

اگر موجب ارتقاء ملل حکومت استبدادی است دولت انگلیس و امریکا روی چه اصلی حائز این مقام شده‌اند اگر رژیم دیکتاتوری سبب ترقی ملل بود چرا دول محور از بین می‌روند هیچ ملتی در سایه استبداد به‌جایی نرسید آنها که دوره ۲۰ ساله را با این دوره که از آزادی فقط اسمی شنیده‌ایم مقایسه می‌کنند و نتیجه منفی می‌گیرند در اشتباهند زیرا سال‌ها لازم است که‌به عکس العمل دوره ۲۰ ساله خاتمه داده شود.

دیکتاتور شبیه به پدری است که اولاد خود را از محیط عمل و کار دور کند و پس از مرگ خود اولادی بی‌تجربه و بی‌عمل بگذارد پس از مدتی لازم است که اولاد او مجرب و مستعد کار شوند یا باید گفت که در جامعه افراد در حکم هیچ اند و باید آنها را یک نفر اداره کند این همان سلطنت استبدادی است که بود مجلس برای چه خواستند وقانون اساسی برای چه نوشتند و یا باید گفت که حکومت ملی است و تمام مردم باید غمخوار جامعه و در مقدمات آن شرکت نمایند در این صورت منجی و پیشوا مورد ندارد.

اگر ناخدا یکی است هروقت که ناخوش شود کشتی در خطر است و وقتی که مرد کشتی به‌قعر دریا می‌رود ولی اگر ناخدا متعدد شد ناخوشی و مرگ یک نفر در سیر کشتی مؤثر نیست آقا اگر غمخوار این ملتند و به ترقی و تعالی وطن معتقدند و نمی خواهند به‌عناوین هیچ و پوچ به‌آتش نفاق دامن زنند باید خود را فوق دیگران ندانند و بگذارند که در سایه آزادی جامعه خودش کشتی متلاطم را به‌ساحل نجات رساند.

ما نمایندگان باید قبل از هرچیز به‌ایران نظر کنیم و منافع عموم را به منافع شخصی خود ترجیح دهیم ما همه اهل یک مملکت و زاده یک وطنیم ما باید کاری کنیم که قواعد مملکت صرف خیر و صلاح شود ما باید بدانیم که نفاق برای ما بسیار مضر و گران است یک‌وقتی از فرط نادانی و جهل در شیخی و متشرعی اختلاف داشتیم زمان دیگر در استبداد و مشروطه مباحثه نمودیم پس از آن اختلاف در آزادی و دیکتاتوری و بعد تغییر فورم بود اکنون باز برای اصلاحات معنویات دچار تغییر کلاه شده‌ایم.

آقا وقتی می‌توانند کار کنند که در مجلس را ببندند و یا آن‌را قرق کنند و مثل ایام کابینه سیاه جراید را تعطیل کنند با این مجلس که می خواهد ثابت کند طلیعه آزادی است کار آقا بسیار دشوار است به‌عقیده من باید از خود رفع زحمت کند. واز مجلس برود و غیر از این راه دیگری ندارد.

آنهائی که می‌گویند در نهم آبان ۱۳۰۴ من توانستم اوضاع وخیم بیست ساله را پیش بینی کنم و دیگران نتوانستند بیان واقع نیست من از جان خود گذشته و هم‌قطارانم از دادن یک رای نخواستند امتناع کنند باز من آتیه را می‌گویم خدا کند که این‌دفعه با من همراه باشند آقا مثل نهر کوچکی است که به رود تیمس متصل شده باشد هرقدر که آب از نهر پیش برود بر توسعه نهر می افزاید و آب زیاد مساحت زیادی را فرا می‌گیرد اگر امروز با خاک می شود از عبور آب جلوگیری نمود اعتبارنامه ایشان که تصویب شد و حزب حلقه که بر شعبات خود افزود وقوت گرفت با توپ جدیدالاختراع این جنگ هم

نمی‌شود مقاومت کرد.

آقا امروز از آزادی مطبوعات صحبت می‌کند و از اصلاح معنویات نمی دانم مقصودشان چیست سخن می‌راند ولی میخ خود را که محکم نمود زمینه دوره شوم دیگری را تهیه و جامعه را گرفتار خواهد کرد.

چه ضرورت دارد که ما امروز خود را گرفتار کنیم وچه لزومی دارد که هموطنان را نگران نمائیم آقایان نمایندگان بیائید دوره بدبختی را تکرار نکنید بیائید به جامعه ترحم نمائید جوانان روشن‌فکر مملکت را دچار شکنجه و عذاب ننمائید بیائید علمداران آزادی را به‌دست میرغضبان ارتجاع نسپارید بیائید ثابت کنید که این مجلس خواهان عظمت و بزرگی ایران است.

آقای سید ضیاء الدین - خدا را شکر که زنده مانده‌ام تا در روزهای محنت وطن ندای هموطنان را شنیده جان بی‌مقدار خود را در طبق اخلاص نهاده تقدیم نمایم. پس از بیست و سه سال غربت از ایران، پس از بیست و سه سال عزلت و انزوا و آوارگی امروز افتخار دارم در این محوطه ای که خاطره های شیرین و تلخ و فراموش نشدنی از آن دارم حضور پیدا کنم.

امروز اگر تیرهای تهمت، بدنامی، افترا، ناسزا به‌من پرتاب می شود افسرده نیستم زیرا سی‌وهفت سال پیش با همین اسعد (اشاره به آقای رئیس مجلس) با پدر این اسعد با برادر همین اسعد و با هزاران آزادی‌خواه دیگر در همین محل از دهانه های توپ، گلوله بر سر ما می‌بارید و ما تحمل کردیم و امید خود را از آتیه ایران سلب نکردیم بطوری که آقایان می دانند بیست و سه سال بود از ایران دور بودم و خیال مراجعت را نداشتم پس از وقایع شهریور دوستانم از تهران و ولایات به‌من مراجعه کردند و تقاضا نمودند که به ایران برگردم، خودداری کردم، شش ماه، یک‌سال، دوسال گذشت بالاخره چونکه همیشه جوانمرد بودم و جوانمردی را صفت خود و آباء و اجداد خود می دانستم دیدم سرزمینی که مرا تربیت کرده، بزرگ کرده من به او قرض داشتم و در حد اقل دعوت دوستانم را باید بپذیرم این بود که به ایران مراجعت کردم.

پس از مراجعت به ایران در خیال این نبودم که وکیل شوم یا وزیر شوم و یا رئیس الوزراء شوم یا رئیس مجلس شوم هیچکدام از اینها نبود ۲۳ سال قبل که رئیس الوزراء فعال مایشاء ایران بودم اگر می‌خواستم اگر مایل بودم این درجه فهم و ادراک در من بود این درجه از بازی های تهران واقف بودم که با این وآن بسازم و در همان مسند باقی باشم ولی من نخواستم به‌قیمت خرابی ایران به‌قیمت محویک ملتی زمامدار شماها باشم این بود که طالب نبودم و ترک کردم و رفتم پس از ورود من به تهران شنیدم اهالی یزد مرا به‌سمت وکالت مجلس شورای ملی انتخاب کرده‌اند، تعجب کردم زیرا چنانچه عرض کردم قصد اشغال مقامی را نداشتم گفتم بعد از ۲۳ سال مردم ایران مملکت محنت‌زده خود را به‌بینم اگر توانستم خدمتی می‌کنم اگر نتوانستم خدمتی بکنم یا در ایران می‌مانم یا چنانچه ۲۳ سال از این مملکت دور بودم باز هم مراجعت می‌کنم خبر وکالت بنده از یزد مرا تکان داد ولی نمی خواستم قبول کنم زیرا به کسی ننوشته بودم و از هیچ یک از رفقا و دوستان خودم یا اهالی یزد تقاضا نکرده بودم در همین حال دچار یک محظوری شدم و آن این بود که ۳۲ سال قبل اهالی یزد پدر مرا به‌سمت وکالت مجلس شورای ملی انتخاب کردند ۲۴ سال پیش هم خود من وکیل شدم که وقایع کودتا پیش آمد.

این مرتبه سوم بود اخلاقاً نمی‌توانستم به اهالی یزد بگویم: که من شانه خود را از زیر بار مسئولیت خالی می‌کنم اصرار اهالی یزد و تلگرافات متوالی که به‌من مخابره کردند و اصرار دوستانم باعث شد که من وکالت را قبول کردم به‌علاوه یک دلیل دیگری هم داشت در ۲۴ سال پیش روزی که از خود گذشتم و وجود خود را مؤثر در نجات و استقلال ایران قرار دادم روز خطر بود امروز هم روز خطر بود چونکه خطر را دیدم آمدم اینجا بایستم برای اینکه اگر بتوانم به‌ملت خودم به وطن خودم به ایران عزیز خدمت بکنم و چنانکه عرض کردم مدعی هستم وجود من مؤثر در سیاست و استقلال ایران بود و عنقریب به‌فاصله چند دقیقه آقایان خواهند شنید (خطاب به آقای دکتر مصدق- اگر صدای بنده یک‌قدری بلند است برای این است که حضرت‌عالی بشنوید) از دوماه به این طرف شنیده شد که با اعتبارنامه من مخالف هستند.

دوستان من نگران بودند من هم نگران بودم ولی نگرانی من از این بود که مبادا اعتبارنامه من با سکوت و خاموشی بگذرد و مجبور شوم از یکی از دوستانم خواهش کنم با اعتبارنامه من مخالفت کند زیرا اگر مخالفت نمی شد یک

حقایقی را نمی‌توانستم بگویم ممنونم از صمیم قلب که این زحمت را حضرت‌عالی و بعضی از آقایان دیگر از من رفع فرمودید.

چون منتظر چنین روزی بودم زیرا ۲۳ سال سکوت کردم هر دشنامی هر ناسزائی هر تهمتی هر افترائی را قبول کردم و حاضر نشدم برای وجاهت خود برای تبرئه خود اسراری را فاش کنم که مصالح عالیه ایران را به‌خطر اندازم. ۲۴ سال تحمل، ۲۴ سال صبر کافی بود آقای دکتر مصدق‌السلطنه بزرگ‌ترین فداکاری من در دوره زندگانی من این بود که سکوت کردم و آنچه را که می‌دانستم نگفتم و پرده حقایق را پاره نکردم و آقایان بعضی‌ها می‌گویند چرا درعرض مدت بیست سال که از ایران دور بوده‌ام سکوت کرده‌ام در روزهائی که بدبختی‌های ایران را دیدم چرا صدای خود را درنیاوردم اکنون دلیلش را به جنابعالی و آقایان عرض می‌کنم، تا چهار سال پنج سال بعد از کودتا تمام جراید، مجلس شورای ملی، جوان‌ها، پیرها، روشن‌فکرها، تاریک‌فکرها همه از اوضاع راضی بودند، شکایتی نبود پیش آمد کودتا سبب خوشبختی و اصلاحاتی که در مملکت شده بود مایه امیدواری آتیه بود که من در مملکت خارجه بودم جز ایرانیانی که به‌اروپا برای تحصیل یا گردش می‌آمدند کسی را نمی‌دیدم همه اظهار مسرت از پیش آمدها می‌کردند و بعضی هم راست یا دروغ اظهار تأسف می‌کردند که دست شما از بازیگری در بازی‌های ایران کوتاه شد.

این احساسات مردم و ملت بود این ترتیب باقی بود تا زمان تغییر رژیم سلطنت تا آن تاریخ دلیل نداشت که من در ممالک خارجه بوده از وطن خودم در خارجه حرفی بزنم از ۳۰۵ تا ۳۱۰ باز آثار ظاهریه خوب بود و اگرچه در معنی و باطن بعضی‌ها ناراضی بودند لکن به‌طور کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودند و مخصوصاً سالی دویست نفر محصل و جوان‌ها به‌اروپا می‌آمدند و آمدن این جوان‌ها نتیجه ثمره نخلی بود که من کاشته بودم.

می‌دیدم خیلی خوب هرسال جوان‌ها می‌آیند تحصیل می‌کنند، هرسال چندصد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند.

پس دلیل نداشت تا سنه ۱۳۱۰ شکایتی بشود اما از سنه ۱۳۱۰ به بعد که دیکتاتوری در ایران تشکیل شد وضع مملکت به‌جائی رسیده بود که اگر در پاریس یک روزنامه فرانسوی دو سطر بر ضد شهریار ایران می‌نوشت فردا دولت مناسبات خود را با ملت فرانسه قطع می‌کرد. سفارت ایران را از پاریس احضار می‌کردند و سفارت فرانسه را از ایران بیرون می‌کردند.

آن رعب که تهران را گرفته بود در خارج هم تاثیری داشت درنتیجه یک همچو موقعی من کجا می‌توانستم چیزی بگویم یا صدای خود را دربیاورم یا بنویسم و وقتی که نوشتم به‌چه وسیله‌ای به‌ایران بفرستم و یا وقتی که فرستادم چندصد نفری که کاغذهای من به‌آنها می‌رسد به محبس نیفتند پس من اگر این کارها را نکردم خدمتی به‌ایران کرده‌ام (صحیح است).

اما راجع به آقای دکتر مصدق و اظهاراتی که فرمودند من انتظار نداشتم که ایشان در ضمن صحبت از یک حدودی که محاورات رجال سیاسی آنها را قبول کرده‌اند خارج شوند و من منتظر نبودم که یک چیزهائی را به‌من بگویند که من یک چیزهائی را برخلاف میل خودم عرض کنم و به‌جناب آقای رئیس مجلس اطمینان می‌دهم که آنچه عرض می‌کنم به‌قصد اسائه ادب نیست و اگر یک حقایقی به‌خودی‌خود وقیح است تقصیر من نیست آقای دکتر را بنده می‌دانم و سابقه هم دارم با من غرض شخصی داشتند جز غرض شخصی چیز دیگری نبود این غرض شخصی ایشان در جای خود باقی است ولی ایشان یک نکته‌ای را فراموش کردند فرمودند وقتی اینجا تشریف آوردند که بیست سال بود از ملت ایران دور بودند این ادعای ایشان هم صحیح است به‌این معنی که خیال می‌کنند هنوز مردم ایران را با عوام‌فریبی می‌شود اغفال کرد غافل بودند که در این مجلس شورای ملی عناصر مشخص و ممیزی هستند که اعمال فداکارانه را از اظهارات عوام‌فریبانه جدا می‌کنند این حقیقتی است که با آقای دکتر مصدق‌السلطنه یک اختلاف اساسی موجود است و آن این است که من از بدو زندگی خود عوام فریب نبوده‌ام و عوام‌فریبی را بزرگترین خیانت به هیئت اجتماعیه می‌دانم، اگر آقای دکتر مصدق‌السلطنه و امثال ایشان عوام‌فریب نبودند و حقایق را به مردم می‌گفتند ایران سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد.

در جنگ بین‌المللی در ۱۹۱۴ که مخاطراتی متوجه ایران شد فقط سید ضیاءالدین بود که در روزنامه اعلام کرد ایران نباید با دولت روس و انگلیس جنگ بکند و از در ستیزه درآید.

بی‌عدالتی‌های آنها را تحمل کنند و صبر کنند و منتظر

روز بهتری شوند شما و امثال شما آقای دکتر مصدق برای وجاهت خودتان، برای اموال خودتان، برای منفعت خودتان که از مستوفی‌گری و خرید خالصه و کاغذسازی وچه وچه جمع کرده‌اید خواستید آنها را حفظ بکنید صدایتان را درنیاوردید حقیقت را به مردم نگفتید مردم را گمراه کردید و ایران را به‌جنگ، به‌آن ویرانی و فلاکت و ادبار انداختید روزهائی که جنگ تمام شد آقای دکتر مصدق ایران ویران، ایران سرگردان، ایران گرسنه جز شما چند نفر وجهای نالایق چیز دیگری نداشت.

بلی آقای مصدق السلطنه در دوره‌های پیش هیچکس جز من از همه چیز نگذشت درمقابل هوچی ها و نادانان ولی امروز دوره عوام‌فریبی دوره اغفال، دوره سکوت گذشته است آن روز درنتیجه تحریکات و خیال امثال شما عده‌ای از وطن‌خواهان نتوانستند مرا یاری کنند. البته هرکس آزاد است تمام اهالی مملکت برادران من از دوست و دشمن همه آزاد هستند نسبت به من هر فکری می خواهند داشته باشند ولی کسانی‌که بی‌غرض هستند کسانی که مدعی هدایت افکارند کسانی که در مسئولیت مقدرات مملکت شریک هستند می‌بایست قبل از اتخاذ تصمیم از من توضیح بخواهند، ازمن علت و موجبات وقایع را بپرسند پس از آنکه شنیدند اگر قانع شدند واضح می شود اگر قانع نشدند آنوقت حق دارند که فحش بدهند و ناسزا بگویند هر نسبتی که می خواهند بدهند.

آقای دکتر مصدق السلطنه یکی از افتخارات من این بود که مقدماتی را فراهم آوردم که روزنامه‌نویس رئیس الوزراء بشود و ایران از دست شما سلطنه ها و دوله ها نجات پیدا کند.

بلی آقای مصدق السلطنه (دکتر مصدق - بله قربان) این سید ضیاء الدین بود که شماها را به‌چنگ آورد.

نمی‌گویم در همین دوره مشروطه همین مردم بدبخت اسیر چند تا سلطنه ها و دوله ها بودند دیگر سایر مردم وزن نداشتند، روزنامه‌نویس ها بودند که این بت ها را شکستند این خدمت را من به‌ایران کردم و شماها را لرزاندم که چطور یک روزنامه‌نویس رئیس الوزراء یا به‌عقیده شما صدراعظم ایران می شود.

ای خاک بر سر اشخاصی که این فرصت را برای سید ضیاء الدین تدارک دیدند و این سرنوشت را برای خود فراهم آوردند.

اما راجع به محبوسین اولاً کسی حبس نشد آقای مصدق السلطنه تحت نظر قرار گرفتن و حبس شدن دو مطلب است.

کسی حبس نشد تحت نظر قرار گرفت حالا فرض، کنیم حبس شد.

(دکتر مصدق السلطنه - استغفرالله)

شما می‌فرمائید استغفرالله دعوا نداریم یک نمکی هم در مجاورات باشدبدنیست. در مملکت ایران قبل از مشروطه و پس از مشروطه حبس کردن مردم یکی از امور عادی بود.

در دوره سابق حکام ولایات یا وزراء در تهران مردم بیچاره را حبس می‌کردند خود حبس کردن به‌خودی‌خود با آنکه برخلاف قانون بود و غلط بود امری بی سابقه نبود چیزی که بی‌سابقه بود این بود که سلطنه ها و دوله ها و ملک ها و ممالک ها را بگیرند این را تصدیق می‌کنم (خنده حضار)

افتخار پیدایش این سابقه با بنده است و تمام مسئولیت آن را به‌عهده می‌گیرم و اگر چندصد نفر از من رنجیده شدند و افسرده شدند هزارها ایرانی بدبخت که قرون متوالی در محبس این دوله ها، ملک ها، سلطنه ها، ممالک ها با هزار ذلت و بدبختی روزگار می‌گذراندند فهمیدند که می شود دوله ها و ملک ها و سلطنه ها را هم گرفت.

ملتفت شدید آقای دکتر مصدق السلطنه و اما اینکه چرا اینها حبس شدند. رئیس الوزرای وقت چنین تشخیص داد که برای مصالح عالیه مملکت و یک مقتضیاتی که بعد خواهید شنید یک عده‌ای بدون اینکه به‌جان آنها، به‌حیات آنها، به‌مال آنها تعرض شود در یک نقاطی تحت نظر قرار گیرند.

اگر جناب‌عالی می‌فرمائید چرا بد و خوب راباهم گرفتند مقصود دشمنی و عداوت نبود نخواستم مال کسی را ببرم چنانکه نبردم.

جز یک عده که سیاست مملکت را فلج می‌کردند و کارها را اداره نمی‌کردند و جز منفی‌بافی و عوام‌فریبی کار دیگری نمی‌نمودند آنها را دستگیر کردم.

در آن موقع دو موضوع مهم در پیش بود آقای مصدق السلطنه «بنده‌متاسفانه حافظه‌ام خوب نیست از این جهت است که شما را به همان اسم سابقتان خطاب می‌کنم»

دو موضوع مهم بود که برای حیات ایران و برای استقلال مملکت ایران تاثیر مهمی داشت یکی مسئله ارتباط با ممالک متحده شوروی و یکی مسئله قرارداد ایران و انگلیس بود این دو موضوع، این دو مسئله، این دو نکته آلت بازی و دسایس رجال تهران از دوله ها، ملک و سلطنه ها شده بود.

سه سال بود نمایندگان مجلس شورا متعاقب عقد قرارداد انتخاب شده بودند غالبشان هم در تهران بودند این وکلاء جرأت نداشتند مجلس شورای ملی را باز کنند.

سیاسیون تهران هم جرأت نداشتند حرف بزنند.

چرا؟

می‌گفتند خوب اگر مجلس شورای ملی باز شد قرارداد را قبول کنیم یا رد کنیم؟

کو آن مردی که قبول کند کو آن مردی که رد کند؟

پس بهتر این است که مجلس شورای ملی نباشد با شوروی که ۳ سال است به‌ما پیشنهاد کرده است که ما همسایه هستیم، دوست هستیم، عهدنامه ببندیم.

کو آن مردی که جرأت داشته باشد بگوید به‌بندیم و کو آن مردی که بگوید ما نمی‌بندیم پس بهتر آن است که ما جمع نشویم و صدایمان درنیاید.

این آقایانی که توقیف شدند حبس نشدند و تحت‌نظر بودند بطوری که می دانند قبل از ریاست وزرائی من بود ولی مسئولیت آن واقعه را من به‌عهده می‌گیرم شانه خالی نمی‌کنم چرا شانه خالی نمی‌کنم زیرا آن موقع آقای سردار سپه که بعد اعلیحضرت پهلوی شدند در کارها ما با هم مشاوره می‌کردیم و آنچه من می‌گفتم ایشان می‌کردند حالا که ایشان دور هستند من سزاوار اخلاقیم نیست که ایشان را مسئول بدانم نه.

مسئولیت او را خود من به‌عهده می‌گیرم و خودم را برای خاطر جنابعالی تبرئه نمی‌کنم حالا چرا؟

بعد صحبت می‌کنم و اما اینکه می خواستم جنابعالی را بگیرم حبس کنم.

(دکتر مصدق - تحت نظر می خواستید بگذارید)

سید ضیاء الدین - جنابعالی را به‌واسطه خیانتی که کردید می‌بایستی حبس کنم برای اینکه شما مجرم بودید شما می خواستید تمام‌عشایرفارس را بشورانید و اشرار را به شورش تحریک کردید شما خواستید برادرکشی بکنید شما مجرم بودید شما جانی بودید ولی چرا ترتیب اثر ندادم برای اینکه روحیه و قدرت فکری شما را می دانستم فکر شما فلج بود می دانستم با تمام فعالیت‌تان هیچ کاری نمی‌توانید بکنید و یک چیز دیگر هم بود که نخواستم این افتخار را به‌شما بدهم که به‌واسطه حبس شما شخصیتی برای شما قائل شوم.

دکتر مصدق - پس تلگرافات برای چه بود؟

سید ضیاء الدین - تلگرافات را برای این کردم که شما را به همکاری دعوت کرده باشم آقای دکتر مصدق‌السلطنه من فعال مایشاء بودم، در آن موقع در ایران از شما بزرگ‌ترها گردن کلفت‌ترها را گرفتم به حبس انداختم شما را نخواستم حبس بکنم، شما را هم می‌توانستم.

دکتر مصدق- نتوانستید؟

سید ضیاء الدین - نه اشتباه می‌کنید به شما تلگراف کردم که من برای ایران کار می‌کنم دست به‌دست هم بدهیم و این مملکت بدبخت را نجات بدهیم و منتظر بودم اول به‌جای اینکه شخصیت روزنامه رعد و کوچکی جسمی سید ضیاء را درنظر بیاورید عرایض او را تمنای او را التماس او را که به‌نام ایران است بشنوید و او را هدایت کنید راهنمائی کنید به این جهت آن تلگراف را کردم که اتفاقاً در عرض این ۲۲ سال این تلگراف برای جنابعالی یک سندی شد شما هرجا می خواستید کسب وجاهت بکنید این تلگراف را نشان می دادید این است که تلگراف سید ضیاء الدین را مدت بیست سال در این مملکت به این و آن نشان داده‌اید.

دکتر مصدق - تلگرافات دیگر هم هست.

سید ضیاء الدین - یکیش را نشان بدهید.

دکتر مصدق - بین خودمان باشد خلاصه پس از اینکه جنابعالی این تلگرافات را کردید آن اقدامات را کردید.

سید ضیاء الدین - چون من نمی خواستم برادرکشی بشود در تمام اهل ایران کسی با من مخالفت نکرد جز سرکار، تمام اهل ایران هیچ‌جا مخالف نبودند، سکنهٔ این مملکت از ولایات، دهات، ایلات عشایر، همه اقدام مرا و حکومت مرا تبریک گفتند.

دکتر رادمنش - جز آذربایجان و گیلان.

سید ضیاء الدین - آن وقت گیلان در تحت اشغال تشکیلات مختلط بود آقای دکتر رادمنش ملت گیلان در اظهار

فکر خودش آزاد نبود آیا نفهمیدید؟

دکتر رادمنش - اینجا مجلس روضه‌خوانی نیست ایشان حق ندارند به دکتر مصدق توهین بکنند؟

یعنی چه؟

رئیس - اینجا صحبت بین الاثنین نکنید هرکس حرفی دارد بعدحرف بزند.

سید ضیاء الدین - اما مسئله کودتا آقای دکتر مصدق السلطنه. قضایا را باید تفکیک کرد یکی صورت ظاهر امر است، یکی صورت باطن امر است.

اما صورت ظاهر امر این است که دسته‌ای از قوای قزاق در شب دوشنبه به تهران وارد شدند و شهر تهران را اشغال کردند و سه روز بعد من رئیس الوزرای تهران شدم یعنی اعلیحضرت مرحوم احمد شاه معین الملک را فرستاد به منزل من و مرا دعوت کرد و من رفتم به‌قصر فرح آباد و پس از دو ساعت مذاکره دستخط ریاست وزراء را با اختیارات تامه به‌من تفویض کرد راجع به قضایا تا ساعت ریاست وزرائی من شما فرصت داشتید درعرض این بیست سال سئوال کنید توضیح بخواهید، از مرحوم احمدشاه از فرمانده قوای قزاق و از افراد صاحب‌منصبان قزاق سئوال کنید و شما سئوال نکردید و در مجلس شورای ملی هم وکیل بودید از اعلیحضرت پهلوی که سردار سپه وزیر جنگ بودند و شما هم در این پارلمان بودید و به‌دفعات هم نطق فرمودید.

و نطقتان را من خواندم می‌بایستی بپرسید؟

چرا نپرسیدید؟

آنچه من مطلعم جرأت پرسش را نداشتید اما صورت باطن امر این است که می‌فرمائید من سبب این اوضاع هستم و من این اوضاع را فراهم کرده‌ام و چنانچه اخیراً فرمودید در آخر مذاکرات خودتان فرمودید با تحریک و دست دیگران من این کار را کردم برخلاف اظهار شما و بسیاری با آنکه چند ماه بعد از کودتا وقتی که آقای سردار سپه وزیر جنگ بودند اعلامیه منتشر کردند و مسئولیت کودتا را به‌عهده خود گرفتند و چون در آن موقع آن اعلامیه را در تهران دیدید و خواندید نمی‌بایست دیگر از من سئوال کنید ولی به‌علت آن اظهاری که کردم این مسئولیت را به‌عهده می‌گیرم توضیح می دهم برای اینکه بدانید چرا من مسئولیت را به‌عهده می‌گیرم وضعیت قبل از کودتا را باید در نظر بیاورید مملکت ایران در تحت اشغال قشون اجنبی بود در بعضی از ایالات ما یک تشکیلاتی بود که با حکومت مرکزی مشغول جنگ و ستیز بود در همان موقع خزانه مملکت خالی بود در همان موقع عده‌ای ازافراد قشونی و ژاندارمری و امنیه و نظمیه که در حدود چهل هزار نفر بود حقوق آنها هشت ماه و ده ماه عقب افتاده بود چندین‌صد نفر و چندین هزار نفر مهاجر از گیلان و مازندران آمده بودند که می‌بایست از خزانه دولت زندگانی کنند و چون در خزانه دولت پولی نبود همه ماهه وزراء و رئیس الوزراهای ایران باید به سفارت انگلیس ملتجی شوند برای دویست‌هزار تومان قرضه ماهیانه به‌اسم (موراتوریوم) گدایی بکنند و این دویست‌هزار تومان را بین این و آن تقسیم کنند عدلیه، نظمیه و امنیه و ژاندارمری هشت ماه مواجبشان عقب افتاده بود و تمام تشکیلات هیئت اجتماعیه مختل شده بود شاه مملکت که تازه از اروپا برگشته بود به‌واسطه این وضعیات و به‌واسطه خبر رفتن قشون انگلیس از ایران هراسان بود و مرحوم احمدشاه می خواست ایران را ترک کند و مراجعت کند و وقتی که گفته شد که چرا مراجعت می‌کنید گفت من در امان نیستم اگر قشون انگلیسی برود چگونه می‌توانم در پایتخت خودم که قشون و پلیس و ژاندارم ده ماه مواجب نگرفته‌اند زندگانی کنم و اگر متجاسرین به‌من هجوم کنند چکنم؟

احمد شاه مرحوم به سفارت انگلیس ملتجی شد از وزیر مختار انگلیسی تقاضا کرد که برای اینکه او بتواند در ایران بماند قشون انگلیس حرکت خودش را از ایران به‌تعویق اندازد.

مستر نرمان وزیر مختار انگلستان پس از مخابره با لندن به شهریار ایران جواب داد که چون مجلس مبعوثان انگلیس بودجه این قشون را تصویب نمی‌کند قشون نمی‌تواند در ایران بماند احمدشاه گفت حالا که قشون نمی‌تواند بماند من می‌روم. گفتند نباید بروی گفت حالا که نباید بروم پس در تهران نمی‌مانم مذاکره تغییر پایتخت به‌میان آمد و تهران گرسنه، تهران بیچاره تهران خواب‌آلود، دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌های غفلت کار و سیاسیون نادان همه خواب بودند و سرنوشت ایران در اقیانوس تلاطم و بدبختی واژگون بود.

آنوقت بود که سید ضیاء الدین همان سید ضیاء الدین که در بهار جوانی در ۱۸ سالگی خون خود را وقف ایران کرده بود

و اکنون ۳۸ سال زیادی زندگی می‌کند، آن سید ضیاء الدین آن روز به‌فکر شما بود به‌فکر زن و بچه شما بود، به‌فکر شهر تهران به‌فکر مملکت به‌فکر ایران افتاد از خود گذشت بالاخره رئیس الوزراء شد.

تمام اسرار کودتا را نمی‌توانم به شماها بگویم ادراک آقای دکتر بزرگ‌تر از این است که حقایق دیگری را بفهمند هرروز محکمه علیای عدالت ملی تشکیل شد اول کسی که برای محاکمه حاضر شود سید ضیاء الدین است. آنچه می‌گویم مدرک دارم. خلاصه رئیس الوزراء شدم اولین اقدام من تلگرافی بود به مرحوم مشاورالممالک سفیر کبیر ایران در مسکو که بدون تأمل عهدنامه شوروی را امضاء کنید.

اولین اقدام من این بود (دکتر مصدق - آه آه) دومین اقدام من الغای قرارداد ایران و انگلیس بود. می‌فرمائید این قرارداد ملغی بود تصدیق می‌کنم عملاً ملغی بود ولی یک وضعیت بغرنجی ایجاد کرده بود که افراد را خسته و وضعیت را فلج کرده بود.

ما ۶۰۰ هزار لیره پول داشتیم در بانک شاهنشاهی از بابت منافع عقب افتاده کمپانی نفت جنوب و این ۶۰۰ هزار لیره آنوقت شاید دو میلیون تومان می شد در حالتی که دولت ایران برای صدهزار تومان باید از سفارت انگلیس گدائی بکند. بانک شاهی این پول را نمی داد و در خزانه هم پول نداشتیم. از گمرک نمی‌توانستیم چیزی بگیریم. چون که وسیله نبود. تا دولت هم حرف می‌زد می‌گفتند آقا تکلیف قرارداد را معین کنید. یا بگیرید یا بدهید، قرارداد اگر عملی نشده بود ولی یک بغرنجی بود، یک مانعی بود که اولا افکار عموم را متزلزل داشت هیچ کس نمی دانست قرارداد هست یا نه؟ وکلاء نمی دانستند به مجلس شورای ملی که می‌روند آیا قرارداد را قبول کنند یا رد کنند.

من آمدم این را الغا کردم و اما اینکه فرمودید آیا از «لرد کرزن» مشاوره کردم و استیذان کردم این نکته‌بین خود ماست این نکته را دوله ها و ملک ها و سلطنه ها نمی‌فهمند این نکته را یک مدیر روزنامه می‌فهمد بدون مشاوره با دولت انگلیس بدون استشاره با سفیر انگلیس و لرد کرزن من با مسئولیت خودم این قرارداد را الغاء کردم یعنی من مدیر روزنامه ملغی کردم تا معلوم شود که می‌توان کرد. به‌همین جهت لرد کرزن از من رنجید تا هفتم حمل یعنی یک ماه و سه روز حکومت مرا نشناخت و خدا می داند چه اندازه همین رنجش لرد کرزن تاثیری داشت در بودن و نبودن من در ایران این را من نمی دانم خدا می داند اما اینکه این چه نوع کودتائی بود؟ آقای دکتر حکومت ملی یعنی چه؟

حکومت ملی مرکب است از قوه مقننه و قوهٔ قضائیه و قوهٔ مجریه قوهٔ مقننه وجود نداشت، پارلمانی نبود موسسات مشروطه در بین نبود.

(دکتر مصدق - مستشار مالیه که آوردند نفرمودید.)

سید ضیاء الدین - صبر کنید جوابش را عرض می‌کنم. مجلس شورای ملی وجود نداشت پس از تعطیل دورهٔ سوم وکلاء کرسی خودشان را ول کردند و مملکت را به پیش آمد واگذار کردند تا آن روزی که من رئیس الوزرای ایران شدم. تمام رئیس الوزراء ها و دولت های شما را سفارت روس و انگلیس تصویب و تشکیل می داد تنها رئس الوزراء و دولتی که به شهادت خدای متعال بدون مداخله سفارت اجنبی تشکیل شد دولت من بود.

بلی دوله ها و ملک ها و سلطنه ها نمی‌فهمند. این نکته را یک نفر مدیر روزنامه می‌فهمد. هرکسی را بهر کاری ساختند میل آن را بر سرش انداختند.

اعلیحضرت مرحوم احمد شاه مرا احضار فرمود دستخط هم به‌من داد و اختیارات تام هم به‌من داد حالا داخل این بحث نمی شوم که این مقدمه را من چیده بودم یا دیگران چیده بودند به‌عقیده حضرت‌عالی صحیح بود یا غلط نتیجه اش را به‌بینیم چه بود، (دکتر مصدق - فرار بود) شما فارس را برضد من شوراندید قوم خویش های شما مرا فرار دادند شما و امثال شما در تهران دسائس کردید شما مسئولید در پیشگاه خدا در پیشگاه تاریخ در پیشگاه ملت ایران من جز اینکه جان بدهم چه می‌کردم نتیجه کودتا چه بود؟ چهل هزار نفر قشون پراکنده ایران از ژاندارمری و قزاق و پلیس و امنیه در تحت اداره یک سرباز لایق که اسمش رضاخان میر پنج بود جمع کردیم. اداره شدند امنیت در مملکت فراهم شد، تهران از خطر گذشت شاه راضی شد بماند. شاه هم که مرعوب بود دید در تهران هم قوه‌ای هست در تهران هم کسانی هستند که جرأت دارند بگویند که ما زنده هستیم و می خواهیم زنده باشیم، ما

نمی‌خواهیم تسلیم شویم با این اراده ما و ازجان گذشتگی ما شاه ایران هم جرأت گرفت فقط وقتی که دستخط ریاست وزراء را به‌من داد از من قول گرفت پس از آنکه امنیت در مملکت مستقر شد وسائل مسافرت او را به اروپا فراهم کنم. من هم وعده دادم و بعد نتوانستم و همانکه نتوانستم بین بنده و آن مرحوم بهم خورد. بیچاره مرحوم احمد شاه درنتیجه بی‌قابلیتی وعدم لیاقت دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌ها قبل از تشکیل کابینه اینجانب و پس از آنکه از سفارت انگلیس مایوس شد تلگرافی به دربار انگلستان و به مقامات عالیه مخابره نمود که اگر ممکن است احضار قشون انگلستان را از ایران به‌تعویق بیاندازید جوابی نیامد، کودتا پیا شد.

پس از آنکه امنیت برطرف شده تجدید شد، پس از آنکه امضای عهدنامه شوروی شد یعنی یک مسئله بغرنج وغامضی بین ما و همسایه که مناسبات تاریخی، سیاسی، اجتماعی ما را به یکدیگر مربوط ساخته و سه‌هزار کیلومتر باهم هم‌سرحد هستیم حل شد و روابط حسنه ایجاد گردید در طهران و مملکت یک آسایش فکری برای همه ایجاد شد.

یک کار دیگر هم کردم که در آنجا فراموش کرده بودم و حالا درنتیجه تذکر آقای دکتر خیلی خوشحال شدم توضیح می‌دهم زیرا من آن را فراموش کرده بودم و آن مسئله پلیس جنوب بود.

به‌طوری که می‌دانید کابینه‌های دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌ها اجازه تشکیل پلیس جنوب را چند سال قبل از این داده بودند. پس از اینکه من رئیس‌الوزراء شدم. یکی از اقداماتم این بود که به وزیر مختار انگلیس اظهار کردم من نمی‌توانم پلیس جنوب را تحت اداره افسران انگلیس قبول کنم و باید منحل بشود و منضم ژاندارمری ایران گردد. ژنرال فریزر را به تهران احضار کردم (آنوقت ماژور فریزر بود) و جلسه‌ای در هیئت وزراء تشکیل دادیم و مذاکره کردیم و اصولی را با هم موافق شدیم که پلیس جنوب تسلیم ایران بشود و ازبابت مخارج گذشته قبول کردند که دولت انگلستان از ایران ادعائی نکند ولی ژنرال فریزر گفت که این اردو را کی تحویل خواهد گرفت آیا افسرهای طهرانی شما که دیروز همدست آلمان‌ها بودند؟

گفتم نه من از دولت سوئد پنجاه نفر صاحب‌منصب برای این احضار کرده‌ام که تشکیلات ژاندارمری ایران را منظم کنند و به آقای علاء که در آن موقع در لندن بودند در این باب تلگرافاً دستور دادم که برود به استکهلم و با دولت سوئد داخل مذاکره بشود گفت خوب حالا تا وقتی که صاحب‌منصبان بیایند ما چه بکنیم؟

بین بنده و ماژور فریزر موافقت حاصل شد عده صاحب‌منصبان انگلیسی که دویست نفر بودند به چهل نفر تنزل یابد و تا مدت یک‌سال در خدمت دولت ایران باشند و به‌مجرد اینکه صاحب‌منصبان سوئدی به ایران آمدند صاحب‌منصبان انگلیسی مواجب خودشان را بگیرند و بروند.

زیرا اگر هم خود ژنرال فریزر آن تکلیف را به‌من نمی‌کرد من نمی‌دانستم چکنم چون تشکیلات آنها طرز مخصوصی بود من نمی‌توانستم یک قوه که در آن موقع امنیت جنوب را عهده‌دار بود بدون سر پرست بگذارم و اگرچه جنابعالی ملاقات رسمی با آنها نمی‌کردید ولی تشریف داشتن جنابعالی در فارس به‌تکیه آنها بود پس من پلیس جنوب را به این ترتیب منحل کردم.

(دکتر مصدق احضار فرمودید)

سید ضیاء‌الدین -منحل کردم و ثلث یا نصف آنرا هم به اصفهان احضار کردم و در اصفهان ماندند.

دکتر مصدق - به تهران احضار فرمودید.

سید ضیاء‌الدین - خیر به اصفهان احضار کردم و چنانچه گفتم علاقه من در انحلال پلیس جنوب چه بود؟

گذشته از اینکه به استقلال و سلامت مملکت ما لطمه وارد می‌آورد در بدو امر که ما با دولت همجوار شوروی دارای مناسبات حسنه شده بودیم نمی‌خواستم در ایران دولت یک تشکیلاتی را داشته باشد که در تحت اداره افسران یک مملکتی باشد که در آن‌موقع با دولت شوروی دارای مناسبات حسنه نبودند و همدیگر را نشناخته بودند

دکتر مصدق‌السلطنه - پس چرا به تهران احضار کرده بودید.

سید ضیاء‌الدین - عرض کردم کی آمدند به تهران؟ حالا عرض می‌کنم تازه هم به تهران احضار کرده باشم از وظایف من بود.

وقتی که شما رئیس‌الوزراء شدید احضار نکنید، من بودم

کردم، به‌شما هم مجبور نیستم توضیح بدهم به‌شما هم اجازه نمی‌دهم که در شئون رئیس‌الوزرائی من داخل بحث شوید و از من استیضاح کنید که چرا آن کار را کردید؟ و چرا آن کار را نکردید؟

لازم نمی‌دانم به جنابعالی هم توضیح بدهم جنابعالی از اوامر شهریار ایران سر پیچی کردید من به‌شما چیزی نگفتم حکم دولت مرکزی را دور انداختید.

دکتر مصدق - پاره کردم

سید ضیاء‌الدین - من چیزی نگفتم خلاصه موفقیت من در انحلال پلیس جنوب موفقیت‌شایانی بود و از ماژور فریزر که در آن قضیه با من کمک و مساعدت کرد امتنان دارم و از دولت انگلیس و حکومت هندوستان که در انحلال پلیس جنوب با من مساعدت کرد و حتی وعده دادند از بابت مصارف گذشته چیزی در آن موقع مطالبه نکنند امتنان دارم اقدام دیگر من در آن موقع شروع به اصلاحات داخلی و جلوگیری از دزدی و افراط در مالیه بود.

برای من نهایت مسرت است که ایرانی ها می‌توانند بگویند که یک روزی یک رئیس‌الوزراء و دولتی داشتیم که دزد نبود و دزدی نکرد این افتخار مال شماها است مال ملت است.

زیرا من فرزند این مملکتم.

چونکه فرمودند دیگران محرک من بودند باید این را بگویم روزی نماینده کمپانی نفت جنوب آمد پیش من و از من تقاضا کرد که امتیازات نفت شمال (خوشتاریا) را به او بدهم گفتم من نمی‌توانم گفت چرا؟ گفتم به‌دو دلیل اول اینکه مطابق عهدنامه ایران با حکومت شوروی به ایران مسترد داشته ما حق نداریم به‌هیچ دولت اجنبی دیگری بدهیم دیگر اینکه دادن امتیاز از حقوق من نیست و از مختصات مجلس شورای ملت است.

صحبت هائی شد حرفهائی زد پس از آنکه دید نمی‌تواند مرا قانع کند زبانی گشود که به‌مذاق من خوش نیامد.

جواب دادم آقای مستر فلان من حاضر هستم برای مصالح عالیه ایران و انگلیس منافع کمپانی های انگلیس را فدا کنم و چنین هم کردم و اینجا هم خدا می‌داند تا چه اندازه این اظهار من در بودن و نبودن من در ایران تاثیر کرده امتیاز راه شوسه تهران به قم را یک کمپانی انگلیسی سال‌ها بود اشتغال کرده بود الغا کردم و ژنرال های انگلیسی و کلنل‌های انگلیسی که برای قرارداد به تهران آمده بودند از تهران بیرون کردم.

دکتر مصدق - شما انگلیس ها را عاجز کردید.

سید ضیاء‌الدین - اگرعاجز نکرده بودم آقای دکتر مصدق‌السلطنه مستر نرمان شریف‌ترین وزیر مختار انگلیس در ایران از خدمت وزارت خارجه انگلیس خارج نمی‌شد!

بله کردم!

خلاصه تا بوده‌ام خیلی کارها کرده‌ام حالا نمی‌خواهم آنها را عرض کنم با آنکه آنچه عرض می‌کنم خارج از موضوع نیست هرچه تاکنون عرض کرده‌ام بس است کوتاه کنیم من این کارها را کردم و تا بودم با آقای سردار سپه وزیر جنگ وقت با کمال وداد باهم همکاری می‌کردیم و من شخصاً از ایشان گله‌های شخصی ندارم. اگر اختلافاتی هست در نظریات سیاسی است و من پس از اینکه از ایران حرکت کردم... مقتضیاتی پیش آمد که آنهم از اسرار کودتا است که من بودن خود را در ایران برای مصالح ایران مقتضی ندیدم با طیب‌خاطر ایران را ترک کردم کسی مرا بیرون نکرد و اگر اطلاعی ندارید به شما بگویم روزی که من از تهران حرکت کردم شش هزار ژاندارم در تحت امر من بود.

در تهران قوه قزاق نبود قزاق ها را به قزوین و منجیل مراجعت داده بودم در تحت امر سردارسپه هزار و هشتصد و یا دوهزار نفر افراد بریگاد مرکزی بودند درهمان موقع من قادر بودم هرچه می خواستم بکنم کسی مرا بیرون نکرد طرد نکرد و این هم یکی از اسراری است که من فقط می دانم و مجبور هم نیستم به شما توضیح بدهم من از ایران رفتم ولی اقدامات سه‌ماهه من روحی در ایران دمید که تا ده سال بعد از من ایران در عداد ملل زنده دنیا به‌شمار آمد هرچه در ایران امروزه دیده می شود مولود کودتا است اگر در طرح اساسی کودتا من بانی بوده‌ام اما در وقایع ناگوارآن حاضرنبوده‌ام و شرکت نداشتم در انتخابات دوره پنجم اهالی تهران مرا به‌وکالت انتخاب کردند رای دادندپس از اینکه دیدند من وکیل می شوم همین آراء حومه که امروز جنابعالی را به اینجا آورد، آوردند در آراء انتخابیه و نگذاشت من اکثریت حاصل کنم جنابعالی آقای دکتر فعلاً موضوع دیگری را به‌میان آوردید موضوع سلطنت را به‌میان آوردید شما بعد از ۲۳ سال از مرحوم احمدشاه مدافعه می‌کنید

درصورتی که شما همان کسی بودید که در همین تریبون آنچه فحش و ناسزا و بی‌احترامی بود به احمد شاه کردید در نطقتان ناسزا گفتید (دکتر مصدق - کی) دیشب در نطقتان دیدم و بعد اینجا آنچه توانستید مدح و تملق و چاپلوسی از والاحضرت پهلوی کردید (دکتر مصدق - کی؟) درصورتی که علاء و تقی‌زاده مخالفت خودشان را اظهار کردند بدون اینکه تملقی بگویند پس از مجلس شما رفتید چکمه بوسیدید و نتیجه همین چکمه‌بوسی شما این بود که داماد شما برادرزاده شما که مجرم‌ترین رئیس‌الوزرای این مملکت بود (دکتر مصدق - به‌من چه) شما می‌خواستید دختر خودتان را بفرستید به‌وسیله دخترتان با او صحبت کنید بلی همان داماد شما که جوان‌های این مملکت را به محبس کشید قوه قضائیه این مملکت را محو کرد (دکتر مصدق - هوچی‌گری نکنید) قوه اجرائیه را در قضائیه مداخله داد.

اینها حقایقی است که باید گفته شود اینها را کسی فراموش نمی‌کند باقی می‌ماند بگذارید باقی بماند.

شالوده سعادت ایران طرح‌ریزی شده بود. ولی من سردار سپه را رئیس‌الوزرا نکردم. من ریاست وزراء را به ایشان ندادم من ایشان را به پادشاهی برنگزیدم. تمام ملت تمام مملکت خدمات او را تا پنج‌سال بعد از حرکت من تقدیر می‌کرد و امروز هم مقتضیات مملکت را مناسب نمی‌دانم که یک قضیه‌ای که چند سال پیش درغیبت من پیش آمده و امروزشما برای دشمنی من و عوام‌فریبی خودتان تجدید می‌کنید پیش کشیده و در اطراف آن توضیحات زیادتری بدهم.

امروز در مملکت مواجه با یک بدبختی هائی هستیم با یک بیچارگی هائی هستیم با یک مصائبی هستیم و فقط سزاوار است ازقضایائی بحث کنیم که مجرمیت مرا ثابت کند نه اینکه کی شاه بود و چطور بود و چطور رفت.

اینکه مصائب بیست ساله را ذکر می‌کنید و مرا مسبب بدبختی های ایران می دانید مثل این است که مسئول شهادت حسین بن علی درصحرای کربلا حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله باشد زیرا اگر پیغمبر اسلام را نیاورده بود بنی امیه هم پیدا نمی‌شد معاویه هم پیدا نمی‌شد حسین بن‌علی هم کشته نمی‌شد بهمان اندازه که جد اکرمم پیغمبر مسئول فجایع کربلا است من هم مسئول فجایع بیست ساله هستم مطلبی را با کنایه فرمودید ولی جرات نداشتید و جرات نکردید وقایع را روشن بگوئید و اشاره به یک نهری کردید ولی من جرات دارم و با جرأت می‌گویم.

(دکتر مصدق ــ البته)

سید ضیاء‌الدین - گفتید کودتای انگلیسی بود و این کودتا را انگلیس ها کردند قضیه خیلی مضحک است انگلستان برای اجرای قرارداد کودتا نکرد برای الغای آن چرا کودتا می‌کند؟ مردم بشنوید تعجب کنید.

سه سال بود که قرارداد امضاء شده بود آنچه من مطلع ام آنچه من اطلاع دارم در هیچ تاریخی هیچ سفارت انگلیسی به‌دولت ایران فشار نیاورده بود که این قرارداد را اجرا بکنید وقتی که دولت انگلیس برای اجرای آن نمی خواهد کودتا کند برای الغایش چرا کودتا بکنند؟ پس مطلب چیست؟ باید مدیر روزنامه بود تا این مسائل را فهمید باید از مردم بود تا این حقایق را دانست باید از طبقه اشراف ملک و دوله و سلطنه نبود باید کسی باشد که در تمام دوره زندگی وقت خودش را صرف جمع مال از طرق غیرمشروعه مستوفی گری و خالصه خوری نکرده باشد تا بتواند بفهمد. چگونه یک ازجان گذشته می‌تواند به‌یک مملکت خدمت بکند و یک کاری بکند که عقول ناقصه ادراکات منکسره از قوه درک آن عاجز است.

خیر آقا! این کودتای انگلیس نبود انگلیس ها پیش بین هستند انگلیس ها سیاست سه‌ماهه ندارند اگر انگلستان می خواست سیاست سه‌ماهه داشته باشد کار انگلستان چند قرن‌پیش مثل کار امروز ما شده بود نه‌خیر این یک کودتای انگلیسی نبود.

دکتر مصدق - پس چه بود؟

سید ضیاء‌الدین - فداکاری سید ضیاء‌الدین بود حالا این اظهارات من شما را قانع نکرد حقایق دیگری هست که من نگفتم و نمی‌گویم اگر می خواهید محکمه علیای عدالت ملی را تشکیل دهید من برای محاکمه حاضر هستم (دکتر مصدق - تعلیق به‌امر محال می‌فرمائید) البته با اشخاص مانند شما تعلیق به‌محال ممکن است بشود.

من مسئولیت مسبب بودن وقایع سوم حوت را به‌عهده می‌گیرم درمقابل خدا درمقابل تاریخ، درپیشگاه ملت ایران از این کودتا برای خودم، بهره‌ای نبردم جز یک مزاج علیل نه دزدی کردم نه کسی را کشتم. دستم به‌خون کسی آلوده نشد

مال کسی را نبردم، خانه کسی را خراب نکردم. فقط یک‌عده کسانی که معتاد نبودند در گذشته حبس شوند تحت نظر گرفتم در آن روزهای تاریک فقط من بودم که از خود گذشتم و ایران را از خرابی و تجزیه نجات دادم.
از این اظهارات قصدم تحریک آقایان نیست برای تصویب اعتبارنامه من علاقه شخصی من محرک بودن و نبودن من در مجلس نیست و کسانی که به‌من محبت یا بی‌لطفی دارند فقط باید وجدان خود را حاکم عرایض من و وقایع تاریخی قرار بدهند.

من طالب مقام نیستم، طالب شهرت نیستم. طالب راحتی و جمع مال نیستم. دو ماه پیش به‌من تکلیف شد سفارت امریکا و ریاست هیئت اعزامیه را به ممالک خارجه قبول کنم. من نکردم اگر پول می خواستم به واشنگتن می‌رفتم. اگر مقام و راحتی و ذوق ملک و دوله و سلطنه داشتم به واشنگتن می‌رفتم. من اینجا ماندم و اینجا هم می‌مانم برای ایران خلاصه من چه باشم و چه نباشم امیدوارم آقایان وکلای ملت وضعیات بدبختی مملکت خودمان را تشخیص بدهند کوشش من در افتتاح مجلس برای یک حقیقتی بود فقط این که مجلس ناقص را از نبودنش بهتر می دانم از لحظه اول مصمم شدم اتحاد و اتفاق خودم را نشان بدهم با هیچ اعتبارنامه‌ای مخالفت نکردم نه اینکه اعتبارنامه ها صحیح بود و یا انتخابات تمام مراحل قانونی و حقیقی خود را طی کرده بود نه برای این نبود برای این بود که وضع مملکت را مناسب با تعویق افتتاح ندیدم.

این دو روزه در روزنامه ها برداشتند به آقایان وکلای ملت حمله کردند که چرا اعتبارنامه ها را اینطور تصویب کردید و یک نسبت های ناسزائی به اکثریت دادند. خواهش می‌کنم از فحش روزنامه ها افسرده نشوید شما یک وظیفه نمایندگی دارید. من چه در مجلس باشم چه در مجلس نباشم خواهان مجلس هستم و کوشش خواهم کرد شماها را درمقابل دشمنان مجلس مدافعه کنم. من عظمت و استقلال فکر مجلس را خواهان هستم.

زیرا تمام مظهر قدرت ملی با این مجلس است. آقایان نمایندگان این ایام بدترین ایام تاریخ ایران است. این ایام بهترین ایام تاریخ ایران است. این دوره دوره ایمان است این دوره دوره بی‌ایمانی است. این عصر عصر دانش و خردمندی است این عصر عصر نادانی و بی خردی است. این فصل فصل روشنی است این فصل فصل تاریکی است. بهار امید در پیش است زمستان نا امیدی در برابر عفریت بدبختی دامن نیستی را گسترده و فرشته سعادت پروبال خود را گشوده چرا؟ زیرا همه چیز داریم و هیچ نداریم. از آنچه گفتم و شنیدید و البته گوش هم داده‌اید شاید تباین و تناقضی تشخیص دهید به‌نظر من اگر تباینی باشد در عقول و افهام است اگر تناقضی باشد در سنجش و ادراک است و اگر اختلافی باشد در تشخیصات است همه می دانید چرا این ایام بدترین ایام تاریخ است. اکنون به‌بینید چگونه این ایام بهترین ایام تاریخ است.

اگر ما ایرانیان اگر کسانی که سرنوشت این مردم بدبخت را در دست گرفته اند با فداکاریهای خود با ازخود گذشتگی های خود با خداشناسی و مردم‌دوستی خود با اخلاص و چشم‌پوشی های خود قدم هائی بردارند آن وقت است که ما می‌توانیم بگوئیم این ایام بهترین ایام تاریخ ایران است اگر مفهوم اضمحلال را بدانیم اگر روزهای تاریکی که برای نسل آتیه در پیش است به‌نظر آوریم نسلی که هنوز از کتم عدم به‌عرصه وجود نیامده و جز ذلت و ادبار و فلاکت میراثی برای وی تهیه نشده و با دیده عبرت بنگریم و با یک تکان خود را از لعنت و سرزنش ابدی رهائی بدهیم.

اگر با اخلاص و ایمان به‌خدا قرض خود را به ملتی که ما را پرورش داده ادا کنیم آن‌وقت است که با سربلندی فصل روشن و بهار سعادت ایران را در پیش خود دیده باجلوه‌ترین صفحات تاریخ ایران را به‌وجود آورده‌ایم پس هرچه هست در ما است.

آقایان اگر شماها فداکاری بکنید بجای چشم های اشکبار در آتیه نزدیکی با لب های خندان و پیشانی های گشوده سیمای متبسم ایرانیان را نگریسته همدیگر یکدیگر را شادباش خواهید گفت.

آنوقت است که آثار اهتزازات فکر روشن ایرانی، شعشعه الهامات الهی جلوه تجلیات معرفت انسانی، شعله عشق خداپرستی یعنی مردم‌دوستی نتیجه اخلاص خدمتگذاران باتقوای ملت و ارزش واقعی دوستان صمیمی ایران را ملاحظه خواهیم کرد آمین یا رب العالمین.

۳۴- دکتر شفق و آذربایجان

تقریباً پنجاه سال پیش یکی از فرزندان میهن‌پرست ایران عبدالرحیم طالب‌اف تبریزی گفته است:

گر دهم شرح من از جور فساد وطنم
سوزد از آتش دل نامده برلب سخنم
بخدائی که برافراشته این چرخ بلند
شرمم ازگفته خویش آید و از خویشتنم

در این اواخر اخباری از آذربایجان زادگاه مقدس من به گوش می‌رسد که اگر درست باشد حقیقتاً من هم مانند مرحوم طالب‌اف شرم دارم که آنها را به‌زبان بیاورم، در مقدس‌ترین نقطه ایران و چشم و چراغ ایران یعنی آذربایجان در دو سال آخر وقایعی رخ داده و می دهد که من هزار بار از بیان آن شرمسارم، می‌گویند عدهٔ از مردم آذربایجان برخاسته و حزبی تشکیل داده‌اند به‌نام حزب دمکرات و چون اخبار صحیح به‌دست نمی‌آید من هنوز اطلاع از جزئیات ندارم، در میان آنهائی که در این نهضت نامشان برده می شود برخی را شخصاً می شناسم و ایشان را ایرانی شرافتمندومیهن دوست می دانم و محال است آنان قدمی برخلاف مصالح کشور بردارند ولی عده دیگر را نمی شناسم و نمی دانم از کجا و با چه سابقه و مقدماتی آمده‌اند و چه می‌گویند زیرا نغمه‌هائی که از زبان دموکرات‌ها شنیده می شود در این موقع برخلاف مصالح کشور است، آیا ممکن است اشخاص پاک‌فطرت آذربایجان که برخی دوستان من هستند و خون ایرانی در رگ‌های آنان جاری است کلمه‌ای برخلاف منافع عالیه میهن بگویند یا قدمی بردارند، امروز تمام ممالک جهان و به‌خصوص کشور بزرگ همسایه محترم شمالی ما فداکاری‌ها کردند و در میدان جنگ قربانی ها دادند و خود روسیه شوروی شاید حدود بیست میلیون از جوانان خود را فدا نمود تا خاک و خانه اجدادی خود را حفظ کند، آیا ممکن است کسی که اسم آذربایجان روی او هست یک حرف برضد مصالح کشور و خانمان بزند یا اقدام نامطلوب زیان‌بخشی بکند...؟

گله‌های داخلی بین یک ملت و یک دولت نباید درموقع نامناسبی که جهانی آشفته است و ممکن است صدمات اساسی به‌ما بزند به‌عمل آید و آسایش کشور را بهم زند، امروز کشور ما احتیاج به همدستی و اتحاد دارد و موقع داد و بیداد بی‌لزوم بر سر اختلاف داخلی هرگز نیست و مقتضی است که هر ایرانی شرافتمند با تمام قوا برای حفظ بیرق و شرافت و نام بلند ایران با تمام افراد ملت ایران یکدل و یکجهت باشد... کما اینکه در روسیه شوروی همسایه محبوب ما فرمانده بزرگ مارشال استالین درموقع جنگ به ملت خود دستور داد همگی همدست و همداستان گردند و درمقابل دشمن نام و آبروی وطن خود را نگهدارند. در کشور ما نیز در این موقع تمام طبقات ملت و تمام احزاب اعم از انقلابی و اعتدالی و حزب توده یا اراده ملی باید حفظ شئون و منافع عالیه کشور با هم متحد گردند و از پی یک هدف مقدس که سلامت وطن است بروند، من به‌شرافت خودم و بگواهی خدا قول می دهم که علاقه هر فرد آذربایجانی نسبت به‌ایران مقدس اگر از افراد سایر ایالات بیشتر نباشد کمتر نیست و وطن‌پرستی او مانند سایرین از روی ایمان است....

از ۲۵۰۰ سال یا ۲۵ قرن تا امروز آذربایجان به‌قول شیخ محمد خیابانی همیشه جزء لاینفک ایران بوده است، برخی از ممالک عالم این قدمت را نداشته‌اند باز متحدند، بعضی حتی در سال ۱۸۱۵ به تبدلات ارضی برخوردند ولی وحدت تاریخی و جغرافیائی ایران از ۲۵ قرن به‌این طرف مسلم بوده و ایران در این مدت یک دین، یک آئین و یک تاریخ و یک ملت داشته است و هیچ نهضتی در جهان نمی‌تواند خللی بدان رساند و این موضوع تعیین وحدت بین ایالات ایران و پیوستگی ملی و دینی آنها بهم مانند اصول قطعی و مسلم بوده است و خود مردم آذربایجان بهتر می دانند، عجب اینکه حتی در مواردی که اقوام بیگانه به ایران رو آوردند یا اینکه گاهی برخی از ایالات دیگر ما زیر نفوذ جابرانه بیگانه رفت آذربایجان بیرق ایران را از دست فرو نگذاشت و آن را با رشادت حفظ کرد، هنگامی که اسکندریونانی به این دیار روی آورد آذربایجان تسلیم نشد و نام و نشان ایران به دشمن نفروخت و حاکم و شهربان آن زمان آذربد همچنان بیرق ایران را برفرازکشور آذربایجان نگهداشت و از آن تاریخ آذربایجان بنام این شهربان رشید آذربادگان نام یافت، آذر به‌معنی آتش است و آتش، مهر وطن و در آذربایجان هیچ وقت خاموش نمی شود...

در نتیجه استبداد و ستم دولت تزاری روسیه در آذربایجان

فشاری ظالمانه برضد آمال ملی ایران وارد شد و در مدت دو سال قریب دویست نفر از رؤسای آزادیخواهان آذربایجان یعنی فداکاران ایران که سرسلسله آنان مرحوم ثقة الاسلام بود روی دار فنا رفتند...

درنتیجه این اجحافات عجیب دولت شوروی در داخل و خارج کشور خودش انقلابی بزرگ به‌دست آزادیخواهان روسیه تحت پیشوائی لنین پدید آورد و خانمان ظلم و استبداد را آتش زد و دولت آزادیخواه روسیه با ما از دردوستی درآمد و قسمتی از خساراتی که به ما وارد آمده بود جبران کرد ما هم از اولین دولت‌ها بودیم که دولت جدید شوروی را شناختیم و از آن تاریخ همسایه با روسیه‌ئی شدیم که بنای سیاست خارجی آن حفظ آزادی کامل و استقلال ملت‌ها بود و با هرگونه تجاوز و سیاست استعماری مخالفت داشت، اکنون من یقین دارم در سرتاسر ایران یک میهن‌پرست پیدا نمی‌شود که نسبت به ملت روس به‌نظر خلوص و احترام ننگرد. ما بدون تردید پیرو سیاستی هستیم که از ابتدای این مجلس اعلام گشت و آن روی عقیده قطعی ملت و اغلب رجال وطن‌پرست ایران است. عبارت از سیاست مثبت و روشنی که مستند به دوستی خالصانه نسبت به‌تمام دول متفق به‌خصوص نسبت به همسایگان و بالاخص نسبت به همسایه شمالی خودمان دولت روسیه شوروی.

نماینده این دول بزرگ در تالار پهناور سانفرانسیسکو برخاسته و در برابر هزاران نمایندگان پنجاه ملت عالم با صدای بلند گفت «تجاوز به حقوق ملت‌ها تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی ملل باید از بین برود» ما به گوش خودمان این ندا را شنیدیم، این بیان نماینده ملت روسیه و نماینده مارشال استالین بود، مارشال استالین در نطقهای مکرر خود گفت ما تنها برای شکست آلمان جنگ نمی‌کنیم بلکه برای جلوگیری از اسارت بشر و منع تجاوز به حقوق کشورها و محو اسباب اخلال استقلال و آزادی ملت‌ها پیکار می‌کنیم پس چطور می شود تصور کرد که برخی دشمنان استقلال و آزادی و امنیت در کشور ما ظهور کنند و استناد تکیه به‌نیروی روسیه شوروی بنمایند این امر باورکردنی نیست، هنوز منشور ملل متفق که در انجمن سانفرانسیسکو امضاء شد خشک نشده که این تجاوزات خائنانه در وطن ما رو می دهد و مرتکبین به‌دیگران متکی می شوند... ما نمی‌توانیم از ناحیه روسیه آزادیخواه که رئیس آن در اولین مسافرت خارجی خود به ایران آمد و در انجمن تهران نوید دوستی و مساعدت به ایران داد انتظار داشته باشیم که برخی جاهل در عملیات زیان‌آور خود استناد تکیه به آن دولت داشته باشند، این سوء تفاهمات باید هرچه زودتر ازمیان برود و مناسبات ما با روسیه بدون ابهام روشن شود و اگر مقتضی باشد میسیونی تحت نظر آقای نخست‌وزیر برای توضیح افکار و آمال ملت ایران به روسیه شوروی برود و مسائل را بی‌پرده و آشکار بگوید و حل کند... و بالاخره روابط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی ما با دولت روسیه شوروی روشن شود و این سوء تفاهمات بکلی از بین برود.

۳۵- محاکمه سید محمد تدین

این محاکمه تاریخی از آن نظر مورد استقبال اهالی واقع شد که بعد از شهریور ۲۰ به این طرف تنها وزیری که به محاکمه دعوت شد آقای تدین بودند و از جهتی این محاکمه مورد علاقه بیشتر طبقات مختلف مردم بود که دادگاه دیوان عالی کشور وزیری را محاکمه می‌کند که این شخص مدت‌ها رئیس مجلس و بارها پست‌های وزارت را دارا بوده و از شخصیت‌های برجسته این کشور و از سیاستمداران نامی ایران به‌شمار می‌روند زیرا تدین علاوه‌بر خدمات سیاسی از دانشمندان معروف و از استادان زبردست زبان فارسی هستند و با داشتن بیان نافذ و صراحت لهجه از هرجهت به سایرین برتری دارند. دادگاه عالی کشور که ده روز متوالی ادامه داشت حقایقی از زبان آقای تدین انتشار یافت که همانطوری که ایشان تذکر دادند برای نسل جوان حائز اهمیت است. تدین وقتی که از خود دفاع می‌کرد مانند یک نفر متهم نبود او مثل این که پشت تریبون مجلس شورای ملی است و به‌نام یک وکیل صحبت می‌کند دفاعی که تدین کرد زبان‌زد خاص و عام شد زیرا او مردانه صحبت می‌کرد و از کسی باک و هراسی نداشت و هرچه که به‌مصلحت کشور بود می‌گفت چنانکه طی مصاحبه‌ای که مدیر این سالنامه با ایشان در روزهای جریان محاکمه نمود آقای تدین اظهار داشتند پرونده‌ای که برای من درست کردند واهی و مغرضانه بود ولی من بسی مفتخرم که این پرونده واهی برای من تنظیم شد که من به‌نام یک نفر متهم در بزرگ‌ترین دادگاه‌های کشور حاضر شده و حقایقی چند

به استحضار ملت ایران برسانم.

اینک قسمت های حساس دفاع آقای تدیّن را که در هیچ یک از جراید آن طُورکه شاید و باید انتشار نیافت جهت ثبت در تاریخ ایران در سالنامه دنیا درج می‌کنیم تا مورد استفاده صاحب نظران خیر اندیش واقع شود.

«به قدری متاثر هستم از اینکه در محیطی واقع شده‌ام که پر است از اغراض شخصی و سیاسی و حسد و بخل به طوری که هرقدر خدمات شایسته و صادقانه به این کشور کرده‌ام آن‌ها را اندود نموده‌اند غافل از اینکه هرقدر سعی کنند این اندود را بالاخره طوفان و باران ازمیان می‌برد و حقیقت روزی روشن می‌شود، ازطرفی خیلی خوشوقت هستم که درمقابل عالی‌ترین محکمه قضائی کشور که تابحال اهمیت به‌سزائی داشته و دارد حقایق را عرض کنم تا به این مغرضین و اشخاصی که از روی اغراض شخصی در این چند ساله نسبت به من از هیچ گونه تهمت و حمله‌ای مضایقه‌ای نکرده‌اند و حملات بیجا و اتهامات ناروا وارد ساخته‌اند پاسخ گویم.

بنده برای این که جهت قضات محترم تذکر باشد از اول مشروطیت مطالبی را که به‌خاطر دارم بیان می‌کنم تا تذکری برای قضات محترم و درسی برای نسل جوان که من به آن‌ها خیلی اهمیت می‌دهم باشد.

من به جوان‌ها خیلی اهمیت می‌دهم زیرا بعد از من و امثال من بالطبع اداره امور دولت و ملت و کشور برعهده آنها است و چون افکار آنها را در این دوسه سال مسموم کرده‌اند و آنها هم سابقه ندارند زیرا سنشان مقتضی نیست و تصور کرده‌اند که نظریات و افکار و اصواتی که از حلقوم هائی خارج شده حقیقت است برای روشن شدن آنها این مطالب را می‌گویم.

این که عرض کردم خدمات این کارها از نظر من ناچیز است لیکن درمقابل آن کسانی که هیچ نکرده‌اند و بلکه خسارت هائی هم وارد آورده‌اند این خدمات موجودیتی دارد. زیرا هرقدر هم کوچک باشد باز از صفر بزرگ‌تر است. من از ابتدای مشروطیت شروع کرده می‌گویم زیرا قبل از آن مربوط به زندگانی تحصیلی و طلبگی بنده بود خدمات بنده یکی شخصی و فرهنگی است و قسمتی ملی و اجتماعی، خدمات فرهنگی من از تأسیس مدرسه تدین شروع می‌شود. روز ۱۴ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۵ قمری یعنی موقعی که یک سال از عمر مشروطیت گذشته بود مدرسه را تأسیس کردم. در آن روز مدرسه با یک شاگرد تأسیس شد. هدفم از تأسیس مدرسه دو چیز بود یکی تعلیم و دیگری تربیت نوباوگان و انتظار داشتم هنگامی که اینها وارد اجتماع می شوند در آینده زندگی با موانعی مثل دوره اول عمر من برخورد نکنند، این مملکت روزی روی سعادت خواهد دید که مردمانش تحصیل کرده باشند این مدرسه که اسمش را همه شنیده‌اند لازم به‌توضیح نیست بعد از مدتی ترقی کرد و دارای شش‌ساله ابتدائی و متوسطه شد. من این مدرسه را با یک شاگرد باز کردم ولی چندی نگذشت که عده شاگردانش به هفتصد نفر رسیدند.

درمدت ۲۷ سالی که این مدرسه را داشتم بیش از سه هزار نفر فارغ‌التحصیل بیرون دادم و اینها اکنون در تهران و شهرستان‌ها به مقامات بزرگی رسیده‌اند در تمام این ادوار سلوک من با شاگردان مثل پدر مهربان با فرزندش بود.

اما بعد از سی و هفت سال برخلاف میل خودم و برروی اجبار مجبور شدم آن را منحل کنم، می دانید چرا؟ چون دیگر وزارت فرهنگ طوری شده بود که هدف آن تحصیل نبود.

هر روز شاگردان را برای رژه دعوت می‌کردند.

برای تعلیمات نظامی می‌بردند.

برای جشن‌ها دعوت می‌کردند. برای تظاهرات می‌بردند. پیش‌آهنگی می‌بردند. من با پیش‌آهنگی مخالف نیستم اما با این پیش‌آهنگی که فقط به‌منظور تظاهر و مسخره‌بازی درست شده بود مخالف بودم. من حاضر نبودم جوانان را به‌دست اشخاص ناصالح بسپارم که آنها را به کوه و بیابان به‌گردش برند. آنها استخر درست کرده و دختران را در حضور مردم لخت می‌کردند.

ناموس مملکت وقتی خواست در استخر عمومی و در حضور مردم شنا کند این دیگر بدرد مملکت نمی‌خورد. این خلاف عفت و شرافت است.

من گذشته از این خدمات بیش از ۲۴ جلد کتاب تالیف کرده‌ام «شرفیاب به‌نام جامع محمدی سه جلد، فارسی به‌نام نخبهٔ الادب دو جلد، عربی ۵ جلد، علم‌الاشیاء ۶ جلد، حساب دوجلد، جغرافی ۴ جلد، تعلیمات مدنی که هنوز هم تدریس می شود یک جلد، انکشافات جغرافی یک جلد» برای

آنکه تزی داشته باشم کتابی به‌نام اصول فن خطابه تهیه و انتشار دادم و این کتاب در نوع خود در فارسی بی سابقه است و رموز خطابه از دمستن یونانی تا سید جمال‌الدین افغانی در آن تشریح شده و تاریخ دیگری نیز به‌نام تاریخ مختصر منطق نوشتم از روزی که منطق محل بحث سفیه یونانی شد تا امروز چه در مشرق و چه در مغرب از زمان ارسطو تنظیم کرده به‌شورای دانشگاه فرستادم، خوشبختانه قبول شد و بنده را دکتر در ادبیات شناختند.

امّا خدمات ملی من با جنگیدن با قوای محمدعلی شاه در بمباران مجلس شروع شد. در اینجا شرح مفصلی راجع به‌تاریخ مشروطیت، مخالفت محمدعلی شاه با مجلس، بمباران مجلس، تشکیل سرباز ملی، دفاع آزادیخواهان در مقابل مستبدین ایراد نموده و اظهار داشتند در آن موقع که من یک فرد عادی بودم اسلحه به‌دست گرفتم و مدت ۴ ماه تعلیمات نظامی دیدم و در مسجد سپهسالار با قوای دولتی جنگیدم و با اینکه قوای ما شکست خورد دست از مدافعه برنداشتیم، کمیته های خود را تشکیل دادیم مجدداً با قوای دولتی زد و خورد کردیم دفاع یک قسمت از شهر تحت نظر من بود. ما مردانه در راه حفظ آزادی جنگ کردیم تا این که محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد و برای دفعه ثانی مشروطیت را به‌دست آوردیم.

در این موقع عکس خود را که جزء هیئت سادات فاطمیه بود و جزءِ سربازان ملی و مسلح بودند به دادگاه تقدیم داشتند.

آقایان آن روز کسی فکر نمی‌کرد مشروطیت به‌این صورت درخواهد آمد و روزی خواهد رسید که من در پشت میز اتهام باید سند نشان دهم.

ما اینگونه در راه آزادی دفاع کردیم این هم خدمات ملی من.

بعد از این وقایع عضو حزب دمکرات شدم و این حزب با آنکه تعداد اعضایش بیش از ۷۰۰ نفر نبود در انتخابات تهران پیروز شد و من به‌سمت نماینده این حزب به مجلس رفتم.

در مجلس چهارم که پس از یک فترت چندین ساله پیدا شده بود وقایع مهمی روی داد، همچنین در مجلس پنجم و ششم.

من نه رئیس ایل بودم و نه دارای سرمایه. مردم صرفاً برای اینکه به‌نفع آنها خدمت می‌کنم مرا انتخاب می‌کردند.

من در قسمتی از ادوار مجلس نیز ریاست کردم. در آن موقع که بزرگان کشور در مجلس بودند همه می دیدند که یک سید پشت میز ریاست می‌نشیند و این سید مجلس را به‌خوبی اداره می‌کند اینها همه از لطف خداوند بود نه لیاقت من.

از جمله کارهای مهمی که در آن ادوار صورت گرفت تغییر سلطنت و انتخاب سردار سپه یعنی رضاخان بود. این اسامی و الفاظ را به‌تاریخ آن روز می‌گویم من یکی از طرف‌داران سردار سپه بودم و حالا هم اعتراف می‌کنم و هیچ کس هم بعد از شهریور از من بد نشنیده است.

ولی جای تأسف است کسانی که به‌وسیله او وزیر و وکیل و امیر و استاندار شدند و آن استفاده‌ها را کردند بعد از رفتن او شروع کردند به بد گفتن.

من اینجا راجع به تشکیل ماده واحد و اقداماتی که کردم توضیح می دهم من طرفدار سردارسپه بودم ولی قانون اساسی و مملکت را بر او ترجیح می دادم.

غروب روز جمعه ۸ آبان ۱۳۰۴ بود، بنده در شمیران بودم دیدم تلفن کردند حضرت اشرف می‌فرمایند به شهر بیائید که شما را ملاقات کنم.

آمدم شهر، رفتم منزل اولی خدمتشان رسیدم فرمودند در زیر زمین داور مشغول کارهایی است بروید به او کمک کنید رفتم زیرزمین دیدم داور نشسته پشت میزی و وکلاء ورقه‌ای را امضا می‌کنند و داور به پیشخدمت می‌گوید به منزل بقیه وکلاء هم تلفن کنید بیایند.

بعد از آنکه وکلا رفتند و اطاق خلوت شد داور آمد پیش من ماده واحده را نشان داده گفت این وکلا این نامه را امضا کرده‌اند شما هم اگر موافقت دارید امضا کنید من دیدم اینطور نوشته بود:

«مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت ایران انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید».

وقتی که من این ماده را خواندم گفتم با این فورمول مخالفم اولاً باید حکومت موقتی را اصلاح کرده بنویسید حکومت را موقتاً زیرا حکومت ایران موقتی نیست ودائمی می‌باشد.

بعلاوه باید بنویسید ریاست حکومت بعد هم اضافه کنید در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه. بعد آمدم مجلس دیدم رئیس نیست چون نایب رئیس بودم ناچار ریاست مجلس را به‌عهده گرفتم دیدم ماده واحده را با ۸۰ امضاء آوردند و گفتند موافقت کنید گفتم درصورتی که اصلاح کنید موافقت می‌کنم با این ترتیب حکومت مطلقه و به‌ضرر مملکت می شود، گفتند قضایا به همین ترتیب به‌عرض رسیده و موافقت هم کرده‌اند. گفتم اگر اصلاح نمی‌کنید من مجلس را تشکیل نمی دهم بروید دیگری را بیاورید و من هم می‌روم در جای نمایندگان نشسته مخالفت می‌کنم. من از لحاظ اصول با قاجاربه مخالفم گفتند پس برو خودت به سردار سپه بگو.

شاید عده‌ای گمان می‌کردند آمدن سردار سپه مولود اقدامات بنده بود خیر اینطور نیست من خالق او نبودم اوضاع وقتی لازمه وجود شیئی شد آن شیئی می‌آید. فقروفاقه و جهل و تشتت مولود آمدن سردار سپه بود. آمدن سردار سپه معلول تقاضای محیط بود، محیط نسبت به توسعه وکیل توسعه مؤثر است محیط ایران تمام ایران است. اگر افکار تمام ایران قائل به‌چیزی شد آن کس یا آن چیز می‌آید و آن شخص قادر می شود ولی اگر قسمتی از ایران محیطش مستلزم شد در آن قسمت می‌آید ولی در همه ایران نمی شود.

خیابانی مرحوم آمد در آذربایجان قیام کرد موفق نشد خورد شد و رفت این پیشه‌وری که هیچ اصلاً قابل مقایسه با آن مرحوم نبود و نیست خیابانی وطن‌پرست بود متکی به‌خودش بود ولی راجع به پیشه‌وری چه عرض کنم؛... میرزا کوچک خان در گیلان پیدا شد پیشرفت نکرد زیرا سایرین موافق نبودند.

در خراسان مرحوم کلنل محمدتقی خان پسیان یکی از میهن‌پرستان و افسران جدی شریف و خدمتگذار بود.

در ابتدای تشکیل دوره چهارم بود قیام کرد. یقین دارم این مرد تحت تأثیر تبلیغات شوم فرخ واقع شد، او یک مرد نظامی بود به‌هرحال یک عنصر صالح وطن‌پرست که ملاحظه وضعیات را نکرد از دست رفت ولی این فرخ فرار کرد رفت بیرجند پیش امیر شوکت‌الملک به‌هرحال کلنل هم موفق نشد. اینکه سردارسپه موفق شد برای این بود که تمام ایران مستعد بود کسانی که می خواهند انقلاب کنند بیخود زحمت به‌خود ندهند اینها را بشنوند و یک بدبختی بر سایر بدبختی ها نیفزایند. من به اوضاع و احوال آشنا نیستم دارد این وضع عمومی می شود و انتحار اجتماعی پدید می‌آید. خدا نکند این مملکت دفعه دیگر دیکتاتور داشته باشد خواه نظامی خواه غیرنظامی برای من فرقی ندارد.

به هر حال رفتم پیش سردار سپه وزراء همراه بودند به‌فاصله بیست قدم که رسیدیم فرمودند آمدی دیگر چه اشکالی بکنی؟ معلوم شد شب گذشته چغلی بنده را کرده‌اند.

عرض کردم این ماده به‌این وضع به‌ضرر شماست زیرا اجانب ممکن است چنانچه حکومت مطلقه ایجاد شود، عملیاتی بکنند گفت راست می‌گوئی برو اصلاح کن شخصی که محیط او را ایجاد می‌کند تقصیری ندارد اطرافیان او این کار را می‌کنند.

به هر حال در مجلس در ماده اضافه شد «در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی» سند در مجلس است و طوسی هم می داند تصور نکنید در آن دوره معایب نبود معایب بود و از سال پنجم و ششم سلطنت ایجاد شد اطرافش را عده‌ای متملق حلقه زده بودند، توجهی به خارج نداشت و هیچ مصلحی در دنیا نبوده که فسادی در کارهایش نباشد.

گفتند من در موقع جمهوریت از اعلیحضرت فقید پول گرفتم بسیار احمقانه است. دشمن باید عاقل باشد اگر پول می‌گرفتم حیثیتی پیش پهلوی نداشتم در صورتی که غیر از این بود. آقای حسین مکی مورخ معاصر (خنده حضار) تاریخ کودتا نوشت و به‌من حمله کرد. دو دفعه ایشان را دیدم چندی پیش آمد و از من عکس خواست گفت مطلبی است که خواستم به‌تو بگویم.

عده‌ای می‌گفتند چرا نمی‌نویسی چقدر پول گرفته ای. آخر کافر همه را به کیش خود پندارد رفتم تجسس و تحقیق کردم تا منبع این کار را پیدا کردم معلوم شد یکی از سرلشکرهای قدیمی واسطه بوده و پول را داده اینها را حسین مکی می‌گفت. این شخص رفت ورقه‌ای آورد و صورت اسامی را خواند و اسامی اشخاصی را هم خواند دیدم اسم تدین نیست گفتم چطور شده او نیست گفت او نبود، سرلشگر بوذرجمهری حاضر است، رئیس بلدیه بود. رئیس‌الوزرا برای تعیین تکلیف خزعل رفت خوزستان مجلس سری شد بوذرجمهری تلفن کرد که

می خواهم شما را ببینم. آمد گفت اگر پولی چیزی لازم دارید حاضر است گفتم اختیار دارید آقای سرلشکر. این بوذرجمهری هنوز هم حاضر است.

خوی پادشاه سابق معلوم است هرکس از او پول می‌گرفت معنی جان دادن بود. کسانی را هم که از خارجی ها پول می‌گرفتند، به اسم اینکه ظلم کرده‌اید فشار وارد آورده آن پول ها را می‌گرفت.

مخالفین سردار سپه از محمدحسن میرزا خانه گرفتند در آن خانه نشستند و واسطه هم حاضر است. این است نتیجه زندگانی یک ایرانی خدمتگذار که می خواهند او را لکه‌دار کنند این به‌نفع اجنبی تمام می شود.

پس از آن آقای تدین اشاره به وقایع شهریور نموده گفتند از این پیش‌آمد هر ایرانی وطن‌پرستی متأثر شد. متفقین که عبارت بودند از انگلیس ها و روس ها عمل ناجوانمردانه ای نسبت به ما کردند این عمل جوانمردانه نبود ملتی که برای جنگ حاضر نیست تهیه قوا نکرده آیا انصاف است ٤ ساعت بعد از نیمه شب به‌او حمله کنند و بر عده‌ای افسر و سرباز ایرانی شبیخون بزنند؟

مگر ملت ایران چه گناهی کرده بود؟ چه مقاومتی نشان داده بود؟ ٤ ساعت از نیمه شب گذشته سفیر کبیر روس و وزیر مختار انگلیس از نخست وزیر وقت ملاقات خواسته و اعلام کرده بودند که قوای ما از چهار طرف مشرق، شمال، مغرب، جنوب به این کشور حمله کردند. هنوز هم این موضوع را حل نکرده‌ام که چرا نخست‌وزیر ساعت ۸ صبح گزارش این پیش‌آمد را به شاه داد اگر من بودم بدون هراس همان وقت می رفتم سعدآباد و شاه را از این قضیه مهم مطلع می‌کردم. به هرحال این بدبختی پیش آمد و عده‌ای از افسران و سربازان رشید خون‌پاک کشته شدند ولی من نمی‌توانم این را نگویم که عده‌ای از سرلشگران و افسران بزرگ از میدان جنگ فرار کردند.

آن سرلشگر از مشهد به گناباد فرار کرد و از جنوب سر درآورد و همچنین سایرین در همین تهران سران لشگر سربازها را دربدر کرده گرسنه و تشنه رها کردند. صد رحمت به‌خون پاک آن سربازها که تمول و دارائی مردم را غارت نکردند.

آقای دادستان کل! شما که بودید آیا توجه کردید مسبب این بدبختی ها کی بود؟ چرا تعقیب نکردید چرا بنده را آوردید پشت این میز؟

آقایان بدانید قضات دادگستری نقصی ندارند نقص و عیب در ضابطین و عوامل دادگستری است.

خدا خواست من بروم ببینم و بیایم اینجا عرض کنم. با من که یک وزیر هستم این‌جور رفتار می‌کنند وای بر حال مردم.

آقایان در زندانی که پر است از جانی، آدم کش، دزد، چاقوکش، دزد بی سروپا مرا بردند آنجا درمیان آنها در اطاقی که ۵۰ درجه حرارت داشت توقیف کردند من گیج بودم.

آقایان وزیر نباشم سید محمد تدین که هستم من متهم اما مرا باید ببرند در زندان جانی ها بازداشت کنند؟

آن‌هم مقصر و متهم با این دلائل واهی و دروغ! زندان جای ۳۰۰ نفر دارد ۱۷ روز در آنجا بودم در این زندان روزها ۸۰۰ نفر زندانی داشت و شب ها ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر اضافه می شد، اینها مثل گوسفند برروی هم می‌لولند و مانند حیوانات با پست‌ترین وضع زندگی می‌کنند.

این مدرسه اخلاق نیست که درست کرده‌اید در این مدرسه کسی اصلاح نمی شود این وضع اخلاق را فاسد می‌کند در آنجا همه گونه مردمی جمعند کارهای خود را به یکدیگر یاد می دهند و به‌جای اینکه اصلاح شوند بیشتر فاسد می شوند.

ای کاش آقای دادستان می‌رفتند و می دیدند می‌رفتند آنجا اما به‌طور من نه به‌طور رسمی اگر به‌طور رسمی بروند آنجا را آب و جارو می‌کنند بروند مانند من آنجا را به‌بینند آن‌وقت تندتند مردم را مانند گوسفند به‌زندان نفرستند این خوب وضعی نیست.

در مجلس ۱۳۶ نفر وکیل داریم و هزاران کاندید البته این عده‌ای که وکیل نمی شوند شاکی هستند و مخالف، بنده و آقای سهیلی هیچ نقشه و دخالتی نداشتیم زیرا اگر من حق داشتم و قانون اجازه می داد من می دانستم چه اشخاصی را وکیل کنم و به مجلس بفرستم.

معمولاً موکل برای انجام کارش به وکیل پول می دهد ولی در ایران در موضوع انتخابات قضیه به‌عکس است وکیل به موکل پول می دهد تا وکیل شوند و قضیه آنها شبیه به همان کنیز فروشی کلیله و دمنه است.

باید از کسانی که به‌وسیله پول وکیل می شوند جلوگیری

کرد آنها که به موکل پول می‌دهند و با پول وکیل می‌شوند مقصودی دارند و الا برای دل‌سوزی به‌ملت پول نمی‌دهند. این آدم می‌خواهد تجارت کند ده برابر و صد برابر می‌خواهد پول بگیرد.

پس این گونه مجلس‌ها که تشکیل می‌شود یک مجلس اقتصادی و تجارتی است، مجلس ربح است.

ضرر دیگری که این گونه وکلا که با پول وکیل می‌شوند دارند این است که صدمه به‌صاحبان فضل و اشخاص لایق می‌خورد چون اینها پول ندارند و نمی‌توانند وکیل شوند به‌این جهت بنده شخصاً از این گونه انتخابات جلوگیری کردم و اگر جرم هم هست می‌گویم در انتخابات خوار ورامین پول‌ها خرج می‌شد برای اینکه حق میرزا ابراهیم آشتیانی را که ابداً ارتباط با هم نداریم از بین ببرند.

جعفر اخوان پول‌دار است آمد پیش من گفت می‌خواهم وکیل شوم گفتم توبچه هستی عقلت نمی‌رسد قدری صبر کن.

صبح روز ششم خرداد آقای تدین آخرین دفاع خود را به‌پایان رساندند و محکمه برای دادن رای تا ساعت شش بعد از ظهر این روز تعطیل گردید، ساعت شش بعد از ظهر یازدهمین جلسه دادگاه تحت ریاست آقای جهانشاهی رئیس دیوان‌عالی کشور تشکیل گردید. آقای رئیس اعلام داشتند که رای دادگاه خوانده می‌شود در این وقت همه به‌حال احترام بر پا خاستند و رای دیوان عالی کشور که حاکی از تبرئه آقای تدین بود خوانده شد. همین که قرائت رای پایان یافت احساسات تماشاچیان شدت یافت و همه به‌طرف جایگاه آقای تدین هجوم آورده و ایشان را روی دست بلند نمودند و با صدای زنده باد عدالت ابراز احساسات شدید کردند در این هنگام آقای تدین در میان صدها تماشاچی دیوان عالی کشور نطق مختصری در برابر میکرفن ایراد کردند و از اعضاء باشهامت دیوان‌عالی کشور تشکر نمودند و همچنین از مطبوعات که رکن چهارم مشروطیت ایران است کمال احترام نمودند در این وقت جمعیت آقای تدین را به محوطه کاخ دادگستری که در آنجا جمعیت زیادی انتظار دیدن ایشان را می‌کشید بردند و آقای تدین در بین شادی و مسرت بی‌پایان جمعیت در بالای اتومبیل قرار گرفتند و بیانات زیر راایراد نمودند.

من امروز نصیحتی می‌کنم و آن این است همیشه پیرامون حقیقت و درستی بگردید حمد می‌کنم خدا را که کسانی را که مرا متهم می‌نمودند با رأیی که این دادگاه داد رسوا شدند ملت ایران برای کسی که به‌درستی و صداقت به‌او خدمت کند صمیمی است این نتیجه یک عمر خدمت و صداقت است که امروز می‌بینم و تشکرات خودم را به‌همه تقدیم می‌کنم. این احساسات شما برای من یک اجر معنوی است.

از من گذشته است ولی خداوند کسانی را که در این مملکت خدمت می‌کنند حفظ کند من مخصوصاً از مطبوعات که نماینده طبقات مردم هستند تشکر می‌کنم من اطمینان دارم که روزنامه‌ها می‌توانند خدمات بزرگی به‌این مملکت کنند من خودم روزنامه‌نویس بوده و هستم و می‌گویم خدمتگذاران مملکت می‌توانند به‌این نیروی عظیم تکیه کنند تا ببینند نیکی گرچه دیر ثمر می‌دهد ولی بعد از چهل سال این است ثمر او که امروز می‌بینیم من به مطبوعات علاقمندم ولی آنها از راه حق و عدالت از هیچ گونه کمک فروگذار نکردند من این کمک معنوی را هرگز فراموش نمی‌کنم امیدوارم ملت ایران همیشه مفتخر و سربلند زندگی کند.

زنده باد عدالت

۳۶- تقی‌زاده وقرارداد ۱۹۳۳

عباس اسکندری از نمایندگان دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مردی حراف و شجاع و افشاگر بود. قبلاً روزنامهٔ سیاست را در دو نوبت انتشار داده بود و کتابی نیز تحت عنوان «آرزو» یا تاریخ مفصل مشروطیت ایران بعداز شهریور ۱۳۲۰ تألیف و انتشار داد. در این کتاب پایه‌گذاران سلسله پهلوی و بازیگران عصر طلائی بشدت مورد انتقاد قرار گرفته بودند. اسکندری در دوره پانزدهم بیش از هر نماینده‌ای سخن گفت و مسائل مهمی از جمله نفت را مورد بحث و مذاکره قرار داد. وی دولت محمد ساعد را پیرامون قرارداد نفت و لزوم الغاء آن استیضاح کرد و چندین جلسه در آن مورد سخن گفت و سرانجام درمورد تمدید قرارداد نفت در ۱۹۳۳ سید حسن تقی‌زاده را مورد انتقاد شدید قرار داد. تقی‌زاده در پاسخ اسکندری نطقی ایراد کرد و حقایقی از تمدید قرارداد را افشاء نمود و خود را آلت فعل خواند چون نطق مزبور از نظر تاریخی حائز نکات مهم و برجسته است عین بیانات ایشان عیناً نقل

می‌گردد.

رئیس ــ آقای تقی زاده.

تقی زاده ــ چون ناطق محترم از گاهی به گاهی هم علاقه خاصی به کار نفت و هم نظر مخصوصی به بنده نشان داده‌اند و در این نطق اخیرشان باز چندبار اسم بنده را بردند می‌خواهم چند کلمه به اختصار راجع به مسأله‌ای که مورد علاقه ایشان واقع شده و البته بیانات مشروح ایشان توجه دیگران را هم لابد جلب تواند کرد عرض کنم.

بنده اصلاً قصد نداشتم جوابی به بعضی اظهارات که در اینجا شده بدهم و خود اعتراف دارم که شاید اصلح آن بود که هرگز کلمه‌ای هم نگویم و در جزو گناهکاران تضییع وقت مرکز امور مملکت درنیایم و شاید هم حتی بعضی اشخاص عاقل بعد بنده را ملامت کنند که چرا اصلاً جوابی دادم چنانکه پریروز یکی از عقلا و اخیار نامدار مجلس همین نصیحت را کتباً به من داد لکن تنها بیم آن که شاید بعضی اشخاص بیغرض و ساده بضلالت بیفتند همین چند کلمه را محض همین نکته می‌گویم معذلک هم اکنون هیچگونه جوابی یا مقابله‌ای نسبت به آنچه خارج از حدود آداب بدانم نمی دهم و نمی‌کنم و اگرچه بنده با همان شیمه استقامت و شهامتی که همیشه خصلت من بوده با هیچگونه هو و جنجال از میدان درنمی‌روم و می‌توانم با بیش از آن مقابله و حمله کنم این کار را شایسته خود نمی دانم

اگر کسی با سبکی و برخلاف ادب ورقه‌ئی پیش من بفرستد که من امضاء کنم که مسلمان هستم با آنکه مسلمانم هیچوقت با ارعاب و ارهاب کسی که خارج از حدود صلاحیت خویش آن ورقه را با پیشخدمتی نزد من می‌فرستد به‌حکم او امضاء نمی‌کنم و نخوانده برمی‌گردانم. حالا فقط نسبت به آنچه راجع به خودم است جواب مختصری می دهم و با حرف های دیگر ایشان که قسمت اعظم آن پاک افسانه بوده و بس (مانند داستان موهوم فراماسونی و حمله به اشخاص صالح درجه اول این مملکت (صحیح است) که از ابرار و اخیار این مملکت هستند (صحیح است) یا قصه‌های جن و پری دیگر) کاری ندارم و نیز باید بگویم که هم اکنون باز خیلی تأسف دارم که مجبور به‌عرض مطالبی شده‌ام که شاید با همه اجمال ناگفتنش در ملاء علنی بهتر و با مصلحت مملکت موافق‌تر بود.

مسئله نفت جنوب ایران و امتیاز معروف دارسی و امتیازنامه جدید ۱۶ سال قبل خود موضوعی است مملکتی و دخالت یک نفر از افراد ضعیف مثل بنده در آن و میزان دخالتش باز موضوع دیگری است که هردو باید جدا جدا مورد دقت و مطالعه قرار داده شود پس از عودت بنده به ایران از مأموریت ملی که افتخار نمایندگی این مملکت را در خارجه داشتم و به‌قدر مقدور برای حفظ حقوق و منافع ایران مستمراً کوشیدم ازگاهی به گاهی بعضی از آقایان محترم و دوستان به بنده تذکر دوستانه دادند که خوبست شرحی از ماجرای امتیاز نفت به‌واسطه آنکه در آن موقع شاهد آن بوده‌ام بیان کنم.

اینجانب با وجود دلایل و موجبات بسیارقوی و بلکه اقوی که چنین بیانی را اقتضا می‌کرد و شاید دفاع از منافع و حیثیت شخصی من نیز مستلزم آن می شد تاحال بدلایل دیگری که قوی‌تر می‌پنداشتم خودداری نمودم زیرا که موافق مصالح و منافع مملکت نمی دانستم و هنوز هم نمی دانم و لذا با هرگونه فداکاری شخصی که این خودداری مستلزم آن است فعلاً نیز مصلحت ملک و ملت را در بیاناتی علنی در این باب نمی دانم و به همین جهت هم قصد عرض همه ماجرا را در اینجا ندارم. ولی این را باید بگویم که هیچوقت مضایقه نداشته و ندارم کلیه آنچه را که بر من معلوم است بدون کتمان یک نقطه و یک حرف به هر شخص بی غرض خیرخواهی کاملاً و تماماً و به‌نحو مستوفی و اشباع به‌طور خصوصی بیان کنم و حتی بالا تر از این به هر هیئتی هم باز از اشخاص بی غرض که در یک محفل خصوصی و غیررسمی حضور به هم رسانند و یا آقای رئیس مجلس که در بی‌غرضی و صفای ضمیر ایشان شکی ندارم (صحیح است) چنین هیئتی را تعیین فرمایند محض رفع هرگونه توهم و حتی ادنی شبهه کاملاً شرح بدهم و حاضرم قبل از شروع به بیان مطلب در آن محفل به‌طریقی که آئین ما اقتضا دارد یعنی به ایمان مغلظه و استشهاد خداوند و قرآن شنوندگان را مطمئن کنم که آنچه گفته می شود به اصطلاح معروف محاکم فرنگستان «عین حقیقت و تمام حقیقت است (نه قسمتی از آن) و هیچ چیزی جز حقیقت در آن نیست» تاحال هم من به سه یا چهار نفر از آقایان محترم هم به‌طور خصوصی شرح لازم در این باب عرض کرده‌ام آنچه حالا می خواهم به اجمال یک بار خدمت همکاران محترم که اکثریت عظیم

آنان نسبت به‌شخص من جز حرمت و محبت صمیمی و لطف خالصانه تا امروز چیزی نشان نداده‌اند در این موضوع چیزی عرض کنم هم از آن جُهت است که شاید انتظاری طبیعی و به‌حق و از راه خیرخواهی به‌بنده برای این امر داشته باشند نه بر اثر انتقادات و حملات که به آنها هیچ‌وقت رویه من جواب دادن نبوده و نیست و حتی گاهی می‌شنوم که بعضی از جراید نیز شرح هائی در این موضوع با ذکر اسم بنده نوشته‌اند ولی بنده آن روزنامه‌ها را ندیده‌ام و فرصت به‌دست آوردن و خواندن همه جراید را نمی‌کنم در موضوع خود نفت بنده با قسمتی از آنچه ناطق محترم فرمودند معارضه‌ئی ندارم و اگر هم در قسمت زیادی دیگر از آن اطلاعات ایشان ناقص بوده یا مبنی بر اساس معتمد و صحیح نیست و یا مأخذشان بی‌اعتبار بوده باز چون همه اظهارات ایشان‌را در آن قسمت بر حسن نیت حمل می‌کنم قصد محاجه‌ئی در آن باب ندارم مطالب تاریخی را باید همیشه با زمان و مکان و احوال مقارن آن سنجید و همانطور که اگر یک جمله را از وسط یک بیانی بیرون کشیده آن را مورد تصدیق یا انتقاد قرار بدهید ممکن است به‌خطا بیفتید عرض کنم مثل همین جمله‌ئی را که خواندند و نگفتند که چی نوشته بودند که من این جواب را دادم ایشان اولین دفعه‌ای که به مجلس آمدم یک شرح خیلی مهربان‌آمیزی نوشتند آخرش هم یک شعر نوشته بودند که از گذشته بگذریم وفلان وفلان چون من هیچ در دل ندارم نوشتم که من هیچ نظری ندارم و امیدوارم که تذکرات شما مورد استفاده قرار گیرد اما حالا معلوم شد که این یک سندی است و کلیشه هم شده است (خنده نمایندگان) همان قسم هم نمی‌توان یک واقعه تاریخی را که در زمان خاصی وقوع یافته با موازین امروز محاکمه کرد اعظم وقایعی که در سی سال اخیر بلکه در یک یا دو قرن اخیر در این مملکت اتفاق افتاد ظهور شخص با اقتداری بود که درجهٔ تسلط و قدرت او بر همه‌چیز این مملکت و حتی نفوس و اموال و اعمال مردم آن روزبه‌روز تزاید گرفت و عاقبت به‌جائی رسید که اگر آقایان محترم دور از آن زمان بودند من در یک روز تمام صحبت هم قادر بر تصویر کامل آن نمی‌شدم. آن شخص اقدامات و اعمال خوب زیادی داشت و قطعاً وطن‌دوست و خیرخواه این مملکت بود (صحیح است) لیکن این صفات خوب برحسب ضعف طبیعت بشری با بعضی نقص های تأسف‌آمیز که جز گرفتاری طبیعی و عدم شمول عنایت و توفیق الهی نامی بدان نمی‌توانم بدهم و ضمناً با بعضی اشتباهات هم توأم بود و من نمی‌خواهم نه از آن نقائص محدود و نه از آن اشتباهات که درمقابل اعمال عظیمه و تاریخی و شایسته تحسین ابدی او نسبهٔ جزئی بود حرف بزنم خداوند او را رحمت کند و از هر تقصیر هم که داشته بگذرد ما در گذشته هم مردان بزرگی داشتیم که صیت کارهای بزرگ و مفید آنها هنوز باقی و بعضی جاودانی است ولی نقص های آنها و حتی بعضی تقصیرهای بزرگشان یا فراموش شده و یا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم و چشم می‌پوشیم (صحیح است) من این جمله را به اقتضای حکم وجدان و انصاف عرض کردم نه برای خوش‌آمد ستایشگران واقعی یا صوری یا غیرصمیمی آن مرحوم و خود می‌دانم که از طرف دیگر با گفتن این چندجمله حق و انصاف‌پرستانه جمعی دیگر از منتقدین اعمال وی را که مردم خوب و صالح هم درمیان آنها کم نیست و به‌ناحق هم نیستند ناخوشنود می‌کنم خصوصاً آنان را که مستقیماً صدمه دیده‌اند و از این طبقه اخیر با کمال خلوص عذر می‌خواهم و البته تصدیق دارم که یکی از نقائص عمده آن شخص بزرگ که لطمه بر نام بزرگ او وارد آورد همین افراط در سخت‌گیری و صدمه‌زدن به کسانی بود که به‌جهتی از جهات حتی جهت خیلی جزئی از آنها ناراضی می‌شد و اگر این صدمه دیدگان توجه به‌این مطلب نمایند که من خود نیز مورد بی‌مهری ایشان شدم و اگر در دسترس بودم شاید مورد نظر همان صدمات شده بودم از من نمی‌رنجند که خوبی ها و نقص ها هردو باید به‌انصاف و بی‌مبالغه ذکر شود و برای سنجش حسنات و سیآت (ناصر ذوالفقاری- می‌فرمائید از ترس بود؟) میزانی مقرر شده است برای نظارت در دوسیه مرحوم ارباب کیخسرو هم حاضرم شاه مرحوم به‌طور قطع و جزم مصمم بود که همه عهدنامه‌های نامطلوب و امتیازات خارجی و مداخلات خارجیان را در حقوق و محاکمات اتباع خود در ایران و حتی هرنوع حقوق کهنه شده را مانند وجود دو قطعه خاک در شمیرانات خارج از حیطه قدرت و حکم دولت این مملکت فسخ و نسخ و باطل و ملغی سازد (صحیح است) و این کار را کاملاً به‌انجام رسانید تا آنکه نماند از آنها جز امتیاز دارسی. پس اقدام به اصلاح آن امتیاز کرد تا حقوق ایران به‌طور مطلوب استیفا شود، این اقدام

داستان خیلی درازی دارد و چند سال طول کشید و اسناد و اوراق آن در ضبط وزارت مالیه باید موجود باشد. عاقبت حوصله شاه تنگ شد و شاید تعویق کار را حمل بر مماطله می‌نمود وضمناً میل نداشت حتی یک قید هم از قیود قدیمه به‌شکل سابق برای مملکت باقی بماند یک روز بغتةً مصمم شد امتیاز را فسخ کند و حکم برای این کار داد و واضح است که هم حکم او همیشه بدون تخلف و استثناء در یک ساعت اجرا می شد و هم در این مورد بالخصوص که بسیار و به اعلی درجه خاطرش متغیر بود احدی را یارای چون‌وچرا و نصیحت به او نبود پس این کار اجرا شد. اگرچه اتخاذ این طریق به این نحو به‌عقیده وزراء و رجال خیرخواه ایران در آن زمان صحیح نبود و چنانکه بعدها از نتیجه کار دیده شد یکی از اشتباهات بزرگ آن مرحوم در مدت سلطنت وی بود. منظورم این نیست که امتیاز دارسی بایستی به‌همان حال بماند ولی ترتیب الغای آن به‌طور ناگهانی و بی‌مطالعه باعث بعضی زحماتی شد که این امتیازنامه جدید یا مواد نامطلوب آن محصول آن است.

موضوع منجر به شکایت کمپانی و حمایت دولت او و تقاضای حکمیت لاهه و تهدید ازطرف ایران به شکایت از انگلستان به جامعه ملل و قبول آنها مراجعه امر را به جامعه و رفتن آقایان علاء و داور به ژنو شد و تا اینجا کار با وزارت خارجه بود و اقدامات به‌وسیله مرحوم فروغی به‌عمل می‌آمد و در جامعه ملل کار به‌جائی رسید و قبل از صدور حکمی در این باب وساطت و توصیه‌های مذاکرات مستقیم به‌میان آمد و چون دولت ایران گفته بود که الغای امتیاز به‌واسطه نامطلوب بودن شرایط آن بوده و حاضر خواهند بود با شرایط مطلوب و موافق منافع ایران امتیاز جدیدی (البته برای بقیه مدت امتیاز سابق) بدهند حضرات به تهران آمدند تا سعی در حصول مقصود به این نحو نموده امتحانی بکنند و اگر توافق حاصل نشد باز به جامعه ملل برگردند و داوری بخواهند، مذاکرات در تهران با مأموریت ٤ نفر برای اینکار یعنی مرحوم فروغی مرحوم داور و آقای علاء و اینجانب جریان یافت پس از چند هفته مذاکره توافقی در شرایط حاصل نشد لکن این نتیجه حاصل شد که اگر قدری گذشت از طرفین می شد طرح جدید به‌مراتب از امتیاز دارسی بهتر می شد لکن وقتی‌که حضرات از توافق با مأمورین ایرانی واسطه مذاکرات مأیوس شدند عزم عودت کردند و به شاه هم گفتند در این وقت بود که وی ظاهراً از عاقبت کار اندیشناک شد و عزم بر میانه گرفتن شخصاً و سعی در کنار آمدن با حضرات کرد و اگر هم با همان شرایطی که خود شرکت حاضر به‌قبول آنها شده بود و درواقع همان شرایط فعلی امتیازنامه فعلی بود (غیر از موضوع تمدید امتیازنامه) کار انجام می یافت امتیازنامه جدید به‌مراتب مرجح بر امتیاز قدیم بود و اگر کسی غیر از این پندارد ناشی از اشتباه و قلت تدقیق و مطالعه است. لکن در روز آخر کار به‌ناگهانی صحبت تمدید مدت را به‌میان آوردند و اصرار ورزیدند و درمقابل هرنوع محاجه و مقاومت ازطرف واسطه‌های ایرانی مذاکرات در منظور خودشان پافشاری و تهدید به‌قطع مذاکرات و حرکت فوری از ایران کردند و شد آنچه شد یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب‌الاختیار به آن راضی نبودیم و بی‌اندازه و فوق هر تصوری ملول شدیم و از همه بیشتر شخص من و پس از من (محض یاد خیر باید بگویم) مرحوم داور... (باتمانقلیچ- اولاد او امروز گرسنه هستند) متأثر و متألم و ملول شدیم لکن هیچ چاره نبود و البته حاجت به آن نیست که عرض کنم که چرا چاره نبود زیرا زمان نزدیک است و اغلب آقایان شاهد وقایع و وضع آن عهد بودند و حقیقت مسئله عیان است و حاجت بیان ندارد و می دانند که برای کسی در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود و نه مفید او هم ظاهراً از عاقبت کار اندیشه کرد و حاضر به‌عقب رفتن و پس گرفتن حکم نسخ امتیاز سابق هم به‌هیچ وجه نبود و شق ثالث هم وجود نداشت و کسی نمی داند که در صورت برگشتن طرفین به ژنو چه حکمی می شد و نتیجه چه بود ولی باید عرض کنم که مقصود از اینکه گفتم چاره نبود تنها بیم اشخاص نسبت به‌خودشان نبود بلکه اندیشه آنها نسبت به مملکت و عواقب نزاع به آن کیفیت نیز بود زیرا که بیرون آمدن از مخمصه‌ئی که به‌ظاهر بن‌بست می‌نمود سهل نبود و در صورت اکتفا به مقاومت منفی تنها با بیم زحماتی قرین بود و اصل نکته و همه جان کلام در این یک جمله اخیر است که میل ندارم زیاد شرح بدهم. و به‌قول معروف برای دلهای بی‌غرض یک حرف بس است.

سر من از نالهٔ من دور نیست
لیک چشم وگوش بعضی را آن نور نیست

این چند کلمه را به‌طور اجمال گفتم و باز خودداری از توضیحات مفصل علنی دارم و آنچه هم قال و قیل شود محض ملاحظه شخص خود مصالح مملکت را فدا نکرده و جوابی در جلسه علنی نخواهم داد فقط همینقدر باید بگویم که تا آنجا که من می‌دانم و خدا نیز شاهد است اصلاً سوء نیتی ازطرف هیچ کس یعنی هیچ ایرانی ابداً نبوده است اما موضوع دوم یعنی سهم بنده در این امر از اول تا آخر که شاید بعضی اشخاص خالی از بی‌غرضی در این قسمت بیشتر علاقه‌مند باشند تا به اصل موضوع اولی باید عرض کنم که بنده در این کار اصلاً و ابداً هیچ گونه دخالتی نداشته‌ام جز آنکه امضای من پای آن ورقه است (خنده شدید نمایندگان و مخبرین جراید) و آن امضاء چه مال من بود و چه من امتناع می‌کردم و مال کسی دیگر بود (و لابد حتماً یکی فوراً امضاء می‌کرد) هیچ نوع تغییری را در آنچه واقع شد و به‌هرحال می‌شد موجب نمی‌شد و امتناع یکی از امضاء، اگر اصلاً امتناعی ممکن بود در اصل موضوع یعنی انجام آن امر هیچ تأثیری ولو به‌قدر خردلی نداشت (محمد حسین قشقائی- در این صورت قرارداد قانونی نیست) (خسرو قشقائی- صحیح است) بنده در این مورد هیچ عرضی ندارم منتهی این است که شاید خود عمل امضاء اضطراری قصور یا تقصیری شمرده شود و من عرض نخواهم کرد که امضاء جعلی است وکسی دیگر امضاء را عوض من گذاشته بلکه هر تقصیری در آن عمل بسیط غیر اختیاری باشد خداوند خواسته بود که آن تقصیر فرضی به‌جای آن سه نفر دیگر همراهان ما یا وزرای دیگر دامنگیر من شود و من خود شخصاً با اقرار به اینکه درصورت امکان بهتر بود ولو با فدای نفس هم باشد انسان از این تقصیر فرضی غیراختیاری دوروبی دخالت در آن بماند فرق زیادی بین امضای قلمی اجباری و امضای قولی اجباری و امضای با ورقه سفید دادن در مجلس و تصویب اجباری صد نفر اشخاص محترم که وکیل ملت نامیده می‌شدند نمی‌بینم و اوضاع وقت با زبان صریح حقیقت را به تاریخ آینده خواهد گفت و فرق بین اختیار و اجبار و اضطرار را ثبت خواهد نمود و هم مشکل مملکتی که پیش آمده بود و کار را اضطراری ساخته بود معلوم خواهد شد.

من شخصاً هیچ‌وقت راضی به‌تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بود که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد او خود هم راضی به تمدید مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب ازطرف حضرات روبروی آنها به تحاشی و وحشت گفت «عجب این کار که به‌هیچ‌وجه شدنی نیست می‌خواهید که ما که سی سال بر گذشتگان برای این کار لعنت کرده‌ایم پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم» ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد این دخالت منحصر به امضای غیر اختیاری و بدون رضا و با نداشتن هیچ سهمی در کار مطلقاً و اصلاً و ابداً البته خیلی فرق دارد با چنین بدگمانی ها و اسنادات جاهلانه یا مغرضانه (صحیح است) که جلوه داده شد که من از ابتدا عامل و مدیر و مدبر و طرح‌ریز عمدی این کار بوده و سعی در حصول چنان امری کرده یا خیالش را در خاطر پرورانده بودم تا چه برسد به‌آنکه با وسوسه شیطان مرا عامل اصلی یا عمده نشان بدهند. این حملات هیچ‌وقت از روی فهم و خلوص نیت و وجدان و بی‌غرضی واقع نشده و فقط اگر نقشه‌های عمده در امری بوده در همین قصد تضییع اشخاصی بوده است که عدم دخالتشان بایستی بدیهی باشد ولی در آخر مطلب می‌خواهم دو نکته مختصر نیز بگویم و ختم کلام کنم یکی آنکه گذشته از هرچیز و هر پیش‌آمدی سعی در ضایع کردن و لطمه زدن بر کسانی که تمام عمر را بدون انقطاع به نیت خیر گذارند و عمری با قصد خدمت خالصانه به مملکت بسر برده‌اند حتی اگر هم سهو و اشتباهی از آنها سرزده باشد در مصلحت این مملکت و مطابق منافع عالیه ملک و ملت نیست (صحیح است) این امر را برای تزکیه نفس نمی‌گویم که خود را گوهری بدانم نایاب در بازار جوهریان بلکه شبه نیز در بازار مبتلا به‌قحط بی‌ارزش نیست و این فقط برای مصلحت مملکت می‌گویم مرحوم فروغی اگر هم تقصیر یا خطائی داشته (که به‌عقیده من هیچ نداشت) در گرانبها و عدیم‌النظیری بود (صحیح است) که آن تقصیر موهوم در آینده به همه‌حال قابل اصلاح و جبران بود ولی کشتن ناجوانمردانه آن رادمر خدمتگذار با هزاران گونه طعن و توهین و ناسزا تا صد سال دیگر قابل جبران نیست، من چهل و دو سال و دو ماه قبل در این بنا برای خیر ملت اولین بار حرف زدم و پس از زمان کوتاهی دیگر راهی در این محوطه نخواهم داشت و شاید در

دنیا هم نخواهم بود و بنابراین این عرایض من حکم آخرین فریاد یک خیرخواه حقیقی و صمیمی این ملت را دارد که می‌توان مانند نصیحتی خالصانه به جوانان مملکت که مصداق فی قلوبهم زیغ نیستند تلقی شود و هم آخرین جوابی است که به این حملات می دهم. دوم آنکه اگر قصد حقیقی با خلوص نیت استیفای کامل حقوق ایران و به‌دست آوردن گمشده‌ای باشد راهش این نیست که گاهی پیش گرفته می شود و با آنکه ابراز احساسات و عقاید ملت و وکلاء باعث قوت دولت شده دست او را در مذاکرات قوی تواند کرد و از این حیث مفید تواند شد حمله به دولت و بر پا کردن هو و جنجال در موقعی که ظاهراً مذاکراتی در پیش است و امید کامیابی قبلاً مفقود نیست شاید جز زیان به‌مقصود نتیجه‌ئی نداشته باشد آنچه می خواهید بگوئید و بعد پشت دولت بایستید و سعی کنید کامیاب شوید. هرروز برای این کامیابی به خلوص دعا کنید و عاقبت وقتی‌که نتیجهٔ مذاکرات مقدماتی به‌حضورتان عرضه شد اگر نپسندیدید رد کنید و پیشنهاد بهتری بکنید نه‌انیکه از ابتدا مطلب را به‌دست غوغا بدهید که مضر تواند شد.

این را هم بگویم که آنچه من امروز عرض کردم شاید هم بر وفق مقتضای بعضی ملاحظه کاری‌ها نبود ولی برطبق صداقت کاملی بود که همیشه روش من بوده است و من چنانکه عرض کردم شخصاً همین اندازه را هم راضی نبودم در جلسهٔ علنی بگویم اما برای رفع توهمات بی اساس چاره‌ای ندیدم.

بنده ملاحظات خیلی مفیدی هم برای اصلاح کار دارم که اگر روزی اشخاص بی‌غرض و دارای اختیار حل و عقد از من مشاوره کنند می‌گویم و آنوقت معلوم می شود که بنده نه عامد در ضرر مملکت و نه جاهل بوده‌ام یعنی نه حر و نه درهرحال تصحیف حر، بنده نبوده‌ام بلکه در وفاداری به‌حق و اهل حق همیشه از حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه عقب نبوده و با تأسی به اولیای حق مصداق لم یشرک بالله طرفة عین بوده‌ام آخرین مطلب این را عرض کنم که مصلحت مملکت یک چیز است. و جزو بحث و اغراض هم نمی خواهم عرض کنم. لجاج و مخاصمه و منازعه چیز دیگری است. ما باید اغراض را از دل بریزیم و سعی کنیم کار مملکت را اصلاح کنیم هرطور که شما می خواهید، هرطور آقای رحیمیان می خواهند هرطور می خواهید ولی این راهش این نیست. بنده نمی خواهم چیزی عرض کنم و حالا هم عرض نمی‌کنم از این مطالبی که اینجا گفته شد صدی هشتادش بی‌اساس بود، بی‌اساس صرف بود (صحیح است) بنده بیایم حالا احتجاج بکنم مدافعه از شرکت نفت که نمی‌کنم وقتی می‌گویند مثلاً بیست میلیون در بلژ یک صد تا بیشتر خطا بود یکی اینکه ۲۰ میلیون لیره که در شرکت نفت رزرو است مال ایران خواهد بود. (رحیمیان- من جز سعادت ملت ایران چیزی نمی خواهم) بنده خیلی ممنون می شوم اگر آقایان یک‌دفعه در یک جلسه‌ئی تشریف بیاورند بنشینند آنچه که من می دانم البته نه آنچه را که خدا می داند و من نمی دانم. اول قسم می خورم که یک خردلی کتمان نکنم و آنچه هست بگویم تا بعد حکم و قضاوت بکنید که آیا راهی دیگر بود؟ یا خیر اگر هم بوده است شاید ما اشتباه و تقصیر کرده‌ایم (احسنت).

رحیمیان ــ با بیانات جناب آقای تقی‌زاده که ما بیش از این انتظار نداشتیم این قرارداد لغو است با بیانات جناب آقای تقی‌زاده این قرارداد از درجه اعتبار ساقط است. نمایندگان- صحیح است.

رئیس ــ جلسه را ختم می‌کنیم جلسه آینده یکشنبه دهم بهمن. مجلس ساعت یک بعد از ظهر ختم شد.

رئیس مجلس شورای ملی-رضا حکمت

۳۷- نامه‌های قوام السلطنه به شاه

فدوی به‌واسطهٔ عارضهٔ کسالت و لزوم معالجه در اروپا بودم که اطلاع حاصل کردم تصمیم به انعقاد مجلس مؤسسان گرفته شده است. حاجت به توضیح نیست که در حاضر کردن اشخاص به‌نام مؤسسان و تحصیل آرائی ازایشان به هیچ وجه رعایت لازمهٔ حقوق ملت ایران و پایه و اساس حکومت ملی منظور نشده و جز متزلزل ساختن قانون اساسی کشور که ضامن بقای حکومت ملی و مشروطیت است و فردفرد وزرای دولت ذمه‌دار و مسئول حفظ و وقایهٔ آن بوده و هستند و بخصوص مراعات کامل آن از نظر جغرافیایی و سیاسی برای ملت ایران از اهم امور است نتیجهٔ دیگری حاصل نگردیده و حیرت بر حیرت افزوده شده است که در افتتاح مجلسین اعلیحضرت همایونی تأکید فرموده‌اند درپایه‌ای از اصول قانون اساسی نیز

تجدید نظر شود و مخصوصاً اصل ۴۹ قانون اساسی را تغییر دهند.

بنده از نظر پنجاه سال تجربه و سابقهٔ خدمتگزاری صریحاً به‌عرض می‌رسانم که برای مملکت هیچ خطری بزرگ‌تر و لطمه‌ای عظیم‌تر از این نیست که تنها وثیقهٔ بقای ایران یعنی قانون اساسی وسیلهٔ بازیچه و دستخوش تغییر و تبدیل گردد و متاسفم که در طی عرایض مکرر چه بالواسطه و چه بلاواسطه نتوانسته‌ام توجه اعلیحضرت را به‌طرف خود معطوف نمایم تا بتوانم حقایقی را در خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به‌عرض برسانم.

باید اعلیحضرت قبول فرمایند که ماحصل قانون اساسی که حاوی حقوق ملت ایران است در این اصل ۴۹ مندرج شده و در زمانی که سلاطین استبداد و حکومت مطلقه مملکت را تحت استیلای قادرانهٔ خود داشتند و هیچ گونه حقی برای مردم نمی‌شناختند و خود را بالوراثه دارای هرنوع حقی می دانستند بالاخره حق خداداد مردم را طبق این قانون اساسی تصدیق نموده و خود را نمایندهٔ ملت ایران و سلطنت را ودیعه‌ای ازطرف ملت برای خود تشخیص دادند و اعلیحضرت پادشاه فقید نیز در طی بیست سال سلطنت باقدرت مطلقه به هیچ وجه تغییر مواد مربوط به حقوق ملت ایران را در مخیلهٔ خود راه ندادند.

اینک با صدور منشور ملل متفق و اعلامیهٔ عمومی حقوق بشر که ازطرف ممالک معظمه منتشر گردیده و دنیا حقوق بیشتری برای مردم گیتی شناخته است، اعلیحضرت همایونی که حفظ و صیانت قانون اساسی را برعهده گرفته و سوگند یاد فرموده‌اند چگونه امر می‌فرمایند این وثیقهٔ محکم را که در دست مردم ایران است از ریشه و بنیان برهم زنند و قوانین مصوبهٔ مجلس شورای ملی را که از دربند مجلس سنا هم با اشکالات متصوره بگذرد قابل تعویق یا تعلیق یا توقیف گردانند و توجه نفرمایند که وقوع چنین فکر در حکم تعطیل قوانین و محو و الغای مشروطیت است و بالفرض اگر امروز به‌سکوت بگذرد و معدودی برای خوش‌آیند اعلیحضرت یا درنتیجهٔ تهدید و تطمیع در پیشرفت آن موافقت نمایند وای برحال امروز و آتیهٔ آنها که سکوت و موافقت کرده و اعلیحضرت را به مخاطرات عظیم آن متوجه ننموده‌اند.

باید بی‌پرده عرض شود که اگر می‌گویند در تمام مدت مشروطیت ایران قوانینی برخلاف مصالح کشور از مجلس گذشته است که اکنون تغییر اصل ۴۹ را ایجاب نموده توضیح دهند کدام قانون که به جریان طبیعی گذشته و فشار حکومت در آن راه نداشته مخالف مصلحت بوده است تا در آن قانون تجدیدنظر شود. نه اینکه به بهانهٔ موهوم حق مسلم و معلوم ملت را طوری از پایه و ریشه قطع کنند که از حکومت ملی و مشروطیت نام و نشانی نماند و در موارد معلوم که حاجت به توضیح نیست جز ندامت و افسوس اثری باقی نگذارد.

پرواضح است که با بودن همین قانون اساسی بر کسی پوشیده نیست که متصدیان امور از قدرت خود سوء استفاده نموده و مقامات نظامی و شهربانی ها درموارد مختلف مردم را در تنگنا و زحمت گذارده و بر بدبختی و بیچارگی مردم افزوده‌اند، چه رسد به‌آنکه دیگر در مملکت قانونی عرض وجود ننماید یا دستخوش هوا و هوس جمعی مغرض و متملق واقع شود.

بر این بنده فرض است به‌حکم تجربیات گذشته و خدمتگزاری طولانی در این موقع که چنین اراده‌ای فرموده‌اند علناً و بالصراحه بعرض برساند که این تصمیم از هرجهت مضر و خطرناک و برخلاف مصالح عالیهٔ کشور است و اشکالات بسیار و عواقب ناگواری را نه‌فقط برای ملک و ملت بلکه برای شخص اول مملکت ایجاد خواهد کرد و از نظر سیاست بین‌الملل نیز برای کشوری ضعیف مانند ایران در حکم سمی مهلک است و به همین نظر بوده است که در قانون اساسی ایران طبق اصل ۴۴ شخص پادشاه را از مسؤولیت مبری دانسته‌اند و درنتیجهٔ همین عدم مسؤولیت است که تمام موادی که مربوط به فرماندهی کل قوا وعزل ونصب وزراء و سفرا و اعلان جنگ و صحه و امضای فرامین و آنچه از این قبیل است عموماً دارای جنبهٔ تشریفاتی می‌گردد و این حقوق فقط و فقط ناشی از ملت ایران است که بودجهٔ عمومی مملکت را از نظام و غیرنظام از دست‌رنج و محرومیت های خود پرداخته و تمامی این حقوق را در حیطهٔ اختیار و اقتدار نمایندگان خود گذارده است که از طرف نمایندگان ملت یعنی مجلس شورای ملی و سنا به‌وسیلهٔ رأی تمایل و اعتماد به وزراء تفویض می شود و بدیهی است در غیر این صورت مشروطیت یعنی حکومت ملی و

مسؤولیت وزراء مفهوم خارجی نخواهد داشت. چه اگر شخص پادشاه مداخله در امور مملکت و حکومت فرماید طبعاً مورد مسؤولیت واقع می‌شود و طرف بغض و عناد عامه واقع می‌گردد و چنین نتیجه‌ای نقض منظور قانون‌گذار را می‌نماید و سنجش اختیارات رئیس جمهور امریکا یا سوئیس با پادشاه ایران غیروارد است. زیرا آنها اگر از حدود خود تجاوز کنند در آینده از انتخاب مجدد محروم و محاکمه می‌شوند درصورتی که طبق قانون اساسی سلطنت ایران مقامی ثابت و از تغییر و تبدیل مصون و محفوظ است چنانکه در کشور بزرگ انگلستان و سوئد و بلژیک که نمونهٔ بارز این نوع سلطنت هستند هیچ گونه حقی از این‌قبیل برای شخص پادشاه منظور نشده است.

با توضیحات معروضه استدعا دارد به گفته‌های مغرضین و متملقین توجه نشود و از چنین تصمیم خطرناک تا زود است انصراف فوری حاصل فرمایند. زیرا قوانینی که از مجلس شورای ملی بگذرد به مجلس سنا خواهد رفت و در سنا هم که اعضای آن از اشخاص مجرب و بصیر و به‌وظایف ملی و مصالح حال و مآل کشور آشنا و آگاه هستند و نیمی از اعضای آن ازطرف اعلیحضرت تعیین می‌شود مراقبت لازم را نسبت به‌حدود مسؤولیت خود خواهند نمود. فدوی مکلف است به‌عرض برساند و خاطر مبارک را متوجه کند که تغییر اصل ۴۹ قانون اساسی که عملاً انشاء قانون‌گذاری را موقوف و به‌دست قوهٔ مجریه می‌سپارد کار ساده و آسانی نیست و یک‌چنین خطای ملی و گناه سیاسی را منتخبین سنا و نمایندگان مجلس شورای ملی مرتکب نخواهند شد. زیرا این فکر در حکم بازگشت حکومت مطلقه در ایران است که در زمان محمدعلی میرزا نیز جرأت پیشنهاد و تفوه آنرا نداشته و این تعطیل مشروطیت هنگام بسط و توسعهٔ آزادی دنیا نتایجی دربر خواهد داشت که از مشاهدهٔ دورنمای وحشت‌زای آن لرزه بر اندام دوستداران مقام سلطنت می‌افتد.

درموقع تشکیل مجلس مؤسسان بنده در ایران نبودم، والا در توضیح کامل و اقدام به انصراف کامل اعلیحضرت همت می‌گماشتم و در ایام اخیر هم به‌نیت اینکه توضیحات لازمی را به‌عرض برسانم با شدت مرض به طهران آمدم. ولی مسافرت اعلیحضرت مانع انجام وظیفه شد. از طرف دیگر ناخوشی به بنده مجال نداد در طهران توقف نمایم. ناچار اکنون وظیفهٔ خود را نسبت به ملک و ملت و شخص اعلیحضرت بدین‌وسیله انجام می‌دهم و درصورتی که به عرایض صادقانهٔ فدوی ترتیب اثر ندهند و باز مجدّ و مصرّ بر چنین اقدام باشند دیری نخواهد گذشت که ملاحظه خواهند فرمود این عمل موقتی و زودگذر و نتایج آن بسیار وخیم و بی‌شبهه به خشم و غضب ملی و مقاومت شدید عامه منتهی خواهد گردید و آن روز است که زور سرنیزه و حبس و زجر مدافعین حقوق ملت علاج برپیشانی ها و پشیمانی ها را نخواهند نمود.

معروضه ۲۶ اسفند ۱۳۲۸، احمد قوام

جناب آقای احمد قوام، عریضه سرگشاده‌ئی به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تقدیم داشته بودید وصول داد و مطالعهٔ مندرجات آن در پیشگاه ذات شاهانه با تعجب و تأسف تلقی گردید،

تعجب از اینجا ناشی است که چرا نخست‌وزیر سابقی که قسمت اعظم مشکلات موجود کشور از دوران زمامداری او به‌یادگار باقی مانده و جریان نامطلوب فعلی اکثراً نتیجهٔ طبیعی و منطقی عملیات خودسرانه و مغرضانه آن زمان است حال به‌خود اجازه می‌دهد که به‌عنوان دلسوز ملت و غمخوار مردم، همان مردم و ملتی که در مدت زمامداری او دستخوش مطامع و اغراض خود و اطرافیانش بوده و آشفتگی اوضاع و بیچارگی عمومی را درنتیجه ترویج رشاء و ارتشاء و توسعه فساد در تمام شئون کشور موجب و مسبب بوده و حقاً میبایستی حال به کیفر سیئات اعمال خود درپنجهٔ عدالت مقهور و گرفتار باشد و بقیه ایام زندگانی پلید خود را در گوشه‌ئی از زندان سپری نماید، اکنون مجدداً از فراموشی و جنبه رافت و شفقت مردم سوء استفاده نموده و در میدان سیاست اسب‌تازی و با ریختن اشک تمساح به‌حال عموم دلسوزی و به‌تزلزل خیالی ارکان مشروطیت نوحه سرائی نماید.

اگر خود شما فراموش کرده‌اید و یا تظاهر به‌فراموشی می‌نمائید عواقب سوء سیاست و بنا به‌عقیده پاره‌ئی خیانت ورزی شما در امور کشور به‌این کیفیت داشت تجلی می‌نمود که اگر خواست و تفضل خداوندی و غیرت ملی و شهامت افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و مجاهدات و فداکاری‌ها و ازخودگذشتگی های افراد ارتش دلیر این کشور تحت هدایت و

فرماندهی مستقیم شاهنشاه نبود و صبر و بردباری و متانت و همت خستگی ناپذیرِ ذات شاهانه تائید نمی‌نمود، حال نام آذربایجان از تاریخ این کشور زدوده شده بود و این ننگ و بدنامی محوناشدنی تا ابد دامنگیر این کشور می‌گردید.

اگر جنابعالی تا این درجه رشته افکار و خاطرات خود را ازدست داده‌اید که نسبت به اصلاح قانون اساسی و عمل مجلس مؤسسان که از نخبه‌ترین افراد و صالح‌ترین و علاقمندترین رجال این کشور که شماری از آنان از صدر مشروطیت به یادگار مانده‌اند تشکیل یافته به خود اجازت ایراد و خورده گیری می دهید و این عمل را که مکمل تاریخ مشروطیت کشور شاهنشاهی است به زعم خود باعث تزلزل موهوم ارکان مشروطیت می‌خوانید و خود را از این فکر بری و بی اطلاع و بدون سابقه نشان می دهید ناگزیر هستم که یادآوری نمایم که شخص جنابعالی اول کسی بودید که نغمه اصلاح قانون اساسی را ساز کردید و آن در موقعی بود که از مسافرت مسکو مراجعت و از جهت اجرای تعهدات شومی که به‌عهده داشتید و از لحاظ آماده ساختن نقشه تحویل آذربایجان به پیشه‌وری و رفع مانع قانونی آن، لزوم توسل به‌چنین اقدامی را تصریحاً به پیشگاه مبارک متذکر شدید و بعد هم که اوضاع تغییر کرد و آذربایجان دومرتبه به‌مادر میهن بازگشت نمود و آرامش و سکونی در اوضاع پدید آمد و درجه علاقه نسبت به‌ذات شاهانه در دلها فزونی یافت از آنجا که خود نخست‌وزیر بوده و لازم می دیدید که از فکر اصلاح طلبانه شاهنشاه تبعیت و پیروی نمائید این عنوان را به‌نحو دیگر تعقیب و با اذعان به‌لزوم رفع نواقص موجود در قانون اساسی و تطبیق دادن آن با مقتضیات زمان حاضر و احتیاجات فعلی کشور و همچنین تعدیل قوای ثلاثه مملکت به‌شهادت نطق‌ها و بیانات خود در مجلس شورای ملی ضرورت این عمل را خاطرنشان و دو نفر از وزیران کابینه خود را مأمور مطالعه و تهیه طرح‌های لازم نمودید.

حتی شما که دعوی احترام به‌قانون را می‌نمائید در کابینه اول خود بعد از شهریور درهمان موقع که اختیار انحلال بموجب قانون اساسی هنوز به شاهنشاه تفویض نشده‌بود از مقام سلطنت اختیار انحلال مجلس را با وجود موانع قانونی آن درخواست می‌نمودید.

حال چگونه می شود که اصلاح و تکمیل قانون اساسی را که تازه مطابق قوانین اساسی سایر ممالک مشروطه سلطنتی که خود مخترع مشروطیت بوده‌اند شده است و بعلاوه با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته برخلاف مصالح عالیه کشور می‌خوانید و خود را از آن به کلی بی اطلاع قلمداد می‌نمائید و حقوق و اختیارات مقام سلطنت را بی ادبانه و جسورانه تشریفاتی و بی پایه و بی مایه تلقی می‌کنید!

اگر این حقوق و حدود بنا به آرزوی شما تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان ارتش این کشور نیز از بیخ و بن برکنده شده بود باز مگر به‌خاطر ندارید که برای ترفیع افسران خائن و فراری متجاسرین آذربایجان و اعطاء درجه آنها چقدر پافشاری داشتید و تنها ذات شاهانه به‌اتکاء همین حقوق و اختیارات بود که از صدور چنین فرامینی که اصل مسلم تشویق خادم و تنبیه خائن را به کلی واژگون می ساخت خودداری نموده و فرمودند حاضرم دست‌های خود را قطع نمایم تا اینکه به‌چنین خیانتی نسبت به کشور تن دردهم.

اینها و سایر خاطرات تلخی که از زمامداری شما باقی است که ذکر موارد دیگر آن تحریر کتابی را لازم دارد ایجاد تعجب می‌نماید که چرا حال که از مسئولیت دور هستید مطالبی را به‌عنوان خیرخواهی و صلاح اندیشی عنوان می‌کنید که خود در دوران حکومتتان الغاء کننده آن فکر بوده‌اید، آیا ممکن نیست تصور شود که اصلاحات مقرره در قانون اساسی غیر از آن بوده است که شما می اندیشیده‌اید و بدین جهت موجبات عدم رضایت و شکایت شما را فراهم آورده؟

به هرحال جناب آقای قوام باید بدانید که اوضاع قبل از مجلس مؤسسان یعنی حکومت مطلقه طبقه محدود و معدودی بر مبانی اغراض و مطامع فردی و استفاده جوئی و منفعت طلبی به‌ضرر توده ملت دیگر تکرار نخواهد شد و این عده نخواهند توانست با نان قرض دادن و قرض گرفتن هائی منابع ملی را دستخوش هوی و هوس شخصی قرار داده و دوران حکومت خودسری و رسم خویشتن خواهی را تجدید و احیاء نمایند. ضمناً نیز مطمئن باشید که به‌موجب همان اصل آزادی مطلق ملی که اکنون سنگ آن را به‌سینه می‌زنید دیگر تجربه تلخ گذشته تکرار نمی‌شود و عنوان دسیسه‌سازی و دسته‌بندی موجب نخواهد گردید که دومرتبه سوء جریانات و خیانت‌های

گذشته به‌دست عده‌ئی که مکرر امتحان خود را در پیشگاه ملت داده‌اند تجدید و آن عده به‌حکومت نائل گردند، اما موضوعی که موجب تاسف گردید این است که با اوضاع کنونی جهان و سختی وضعیت کشور که مقداری از آن همان‌طور که توضیح داده شد معلول سیاست‌های غلط گذشته و پاره‌ئی ناشی از اضطراب اوضاع سیاسی دنیا و انعکاس آن در محیط کشور ماست چرا زمینه فکری پاره‌ئی از افراد به‌این درجه محدود و غرض‌آلود است که درعوض فداکاری و ازخود گذشتگی و تشویق مردم به اتحاد و یگانگی با اغراضی پلید و افکاری مسموم در مقام القاء فتنه و فساد برآمده و بخواهند وحدت کلمهٔ ملی را تبدیل به تشتت و تفرقه نموده و تیشه برریشه هستی کشور بزنند تا شاید از این اغتشاش اوضاع بیچارگان به‌نوائی رسند و یقین است این نمونه فکر حتی در پست‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین ملل گیتی نظیر ندارد.

درقسمت اصلاح اصل ٤٩ قانون اساسی اگر باز منصفانه قضاوت می‌نمودید قطعاً تشخیص می دادید که انجام وظیفه بنا به‌دستور مجلس مؤسسان که مبعوث از طرف ملت است به‌عهده مجلسین محول شده و تنها شاید از این جهت باشد که برای قوانین بودجه‌ئی که منحصراً دریک مجلس می‌گذرد و در مجلس دیگر مورد غور و مداقه قرار نمی‌گیرد راه مطالعه بیشتری باز گذارد زیرا ای‌بسا در اثرعوامل‌محیطی و احساسات ملی قوانینی در این رشته بدون مطالعه کافی بگذرد که اجرای آن به‌ضرر کشور باشد و برای رئیس کشور حقی باید به‌وجود آید که چنین قوانینی را ثانیاً به‌مجلس اعاده دهد تا مجدداً مورد غوررسی و تعمق قرار گیرد و هرگاه باز تائید گردید به‌موقع اجرا گذارده شود.

به هر حال اجرای این اصلاح به‌عهده نمایندگان مجلسین که طبعاً علاقمند به کشور و سعادت موکلین خود هستند محول گردیده و بر مجلسین است که تصمیم شایسته در اجرای دستور مجلس مؤسسان اتخاذ نمایند و هرگونه تصمیم که از مجلسین مقرر گردید البته به‌خیر و صلاح کشور خواهد بود.

ضرورت اجرای پاره‌ئی اصلاحات دیگر ازقبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنجات انتخاباتی که هردو سال یک‌بار گریبانگیر کشور می شود و با افزایش عده نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی که به‌عهده مجلسین محول گردیده به‌حدی روشن است که محتاج به‌توضیح بیشتری نیست.

اینکه اشاره نموده‌اید که با وجود قانون اساسی متصدیان امور از قدرت خود سوء استفاده نموده و مقامات نظامی و شهربانی‌ها در موارد مختلف مردم رادر تنگنای زحمت گذارده‌اند این خود ازجمله معایبی است که در دوران حکومت و زمامداری شما به‌حد اعلای ظهور و بروز رسیده بود، آیاجنابعالی به‌غیر از توسل به حکومت نظامی و حبس و زجرهای عناصر آزادیخواه که عده‌ئی از آنان در توقیفگاه درگذشته و پارهٔ دیگر نزدیک به‌این خطر گردیده بودند و تنها گناه آنها عنوان مخالفت با زمامداری شما بود، به‌طریق دیگری در مقام ادامهٔ زمامداری خود برآمده‌اید؟ احتراز از همین معایب است که ملت را ناگزیر ساخت در مقام اصلاح نواقص قانون اساسی خود برآمده و از تجدید چنین اوضاعی که به‌نفع عدهٔ محدود جواز فروشان و رشوه‌خواران بود جلوگیری نماید.

آیا توسل به تهدید و تطمیع را غیر از خود شما در زمامداری خود کسان دیگری بانی و مروج بوده‌اند!

اما اینکه عنوان نموده‌اید که در کشورهای دیگر سلطنتی نظائر چنین حقوقی به‌سلاطین داده نشده این خود یا منتهای غرض‌ورزی شما را می‌رساند یا حاکی از نهایت درجه بی‌اطلاعی است و توصیه می‌کنم که راجع به انحلال مجلس یا مجلسین به‌قانون اساسی سوئد که نمونه بارز کشورهای مشروطه سلطنتی است مراجعه نمائید و جواب خود را دریابید.

در این قانون برای پادشاه سوئد اختیاراتی بیش از آنچه برای شاهنشاه ایران قانون اساسی مقرر داشته قائل گردیده است، این نمونه خود می‌رساند که نصایح و اندرزهای جنابعالی به پیشگاه مقدس سلطنت تا چه‌حد مشفقانه و بی‌غرضانه است.

اینکه عنوان تاسف نموده‌اید که در ظرف این مدت نتوانسته‌اید نظریات مصلحانه خود را چه با واسطه و چه بلاواسطه عرض مبارک برسانید و مورد توجه قرار گیرید از این قسمت همان‌طور که خود در محلی از عریضه خود اشاره کرده‌اید حیرت بر حیرت اینجانب افزود، آیا توجه ذات شاهانه غیر از برگزیدن به نخست‌وزیری و اعطاء عنوان جناب اشرفی و

دادن مجال برای خدمتگذاری به کشور نحو دیگری می‌توانست مصداق پیدا نماید؟ در دوران زمامداری خود که مصادف با ایام فترت مجلس بود آیا مجالی برای عرض عرایض مشفقانه نداشته‌اید؟ یاللعجب مجالس شرفیابی های ممتد شما در پیشگاه مبارک چگونه برگذار می شد، مجال و فرصت آیا چگونه ایجاد و تولید می شود که بتوانید عرایض خیرخواهانه به‌عرض برسانید و هم این که نظریات اصلاح‌طلبانه را در امور کشور به‌کار بندید، آیا نمونه این عرایض و نصایح جز استقرار مظفرفیروزها بر مسند معاونت نخست وزیری و وزارت و وارد کردن وزرای اجنبی‌پرست و مرتبط با بیگانه در دولت و صدور جوازهای رنگارنگ چیز دیگری بوده است، پس چرا از عدم مجال و فرصت و فقدان توجه و عنایت شکایت دارید؟

اما اینکه در عریضه خود اشاره‌ئی هم به متملقین نموده‌اید باید گفته شود که این خصیصه نیز مانند سایر خصائل مذموم در شخص شما و در دوران حکومت شما بیشتر از دیگر مواقع تجلی داشته است این خود شمائید که پاره‌ای از وزرای کابینه خود را به‌ارتکاب کارهای موهون و سایر تملقات بی‌رویه که منطبق با اخلاق زشت خودپسندانه شما بود وامی داشتید و خود به‌شخصه نیز همین که احساس ضعف و فتوری در کار می‌نمودید به‌تضرع والحاح پرداخته و به تملق گوئی که خلاف رویه رادمردان است شاهنشاه را از کیفیت اخلاقی و روحی خود مشمئز می‌کردید.

پس کسی که خود آلوده به‌تملق و خوشنود از تملق گویان است چنین صفتی را در دیگران نباید مورد ذم و قدح قرار دهد درصورتی که همه می دانند که شاهنشاه دموکرات و آزادمنش ما نه گوشی به‌تملق دارد و نه روئی با تملق گویان.

خلاصه باید بدانید که این‌قبیل عناوین و اظهارات دیگر به‌اندازه خردلی در پیشگاه افکار عمومی وقع و اهمیت نخواهد داشت و چون از حلقوم اشخاصی خارج می شود که اگر امر دائر شود که در کشور مبارزه با فساد همان‌طور که سرلوحه برنامه دولت است به‌نحو مؤثر و قاطع آغاز گردد اولین هدف این مبارزه آنها خواهند بود بنابراین نزد خردمندان و آگاهان به‌رموز امور جز برانگیختن حس انزجار و نفرت تأثیر دیگری نخواهدنمود و عنوان علاقمندی به‌قانون اساسی و تظاهرات مزورانه این اشخاص را از یأس ملت و کیفر قانون نجات نخواهد بخشید و به‌علاوه مردم به‌خوبی واقف هستند که چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون‌ها اندوخته و ذخیره نموده و چه اشخاصی نیز میلیونها پول در راه رفاه عموم مصرف نموده‌اند.

ضمناً به‌شما نصیحت می‌کنم که درعوض تشبث به‌این حیل و طرح فتنه در کشور بهتر این است بگذارید دست زمانه پرده فراموشی را برروی اعمال شما بیافکند و خود را با آن‌همه مفاسد و معایب که مرور آن رعشه بر اندام وطن‌پرستان مستولی می سازد تجدید ننموده و یا اینکه اگر فعالیتی می‌خواهید ابراز کنید، در مقام برائت ذمه خود از اتهامات و اعلام جرم‌ها برآئید.

در خاتمه لزوماً توجه می دهد که درآتیه باید از عرض این‌قبیل عرایض که گاهی جنبهٔ تملق و تضرع دارد و گاهی رنگ ریا و تزویر به‌کلی خودداری نمائید زیرا بر مفسدین نمی سزد در امور کشوری که به‌آن درجه بی‌علاقگی به‌تمامیت و استقلال آن نشان داده‌اند عنوان نظری نمایند و سالکان طریق خدمتگذاری کشور را بخواهند با این عناوین از صراط مستقیم بازدارند و چون خود موجب شده‌اید که پرده از روی اعمال و افعال مفسدت‌آمیز شما برداشته شود و بالطبیعه صلاحیت داشتن خطاب جناب اشرف را فاقد می شوید بدین جهت برحسب فرمان مطاع مبارک از این تاریخ عنوان مذکور از شما سلب می شود.

وزیر دربار شاهنشاهی ابراهیم حکیمی

در جواب عریضهٔ سرگشاده که چندی قبل به‌حضور همایونی عرض کرده‌بودم نامه‌ای به امضای جناب آقای حکیم‌الملک به اینجانب رسید که تاریخ آن ۱۹ فروردین بود و در روزهای آخرفروردین که به‌دستور طبیب در جنوب فرانسه بودم به اینجانب ابلاغ گردید. در آن موقع به‌شهادت جمعی از آقایان قریب بیست روز بیمار و بستری بودم و بعد هم برحسب وقتی که از جراح متخصص لندن گرفته بودم بایستی روز ۲۷ مه (۱۶ اردیبهشت) برای عمل جراحی به لندن می‌رفتم. این بود که پس ازرفع کسالت برای ویزای گذرنامه به پاریس آمدم و روز ۱۶ اردیبهشت وارد لندن شدم. بدیهی است در جریان عمل جراحی امکان خواندن و نوشتن و فرصت جواب غیرمقدور بود.

اکنون که از بیمارستان بیرون آمده با حال ضعف و نقاهت تحت نظر طبیب و جراح در لندن اقامت دارم و فرصت محدودی برای مطالعهٔ جراید طهران حاصل است، با کمال تعجب ضمن شایعات جراید در روزنامهٔ اطلاعات ملاحظه شد که اینجانب نامه ای به علیاحضرت ملکه مادر به طهران فرستاده و تقاضا کرده ام اجازه داده شود به طهران مراجعت نمایم و نیز به وسیلهٔ مقربین بارگاه همایونی خواسته ام تقاضای عفو اغماض کرده باشم. این نوع انتشارات سبب شد که با حال کسالت اولاً شایعات مزبور را تکذیب کنم. زیرا در خود گناه و خطایی نمی‌بینم که مورد عفو و اغماض ملوکانه واقع گردم و بنابراین هروقت طبیب اجازه دهد به وطن عزیز مراجعت خواهم کرد. ثانیاً چنانکه نامهٔ جناب آقای ابراهیم حکیمی را بی جواب می‌گذاشتم مثل این بود که مندرجات آن را تصدیق کرده باشم و از مدلول جواب واضح بود که آنچه را شرح داده اند برحسب ابتکار شخص ایشان نبوده. چه عمری است با ایشان رفاقت و خصوصیت داشه ام و در تمام این مدت کلمه ای برخلاف نزاکت و احترام از ایشان نسبت به خود نشنیده ام. پس مسلم است که آنچه را ایشان امضاء نموده اند ابلاغ فرمایشات همایونی بوده و بنابراین روی سخن و عرض جواب به پیشگاه ملوکانه است نه به جناب آقای ابراهیم حکیمی و چون در خاتمهٔ نامه ابلاغ نموده اند که حسب الامر در آتیه از عرض عرایض به حضور همایونی خودداری شود ناچار جواب تقریرات را به وسیلهٔ رجال خیرخواه و جراید به عرض می‌رسانم تا برخلاف ارادهٔ مبارک عمل و اقدامی نکرده باشم.

آنچه را در عریضهٔ سرگشاده به عرض رسانده ام تنها عقیدهٔ فدوی نبوده بلکه نظر علمای اعلام و متفکرین عالی مقام و وطن‌پرستان ایران بوده است که جز خیر و سعادت مملکت و صلاح شخص شخیص سلطنت نظری نداشته اند و جای بسی تأسف است که عرایض خیرخواهانه به‌جای حسن قبول تولید ملال و کدورت نمود، تا حدی که قسمت اعظم مشکلات موجود را نتیجهٔ دوران زمامداری فدوی دانسته اند. اعلیحضرت همایونی اگر اندکی صرف وقت فرموده به تاریخ قرن اخیر ایران مراجعه فرمایند توجه خواهند فرمود که دوران زمامداری فدوی از جهاتی مشکل‌ترین و هولناک‌ترین ازمنهٔ تاریخ ایران بوده و اگر فدوی به وظیفهٔ وطن‌پرستی جرأت نموده قبول مسئولیت کرده ام و مصدر خدمت بوده یا مرتکب خیانت گردیده ام تاریخ ایران و بلکه تاریخ دنیا قضاوت آن را کرده و خواهد کرد و جای تعجب و تأسف است که اعلیحضرت که حامی و نگهبان مقام و احترام خدمتگزاران کشور هستند به‌جای تشویق و تقدیر می‌فرمایند بقیهٔ زندگانی پلید خود را باید در گوشهٔ زندان سپری نمایم، درصورتی که اگر جسارتی کرده ام از این نظر بوده است که چون مملکت را مشروطه و اعلیحضرت را متجدد و شاهنشاه دموکرات می دانستم لازم دیدم نظریات عموم را درکمال سادگی و صراحت برای خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به‌عرض برسانم. لکن از جوابی که امر به‌صدور فرموده اند جا دارد تصور شود که اوضاع امروز ایران با هفتصد سال قبل فرقی نکرده است، چنانکه شیخ سعدی می‌گوید: «از تلون طبع پادشاهان برحذر باید بود که وقتی به سلامی برنجند و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند».

می فرمایند اگر فدوی فراموش کرده یا تظاهر به فراموشی می‌نمایم عواقب سوء سیاست و خیانت‌ورزی فدوی به این کیفیت تجلی می‌نمود که اگر تفضّل خداوند و غیرت ملی افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و فداکاری های ارتش دلیر این کشور تحت فرماندهی مستقیم اعلیحضرت نبود حال نام آذربایجان از تاریخ کشور زدوده شده بود.

اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربیست
پری نهفته رخ و دیو در کرشمهٔ حسن
بسوخت عقل ز حیرت که این چه بلعجبیست
هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه
کنون که مست و خرابم صلاح بی ادبیست

افسوس و هزار افسوس که نتیجهٔ جانبازی ها و فداکاری های فدوی را با کمال بی رحمی و بی انصافی تلقی فرموده اند. پس ناچارم برخلاف مسلک و رویهٔ خود که هیچ‌وقت دعوی حسن خدمت نکرده ام و هر خدمتی را وظیفهٔ ملی و وطن‌پرستی خود دانسته ام در این مورد با کمال جسارت و با رقت قلب و سوز دل به‌عرض برسانم که به‌خدای لایزال قسم روزی که تقدیرنامهٔ اعلیحضرت به‌خط مبارک به افتخار فدوی رسید که ضمن تحسین و ستایش فرموده بودند سهم مهم اصلاح امور آذربایجان بوسیلهٔ فدوی انجام یافته است متحیر

بودم که چگونه افتخار ضبط و قبول آن را حایز شوم، زیرا غیر از خود برای احدی در انجام امور آذربایجان سهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجهٔ تدبیر و سیاست این فدوی بود که بحمدالله مشکل آذربایجان حل شد و اهالی رشید و غیرتمند آذربایجان با سیاست فدوی یاری و همکاری نمودند، و بعد که بحمدالله اعلیحضرت با جاه و جلال تشریف‌فرمای آذربایجان شدند و برخلاف انتظار اعلیحضرت در بعضی نقاط استفاده‌جویی و غارتگری شروع شد با تلگراف رمز عرض کردم اگر نتیجهٔ زحمات و اقدامات این است از این تاریخ فدوی مسؤول امور آذربایجان نیستم و ای کاش بجای این تهمتها و بی انصافی ها که برخود اهالی آذربایجان معلوم است در آبادی و عمران و رفع خرابی ها و خسارت ها توجه بیشتری مبذول شده بود که اهالی رنجدیده و فلک‌زده ها آنجا به اطراف و اکناف پراکنده نمی شدند و مال و حشم خود را برای معاش یومیه به ثمن بخس نمی‌فروختند و امروز بعد از چهار سال آذربایجان به‌صورت بهتر و آبرومندتری عرض اندام می‌نمود.

جناب آقای ابراهیم حکیمی به اطاعت امر مطاع ملوکانه انواع تهمت و افترا را نسبت به این فدایی ملت و مملکت ابلاغ نموده‌اند، پس چرا تکمیل و تصریح ننموده‌اند که تعهدات شوم اینجانب در مسافرت مسکو چه بوده و با اینکه گزارش مسافرت خود را به تفصیل در مجلس شورای ملی قرائت کردم نقشهٔ تجزیهٔ آذربایجان چگونه طرح شده و کی و چه‌وقت در مجلس شورای ملی لزوم تغییر قانون اساسی را پیشنهاد کرده‌ام، و اگر هم وقتی اشارتی کرده باشم راجع به تفسیر بعضی از مواد قانون اساسی بوده است نه تغییر آن، آن هم به این نظر بوده است که حدود مسئولیت وزراء دستخوش پاره‌ای مداخلات غیرقانونی نشود و امور حکومت من جمیع الجهات به‌وسیلهٔ وزراء و تحت نظارت دقیق مجلس اداره شود و اینکه می فرمایند دو نفر از وزرای کابینه را برای تغییر قانون اساسی مأمور نموده‌ام برحسب امر و فرمایش همایونی بوده است که خواستم به‌عرض برسانند راهی برای تغییر قانون اساسی پیش بینی نشده است. آیا تمام این مقدمات دلیل می شود که به‌ترتیبی که برهمه معلوم است جمعی را به‌نام مجلس مؤسسان دعوت نموده قانون اساسی را تغییردهند،یعنی همان قانون اساسی که اعلیحضرت موقع قبول سلطنت حفظ و حمایت آن‌را تعهد نموده و سوگند یاد فرموده و کلام الله مجید را شاهد و ناظر قرار داده‌اند و مرحوم فروغی رئیس دولت وقت تصریح نموده که اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی موجود سلطنت خواهند فرمود. و اما اینکه می‌فرمایند در کابینهٔ اول خود از مقام سلطنت انحلال مجلس را درخواست نموده‌ام اولاً در آن موقع اکثریت مجلس طرفدار فدوی بوده است. ثانیاً البته در نظر مبارک هست که یک روز فرمودند فلان نماینده خارجی عرض کرده است فدوی دعوی انحلال مجلس را کرده‌ام و فرمودند اگر اینطور باشد پس من چه کاره هستم. فدوی عرض آن شخص را تکذیب کردم و به‌عرض رساندم نه اعلیحضرت همایونی و نه رئیس دولت هیچکدام حق انحلال مجلس را ندارند و با اصرار تمام استدعا نمودم آن شخص را بخواهند و با حضور فدوی مواجهه فرمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود و با اینکه دو مرتبه عرض خود را تجدید کردم اقدامی نفرمودند و استدعای فدوی به دفع الوقت گذشت.

در نامهٔ مزبور نوشته شده است اصلاح و تکمیل قانون اساسی با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته. فدوی با هوش و ذکاوت فوق العادهٔ اعلیحضرت چطور قبول کنم که اعلیحضرت همایونی چنین فرمایشی را فرموده باشند. زیرا قانون تکامل و ارتقاء را نمی‌توان به این طریق تأویل نمود که حقوقی را که بیش از چهل سال قبل ملت ایران دارا بوده اکنون که افکار عموم ملل روشن‌تر و مبانی آزادی در همه‌جا محکمتر و کاملتر شده و برای مردم دنیا در تمام ممالک حقوق بیشتری شناخته شده است حقوق مردم ایران را به‌عنوان اصل تکامل و ارتقاء یعنی به‌طور معکوس لغو کرد و قانون اساسی کشور را به‌نفع قوهٔ مجریه تغییر داد و ملت ایران را از حق مشروع و مسلم خود محروم نمود.

امر فرموده‌اند در عریضهٔ سرگشاده حقوق و حدود مقام سلطنت را بی پایه و مایه و بی ادبانه و جسورانه تلقی نموده و اگر این حقوق تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان نظام کشور از بیخ و بن برکنده شده بود. فدوی آنچه را به‌عرض رسانده‌ام معمول ممالک مشروطهٔ دنیا و مدلول قانون اساسی ایران بوده است و چنانچه عده‌ای از قضات محترم و عالی مقام کشور و متخصصین خارجی را مأمور می‌فرمودند که عرایض فدوی را با قانون اساسی موجود تطبیق نمایند صحت و سقم عرایض فدوی

معلوم می شد، و نظری جز این نداشته ام که اعلیحضرت سال های فراوان با کمال محبوبیت بر اریکهٔ سلطنت برقرار باشند و مقام شامخ سلطنت را آلودهٔ امور حکومت نفرمایند و به معمول سلاطین مشروطه و قانون اساسی ایران از مسئولیت و طرفیت با مردم مصون و محفوظ مانند.

می فرمایند ضرورت پاره ای اصلاحات ازقبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنجات انتخاباتی که هر دو سال گریبان گیر کشور می شود و با افزایش عدهٔ نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی به حدی روشن است که محتاج به توضیح نیست. خاطر مبارک مستحضر است که در قانون اساسی موجود عدهٔ نمایندگان تا دویست نفر پیش بینی شده است و برای تمدید مدت مجلس نیز هروقت از طرف ملت تقاضای تمدید شد و آزادیخواهان و صلحای قوم تقاضای مجلس مؤسسان نمودند و مجلس مؤسسان در کمال آزادی و بی مداخلهٔ مأمورین دولت تشکیل یافت راجع به تمدید مجلس نیز تصمیم ملت معلوم خواهد شد.

می فرمایند که در دورهٔ زمامداری فدوی حبس و زجر عناصر آزادیخواه بحدی بود که عده ای از آنان در توقیفگاه درگذشتند و پاره ای دیگر نزدیک به این خطر گردیده بودند خوب بود یکی از آنان را که در توقیفگاه درگذشته بودند معلوم فرموده بودند. به علاوه ایام زمامداری فدوی به حدی با پیشامدهای هولناک مصادف بود که ناچار از بعضی از دوستان عزیز و حتی از منسوبین خود با کمال احترام در عمارت شهربانی پذیرایی نمودم. لکن برخاطر مبارک پوشیده نیست که بعد از فدوی هر امری واقع شد اشخاص محترم و آزادیخواه را به حبس و زجر محکوم و در محبس شهربانی زندانی نمودند و روحانی بزرگواری را مانند آیت الله کاشانی که چندی در قزوین با کمال احترام و آزادی مهمان فدوی بودند و با اینکه خودشان میل به توقف فرمودند تا زنده ام از وجود محترمشان خجل و شرمنده ام شبانه به آن طرز فجیع گرفتار و از هیچ نوع بی احترامی و اسائه ادب به شخص ایشان و مقام روحانیت فروگذار نکردند و ایشان را بدون هیچ دلیل و مدرک گرفتار و تبعید و در قلعهٔ فلک الافلاک زندانی نمودند و به طرزی شرم آور از وطن مألوف اخراج و تبعید کردند و چنین فاجعهٔ بی سابقه ای را به جامعهٔ روحانیت وارد ساختند. فدوی عرض نمی کنم این جنایت به امر و دستور اعلیحضرت همایونی واقع شده بلکه یقین دارم خاطر مبارک از وقوع آن مکدر و متأثر است لکن عرض می کنم بعد از اطلاع چرا مجرم و مسبب را تنبیه و تعزیر نفرموده و ازخدمت اخراج ننموده اند.

می فرمایند مردم بخوبی واقف هستند چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون ها اندوخته و ذخیره کرده و چه اشخاصی نیز میلیون ها در راه رفاه عموم صرف نموده اند و در جای دیگر نیز اشاره به جوازفروشی و رشوه خواری فرموده اند. اولاً اگر اعلیحضرت در تمام اوقات حکومت فدوی چه قبل از سلطنت اعلیحضرت و چه بعد معلوم فرمودند که فدوی اهل رشوه و استفاده بوده ام یا اندوخته و ذخیره ای در بانک های داخله یا خارجه دارم تمام دارایی خود را به دولت تقدیم می کنم. ثانیاً راجع به موضوع جواز چنانکه مکرر به عرض رسانده ام و در محافل عمومی اظهار داشته و در مجلس شورای ملی به دفعات تصریح کرده ام فدوی چیزی از کسی نخواسته ام. مقداری برنج و غیره اضافه بر احتیاجات کشور بود که اگر خارج نمی شد می پوسید و ضرر آن بر رعیت و ملاک می رسید و ازطرفی برای آسایش مردم و رفع نگرانی ها حزب دموکرات ایران تشکیل شده بود و لازم بود با عجله و شتاب پیشرفت کند، این بود که خود مردم برای سرعت جریان و پیشرفت حزب دموکرات ایران و هم برای صرفهٔ دولت و صرفهٔ رعیت و ملاک و پیشرفت امور آذربایجان برای مقداری برنج و جو با تصویب هیئت وزراء اجازهٔ صدور گرفتند و ارز آن را به دولت پرداختند و هدایایی نیز به حزب دموکرات ایران دادند و اینکه می فرمایند چه اشخاصی میلیون ها در راه رفاه عمومی صرف نموده اند این قسمت را هم مردم خود می دانند که این میلیون ها را خود دارا بوده اند یا از اموال و املاک مردم فقیر و غنی این مملکت اندوخته و بعد که حفظ آن اموال غیرمقدور شد مقداری از آن را به چه مصارفی رسانده اند.

در خاتمه عرض می کنم که اعلیحضرت همایونی البته عرایض مکرر فدوی را فراموش نفرموده اند که فدوی با وضع حاضر داوطلب هیچ نوع منصب و مقامی نبوده ام و آنچه را با کمال وضوح و خلوص به عرض رسانده ام در راه خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت بوده و بازهم عرض می کنم که دوام و بقای سلطنت ها و موفقیت ها در حفظ و حراست حقوق ملت

و احترام به افکار عامه است و در این موقع انتظار عموم از پیشگاه مبارک این است که حقوق ملت ایران طبق قانون اساسی موجود محفوظ بماند و امور کشور به مبعوثین ملت و وزرای مسئول واگذار شود و دولت‌ها مانند همیشه با رأی تمایل مجلس انتخاب شوند و اعلیحضرت همایونی طبق روح قانون اساسی سلطنت فرمایند و آنچه برخلاف این منظور در بیست سال سلطنت شاهنشاه فقید معمول بوده از جزئی و کلی منسوخ و متروک گردد و از آنچه موهم خلف وعد و نقض عهد است اجتناب شود.

بدیهی است با پیروی مراتب فوق عموم افراد ملت را به وفاداری و فداکاری تشویق و ترغیب فرموده و قلوب مردم را به مهر و محبت وجود مبارک تسخیر خواهند فرمود. برعکس چنانچه حقوق مردم گرفته شود و دلها شکسته و مجروح گردد جز یأس کلی و ناامیدی عمومی که موجب بغض و عناد و مقدمهٔ مقاومت و طغیان است نتیجه‌ای نمی‌توان انتظار داشت.

ما نصیحت بجای خود کردیم   چند وقتی در این بسر بردیم
گر نیاید بگوش رغبت کس   بر رسولان پیام باشد و بس

۳۸ — اعلامیه قوام در سال ۱۳۳۱

بدون اندک تردید و درنگ دعوت شاهنشاه متبوع مفخم خود را بمقام ریاست دولت پذیرفته و باوجود کبر سن این بار سنگین را بدوش گرفتم و حس مسئولیت و تکلیف مرا برآن داشت که از فرصت مغتنم استفاده کرده و در مقام ترمیم ویرانیها برایم. ایران دچار دردی عمیق شده و با داروهای مخدّر درمان‌پذیر نیست، باید ملت همکاری بیدریغ خویش را از من مضایقه ندارد تا بتوانم باین بیماری علاج قطعی دهم مخصوصاً در یکسال اخیر موضوع نفت کشور را بآتش کشیده بی نظمی عدیم‌النظیری را که موجب عدم رضایت عمومی شده بوجود آورده است. این همان موضوعی است که ابتدا من عنوان کردم و هنگامی که لایحه نفت شمال در مجلس مطرح بود موقع را غنیمت شمرده و استیفای حق کامل ایران را از کمپانی نفت جنوب در آن لایحه گنجانیدم.

بعضی ها در آنوقت تصور نمودند همین اشاره باعث سقوط حکومت من شد، اگرهم فرضاً چنین باشد من از اقدام خود نادم نیستم زیرا جانشین آینده من جناب آقای مصدق‌السلطنه آن فکر را با سرسختی بی‌مانندی دنبال نموده و در مقابل هیچ فشاری از پای ننشست، اما بدبختانه در ضمن مذاکرات نوعی بی‌تدبیری نشان داده شد که هدف را فدای وسیله کردند و مطالبه حق مشروع از یک کمپانی را مبدل بخصومت بین دو ملت ساختند و نتوانستند از زحمات خود کوچکترین نتیجه بدست آورند.

حل این مسئله یکی از لازم‌ترین مساعی من خواهد بود بنحوی که منافع معنوی و مادی ایران کاملاً تأمین شود، بدون آنکه بحسن رابطه دو مملکت خدشه وارد آید البّته این امر مشکل است اما محال نیست و اقدامی که با عقل و درایت توأم باشد. مطمئناً بثمر خواهد رسید و هرگاه نرسد من نیز از کار برکنار خواهم رفت. در اینجا تذکر این نکته اساسی را لازم می‌دانم که من بمناسبات حسنه با عموم ممالک خاصه با دول بزرگ دنیا اهمیّت بسیار می دهم و رفتار خود را نسبت بآنها منطبق با مقرّرات بین‌الملل می‌نمایم ولکن باتباع ایران اجازه نخواهم داد که باتکاء اجانب اغراض خود را بسر دولت من تحمیل کنند.

بهمان اندازه که از عوام‌فریبی در امور سیاسی بیزارم در مسائل مذهبی نیز از ریا و سالوسی منزجرم، کسانیکه ببهانه مبارزه با افراطیون سرخ ارتجاع سیاه را تقویت نموده‌اند لطمه شدیدی بآزادی وارد ساخته و زحمات بانیان مشروطیت را از نیم قرن باینطرف بهدر داده‌اند. من در عین احترام بتعالیم مقدسه اسلام دیانت را از سیاست دور نگاه خواهم داشت و از نشر خرافات و عقاید قهقرائی جلوگیری و وای بحال کسانیکه در اقدامات مصلحانه من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را بر هم بزنند، اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان داده‌ام بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه بمقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان می‌گذارم حتی ممکن است تا جائی بروم که با تصویب اکثریت پارلمان دست بتشکیل محاکم انقلابی زده روزی صدها تبهکار را از هر طبقه بموجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیره‌روزی سازم.

بعموم اخطار میکنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواحی حکومت فرا رسیده است. کشتیبان را سیاستی دگر آمد!

نام اشخاص

نام اشخاص

ث

ج

چ

ح

ز

س

ک

گ

ن

و

هـ

فهرست تصاویر:

منابع و مآخذ

هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه)، **خاطرات و خطرات**، تهران کتابفروشی زوار، چاپ دوم ۱۳۴٤.

فرّخ، مهدی (معتصم السلطنه)، **تقریرات فرّخ**، باهتمام پرویز لوشانی، تهران انتشارات جاویدان چاپ اول.

کی استوان، حسین، **سیاست موازنه منفی**، تهران چاپ تابان، چاپ اول ۱۳۲۷.

مستوفی، عبدالله، **شرح زندگانی من**، تهران کتابفروشی زوار، چاپ دوّم ۱۳۴۳.

کسروی، احمد، **تاریخ مشروطه ایران**، تهران از انتشارات مؤسسه امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۴٤.

کسروی، احمد، **تاریخ هجده ساله آذربایجان**، تهران از انتشارات مؤسسه امیرکبیر، چاپ هفتم ۲۵۳۵.

صفائی، ابراهیم، **رهبران مشروطه**، ۲ جلد، تهران از انتشارات جاویدان چاپ سوّم ۱۳۶۳.

نبوی، حسن، **تاریخ معاصر ایران**، تهران ناشر مؤلف، چاپ اول ۱۳۵۰

اعظام قدسی، حسن، **خاطرات من**، ۲ جلد، تهران چاپ ایران یونیورس چاپ اول ۱۳۴٤.

لیچافسکی، ژرژ، **سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران**، ترجمه حورا یاوری، تهران چاپ سحر، چاپ اول ۱۳۵۱.

شمیم، علی اصغر، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، تهران انتشارات ابن سینا، چاپ اول ۱۳۴٤.

کاشانی، محمد مهدوی، **واقعات اتفاقیه و روزگار**، باهتمام منصوره اتحادیه و سیروس سعد وندیان، تهران نشر تاریخ ایران، چاپ اول ۱۳۶۲.

فاتح، مصطفی، **پنجاه سال نفت ایران**، تهران از انتشارات شرکت سهامی چهر، چاپ اول ۱۳۳۵.

روحانی، فؤاد، **تاریخ ملی شدن صنعت شدن**، تهران از انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی چاپ اول، ۱۳۵۲.

تفرشی حسینی، سید احمد، **روزنامه اخبار مشروطیت**، باهتمام ایرج افشار، تهران انتشارات امیرکبیر چاپ اول ۱۳۵۱.

بهار، محمدتقی (ملک الشعراء)، **تاریخ احزاب سیاسی جلد اول**، تهران چاپ رنگین چاپ اوّل ۱۳۲۱.

بهار، محمدتقی (ملک الشعراء)، **تاریخ احزاب سیاسی جلد دوّم**، تهران انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۵.

سپهر، احمدعلی (مورخ الدوله)، **ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱٤)**، تهران چاپ اول ۱۳۶٦.

صدرهاشمی، محمد، **تاریخ جراید و مجلدات ایران ٤ جلد**، اصفهان انتشارات کمال، چاپ دوّم ۱۳۶۳.

بازارگاد، دکتر بهاءالدین، **تاریخ دو هزار و پانصد ساله**، تهران کتابفروشی اشراقی، چاپ اول بدون تاریخ.

نوری اسفندیاری، فتح‌الله، **رستاخیز ایران**، تهران ناشر کتابفروشی ابن سینا، چاپ اول ۱۳۳۵.

مختاری، حبیب‌الله (مختارالسلطنه)، **تاریخ بیداری ایران**، تهران ناشر مؤلف چاپ اول ۱۳۲٦.

مکّی، سیدحسین، **وقایع سی‌ام تیر ۱۳۳۱**، تهران ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوّم ۱۳۶۰.

ارفع، پرنس رضا (ارفع الدوله)، **ایران دیروز**، ناشر وزارت فرهنگ تهران، چاپ اول ۱۳۴۵.

ملک‌زاده، دکتر مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، ۷ جلد تهران انتشارات ابن‌سینا چاپ اول از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳٤.

افسر، سرهنگ پرویز، **تاریخ ژاندارمری ایران**، تهران ناشر مؤلف، چاپ اول ۱۳۳۲.

میرزا صالح، غلامحسین (مترجم و گردآورنده)، **جنبش کلنل**

محمدتقی خان، نشر تاریخ، چاپ اول ۱۳۶۶.
براون، پروفسور ادوارد، **انقلاب ایران**، ترجمه و تحشیه احمد پژوه، ناشر کانون معرفت، چاپ دوم ۱۳۳۸.
مردوخ، محمد، **تاریخ کُرد و کُردستان**، سنندج ناشر فخرالدین غریقی، چاپ دوّم ۱۳۵۱.
صدیق، دکتر عیسی، **چهل گفتار**، تهران از انتشارات کتابفروشی دهخدا، چاپ اول ۱۳۵۲.
هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه)، **گزارش ایران**، تهران نشر نقره، چاپ دوم ۱۳۶۳.
امیر طهماسب، امیرلشگر عبدالله، **تاریخ شاهنشاهی**، ناشر دانشگاه تهران، چاپ دوّم ۲۵۳۵.
کحال‌زاده، ابوالقاسم، **دیده‌ها و شنیده‌ها**، به کوشش مرتضی کامران، تهران نشر فرهنگ چاپ اوّل ۱۳۶۳.
ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، **تاریخ بیداری ایرانیان**، باهتمام سعیدی سیرجانی، ناشر بنیاد فرهنگ ایران چاپ سوّم ۱۳۴۶.
فخرائی، ابراهیم، **سردار جنگل**، تهران انتشارات جاویدان، چاپ دوّم ۱۳۴۶.
معلّم حبیب‌آبادی، میرزامحمدعلی، **مکارم الآثار**، جلد ۶، اصفهان نشر نفائس مخطوطات، چاپ اول ۱۳۶۴.
مسعودی، عباس، اطلاعات در ربع قرن، تهران از انتشارات روزنامه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۲۹.
مکی، سیدحسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد اوّل، تهران از انتشارات نشر ناشر، چاپ سوم ۱۳۶۱.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد دوّم، تهران از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم ۱۳۵۹.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد سوّم، تهران از انتشارات مؤسسه امیرکبیر چاپ دوّم ۱۳۵۷.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد چهارم، تهران از انتشارات نشر ناشر، چاپ اوّل ۱۳۶۱.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد پنجم، تهران از انتشارات نشر ناشر، چاپ اول ۱۳۶۲.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد ششم، تهران از انتشارات نشر ناشر، چاپ اوّل ۱۳۶۲.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد هفتم، تهران انتشارات علمی، چاپ اول ۱۳۶۳.
مکی، سید حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، جلد هشتم، تهران انتشارات علمی، چاپ اوّل ۱۳۶۴.
تقی‌زاده، سید حسن، **زمینه انقلاب مشروطیت ایران**، تهران انتشارات گام، چاپ دوّم ۱۳۳۶.
مصدق، دکتر محمد (مصدق‌السلطنه)، **تقریرات مصدق در زندان**، باهتمام سرهنگ جلیل بزرگمهر به کوشش ایرج افشار، تهران انتشارات فرهنگ ایران زمین، چاپ اول ۱۳۵۹.
نوائی، دکتر عبدالحسین، **دولت‌های ایران (از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم)**، تهران انتشارات بابک چاپ اول ۲۵۳۵.
کاظمی، سپهبد محمد، **تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی**، تهران از انتشارات ارش، چاپ اول ۲۵۳۵.
پهلوی، رضاشاه، **سفرنامه خوزستان**، تهران مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی، چاپ اول ۲۵۳۵.
امیر جاهد، محمدعلی، **سالنامه پارس** از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۳۲ تهران.
قدیمی، ذبیح‌الله، **سالنامه آریان** از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۲.
طباطبائی، عبدالکریم، **سالنامه دنیا** از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۲.
مسعودی، عباس، **روزنامه اطلاعات** از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۳۲ تهران.
امیرانی، علی اصغر، **مجله خواندنیها** از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۲ تهران
مجلس شورای ملی، صورت مذاکرات نمایندگان مجلس در ۲۴ دوره قانونگزاری.
رهنما، زین‌العابدین، **روزنامه ایران** از ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۴.
دشتی، علی، روزنامه شفق سرخ از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۴.
مسعودی، عباس، **سالنامه اطلاعات** از انتشارات مؤسسه اطلاعات تهران چاپ اول ۱۳۴۱.
مسعودی، عباس، **اطلاعات ماهانه تهران** از انتشارات مؤسسه اطلاعات از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۶.
ملکی، احمد، **روزنامه ستاره تهران** از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۲.
اقبال آشتیانی، عباس، **مجله یادگار** تهران دوره کامل پنجساله چاپ اوّل.
تقی‌زاده، سیدحسن، **مجله کاوه**، تهران چاپ دوّم باهتمام ایرج افشار ۱۳۵۲.
کاسمی، دکتر نصرت‌الله، **مجله گوهر**، تهران دوره کامل.

P.O.Box 19395/3369 Tehran,Iran

CHRONOLOGY
OF
IRAN
(1906 — 1979)

By

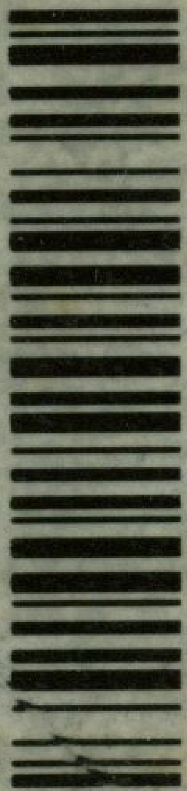
Bagher Agheli



Goftar Publishing Corp.
Tehran, 1990


نشر گفتار


نشر گفتار



بها ٦٢٠ تومان